صحیفهٔ رضویّه

مجموعهٔ ارزنده ای از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده
و یا در بارهٔ آن حضرت از بقیهٔ امامان علیهم‌السلام نقل گردیده است.

تألیف
سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

ترجمه: محمّد ظریف

صحیفهٔ رضویّه

مؤلّف : سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی
مترجم : محمّد ظریف
ناشر : نشر الماس
چاپ : انصار المهدی عليه السلام
نوبت چاپ : **دوّم**
تاریخ انتشار: **آبان ۱۳۸۹**
قطع و صفحه : وزیری / ۷۴۴
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
قیمت : ۶۰۰۰ تومان

شابک : ۵ـ۳۹ـ۷۷۵۳ـ۹۶۴ـ۹۷۸ : ISBN

نشر الماس: ۲۹۱۸۹۹۲ (۰۲۵۱)
۰۹۱۲ ۱۵۳ ۹۹۷۹ ـ ۰۹۱۲ ۲۵۱ ۰۳۵۸

سایت مؤلّف

WWW.ALMONJI.COM

Email: info@almonji.com

بسم الله الرحمن الرحیم

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

يا أنوار الله في أرضه الّتي لا تطفى

يا عيون الله في خلقه

أنا منتظر لأمركم مترقّب لدولتكم

معكم لا مع غيركم إليكم لا إلى عدوّكم

آمنت بكم وبما أُنزل إليكم وأبرء إلى الله من عدوّكم.

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۱۰۰/۳۴۵، الصحيفة المباركة المهديّة: ۵۸۴

فهرست مطالب

هشت سوره از قرآن

سورهٔ «یٰسٓ» ۲۵
سورهٔ «الرّحمن» ۳۲
سورهٔ «إنسان» ۳۵
سورهٔ «قدر» ۳۸
سورهٔ «زُلزلت» ۳۸
سورهٔ «عادیات» ۳۹
سورهٔ «نصر» ۴۰
سورهٔ «کافرُون» ۴۰

مقدّمه

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام با پیگیری اعداد و ارقام ۴۱
از «صفر» تا «یک‌دلی» ۴۱

«دو زیارت» و «دو حرم»! ۴۲
موالید «سه‌گانه» ۴۳
«چهار گوشهٔ ضریح» ۴۴
«پنج گنجِ انسان» ۴۵
برتر از «شش طاق پادشاهی» ۴۶
«قبلهٔ هفتم» ۴۷
«امام هشتم» ۴۸
«نُه فلک» ۴۹
«معصوم دهم» ۴۹
«یازده اختر فروزان» ۴۹
«امام دوازدهم» ۴۹
«سیزده بار» هدایت و رحمت ۵۰
«چهارده معصوم علیهم‌السلام» ۵۰
الفبایی دربارهٔ حرم و آداب زیارت ۵۱
چند نکتهٔ دیگر ۵۶
گفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ کارشکنی‌های دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام ۵۸
بمب‌گذاری در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۵۹
آیا بمب‌گذار حرم را می‌شناسید؟! ۶۱
راهنمایی حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ شناخت افراد ۶۶
دوستان منافق ۶۸
عظمت حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام در کلام آن بزرگوار ۶۹
توسّل به اهل بیت علیهم‌السلام ۷۱
فضیلت نماز در حرم ائمّه علیهم‌السلام ۷۲
فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس ۷۲
دعا در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۷۴
«هشت» روایت از معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ ثواب زیارت امام هشتم علیه‌السلام ۷۵

«هشت» روایت از امام هشتم علیه‌السلام دربارهٔ ثواب زیارت آن حضرت ۷۹
چه کسانی زیارتشان پذیرفته می‌شود؟ ۸۵
گوشه‌ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام ۸۹
هدیهٔ حضرت امام رضا علیه‌السلام ۹۰
درس حضرت امام رضا علیه‌السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان ۹۱
سلام و پیام حضرت امام رضا علیه‌السلام به دوستان خویش ۹۲
خدّام حضرت امام رضا علیه‌السلام ۹۳
کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه‌السلام ۹۴
درسی از این روایت ۹۶
یک بحث مهمّ اخلاقی ۹۷
مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟! ۹۸
اشعار دعبل در خدمت امام رضا علیه‌السلام ۱۰۰
گریستن حضرت امام رضا علیه‌السلام برای امام زمان ارواحنا فداه ۱۰۱
حضرت امام رضا علیه‌السلام و گریهٔ اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه ۱۰۴
دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام برای امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۰۵
فرمان حضرت امام رضا علیه‌السلام به دعا نمودن برای امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۰۶
دو نقطهٔ مشترک در امام رضا علیه‌السلام و امام زمان ارواحنا فداه ۱۱۰
۱ ـ بحث، اقامهٔ برهان و دلیل ۱۱۰
۱ ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام و اقامهٔ برهان و دلیل ۱۱۰
نمونهٔ دیگری از بحث‌های حضرت امام رضا علیه‌السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان ۱۱۶
۲ ـ امام زمان ارواحنا فداه و اقامهٔ برهان و دلیل ۱۲۶
۲ ـ رأفت و مهربانی ۱۲۷
۱ ـ رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۲۷
جنازهٔ یک شیعه و حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۲۸
جوان گنهکار ولی از دوستان حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۲۹
۲ ـ مهربانی و رأفت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۳۱

یک جریان بسیار مهمّ، یا مهربانی امام رضا علیه‌السلام و امام زمان عجّل الله تعالی فرجه
به دو جوان مسیحی ۱۳۲

بخش اوّل

هشت نمازِ زیارت

۱ ـ نماز اوّل ۱۴۱
۲ ـ نماز دوّم ۱۴۲
۳ ـ نماز سوّم ۱۴۲
۴ ـ نماز چهارم ۱۴۲
۵ ـ نماز پنجم ۱۴۳
۶ ـ نماز زیارت به نیابت از عدّه‌ای از افراد ۱۴۴
۷ ـ نماز زیارت به نیابت از شخص خاصّ ۱۴۵
۸ ـ نماز زیارت در سفر نیابتی ۱۴۵

بخش دوّم

هشت نمازِ حاجت

۱ ـ نماز حاجت در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۴۷
۲ ـ نماز حاجت یا نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده است ۱۴۸
۳ ـ نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۴۹
۴ ـ نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۵۰
۵ ـ نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۵۱
۶ ـ نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۵۲
۷ ـ نماز حاجت در روز جمعه به گونهٔ دیگر ۱۵۴
۸ ـ نماز حاجت (مخصوص ازدواج) که از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده است ۱۵۵

بخش سوّم

هشت نماز از حضرت امام رضا علیه‌السلام

۱ ـ نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۵۷
۲ ـ نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر ۱۵۷
۳ ـ نیز نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر ۱۵۸
۴ ـ نماز استخاره ۱۵۹
۵ ـ نماز استخاره به گونهٔ دیگر ۱۵۹
۶ ـ نماز استسقاء یا طلب باران ۱۶۰
۷ ـ نماز هنگام سفر ۱۶۱
۸ ـ نماز جناب جعفر طیّار ۱۶۲
ثواب نماز جناب جعفر طیّار در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۶۴

بخش چهارم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه‌السلام

دربارهٔ نماز در روزهای معیّن

۱ ـ نماز شب و صبح و روز جمعه ۱۶۷
۲ ـ نافله‌های روز جمعه ۱۶۷
۳ ـ نماز نافله و فریضهٔ ظهر جمعه ۱۶۸
۴ ـ نماز جمعه، عید فطر و قربان ۱۶۸
۵ ـ نماز شب نیمهٔ شعبان ۱۶۹
۶ ـ نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان ۱۷۰
۷ ـ نمازهای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ماه مبارک رمضان ۱۷۰
۸ ـ نماز و دعای روز اوّل محرّم ۱۷۲
علّت تشریع نمازهای واجب ۱۷۵
علّت تشریع تعداد رکعت‌های نمازهای واجب ۱۷۶

علّت تشریع تعداد تکبیر در اوّل نمازهای واجب ۱۷۷
علّت تشریع حمد و سوره و تسبیحات اربعه در نمازهای واجب ۱۷۸
علّت تشریع ذکر رکوع و سجود ۱۷۸
علّت تشریع تعداد رکوع و سجود ۱۷۸
علّت تشریع تعداد تکبیر در نماز میّت ۱۷۹
علّت تشریع نمازهای واجب و نافله ۱۸۰

بخش پنجم

هشت دعا در قنوت نمازها

۱ ـ دعا در قنوت نمازها ۱۸۱
۲ ـ دعای دیگر در قنوت نمازها ۱۸۲
۳ ـ دعای قنوت حضرت امام رضا علیه‌السلام در نماز جمعه ۱۸۲
۴ ـ دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان ۱۸۳
۵ ـ استغفار در قنوت نماز وتر ۱۸۴
۶ ـ دعا در قنوت نماز وتر ۱۸۵
۷ ـ دعای قنوت حضرت امام رضا علیه‌السلام برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران ۱۸۶
۸ ـ دعای قنوت در نماز کسوف ۱۸۸

بخش ششم

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار

بعد از نمازهای واجب

۱ ـ دعای بعد از نماز صبح ۱۸۹
۲ ـ دعا بعد از هر نماز واجب برای درخواست روزی ۱۹۱
۳ ـ ذکر «یا رَحمن یا رَحیم» بعد از هر نماز ۱۹۲
۴ ـ ذکر بعد از نماز صبح ۱۹۲

۵ ـ ذکر دیگر بعد از نماز صبح ۱۹۳
۶ ـ ذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب ۱۹۳
۷ ـ ذکر بعد از نماز عصر ۱۹۴
۸ ـ ذکر دیگر بعد از نماز عصر ۱۹۴

بخش هفتم

هشت دعا از ادعیهٔ بعد از نمازهای مستحبّ

۱ ـ دعا بعد از نماز جناب جعفر طیّار ۱۹۵
۲ ـ دعای فرَج، بعد از نماز حاجت ۱۹۶
۳ ـ دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام پس از هشت رکعت نماز شب ۲۱۰
۴ ـ دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه‌السلام ۲۱۱
۵ ـ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران ۲۱۲
۶ ـ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاصّ ۲۱۲
۷ ـ دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی ۲۱۳
۸ ـ دعا پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام از راه دور در بیست و پنجم ذیقعده ۲۱۴

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

۱ ـ دعای طلب خیر در سجده ۲۱۵
۲ ـ دعا در سجده پس از نماز ظهر ۲۱۶
۳ ـ ذکر سجدهٔ شکر ۲۱۷
۴ ـ ذکر دیگر سجدهٔ شکر ۲۱۷
۵ ـ دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام در سجده ۲۱۸
۶ ـ دعا در سجدهٔ نماز ۲۱۹
۷ ـ دعا در سجدهٔ سهو ۲۲۰

۸ ـ دعای سجده هنگام مشکلات ۲۲۰

بخش نهم

هشت دعا از دعاهای هر روز

۱ ـ دعای مهمّی برای اداء حقوق خداوند ۲۲۱
۲ ـ دعای ایّام غیبت که حضرت امام رضا علیه‌السلام به خواندن آن دستور داده‌اند ۲۲۲
دعای ایّام غیبت، به روایتی دیگر ۲۲۸
۳ ـ دعا برای محشور شدن با حضرت امام رضا علیه‌السلام ۲۳۶
۴ ـ دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم‌السلام ۲۳۶
۵ ـ دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب ۲۳۷
۶ ـ دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز ۲۳۷
۷ ـ دعای ساعت هشتم هر روز ۲۳۸
۸ ـ دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز ۲۳۹

بخش دهم

هشت عمل عبادی در رابطه با ایّام هفته

۱ ـ نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز یکشنبه ۲۴۱
۲ ـ زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام و ... در روز چهارشنبه ۲۴۳
۳ ـ زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز چهارشنبه ۲۴۴
۴ ـ طلب حاجت در روز پنجشنبه ۲۴۶
۵ ـ دعا پس از غسل روز جمعه ۲۴۶
۶ ـ دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز جمعه ۲۴۷
۷ ـ صد مرتبه صلوات در روز جمعه ۲۴۸
۸ ـ صلوات در عصر جمعه ۲۴۹
جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان ۲۴۹

بخش یازدهم

هشت ماه و اعمال عبادی آن‌ها

۱ ـ ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه‌السلام و نقل خطبهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ ماه مبارک رمضان ۲۵۱

فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام ۲۵۴

دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان ۲۵۵

نکته‌ای دربارهٔ جریان ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه‌السلام ۲۵۹

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام هنگام ولایتعهدی ۲۶۲

پانزدهم ماه مبارک رمضان ۲۶۴

فضیلت شب‌های قدر ۲۶۶

۲ ـ ماه شوّال

اعمال روز عید فطر ۲۶۷

رفتن حضرت امام رضا علیه‌السلام برای خواندن نماز عید فطر ۲۶۸

۳ ـ ماه ذی القعده

ولادت حضرت امام رضا علیه‌السلام ۲۷۲

روز ششم و بیست و سوّم ذی القعده ۲۷۴

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز بیست و سوّم ذی القعده ۲۷۵

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعده ۲۷۵

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز بیست و پنجم ذی القعده (دحو الأرض) ۲۷۶

۴ ـ ماه ذی الحجّه

دعای روز عرفه ۲۷۸

نماز عید قربان ۲۷۹

فضیلت روز عید غدیر ۲۸۰

کلام حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ خطبهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روز غدیر ۲۸۲

۵ ـ ماه محرّم الحرام

گفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ ایّام عاشورا ۲۹۶

روز عاشورا ۲۹۸

لعن بر یزید و پیروان او لعنة الله علیهم ۲۹۸

دعای حضرت فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت ۲۹۹

۶ ـ ماه صفر

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز شهادت آن حضرت ۳۰۱

کیفیّت شهادت و دفن حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۰۱

روایت دیگر دربارهٔ شهادت حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۰۷

۷ ـ ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب ۳۱۶

ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در ماه رجب ۳۱۸

زیارت رجبیّه ۳۱۹

۸ ـ ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان ۳۲۱

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان ۳۲۲

دعا در هر روز ماه شعبان ۳۲۲

نماز و... در شب نیمهٔ شعبان ۳۲۳

زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز نیمهٔ ماه رجب و نیمهٔ ماه شعبان ۳۲۳

دعا در روزهای آخر ماه شعبان ۳۲۴

بخش دوازدهم

هشت دعا برای حفظ‌شدن از گرفتاری‌ها

۱ ـ دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفْس ۳۲۵

۲ ـ دعا برای حفظ شدن از انواع بلا ۳۲۶

۳ ـ دعا برای حفظ‌شدن از گرفتاری در سفر ۳۲۶

۴ ـ دعا برای حفظ‌شدن در سفر در ساعت مخصوص به حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۲۷
۵ ـ دعا برای حفظ‌شدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل ۳۲۹
۶ ـ دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل ۳۲۹
۷ ـ دعا برای حفظ‌شدن در شب ۳۳۰
۸ ـ تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام و «آیة الکرسي» برای حفظ‌شدن از گرفتاری‌ها ۳۳۱

بخش سیزدهم

هشت دعا برای نجات از گرفتاری‌ها

۱ ـ دعا برای برطرف‌شدن گرفتاری‌های مهمّ ۳۳۳
۲ ـ دعای دیگر هنگام گرفتاری‌های سخت ۳۳۸
۳ ـ دعا برای برطرف‌شدن هر درد و مرض ۳۳۹
۴ ـ دعای دیگر برای برطرف‌شدن هر درد و مرض ۳۳۹
۵ ـ دعا برای رهایی از چشم‌خوردگی ۳۴۰
۶ ـ دعا برای برطرف‌شدن سحر ۳۴۰
۷ ـ دعا برای برطرف‌شدن تب ۳۴۱
۸ ـ دعا برای پیدا شدن گمشده ۳۴۲

بخش چهاردهم

هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم

۱ ـ نفرینِ دشمنان ۳۴۳
۲ ـ دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی‌های دیگر ۳۴۳
۳ ـ دعای حجاب و حفظ‌شدن از شرّ دشمنان ۳۴۴
۴ ـ دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می‌ترسد ۳۴۵
۵ ـ دعا برای برطرف‌شدن شرّ ظالم ۳۴۶
۶ ـ دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم ۳۴۸

۷ ـ دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف‌شدن ناراحتی‌های دیگر ۳۴۹
۸ ـ دعا برای غلبه بر ظالم ۳۵۰

بخش پانزدهم

هشت حرز از حضرت امام رضا علیه‌السلام

۱ ـ حرز حضرت امام رضا علیه‌السلام یا رقعة الجیب ۳۵۱
۲ ـ حرز دیگری نیز به نام رقعة الجیب ۳۵۴
۳ ـ حِرز دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۵۶
۴ ـ حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام برای برطرف‌شدن بیماری ۳۵۷
۵ ـ حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۵۸
۶ ـ حرز حضرت امام رضا علیه‌السلام و... ..... ۳۶۹
۷ ـ حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۷۱
۸ ـ حرز برای حفظ از شرّ دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام ۳۷۴

بخش شانزدهم

هشت دستور برای برطرف‌شدن هشت بیماری

۱ ـ دعا برای درد چشم ۳۷۷
۲ ـ دعا برای برطرف‌شدن صرع ۳۷۷
۳ ـ دعا برای برطرف‌شدن سردرد ۳۷۸
۴ ـ دعا برای برطرف‌شدن سلّ ۳۷۸
۵ ـ دستور برای فرزنددار شدن و برطرف‌شدن مریضی ۳۷۹
۶ ـ دعا برای رفع زگیل ۳۷۹
۷ ـ دستور برای بواسیر ۳۸۰
۸ ـ دعا برای رفع غدّهٔ خنازیر ۳۸۰

بخش هفدهم

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

۱ ـ دعا برای طلب رزق ۳۸۱
۲ ـ دعا هنگام رسیدن نعمت و کم‌شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه ۳۸۲
۳ ـ دعا برای طلب روزی ۳۸۲
۴ ـ گفتن اذان برای رفع فقر ۳۸۳
۵ ـ دستور برای برکت مال ۳۸۳
۶ ـ دعای دیگر در هر روز برای برطرف‌شدن فقر ۳۸۴
۷ ـ دعا برای حفظ چیزی که خریداری‌شده ۳۸۵
۸ ـ دعا برای حفظ‌شدن مال از تلف‌شدن و... ..... ۳۸۵

بخش هیجدهم

هشت دعای مهمّ که حضرت امام رضا علیه‌السلام خوانده‌اند

۱ ـ دعای توحید ۳۸۷
۲ ـ دعای مهمّی در عظمت خداوند ۳۸۹
۳ ـ دعای مهمّ دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۹۰
۴ ـ دعای حمد و شکرگزاری ۳۹۲
۵ ـ دعای مهمّی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن ۳۹۳
۶ ـ دعای تنزیه خداوند ۳۹۴
۷ ـ صلوات مهمّ حضرت امام رضا علیه‌السلام ۳۹۴
۸ ـ دعای مهمّ حضرت امام رضا علیه‌السلام در لعن ۳۹۵

بخش نوزدهم

هشت دعای بسیار مهمّ
که حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند

۱ ـ دعای مهمّی که حضرت امام رضا علیه‌السلام و سایر اهل بیت علیهم‌السلام آن را می‌خواندند ۳۹۹

۲ ـ دعای مهمّی در ستایش خداوند ۴۱۱
۳ ـ دعای صباح ۴۱۲
۴ ـ دعای دیگر بعد از دعای صباح ۴۱۸
۵ ـ استغفار بسیار مهمّ ۴۱۹
۶ ـ نود و نُه اسم خداوند ۴۲۷
۷ ـ دعای مهمّ برای طلب خیر ۴۲۹
۸ ـ دعای مهمّ برای رفع ترس و غم ۴۳۰

بخش بیستم

هشت دعای متفرّقه

۱ ـ دعا هنگام رؤیت هلال ۴۳۳
۲ ـ دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه ۴۳۴
۳ ـ دعای عافیت ۴۳۵
۴ ـ دعا هنگام خوردن غذا یا شیر ۴۳۵
۵ ـ دعا هنگام شادمانی ۴۳۶
۶ ـ دعا هنگام ناراحتی ۴۳۶
۷ ـ دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام پس از ولایتعهدی ۴۳۷
۸ ـ زیارت قبر مؤمن ۴۳۷

بخش بیست و یکم

آثار و خواصّ هشت سوره از سوره‌های قرآن

۱ ـ اثر سورهٔ «حمد» برای رفع سردرد ۴۳۹
تفسیر آیهٔ شریفهٔ «الحمد لله ربّ العالمین» ۴۴۰
۲ ـ فضیلت سورهٔ «انعام» ۴۴۴
۳ ـ ثواب خواندن سورهٔ «یٰسٓ» ۴۴۵
۴ ـ ثواب خواندن سورهٔ «زُمَر» ۴۴۵

۵ ـ **ثواب سورهٔ «قدر»** ۴۴۶
اثر سورهٔ «قدر» برای رفع وحشت در روز قیامت ۴۴۶
۶ ـ **ثواب خواندن سورهٔ «اِذا زُلْزِلَت»** ۴۴۷
ثوابِ دیگر برای سورهٔ «إذا زُلْزِلَت» ۴۴۷
۷ ـ **ثواب خواندن سورهٔ «نصر»** ۴۴۷
۸ ـ **فضیلت سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد﴾** ۴۴۸
ثواب خواندن سورهٔ «توحید» در قبرستان ۴۴۸

بخش بیست و دوّم

هشت دستور دربارهٔ بعضی از آیات و سوره‌ها

۱ ـ ثواب «**آیة الکرسی**» ۴۴۹
۲ ـ خواندن **آیهٔ شریفهٔ ﴿إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ...﴾** برای حفظ خانه از خرابی ۴۵۰
۳ ـ **سه آیه** برای پنهان شدن از چشم افراد بی‌ایمان ۴۵۰
۴ ـ ثواب خواندن **پنجاه آیه** بعد از نماز صبح ۴۵۲
۵ ـ خواندن **صد آیه** برای رفع ترس ۴۵۳
۶ ـ اثر **سه سوره**، هنگام پوشیدن لباس نو ۴۵۳
۷ ـ خواندن **چهار سوره** برای رفع چشم‌خوردگی ۴۵۴
۸ ـ **پنج سوره** برای رفع سردرد و دردهای دیگر ۴۵۴

بخش بیست و سوّم

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

۱ ـ ثواب «**صلوات**» ۴۵۵
۲ ـ ثواب دیگر برای «**صلوات**» ۴۵۶
۳ ـ ثواب «**لا إله إلاّ الله**» ۴۵۶
۴ ـ ثواب دیگر برای «**لا إله إلاّ الله**» ۴۵۸

۵ ـ ثواب گفتن «**تسبیحات اربعه**» با تسبیح تربت امام حسین علیه‌السلام ۴۵۸
۶ ـ ثواب **پنج ذکر** و... ..... ۴۵۹
۷ ـ اثر گفتن «**یٰا عَلِيُّ یٰا عَظِیمُ**» ۴۶۰
۸ ـ اثر «**یٰا مُمیت**» برای نجات از نفس امّاره ۴۶۰

بخش بیست و چهارم

هشت ذکر مهمّ دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام

۱ ـ «یٰا حيُّ یا قیُّوم» ۴۶۱
۲ ـ «یٰا مَلِك» ۴۶۲
۳ ـ «یٰا حَفیظ» ۴۶۲
۴ ـ «یٰا بٰاسط» ۴۶۲
۵ ـ «یٰا فَتّاح» ۴۶۳
۶ ـ «یٰا وَدُود» ۴۶۳
۷ ـ «یٰا قُدُّوس» ۴۶۴
۸ ـ «یٰا سَلٰام» ۴۶۴

بخش بیست و پنجم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه‌السلام

دربارهٔ نقش نگین انگشتر و دعای آن

۱ ـ نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمّه علیهم‌السلام ۴۶۵
۲ ـ نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۶۸
۳ ـ نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر ۴۶۹
۴ ـ نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام نیز به روایت دیگر ۴۶۹
۵ ـ همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۷۰

۶ـ نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزنددار شدن ۴۷۱
۷ـ انگشتر عقیق و دعا برای حفظ‌شدن از شرّهای آسمانی و زمینی ۴۷۱
۸ـ دعا هنگام دست نمودن انگشتر ۴۷۲

بخش بیست و ششم

هشت زیارت از زیارت‌های حضرت امام رضا علیه‌السلام

آداب زیارت ۴۷۴
آغاز آداب زیارت ۴۸۲
دعای اذن ورود به حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۸۳
۱ـ زیارتِ اوّل حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۸۵
۲ـ زیارت دوّم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۹۶
۳ـ زیارت سوّم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۹۹
۴ـ زیارت جوادیّه یا زیارت چهارم امام رضا علیه‌السلام ۵۰۱
۵ـ زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۵۱۴
۶ـ زیارت ششم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۵۱۵
۷ـ زیارت هفتم حضرت امام رضا علیه‌السلام (زیارت هفت حدیث) ۵۲۳
۸ـ زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه‌السلام ۵۲۹
زیارت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه‌السلام ۵۴۱

بخش بیست و هفتم

هشت دعا از دعاهای بعد از زیارت

۱ـ دعای اوّل (عالیة المضامین) ۵۴۳
۲ـ دعای دوّم ۵۵۱
۳ـ دعای سوّم ۵۵۳

۴ ـ دعای چهارم ۵۵۴
۵ ـ دعای پنجم ۵۵۷
۶ ـ دعای ششم ۵۵۹
۷ ـ دعای هفتم ۵۶۰
۸ ـ دعای هشتم، دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری ۵۹۸

بخش بیست و هشتم

هشت زیارت از زیارت‌های جامعه

۱ ـ زیارت «امین الله» ۶۰۳
۲ ـ زیارت جامعهٔ کبیره ۶۰۷
۳ ـ زیارت جامعهٔ سوّم ۶۲۰
۴ ـ زیارت جامعهٔ چهارم ۶۴۵
۵ ـ زیارت جامعهٔ پنجم ۶۶۵
۶ ـ زیارت جامعهٔ ششم ۶۸۰
۷ ـ زیارت جامعهٔ هفتم ۶۸۲
۸ ـ زیارت جامعهٔ هشتم ۶۸۵

بخش بیست و نهم

هشت زیارت از زیارت‌های وداع

۱ ـ زیارت وداع پس از زیارت «امین الله» ۶۹۰
۲ ـ زیارت دوّم وداع ۶۹۱
۳ ـ زیارت سوّم وداع ۶۹۳
۴ ـ زیارت چهارم وداع ۶۹۹
۵ ـ زیارت پنجم وداع ۷۰۵

۶ـ زیارت ششم وداع ۷۰۶
۷ـ زیارت هفتم وداع ۷۰۸
۸ـ زیارت هشتم وداع ۷۰۹

بخش سی‌ام

هشت زیارت از زیارت‌های اهل بیت علیهم‌السلام

که از حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل شده است

۱ـ زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حرم آن حضرت ۷۱۱
۲ـ زیارتِ دیگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حرم آن حضرت ۷۱۳
۳ـ زیارت سوّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حرم آن حضرت ۷۱۴
۴ـ زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از نماز واجب ۷۱۵
۵ـ زیارت ائمّه علیهم‌السلام ۷۱۶
۶ـ زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمّه علیهم‌السلام ۷۲۲
۷ـ زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما‌السلام و سایر ائمّه علیهم‌السلام ۷۲۵
۸ـ زیارت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام ۷۲۸
نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام ۷۳۱
یک نکتهٔ مهمّ دربارهٔ شفاعت نمودن حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام ۷۳۳

منابع و مصادر کتاب ۷۳۷

۲۴

هشت سوره از قرآن [1]

۱

سورهٔ «یٰسٓ»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يٰسٓ ﴿١﴾ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلىٰ

یکی از نامهای قرآنی رسول خدا است * سوگند به قرآنی که آیاتش همه محکم و حکمت‌آمیز است * که تو بدون تردید از رسولان

صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنْذِرَ قَوْماً مٰا

الهی و فرستاده شدگان هستی * بر راهی راست و استوار * این قرآن از سوی خداوند قدرتمند مهربان نازل گشته و فرو فرستاده

أُنْذِرَ اٰبٰآؤُهُمْ فَهُمْ غٰافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ

شده * پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت بسر می‌برند * بی‌گمان آن گفته دربارهٔ بیشتر آنان ثابت گشته و آنان

لاٰ يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنّٰا جَعَلْنٰا فِي أَعْنٰاقِهِمْ أَغْلاٰلاً فَهِيَ إِلَى الْأَذْقٰانِ

ایمان نمی‌آورند * همانا ما بر گردن‌های ایشان تا چانه‌هایشان غل قرار داده و سر آنها

فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ

بالا کشیده شده است * پیش روی آنان سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده‌ایم

۱. هشت سوره‌ای که انتخاب نمودیم، به این مناسبت است که دستور خواندن آن‌ها در روایاتی که در این کتاب نقل گردیده، وارد شده است.

سَدّاً فَأَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ لٰايُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوٰآءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ

و آنان را پوشانیده‌ایم پس نمی‌بینند * و بر ایشان یکسان است بیم‌دهی آنان را

أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لٰايُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمٰا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ

یا ندهی، ایمان نمی‌آورند * تو کسی را اندرز می‌دهی که پندپذیر باشد و یادآوری را پیروی کند

الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنّٰا نَحْنُ نُحْيِ

و در نهان از خداوند رحمان بترسد، پس او را به آمرزش الهی و پاداش ارزشمند بشارت بده * ما مردگان را زنده

الْمَوْتىٰ وَنَكْتُبُ مٰا قَدَّمُوا وَاٰثٰارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنٰاهُ فِيٓ

می‌کنیم و آنچه پیش فرستاده و از خود بجا نهاده‌اند می‌نویسیم و هر چیزی را در

إِمٰامٍ مُبِينٍ ﴿١٢﴾ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحٰابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جٰآءَهَا

امام مبین یعنی پیشوای بیان کننده گردآورده‌ایم * برای آنان اهل آن قریه را مثال بزن که فرستادگانی

الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنٰآ إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمٰا فَعَزَّزْنٰا بِثٰالِثٍ

بسوی ایشان آمدند * آنگاه که دو نفر بسوی آنها فرستادیم و آنان آن دو را تکذیب کردند و ما آنها را با نفر سوّمی

فَقٰالُوٓا إِنّٰآ إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قٰالُوا مٰآ أَنْتُمْ إِلّٰا بَشَرٌ مِثْلُنٰا وَمٰآ

تقویت کردیم و گفتند: ما بسوی شما فرستاده شده‌ایم * گفتند: شما جز انسان‌هایی همانند ما نیستید، و

أَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلّٰا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قٰالُوا رَبُّنٰا يَعْلَمُ

خداوند رحمان چیزی فرو نفرستاده، و شما دروغ می‌گوئید * گفتند: پروردگارمان می‌داند

إِنّٰآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمٰا عَلَيْنٰآ إِلَّا الْبَلٰاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قٰالُوٓا إِنّٰا

که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم * و بر ما چیزی جز ابلاغ آشکار و رساندن پیام نیست * گفتند: ما شما را

تَطَيَّرْنٰا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنّٰا عَذٰابٌ

به فال بد گرفته‌ایم، و اگر از گفته خود دست برندارید شما را سنگسار می‌کنیم و از ما عذاب

أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قٰالُوا طٰآئِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ

دردناکی به شما خواهد رسید * گفتند: فال بد و شومی شما با خودتان است اگر توجّه داشته باشید بلکه شما مردمی

مُسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجٰآءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعىٰ قٰالَ يٰا قَوْمِ

اسرافکار و تجاوزگرید * و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد و گفت: ای مردم

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اِتَّبِعُوا مَنْ لاٰ يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢١﴾

از رسولان و فرستادگان الهی پیروی کنید * از کسانی که اجر و پاداشی از شما درخواست نمی‌کنند و خود هدایت یافته‌اند پیروی کنید *

وَمٰا لِيَ لاٰ أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِنْ

و چه شده است مرا که پرستش نکنم کسی که مرا آفریده و بسوی او بازگشت داده می‌شوید * آیا غیر از

دُونِهِ اٰلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لاٰ تُغْنِ عَنِّي شَفٰاعَتُهُمْ شَيْئاً

معبودهائی را اختیار کنم که اگر خدای رحمان ارادهٔ ضرر و زیانی نماید مرا شفاعت آنان هیچگونه سودی نمی‌بخشد

وَلاٰ يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذاً لَفِي ضَلاٰلٍ مُبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّيٓ اٰمَنْتُ بِرَبِّكُمْ

و نجاتم نمی‌دهد * و در آن صورت در گمراهی آشکاری گرفتار گشته‌ام * من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام

فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قٰالَ يٰا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

پس سخن مرا گوش کنید * به او گفته شد: وارد بهشت شو، گفت: ای کاش طایفه من و این مردم می‌دانستند *

بِمٰا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ وَمٰآ أَنْزَلْنٰا عَلىٰ

که به چه چیزی پروردگارم مرا آمرزید و مرا از اهل کرامت قرار داد و گرامی داشت * و پس از او بر

قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمٰآءِ وَمٰا كُنّٰا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كٰانَتْ

قومش سپاه و لشکری از آسمان فرو نفرستادیم و ما فروفرستنده نبودیم * و تنها

إِلّٰا صَيْحَةً وٰاحِدَةً فَإِذٰا هُمْ خٰامِدُونَ ﴿٢٩﴾ يٰا حَسْرَةً عَلَى الْعِبٰادِ مٰا

یک صیحه و صدای آسمانی بود که ناگهان همگی به خاموشی گرائیدند * دریغ و افسوس بر این بندگان هیچ

يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلّٰا كٰانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ

پیامبری برای ایشان نیامد مگر آنکه او را مسخره کردند * آیا ندیدند و نیندیشیدند که پیش از آنان

أَهْلَكْنٰا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لاٰ يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلٌّ لَمّٰا

چه مقدار از مردمان را هلاک و نابود کردیم و آنها دیگر بسوی ایشان بازنمی‌گردند * و همگی آنان

جَمِيعٌ لَدَيْنٰا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَاٰيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنٰاهٰا

نزد ما حاضر می‌شوند * و زمین مرده برای آنان آیت و نشانه‌ای است که آن را زنده کردیم و دانه‌ها

وَأَخْرَجْنٰا مِنْهٰا حَبّاً فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنٰا فِيهٰا جَنّٰاتٍ مِنْ

را از آن بیرون آوردیم که از آن می‌خورند * و در آن باغ‌هایی از

نَخيلٍ وَأَعْنابٍ وَفَجَّرْنا فيها مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَما

نخل‌ها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هائی در آن جاری ساختیم * تا از میوه آن و

عَمِلَتْهُ أَيْديهِمْ أَفَلا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحانَ الَّذي خَلَقَ الْأَزْواجَ

دسترنج خویش بخورند آیا سپاسگزاری نمی‌کنید * پاک و منزه است خدائی که جفت‌ها را آفرید

كُلَّها مِمّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمّا لايَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَآيَةٌ

از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند * و نشانه‌ای

لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ

برای ایشان شب است که ما روز را از آن برگرفته و ناگهان همه جا در تاریکی فرو می‌رود * و خورشید

تَجْري لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذٰلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَّرْناهُ

نیز در قرارگاه خود در حرکت است، این تقدیر و اندازه‌گیری دقیق و منظّم خداوند مقتدر دانا است * و برای ماه منزلگاههائی

مَنازِلَ حَتّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَديمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغي لَها أَنْ

نهاده‌ایم (که بعد از طی کردن آنها) سرانجام مانند شاخهٔ خشکیدهٔ خمیده خرما باز می‌گردد * نه خورشید را می‌سزد که

تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَكُلٌّ في فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

ماه را درک کند و به آن برسد، و نه شب پیشی گیرنده است بر روز و هر یک در مداری معین در حرکت و شناورند *

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنا لَهُمْ

نشانه‌ای دیگر برای ایشان آن است که ما فرزندانشان را در کشتی‌هائی پر از بار حمل کردیم * و مرکبهای دیگری

مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَريخَ لَهُمْ وَلا هُمْ

همانند آن برای ایشان آفریده‌ایم که بر آن سوار می‌شوند * و اگر بخواهیم ایشان را غرق می‌سازیم که فریادرسی بر ایشان نباشد و

يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلّا رَحْمَةً مِنّا وَمَتاعاً إِلىٰ حينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذا قيلَ لَهُمُ

رهائی نیابند * مگر رحمت ما از آنان دستگیری کند و تا مدتی بهره‌مند گردند * و هنگامی که به ایشان گفته شود:

اتَّقُوا ما بَيْنَ أَيْديكُمْ وَما خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَما تَأْتيهِمْ

از آنچه پیش‌رو دارید وپشت سر شما است بهراسید وتقوا پیشه کنید شاید مورد رحمت الهی قرار گیرید (نشنوند)* و هیچ آیت و

مِنْ آيَةٍ مِنْ آياتِ رَبِّهِمْ إِلّا كانُوا عَنْها مُعْرِضينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذا قيلَ

نشانه از نشانه‌های پروردگار برای ایشان ظاهر نگردد جز اینکه از آن روی گردانند * و چون به آنان گفته

لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوآ أَنُطْعِمُ

شود: از آنچه خدا به شما روزی کرده ببخشید، کافران به مؤمنان گویند: آیا کسی را خوراک دهیم

مَنْ لَوْ يَشَآءُ اللهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾

که اگر خدا می‌خواست خودش به او خوراک می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکار نمی‌باشید *

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا

و می‌گویند: آن وعده کی محقّق می‌شود اگر راست می‌گویند؟ * آنها جز یک

صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

صیحهٔ آسمانی را مهلت ندارند که در حال جدال و کشمکش غافلگیرشان سازد * فرصت پیدا نکنند

تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ

حتی وصیتی کنند و نتوانند بسوی اهل خود و کسانشان بازگردند * در صور دمیده شود و همه ناگهان

مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ

از گورها بسوی پروردگارشان رهسپار گردند * گویند: وای بر ما چه کسی ما را از

مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا

آرامگاهمان برانگیخت؟ این همان وعدهٔ خداوند رحمان است و فرستادگان الهی درست گفتند * چیزی جز یک

صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

صیحه و فریاد نمی‌باشد که ناگاه همگی در پیشگاه ما گردآیند * امروز به هیچ کس ستم نشود

نَفْسٌ شَيْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

و جز به آنچه انجام دادید پاداش داده نشوید * بدون تردید اهل بهشت

الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى

امروز سرگرم و شادمانند * آنها با همسرانشان در سایهٔ رحمت الهی بر

الْأَرَآئِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ

تختها تکیه زده‌اند * در آنجا برای ایشان میوه‌ها است و آنچه بخواهند * سلام و سلامت

قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ

باد گفتاری است از پروردگار مهربان * ای تبه‌کاران امروز (از پاکان) جدا شوید * ای

أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يٰا بَنِيٓ اٰدَمَ أَنْ لٰاتَعْبُدُوا الشَّيْطٰانَ إِنَّهُ لَكُـمْ عَـدُوٌّ

فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که او دشمنی آشکار است

مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي هٰذٰا صِرٰاطٌ مُسْـتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَـقَدْ أَضَـلَّ

برای شما * و اینکه مرا بپرستید که این راهی است راست و استوار * او گروه بسیاری

مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيراً أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ

از شما را به گمراهی کشانیده است آیا اندیشه نمی‌کنید * این همان دوزخی است که بدان

تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمٰا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ اَلْيَوْمَ نَـخْتِمُ

وعده داده شده‌اید * امروز به آن وارد شوید بخاطر کفری که داشتید و انکاری که می‌کردید * امروز

عَلىٰٓ أَفْوٰاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنٰآ أَيْـدِيهِمْ وَتَشْـهَدُ أَرْجُـلُهُمْ بِـمٰا كٰـانُوا

بر دهان‌های ایشان مهر می‌زنیم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان گواهی می‌دهند به آنچه

يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشٰآءُ لَطَمَسْنٰا عَلىٰٓ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرٰاطَ

کرده‌اند * و اگر بخواهیم دیدگانشان را کور می‌سازیم پس بخواهند پیشی بگیرند در راه،

فَأَنّٰى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشٰآءُ لَمَسَخْنٰاهُمْ عَـلىٰ مَكٰـانَتِهِمْ فَـمَا

ولی چگونه می‌بینند؟ * و اگر بخواهیم آنها را در جایگاه و موقعیتی که دارند مسخ می‌کنیم

اسْتَطٰاعُوا مُضِيّاً وَلٰا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ

تا نتوانند گذر کنند و نه بازگردند * و به کسی که عمر دراز می‌دهیم در خلق و خوی او را سست و ناتوان می‌گردانیم

أَفَلٰا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمٰا عَلَّمْنٰاهُ الشِّعْرَ وَمٰا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلّٰا ذِكْرٌ

آیا اندیشه نمی‌کنید * ما به او هرگز شعر نیاموخته‌ایم و شایستهٔ او نیست این کتاب جز یادآوری کننده

وَقُرْاٰنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِيُنْذِرَ مَنْ كٰانَ حَيّاً وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰافِرِينَ

و قرآنی آشکار نمی‌باشد * تا آنان را که زنده‌اند بیم دهد و حجّت بر کافران تمام گردد

﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنّٰا خَلَقْنٰا لَهُمْ مِمّٰا عَمِلَتْ أَيْدِينٰآ أَنْعٰاماً فَهُمْ لَـهٰا

* آیا نمی‌نگرند و نمی‌اندیشند که با دستان توانای خود برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم که

مٰالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنٰاهٰا لَهُمْ فَمِنْهٰا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهٰا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ

مالک آن گشته‌اند؟ * و آنها را رام ایشان کرده‌ایم پس بعضی از آنها را سوار می‌شوند و برخی دیگر را می‌خورند * و برای ایشان

فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

در آن‌ها بهره‌ها و رغبت‌های دیگر است آیا سپاسگزاری نمی‌کنند؟ * و به جای خداوند برای خود

آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ

معبودهای دیگر گرفته‌اند شاید یاری شوند * ولی آنها نمی‌توانند یاری دهند ایشان را و برای آنان لشکری

مُحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

حاضر هستند و در خدمت آنان * پس گفتار ایشان تو را اندوهگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌کنند و

يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ

آشکار می‌سازند می‌دانیم * آیا انسان نمی‌اندیشد که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم و او اکنون ستیزه‌گری

مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ

آشکار گشته است * و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: این استخوان‌های

وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ

فرسوده را چه کسی زنده می‌سازد * بگو: کسی که ابتدا آن را پدید آورده دیگر بار آن را زنده می‌کند، و او به هر گونه

خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا

آفرینشی دانا است * همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش بوجود آورد

أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

و شما از آن آتش بر می‌افروزید * آیا آن کسی که آسمانها و زمین را آفریده است

بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا

نمی‌تواند همانند آن را بیافریند؟ چرا او می‌تواند و او آفریننده‌ای دانا است * شأن او چنین است که

أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي

چون چیزی بخواهد بگوید: «باش» پس فوراً می‌باشد و موجود می‌گردد * پس پاک و منزّه است کسی که

بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

ملکوت هر چیزی به دست او است و شما به سوی او بازگردانده می‌شوید *

۲

سورهٔ «الرّحمن»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

اَلرَّحْمٰنُ ﴿۱﴾ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ﴿۲﴾ خَلَقَ الْاِنْسٰانَ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ الْبَيٰانَ ﴿۴﴾

خداوند مهرگستر * قرآن را یاد داد * انسان را آفرید * به او بیان تعلیم نمود *

اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبٰانٍ ﴿۵﴾ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدٰانِ ﴿۶﴾

خورشید و ماه به حسابند * ستاره و درخت سجده می‌کنند *

وَالسَّمٰآءَ رَفَعَهٰا وَوَضَعَ الْمِيزٰانَ ﴿۷﴾ أَلّٰا تَطْغَوْا فِي الْمِيزٰانِ ﴿۸﴾

آسمان را برافراشت و میزان را نهاد * تا در میزان از اندازه تجاوز نکنید *

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلٰا تُخْسِرُوا الْمِيزٰانَ ﴿۹﴾ وَالْأَرْضَ

و وزن را به انصاف و داد بپادارید و از میزان نکاهید * و زمین را

وَضَعَهٰا لِلْأَنٰامِ ﴿۱۰﴾ فِيهٰا فٰاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذٰاتُ الْأَكْمٰامِ ﴿۱۱﴾ وَالْحَبُّ

برای مردم گسترانید * در زمین میوه‌ها و نخل‌های خوشه‌دار است * و دانه‌هایی

ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحٰانُ ﴿۱۲﴾ فَبِأَيِّ اٰلٰآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿۱۳﴾ خَلَقَ

که از خوشه‌هایش کاه بجا می‌ماند و گیاهانی که خوش‌بویند * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

الْاِنْسٰانَ مِنْ صَلْصٰالٍ كَالْفَخّٰارِ ﴿۱۴﴾ وَخَلَقَ الْجٰآنَّ مِنْ مٰارِجٍ مِنْ نٰارٍ

انسان را از گِل خشکیده‌ای چون سفال آفرید * و جن را از زبانه‌های آتش پدید آورد

﴿۱۵﴾ فَبِأَيِّ اٰلٰآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿۱۶﴾ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

* پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید * پروردگار دو خاور و دو باختر

﴿۱۷﴾ فَبِأَيِّ اٰلٰآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿۱۸﴾ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰانِ ﴿۱۹﴾ بَيْنَهُمٰا

* پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید * دو دریا را جاری ساخت تا به هم بپیوندند * میان آن دو

بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يَخْرُجُ مِنْهُمَا

برزخی و حائلی است که تجاوز نکنند * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * از آن دو دریا

اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ

مروارید و مرجان بیرون آید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * و برای آن است

الْمُنْشَئَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾

کشتی‌های بزرگی که در دریا لنگر انداخته و همچون کوهی در حرکتند * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

تمامی آنانکه روی زمین هستند از بین می‌روند * و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند *

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می‌کند

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ

او هر روزی در شأنی و کاری است * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * ای گروه جنّ

أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ

و انس به زودی به حسابتان رسیدگی خواهیم کرد * پس به کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * ای گروه جنّ

وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و انس اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید،

فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾

پس بگذرید، امّا جز با قدرت و نیروئی هرگز نمی‌توانید درگذرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ

بر شما شراره‌هائی از آتش و مس‌های گداخته فرستاده می‌شود و یاوری نجوئید * پس کدامیک از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آن هنگام آسمان شکافته گردد و چون روغن گداخته گلگون شود *

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا

پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * پس در آن روز از گناه هیچ یک از انسان

جٰآنٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٤٠﴾ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمٰاهُمْ

و جنّ پرسیده نشود * پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * تبه‌کاران از چهره‌های‌شان شناخته شوند

فَيُؤْخَذُ بِالنَّوٰاصِي وَالْأَقْدٰامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٤٢﴾ هٰذِهِ

و آن‌ها را از موهای بالای پیشانی‌شان و پاهای‌شان بگیرند * پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * این

جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهٰا وَبَيْنَ حَمِيمٍ

دوزخی است که تبه‌کاران آن را دروغ می‌پنداشتند * اکنون میان آن و میان آبی سوزنده و جوشان در گردش

اٰنٍ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنْ خٰافَ مَقٰامَ رَبِّهِ جَنَّتٰانِ

باشند * پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ بهشتی است

﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٤٧﴾ ذَوٰاتٰآ أَفْنٰانٍ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا

* پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * آندو باغ دارای درختانی است که شاخه‌هایش درهم پیچیده است * پس کدام‌یک از

تُكَذِّبٰانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمٰا عَيْنٰانِ تَجْرِيٰانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥١﴾

نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنها دو چشمه است که جاری و روانند * پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

فِيهِمٰا مِنْ كُلِّ فٰاكِهَةٍ زَوْجٰانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٣﴾

در آنها از هر میوه‌ای یک جفت وجود دارد * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید *

مُتَّكِئِينَ عَلىٰ فُرُشٍ بَطٰآئِنُهٰا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دٰانٍ ﴿٥٤﴾

اهل آن بر فرشهایی تکیه داده‌اند که آستر آن از حریر و ابریشم است و میوه‌های دو بوستان نزدیک و در دسترس ایشان است *

فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قٰاصِرٰاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ

پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنجا زنانی هستند با چشمان درشت که نگاه خود را فروهشته‌اند

إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلٰا جٰآنٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ

و پیش از آنان هیچ انس و جنّی با آنان تماس نداشته‌اند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * گویا

الْيٰاقُوتُ وَالْمَرْجٰانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزٰآءُ

که آنان یاقوت و مرجانند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * آیا پاداش

الْإِحْسٰانِ إِلَّا الْإِحْسٰانُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ اٰلآٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ

نیکی جز نیکی است * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * و

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَّتَانِ ﴿٦٤﴾

پایین‌تر از آنها دو بوستان دیگر است * پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * آندو بوستان سبز و خرّمند *

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ

پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آنها دو چشمه است که آب از آنها فوران دارد * پس کدام یک از

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ

نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * در آندو بوستان میوه‌ها و درختان خرما و انار است * پس کدام‌یک از نعمتهای پروردگارتان

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

را دروغ می‌پندارید * در آنجا زنانی نیکوخو و زیباروی هستند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دروغ می‌پندارید * آنها حوریانی پرده‌نشین در خیمه‌هایند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دروغ می‌پندارید * که پیش از آنها در دسترس هیچ انسان و جنّی نبوده‌اند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ

دروغ می‌پندارید * بر بالشهای سبزرنگ و بسترهای تزیین‌شده و زیبا تکیه داده‌اند * پس کدام یک از

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید * پاک و پربرکت است نام پروردگارت که دارای شکوه و عظمت و بزرگواری است.

۳

سورهٔ «إنسان»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا ﴿١﴾

آیا برهه‌ای از زمان بر انسان گذشت که چیزی در خور ذکر نبود *

إِنَّا خَلَقْنَا ٱلْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً

ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم و او را می‌آزماییم و لذا او را شنوا و بینا قرار

بَصِيراً ﴿٢﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً ﴿٣﴾ إِنَّآ أَعْتَدْنَا

دادیم * ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا بسیار ناسپاس * ما برای

لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالاً وَسَعِيراً ﴿٤﴾ إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ

کافران زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آماده کردیم * به راستی نیکوکاران از ساغری می‌آشامند

كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً ﴿٥﴾ عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللهِ

که با عطر خوش کافور آمیخته است * چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند

يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْماً كَانَ شَرُّهُ

و در هر کجا جاریش می‌کنند * به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شرّ آن فرا گیر و گسترده است

مُسْتَطِيراً ﴿٧﴾ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً

بیم دارند * و خوراک خود را در حالی که به آن علاقه دارند به بینوا و یتیم

وَأَسِيراً ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ ٱللهِ لَانُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَآءً وَلَا

و اسیر می‌دهند * می‌گویند ما فقط به خاطر خشنودی خدا به شما خوراک می‌دهیم و از شما هیچ‌گونه پاداش و

شُكُوراً ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِيراً ﴿١٠﴾ فَوَقَاهُمُ

سپاسی را نمی‌خواهیم * ما از پروردگار خود از روزی که عبوس و سخت است می‌ترسیم * و خداوند از

ٱللهُ شَرَّ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً ﴿١١﴾ وَجَزَاهُمْ بِمَا

شرّ آن روز آنان را حفظ کرد و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت * و به پاس شکیبائی

صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيراً ﴿١٢﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ لَايَرَوْنَ فِيهَا

به ایشان بهشت و پرنیان پاداش داد * در آنجا بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند و نه آفتابی می‌بینند

شَمْساً وَلَا زَمْهَرِيراً ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا

و نه سرمائی را در آنجا احساس می‌کنند * شاخسارها بر سر آنان سایه افکنده و میوه‌هایش سر فرود آورده

تَذْلِيلاً ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ

و در دسترس است * و ظرف‌های نقره‌ای و جام‌های بلورین در میان آنان

قَوَارِيرَاْ ﴿١٥﴾ قَوَارِيرَاْ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيراً ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا

گردانده می‌شود * جام‌های بلورینی که از نقره است و آن را اندازه‌گیری مناسب کرده‌اند * و در آنجا از جامی که با

كَأْساً كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلاً ﴿١٧﴾ عَيْناً فِيهَا تُسَمّىٰ سَلْسَبِيلاً ﴿١٨﴾

زنجبیل درآمیخته سیراب می‌شوند * از چشمه‌ای در آنجا که سلسبیل نامیده می‌شود *

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤاً

و بر گرد آنان نوجوانانی جاوید می‌گردند، هنگامی که ببینی آنان را می‌پنداری که مرواریدهایی

مَنْثُوراً ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيماً وَمُلْكاً كَبِيراً ﴿٢٠﴾ عَالِيَهُمْ

پراکنده‌اند * و چون به دقّت در آنجا نگاه کنی نعمت‌های فراوان و ملک عظیم را خواهی دید * روپوش آنان

ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ

لباس‌هایی از پرنیان سبزرنگ و زربفت است که با دستبندهایی از نقره آراسته گردیده

رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ

و پروردگارشان به آنان شراب طهور می‌نوشاند * همانا این پاداش شما است و تلاش شما مورد

مَشْكُوراً ﴿٢٢﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً ﴿٢٣﴾ فَاصْبِرْ

قدردانی است * ما قرآن را بر تو آن‌گونه که شایسته است فرو فرستادیم * برای فرمان

لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ كَفُوراً ﴿٢٤﴾ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ

پروردگارت شکیبائی داشته و از هیچ گنه‌کار یا ناسپاسی اطاعت نکن * و نام پروردگارت را

بُكْرَةً وَأَصِيلاً ﴿٢٥﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً ﴿٢٦﴾

بامدادان و شامگاهان یاد کن * و پاره‌ای از شب را برای او سجده کن و شب طولانی را به تسبیح او بپرداز *

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْماً ثَقِيلاً ﴿٢٧﴾ نَحْنُ

اینان زورگذر را دوست دارند و روز سخت و گرانبار که پشت سر دارند رها می‌کنند * ما

خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلاً ﴿٢٨﴾ إِنَّ

آنان را آفریده و پیوندهای ایشان را محکم کردیم و زمانی که بخواهیم به نظایرشان تبدیل‌شان می‌نماییم * این

هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا

یادآوری‌کننده است، پس هر که خواهد راهی را به سوی پروردگارش در پیش گیرد * و نمی‌خواهید مگر آنکه

أَنْ يَشَآءَ ٱللَّهُ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً ﴿٣٠﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَآءُ فِي

خداوند بخواهد، و بدون تردید خدا دانائی است حکیم * هر که را خواهد در

رَحْمَتِهِ وَٱلظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً ﴿٣١﴾

رحمت خویش واردکند و برای ستمگران عذابی دردناک آماده کرده است *

۴

سورهٔ «قدر»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِنَّآ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ

ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم * و تو چه می‌دانی که شب قدر چه شبی است؟ * شب

ٱلْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ ٱلْمَلَآئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

قدر از هزار ماه بهتر است * در آن شب، فرشتگان و روح با اجازه و فرمان

رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

پروردگارشان برای رساندن همهٔ امور نزد امام عصر عليه‌السلام فرود می‌آیند * این شب همه‌اش سلامت و رحمت است تا دمیدن فجر *

۵

سورهٔ «زُلزلت»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

هنگامی که زمین با زلزلهٔ سختی به لرزه درآید * و زمین دفینه‌های خود را بیرون ریزد *

وَقَالَ ٱلْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ

و انسان گوید: آن را چه شده است * در آن روز زمین خبرهای خود را بازگوید * که پروردگارت به آن

أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ ٱلنَّاسُ أَشْتَاتاً لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ

الهام نموده است * در آن روز مردم به صورت پراکنده بیرون آیند تا کارهای‌شان به آن‌ها نشان داده شود * پس هر که

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ ﴿٨﴾

به اندازهٔ ذرّه‌ای کار خوب کرده آن را ببیند * و هر که به مقدار ذرّه‌ای کار بد انجام داده آن را ببیند *

۶

سورهٔ «عادیات»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلْعَادِيَاتِ ضَبْحاً ﴿١﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً

سوگند به اسبان تیزتک که در دویدن به نفس نفس افتند * و سم‌های آنها در برخورد با سنگها اخگر افروزد * و صبحگاهان به

﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً ﴿٤﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ

دشمن یورش برند * پس گرد و غبار بر هوا رود * و خود را در جمع سپاه افکنند * بدون تردید انسان

لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ ٱلْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

نسبت به پروردگارش ناسپاس است * و بی‌گمان او خودش بر این گواهی دهد * و سخت شیفته و دلباختهٔ مال

﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي ٱلْقُبُورِ ﴿٩﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي

دنیا است * آیا نمی‌داند هنگامی که آنچه در میان گورها است بیرون ریخته شود * و آنچه در

ٱلصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ﴿١١﴾

سینه‌ها است برآید * همانا پروردگارشان به حال آنان در آن روز آگاه است *

۷

سورهٔ «نصر»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذٰا جٰآءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ ﴿۱﴾ وَرَأَيْتَ النّٰاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

چون هنگام یاری خدا و پیروزی فرا رسد * و مردم را ببینی که گروه‌گروه در دین

اللهِ أَفْوٰاجاً ﴿۲﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كٰانَ تَوّٰاباً ﴿۳﴾

خدا وارد شوند * پس به ستایش پروردگارت تسبیح بگو و از او آمرزش طلب که او بسیار توبه‌پذیر است *

۸

سورهٔ «کافرُون»

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قُلْ يٰآ أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ ﴿۱﴾ لٰآ أَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونَ ﴿۲﴾ وَلٰآ أَنْتُمْ

(به کافران) بگو: ای کافران * نمی‌پرستم آنچه شما می‌پرستید * و شما

عٰابِدُونَ مٰآ أَعْبُدُ ﴿۳﴾ وَلٰآ أَنَا عٰابِدٌ مٰا عَبَدْتُمْ ﴿۴﴾ وَلٰآ أَنْتُمْ

نمی‌پرستید آنچه را من می‌پرستم * و نه من پرستش‌کننده‌ام آنچه را شما می‌پرستید * و نه شما

عٰابِدُونَ مٰآ أَعْبُدُ ﴿۵﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿۶﴾

بندگی و پرستش می‌کنید آنچه را که من بندگی و پرستش می‌کنم * دینتان برای خودتان و دین من برای خودم *

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام با پیگیری اعداد و ارقام [1]

از «صفر» تا «یک‌دلی»

هر روز مردم، گروه‌گروه به زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام شرفیاب می‌شوند و از درگاه باعظمت آن بزرگوار، بهره‌های فراوان می‌گیرند.

برخی از آنان خود را از قبل آمادهٔ زیارت نموده و با قلبی آماده قدم به بارگاه نورانی آن حضرت می‌گذارند و برخی دیگر که به این مرحله نرسیده‌اند، تحت تأثیر عظمت و جاذبهٔ آن مکان مقدّس قرار گرفته و با عنایت و توجّه حضرت امام رضا علیه‌السلام از همانجا راه را آغاز کرده و از «**صفر**» شروع کرده و راه را ادامه می‌دهند تا به «**یک‌دلی**» برسند.

انسان می‌تواند با «**یک‌دله**» کردن دل، به مراحل بزرگ معنوی برسد و با خارج نمودن اغیار از حریم دل، دل را حرم خداوند قرار داده و محبّت غیر او را در آن ریشه‌کن سازد؛ تا به مقام «رضا» که بهترین مقام اهل دل است راه یابد.

---

۱. در اینجا مطالبی را تحت عنوان ارقام از یک تا چهارده به تعداد چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌آوریم.

در این صورت، از درد و درمان و وصل و هجران، آنچه را که خدا به آن راضی است می‌پسندد، نه این‌که فقط تسلیم باشد؛ بلکه علاوه بر مقام تسلیم در برابر خواستهٔ خداوند، آنچه را که او بخواهد به آن راضی است.

«یکی» درد و «یکی» درمان پسندد — «یکی» وصل و «یکی» هجران پسندد
من از درمان و درد و وصل و هجران — پسندم آنچه را جانان پسندد

«دو زیارت» و «دو حرم»!

کسانی که به این مقام رسیده‌اند تولّدی «**دوباره**» یافته‌اند؛ زیرا «**دو دیدهٔ**» قلب و «**دو گوش**» باطنی خود را گشوده‌اند و از حیاتی تازه برخوردارند و به این‌گونه، سعادت خود را در «**دو جهان**» تأمین نموده‌اند.

هالهٔ آنان شفّاف و نورانی و سراسر وجودشان را نور فرا می‌گیرد. اینان نور و روشنایی خود را از این خاندان کسب کرده‌اند، نه تنها اینان بلکه هر چه نورافشانی می‌کند، فروغی از پرتو انوار درخشان آل الله گرفته است، حتّی نورافشانی «**دو چشمه**»[1] از نور وجود ایشان سرچشمه می‌گیرد و «**دو برادران**»[2] که بر فراز آسمان می‌درخشند، درخشندگی خود را از نور این دودمان گرفته‌اند.

این خاندان، اصل نور و روشنایی می‌باشند، و آن‌گاه که دوران حکومت اهل بیت علیهم‌السلام فرا رسد، ظلمت و تاریکی از جهان رخت بسته و شب و روز با انوار درخشان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روشن می‌شود.

این خاندان، نه تنها اصل نور و روشنایی می‌باشند؛ بلکه اصل هر خیر و خوبی هستند و همگان هر چه در باب فضایل و معارف این خاندان بگویند یا بنویسند، «**دو بیتی**»[3] از بحر معارف این بزرگواران را نسروده‌اند.

از بیان اصل نور و روشنایی «**دو دنیا**» و از بحر معارف این خاندان بگذریم و به شرح «**دو زیارت**» و «**دو حرم**» بپردازیم:

---

۱. دو چشمه: خورشید و ماه.

۲. دو برادران: دو ستارهٔ درخشان در قطب شمال که آن‌ها را به عربی «فرقدان» گویند.

۳. دوبیتی: شعری مرکّب از چهار مصرع، که مطلب کاملی را بیان کند.

انسان ممکن است بر اثر پاکدلی، وجود عرشی حضرت امام رضا علیه‌السلام را در حرم مطهّر آن بزرگوار زیارت نموده و ببیند. و نیز ممکن است بر اثر پاکسازی قلب از آلودگی و خارج نمودن اغیار از حریم قلب که حرم خداوند است، به خاطر تجلّی حضرت امام رضا علیه‌السلام بر قلب انسان، حتّی در غیر حرم آن حضرت را زیارت نماید. این‌گونه حالات، معمولاً مکاشفه[1] است و گاهی ممکن است مشاهده باشد.

باید توجّه داشته باشیم که گفتگوی این مطالب آسان است ولی آنان که دارای این‌گونه حالات هستند وجودشان همچون کبریت احمر و اکسیر اعظم است.

البتّه همان‌گونه که گفتیم همهٔ کسانی که به زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام شرفیاب می‌شوند، هر کدام از لطف و عنایت آن حضرت توشه می‌گیرند.

موالید «سه‌گانه»[2]

نه تنها انسان و دیگر موجودات هوشمندِ جهان آفرینش ـ که بر فراز آسمان‌ها یا در اعماق زمین جای دارند ـ با ولایت و سرپرستی خاندان وحی علیهم‌السلام آشنایند؛ بلکه جمادات و «**موالید سه‌گانه**» بر این حقیقت اعتراف دارند.

خاندان وحی علیهم‌السلام با بیان این نکته که ولایت آنان بر همهٔ مخلوقاتِ جهان آفرینش عرضه شده، شعور جمادی، گیاهی و حیوانیِ جمادات، گیاهان و حیوانات را نیز بیان نموده‌اند؛ هرچند دانشمندان دوران غیبت، تازه به شعورِ آب و سایر اشیاء پی برده و در تلاش و جستجو برای تکمیل آن هستند.

اکنون مردم از زیارت برخی از «**موالید سه‌گانه**» در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام خبر دارند، هر چند ممکن است به آن توجّه نداشته باشند ـ و ما به خاطر این‌که تذکّر آن‌ها سبب طولانی‌شدن مطلب می‌شود از بیان آن خودداری می‌کنیم ـ امّا برای این‌که هنگام زیارت از توجّه بیشتری برخوردار باشیم این نکته را بیان می‌کنیم:

چه بسا انسان با لباسی که از حلال تهیّه شده به زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام

---

۱. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به: «اسرار موفّقیّت ج ۲ ص ۲۵۵» از مؤلّف این کتاب.

۲. موالید سه‌گانه: گیاه، حیوان و انسان.

شرفیاب می‌شود، و توجّه لباس او به حضرت امام رضا علیه‌السلام ـ به وسیلهٔ شعور جمادی که از آن برخوردار است ـ بیشتر از خود انسان که فکرش پراکنده است، می‌باشد.

آیا پسندیده است که توجّه لباس ما با شعور جمادی خود بیشتر از توجّه ما با روح و شعور انسانیِ ما باشد؟!

درست است که حالت کامل حضور، کار مردان خدا و اولیاء الهی است و از کسانی برمی‌آید که دنیا را «**سه طلاقه**» کرده‌اند؛ امّا ما نیز **اگر قبل از شرفیابی به حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام مقداری دربارهٔ عظمت و بزرگواری آن حضرت بیندیشیم و توجّه کنیم که می‌خواهیم به چه بارگاهی قدم بگذاریم، بی‌شک در چگونگی زیارت ما اثر می‌گذارد.**

«چهارگوشهٔ ضریح»

در نظر گرفتن عظمت و بزرگواری حضرت امام رضا علیه‌السلام و توجّه به مقام ولایت و معرفت آن بزرگوار به نورانیّت، در کیفیّت و چگونگی زیارت زائر، اثر بسزایی دارد و در نتیجه لطف و عنایت حضرت امام رضا علیه‌السلام به چنین زائری بی‌حساب خواهد بود. در این‌گونه مواقع، «**چهار عمل اصلی**[1]» به کار نمی‌آید و لطف و کرم آن بزرگوار بی‌حدّ و بی‌حساب است.

در این موارد سوز و توجّهِ زائر، زمینه‌ساز عنایت حضرت امام رضا علیه‌السلام می‌شود و علم و آگاهی از «**نِسبِ اربعه**[2]» در آن تأثیری ندارد؛ همان‌گونه که شناخت «**علل چهارگانه**[3]» و سایر گفته‌های ارسطو و دیگران در آن نقشی ندارد و زر و زیور خسروپرویز، و زور و بازوی رستمِ زال نیز، زاد و توشهٔ این راه نبوده و زمینه‌ساز عنایت بی‌زوال حضرت امام رضا علیه‌السلام به زائران نمی‌باشد.

در برخی از موارد، پناهندگان به امام رضا علیه‌السلام نه قلب نورانی دارند نه علم و آگاهی،

---

۱. چهار عمل اصلی: جمع و تفریق و ضرب و تقسیم.

۲. نسب اربعه: ۱ ـ تساوی، ۲ ـ عموم و خصوص مطلق، ۳ ـ عموم و خصوص من وجه، ۴ ـ تباین.

۳. علل چهارگانه: ارسطو تقسیم‌بندی علل را به این صورت بیان کرد: ۱ ـ علّت فاعلی، ۲ ـ علّت غایی، ۳ ـ علّت مادّی، ۴ ـ علّت صوری.

نه دارای زر و زیورند و نه ....؛ ولی امام رئوف حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام بر اساس ولایت مطلقهٔ خود که مقیّد به قیدی نیست، به خاطر حکمتی که خود می‌دانند، از آنان دستگیری می‌نمایند و آنچنان زائران خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند که گویی «**چهارگوشهٔ ضریح**» را همچون «**چهارگوشهٔ بیت المعمور**» در عرش می‌بینند و آنچنان با حضرت امام رضا علیه‌السلام به گفتگو می‌نشینند که گویی کاملاً آن حضرت را می‌بینند.

همهٔ زائران باید کاری کنند که این‌گونه مورد توجّه و عنایت کامل حضرت امام رضا علیه‌السلام قرار گیرند.

«پنج گنجِ انسان»

وجود انسان، سرشار از گنج‌های گران‌بها است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

الناس معادن، کمعادن الذهب والفضّة.[1]

مردم، معدن‌هایی هستند همچون معدن‌های طلا و نقره.

ما باید وقت و فرصت را تلف نکنیم و با استمداد از خداوند و توسّل به «**پنج تن**» و سایر معصومین علیهم‌السلام از نعمت‌های بزرگی که خداوند در وجود ما نهفته آگاه شویم.

ما باید «**پنج‌روزهٔ دنیا**» را غنیمت شمرده و مواظب «**حواسّ پنجگانهٔ ظاهری**» خود ـ که آن را «**پنج گنج**» نامیده‌اند ـ باشیم و آن‌ها را در راه رضایت خداوند به کار ببریم تا از وجود گنج‌هایی که در باطن ما هست، آگاه شده و بتوانیم آن‌ها را استخراج کنیم.

درست است که باطن همهٔ انسان‌ها همانند هم نیست و همان‌گونه که در ظاهر باهم تفاوت دارند از نظر حواسّ باطنی نیز باهم فرق می‌کنند و بنا بر مثَل، «**پنج انگشت برادر هستند امّا برابر نیستند**»؛ ولی به هر حال هر انسانی از گنج‌های نهانی، حواسّ باطنی و نیروهای نهفته برخوردار است که باید آن‌ها را شناسایی کرده و بکار گیرد.

انسان باید با استخراج این گنج‌ها و بیدار ساختن این نیروها از دکّان‌داری سخت پرهیز نموده و هدف خود را از به دست آوردن آن‌ها، کمک به دین خدا و

---

۱. بحار الأنوار: ۶۵/۶۱ و ۱۰۶.

خدمت به حضرت بقیّة الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه قرار دهد.

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بهترین فرصت و موقعیّت برای زائرین محترم است که از آن حضرت بخواهند قدرت‌های باطنی آنان را بیدار نموده و آن‌ها را با تمام وجود و با همهٔ توانایی‌های ظاهری و باطنی در راه انتظار و خدمت به امام عصر ارواحنا فداه **موفّق نمایند.**

برتر از «شش طاق پادشاهی»[1]

زائرینی که فوج فوج به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می‌شوند تنها کسانی که بر عالم خاک راه می‌روند نیستند، بلکه آفریده‌های گوناگون خداوند از «**شش جهت**» با آداب گوناگون راهی بارگاه حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام می‌شوند. خوشا به حال آن افرادی که با ایمان کامل و کنترل فکر، «**شش دانگ**» حواسّ خود را جمع کرده و به زیارت می‌پردازند.

گروهی از زائرین از نزدیک شدن به ضریح مطهّر حضرت امام رضا علیه السلام شرم دارند و خود را لایق آن مکان باعظمت نمی‌دانند، به کنجی نشسته و به زیارت و نماز و راز و نیاز می‌پردازند، آنان هر نقطه و هر گوشهٔ حرم را بسی برتر از «**شش طاق پادشاهی**» می‌دانند.

و گروهی دیگر از زائران، اگر دستشان به ضریح نورانی آن حضرت نرسد، خود را شرمنده و شرمسار دانسته گویی که زیارت‌شان پذیرفته و قبول نشده است.

چه بسیارند زائرینی که با شفا گرفتن مریضان خود و یا روا شدن حاجات خویش، شاهد مهربانی و رأفت حضرت امام رضا علیه السلام می‌شوند و به شکرانهٔ آن به صلوات و درود می‌پردازند و به این وسیله، چهره‌های گرفته و دل‌های شکستهٔ خود را شکفته و شاد می‌نمایند و به هر شهر و دیاری که می‌روند با بیان معجزهٔ امام غریب علیه السلام شمیم خوشِ شفایابی را پخش می‌کنند و به این شیوه همه را شیفته و شیدای زیارتِ آن حضرت می‌نمایند.

---

۱. شش طاق پادشاهی: نوعی از خیمهٔ پادشاهان که دارای شش‌گوشه بوده است.

پرتو نگاه مهرآمیز حضرت امام رضا علیه‌السلام شامل هر دو گروه می‌شود و قلب آنانی را که با صفا و اخلاص به زیارت آمده‌اند فروغ و روشنایی می‌بخشد.

«قبلهٔ هفتم»

آری؛ از آنجا که همه روزه هزاران نفر از «**هفت اقلیم**» جهان به زیارت «**قبلهٔ هفتم**» شرفیاب می‌شوند، از آداب و رسوم و فرهنگ‌های گوناگونی برخوردارند، و حضرت امام رضا علیه‌السلام به همهٔ کسانی که به زیارت حضرتش شرفیاب می‌شوند به دیدهٔ رأفت، مهربانی و بزرگواری می‌نگرند؛ چه آنان‌که همسایه و در جوار آن بزرگوار هستند و چه آنان‌که از سرزمین‌های دور با مشکلات فراوان راه را طی نموده و از «**هفت‌خوان**» رستم گذر نموده و به زیارت آن بزرگوار می‌شتابند.

بدیهی است همهٔ کسان، یکسان نیستند و آنان‌که برای شرفیاب شدن به حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام، رنج‌ها و زحمت‌های فراوان را تحمّل نموده‌اند با کسانی که به راحتی به بارگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام رسیده‌اند تفاوت دارند. هرچند همهٔ کسانی که آن حضرت زیارت‌شان را بپذیرند، «**هفت درب جهنّم**» به رویشان بسته شده و إن شاء الله از «**هفت چشمهٔ بهشت**[1]» سیراب می‌شوند.

ولی با اینهمه، همه همانند هم نیستند و آنان‌که از همگان دل بریده و همچون «**هفت‌تنان**»[2] از ناپاکان برائت جسته و از دشمنان دوری گزیده‌اند و تنها به سوی خدا و اهل بیت علیهم‌السلام روی آورده و واله او گشته‌اند، به مراتب برتر از دیگرانند و کسی همتا و همانند آنان نیست.

در نزد این‌گونه کسان ـ که دلی خالی از اغیار دارند ـ «**عجایب هفتگانهٔ جهان**»[3] بسی کوچکتر از آنست که آنان را به شگفت آورده و به سوی خود جذب نمایند.

---

۱. هفت چشمهٔ بهشت طبق نقلی عبارتند از: کوثر، کافور، میم، سلسبیل، تسنیم، معین و زنجبیل.

۲. اصحاب کهف را «هفت تنان» گویند که به نقلی عبارتند از: یملیخا، مگشلینیا، مشلیتیا، مرنوش، دبرنوش، شادنوش و مرطونش.

۳. عجایب هفتگانهٔ جهان عبارتند از: دو مقبره (اهرام مصر و آرامگاه موزله)، دو مجسّمه، یک معبد، یک فانوس دریایی و باغ‌های معلّق بابل.

این‌گونه کسان، مجذوب رایحه‌های عطرآگین معنویِ بارگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام می‌شوند و تلألؤ انوار پرفروغ، تابناک و شادی‌بخشی که در فضای حرم می‌درخشد، آن‌ها را به خود جذب می‌کند.

اینان نه به «**عجایب هفتگانهٔ جهان**» در زمین، بلکه به «**خاتون هفت قلعهٔ**»[1] آسمان نیز نمی‌نگرند.

اینان **گنج‌های طالقان** و دیگر یاوران امام عصر عجّل الله تعالی فرجه می‌باشند که با قلب‌های محکم و استوار و آهنین خود، دمار از دشمنان نگون‌بخت امام عصر ارواحنا فداه درمی‌آورند.

اینان بزرگترین قدرت‌های جهان را بازیچه‌ای بیش نمی‌دانند.

یاد قلب‌های آهنین و استوار گنج‌های طالقان و دیگر یاوران امام زمان عجّل الله تعالی فرجه، یاد محکم بودن **طالیقون** یا «**هفت‌جوش**»[2] را از خاطر ما می‌زداید.

«امام هشتم»

فکرِ سالم، قوی و متمرکز در چگونگی زیارت، اثر فراوانی دارد؛ همان‌گونه که جمع نبودن حواسّ و تشتّت فکری مانع توجّه کامل می‌شود.

نه‌تنها گناه بلکه بعضی از کسالت‌های جسمی ـ مانند کم‌کاری کلیه و... ـ و نیز غلبهٔ یکی از «**هشت طبع**»[3] اثر زیادی در تشتّت فکر دارد.

در صورتی که انسان بتواند به زیارت کامل بپردازد و زائر واقعی «**امام هشتم**» علیه‌السلام باشد، «**هشت باب بهشت**» به روی او گشوده خواهد شد و می‌تواند در «**هشت بستانِ بهشت**»[4] بیارامد.

---

۱. خاتون هفت قلعه: ستارهٔ زهره.

۲. طالیقون یا هفت‌جوش: فلز محکمی است که از ترکیب هفت فلز ساخته می‌شود، آن‌ها عبارتند از: طلا، نقره، مس، قلع، سرب، آهن و روی.

۳. هشت طبع عبارتند از: حار، بارد، یابس، رطب، حار رطب، حار یابس، بارد رطب و بارد یابس.

۴. هشت بستانِ بهشت، کنایه از هشت رتبهٔ بهشت است که عبارتند از: خُلد، دار السلام، دار القرار، جنّت عدن، جنّة المأوی، جنّة النعیم، علّیّین و فردوس.

برای این‌گونه افراد حتّی «**هشت گنج**»[1]، کوچکترین اهمیّت و ارزشی ندارد.

«نُه فلک»

همان‌گونه که گفتیم افلاکیان نیز از ماورای «**نُه فلک**» پر می‌گشایند و «**نُه سپهر نیلی**» و «**نُه طارم کبود**»[2] را پشت سر می‌گذارند و به سوی سرزمین طوس روی می‌آورند.

«معصوم دهم»

آنان «**معصوم دهم**» حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام را زیارت نموده و همچون خلایقِ دیگر بوسه بر خاک عنبرین بارگاه «**دهمین مقام عصمت**» می‌زنند.

«یازده اختر فروزان»

کسی که با اعتقاد به مقام امامت حضرت امام رضا علیه‌السلام، آن بزرگوار را زیارت نماید، به **یازده اخترِ** دیگر امامت نیز اعتقاد دارد؛ زیرا برخی از فرقه‌هایی که در روزگاران قدیم در شیعه پیدا شده و امامان بعد از حضرت امام رضا علیه‌السلام را قبول نداشتند همه نابود شده و از میان رفته‌اند.

«امام دوازدهم»

الآن همهٔ کسانی که حضرت امام رضا علیه‌السلام را به عنوان امام زیارت می‌کنند، شیعیان «**دوازده امامی**» هستند و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امامان دیگر تا حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه را به عنوان «**دوازده امام**» معتقدند و در هر زمان که توفیق شامل حالشان شود به زیارت این بزرگواران می‌روند.

اگرچه در برخی از ماه‌ها مانند ماه رجب، ذی القعده و ماه صفر سیلِ جمعیّت برای

---

۱. هشت گنج، نام گنج‌های هشتگانهٔ خسرو پرویز است که عبارت بودند از: گنج فردوس، گنج بادآورد، دیبهٔ خسروی، گنج افراسیاب، گنج سوخته، گنج خضراء، گنج شاه‌آور و گنج بارد.

۲. در قدیم هفت ستارهٔ معروف: زهره، مشتری، مرّیخ و... را دارای هفت فلک می‌دانستند و قائل به دو فلک دیگر (فلک اطلس و فلک الأفلاک) نیز بودند، مجموع آن‌ها را نُه فلک، نُه سپهر نیلی و نُه طارم کبود می‌نامیدند.

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام بسیار بیشتر از ماه‌های دیگر روانهٔ مشهد مقدّس می‌شود، ولی با اینهمه در تمامی دوران سال و در همهٔ «**دوازده ماه**» هجوم جمعیّت برای زیارت امام رضا علیه‌السلام که قبلهٔ دل‌ها و کعبهٔ آمال و آرزوها است همچنان ادامه دارد.

«سیزده بار» هدایت و رحمت

زائرین محترم باید به این نکته توجّه داشته باشند که در زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام اخلاص داشته باشند و قصد زیارت آن بزرگوار را با سیاحت و «**سیزده‌بدَر**» توأم نکنند. اگرچه گاهی سیاحت بر اساس شرع لازم است ولی مسافرت به قصد «**سیزده‌بدر**» از خرافاتی است که هوسرانی‌ها و دست‌های بیگانه آن را پشتیبانی و تقویت می‌کند.

از نظر دین اسلام، عدد «**سیزده**» نحس نیست تا انسان بخواهد به وسیلهٔ مسافرت آن را از خانه و کاشانهٔ خود خارج سازد.

خداوند در قرآن، کلمهٔ نحس را یک بار آورده است؛ ولی هدایت و رحمت (هدی و رحمة) را «**سیزده بار**» تکرار فرموده است.

نحس‌بودن در صورتی است که زائر، زیارت را با تفریحات غیر سالم همراه نماید. این‌گونه زیارت از نظر شرع، نحس و پلید است. ولی آنان‌که سفر به کنار دریا را کنار نهاده و با کوله‌بار امید به سوی بارگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام روانه می‌شوند، شاهد امواج خروشان دریای بیکران مهر و عنایت حضرت امام رضا علیه‌السلام خواهند بود.

«چهارده معصوم علیهم‌السلام»

بنابراین باید توجّه داشته باشیم سیاحت‌هایی را که خلاف شرع است رها ساخته و با زیارت‌های غیر خالصانه، خدا و «**چهارده معصوم**» علیهم‌السلام را از خود ناراضی نسازیم.

باید این نکتهٔ مهمّ را از یاد نبریم که برخی از زمان‌ها و مکان‌ها از خصوصیّت‌ها و ویژگی‌های مهمّی برخوردارند که با در نظر داشتن آن‌ها انسان می‌تواند مشکلات

بزرگی را برطرف نماید. اهمیّتی که شب قدر و برخی از شب‌های دیگر و نیز برخی روزها و ماه‌ها دارا هستند، روشن و آشکار است.

می‌گویند در «**شب چهاردهم**» هر ماه، ساعتی وجود دارد که دعا در آن هنگام مستجاب است. با از دست‌دادن این زمان‌ها، فرصت‌های بزرگی را از دست می‌دهیم.

همچنین مکان‌هایی چون بارگاه نورانی حضرت امام رضا علیه‌السلام دارای آثار و عظمت‌های مهمّی است که ما با توجّه نداشتن به آن و یا با نیّت‌های غیر خالص در زیارت، این فرصت‌های مهمّ را از دست می‌دهیم و به آنچه خدا و «**چهارده معصوم**» علیهم‌السلام می‌خواهند عمل نمی‌کنیم.

الفبایی دربارهٔ حرم و آداب زیارت [1]

آستان قدس رضوی، **آرامش**بخش **آفریدگانِ آفریدگار**، و پناهگاه **آشنا** و بیگانه است. مردم در همهٔ **آفاق**، شوق زیارت این بارگاه را دارند؛ و **آرزو** دارند از **آبِ** حیات سقّاخانهٔ حرم، جرعه‌ای بنوشند.

اذن ورود به حرم مطهّر **امام** رضا علیه‌السلام، **اشک** شادی را در دیدگان شیفتگان **ارض اقدس** جاری می‌سازد و **اُنس** با آن حضرت را در **انسان افزایش** می‌دهد.

در این **بارگاه**، **باران** رحمت **بر** همهٔ کسانی که از **برّ** و **بحر** آمده‌اند می‌بارد و **بزرگ** و کوچک را در **بوستان** ولایت و **باغ** ملکوتی خویش پذیرایی می‌کند.

این سرزمین، **پناهگاه** همگان است؛ **پارسایانِ پاکدل** و نیز **پیر** و بال سوختگان **پریشان**حال را **پذیرا** می‌شوند و راه **پیشرفت** و **پرواز** را به همه می‌آموزند.

گنبد زیبا و **تابناک** حرم، انسان را به **تماشا** وامی‌دارد و **توجّه** او را به خود جلب می‌کند؛ گویی به او می‌آموزد که قبل از **تشرّف** به حرم، قدری **تأمّل** نموده و درس **توبه** بیاموزد تا بتواند در حضور حضرت امام رضا علیه‌السلام از **تبلیس** ابلیس در امان

---

۱. در این قسمت هر یک از حروف الفباء به ترتیب، به وسیلهٔ کلمه‌ای که در اوّل آن قرار گرفته‌اند، هشت بار ـ به نام امام هشتم علیه‌السلام ـ تکرار شده‌اند.

مانده و راه **تقوا** را برای همیشه پیشه سازد.

باید به رأفت و مهربانی حضرت **ثامن** الحجج علیهم‌السلام اطمینان داشته باشیم و با **ثبات** قدم در این عقیده به **ثنا**گویی آن حضرت پرداخته تا بر **ثواب** و **ثمرهٔ** زیارت خود بیفزاییم و با زیارتی که همراه با معرفت و شناخت است نام ما در زمرهٔ بهترین زائران امام هشتم علیه‌السلام از **ثری** تا **ثریّا**، **ثبت** شود.

در **جوار** حضرت امام رضا علیه‌السلام باید از**جاذبهٔ** ولایت آن بزرگوار بهره‌مند شویم و روح و**جان** خود را با**جلوه‌های** رحمانی **جلا** داده و **جرعه**نوش**جام** ولایت و**جان**نثار آن حضرت باشیم.

باید از**چشمه**سار شفابخش حرم که برتر از**چشمهٔ** خورشید است بهره‌مند گشته و **چنان** در**چمن**زار ولایت جای گیریم که **چشم** از جهان پوشیده و با**چابکی** برای **چاره**جویی و فرار از ظلمت به نور ولایت**چهارده** معصوم علیهم‌السلام پناهنده شویم.

در**حرم** امام هشتم علیه‌السلام به**حمد** و ستایش خداوند پرداخته و ظهور**حجّت** الهی امام عصر ارواحنا فداه را خواستار شویم و برای فرارسیدن «دولت کریمهٔ امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف»[1] و **حکومت** آن بزرگوار، دست به نیایش بلنده نموده تا با ظهور و **حضور** آن **حضرت**،**حجاب** غیبت از میان برداشته شود و مردم از **حیرت** نجات یابند.

مشهد مقدّس نقطهٔ آمال **خلایق** است،**خادمان** حرم دست به سینه ایستاده‌اند و **خوشحالی** در سیمای زائران امام هشتم علیه‌السلام موج می‌زند، سیل **خروشان خلق** با حاجت‌ها و**خواسته‌های** گوناگون به سوی حرم سلطان **خراسان** روی می‌آورند. ای کاش؛ همه**خواستار** ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه می‌بودند.

پنجرهٔ فولاد، **درمانگاه درماندگان** بی‌پناه است. مردم با**دخیل** شدن به آن، به **دعا** و توسّل می‌پردازند و هر لحظه منتظر خروش **دریای** رحمت حضرت امام رضا علیه‌السلام

---

۱. نام کتابی است از مؤلّف، پیرامون شکوفایی عقل و اندیشه، پیشرفت دانش و بینش، توسعهٔ اقتصادی و... در حکومت آیندهٔ جهان با نکته‌های تازه، مهمّ و حیاتی.

هستند تا با نگاه و **دلجویی** آن حضرت، **دلِ** شکستهٔ آنان شاد شده و با حاجت رواشده از **دولت**سرای آن بزرگوار بازگردند.

زائرانِ بااخلاص با **ذوق** تمام به زیارت می‌پردازند و سعی می‌کنند **ذهاب** و رفت و آمد مردم، فکر و **ذهن** آنان را مشوّش نکند و با توسّل به حضرت امام رضاعليه‌السلام دل از **ذهب** و فضّه شسته، به **ذکر ذات** پاک الهی مشغول شده و یاد خداوند **ذوالجلال** را **ذخیرهٔ** آخرت خویش قرار می‌دهند.

رأفت و مهربانی حضرت امام **رضا** عليه‌السلام با زائرین، **روان** انسان **را** شاد می‌سازد و جلوه‌های **رحمانی** در آن **روضهٔ رضوان**، آموزندهٔ طریق خلوص و **روزنه‌ای** برای خودسازی ـ نه خودستایی ـ است.

در **زیارت** حضرت امام رضا عليه‌السلام **زر** و **زیور زائران** نفعی ندارد؛ همان‌گونه که **زهدِ زاهدان** ریاکار بی‌ارزش است. در حرم امام هشتم عليه‌السلام **زنده**دلانی که در **زورق** ولایت نشسته و با قطرات اشکی که با اخلاص می‌ریزند، امواج عظیم رأفت آن حضرت را به خروش می‌آورند و کاملاً مورد توجّه قرار می‌گیرند.

در حرم امام هشتم عليه‌السلام **ژنرال‌های** لشکر و **ژنده‌پوشان** کشور با یک دید نگاه می‌شوند. حضرت امام رضا عليه‌السلام از **ژرفای** افکار همه آگاهند و به آنان‌که **ژست** و قیافهٔ خود را آراسته و نیز به **ژولیدگان** زبان‌بسته با **ژرف‌بینی** نگریسته و از اعماق قلب همه خبر دارند، و در این میان آنان که قلبی بس روشن‌تر از **ژنراتورهای** قوی دارند مورد عنایت و توجّه خاصّ واقع می‌شوند هرچند **ژنده‌پوش** باشند.

برخی از زوّار بهترین **سوغات سفر** خود را آبی که از **سقّاخانه** برداشته‌اند می‌دانند، گویا که کوثر و **سلسبیل**، **سرچشمهٔ** آنند و یا... آنان با نوشیدن جرعه‌ای از جام آن، بر حضرت **سیّدالشهداء** عليه‌السلام **سلام** و درود می‌فرستند و خدا را بر این نعمت **سپاس** می‌گویند.

درب این بارگاه همیشه به روی همه گشوده است و مردم با گرفتن **شفا** و سایر

حاجت‌های خود، **شاهد** رأفت و مهربانی امام رئوف می‌شوند و بـه **شکـرانـهٔ** آن، بـه درود و صلوات می‌پردازند. و در هر **شهر** و دیار با هیجان و **شادی**، جریان **شفایابی** را حکایت می‌کنند و به این **شیوه** همه را **شیفتهٔ** این بارگاه می‌نمایند.

صاحبدلانی که از **صحن‌ها** گذشته و **صادقانه** به حرم مطهّر حضرت امام رضـا علیه‌السلام مشرّف می‌شوند، می‌دانند که در طول **صدها** سال هر جـایگاه ایـن بـارگاه، قـدمگاه حضرت **صاحب** الزمان عجّل الله تعالی فرجه است و با **صدق** و **صفا**، **صورت** بر این خاکِ پاک نهاده و بوسه بر آن می‌زنند.

هر روز در کنار **ضریح ضامن** آهو و در هر **ضلع** و گوشهٔ حرم، هزاران نفر مهمان و **ضیفِ** امام رضا علیه‌السلام هستند. نور و **ضیاء** معنوی آن بارگاه، **ضمیر** و باطن آنان را پاک و بهشت را برای‌شان **ضمانت** می‌کند و نام‌شان در طومار بهشتیان ثبت و **ضبط** می‌گردد.

طایران قدسی که بر ایوان **طلا** می‌نشینند، می‌دانند که **طاق** کسـریٰ در بـرابـر آن، مخروبه‌ای بیش نیست. کوه **طور** با آنهمه جلالت، شکوه و **طمطراق** شـهر **طـوس** را ندارد. کبک و تیهو بلکه هر پرنده و **طیفور**، آرزوی **طوف** سقّاخانه‌اش را می‌کند.

برخی از **ظاهرپرستان** نـیز مـی‌دانـند: **ظـفرمندی ظـفرمندانِ** مـعنویّت و صـاحبان **ظرفیّت**، در **ظلّ** عنایت صاحب این بقعه و بارگاه به مرحلهٔ **ظهور** رسیده است و با نگاه آن حضرت، **ظرف** دل را از **ظلمت** و تاریکی رها ساخته‌اند.

صحن **عتیق** با سقّاخانهٔ زیبایی کـه دارد یـاد **عـلمدار** کـربلا حـضرت ابـوالفـضل **علیه** السلام و شدّت **عاطفهٔ** آن حضرت را در خاطره‌ها زنده می‌سازد، چگونه سقّای دشت کربلا با شدّت **عطش** از خوردن آب در روز **عاشورا** امتناع ورزیده و تا جان در بدن داشتند **علَم** را در دست داشته و با **عمّال** ابن زیاد لعنه الله جنگیدند.

همه از **غریب‌نوازی** امام **غریب** علیه‌السلام آگاهند و می‌دانند که آن حضرت **غمگسار غریبان** هستند، **غبار غم** را از قلب آنان می‌زدایند؛ به گونه‌ای که فریاد و **غریو** شادی از قلب **غمزدگان** برمی‌خیزد.

فرَج و ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه و **فتح** و ظفر را در این بارگاه از خداوند بخواهید، و **فرجام** نیک را در این مکان بدست آورید تا به دریای **فضایل** و **فیوضات** راه بیابید و با توسّل به امام رئوف علیه‌السلام برای نجات از **فریب فتنه‌های فراوان** آخرالزمان و دوران تیرهٔ غیبت دعا کنید.

شهر مقدّس مشهد به **قداست** معروف است، زائرین و مجاورین آن دیار مقدّس باید **قدر** و احترام آن را نگه دارند و تلاش کنند که ریشهٔ فساد و گناه در آن شهر **قطع** گردد. مبادا زنان و مردان از **قانون** شرع تجاوز کرده و با**قیافه‌های** غیرمشروع **قد** و **قامت** خود را در منظر دید دیگران **قرار** دهند.

کفشداران پاک‌دل این بارگاه ـ**که** اظهار ملال نمی‌کنند ـ**کلید** داران گنجینه‌های قرب هستند. آنان به **کاروان** جویندگان **کمال** خوشآمد می‌گویند و**کامیابان کوکب** صبح را ارج نهاده و در راه خدمتگزاری به زوّار از هر **کوششی** دریغ نمی‌ورزند.

گلدسته‌های حرم، **گمشدگان** راه را هدایت می‌کنند و با قد کشیده و استوار خود، **گرفتاران گوشه‌نشین** و کهنسالان قدخمیده را درس امید و ثبات قدم آموخته و به همه می‌آموزند که **گشوده‌شدن گره‌های** کور در این آستان، در **گرو** ایمان و یقین است، از یأس و سرافکندگی **گریزان** و همچون ما سربلند باشید.

لطف و کرم حضرت امام رضا علیه‌السلام زبانزد خاصّ و عامّ است، همه می‌توانند از این بارگاه، **لالهٔ لاهوتی**، **لؤلؤ لالا** یا **لعل** گهربار بگیرند. کلید دنیا و آخرت در دستان حضرت امام رضا علیه‌السلام است، هر **لحظه** امیدوار باشید و یأس و ناامیدی را ـ که **لشکر** نفس و شیطان است ـ شکست دهید.

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام **مشکل**‌گشای همه و **مایهٔ** امید **مردم** هر **مرز** و بوم است. آنان که با ایمان و یقین به این بارگاه **مشرّف می‌شوند**، به امید و آرزوی خود رسیده و **مدال** افتخارِ لطف و عنایت حضرت امام رضا علیه‌السلام را بر سینه **می‌زنند**.

در این زمان **نقّاره‌خانهٔ** حضرت امام رضا علیه‌السلام، هنگام طلوع و غروب خورشید را به

اطّلاع مردم می‌رساند؛ ولی روزی فرا می‌رسد که **ناگهان ناکامی‌ها**، **ناگواری‌ها** و... به پایان می‌رسد و از آن مکانِ مرتفع **ندای** ﴿**نَصْرٌ** مِنَ اللهِ وَفَتْحٌ قَرِيب﴾، بلند می‌شود. آن روز، **نوبت نیک** فرجامانِ جهان است.

با توجّه، **وارد** حرم مطهّر شوید؛ تا می‌توانید از هنگام **ورود** تا **وقت** خروج، حالت حضور در خدمت حضرت امام رضا علیه‌السلام را رعایت کنید، از **وهم**، خیال **و وسوسه** بپرهیزید. از آن بزرگوار بخواهید شما را برای خدمتگزاری به مقام **والای ولایت** اهل بیت علیهم‌السلام موفّق نمایند.

همای رحمت حضرت امام رضا علیه‌السلام بر سر **همگان** سایه می‌افکند و **همهٔ** زوّار از الطاف بیکران و **همایونی** آن امام **هُمام** بهره‌مند می‌گردند؛ به این جهت در **هنگام** زیارت، حواسّ خود را جمع نموده و **هشیار** باشید و **همواره** متوجّه آن حضرت بوده و مواظب باشید فکر شما به این سو و آن سو جلب نشود.

همیشه به **یاد** داشته باشید: پیامبران الهی و اولیاء خدا با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، به کمک دین خدای **یکتا** و **یگانه** پرداخته‌اند. از امام هشتم علیه‌السلام طلب **یاری** کنید و با **یقین** از آن حضرت بخواهید شما را از **یاران** و **یاوران** امام عصر ارواحنا فداه قرار دهند تا در صف **یاری**کنندگان دین خدا باشید.

چند نکتهٔ دیگر

از حکمتِ زیارت بگذریم که این، از آنِ مردان خدا است. «**عنقا را بلند است آشیانه**» و «**سیمرغ دیگر است و سی مرغ دیگر**»، و سخن گفتن از آن برای برخی ملال‌آور است.

گاهی انسان بر اثر بی‌توجّهی و یا کم‌توجّهی و مخلوط شدن نیّت‌ها و انجام برخی از کارهای ناپسند، ثواب اعمالی را که خداوند کریم در قرآن مجید بارها آن را با لفظ‌های گوناگون آورده است از دست می‌دهد و از حکمت مهمّ آن ـ که به دست آوردن ارتباط با خدا و اهل بیت علیهم‌السلام است ـ بی‌بهره می‌ماند.

آنان‌که حیا و حجاب را رعایت نمی‌کنند، آنان‌که مواظب دیدگان خود نیستند، آنان‌که از موسیقی‌های ... دست برنمی‌دارند و... باید بدانند: آنان‌که «سی لحن باربد»[1] را گوش می‌کردند سرانجام سر به تیرهٔ خاک بردند، اینان هم که موسیقی را با «همراهِ» خود تا کنار ضریح **حضرت امام رضا** علیه‌السلام همراهِ خود می‌برند و...، نیز سرانجام خواهند مرد و نه از خسرو اثری خواهد ماند و نه از پرویز! و در زیر لحد باید از سی لحن باربد و یا ... پاسخ دهند.

آیا سزاوار است انسان از گوشه و کنار ایران یا جهان، راه‌های طولانی را برای زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بپیماید ولی به خاطر انجام این‌گونه کارها، جلالت و عظمت و زیبایی بارگاه نورانی آن حضرت را درک نکند و دلش در بند دیگران و امور دیگر باشد؟!

متأسّفانه وهّابیّت برای از بین بردن ارزش و اهمیّت زیارتِ اهل بیت علیهم‌السلام تلاش می‌کند و می‌خواهد عظمت و ارزش زیارت را از نظر زائرین نابود کرده و یا حداقل کم‌رنگ نماید. یکی از مؤثّرترین راه‌های آن‌ها برای رسیدن به این هدف، ترویج از زیارت‌هایی است که همراه با انجام کارهای ناپسند می‌باشد.

آن‌ها از یک سو مردم را به مسافرت‌های غیر سالم تشویق می‌کنند و از سوی دیگر می‌خواهند عظمت مقام اهل بیت علیهم‌السلام را در نظر مردم کم‌رنگ نمایند. آن‌ها در پنهان‌سازی مقام اهل بیت علیهم‌السلام وارث و بازماندهٔ بنی‌امیّه و بنی‌العبّاس و نشخوار کنندهٔ خوراک شیطانی معاویه و عمرو عاص هستند.

هر چه آنان بکوشند که نام و یاد خاندان وحی علیهم‌السلام را از قلب و زبان مردم بزدایند ولی خداوند خود فضیلت و جلال این خاندان را برای مردم آشکار می‌سازد. بهتر است در ارتباط با این گفتار، کلامی از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بیاوریم:

---

۱. سی لحن باربد: چند سرود است که باربد ـ موسیقی‌دان معروف دورهٔ ساسانی ـ برای خسروپرویز می‌نواخت و آن‌ها را می‌خواند.

گفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام
دربارهٔ کارشکنی‌های دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

الحمد لله الّذي حفظ منّا ما ضيّع الناس، ورفع منّا ما وضعوه حتّى لقد لُعِنّا على منابر الكفر ثمانين عاماً، وكتمت فضائلنا، وبذلت الأموال في الكذب علينا، والله تعالى يأبى لنا إلاّ أن يعلى ذكرنا، ويبيّن فضلنا، والله ما هذا بنا، وإنّما هو برسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله **وقرابتنا منه حتّى صار أمرنا وما نروي عنه أنّه سيكون بعدنا من أعظم آياته ودلالات نبوّته.**

سپاس خداوندی را که نسبت به ما حفظ کرد آنچه را که مردم ضایع و تباه ساختند و نسبت به ما بالا برد آنچه را آن‌ها پست نمودند تا آنجا که بر منابر کفر هشتاد سال ما را لعن نمودند و فضائل ما را کتمان کردند و مال‌ها برای دروغ بستن بر ما مبذول داشتند، خداوند تبارک و تعالی نپسندید برای ما و نخواست جز اینکه شأن ما والا و فضل ما ظاهر گردد، و به خدا قسم این نه بخاطر ما بلکه بخاطر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرابت و خویشاوندی ما با وی بود، تا آنکه امر ما و آنچه از او روایت می‌کنیم پس از ما از بزرگترین آیات و نشانه‌های نبوّت او خواهد شد.[1]

کارگزاران وهّابیّت باید بدانند کارشکنی‌های معاویه و... و نقشه‌های شوم آن‌ها برای پنهان ساختن فضایل اهل بیت علیهم‌السلام از جهاتی ده‌ها برابر کارشکنی‌های وهّابیّت در این زمان بوده است؛ ولی سرانجام آن‌ها سر به تیرهٔ خاک برده و آرزوهای خود را به گور بردند و هر روز نام خاندان وحی علیهم‌السلام درخشان‌تر شد.

سرانجامِ کارگزاران وهّابیّت نیز این‌گونه است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۶۲/۲، بحار الأنوار: ۱۴۲/۴۹.

بمب‌گذاری در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام

اکنون که از دستان آلودهٔ وهّابیّت ـ که پدیدهٔ پلید یهود عنودند ـ سخن به میان آمد، سزاوار است به مناسبت بمب‌گذاری در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در ظهر روز عاشورای سال ۱۴۱۵ هـ‌ق برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۷۳ هـ‌ش مطالبی را بیان کنیم؛ تا همه بدانیم این‌گونه اعمال ناشایسته، با نقشه‌های پیش‌ساختهٔ دشمنان اسلام انجام می‌گیرد.

دستانِ به خون آلودهٔ وهّابیّت با فعّالیّت فراوان در جهان، به مقابله با تشیّع پرداخته و با خیال خام خود برای شکست و نابودی شیعیان، دستور اربابان یهودی خود را اجرا می‌کنند، غافل از آن‌که نقشه‌های آنان نقش برآب خواهد شد و سرانجام نتیجهٔ رفتارشان را سراب خواهند دید.

آنان به خوبی می‌دانند از صدر اسلام، یهودیانی که به شدّت به مقابله با اسلام پرداختند و افرادی چون ابوسفیان و ابوجهل و... را برای نابودی اسلام با خود همگام ساختند، با شکست روبرو شدند؛ نه‌تنها آنان بلکه کسانی که لباس اسلام پوشیدند و در پوشش نفاق ضربه به ریشهٔ اسلام زدند اگرچه در میان امّت اختلاف افکندند و بسیاری را گمراه ساختند، ولی سرانجام شمار شیعیان همواره روزافزون شد و ـ با همهٔ نقشه‌های شوم دشمنان ـ همچنان رو به افزایش است تا روزگاری که شیعیان بر سراسر جهان حکومت کنند و دمار از روزگار دشمنانِ گمراه برآورند و آنان را به دیار عدم رهسپار سازند.

توجّه داشته باشیم که تعداد مسلمانان جهان را در هنگام شهادت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هفت میلیون نفر برآورد کرده‌اند که در جریان سقیفه افرادی که بر پیروی و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام باقی ماندند از تعداد انگشتان دست هم کمتر بود، ولی با همهٔ تلاش‌ها و کوشش‌ها و نقشه‌های فراوان برای نابودی شیعیان، اکنون نزدیک به

یک سوّم مسلمانان را شیعیان جهان تشکیل می‌دهند و سرانجام دین تشیّع سراسر جهان را فرامی‌گیرد.

گروهی مأموریّت‌یافته، چگونه می‌توانند دینی را که خداوند خود پشتیبان آنست از میان بردارند؟ مگر نه این است که خدا وعده داده است دین خود را بر تمامی ادیان جهان پیروز گرداند؟

چرا افراد ناآگاه را ـ که شستشوی مغزی شده و از اندیشه‌های سالم دور گشته‌اند ـ برای ویران ساختن مکان‌های مقدّس و یا به شهادت رساندن شیعیان اجیر می‌کنند؟!

آیا مزدوران خودفروخته نمی‌دانند که هر چند با انفجار بمب، درِ و دیوار حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام آسیب دید، ولی علاقه و محبّت دوستان خاندان وحی علیهم‌السلام همچنان بیشتر شد و کانون شور و شوقِ آتشین آنان شعله‌ورتر گشت؟! به گونه‌ای که حاضرند هرچند با چنگ و دندان، این فریب‌خوردگان بدفرجام را پاره پاره نموده تا اثری از آنان در صحنهٔ گیتی باقی نماند. و نه‌تنها این مزدورانِ گمراه بلکه آنان را که به گمراه ساختن این ابلهان کوته‌فکر می‌پردازند، نابود سازند.

این حقیقتی است که حتّی بسیاری از دستان ناشناخته بلکه اربابان آنان نیز قبول دارند.

آنان به خوبی می‌دانند همان‌گونه که ابوسفیان‌ها و ابوجهل‌ها و معاویه‌ها و عمروعاص‌ها نتوانستند دین خدا را سرنگون سازند، این عنکبوتان جدید نیز نمی‌توانند با تنیدن تارِ سست و بی‌بنیاد خود، بنیانِ محکم و استوار تشیّع را ویران کنند.

آری؛ این نکته‌ای است که آنان آن را به خوبی می‌دانند.

آیا بمب‌گذار حرم را می‌شناسید؟!

نکته‌ای دیگر نیز هست که باید همهٔ شیعیان، پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام به آن توجّه داشته باشیم:

هر چند ما با شور و شوق، درِ و دیوار و زمین حرم را می‌بوسیم؛ هر چند ما با تمام وجود از کسانی که به در و دیوار حرم آسیب رساندند متنفّر و بیزاریم، اگر پاسداری از حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به عهدهٔ ما نیست و ما توان آن را نداریم، ولی حراست و پاسداری از حرم خدا ـ که حرم اهل بیت علیهم‌السلام نیز هست ـ وظیفهٔ ما است.

هر انسانی که به خداوند ایمان آورده و به مقام ولایت معصومین علیهم‌السلام ارج می‌نهد باید در حفظ این حرم بکوشد و با پاسداری و حراست از حرم، آن را از هر گونه آسیب و گزند حفظ نماید.

خداوند بزرگ پاسداری از این حرم را به عهدهٔ همه گذارده است و از تمامی آن‌ها خواسته است که تا حدّ قدرت و توانِ خود در حفظ این حرم بکوشند.

در سخنان خاندان وحی علیهم‌السلام در این باره بسیار تأکید شده و همواره دربارهٔ عظمت، اهمیّت و بزرگداشت این حرم هشدار داده‌اند و بر آنان‌که اهمیّتی به آن نمی‌دهند سخت برآشفته‌اند و شیفتگان خدمت‌گذاری به آن حرم را بسیار نواخته‌اند.

آیا می‌دانید آن حرم، کدام حرم است که هر فرد باایمان باید در آن، راه داشته باشد؟

آیا می‌دانید آن حرم، کدام حرم است که همه باید در پاسداری آن بکوشند و آن را از آسیب و بمب‌گذاری حفظ و حراست نمایند؟

آیا می‌دانید آن حرم، کدام حرم است که هر انسانی باید با پاسداری از آن، بیگانگان را در آن راه ندهد؟ اگر نشانی از آن حرم به خاطر نمی‌آورید از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جویا شوید تا شما را با آن حرم آشنا کنند.

علاّمهٔ مجلسی در «بحار الأنوار» از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمودند:

القلب حرم الله فلاتُسْكِنْ في حرم الله غير الله.[1]

قلب، حرم خداوند است؛ پس در حرم خدا، غیر خدا را جای نده.

و نیز در روایت بسیار مهمّ دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

ناجی داود ربّه فقال: إلهي لكلّ ملك خزانة، فأين خزانتك؟
قال جلّ جلاله: لي خزانة أعظم من العرش، وأوسع من الكرسيّ، وأطيب من الجنّة، وأزين من الملكوت:
أرضها المعرفة، وسماؤها الإيمان، وشمسها الشوق، وقمرها المحبّة، ونجومها الخواطر، وسحابها العقل، ومطرها الرحمة، وأثمارها الطاعة، وثمرها الحكمة.
ولها أربعة ابواب: العلم والحلم والصبر والرضا؛ ألا وهي «القلب».[2]

داود با خدای خود مناجات کرد و گفت: خدای من؛ هر پادشاهی خزانه‌ای دارد خزانهٔ تو کجاست؟
خداوند جلّ جلاله فرمود: برای من خزانه‌ای است که از عرش، باعظمت‌تر و از کرسی، وسیع‌تر و از بهشت، پاکیزه‌تر و از ملکوت، بازینت‌تر است:
زمینِ آن، معرفت و آسمان آن، ایمان و خورشید آن، شوق و ماه آن، محبّت و ستارگان آن، خطورها و ابر آن، عقل و باران آن، رحمت و میوه‌های آن، طاعت و نتیجهٔ آن، حکمت است.
و برای آن، چهار درب است: علم، حلم، صبر و رضا؛ آگاه باش که آن، قلب است.

همان‌طور که دیدیم از قلب، به حرم خداوند و باعظمت‌تر از عرش الهی و... تعبیر شده است. اگر از این حرم به خوبی پاسداری نموده و در احترام و اهمیّت آن کوشش نماییم، در حرم **حضرت امام رضا** علیه السلام پذیرفته شده و در آن بارگاه باعظمت، پذیرایی معنوی می‌شویم.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۵/۷۰.
۲. بحار الأنوار: ۵۹/۷۰.

پس توجّه داشته باشیم که چگونه قلب ما باید با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در ارتباط باشد.

ما باید قلب خود را پاک کنیم، بیگانگان را در آن جای ندهیم، از هر مالی استفاده نکنیم، به هر صدایی گوش ندهیم، به هر منظره‌ای ننگریم و حرمت حرم یا قلب خود را حفظ کنیم تا چشم باطنی ما بینا و گوش باطنی ما شنوا گردد. کسی که این‌گونه باشد می‌تواند از پذیرایی‌های معنوی در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برخوردار گردد.

بنابراین ما باید از این حرم پاسداری نموده و به آن ارج نهیم. اگر ما از نفس و هواهای نفسانی خود پیروی کنیم، در راه انهدام و نابودی این حرم گام برداشته‌ایم. اگر کردار، گفتار و افکار ما بر اساس فرموده‌های اهل بیت علیهم‌السلام نباشد و به گناه و خطاکاری بپردازیم؛ اگر دست از آنچه مورد تحریم شرع قرار گرفته برنداریم، **اعمال ناپسند ما همچون بمبی است که در حرمِ خدا یا قلب خود منفجر می‌کنیم.**

همچنان‌که انفجار بمب در حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه‌السلام **ما را سخت افسرده ساخت، باید توجّه داشته باشیم که گناهان ما نیز همانند بمب‌هایی است که با آن به تخریب قلب خود ـ که باید حرم الهی باشد ـ می‌پردازیم.**

ما همان‌گونه که از عامل بمب‌گذاری در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام متنفّر و او را یک فرد خودفروخته و خائن می‌دانیم، باید بدانیم که نفس ما ـ که ما را وادار به تخریب قلبمان می‌سازد ـ بزرگترین دشمن ما می‌باشد؛ همان‌طور که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

أعدىٰ عَدوّك نفْسِك الّتي بيْن جَنْبَيْك.[1]

دشمن‌ترین دشمنِ تو، نفس تو است که همراه توست.

به این نکتهٔ مهمّ باید توجّه کنیم که ممکن است چنان انسان را غفلت فرابگیرد که خدا را فراموش نموده و در اثر آن، خود را نیز فراموش نماید.

خداوند می‌فرماید:

---

۱. بحار الأنوار: ۶۴/۷۰.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾.[1]

نباشید مانند کسانی که خدا را فراموش کردند، پس خداوند هم خود آنان را از یادشان برد.

اگر انسان این‌گونه باشد ممکن است جرم و جنایات دیگران را به خوبی درک کند و با آب و تاب آن را برای دیگران آشکار سازد، امّا از جرم و جنایت خود نه‌تنها دم نمی‌زند بلکه اصلاً متوجّه آن نشده و خود را مجرم نمی‌داند تا درصدد علاج آن برآید. این‌گونه افراد در جهل مرکّب گرفتارند و نمی‌دانند که نمی‌دانند.

اگر انسان این‌گونه باشد ممکن است از بمب‌گذاری در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و جاهای دیگر آزرده شود، ولی چون خود را فراموش کرده است از بمب‌گذاری و تخریبی که همواره بر قلب خود وارد می‌سازد کاملاً بی‌توجّه و از آن اطّلاعی نداشته باشد. قلبی که باید حرم خدا و جایگاه جانشینان او باشد، منزل دیوان و شیاطین گشته است. به این جهت هر چه بیشتر بر قلب خود آسیب وارد کند از آن بی‌خبرتر و دورتر می‌شود.

چون مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به شیعیان دستور می‌دهد که شیعه باید دشمن‌شناس باشد، ما نه‌تنها باید دشمنان خارجی را بشناسیم بلکه نفس امّارهٔ خود را نیز که دشمن‌ترین دشمنان ما هست، بشناسیم و بدانیم آنچه بیش از همه بر ما ضربه می‌زند دشمن خارجی نیست، بلکه آن، نفسِ انسان است که گاهی دشمن خارجی را نیز در قلب او جای می‌دهد.

در این صورت، **انسان مهمّترین تخریب و بمب‌گذاری را در قلب خود و در وجود خویش انجام می‌دهد ولی ـ همان‌طور که خداوند فرموده است ـ آن را فراموش کرده و توجّهی به آن ندارد.**

پس ما نه‌تنها باید از دشمن خارجی و وسوسه‌ها و تبلیس ابلیس و نقشه‌ها و تدلیس انگلیس و حیله‌ها و مکّاری‌های آمریکا باخبر باشیم، بلکه از دشمن داخلی و نفس امّارهٔ خویش نیز برحذر باشیم.

---

۱. سورهٔ حشر، آیهٔ ۱۹.

حال که دانستیم ما با گناه و کارهای خلاف، بمب‌گذار حرم و قلب خود هستیم، این را نیز بدانیم که اگر مردم از اوّل تا به حال، اهل بیت علیهم‌السلام را تنها نمی‌گذاردند و به گرد آنان جمع می‌شدند، نوبت به بمب‌گذاری مکان‌های مقدّس نمی‌رسید که بیگانگان دست به این جنایت‌های بزرگ بزنند.

همان‌طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دربارهٔ امام عصر عجّل الله تعالی فرجه فرمودند:

صاحب هذا الأمر الشرید الطرید الفرید الوحید.[1]

صاحب این امر (اظهار ولایت و قدرت در سراسر عالم هستی) رانده‌شده، دورشده، تنها و تک می‌باشد.

اگر جامعهٔ ما در این گناه بزرگ ـ که طرد امام زمان عجّل الله تعالی فرجه است ـ شرکت نداشت، چگونه خیانتکاران می‌توانستند دست به این جنایت زده و به حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام آسیب وارد نمایند؟ پس ما هر چند از کردار و اعمال آن‌ها بی‌زاریم ولی به جای این‌که ما فدایی امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و سایر اهل بیت علیهم‌السلام باشیم، با کناره‌گیری و غفلت از آنان سدّ راه دشمنانشان نشدیم، و راه را برای وارد شدن آنان بازگذاردیم!

در نتیجه دشمنان دین، به ایجاد و تقویت فرقه‌های وهّابی، بهائی و... پرداختند و با کمک دستان ناشناخته، برای رسیدن به اهداف پلید خود گام برداشتند.

هاخام‌های یهود با خیال خام خود برای نابودی دین الهی کوشش می‌کنند ولی غافل از اینکه خدایی که میلیاردها میلیارد ستارگان فروزان را آفریده، خود وعده داده است که سرانجام، خورشید عالم آفرینش حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه **را به یاری دین می‌فرستد و با نابودی تار و پود دشمنان، تارهای تنیدهٔ‌شان از هم گسسته و نابود می‌شوند.**

آنان اگر به پندار خود به برخی از هدف‌های شوم خود دست یابند ولی سرانجام کوس رسوایی آن‌ها در سراسر گیتی نواخته خواهد شد.

دستان‌ناشناخته و خودفروخته فقط سیاهی زاغ و زغن را دیده‌اند و به همان بسنده

---

۱. بحار الأنوار: ۱۲۰/۵۱.

کرده‌اند و چون گوش شنوا ندارند از هزاران آوای هَزاران[1] یکی را هم نشنیده‌اند.

ای کاش؛ آنان می‌دانستند که مدّت‌شان کوتاه و مهلت‌شان رو به پایان است. ای کاش؛ آنان می‌توانستند بفهمند: پایان شب سیه، سفید است و سرانجام سیاهی شب به پایان می‌رسد و انوار پرفروغ حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه **سراسر جهان را روشن می‌سازد...**

راهنمایی حضرت امام رضا علیه‌السلام
دربارهٔ شناخت افراد

متأسّفانه این‌گونه افراد ممکن است در ظاهر به صورت دوست و... در میان مردم جا باز کنند و در باطن نقشه‌های دشمن را پیاده کنند. به این جهت، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به همگان سخت هشدار داده‌اند که همه باید افراد را درست بشناسند و گول ظاهر فریبندهٔ افراد را نخورند. به این دو روایت توجّه کنید:

۱ ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام از امام سجّاد علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

> اگر شخصی را دیدید که باوقار و خوشرفتار است، در گفتارش به عبادت و پارسائی تظاهر می‌کند و در حرکاتش فروتنی می‌نماید تأنّی کنید، مبادا شما را بفریبد، چه بسا کسی که در برابر دنیا و ارتکاب محرّمات ناتوان است به خاطر ضعف نیّت و پستی و ترسش، پس دین را دامی برای دنیا قرار می‌دهد و همواره مردم را با ظاهر آراسته می‌فریبد، اگر قدرت بر حرامی پیدا کند به آن هجوم می‌آورد.
>
> و اگر دیدید که او از حرام خودداری می‌کند باز هم تأنّی کنید، مبادا شما را بفریبد؛ چرا که خواسته‌ها و تمایلات خلق متفاوت است؛ چه بسا کسی که از مال حرام هر چند زیاد باشد دوری می‌کند ولی خود را به کارهای زشت دیگر وامی‌دارد، اگر زشت را هم بیاید به حرام سراغ او می‌رود.

---

۱. هَزاران جمع هَزار: بلبل و عندلیب.

و اگر دریافتید که از آن هم دوری می‌کند باز تأنّی کنید، مبادا شما را بفریبد تا میزان عقلش را بنگرید، چه بسیار کسانی هستند که می‌توانند همهٔ آن بدی‌ها را ترک کنند امّا به عقل متین و استوار رجوع نمی‌کنند، لذا آنچه را به خاطر جهل و نادانی‌اش تباه می‌سازد بیشتر است از آنچه با عقلش آن را اصلاح می‌کند.

حال اگر عقلش را متین یافتید باز تأنّی کنید مبادا شما را بفریبد تا بنگرید: آیا به همراهی هواهایش برخلاف عقلش عمل می‌کند، یا به همراهی عقلش بر خلاف هواهایش عمل می‌کند و اینکه علاقه‌اش به ریاست‌های باطل چگونه است؟ و آیا نسبت به آن بی‌اعتنا هست یا نه؟ چرا که در میان مردم کسانی هستند که خسر الدنیا والآخرتند؛ یعنی دنیا و آخرت هر دو را بر باد می‌دهند، دنیا را بخاطر دنیا رها می‌کنند و می‌پندارند که لذّت ریاست باطل بیش از لذّت اموال و نعمت‌های مباح و حلال است، لذا همهٔ آن‌ها را رها می‌کنند به خاطر رسیدن به ریاست باطل.

﴿وَإِذٰا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللهَ اَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْاِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهٰاد﴾.[1]

«و زمانی که به آن‌ها گفته شود: از خدا بترسید غرور و لجاجت آن‌ها را به گناه کشاند، برای آن‌ها آتش دوزخ کافی است و بد جایگاهی است».

پس او همچون شتری که جلو خود را نبیند ـ یعنی بدون بصیرت ـ گام برمی‌دارد و او را اوّلین باطل به سوی دورترین هدف‌های زیانکاری می‌کشاند و بعد از آنکه طلب کرد آنچه را که قدرت بر آن ندارد پروردگارش او را در طغیانش کشاند، پس او آنچه را خدا حرام ساخته حلال دارد و آنچه را خداوند حلال ساخته حرام دارد و باکی ندارد به آنچه از دینش از دست رود در صورتی که ریاستش که به خاطر آن، شقی و بدبخت گردیده سالم بماند.

آن‌ها همان کسانی هستند که خدا بر ایشان غضب کرده و مورد لعن خویش قرار

---

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۶.

داده و بر ایشان عذاب خوارکننده‌ای آماده ساخته است.

ولی مرد، مرد کامل و مرد خوب کسی است که هوا و خواسته‌هایش را تابع امر خدا گردانیده و توانش را در راه خدا بذل نماید، خواری به همراه حق را نزدیکتر به عزّت جاوید و همیشگی ببیند از عزّت در باطل، و بداند ضرر و زیان کم دنیا و سختی اندکی را که تحمّل می‌کند او را به نعمت پایدار در سرای جاودان و فناناپذیر می‌رساند، ولی سرور و شادمانی فراوان دنیا که بر اثر پیروی هواهای نفسانی بدست آورده او را به عذاب پیوسته‌ای که هرگز زایل نمی‌گردد می‌کشاند.

این است مرد واقعی و مرد خوب، به او بپیوندید و به روش او اقتدا کنید و به وسیلهٔ او به سوی پروردگارتان توسّل جویید؛ زیرا که دعای او رد نمی‌گردد و نسبت به خواسته‌اش ناکام و ناامید نمی‌شود.[1]

دوستان منافق

۲ ـ حسن بن علیّ خزّاز گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

در میان کسانی که مودّت و دوستی ما اهل بیت را به خود می‌بندند کسانی هستند که **فتنه‌انگیزی آنان برای شیعیان ما از دجّال بیشتر است**.

عرض کردم: با چه وسیله و از چه راهی؟

فرمود: **با ارادت نشان دادن و دوستی کردن با دشمنان ما و دشمنی کردن با دوستان ما؛ زیرا هرگاه چنین شود حقّ و باطل آمیخته می‌گردد و امر مشتبه می‌شود، در نتیجه مؤمن از منافق شناخته نمی‌شود.**[2]

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۳۱۱/۷.
۲. وسائل الشیعة: ۴۴۱/۱۱.

عظمت حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام
در کلام آن بزرگوار

قبل از آنکه به بیان ثواب زیارت امام هشتم علیه‌السلام بپردازیم، اندکی دربارهٔ عظمت حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و بارگاه نورانی آن حضرت، توضیح می‌دهیم؛ تا هنگام زیارت توجّه داشته باشیم که به چه جایگاهی گام نهاده‌ایم، تا در آستان مقدّس **حضرت امام رضا** علیه‌السلام هر چه بهتر و بیشتر خود را در برابر و در حضور آن بزرگوار ببینیم:

در این بارگاه، همیشه اولیاء خدا از ملائکه و... حضور دارند. **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

هذه البقعة روضة من رياض الجنّة، ومختلف الملائكة، لا يزال فوج ينزل من السماء وفوج يصعد إلى أن ينفخ في الصور.[1]

این بقعه و بارگاه، باغی از باغ‌های بهشت و محلّ رفت و آمد فرشتگان است؛ همواره گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند تا هنگامی که صور دمیده شود.

همهٔ فرشتگان در برابر آن حضرت می‌ایستند و تا آن بزرگوار اجازهٔ نشستن به آن‌ها ندهند به زمین نخواهند نشست.

در این‌باره، روایت جالبی از حضرت امام جواد علیه‌السلام وارد شده که با این کلام ارتباط دارد: از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

یکی از اصحاب **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مریض شد، آن حضرت به عیادت او رفت و فرمود: چگونه تو را می‌یابیم (در چه حالی هستی)؟

عرض کرد: بعد از شما مرگ را ملاقات کردم (مقصودش شدّت بیماری و سختی و درد و ناراحتی بوده است).

امام علیه‌السلام فرمود: مرگ را چگونه دیدار کردی؟

---

۱. مستدرك الوسائل: ۳۵۷/۱۰.

عرض کرد: بسیار سخت و دردناک.

فرمود: مرگ را دیدار نکرده‌ای بلکه چیزی که تو را آگاه کند و بعضی از احوال مرگ را به تو نشان دهد دیدار کرده‌ای، مردم نسبت به مرگ دو نوعند: **گروهی با مردن راحت می‌شوند، و گروهی با مردن آن‌ها دیگران راحت می‌شوند**؛ پس ایمان به پروردگار و ولایت ما اهل‌بیت را تازه‌کن تا از نوع اوّل باشی و راحت شوی.

آن شخص به دستور امام علیه‌السلام عمل کرد، سپس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ این‌ها فرشتگان پروردگارند که با درود و احترام و هدایا آمده‌اند، بر شما سلام می‌کنند و در پیش‌روی شما ایستاده‌اند، به آن‌ها اجازه دهید که بنشینند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: ای فرشتگان پروردگار من؛ بنشینید.

سپس به آن مریض فرمود: از این فرشتگان بپرس: آیا به آن‌ها دستور داده شده که در حضور من بایستند؟

مریض گفت: از آن‌ها پرسش نمودم، جواب دادند که اگر همهٔ فرشتگانی که خدا آفریده است در پیشگاه شما حاضر شوند همگی خواهند ایستاد و هرگز نمی‌نشینند تا به آن‌ها اجازه دهی، و خداوند به آن‌ها این‌گونه دستور داده است.[1]

حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ همان‌گونه که آن حضرت فرموده‌اند ـ همواره، جایگاه رفت و آمد ملائکه است.

بدیهی است که دربار همهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام از این عظمت برخوردار می‌باشند و فرشتگانْ همه مأمور به خضوع و تواضع نسبت به تمامی معصومین علیهم‌السلام می‌باشند. نه‌تنها فرشتگان، بلکه پیامبران اولوا العزم الهی نیز از مقام و منزلت آن بزرگواران آگاه بوده و در گرفتاری‌های بسیار سخت خداوند را به حقّ این بزرگواران خوانده و نجات یافته‌اند.

---

۱. الدعوات: ۲۴۸.

توسّل به اهل بیت علیهم‌السلام

شیخ صدوق به سند خود از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

چون حضرت نوح در معرض غرق شدن قرار گرفت، خدا را به حقّ ما خواند و خدا او را از غرق شدن رهانید، و چون حضرت ابراهیم در آتش رها شد خدا را به حقّ ما خواند و خدا برای او آتش را سرد و سلامت ـ یعنی بدون ضرر و آسیب ـ قرار داد، و چون حضرت موسی عصا را به دریا زد خدا را به حقّ ما خواند و خدا آن را خشک قرار داد، و چون حضرت عیسی در خطر کشته‌شدن به دست یهودیان قرار گرفت خدا را به حقّ ما خواند و از کشته‌شدن نجات یافت و خدا او را بسوی خود بالا برد.[1]

همان‌گونه که پیامبران الهی در سختی‌ها خدا را به نام اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواندند، ما نیز وظیفه داریم در مشکلات و گرفتاری‌های خود که مهمّترین و سخت‌ترین آن‌ها غیبت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه می‌باشد، به آن بزرگواران متوسّل شویم و خداوند را به نام آنان بخوانیم.

در روایت دیگر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرموده‌اند:

هرگاه دچار گرفتاری و مشکل سختی شدید، در پیشگاه الهی به واسطهٔ ما یاری بجوئید، خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿**وَلِلّٰهِ الْأَسْمٰاءُ الْحُسْنىٰ فَادْعُوهُ بِهٰا**﴾[2].

برای خدا نام‌هائی نیکو است، او را با آن‌ها بخوانید.

و امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

به خدا قسم؛ ما آن نام‌های نیکوی پروردگار هستیم که خداوند جز با معرفت ما از کسی چیزی نمی‌پذیرد.[3]

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۳۰۲/۱۹، وسائل الشیعة: ۱۱۴۳/۴. (احادیث در این مورد بسیار فراوان است و دعاهائی که از آن بزرگواران صادر گشته بر آن دلالت دارد، زیرا در آن‌ها توسّل به ایشان زیاد وارد شده است).

۲. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۸۰.

۳. جامع أحادیث الشیعة: ۲۹۷/۱۹.

توسّل به این بزرگواران در همه جا پسندیده است و بدیهی است که اگر در حرم آن بزرگواران به آنان متوسّل شویم، اثر بسیار زیادتری خواهد داشت؛ همان‌گونه که نماز خواندن در حرم‌های معصومین علیهم‌السلام از آثار و ثواب‌های بسیار بیشتری برخوردار است.

فضیلت نماز در حرم ائمّه علیهم‌السلام

مرحوم محدّث قمی نوشته است: عالم جلیل و فقیه بی‌بدیل، شیخ خضر شلال رحمه‌الله در مزار خود فرموده:

از دلیل‌های عقلی و نقلی استفاده می‌شود که نماز در حرم حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و همچنین حرم‌های سایر ائمّه علیهم‌السلام افضل است از نماز در مسجد الحرام که فضیلت نماز در آن برابر هزار نماز در جای دیگر است، با آنکه نماز در مسجد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برابر ده‌هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود.[1]

بدیهی است که مجاورین محترم و زائرین گرامی وظیفه دارند حقّ دیگران را نیز رعایت نمایند.

آنچه تاکنون گفتیم راجع به حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و سایر معصومین علیهم‌السلام بود. باید به این نکته توجّه داشته باشیم که برخی از شهرها دارای ویژگی‌هایی می‌باشند.

به این دو روایت توجّه کنید:

فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس

۱ـ امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

أربعة بقاع ضجّت إلى الله أيّام الطوفان: البيت المعمور فرفعه الله والغري وكربلاء وطوس.[2]

---

۱. هديّة الزائرين وبهجة الناظرين: ۱۹۰.

۲. بحار الأنوار: ۳۹/۱۰۲ ح ۳۸.

در ایّام طوفان ـ که در دوران حضرت نوح علیه‌السلام واقع شد ـ چهار بقعه و سرزمین به درگاه خداوند ضجّه زدند و فریاد برآوردند: بیت المعمور که خدا آن را بالا برد، نجف، کربلا و طوس.

این روایت، صراحت دارد که سرزمین طوس مانند نجف و کربلا دارای ویژگی می‌باشد.

صاحب کتاب «وافی» فرموده است: ضجّهٔ این سرزمین‌ها به سوی خداوند این بوده که بر اثر طوفان کسی وجود نخواهد داشت تا روی این زمین‌ها خداوند را عبادت کند. به خاطر این جهت، خداوند آن‌ها را محلّ دفن اولیاء خود قرار داد.

اوّلین محلّی که در این زمین مقدّس بنا شد «سناباد» بود که اسکندر ذوالقرنین ـ صاحب سدّ ـ آن را ساخت و تا زمان بناء شهر طوس دائر بود.[1]

۲ ـ در روایت دیگری دربارهٔ فضیلت سرزمین طوس چنین وارد شده است: داود بن قاسم جعفری گوید: از حضرت محمّد بن علی الجواد علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

إنّ بين جبلي طوس قبضة قبضت من الجنّة، من دخلها كان آمناً يوم القيامة من النّار.[2]

میان دو کوه طوس، قطعه‌ای است که از بهشت گرفته شده است؛ کسی که به آنجا وارد شود در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن است.

از این دو روایت استفاده می‌شود: علاوه بر عظمت و اهمیّت حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، شهر طوس نیز دارای عظمت و احترام است و زائرین و مجاورین محترم باید به این نکته توجّه داشته باشند و احترام این سرزمین را رعایت کنند.

پس از بیان مطالب گذشته، جریان جالبی دربارهٔ دعا و توسّل در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل می‌کنیم و سپس به نتیجه‌گیری از آن می‌پردازیم:

---

۱. عجائب زيارة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۵.

۲. وسائل الشيعة: ۴۳۶/۱۰.

دعا در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام

ابوالعباس احمد بن محمّد حاکم گوید: از عامر بن عبدالله ـ که حاکم «مرو رود» و از راویان حدیث بود ـ شنیدم که می‌گفت:

به مشهد **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در طوس رفتم، مردی ترک زبان را دیدم که وارد بارگاه **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شد و در قسمت بالای سر امام ایستاد و شروع کرد به گریستن و به ترکی دعا می‌کرد و می‌گفت: پروردگارا؛ اگر پسرم زنده است بین من و او جمع نما و اگر مرده است مرا از خبر او آگاه فرما.

من با لغت ترکی آشنا بودم و فهمیدم چه می‌گوید و چه حاجتی دارد، به او گفتم: ای مرد؛ تو را چه شده است؟

گفت: پسری داشتم که در جنگ اسحاق‌آباد همراه من بود، او را گم کرده‌ام و خبری از او ندارم و مادری دارد که همواره بر او گریه می‌کند، من اینجا برای این مطلب دعا می‌کنم؛ زیرا شنیده‌ام **دعا در این حرم مستجاب است**.

گفت: دلم به حالش سوخت، دستش را گرفتم و او را بیرون آوردم تا در آن روز از او پذیرایی کنم، چون از مسجد گوهرشاد خارج شدیم جوان بلندقامتی که تازه مو بر گونه‌اش روئیده بود و لباس وصله‌داری بر تن داشت به ما برخورد کرد، تا چشم آن مرد به او افتاد به سویش دوید، با او معانقه کرد و گریست و هر کدام دیگری را شناخت، و او پسرش بود که کنار مرقد پاک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از خداوند می‌خواست که او را و یا خبرش را به وی برساند.

گفت: از او پرسیدم: چگونه به اینجا آمدی؟

گفت: بعد از جنگ اسحاق‌آباد به طبرستان رفتم، مردی از اهل دیلم مرا به خانه‌اش برد و پرورش داد و اکنون که به این سن رسیده‌ام به دنبال پدر و مادرم که خبرشان بر من پوشیده بود به راه افتادم و همراه گروهی که به این سو می‌آمدند رهسپار شدم تا به اینجا رسیدم.

آن مرد ترک‌زبان گفت: از آنچه در این حرم برای من آشکار شد یقین من به این

مکان کامل شد و محکم گردید و سوگند یاد نمودم که از این صحن و سرا و از این بارگاه تا وقتی که زنده‌ام جدا نشوم. و حمد و ستایش مخصوص خداوند است در آغاز و انتها و آشکار و نهان، و درود و سلام بر محمّد مصطفی، آن پیامبر برگزیده و خاندان پاک او باد.[1]

ای کاش؛ می‌دانستیم که نه‌تنها آن جوان و افرادی چون او، بلکه ما همه گم شده‌ایم؛ زیرا از امام خود دور شده و آن حضرت را نمی‌یابیم و در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و سایر ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام برای یافتن منجی عالم بشریّت امام زمان عجّل‌الله تعالی فرجه دست به دعا و توسّل بلند می‌کردیم.

«هشت» روایت از معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ ثواب زیارت امام هشتم علیه‌السلام

تاکنون نکته‌هایی را دربارهٔ حرم و بارگاه **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بیان نمودیم و اینک هشت روایت از روایاتی را که دربارهٔ ثواب زیارت امام هشتم **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام می‌باشد، نقل می‌کنیم:

روایت اوّل:

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است که فرمود:

سیدفن بضعة منّي بأرض خراسان لایزورها مؤمن إلّا أوجب الله عزّوجلّ له الجنّة، وحرّم جسده علی النّار.[2]

به زودی پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد، هیچ مؤمنی او را زیارت نمی‌کند مگر اینکه خداوند بهشت را برایش واجب گرداند و جسد او را بر آتش حرام فرماید.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۹۲/۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۵۸/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۶/۱۰.

روایت دوّم:

نعمان بن سعد گوید: امیر مؤمنان حضرت علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام فرمود:

سيقتل رجل من ولدي بأرض خراسان بالسمّ ظلماً، إسمه إسمي وإسم أبيه إسم ابن عمران موسى.

ألا فمن زاره في غربته غفر الله تعالى ذنوبه ما تقدّم منها وما تأخّر، ولو كانت مثل عدد النجوم، وقطر الأمطار، وورق الأشجار.[1]

به زودی یکی از فرزندانم را در سرزمین خراسان از روی ظلم و ستم با سمّ به شهادت می‌رسانند، نام او نام من و نام پدرش نام پسر عمران (موسی) است.

آگاه باشید؛ هر کس او را در شهر غربت زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد؛ گرچه به تعداد ستارگان و قطرهٔ باران‌ها و برگ درختان باشد.

روایت سوّم:

قبیصة بن جابر گوید: از بازماندهٔ اوصیاء و وارث علم پیامبران، ابوجعفر محمّد بن علی، امام باقر علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

سرور عبادت‌کنندگان، از پدرش سرور شهیدان، و او از پدرش سرور اوصیاء امیر مؤمنان علیهما‌السلام، و آن حضرت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است که فرمود:

ستدفن بضعة منّي بأرض خراسان، ما زارها مكروب إلّا نفّس الله كربته، ولا مذنب إلّا غفر الله ذنوبه.[2]

به زودی پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن شود، هیچ اندوهناکی او را زیارت نکند مگر آنکه اندوهش برطرف شود، و هیچ گناه‌کاری او را زیارت نکند مگر آن‌که گناهش آمرزیده شود.

روایت چهارم:

حمزة بن حمران گوید: امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۲/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۵/۱۰.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۱/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۵/۱۰ و ۴۳۷.

يقتل حفدتي بأرض خراسان في مدينة يقال لها«طوس»، من زاره إليها عارفاً بحقّه أخذته بيدي يوم القيامة فأدخلته الجنّة وإن كان من أهل الكبائر.

نوه‌ام را در خراسان در شهری بنام «طوس» بـه شـهادت مـی‌رسانند، هـر کس او را زیارت کند در حالی‌که معرفت به حقّ آن حضرت داشته باشد روز قیامت دست او را گرفته وارد بهشت می‌کنم؛ گرچه از اهل گناهان کبیره باشد.

عرض کردم: شناخت حقّ آن حضرت، چگونه تحقّق پیدا می‌کند؟ فرمود:

يعلم أنّه إمام مفترض الطاعة شهيد، من زاره عارفاً بحقّه أعطاه الله تعالى له أجر سبعين ألف شهيد ممّن استشهد بين يدي رسـول الله صلى الله عليه وآله عـلى حقيقة.[1]

بداند که او امامی است واجب الإطاعة (یعنی اطاعت او بر همگان واجب است)، و (او) شهید و شاهد (اعمال مردم) است، هر کس او را با این مـعرفت زیـارت کـند خداوند به او پاداش هفتاد هزار شهید از شهیدانی که در رکاب رسول خدا صلى الله عليه وآله به شهادت رسیده‌اند مرحمت فرماید.

روایت پنجم:

سلیمان بن حفص مروزی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمود:

إنّ إبني عليّ مقتول بالسم ظلماً ومدفون إلى جنب هارون بطوس، مـن زاره كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله.[2]

فرزندم علی به وسیلهٔ سمّ از روی ظلم و ستم کشته شود و در طوس کنار هارون دفن گردد، هر کس او را زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله را زیارت کرده باشد.

روایت ششم:

سلیمان بن حفص مروزی گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم که فرمود:

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۶۳/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۵/۱۰، بحار الأنوار: ۳۵/۱۰۲ح ۱۷ و ۱۹.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۶۴/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۸/۱۰.

من زار قبر ولدي عليّ كان له عند الله تعالى سبعون حجّة مبرورة.

هر کس قبر فرزندم علی را زیارت کند، برای او نزد خداوند تبارک و تعالی ثواب هفتاد حجِّ نیکو باشد.

عرض کردم: هفتاد حجّ؟

فرمود: آری؛ و هفتاد هزار حجّ، سپس فرمود:

ربّ حجّة لاتقبل، ومن زاره أو بات عنده ليلة كان كمن زار الله تعالى في عرشه.

چه بسیار حجّی که پذیرفته نگردد، و هر کس او را زیارت کند یا شبی نزد او بماند مانند کسی است که خداوند تعالی را در عرشش زیارت کند.

عرض کردم: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کند؟!

فرمود: آری؛ وقتی روز قیامت شود چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش خداوند باشند؛ از پیشینیان نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام و از پسینیان محمّد، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام باشند، سپس ریسمان سنجش اعمال کشیده شود، پس زوّار قبور امامان با ما بنشینند.

آگاه باشید که بالاترین آنان از جهت رتبه و درجه، و بهترین آنان از جهت عطا و بخشش، زائرین قبر فرزندم علی می‌باشند.[1]

روایت هفتم:

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: امام جواد علیه‌السلام فرمود:

ضمنت لمن زار أبي بطوس عارفاً بحقّه الجنّة على الله تعالى.[2]

من بهشت را برای کسی که پدرم را در طوس زیارت کند و به حقّ آن حضرت معرفت داشته باشد ضمانت می‌کنم.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۳/۲، بحار الأنوار: ۳۵/۱۰۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۵۹/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۵/۱۰ و ۴۳۷، بحار الأنوار: ۳۷/۱۰۲.

روایت هشتم:

حضرت عبدالعظیم حسنی روایت کرده و گفته است که از امام هادی علیه السلام شنیدم فرمود:

أهل قم وأهل آبة مغفور لهم، لزيارتهم لجدّي عليّ بن موسى الرضا علیه السلام بطوس. ألا ومن زاره فأصابه في طريقه قطرة من السماء حرّم الله جسده على النّار.[1]

اهل قم و اهل آبه گناهان‌شان آمرزیده شده است؛ چون جدّم **علیّ بن موسی الرضا** علیه السلام را در طوس زیارت می‌کنند.

بدانید که هر کس او را زیارت کند و در مسیر راه قطره‌ای باران به او برسد، خداوند جسدش را بر آتش حرام گرداند.

«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام
دربارهٔ ثواب زیارت آن حضرت

روایت اوّل:

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از **حضرت امام رضا** علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

من زارني على بُعد داري، أتيته يوم القيامة في ثلاث مواطن حتّى أُخلّصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً وشمالاً، وعند الصراط، وعند الميزان.[2]

هر کس مرا با دور بودن مزارم زیارت کند، روز قیامت در سه جایگاه به دیدار او می‌روم و از سختی‌ها و وحشت‌ها او را می‌رهانم: (یکی) هنگامی که پرونده‌ها را به دست راست یا چپ آنان می‌دهند، (دوّم) هنگامی که می‌خواهند از صراط عبور کنند، (سوّم) در کنار میزان و هنگام سنجش اعمال.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۶۴/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۸/۱۰، بحار الأنوار: ۳۸/۱۰۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۵۸/۲، وسائل الشیعة: ۴۳۳/۱۰.

روایت دوّم:

شخصی از اهل خراسان به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ در خواب، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را زیارت کردم؛ گویا به من فرمود:

چه حالی خواهید داشت هنگامی که پارهٔ تن من در سرزمین شما دفن شود، امانت من به شما سپرده شود، و ستارهٔ من در زمین شما پنهان گردد؟

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

أنا المدفون في أرضكم، وأنا بضعة نبيّكم، فأنا الوديعة والنجم.
ألا ومن زارني وهو يعرف ما أوجب الله تبارك وتعالى من حقّي وطاعتي فأنا وآبائي شفعاؤه يوم القيامة، ومن كنّا شفعآئه نجى ولو كان عليه مثل وزر الثقلين الجنّ والإنس.

منم آن دفن‌شونده در سرزمین شما، و پارهٔ تن پیامبرتان، و منم آن امانت و آن ستاره.

آگاه باشید که هر کس مرا زیارت کند در حالی‌که حقّی را که خدا برای من واجب نموده بشناسد و به طاعت من ملتزم باشد، من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم اهل نجات و رستگاری خواهد بود؛ گرچه گناهانی مانند گناهان جنّ و انس بر عهدهٔ او باشد.

سپس فرمود: پدرم از جدّم و او از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که مرا در خواب زیارت کند در واقع مرا زیارت کرده است؛ زیرا هرگز شیطان به صورت من یا یکی از اوصیاء و جانشینان من و یا به صورت یکی از شیعیان ایشان هرگز ظاهر نمی‌گردد، و بدون تردید رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء از نبوّت است.[1]

روایت سوّم:

علیّ بن حسن بن فضّال از پدرش روایت کرده است که گفت: از **حضرت علیّ بن**

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۰/۲، بحار الأنوار: ۳۲/۱۰۲، وسائل الشیعة: ۴۳۶/۱۰.

موسی الرضاعلیه‌السلام شنیدم که فرمود:

أنا مقتول ومسموم ومدفون بأرض غربة، أعلم ذلك بعهد عهده إليّ أبي، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب علیهم‌السلام**، عن رسول الله** صلی‌الله‌علیه‌وآله.

ألا فمن زارني في غربتي كنت أنا وآبائي شفعاءه يوم القيامة، ومن كنّا شفعآئه نجى ولو كان عليه مثل وزر الثقلين.[1]

من کشته و مسموم می‌شوم و در سرزمین غربت دفن می‌گردم و آن را می‌دانم به عهدی که پدرم از پدرش، از پدرانش، از علیّ بن ابی‌طالب علیهم‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به من سپرده است.

آگاه باشید و بدانید که هر کس مرا در غربتم زیارت کند من و پدرانم شفیع او در روز قیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد؛ گرچه مانند گناه جنّ و انس بر او باشد.

روایت چهارم:

اباصلت هروی گفت: نزد **حضرت امام رضا**علیه‌السلام بودم گروهی از اهل قم شرفیاب شدند و سلام کردند و امام علیه‌السلام به آن‌ها پاسخ داد و نزدیک خود نشانید و به آن‌ها فرمود:

مرحباً بكم وأهلاً فأنتم شيعتنا حقّاً، وسيأتي عليكم يوم تزوروني فيه تربتي بطوس.

ألا فمن زارني وهو على غسل خرج من ذنوبه كيوم ولدته أُمّه.[2]

مرحبا، خوش آمدید، شما به راستی از شیعیان ما هستید و روزی می‌رسد که شما در آن روز قبر مرا در طوس زیارت می‌کنید.

بدانید هر کس در حالی‌که غسل کرده باشد مرا زیارت کند، از گناهانش خارج شود مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۶/۲، بحار الأنوار: ۳۴/۱۰۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۴/۲، وسائل الشیعة: ۴۴۶/۱۰.

روایت پنجم:

بزنطی روایت کرده است: **حضرت علیّ بن موسی الرضا**علیه‌السلام در نامهٔ مبارکش که آن را قرائت کردم مرقوم فرموده بودند:

أبلغ شيعتي أنّ زيارتي تعدل عند الله ألف حجّة.

به شیعیانم ابلاغ کن که زیارت من نزد خدا پاداشی معادل هزار حجّ دارد.

بزنطی گوید: به حضرت جواد الأئمّه علیه‌السلام عرض کردم: ثواب هزار حجّ دارد؟ فرمود:

بلکه بخدا قسم ثواب هزار هزار (یعنی یک میلیون) حجّ دارد برای کسی که با معرفت به حقّ آن حضرت، او را زیارت کند.[1]

روایت ششم:

عبدالسّلام بن صالح گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

إنّي سأُقتل بالسمّ مظلوماً وأُقبر إلى جنب هارون الرشيد ويجعل الله عزّ وجلّ تربتي مختلف شيعتي وأهل محبّتي، فمن زارني في غربتي وجبت له زيارتي يوم القيامة.

والّذي أكرم محمّداً بالنّبوة واصطفاه على جميع الخليقة لايصلّي أحد منكم عند قبري إلاّ استحقّ المغفرة من الله عزّ وجلّ يوم يلقاه.

والّذي أكرمنا بعد محمّدصلی‌الله‌علیه‌وآله **بالإمامة، وخصّنا بالوصيّة، إنّ زوّار قبري أكرم الوفود على الله عزّ وجلّ يوم القيامة، وما من مؤمن يزورني فتصيب وجهه قطرة من الماء إلاّ حرّم الله جسده على النّار.**[2]

همانا من به زودی با زهر جفا مظلومانه کشته می‌شوم و در کنار قبر هارون دفن می‌شوم و خداوند مرقد مرا محلّ رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می‌دهد، هر

---

۱. وسائل الشيعة: ۴۴۴/۱۰، بحار الأنوار: ۳۳/۱۰۲.

۲. وسائل الشيعة: ۴۳۹/۱۰، بحار الأنوار: ۳۶/۱۰۲.

کس مرا در غربت زیارت کند بر من واجب می‌شود که او را در قیامت زیارت کنم. سوگند به آنکه محمّد ﷺ را به نبوّت گرامی داشته و او را بر همهٔ آفریدگان برگزیده هیچ یک از شما کنار قبر من نماز نمی‌گزارد مگر آنکه سزاوار آمرزش پروردگار می‌شود روزی که او را ملاقات کند.

و سوگند به آنکه بعد از حضرت محمّد ﷺ ما را به امامت گرامی داشته و به وصایت مخصوص گردانیده که زائرین قبر من گرامی‌ترین کسانی هستند که روز قیامت بر خداوند تبارک و تعالی وارد می‌شوند، و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند در حالی که قطرهٔ آبی بر چهرهٔ او اصابت کرده باشد مگر آنکه خداوند جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

روایت هفتم:

عبدالسّلام بن صالح هروی از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که آن حضرت داخل جایگاهی شد در سرای حمید بن قحطبه که قبر هارون بود، سپس فرمود:

هذه تربتي وفيها أُدفن، وسيجعل الله هذا المكان مختلف شيعتي وأهل محبّتي، والله لايزورني منهم زائر، ولايسلّم عليّ منهم مسلم إلّا وجب له غفران الله ورحمته بشفاعتنا أهل البيت.

اینجا محلّ قبر من است و در اینجا دفن می‌شوم، و خداوند به زودی این مکان را محلّ رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می‌دهد، و به خدا سوگند؛ زائری از آنان مرا زیارت نکند و سلام‌کننده‌ای از آنان بر من سلام نکند مگر آنکه برای او آمرزش خداوند و رحمت او به شفاعت ما اهل بیت واجب گردد.

سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز بجای آورد و دعاهائی خواند و چون فارغ گشت، سجده‌ای طولانی نمود که شمردم پانصد تسبیح در آن گفت و سپس بازگشت.[1]

---

۱. وسائل الشیعة: ۴۳۹/۱۰ و ۱۰۷۳/۴، بحار الأنوار: ۱۹۸/۸۶.

روایت هشتم:

یاسرِ خادم گوید: **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام فرمودند:

لاتشدّ الرحال إلى شيء من القبور إلّا إلى قبورنا. ألا وإنّي مقتول بالسمّ ظلماً ومدفون في موضع غربة، فمن شدّ رحله إلى زيارتي استجيب دعاؤه وغفر له ذنوبه.[1]

بار سفر مبندید به سوی قبری از قبرها مگر قبور ما. بدانید که من مظلومانه با زهر جفا کشته می‌شوم و در محلّ غربت مدفون می‌گردم، هر کس برای زیارت من بار سفر بندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده شود.

در روایاتی که دربارهٔ ثواب زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ و یا سایر اهل بیت علیهم‌السلام ـ نقل شده، از نظر مقدار و کیفیّت ثواب تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای حل شدن اختلافی که از این نظر در روایات وجود دارد به این نکته توجّه نمایید:

همان‌گونه که گفتیم مردم از سراسر عالم به زیارت **حضرت علیّ بن موسی الرّضا** علیه‌السلام می‌شتابند که از نظر فرهنگ و آداب ظاهری و نیز جهات روحی و معنوی تفاوت‌های فراوانی با یکدیگر دارند و این در چگونگی زیارت افراد تأثیر بسیاری دارد.

بدیهی است همان‌گونه که در کیفیّت زیارت زوّار تفاوت‌های زیادی وجود دارد، در ثواب آن‌ها نیز باید تفاوت‌های فراوان وجود داشته باشد. بدیهی است هر کس از نظر اخلاق، رفتار و عقیده، به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نزدیکتر باشد، از ثواب بیشتری برخوردار است.

بنابراین، اختلاف در روایاتی که بیان‌کنندهٔ مقدار ثواب زائرین وجود دارد، به خاطر تفاوتی است که زائرین گرامی در مراحل روحی و چگونگی زیارتی که انجام می‌دهند، دارند.

---

۱. وسائل الشیعة: ۴۴۱/۱۰، بحار الأنوار: ۳۶/۱۰۲.

چه کسانی زیارتشان پذیرفته می‌شود؟

آیا فقط اولیاء خدا زیارتشان پذیرفته می‌شود یا برای گناهکاران نیز راه‌هایی برای پذیرفته‌شدن و قبولی زیارت آنان وجود دارد؟ اگر راه یا راه‌هایی وجود دارد آن‌ها کدامند؟

برای یافتن پاسخ این سئوال، به این نکته توجّه کنید:

آنان‌که دارای قلبی پاک هستند و از حرم باطنی خود (یعنی قلب) پاسداری نموده و با انجام گناهان به بمب‌گذاری در آن نپرداخته‌اند، در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به ضیافت معنوی راه یافته و از توجّهات امام هشتم علیه‌السلام برخوردار می‌شوند و با زیارت قبول‌شده بازمی‌گردند.

ما از آنان التماس دعا داریم و از این افراد می‌خواهیم **در بهترین حالات روحی و معنوی به این نکته توجّه داشته‌باشند که در عصر غیبت هیچ مسأله‌ای به عظمت و اهمیّت فرارسیدن و تعجیل ظهور حضرت بقیّة الله الأعظم** عجّل الله تعالی فرجه **نیست، بنابراین آن را مهمّترین حاجت خود و در سرلوحهٔ همهٔ آن‌ها قرار دهند.**

نکتهٔ مهمّ این است: افرادی که احترام و حرمت قلب را نگاه نداشته و با انجام گناه به آن آسیب وارد ساخته‌اند، چگونه به حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد شوند و با همهٔ کم و کاستی‌ها از عنایات و مهربانی‌های آن امام رئوف برخوردار شوند؟

چگونه ما می‌توانیم با قلبی که به آن آسیب زده‌ایم و چشم و گوش آن را کور و کر ساخته‌ایم، از زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بهره‌مند شده و مورد توجّه و عنایت آن حضرت قرار گیریم؟

چگونه می‌توانیم آثار گناهان را برطرف ساخته و از آن بزرگوار شفای روحی بگیریم؟!

با چه حال و هوایی به زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برویم که با تمام گناهان و آلودگی‌هایمان، نه‌تنها آن حضرت از ما روی نگردانند؛ بلکه زیارت ما را قبول کرده و

به ما توجّه نمایند و ما را مورد لطف و عنایت خود قرار دهند؟

این پرسش بسیار مهمّی است که آگاه‌بودن از جواب آن، نتیجهٔ فراوانی دربر دارد. ما قبل از این‌که پاسخ این سئوال را بیان کنیم توجّه شما را به این جریان جلب می‌کنیم:

«نقل است که روزی فقیری با جامهٔ شوخگین[1] به نزد پادشاهی درآمد، پادشاه از آمدن او روی درهم کشید.

یکی از نزدیکان پادشاه گفت: ای بی‌ادب؛ این مقدار ندانسته‌ای که با جامهٔ شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب است؟!

او در پاسخ گفت: **با جامهٔ شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب نیست، امّا با جامهٔ شوخگین از پیش پادشاهان بیرون رفتن عیب است.**

پادشاه را این سخن خوش آمد و او را به خلعت فراوان و گرانبها مخصوص گردانید.»[2]

در این داستان، آلودگی آن شخص نه‌تنها مانع لطف و کرم پادشاه نشد بلکه به خاطر اعتقادی که به جود و بخشش سلطان داشت سبب شد که از خلعت‌های گرانبها و ویژهٔ پادشاه بهره‌مند شود و با همهٔ آلودگی، پادشاه را از خود شاد و مسرور کند.

نتیجه‌ای که از این داستان می‌گیریم این است: همان‌گونه که گاهی آلودگی‌های ظاهری نه‌تنها مانع لطف و کرم پادشاهان مجازی نمی‌شود، آلودگی‌های ظاهری و باطنی نیز گاهی نه‌تنها مانع جود و بخشش سلاطین واقعی ـ که اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند ـ نمی‌شود؛ بلکه گاهی سبب افزایش و زیادتر شدن لطف آنان نیز می‌شود و این در صورتی است که انسان از راهی وارد شود که بیشتر سبب جلب محبّت و عنایت اهل بیت علیهم‌السلام بشود.

برای رسیدن به این هدف، راه بلکه راه‌هایی مانند واسطه قرار دادن بعضی از اهل بیت علیهم‌السلام ـ مانند حضرت امام جواد علیه‌السلام ـ وجود دارد که وسیلهٔ عنایت بیشتر

---

۱. شوخگین: چرکین.

۲. رک: کشکول امامت: ۳۵۶/۳.

حضرت امام رضا علیه‌السلام می‌گردد.

در اینجا ما راهی را نشان می‌دهیم که از جهتی مناسب‌تر با وضع عموم مردم است. قبل از بیان آن، برای روشن شدن مطلب، مثالی می‌آوریم:

بعضی از افراد، کارشان باربری و حمل و نقل است، آنان بار مردم را بر دوش کشیده و به مقصد می‌رسانند. این‌گونه افراد گاهی آنچنان بارهای سنگین را بر دوش می‌کشند که از گذاردن آن به زمین عاجز می‌مانند و باید به کمک دیگران آن را از دوش خود به زمین بگذارند در حالی‌که بارهای سبک را به راحتی از دوش خود برمی‌دارند. بار گناهان نیز همین‌گونه است؛ انسان گاهی به راحتی می‌تواند توبه کند و خود را از بار گناه نجات دهد، ولی گاهی آنچنان بار گناهان سنگین و کمرشکن است که انسان نمی‌تواند بدون کمک، خود را نجات دهد.

متأسّفانه شاید معمولاً بار گناهان انسان از نوع دوّم باشد که برای نجات و رهایی یافتن از آن باید از راه آن وارد شود.

انسانی که سال‌ها نفس خود را آزاد گذارده و مهار نکرده است و دمادم بر گناهان خود افزوده است؛ انسانی که به عصر غیبت معتاد شده و همیشه در ظلمت بسر برده است؛ انسانی که معتاد به غفلت و دور بودن از امام زمانش شده و خدمتی برای آن حضرت انجام نداده است؛ چگونه می‌تواند بدون کمک و یاری، یک‌باره بار اعتیاد به گناه و غفلت از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه را کنار بگذارد؟!

چگونه می‌تواند با تضمین، پس از یک عمر معتاد بودن به گناه و غفلت، خود را از آن نجات دهد؟!

برای پاسخ به این سئوال، توجّه شما را به جریان مردی که نقل کردیم با جامهٔ آلوده به دربار پادشاه رفت و با همهٔ آلودگی، خلعت گرانبهایی گرفت، جلب می‌کنیم.

اگر ما با پشت خمیده از بار گناه به حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب شویم، اگرچه ناپسند است ولی از این جهت که کار **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بخشندگی و پاکسازی است مهمّ نیست، مهمّ این است که با بار گناه به حرم وارد شویم و

با بار گناه برگردیم.

باید به امام رئوف **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام عرض کنیم:

بار گناه ما آنچنان سنگین و دشوار است که به تنهایی نمی‌توانیم آن را از دوش خود برداریم، نیاز به کمک شما داریم، باید با یاری شما از زیر بار سنگین گناهان خارج شویم.

یقین داشته باشید اگر انسان با تمامی وجود و از اعماق قلب خود ـ نه با لقلقهٔ زبان بلکه با صداقت ـ از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام کمک بخواهد و خود را عاجز از ترک گناه بداند، آن حضرت به یاری او می‌شتابند، بار گناه را از دوش او دور می‌کنند، دست او را می‌گیرند و با دیدگانی پر از مهر و محبّت به او می‌نگرند و با نگاه معجزه‌گر خود او را پاک می‌سازند و در او تحوّل ایجاد می‌کنند.

هرچند **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نیازی به زمینه‌سازی ما ندارند، ولی ما باید برای نجات خود زمینه‌سازی کنیم.

زمینه‌سازی آن، این است که مانند کسانی که خدا را فراموش کرده و خود را از یاد برده و در نتیجه توجّهی به گناهان خویش ندارند وارد حرم نشویم، بلکه درک کنیم که ما به گناه و نافرمانی و به عصر غیبت و غفلت از امام عصر عجّل الله تعالی فرجه خو گرفته و معتاد شده‌ایم و برای نجات از این اعتیاد، نیاز به کمک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام داریم.

در حرم مطهّر به این جرم معتقد باشیم و با صداقت تمام از آن حضرت بخواهیم ما را از هیولای غفلت نجات دهند.

در این صورت نگاه محبّت‌آمیز **حضرت امام رضا** علیه‌السلام قلب تیرهٔ ما را شفا می‌بخشد و در نتیجه به گروه دلیرمردان و شیرزنانی که در میدان جهاد با نفس دلیرانه جنگیده و پیروز گشته‌اند، می‌پیوندیم.

گوشه‌ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام

در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه‌السلام» آمده است: ابراهیم بن عبّاس ـ در توصیف ویژگی‌های والای اخلاقی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ گوید: هرگز ندیدم که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با سخنش کسی را ناراحت نموده و برنجاند.

هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع نماید، بلکه صبر می‌کرد تا صحبت خود را تمام می‌کرد.

هرگز ندیدم نیازمندی را رد کند؛ بلکه به اندازه‌ای که توان داشت او را یاری می‌کرد.

هرگز پاهای خود را در برابر همنشین خود دراز نمی‌کرد و هرگز در برابر همنشین خود، تکیه نمی‌داد.

هرگز ندیدم کسی از غلامان و کنیزان خود را دشنام دهد.

هرگز ندیدم آب دهان بیندازد.

هرگز ندیدم در موقع خنده، قهقهه نماید؛ بلکه خندهٔ آن حضرت، تبسّم و لبخند بود.

وقتی محفل خلوت می‌شد و سفرهٔ غذا را می‌گستردند، همهٔ غلامان خود ـ حتّی دربانان و چارواداران خود ـ را بر سر سفرهٔ خویش می‌خواند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام شب‌ها کم می‌خوابید و بسیار بیداری می‌کشید، بیشتر شب‌ها از اوّل شب تا بامداد، شب‌زنده‌داری می‌کرد.

آن حضرت، زیاد روزه می‌گرفت و هیچ وقت روزهٔ سه روز از هر ماه را ترک نمی‌کرد و می‌فرمود:

ذلك صوم الدهر.

روزهٔ این سه روز، مانند روزهٔ تمام عمر است.

آن حضرت، زیاد کارهای خیر انجام می‌داد، پنهانی صدقه می‌داد، و بیشتر این کارهای خیر را در شب‌های تاریک انجام می‌داد. بنابراین، اگر کسی گمان می‌کند که

در مقام و فضیلت و شخصیّت همانند او را دیده، از او باور نکنید.[1]

هدیهٔ حضرت امام رضا علیه‌السلام

یسع بن حمزة گوید: در مجلس **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب بودم و با آن حضرت گفتگو می‌کردم، مردم فراوانی گرد ایشان جمع شده بودند و از حلال و حرام می‌پرسیدند، در این هنگام مردی بلند قد و گندمگون وارد شد و عرض کرد:

سلام بر شما ای فرزند رسول خدا؛ مردی از دوستان شما و دوستان پدر و اجداد پاک شما هستم، از حجّ بازگشته و زاد و توشه و خرجی خود را گم کرده‌ام و چیزی که مرا یک مرحله پیش ببرد به همراه ندارم، اگر عنایتی کنید و من به شهر خودم برسم، خدا به من نعمت داده است و من هنگامی که به آنجا رسیدم آن مبلغ را از طرف شما صدقه خواهم داد و من سزاوار صدقه نیستم و محتاج و فقیر نمی‌باشم.

امام علیه‌السلام به او فرمود: بنشین خداوند تو را رحمت کند، و رو کرد به مردم و به گفتگوی با آن‌ها پرداخت تا آن‌که کم‌کم متفرّق شدند و تنها او، سلیمان جعفری، خیثمه و من ماندم، در این هنگام امام علیه‌السلام فرمود: به من اجازه می‌دهید که به اندرون وارد شوم؟ و آن‌گاه برخاست و وارد حجره شد و پس از مدّتی خارج شد و پشت در قرار گرفت و دست خود را از بالای در بیرون آورده و فرمود:

آن مرد خراسانی کجاست؟

عرض کرد: بلی، من اینجا هستم.

فرمود: این دویست دینار را بگیر و در راه خوراک و پوشاک و خرجی خود بکار ببر و به آن تبرّک جو و از طرف من لازم نیست صدقه بدهی، و پس از آنکه گرفتی از اینجا بیرون برو تا مرا نبینی و من تو را نبینم.

سپس امام علیه‌السلام خارج شد، سلیمان عرض کرد: فدای شما شوم؛ عنایت فراوانی کردی و محبّت بسیاری نمودی، چرا چهره‌ات را از او پوشاندی؟ فرمود:

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۸۲/۲، بحار الأنوار: ۹۰/۴۹.

ترس آن داشتم که ذلّت سئوال و درخواست را به خاطر برآوردن حاجتش در چهرهٔ او ببینم، آیا این حدیث گرانقدر رسول خدا ﷺ را نشنیده‌ای که فرمود:

المستتر بالحسنة تعدل سبعين حجّة، والمذيع السيّئة مخذول والمستتر بها مغفور له.

آنکه کار نیکوی خود را پنهان می‌کند ارزشی معادل هفتاد حجّ پیدا می‌کند و آنکه کار زشت خود را آشکار می‌کند خوار و مخذول و آنکه آن را بپوشاند آمرزیده شود.

آیا قول پیشینیان را نشنیده‌ای:

متى آتـه يـوماً لأطـلب حـاجة رجعت إلى أهلي ووجهي بمائة[1]

هرگاه روزی برای درخواست حاجتی نزد او رفتم، بسوی اهل و عیالم باز گشتم در حالی که آبرویم محفوظ ماند.

درس حضرت امام رضا علیه‌السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان

بزنطی گوید: روزی خواسته‌ای را برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مطرح کردم، امام علیه‌السلام فرمود:

صبر کن، امیدوارم ان شاء الله خدا برایت انجام دهد، سپس فرمود: به خدا سوگند؛ آنچه خدا برای مؤمن از این دنیا ذخیره کرده، برای او بهتر است از آنچه برایش شتاب کرده و در این دنیا به او رسانیده.

سپس دنیا را حقیر و کوچک جلوه داد و فرمود: دنیا چه چیزی است و چه ارزشی دارد؟

سپس فرمود: همانا دارندهٔ نعمت در موقعیّت سختی قرار دارد، بر او واجب است حقوق الهی را که در اموال او است بپردازد. به خدا سوگند؛ بر من نعمت‌هائی از طرف پروردگار می‌باشد و من همواره به خاطر آن‌ها بیمناکم ـ و دست خود را

۱. بحارالانوار: ۱۰۱/۴۹.

حرکت داد ـ تا آنکه حقوقی که برای خدا در آن‌ها بر من واجب شده خارج کنم.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ شما با این موقعیّت و جایگاه ویژه، از این مطلب نگران هستید؟!

فرمود: بلی؛ پروردگارم را ستایش و سپاس می‌گویم بر نعمت‌هائی که بر من منّت گذاشته است.[1]

سلام و پیام حضرت امام رضا علیه‌السلام به دوستان خویش

شیخ مفید رحمه‌الله در کتاب «الإختصاص» از جناب عبدالعظیم حسنی، و او از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

ای عبدالعظیم؛ دوستانم را از طرف من سلام برسان و به آنان بگو:

راهی برای تسلّط شیطان بر خودشان نگشایند، و به آنان دستور ده به راستگویی در سخن گفتن و اداء امانت، و دستور ده به ساکت بودن و رها کردن جدال در آنچه سودی ندارد، و روی آوردن آنان به سوی همدیگر، و دیدار کردن یکدیگر؛ زیرا که این باعث نزدیک‌شدن به من می‌گردد، و خود را مشغول نسازند به کناره‌گیری از یکدیگر و پراکنده شدن، که من سوگند یاد کرده‌ام هر کس چنین کند و ارادتمندی از ارادتمندان مرا به خشم آورد او را نفرین کنم تا خداوند وی را در دنیا به سخت‌ترین عذاب گرفتار کند و در آخرت از زیانکاران باشد.

و آنان را آگاه کن که خدا نیکوکاران ایشان را می‌آمرزد و از گنهکاران می‌گذرد (مگر کسی که به من شرک ورزد یا دوستی از دوستان مرا اذیّت و آزار نماید) یا در خاطر خود نسبت به او فکر بدی داشته باشد، خداوند چنین کسی را نمی‌آمرزد تا از آن فکر بازگردد، پس اگر بازگشت و توبه کرد راه را یافته است و گرنه روح ایمان را از قلب او می‌گیرد و از تحت سرپرستی من خارج می‌شود و برایش بهره‌ای از ولایت ما نیست و از چنین چیزی به خدا پناه می‌بریم.[2]

---

۱. بحارالانوار: ۱۰۵/۴۹.

۲. مستدرك الوسائل: ۱۰۲/۹ و ۱۴۰.

خدّام حضرت امام رضا علیه‌السلام

امام رئوف **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در آخرین لحظات عمر ـ که در آتش زهر می‌سوختند ـ تمام خدمتگزاران خود را فراخواندند و در کنار سفره با آنان نشستند تا همگی طعام بخورند.

آن حضرت در حیات خود با خدمتگزارانشان مهربانی ویژه‌ای داشتند و الآن نیز به کسانی که به عنوان خدمتگزاری پذیرفته‌اند، توجّه بیشتری دارند.

خدّام **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما‌السلام از نظر آشنایی با اخلاق و رفتار آن حضرت، وظیفهٔ حسّاس‌تری دارند.

این وظیفهٔ خدّام امام رئوف، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است که با آگاهی از این نکته، رأفت و مهربانی آن حضرت را با پذیرایی شایسته و خدمتگزاری به زوّار آن حضرت ادامه دهند.

گرفتار تندی و خشونت ـ که از اخلاق **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نبوده است ـ نشوند و با مهربانی و آرامش، زوّار را پذیرایی و راهنمایی نمایند.

آنان باید نسبت به مقام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام معرفت و آشنایی پیدا کنند و بدانند در چه بارگاه باعظمتی گام نهاده‌اند.

آنان باید توجّه داشته باشند که هر مکانی از حرم در طول صدها سال، قدمگاه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

خدّام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام باید بدانند در میان زوّار آن حضرت، امام زمان ارواحنا فداه، و اولیاء الهی که مورد توجّه خاصّ خداوند می‌باشند حضور دارند. مبادا با تندی‌نمودن به زوّار به یکی از اولیاء خدا توهین کنند.

علاوه بر این، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به همهٔ زوّار خود با رأفت و مهربانی می‌نگرند، حتّی گناهکاران را می‌پذیرند و شرمساری و توبهٔ آنان را قبول می‌نمایند؛ پس خدّام حرم باید به همهٔ زوّار با دیدهٔ احترام بنگرند.

خدّام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام باید توجّه داشته باشند که مردم از تمام نقاط جهان با آداب و فرهنگ‌های گوناگون به زیارت آن حضرت می‌شتابند، بدیهی است در میان آنان کسانی هستند که نیاز به راهنمایی دارند و تندی و خشونت با آنان اثر منفی دارد.

نباید با زوّار آن حضرت به گونه‌ای رفتار کنند که از آمدن به زیارت با خاطره‌ای دلگیرکننده به وطن بازگردند؛ زیرا آنان به خدّام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با دیدهٔ احترام می‌نگرند و در نتیجه توقّع بیشتری از آنان دارند.

بنابراین خدّام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام باید از صبر و بردباری، حوصله و خویشتن‌داری برخوردار باشند و بدانند زوّار آن حضرت، میهمانان آن بزرگوارند و با آنان آنگونه که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام می‌پسندند رفتار نمایند.

خدّام و زوّار **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نه تنها در حرم باید مواظب افکار و رفتار خود باشند، بلکه باید قبل از تشرّف به خدمت آن حضرت، اگر اشتباهی انجام داده‌اند آن را با اعمال پسندیده جبران کنند.

خدّام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نیز توجّه داشته باشند که آن حضرت کسانی را که به مقام خدمتگزاری قبول کرده‌اند یاوران خود می‌دانند، و **همان‌گونه که از آنان انتظار بیشتری دارند، با نگاهی پرفروغ‌تر به آنان می‌نگرند؛ زائران گرامی نیز باید به این نکته توجّه داشته باشند و به آنان احترام بگذارند.**

کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه‌السلام

چون **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مظهر مهربانی و خُلق حسن می‌باشند یک بحث مهمّ اخلاقی را عنوان می‌کنیم. قبل از آنکه به این بحث بپردازیم، روایت بسیار جالبی را از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عنوان می‌کنیم و سپس به نتیجه‌گیری از آن می‌پردازیم:

در تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام روایت شده است:

> در مقابل **حضرت امام رضا** علیه‌السلام اسب چموشی بود و گروهی در آنجا بودند که اسب‌های چموش را رام می‌کردند، ولی هیچ‌یک از آن‌ها جرأت نمی‌کرد بر آن اسب سوار شود، و اگر سوار می‌شد جرأت نمی‌کرد آن را راه ببرد، از ترس اینکه

مبادا اسب دست‌هایش را بلند کرده و او را به زمین پرتاب کند و با سم خود او را لگدمال نماید.

در این میان، کودک هفت ساله‌ای پیدا شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ آیا اجازه می‌دهی بر آن اسب سوار شوم و او را راه ببرم و رام کنم؟

فرمود: تو این کار را می‌کنی؟ عرض کرد: بلی.

فرمود: چگونه این کار را انجام می‌دهی؟ عرض کرد:

لأنّي قد استوثقت منه قبل أن أركبه بأن صلّيت على محمّد وآله الطيّبين الطاهرين مائة مرّة، وجدّدت على نفسي الولاية لكم أهل البيت.

قبل از این‌که سوار او شوم از او خاطر جمع شده و اطمینان حاصل می‌کنم، به این وسیله که بر محمّد و آل طاهرین او صد مرتبه صلوات می‌فرستم و بر خودم ولایت شما اهل بیت را تجدید می‌کنم و تازه می‌گردانم.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: سوار شو.

او سوار شد، سپس فرمود: او را راه بینداز.

پس اسب را راه انداخت و پیوسته او را راه برد و دوانید تا اینکه او را خسته و ناتوان کرد به طوری که نالهٔ اسب بلند شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ امروز این اسب‌سوار مرا خسته و دردمند نمود، یا مرا معاف بدار و یا تحمّل و طاقت مرا افزون کن.

پسربچّه گفت: آنچه برای تو بهتر است ـ که سواری دادن به مؤمن باشد ـ آن را درخواست کن.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: راست گفت، بعد برای اسب دعا نمود که: خدایا؛ به او تحمّل بیشتر و توان افزونتر مرحمت فرما.

اسب آرام گرفت و به راه خود ادامه داد. سپس وقتی که پسربچّه از اسب پیاده شد، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به او فرمود: از این چهارپایان که در خانه‌اند، یا از غلامان و کنیزان و یا اموالی که در خزانه است هر چه را می‌خواهی درخواست کن، همانا تو مؤمن هستی و خداوند تو را در دنیا به ایمانت مشهور ساخت.

پسربچّه گفت: ای فرزند رسول خدا؛ آیا اجازه می‌دهی درخواست خود را

مطرح کنم؟

فرمود: ای مؤمن؛ پیشنهاد کن و آنچه می‌خواهی مطرح نما؛ همانا خداوند تبارک و تعالی تو را به اندیشهٔ درست توفیق دهد.

عرض کرد: **سل لي ربّك التقيّة الحسنة، والمعرفة بحقوق الإخوان، والعمل بما أعرف من ذلك.**

برای من از خداوند تقیّه‌ای نیکو و شناخت حقوق برادران و عمل کردن به آنچه شناخته‌ام تقاضا نما.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

قد أعطاك الله ذلك، لقد سألت أفضل شعار الصالحين ودثارهم.

خداوند آن را به تو عطا فرمود، و هر آینه بهترین نشانه و زیور بندگان صالح و آنچه آبروی آن‌ها را حفظ می‌کند درخواست کردی.[1]

درسی از این روایت

یک کودک چگونه توانست بر اثر استوار ساختن ولایت در قلب و جان خود بر اسب چموشی که همه از رام‌ساختن او عاجز بودند، غالب شود؟! **همان‌گونه که او این قدرت را با معرفت به مقام ولایت پیدا کرد، ما نیز می‌توانیم با درک مقام عظیم ولایت و پذیرش و جای دادن آن در اعماق وجودمان، اسبِ سرکش نفس را مهار سازیم.**

از نشانه‌های شناخت مقام والای ولایت خاندان وحی علیهم‌السلام و معرفت به آن، دگرگونی و تحوّلی است که در انسان پدید می‌آید و به این جهت می‌تواند کارهایی را انجام دهد که دیگران قدرت و توانایی انجام آن را ندارند.

معرفت به مقام اهل بیت علیهم‌السلام، در مرحلهٔ اوّل افکار و اندیشه‌های انسان را تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که افکار انسان نسبت به امور مادّی و معنوی با دیگران تفاوت محسوسی پیدا می‌کند.

---

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم‌السلام: ۶۱۵/۱ به نقل از تفسیر امام عسکری علیه‌السلام: ۳۲۳ ح ۱۷۰، بحار الأنوار: ۴۱۶/۷۵ ضمن ح ۶۸ و مدینة المعاجز: ۱۰۰/۷ ح ۱۰۲.

با استمرار این حالت و عمل کردن بر طبق افکار و اندیشه‌های رحمانی که بـر او وارد می‌شود در مسیر تکامل قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که نه تنها در فکـر و انـدیشه؛ بلکه در اراده و خواست او نیز تحوّل ایجاد می‌گردد و او می‌تواند در صورت رضایت خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام کاری را که دیگران نمی‌توانند انجام دهند، عملی سازد.

این تحوّل در برخی از افراد نیاز به مدّت زیاد و طولانی دارد و گاهی در بعضی از افراد، در زمانی کوتاه صورت می‌گیرد.

روایتی که نقل کردیم، بشارتی است برای جامعهٔ شیعه که حتّی کودکان در صورت درک مقام ولایت و جـای‌دادن آن در اعـماق وجـودشان، مـی‌توانـند از آن اسـتفادهٔ خارق‌العاده داشته باشند.

از این روایت چنین نتیجه می‌گیریم: ایمانِ انسان و اعتقاد و یقین او به عظمت مقام ولایت می‌تواند حتّی در زمان کودکی او را ممتاز و برتر از دیگران قرار دهد؛ همان‌گونه که آن کودک توانست کاری راانجام دهد که دیگران قدرت آن رانداشتند و حضرت امام رضا علیه‌السلام او را به خاطر معرفت و ایمانش به عنوان «مؤمن» و کسی که مراحلِ ایـمان را پیموده است، ستودند.

یک بحث مهمّ اخلاقی

اکنون یک بحث بسیار مهمّ اخلاقی را بیان می‌کنیم:

بسیاری از دانشمندان و علمای «علم اخلاق» برای تهذیب و پـاکسـازی نـفس، راهکارهایی را ارائه داده‌اند که راه صد ساله است؛ به گونه‌ای که هنوز انسان راه را بـه پایان نرسانده که: «بانکی برآمد خواجه مرد»، یا چـند صـفت رذیـله را از خـود دور ساخته ولی بر اثر طولانی شدن مدّت به چند صفت مذموم دیگر مبتلا می‌گردد.

به این جهت، گاهی راه‌هایی که علمای بزرگی همچون مرحوم نراقی در «مـعراج السعادة» نشان داده‌اند مورد انتقاد علمای دیگر قرار گرفته است.

راه‌هایی که برای ریشه‌کن ساختن رذایل اخلاقی در برخی از کتاب‌ها ذکـر شـده همانند تعمیر خانهٔ مخروبه‌ای است که هر روز باید گوشه‌ای از آن را تعمیر نـمایند.

بدیهی است که این کار، چارهٔ اساسی نیست.

انسان نیز همین‌گونه است تا وقتی که گرفتار نفس امّاره باشد بر فرض که یکی از صفات رذیلهٔ آن برطرف شود، انسان را به صفت دیگری مبتلا می‌سازد. پس باید راهی را بیابیم که اساسی و کارساز باشد و در نفس تحوّل ایجاد نماید.

مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟!

به این جهت، علمای بزرگ دیگری مانند مرحوم آیة‌الله میرزا مهدی اصفهانی پیمودن این‌گونه راه‌ها را نمی‌پسندیده‌اند و معتقد بوده‌اند باید راهی را برگزید که اساسی باشد و انسان را به هدف برساند...

ایشان برای یافتن راهی که در نفس انسان تحوّل کلّی ایجاد شود ـ تا هر روز به گونه‌ای دچار لغزش‌های روحی و اخلاقی نشود ـ فکر مرگ را برگزیده‌اند و چنین گفته‌اند که: اگر انسان هر روز دربارهٔ مرگ بیندیشد به گونه‌ای که نفس او باور کند که دیر یا زود از دنیا خواهد رفت، هواها و هوس‌های نفسانی او از بین رفته و نفس امّارهٔ او به نفس لوّامه و کم‌کم به مراحل بالا تبدیل می‌گردد.

بنابراین انسان به وسیلهٔ ادامهٔ فکر مرگ، نفس خود را کشته و از هواها و هوس‌های آن نجات می‌یابد.

بدیهی است این راه بهتر از راه‌های دیگری می‌باشد که در برخی از کتاب‌های «علم اخلاق» نوشته شده است؛ ولی آیا می‌توان راهی برتر از آن یافت که نتیجه و دست‌آورد آن، هم برای فرد و هم برای اجتماع بهتر و کاملتر باشد؟!

نویسندهٔ این سطور بر این باور است که **ما برای ریشه‌کن ساختن هوس‌ها و یافتن راه نجات، به جای این‌که در فکر مردن و مرگ شخصی باشیم بهتر است دربارهٔ زنده‌شدن و حیات اجتماعی بیندیشیم.**

اگر انسان بداند در عصر غیبت، قدرت‌ها و توانایی‌های فکری و روحی او مرده است و با فرارسیدن روزگار پرشکوه ظهور به زندگی ارزنده دست می‌یابد، به حیات کنونی بسنده نمی‌کند و زندگی عصر غیبت را مردگی می‌داند و به این جهت در اندیشهٔ حیات

و زندگی نه تنها برای خود بلکه برای همهٔ انسان‌ها در سراسر گیتی خواهد بود.

او درک می‌کند که اندیشهٔ حیات نیز، حیاتبخش و زندگی‌ساز است.

صحیح است که انسان می‌تواند با فکر مرگ، رذایل اخلاقی خود را نابود سازد، ولی با درک حیات واقعی و آگاهیِ کامل از معنای زنده بودن، می‌تواند قدرت‌های روحی و توانایی‌های روانی خود را زنده سازد؛ به گونه‌ای که پایگاه‌های رذایل اخلاقی در او ویران و ریشه‌کن شده و جایگاهی برای آن‌ها باقی نماند.

آری؛ انسان می‌تواند به جای این‌که در فکر خوابیدن در قبر و فاسد شدن اعضاء و جوارح و پوسیده شدن کفنِ خویش باشد، در فکر زنده‌شدن انسان‌ها با کفن‌های سالم و شمشیرهای آویخته باشد.

انسان می‌تواند به جای اندیشیدن دربارهٔ مرگ خود، به حیات همگان و زنده شدن اجتماع بیندیشد.

انسان می‌تواند به جای این‌که قبری کوچک و تاریک را در نظر مجسّم سازد، دربارهٔ جهانی بزرگ و نورانی از تابش انوار تابناک و پرفروغ عصر ظهور امام عصر عجّل الله تعالی فرجه **بیندیشد.**

انسان می‌تواند به جای این‌که لحظه‌شمار فرارسیدن مرگ باشد، صبح و شام در انتظار فرارسیدن روزگار پرشکوه دولت کریمهٔ امام زمان عجّل الله تعالی فرجه **باشد.**

انسان می‌تواند به جای این‌که خود را آمادهٔ مرگ نماید، خود را آمادهٔ شهادت در رکاب حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه **نماید.**

آری؛ انسان می‌تواند با آماده ساختن خود برای ظهور و به دست آوردن انتظار راستین، همهٔ خوبی‌ها و ارزش‌ها را داشته باشد؛ زیرا «چون که صد آید، نود هم پیش ما است».

با به دست آوردن انتظارِ راستین ـ که به بیان رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله **برترین جهاد و کوشش امّت است ـ انسان می‌تواند از رذایل اخلاقی دور شده و با به دست آوردن قدرت‌ها و نیروهای فوق‌العاده، به حیات و زنده بودن راه یابد. بدیهی است که «نابرده رنج، گنج میسّر نمی‌شود».**

ما باید در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برای بدست آوردن انتظار راستین و برای زنده‌شدن دل‌های مرده، دعا کنیم و با توسّل به آن حضرت و سوگند دادن خداوند به حقّ آن بزرگوار، ظهور حیاتبخش جهان و منجی عالم بشریّت را بخواهیم.

ما باید به شور و شوق و علاقهٔ خود به امام زمان عجّل‌الله تعالی فرجه و ظهور آن بزرگوار هر چه بیشتر بیفزاییم. در این صورت از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام پیروی نموده‌ایم.

برای روشن شدن این مطلب، شعر دعبل را آورده، سپس به نکاتی در این باره می‌پردازیم:

اشعار دعبل در خدمت امام رضا علیه‌السلام

دعبل در «تائیّه» بیشتر از غصب حقّ خاندان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخن گفته است. از جمله در این دو بیت که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را سخت اندوهگین و محزون گردانید و اشک ایشان را جاری کرد:

بیت اوّل:

أرىٰ فَيْئَهُم فی غَيْرِهِم مُتَقَسِّماً　　وَأَيدِيَهُم مِن فَيْئِهِمْ صَفَرٰاتِ

من، حقّ خاندان عصمت علیهم‌السلام را تقسیم شده نزد دیگران می‌بینم و دست‌هایشان از حقّ و اموالشان خالی است.

هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام این بیت را شنیدند، گریه کردند و فرمودند:

صَدَقْتَ يا خُزٰاعي.

ای دعبل؛ راست گفتی.

بیت دوّم:

اِذٰا وُتِرُوا مَدُّوا اِلیٰ وٰاتِريهِمُ　　اَكُفًّا عَنِ الْاَوْتٰارِ مُنْقَبِضٰاتِ

هنگامی که از سوی کینه‌توزان به عترت ستم می‌شود، آنان دست‌های بسته را برای دریافت حقّ خود، دراز می‌کنند (دست‌هایشان به حقّشان نمی‌رسد).

بعد از این‌که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام این بیت را شنیدند، دو دست شریف خود را برگرداندند، و با اندوه فرمودند:

به خدا قسم؛ که دست‌های ما بسته است.[1]

گریستن حضرت امام رضا علیه‌السلام برای امام زمان ارواحنا فداه

دعبل اشعار خود را دربارهٔ غصب خلافت ادامه داده و سپس به بیان ظهور امام عصر عجّل الله تعالی فرجه می‌پردازد.

هروی گوید: از دعبل خزاعی شنیدم که فرمود: برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام قصیده‌ام را خواندم ... و چون به این شعر رسیدم:

خروج إمام لا محالة خارج — يقوم على اسم الله والبركات
يميّز فينا كلّ حقّ وباطل — ويجزي على النّعماء والنقمات

خروج امامی که حتماً و بدون تردید خروج خواهد کرد، و با نام مبارک خدا و برکات الهی قیام می‌کند.
هر حقّ و باطلی را در میان ما جدا می‌کند، و مردمان را به پاداش عملشان (یا) نعمت می‌دهد و (یا) کیفر می‌کند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام به شدّت گریست[2]، سپس سر مبارک را بلند کرد و فرمود:

---

۱. دعبل شاعر امام رضا علیه‌السلام: ۲۴۵.

۲. دعبل گوید: زمانی که از خلیفه فرار کرده بودم، شبی در نیشابور تنها بیتوته کردم و تصمیم گرفتم در آن شب قصیده‌ای برای عبدالله بن طاهر بگویم. همین‌که در فکر آن بودم ـ در حالی‌که در را بر روی خود بسته بودم ـ شنیدم صدائی بلند شد: «السّلام علیك، یرحمك الله»، بدنم به لرزه درآمد و حالت عظیمی بر من دست داد، صاحب آن صدا به من گفت: نترس خداوند تو را عافیت دهد، من مردی از برادران تو از جنّ از ساکنین یمن هستم، بر ما شخصی از اهل عراق وارد شد و قصیدهٔ تو را ـ «مدارس آیات» ـ برای ما خواند، من دوست داشتم که قصیدهٔ تو را از خودت بشنوم.
دعبل گوید: من قصیده را برای او خواندم و **او چنان گریست که بر زمین افتاد**. سپس گفت: خدا تو را رحمت کند، آیا حدیثی برایت بگویم که بر نیّت تو بیفزاید و در تمسّک به مذهبت تو را کمک نماید؟ گفتم: بلی، حدیث کن.
گفت: مدّتی نام جعفر بن محمّد علیهما‌السلام را می‌شنیدم، در مدینه به خدمتش رفتم شنیدم که فرمود: حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از جدّش این‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «**عليّ وشيعته هم الفائزون**»؛ «علی و شیعهٔ او فیروز و رستگارند».
پس با من وداع کرد و خواست برود. گفتم: خدا تو را رحمت کند نام خود را به من بگو. گفت: منم ظبیان عامر.
نظیر این داستان از دعبل در «دار السلام عراقی» نقل شده است. (کشکول امامت: ۹۵/۱)
جریان بسیار جالب دیگری برای دعبل دربارهٔ قصیدهٔ تائیّه واقع شده است که آن را نیز نقل می‌کنیم:
شیخ طریحی در کتاب «منتخب» از ثقات، از ابی محمّد کوفی نقل کرده که دعبل خزاعی گفت: چون از شهر مرو از ←

ای خزاعی؛ این دو بیت را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت، آیا می‌دانی آن

← خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برگشتم، وارد شهر ری شدم. در شبی از شب‌ها در منزل خود تنها نشسته بودم و قصیدهٔ تائیّهٔ خود را اصلاح می‌کردم تا آنکه بعض شب گذشت، ناگاه آواز دقّ الباب بلند شد. پرسیدم: کوبندهٔ در کیست؟ گفت: شخصی از برادران تو. پس به نزدیک در دویدم و گشودم، شخصی داخل گردید که از مشاهدهٔ او بدنم لرزید و نفسم مقطوع گردید. پس در گوشه‌ای نشست و به سوی من نگریست و گفت: نترس، من برادر تو از طائفهٔ جنّ هستم و در روز ولادت تو متولّد شده‌ام و با تو بزرگ گردیده‌ام و آمده‌ام برای تو حدیثی نقل کنم که باعث خوشحالی تو گردد و اعتقاد تو را قوی گرداند و بصیرت تو را زیاد نماید.

چون این را شنیدم دلم ساکن گردید و نفسم برگشت. پس گفت: ای دعبل؛ بدان‌که بغض و عداوت من به علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام از سایر آفریدگان خدا شدیدتر بود تا آنکه با جماعتی از طایفهٔ جنّ ـ که سرکش و بدکار بودند ـ بیرون رفتیم، پس عبور ما بر جمعی افتاد که به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام می‌رفتند، تاریکی شب ایشان را فرو گرفته بود و ما اراده نمودیم که ایشان را اذیّت کنیم.

چون نگاه کردیم ملائکه را دیدیم که در طرف آسمان ایستاده و ما را از اذیّت کردن آنها منع می‌نمایند و دیدیم ملائکهٔ دیگر را که بر زمین ایستاده‌اند و ایشان را از هوام زمین منع می‌نمایند. چون این کرامت را مشاهده کردم گویا خواب بودم و بیدار شدم، و غافل بودم هشیار گردیدم، و دانستم که این کرامات نیست مگر از برکات آن کسی که به زیارت قبر او می‌روند و قصد او را کرده‌اند، پس از اعمال بد خود و آن ارادهٔ قبیحه پشیمان شدم و توبه نمودم و با ایشان به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام مشرّف شدم و با آن‌ها در همان سال به حجّ رفتم و قبر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را زیارت نمودم.

در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی را دیدم که جماعتی بر اطراف او بودند و چون از نام او پرسیدم، گفتند: این پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله جعفر بن محمّد الصادق علیه‌السلام است. چون این سخن شنیدم به نزد آن حضرت و خدمت آن سرور رسیدم و بر او سلام کردم و جواب شنیدم.

حضرت فرمود: «**مرحباً بك يا أخا أهل العراق**»؛ آیا بخاطر داری آن شب خود را در بطن کربلا و آن کرامت را که از خدا در خصوص اولیاء او مشاهده کردی؟ به درستی که خدا توبهٔ تو را قبول نمود و گناه و خطای تو را آمرزید.

عرض کردم: حمد خداوند را که به معرفت شما بر من منّت گذاشت و دل مرا به نور هدایت شما نورانی گردانید و مرا از متمسّکین به ریسمان ولایت شما قرار داد، یابن رسول الله؛ از برای من حدیثی ذکر کن که آن را هنگام بازگشت، هدیه و تحفهٔ قوم خود نمایم.

آن حضرت فرمود: روایت فرمود پدرم از پدر خود علیّ بن الحسین علیهما‌السلام، از پدرش علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود: «**يا علي؛ الجنّة محرّمة على الأنبياء حتّى أدخلها، وعلى الأوصياء حتّى تدخلها، وعلى الأُمم حتّى تدخل أُمّتي، وعلى أُمّتي حتّى تقرّوا بولايتك وتدينوا بإمامتك، يا عليّ؛ والّذي بعثني بالحقّ نبيّاً؛ لايدخل الجنّة إلاّ من أخذ منك بنسب أو سبب.**

یا علی؛ بهشت بر پیغمبران حرام است تا آنکه من داخل شوم، و بر اوصیاء پیغمبران حرام است تا آنکه تو داخل شوی، و بر امّت‌ها حرام است تا آنکه امّت تو داخل شوند، و بر امّت تو حرام است تا آنکه اقرار به ولایت تو نمایند و اعتقاد به امامت تو داشته باشند. یا علی؛ قسم به آن کسی که مرا به حقیقت به پیامبری برگزیده؛ داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که نسب یا سبب از تو اخذ نماید.

دعبل گوید: بعد از آن گفت: ای دعبل؛ این را بگیر که دیگر مثل آن را از مثل من نخواهی شنید.

این بگفت و در زمین فرو رفت و دیگر او را ندیدم. (کشکول امامت: ۹۶/۱)

امام قیام کننده کیست؟ و چه زمانی قیام خواهد کرد؟

عرض کردم: نه مولای من؛ تنها شنیده‌ام که امامی از شما خروج می‌کند و او زمین را از هر گونه فساد و آلودگی پاک می‌کند و پر از عدل و داد می‌گرداند همان‌گونه که پر از ستم شده باشد. فرمود:

ای دعبل؛ پیشوای بعد از من فرزندم محمّد است، بعد از او فرزندش علی، و پس از علی فرزندش حسن، و پس از حسن فرزندش حجّت خدا آن قیام کننده است؛ **او که در دوران غیبتش باید انتظارش را کشید و در دوران ظهورش باید اطاعتش کرد**، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن را طولانی گرداند تا آن حضرت خروج کند و جهان را پر از عدل و داد نماید؛ همان‌طور که پر از ستم شده باشد.

و امّا چه زمانی خواهد بود؟ خبر دادن از وقت است، و پدرم از پدرش، از پدرانش، از حضرت علی علیه‌السلام خبر داده‌اند که فرمود:

شخصی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال کرد که آن امام قیام‌کننده از فرزندان شما، چه زمانی خروج خواهد کرد؟

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: مَثل خروج او مَثَل قیامت است، کسی جز او از وقت آن خبر ندارد و برایش روشن و آشکار نیست، **او جزناگهانی نمی‌آید و خروج نمی‌کند**[1].[2]

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱ و ۲۳۷/۴۹، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۶۹/۲، بهجة النظر: ۱۲۱.

۲. برادر دعبل از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: آن حضرت پیراهنی از خز (پشم نرم و نازک) به عنوان خلعت به دعبل بخشید و به او فرمود: «**احتفظ بهذا القمیص فقد صلّیت فیه ألف لیلة کلّ لیلة ألف رکعة، وختمت فیه القرآن ألف ختمة**»؛ «این پیراهن را نگهداری کن که من هزار شب، هر شب هزار رکعت در آن نماز خوانده‌ام و در آن هزار ختم قرآن نموده‌ام».

نجاشی به سند خود این حدیث را از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است با این تفاوت که گفت: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام پیراهنی سبزرنگ از جنس خزّ خلعت داد و انگشتری با نگین عقیق بخشید. (وسائل الشیعة: ۷۳/۳)

لباسی را که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به دعبل هدیه کرده بودند، مردم قم به زور گرفتند و به او سی هزار درهم با یک آستین از آن لباس دادند. (دعبل شاعر امام رضا علیه‌السلام: ۵۸)

علاّمهٔ مجلسی رحمه‌الله در کتاب «شرح تائیّهٔ دعبل خزاعی» چنین می‌گوید: دعبل کنیزی داشت که او را بسیار دوست ←

حضرت امام رضا علیه‌السلام
و گریهٔ اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه

حسن بن محبوب گوید: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به من فرمود:

ناگزیر فتنهٔ کور و کر و بهم‌پیچیدهٔ سختی روی خواهد داد که در آن هر زیرک رازدار و هر بزرگ اصیل ـ یعنی حتّی آن‌ها که از خواصّ هستند ـ سقوط خواهند کرد، و آن، هنگامی است که شیعیان، سوّمین پسرم را از دست بدهند.

بر آن حضرت[1] همهٔ اهل آسمان و زمین، و همهٔ تشنگان دیدارش و شیفتگان جمالش و همهٔ ستمدیدگان و دلسوختگان گریه کنند.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه همنام جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

بر او لباس‌های قدسی و جامه‌های ربّانی است که از گریبان آنها انوار فضل و هدایت خداوند تبارک و تعالی فروزان است، چه بسیار زنان و مردان که تشنهٔ دیدار اویند، و چه بسیار مؤمنی که افسوس می‌خورد و حیران و سرگردان و غمگین است برای از دست دادن آب گوارا، **گویا آنان را می‌بینم که مأیوس گشته‌اند، ندایی برخیزد که آن‌هایی که دورند آن را مانند کسانی که نزدیکند بشنوند، بر مؤمنان رحمت و بر کافران عذاب می‌باشد.**[2]

← می‌داشت، و رمد عظیمی در هر دو چشم او به هم رسید، چون أطبّا وکحّالان، چشم‌های او را ملاحظه کردند گفتند که چشم راستش از بین رفته است، آن را نمی‌توانیم علاج کنیم، ولی چشم چپش را معالجه می‌کنیم و امید هست که خوب شود.

دعبل از این واقعه بسیار غمگین شد و جزع بسیار کرد تا به خاطرش رسید که بقیّهٔ لباس مبارک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با او هست، پناه به آن قطعهٔ لباس برد، و آن را بر دیده‌های جاریه مالید، و قدری از آن جامهٔ شریف را در اوّل شب به عنوان عصابه بر دیده‌های او بست. چون صبح شد به برکت جامهٔ آن حضرت، دیده‌های جاریه خوب شد و بیناتر از اوّل گردید. (دعبل شاعر امام رضا علیه‌السلام: ۵۳)

۱. شاید مقصود، امام عسکری علیه‌السلام باشد ولی به قرینهٔ جمله‌های بعد اشاره به امام زمان علیه‌السلام است.

۲. بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱.

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام
برای امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

مرحوم محدّث قمی می‌نویسد: آقا سیّد حسن موسوی کاظمی ادام‌الله بقائه در تکملهٔ «أمل الآمل» مطلبی را نقل نموده که خلاصهٔ آن این است:

یکی از علماء امامیّه کتابی دربارهٔ شهادت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نوشته است به نام «تأجیج نیران الأحزان في وفاة سلطان خراسان» و از متفرّدات آن کتاب این است که فرموده:

روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیدهٔ تائیّهٔ خود را برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام خواند، چون به این شعر رسید:

خروج امام لا محالة خارج　　یقوم علی اسم الله بالبرکات

حضرت امام رضا علیه‌السلام برخاست و روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت:

أللّهمّ عجّل فرجه ومخرجه، وانصرنا به نصراً عزیزاً.[1]

خداوندا؛ در ظهور و زمان خروج او تعجیل فرما و به وسیلهٔ او به ما کمک فرما کمکی کم‌نظیر.

جالب توجّه است که در این جریان با اینکه دعبل شاعر بزرگ شیعه، **نه از نام مخصوص امام زمان** عجّل الله تعالی فرجه **یاد کرده و نه هیچ یک از اسامی دیگر آن حضرت را به زبان جاری ساخته** و تنها قیام آن بزرگوار و روزهای شکوهمند و پربرکت ظهور را یادآور شده، ولی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به خاطر یاد آن بزرگوار و یاد دولت کریمهٔ ایشان ـ نه به خاطر شنیدن نام مخصوص آن حضرت ـ به پا خواسته و سر نازنین را به سوی زمین خم کرده و در حالی که دست راست خود را بر روی سر

---

۱. منتهی الآمال: ۱۱۷۶.

گذارده بودند **برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا نمودند**.

و این، دلیل بر شدّت علاقه، توجّه و عنایت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به امام عصر عجّل الله تعالی فرجه و همچنین فرا رسیدن دولت کریمهٔ آن حضرت می‌باشد.

از آنجا که رفتار ائمّه علیهم‌السلام باید برای همه سرمشق باشد به طوری که در کردار خود پیرو آن بزرگواران باشند، همان‌گونه که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با یاد امام عصر ارواحنا فداه شور و اشتیاق خود را ظاهر ساختند، ما نیز باید با شنیدن نام آن حضرت و یاد دولت کریمهٔ آن بزرگوار با اظهار شوق و علاقهٔ خود نسبت به آن بزرگوار، ارادت خود را به آن وجود مقدّس محکم و استوار نماییم.

فرمان حضرت امام رضا علیه‌السلام به دعا نمودن برای امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

حضرت امام رضا علیه‌السلام تجلیل‌های ویژه‌ای را نسبت به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه انجام می‌دادند و همان‌گونه که از شعر دعبل و احترام خاصّ آن حضرت استفاده می‌شود، **امام رضا** علیه‌السلام می‌خواسته‌اند با رفتار ویژهٔ خود همهٔ دوستان و شیعیان را به انجام این‌گونه احترام، به خاطر یاد امام عصر ارواحنا فداه راهنمایی کنند.

و نیز **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به کسانی که به حضورشان شرفیاب می‌شدند پیوسته دستور می‌دادند دعای غیبت[1] را بخوانند.

از جملهٔ «**وکان یأمربالدعاء...**» تأکید و اصرار **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به خواندن این دعا استفاده می‌شود.

اگر چشم و گوش باطنی ما باز می‌بود، شاید به ما نیز خواندن این دعا را سفارش می‌فرمودند.

به زائرین محترم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام توصیه می‌شود در بارگاه ملکوتی آن حضرت، از خواندن زیارت‌های حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه **و دعا نمودن برای تعجیل ظهور آن بزرگوار غفلت و کوتاهی نکنند**؛ زیرا یکی از مکان‌هایی که در آن‌ها دعا

۱. این دعا را در «بخش نهم: ص ۲۲۳» نقل می‌کنیم.

برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه سفارش و تأکید شده، حرم نورانی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است.

ما باید مواظب باشیم وقتی که وارد حرم و بارگاه آن حضرت می‌شویم دربارهٔ خواسته‌ها و حاجت‌های خود دقّت کنیم و با در نظر داشتن عظمتِ ولایت و قدرت آن بزرگوار، از درخواست حاجت‌های بزرگ دریغ نورزیم **و توجّه داشته باشیم که حاجتی مهمتر و بزرگتر از فرارسیدن فرج و ظهور منتقم آل محمّد** علیهم‌السلام **و دوران پرشکوه حکومت آن بزرگوار نیست**.

ولی متأسّفانه هدف برخی از زائرین، **فقط** درخواست حاجت‌های مادّی از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است و این کار یقیناً اشتباه است. مخصوصاً اگر انسان حاجت خود را رسیدن به ثروت‌های کلان و مال بی‌شمار قرار دهد که در بسیاری از موارد سبب طغیان صاحبان آن شده به گونه‌ای که هیچ‌گونه توجّهی به مسئولیّت خود در برابر ثروت‌های انباشتهٔ خویش ندارند.

واضح است کسانی که دارای چنین ثروت‌هایی نیستند در برابر آن، مسئولیّتی نیز ندارند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

هر کس از خداوند به روزی کم راضی شود، خدا از او به عمل کم راضی می‌شود.

و روایت شده از ابن ابی شعبهٔ حلبی و نوفلی که بر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد شدیم و به آن حضرت گفتیم که ما در وسعت رزق و فراوانی در زندگی بودیم ولی حال ما تغییر کرد و فقیر شدیم، دعا کنید که خدا آن را به ما برگرداند.

حضرت فرمود:

می‌خواهید چگونه بشوید؟ آیا می‌خواهید شاه باشید؟! آیا خوشحال می‌شوید که مانند طاهر و هرثمه (که از سرکردگان مأمون بودند) باشید ولی برخلاف این عقیده و آئینی که اکنون بر آن هستید می‌بودید؟!

گفتم: نه والله؛ مرا شاد نمی‌کند که دنیا و آنچه در آن است از طلا و نقره از من باشد

و من برخلاف این عقیده باشم که معتقد هستم.

حضرت فرمود:

حق تعالی می‌فرماید:

﴿إِعْمَلُوا آلَ دٰاوُدَ شُكْراً وَقَلِيلٌ مِنْ عِبٰادِيَ الشَّكُور﴾[1].

ای آل داود؛ شکر (نعمت‌ها) را بجای آورید و عدّهٔ کمی از بندگان من شکرگزارند.

آن‌گاه فرمود: گمان خود را به خدا نیکو کن؛ همانا هر کس گمان او به خدا نیکو شد، خدا نزد گمان او است و کسی که به روزی کم راضی شد، خداوند از او عمل کم را می‌پذیرد، و کسی که به مال حلالِ اندک راضی شد، مؤونهٔ او سبک می‌شود، و خانوادهٔ او بانشاط می‌باشند، و خداوند او را به درد دنیا و دواء آن بینا می‌کند، و او را از دنیا به سوی بهشت به سلامت بیرون می‌برد.[2]

بنابراین به شکر و سپاس خداوند بزرگ بپردازید و همّ و غمّ خود را فقط نیازهای مادّی قرار ندهید؛ بلکه به حاجت‌های معنوی بپردازید و توجّه داشته باشید که **بزرگترین حاجت معنوی ـ که نیازهای مادّی را نیز برطرف می‌سازد ـ فرارسیدن ظهور پرشکوه امام زمان** عجّل الله تعالی فرجه **می‌باشد**.

یکی از نکته‌های بسیار ارزشمند و اساسی این است که ما باید فرج و گشایش را ـ نه برای خودمان ـ بلکه برای اهل بیت علیهم‌السلام بخواهیم که نتیجهٔ آن، گشایش و راحتی خودمان نیز می‌باشد. به این دلیل که هر کسی باید محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین نزد او مقدّم بر خود و نزدیکانش باشند.

به این مقدّمه توجّه کنید: ما می‌دانیم ظلم‌ها و ستم‌های فراوانی که بر اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده تا ظهور حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه ادامه دارد و شدّت‌ها و سختی‌های وارده بر خاندان وحی علیهم‌السلام هنوز وجود دارد. به این جهت در دعاها می‌گوییم: «**أللّهمّ عجّل فرجهم**» و تعبیرات بسیار دیگری از این نمونه که فرج و

---

۱. سورهٔ سبأ، آیهٔ ۱۳.

۲. منتهی الآمال: ۹۲۸.

گشایش آن‌ها را از خداوند می‌خواهیم و تحقّق فرج در صورتی است که ظلم و سختی وجود داشته باشد. پس چون ظلم و ستم و سختی و شدّت هنوز بر اهل بیت علیهم‌السلام ادامه دارد، فرج و ظهور آن بزرگواران را از خداوند می‌خواهیم.

بنابراین اگر جامعهٔ ما در سختی و شدّت به سر می‌برد و گرفتاری‌ها ما را احاطه کرده است، از آنجا که ستم‌ها و سختی‌ها بر پیامبر و آل پیامبر صلوات‌الله علیهم هنوز ادامه دارد، ما باید برطرف شدن گرفتاری و ظلم و ستم از آنان را مقدّم بر رفع گرفتاری و ظلم و ستم از خود بدانیم و برای برطرف شدن آن دعا کنیم که اگر چنین کاری انجام دهیم، در نتیجه برای خودمان نیز دعا کرده‌ایم.

شخصی در صحن حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام زنی را می‌بیند که به شدّت می‌گریسته است. آن زن به او می‌گوید: شوهر من فرار کرده و مرا با چهار دختر تنها گذارده و چون پول اجاره‌خانه ندارم، صاحبخانه اساس ما را بیرون ریخته، با این وضع چکنم؟

آن شخص مقداری به آن زن کمک کرده و از اینکه نتوانسته مشکل آن زن را حلّ کند و خانه‌ای برای او اجاره کند غمگین به حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مشرّف می‌شود و به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام می‌گوید: آقاجان؛ به خاطر این افراد ستمدیده و مظلوم، فرج را از خداوند بخواهید و مشکل غیبت را پایان دهید.

ناگهان متوجّه می‌شود که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به صورت الهام به او می‌فرمایند:

ظلم و ستمی که بر ما اهل بیت وارد شده، از همه بیشتر است.[1]

امیدواریم خداوند به زودی به صاحب امر ولایت الهی، فرمان قیام و انتقام را صادر فرماید تا با ظهور مقام ولایت خاندان وحی علیهم‌السلام ریشهٔ ظلم و ستم در سراسر جهان ریشه‌کن شود.

---

۱. یکی از موارد ظلم و ستمی که بر اهل بیت علیهم‌السلام روا شده است، کم‌توجّهی و یا بی‌توجّهی بسیاری از افراد به متن دعاها و زیاراتی می‌باشد که از خاندان وحی علیهم‌السلام وارد شده است. با توجّه و دقّت در متن دعاها و زیارات، به معارف و عقاید مهمّی دست می‌یابیم که چه‌بسا مانند آن‌ها در روایات اندک است. با اینهمه، متأسّفانه برخی از افراد به دعاها و زیارت‌ها فقط از جنبهٔ ثوابِ آن‌ها می‌نگرند و به آثار مهمّ دیگر آن توجّهی نمی‌کنند.

دو نقطهٔ مشترک

در امام رضا علیه‌السلام و امام زمان ارواحنا فداه

چون از توجّه و علاقهٔ شدید **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه سخن گفتیم، مناسب است برخی از نقطه‌های اشتراک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و امام زمان عجّل الله فرجه را بیان کنیم:

حضرت امام رضا علیه‌السلام و امام عصر عجّل الله تعالی فرجه در چندین خصلت مشترک هستند، ما در اینجا دو نمونه از عمده‌ترینِ آن‌ها را نام می‌بریم:

۱ ـ بحث، اقامهٔ برهان و دلیل

یکی از نقطه‌های مهمّ اشتراک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و امام زمان عجّل الله تعالی فرجه، بحث و اقامهٔ برهان و دلیل برای مخالفان است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام با دانشمندان مخالف بحث نموده و آنان را محکوم می‌ساختند؛ امام عصر ارواحنا فداه نیز به مخالفان مهلت بحث می‌دهند و برای همگان در سراسر عالم به بیان برهان و دلیل می‌پردازند.

برای توضیح این مطلب به تشریح آن می‌پردازیم:

۱ ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام و اقامهٔ برهان و دلیل

یکی از برنامه‌های عملی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در دوران امامت‌شان مناظره‌ها، بحث‌ها و اقامهٔ دلیل و برهان برای اثبات وجود خداوند و حقّانیّت آئین مقدّس اسلام و مکتب حیاتبخش شیعه بوده است.

آن حضرت با هر دانشمندی از دانشمندان بزرگ آن روزگار از هر نژاد و ملّتی که بودند با زبان خود آن‌ها به بحث می‌پرداختند و بدون این‌که نیاز به مترجم باشد با بحث و استدلال به زبان خود آن‌ها، بنیان عقاید آنان را بر مبنای فکری و اعتقادی خود آن‌ها متزلزل نموده و ویران می‌ساختند.

این بحث‌ها که با شرکت افراد دیگر در مجلس بحث و مناظره انجام می‌گرفت، تأثیر بسیار مهمّی در اثبات حق بودن مکتبِ حیاتبخش شیعه داشت.

بحث‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با دانشمندان بزرگ ادیان دیگر و محکوم ساختن آنان و اعتراف خود آن‌ها به مغلوب شدنشان فراوان است، ما نمونه‌ای از آن را در اینجا می‌آوریم:

روایت مفصّل و بسیار جالبی را محمّد بن فضل هاشمی نقل کرده است که مختصر آن چنین است:

یک روز قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر علیهما‌السلام خدمت آن بزرگوار شرفیاب شدم. حضرت فرمودند:

> چون من از دنیا رفتم، این امانت‌ها را به مدینه برسان و به فرزندم **علیّ بن موسی الرضا** علیهما‌السلام بده. و او حجّت خدا و صاحب امر امامت بعد از من است.

محمّد هاشمی گوید: چنانکه آن حضرت فرموده بود انجام دادم. در مدینه خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رسیدم و امانت‌ها را به آن حضرت رساندم و عرض کردم: من به بصره می‌روم و خبر وفات پدر بزرگوارت منتشر می‌شود و از امامت شما از من سؤال می‌نمایند. ای کاش؛ از راه لطف و احسان از دلیل‌هایی که بر مقام امامت شما هست چیزی به من نشان می‌دادید.

حضرت، آثار و اشیاء مخصوص حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را ـ که نزد ائمّهٔ هدی علیهم‌السلام بوده ـ به من نشان داد و فرمود: من به بصره خواهم آمد.

عرض کردم: آمدن شما به بصره در چه زمانی است؟

فرمود: سه روز بعد از ورود شما.

من از خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مرخّص شدم و به بصره آمدم. دوستان به دیدن من آمدند و از من سؤال کردند. جریان را برای آن‌ها نقل کردم.

از میان جمعیّت مردی ناصبی به نام عمرو بن هذّاب ایستاد و به من اعتراض نمود و گفت: مقام امامت برای حسن بن محمّد که بزرگ اهل بیت است و زاهد و عابد است

اولی می‌باشد، و علیّ بن موسی جوان است شاید در مسائل عاجز بماند.

حسن بن محمّد در مجلس حاضر بود و از گفتار او جلوگیری کرد و گفت: محمّد هاشمی می‌گوید: سه روز دیگر علیّ بن موسی به بصره تشریف می‌آورد، و این خود دلیل قطعی است، (تا سه روز دیگر) صبر کنید.

پس مردم متفرّق شدند. روز سوّم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در منزل حسن بن محمّد تشریف آوردند و او خودش شخصاً انجام وظیفهٔ خدمت به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را متعهّد شد.

حضرت دستور فرمودند آن جمعیّت و سایر دوستان و بزرگ یهود و نصارا را در مجلس خود حاضر نماید. او چنین کرد و برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مسند مخصوصی قرار داد.

حضرت در مجلس تشریف آوردند و ابتدا به سلام نمودند و فرمودند:

> منم علیّ بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علیّ بن حسین بن علیّ بن ابی طالب (صلوات الله وسلامه علیهم).
>
> امروز در مدینه در مسجد پیغمبر نماز صبح را که خواندم، حاکم مدینه پیش من آمد و دربارهٔ چند چیز با من مشورت نمود.
>
> من صلاح او را بیان کردم و به او وعده کردم که وقت عصر به سوی او برگردم. هر کس هر چه می‌خواهد از آثار و علامات امامت از من سؤال نماید.

عمرو بن هذّاب حرکت کرد و گفت: محمد بن فضل هاشمی از جانب شما چیزهایی نقل کرده که دل‌های ما آن را قبول نمی‌کند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: مگر او چه گفته؟

عرض کرد: می‌گوید **شما تمام کتاب‌های آسمانی و تمام لغات اهل دنیا را می‌دانید**.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: راست گفته است. هر چه می‌خواهید سؤال کنید.

عرض کرد: اشخاص متفرّقه‌ای را از روم و هند و فارس و ترک و غیره احضار کردیم تا شما را امتحان کنیم. اگر شما راست می‌گویید با یک‌یک اینها سخن گویید.

امام با تمام آن‌ها به زبان و لهجهٔ خودشان تکلّم نمودند و به سؤال‌های هر یک

پاسخ دادند به گونه‌ای که همه متحیّر شدند و اقرار کردند که آن حضرت از همهٔ آن‌ها فصیحتر صحبت می‌کند.

در اینجا امام متوجّه عمرو بن هذّاب شده، فرمودند:

اگر به تو خبر دهم که تا چند روز دیگر خون یکی از خویشان خود را خواهی ریخت تصدیق می‌کنی؟

عرض کرد: خیر، تصدیق نمی‌کنم؛ زیرا غیب را غیر از خداوند دیگری نمی‌داند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

مگر نمی‌دانی که خداوند فرموده است:

﴿عٰالِمُ الْغَيْبِ فَلٰايُظْهِرُ عَلىٰ غَيْبِهِ أَحَداً إِلّٰا مَنِ ارْتَضىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾[1].

«همانا خداوند دانای غیب است و بر غیب خود کسی را آگاه نفرموده مگر آن کس را که پسندیده است و آن پیامبر است».

و ما هم وارث پیامبر هستیم. و لذا می‌دانیم آنچه را که واقع شده است و آنچه را که تا روز قیامت انجام می‌گیرد. تو مبتلا به ریختن خون یکی از ارحام تا پنج روز دیگر خواهی شد. و اگر نشدی بدان من امام نیستم.

و فرمود: تا چند روز دیگر نابینا می‌شوی و سوگند به دروغ یاد می‌کنی و پیس خواهی شد.

راوی گوید: به خدا قسم آنچه حضرت فرمودند پس از چند روز دیده شد و همه واقع گردید.

و بعد با بزرگ یهود و نصارا و دیگران به لغت خود آن‌ها احتجاج نمودند و رسالت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را از کتاب‌های خودشان ثابت فرمودند.

همه به راستی گفتار حضرت اقرار نموده، عرض کردند: اگر ریاست ما بر یهود و نصارا نبود، به شما ایمان می‌آوردیم.

حضرت امام رضا علیه‌السلام به سؤالات همهٔ مردم پاسخ داده و حوائج‌شان را مرحمت

---

۱. سورهٔ جنّ، آیهٔ ۲۶.

نمودند و نماز ظهر را با جماعت خواندند و فرمودند: من به مدینه برمی‌گردم و فردا نیز خواهم آمد ان شاء الله تعالی.

روز بعد باز بوی بهشت همانند روز پیش فضا را تسخیر کرد، نسیم عطرآمیز همه جا را فرا گرفت، شبِ انتظار به پایان رسید و بار دیگر سعادت به روی مردم بصره روی آورد و در حالی‌که مردم بصره اجتماع کرده بودند، دوباره ماه مجلس طلوع کرد و دیدگان را روشن نمود.

کنیزی از اهل روم را به حضورش آوردند. امام علیه‌السلام با زبان رومی با او تکلّم نموده، فرمودند:

ای کنیز؛ محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بیشتر دوست داری یا عیسی را؟

ـ تا موقعی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را نمی‌شناختم عیسی را بیشتر دوست داشتم ولی اکنون که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را شناختم او را بیشتر دوست دارم.

فرمود: حال که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را شناختی عیسی را دوست نداری.

ـ چرا، لیکن محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بیشتر دوست دارم.

جاثلیق به امر آن حضرت، گفتگوی آنان را برای مردم ترجمه کرد و به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام گفت: مردی نصرانی از اهل سِند اهل بحث و کلام است، اگر اجازه می‌فرمایید او را به خدمت شما بیاوریم.

فرمود: مانعی ندارد. او را آوردند و حضرت با لغت سندی با او سخن گفتند و در امر توحید و رسالت با او احتجاج نمودند تا اینکه مرد سندی شهادت به وحدانیّت خدا و رسالت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله داده، زُنّار خود را پاره کرد.

حضرت امام رضا علیه‌السلام به مردم فرمود: اکنون به آنچه محمّد بن فضل می‌گفت ایمان آوردید؟

مردم گفتند: بلکه مقام شما بیش از آنچه محمّد گفته بود بر ما ثابت شد و همچنین محمّد به ما گفت که **شما را به سرزمین خراسان می‌برند، آیا اینهم درست است؟!**

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: **بلی درست است.**

همه اقرار به امامت ایشان نمودند و متفرّق شدند. ابر رحمت بر مزرعهٔ دل‌های

مردم بصره باریده **و حجّت بر همگان تمام شده بود**. خورشید هم انوار خویش را به آرامی جمع می‌کرد و می رفت.

مردم بصره شب را با تشرّف به خدمت **حضرت ثامن الحجج** علیه‌السلام به پایان رسانیدند.

شد روشن از فروغ سحر، طارم کبود　　نقّاش صبح، رنگ شب از آسمان زدود
بگریخت از شرارهٔ مشرق، غبار شب　　چون از لهیب شعلهٔ آتش غبار دود

و بالأخره شب وصال گذشت و روز فراق رسید و امام از همه خداحافظی نمودند و رفتند.

محمّد بن فضل می‌گوید: من به مشایعت آن حضرت رفتم. در بین راه به جایی رسیدیم که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از راه خارج شدند و چهار رکعت نماز خواندند و فرمودند: ای محمّد؛ چشمان خود را ببند. اطاعت کردم.

فرمودند: چشمانت را بازکن. باز کردم، خود را درب منزلم در بصره دیدم و **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از نظرم ناپدید شدند.

آن حضرت به من دستور داده بودند که به کوفه بروم و به شیعیان خبر دهم که امام هشتم به کوفه تشریف می‌آورند و به منزل حَفْص بن عُمَیر تشریف می‌برند.

من به وظیفهٔ خود عمل کردم و آن حضرت تشریف آوردند و امر فرمودند مسلمانان و دانشمندان یهود و نصارا جمع شدند و حضرت با تمام آن‌ها به لغت خودشان سخن گفتند و حقّانیّت خود و اجدادشان را ثابت نمودند و به جاثلیق نصارا فرمودند:

> آیا علم داری به آن ورقه‌ای که پنج اسم در آن نوشته شده بود و به همراه حضرت عیسی بود که اگر می‌خواست از مشرق به مغرب و یا از مغرب به مشرق برود، خدا را به یکی از آن اسماء می‌خواند و به یک لحظه این مسافت را طی می‌کرد؟

جاثلیق گفت: چنین بود، ولی من آن اسماء را نمی‌دانم.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

حجّت خدا و امام بعد از پیغمبر نیست مگر اینکه باید به جمیع علوم و کمالات

پیغمبران واقف باشد و همهٔ کتاب‌های آسمانی را بداند و به تمام لغات دنیا بتواند سخن گوید و هیچ لغتی از او پوشیده نباشد و از گناه و معصیت و اخلاق فاسده به دور باشد ... .[1]

نمونهٔ دیگری از بحث‌های حضرت امام رضا علیه‌السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان

محمّد بن عمر بن عبدالعزیز انصاری گفت: کسی که خودش از حسن بن محمّد نوفلی شنیده بود برایم نقل کرد:

هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بر مأمون وارد شدند، مأمون به فضل بن سهل دستور داد تا صاحبان رأی و نظر و آن‌هائی که حرفی برای گفتن دارند ـ مانند: جاثلیق (مسیحی)، رأس الجالوت (یهودی)، رؤسای صابئین (منکرین دین و خدا و پیامبر)، هربذ اکبر؛ بزرگ زردشتی‌ها، نسطاس رومی و دانشمندان آگاه به علم کلام ـ را گرد آورد تا گفتار **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و کلام آنان را بشنود.

فضل بن سهل به دستور مأمون عمل کرد و آنان را جمع‌آوری نمود، سپس او را از اجتماع آنان باخبر نمود، مأمون دستور داد تا همهٔ آنان را به حضور او ببرند و چنین کردند.

مأمون در ضمن خوش‌آمدگوئی به آن‌ها گفت: من شما را برای کار خیری جمع کرده و دوست دارم که با پسرعمویم، این شخصی که از مدینه بر من وارد گشته مناظره و گفتگو کنید، فردا بامدادان همه نزد من آئید و هیچ‌کدام از شما از این دستور سرپیچی نکند.

همگی گفتند: فرمانت را شنیده و اطاعت می‌کنیم، فردا صبح زود خواهیم آمد.

حسن بن محمّد نوفلی گوید: در حینی که ما نزد **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مشغول گفتگو بودیم یاسر بر ما وارد شد. او عهده‌دار کارهای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بود.

---

۱. علم غیب: ۲۲ به نقل از بحار الأنوار: ۷۵/۴۹.

عرض کرد: ای سرور من؛ مأمون به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: فدای شما برادرتان؛ دانشمندان صاحب‌نظر و علمای علم کلام از تمام ملّت‌ها نزد من گرد آمده‌اند، اگر دوست دارید گفتار آنان را بشنوید نزد ما بیائید و اگر کراهت دارید و خوش ندارید خود را به زحمت نیندازید، و اگر دوست داشته باشید ما نزد شما بیائیم این کار بر ما آسان است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام پیغام دادند:

به او سلام برسان و بگو: آنچه اراده کرده‌ای دانستم و من فردا صبح انشاء الله به سوی تو خواهم آمد.

حسن بن محمّد نوفلی گوید: هنگامی که یاسر رفت، امام علیه‌السلام رو به ما کرد و فرمود:

ای نوفلی؛ تو عراقی هستی و عراقی‌ها دقّت‌نظر دارند، چه فکر می‌کنی دربارهٔ این کار مأمون پسر عمویت که اهل شرک و علمای ادیان را گرد آورده است؟

عرض کردم: فدای شما شوم؛ می‌خواهد شما را بیازماید و دوست دارد از آنچه نزد شما است از علم و دانش آگاهی پیدا کند، کار خود را بر اساس نامطمئنّی بنا کرده و بد بنائی نهاده است.

امام علیه‌السلام فرمود: بنای او در این باب چیست؟

عرض کردم: دانشمندان علم کلام و اهل بدعت برخلاف علماء هستند؛ زیرا عالم مطلب درست را انکار نمی‌کند ولی علمای ادیان و متکلّمین و اهل شرک همه اهل انکار و دروغ‌بافی هستند، اگر بر آنان احتجاج کنی که خداوند تبارک و تعالی یکتا و یگانه است، خواهند گفت: یکتائی او را اثبات کن، و اگر بگوئی که محمّد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است خواهند گفت: رسالتش را ثابت کن، سپس شخص را کلافه می‌کنند و او دلیل خود را باطل می‌کند، و با او مغالطه می‌کنند تا دست از حرف خود بردارد، از آنان پرهیز کن و مواظب باش فدایت شوم.

امام علیه‌السلام تبسّمی کرد، سپس فرمود:

ای نوفلی؛ آیا می‌ترسی که آنان دلیل مرا رد کنند؟!

عرض کردم: نه به خدا قسم؛ هرگز در مورد شما ترسی ندارم و امیدوارم که خداوند انشاء الله شما را بر آنان پیروز سازد.

امام علیه‌السلام فرمود:

ای نوفلی؛ آیا دوست داری بدانی که مأمون چه زمانی از کار خود پشیمان می‌گردد؟ عرض کردم: آری.

فرمود: زمانی که احتجاج مرا با اهل تورات به تورات‌شان و با اهل انجیل به انجیل‌شان و با اهل زبور به زبورشان و با صابئین به کلام عبری و با زردشتی‌ها به فارسی و با رومیان به رومی و با صاحبان نظر و علمای ادیان هر یک به زبان و لغت خودشان بشنود و چون دلیل هر یک را باطل کردم و او را محکوم نمودم و او دست از گفتار خود برداشت و سخنان مرا پذیرفت مأمون خواهد فهمید موضعی که اتّخاذ کرده شایستهٔ او نیست و در این هنگام است که دچار پشیمانی می‌شود و هیچ حرکت و نیروئی جز به وسیلهٔ خداوند نیست.

چون صبح کردیم فضل بن سهل نزد ما آمد و به امام علیه‌السلام عرض کرد: فدای شما شوم؛ پسرعمویت منتظر شما است و همهٔ دعوت‌شدگان اجتماع کرده‌اند، نظر شما در آمدن چیست؟

امام علیه‌السلام فرمود: تو پیش برو و من إنشاء الله خواهم آمد، سپس وضو گرفت وضوی نماز و شربت سویق (شوربا که با آرد گندم و جو درست کنند) آشامید و مقداری به ما مرحمت کرد، سپس از منزل بیرون آمد و ما به همراه آن حضرت بیرون آمدیم تا بر مأمون وارد گشتیم، مجلس سرشار از جمعیّت بود، محمّد بن جعفر (عموی آن حضرت) به همراه گروهی از طالبیین و هاشمیین و فرماندهان لشکر حضور داشتند.

همینکه **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد شدند مأمون بپا خاست، محمّد بن جعفر و تمام بنی‌هاشم به احترام آن حضرت برخاستند. امام علیه‌السلام و مأمون نشستند و آنان ایستاده بودند تا دستور داد بنشینند.

مأمون رو به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام کرد و مدّتی با آن حضرت گفتگو کرد سپس به

جاثلیق رو کرد و گفت: ای جاثلیق؛ این پسر عموی من علیّ بن موسی است و او از فرزندان فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر ما و پسر علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام است، دوست دارم با او به گفتگو بپردازی، بحث کنی، دلیل آوری و انصاف را از دست ندهی.

جاثلیق گفت: ای امیر مؤمنان! چگونه با کسی بحث کنم که بر من با کتابی احتجاج می‌کند که من منکر آن هستم و با گفتار پیامبری استدلال می‌کند که من بـه آن ایـمان ندارم.

امام علیه‌السلام فرمود:

ای مسیحی؛ اگر با انجیل خودت بر تو احتجاج کنم و دلیـل آورم مـی‌پذیری و اعتراف می‌کنی؟

جاثلیق گفت: مگر می‌توانم آنچه را که انجیل به آن گویا است رد کنم، آری بخدا قسم؛ گرچه برخلاف میل من باشد به آن اقرار خواهم کرد.

آن‌گاه امام علیه‌السلام بر او از انجیل خواند و ثابت کرد برای او که پیامبر ما در انجیل ذکر شده، سپس به او از عدد حواریّون حضرت عیسی و احوال ایشان خبر داد و با دلایل فراوانی احتجاج کرد و او به آن‌ها اقرار کرد، سپس کتاب شعیا و غیر آن را بر او قرائت کرد تا آن‌که جاثلیق گفت: اکنون کسی غیر از من از تو سئوال کـند، بـه حـقّ مسـیح سوگند؛ هرگز گمان نمی‌کردم در میان علمای مسلمان مانند شما شخصیّتی باشد.

پس از آن، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رو به «رأس الجالوت» کرد و با تورات و زبور و کتاب شعیا و حیقوق بر او استدلال نمود تا آنکه ساکت ماند و پاسخی بـرای گـفتن نداشت.

سپس امام علیه‌السلام «هربذ اکبر» یعنی بزرگ زردشتیان را فراخـوانـد و بـر او اسـتدلال فرمود به گونه‌ای که موقعیّت خود را از دست داد و جوابی برای گفتن نداشت، آن‌گاه **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رو به حاضرین کرد و فرمود:

اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و می‌خواهد سئوالی بپرسد بـدون

هیچ‌گونه شرمندگی و خجالت بپرسد.

عمران صابی ـ که یکی از متکلّمین بود ـ از جا برخاست و عرض کرد: ای دانشمند؛ اگر تو دعوت به پرسش ننموده بودی اقدام به سئوال کردن نمی‌نمودم، من به شهر کوفه، بصره، شام و الجزیره سفر کرده‌ام، متکلّمین فراوانی دیده‌ام، کسی را تاکنون نیافته‌ام که برای من اثبات کند وجود واحدی را که غیر از او کسی قائم به وحدانیّت نباشد، آیا اجازه می‌دهی که از شما سئوال کنم؟

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

اگر در میان این جمعیّت کسی به نام عمران صابی باشد تو همان هستی.

عرض کرد: من عمران صابی هستم.

امام علیه‌السلام فرمود:

سئوال کن ولی انصاف را رعایت کن و از گفتار زشت و فاسد و اندیشه‌های نادرست و بیراهه رفتن بپرهیز.

عمران عرض کرد: به خدا قسم؛ ای سرور من؛ تنها می‌خواهم چیزی را برایم ثابت کنی که بتوانم به آن تمسّک جویم و چنگ بزنم و از آن تجاوز نخواهم کرد.

امام علیه‌السلام فرمود: از آنچه در خاطر داری سئوال کن.

مردم ازدحام کردند و نزدیک هم آمدند، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بر او استدلال فرمود و به سئوالات او پاسخ گفت و گفتگو میان آن دو به طول انجامید تا آنکه وقت نماز فرارسید، امام علیه‌السلام رو به مأمون کرد و فرمود: هنگام نماز است.

عمران عرض کرد: سرور من؛ اکنون که دلم نرم گردیده پاسخ مرا ناتمام نگذار، امام علیه‌السلام فرمود: نماز می‌خوانیم و بازمی‌گردیم، و از جا برخاست، مأمون نیز برخاست. حضرت در اندرونی نماز خواند، و مردم به امامت جعفر بن محمّد نماز را بپا داشتند. پس از انجام فریضه، امام علیه‌السلام به جایگاه خود بازگشت و عمران را فراخواند و فرمود: ای عمران؛ سئوال کن.

او سئوالات خود را پیرامون آفریدگار متعال و صفات او مطرح کرد، و امام علیه‌السلام به همهٔ آن‌ها پاسخ داد تا آن‌که فرمود: آیا درست فهمیدی ای عمران؟

عرض کرد: **آری؛ فهمیدم ای سرور من و گواهی می‌دهم که خداوند آنگونه است که توصیف نمودی و او را یکتا دانستی، و این‌که محمّد بندهٔ او است که به هدایت و دین حق مبعوث گشته، سپس رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد.**

حسن بن محمّد نوفلی گوید: متکلّمین دیگر که در مجلس حضور داشتند وقتی عمران صابی را مشاهده کردند که با آن همه سرسختی و جدال که کسی قادر نبود او را محکوم نماید در برابر امام علیه‌السلام چنین کلامی گفت، آن‌ها نزدیک آن حضرت نیامدند و سئوالی را مطرح نکردند تا هنگام غروب فرا رسید، مأمون و **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برخاستند و به داخل حجره رفتند و مردم پراکنده شدند، من در میان جمعی از یاران و همراهانم بودم که محمّد بن جعفر کسی را به دنبال من فرستاد و من نزد او رفتم.

محمّد بن جعفر گفت: ای نوفلی؛ دیدی دوستت امروز چه کرد؟ به خدا سوگند؛ هرگز گمان نمی‌کردم که علیّ بن موسی بتواند این‌گونه در این موضوعات فرو رود و او را این‌گونه نمی‌شناختیم، آیا او در مدینه کلام تدریس می‌کرد یا دانشمندان علم کلام گرد او می‌آمدند؟

گفتم: آن‌ها که به حجّ می‌رفتند نزد او شرفیاب می‌شدند و از حلال و حرام و احکام الهی می‌پرسیدند و امام علیه‌السلام به آن‌ها جواب می‌داد و گاهی کسی می‌آمد که مناظره کند و امام علیه‌السلام برایش استدلال می‌فرمود.

محمّد بن جعفر گفت: ای ابا محمّد؛ من بر او نگرانم و می‌ترسم که این شخص بر او حسد ورزد و او را مسموم سازد یا دچار بلائی نماید، تو به آن حضرت اشاره کن که از این‌گونه امور خودداری کند.

گفتم: از من نمی‌پذیرد، این شخص جز آزمودن آن حضرت چیزی در نظر نداشت و می‌خواست بفهمد که آیا از علوم پدرانش چیزی نزد او هست یا نه؟

محمّد بن جعفر گفت: به آن حضرت بگو: عمویت ایـن‌گونه اظـهار فـضل‌ها را نمی‌پسندد و به خاطر عللی دوست دارد که از این کارها خودداری کنی.

هنگامی که من به منزل **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بازگشتم گفتار عمویش مـحمّد بـن جعفر را به ایشان رساندم.

آن حضرت تبسّمی کرد و فرمود:

خدا عمویم را حفظ کند، نمی‌دانم چرا از این کار خوشش نمی‌آید.

سپس فرمود: نزد عمران صابی برو و او رانزد من آور.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ من جای او را می‌دانـم، او نـزد بـعضی از بـرادران شیعه است.

فرمود: اشکال ندارد، چهارپائی برایش حاضر کنید تا بیاید.

من نزد عمران آمده و او را آوردم. امام علیه‌السلام به او خوش‌آمد گفت، جـامه‌ای بـه او خلعت داد و به او پوشانید و ده هزار درهم طلبید و به او هدیه نمود.

عرض کردم: فدایت شوم؛ کار جدّت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در خاطر ما زنده کردی.

فرمود: باید اینگونه رفتار کرد. سپس دستور فرمود شام بیاورند. مرا طـرف راست خود و عمران را در طرف چپ نشانید، پس از صرف شام به عمران فرمود:

اکنون به منزل بازگرد و فردا صبح زود نزد ما بیا تا از خوراکی‌های اهل مدینه به تو بدهم.

پس از آن، عمران با دانشمندان علم کلام از ادیان گوناگون اجتماع می‌کرد و حجّت و دلیل آنان را باطل می‌نمود تا آنکه از او کناره گرفتند.[1]

بحث و مناظره‌های جالب **حضرت امام رضـا** علیه‌السلام ـ کـه هـمیشه هـمراه بـا غـلبه و پیروزی بر خصم بود ـ بر محبوبیّت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در سراسر کشور پهناور آن زمان افزود و علاقه و توجّه مردم در سراسر کشور به آن حضرت، آنچنان گسـترش

۱. بحار الأنوار: ۱۷۳/۴۹.

پیدا کرد که ترس و هراس از دست رفتن حکومت، مأمون و سایر بنی‌العبّاس را فراگرفت.

به این جهت او برای حفظ موقعیّت خود و شکست شخصیّت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، برنامه‌هایی را طرح کرد تا شاید بتواند به هدف شوم خود دست یابد؛ ولی نقشه‌های او همیشه با شکست روبرو می‌شد و سیل علاقه و ارادت مردم در سراسر کشور پهناورِ آن زمان به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رو به افزایش بود؛ تا سرانجام، آن جرثومهٔ ننگینِ تاریخ، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را شهید نمود.

بحث‌ها و مناظره‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و غلبه و پیروزی کامل آن بزرگوار بر آنان، روشنگر احاطهٔ علمی و دانش بی‌شمار آن حضرت بود.

آری؛ بر اثر معجزات شگفت‌آور و بحث‌های بسیار مهمّ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام با بزرگترین دانشمندان زمان، محبوبیّت آن حضرت در میان مردم گسترش یافت و سرانجام مأمون تصمیم به شهادت آن حضرت گرفت.

هرثمة بن اعین گفت: بر سرور و مولایم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در خانه مأمون وارد شدم و در آنجا شایع شده بود که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وفات یافته است و این درست نبود، من وارد شدم و اجازهٔ ملاقات می‌خواستم.

هرثمه گوید: در میان خدمتگزاران مورد اعتماد مأمون، جوانی بود که او را «صبیح دیلمی» می‌گفتند، او به حق ولایت سرورم را داشت و او را واقعاً دوست می‌داشت، در آن هنگام خارج شد و چون مرا دید گفت:

ای هرثمه؛ حتماً می‌دانی که من مورد اطمینان مأمون بر امور پنهان و آشکار او هستم، اکنون بدان که مأمون من و سی تن از غلامان مورد اطمینان دیگرش را که اهل سرّ او بودند در ثلث اول شب خواست، بر او داخل شدیم در حالی‌که شبش از زیادی شمع‌ها همچون روز شده بود و در مقابلش شمشیرهائی بیرون‌آمده از نیام بود، تیز و زهرآگین شده، ما را یکی یکی خواست و از هر کدام عهد و پیمان گرفت، و در آن

جایگاه از خلق خدا غیر از ما کسی نبود، به ما گفت:

این کار به عهدهٔ شما است و لازم است آنچه را بدان فرمان می‌دهم اجرا کنید و هرگز در مورد آن مخالفت نکنید، ما سوگند یاد کردیم که فرمانش را انجام دهیم.

آن‌گاه گفت: هر یک شمشیری بردارید و بروید تا بر **علیّ بن موسی الرضا** در اتاقش وارد شوید، او را در هر حالی که دیدید نشسته یا ایستاده و یا خوابیده، با او سخن نگوئید و شمشیرهایتان را بر او فرود آورید، و گوشت، خون، مو، مغز و استخوان او را بهم بیامیزید، سپس فرشش را بر او بیفکنید و شمشیرهای‌تان را با آن پاک کنید و به سوی من بازگردید و برای هر یک از شما بر این کار و کتمان آن، ده کیسه درهم و ده قطعه زمین انتخابی بدهم و نزد من تا آن زمان که زنده باشم بهره‌مند خواهید بود.

«صبیح» ادامه داد: ما شمشیرها را به دست گرفتیم و بر آن حضرت در اتاقش وارد شدیم، به پهلو خوابیده بود و انگشتان خود را حرکت می‌داد و کلامی می‌گفت که ما نفهمیدیم.

غلام‌ها با شمشیرها به سوی او حمله‌ور شدند و من در حالی‌که ایستاده بودم و به او نگاه می‌کردم شمشیرم را پائین آوردم، گویا آمدن ما را خبر داشت، او لباس به تن نکرده بود که شمشیرها بر آن اثر نکند و کارگر نباشد. فرش را بر او پیچیدند و از آنجا خارج شدند تا بر مأمون وارد گشتند، از آن‌ها پرسید چه کردید؟

گفتند: آنچه ما را به آن دستور دادی انجام دادیم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: هیچ کدام این مطلب را اعاده نکنید.

چون فجر طلوع کرد و هوا روشن شد مأمون خارج شد، سر برهنه در حالی‌که دکمه‌هایش را باز کرده بود به هیئت عزادار در مجلسش نشست و وفات آن حضرت را اظهار می‌کرد، سپس با سر و پای برهنه برخاست به طرف حجرهٔ **حضرت امام رضا**علیه‌السلام به راه افتاد و من به همراه او بودم، وقتی در اتاق وارد شد صدای همهمه‌ای از

او شنید، لزره بر اندامش افتاد، به من گفت: نزد او کیست؟

گفتم: نمی‌دانم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: بشتابید و نگاه کنید.

صبیح گفت: به سوی اتاق شتافتیم، سرورم بود که در محرابش نشسته نماز می‌خواند و تسبیح می‌گفت، به سوی مأمون بازگشته و گفتیم: در محراب کسی را می‌بینم که نماز می‌خواند و تسبیح می‌گوید.

از این خبر بهت‌زده شد و دوباره به خود لرزید و گفت: شما مرا فریب دادید، خدا لعنتتان کند، آن‌گاه از میان آن گروه رو به من کرد و گفت: ای صبیح؛ تو او را می‌شناسی، نگاه کن کیست که نزد او نماز می‌خواند.

صبیح گفت: من داخل شدم و مأمون بازگشت، چون به درگاه در رسیدم به من فرمود: ای صبیح.

گفتم: لبّیک مولای من، و به رو افتادم.

حضرت فرمود:

برخیز خداوند تو را رحمت کند، ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾[1].

می‌خواهند که با دهان‌های خود نور خداوند را خاموش کنند و خداوند نور خود را کامل می‌گرداند؛ گرچه کافران را خوش‌آیند نباشد.

صبیح گفت: به سوی مأمون بازگشتم، چهرهٔ او را مانند پاره‌ای از پاره‌های شب تاریک یافتم، به من گفت: ای صبیح؛ چه خبر.

به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! به خدا قسم او در حجره‌اش نشسته بود، مرا صدا زد و به من چنین گفت.

---

۱. سورهٔ صفّ، آیهٔ ۸.

صبیح گفت: مأمون که از گفتهٔ من مطمئن شد، دکمه‌هایش را بست و دستور داد لباس‌هایش را آوردند، پوشید و گفت: بگوئید علیّ بن موسی از هوش رفته بود و اکنون به هوش آمده است.

هرثمه گفت: من خدا را شکر کرده و بسیار سپاس گفتم، سپس بر آقایم **حضرت امام رضا**علیه‌السلام وارد شدم، چون مرا دید فرمود:

ای هرثمه؛ آنچه «صبیح» برایت گفت به‌کسی بازگو مکن، مگر آن‌که خداوند قلبش را با محبّت و ایمان به ولایت ما آزموده است.

گفتم: اطاعت می‌کنم ای آقای من. فرمود:

ای هرثمه؛ به خدا قسم مکر آن‌ها هیچ ضرری به ما نمی‌زند تا آنچه نوشته شده به زمان معیّن خود برسد.[1]

۲ ـ امام زمان ارواحنا فداه و اقامهٔ برهان و دلیل

آری؛ همان‌گونه که بحث‌ها و مناظره‌های **حضرت امام رضا**علیه‌السلام در شهرهای مختلف با بزرگترین دانشمندان جهان به زبان‌های گوناگون، بر محبوبیّت و توجّه مردم نسبت به آن حضرت افزود و باعث گرایش مردم به آن بزرگوار شد، در عصر ظهور نیز امام عصر عجّل الله تعالی فرجه بساط بحث و استدلال را با دانشمندان بزرگ جهان می‌گسترانند و سراسر گیتی را برهان و دلیل و فرهنگ عظیم و مستدلّ فرا خواهد گرفت. و به این جهت در بسیاری از نقاط جهان **بدون نیاز به جنگ و شمشیر، مردمِ جهان فوج فوج و گروه گروه به صف مؤمنان می‌پیوندند.**[2]

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۱۵/۲.

۲. پیروزی امام عصر عجّل الله تعالی فرجه بر سراسر جهان، عوامل گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها جنگ است. جنگ و ستیز نیز مخصوص کسانی است که به پیکار با آن حضرت برمی‌خیزند و دیگران مانند پیران، زنان، کودکان و... از آن معاف هستند. متأسّفانه دست‌های ناشناخته برای ترساندن مردم از فرارسیدن حکومت امام زمان ارواحنا فداه عامل پیروزی آن حضرت را فقط جنگ و کشتار میان مردم قلمداد کرده و از سایر عوامل تسخیر جهان حرفی نمی‌گویند. در این باره رجوع کنید به کتابِ دیگر مؤلّف: «امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و تسخیر جهان»

حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده‌اند که آن بزرگوار فرمودند:

... یملأ الأرض عدلاً وقسطاً وبرهاناً.[1]

(آن حضرت) سراسر گیتی را سرشار از عدالت، قسط و برهان می‌سازد.

به همین جهت، یکی از القاب حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه «حجّت» می‌باشد؛ زیرا آن حضرت، حجّت و دلیل را بر همهٔ مردم تمام می‌کنند و هر گونه مشکلی را با بیان و دلیل و حجّت آسان می‌سازند.

این، یکی از وجوه مشترک میان حضرت ثامن الحجج امام هشتم علیه‌السلام و حضرت حجّت امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد.

۲ ـ رأفت و مهربانی

یکی دیگر از نقطه‌های اشتراک میان **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و امام عصر عجّل الله تعالی فرجه رأفت و مهربانی شدید آن دو امام رئوف به مردم است. در این باره مطالب و دلایل فراوانی وجود دارد که ما اکنون به اختصار آن را پی‌گیری می‌کنیم:

۱ ـ رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه‌السلام

رأفت و مهربانی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به مردم آنچنان زیاد بوده و هست که همگان کم و بیش از آن آگاهیم. علاوه بر روایاتی که در این باره وجود دارد، معجزات بسیار شگفت‌انگیزی که از آن حضرت واقع شده خود دلیل بر مهربانی و رأفت بسیار شدید آن حضرت به مردم است. مهربانی و پذیرش دو جوان مسیحی ـ که در آخر مقدمّهٔ این کتاب نقل می‌کنیم ـ دلیل بسیار روشنی بر لطف و مهربانی آن بزرگوار حتّی نسبت به غیر شیعیانی که خواهان لطف و عنایت هستند می‌باشد.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۱/۴۴ و ۲۸۰/۵۲.

اکنون جریانی را می‌آوریم که **حضرت امام رضا**علیه‌السلام چگونه جسد بی‌جان یکی از شیعیان را در آغوشِ محبّت گرفته و اظهار لطف و مهربانی نمودند.

جنازهٔ یک شیعه و حضرت امام رضا علیه‌السلام

ابن شهرآشوب از موسی بن سیّار روایت کرده که گفت: من با **حضرت امام رضا**علیه‌السلام بودم و با آن حضرت به شهر طوس نزدیک شده بودیم که صدای شیون و فغانی شنیدیم، در پی آن صدا رفتیم، ناگاه به جنازه‌ای برخوردیم.

چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم آقایم پا از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد، پس خود را به آن جنازه چسبانید؛ آنگونه که برّهٔ نوزاد، خود را به مادر می‌چسباند.

آنگاه رو به من نمود و فرمود:

> ای موسی بن سیّار؛ هرکس مشایعت کند جنازهٔ دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون می‌شود مانند روزی که از مادر متولّد شده که هیچ گناهی بر او نیست.

چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، آقای خود **امام رضا**علیه‌السلام را دیدم که به طرف میّت رفت و مردم را کنار کرد تا خود را به جنازه رسانید، پس دست خود را به سینهٔ او نهاد و فرمود:

> ای فلان بن فلان؛ بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست.

من عرض کردم: فدای تو شوم؛ آیا این میّت را می‌شناسی و حال آنکه به خدا سوگند این سرزمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟!

فرمود:

> ای موسی؛ آیا می‌دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما امامان عرضه

می‌شود؟ پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم از خدا می‌خواهیم که او را عفو کند و اگر کار خوب از او دیدیم از خدا برای او پاداش نیکو درخواست می‌کنیم.[1]

جوان گنهکار
ولی از دوستان حضرت امام رضا علیه‌السلام

محدّث عالی مقام، عمادالدین طبری می‌نویسد: ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

همسایه‌ای داشتم که شراب‌خوار بود، و خدا می‌داند که چه هتک حرمتی انجام می‌داد، در عین حال **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را نیز دوست داشت.

روزی جریان او را برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل کردم. حضرت فرمود:

یا أبا إسحاق؛ أما علمت أنّ وليّ عليّ علیه‌السلام **لم تزلّ له قدم إلّا ويثبت له أُخرى؟**

ای ابا اسحاق؛ آیا نمی‌دانی که دوست علی علیه‌السلام اگر گامی از او بلغزد، گام دیگرش ثابت و استوار می‌ماند؟!

ابراهیم گفت: من از خدمت حضرتش مرخص شدم، ناگاه نامه‌ای از جانب **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دریافت نمودم که در آن نامه حضرتش برخی اشیا را خواسته و دستور فرموده بود که آن‌ها را به مبلغ شصت دینار خریداری نمایم.

من با خود گفتم: سوگند به خدا؛ چنین چیزی سابقه نداشته که برای من چیزی بنویسد؛ زیرا من چیزی ندارم و فکر نمی‌کنم که او چیزی (از خمس و غیره) نزد من داشته باشد.

شب شد، ناگاه درب خانه‌ام را زدند، متوجّه شدم که شخص مستی مرا صدا می‌زند، پشت درب آمدم.

گفت: بیرون بیا.

گفتم: در این موقع از شب چه کار با من داری و برای چه آمده‌ای؟

---

۱. منتهی الآمال: ۹۱۰.

او که از مستی نمی‌توانست خوب حرف بزند، گفت: دست خودت را بیرون آور و این کیسه را بگیر و برای مولایم بفرست تا در موارد نیاز مصرف نماید.

من کیسه را گرفتم و او رفت، نگاه کردم دیدم به اندازهٔ شصت دینار است.

گفتم: سوگند به خدا؛ این مصداق همان فرمایش مولایم **امام رضا** علیه‌السلام است که در مورد دوست علی علیه‌السلام فرمود و در نامه‌اش خواستهٔ خویش را نوشت.

من همهٔ آنچه را که حضرت خواسته بود خریدم، و طیّ نامه‌ای رفتار آن همسایه را نیز نوشته و برای حضرتش فرستادم.

حضرت نوشت:

این از همان موارد است.[1]

از این جریان استفاده می‌شود که اساس کار، ولایت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام است و سرانجام باعث نجاتِ کسانی که دارای آن هستند، می‌شود و پذیرش هدایای یک فرد گنهکار، دلیل بر لطف و مهربانی نسبت به او می‌باشد.

این‌گونه جریانات، دلیل بر شدّت رأفت و مهربانی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نسبت به دوستان و شیعیان‌شان می‌باشد. به این جهت یکی از القاب آن حضرت، «امام رئوف» است.

تاکنون مطالبی را بیان کردیم تا آنان که به آستان **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب شده و به بارگاه ملکوتی آن بزرگوار وارد می‌شوند، بدانند انسان در همهٔ زمان‌ها، از کودکی تا جوانی و بزرگسالی، تا پس از مرگ و جدایی از این جهان، می‌تواند در پناه مقام عظیم ولایت و مورد توجّه و عنایات اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

ما باید لحظاتی را که در حرم امام رئوف **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام هستیم قدر بدانیم و آگاه باشیم که ممکن است در هنگام زیارت، بزرگترین تحوّل روحی برای ما ایجاد شود و با نگاه آن حضرت، از خاک به افلاک رسیم.

---

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم‌السلام: ۶۸۳/۲ به نقل از الثاقب في المناقب: ۴۹۳.

۲ ـ مهربانی و رأفت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

مهربانی امام عصر ارواحنا فداه نیز آنچنان وسیع و گسترده است که در عصر ظهور، آن حضرت نه تنها در میان دوستان و شیعیان خاصّ بلکه در سراسر عالم، بساط رأفت و مهربانی را میان تمامی مردمان عصر ظهور می‌گسترانند.

مرحوم علاّمهٔ مجلسی نقل کرده است که خداوند انوار آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین را به حضرت آدم نشان داد و به او فرمود:

اینان وسیلهٔ تو و وسیلهٔ هر فرد سعادتمند از آفریدگان من هستند.

آنگاه حضرت آدم نگاه کرد:

فإذاً بشبح في آخرهم، يزهر في ذلك الصفيح كما يزهر كوكب الصبح لأهل الدنيا.

فقال الله تبارك وتعالى: وبعبدي هذا السعيد أفكّ عن عبادي الأغلال، وأضع عنهم الاٰصار، وأملأ أرضي به جناناً ورأفة وعدلاً كما ملئت من قبله قسوة وشقوة وجوراً.[1]

حضرت (امام زمان ارواحنا فداه) را در آخرین نفر از چهارده معصوم علیهم‌السلام شبحی از نور دید که در آن پهنه می‌درخشید؛ همانگونه که ستارهٔ صبح بر اهل دنیا می‌درخشد.

آنگاه خداوند تبارک و تعالی (به حضرت آدم) فرمود:

به وسیلهٔ این شخص سعادتمند، غل و زنجیر از بندگانم می‌گشایم و سختی‌ها را از آنان برمی‌دارم، و سراسر زمینم را به وسیلهٔ او پر از شفقت و مهربانی و عدالت می‌نمایم؛ همان‌گونه که قبل از او از قساوت و شقاوت و ستم پر شده باشد.

بنابراین همان‌گونه که خداوند فرموده است در عصر ظهور مهربانی و رأفت خداوند به وسیلهٔ حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه در سراسر جهان حکمفرما و ستم‌ها و شقاوت‌هایی که در عصر غیبت، جهان را فراگرفته است ریشه‌کن خواهد شد.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۱۲/۲۱ و ۳۱۲/۲۶.

ما باید با دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه **که مظهر رأفت و مهربانی خداوند در سراسر عالم هستند، به این وظیفهٔ مهمّ و حیاتیِ خود عمل نماییم تا انشاء الله با حضور در دولت کریمهٔ آن حضرت، نظاره‌گر رأفت و مهربانی آن بزرگوار در سراسر جهان باشیم.**

یک جریان بسیار مهمّ
یا مهربانی حضرت امام رضا علیه‌السلام و امام زمان عجّل الله تعالی فرجه
به دو جوان مسیحی

جریان بسیار جالبی نقل شده که نشان‌دهندهٔ مهربانی عظیم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است و نیز هاله‌ای از رأفت و مهربانی امام زمان عجّل الله تعالی فرجه را در بردارد:

شخصی که مورد اطمینان می‌باشد گفته است: در مشهد مقدّس، منزل یکی از دوستان، با دو دانشجوی آمریکایی که زن و شوهر بودند، ملاقات کردم. برای آن دو، داستان شگفت‌آوری رخ داده بود که به تقاضای میزبان، آن داستان را برای ما نقل کردند:

آن دو جوان آمریکایی گفتند: وقتی که ما در یکی از دانشگاه‌های آمریکا مشغول تحصیل بودیم، پیوسته در خود احساس کمبود می‌کردیم.

با اشاره به سینه‌اش گفت: احساس می‌کردم که این جا خالی است، سپس گمان کردم که این کمبود، ناشی از غریزهٔ جنسی است و با ازدواج و انتخاب همسر، آن خلأ پر می‌شود؛ از این رو، هر دو تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم؛ امّا پس از ازدواج نیز آن خلأ پر نشد و همچنان آن کمبود را در خود احساس می‌کردیم.

از این امر سخت ناراحت شدم و با این که به همسرم علاقه داشتم، در ظاهر تمایلی به او نشان نمی‌دادم و گاهی حتّی حوصلهٔ صحبت کردن با او را هم نداشتم، روزی برای عذرخواهی به او گفتم: اگر گاهی می‌بینی که من حال خاصّی دارم و از تو دوری می‌گزینم، گمان نکنی علاقه‌ای به تو ندارم؛ بلکه این ناراحتی و افسردگی و احساس

خلأ از دوران دانشجویی در من بوده و تاکنون رفع نشده است و گاهی بدان مبتلا می‌شوم.

همسرم گفت: اتّفاقاً من نیز چنین حالتی دارم. پی بردم که این احساس خلأ درونی، درک مشترک هر دوی ما است؛ در نتیجه تصمیم گرفتیم برای رفع آن، چاره‌ای بیندیشیم. در آغاز بنا گذاشتیم که بیشتر به کلیسا رفت و آمد داشته باشیم و به مسایل معنوی بپردازیم تا شاید آن خلأ برطرف شود.

ارتباطمان را با کلیسا و مسایل معنوی گسترش دادیم و در آن زمینه، کتاب‌هایی را نیز مطالعه کردیم؛ امّا آن خلأ و عطش معنوی رفع نشد.

چون شنیده بودیم که در کشورهای شرقی، به ویژه چین و هندوستان مذاهبی وجود دارند که مردم را به ریاضت و انجام تمرین‌های ویژه‌ای برای رسیدن به حقیقت دعوت می‌کنند، تصمیم گرفتیم به آن کشورها سفر کنیم، و چون چین، از دیگر کشورهای شرقی، به آمریکا نزدیک‌تر است، ابتدا به چین سفر کردیم. در چین از مسئولان سفارت آمریکا خواستیم کسانی را که در آن کشور در زمینهٔ مسایل معنوی و ریاضت سرآمدند، به ما معرّفی کنند. **آن‌ها شخصی را به ما معرّفی کردند که می‌گفتند رهبر روحانیان مذهبی چین و بزرگ‌ترین شخصیّت معنوی آن کشور است.**

با کمک سفارت، موفّق شدیم نزد او برویم و با راهنمایی و کمک او مدّتی به ریاضت مشغول شدیم، **امّا کمبود معنوی و خلأ درونی ما برطرف نشد.**

از چین به تبّت رفتیم. در آن‌جا و در دامنه‌های کوه هیمالیا معبدهایی بود که عدّه‌ای در آن‌ها به عبادت و ریاضت می‌پرداختند. به ما اجازه دادند که به یکی از معبدها راه یابیم و مدّتی به ریاضت بپردازیم.

ریاضت‌هایی که در آنجا متحمّل می‌شدیم، بسیار سخت بود؛ از جمله چهل شب روی تختی که روی آن، میخ‌های تیزی کوبیده بودند می‌خوابیدیم. پس از گذراندن مدّتی در آن‌جا و انجام ریاضت‌ها و عبادت‌ها، باز احساس کردیم خلأ درونی ما همچنان باقی است.

از آن‌جا به هندوستان رفتیم و با مرتاضان فراوانی تماس گرفتیم و مدّتی در آن‌جا به ریاضت پرداختیم، امّا نتیجه نگرفتیم و مأیوس شدیم.

سرانجام این تصوّر در ما پدید آمد که اصلاً در عالم، واقعیّتی وجود ندارد که بتواند خلأ درونی انسان را برطرف کند.

ناامیدانه تصمیم گرفتیم از طریق خاورمیانه به اروپا و سپس آمریکا رهسپار شویم. از هندوستان به پاکستان و از طریق افغانستان به ایران آمدیم و ابتدا وارد شهر بزرگ مشهد شدیم و آن را شهر عجیبی یافتیم که نمونهٔ آن را تاکنون مشاهده نکرده بودیم:

در وسط شهر، ساختمانی جالب و باشکوه با گنبد وگلدسته‌های طلا که پیوسته انبوهی از مردم به آن رفت و آمد داشتند ما را به خود جلب کرد.

پرسیدم: اینجا چه خبر است و این مردم چه دینی دارند؟ گفتند: این مردم مسلمانند و کتاب مذهبی آنان قرآن است و در این شهر و در این ساختمان یکی از رهبران مذهبی آن‌ها که به او امام می‌گویند، دفن شده است.

پرسیدم: امام کیست و چه می‌کند؟

گفتند: امام علیه‌السلام، انسان کاملی است که دارای عالی‌ترین مراحل کمال انسانی است و او با داشتن آن مقام، دیگر مرگی ندارد و پس از رخت بربستن از دنیا نیز زنده است.

مسلمانان چون چنین اعتقادی دارند؛ به زیارت امام‌شان می‌روند و با عرض ادب و احترام از او حاجت می‌خواهند و امام علیه‌السلام نیاز آن‌ها را برآورده می‌سازد.

گفتم: قسمت‌های مهمّی از قرآن را برای ما نقل کنید.

گفتند: در یکی از آیات قرآن آمده است که هر چیزی خدا را تسبیح می‌گوید.

آن سخنان برای ما معمّایی شد که چطور با این که امام آن‌ها مرده است، باز او را زنده می‌دانند و افزون بر این معتقدند که همه چیز، حتّی کوه‌ها و درختان، خدا را تسبیح می‌گویند! باور نکردیم و تصمیم گرفتیم برای تماشا وارد حرم رضوی شویم.

در صحن، یکی از خادمان که وسیله‌ای شبیه چماق با روکش نقره در دست داشت، وقتی متوجّه شد ما خارجی هستیم، از ورودمان به صحن جلوگیری

کرد و گفت: ورود خارجی‌ها ممنوع است.

گفتم: ما چندین هزار کیلومتر در دنیا سفر کرده‌ایم و به اماکن گوناگون وارد شده‌ایم و هیچ کجا به ما نگفتند که ورود خارجی ممنوع است، چرا شما از ورود ما جلوگیری می‌کنید؟ قصد ما فقط تماشای این محلّ است و نیّت بدی نداریم. هر چه اصرار کردیم، فایده‌ای نداشت و از ورود ما جلوگیری کردند.

ما با ناراحتی از آن‌جا دور شدیم و در آن حوالی روبروی مسافرخانه‌ای لب جوی آب نشستیم [1]، من مدّتی به فکر فرو رفتم که نکند در عالم حقیقتی باشد که در این جا نهان است و ما نمی‌شناسیم؟ اگر در اینجا خبری باشد و آنان ما را راه ندهند تا از آن آگاه شویم، برایمان سخت حسرت‌آور و رنج‌آور است که با آن همه زحمت، تلاش و تحمّل رنج سفر از رسیدن به آن حقیقت محروم بمانیم. بی‌اختیار گریه‌ام گرفت و مدّتی گریستم.

ناگهان این فکر به ذهنم خطور کرد که آن شخص مدفون یا امام و انسان کامل است و آن‌ها راست می‌گویند، یا دروغ می‌گویند و او انسان کامل نیست؛ اگر آن‌ها راست بگویند و به واقع او زنده است و بر همه جا احاطه دارد، خودش می‌داند که ما به دنبال چه هدفی این همه راه آمده‌ایم و باید ما را دریابد و اگر آنان دروغ می‌گویند، ضرورتی ندارد به تماشای آن جا برویم.

همین طور که اشک می‌ریختم و خود را تسلّی می‌دادم، **دست‌فروشی که تعدادی آیینه، مهر و تسبیح در دست داشت، نزدم آمد و به زبان انگلیسی و با لهجهٔ شهر خودمان گفت: چرا ناراحتی؟**

سر بلند کردم و جریان را برای او گفتم که ما برای کشف حقیقت به چندین کشور سفر کرده‌ایم و سال‌ها ریاضت کشیده‌ایم و اکنون که به این جا آمده‌ایم، به حرم راهمان نمی‌دهند.

گفت: ناراحت نباش برو. راهتان می‌دهند!

---

۱. در زمان گذشته در خیابان شیرازی، جوی آب وجود داشت.

گفتم: الآن ما به آن جا رفتیم و راهمان ندادند.

گفت: آن وقت اجازه نداشتند. من در آن لحظه فکر نکردم که چطور آن دست‌فروش به انگلیسی آنهم با لهجهٔ محلّی با من حرف می‌زند و از کجا خبر دارد که پیش‌تر خادمان حرم اجازه نداشتند ما را راه بدهند و اکنون اجازه دارند، و چرا من راز دلم را برای او گفتم؟!

سرانجام به سوی حرم راه افتادیم و وقتی به درِ صحن رسیدیم، خادم مانع ورود ما نشد. پیش خود گفتم: شاید ما را ندیده است. برگشتیم و به او نگاه کردیم؛ امّا او عکس‌العملی نشان نداد.

وارد صحن شدیم و به راهروی رسیدیم که جمعیّت انبوهی از آن‌جا وارد حرم می‌شدند ما نیز همراه جمعیّت وارد راهرو شدیم.

فشار جمعیّت ما را از این سو به آن سو می‌کشاند تا این که به درِ حرم رسیدیم؛ امّا ناگهان من احساس کردم که اطرافم خالی است و هر چه جلو رفتم، پیرامونم خلوت‌تر می‌شد و بدون مزاحمت و فشارِ جمعیّت به پنجره‌های ضریح مقدّس رسیدم و مشاهده کردم که درون ضریح، شخصی ایستاده است.

بی‌اختیار تعظیم و سلام کردم. آن حضرت با لبخند جواب سلام مرا داد و فرمود: چه می‌خواهی؟

من هر چه پیش‌تر در ذهنم بود، یکباره از ذهنم رفت و هر چه خواستم بگویم که چه می‌خواهم چیزی به ذهنم نیامد. فقط یک مطلب به ذهنم آمد و در محضر حضرت گفتم و آن این بود که من شنیده‌ام در قرآن آمده است: همهٔ موجودات خدا را تسبیح می‌گویند! وقتی آن مطلب را عرض کردم، **فرمود: به تو نشان می‌دهم.**

بعد بی‌اختیار از حرم بیرون آمدم، باز احساس کردم که پیرامونم خلوت است و کسی مزاحم من نمی‌شود، خداحافظی کردم و از حرم خارج شدم امّا مبهوت مانده بودم.

وقتی از حرم خارج و به صحن وارد شدم، حالتی به من دست داد که می‌شنیدم هر

چه پیرامون من وجـود دارد از در و دیـوار و درخت و زمـین و آسـمان هـمه تسـبیح می‌گویند.

با مشاهدهٔ این صحنه، دیگر چیزی نفهمیدم و بی‌هوش به روی زمین افتادم، پس از به هوش آمدن خود را در اتاقی بر روی تختی دیـدم کـه عـدّه‌ای آب بـه صـورتم می‌ریختند تا به هوش آیم.

پس از آن واقعه، متوجّه شدم که در عالم، حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت دراین‌جا است و انسان می‌تواند به مقامی برسد که مرگ و زندگی برای او یکسان باشد و مـرگ نداشته باشد و همچنین پی بردم که قرآن راست می‌گوید که همه چیز تسبیح‌گوی خـدا است.

از این جریان چنین نتیجه می‌گیریم که مردم هر چند در دنیا و مادیّات غرق شده باشند، اگر از آن دل ببرند و به راستی جویای راهِ هدایت شوند، راهنمایان الهی از آنان دستگیری می‌کنند؛ همان‌گونه که در این جـریان، **حـضرت امـام رضـا** علیه‌السلام دو جـوان مسیحی را به راه راست راهنمایی نمودند.

آری؛ اگر انسان برای پیدا کردن راه، صداقت داشته باشد؛ گرچه مدّتی به بی‌راهه رود، سرانجام راهنمایی شده و راه اصلی را پیدا می‌کند.

با اطمینان و یقین می‌توان گفت: اگر در آنچه تاکنون خوانده‌ایـد، دقّت و تـوجّه کرده باشید، در فکر و اندیشهٔ شما تأثیر نیکویی داشته است.

بنابراین تا می‌توانید هنگام زیارت، توجّه بیشتری داشته باشید و عظمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را ـ که ولایت بر مـا سـوی الله دارنـد و حـجّت خـداونـد در زمـین تـا کهکشان‌ها و... می‌باشند ـ به خاطر داشته باشید.

لحظه‌هایی را که در بارگاه آن حضرت و در حضورشان هستید غنیمت بشمارید و بدانید **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از شما چه انتظاری دارند! و با دعا نمودن برای هـرچـه زودتر فرارسیدن دولت کریمهٔ امام زمان عجّل الله تعالی فرجه، وظیفهٔ خود را انجام داده و به این وسیله، لطف و عنایت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را به خود بیشتر کنید.

از خداوند بزرگ و مهربان می‌خواهم که این اثر را قبول نموده و مؤثّر فرماید و از امام رئوف **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام و **حضرت بقیّة الله الأعظم امام زمان** ارواحنا فداه طلب عفو و رأفت نموده و اگر تألیف این کتاب از ثواب برخوردار باشد، آن را به شفیعهٔ روز جزا **اخت الرّضا حضرت فاطمهٔ معصومه** علیهاالسلام که ریزه‌خواری از ریزه‌خواران خوان آن خاتون دو عالم هستم، هدیه می‌نمایم.

ملتمس دعا

مرتضی مجتهدی سیستانی

صحیفهٔ رضویّه

بخش اوّل

هشت نمازِ زیارت

در این بخش، هشت نماز از نمازهای زیارت را که بعضی از آن‌ها مخصوص حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و برخی دیگر در حرم‌های سایر معصومین علیهم‌السلام نیز خوانده می‌شود نقل می‌کنیم:

۱

نماز اوّل

پس از زیارت، دو رکعت نماز زیارت در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بخوانید؛ در رکعت اوّل پس از «حمد» سورهٔ «یٰسٓ»، و در رکعت دوّم پس از «حمد» سورهٔ «الرحمن» را بخوانید.

آداب قبل از نماز و پس از آن را در زیارت اوّل در «بخش زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام» می‌آوریم.

۲

نماز دوّم

پس از زیارت، دو رکعت نماز بخوانید با هر سوره‌ای که می‌خواهید سپس سایر آداب زیارت را انجام دهید. آداب آن را در زیارت دوّم، سوّم و هفتم در «بخش زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام» می‌آوریم.

این نماز را در زیارت سایر ائمّه علیهم‌السلام نیز می‌توانید بخوانید.

۳

نماز سوّم

پس از زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، دو رکعت نماز بخوانید و در رکعت اوّل، پس از «حمد» سورهٔ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ**﴾ را پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواستید بخوانید.

آداب قبل و بعد از این نماز را در زیارت ششم در «بخش زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام» می‌آوریم.

۴

نماز چهارم

مرحوم شیخ مفید در کتاب «الإشراف» می‌نویسد: نماز زیارت، دو رکعت است؛ در رکعت اوّل پس از «حمد» سورهٔ «الرحمن»، و در رکعت دوّم پس از «حمد»

سورهٔ «یٰسٓ» خوانده می‌شود.[1]

خواندن این نماز که در رکعت اوّل سورهٔ «الرحمن» و در رکعت دوّم سورهٔ «یٰسٓ» خوانده شود، اختصاص به زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ندارد و آن را در حرم‌های مطهّر سایر ائمّه علیهم‌السلام نیز می‌توان خواند.

۵

نماز پنجم

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: دو رکعت نماز در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام (و نیز سایر ائمّه علیهم‌السلام) با هر سوره‌ای که می‌خواهید بخوانید، و پس از آن بگویید:

أَللّٰهُمَّ إِنّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحْدَكَ لا

خداوندا؛ من برای تو نماز گزاردم، و برای تو رکوع نمودم، و برای تو سجده کردم، یگانه‌ای تو،

شَريكَ لَكَ، لِأَنَّهُ لاتَجُوزُ الصَّلاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلّا لَكَ،

شریکی برایت نیست، زیرا که نماز و رکوع و سجود جایز نیست مگر برای تو،

لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

زیرا که تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست. خداوندا؛ بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنّي أَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ

محمّد درود فرست، و از من برترین سلام و تحیّت بر آنان برسان، و برگردان به من از آنان

السَّلامَ وَالتَّحِيَّةَ. أَللّٰهُمَّ وَهاتانِ الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ سَيِّدي

سلام و تحیّت را. خداوندا؛ این دو رکعت هدیه‌ای از من برای سیّد

---

۱. الإشراف: ۳۰.

وَمَوْلاٰيَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا عَلَيْهِمَا السَّلٰامُ.[1] أَللّٰهُمَّ صَلِّ

و مولایم علیّ بن موسی الرضا است که بر آن دو سلام و درود باد. خداوندا؛ بر

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَتَقَبَّلْهُمٰا مِنّي، وَأْجُرْني عَلَيْهِمٰا أَفْضَلَ أَمَلي

محمّد و آل او درود فرست، و این دو (رکعت) را از من قبول فرما، و بر این دو (رکعت) پاداش ده به من برترین آرزو

وَرَجٰآئي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.[2]

و امیدم را که به تو و به ولیّت دارم، ای ولیّ مؤمنان.

۶

نماز زیارت
به نیابت از عدّه‌ای از افراد

در کتاب «في الزيارات والأدعية» می‌نویسد: سیّد بن طاووس ﵀ در «مصباح الزائر» فرموده است:

اگر بخواهید یکی از امامان ﵈ را از طرف همهٔ برادران مؤمن یا گروه مخصوصی از آنان زیارت کنید، به نیابت از طرف آنان نیّت زیارت نموده و آن امام را با یکی از زیارات، زیارت کنید و پس از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

أَللّٰهُمَّ إِنّي زُرْتُ هٰذِهِ الزِّيٰارَةَ، وَصَلَّيْتُ هٰاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ...[3].[4]

خداوندا؛ من این زیارت را انجام دادم، و این دو رکعت (نماز) را خواندم.

۱. این نماز اگر برای ائمّهٔ دیگر خوانده شود، به جای اسم **حضرت امام رضا** ﵇ نام آن امام را ببرید.

۲. المصباح: ۵۴۲، البلد الأمين: ۲۳۶.

۳. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۲» می‌آوریم.

۴. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۰.

۷

نماز زیارت
به نیابت از شخص خاصّ

در آن کتاب نقل کرده است: اگر بخواهید به نیابت از شخص خاصّی زیارت کنید، پس از نیّت زیارت، به نیابت از طرف او بگویید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ، مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ أَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ،

سلام بر تو ای ولی خدا، از طرف فلانی فرزند فلانی، به محضرت شرفیاب شده‌ام، تا از طرف او زیارت کنم،

فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأْجُرْني عَلىٰ ذٰلِكَ.

پس برای او نزد پروردگارت شفاعت کن، و مرا بر این کار پاداش ده.

پس دو رکعت نماز زیارت به نیابت از او بخوانید و سپس بگویید:

أَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ...[1] [2]

خداوندا؛ برای تو نماز خواندم و برای تو رکوع نمودم و برای تو سجده کردم.

۸

نماز زیارت در سفر نیابتی

و نیز در آن کتاب نقل کرده است: اگر از اوّل سفر زیارت، نائب کسی باشید و بخواهید زیارت مختصری انجام دهید، کافی است که پس از نیّت زیارت از طرف آن

---

۱. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۲» می‌آوریم.

۲. کتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۰.

شخص، امام را با یکی از زیارت‌های مخصوصه زیارت کنید، و بعد از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

أَللّٰهُمَّ مٰا أَصٰابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ سَغَبٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأْجُرْ

خداوندا؛ در مقابل رنج و ناراحتی و گرسنگی و خستگی که در این سفر به من رسیده،

فُلٰانَ بْنَ فُلٰانٍ عَلَيْهِ... [1]. [2]

فلانی فرزند فلانی را پاداش بده.

۱. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۳» می‌آوریم.

۲. کتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۱.

بخش دوّم

هشت نمازِ حاجت

در این بخش، هشت نماز از نمازهایی را که در ارتباط با **حضرت علیّ بن موسی الرّضا** علیهما‌السلام و درخواست حاجت است، نقل می‌کنیم:

۱

نمازحاجت در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام

صقر بن دلف گوید: از امام هادی علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

هر کسی حاجتی به درگاه الهی داشته باشد باید مرقد منوّر جدّم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را در طوس در حالی‌که غسل کرده باشد زیارت کند، در طرف بالاسر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و حاجت خود را در قنوت نمازش از خداوند بخواهد که اگر در مورد قطع رحم و گناه نباشد آن دعا به اجابت خواهد رسید.

و بدون تردید محلّ قبر آن حضرت، بقعه‌ای است از بقعه‌های بهشت، هیچ مؤمنی آنجا را زیارت نمی‌کند مگر این‌که خداوند او را از آتش دوزخ رهایی

می‌بخشد و در بهشت که جایگاه ابدی است ساکن می‌گرداند.[1]

۲

نمازحاجت یا نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است

سیّد بن طاووس رحمه الله به سند معتبر از **حضرت امام رضا** علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت، از نماز جناب جعفر طیّار سؤال کردند. حضرت فرمودند:

چرا از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم غافلید؟ شاید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نماز جعفر را انجام نداده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را انجام نداده باشد.

راوی گفت: پس آن نماز را به من بیاموزید.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

دو رکعت نماز بجا می‌آوری، **در هر رکعت** یک مرتبه سورهٔ «حمد» و پانزده مرتبه سورهٔ ﴿**إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ**﴾ می‌خوانی، و در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجدهٔ اوّل و بعد از سر برداشتن، و در سجدهٔ دوّم و بعد از سر برداشتن؛ هر یک پانزده مرتبه سورهٔ «قدر» را می‌خوانی، سپس تشهّد خوانده و بعد از آن سلام می‌گویی.

و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده می‌شود **و هرحاجت که بطلبی رواست** و بعد از آن، این دعا را می‌خوانی:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ...[2].[3]

---

۱. بحار الأنوار: ۴۹/۱۰۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۶۶/۲ ح ۳۲، وسائل الشیعة: ۴۴۶/۱۰.

۲. این دعا را در «بخش نوزدهم: ص ۴۱۱» می‌آوریم.

۳. زاد المعاد: ۵۱۵، جمال الأُسبوع: ۱۶۲، هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۶۳۶، بحار الأنوار: ۱۷۰/۹۱، مستدرك الوسائل: ۲۷۲/۶.

مرحوم علّامهٔ مجلسی فرموده: این نماز از نمازهای مشهور است و عامّه و خاصّه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی آن را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت، اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهراً در سایر روزها نیز می‌توان انجام داد.[1]

۳

نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه‌السلام

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند:

هرگاه دچار امر دشواری شدی، دو رکعت نماز بخوان؛ در یک رکعت «حمد» و «آیة الکرسی» و در رکعت دیگر «حمد» و ﴿إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، سپس قرآن را بردار و بالای سر خود قرار بده و بگو:

أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ إِلىٰ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ آيَةٍ فيهِ، وَبِحَقِّ

خداوندا؛ به حقّ کسی که او را بسوی آفریدگانت فرستادی، و به حقّ هر آیه‌ای که در آن است، و به حقّ

كُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فيهِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِ، وَلٰانَعْرِفُ أَحَداً أَعْرَفَ

هر کسی که او را در آن مدح و ثناء گفتی و به حقّ تو بر او، و کسی را نمی‌شناسیم که آشناتر

بِحَقِّكِ مِنْكَ، ده مرتبه: **«يٰا سَيِّدي يٰا اَللّٰهُ»**، ده مرتبه: **بِحَقِّ مُحَمَّدٍ**، ده

به حقّ تو از خودت باشد. ای سرور من؛ ای خدا؛ به حقّ حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله،

مرتبه: **بِحَقِّ عَلِيٍّ**، ده مرتبه: **بِحَقِّ فٰاطِمَةَ**، ده مرتبه: **بِحَقِّ الْحَسَنِ**، ده

به حقّ حضرت علی علیه‌السلام، به حقّ حضرت فاطمه علیهاالسلام، به حقّ امام حسن علیه‌السلام،

مرتبه: **بِحَقِّ الْحُسَيْنِ**، ده مرتبه: **بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ**، ده مرتبه: **بِحَقِّ**

به حقّ امام حسین علیه‌السلام، به حقّ امام سجّاد علیه‌السلام، به حقّ

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: **بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ**، ده مرتبه: **بِحَقِّ**

امام محمّد باقر علیه‌السلام، به حقّ امام جعفر صادق علیه‌السلام، به حقّ

۱. زاد المعاد: ۵۱۶.

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسٰى، ده مرتبه: بِحَقِّ

امام کاظم علیه‌السلام، به حقّ امام رضا علیه‌السلام، به حقّ

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ

امام جواد علیه‌السلام، به حقّ امام هادی علیه‌السلام، به حقّ

حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ الْحُجَّةِ.

امام حسن عسکری علیه‌السلام، به حقّ حضرت حجّت علیه‌السلام.

(و اگر چنین کردی) پیش از آنکه از جایت برخیزی، **خداوند حاجتت را برآورده می‌سازد.**[1]

۴

نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه‌السلام

نماز برای کسی که دچار غم و اندوه گشته یا **حاجتی به درگاه الهی دارد.**

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرموده است:

دو رکعت نماز بجای آور، در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و سیزده مرتبه سورهٔ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را بخوان، وقتی که نماز را تمام نمودی در سجده بگو:

أَللّٰهُمَّ يٰا فٰارِجَ الْهَمِّ، وَيٰا كٰاشِفَ الْغَمِّ، وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ،

خداوندا؛ ای زدایندهٔ اندوه، و ای برطرف‌کنندهٔ غم، و اجابت‌کنندهٔ دعای بیچارگان،

يٰا رَحْمٰنَ الدُّنْيٰا وَرَحِيمَ الْاٰخِرَةِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

ای کسی‌که رحمتت در دنیا عام است و مؤمن و کافر را فرامی‌گیرد و در آخرت خاصّ است و تنها شامل مؤمن می‌شود، بر محمّد و آل محمّد درود

وَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهٰا عَنِّي غَضَبَكَ وَسَخَطَكَ، وَتُغْنِينِي بِهٰا

فرست، و به من رحمتی فرست که با آن، آتش خشم و غضبت را نسبت به من خاموش سازی، و مرا

۱. مستدرك الوسائل: ۳۱۵/۶، مكارم الأخلاق: ۱۱۲/۲، بحار الأنوار: ۳۵۳/۹۱.

عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوٰاكَ.

از رحمت دیگران بی‌نیاز نمایی.

سپس طرف راست صورت را به زمین بگذار و بگو:

يٰا مُذِلَّ كُلِّ جَبّٰارٍ عَنِيدٍ، وَمُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَحَقُّكَ قَدْ بَلَغَ الْمَجْهُودُ

ای ذلیل‌کنندهٔ هر زورگوی عناد پیشه؛ و عزیزکنندهٔ هر خوار شده؛ سوگند به حقّ تو که در این امر تاب و توان و طاقتم

مِنّي فِي أَمْرٍ كَذٰا، فَفَرِّجْ عَنّي.

به پایان رسیده، پس فرجی و گشایشی برای من برسان.

سپس طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و همین دعا را بخوان، سپس به سجده بازگرد و همین دعا را بخوان، **که خداوند غم و غصّه‌ات را برطرف کند وحاجتت را برآورده فرماید.**[1]

۵

نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه‌السلام

مقاتل بن مقاتل گوید: به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ دعایی برای برآورده شدن حاجت‌ها به من بیاموزید.

حضرت فرمود:

هنگامی که حاجتی مهمّ ازخداوند داشتی غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و خود را خوشبو کن، سپس زیر آسمان برو، دو رکعت نماز بجای آور. وقتی نماز را شروع نمودی، سورهٔ «حمد» را بخوان و سورهٔ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ را پانزده مرتبه تکرار کن، سپس به رکوع برو و در آن پانزده مرتبه، مانند نماز

۱. مکارم الأخلاق: ۱۱۶/۲، مستدرك الوسائل: ۳۱۹/۶، بحار الأنوار: ۳۵۵/۹۱.

تسبیح (نماز جناب جعفر طیّار) و با همان کیفیّت جز اینکه قرائت در اینجا پانزده مرتبه است[1]، پس از نماز سجده‌کن و در سجده‌ات بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلىٰ قَرارِ أَرْضِكَ فَهُوَ

خداوندا؛ هر معبودی از کنار عرش تا قعر و انتهای زمین هر کجا که باشد

بٰاطِلٌ سِوٰاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، إِقْضِ لي حٰاجَةً كَذٰا

باطل و ناروا است؛ جز ذات مقدّست که سزاوار پرستش است و تنها تو هستی که خداوند حق آشکاری، حاجت مرا ـ که فلان

وَكَذٰا، اَلسّٰاعَةَ السّٰاعَةَ.

و فلان است ـ در همین ساعت، در همین ساعت برآورده ساز.

و نسبت به آنچه می‌خواهی اصرار و التماس نما[2]، [در «مکارم الأخلاق» افزوده است: وقتی حاجتت برآورده شد، نماز شکر بجای آور][3].

۶

نمازحاجت در روز جمعه از حضرت امام رضا علیه‌السلام

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

اگر کسی حاجتی داشته باشد که سینه‌اش را تنگ نموده، باید به درگاه خدا روی آورد.

راوی گوید: عرض کردم: چه کند؟

حضرت فرمود:

---

۱. یعنی در هر رکعت، قبل از رکوع و در رکوع و پس از رکوع و نیز در سجدهٔ اوّل و پس از سجدهٔ اوّل و در سجدهٔ دوّم و پس از آن در هر کدام پانزده مرتبه سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد﴾ را بخواند که در دو رکعت این سوره ۲۱۰ مرتبه تکرار می‌شود.

۲. مصباح المتهجّد: ۵۳۲، وسائل الشیعة: ۲۵۸/۵، البلد الأمین: ۲۲۴، بحار الأنوار: ۳۵۳/۹۱.

۳. مکارم الأخلاق: ۱۱۳/۲.

روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد و روز جمعه سر خود را با گُل خطمی بشوید، پاکیزه‌ترین لباسش را بپوشد و خود را با بهترین عطر خوشبو سازد، سپس از مال خود به اندازه‌ای که ممکن است به مسلمانی صدقه دهد، سپس زیر آسمان رود ـ که پوششی بین او و آسمان نباشد ـ و دو رکعت نماز بخواند:

در رکعت اوّل یک مرتبه سورهٔ «حمد» و سپس ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را پانزده مرتبه بخواند، سپس به رکوع رود و پانزده مرتبه آن را بخواند، سر از رکوع بردارد پانزده مرتبه، به سجده رود پانزده مرتبه، سر از سجده بردارد پانزده مرتبه، به سجده رود پانزده مرتبه، و سر از سجده بردارد پانزده مرتبه آن را بخواند.

سپس برخیزد و رکعت دوّم را مانند رکعت اوّل بجا آورد، سپس تشهّد را بخواند و سلام دهد و پانزده مرتبه آن را بخواند، سپس به سجده رود و پانزده مرتبه بخواند، بعد از آن طرف راست صورت را بر زمین گذارد و پانزده مرتبه بخواند، پس از آن طرف چپ صورت را بر زمین نهد و پانزده مرتبه بخواند، آنگاه به سجده رود و در حال گریه این دعا را بخواند:

يٰا جَوٰادُ يٰا مٰاجِدُ، يٰا وٰاحِدُ يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ، يٰا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

ای بخشنده؛ ای شکوهمند؛ ای یگانه؛ ای یکتا؛ ای بی‌نیاز؛ ای کسی که فرزند ندارد (چیزی از او تولّد نیافته و جدا نگشته) و

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، يٰا مَنْ هُوَ هٰكَذٰا وَلٰا هٰكَذٰا غَيْرُهُ،

فرزند کسی نیست (از چیزی به وجود نیامده و جدا نگشته) و احدی هم‌شأن او نیست، ای کسی که اینگونه‌ای و با این اوصافی و غیر

أَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلىٰ قَرٰارِ أَرْضِكَ بٰاطِلٌ

از تو هیچکس اینگونه نیست (و این اوصاف را ندارد)، گواهی می‌دهم که هر معبودی از عرش تا فرش جز ذات مقدّس و باعظمت و

إِلّٰا وَجْهَكَ جَلَّ جَلٰالُكَ، يٰا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَيٰا مُذِلَّ كُلِّ عَزِيزٍ،

بلندمرتبه‌ات باطل است، ای عزیز کنندهٔ هر ذلیل و خوار، و ای ذلیل کنندهٔ هر عزیز و قدرتمند،

تَعْلَمُ كُرْبَتِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنِّي.

تو اندوه مرا می‌دانی، پس بر حضرت (محمّد) و آل او درود فرست و مرا گشایش عنایت فرما.

سپس طرف راست صورت را بر خاک نهد و سه مرتبه این دعا را بخواند، پس از آن طرف چپ را بر زمین نهد و سه مرتبه دعا را بخواند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

وقتی که بنده‌ای چنین عملی را انجام داد، خداوند حاجت او را برآورده می‌سازد، و باید در مورد حاجتش به خدا، به محمّد و آل محمّد علیه وعلیهم السّلام متوسّل شود و آن‌ها را یکی بعد از دیگری نام ببرد.[1]

۷

نماز حاجت در روز جمعه به گونهٔ دیگر

این نماز منسوب به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است:

هنگامی که حاجتی به درگاه الهی داشتی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر، روز جمعه پیش از ظهر رو به سوی خدا آورده و در حالی‌که غسل کرده‌ای دو رکعت نماز بجای آور، در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و پانزده مرتبه سورهٔ «توحید» بخوان، در رکوع و بعد از سر برداشتن از رکوع و در سجده و پس از سر برداشتن از آن، و در سجدهٔ دوّم هر کدام ده مرتبه «سورهٔ توحید» را بخوان، پس از آن برخیز و رکعت دوّم را مانند رکعت اوّل انجام بده و در آن قنوت بخوان.

پس از تمام شدن نماز، خدا را زیاد حمد و ستایش نما و بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام درود فرست **و حاجت دنیا و آخرت خود را از پروردگارت درخواست کن**.

و هنگامی که خداوند به لطف خویش حاجتت را برآورده نمود، دو رکعت نماز به

---

۱. مصباح المتهجّد: ۳۴۱، وسائل الشیعة: ۶۱/۵، و در جمال الأُسبوع: ۲۱۴ و بحار الأنوار: ۴۷/۹۰ با اندکی تفاوت.

عنوان شکر آن بجای آور؛ در رکعت اوّل سورهٔ «**حمد**» و ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾، در رکعت دوّم سورهٔ «**حمد**» و ﴿**قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ**﴾ را بخوان، در رکوع رکعت اوّل بگو: «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْراً، شُكْراً لِلّٰهِ وَحَمْداً**»؛ (و در سجدهٔ آن بگو: «**شُكْراً لِلّٰهِ وَحَمْداً**»،) و در رکوع و سجدهٔ رکعت دوّم بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي قَضىٰ حٰاجَتي، وَأَعْطٰاني سُؤْلي وَمَسْأَلَتي.[1]

سپاس خداوندی را که حاجتم را برآورده نمود، خواسته و درخواست مرا عطا کرد.

۸

نمازحاجت (مخصوص ازدواج)
که از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده است

این نماز نیز منسوب به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است:

هرگاه خواستی ازدواج کنی از خداوند طلب خیر کن و در پی آن برو، سپس دو رکعت نماز بخوان و دست‌هایت را (برای دعا) بالا ببر و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُريدُ التَّزْويجَ فَسَهِّلْ لي مِنَ النِّسٰآءِ أَحْسَنَهُنَّ خَلْقاً

خداوندا؛ می‌خواهم ازدواج کنم، پس فراهم کن برای من از زنان؛ نیکوترین آن‌ها را از جهت نقش و نگار

وَخُلْقاً، وَأَعَفَّهُنَّ فَرْجاً، وَأَحْفَظَهُنَّ نَفْساً فِيَّ وَفي مٰالي،

و خُلق و خوی، و پاکدامن‌ترین آن‌ها، و حفظ کننده‌ترین آن‌ها خود را در مورد من و مال من،

وَأَكْمَلَهُنَّ جَمٰالاً، وَأَكْثَرَهُنَّ أَوْلاداً.[2]

و کاملترین آن‌ها از جهت زیبائی و جمال، و فراوانترین آن‌ها از جهت آوردن فرزند.

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۵۱، و در بحار الأنوار: ۵۴/۹۰ با کمی اختلاف.

۲. بحار الأنوار: ۳۸۷/۹۱.

بخش سوّم

هشت نماز
از حضرت امام رضا علیه‌السلام

در این بخش، هشت نماز دیگر از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل می‌کنیم:

۱

نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام

نماز آن حضرت، شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ «حمد» و ده مرتبه سورهٔ ﴿**هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ**﴾ و پس از تمام شدن نماز، صد مرتبه صلوات می‌فرستید و دعا نموده و حاجت خود را درخواست می‌نمایید.[1]

۲

نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر

نماز **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت، یک

---

۱. المجموع الرائق: ۴۲۵/۱، و در البلد الأمین: ۲۳۵ و ذخیرة الآخرة: ۶۶ با اندکی اختلاف.

مرتبه سورهٔ «حمد» و ده مرتبه سورهٔ ﴿هَلْ أَتىٰ عَلَى الْإِنْسانِ﴾ خوانده می‌شود.[1]

۳

نیز نماز حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر

نماز آن حضرت، شش رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سورهٔ «حمد»، ده مرتبه سورهٔ ﴿هَلْ أَتىٰ عَلَى الْإِنْسانِ﴾ را قرائت کند و پس از نماز، دعای **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما‌السلام را بخواند:

يٰا صٰاحِبي في شِدَّتي، وَيٰا وَلِيّي في نِعْمَتي، وَيٰا إِلٰهي وَإِلٰهَ

ای یار و همدم من در سختی‌ها و گرفتاری‌هایم، و ای ولی نعمت من، و ای معبود من و معبود

إِبْرٰاهيمَ وَإِسْمٰاعيلَ وَإِسْحٰاقَ وَيَعْقُوبَ، يٰا رَبَّ كٰهيعٰصٓ وَيٰسٓ

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، ای پروردگار کهیعص و یٰس

وَالْقُرْاٰنِ الْحَكيمِ، أَسْأَلُكَ يٰا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيٰا خَيْرَ مَنْ

و قرآن حکیم؛ درخواست می‌کنم از تو ای نیکوترین کسی که مورد طلب و درخواست قرار گرفته‌ای، و ای بهترین کسی که

دُعِيَ، وَيٰا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ، وَيٰا خَيْرَ مُرْتَجىٰ، أَسْأَلُكَ أَنْ

خوانده شده‌ای، و ای بخشنده‌ترین کسی که عطاکننده‌ای، و ای بهترین مایهٔ امید، درخواست می‌کنم از تو که

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ.[2]

بر (حضرت) محمّد و آل محمّد درود فرستی.

۱. الدعوات: ۸۸، وسائل الشیعة: ۲۹۸/۵، مستدرك الوسائل: ۳۸۱/۶.

۲. جمال الأُسبوع: ۱۷۹، بحار الأنوار: ۱۸۹/۹۱.

۴

نماز استخاره

این نماز به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام منسوب است:

هنگامی که کاری اراده کردی، دو رکعت نماز بخوان و صد و یک مرتبه از خدا طلب خیر کن و هر تصمیمی به نظرت آمد آن را زود انجام بده، و در دعایت بگو:

لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، رَبَّ

خدائی جز خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست، خدائی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، (ای) پروردگار

مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ خِرْ لي في أَمْري ـ كَذٰا وَكَذٰا ـ لِلدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، خِيَرَةً

محمّد و علی؛ برای من در مورد فلان کارم آنچه برای دنیا و آخرت خیر است پیش‌آور، که اختیار آن

مِنْ عِنْدِكَ، مٰا لَكَ فيهِ رِضىً وَ لي فيهِ صَلٰاحٌ في خَيْرٍ وَعٰافِيَةٍ،

از جانب تو باشد، و آنچه خشنودی تو و صلاح من در آن است و مقرون با خیر و عافیت باشد،

يٰا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ.[1]

ای دارندهٔ لطف و احسان.

۵

نماز استخاره به گونهٔ دیگر

علیّ بن اسباط گوید: محضر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب شدم و از آن حضرت دربارهٔ سفرم به مصر سؤال کردم که از طریق دریا روم یا خشکی؟

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۵۲، مستدرك الوسائل: ۲۴۶/۶، بحار الأنوار: ۲۶۱/۹۱.

به من فرمود:

إيتِ مسجد النّبيّ ﷺ في غير وقت صلاة، فصلّ ركعتين واستخر الله تعالى مائة مرّة، وانظر أيّ شيء يقع في قلبك فاعمل به.[1]

به مسجد رسول خدا ﷺ در غیر وقت نماز برو، پس دو رکعت نماز بخوان و صد مرتبه از خدا طلب خیر کن، آنگاه ببین انجام چه کاری به قلبت الهام می‌شود، به آن عمل کن.

۶

نماز استسقاء یا طلب باران

نماز استسقاء که منسوب به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است: این نماز دو رکعت است و اذان و اقامه ندارد، امام جماعت با مردم بیرون می‌رود و در زیر آسمان دو رکعت نماز می‌خواند، سپس بر بالای منبر می‌رود و در حالی‌که ردای خود را وارونه می‌پوشد رو به قبله نموده با صدای بلند صد مرتبه تکبیر می‌گوید.

سپس به طرف راست خود رو کرده و با صدای بلند صد مرتبه تسبیح ـ یعنی «**سُبْحٰانَ الله**» ـ می‌گوید و سپس به طرف چپ رو کرده و صد مرتبه با صدای بلند تهلیل ـ یعنی «**لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» ـ می‌گوید، آنگاه رو به مردم نموده و صد مرتبه با صدای بلند «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**» می‌گوید و پس از آن دست‌ها را به سوی آسمان بالا می‌برد و این دعا را می‌خواند:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ اسْقِنٰا غَيْثاً مُغِيثاً

خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خداوندا؛ ما را از بارانی سیراب کن که فریادرسنده

مُجَلِّلاً، طَبَقاً مُطْبَقاً جَلَلاً مُونِقاً رٰاجِياً غَدَقاً مُغْدِقاً، طيِّباً مُبٰارَكاً،

فراگیر، پوشاننده، دربرگیرنده، زیبا و پرطراوت، امیدوارکننده، با قطرات فراوان، پُرآب، پاک، بابرکت،

۱. فتح الأبواب: ۱۴۱، المصباح: ۵۱۵، البلد الأمین: ۲۳۰.

هٰاطِلاً مُنْهَطِلاً مُتَهٰاطِلاً، رَغَداً هَنيئاً مَريئاً، دٰائِماً رَوِيّاً سَريعاً،

پیوسته، پیاپی، با قطره‌های درشت، فراخ، گوارا، خوش عاقبت، بادوام، سیراب‌کننده، شتابان روان،

عٰامّاً مُسْبِلاً نٰافِعاً غَيْرَ ضٰارٍّ، تُحْيي بِهِ الْعِبٰادَ وَالْبِلٰادَ، وَتَنْبُتُ بِهِ

فراگیر، گسترده بر روی زمین، سودمند، بدون آسیب. به وسیلهٔ آن بندگان و شهرها را زنده گردانی، و

الزَّرْعَ وَالنَّبٰاتَ، وَتَجْعَلُ فيهِ بَلٰاغاً لِلْحٰاضِرِ مِنّٰا وَالْبٰادِ. أَللّٰهُمَّ

زراعت و گیاه را برویانی، و در آن قرار دهی رساننده برای شهرنشینان و بادیه نشینان. خداوندا؛

أَنْزِلْ عَلَيْنٰا مِنْ بَرَكٰاتِ سَمٰآئِكَ مٰآءً طَهُوراً، وَأَنْبِتْ لَنٰا مِنْ بَرَكٰاتِ

از برکات آسمانت بر ما آبی پاک نازل کن، و از برکات

أَرْضِكَ نَبٰاتاً مُسْقِياً، وَتُسْقيهِ مِمّٰا خَلَقْتَ أَنْعٰاماً وَأُنٰاسِيَّ كَثيراً.

زمینت گیاهی سیراب‌کننده برای ما برویان، و چهارپایان و مردمان را که آفریده‌ای زیاد سیراب کنی.

أَللّٰهُمَّ ارْحَمْنٰا بِمَشٰايِخِ رُكَّعٍ، وَصِبْيٰانٍ رُضَّعٍ، وَبَهٰآئِمَ رُتَّعٍ،

خداوندا؛ به ما رحم کن به خاطر پیران رکوع‌کننده و کودکان شیرخوار و حیوانات علفخوار

وَشُبّٰانٍ خُضَّعٍ.[1]

و جوانان فروتن.

۷

نماز هنگام سفر

این نماز از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

هرگاه ارادهٔ سفر کردی اهل و عیالت را جمع کن و پس از خواندن دو رکعت نماز بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَوْدِعُكَ دينِي وَنَفْسي وَأَهْلي وَوُلْدي وَعِيٰالي.[2]

خدایا؛ من دینم، خودم، اهل و عیالم و فرزندانم را به تو می‌سپارم.

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۵۳، بحار الأنوار: ۳۳۳/۹۱ ح ۱۸.

۲. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۹۹، مستدرك الوسائل: ۱۲۹/۸.

۸

نماز جناب جعفر طیّار

حضرت امام رضاعلیه‌السلام از پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفرعلیه‌السلام روایت کرده‌اند که شخصی از امام صادقعلیه‌السلام از نماز تسبیح ـ نماز جعفر طیّار ـ سؤال کرد، آن حضرت فرمود:

این نماز، عطا و بخششی بزرگ است.

پدرم از جدّم حضرت علیّ بن الحسین علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

چون جعفر بن ابی طالب از سرزمین حبشه بازگشتند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک استراحتگاه خود در خیبر با او ملاقات کرد، و هنگامی که جعفر آن حضرت را دید با سرعت و شتابان آمد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با او معانقه کرد و از دیدارش خوشحال شد و با او گفتگو کرد، سپس بر ناقهٔ خود سوار شد و او را سوار کرد و چون مرکب براه افتاد به طرف جعفر رو کرد و فرمود:

ای جعفر؛ ای برادر؛ آیا هدیه‌ای به تو ندهم؟ عطائی تو را نبخشم؟ تو را برنگزینم؟

مردم که این گفتار را شنیدند گمان کردند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هم‌اکنون به او مال فراوانی خواهد داد، چون خداوند پیروزی را در جنگ خیبر نصیب پیامبر کرده و غنیمت فراوانی بدست آمده بود.

جعفر عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت؛ عنایت کنید.

آنگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز تسبیح را ـ که به نماز جعفر طیّار معروف است ـ به ایشان تعلیم نمود.[1]

به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام منسوب است که فرمودند:

---

۱. جمال الأُسبوع: ۱۸۱، مستدرك الوسائل: ۲۲۵/۶.

بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب؛ زیرا در آن، فضل و فضیلت فراوانی است.

... و هر وقت از شب یا روز که خواستی در صورتی‌که وقت نماز واجب نباشد می‌توانی نماز جعفر را بخوانی و اگر خواستی آن را از نوافل حساب‌کن و اگر عجله داشتی آن را بدون تسبیح بخوان سپس تسبیحات آن را انجام بده.

هرگاه خواستی آن را بجا آوری نماز را با یک تکبیر شروع کن، سپس در رکعت اوّل بعد از «حمد»، سورهٔ «**عادیات**»، در رکعت دوّم ﴿**إِذٰا زُلْزِلَتِ الْأَرْض**﴾[1]، در رکعت سوّم ﴿**إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ الله**﴾، و در رکعت چهارم ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ را بخوان و اگر خواستی در تمام رکعات بعد از سورهٔ «حمد» می‌توانی ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ را بخوانی.

و هرگاه تسبیح را در رکوع یا سجده و یا در حال قیام فراموش کردی، هر وقت به یادت آمد آن را انجام بده.

و کیفیّت آن چنین است:

بعد از قرائت «حمد» و سوره، پانزده مرتبه بگویی: «**سُبْحٰانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ**»، و در رکوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه، و در سجدهٔ اوّل ده مرتبه و بین دو سجده ده مرتبه و در سجدهٔ دوّم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم ده مرتبه تسبیحات را بگو که مجموع آن هفتاد و پنج مرتبه می‌شود.

سپس برخیز و رکعت دوّم را مانند رکعت اوّل انجام بده و بعد از آن، تشهّد و سلام نماز را بخوان و پس از آن، دو رکعت دیگر را مانند دو رکعت اوّل بجای آور.[2]

بنابراین، تعداد تسبیحات اربعه در چهار رکعت، سیصد مرتبه می‌شود.

---

۱. مرحوم شیخ مفید رحمه‌الله در کتاب «الإشراف: ۳۱» فرموده است: در رکعت اوّل بعد از «حمد» سورهٔ «إذا زلزلت»، و در رکعت دوّم بعد از «حمد» سورهٔ «عادیات» خوانده شود.

۲. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۵۵، مستدرك الوسائل: ۲۲۴/۶ و ۲۳۱ (با اختصار)، بحار الأنوار: ۲۰۹/۹۱.

ثواب نماز جناب جعفر طیّار
در حرم حضرت امام رضا علیه‌السلام

خواندن نماز جناب جعفر طیّار از جهاتی دارای اهمیّت فراوان است:

الف) خواندن آن، در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام تأکید شده است.

ب) در یکی از تشرّفات مشاهده شده است که حضرت امام عصر عجّل الله تعالی فرجه در بالاسر حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مشغول خواندن نماز جعفر طیّار بودند.

ج) **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نماز جعفر طیّار می‌خواندند: «احمد بن علی انصاری از رجاء بن ابی ضحّاک نقل کرده است که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در سفر خراسان هر شب بعد از هشت رکعت نماز، چهار رکعت نماز جعفر طیّار می‌خواندند... .»[1]

د) **حضرت امام رضا** علیه‌السلام خواندن نماز جعفر طیّار را در روز دحو الأرض (بیست و پنجم ذیقعده) سفارش فرمودند.

مرحوم علّامهٔ مجلسی می‌گوید: به خطّ شیخ حسین بن عبدالصمد یافتم آنچه را که عبارتش چنین است:

شیخ ابو طیّب حسین بن احمد فقیه ذکر نموده که **هر کس حضرت امام رضا** علیه‌السلام **یا یکی دیگر از ائمّهٔ طاهرین** علیهم‌السلام **را زیارت کند و در حرم آن بزرگوار نماز جعفر طیّار بخواند**، برای او در برابر هر رکعت نوشته شود ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد نموده، و هزار وقوف با پیامبر مرسل در راه خدا بجای آورده باشد، و به هر گامی که برداشته ثواب صد حجّ و صد عمره و آزاد کردن صد بنده در راه خدا به او دهند، و صد حسنه برایش بنویسند و صد گناه از نامهٔ عملش پاک نمایند.[2]

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در «زاد المعاد» می‌نویسد: روایات دربارهٔ این نماز متواتر است

---

۱. رک: عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۷۸/۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۷/۱۰۰، مستدرك الوسائل: ۲۳۳/۶ و ۴۰۲/۱۰.

و مخالفان نیز این نماز را مستحب می‌دانند مگر اندکی از ایشان، ولی اکثر آنان به اعتبار عداوت باطنی که با امیرالمؤمنین علیه‌السلام و نزدیکان آن حضرت دارند، این نماز را به عبّاس عموی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت داده‌اند.

بعد از نوافل شبانه‌روزی، نمازی به حسب صحّت سند و کثرت ثواب به این نماز نمی‌رسد.[1]

* * *

مرحوم علّامهٔ مجلسی احکام این نماز را در چند مقصد بیان نموده که خلاصهٔ آن را می‌آوریم:

اوّل: بدان که مشهور میان علما آن است که نماز جعفر را به جای نوافل شبانه‌روزی می‌توان انجام داد که به جای هر دو حساب شود و همچنین به نیّت قضای نافله می‌توان انجام داد و احادیث بر این مضامین وارد شده است.

دوّم: در روایات وارد شده است و اکثر علما گفته‌اند: کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد، می‌تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند.

سوّم: در حدیث صحیح وارد شده است: کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بخواند و برای او کار ضروری پیش آید، می‌تواند دنبال آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بخواند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با هم بخواند بهتر است.

چهارم: روایت معتبری از حضرت قائم علیه‌السلام وارد شده است که اگر کسی تسبیحات نماز جعفر را فراموش کند، هر وقت به خاطرش آمد بخواند.

پنجم: در تعیین سوره‌هایی که مستحبّ است در این نماز خوانده شود اختلاف است و مشهور آن است که در رکعت اوّل (بعد از سورهٔ حمد) ﴿**إِذَا زُلْزِلَت**﴾ و در دوّم ﴿**وَالْعَادِيَات**﴾ و در سوّم ﴿**إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللهِ**﴾ و در چهارم ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ باید خواند.

---

۱. زاد المعاد: ۵۲۰.

و ابن بابویه و پدرش در رکعت اوّل ﴿**وَالْعٰادِيٰات**﴾ و در رکعت دوّم ﴿**إِذٰا زُلْزِلَت**﴾ گفته‌اند.

و در روایتی در رکعت اوّل ﴿**إِذٰا زُلْزِلَت**﴾ و در دوّم ﴿**إِذٰا جٰآءَ نَصْرُ اللهِ**﴾ و در سوّم ﴿**إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ**﴾ و در چهارم «**توحید**» وارد شده است.

و در روایت صحیحی فرموده‌اند که در هر رکعت ﴿**قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ**﴾ و ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ هر دو را بخواند.

و در روایتی وارد شده است: هر سوره را که می‌خواهد بخواند، و ابن بابویه گفته است: همه را با سورهٔ «توحید» می‌تواند بجا آورد و ظاهراً همه خوبست؛ اگرچه اوّل و سوّم افضل است.

ششم: مشهور آن است که تسبیحات را بعد از سجدهٔ دوّم رکعت اوّل و سوّم نشسته می‌خواند و بعضی گفته‌اند بعد از برخاستن به رکعت دیگر پیش از قرائت می‌خواند و عمل به مشهور اولی است.

هفتم: بعضی گفته‌اند که چهار رکعت را به یک سلام بخواند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت.

هشتم: مشهور میان علماء آنست که تسبیحات این نماز را پیش از رکوع و بعد از قرائت باید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیّر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل به مشهور اقوی و اولی است.[1]

۱. زاد المعاد: ۵۲۰.

بخش چهارم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ نماز در روزهای معیّن

در این بخش، هشت روایت از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ نماز در روزهای معیّن نقل می‌کنیم:

۱

نماز شب و صبح و روز جمعه

احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرموده است:

> شب جمعه در نماز سورهٔ «جمعه» و سورهٔ «اعلی»، صبح جمعه سورهٔ «جمعه» و سورهٔ «توحید»، و در نماز جمعه سورهٔ «جمعه» و سورهٔ «منافقین» را بخوان، و قنوت در رکعت اوّل پیش از رکوع است.[1]

۲

نافله‌های روز جمعه

سعد بن سعد اشعری گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد نوافل روز جمعه

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۴۹۳/۶، وسائل الشیعة: ۸۱۶/۴، بحار الأنوار: ۲۷/۸۵.

سئوال کردم که پیش از زوال چند رکعت باید خواند؟ فرمود:

در آغاز صبح و بامدادان شش رکعت، بعد از آن شش رکعت دیگر، و پس از آن شش رکعت که مجموعاً هجده رکعت می‌شود و دو رکعت بعد از زوال و دو رکعت بعد از عصر که بیست و دو رکعت می‌گردد.[1]

۳

نماز نافله و فریضهٔ ظهر جمعه

بزنطی ـ که از اصحاب **حضرت امام رضا**علیه‌السلام است ـ گوید: از آن حضرت در مورد دو رکعت نافلهٔ زوال در روز جمعه سئوال کردم، امام علیه‌السلام فرمود:

هنگامی که خورشید بالا آمد و در روی سر قرار گرفت دو رکعت نماز بخوان، و هنگام زوال که خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب مایل گردید نماز واجب را بخوان، و اگر پیش از آنکه آن دو رکعت را بخوانی زوال خورشید صورت گرفت آن را رها کن و به نماز واجب بپرداز و بعد از انجام فریضه، آن دو رکعت را بجای آور.[2]

۴

نماز جمعه، عید فطر و قربان

فضل بن شاذان از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا خطبه در نماز جمعه ابتدای نماز، و در نماز عید فطر و قربان بعد از نماز قرار داده شده است؛ زیرا جمعه امری است پیوسته و همیشگی و در هر ماه چند بار و در هر سال تعداش زیاد است، و چون زیاد است اگر بعد از نماز خوانده

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۵۲۴/۶، وسائل الشیعة: ۲۳/۵، بحار الأنوار: ۲۵/۹۰ (با اختلاف).

۲. وسائل الشیعة: ۲۵/۵.

می‌شد مردم خسته می‌شدند و آن را رها می‌کردند و بعد از نماز برای خطبه نمی‌نشستند و متفرّق می‌گشتند؛ لذا پیش از نماز قرار داده شده تا مردم به خاطر نماز بمانند و پراکنده نشوند و امّا نماز عید فطر و قربان در هر سال بیش از دو بار نیست و آن عظمتش بیشتر از نماز و ازدحام در آن زیادتر و مردم به آن راغب‌ترند و اشتیاقشان افزونتر است و اگر عدّه‌ای متفرّق شوند بیشتر مردم باقی می‌مانند، و آن تعدادش در سال زیاد نیست که خسته‌کننده باشد و آن را سبک شمارند.[1]

۵

نماز شب نیمهٔ شعبان

علیّ بن حسن فضّال از پدرش روایت کرده است که گفت: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد فضیلت شب نیمهٔ شعبان پرسیدم، فرمود:

شبی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهائی می‌بخشد و گناهان بزرگ را می‌آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیادتر از سایر شب‌ها معیّن گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن واجب نگردیده است ولی اگر خواستی کار مستحبّی انجام دهی تو را سفارش می‌کنم به خواندن نماز جعفر طیّار، ذکر خداوند تبارک و تعالی، در آن شب زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می‌فرمود دعا در آن شب به اجابت می‌رسد.

عرض کردم: مردم می‌گویند که آن شب، شبی است که برای هر کس آنچه مقدّرش باشد حواله می‌کنند. فرمود:

آنچه گفتی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است.[2]

---

۱. وسائل الشیعة: ۳۱/۵، بحار الأنوار: ۳۶۳/۹۰.

۲. مصباح المتهجّد: ۸۳۸، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۲۸، روضة الواعظین: ۴۰۲، وسائل الشیعة: ۲۰۲/۵.

۶

نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم علّامهٔ مجلسی از سیّد بن طاووس رحمه‌الله نقل کرده است: روایت شده که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز بجا می‌آورید، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و سورهٔ «اخلاص» را بیست و پنج مرتبه می‌خوانید، و این نماز را برای آنچه ظاهر گشته از حقوق مولای‌مان **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در آن روز انجام می‌دهید.

مرحوم علّامهٔ مجلسی فرموده است: شیخ مفید رحمه‌الله در کتاب «تواریخ الشرعیّة» مرقوم فرموده که در روز ششم ماه رمضان مبایعت مأمون با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام صورت گرفته است.[1]

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله می‌فرماید: مناسب است این نماز را در حرم مقدّس آن حضرت پس از زیارت بجای آورد.[2]

مؤلّف گوید: بیعت با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در روز اوّل ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

۷

نمازهای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ماه مبارک رمضان

محمّد بن سلیمان گوید: عدّه‌ای از اصحاب ما بر این حدیث اتّفاق نموده‌اند ـ و نیز از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام سئوال کردم مرا به آن خبر داد ـ و همگی گفته‌اند: ما از کیفیّت نمازهای مستحبّی در ماه رمضان پرسیدیم و این‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن‌ها را چگونه انجام می‌داد؟

---

۱. بحار الأنوار: ۲۵/۹۸.

۲. بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

در پاسخ ما فرمودند:

هنگامی که شب اوّل ماه رمضان فرارسید، رسول خدا ﷺ نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعت نافله‌ای که هر شب بعد از نماز مغرب خوانده می‌شود بجای آورد، پس از آن هشت رکعت نماز خواند، و چون نماز عشاء و آن دو رکعت نافلهٔ نشسته بعد از آن را بجای آورد برخاست و دوازده رکعت دیگر خواند، سپس وارد منزل گردید.

مردم که مشاهده کردند رسول خدا ﷺ با فرارسیدن ماه رمضان به نمازهای خود افزود، در مورد آن از پیامبر اکرم ﷺ سئوال کردند و علّت را جویا شدند.

رسول خدا ﷺ فرمود: این نمازها را به خاطر برتری ماه رمضان بر سایر ماههای دیگر بجا آوردم.

شب دیگر که رسول خدا ﷺ اراده فرمودند نافله‌ها را بجای آورند، مردم پشت‌سر حضرت صف کشیدند و جماعت تشکیل دادند، پیامبر اکرم ﷺ رو به آن‌ها کرده و فرمود:

أيّها النّاس؛ إنّ هذه الصّلاة نافلة ولن تجتمع للنّافلة، فليصلّ كلّ رجل منكم وحده، وليقل ما علّمه الله من كتابه، واعلموا أنّه لاجماعة في نافلة.

این نمازها نافله است و نافله را نباید با جماعت خواند، هر یک از شما باید خودش به تنهائی نمازش را بخواند و آنچه خداوند از کتابش به او آموخته بگوید، بدانید که در نافله جماعت نیست.

مردم پراکنده شدند و هر کس نماز خود را خواند.

در شب نوزدهم ماه رمضان، هنگام غروب، رسول خدا ﷺ غسل کرد و نماز مغرب را با غسل بجای آورد، و بعد از نماز مغرب چهار رکعت نافلهٔ همیشگی را خواند، و وارد منزل گردید.

هنگامی که بلال برای نماز عشاء اذان گفت، رسول خدا ﷺ از منزل بیرون آمد و با مردم نماز عشاء را بپا داشت، و چون از آن فارغ شد دو رکعت نافلهٔ نشستهٔ آن را بجای آورد، سپس برخاست و صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از «حمد» ده

مرتبه سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد﴾ را خواند، و بعد از تمام کردن آن، نافلهٔ شب ـ که هر شب بجا می‌آورد ـ و نماز «شفع» و «وتر» را خواند.

در شب بیستم ماه رمضان، نمازها را مانند شب‌های دیگر آن ماه یعنی هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء انجام داد.

در شب بیست و یکم هنگام غروب غسل کرد و نماز را با همان کیفیّت شب نوزدهم بجای آورد.

در شب بیست و دوّم، بیست رکعت نافله، هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء مانند شب‌های دیگر ماه رمضان بجای آورد.

در شب بیست و سوّم، مانند شب بیست و یکم غسل کرد و نمازها را همانند آن شب انجام داد.

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد پنجاه و یک رکعت نماز همیشگی (یعنی مجموع نمازهای یومیّه و نوافل آن را) سئوال کردند که در ماه رمضان چگونه است؟

فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ماه رمضان این نمازهای مخصوص را انجام می‌داد و آن پنجاه و یک رکعت را همان‌گونه که در غیر ماه رمضان بجا می‌آورد، می‌خواند و چیزی از آن‌ها نمی‌کاست.[1]

۸

نماز و دعای روز اوّل محرّم

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز اوّل ماه محرّم دو رکعت نماز بجا می‌آوردند و چون از نماز فارغ می‌شدند دست به دعا برمی‌داشتند و سه مرتبه این دعا را می‌خواندند:

---

۱. وسائل الشیعة: ۱۸۱/۵.

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْإِلٰهُ الْـقَدِيمُ وَهٰـذِهِ سَـنَةٌ جَـدِيدَةٌ، فَأَسْأَلُكَ فـيهَا

خداوندا؛ تو معبود ازلی هستی، و این سال جدید است، پس از تو درخواست می‌کنم که در این سال جدید مرا

الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطٰانِ وَالْقُوَّةَ عَلىٰ هٰذِهِ النَّفْسِ الْأَمّٰارَةِ بِالسُّوٓءِ،

از شرّ شیطان مصون بداری و بر این نفسی که به بدی دستور می‌دهد قدرت و توانایی بخشی،

وَالْإِشْتِغٰالَ بِمٰا يُقَرِّبُني إِلَيْكَ، يٰا كَرِيمُ، يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ،

و به آنچه مرا به ساحت مقدّس تو نزدیک می‌کند مشغول سازی، ای بزرگوار؛ ای صاحب شکوه و عظمت و بزرگواری؛

يٰا عِمٰادَ مَنْ لٰا عِمٰادَ لَهُ، يٰا ذَخِيرَةَ مَنْ لٰا ذَخِيرَةَ لَهُ، يٰا حِرْزَ مَنْ

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی ندارد؛ ای اندوختهٔ کسی که اندوخته‌ای ندارد؛ ای جایگاه محکم و استوار

لٰا حِرْزَ لَهُ، يٰا غِيٰاثَ مَنْ لٰا غِيٰاثَ لَهُ، يٰا سَنَدَ مَنْ لٰا سَنَدَ لَهُ،

برای کسی که جایگاه استواری ندارد؛ ای فریادرس کسی که فریادرسی برایش نیست؛ ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد؛

يٰا كَنْزَ مَنْ لٰا كَنْزَ لَهُ، يٰا حَسَنَ الْبَلٰآءِ، يٰا عَظِيمَ الرَّجٰآءِ، يٰا عِزَّ

ای گنج کسی که برایش گنجی نیست؛ ای دارای نعمت و آزمون نیکو؛ ای مایهٔ امید بسیار؛ ای نیرو دهندهٔ

الضُّعَفٰآءِ، يٰا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ، يٰا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ، يٰا مُنْعِمُ يٰا مُجْمِلُ

ناتوانان؛ ای نجات‌بخش غرق‌شدگان؛ ای رهانندهٔ به هلاکت‌افتادگان؛ ای نعمت‌دهنده؛ ای نیکوکننده؛

يٰا مُفْضِلُ يٰا مُحْسِنُ، أَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ سَوٰادُ اللَّيْلِ، وَنُـورُ

ای فزونی‌بخش؛ ای نیکوکار؛ توئی آنکه برایت سجده‌کرده سیاهی شب، و روشنی

النَّهٰارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ، وَشُعٰاعُ الشَّمْسِ، وَدَوِيُّ الْمٰآءِ، وَحَفِيفُ

روز، و نور ماه، و پرتو خورشید، و زمزمهٔ آب، و صدای

الشَّجَرِ، يٰا اَللّٰهُ لٰا شَرِيكَ لَكَ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا خَيْراً مِمّٰا يَـظُنُّونَ،

درخت، ای خدا؛ تو هرگز شریکی نداری. خداوندا؛ ما را بهتر از آنچه گمان می‌کنند قرار بده،

وَاغْفِرْ لَنٰا مٰا لٰايَعْلَمُونَ، وَلٰاتُؤٰاخِذْنٰا بِمٰا يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اللّٰهُ لٰا

و آنچه را که نسبت به ما نمی‌دانند بیامرز، و به آنچه دربارهٔ ما می‌گویند ما را مؤاخذه مفرما، تنها خداوند مرا بس است،

إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اٰمَنّٰا بِهِ، كُلٌّ

خدائی جز او نیست، بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش باعظمت است، به او ایمان آوردیم، همه

مِنْ عِنْدِ رَبِّنٰا، وَمٰا يَذَّكَّرُ إِلّٰا أُولُوا الْأَلْبٰابِ، رَبَّنٰا لٰاتُزِغْ قُلُوبَنٰا

از طرف پروردگار ما است، و جز صاحبان خرد و اندیشه متذکّر نمی‌شوند و درک نمی‌کنند. پروردگارا؛ دل‌های ما را پس از آنکه

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنٰا، وَهَبْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّٰابُ.[1]

ما را رهنمون گردیدی منحرف مکن، و از ناحیهٔ خودت رحمتی بر ما ببخش که تو بسیار بخشنده‌ای.

و چون حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام در دهم این ماه به سعادت شهادت رسیدند و در اکثر این دهه، محزون و غمگین بوده‌اند و اخبار غم‌انگیز و وحشت‌آور به ایشان می‌رسیده، باید که شیعیان ایشان در تمام این دهه به لوازم عزاداری آن حضرت قیام نمایند و محزون باشند، و اخبار و احادیثی را که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان است بخوانند. و بعضی از علما گفته‌اند که ترک بعضی از لذایذ بکنند.

و از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده که فرمودند:

ماه محرّم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام می‌دانستند و منافقانِ این امّت در این ماه، خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر نمودند و آتش در خیمه‌های ما زدند و اموال و اسباب ما را به غارت بردند و حرمت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را در باب ما رعایت نکردند.

به درستی که مصیبت امام حسین علیه‌السلام پلک چشم‌های ما را مجروح گردانید و آب دیده‌های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کرد و واقعهٔ کربلا اندوه و بلا از برای ما تا روز قیامت مهیّا کرد.

پس باید که بر مصیبت آن حضرت، گریه‌کنندگان بگریند؛ به درستی که گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را از بین می‌برد.

پس فرمود: پدرم امام موسی بن جعفر علیهماالسلام چون ماه محرّم داخل می‌شد کسی آن حضرت را خندان نمی‌دید و اثر حزن و اندوه در تمام دههٔ محرّم بر آن حضرت ظاهر می‌شد، و چون روز دهم می‌شد، روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می‌گفت: امروز، روز شهادت امام حسین علیه‌السلام است.[2]

---

۱. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۸۱، إقبال الأعمال: ۲۷، الصحیفة الصادقیة: ۶۰۰، مستدرك الوسائل: ۳۷۹/۶، بحار الأنوار: ۳۳۴/۹۸.

۲. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۸۱.

در پایان بخش‌های مربوط به نمازها، هشت روایت دربارهٔ علّت تشریع نمازها و مسائل مربوط به آن را ـ که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بیان فرموده‌اند ـ نقل می‌کنیم:

علّت تشریع نمازهای واجب

دربارهٔ این مطلب که: چرا خواندن نماز بر مردم واجب شده است؟ محمّد بن سنان گوید: در آنچه **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برای او در جواب مسائلش مرقوم داشته‌اند این است که:

> علّت تشریع نماز و وجوب آن، اقرار به ربوبیّت خداوند تبارک و تعالی و رها کردن همتایان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر با اظهار ذلّت و بیچارگی و درخواست گذشت از گناهان گذشته و نهادن چهره بر خاک هر روز به عنوان بزرگداشت خداوند عزیز والا مقام است، و اینکه همواره به یاد او باشد، نسبت به او فراموشی و سرکشی نداشته، فروتن و مشتاق و خواهان زیادتی در دین و دنیا باشد، با آنچه در آن از مقرّر نمودن و مداومت بر یاد خدا در شب و روز است تا آنکه بنده، سَرور و مدبّر و آفرینندهٔ خویش را فراموش نکند که در نتیجه دچار سرکشی و طغیان گردد و یاد پروردگار و حضور در پیشگاه او بازدارندهٔ او از نافرمانی‌ها و مانع او از انواع فسادها و تباهی‌ها است.[1]

---

۱. وسائل الشیعة: ۴/۳.

و نیز دربارهٔ تشریع نماز به «فضل بن شاذان» فرمودند:

همانا بندگان خدا به نماز مأمور شده‌اند؛ زیرا در آن، اقرار به ربوبیّت پروردگار است و آن درستی حال عموم (مردم) است، چون در آن رها کردن همتایان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر است.[1]

علّت تشریع تعداد رکعت‌های نمازهای واجب

فضل بن شاذان از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

اصل نماز دو رکعت قرار داده شده، بر بعضی از نمازها یک رکعت و بر برخی دو رکعت و بر برخی دیگر چیزی افزوده نشده است، زیرا اصل نماز یک رکعت است، چون اصل عدد یک است. از یک اگر چیزی کاسته گردد دیگر نماز نخواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می‌دانست که بندگان، آن یک رکعت را ـ که کمتر از آن نماز نیست ـ نمی‌توانند کامل و تمام و با توجّه و حضور قلب انجام دهند، لذا رکعت دیگری را با آن همراه کرد تا کاستی‌های رکعت اوّل با دوّمی برطرف گردد، از این رو اصل نماز را خداوند دو رکعت مقرّر نمود.

پس از آن، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دانست که بندگان، آن دو رکعت را هم به تمام آنچه به آن دستور داده شده‌اند و بطور کامل بجای نمی‌آورند، لذا به نماز ظهر و عصر و عشاء دو رکعت افزود تا با این دو رکعت اضافی، آن دو رکعت اصلی کامل گردد.

سپس دانست که نماز مغرب هنگامی است که مردم بیشتر مشغولند؛ زیرا زمان بازگشتن به شهر و دیار و منزل و هنگام خوردن و وضو ساختن و امثال آن است؛ به نماز مغرب یک رکعت افزود تا برای آنان سبک‌تر و راحت‌تر باشد، و مجموع رکعت‌های نمازها در شبانه‌روز فرد باشد و نماز صبح را به حال خود رها کرد چون هنگام صبح اشتغال مردم بیشتر و شتافتن و پرداختن به نیازها و خواسته‌ها در آن وقت فراگیرتر است و به خاطر اینکه دل‌ها در آن زمان فارغ از

---

۱. وسائل الشیعة: ۵/۳.

مکر و اندیشه است؛ زیرا داد و ستد مردم در شب و گرفتن و پرداختن آنان اندک است در نتیجه انسان در نماز صبح توجّه بیشتری دارد و نسبت به نمازهای دیگر حضور قلبش افزونتر است؛ چون در شب به استراحت پرداخته و کارنکرده تا در مورد آن فکر و اندیشه نماید.

و همانا نمازهای مستحبّی سی و چهار رکعت قرار داده شد؛ زیرا نمازهای واجب هفده رکعت است، نمازهای مستحبّی یعنی نافله دو برابر آن گردید تا نمازهای واجب را کامل گرداند.

و همانا نمازهای نافله در زمان‌های مختلف قرار داده شده نه در یک زمان؛ زیرا بهترین اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید یعنی ظهر، و بعد از مغرب و سحرگاهان، لذا خداوند دوست دارد که در این زمان‌های سه‌گانه برای او نماز بخوانند، و برای اینکه اگر نمازهای نافله در اوقات پراکنده تقسیم شود انجام آن راحت‌تر و آسانتر است از اینکه بخواهند همهٔ آن‌ها را در یک زمان انجام دهند.[1]

علّت تشریع
تعداد تکبیر در اوّل نمازهای واجب

فضل بن شاذان از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

تکبیرها در ابتدای نماز، هفت تا گردیده است؛ زیرا اصل نماز دو رکعت است و هفت تکبیر دارد: تکبیرة الإحرام که نماز با آن شروع می‌شود، تکبیر برای رکوع، دو تکبیر برای دو سجده، تکبیر برای رکوع رکعت دوّم و دو تکبیر برای دو سجدهٔ رکعت دوّم که مجموعاً هفت تکبیر می‌شود، و چون انسان در ابتدای نماز هفت تکبیر بگوید، سپس از روی سهو و یا فراموشی آن تکبیرها را نگفت نقص و کمبودی در نماز ایجاد نمی‌شود.[2]

---

۱. وسائل الشیعة: ۳۸/۳.

۲. وسائل الشیعة: ۷۲۲/۴.

علّت تشریع حمد و سوره و تسبیحات اربعه در نمازهای واجب

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرموده است:

در دو رکعت اوّل نماز، قرائت (حمد و سوره) و در دو رکعت دوّم، تسبیحات واجب گشته است تا فرق باشد بین آنچه خداوند واجب کرده و آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله واجب نموده است.[1]

علّت تشریع ذکر رکوع و سجود

فضل بن شاذان از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا در رکوع و سجده ذکر تسبیح قرار داده شده به خاطر عللی که عبارتند از: بنده با خضوع و خشوع و تعبّد و پارسائی و اظهار بینوائی و ذلّت و فروتنی و تقرّبی که به سوی پروردگارش دارد تقدیس‌کننده و تمجیدکننده و تسبیح کننده و بزرگ‌دارنده و شکرگزار آفریننده و روزی‌دهندهٔ خویش باشد، و تسبیح و تحمید را بکار برَد همان‌طور که تکبیر و تهلیل بکار برده می‌شود و قلب و ذهن خود را به ذکر و یاد خدا مشغول بدارد و فکر و اندیشه و آرزوها او را به غیر خدا متوجّه نسازد و منحرف نکند.[2]

علّت تشریع تعداد رکوع و سجود

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: **حضرت امام رضا**علیه‌السلام دربارهٔ نماز خورشیدگرفتگی فرمود:

---

۱. وسائل الشیعة: ۷۳۳/۴.

۲. وسائل الشیعة: ۹۲۴/۴.

همانا در آن سجده قرار داده شده؛ زیرا نمازی نیست که در آن رکوع باشد مگر اینکه در آن سجده نیز هست و همانا چهار سجده در آن معیّن گشته است؛ زیرا هر نمازی که سجده‌های آن از چهار سجده کمتر باشد نماز نیست، چون کمترین مقدارِ واجب از سجود در هر نماز، چهار سجده است.

و همانا در هر رکعت نماز، یک رکوع و دو سجده قرار داده شده؛ زیرا رکوع از کارهای در حال قیام است و سجده از کارهای در حال قعود، و نماز نشسته نیمِ نماز ایستاده است (یعنی دو رکعت آن، یک رکعت حساب می‌شود)، لذا سجده دوچندان شده تا با رکوع برابر گردد و میان آندو تفاوتی نباشد، چون نماز بدون تردید رکوع و سجده است.[1]

علّت تشریع
تعداد تکبیر در نماز میّت

حسن بن نضر گوید: به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام عرض کردم: علّت اینکه در نماز میّت پنج تکبیر می‌گویند چیست؟

حضرت فرمود:

روایت کرده‌اند که آن را از پنج نماز یومیّه برگرفته‌اند، ولی این ظاهر قضیّه است باطنش این است که خداوند تبارک و تعالی پنج چیز بر بندگانش واجب فرموده که نماز، زکات، روزه، حجّ و ولایت می‌باشد، از هر کدام از این واجبات برای میّت یک تکبیر قرار دارد.

لذا هر کس ولایت را پذیرفته باشد بر جنازهٔ او پنج تکبیر و آنکه نپذیرفته باشد بر او چهار تکبیر گفته می‌شود، و به همین خاطر شما شیعیان پنج تکبیر و مخالفین شما چهار تکبیر می‌گویند.[2]

---

۱. وسائل الشیعة: ۹۴۶/۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۸۱/۲.

علّت تشریع نمازهای واجب و نافله

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

برای نمازگزار سه ویژگی است:

۱ـ خیر و خوبی بر او از آسمان تا فرق سرش پاشیده گردد.

۲ـ فرشتگان از جایگاه قدمش تاکرانهٔ آسمان او را احاطه کنند.

۳ـ منادی فریاد برآورد: اگر نمازگزار بداند چه فضیلت و کرامتی برای او است هرگز از نماز دست برندارد.

هنگامی که بنده در نمازش تکبیرة الإحرام گفت، خداوند به لطف خویش بر او روی می‌آورد و فرشته‌ای را بر او گمارد تا قرآن را از دهان او بازگیرد، پس اگر این شخص روی گردانید خداوند از او روی می‌گرداند و او را به فرشته واگذار می‌کند؛ اگر با تمام وجود به نمازش توجّه داشته و حضور قلب او کامل باشد، نمازش به طور کامل بالا برده می‌شود، ولی اگر به خود مشغول شود و در آن غفلت ورزد از نماز او به همان اندازه که بی‌توجّهی کرده و غفلت ورزیده کاسته می‌گردد و آن مقداری که حضور قلب داشته بالا برده می‌شود و خدا به قلب غافل چیزی عطا نمی‌کند، **و همانا نافله قرار داده شده تا به وسیلهٔ آن، فریضه کامل گردد.**[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۴۳/۸۴.

بخش پنجم

هشت دعا در قنوت نمازها

در این بخش، هشت دعا از دعاهای قنوت را که از **حضرت علیّ بن موسی الرّضا** علیه‌السلام روایت شده است، نقل می‌کنیم:

۱

دعا در قنوت نمازها

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

اگر در نمازی باشی که در آن قنوت باید انجام داد، پس قنوت را پس از تمام‌شدن قرائت و پیش از رکوع بجا آور و در آن بگو:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ

خداوندا؛ تو خداوندی، معبودی جز تو که بردبار و بزرگواری نیست، خدائی جز تو که

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحٰانَكَ رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ السَّبْعِ، وَرَبُّ الْأَرَضِينَ

بلندمرتبهٔ عظیم‌الشأنی نیست، پاک و منزّهی، پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و زمین‌های

السَّبْعِ، وَمٰا فِيهِنَّ وَمٰا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، بِاللهِ لَيْسَ

هفتگانه، و آنچه در آن میان و میان آن است می‌باشی، و پروردگار عرش عظیمی، سوگند به ذات پاکت که

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ

چیزی مانند او نیست، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا و پدر و مادرم را

وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، إِنَّكَ عَلىٰ ذٰلِكَ قادِرٌ.[1]

و تمام مردان و زنان مؤمن را بیامرز، که تو بر آن توانا هستی.

۲

دعای دیگر در قنوت نمازها

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحّاک ـ که در سفر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به خراسان همراه آن حضرت بود ـ شنیدم که گفت: ... **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در همهٔ نمازها، قنوتش چنین بود:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ.[2]

پروردگارا؛ بیامرز و رحم کن و از آنچه می‌دانی بگذر که تو عزیزتر و باشکوهتر و بزرگوارتری.

۳

دعای قنوت حضرت امام رضا علیه‌السلام در نماز جمعه

ابن مقاتل گوید: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرمودند:

در قنوت نماز جمعه، چه دعایی می‌خوانی؟

عرض کردم: آنچه مردم می‌گویند.

فرمود: تو آنچه را آن‌ها می‌گویند نگو، بلکه این دعا را بخوان:

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۰۷، بحار الأنوار: ۲۰۸/۸۴، مستدرك الوسائل: ۴۰۳/۴ (با تفاوت).

۲. مستدرك الوسائل: ۴۰۸/۴ (با اختصار)، بحار الأنوار: ۹۱/۴۹.

أَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمٰا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيٰآءَكَ وَرُسُلَكَ،

خداوندا؛ برای بنده و جانشین خودت کارسازی کن؛ آنگونه که برای پیامبران و رسولانت به شایستگی کارسازی فرمودی،

وَحُفَّهُ بِمَلٰآئِكَتِكَ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاسْلُكْهُ مِنْ

و گرداگرد او فرشتگانت را قرار بده، و او را از ناحیهٔ خود به روح القدس تأیید فرما، و از

بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ

پیش رویش و پشت سرش مراقبانی را همراه او گردان تا از هر بدی او را حفظ کنند، و آرامش و آسودگی را

بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً، يَعْبُدُكَ لٰايُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً، وَلٰاتَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ

جایگزین ترس و بیم او گردان، تا (هر کس) تنها تو را عبادت و بندگی کند، و چیزی را با تو شریک نگرداند، و برای هیچ یک از

خَلْقِكَ عَلىٰ وَلِيِّكَ سُلْطٰاناً، وَأْذَنْ لَهُ فِي جِهٰادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ،

آفریدگانت بر ولیّت سلطنت قرار مده، و به او اجازهٔ جهاد با کسی که دشمن تو و او است مرحمت فرما،

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصٰارِهِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

و مرا از یاوران او قرار ده، که تو بی‌گمان بر هر چیز توانایی.

۴

دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

... و قنوت (نماز عید فطر و قربان) این است که بگوئی:

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

گواهی می‌دهم که خدائی جز خداوند نیست، او یکتا است و شریک ندارد، و اینکه محمّد بنده

وَرَسُولُهُ. أَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَهْلَ الْكِبْرِيٰآءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ

و فرستادهٔ او است. خداوندا؛ کبریائی و عظمت شایسته تو است، و جود و بخشش

۱. مصباح المتهجّد: ۳۶۶، جمال الأُسبوع: ۲۵۶، بحار الأنوار: ۲۵۱/۸۹، أبواب الجنّات: ۱۸۳.

وَالْجَبَرُوتِ، [وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ]، وَأَهْلَ التَّقْوىٰ وَالرَّحْمَةِ،

و بزرگی و جبروت سزاوار تو است و (تو) اهل عفو و آمرزش و اهل تقوا و رحمتی،

أَسْأَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِمُحَمَّدٍ

از تو امروز که آن را برای مسلمانان عید و برای (حضرت) محمّد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ،

ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ اندوخته و باعث فزونی قرار دادی می‌خواهم که بر او و آل او درود فرستی،

وَأَسْأَلُكَ بِهٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ

و از تو می‌خواهم به (حرمت) امروز که آن را شرافت و کرامت و عظمت و برتری بخشیدی

بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

به (حضرت) محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ که مرا و همهٔ مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، اَلْأَحْيَآءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ،

و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان، مردگان و زندگان آن‌ها را بیامرزی،

إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.[1]

که تو اجابت‌کنندهٔ دعاها هستی، ای مهربانترین مهربانان.

۵

استغفار در قنوت نماز وتر

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحّاک شنیدم که گفت: ... **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در قنوت نماز وتر هفتاد مرتبه می‌گفت:

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.[2]

از خدا آمرزش می‌طلبم و از او درخواست توبه می‌نمایم.

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۳۲، بحار الأنوار: ۳۶۷/۹۰.

۲. بحار الأنوار: ۹۳/۴۹.

و نیز از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

شما را سفارش می‌کنم به نماز شب، هر کس در آخر شب بپاخیزد و هشت رکعت نافلهٔ شب بخواند، پس از آن، دو رکعت به نیّت نماز شفع و یک رکعت به عنوان نماز وتر بجا آورد **و در قنوت آن هفتاد مرتبه استغفار کند**، خداوند او را از عذاب قبر و عذاب دوزخ امان بخشد، و عمرش را طولانی گرداند، و روزی او را وسیع و فراوان فرماید.[1]

۶

دعا در قنوت نماز وتر

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحّاک شنیدم که گفت: ... **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در قنوت نماز وتر می‌گفت:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ اهْدِنٰا فيمَنْ هَدَيْتَ،

خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خدایا؛ ما را هدایت کن در زمرهٔ کسانی که هدایتشان کرده‌ای،

وَعٰافِنٰا فيمَنْ عٰافَيْتَ، وَتَوَلَّنٰا فيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبٰارِكْ لَنٰا فيمٰا

و به ما عافیت ده در زمرهٔ آن‌ها که عافیت بخشیده‌ای، و عهده‌دار ما شو در میان آنهائی که عهده‌دارشان هستی، و در آنچه به ما

أَعْطَيْتَ، وَقِنٰا شَرَّ مٰا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضي وَلٰا يُقْضىٰ عَلَيْكَ، إِنَّهُ

داده‌ای برکت عنایت کن، و ما را از شرّ آنچه حکم کرده‌ای حفظ کن، که تنها تو حکم می‌کنی و هیچ کس بر تو حکم نمی‌کند، همانا

لٰا يَذِلُّ مَنْ وٰالَيْتَ، وَلٰا يَعِزُّ مَنْ عٰادَيْتَ، تَبٰارَكْتَ رَبَّنٰا وَتَعٰالَيْتَ.[2]

کسی که تو او را دوست بداری خوار نمی‌گردد، و آنکه با او دشمن باشی عزّت نمی‌یابد، تو برکت‌آفرین و بلندمرتبه‌ای ای پروردگار.

۱. الدعوات: ۲۷۲، روضة الواعظین: ۳۲۰، مستدرك الوسائل: ۳۳۱/۶، بحار الأنوار: ۱۶۱/۸۷.

۲. بحار الأنوار: ۹۱/۴۹.

۷

دعای قنوت حضرت امام رضا علیه‌السلام
برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران

اَلْفَزَعُ الْفَزَعُ إِلَيْكَ يٰا ذَا الْمُحٰاضَرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يٰا مَنْ

پناه بر تو، پناه بر تو ای همه جا حضوردارنده، و میل و اشتیاق به سوی تو است ای آنکه

بِهِ الْمُفٰاخَرَةُ، وَأَنْتَ اللّٰهُمَّ مُشٰاهِدُ هَوٰاجِسِ النُّفُوسِ، وَمُرٰاصِدُ

افتخار و برتری به سبب او است، و تو خداوندا؛ شاهد خطورات و وسوسه‌های نَفْس‌ها، و مراقب

حَرَكٰاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطّٰالِعُ مَسَرّٰاتِ السَّرٰائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكَلُّفٍ وَلٰا

حرکات دل‌ها، و آگاه از اسرار و پنهان‌کاری‌های باطن‌ها بدون هیچ‌گونه دشواری

تَعَسُّفٍ، وَقَدْ تَرَى اللّٰهُمَّ مٰا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوٍ، وَلٰكِنَّ حِلْمَكَ

و زحمتی هستی، و خداوندا؛ می‌بینی آنچه را که از تو پیچیده نشده و پنهان نمانده است، ولی حلم و بردباری تو

اٰمَنَ أَهْلَهُ عَلَيْهِ جُرْأَةً وَتَمَرُّداً وَعُتُوّاً وَعِنٰاداً، وَمٰا يُعٰانِيهِ أَوْلِيٰاؤُكَ

ایمنی بخشیده به اهل خلاف تا جرأت کنند و سرپیچی و گردنکشی و دشمنی با تو داشته باشند، و (تو می‌بینی) آنچه دوستانت

مِنْ تَعْفِيَةِ اٰثٰارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعٰالِمِهِ، وَتَزَيُّدِ الْفَوٰاحِشِ،

می‌بینند از نابودی آثار حق و مندرس‌گشتن نشانه‌های آن، و افزایش کارهای زشت،

وَاسْتِمْرٰارِ أَهْلِهٰا عَلَيْهٰا، وَظُهُورِ الْبٰاطِلِ، وَعُمُومِ التَّغٰاشُمِ،

و ادامه‌دادن اهل آن بر آن کارها، و آشکار شدن باطل، و عمومی گشتن ظلم و ستم،

وَالتَّرٰاضِي بِذٰلِكَ فِي الْمُعٰامِلٰاتِ، وَالْمُتَصَرَّفٰاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ

و راضی شدن به آن در داد و ستدها، و آنچه تصرّف می‌شود که این کار

الْعٰادٰاتُ، وَصٰارَ كَالْمَفْرُوضٰاتِ وَالْمَسْنُونٰاتِ. أَللّٰهُمَّ فَبٰادِرْنٰا مِنْكَ

عادّی گشته و مانند واجبات و مستحبّات گردیده است. خداوندا؛ شتاب کن نسبت به ما از جانب خودت

بِالْعَوْنِ الَّذي مَنْ أَعَنْتَهُ بِهِ فٰازَ، وَمَنْ أَيَّدْتَهُ لَمْ يَخَفْ لَمْزَ لَمّٰازٍ،

با کمکی که هر کس را آنگونه کمک کنی رستگار شود، و هر کسی را که تأیید نمائی از عیب‌جوئی دیگران و طعنهٔ آنان نترسد،

وَخُذِ الظّٰالِمَ أَخْذاً عَنيفاً، وَلٰاتَكُنْ لَهُ رٰاحِماً وَلٰا بِهِ رَؤُوفاً. أَللّٰهُمَّ

و ستمگر را به شدّت در چنگ خود گرفتار کن، و نسبت به او رحم‌کننده و مهربان نباش. خدایا؛

اللّٰهُمَّ اللّٰهُمَّ بٰادِرْهُمْ. أَللّٰهُمَّ عٰاجِلْهُمْ. أَللّٰهُمَّ لٰاتُمْهِلْهُمْ. أَللّٰهُمَّ

خدایا؛ خدایا؛ در مورد آنان شتاب کن. خداوندا؛ عجله کن. خداوندا؛ مهلت به ایشان مده. خدایا؛

غٰادِرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجيرَةً وَسُحْرَةً وَبَيٰاتاً وَهُمْ نٰآئِمُونَ، وَضُحىً

آنان را بامدادان، و در وسط روز، و در سحرها، و شب‌هنگام که در خوابند، و در میان روز که سرگرمند

وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْراً وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفُجْأَةً وَهُمْ اٰمِنُونَ. أَللّٰهُمَّ

و مشغولند گرفتارشان کن، و در مقابل مکر و حیلهٔ آنان بر آنان مکر کن، و در حالیکه در ایمنی و آرامش‌اند ناگهان بر آنان هجوم آور. خداوندا؛

بَدِّدْهُمْ، وَبَدِّدْ أَعْوٰانَهُمْ، وَافْلُلْ أَعْضٰادَهُمْ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ،

آنان را و یارانشان را پراکنده ساز، و هم‌دستان و یاورانشان را شکست بده، و لشکریان ایشان را فراری بده،

وَافْلُلْ حَدَّهُمْ، وَاجْتَثَّ سَنٰامَهُمْ، وَأَضْعِفْ عَزٰآئِمَهُمْ. أَللّٰهُمَّ

و لبهٔ تیزشمشیرشان را بشکن، و سران و مهتران آنان را ریشه‌کن ساز، و پایداری وسرسختی ایشان را دچار ضعف گردان. خداوندا؛

امْنَحْنٰا أَكْتٰافَهُمْ، وَمَلِّكْنٰا أَكْنٰافَهُمْ، وَبَدِّلْهُمْ بِالنِّعَمِ النِّقَمَ، وَبَدِّلْنٰا

شانه‌های ایشان را برای ما ببند، و ما را مالک سرزمین‌هایشان گردان، و نعمت‌های آنان را به گرفتاری و بلا تبدیل کن، و ترس ما

مِنْ مُحٰاذَرَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلٰامَةَ، وَاغْنِمْنٰاهُمْ أَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. أَللّٰهُمَّ

را از ایشان و ستم ایشان به سلامتی و امنیّت مبدّل گردان، و کامل‌ترین غنیمت‌ها را از آنان به ما برسان. خداوندا؛

لٰاتَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَكَ الَّذي إِذٰا حَلَّ بِقَوْمٍ فَسٰآءَ صَبٰاحُ الْمُنْذَرينَ.[1]

از آنان بازمدار خشم و عذاب خود را؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، روزگار آنان را سیاه می‌گرداند.

۱. مهج الدعوات: ۷۹، البلد الأمین: ۶۵۴.

۸

دعای قنوت در نماز کسوف

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

در قنوت (نماز کسوف) می‌خوانی:

إِنَّ اللهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، وَالشَّمْسُ

همانا هر کس که در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است و خورشید

وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوٰابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النّٰاسِ، وَكَثِيرٌ

و ماه و ستارگان و درختان و جانوران و بسیاری از مردم برای خدا سجده می‌کنند، و بسیاری

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْعَذٰابُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ

عذاب بر آنان سزاوار گشته است. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خداوندا؛

لٰاتُعَذِّبْنٰا بِعَذٰابِكَ، وَلٰاتَسْخُطْ عَلَيْنٰا بِسَخَطِكَ، وَلٰاتُهْلِكْنٰا

ما را به عذاب خود عذاب مکن، و به خشم خود گرفتار مساز، و به غضب خویش هلاک

بِغَضَبِكَ، وَلٰاتَأْخُذْنٰا بِمٰا فَعَلَ السُّفَهٰآءُ مِنّٰا، وَاعْفُ عَنّٰا، وَاغْفِرْ

مگردان، و به آنچه سفیهان و نابخردان ما انجام می‌دهند ما را مؤاخذه مفرما، و ما را ببخش، و (گناهان)

لَنٰا، وَاصْرِفْ عَنَّا الْبَلٰآءَ، يٰا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ.[1]

ما را بیامرز، و بلا را از ما دور گردان، ای دارندهٔ لطف و احسان.

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۳۴، بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۱.

بخش ششم

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار بعد از نمازهای واجب

در این بخش، هشت دعا و ذکر از دعاها و اذکاری را که پس از نمازهای واجب خوانده می‌شوند، نقل می‌کنیم:

۱

دعای بعد از نماز صبح

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرموده‌اند:

کسی که پس از نماز صبح این دعا را بخواند، حاجتی را درخواست نمی‌کند مگر آنکه برایش میسّر گردد و خداوند او را کفایت فرماید:

بِسْمِ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، ﴿وَأُفَوِّضُ أَمْري إِلَى اللهِ

بنام خدا، و درود و رحمت خداوند بر محمّد و آل او باد، «و کار خویش را به خدا واگذار می‌کنم،

إِنَّ اللهَ بَصيرٌ بِالْعِبادِ * فَوَقٰيهُ اللهُ سَيِّئٰاتِ مٰا مَكَرُوا﴾[1]، ﴿لٰا إِلٰهَ

که خداوند نسبت به بندگان بینا است * پس خدا او را از بدی‌های آنچه درباره‌اش نیرنگ زدند نگهداشت»، «خدایی جز

۱. سورهٔ غافر، آیهٔ ۴۴ و ۴۵.

إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ * فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ

تو نیست، تو پاک و منزّهی، همانا من از ستمکاران می‌باشم * پس ندای او را پاسخ گفتیم و او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنينَ﴾[1]، ﴿حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ *

از غمّ و غصّه رهانیدیم و همان‌گونه مؤمنان را نجات می‌بخشیم»، «خدا ما را بس است و او خوب دفاع‌کننده و پشتیبانی است *

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ﴾[2]، مٰا شٰآءَ اللهُ،

پس به نعمت خداوند و فضل و احسان او که هیچ بدی به او نرسد دگرگون گشتند»، آنچه خدا بخواهد (همان شود)،

لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، مٰا شٰآءَ اللهُ لٰا مٰا شٰآءَ النّٰاسُ، مٰا شٰآءَ

هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند نیست، آنچه خدا خواهد (همان شود) نه آنچه مردم بخواهند، آنچه

اللهُ وَإِنْ كَرِهَ النّٰاسُ. حَسبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبينَ، حَسْبِيَ الْخٰالِقُ

خدا بخواهد (همان شود) گرچه مردم را خوش‌آیند نباشد. پرورش‌دهنده مرا از پرورش‌یافتگان کفایت می‌کند، آفریننده مرا

مِنَ الْمَخْلُوقينَ، حَسْبِيَ الرّٰازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقينَ، حَسْبِيَ اللهُ رَبُّ

از آفریده‌شدگان کفایت می‌کند، روزی‌دهنده مرا از روزی‌خواران کفایت می‌کند، خداوندی که پروردگار

الْعٰالَمينَ، حَسْبي مَنْ هُوَ حَسْبي، [حَسْبي]مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبي،

جهانیان است مرا بس است، او که کفایت‌کننده است مرا، برایم کافی است، آنکه پیوسته مرا کفایت می‌کند برایم کافی است،

حَسْبي مَنْ كٰانَ مُذْ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبي، حَسْبِيَ اللهُ لٰا إِلٰـهَ إِلّا

آنکه از ابتدایی که بوده‌ام مرا کفایت کرده برایم کافی است، خدا مرا بس است، جز او خدایی و معبودی نیست،

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.[3]

بر او توکّل نمودم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

۱. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷ و ۸۸.

۲. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳. عدّة الداعي: ۳۰۷.

۲

دعا بعد از هر نماز واجب
برای درخواست روزی

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرموده است:

برای درخواست روزی بعد از هر نماز واجب بگو:

يٰا مَنْ يَمْلِكُ حَوٰآئِجَ السّٰآئِلِينَ، وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصّٰامِتِينَ، لِكُلِّ

ای آنکه حاجت درخواست کنندگان را مالکی و در اختیار تو است، و از درون و باطن خاموششان و خاطر آنها آگاهی، برای هر

مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حٰاضِرٌ وَجَوٰابٌ عَتِيدٌ، وَلِكُلِّ صٰامِتٍ مِنْكَ

درخواستی از تو شنیدنی حاضر و جوابی آماده است، و برای هر ساکتی

عِلْمٌ بٰاطِنٌ مُحِيطٌ. أَسْأَلُكَ بِمَوٰاعِيدِكَ الصّٰادِقَةِ، وَأَيٰادِيكَ

علم و دانش به باطن و فراگیر است. از تو می‌خواهم به وعده‌های راست و درستت، و نعمت‌های

الْفٰاضِلَةِ، وَرَحْمَتِكَ الْوٰاسِعَةِ، وَسُلْطٰانِكَ الْقٰاهِرِ، وَمُلْكِكَ الدّٰآئِمِ،

افزونت، و رحمت وسیع و فراگیرت، و قدرت چیره‌شونده‌ات، و فرمانروایی همیشگی‌ات،

وَكَلِمٰاتِكَ التّٰامّٰاتِ. يٰا مَنْ لٰاتَنْفَعُهُ طٰاعَةُ الْمُطِيعِينَ، وَلٰا يَضُرُّهُ

و کلمات کاملت. ای کسی که فرمانبرداری اهل طاعت به تو سودی نمی‌بخشد،

مَعْصِيَةُ الْعٰاصِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ،

و نافرمانی اهل معصیت به تو ضرری نمی‌زند، بر محمّد و آل او درود فرست، و از فضل و احسانت به من روزی بده،

وَأَعْطِنِي فِيمٰا تَرْزُقُنِي الْعٰافِيَةَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.[۱]

و در آنچه روزی می‌دهی عافیت عطا کن، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

---

۱. المصباح: ۲۲۳، البلد الأمین: ۵۳ (پاورقی)، بحار الأنوار: ۵۸/۸۶، مقباس المصابیح: ۵۴.

۳

ذکر «یٰا رَحمن یٰا رَحیم» بعد از هر نماز

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

هر فرد باایمان بعد از هر نماز، دویست و نود و هشت مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنی آن بگوید: «**یٰا رَحْمٰنُ یٰا رَحِیمُ**»، جملهٔ مردمان او را دوست دارند و اهل تحقیق گردد.[1]

۴

ذکر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

کسی که بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ، لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست.

این نزدیک‌تر است به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن، و اسم اعظم در آن داخل گشته است.[2]

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۸.

۲. المصباح: ۴۱۱.

۵

ذکر دیگر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

هرکس هر روز پس از نماز صبح، اسم «**یٰا عَزیزُ**» را چهل و یک مرتبه با ایمان و نیّت خالص و توجّه به خدا و معنی آن بخواند، محتاج خلق نگردد و در میان مردمان عزیز و مکرّم باشد.[۱]

۶

ذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب

اسماعیل بن همام از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

هرکس بعد از نماز مغرب و نماز صبح ـ پیش از آنکه صحبت کند ـ هفت مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظیمِ.

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، و هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست.

خداوند هفتاد نوع از انواع بلا را که کمترین آن‌ها جذام و برص و شرّ سلطان و شیطان است، از او برطرف کند.[۲]

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۰.

۲. جامع أحادیث الشیعة: ۱۱۲/۶، مقباس المصابیح: ۱۰۳.

۷

ذکر بعد از نماز عصر

رجاء بن ابی ضحّاک گوید: **حضرت امام رضا**علیه‌السلام در راه خراسان که بودند، بعد از سلام نماز عصر در مصلاّی خود می‌نشست و تسبیح و تمجید و تکبیر و تهلیل فراوان می‌گفتند و آنگاه سجدهٔ شکر می‌نمود و در آن، صد مرتبه می‌گفت:

«حَمْداً لِلّٰهِ»؛ «حمد و سپاس مخصوص خداوند است».[1]

۸

ذکر دیگر بعد از نماز عصر

محمّد بن فضیل صیرفی از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام، و آن حضرت از پدرانش علیهم‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به شخصی فرمود:

هنگامی که نماز عصر را بجا آوردی، هفتاد و هفت مرتبه استغفار بگو و از خدا طلب آمرزش کن، خداوند گناه هفتاد و هفت سال تو را فرو ریزد.

عرض کرد: اگر من هفتاد و هفت سال عمر نکنم.

فرمود: تو و پدرت را.

عرض کرد: اگر من و پدرم باهم هفتاد و هفت سال عمر نکنیم.

فرمود: تو و پدر و مادرت را.

عرض کرد: اگر باز هم هفتاد و هفت سال نشود.

فرمود: تو و پدر و مادر و خویشاوندات را شامل شود.[2]

---

۱. بحار الأنوار: ۸۵/۸۷.

۲. جامع أحادیث الشیعة: ۱۰۴/۶، وسائل الشیعة: ۱۰۵۳/۴.

بخش هفتم

هشت دعا
از ادعیهٔ بعد از نمازهای مستحبّ

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی را که پس از نمازهای مستحبّ خوانده می‌شوند، نقل می‌کنیم:

۱

دعا بعد از نماز جناب جعفر طیّار

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب؛ زیرا در آن، فضل و فضیلت فراوانی است.

... هر زمانی که اراده کردی این نماز را بخوانی تکبیر بگو، و قرائت نماز را شروع کن، (و با همان کیفیّتی که قبلاً بیان شد آن را انجام بده) و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ مٰا سَأَلَكَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَاٰلُهُ، وَأَسْتَعِيذُ

خداوندا؛ از تو می‌خواهم از هر چه که محمّد و آل او از تو درخواست نمودند، و به تو پناه می‌برم

بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعٰاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَاٰلُهُ. أَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي مِنْ كُلِّ

از همهٔ آنچه محمّد و آل او از آن (به تو) پناه می‌بردند. خداوندا؛ از میان همهٔ

خَيْرٍ خَيْراً، وَاصْرِفْ عَنّي كُلَّ ما قَضَيْتَ مِنْ شَرٍّ أَوْ فِتْنَةٍ، وَاغْفِرْ

خیرها و خوبی‌ها بهترین را به من عطا کن، و هر آنچه بدی یا فتنه مقدّر کرده‌ای از من دور گردان، و بیامرز

لي ما تَعْلَمُ مِنّي وَما قَدْ أَحْصَيْتَ عَلَيَّ مِنْ ذُنُوبي، وَاقْضِ

مرا از آنچه از من می‌دانی و آنچه از گناهان من شماره نموده‌ای، و برآورده ساز

حَوائِجي ما لَكَ فيهِ رِضاً وَلي فيهِ صَلاحٌ، يا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ،

از حاجت‌های من آنچه خشنودی تو در آن است و مصلحت من می‌باشد، ای دارندهٔ لطف و احسان،

وَسِّعْ عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ وَالْأَجَلِ، وَاكْفِني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ

در روزی و عُمر من وسعت بده، و آنچه مرا نگران ساخته از امور دنیا

وَآخِرَتي، إِنَّكَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.[1]

و آخرتم کفایتم کن، که تنها تو بر هر چیزی توانا هستی.

۲

دعای فرَج، بعد از نمازحاجت

این دعا بعد از دو رکعت نماز حاجت خوانده می‌شود که از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده است. چون سلام نماز را گفتی، این دعا را بخوان در حالی که ایستاده باشی:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، خالِقُ الْخَلْقِ،

گواهی می‌دهم که خدائی و معبودی جز خداوند نیست، او یگانه است و شریکی برایش نیست، آفرینندهٔ هستی

وَقاسِمُ الرِّزْقِ، وَفالِقُ الْإِصْباحِ، وَجاعِلُ اللَّيْلِ سَكَناً، وَالشَّمْسِ

و تقسیم‌کنندهٔ رزق و روزی است، و شکافندهٔ صبح (و آشکارکنندهٔ) آن است، و شب را مایهٔ آرامش، و خورشید

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۵۵، مستدرك الوسائل: ۲۲۴/۶ و ۲۳۱ (با اختصار)، بحار الأنوار: ۲۰۹/۹۱.

وَالْقَمَرِ حُسْبٰاناً، ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ الْعَزِيزُ

و ماه را وسیلهٔ شمردن (و حساب روزها) قرار داده. آن، اندازه‌گیری شخص نیرومند آگاه است، خدایی جز او نیست که قوی

الْحَكِيمُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَوَلِيُّهُ وَنَبِيُّهُ،

و صاحب حکمت است. و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد بنده و فرستادهٔ او است، و کارگزار و پیامبر او است،

وَخَلِيلُهُ وَصَفِيُّهُ، وَحَبِيبُهُ وَخٰالِصَتُهُ، وَخٰاصَّتُهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ

و یار و برگزیده، و دوست و مخلص او است، و از میان آفریدگانش مقام مخصوص و ویژه‌ای دارد، و امانتدار او

عَلىٰ وَحْيِهِ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

بر وحیش است، او را به هدایت و دین و آئین حقّ فرستاده است، تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، بَشِيراً وَنَذِيراً، وَدٰاعِياً إِلَى اللهِ بِإِذْنِهِ،

گرچه مشرکان نپسندند و خوش‌آیند آن‌ها نباشد، او بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، و به فرمان خدا دعوت‌کننده بسوی او است،

وَسِرٰاجاً مُنِيراً، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللهُ

و چراغ نوردهنده و روشنی‌بخش است، درود و رحمت خدا بر او و اهل بیتش باد که خدا هر گونه

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. يٰا مُقَوِّيَ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَمُعِزَّ

آلودگی و پلیدی را از وجودشان دور نموده و آنان را پاک و پاکیزه گردانیده است. ای نیرودهنده به هر خوار شده؛ و عزّت‌دهنده

الْمُؤْمِنِينَ، وَمُذِلَّ الْجَبّٰارِينَ، قَدْ وَحَقِّكَ بَلَغَ مِنِّي الْمَجْهُودُ،

به اهل ایمان، و ذلیل‌کنندهٔ زورگویان؛ به حقّ تو سوگند که تلاش و کوشش من به نهایت رسیده،

فَفَرِّجْ عَنِّي يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ. يٰا مُفَرِّجُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا كَرِيمُ،

پس گشایشی در کارم ایجاد کن، ای از همه مهربانان مهربانتر. ای گشایش‌دهنده، گشایش؛ ای بزرگوار،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا عَزِيزُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا جَبّٰارُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا رَحْمٰانُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای نیرومند، گشایش؛ ای قدرتمند، گشایش؛ ای رحم کننده، گشایش؛ ای

رَحِيمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا جَلِيلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا جَمِيلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا كَفِيلُ،

مهربان، گشایش؛ ای بزرگ‌مرتبه، گشایش؛ ای نیکوسیرت، گشایش؛ ای عهده‌دار امور،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُنِيلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُقِيلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُجِيرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای برخوردارکننده، گشایش؛ ای نادیده‌گیرنده، گشایش؛ ای پناه‌دهنده، گشایش؛ ای

خَبيرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُنيرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُبَلِّغُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُديلُ، اَلْفَرَجَ؛

آگاه، گشایش؛ ای روشن‌بخش، گشایش؛ ای رساننده، گشایش؛ ای توجّه‌دهنده، گشایش؛

يٰا مُحيلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا كَبيرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قَديرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰـا بَـصيرُ،

ای تغییردهنده، گشایش؛ ای بزرگ، گشایش؛ ای توانا گشایش؛ ای بینا،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا بَرُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا طُهْرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا طٰاهِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قٰاهِرُ،

گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای پاک، گشایش؛ ای پاک‌کننده، گشایش؛ ای چیره‌شونده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا ظٰاهِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا بٰاطِنُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا سٰاتِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛ ای پوشاننده، گشایش؛ ای

مُحيطُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُقْتَدِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا حَفيظُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُتَجَبِّرُ،

دربرگیرنده، گشایش؛ ای توانمند، گشایش؛ ای حفظ‌کننده، گشایش؛ ای قدرتمند،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا قَريبُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا وَدُودُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا حَميدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای نزدیک، گشایش؛ ای دوستدار، گشایش؛ ای ستوده، گشایش؛ ای

مَجيدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُبْدِئُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُعيدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰـا شَـهيدُ،

شکوهمند، گشایش؛ ای آغازکننده، گشایش؛ ای بازگرداننده، گشایش؛ ای گواه،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُحْسِنُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُجْمِلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُنْعِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای احسان‌کننده، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای نعمت‌دهنده، گشایش؛ ای

مُفْضِلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قٰابِضُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا بٰاسِطُ، اَلْـفَرَجَ؛ يٰـا هٰـادي،

افزونی‌بخش، گشایش؛ ای گیرنده، گشایش؛ ای گسترانده، گشایش؛ ای هدایت‌کننده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُرْسِلُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا دٰافِعُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا رٰافِـعُ، اَلْـفَرَجَ؛ يٰـا

گشایش؛ ای فرستنده، گشایش؛ ای دورکننده، گشایش؛ ای برطرف‌کننده، گشایش؛ ای

بٰاقي، اَلْفَرَجَ؛ يٰا وٰاقي، اَلْفَرَجَ؛ يٰا خَلّٰاقُ، اَلْـفَرَجَ؛ يٰـا وَهّٰـابُ،

ماندگار، گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای بسیارآفریننده، گشایش؛ ای بخشنده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا تَوّٰابُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا فَتّٰاحُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا نَفّٰاحُ، اَلْـفَرَجَ؛ يٰـا

گشایش؛ ای بسیار توبه‌پذیر، گشایش؛ ای گشاینده، گشایش؛ ای وزندهٔ رحمت، گشایش؛ ای

مُرْتاحُ، اَلْفَرَجَ؛ يا نَفّاعُ، اَلْفَرَجَ؛ يا رَؤُوفُ، اَلْفَرَجَ؛ يـا عَـطُوفُ،

راحتی‌بخش، گشایش؛ ای بسیار سودرساننده، گشایش؛ ای بسیار مهربان، گشایش؛ ای بامحبّت،

اَلْفَرَجَ؛ يا كافي، اَلْفَرَجَ؛ يا شافي، اَلْفَرَجَ؛ يا مُعافي، اَلْفَرَجَ؛ يا

گشایش؛ ای کفایت‌کننده، گشایش؛ ای شفادهنده، گشایش؛ ای عافیت‌دهنده، گشایش؛ ای

مُكافي، اَلْفَرَجَ؛ يا وَفِيُّ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُهَيْمِنُ، اَلْـفَرَجَ؛ يـا سَـلامُ،

پاداش‌دهنده، گشایش؛ ای وفاکننده، گشایش؛ ای نگهبان، گشایش؛ ای سلامتی‌بخش،

اَلْفَرَجَ؛ يا مُتَكَبِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُؤْمِنُ، اَلْفَرَجَ؛ يا أَحَدُ، اَلْفَرَجَ؛ يـا

گشایش؛ ای صاحب رفعت و عظمت، گشایش؛ ای ایمنی‌دهنده، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای

صَمَدُ، اَلْفَرَجَ؛ يا نُورُ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُدَبِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يا فَرْدُ، اَلْفَرَجَ؛ يا

بی‌نیاز، گشایش؛ ای روشنی‌دهنده، گشایش؛ ای تدبیرکننده، گشایش؛ ای فرد، گشایش؛ ای

وَتْرُ، اَلْفَرَجَ؛ يا ناصِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُونِسُ، اَلْفَرَجَ؛ يا باعِثُ، اَلْفَرَجَ؛

تنها، گشایش؛ ای یاری‌کننده، گشایش؛ ای مونس، گشایش؛ ای برانگیزنده، گشایش؛

يا وارِثُ، اَلْفَرَجَ؛ يا عالِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا حاكِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا بـارِئُ،

ای ارث‌برنده، گشایش؛ ای دانا، گشایش؛ ای حکم‌کننده، گشایش؛ ای به وجودآورنده،

اَلْفَرَجَ؛ يا مُتَعالي، اَلْفَرَجَ؛ يا مُصَوِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُجيبُ، اَلْفَرَجَ؛ يا

گشایش؛ ای بلندمرتبه، گشایش؛ ای صورت‌آفرین، گشایش؛ ای اجابت‌کننده، گشایش؛ ای

قائِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا دائِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا عَليمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا حَكيمُ، اَلْفَرَجَ؛ يا

برپادارنده، گشایش؛ ای جاودان، گشایش؛ ای بسیار دانا، گشایش؛ ای صاحب حکمت، گشایش؛ ای

جَوادُ، اَلْفَرَجَ؛ يا بارُّ، اَلْفَرَجَ؛ يا سارُّ، اَلْفَرَجَ؛ يا عَدْلُ، اَلْفَرَجَ؛ يا

دارندهٔ جود و بخشش، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای خشنودکننده، گشایش؛ ای عدالت‌پیشه، گشایش؛ ای

فاضِلُ، اَلْفَرَجَ؛ يا دَيّانُ، اَلْفَرَجَ؛ يا حَنّانُ، اَلْفَرَجَ؛ يا مَنّانُ، اَلْفَرَجَ؛

صاحب فضل و برتری، گشایش؛ ای جزادهنده گشایش؛ ای بسیار دلسوز و رحم‌کننده، گشایش؛ ای زیاد لطف‌کننده، گشایش؛

يا سَميعُ، اَلْفَرَجَ؛ يا خَفِيُّ، اَلْفَرَجَ؛ يا مُعينُ، اَلْفَرَجَ؛ يا نـاشِرُ،

ای شنوا، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛ ای مددکار، گشایش؛ ای پراکنده‌کننده،

الْفَرَجَ، يٰا غٰافِرُ، اَلْفَرَجَ، يٰا قَديمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُسَهِّلُ اَلْفَرَجَ؛ يٰـا

گشایش؛ ای آمرزنده، گشایش؛ ای بی‌آغاز، گشایش؛ ای آسان‌کننده، گشایش؛ ای

مُيَسِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُميتُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُحْيي، اَلْـفَرَجَ؛ يٰـا نٰـافِعُ،

مهیّاکننده، گشایش؛ ای میراننده، گشایش؛ ای زنده‌کننده، گشایش؛ ای فایده‌دهنده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا رٰازِقُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُسَبِّبُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُغيثُ، اَلْفَرَجَ؛

گشایش؛ ای روزی‌دهنده، گشایش؛ ای سبب‌ساز، گشایش؛ ای فریادرس، گشایش؛

يٰا مُغْني، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُقْني، اَلْفَرَجَ؛ يٰا خٰالِقُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا رٰاصِدُ،

ای بی‌نیازکننده، گشایش؛ ای مال‌دارکننده، گشایش؛ ای آفریننده، گشایش؛ ای کمین‌کننده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا حٰاضِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا جٰابِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا حٰافِظُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا

گشایش؛ ای حضوردارنده، گشایش؛ ای جبران‌کننده، گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای

شَديدُ، اَلْفَرَجَ، يٰا غِيٰاثُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا عٰآئِذُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا اَللّٰهُ، اَلْفَرَجَ؛

شدید، گشایش؛ ای دادرس، گشایش؛ ای پناه‌دهنده، گشایش؛ ای خداوند، گشایش؛

يٰا عَظيمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا حَيُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قَيُّومُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰـا عٰـالي،

ای باعظمت، گشایش؛ ای زنده، گشایش؛ ای پاینده، گشایش؛ ای برتر،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا رَبُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَعْظَمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَعَزُّ اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَجَلُّ،

گشایش؛ ای پروردگار، گشایش؛ ای عظیمتر، گشایش؛ ای عزیزتر، گشایش؛ ای بزرگ‌مرتبه‌تر،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا غَنِيُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَكْبَرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَزَلِيُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَوَّلُ،

گشایش؛ ای بی‌نیاز، گشایش؛ ای بزرگتر، گشایش؛ ای همیشگی، گشایش؛ ای نخست بدون ابتدا،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا اٰخِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا حَقُّ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُبينُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا يَقينُ،

گشایش؛ ای آخر بدون نهایت، گشایش؛ ای حقّ مطلق و ثابت، گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛ ای یقین بدون شبهه،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مٰالِكُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قُدُّوسُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُتَقَدِّسُ، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای صاحب‌اختیار، گشایش؛ ای منزّه از هر گونه عیب، گشایش؛ ای پاک از هر گونه نقص، گشایش؛

يٰا وٰاحِدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا أَحَدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُتَوَحِّدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُـمِدُّ،

ای یکتا، گشایش؛ ای بی‌همتا، گشایش؛ ای یگانه، گشایش؛ ای ادامه‌دهنده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا قَهّٰارُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا رٰاحِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰـا مُـفَضِّلُ، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای صاحب قهر و غلبه، گشایش؛ ای رحم‌کننده، گشایش؛ ای برتری‌دهنده، گشایش؛

يٰا مُتَرَحِّمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا قٰاصِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُكْرِمُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُـعَلِّمُ،

ای ترحّم‌کننده، گشایش؛ ای درهم‌شکننده، گشایش؛ ای گرامی‌دارنده، گشایش؛ ای آموزنده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُصْطَفي، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُزَكّي، اَلْفَرَجَ؛ يٰا وٰافي، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای برگزیننده، گشایش؛ ای پاک‌کننده، گشایش؛ ای وفاکننده، گشایش؛

يٰا كٰاشِفُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُصَرِّفُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا دٰاعي، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مَرْجُوُّ،

ای برطرف‌کننده (اندوه)، گشایش؛ ای دگرگون‌کننده، گشایش؛ ای دعوت‌کننده، گشایش؛ ای مایهٔ امید،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُتَجٰاوِزُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا فٰاتِحُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مَليكُ، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای گذشت‌کننده، گشایش؛ ای فتح‌کننده، گشایش؛ ای دارندهٔ هستی، گشایش؛

يٰا مُقَدِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُؤَلِّفُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُمَهِّدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُؤَيِّدُ،

ای اندازه‌گیری‌کننده، گشایش؛ ای گردآورنده، گشایش؛ ای آماده‌کننده، گشایش؛ ای تأییدکننده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا شٰاهِدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا صٰادِقُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُصَدِّقُ، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای گواه، گشایش؛ ای راستگو، گشایش؛ ای تصدیق‌کننده، گشایش؛

يٰا مُدْرِكُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا سٰابِقُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا عَوْنُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا لَطيفُ،

ای دریابنده، گشایش؛ ای سبقت‌گیرنده، گشایش؛ ای یاری‌دهنده، گشایش؛ ای لطف‌کننده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا رَقيبُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا فٰاطِرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰـا مُـفْني، اَلْـفَرَجَ؛

گشایش؛ ای مراقب و دیدبان، گشایش؛ ای پدیدآورنده (و بروزدهندهٔ استعدادها)، گشایش، ای از بین‌برنده، گشایش؛

يٰا مُسَخِّرُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُمَجِّدُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مَعْبُودُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مَدْعُوُّ،

ای تسخیرکننده، گشایش؛ ای شکوهمندکننده، گشایش؛ ای پرستش‌شده، گشایش؛ ای خوانده‌شده،

اَلْفَرَجَ؛ يٰا مَرْهُوبُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُسْتَعٰانُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا مُلْتَجِئُ، اَلْفَرَجَ؛

گشایش؛ ای ترسناک، گشایش؛ ای یاری‌رسان، گشایش؛ ای پناه‌دهنده، گشایش؛

يٰا كَهْفُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا عُدَّةُ، اَلْفَرَجَ؛ يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ. أَللّٰهُمَّ

ای پناهگاه، گشایش؛ ای سرمایه و ساز و برگ، گشایش؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری. خداوندا؛

بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمٰآءِ الْحُسْنىٰ، وَالْكَلِمٰاتِ الْعُلْيٰا، وَبِحَقِّ ﴿بِسْمِ اللهِ

به حقّ این نام‌های نیکو، و کلمات بلندمرتبه، و به حقّ (سورهٔ توحید) «بنام خداوند

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اَللهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

بخشندهٔ مهربان * بگو او خداوندی است یکتا * خداوند بی‌نیاز است * تولّد نیافته و از او

يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ﴾[1]، أَهْلِكْ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

چیزی متولّد نشده * و هیچ کس شبیه او نمی‌باشد»، دشمن محمّد و آل محمّد را به هلاکت برسان

مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَ فُلٰانٌ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و نابود کن. خداوندا؛ اگر فلانی دشمن خدا و دشمن رسول خدا ـ که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشيعَتِهِ، جَحَدَ حَقّاً، وَادَّعىٰ بٰاطِلاً،

بر او و آل او باد ـ و (دشمن) اهل بیت آن حضرت و فرزندان و شیعیانش باشد، حقّی را انکار کرده، و باطلی را ادّعا نموده است،

فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبٰاناً مِنَ السَّمٰآءِ وَعَذٰاباً عٰاجِلاً، آمِينَ آمِينَ

بر او صاعقه‌ای از آسمان و عذابی فوری نازل گردان، اجابت کن، اجابت کن،

آمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ، وَأَمٰانَ الْخٰآئِفِينَ، أَدْرِكْنٰا فِي هٰذِهِ الْحٰاجَةِ،

اجابت کن پروردگار جهانیان، و ایمنی‌بخش بیمناکان، ما را در مورد این حاجت دریاب،

وَأَغِثْنٰا يٰا إِلٰهِي بِحَقِّ مَلٰآئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيٰآئِكَ الْمُرْسَلِينَ

و به فریاد ما برس ای خدای من؛ به حقّ فرشتگان مقرّبت و پیامبران فرستاده شدهٔ

الْمُطَهَّرِينَ، وَبِشَفٰاعَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَللّٰهُمَّ

پاکت، و به شفاعت پیامبرت (حضرت) محمّد که درود خدا بر او و آل او باد. خداوندا؛

إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يٰا أَبَا الْقٰاسِمِ

من به واسطهٔ پیامبرت (حضرت) محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ به سوی تو توجّه پیدا می‌کنم، ای ابوالقاسم؛

يٰا رَسُولَ اللهِ، يٰا إِمٰامَ الرَّحْمَةِ، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ،

ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده،

وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ

و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان

۱. سورهٔ إخلاص، آیهٔ ۴ ـ ۱.

يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ. يا أَبَا

مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا

الْحَسَنِ، يا عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ، يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ، يا حُجَّةَ اللهِ

الحسن؛ ای علیّ بن ابی طالب؛ ای امیر مؤمنان؛ ای حجّت خداوند

عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنّا تَوَجَّهْنا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنا

بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیلهٔ تو

بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ

به درگاه خدا توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ. يا فاطِمَةُ

مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای فاطمهٔ

الزَّهْراءُ، يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، يا سَيِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا إِنّا تَوَجَّهْنا بِكِ

زهرا؛ ای دختر رسول خدا؛ ای سرور و مولای ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده،

إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنا بِكِ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِكِ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْناكِ

و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش

بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهَةً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعي لَنا عِنْدَ اللهِ.

حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن.

يا أَبا مُحَمَّدٍ، يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يا حُجَّةَ اللهِ

ای ابا محمّد؛ ای حسن بن علی؛ ای زادهٔ رسول خدا، ای حجّت خدا

عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنّا تَوَجَّهْنا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنا

بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیلهٔ تو

بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ

به درگاه خدا توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان

حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ. يا أَبا عَبْدِاللهِ،

مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا عبدالله؛

يٰا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَـلْقِهِ،

ای حسین بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛

يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ،

ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته،

وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً

و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند

عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبَا الْحَسَنِ، يٰا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ،

نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا الحسن؛ ای علیّ بن حسین؛

يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا

ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما

تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى

به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده،

اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا

و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند

عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ، يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَـلِيٍّ، يَـابْنَ رَسُـولِ اللهِ،

شفاعت کن. ای ابا جعفر؛ ای محمّد بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛

يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَـى

ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده

اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَـدَّمْنٰاكَ

و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش

بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِـنْدَ اللهِ. يٰـا

حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای

أَبٰا عَبْدِاللهِ، يٰا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ

اباعبدالله؛ ای جعفر بن محمّد؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا

عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلٰانٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا

بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا

بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ

توسّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده و پیشاپیش حاجت‌های‌مان

حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبٰا إِبْرٰاهيمَ،

مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا ابراهیم؛

يٰا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ،

ای موسی بن جعفر؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛

يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلٰانٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ،

ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته

وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً

و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند

عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبٰا الْحَسَنِ، يٰا عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ،

نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای اباالحسن؛ ای علیّ بن موسی؛

يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلٰانٰا إِنّٰا

ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما

تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى

به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته و تو را شفیع خود

اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا

گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند

عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ، يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا

شفاعت کن. ای ابا جعفر؛ ای محمّد بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای

حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلٰانٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ،

حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده

وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ

و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان

يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبَا

مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا

الْحَسَنِ، يٰا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ

الحسن؛ ای علیّ بن محمّد؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجّت خدا بر

خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ

آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو بسوی خدا روی آورده و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل

إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا،

جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم،

يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ، يٰا حَسَنَ بْنَ

ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا محمّد؛ ای حسن بن

عَلِيٍّ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا

علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛

إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ

ما به واسطهٔ تو به سوی خدا روی آورده و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته و تو را شفیع

إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا، يٰا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ

خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد

لَنٰا عِنْدَ اللهِ. يٰا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الصّٰالِحَ، يَابْنَ رَسُولِ

خداوند شفاعت کن. ای وصیّ امام حسن، و جانشین شایستهٔ او؛ ای فرزند رسول

اللهِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا بِكَ

خدا؛ ای حجّت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطهٔ تو

إِلَى اللهِ، وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَاسْتَشْفَعْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ

بسوی خدا روی آورده و به وسیلهٔ تو به درگاه خدا توسّل جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش

بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ. أَللّٰهُمَّ

حاجت‌های‌مان مقدّم داشته‌ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. خداوندا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْشِفْ عَنّا كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنّا

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و از ما هر اندوهی را برطرف کن، و هر غمی را

كُلَّ غَمٍّ، وَاقْضِ لَنا كُلَّ حاجَةٍ مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. أَللّٰهُمَّ

دور کن، و برای ما هر حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت را برآورده ساز. خداوندا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْنا مِنْ شَرِّ جَميعِ ما خَلَقْتَ.

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و ما را از شرّ و بدی آنچه آفریده‌ای پناه بده.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَلْبِسْنا دِرْعَكَ الْحَصينَةَ،

خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و زره محکمت را بر ما بپوشان،

وَقِنا شَرَّ جَميعِ خَلْقِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و ما را از شرّ و بدی تمام آفریدگانت محفوظ بدار. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَاحْفَظْ غُرْبَتَنا، وَاسْتُرْ عَوْرَتَنا، وَآمِنْ رَوْعَتَنا، وَاكْفِنا مَنْ بَغىٰ

و دوری و بیگانگی ما را (از غیر خودت) حفظ کن، و زشتی‌های ما را بپوشان، و ترس و وحشت ما را ایمنی بخش، و از ستم آنانکه

عَلَيْنا، وَانْصُرْنا عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنا، وَأَعِذْنا مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ،

بر ماگردنکشی می‌کنند و دست دراز می‌نمایند کفایت کن، و ما را بر کسانی که به ما ظلم می‌کنند یاری فرما، و از شیطان رانده‌شده،

وَمِنْ جَوْرِ السُّلْطانِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا في

و ستم سلطان و شرّ و آزار هر بدی‌کننده‌ای پناه بده. خداوندا؛ ما را در

سِتْرِكَ وَفي حِفْظِكَ، وَفي كَنَفِكَ وَفي حِرْزِكَ، وَفي عِياذِكَ

پوشش خودت و در حفظ و حمایت و حراست و پناه

وَفي عِزِّكَ وَفي مَنْعِكَ، عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَامْتَنَعَ عائِذُكَ،

و عزّت و بازدارندگیت قرار بده، آنکه در جوار تو باشد عزیز است و مدح و ثنای تو بلندمرتبه است، و پناهنده‌ات در دسترس دشمن

وَلا إِلٰهَ غَيْرُكَ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

نیست، و معبودی غیر تو نباشد، بر خداوند زنده‌ای که نمی‌میرد توکّل کردم، و حمد و ستایش مخصوص خداوندی

الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ

است که فرزندی نگرفته و برای او شریکی در فرمانروائی نیست، و سرپرستی از روی

لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، وَسُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصيلاً،

خواری و ناتوانی ندارد، و او را به بزرگی یاد می‌کنم، و هر صبحگاه و شامگاه خدا را تسبیح می‌گویم،

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

و هیچ قدرت و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست، و درود خدا بر محمّد

وَآلِهِ أَجْمَعينَ. أَللّٰهُمَّ كُفَّ عَنْ عَبْدِكَ الضَّعيفِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ

و همهٔ آل او باد. خداوندا؛ از فلانی پسر فلانی بندهٔ ضعیفت،

شَرَّ فُلانِ بْنِ فُلانٍ، وَذُبَّ عَنْهُ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ، وَغَآئِلَتَهُ وَبَطْشَهُ،

شرّ و آزار فلانی پسر فلانی را باز بدار، و از او فکر و نیرنگ و بدی و چیرگی

وَحيلَتَهُ وَغَمْزَهُ، وَطُمَّهُ بِالْعَذابِ طَمّاً، وَقُمَّهُ بِالْبَلآءِ قَمّاً، وَأَبِحْ

و حیله و فریب و بدگوئی او را دور کن، و او را به شدّت غرق عذاب و سختی گردان و بلای فراگیرت را بر او مسلّط ساز، و حریم

حَريمَهُ، وَارْمِهِ بِيَوْمٍ لا مَعادَ لَهُ، وَبِساعَةٍ لا مَرَدَّ لَها، إِنَّكَ عَلىٰ

او را که جز بر اهلش روا نیست بر همگان مباح کن، و به روزی بینداز که بازگشتی برایش نباشد، و به ساعتی که راه رهایی برایش نباشد، که تو

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ حُرْمَتِهِمْ

بر هر چیز توانایی. خداوندا؛ به حقّ امامان پاک و معصوم، و به حرمتی که

لَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ، أَهْلِكْهُ هَلاكاً عاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ، وَخُذْهُ

در پیشگاه تو، و جایگاه و مرتبه‌ای که نزد تو دارند، او را فوری و بدون تأخیر به هلاکت برسان، و مجازات کن

أَخْذَ عَزيزٍ مُقْتَدِرٍ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ بِحَقِّكَ

مجازات کردن شخص نیرومند بااقتدار، به مهربانیت ای مهربانتر از همهٔ مهربان‌ها. خداوندا؛ به حقّ بزرگ

الْعَظيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبِحَقِّ أَنْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ

و والایت، و به حقّ محمّد و آل محمّد، و به حقّ پیامبران و رسولانت،

وَبِحَقِّ هٰؤُلآءِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ عِبادِكَ الصّالِحينَ،

و به حقّ امامان پاک و معصوم، و به حقّ بندگان شایسته‌ات،

وَبِحَقِّ مَنْ نٰادٰاكَ وَنٰاجٰاكَ، وَدَعٰاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، صَلِّ عَلىٰ

و به حقّ آنانکه تو را صدا بزنند و با تو نجوا کنند، و در خشکی و دریا تو را بخوانند، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَتَفَضَّلْ عَلىٰ فُقَرٰاءِ الْمُؤْمِنِينَ

محمّد و آل محمّد درود فرست، و در فرج ایشان شتاب کن، و بر مردان و زنان

وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْغِنىٰ وَالْبَرَكَةِ، وَعَلىٰ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ

مؤمن فقیر به توانگری و برکت لطف کن، و بر مردان و زنان مؤمن مریض

بِالشِّفٰاءِ وَالْعٰافِيَةِ، وَعَلىٰ مَوْتَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْمَغْفِرَةِ

شفا مرحمت کن و عافیت بده، و بر مردان و زنان مؤمن که از دنیا رفته‌اند آمرزش

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلىٰ غُرَبٰاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالرَّدِّ إِلىٰ أَوْطٰانِهِمْ

و رحمت ارزانی بدار و بر مردان و زنان مؤمن غریب به بازگشت ایشان

سٰالِمِينَ غٰانِمِينَ، وَعَلىٰ وٰالِدَيْنٰا وَأَزْوٰاجِنٰا وَذُرِّيّٰاتِنٰا وَأَهْلِ

با سلامتی و بهره‌مندی به وطن‌هایشان عنایت فرما، و بر پدران و مادران و همسران و فرزندان

حُزٰانَتِنٰا بِالْعِتْقِ مِنَ النّٰارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَاجْعَلْ لَنٰا مِنْ أَمْرِنٰا

و آنانکه به ما مربوطند با رهایی ایشان از آتش و کامیابی به بهشت کرم کن، و احسان فرما در کار ما

فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنٰا رِزْقاً حَلٰالاً طَيِّباً مِنْ حَيْثُ نَحْتَسِبُ

فرج و گشایشی عنایت کن، و به ما روزی حلال پاک از جایی که گمان داریم

وَمِنْ حَيْثُ لٰانَحْتَسِبُ، وَاخْتِمْ لَنٰا بِخَيْرٍ، وَأَصْلِحْ لَنٰا شَأْنَنٰا، وَأَعِنّٰا

و از آنجا که گمان نداریم روزی گردان، و عاقبت و سرانجام کار ما را به خیر گردان، و شئون ما را اصلاح کن، و

لِدِينِنٰا وَدُنْيٰانٰا، وَاقْضِ حَوٰائِجَنٰا كُلَّهٰا مِنْ اُمُورِ الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ،

برای دین و دنیا ما را کمک کن، و همهٔ حاجت‌های دنیوی و اخروی ما را

مِمّٰا لَكَ فِيهِ رِضًى وَلَنٰا فِيهِ صَلٰاحٌ، وَأَغِثْنٰا وَأَدْرِكْنٰا، وَارْزُقْنٰا

که خشنودی تو و مصلحت ما در آن است برآورده ساز، و به فریاد ما برس و ما را دریاب، و

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ وَزِيٰارَةَ النَّبِيِّ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلٰامُ، فِي

حجّ خانهٔ محترم خودت و زیارت پیامبر و ائمّهٔ طاهرین را ـ که سلام و درود بر آنان باد ـ در

عٰامِنٰا هٰذٰا وَفي كُلِّ عٰامٍ، وَاجْعَلْنٰا في طٰاعَتِكَ مُـجِدّٰينَ، وَفـي

همین امسال و در هر سالی روزی ما گردان، و ما را در اطاعت خود کوشا، و در

خِدْمَتِكَ رٰاغِبينَ، وَقِنٰا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ عَذٰابَ الْفَقْرِ وَالْقَبْرِ وَالنّٰارِ

خدمت خود مشتاق قرار بده، و به فضل رحمتت از سختی فقر و عذاب قبر و آتش

وَسَكَرٰاتِ الْمَوْتِ، وَأَهْوٰالِ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ، يٰا أَرْحَـمَ الرّٰاحِـمينَ.

و سختی جان‌کندن و وحشت‌های روز قیامت ما را حفظ کن، ای مهربانترین مهربانان.

سپس سجدهٔ شکر نموده و در آن، حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله برآورده می‌شود.[1]

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام
پس از هشت رکعت نماز شب

این دعا از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است و بعد از هشت رکعت نافلهٔ نماز شب خوانده می‌شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عٰاذَ بِكَ مِنْكَ، وَلَجَأَ إِلىٰ عِـزِّكَ،

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به احترام آنکه به (رحمت) تو از (عقاب) تو پناهنده گشت، و به عزّتت پناه برد،

وَاسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ، وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ، وَلَمْ يَثِقْ إِلّٰا بِكَ، يٰا جَـزيلَ

و در سایهٔ لطفت قرار گرفت، و به ریسمان تو چنگ زد، و تنها به تو اطمینان کرد، ای صاحب

الْعَطٰايٰا، يٰا مُطْلِقَ الْأُسٰارىٰ، يٰا مَنْ سَـمّٰى نَـفْسَهُ مِـنْ جُـودِهِ

عطا و بخشش بسیار؛ ای آزادکنندهٔ اسیران؛ ای آنکه خود را به خاطر جود و بخشش فراوان

وَهّٰاباً، أَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً، وَخَوْفاً وَطَمَعاً، وَإِلْحٰاحاً وَإِلْحٰافاً،

«وهّاب» یعنی زیاد بخشنده نامیده است، تو را از روی اشتیاق و هراس، و ترس و طمع، و الحاح و اصرار و خواری،

۱. البلد الأمین: ۴۴۹، جامع الأثر: ۶۰۵(با اختصار).

وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً، وَقائِماً وَقاعِداً، وَراكِعاً وَساجِداً، وَراكِباً

و زاری و فروتنی، و در حال ایستاده و نشسته، و رکوع و سجده، و سواره

وَماشِياً، وَذاهِباً وَجائِياً، وَفي كُلِّ حالاتي، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

و پیاده، و رفتن و آمدن، و در همهٔ حالاتم می‌خوانم، و از تو می‌خواهم که

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا.[1]

بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و با من «چنین و چنان» کنی.

۴

دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه‌السلام

این دعا منسوب به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است:

در مقام جبرئیل علیه‌السلام، دو رکعت نماز بخوان و بگو:

يا جَوادُ يا كَريمُ، يا قَريباً غَيْرَ بَعيدٍ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَيْسَ

ای بخشنده؛ ای بزرگوار؛ ای نزدیکی که دور نیستی؛ از تو درخواست می‌کنم - به اینکه تو خداوندی

كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَني مِنَ الْمَهالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَني مِنْ آفاتِ

و هیچ چیز مانند تو نیست - که مرا از موارد هلاکت نگهداری، و از آفت‌های

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَوَعْثاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّني سالِماً

دنیا و آخرت، و دشواری‌های سفر و بدی بازگشت سلامت بداری، و اینکه مرا

إِلىٰ وَطَني بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ

بعد از حجّ پذیرفته‌شده، و تلاش پاداش داده‌شده، و عمل مورد قبول سالم به وطنم بازگردانی، و آن را

آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي مِنْ حَرَمِكَ وحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.[2]

آخرین دیدار من از حرمت و حرم پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - قرار ندهی.

۱. مصباح المتهجّد: ۱۵۰، بحار الأنوار: ۲۵۷/۸۷.

۲. هديّة الزائرين وبهجة الناظرين: ۳۱۳، مستدرك الوسائل: ۱۹۶/۱۰.

همان‌گونه که می‌توانیم برای خود زیارت بخوانیم، می‌توانیم بـه نـیابت از افـراد دیگر یا فرد معیّن نیز زیارت کنیم یا اصل زیارت را به نیابت از دیگری انجام دهیم.

دستور نماز این‌گونه زیارت‌ها را در «بخش نمازها» بیان کردیم و اکنون دعاهایی که پس از نماز آن‌ها خوانده می‌شود بیان می‌کنیم:

۵

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران

أَللّٰهُمَّ إِنّي زُرْتُ هٰذِهِ الزِّيٰارَةَ، وَصَلَّيْتُ هٰاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، وَجَعَلْتُ

خداوندا؛ من این زیارت را انجام دادم، و این دو رکعت نماز را خواندم، و

ثَوٰابَهُمٰا لِجَميعِ إِخْوٰانِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْـمُؤْمِنٰاتِ، وَلِـجَميعِ مَـنْ

ثواب آن دو را برای همهٔ مردان و زمان مؤمن و همهٔ آنهائی که

أَوْصٰاني بِالزِّيٰارَةِ وَالدُّعٰآءِ لَهُ. أَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّي وَمِـنْهُمْ،

مرا به زیارت و دعا سفارش کردند قرار دادم. خداوندا؛ آن را از من و از ایشان قبول کن،

بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

۶

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاصّ

أَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَـجَدْتُ، لِأَنَّـهُ لٰايَـنْبَغِي

خداوندا؛ برای تو نماز خواندم و برای تو رکوع نمودم و برای تو سجده کردم، زیرا

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۰.

الصَّلاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلّا لَكَ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ جَعَلْتُ ثَوابَ

نماز و رکوع و سجود جز برای تو سزاوار نیست. خداوندا؛ ثواب

سَلامي وَزِيارَتي وَصَلاتي هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنّي إِلى

سلام و زیارت و این دو رکعت نمازم را هدیه کردم به

فُلانِ بْنِ فُلانٍ، فَتَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّي وَمِنْهُ، وَأْجُرْني عَلَيْهِ، إِنَّكَ

فلانی فرزند فلانی، آن را از من و از او بپذیر، و مرا بر آن پاداش ده، که تو

عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

بر هر چیز توانا هستی.

۷

دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی

أَللّٰهُمَّ ما أَصابَني مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ سَغَبٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأْجُرْ فُلانَ

خداوندا؛ در مقابل رنج و ناراحتی و گرسنگی و خستگی که در این سفر به من رسیده، فلانی

بْنَ فُلانٍ عَلَيْهِ، وَأْجُرْني في نِيابَتي عَنْهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ

فرزند فلانی را پاداش بده، و مرا در نیابتم از او اجری مرحمت کن. سلام بر تو ای مولای من؛

عَنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ أَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ وَ لي عِنْدَ رَبِّكَ.

از طرف فلانی فرزند فلانی به پیشگاه تو به عنوان زیارت از طرف او آمده‌ام، پس شفاعت کن برای او و برای من نزد پروردگارت.

آنگاه برای آن شخص و مؤمنان دیگر دعا کنید، و هنگام وداع نیز همین عمل را انجام دهید.[2]

---

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۰.

۲. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۱.

۸

دعا پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام
از راه دور در بیست و پنجم ذیقعده

أَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ رُوحِ سَيِّدي وَإِمٰامي

خداوندا؛ این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از طرف من به روح پاک سرورم و امامم و پیشوایم،

عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا، صَلَوٰاتُكَ

بندهٔ تو و ولیّ تو ابا الحسن علیّ بن موسی الرضا، که درود

وَتَسْلِيمٰاتُكَ عَلىٰ رُوحِهِ وَجَسَدِهِ. أَللّٰهُمَّ فَبَلِّغْهُمٰا مِنّي إِلىٰ

و سلام فراوانت بر روح پاک و جسد طاهر او باد. خداوندا؛ این هدیهٔ مرا به

رُوحِهِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْ رُوحِهِ التَّحِيَّةَ وَالسَّلٰامَ. أَللّٰهُمَّ وَاجْزِني

روح او برسان، و از طرف روح پاک او درود و سلامش را به من بازگردان. خداوندا؛ به من به خاطر این کار

عَلىٰ ذٰلِكَ أَفْضَلَ الْجَزٰآءِ مِنْكَ، وَفي رَسُولِكَ، وَفي وُلْدِ رَسُولِكَ،

از طرف خود بهترین جزا و پاداش را مرحمت فرما، و در مورد رسولت و فرزندان رسولت،

وَفي وَلِيِّكَ، وَفي وُلْدِ وَلِيِّكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ[1]. [2]

و دربارهٔ ولیّت، و فرزندان ولیّت چنین کن، ای سرپرست مؤمنان.

---

۱. أربعة أيّام: ۵۳.

۲. دربارهٔ چهار مورد آخر، زیارت مخصوصی وارد نشده و باید همان زیارات وارده خوانده شود، و چون این دعاها پس از نماز زیارت خوانده می‌شوند نه پس از زیارت، آن‌ها را در این بخش آوردیم نه در بخش «هشت دعا بعد از زیارت».

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

در این بخش، هشت دعا که در سجده خوانده می‌شوند، نقل می‌کنیم:

۱

دعای طلب خیر در سجده

شیخ صدوق رحمه‌الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه‌السلام» با سند خود از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

پس از نماز واجب سجده می‌کنی و صد مرتبه می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ خِرْ لي.

خداوندا؛ آنچه خیر است برای من قرار بده.

سپس به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام توسّل بجو، و بر آنان درود فرست و درخواست شفاعت کن، آنگاه ببین خداوند چه چیزی به تو الهام می‌نماید؟ آن را انجام بده که آن، از عنایات خداوند تبارک و تعالی است.[1]

۱. بحار الأنوار: ۲۷۸/۹۱.

۲

دعا در سجده پس از نماز ظهر

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

... سپس سجده‌کنان خود را بر خاک می‌افکنی و در سجده‌ات می‌گوئی:

يٰا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَالْمَغْفِرَةِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، أَنْتَ مَوْلاٰيَ

ای اهل تقوا و آمرزش، ای مهربانترین مهربانان، تو مولا

وَسَيِّدي فَارْزُقْني، أَنْتَ خَيْرٌ لي مِنْ أَبي وَاُمّي وَمِنَ النّٰاسِ

و سرور من هستی پس مرا روزی بده، تو برای من بهتر از پدر و مادر و همهٔ مردمان

أَجْمَعينَ، بي إِلَيْكَ فَقْرٌ وَفٰاقَةٌ، وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنّي، أَسْأَلُكَ

هستی، بسوی تو نیاز و احتیاج من است، و تو از من بی‌نیازی، از تو می‌خواهم

بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

به حرمت ذات بزرگوارت، و درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل محمّد

وَعَلىٰ إِخْوٰانِهِ النَّبِيّينَ، وَالْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرينَ، وَتَسْتَجيبَ دُعٰآئي،

و بر برادرانش پیامبران، و امامان پاک درود فرستی، و دعایم را به اجابت برسانی

وَتَرْحَمَ تَضَرُّعي، وَاصْرِفْ عَنّي أَنْوٰاعَ الْبَلاٰءِ يٰا رَحْمٰنُ.[1]

و به ناله و زاری من رحم کنی، و انواع بلا را از من بازگردانی، ای (خداوند) بخشنده.

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۰۹، بحار الأنوار: ۲۱۰/۸۴ و ۷۴/۸۶، مستدرك الوسائل: ۹۶/۵ (با تفاوت).

۳

ذکر سجدهٔ شکر

به سند معتبر از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

در سجدهٔ شکر اگر خواستی صد مرتبه «**شُکْراً شُکْراً**» بگو و اگر خواستی صد مرتبه «**عَفْواً عَفْواً**» بگو.[1]

۴

ذکر دیگر سجدهٔ شکر

شیخ صدوق‌رحمه‌الله به سند خود از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

سجدهٔ شکر پس از نماز واجب، به خاطر توفیقی است که خدا به بنده‌اش مرحمت فرموده تا توانسته فریضه را بجا آورد، و کمترین مقداری که کفایت می‌کند این است که سه مرتبه بگوید: «**شُکْراً لِلّٰهِ**».

حسن بن علیّ بن فضّال ـ که راوی حدیث است ـ گوید: به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام عرض کردم: معنی «**شُکْراً لِلّٰهِ**» چیست؟ فرمود:

یعنی می‌گوید: این سجده، سپاسِ توفیقی است که خداوند به من داده تا او را خدمت کنم، و واجباتش را بجا آورم. و همواره شکر کردن باعث فزونی نعمت می‌گردد؛ پس اگر در نماز تقصیری و کمبودی داشته که با نوافل کامل نگردیده با این سجده کامل می‌گردد.[2]

---

۱. مقباس المصابیح: ۲۰۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۱۹/۱، وسائل الشیعة: ۱۰۷۱/۴، بحار الأنوار: ۱۹۸/۸۶.

۵

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام در سجده

ابوالحسن صائغ از عمویش روایت کرده است که گفت: با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بسوی خراسان بیرون آمدیم، با او در مورد قتل رجاء بن ابی ضحاک ـ که مأمور بردن آن حضرت به خراسان بود ـ مشورت کردم، مرا از آن بازداشت و فرمود:

آیا می‌خواهی شخص مؤمنی را در مقابل شخص کافری به قتل رسانی؟

چون به اهواز رسیدیم، به اهل اهواز فرمود:

برای من مقداری نیشکر تهیه کنید.

یکی از اهل اهواز ـ از آن‌ها که بی‌خردند ـ گفت: این مرد، اعرابی است نمی‌داند که نی در تابستان یافت نمی‌شود.

عرض کردند: ای سرور ما؛ نی در این فصل یافت نمی‌شود و فقط در زمستان پیدا می‌شود. فرمود: شما آن را بجوئید پیدا خواهید کرد.

اسحاق بن ابراهیم گفت: به خدا قسم؛ سرور من چیزی را که وجود نداشته باشد طلب نمی‌کند، در هر طرف عدّه‌ای را فرستادند و بالأخره کارگران اسحاق آمدند و گفتند: نزد ما مقداری نی هست که آن را برای بذری که می‌خواهیم زراعت کنیم ذخیره کرده‌ایم، و این یکی از براهین و دلائل امامت آن حضرت بود.

و وقتی در قریه‌ای رسید، از او شنیدم که در سجده‌اش می‌گفت:

لَكَ الْحَمْدُ إِنْ أَطَعْتُكَ، وَلا حُجَّةَ لي إِنْ عَصَيْتُكَ، وَلا صُنْعَ لي

ستایش سزاوار تو است اگر تو را اطاعت نمایم، و هیچ حجّتی ندارم اگر نافرمانیت کنم، و کاری برای من

وَلا لِغَيْري في إِحْسانِكَ، وَلا عُذْرَ لي إِنْ اَسَأْتُ، ما أَصابَني مِنْ

و غیر من نیست در احسان تو، و اگر بدی کنم هیچ عذری ندارم، آنچه به من از

حَسَنَةٍ فَمِنْكَ يٰا كَرِيمُ، إِغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشٰارِقِ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا

خیر و خوبی برسد از ناحیهٔ تو است ای بزرگوار، بیامرز هر کسی که در مشرق و مغرب عالم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ.[1]

از مرد و زن باایمان هست.

۶

دعا در سجدهٔ نماز

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام چنین نقل شده است:

سپس تکبیر بگو و سجده کن، و سجده بر هفت عضو انجام می‌شود که عبارتند از: پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو، و سر دو انگشت بزرگ پا، و بر بینی سجده تحقّق پیدا نمی‌کند بلکه بر خاک مالیدن آن، کنایه از ذلّت و خواری در پیشگاه پروردگار است. در وقت سجده کردن به طرف بینی‌ات نظر کن، و در بین دو سجده و نیز در تشهّد نگاهت به دامنت باشد و در سجده‌ات بگو:

أَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ اٰمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ،

خداوندا؛ برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو گردیدم، و بر تو توکّل نمودم،

أَنْتَ رَبّي، سَجَدَ لَكَ وَجْهي وَشَعْري وَبَشَري وَمُخّي وَلَحْمي

تو پروردگار من هستی، برای تو چهره‌ام و مویم و پوستم و مغزم و گوشتم

وَدَمي وَعَصَبي وَعِظٰامي، سَجَدَ وَجْهِيَ الْبٰالِي الْفٰانِي الذَّلِيلُ

و خونم و رگم و استخوانم سجده کرد، چهرهٔ فرسوده شوندهٔ از بین روندهٔ پست خوار من سجده کرد

الْمَهِينُ، لِلَّذي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبٰارَكَ اللّٰهُ

برای آنکه او را آفریده و صورت بخشیده و گوش و چشم او را گشوده است، پاک است خداوندی که

أَحْسَنُ الْخٰالِقِينَ، «سُبْحٰانَ رَبِّيَ الْأَعْلٰى وَبِحَمْدِهِ» سه یا پنج یا هفت

نیکوترین آفریننده است، «منزّه است پروردگار بلندمرتبهٔ من و به ستایش او مشغولم».

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۰۶/۲، و در بحار الأنوار: ۳۴/۸۵ و ج: ۲۲۸/۸۶ با اختصار و مقباس المصابیح: ۲۱۷.

مرتبه، و اگر نُه مرتبه بگویی افضل است.[1]

۷

دعا در سجدهٔ سهو

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده که ذکر سجدهٔ سهو این است:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[2]

به نام خدا و به یاری خدا، سلام بر تو ای پیامبر، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

۸

دعای سجده هنگام مشکلات

این دعا از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

هنگامی که خسته و بی‌تاب و توان شده باشی سجده کن، سپس گونهٔ راست و پس از آن گونهٔ چپ خود را بر زمین بگذار و در هر یک بگو:

يٰا مُذِلَّ كُلِّ جَبّٰارٍ عَنيدٍ، يٰا مُعِزَّ كُلِّ ذَلٰيلٍ، قَدْ وَحَقِّكَ بَلَغَ

ای خوار کنندهٔ هر زورگوی عنادپیشه، ای عزیز کنندهٔ هر ذلیل، به حقّ تو سوگند که

مَجْهُودي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَفَرِّجْ عَنّي.[3]

ناتوان شده و بی‌تاب گشته‌ام، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و گشایشی در کارم بده.

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۰۶، بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۴.

۲. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۲۰، مستدرك الوسائل: ۴۱۵/۶.

۳. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۹۳.

بخش نهم

هشت دعا از دعاهای هر روز

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی که هر روز خوانده می‌شوند نقل می‌کنیم:

۱

دعای مهمّی برای اداء حقوق خداوند

مرحوم سیّد بن طاووس دعایی را نقل کرده است که خلاصهٔ کلام ایشان چنین است: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کردند:

هر کس دوست دارد اعمال او با میزانی که سنگین‌وزن‌تر است وزن شود، و حقوق نعمت‌هایی را که خداوند به او داده ادا نماید، باید هر روز بگوید:

سُبْحٰانَ اللهِ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ، وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ،

منزّه است خداوند آنگونه تنزیهی که سزاوار خداست، و خدایی نیست جز خداوند آنگونه یگانگی که سزاوار خداست،

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، وَصَلَّى اللهُ

و ستایش مخصوص خداوند است آنگونه ستایش که سزاوار خداست، و قدرت و قوّتی نیست مگر به وسیلهٔ خداوند، و درود خداوند

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اَلنَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْـهٰاشِمِيِّ، وَصَـلَّى اللهُ

بر محمّد و اهل بیت او باد، پیامبر عرب هاشمی‌نسب، و درود خداوند بر

عَلىٰ جَميعِ الْمُرْسَلينَ وَالنَّبِيّينَ حَتّٰى يَرْضَى اللهُ.[1]

بر همهٔ رسولان و پیامبران تا خداوند راضی شود.

۲

دعای ایّام غیبت که حضرت امام رضا علیه‌السلام به خواندن آن دستور داده‌اند

سیّد بزرگوار رضی الدین علیّ بن طاووس در کتاب «جمال الأُسبوع» گوید:

سابقاً در ضمن کارهای عبادی روز و شب، اهتمام بزرگان دین و پیشوایان راستین را در زمان‌های گذشته دربارهٔ دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیان داشتیم و آن به گونه‌ای بود که ما را آگاه می‌کرد مسألهٔ دعا نمودن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه از امور مهمّ و مورد توجّه مسلمانان و مؤمنان بوده است.

در تعقیب نماز ظهر دعای امام صادق حضرت جعفر بن محمّد علیهماالسلام را برای حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت کردیم که از آن استفاده می‌شد، آن حضرت در مورد دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیش از دعا کردن برای خودش اهمیّت می‌داد.

و در تعقیب نماز عصر فصل نیکویی را از دعای امام کاظم علیه‌السلام برای حضرت مهدی ارواحنا فداه ذکر کردیم و اهمیّت دادن آن حضرت را در مورد دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه ـ که پیش از دعا برای خودش بود ـ بیان داشتیم، و کسی که موقعیّت این دو امام و جایگاه والای ایشان را در اسلام شناخته باشد، برایش روشن است که باید به ایشان اقتدا کند، و به زودی یادآور می‌شویم دستور **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و غیر

۱. مهج الدعوات: ۳۰۶، الدعوات: ۴۶.

ایشان را به دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه و دعایی را که ایشان در مورد فرزندش حضرت مهدی ارواحنا فداه سفارش می‌کرد.

جدّم ابوجعفر شیخ طوسی رحمه الله با طرق مختلف از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که گفت: **حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام همیشه و مدام دستور می‌داد که مردم برای حضرت مهدی ارواحنا فداه این‌گونه دعا کنند:**

أَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَلِسٰانِكَ

خداوندا؛ از ولیّ خود و جانشین خویش، و حجّتت بر آفریدگانت، و زبان گویایت

الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، اَلنّٰاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النّٰاظِرَةِ عَلىٰ

که از تو حکایت می‌کند، و به حکمت تو گویا است، و چشم بینایت که نظاره‌گر

بَرِيَّتِكَ، وَشٰاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، اَلْجَحْجٰاحِ الْمُجٰاهِدِ، اَلْعٰائِذِ بِكَ

بندگان تو است، و گواه تو بر مخلوقاتت، آن بزرگمرد مجاهد که پناه‌آورنده به تو است

عِنْدَكَ. وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَميعِ مٰا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَأَنْشَأْتَ

دفاع کن، و او را از شرّ آنچه آفریده‌ای و پدید آورده‌ای، و ایجاد کرده‌ای

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ

و صورت بخشیده‌ای پناه بده، و او را از پیش روی و پشت سر، و از طرف راست و از طرف

شِمٰالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذي لٰايَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ

چپ، و از بالا و پائین محافظت فرما؛ به حفظ و حراستی که هر کس را به آن حفظ کنی ضایع و تباه

بِهِ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَاٰبٰآءَهُ، أَئِمَّتَكَ وَدَعٰآئِمَ دينِكَ. وَاجْعَلْهُ

نگردد، و در سایهٔ آن پیامبرت و پدران او را که پیشوایان مردم از طرف تو هستند و ارکان دینت می‌باشند حفظ کن و نگهدار. و او

في وَديعَتِكَ الَّتي لٰاتَضيعُ، وَفي جِوٰارِكَ الَّذي لٰايُخْفَرُ، وَفي

را در امانت و سپردهٔ خودت که ضایع نمی‌شود، و در سایه و جوارت که مورد تعرّض قرار نگیرد، و در

مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذي لٰايُقْهَرُ، وَاٰمِنْهُ بِأَمٰانِكَ الْوَثيقِ، اَلَّذي

حمایت و عزّت خویش که هرگز مقهور و مغلوب نشود قرار ده، و او را به امان مورد اطمینان خود ایمن بدار که هر کس

لاٰيُخْذَلُ مَنْ اٰمَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ في كَنَفِكَ الَّذي لاٰيُرامُ مَنْ كاٰنَ

را به آن ایمن داری هرگز سرکوب نشود، و او را در کنف عنایت خود قرار بده که هر کس در آن قرار گرفت مورد تجاوز واقع

فيهِ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغالِبِ، وَقَوِّهِ

نشود، و او را به نصرت قوی و نیرومندت یاری کن، و به لشکر پیروزمندت تأیید نما، و به نیروی خویش

بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلاٰئِكَتِكَ، وَوالِ مَنْ والاٰهُ، وَعادِ مَنْ عاداٰهُ،

نیرومند فرما، وفرشتگانت را با او همراه ساز، ودوست بدار هرکسی که او را دوست دارد، ودشمن بدار هرکسی که با اودشمنی کند،

وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلاٰئِكَةِ حَفّاً. أَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ

و به او زره محکم خود را بپوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان احاطه کن. خداوندا؛ و او را برسان

أَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ الْقاٰئِمينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْباعِ النَّبِيّينَ. أَللّٰهُمَّ

به مقامی برتر از آنچه برپادارندگان عدالت از پیروان پیامبران را رسانده‌ای. خداوندا؛

اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ

پراکندگی امور ما را به وسیلهٔ او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیلهٔ او به پیوستگی تبدیل کن، و ظلم و ستم را به وسیلهٔ او بمیران، و عدل

بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقاٰئِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ

و داد را به وسیلهٔ او آشکار ساز، و زمین را با طولانی ماندن او زینت بده، و او را با یاریت تأیید کن، و به وسیلهٔ رعب

بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ ناٰصِريهِ، وَاخْذُلْ خاٰذِليهِ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ

(بر دل‌ها) او را پیروز نما، و یارانش را نیرومند فرما، و آن‌ها را که دست از یاری او برداشتند خوار گردان، و هر کس آشکارا با او

لَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ. وَاقْتُلْ بِهِ جَباٰبِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمُدَهُ وَدَعاٰئِمَهُ،

دشمنی می‌کند یا به جنگ برخاسته هلاک کن، و هر کس خدعه و خیانت می‌کند نابود گردان، و به وسیلهٔ او زورگویان کافر و استوانه‌ها و ارکان

وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلاٰلَةِ وَشاٰرِعَةَ الْبِدَعِ، وَمُميتَةَ السُّنَّةِ،

آنها را به هلاکت برسان، و به وسیلهٔ او سران و رؤسای گمراهی، و بدعت‌گزاران، و از بین‌برندگان سنّت،

وَمُقَوِّيَةَ الْباٰطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبّاٰرينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكاٰفِرينَ وَجَميعَ

و تقویت‌کنندگان باطل را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیلهٔ او ذلیل کن، و ریشه‌کن ساز به وسیلهٔ او کافران و تمام

الْمُلْحِدينَ، في مَشاٰرِقِ الْأَرْضِ وَمَغاٰرِبِهاٰ، وَبَرِّهاٰ وَبَحْرِهاٰ،

ملحدان را در شرق و غرب عالم، و در خشکی و دریای آن،

وَسَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا، حَتّٰى لٰاتَدَعَ مِنْهُمْ دَيّٰاراً، وَلٰاتُبْقِيَ لَهُمْ اٰثٰاراً.

و در کوه و بیابان آن، تا آنکه کسی از آنان را باقی نگذاری، و برای آنان اثری بجای نماند.

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلٰادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبٰادَكَ، وَأَعِزَّ بِهِ

خداوندا؛ شهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و (سینهٔ) بندگانت را از آنان شفا بخش، و مؤمنان را به واسطهٔ

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدٰارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ،

آن حضرت عزیز فرما، و سنّت‌های رسولان، و حکمت‌های مندرس‌گشتهٔ پیامبران را به وسیلهٔ او زنده نما،

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحىٰ مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّٰى تُعِيدَ

و آنچه از دین تو محو و نابود گشته، و از حکم و فرمانت دگرگون شده بازسازی فرما؛ تا آنکه دین تو

دِينَكَ بِهِ، وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً مَحْضاً صَحِيحاً، لٰا عِوَجَ فِيهِ، وَلٰا

به وسیلهٔ او و با دست مبارکش دوباره تازه و خرّم و صحیح و بی‌آلایش اعاده شود؛ به گونه‌ای که در آن هیچ کجی نباشد، و بدعتی

بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتّٰى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرٰانَ

در آن راه پیدا نکند، و تا آنکه تاریکی‌های ظلم و ستم به نور عدالت او روشن شود، و آتش کفر به وسیلهٔ او

الْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعٰاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ

خاموش گردد، و پیچیدگی‌های حقّ و ناشناخته مانده‌های عدل به وسیلهٔ او واضح و آشکار شود؛ زیرا آن حضرت، بنده‌ای

الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ

است که تو او را برای خود خالص گردانیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و بر

عَلىٰ عِبٰادِكَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

بندگانت برگزیدی، و بر غیب خویش امین دانستی، و از گناهان او را عصمت دادی و حفظ کردی،

وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

و ساحتش را از هر گونه عیبی مبرّا ساختی، و از هر نوع پلیدی او را پاک نمودی، و از آلودگی سالم داشتی.

أَللّٰهُمَّ فَإِنّٰا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّٰامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ

خداوندا؛ ما روز قیامت و روزی که آن حادثهٔ وحشت‌زای بزرگ فرا رسد، برای او

يُذْنِبْ ذَنْباً وَلٰا أَتىٰ حَوْباً، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ

گواهی می‌دهیم که هرگز گناهی نکرده و خطا و جرمی انجام نداده، و معصیت و نافرمانی مرتکب نشده، و هرگز طاعتی را برای تو

طٰاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ

از دست نداده، و (با نافرمانی) حرمت تو را هتک نکرده، و فریضه‌ای از فرایض تو را دگرگون نساخته، و قانونی از

لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْهٰادِي الْمَهْدِيُّ الطّٰاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ

قوانینت را تغییر نداده است، و بدون تردید او هدایتگری هدایت‌یافته، پاکیزه، باتقوا، پاک‌سرشت، پسندیده

الزَّكِيُّ. أَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ، وَوُلْدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ

و آراسته است. خداوندا؛ عطا کن او را در مورد خودش و خاندانش، و فرزندانش، و ذرّیه‌اش، و امّتش

وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مٰا تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ

و همهٔ کسانی که تحت سرپرستی او هستند؛ آنچه را که چشم او را به آن روشن نمایی، و جانش را به آن خشنود کنی، و برای او

مُلْكَ الْمُمْلَكٰاتِ كُلِّهٰا، قَرِيبِهٰا وَبَعِيدِهٰا، وَعَزِيزِهٰا وَذَلِيلِهٰا، حَتّٰى

فرمانروائی همهٔ ممالک؛ نزدیک و دور آن را، و عزیز و خوارش را فراهم فرما، تا آنکه

يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بٰاطِلٍ. أَللّٰهُمَّ اسْلُكْ

حکم و فرمان او بر هر حکم و فرمانی جاری گردد، و حقّ او هر باطلی را مغلوب گرداند. خداوندا؛

بِنٰا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهٰاجَ الْهُدىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ، وَالطَّرِيقَةَ

ما را با دست مبارک او بر راه روشن هدایت، و شاهراه شریعت، و جادّهٔ

الْوُسْطىٰ، اَلَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغٰالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التّٰالِي، وَقَوِّنٰا

وسط که دور از افراط و تفریط است، و تندروها باید به سوی آن بازگردند، و عقب‌مانده‌ها خود را به آن برسانند روان ساز، و ما را

عَلىٰ طٰاعَتِهِ، وَثَبِّتْنٰا عَلىٰ مُشٰايَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنٰا بِمُتٰابَعَتِهِ،

بر اطاعت او نیرومند، و بر همراهی او ثابت و استوار گردان، و به پیروی او بر ما منّت گذار،

وَاجْعَلْنٰا فِي حِزْبِهِ الْقَوّٰامِينَ بِأَمْرِهِ، اَلصّٰابِرِينَ مَعَهُ، اَلطّٰالِبِينَ

و ما را از حزب او که به امر و فرمانش قیام کننده‌اند، (و) در راه او شکیبایند، و با

رِضٰاكَ بِمُنٰاصَحَتِهِ، حَتّٰى تَحْشُرَنٰا يَوْمَ الْقِيٰامَةِ فِي أَنْصٰارِهِ

خیرخواهی و دلسوزی نسبت به او رضا و خشنودی تو را طالبند قرار بده، تا آنکه روز قیامت ما را در زمرهٔ یاران

وَأَعْوٰانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطٰانِهِ. أَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ لَنٰا خٰالِصاً مِنْ كُلِّ

و مددکاران و تقویت‌کنندگان سلطنت و حکومت او محشور گردانی. خداوندا؛ همهٔ اینها را که از تو خواستیم برای ما خالص و پاک

شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيٰآءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتّٰى لٰانَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلٰانَطْلُبَ بِهِ

از هر شکّ و شبهه قرار بده که نخواهیم با آن خودنمایی کنیم، و نخواهیم به گوش دیگران برسد، تا آنجا که به خاطر آن به غیر تو تکیه و

إِلّٰا وَجْهَكَ، وَحَتّٰى تُحِلَّنٰا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنٰا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَأَعِذْنٰا

اعتماد نداشته و به وسیلهٔ آن جز خشنودی تو را طلب نکنیم، و تا آنکه در جایگاه او ما را وارد نمائی، و در بهشت با او قرار دهی،

مِنَ السَّـامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنٰا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ،

و ما را از خستگی و بی‌حوصلگی و سستی پناه بده، و از کسانی که دینت را به وسیلهٔ او یاری می‌کنی،

وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلٰاتَسْتَبْدِلْ بِنٰا غَيْرَنٰا، فَإِنَّ اسْتِبْدٰالَكَ بِنٰا

و نصرت و پیروزی ولیّت را تقویت می‌نمائی قرار بده، و غیر ما را جایگزین ما مگردان، که این جایگزینی

غَيْرَنٰا عَلَيْكَ يَسيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنٰا عَسيرٌ. أَللّٰهُمَّ صَـلِّ عَـلىٰ وُلٰاةِ

برای تو ساده و آسان، و بر ما بسی دشوار است. خداوندا؛ درود فرست بر والیان و

عَهْدِهِ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمٰـالَهُمْ، وَزِدْ فـي آجٰـالِهِمْ،

فرمانداران او، و پیشوایان از فرزندان او، و ایشان را به آرزوهایشان برسان، و بر مدّت عمرشان بیفزا،

وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مٰا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ في أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ

و پیروزی ایشان را تقویت فرما، و آنچه را به ایشان مربوط ساخته‌ای در امر و فرمانت برای ایشان کامل گردان، و

دَعٰائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنٰا لَهُمْ أَعْوٰاناً، وَعَلىٰ دينِكَ أَنْصٰاراً، فَإِنَّهُمْ مَعٰادِنُ

پایه‌ها و اساس کار ایشان را ثابت و استوار نما، و ما را مددکار آنان، و یاور دینت قرار بده، که بدون تردید ایشان معدن‌های

كَلِمٰاتِكَ، وَأَرْكٰانُ تَوْحيدِكَ، وَدَعٰائِمُ دينِكَ، وَوُلٰاةُ أَمْرِكَ، وَخٰالِصَتُكَ

کلمات تو، و ارکان توحید تو، و ستون‌های دین تو، و کارگزاران و والیان امر تو، و

مِنْ عِبٰادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيٰآئُكَ وَسَلاٰئِلُ أَوْلِيٰآئِكَ،

بندگان خالص تو، و برگزیده از میان آفریدگان تو، و اولیای تو و فرزندان اولیای تو،

وَصَفْوَةُ أَوْلٰادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

و برگزیده از میان فرزندان رسولان توأند، و درود و رحمت و برکات بی‌پایان الهی بر همهٔ آنان باد.

---

۱. جمال الأُسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتهجّد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمین: ۱۲۲ با تفاوتی اندک، و نیز سیّد رحمه‌الله آن را در «مصباح الزائر: ۴۵۷» با اندکی اختلاف روایت کرده است، صحیفهٔ مهدیّه (مترجم، چاپ نهم): ۳۴۰

دعای ایّام غیبت، به روایتی دیگر

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ چنین می‌گوید: یونس بن عبدالرحمان از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت می‌کند که **آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان** ارواحنافداه **می‌داد و از جملهٔ دعاهای ایشان برای حضرت صاحب الزمان** ارواحنافداه این دعاست:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ

خدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست و از ولیّ و خلیفه‌ات

وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَلِسانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، اَلنّاطِقِ

و حجّتت بر بندگانت، (هر بلایی را) دفع فرما. همان کسی که با اجازهٔ تو زبان گویا و بیان‌کنندهٔ حقایق از طرف تو است، و

بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النّاظِرَةِ في بَرِيَّتِكَ، اَلشّاهِدِ عَلىٰ عِبادِكَ،

با حکمت تو سخن می‌گوید؛ و چشم بینای تو در میان بندگانت است؛ گواه بر آن‌ها است؛

اَلْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعائِذِ بِكَ. أَللّٰهُمَّ وَأَعِذْهُ

آن مجاهد کوشا و بنده‌ای که به تو پناه آورده است. بار خدایا؛ او را

مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ

از شرّ هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی، و او را حفظ فرما

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ

از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش

وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذي لايَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ

و زیر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد. و با این محافظت،

فيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَآبائَهُ، أَئِمَّتَكَ وَدَعائِمَ دينِكَ،

پیامبر و وصیّ پیامبر و پدرانش را ـ آنان که ائمّهٔ تو و استوانه‌های دین تو هستند ـ حفظ فرما،

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَاجْعَلْهُ في وَديعَتِكَ الَّتي لاتَضيعُ،

درود تو بر همهٔ آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعهٔ خویش که از بین نمی‌رود؛

وَفي جِوٰارِكَ الَّذي لٰايُحْتَقَرُ، وَفي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذي لٰايُقْهَرُ.

و در جوار رحمتت که حقیر و پست نمی‌شود؛ و در حمایت و پناه عزّتت که هرگز مقهور نمی‌شود.

أَللّٰهُمَّ وَٰامِنْهُ بِأَمٰانِكَ الْوَثيقِ الَّذي لٰايُخْذَلُ مَنْ ٰامَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ

خدایا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخذول و مغلوب نشود. او را

في كَنَفِكَ الَّذي لٰايُضٰامُ مَنْ كٰانَ فيهِ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ،

در احاطه و سایهٔ لطف خود که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت‌مندت یاری کن،

وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغٰالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلٰآئِكَتِكَ. أَللّٰهُمَّ

و با سپاه غالبت تأییدش فرما، و با قوّت لایتناهی خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛

وٰالِ مَنْ وٰالٰاهُ، وَعٰادِ مَنْ عٰادٰاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ، وَحُفَّهُ

دوستش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بپوشان؛ و گرداگرد وجودش را

بِمَلٰآئِكَتِكَ حَفّاً. أَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مٰا بَلَّغْتَ الْقٰآئِمينَ بِقِسْطِكَ

با فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه‌ای که هر برپاکنندهٔ عدلی را

مِنْ أَتْبٰاعِ النَّبِيّينَ. أَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ،

-از پیروان پیامبران -رسانیده‌ای برسان. بار خدایا؛ اختلاف‌ها را به واسطهٔ وجود مقدّسش برطرف گردان، و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطهٔ او

وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقٰآئِهِ الْأَرْضَ،

از میان بردار. ستم را به وسیلهٔ او بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی‌اش زمین را زینت بخش،

وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَاجْعَلْ

و با یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما، و

لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطٰاناً نَصيراً. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما. خدایا؛ او را همان

الْقٰآئِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْإِمٰامَ الَّذي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرٍ عَزيزٍ

برپاکنندهٔ عدل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیلهٔ او ما را یاری می‌نمایی؛ و با نصرتی

وَفَتْحٍ قَريبٍ، وَوَرِّثْهُ مَشٰارِقَ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبَهٰا اللّٰاتي بٰارَكْتَ

باعزّت و گشایشی زودهنگام تأییدش بفرما. مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ البتّه قلمروی که برایش مبارک

فيهٰا، وَأَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَٰالِهِ، حَتّٰى لٰايَسْتَخْفِيَ

قرار داده باشی؛ به واسطهٔ او سنّت پیامبرت را ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ حیاتی دیگر بخش، تا این که

بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخٰافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوِّ نٰاصِرَهُ، وَاخْذُلْ

چیزی از حق را از ترس کسی، پنهان ندارد. یاورش را قوی گردان، و کسی را که خذلان و خواریش را خواهد، مخذول

خٰاذِلَهُ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ عَلىٰ مَنْ غَشَّهُ. أَللّٰهُمَّ

و مغلوب فرما؛ کسی که با او دشمنی آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را با او نیرنگ کند نابود کن. خداوندا؛

وَاقْتُلْ بِهِ جَبٰابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ، وَدَعٰآئِمَهُ وَالْقُوّٰامَ بِهِ، وَاقْصِمْ بِهِ

به واسطهٔ او کافران زورگو و ارکان و سردسته‌های آن‌ها و هر آن که باعث دوام و قوام آن‌ها باشد را نابود کن.

رُؤُوسَ الضَّلٰالَةِ، وَشٰارِعَةَ الْبِدْعَةِ، وَمُميتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّيَةَ

سران گمراهی، و سرچشمه‌های بدعت و هر که سنّت را بمیراند و باطل را تقویت کند، با نیروی الهی‌اش

الْبٰاطِلِ، وَأَذْلِلْ بِهِ الْجَبّٰارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكٰافِرِينَ وَالْمُنٰافِقِينَ،

درهم شکن. سرکشان ستمگر را به وسیلهٔ او ذلیل کن و کافران و دورویان

وَجَميعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كٰانُوا وَأَيْنَ كٰانُوا مِنْ مَشٰارِقِ الْأَرْضِ

و همهٔ ملحدان را به واسطهٔ او هلاک نما؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند؛ مشرق

وَمَغٰارِبِهٰا، وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا، وَسَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا، حَتّٰى لٰاتَدَعَ مِنْهُمْ

و مغرب، دریا و خشکی، کوه و دشت؛ تا این که از آنان،

دَيّٰاراً، وَلٰاتُبْقِيَ لَهُمْ اٰثٰاراً. أَللّٰهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلٰادَكَ، وَاشْفِ

کسی باقی نگذاری و اثری بجا نماند. خدایا؛ سرزمین خود را از وجود آن‌ها پاک کن

مِنْهُمْ عِبٰادَكَ، وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلينَ،

و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش؛ و به واسطهٔ آن حضرت، مؤمنان را عزیز فرما، و سنّت‌های رسولان

وَدٰارِسَ حِكَمِ النَّبِيّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مٰا مُحِيَ مِنْ دينِكَ، وَبُدِّلَ مِنْ

و فرستادگانت را، و احکام پیامبران را ـ که رو به نابودی رفته است ـ بار دیگر زنده نما، و هر آن چه از دینت محو شده و از

حُكْمِكَ، حَتّٰى تُعيدَ دينَكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً صَحيحاً

احکامت دگرگون گشته است، تازه و نو گردان؛ تا این که دین حقیقی تو به دست او؛ شاداب، تازه، جدید، خالص و

مَحْضاً، لا عِوَجَ فيهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتّٰى تُنيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ،

صحیح بدون هیچ کژی و بدعتی گردانی. تا آن که تاریکی‌های ستم را با نور عدلش روشن گردانی،

وَتُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ

و آتش فتنه‌های کافران را به وسیلهٔ او خاموش گردانی، و گره‌خوردگی‌ها و پیچیدگی‌های حقّ را به وسیلهٔ او آشکار گردانی و عدل و دادگم‌شده و

الْعَدْلِ، وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكِلاتِ الْحُكْمِ. أَللّٰهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي

ناشناخته را به وسیلهٔ او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری‌های احکام را ـ با پرتوهای نورافشان او ـ واضح گردانی. بار خدایا؛ همانا

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلىٰ

او بنده‌ای از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را

عِبادِكَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ

بر بندگانت برگزیدی، و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب‌ها مبرّایش کردی،

مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ [مِنَ الرِّجْسِ]، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ،

و از هر گونه آلودگی پاکیزه‌اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی،

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ. أَللّٰهُمَّ فَإِنّٰا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ، وَيَوْمَ

و از هر شکّ و شبهه‌ای سلامتش فرمودی. خدایا؛ ما در روز قیامت ـ و روز

حُلُولِ الطّٰامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْباً، وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ

برپا شدن حادثهٔ عظیم محشر ـ گواهی می‌دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده

مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طٰاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ

و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ و

لَكَ فَريضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَريعَةً، وَأَنَّهُ الْإِمٰامُ التَّقِيُّ الْهٰادِي

واجبی را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت‌گر،

الْمَهْدِيُّ الطّٰاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ

رهبری هدایت‌شده، پاک سرشت، باتقوا، باوفا، پسندیده و نیک سیرت است. خداوندا؛ بر او

وَعَلىٰ آبٰائِهِ، وَأَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَوُلْدِهِ، وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ

و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانواده‌اش، امّت

وَجَميعِ رَعِيَّتِهِ، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ

و رعیّتش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت همهٔ

الْمُمْلَكاتِ كُلِّها، قَريبِها وَبَعيدِها، وَعَزيزِها وَذَليلِها، حَتّى

ممالک ـ اعمّ از دور و نزدیک، قوی و ضعیف ـ تحت سیطرهٔ او درآید،

يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلىٰ كُلِّ باطِلٍ.

و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمهٔ حقّش، بر هر باطلی غالب گردد.

أَللّٰهُمَّ وَاسْلُكْ بِنا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ،

خدایا؛ به دست مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن

وَالطَّريقَةَ الْوُسْطىٰ، اَلَّتي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغالي، وَيَلْحَقُ بِهَا التّالي.

و راه میانه و اعتدال ـ که هر افراط‌گر پیشرو و هر تفریط‌پیشهٔ عقب‌مانده باید بدان باز گردد ـ استوار فرما.

أَللّٰهُمَّ وَقَوِّنا عَلىٰ طاعَتِهِ، وَثَبِّتْنا عَلىٰ مُشايَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنا

خدایا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیروی از او بر ما منّت

بِمُتابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنا في حِزْبِهِ الْقَوّامينَ بِأَمْرِهِ، اَلصّابِرينَ مَعَهُ،

بگذار، و ما را جزو گروه او که عهده‌دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش، سر فرود می‌آورند، و در راهش صبر پیشه می‌کنند،

اَلطّالِبينَ رِضاكَ بِمُناصَحَتِهِ، حَتّى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيامَةِ في

و از خیرخواهی او رضای تو را می‌طلبند. تا در نهایت، در روز قیامت، ما را در

أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطانِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

گروه یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش، محشور نمایی. خداوندا؛ بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذٰلِكَ كُلَّهُ مِنّا لَكَ خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ

محمّد درود فرست، و همهٔ این‌ها را از ما خالص و به دور از هر شکّ و شبهه

وَرِياءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتّى لانَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلانَطْلُبَ بِهِ إِلّا وَجْهَكَ،

و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛

وَحَتّى تُحِلَّنا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلاتَبْتَلِنا في

باشد که ما را در محلّ و جایگاه آن حضرت وارد نمایی، و ما را در بهشت همراه او گردانی، و در

أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشَلِ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ

انجام فرمان او ما را به تنبلی، سستی، ضعف و گسستگی مبتلا نسازی؛ و ما را از کسانی قرار ده که

بِهِ لِدينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلاتَسْتَبْدِلْ بِنا غَيْرَنا، فَإِنَّ

دینت را به وسیلهٔ آنان یاری می‌کنی، و یاری ولیّت را به او تقویت می‌کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛ زیرا،

اسْتِبْدالَكَ بِنا غَيْرَنا عَلَيْكَ يَسيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنا كَبيرٌ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ

این جایگزینی بر تو آسان است، ولی بر ما بسی سنگین و دشوار. باور دارم که تو بر هر

شَيْءٍ قَديرٌ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وُلاةِ عُهُودِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمالَهُمْ،

چیزی توانایی. خدایا؛ بر فرماندارانش رحمت فرست، و به آرزوهای (مقدّس‌شان) برسان،

وَزِدْ في آجالِهِمْ وَانْصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ ما أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ

و بر عمرشان بیفزا، و یاریشان فرما، و آن چه از امر دینت به آن‌ها مربوط ساخته‌ای، کامل و

دينِكَ، وَاجْعَلْنا لَهُمْ أَعْواناً وَعَلىٰ دينِكَ أَنْصاراً، وَصَلِّ عَلىٰ

تمام گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از یاری‌کنندگان دینت مقرّر فرما. بر

آبائِهِ الطّاهِرينَ الْأَئِمَّةِ الرّاشِدينَ. أَللّٰهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ،

پدران پاکش، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست. بارخدایا؛ آنان، معدن‌های کلمات تو،

وَخُزّانُ عِلْمِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخالِصَتُكَ مِنْ عِبادِكَ، وَخِيَرَتُكَ

و گنجینه‌های دانش، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران

مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيآئُكَ وَسَلآئِلُ أَوْلِيآئِكَ، وَصَفْوَتُكَ وَأَوْلادُ

از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان

أَصْفِيآئِكَ، صَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ. أَللّٰهُمَّ

برگزیدگان تو هستند. درود و رحمت و برکت‌های تو بر آنان نثار باد. خدایا؛

وَشُرَكاؤُهُ في أَمْرِهِ، وَمُعاوِنُوهُ عَلىٰ طاعَتِكَ، اَلَّذينَ جَعَلْتَهُمْ

آنان که در امر او شریک‌اند، و بر طاعت تو مددکاران اویند؛ کسانی که تو

حِصْنَهُ وَسِلاحَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ، اَلَّذينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ

دژ، اسلحه، پناهگاه و مایهٔ انس او قرارشان دادی؛ آن‌هایی که از اهل

وَالْأَوْلادِ، وَتَجافُوا الْوَطَنَ، وَعَطَّلُوا الْوَثيرَ مِنَ الْمِهادِ، قَدْ

و اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت‌های استراحت را رها کردند؛

رَفَضُوا تِجارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعايِشِهِمْ، وَفُقِدُوا في أَنْدِيَتِهِمْ

تجارت‌ها را کنار گذاشتند؛ و به معیشت‌های خودشان ضرر زدند؛ و بدون این که از

بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ، وَحالَفُوا الْبَعيدَ مِمَّنْ عاضَدَهُمْ عَلىٰ

شهرهای‌شان خارج شوند، به عزلت و گوشه‌نشینی افتادند؛ و با هر کس که در کارها یاری‌شان نماید پیمان بستند؛

أَمْرِهِمْ، وَخالَفُوا الْقَريبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ، وَائْتَلَفُوا بَعْدَ

گرچه نسبتی دور با آن‌ها داشتند، و با نزدیکانی که آن‌ها را از مقصودشان باز بدارد مخالفت ورزیدند؛ بعد

التَّدابُرِ وَالتَّقاطُعِ في دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعاجِلِ

از جدایی‌ها گردهم آمدند و اسباب به هم پیوستهٔ دنیوی را که وسیلهٔ بهره‌بردن

حُطامِ مِنَ الدُّنْيا. فَاجْعَلْهُمُ اللّٰهُمَّ في حِرْزِكَ وَفي ظِلِّ كَنَفِكَ، وَرُدَّ

اندک از دنیا بود، قطع نمودند. بدین سان، خدایا؛ آن‌ها را در حفظ و حراست خود، و در سایهٔ لطف و حمایت خویش قرار ده،

عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَداوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ

و شرّ هر آن که قصد بدی به آن‌ها را دارد، از آنان باز گردان؛ و

دَعْوَتِكَ مِنْ كِفايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ، وَتَأْييدِكَ وَنَصْرِكَ إِيّاهُمْ،

کفایت و کمک و تأیید و یاریت را نسبت به آن‌ها زیاد کن،

ما تُعينُهُمْ بِهِ عَلىٰ طاعَتِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ باطِلَ مَنْ أَرادَ إِطْفاءَ

آنچه ایشان را بر طاعت تو یاری‌شان کند، و به واسطهٔ حقّانیّت ایشان باطل هر کسی را که می‌خواهد

نُورِكَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أُفُقٍ مِنَ الْآفاقِ،

نور تو را خاموش کند نابود گردان، و بر محمّد و آل او درود فرست. خدایا؛ به وسیلهٔ آن‌ها تمام اُفق‌های عالم

وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطارِ قِسْطاً وَعَدْلاً وَرَحْمَةً وَفَضْلاً، وَاشْكُرْ لَهُمْ

و اقطار دنیا را از عدل و قسط و رحمت و فضل خودت، پُر کن، و از آنان به

عَلىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَما مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقائِمينَ بِالْقِسْطِ

اندازهٔ کرم و بخشش خودت و آن گونه که بر برپاکنندگان عدل و داد

مِنْ عِبٰادِكَ، وَاذْخَرْ لَهُمْ مِنْ ثَوٰابِكَ مٰا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجٰاتِ،

از میان بندگانت منّت گذاردی سپاسگزاری کن، و برای آن‌ها ثوابی ذخیره ساز که به وسیلهٔ آن به درجات و مرتبه‌ای رفیع برسند؛

إِنَّكَ تَفْعَلُ مٰا تَشٰآءُ وَتَحْكُمُ مٰا تُـرِيدُ، ٰامـينَ رَبَّ الْـعٰالَمينَ.[1]

همانا تو هر آنچه را بخواهی انجام می‌دهی، و بدان چه اراده نمایی حکم می‌کنی؛ ای پروردگار عالمیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

سیّد بزرگوار رضی الدین علیّ بـن طـاووس رحمه‌الله مـی‌فرماید: ایـن روایت، شـامل بخشی از دعاست که روایت اوّلی آن را نداشت. پس، اگر می‌خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور.[2]

کفعمی رحمه‌الله در «المصباح» چنین می‌گوید: یونس بن عبدالرحمان از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت می‌کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الأمر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می‌داد: «**أللّهمّ ادفع عن وليّك وخليفتك ...**» وی، دعا را مـانند آنچه گذشت تا عبارت «**وهو علينا كبير**» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وُلٰاةِ عَهْدِهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ ٰامٰالَهُمْ،

خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست، و به آرزوهای‌شان برسان،

وَزِدْ فِي ٰاجٰالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مٰا أَسْنَدْتَ إِلَـيْهِمْ

و بر عمرشان بیفزا، و یاری ایشان را تقویت فرما، و آن چه از دینت را به آن‌ها

مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعٰآئِمَهُمْ، وَاجْعَلْنٰا لَهُمْ أَعْـوٰاناً، وَعَـلىٰ

مربوط ساخته‌ای کامل نما، و پایه‌های آن‌ها را استوار کن، و ما را یاران آن‌ها و یاوران

دِينِكَ أَنْصٰاراً، فَإِنَّهُمْ مَعٰادِنُ كَلِمٰاتِكَ، وَخُزّٰانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكٰانُ

دینت قرار ده. همانا آن‌ها معدن‌های کلمات تو، گنجینه‌های علم و دانش تو، استوانه‌های

تَوْحِيدِكَ، وَدَعٰآئِمُ دِينِكَ، وَوُلٰاةُ أَمْرِكَ، وَخٰالِصَتُكَ مِنْ عِبٰادِكَ،

توحید تو، پایه‌های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو،

وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيٰآؤُكَ وَسَلاٰئِلُ أَوْلِـيٰآئِكَ، وَصَـفْوَةُ

برگزیدهٔ از میان بندگان تو، دوستان و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان

۱ و ۲. جمال الأُسبوع: ۳۱۰ و ۳۱۴.

أَوْلٰادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت‌های او بر همهٔ آنان نثار باد.

۳

دعا برای محشور شدن با حضرت امام رضا علیه‌السلام

أَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي الْهُدىٰ، وَثَبِّتْني عَلَيْهِ اٰمِناً، أَمْنَ مَنْ لٰا خَوْفَ

خداوندا؛ مرا هدایت کن، و بر آن ثابت بدار در حالیکه ایمن باشم، ایمنی کسی که هیچ‌گونه ترسی

عَلَيْهِ، وَلٰا حُزْنَ وَلٰا جَزَعَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

بر او نیست، و هرگز غم و غصّه و بی‌تابی ندارد که تو شایستهٔ تقوا و اهل آمرزش هستی.

هر کس این دعا را بخواند و آن را دعای خود قرار دهد (یعنی زیاد بخواند)، با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام محشور می‌شود.[2]

۴

دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم‌السلام

اسماعیل بن سهل گفت: به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموز که وقتی آن را خواندم، در دنیا و آخرت با شما خاندان باشم.

آن حضرت برایم نوشت:

سورهٔ ﴿**إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ**﴾ را زیاد بخوان، و دو لبت را به ذکر **استغفار** تر و تازه بدار، (یعنی زیاد استغفار کن).[3]

---

۱. بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۲، صحیفهٔ مهدیّه (مترجم، چاپ نهم): ۳۴۶.

۲. المصباح: ۴۰۶، البلد الأمین: ۶۳۰، الجُنّة الواقیة والجَنّة الباقیة (مخطوط): ۵۹.

۳. الدعوات: ۴۹.

۵

دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب

عبّاس ـ خادم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ گوید: از مولایم شنیدم که فرمود:

هر کس هنگامی که اذان صبح را می‌شنود، و نیز هنگام شنیدن اذان مغرب این دعا را بخواند، سپس در آن روز یا در آن شب مرگ به سراغ او آید، توبه‌کننده از دنیا رود و وارد بهشت گردد:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبٰالِ نَهٰارِكَ وَإِدْبٰارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوٰاتِكَ

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به روی‌آوردن روزت و روی‌گردان شبت و حضور یافتن نمازهایی که برای تو

وَأَصْوٰاتِ دُعٰآئِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

انجام می‌دهند و صداهای دعایی که تو را می‌خوانند، که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و

تَتُوبَ عَلَيَّ، إِنَّكَ التَّوّٰابُ الرَّحِيمُ.[1]

توبه‌ام را بپذیری که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربان هستی.

۶

دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز

عبدالرحمان بن نجران از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

پس از اقامه و قبل از شروع نماز بگو:

أَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التّٰآمَّةِ، وَالصَّلٰاةِ الْقٰآئِمَةِ، بَلِّغْ مُحَمَّداً

خداوندا؛ ای پروردگار این دعوت کامل، و نماز برپا شده، (حضرت) محمّد را

(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ،

(که درود خدا بر او و آل او باد) به آن درجهٔ والا و مرتبهٔ وسیله و برتری و فضیلت برسان،

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۹۸/۱، البلد الأمین: ۵۰، المصباح: ۵۶.

بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ، وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

به نام خدا و کمک او آغاز می‌کنم، و از او موفقیّت و رستگاری می‌طلبم، و به واسطهٔ (حضرت) محمّد رسول خدا و آل محمّد

أَتَوَجَّهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْني بِهِمْ

به خدا روی آورده و توجّه می‌کنم. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا به واسطهٔ ایشان

عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ.[1]

در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از مقرّبان درگاهت قرار بده.

۷

دعای ساعت هشتم هر روز

ساعت هشتم ـ از هنگامی که چهار رکعت نماز بعد از فرا رسیدن ظهر خوانده شود تا وقت نماز عصر ـ اختصاص به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دارد، در آن ساعت این دعا را بخوانید:

يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، يا خَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يا مَنْ

ای بهترین خوانده‌شده؛ ای بهترین عطاکننده؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ ای آنکه

أَضاٰءَ بِاسْمِهِ ضَوْءَ النَّهارِ، وَأَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةَ اللَّيْلِ، وَسالَ بِاسْمِهِ

روشنائی داده به نام خود روشنی روز را؛ و تاریکی داده به نام خود تاریکی شب را، و باران شدید را به نام خود

وابِلَ السَّيْلِ، وَرَزَقَ أَوْلِياءَهُ كُلَّ خَيْرٍ، يا مَنْ عَلَا السَّماوٰاتِ

روان گردانده، و هر خیر و خوبی را به اولیاء و دوستانش روزی کرده، ای کسی که نورش آسمان‌ها را

نُورُهُ، وَالْأَرْضَ ضَوْئُهُ، وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ، يا واسِعَ

پر کرده، و روشنائی‌اش زمین را فرا گرفته، و رحمتش بر شرق و غرب گسترده گشته، ای دارای جود

الْجُودِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا عَلَيْهِ السَّلامُ،

و بخشش فراگیر. از تو می‌خواهم به حقّ ولیّت (حضرت) علیّ بن موسی الرضا ـ که بر او سلام باد ـ

۱. فلاح السائل: ۱۵۵، مستدرك الوسائل: ۱۲۳/۴، بحار الأنوار: ۳۷۵/۸۴.

وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوٰائِجي، وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

و او را پیشاپیش حاجت‌ها و درخواست‌هایم در پیشگاه تو مقدّم می‌دارم که بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَني بِهِ، وَتُنْجِيَني مِمّا أَخٰافُهُ

محمّد و آل محمّد درود فرستی، و مرا به واسطهٔ او کفایت کنی، و از آنچه می‌ترسم

وَأَحْذَرُهُ في جَميعِ أَسْفٰاري، وَفِي الْبَرٰاري وَالْقِفٰارِ، وَالْأَوْدِيَةِ

و اجتناب می‌کنم در همهٔ سفرهایم، و در دشت و صحرا، و درّه‌ها

وَالْاٰكٰامِ، وَالْغِيٰاضِ وَالْجِبٰالِ، وَالشِّعٰابِ وَالْبِحٰارِ، يٰا وٰاحِدُ يٰا

و تپّه‌ها، و جنگل‌ها و کوه‌ها، گردنه‌ها و دریاها مرا رهایی بخش، ای یگانه؛ ای

قَهّٰارُ، يٰا عَزيزُ يٰا جَبّٰارُ يٰا سَتّٰارُ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَكَذٰا.[1]

بسیار چیره‌شونده؛ ای نیرومند؛ ای قدرتمند؛ ای بسیار پوشنده؛ و (از تو می‌خواهم که) با من «چنین و چنان» کنی.

۸

دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْكٰاشِفُ لِلْمُلِمّٰاتِ، وَالْكٰافي لِلْمُهِمّٰاتِ، وَالْمُفَرِّجُ

خداوندا؛ تو برطرف‌کنندهٔ بلاها و مصیبت‌هائی، و کفایت‌کنندهٔ سختی‌ها، و گشایندهٔ

لِلْكُرُبٰاتِ، وَالسّٰامِعُ لِلْأَصْوٰاتِ، وَالْمُخْرِجُ مِنَ الظُّلُمٰاتِ، وَالْمُجيبُ

اندوه‌ها، و شنوندهٔ صداها، و خارج‌کننده از تاریکی‌ها، و اجابت‌کنندهٔ

لِلدَّعَوٰاتِ، اَلرّٰاحِمُ لِلْعَبَرٰاتِ، جَبّٰارُ الْأَرْضِ وَالسَّمٰاوٰاتِ. يٰا وَلِيُّ

دعاها، رحم‌کنندهٔ به اشک چشم‌ها، آفرینندهٔ زمین و آسمان هستی. ای سرپرست؛

يٰا مَوْلٰى، يٰا عَلِيُّ يٰا أَعْلىٰ، يٰا كَريمُ يٰا أَكْرَمُ، يٰا مَنْ لَهُ الْإِسْمُ

ای عهده‌دار (امور)؛ ای بلندمرتبه؛ ای برتر؛ ای بزرگوار؛ ای ارجمند؛ ای کسی که اسم

الْأَعْظَمُ، يٰا مَنْ عَلَّمَ الْإِنْسٰانَ مٰا لَمْ يَعْلَمْ، فٰاطِرُ السَّمٰاوٰاتِ

اعظم از برای اوست، ای کسی که انسان را آموختی آنچه را که نمی‌دانست، آفرینندهٔ آسمان‌ها

۱. البلد الأمین: ۲۱۰، المصباح: ۱۸۷، و در مصباح المتهجّد: ۵۱۵ با تفاوت.

وَالْأَرْضِ، وَهُوَ يُطْعِمُ وَلٰا يُطْعَمُ. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ مِنَ

وزمین است، و او است که روزی می‌دهد، وکسی به او روزی نمی‌دهد. از تو درخواست می‌کنم به حقّ (حضرت) محمّد که برگزیده شدهٔ

الْخَلْقِ، اَلْمَبْعُوثِ بِالْحَقِّ، وَبِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ الَّذي أَوْلَيْتَهُ فَأَلْفَيْتَهُ

از میان آفریدگان است، و به حق، برانگیخته شده است، و به حقّ امیر مؤمنان که به او لطف و احسان کردی و او را

شٰاكِراً، وَابْتَلَيْتَهُ فَوَجَدْتَهُ صٰابِراً، وَبِالْإِمٰامِ الرِّضٰا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

شکرگزار دیدی، و مبتلایش ساختی پس او را شکیبا یافتی، و به حقّ امام رضا حضرت علیّ بن موسی

الَّذي أَوْفٰى بِعَهْدِكَ، وَوَثَقَ بِوَعْدِكَ، وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيٰا وَقَدْ

که به عهد و پیمان تو وفا کرد، و به وعده‌ات اطمینان نمود، و از دنیا روی گردانید، در حالی‌که

أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ، وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهٰا وَقَدْ رَغِبَتْ فيهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ

به او روی آورده بود، و زینت آن را نخواست در حالیکه زینت دنیا به او تمایل نشان داد، که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمٰامي

محمّد و آل محمّد درود فرستی، به راستی که من به واسطهٔ ایشان به تو توسّل جسته‌ام، و آنان را پیشاپیش خود

وَبَيْنَ يَدَيْ حَوٰائِجي، أَنْ تَهْدِيَني إِلٰى سَبيلِ مَرْضٰاتِكَ، وَتُيَسِّرَ

و حاجت‌هایم مقدّم ساخته‌ام تا مرا به راهی که رضا و خشنودی تو در آن است رهنمون گردی، و

لي أَسْبٰابَ طٰاعَتِكَ، وَتُوَفِّقَني لِابْتِغٰاءِ الزُّلْفَةِ بِمُوٰالاٰةِ أَوْلِيٰائِكَ،

اسباب اطاعت خود را برایم فراهم سازی، و مرا توفیق دهی برای یافتن منزلت به وسیلهٔ دوستی اولیائت،

وَإِدْرٰاكِ الْحَظْوَةِ مِنْ مُعٰادٰاةِ أَعْدٰائِكَ، وَتُعينَني عَلىٰ أَدٰاءِ

و درک کردن حظّ و بهره از دشمنی دشمنانت، و یاری رسانی مرا در انجام

فَرٰائِضِكَ، وَاسْتِعْمٰالِ سُنَّتِكَ، وَتُوَفِّقَني عَلَى الْمَحَجَّةِ الْمُؤَدِّيَةِ

واجباتت، و به کار گرفتن سنّتت، و هموار سازی برایم راهی را که

إِلَى الْعِتْقِ مِنْ عَذٰابِكَ وَالْفَوْزِ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

به رهایی از عذابت و رستگاری من کشیده شود، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. المصباح: ۱۸۷، مفتاح الفلاح: ۴۶۹، بحار الأنوار: ۳۴۹/۸۶، مقباس المصابیح: ۳۴۳.

بخش دهم

هشت عمل عبادی در رابطه با ایّام هفته

در این بخش، هشت عمل عبادی را که در ارتباط با **حضرت علیّ بن موسی الرّضا** علیهما‌السلام در روزهای هفته است، نقل می‌کنیم:

۱

نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز یکشنبه

راوندی رحمه‌الله در کتاب «سلوة الحزین» می‌نویسد: فرموده‌اند:

بنده روز جمعه هشت رکعت نماز می‌گذارد؛ چهار رکعت را هدیه به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و چهار رکعت دیگر را هدیه به حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌نماید، روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به امام حسن مجتبی علیه‌السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیهماالسلام، روز سه شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علیّ بن الحسین علیهماالسلام، روز چهارشنبه

چهار رکعت هدیه به حضرت محمّد بن علی علیهما السلام، روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت جعفر بن محمّد علیهما السلام می‌نماید.

سپس در روز جمعه دوباره هشت رکعت نماز می‌خواند، چهار رکعت را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می‌کند، روز شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، **روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت محمّد بن علی علیهما السلام، روز سه‌شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علیّ بن محمّد علیهما السلام، روز چهارشنبه چهار رکعت به حضرت حسن بن علی علیهما السلام و روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) می‌نماید.[1]

و بعد از هر رکعت، این دعا را می‌خواند:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلٰامُ، وَمِنْكَ السَّلٰامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلٰامُ، حَيِّنٰا

خداوندا؛ (تو از هر گونه عیب و نقصی پاکی و) تو سلامت دهنده‌ای، و سلامت از تو است و بازگشت آن بسوی تو است،

رَبَّنٰا مِنْكَ بِالسَّلٰامِ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعٰاتِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ

پروردگارا؛ به ما از ناحیهٔ خودت سلام و سلامت هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه‌ای است از من به

وَلِيِّكَ «فُلاٰنِ بْنِ فُلاٰنٍ»[2]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ

ولیّ تو «فلان پسر فلان»، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و این (هدیه) را به

إِيّاٰهٰا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلي وَرَجٰآئي فيكَ وَفي رَسُولِكَ وَفيهِ...

آن حضرت برسان، و برتر از آنچه آرزو و امید به تو و رسولت و این امام بزرگوار دارم به من عطا کن....

و آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه.[3]

---

۱ و ۳. الدعوات: ۱۰۸.

۲. در نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه السلام به جای «فلان بن فلان» بگوید: «عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا».

۲

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام و ...
در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر، **حضرت امام رضا**، امام جـواد و امام هادی صلوات الله علیهم اجمعین است. زیارت آن بزرگواران در این روز، چنین است:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَوْلِيٰآءَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا حُجَجَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر شما ای اولیای خداوند، سلام بر شما ای حجّت‌های الهی، سلام

عَلَيْكُمْ يٰا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمٰاتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ صَلَوٰاتُ

بر شما ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر شما، درود و صلوات

اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ اٰلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمّي

خداوند بر شما و بر اهل بیت پاک و پاکیزهٔ شما، پدر و مادرم فدای شما؛

لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللهَ مُخْلِصِينَ، وَجٰاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِـهٰادِهِ حَـتّٰى

خدا را خالصانه پرستش کردید، و آنگونه که شایسته است در راه خدا جهاد کردید تا

أَتٰاكُمُ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللهُ أَعْدٰآئَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْـمَعِينَ،

آنکه دنیا را وداع کردید، خداوند همهٔ دشمنان شما را از آدمیان و پریان لعنت کند،

وَأَنَا أَبْرَءُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا إِبْرٰاهِيمَ مُوسَى

و من به سوی خدا و شما از آنان بیزاری می‌جویم. ای مولای من؛ ای ابا ابراهیم موسی

بْنَ جَعْفَرٍ، يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ، يٰا مَوْلٰايَ يٰا

بن جعفر؛ ای مولای من؛ ای ابا الحسن علیّ بن موسی؛ ای مولای من؛ ای

أَبٰا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْـحَسَنِ عَـلِيَّ بْـنَ

اباجعفر محمّد بن علی؛ ای مولای من؛ ای ابا الحسن علیّ بن

مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلًى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ

محمّد؛ من بندهٔ شما هستم، به پنهان شما و آشکار شما ایمان دارم،

في يَوْمِكُمْ هٰذا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعٰآءِ، وَمُسْتَجيرٌ بِكُمْ، فَأَضيفُوني

در این روزی که بنام شما است یعنی روز چهارشنبه میهمان شما، و پناهنده به درگاه شما هستم، پس میهمان‌نوازی کنید

وَأَجيرُوني بِـالِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبينَ الطّٰاهِرينَ.[1]

و مرا پناه دهید به حرمت اهل بیت پاک و پاکیزهٔتان.

۳

زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز چهارشنبه

مرحوم علّامهٔ مجلسی این سلام و صلوات را در باب «زیارات معصومین علیهم‌السلام در ایّام هفته» آورده است. چون دربارهٔ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام می‌باشد، ممکن است خواندن این زیارت، مخصوص روز چهارشنبه باشد:

اَلسَّلٰامُ عَلَى الرِّضَا الْمُرْتَضىٰ، سَمِيِّ سَيِّدِ الْـوَصِيّينَ، وَإِمٰـامِ

سلام بر حضرت رضا امام برگزیده، همنام سرور اوصیاء، و پیشوای

الْمُتَّقينَ، خَليفَةِ الرَّحْمٰنِ، وَإِمٰامِ أَهْلِ الْقُرْاٰنِ، وَصٰاحِبِ التَّأْويلِ،

پرهیزکاران، جانشین خداوند بخشنده، و رهبر اهل قرآن، و عالم به علم تأویل،

وَمَعْدِنِ الْفُرْقٰانِ، وَحٰامِلِ التَّوْرٰاةِ وَالْإِنْجيلِ، وَإِفْـنٰآءِ الْـخَبيثٰاتِ

و معدن تشخیص حقّ از باطل و جدا کنندهٔ آن، و دربردارندهٔ تورات و انجیل، و از بین‌برندهٔ آنچه پلیدی

وَالْأَبٰاطيلِ، وَالْقٰآئِلِ الْفٰاعِلِ، وَالْحٰاكِمِ الْعٰادِلِ، وَالصّٰادِقِ الْبَرِّ،

و باطل و ناروا است، و گوینده‌ای که خود به گفته‌اش عمل می‌کند، و حاکم عدالت‌پیشه، و راستگوی نیکوکار،

۱. جمال الأُسبوع: ۴۰، بحار الأنوار: ۲۱۵/۱۰۲.

وَالْحٰآئِزِ الْفَخْرِ. جَدُّهُ سَيِّدُ النَّبِيّينَ، وَأَبُوهُ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ، وَإِلَيْهِ

و صاحب فخر و بزرگواری. جدّ او سرور پیامبران، و پدرش سرور اوصیاء است، و

مَاٰبُ الْأَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ

بازگشت همهٔ پیشینیان و آیندگان به سوی او است. سلام بر تو ای ابا الحسن علیّ بن

مُوسَى الرِّضٰا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

موسی الرضا و رحمت خدا و برکات (بی‌پایان) او بر تو باد. خداوندا؛ بر محمّد

وَعَلىٰ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَكَمٰا أَكْرَمْتَهُ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ، وَجَعَلْتَهُ فِي

و بر آل محمّد درود فرست، و همان‌گونه که او را به (حضرت) محمّد رسولت گرامی داشتی، و در مورد

الْحَقِّ دَلِيلَكَ، فَدَعٰا إِلىٰ سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

حقّ دلیل و راهنمای خودت قرار دادی، پس با حکمت و با پند و اندرز نیکو مردم را به راه تو دعوت کرد،

فَأَكْمِلْ لَهُ الْعَهْدَ، وَتَمِّمْ لَهُ الْوَعْدَ، وَأَيِّدْهُ وَذُرِّيَّتَهُ وَأَوْلِيٰآءَهُ

پس پیمان را برای او کامل و وعده را برای او تمام گردان، و او و فرزندان و دوستانش را

بِالنَّصْرِ وَالْجُنْدِ، لِيَخْلُصَ الدّينَ بِالْجِدِّ، فَيَعْمَلَ في ذٰلِكَ بِالْجَهْدِ،

با یاری و لشکر خودنیرومند و قوی گردان، تا دین را به طور جدّی و قطعی خالص گرداند، و در این راه تلاش و کوشش خود را به کار برد،

وَيُصَيِّرَ لَكَ الدّينَ خٰالِصاً، وَالْحَمْدَ تٰامّاً. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ حَيّاً

و دین را برای تو خالص گرداند، و سپاسگزاری را کامل نماید. خداوندا؛ بر او در حال حیات و زندگی و

وَمَيِّتاً، وَعَجِّلْ فَرَجَنٰا بِهِ، وَبِالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، وَانْصُرْهُ عَلىٰ

پس از وفات درود فرست، و در فرج ما به سبب او و جانشین بعد از او شتاب فرما، و او را بر آنها که از

أَهْلِ طٰاعَةِ الشَّيْطٰانِ، وَأَعْزِزْ بِهِ الْإِيمٰانَ، وَأَذْلِلْ بِهِ الشَّيْطٰانَ.[1]

شیطان پیروی و فرمانبرداری می‌کنند یاری نما، و به واسطهٔ او ایمان را عزّت و سرافرازی بخش، و شیطان را خوار و ذلیل گردان.

۱. بحار الأنوار: ۲۲۵/۱۰۲.

۴

طلب حاجت در روز پنجشنبه

حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدرانش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه یکی از شما حاجت و خواسته‌ای دارد، روز پنجشنبه بامدادان در طلب آن رود، و چون از منزل بیرون آمد آخر سورهٔ «**آل عمران**»، «**آیة الکرسی**»، «**إنّا أنزلناه**» و سورهٔ «**حمد**» را بخواند که در آن، برآورده‌شدن حاجت‌های دنیا و آخرت است.[1]

۵

دعا پس از غسل روز جمعه

به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام منسوب است که فرمودند:

غسل جمعه سنّتی است واجب، آن را در سفر و هنگامی که در شهر خودت هستی ترک مکن.

از بعد از طلوع فجر هرگاه غسل کردی کفایت می‌کند و هر چه به ظهر نزدیکتر باشد بهتر است، و چون از غسل فارغ شدی بگو:

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبي، وَانْقِ غُسْلي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسٰاني

خداوندا؛ مرا پاک گردان و قلب و روحم را پاک فرما، و غسلم را پاکیزه گردان، و

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۳۹/۲، مکارم الأخلاق: ۱۴۶/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۳۹، بحار الأنوار: ۱۳۵/۹۵ و ۱۵۹.

ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْني مِـنَ

ذکر و یاد خودت و پیامبرت حضرت محمّد را ـ که درود خدا بر او و آلش باد ـ بر زبانم جاری کن، و مرا از

التَّوّابينَ وَمِنَ الْمُتَطَهِّرينَ.

توبه‌کنندگان و پاک‌شدگان قرار بده.

و اگر غسل جمعه را فراموش کردی هنگام صبح انجام دهـی و عـصر آن روز یـا فردایش به یاد آوردی، آن را انجام بده.[1]

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز جمعه

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است:

در ظهر روز جمعه این دعا را بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، سُبْحانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است، پاک و منزّه است خداوند، و ستایش خداوندی را سزاست که

وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِـيٌّ مِـنَ

فرزندی نگرفته و شریکی در پادشاهی و سلطنت ندارد، و هیچ یار و سرپرستی از روی ذلّت و ناتوانی اختیار نکرده است

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، يا سابِغَ النِّعَمِ، يا دافِعَ النِّقَمِ، يـا بـارِئَ

و او را به عظمت و بزرگی یاد کن، ای آنکه نعمت‌هایش سرازیر است، ای دور کنندهٔ سختی‌ها، ای آفریدگار

النَّسَمِ، يا عَلِيَّ الْهِمَمِ، يا مُغْشِيَ الظُّلَمِ، يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ،

موجودات، ای دارای همّت‌های والا، ای پوشانندهٔ تاریکی‌ها، ای صاحب جود و بخشش و بزرگواری،

يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يا مُونِسَ الْمُسْتَوْحِشينَ فِي الظُّلَمِ، يا

ای برطرف کنندهٔ زیان و ضرر و دشواری و درد، ای همدم وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها، ای

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۷۵.

عٰالِماً لٰايُعَلَّمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بي مٰا أَنْتَ

دانائی که دانش نیاموخته و تعلیم داده‌نشده، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و با من چنان کن که تو

أَهْلُهُ، يٰا مَنِ اسْمُهُ دَوٰآءٌ، وَذِكْرُهُ شِفٰآءٌ، وَطٰاعَتُهُ غِنٰآءٌ، إِرْحَمْ

شایستهٔ آن هستی، ای کسی که نامش دوا، و ذکر و یادش شفا، و اطاعت او سرمایهٔ بی‌نیازی است، رحم کن

مَنْ رَأْسُ مٰالِهِ الرَّجٰآءُ، وَسِلٰاحُهُ الْبُكٰآءُ، سُبْحٰانَكَ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا

به کسی که تمام سرمایه‌اش امید، و اسلحه‌اش گریه است، پاک و منزّهی، هیچ معبودی جز

أَنْتَ، يٰا حَنّٰانُ يٰا مَنّٰانُ، يٰا بَدِيعَ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، يٰا

تو نیست، ای روی‌آورنده به کسی که از او روی گردانیده، ای ابتداکننده به نعمت و لطف پیش از درخواست، ای پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین، ای

ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ.[1]

صاحب عظمت و بزرگی و بزرگواری.

۷

صد مرتبه صلوات در روز جمعه

محمّد بن فضیل از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

من صلّى عليّ يوم الجمعة مائة صلاة، قضى الله له ستّين حاجة؛ ثلاثون حاجة للدّنيا، وثلاثون حاجة للآخرة.[2]

هر کس در روز جمعه بر من صد مرتبه صلوات فرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده سازد؛ سی حاجت در مورد دنیا و سی حاجت در مورد آخرت.

۱. نزهة الزاهد: ۲۴۱.

۲. وسائل الشيعة: ۷۱/۵، بحار الأنوار: ۳۵۱/۸۹.

۸

صلوات در عصر جمعه

این صلوات از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

در روز جمعه بعد از نماز عصر، هفت مرتبه بگو:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدِنِ الْمُصْطَفَيْنَ، بِأَفْضَلِ

خداوندا؛ درود فرست بر محمّد و آل محمّد که برگزیده شده‌اند، به برترین

صَلَوٰاتِكَ، وَبٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ، وَالسَّلٰامُ عَلىٰ

درودهایت، و برکت بده به ایشان به برترین برکت‌هایت، و سلام بر

أَرْوٰاحِهِمْ وَأَجْسٰادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

جسم و جان پاک ایشان و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

و اگر سورهٔ «قدر» را بعد از نماز عصر ده مرتبه بخوانی، پاداش فراوانی خواهی داشت.[1]

جواز شعرخواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان

در پایان این بخش، مطلبی راکه از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان روایت شده نقل می‌کنیم:

خلف بن حمّاد گوید: به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کردم: اصحاب ما از پدران شما روایت می‌کنند که شعر خواندن در شب جمعه و در ماه رمضان و در شب مکروه

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۱۲۸، بحار الأنوار: ۹۵/۹۰.

است و من گاهی می‌خواهم و دوست دارم برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه‌سرائی می‌کنم و اکنون در ماه رمضان هستیم؟

امام علیه السلام فرمود:

ارث أبا الحسن في ليلة الجمعة وفي شهر رمضان وفي اللّيل، وفي سائر الأيّام، فإنّ الله يكافيك على ذلك.

برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه‌سرائی کن در شب جمعه و در ماه رمضان و در شب و در هر زمانی که خواستی، که خداوند تو را بر آن پاداش می‌دهد.[1]

۱. وسائل الشیعة: ۴۶۹/۱۰.

بخش یازدهم

هشت ماه و اعمال عبادی آن‌ها

برخی از ماه‌های قمری مانند ماه رجب، ذی القعده و ماه صفر با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بیشتر ارتباط دارد؛ ما در این بخش، اعمال عبادی هشت ماه را که ارتباط بیشتری با امام هشتم علیه‌السلام دارد ـ با برخی از جریانات مربوطه ـ نقل می‌کنیم:

۱

ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه‌السلام و نقل خطبهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق رحمه‌الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه‌السلام» از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، و ایشان از پدران بزرگوارش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم؛ به راستی ماه خدا با برکت، رحمت و آمرزش به شما روی آورده است. ماهی که نزد خداوند بهترین ماه‌ها و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش

بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌ها است.

ماهی که در آن به میهمانی خداوند دعوت شده و از اهل کرامت او قرار داده شده‌اید. نفَس‌های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن، عبادت و عمل شما در آن، پذیرفته‌شده و دعایتان در آن، مستجاب است.

پس با نیّت‌های درست و دل‌های پاک از خدا درخواست کنید که توفیق روزه‌داری و تلاوت قرآن به شما مرحمت کند، که بدون تردید شقی و بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد. و با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید. و بر فقیران و بینوایان کمک کنید و صدقه دهید. بزرگسالان را احترام کنید و بر خردسالان رحم نمائید، و صلهٔ رحم (یعنی پیوند با خویشاوندان) داشته باشید. زبان خود را از آنچه نباید گفت و چشم خود را از آنچه نباید دید و گوش خود را از آنچه نباید شنید ببندید.

با یتیمان مردم مهربانی کنید تا با یتیمان شما مهربانی نمایند، از گناهان خود توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمائید و دست‌های خود را در اوقات نمازها به دعا بلند کنید که هنگام نمازها بهترین ساعت‌ها است، خداوند به سوی بندگانش نظر رحمت دارد؛ اگر با او راز و نیاز کنند به آن‌ها جواب می‌دهد، اگر او را ندا دهند جواب گوید و اگر او را بخوانند دعایشان را مستجاب فرماید.

ای مردم؛ به راستی جان شما در گرو اعمال شما است، با استغفار خویش آن را رها کنید. و پشت شما از بار گناه سنگین است، با طولانی کردن سجده آن را سبک نمائید. و بدانید که خداوند تبارک و تعالی به عزّت خود سوگند یاد کرده است که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکند و آنان را به آتش دوزخ نترساند روزی که همگان در پیشگاه پروردگار جهانیان بپاخیزند.

ای مردم؛ هر یک از شما روزه‌دار مؤمنی را در این ماه افطاری دهد، نزد خدا ثواب آزاد کردن یک بنده دارد و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود.

عرض کردند: همهٔ ما چنین قدرتی نداریم.

فرمود: خود را از آتش برهانید گرچه با دادن نصف خرما باشد و از آتش دور بدارید گرچه با دادن لیوانی آب باشد.

ای مردم؛ هر یک از شما در این ماه اخلاقش را نیکو گرداند، بر صراط به راحتی بگذرد روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد. و هر کس در این ماه نسبت به غلامان و کنیزان و خدمتگزارانش آسان بگیرد، خداوند حساب او را در قیامت آسان بگیرد. و هر کس از شرّ و بدی و آزار دیگران در این ماه خودداری کند، خداوند روز دیدارش با او از غضب خویش خودداری می‌کند. و هر کس یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز ملاقات گرامی بدارد.

و کسی که با خویشاوندان خود در این ماه خوش‌رفتاری و مهربانی کند، خداوند در روز ملاقات با او به رحمت خویش خوشرفتاری نماید. و کسی که در این ماه رابطهٔ خویشاوندی خود را با آنان قطع کند، خداوند در روز ملاقات رحمتش را از او قطع خواهد کرد. و کسی که در این ماه نماز مستحبّی بجای آورد، خداوند برای او برات آزادی از آتش نویسد. و کسی که در این ماه فریضه‌ای را بجا آورد، ثواب هفتاد فریضه در غیر این ماه به او دهند.

و کسی که در این ماه بر من زیاد صلوات فرستد، خداوند میزان او را سنگین گرداند روزی که میزان‌ها سبک باشند. و کسی که در این ماه آیه‌ای از قرآن بخواند پاداش یک ختم قرآن در غیر این ماه دارد.

ای مردم؛ درهای بهشت در این ماه گشوده شده است، از خدا بخواهید که آن را به روی شما نبندد. و درهای دوزخ بسته شده است، از پروردگار خویش درخواست کنید که آن را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین در بند هستند، از خدا بخواهید که آن‌ها را بر شما مسلّط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: من از جا برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا؛ بهترین اعمال در این ماه چیست؟

فرمود: ای اباالحسن؛ برترین اعمال در این ماه، پارسائی و پرهیزکردن از آنچه خدا حرام کرده می‌باشد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست، علّت گریه‌اش را سؤال کردم، فرمود: علی جان؛ گریه‌ام برای مصیبتی است که در این ماه بر تو وارد می‌شود؛ گویا می‌بینم که تو در حال نمازی در پیشگاه پروردگارت و آن شقی‌ترین اوّلین و آخرین و همتای پی‌کنندهٔ ناقهٔ ثمود، ضربتی را بر فرق تو زده که محاسنت را با خون سرت خضاب نموده است.

عرض کردم: این جریان با سلامت دینم صورت می‌گیرد؟

فرمود: آری؛ تو در سلامت دینت هستی.

سپس فرمود: علی جان؛ هر کس تو را بکشد مرا کشته است، و هر کس با تو دشمنی کند با من دشمنی کرده، و هر کس تو را دشنام دهد مرا دشنام داده است؛ زیرا که تو نسبت به من مانند جان من هستی، روح تو از روح من و طینت تو از طینت و سرشت من است، خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفریده و برگزیده است؛ مرا برای نبوّت و تو را برای امامت اختیار فرموده است. پس هر کس امامت تو را انکار کند، در حقیقت نبوّت مرا انکار کرده است.

ای علی؛ تو وصیّ من و پدر فرزندانم و همسر دخترم و جانشینم بر امّتم در زندگی و پس از مرگ من هستی. امر و فرمان تو، امر و فرمان من و نهی تو، نهی من است، به آن کسی که مرا به پیامبری مبعوث نمود و مرا بهترین آفریده‌اش قرار داد سوگند یاد می‌کنم که تو حجّت خدا بر مخلوقات او و امین اسرار او و جانشین بر بندگانش می‌باشی.[1]

فضیلت ماه مبارک رمضان
در گفتار حضرت امام رضا علیه السلام

احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما السلام شنیدم که فرمود:

عمره در ماه رمضان معادل حجّ است، یک شب اعتکاف در مسجد الرسول و کنار قبر آن حضرت، معادل حجّ و عمره است. کسی که امام حسین علیه السلام را

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱/ ۲۳۰، إقبال الأعمال: ۲۴۶.

زیارت کند و ده روز باقی‌مانده از ماه رمضان را اعتکاف کند گویا کنار قبر پیامبر ﷺ اعتکاف کرده و کسی که کنار قبر رسول خدا ﷺ اعتکاف کند برای او از حجّ و عمرهٔ بعد از حجّ واجب بهتر است.[1]

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

کسی که امام حسین علیه‌السلام **را در ماه رمضان زیارت کند باید سعی و تلاش کند که شب بیست و سوّم آن را ـ که به لیلة الجهنی معروف است ـ از دست ندهد؛ زیرا آن شبی است که امید می‌رود شب قدر باشد و کمترین مقدار اعتکاف، یک ساعت بین نماز مغرب و عشاء است، کسی که آن یک ساعت را اعتکاف کند بهرهٔ خود را برده است، یا فرمود: به سهم و نصیب خود از شب قدر رسیده است.**[2]

دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

این دعایی است که حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواندند و می‌فرمودند:

اگر مردم از عظمت این دعا نزد خدا و سرعت اجابت آن باخبر بودند، در راه بدست آوردن آن ـ گرچه با شمشیر بود ـ به جنگ می‌پرداختند و خدا هر کس را بخواهد به رحمت خویش مخصوص می‌گرداند.

اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است، هر آینه راست گفته‌ام. پس این دعا را با اهتمام و تضرّع بخوانید که آن از علم مکنون است و آن را جز از اهلش و آنان که شایستگی آن را دارند پنهان بدارید، منافقان و تکذیب‌کنندگان و منکرین حق، اهل این دعا نیستند، و آن، دعای مباهله است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهٰآئِكَ بِأَبْهٰاهُ وَكُلُّ بَهٰآئِكَ بَهِيٌّ. أَللّٰهُمَّ

خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از شکوه و درخشندگی‌ات به درخشنده‌ترین آن، و همهٔ درخشندگی‌ات درخشان است. خداوندا؛

۱ و ۲. بحار الأنوار: ۱۵۱/۹۸.

إِنّي أَسْأَلُكَ بِبَهٰآئِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمٰالِكَ بِأَجْمَلِهِ

از تو درخواست می‌کنم به تمام شکوه و درخشندگی‌ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از جمال و زیبائی‌ات به زیباترین

وَكُلُّ جَمٰالِكَ جَميلٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

آن و همهٔ زیبائی‌هایت زیبا است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام جمال و زیبائی‌هایت. خداوندا؛ همانا

أَسْأَلُكَ مِنْ جَلٰالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلٰالِكَ جَليلٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

از تو درخواست می‌کنم از جلال و بزرگی‌ات به بزرگترین آن و همهٔ جلال و بزرگی‌ات بزرگ است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم

بِجَلٰالِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهٰا وَكُلُّ

به تمام جلال و بزرگی‌ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از عظمت تو به عظیم‌ترین آن، و همهٔ

عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي

عظمت تو عظیم است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام عظمتت. خداوندا؛ همانا

أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

از تو درخواست می‌کنم از نور تو به نورانی‌ترین آن، و همهٔ نور تو نورانی است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم

بِنُورِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهٰا وَكُلُّ

به تمام نورت. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از رحمت تو به گسترده‌ترین آن، و همهٔ رحمتت

رَحْمَتِكَ وٰاسِعَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي

گسترده است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام رحمتت. خداوندا؛ همانا

أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمٰاتِكَ بِأَتَمِّهٰا وَكُلُّ كَلِمٰاتِكَ تٰامَّةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

از تو درخواست می‌کنم از کلمات تو به کاملترین آن، و همهٔ کلمات تو کامل است. خداوندا؛ از

أَسْأَلُكَ بِكَلِمٰاتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمٰالِكَ بِأَكْمَلِهِ

تو درخواست می‌کنم به تمام کلماتت. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از کمالت به کاملترین آن

وَكُلُّ كَمٰالِكَ كٰامِلٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكَمٰالِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و همهٔ کمالات تو کامل است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام کمالاتت. خداوندا؛ همانا

أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمٰآئِكَ بِأَكْبَرِهٰا وَكُلُّ أَسْمٰآئِكَ كَبيرَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

از تو درخواست می‌کنم از نام‌هایت به بزرگترین آن، و همهٔ نام‌هایت بزرگ است. خداوندا؛

أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰآئِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِـزَّتِكَ بِأَعَـزِّهٰا

از تو درخواست می‌کنم به تمام نام‌هایت. خداوندا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم از عزّتت به عزیزترین آن

وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و همهٔ عزّت تو عزیز است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام عزّت و توانمندیت. خدایا؛

أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضٰاهٰا، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مٰاضِيَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

از تو درخواست می‌کنم از مشیّت و خواسته‌ات به اجرا شونده‌ترین آن، و همهٔ خواسته‌ات اجرا شونده است. خداوندا؛ از تو

أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِـالْقُدْرَةِ

درخواست می‌کنم به تمام مشیّت و خواسته‌ات. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از قدرت و توانائی‌ات

الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهٰا عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، وكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ. أَللّٰهُمَّ

که بر هر چیز غلبه و برتری دارد، و همهٔ قدرت و توانائی‌ات غلبه‌دارنده است. خداوندا؛

إِنّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ

از تو درخواست می‌کنم به تمام توانائی‌ات. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از علم و دانشت به نافذترین آن

وَكُلُّ عِلْمِكَ نٰافِذٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ. أَللّٰـهُمَّ إِنّـي

و همهٔ علم و دانش تو نافذ است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به همهٔ علم و دانشت. خدایا؛

أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضٰاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

از تو درخواست می‌کنم از گفتارت به پسندیده‌ترین آن و همهٔ گفتار تو پسندیده است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم

بِقَوْلِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسٰآئِلِكَ بِأَحَبِّهٰا إِلَيْكَ، وَكُلُّ

به تمام گفتارت. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از خواسته‌شده‌هایت به محبوبترین آن‌ها، و همهٔ

مَسٰآئِلِكَ إِلَيْكَ حَبيبَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمَسٰآئِلِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ

خواسته‌شده‌هایت محبوب و دوست‌داشتنی است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام خواسته‌شده‌هایت. خدایا؛

إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

از تو درخواست می‌کنم از شرافت و بزرگواریت به شریفترین آن و همهٔ شرف تو شریف و بزرگوار است. خداوندا؛

أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطٰانِكَ بِأَدْوَمِـهِ،

از تو درخواست می‌کنم به تمام شرافتت. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از سلطنت تو به پایدارترین آن،

وَكُلُّ سُلْطٰانِكَ دٰآئِمٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطٰانِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و همهٔ سلطنت تو پایدار است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام سلطنتت. خدایا؛ از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فٰاخِرٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

درخواست می‌کنم از فرمانروایی تو به ارزشمندترین آن و همهٔ فرمانروائی تو افتخارآمیز و ارزشمند است. خداوندا؛ از تو درخواست

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلٰاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ

می‌کنم به تمام فرمانروائیت. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از برتری تو به برترین آن و همهٔ برتری تو برتر و

عٰالٍ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ

بلندمرتبه است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام برتری‌هایت. خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم از لطف و احسان تو

بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ. أَللّٰهُمَّ

به دیرینه‌ترین آن و همهٔ لطف تو دیرینه است. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به تمام لطف و احسانت. خدایا؛

إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ اٰيٰاتِكَ بِأَكْرَمِهٰا وَكُلُّ اٰيٰاتِكَ كَرِيمَةٌ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

از تو درخواست می‌کنم از آیات و نشانه‌هایت به گرامی‌ترین آن و همهٔ آیات و نشانه‌هایت گرامی است. خداوندا؛

أَسْأَلُكَ بِاٰيٰاتِكَ كُلِّهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمٰا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّأْنِ

از تو درخواست می‌کنم به همهٔ آیات و نشانه‌هایت. خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به مرتبه‌ای که تو در آن هستی از شأن

وَالْجَبَرُوتِ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ، وَجَبَرُوتٍ وَحْدَهٰا.

و منزلت و قدرت. و از تو درخواست می‌نمایم به حرمت هر شأن و منزلت یگانه، و هر بزرگی و قدرت بی‌همتا.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِمٰا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ، فَأَجِبْنِي يٰا اَللّٰهُ،

خداوندا؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم به آنچه به آن پاسخ می‌دهی مرا هنگامی که درخواست کنم، پس به من جواب بده،

وَافْعَلْ بِي كَذٰا وَكَذٰا.

و نسبت به من چنین و چنان کن.

و حاجت خود را ذکر می‌کنی که ان شاء الله برآورده می‌شود و آن را به تو عطا می‌کنند.[1]

۱. إقبال الأعمال: ۳۴۵، زاد المعاد: ۱۱۷، بحار الأنوار: ۹۳/۹۸.

نکته‌ای دربارهٔ جریان ولایتعهدی
حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم محدّث قمی فرموده است: اگرچه بـه حسب ظـاهر مأمـون در تـعظیم و توقیر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام می‌کوشید و احترام آن جناب را فروگذار نمی‌کرد، امّا در باطن به طور شیطنت و نفاق با آن حضرت دشمنی می‌کرد و به حکم آیهٔ شریفهٔ ﴿**هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ**﴾ دشمن واقعی بلکه سخت‌ترین دشمنان او بود که به حسب ظاهر به طریق محبّت و دوستی و خوش‌زبانی با آن حضرت رفتار می‌نمود امّا در باطن مـثل مار و افعی آنجناب را می‌گزید و پیوسته کاسه‌های زهر به کام آن بزرگوار می‌رسانید، مثَل معروف است «شیطان الفقهاء فقیه الشیاطین».

لاجرم از زمانی که آن حضرت ولیعهد شـد، اوّل مـصیبت و اذیّت و صـدمات آن حضرت شد، و در همان روزی که با آن حضرت بـیعت کـردند یکـی از خـواصّ آن حضرت گفت: من در خدمت آنجناب بودم و به جهت ظاهر شدن فضل آن حـضرت مستبشر وخوشحال بودم، آن حضرت مرا به نزد خود طلبید و آهسته به من فرمود:

به این امرخوشحال مباش چه این کار به اتمام نخواهد رسید و به این حال نخواهم ماند.

و در حدیث حسن بن جهم است: چون مأمون علمای امصار و فـقهای اقـطار را جمع کرد که با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مباحثه و مناظره نمایند و آن حـضرت بـر هـمه غالب شد و همگی اقرار به فضیلت آن جناب نمودند و از مجلس مأمون برخاست و به منزل خود معاودت فرمود، من در خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: خدا را حمد می‌کنم که مأمون را مطیع شما گردانیده و در اکرام شما مبالغه می‌نماید و غایت سعی مبذول می‌دارد. حضرت فرمود:

یابن جهم؛ محبّت‌های مأمون نسبت به من، ترا فریب ندهد؛ زیرا به این زودی از روی ستم و ظلم، مرا با زهر شهید خواهد کرد، این خبری است که از پدران

من به من رسیده است، این سخن را پنهان دار و تا من زنده‌ام با کس نگوی.

و بالجمله پیوسته آنجناب از سوء معاشرت مأمون، درد در دل نازنینش بود و به کسی نمی‌توانست اظهار کند و آخر کار چندان به تنگ آمده بود که از خدا مرگ خود را می‌خواست، چنانچه یاسر خادم گفته: در هر روز جمعه که آن حضرت از مسجد جامع مراجعت می‌کرد به همان حالتی که عرق‌دار و غبارآلود بود، دست‌ها به درگاه الهی برمی‌داشت و عرضه می‌کرد:

أللّهمّ إن كان فرَجي ممّا أنَا فيه الْمَوْت، فعَجِّلْ لِيَ السّاعَةَ.

خداوندا؛ اگر فرج من و رهائیم از این گرفتاری به مرگ من حاصل می‌شود آن را تعجیل فرما.

و آن حضرت، پیوسته در غم و حزن بود تا از دنیا رحلت فرمود.

و اگر شخص متفطّن در وضع معاشرت و سلوک مأمون با آن حضرت تأمّل کند تصدیق این مطلب را خواهد نمود.

آیا عاقلی تصوّر می‌کند که مأمونِ دنیاپرست ـ که به جهت طلب خلافت و ریاست دستور داد برادرش محمّد امین را در کمال سختی بکشند و سرش را برای او آورند، و در صحن خانهٔ خود او را بر چوبی نصب کنند و سپاهیان خود را دستور داد که هر کسی برخیزد و بر این سر لعنت کند و جایزهٔ خود را بگیرد، آیا چنین کسی که این قدر طالب خلافت و ملک است، ـ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را از مدینه به مرو می‌طلبد و تا دو ماه اصرار می‌کند که من می‌خواهم خود را از خلافت خلع کنم و لباس خلافت را بر تو بپوشانم، جز شیطنت و نفاق نکتهٔ دیگر در نظر اوست؟ در حالی‌که خلافت، قرّة العینِ مأمون بود و در حقّ سلطنت گفته‌اند: «الملك عقيم» و برادرش امین خوب او را شناخته بود؛ چنانچه به احمد بن سلام هنگامی که او را دستگیر کرده بودند گفت: آیا مأمون مرا می‌کشد؟ احمد گفت: ترا نخواهد کشت چه آنکه علاقهٔ رحِم، دل او را بر تو مهربان خواهد کرد. امین گفت: «هيهات؛ الملك عقيم لا رحِم له».

در کتاب «ایجاج الأحزان: ۶۶» نامهٔ مأمون را به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ ولایتعهدی نقل کرده و دعایی از آن حضرت در این باره آورده است.

در هر صورت، مأمون ابداً میل نداشت که از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فضیلت و منقبتی ظاهر شود، چنانچه از ملاحظهٔ روایات رفتن آن حضرت به نماز عید و غیره این مطلب واضح و آشکار است.

و در ذیل حدیث رجاء بن ابی ضحّاک است که وقتی او فضائل و عبادات **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را برای مأمون نقل کرد، مأمون گفت: مردم را به اینها که گفتی خبر نده، و برای مصلحت از روی شیطنت گفت: به جهت آنکه می‌خواهم فضایل آن جناب جز از زبان من ظاهر نشود.

و در آخر کار، وقتی دید هر روز انوار علم و کمال و آثار رفعت و جلال آن حضرت بر مردم ظاهر می‌شود و محبّت آن حضرت در دل‌های ایشان جا می‌کند، آتش حسد در کانون سینه‌اش مشتعل شد و در مقام تدبیر آن حضرت برآمد و آن حضرت را مسموم نمود.

چنانچه شیخ صدوق رحمه‌الله از احمد بن علی روایت کرده است که گفت: از ابوالصلت هروی پرسیدم: چگونه مأمون به قتل **حضرت امام رضا** علیه‌السلام راضی شد؛ با آن اکرام و محبّتی که نسبت به او اظهار می‌کرد و او را ولیعهد گردانیده بود؟

ابوالصلت گفت: مأمون برای این، آن حضرت را گرامی می‌داشت که فضیلت و بزرگواری او را می‌دانست، و ولایتعهد را به او تفویض کرد برای آنکه مردم آن حضرت را چنان بشناسند که در دنیا راغب است، و محبّت او از دل‌های مردم کم شود؛ چون دید که این، باعث زیادتی محبّت و اخلاص مردم شد، علمای جمیع فرق را از یهود، نصاری، مجوس، صائبان، براهمه، ملحدان، دهریان و علمای جمیع ملل و ادیان را جمع کرد که با آن حضرت مباحثه و مناظره نماید شاید که بر او غالب شوند و در آن‌جناب عجز و نقصی ظاهر شود و به این سبب اعتقاد مردم نسبت به آن حضرت ضعیف گردد و این تدبیر نیز برخلاف مقصود او نتیجه داد و همگی آن‌ها مغلوب آن حضرت گردیدند و اقرار به فضیلت و جلالت آن جناب نمودند.[1]

---

۱. تتمّة المنتهی: ۲۷۹.

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام هنگام ولایتعهدی

یاسر گوید: هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام (در روز ششم ماه مبارک رمضان) به اکراه ولیعهد گردید، دست‌های مبارک خود را به طرف آسمان بالا برد و شنیدم که فرمودند:

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنّي مُكْرَهٌ مُضْطَرٌّ، فَلاتُؤاخِذْني كَما لَمْ تُؤاخِذْ

خداوندا؛ تو می‌دانی که من مجبور و ناچارم، پس مرا مؤاخذه مکن، همان‌گونه که

عَبْدَكَ وَنَبِيَّكَ يُوسُفَ حينَ وَقَعَ إِلىٰ وِلٰايَةِ مِصْرَ.[1]

بنده و پیامبرت حضرت یوسف را مؤاخذه نفرمودی؛ هنگامی که او به فرمانروائی و حکومت مصر رسید.

شواهد بسیاری وجود دارد که تحمیل ولایتعهدی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نه بر اساس محبّت و علاقهٔ مأمون، بلکه به خاطر شیطنت و سیاستِ شوم او بوده است.

دشمنی او با خاندان وحی علیهم‌السلام به گونه‌ای بود که گاه از بنی‌امیّه ـ که با بنی‌العبّاس دشمن خونخوار بودند ـ برای سرکوب اهل بیت علیهم‌السلام و علویان کمک می‌گرفت. جریانی که نقل می‌کنیم دلیل بر این مطلب است:

«وقتی عبدالرحمن علوی در یمن بر ضدّ مأمون قیام کرد، «در این هنگام مأمون، طالبیّین را از ورود به نزد خویش منع کرد و دستور داد آنان را به پوشیدن جامهٔ سیاه مجبور سازند[2]».

پس از آن، مأمون سیاست ثابت و تازه‌ای را برای حکومت سرزمین یمن آغاز کرد و از هر گونه جنبش شیعی که امکان داشت در آن‌جا سر بردارد، جلوگیری نمود. مأمون چاره را در آن دید که بر یمن حکمرانی بگمارد که به نیرومندی و قاطعیّت شناخته شده باشد.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۳۰/۴۹.

۲. طبری: ۱۶۹/۷.

وزیرش حسن بن سهل به او توصیه کرد یکی از نوادگان زیاد بن ابیه، والی اموی معروف را انتخاب کند. این فرد پیشنهادشده محمّد بن ابراهیم زیادی بود. مأمون او را حاکم یمن نمود و سلیمان بن هشام بن عبدالملک اموی را به وزارت او گماشت[1]. بدین سان، چنین شد که **حکمران و وزیرش هر دو به امویان وابستگی داشتند و این در حالی است که ما از دشمنی شدید آنان با دودمان علوی به خوبی آگاهیم.**

حکمران تازه ـ محمّد بن ابراهیم زیادی ـ توانست تهامه را فتح کند. او بنای شهر زبید را طرح‌ریزی کرد و آن را پایتخت خود برگزید[2] و بر روح تمرّدی که قبایل یمنی داشتند غلبه کرد. وی که بنا به توصیف ابن خلدون **نسبت به دودمان علیّ بن ابی طالب** علیه‌السلام **سخت کینه می‌ورزید**[3]، یاران و هواداران علویان را تعقیب کرد.

قدرت «محمّد زیادی» رو به فزونی نهاد و موفّق شد پایه‌های حکومت بنی‌زیاد را در یمن محکم کند. این حکومت با آنکه پیوسته از خلیفگان عبّاسی در خطبه‌ها نام می‌برد و خراج و هدایا را به سوی آنان روانه می‌کرد، نوعی حکومت خودمختار و برخوردار از استقلال داخلی شناخته شده است[4].

«محمّد زیادی» در طول حیاتش بر یمن حکم راند و فرزندانش حکمرانی را پیاپی از او ارث بردند. سپس برخی از وابستگان و غلامان ایشان زمام حکومت را به دست گرفتند و تا سال ۵۵۳ هـ‌ق با این عنوان حکم راندند. این دولت را که نخستین دولت مستقلّی است که سرزمین یمن را تجربه کرد[5]، دولت زیادیان می‌خواندند. پایه‌های این استقلال با ضعف دولت عبّاسیان استحکام یافت.

«محمّد زیادی» با قدرتی که مأمون به او تفویض کرده بود و با علاقه‌ای که مأمون به تقویت حکمرانی او داشت فرمانروایی کرد. چه مأمون با هزار سواره‌نظام که در میان

---

۱. تاریخ الیمن: ۱۸۵.

۲. در آن‌جا وادیی بود که آن را «وادی زبید» می‌خواندند. محمّد زیادی در آن شهری جدید ساخت و آن را به تناسب این وادی، «زبید» نامید. این شهر در تهامهٔ یمن واقع است و بیشتر ساکنانش از قبیلهٔ اشاعر هستند. (تاریخ الیمن: ۳۶ـ۳۷، المخلاف السلیمانی: ۱۰۷/۱)

۳. ابن خلدون، العبر: ۲۴۳/۲.

۴. بغیة المستفید: خطّی، برگ ۴۵.

۵. تاریخ الیمن: ۲۰۲.

آنان هفتصد تن از خراسانی‌ها بودند، او را یاری داد. بعدها قلمرو دولت زیادیان توسعه یافت و حضرموت، دیار کِنده، شحر، برباط، لحج، عدن و فلات‌های واقع میان این آبادی‌ها را شامل گردید[1].»[2]

پانزدهم ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمود:

پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمّد، و آن حضرت از پدرش محمّد بن علی، و آن حضرت از پدرش علیّ بن الحسین علیهماالسلام و آن حضرت از اسماء بنت عمیس، و او از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که فرزندم حسن علیه‌السلام را به دنیا آوردم، پدرم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نزد ما آمد و فرمود: ای اسماء؛ پسرم را بیاور.

اسماء گوید: او را در حالی‌که در میان پارچهٔ زردرنگی بود به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دادم، آن حضرت در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت، سپس به علی علیه‌السلام فرمود: پسرم را چه نام نهاده‌ای؟

علی علیه‌السلام عرض کرد: ای رسول خدا؛ هرگز در نامگذاری او بر شما سبقت نمی‌گیرم، دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگارم پیشی نمی‌گیرم. در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد؛ پروردگار بلندمرتبه به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: جایگاه علی نسبت به تو، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پیامبری بعد از تو نیست، این پسرت را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: نام پسر هارون چه بوده است؟

---

۱. دراسات في العصور العبّاسيّة المتأخّرة: ۱۲ـ۱۶.

۲. مبارزات شیعیان در دورهٔ نخست خلافت عبّاسیان: ۳۹۹.

عرض کرد: «شبّر».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسن» بگذار.

اسماء گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله او را «حسن» نامید و هنگامی که روز هفتم ولادت او رسید، از طرف او دو قوچ فربه عقیقه کرد و یک ران و یک دینار به قابله مرحمت فرمود، سپس سر حسن علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره صدقه داد و مادّهٔ خوش‌بوئی به سر او مالید، سپس فرمود: ای اسماء؛ خون به پیشانی و سر طفل مالیدن از کارهای جاهلیّت است.

اسماء گوید: پس از گذشت یکسال حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود: ای اسماء؛ پسرم را بیاور. من او را در حالی‌که در پارچهٔ سفیدی بود به آن حضرت دادم، رسول خدا صلی الله علیه و آله در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و آن‌گاه در دامان خود نهاد و گریه کرد.

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما؛ چرا گریه می‌کنید؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر این پسرم.

عرض کردم: او که تازه به دنیا آمده است.

فرمود: او را پس از من گروه ستمگری می‌کشند، خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نگرداند.

سپس فرمود: ای اسماء؛ این خبر را به فاطمه‌ام نگو؛ زیرا که نوزادش تازه تولّد یافته است.

سپس به علی علیه السلام فرمود: این پسرم را چه نام نهاده‌ای؟

عرض کرد: ای رسول خدا؛ هرگز در نامگذاری او بر شما پیشی نگرفته‌ام، ولی دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من نیز پروردگارم را در نامگذاری او پیشی نخواهم گرفت، در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: خداوند والای بلند مرتبه به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: جایگاه علی علیه السلام نسبت به تو مانند جایگاه

هارون نسبت به موسی است، این پسر را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نام فرزند هارون چیست؟

عرض کرد: «شبیر».

پیامبر فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسین» بگذار.

روز هفتم ولادت که فرارسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف او دو قوچ فربه را عقیقه کرد و به زن قابله یک ران آن و یک دینار مرحمت فرمود، سپس سر حسین علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره داد و مادّهٔ خوش‌بوئی بنام «خلوق» بر سر او مالید و فرمود: ای اسماء؛ مالیدن خون بر سر و پیشانی طفل از کارهای دوران جاهلیّت است.[1]

فضیلت شب‌های قدر

حضرت امام رضا علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

من أحیٰی لیلة القدر غفرت له ذنوبه ولو کانت عدد نجوم السمآء ومثاقیل الجبال ومکائیل البحار.

کسی که شب قدر را به شب‌زنده‌داری بپردازد، گناهانش آمرزیده شود؛ گرچه به عدد ستارگان آسمان و وزن کوه‌ها و پیمانهٔ دریاها باشد.[2]

شهادت **حضرت امام رضا** علیه السلام در روز چهاردهم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده، و مرحوم شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرّضا علیه السلام» شهادت آن حضرت را در روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان نقل کرده است. بنابراین، زیارت آن حضرت در این دو روز دارای فضیلت بیشتری است.

---

۱. عیون اخبار الرّضا علیه السلام: ۲۴/۲، و در صحیفة الإمام الرضا علیه السلام: ۲۴۰ با تفاوت زیاد.

۲. وسائل الشیعة: ۱۷۳/۵.

۲

ماه شوّال

اعمال روز عید فطر

فضل بن شاذان از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا روز فطر، عید قرار داده شده؛ تا زمان اجتماعی برای مسلمانان فراهم آید و در آن گرد هم جمع گردند و برای خداوند عزیز والامقام بیرون آیند و او را تمجید کنند بر الطاف و نعمت‌هایش که مرحمت فرموده است، پس روز عید می‌باشد و روز اجتماع و روز فطر و روز رغبت و روز تضرّع.

و برای این‌که اوّلین روز سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال می‌شود؛ زیرا اوّلین ماه سال نزد اهل حق ماه رمضان است، و خداوند عزیز باجلالت دوست دارد که در آن روز برای ایشان مجتمعی باشد که او را سپاس گویند و تقدیس نمایند.

و همانا در این نماز، تکبیر بیش از تکبیر در غیر آن قرار داده شده؛ چون تکبیر، بزرگداشت خداوند و تمجید او است بر هدایتی که کرده و عافیتی که بخشیده است؛ همان‌طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿وَلِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلىٰ مٰا هَدىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُون﴾[1].

تا خدا را بر این‌که شما را هدایت کرده بزرگ شمارید، و باشد که شکرگزاری کنید.

و همانا در آن، دوازده تکبیر قرار داده شده، در دو رکعت دوازده تکبیر، هفت تا در رکعت اوّل و پنج تا در رکعت دوّم می‌باشد و هر دو را مساوی نگردانیده؛ زیرا سنّت در نماز فریضه این است که با هفت تکبیر شروع شود، لذا در اینجا هم

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۵.

هفت تکبیر را مقدّم داشته و به آن شروع کرده، و در رکعت دوّم پنج تکبیر قرار داده شده؛ چون تکبیرة الإحرام در روز و شب پنج تکبیر است، برای اینکه عدد تکبیرها در هر یک از دو رکعت، فرد باشد.[1]

رفتن حضرت امام رضا علیه‌السلام برای خواندن نماز عید فطر

علیّ بن ابراهیم گفت: یاسرِ خادم هنگامی که بعد از وفات **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از خراسان بازگشت، همهٔ اخبارش را بازگو کرد.

و نیز علیّ بن ابراهیم گفت: ریّان بن صلت ـ که از اطرافیان حسن بن سهل بود ـ برایم حدیث کرد و گفت: پدرم از محمّد بن عرفه و صالح بن سعید حدیث کرد که تمامی اینها اخبار **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را بازگو نموده‌اند و گفته‌اند:

هنگامی که آن خلع‌شده (یعنی امین) برکنار شد و مأمون زمام قدرت و ریاست را در دست گرفت، به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نامه نوشت و آن حضرت را به خراسان دعوت کرد.

امام برای او عذر می‌آورد و از رفتن خودداری می‌نمود، ولی مأمون به درخواست خویش ادامه می‌داد و پیوسته مکاتبه می‌کرد تا آن‌که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دانست که او دست‌بردار نیست، به ناچار از مدینه خارج شد در حالی که فرزندش ابوجعفر علیه‌السلام سنّ مبارکش هفت سال بود.

مأمون نوشت که از راه کوفه و قم حرکت نکن، لذا آن حضرت را از راه بصره و اهواز و فارس عبور دادند تا به مرو رسید، پس چون امام علیه‌السلام به مرو رسید مأمون امر خلافت و امارت را به امام علیه‌السلام پیشنهاد کرد، و امام علیه‌السلام نپذیرفت، و گفتگوهای فراوانی در مورد آن شد و تا دو ماه این گفتگوها جریان داشت و مأمون اصرار می‌ورزید و امام علیه‌السلام از پذیرفتن خودداری می‌نمود، لذا یک مرحله پائین آمد و ولایتعهدی را پیشنهاد کرد و امام علیه‌السلام فرمود:

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۱۸۱/۷، وسائل الشیعة: ۱۰۵/۵، بحار الأنوار: ۳۶۲/۹۰.

با شروطی که از تو می‌خواهم آن را می‌پذیرم.

مأمون عرض کرد: هر شرطی که می‌خواهی بخواه، امام علیه‌السلام نوشت:

من در امر ولایتعهدی وارد می‌شوم به شرط آنکه هیچگونه امر و نهی نداشته باشم، قضاوت نکنم، و چیزی را تغییر ندهم و از همهٔ این امور اجرائی معاف باشم.

مأمون شروط امام علیه‌السلام را پذیرفت، آنگاه کارگزاران و قضات و فرماندهان و سران لشکر و همهٔ فرزندان عبّاس را دعوت کرد که با آن حضرت به ولایتعهدی بیعت کنند، آن‌ها بر او خروشیدند و اختلاف کلمه در میان آنان پیدا شد.

مأمون اموال فراوانی به سران و فرماندهان بخشید و همهٔ آنان را راضی نمود جز سه نفر به نام‌های عیسی جلودی، علیّ بن عمران، و ابو یونس که از بیعت با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام سرباز زدند، لذا آن‌ها را در زندان انداخت و بیعت صورت گرفت و این خبر را به همهٔ شهرها اعلام کردند و بر درهم و دینار به نام آن حضرت سکّه زدند و در منبرها خطبه بنام او خواندند، و مأمون در این راه ـ **برای انجام هدف شوم و پشت‌پرده‌ای که قصد انجام آن را در آینده داشت** ـ خرج فراوان و مال بسیاری مصرف کرد.

چون هنگام عید فرا رسید، مأمون کسی را نزد **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرستاد و از او خواست که برای نماز عید حضور پیدا کند و خطبه بخواند تا دل‌های مردم مطمئن گردد و فضل و دانش او را همگان بشناسند و دل‌های آنان بر این دولت مبارک قرار گیرد. امام علیه‌السلام پیغام داد:

از قراردادی که میان من و تو در هنگام پذیرش ولایتعهدی صورت گرفته باخبری و هنوز آن شروط را از یاد نبرده‌ای.

مأمون پاسخ داد: با این کار می‌خواهم این مطلب در دل‌های عموم مردم و همهٔ مأموران لشکری و کشوری رسوخ پیدا کند و دل‌های آنها مطمئن گردد و به آنچه خداوند از فضیلت و برتری به شما داده اقرار کنند.

و چون مدّتی بین آن‌ها کلمات رد و بدل شد و مأمون بر آن اصرار ورزید، امام علیه السلام فرمود:

... اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر مایلم، ولی اگر نمی‌پذیری من با همان هیئتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و علیّ بن ابی طالب علیه السلام برای نماز بیرون می‌رفتند خارج می‌شوم.

مأمون عرض کرد: آنگونه که دوست داری انجام بده.

از آن طرف، مأمون به همهٔ سران لشکر و مردم دستور داد که بامداد عید، درب خانهٔ **حضرت امام رضا** علیه السلام اجتماع کنند، زن و مرد و کودک همگی بر سر راه‌ها نشستند و کوچه‌ها پر از جمعیّت گردید و سران و فرماندهان لشکر اطراف خانهٔ **حضرت امام رضا** علیه السلام گرد آمدند.

همینکه خورشید طلوع کرد، **حضرت امام رضا** علیه السلام غسل کرد و عمّامهٔ سفیدرنگی که از پنبه بود بر سر مبارک نهاد و یک‌طرف آن را روی سینه و طرف دیگر آن را بر شانه‌اش رها کرد و آماده گردید، سپس به همهٔ موالیانش دستور داد: آنچه من انجام دادم شما هم انجام دهید.

آنگاه عصائی بدست گرفت و خارج شد و ما پیشاپیش آن حضرت بودیم در حالی‌که با پای برهنه راه می‌رفت، پاچه‌های شلوار را تا نیمی از زانو بالا زده، و جامه را از روی پاها نیز بالا زده بود، پس چون حرکت کرد و ما پیشاپیش او براه افتادیم سر مبارک خود را به سوی آسمان بالا برد و چهار تکبیر گفت، بگونه‌ای که ما خیال کردیم همهٔ هوا و فضا و دیوارها با او همصدا شدند.

سران لشکر و مأموران همگی خود را آراسته و سلاح پوشیده با زیباترین هیئت در کنار در ایستاده بودند، ما با این هیئت پای برهنه، دامن به کمر بسته بر آنان ظاهر شدیم و **حضرت امام رضا** علیه السلام بیرون آمد کنار درب خانه توقّف کوتاهی کرد و فرمود:

اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ عَلٰى مٰا هَدٰانٰا، اَللهُ أَكْبَرُ عَلٰى مٰا رَزَقَنٰا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعٰامِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مٰا أَبْلانٰا.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا را به بزرگی می‌ستایم که ما را هدایت کرد، خدا را به بزرگی می‌ستایم که ما را از گوشت چهارپایان روزی داد، ستایش سزاوار خداوند است بر نعمتهائی که به ما بخشید.

و صدای مبارک خود را به آن جملات بلند کرد و ما صدای خود را بلند کردیم، ناگهان مرو از صدای ناله و گریه به لرزه درآمد، **امام رضا** علیه‌السلام سه مرتبه این جملات را تکرار کرد، فرماندهان و سران لشکر با دیدن **حضرت امام رضا** علیه‌السلام همگی خود را از مرکبها بر زمین انداختند و کفش‌ها را از پاهای خود بیرون آوردند، و مرو یکپارچه ضجّه و ناله گردید بگونه‌ای که مردم نمی‌توانستند از گریه و ناله خودداری کنند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام راه می‌رفت و در هر ده قدمی که برمی‌داشت توقّف کوتاهی می‌نمود و چهار مرتبه تکبیر می‌گفت، ما می‌پنداشتیم که آسمان و زمین و همهٔ در و دیوارها با او همصدا می‌شوند.

این خبر به مأمون رسید، فضل بن سهل به او گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر **امام رضا** به مصلّی و جایگاه آماده‌شده برای نماز با این کیفیّت برسد مردم همه شیفتهٔ او می‌گردند و از تو برمی‌گردند، نظر من این است که از او بخواهی بازگردد.

مأمون فوراً کسی را نزد امام علیه‌السلام فرستاد و از او درخواست رجوع کرد، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام کفش‌های خود را خواست و پوشید و از آنجا بازگشت.[1]

* * *

محمّد بن فضیل گوید: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام به بعضی از غلامان خود در روز فطر ـ در حالی که برایش دعا می‌کرد ـ فرمود:

يا فُلان؛ تَقَبَّلَ اللهُ مِنْكَ وَمِنّا.

فلانی؛ خداوند از تو و از ما قبول فرماید.

سپس ماند تا روز عید قربان شد، به او فرمود:

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۴۷/۲، وسائل الشیعة: ۱۲۰/۵، بحار الأنوار: ۱۳۳/۴۹ و ۳۶۰/۹۰.

يا فُلان؛ تَقَبَّلَ اللهُ مِنّا وَمِنْكَ.

فلانی؛ خداوند از ما و از تو قبول فرماید.

محمّد بن فضیل گوید: به آن حضرت، عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ در فطر چیزی فرمودی و در قربان چیزی غیر از آن می‌فرمائی. فرمود:

آری؛ در فطر به او گفتم: خداوند از تو و از ما قبول فرماید؛ زیرا او همانند کار من انجام داد و من و او در انجام کار مساوی بودیم، و در عید قربان گفتم: خداوند از ما و از تو قبول فرماید؛ چون برای ما ممکن است قربانی کنیم و برای او امکان ندارد که قربانی کند، پس ما کاری غیر از کار او کردیم.

۳

ماه ذی القعده

همان‌گونه که گفتیم، روزهایی که مناسبت بیشتری با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نسبت به ایّام دیگر دارد، زیارت آن حضرت از فضیلت و برتری زیادتری برخوردار است. **بنابر مشهور، ولادت آن حضرت در روز یازدهم ماه ذیقعده است**[1].

ولادت حضرت امام رضا علیه‌السلام

عماد الدین طبری در «بشارة المصطفی» می‌نویسد: هشام بن احمد گوید: امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

هل علمت أحداً من أهل المغرب قدم؟

آیا خبر داری که کسی از اهل مغرب آمده؟

عرض کردم: نه.

---

۱. مرحوم شیخ صدوق، ولادت آن حضرت را در یازدهم ماه ربیع الأوّل ذکر نموده، بنابراین نقل، زیارت آن بزرگوار در روز یازدهم ربیع الأوّل نیز دارای فضیلت بیشتری از سایر ایّام است.

فرمود: چرا، یک نفر آمده، برخیز و به سوی او برویم.

هر دو بر مرکب سوار شدیم و به نزد او رفتیم، دیدم مردی از اهل مغرب است که چند برده با خود دارد، امام کاظم علیه‌السلام به او فرمود:

کنیزهای خود را نشان بده.

وی نُه کنیز برای ما نشان داد که هر کدام از آن‌ها را نشان می‌داد امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمود: این را نمی‌خواهم.

در این موقع امام کاظم علیه‌السلام به او فرمود: کنیز دیگری نشان بده.

وی گفت: دیگر کنیزی ندارم.

حضرت فرمود: چرا؛ کنیز دیگری نشان بده.

گفت: سوگند به خدا؛ فقط یک کنیز دارم که آن هم بیمار است.

حضرت فرمود: اگر اشکالی ندارد او را نشان بده.

او از نشان‌دادن آن کنیز امتناع ورزید و امام علیه‌السلام بازگشت. فردا صبح امام علیه‌السلام مرا نزد او فرستاد و فرمود:

به او بگو: نهایت قیمت آن کنیز چقدر است؟ وقتی گفت: فلان مبلغ، تو بگو: خریدم.

فردا صبح نزد او رفتم و گفتم: آن کنیز را چند می‌فروشی؟

گفت: کمتر از فلان مبلغ نمی‌فروشم.

گفتم: به همان مبلغ خریدم.

گفت: (من هم پذیرفتم) کنیز مال تو، ولی به من بگو: آن شخصی که دیروز با تو بود، کیست؟

گفتم: شخصی از بنی‌هاشم بود.

گفت: از کدام بنی‌هاشم؟

گفتم: بیش از این در مورد او نمی‌دانم.

او گفت: من همینک داستان این کنیز را برایت تعریف می‌کنم: من او را از دورترین منطقهٔ مغرب خریدم، زنی از اهل کتاب مرا دید و گفت: این چه کنیزی

است که نزد توست؟

گفتم: او را برای خودم خریده‌ام.

گفت: **سزاوار نیست که چنین کنیزی نزد چون تو باشد، این کنیز شایسته است نزد بهترین فرد روی زمین باشد، اندکی پیش او نمی‌ماند جز این‌که از او فرزندی متولّد خواهد شد که شرق و غرب عالم تابع او می‌شوند.**

هشام بن احمد گوید: **من آن کنیز را خدمت مولایم امام کاظم** علیه‌السلام **آوردم و چیزی نگذشت که حضرت امام رضا** علیه‌السلام **از او متولّد شد.**[1]

روز ششم و بیست و سوّم ذی القعده

مرحوم شیخ مفید فرموده است: در روز ششم ماه ذیقعده، خداوند تورات را بر حضرت موسی بن عمران نازل فرمود، و در آن روز در سال ۲۰۱ هجری بیعت گرفتن برای سرور ما **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما‌السلام تحقّق یافت، و آن، روز شریف و ارزشمندی است که سُرور و شادمانی برای اهل ایمان تجدید می‌گردد، صدقه‌دادن به مساکین و تهیدستان و نیکی کردن به آنان و شکرگزاری فراوان برای خداوند عزیز ـ به خاطر آنچه از حقّ آل محمّد علیهم‌السلام آشکار ساخته و بینی منافقان را به خاک مالیده ـ در چنین روزی مستحبّ است.

و در بیست و سوّم ماه ذیقعده وفات سَرور ما **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیهما‌السلام در شهر طوس از سرزمین خراسان به سال ۲۰۳ هجری اتّفاق افتاده است.[2]

بزرگان روزهای دیگری را نیز برای شهادت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام تعیین کرده‌اند و در «ارشاد» فرموده است: در ماه صفر سال ۲۰۳ آن حضرت به شهادت رسیده است. در کتاب «کافی»، کتاب «دُرّ» و کتاب «عتیق» نیز چنین گفته‌اند. در کتاب «موالید الأئمّة علیهم‌السلام» شهادت را در سال ۲۰۲ هجری و در کتاب «مناقب» روز جمعه هفت روز مانده از ماه مبارک رمضان سال ۲۰۲ هجری نقل کرده‌اند.

---

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم‌السلام: ۶۷۱/۲ به نقل از بشارة المصطفی: ۲۱۵، الخرائج: ۶۵۳/۲ ح ۶ (با اندکی اختلاف)، بحار الأنوار: ۷/۴۹ ح ۱۱.

۲. مسارّ الشیعة: ۳۴.

در کتاب «درّ» گفته است: مأمون در روز جمعهٔ اوّل ماه رمضان سال ۲۰۲، آن حضرت را با زهری که در انگور پنهان کرده بود در شهر طوس در سناباد مسموم کرد.[۱]

شهادت آن حضرت، در روز چهاردهم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز بیست و سوّم ذی القعده

علاّمهٔ مجلسی رحمه‌الله از سیّد بن طاووس رحمه‌الله نقل کرده است: در بعضی از تألیفات و نوشته‌های علمای فارسی‌زبان شیعه دیده‌ام که فرموده‌اند:

زیارت مولای ما **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در روز بیست و سوم ذیقعده از دور یا نزدیک به بعضی از زیارت‌های معروف آن حضرت یا به آنچه مانند زیارت باشد مستحب است.[۲]

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعده

حسن بن علی وشّاء گفت: به همراه پدرم ـ در حالی‌که نوجوان بودم ـ در شب بیست و پنجم ذیقعده خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رسیدیم، و نزد آن حضرت شام خوردیم، امام علیه‌السلام به پدرم فرمود:

> در شب بیست و پنجم ذیقعده حضرت ابراهیم علیه‌السلام تولّد یافته و حضرت عیسی بن مریم به دنیا آمده و در آن شب، زمین زیر کعبه گسترده شده است، هر کس آن را روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.

و روایت شده است که در نوزده ذیقعده خدا کعبه را فرو فرستاده و آن اوّل رحمتی است که نازل شده است، هر کس آن روز را روزه بگیرد کفّارهٔ هفتاد سال گناه او است.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۹۸/۹۸.

۲. بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

علّامهٔ حلّی ﷺ در کتاب «منتهی المطلب» فرموده است: رئیس المحدّثین کلینی رضوان الله تعالی علیه در «کافی»، و شیخ طوسی روّح الله تعالی ضریحه در «تهذیب» روایت کرده‌اند که: **حضرت علیّ بن موسی الرضا** صلوات الله علیه فرموده است:

در بیست و پنجم ذیقعده خدا کعبه را بنا نهاده و آن اوّل رحمتی است که بر روی زمین نهاده شده است، خداوند آن را پناهگاه و محلّ امن برای مردم قرار داده، پس هر کس آن روز را روزه بگیرد برای او روزهٔ شصت ماه بنویسد.[1]

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام
در روز بیست و پنجم ذی القعده (دحو الأرض)

مرحوم میرداماد در رسالهٔ «اربعة ایّام» می‌نویسد: زیارت سیّدنا ومولانا إمام الوری ومنار الهدی ابی الحسن **علیّ بن موسی الرضا** علیه من الصلوات أنماها ومن التسلیمات أزکاها، در این روز **افضل اعمال مستحبّه و آکد آداب مسنونه است**.

و همچنین زیارت آن حضرت در روز اوّل ماه رجب نیز بسیار زیاد تأکید شده است.

ابو جعفر بن بابویه رضوان الله تعالی علیه در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت کرده است که استقرار سفینهٔ نوح نبی علی نبیّنا وآله وعلیه السلام بر جودیّ در روز اوّل ماه رجب بوده است، و آن روزی است عظیم القدر و جلیل المنزله، امّا از ایّام أربعه نیست.

و در روایت جمعی از اصحاب رضوان الله تعالی علیهم روز استقرار سفینه بر جودیّ بیست و پنجم ذی‌القعدة الحرام است که از ایّام أربعه است و روز «دَحو الأرض» است.

وظیفهٔ زیارت در این روز از دور ـ هرگاه زائر در مشهد مقدّس نباشد ـ آن است که بعد از غسلِ «دحو الأرض»، غسل زیارت کند، و به فارسی چنین نیّت کند: غسل زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از دور در روز دحو الأرض می‌کنم برای آنکه سنّت است قربة إلی الله.

---

۱. أربعة أیام: ۷۶.

و به عـربی: «**أغتسل غُسل زيارة أبي الحسن الرضا** عليه السلام **عن البُعد فـي يـوم دَحـو الأرض لنَدْبه قُربة إلى الله**».

پس اگر در یکی از مشاهد ائمّهٔ معصومین علیهم السلام واقع باشد، و خواهد که در تحت قبّهٔ آن معصوم، **حضرت امام رضا** علیه السلام را زیارت نماید، زیارت را بر نـماز زیـارت مـقدّم دارد، و اگر در حرم هیچ معصومی نباشد، باید که به صحرا بیرون رود، یا پشت بـام خانهٔ خود، یا بر موضعی مرتفع زیر آسمان که هیچ سقفی نباشد برآید، و نماز زیارت را بر زیارت مقدّم داشته، اوّل دو رکعت نماز زیارت بخواند، و افـضل آن است کـه شش رکعت نماز زیارت بجا آورد، یا چهار رکعت هر دو رکعت به یک سلام.

نیّت آن به فارسی: نماز زیارت **حضرت امام رضا** علیه السلام از دور در روز دَحو الأرض می‌گذارم از برای آن‌که سنّت است قربة إلی الله.

و به عـربی: «**أُصلّی صلاة زيارة مولاي الرضا** عليه السلام **عن البُعد في يوم دحـو الأرض لندبها قربة إلى الله**».

و چون از نماز فارغ شود، تسبیح حضرت فاطمهٔ زهراء علیها السلام بگوید، پس سـر بـه سجده نهاده، پیشانی و بینی را بر تربت مبارکهٔ امام حسین علیه السلام گذاشته، بگوید:

أَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ رُوحِ سَيِّدي وَإِمٰامي

خداوندا؛ این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از طرف من به روح پاک سرورم و امامم و پیشوایم،

عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا...[1].

بندهٔ تو و ولیّ تو ابا الحسن علیّ بن موسی الرضا... .

پس سر از سجده برداشته، به زیارت برخیزد، و مـتوجّه جـانب مشـهد مـقدّس رضوی ایستاده، نیّت زیارت کند به فارسی:

زیارت **حضرت امام رضا** علیه السلام می‌کنم از دور در روز «دَحو الأرض» از جانب خود و پدر و مادرم، و از جانب جمیع مؤمنین و مؤمنات، از برای آن‌که سنّت است قربة إلی الله.

---

۱. این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۴» آوردیم.

و به عربی: «**أزور سيّدي ومولاي وإمامي أبا الحسن عليّ بن موسى الرضا** عليه السلام **عن البُعد في مقامي هذا عنّي وعن والديّ، وعن جميع المؤمنين والمؤمنات، لنَدبها قربة إلى الله**».

سپس مرحوم میرداماد «**زیارت جوادیّه**» را ـ که در «بخش زیارت‌های **حضرت امام رضا** عليه السلام» می‌آوریم ـ نقل کرده است.[1]

ماه ذی الحجّه

دعای روز عرفه

از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** صلوات الله علیهما خواندن این دعا در روز عرفه روایت شده است:

أَللّٰهُمَّ كَمٰا سَتَرْتَ عَلَيَّ مٰا لَمْ أَعْلَمْ فَاغْفِرْ لي مٰا تَعْلَمُ، وَكَمٰا

خداوندا؛ آنگونه که بر من پوشیدی آنچه را که نمی‌دانستم، بیامرز و ببخش آنچه را که از خطاهای من می‌دانی؛ و همانطور که

وَسِعَني عِلْمُكَ فَلْيَسَعْني عَفْوُكَ، وَكَمٰا بَدَأْتَني بِالْإِحْسٰانِ فَأَتِمَّ

علم و آگاهی تو مرا در برگرفته، عفو و گذشت خود را فراگیرم نما؛ و همانگونه که نسبت به من به لطف و احسان ابتدا نمودی،

نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرٰانِ، وَكَمٰا أَكْرَمْتَني بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهٰا بِمَغْفِرَتِكَ،

پس نعمت خویش را با آمرزش، کامل گردان؛ و همچنانکه مرا به معرفت خود گرامی داشتی، پس با مغفرت خود آن را زیاده گردان؛

وَكَمٰا عَرَّفْتَني وَحْدٰانِيَّتَكَ فَأَكْرِمْني طَمٰاعِيَّتَكَ، وَكَمٰا عَصَمْتَني

و همان‌طور که یکتائی خود را به من شناسانیدی پس مرا به امیدوار بودن به خودت گرامی بدار، و همان‌گونه که مرا حفظ کردی در

مِمّٰا لَمْ أَكُنْ أَعْتَصِمُ مِنْهُ إِلّٰا بِعِصْمَتِكَ، فَاغْفِرْلي مٰا لَوْ شِئْتَ

مواردی که اگر حفظ و نگهداری تو نبود هرگز نمی‌توانستم خود را حفظ کنم و نگه دارم، پس بیامرز و ببخشای بر من آنچه را که

---

۱. أربعة أيّام: ۵۳.

عَصَمْتَني مِنْهُ، يٰا جَوٰادُ يٰا كَرِيمُ، يٰـا ذَا الْـجَلٰالِ وَالْإِكْـرٰامِ. [1]

اگر خواسته بودی مرا از آن حفظ می‌کردی، ای بخشنده؛ ای بزرگوار؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

نماز عید قربان

مأمون روز عیدی برایش مشکل مزاجی پیش‌آمد کرد که او را از رفتن به نماز بازداشت، به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کرد: ای اباالحسن؛ شما برخیزید و نماز را با مردم بپا دارید.

حضرت امام رضا علیه‌السلام خارج شد در حالی‌که پیراهن کوتاه سفیدرنگ پوشیده و عمّامهٔ سفید پاکیزه‌ای بر سر نهاده که هر دو از پنبه بود و چوبی در دست گرفته، به طرف جایگاه نماز پیاده به راه افتاد و می‌فرمود:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبَوَيَّ ٰادَمَ وَنُوحٍ، اَلسَّلامُ عَلٰى أَبَوَيَّ إِبْـرٰاهِـيمَ وَإِسْـمٰاعِيلَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبَوَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلٰى عِبٰادِ اللهِ الصّٰالِحِينَ.

سلام بر پدرانم آدم و نوح، سلام بر پدرانم ابراهیم و اسماعیل، سلام بر پدرانم محمّد و علی، سلام بر بندگان شایستهٔ خداوند.

همینکه مردم او را مشاهده کردند با شتاب به سویش آمده و برای بوسیدن دست مبارکش هجوم آوردند. بعضی از کسان و بستگان مأمون که وضع را چنین دیدند فوراً نزد خلیفه آمدند و گفتند: مردم را دریاب و نماز را خودت با آن‌ها بپادار وگرنه الآن است که خلافت را از دست بدهی، و او را وادار کردند که با شتاب بیرون رود.

حضرت امام رضا علیه‌السلام به خاطر جمعیّت و شلوغی به محلّ برگزاری نماز نرسیده بوده، در این هنگام مأمون پیشی گرفت و به نماز ایستاد تا مردم با او نماز را بپا دارند.[2]

در کتاب «ایجاج الأحزان» این موضوع را نقل کرده و تصریح نموده است که این جریان در روز عید قربان واقع شده است.[3]

---

۱. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۶۱، مستدرك الوسائل: ۲۵/۱۰، بحار الأنوار: ۲۱۶/۹۸.

۲. بحار الأنوار: ۱۷۱/۴۹.

۳. ایجاج الأحزان: ۱۲۹.

فضیلت روز عید غدیر

احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب بودم و مجلس پر از جمعیّت بود، دربارهٔ روز غدیر صحبت به میان آمد، بعضی از حاضرین فضیلت آن را انکار کردند، **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرمود:

پدرم از پدرش روایت کرده است که فرمود:

إنّ يوم الغدير في السماء أشهر منه في الأرض، إنّ لله عزّ وجلّ في الفردوس الأعلى قصراً لبنة من ذهب ولبنة من فضّة، فيه مائة ألف قبة من ياقوتة حمراء ومائة ألف خيمة من ياقوت أخضر ترابه المسك والعنبر، فيه أربعة أنهار: نهر من خمر، ونهر من ماء، ونهر من لبن، ونهر من عسل. حواليه أشجار جميع الفواكه. عليه طيور أبدانها من لؤلؤ وأجنحتها من ياقوت تصوّت بألوان الأصوات.

فإذا كان يوم الغدير ورد إلى ذلك القصر أهل السموات يسبّحون الله ويقدّسونه ويهلّلونه، فتطاير تلك الطّيور فتقع في ذلك الماء وتتمرّغ على ذلك المسك والعنبر، فإذا اجتمعت الملائكة طارت تلك الطيور فتنفض ذلك.

وإنّهم في ذلك اليوم ليتهادون نثار فاطمة علیهاالسلام**، فإذا كان آخر اليوم نودوا: إنصرفوا إلى مراتبكم فقد أمنتم من الخطأ والزّلل إلى قابل في مثل اليوم تكرمة لمحمّد وعليّ** علیهماالسلام.

روز غدیر در آسمان بیش از زمین شهرت دارد، برای خداوند عزیز بلندمرتبه در فردوس برین قصری است که یک خشت آن از طلا و خشت دیگر آن از نقره است، در آن، صد هزار قبّه از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن مشک و عنبر است. در آن، چهار نهر جاری است: نهری از شراب پاک، نهری از آب، نهری از شیر و نهری از عسل. اطراف آن، درختان میوه است و بر آن، پرندگانی

نشسته‌اند که بدن آن‌ها از مروارید و بال‌های آن‌ها از یاقوت است و با صداهای گوناگون آواز می‌خوانند.

روز غدیر که فرارسد اهل آسمان‌ها به آن قصر وارد شوند، تسبیح و تقدیس و تهلیل خدا گویند، پرندگان به پرواز درآیند و بر روی آن آب نشینند و در آن خاکی که مشک و عنبر است بغلطند، چون فرشتگان اجتماع کنند، آن‌ها پرواز کنند و آنچه با خود دارند فرو ریزند، و آنچه بر سر حضرت زهرا علیهاالسلام ریخته‌اند به یکدیگر هدیه کنند، و روز که پایان پذیرد ندائی بلند شود:

به جایگاههای خود بازگردید که تا سال آینده مثل امروز به خاطر گرامی‌داشت (حضرت) محمّد و علی علیهماالسلام از خطا و لغزش ایمن گشتید.

سپس **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رو به من کرد و فرمود:

یابن أبي نصر؛ أین‌ما کنت فاحضر یوم الغدیر عند أمیرالمؤمنین علیه‌السلام **؛ فإنّ الله تبارك وتعالی یغفر لکلّ مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة ذنوب ستّین سنة، ویعتق من النار ضِعف ما أعتق من شهر رمضان ولیلة القدر ولیلة الفطر، وَلَدرهم فیه بألف درهم لإخوانك العارفین، وأفضل علی إخوانك في هذا الیوم وسُرّ فیه کلّ مؤمن و مؤمنة.**

ای پسر ابی نصر؛ در روز غدیر هر کجا باشی خود را نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام برسان و آنجا حضور پیدا کن که خداوندتبارک و تعالی گناهان شصت سالهٔ هر زن و مرد مؤمن و هر زن و مرد اهل تسلیم را بیامرزد، و دو برابر مقداری که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش آزاد کرده است در آن روز آزاد گرداند، و برای هر درهم که به برادران بامعرفت دهی هزار درهم پاداش دهد، در این روز نسبت به برادرانت احسان کن و هر مرد و زن مؤمنی را شادمان گردان.

سپس فرمود:

ای اهل کوفه؛ به شما خیر فراوانی عنایت شده است و همانا برخی از شما از کسانی هستید که خدا دل‌های آنان را برای ایمان آزموده است، آن‌ها خوار شمرده شده و مورد قهر و غلبه قرار گرفته و امتحان شده‌اند، بلا بر ایشان سرازیر

می‌گردد و سپس خداوندی که برطرف‌کنندهٔ گرفتاری‌های بزرگ است آن را برطرف می‌کند.

والله لو عرف النّاس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كلّ يوم عشر مرّات.

به خدا قسم؛ اگر مردم فضیلت این روز را آنگونه که هست می‌شناختند فرشتگان با آنان هر روز ده مرتبه مصافحه می‌کردند.[1]

کلام حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ خطبهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روز غدیر

فیّاض بن محمّد طوسی در سال ۲۵۹ هجری در سنّ نود سالگی در شهر طوس روایت کرده است که **در روز غدیر شرفیاب محضر حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام شدم، عدّه‌ای از یاران خاصّ ایشان درخدمتش بودند، امام علیه‌السلام آن‌ها را برای افطار نگه داشته بود** و خوراک و گندم و لباس و هدایا حتّی انگشتر و کفش برای خانواده‌های آنان فرستاده بود، و احوال ایشان و اطرافیان دیگر را تغییر داده بود و وسیله‌های جدیدی برای اینکه به عنوان عیدی بدهند بود و وسیله‌هایی که از قبل برای عیدی دادن رسم بود نیز وجود داشت، و آن حضرت پیوسته فضیلت آن روز و پیشینهٔ آن را بیان می‌کرد که بخشی از سخنان ایشان چنین بود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر، از پدرش امام صادق، و او از پدرش امام باقر، و او از پدرش امام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم‌السلام روایت کرد:

در سال‌های حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، یک سال روز جمعه با عید غدیر مقارن گشته بود، آن حضرت پنج ساعت که از آن روز گذشت بر فراز منبر رفت و خدا را حمد و ثنا و ستایش نمود؛ ستایشی که مانند آن را کسی نشنیده بود، و تمجیدی کرد که کسی غیر از او چنین تمجیدی نکرده بود، و پس از آن،

۱. إقبال الأعمال: ۷۸۳، وسائل الشيعة: ۳۰۲/۱۰، مصباح المتهجّد: ۷۳۷.

سخنانی فرمود که آنچه از آن سخنان محفوظ مانده، چنین است:

ستایش سزاوار خداوندی است که ستایش را بدون آنکه نیازی به ستایشگرانش داشته باشد راهی از راههای اعتراف به الوهیّت و ربوبیّت و یکتائی خویش، و وسیله‌ای برای افزودن رحمتش، و راهی برای جویندگان فضل و احسانش قرار داد، و حقیقت اعتراف را به اینکه او منعِم است بر آفریدگانش در باطن لفظ پنهان داشت گرچه بزرگ باشد.

و گواهی می‌دهم که خدائی جز خداوند یکتا نیست و شریکی ندارد، آنگونه گواهی که از اخلاص باطنی سرچشمه گرفته و زبان به آن گویا گشته، عبارتی را که از صداقت نهانی برآمده است که او آفریننده، به وجود آورنده، صورت‌آفرین است، برایش نام‌هائی نیکو است، همانند او چیزی نیست؛ زیرا هر چیزی از اراده و خواست او پدید آمده‌اند و لذا هیچگونه شباهتی با پدیدآورنده ندارد.

و گواهی می‌دهم که محمّد بنده و فرستادهٔ او است، او را در عالم ذر و قبل از آفرینش جهان از روی علم و آگاهی بر دیگر امّت‌ها برگزید و ویژگی داد و او با همنوعانش همانند نیست، او را به عنوان فرمان‌دهنده و بازدارنده از طرف خودش انتخاب کرد و در هر کجای عالم جانشین خود ساخت؛ زیرا خداوند قابل مشاهده نیست، دیدگان او را نمی‌بینند و خطورات فکر و اندیشه او را در بر نمی‌گیرند و گمان‌های پنهان و پوشیده در اسرار نمی‌توانند برایش مثالی بیابند.

خدائی جز او که پادشاهی قدرتمند است وجود ندارد، اعتراف به نبوّت پیامبرش را با اعتراف به الوهیّت خویش مقرون ساخته، و او را به خاطر گرامی‌داشت خود امتیازاتی بخشید که هیچیک از آفریدگانش را در آن شرکت نداد، و تنها او شایستگی آن را دارد که از خواصّ و اهل خلّت و دوستی ویژه باشد؛ زیرا آنکه دگرگونی (تغییر در عقیده) با او آمیخته گردد از خواصّ نباشد، و کسی که دچار شک گردد شایستهٔ خلّت و دوستی ویژه نباشد.

و مردمان را دستور داد که بر او درود فرستند و با این فرمان، کرامت وی را افزون نمود و راهی به سوی اجابت برای دعا کننده گشود، پس خداوند بر او درود

فرستد، گرامی‌اش دارد، شرافت بخشد و بزرگ بدارد، و آنقدر افزون گرداند که پایانی برایش نباشد و برای همیشه پیوسته باشد و قطع نگردد و همانا خداوند تبارک و تعالی پس از پیامبرش ـ که درود خداوند بر او و آل او باد ـ گروهی از خاصّان را از میان آفریدگانش برای خویش برگزید، آنان را به برتری خود برتری بخشید، و تا مرتبهٔ او بالا برد، و آنان را دعوت‌کنندهٔ حقیقی به سوی خود و راهنمایانی که در هر دوران و زمانی به او ارشاد کنند قرار داد.

آنان را در عالم پیشین پیش از هر آفریده و پدید آمده به صورت نورهایی آفرید و آنان را به ستایش خود گویا ساخت و سپاس و تمجید خود را به آنها الهام نمود و حجّت قرار داد بر هر که به مالک ربوبیّت و سلطان عبودیّت اعتراف دارد، و به وسیلهٔ آنان زبان کسانی را که گنگ بود و توانائی گفتن نداشت به انواع لغت‌ها گویا ساخت تا به خداوندی او اعتراف کنند و اینکه او پدیدآورندهٔ آسمانها و زمین است.

و ایشان را بر آفرینش خود گواه گرفت و آنچه از امر و فرمان خود خواست به عهدهٔ ایشان نهاد، آنان را مترجم خواستهٔ خود وزبان بیان کنندهٔ اراده‌اش قرار داد، بندگانی که «در گفتار بر او پیشی نمی‌گیرند، به دستور او عمل می‌کنند، او آنچه پیش روی آنان و آنچه پشت سر ایشان است می‌داند، و جز برای کسانی که او بپسندد شفاعت نمی‌کنند و خود از ترس او هراسانند»[1].

به احکام او حکم می‌کنند و سنّت او را اجرا می‌نمایند و حدود او را برپا می‌دارند و آنچه واجب فرموده انجام می‌دهند. او آفریدگان را در مبهمات ناشنوا و در تاریکی‌ها همچون گنگ‌ها رها نکرده است، بلکه برای آنان خردهائی قرار داده که با ظاهر ایشان آمیخته و در کالبدهایشان پخش گردیده و در جان آنان استوار ساخته و حواسّشان را بردهٔ آن گردانیده، پس به وسیلهٔ آن بر گوش‌ها، دیدگان، افکار و خاطره‌ها اقرار گرفت و آنان را به وسیلهٔ آن پای‌بند حجّتش نمود و راهش را به آنان نشان داد. وآنان را از آنچه با زبان‌های رسا گواهی داده به آنچه

۱. ﴿لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ * يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْديهِمْ وَما خَلْفَهُمْ وَلا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾. «سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۲۷ و ۲۸»

پایدار ساخته در آن از قدرت و حکمتش گویا ساخته، و به وسیلهٔ آن نزد ایشان بیان کرد «تاکسی که باید هلاک شود با دلیل روشن هلاک گردد و کسی که زنده گردیده با دلیلی واضح زنده باشد و خداوند بدون تردید شنوا و دانا است»[1].

ای گروه مؤمنان؛ امروز خداوند تبارک و تعالی دو عید بزرگ ارزشمند را برای شما فراهم آورده است؛ دو عیدی که هر کدامش جز به دیگری استوار نمی‌ماند تا آنکه کار نیکو و لطف خود را نزد شما کامل گرداند و شما را به راه رشدش آگاه نماید و پیرو آثار روشن جویندگان به نور هدایتش فرماید، و شما را در راه اعتدالش راه برد، و بخشش گوارایش را بر شما فراوان کند، پس جمعه را هنگام تجمّع و گردآمدن قرار داد و بسوی آن فراخواند تا آنچه پیش از آن بوده پاک گرداند و آنچه کاسبی‌های بد از آن جمعه تا این جمعه ایجاد کرده از آلودگی، شستشو دهد، و یادآور مؤمنان و بیانگر بیم و هراس پرواپیشگان باشد، و ثواب و پاداش اعمال را در آن دوچندان مقداری که برای اهل طاعت خود در پیش از آن می‌بخشد قرار داده است، و آن را ناتمام قرار داده مگر با انجام دادن آنچه به آن امر فرموده و خودداری کردن از آنچه نهی کرده و بازداشته، و گردن نهادن به اطاعتش در آنچه به سوی آن فراخوانده و تشویق نموده است. و او توحیدش را جز با اعتراف به نبوّت پیامبرش نمی‌پذیرد، و هیچ دینی را جز با پذیرش ولایت آنکس که به ولایت او فرمان داده قبول نمی‌کند. و اسباب طاعتش جز با چنگ زدن به دست‌آویزهای او و دست‌آویزهای اهل ولایتش فراهم نمی‌گردد.

پس خداوند در روز غدیر (روزی که به خاطر گرمای زیاد آن، زیر درختان بزرگ یا چادر بزرگی گرد آمده بودند) بر پیامبرش ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ نازل فرمود آنچه بیانگر خواست و ارادهٔ او در مورد خالصان و برگزیدگانش بود، و دستور داد آن را ابلاغ نماید و از اهل انحراف و نفاق بیمی به خود راه ندهد و برایش ضمانت کرد که او را از آزار آنان حفظ فرماید، و از باطن پنهان اهل شک و درون اهل ارتداد و از دین‌برگشته با رمز و اشاره پرده برداشت به‌گونه‌ای که مؤمن

---

۱. ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾. «سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۲»

و منافق آن را فهمید. پس روی‌گردان رو گردانید و آن‌که ثابت بود بر حقّ ثابت و استوار ماند، نادانی منافقان و تعصّب خارج‌شدگان از دین زیادتر شد، چنگ و دندان خود را تیز کردند، بر بازوها فشار آوردند، گوینده‌ای گفت، فریادزننده‌ای فریاد زد، و در دام افتاد آن کس که در دام افتاد، و خارج‌شوندهٔ از دین به خروج خود ادامه داد.

گروهی با زبان بدون حقیقتی که از ایمان سرچشمه گرفته باشد اعتراف کردند، و گروهی با زبان و ایمان راستین اقرار نمودند، و خداوند دین خود را کامل گردانید و چشمان پیامبرش ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ و چشمان مؤمنان و پیروان او را روشن گردانید، و شد آنچه بعضی از شما گواه آن بودید و به برخی از شما خبرش رسید و نشانه و حجّت نیکوی خداوند بر شکیبایان کامل گردید.

و خداوند آنچه فرعون و هامان و قارون و لشکریان ایشان بنا نهاده و اصل و اساس قرار داده بودند ویران ساخت، و عدّه‌ای پست و فرومایه از گمراهان باقی ماندند که در تباهی مردم هیچ کوتاهی نمی‌کنند، خدا آنان را در سرزمینشان هدف قرار می‌دهد و آثارشان را از بین می‌برد، و نشانه‌های ایشان را از میان برمی‌دارد، و به زودی حسرت‌ها و تأسّف‌ها را به دنبال آنان روانه می‌کند و آنان را به کسانی که دست خود را به ستمکاری گشودند و گردنکشی کردند و بر دین خدا توانائی یافتند تا آن را دگرگون سازند و حکم خدا را تغییر دهند ملحق می‌سازد، و به زودی نصرت و یاری خداوند به سود محبوبش و به زیان دشمنش فرا می‌رسد و «خداوند باریک‌بین و آگاه است»، و کمتر از آنچه شنیدید شما را کفایت می‌کند و رساننده است.

پس بیندیشید ـ خدا شما را رحمت کند ـ در آنچه خداوند شما را به سوی آن فرا خوانده و بر آن برانگیخته و تشویق نموده است. آهنگ راه او را بنمائید و مسیر روشن او را بپیمائید «و از راه‌های گوناگون پیروی نکنید که شما را از راه اصلی که راه خدا است دور کند»[1].

---

۱. ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾. «سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۳»

إنّ هذا يوم عظيم الشّأن، فيه وقع الفـرج، ورُفـعت الدّرج، ووضـحت الحجج.

وهو يوم الإيضاح والإفصاح عن المقام الصُّراح، ويوم كمال الدّين، ويوم العهد المعهود، ويوم الشّاهد والمشهود، ويوم تبيان العقود عن النّـفاق والجُحود، ويوم البيان عن حقايق الإيمان، ويوم دَحْر الشّـيطان، ويـوم البُرهان.

هذا يوم الفَصل الّذي كنتم تُوعدون، هذا يوم الملإ الأعلى الّذي أنتم عنه معرضون، هذا يوم الإرشاد، ويوم مِحْنة العباد، ويوم الدّليل على الرّوّاد.

هذا يوم أبدى خفايا الصّدور ومضمرات الأُمور، هذا يوم النّصوص على أهل الخصوص.

هذا يوم شيث، هذا يوم إدريس، هذا يوم يوشع، هذا يوم شمعون، هذا يوم الأمن المأمون.

هذا يوم إظهار المصون من المكنون، هذا يوم إبلاء السّرائر.

بدون تردید امروز روزی است که شأن آن عظیم است و موقعیّت‌های خطیری دارد، در آن گشایش اتّفاق افتاد، درجه‌ها و مراتب بـالا بـرده شـد، و حـجّت‌ها واضـح و آشکار گردید.

امروز روز واضح ساختن و پرده برداشتن از مقام پاک امامت است، روز کامل شدن دین است، روز آن عهدی است که از دیرزمان بسته شده، روز گواه و گواه گرفته‌شده است، روز آشکارشدن پیمان‌ها و قراردادهایی است که از روی نفاق و انکار حقایق بسته شده، روز بیان حقیقت ایمان است، روز راندن و دور کردن شیطان و روز دلیل روشن و آشکار است.

امروز روز جداسازی است که شما وعده داده می‌شدید، امـروز روز خـبر بـزرگ است که شما از آن روی برمی‌گردانید، روز ارشاد و راهنمایی است، روز آزمایش بندگان است، روز دلیل بر جستجوگران و ره‌پویان است.

امروز روز ظاهرشدن پـنهانی‌های سـینه‌ها و کـارهای پـوشیده است، روز نـصّ و

تصریح صریح بر اهل شایستگی و خاصّان است.

امـروز روز «شـیث» است، روز «ادریس» است، روز «هـود» است، روز «یـوشع» است، روز «شمعون» است، (کنایه از این‌که روز تعیین وصیّ و جانشین است).

امروز روز امنی است که ایمن شده، روز ظـاهر کـردن چـیزی است کـه مـصون و محفوظ مانده از پنهانی‌ها، روز پرده برداشتن از رازها و اسرار است.

پس امام علیه‌السلام پیوسته می‌فرمود: امروز روزِ، امروز روزِ... تا آن‌که فرمود:

پس خدا را مراقب خود بدانید و از او پروا کنید و کلام او را بشـنوید و فـرمانش را اطاعت کنید و از مکر و حیله پرهیز کنید و با او نـیرنگ نـزنید، و درون خـود را تفتیش کنید و فساد نکنید، و با توحید و یکتا دانستن او و اطاعت از آنکه دستور به اطاعت او داده به خدا تقرّب جوئید «و به دست‌آویزهای کافران چنگ نزنید» و به گمراهی متمایل نشوید تا با پیروی از آنانکه خود گمراهند و مـردمان را بـه گمراهی می‌کشانند از راه رشد و هدایت دور و به بیراهه دچار شوید.

خداوند فرموده است ـ که گوینده‌ای ارجمند است ـ در مورد گروهی که آنان را در کتابش با مذمّت و سرزنش یاد کرده است که گفتند:

﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلاَ * رَبَّـنَا آتِـهِمْ ضِـعْفَيْنِ مِـنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْناً كَبِيراً﴾.[1]

ما اطاعت کردیم سروران و بزرگان خود را و آن‌ها ما را گمراه ساختند * پروردگارا؛ آنان را دوچندان عذاب کن و مورد لعن فراوان خویش قرار بده.

و خداوند تبارک و تعالی فرمود: هنگامی که در میان آتش احتجاج مـی‌کنند، اشخاص ضعیفِ ناتوان به مستکبرین و زورگویان می‌گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا اکنون می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از ما دور کنید؟ گویند: اگر خدا ما را هدایت می‌کرد ما هم به شما راه را نشان می‌دادیم.

آیا می‌دانید استکبار چیست؟ استکبار؛ رها کردن طـاعت کسـی است کـه بـه

۱. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۶۷ و ۶۸.

اطاعت او فرمان داده شده‌اید، و بزرگی کردن بر کسی است که به پیروی او فراخوانده شده‌اید، و قرآن زیاد در این مورد سخن می‌گوید، اگر شخص اندیشمند در آن بیندیشد او را از بدی بازمی دارد و پند می‌دهد.

ای مؤمنان؛ بدانید خداوند عزیز و بلندمرتبه فرموده است:

﴿إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾.[1]

بدون تردید خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او به پیکار صف می‌کشند که گویا بنائی آهنین هستند.

آیا می‌دانید «راه خدا» چیست و چه کسی «راه او» است؟ و چه کسی صراط او و طریق او است؟

أنا صراط الله الّذي من لم يَسلكْه بطاعة الله فيه هُوي به إلى النّار، وأنا سبيله الّذي نصبني للإتّباع بعد نبيّه صلّى الله عليه وآله. أنا قسيم الجنّة والنّار، وأنا حجّة الله على الفجّار ونور الأنوار.

من صراط خدا هستم که اگر کسی به خاطر اطاعت خدا آن را نپیماید در آتش سرنگون گردد. و من راه او هستم که برای پیروی کردن مردم پس از پیامبرش ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ مرا منصوب کرد. من تقسیم‌کنندهٔ بهشت و دوزخم، و من حجّت خدا بر بدکاران و نیکوکارانم، و روشنی‌بخش نورها هستم.

پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرارسیدن مرگ به کارکردن شتاب کنید و به سوی آمرزش پروردگارتان پیشی بگیرید، پیش از آنکه دیواری زده شود که باطن آن و داخلش رحمت و ظاهر آن و خارجش عذاب باشد (میان مؤمنان و منافقان این دیوار زده می‌شود؛ یک‌طرف آن که داخل آن است مؤمنان و طرف دیگرش منافقان هستند). پس هر چه ندا کنید کسی ندای شما را نشنود و هر چه ضجّه زنید و ناله و فریاد برآورید کسی به ناله‌های شما اعتنا نکند، و پیش از آن‌که استغاثه کنید و کسی به داد شما نرسد به اطاعت‌ها و انجام

۱. سورهٔ صفّ، آیهٔ ۴.

دستورات الهی شتاب کنید، پیش از آن‌که وقت از دست برود و از بین برندهٔ لذّت‌ها ـ یعنی مرگ ـ به سراغتان آید که دیگر هیچ راه گریزی و هیچ چاره‌ای برای رهائی نباشد.

خدای شما را رحمت کند پس از پایان یافتن این تجمّع و گردهم‌آئی با توسعه‌دادن بر اهل و عیال خود و نیکی کردن به برادرانتان آن‌ها را دیدار کنید و شکر پروردگار را به خاطر نعمت‌هائی که به شما بخشیده بجای آورید، گردهم آئید خداوند پراکندگی شما را برطرف کند، و به یکدیگر نیکی کنید خداوند اُنس و الفت شما را زیاد گرداند، و نعمت‌های الهی را به یکدیگر هدیه کنید همانطور که خداوند پاداش گوارائی که چندین برابر عیدهای پیش از آن و بعد از آن است به شما عطا کند، و این عطا و بخشش الهی تنها مخصوص امروز و مثل امروز است، نیکی کردن در آن، مال را بارور می‌سازد و به عمر شما می‌افزاید، و مهر و محبّت و دلسوزی داشتن به یکدیگر باعث جلب رحمت خدا و لطف او می‌گردد، پس خودتان شادمان باشید و برادران خود را با لباس نیکو و بوی خوش و طعام دادن شاد گردانید.

و از آنچه در توان دارید و جود و بخشش کردن از آنچه برایتان موجود است امکاناتی برای برادرانتان و اهل و عیالتان فراهم آورید. گشاده‌روئی را در میان خود آشکار سازید و یکدیگر را با چهرهٔ خندان و شادمان ملاقات کنید و سپاسگزار خداوند باشید بر آنچه به شما مرحمت فرموده است و کسانی را که امید و آرزوی خیر نسبت به شما دارند با خیر بیشتر دیدار کنید، و با ناتوانان در خوردنی‌های‌تان و آنچه در توان دارید به مقدار امکان خویش همیاری نمائید، یک درهم که امروز در راه خدا انفاق کنید معادل صد هزار درهم پاداش دارد و اگر خدا بخواهد بر آن پاداش می‌افزاید، و روزهٔ امروز از اموری است که خداوند تبارک و تعالی مردم را به آن فراخوانده، و پاداش بزرگی برای آن به عهده گرفته است تا آنجا که اگر بنده‌ای از بندگان به عنوان مثال از آغاز دنیا تا انتهای آن روزها را روزه بدارد و شب‌ها را به شب‌زنده‌داری سپری کند به مرتبهٔ آن کسی که امروز را مخلصانه روزه بگیرد نمی‌رسد.

کسی که ابتداءً (یعنی بدون تقاضا) برادر مؤمنش را مساعدت نماید و از روی میل به او نیکی کند و به او وام دهد پاداش کسی را دارد که امروز را روزه گرفته و شب آن را به عبادت پرداخته است و کسی که مؤمنی را در شام روز غدیر افطاری دهد گویا فئامی را و فئامی را و... (ده مرتبه آن را تکرار فرمود) افطاری داده است.

شخصی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ «فئام» چیست؟

امام علیه‌السلام فرمود: صد هزار پیامبر و صدّیق و شهید است، پس چگونه خواهد بود پاداش کسی که گروهی از مردان و زمان مؤمن را افطاری دهد؟ و من ضامنم نزد خداوند که او را از کفر و فقر امان دهد، و اگر در همان شب یا همان روز یا روز بعد از آن تا عید غدیر آینده بمیرد و کبیره‌ای مرتکب نشده باشد، پس پاداش او بر خداوند تبارک و تعالی است.

و کسی که وام بگیرد برای برادرانش و آنان را کمک کند، من ضامنم که اگر خداوند او را باقی بدارد آن را بپردازد، و اگر خدا جان او را گرفت من عهده‌دار آن باشم.

زمانی که یکدیگر را ملاقات می‌کنید همراه سلام کردن مصافحه کنید (دست در دست یکدیگر بگذارید) و انعام دادن را امروز آسان بگیرید.

و این مطالب را باید افراد جامعه به آنان‌که غایبند و آنان که گواهند به کسانی که جدا و دور هستند برسانند، و باید توانگر بر فقیر، و نیرومند بر ناتوان لطف و عنایت داشته باشد، رسول خدا ـ که درود بر او و آل او باد ـ مرا به آن فرمان داده است.

سپس آن حضرت، خطبهٔ جمعه را شروع کرد و نماز جمعه‌اش را نماز عید قرار داد، و پس از نماز با فرزندان و شیعیانش به منزل حضرت ابومحمّد امام حسن مجتبی علیه‌السلام رفتند و غذائی را که آماده کرده بودند تناول نمودند و پس از آن، ثروتمند و فقیر آنان با هدایا و جوائز به سوی اهل و عیال خویش بازگشتند.[1]

۱. مصباح المتهجّد: ۷۵۲، اقبال الأعمال: ۷۷۳، المصباح: ۹۱۹.

نویسندهٔ کتاب «النشر والطیّ» نقل کرده است: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرمود:

آن‌گاه که روز قیامت فرا می‌رسد، چهار روز همانند عروس به سوی حجله، به درگاه الهی برده می‌شوند.

عرض شد: این روزها کدامند؟

فرمود: روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر و به راستی که عید غدیر در مقایسه با عید قربان، فطر و جمعه همانند ماه در میان ستارگان می‌درخشد.

روز غدیر، همان روزی است که خداوند، ابراهیم خلیل را از آتش نجات داد و آن حضرت آن روز را برای سپاسگزاری از خدا، روزه گرفت و همان روزی است که خداوند دین خود را ـ به واسطهٔ تعیین پیامبر، امیر مؤمنان علی علیهما‌السلام را به عنوان جانشین خود ـ کامل گردانید و فضیلت و جانشینی او را تبیین کرد و آن حضرت این روز را روزه گرفت.

روز غدیر، روز کمال و روز به خاک مالیده شدن شیطان و روزی است که اعمال شیعیان و دوستداران خاندان حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد پذیرش قرار می‌گیرند و همان روزی است که خداوند به اعمال مخالفان روی آورده و آن را همانند گرد پراکنده، نابود می‌کند.

و همان روزی است که خداوند به حضرت جبرئیل علیه‌السلام دستور داد که تخت کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور بگذارد و در این روز جبرئیل علیه‌السلام آن را بلند می‌کند و همهٔ فرشتگان از همهٔ آسمان‌ها به سوی آن گرد می‌آیند و حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را ستوده و برای شیعیان امیر مؤمنان و دیگر ائمّه علیهم‌السلام و دوستداران آنان از فرزندان آدم علیه‌السلام طلب آمرزش می‌کنند.

و همان روزی است که خداوند به فرشتگان گرامی که اعمال بندگان را می‌نویسند، دستور می‌دهند که تا سه روز بعد از عید غدیر دست از نوشتن گناهان دوستداران و شیعیان اهل بیت بردارند و به خاطر کرامت محمّد و علی و امامان دیگر علیهم‌السلام هیچ یک از خطاهای آنان را ننویسند.

و همان روزی است که خداوند آن را ویژهٔ محمّد و آل محمّد و نزدیکان آنان قرار داده است و همان روزی است که خداوند منزلت هر کس را که در آن به عبادت بپردازد و بر اهل خانواده و خویشتن و برادرانش توسعه دهد، بالا برده و او را از آتش جهنّم نجات می‌بخشد و همان روزی است که خداوند از تلاش شیعیان در آن روز سپاسگزاری نموده و گناهانشان را بخشیده و اعمالشان را می‌پذیرد.

روز غدیر، روز زدودن اندوه و ریختن بار گناه، روز پاداش و عطا، روز گسترش دانش، روز بشارت و بزرگ‌ترین عید و روزی است که دعا در آن مستجاب می‌گردد.

روز غدیر، روز جایگاه عظیم، روز پوشیدن جامه‌های[های زیبا] و برکندن جامه‌های سیاه و روزی است که [ولایت] در آن شرط شد. روز غدیر، روز برطرف شدن اندوه‌ها و چشم‌پوشی از شیعیان گناهکار امیر مؤمنان علیه‌السلام، روز پیشتازی و روزی است که در آن باید بر محمّد و آل محمّد بسیار صلوات فرستاد.

روز غدیر؛ روز خشنودی، روز عید اهل بیت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله، روز قبولی اعمال، روز زیاده‌خواهی [از خداوند]، روز استراحت مؤمنان، روز معامله و دوستی و نیل به رحمت الهی، روز تزکیه و خودسازی، روز ترک گناهان به ویژه گناهان کبیره و روز عبادت و افطاری دادن به روزه‌داران است؛ زیرا هر کس در این روز به روزدار مؤمنی افطاری دهد، همانند آن است که «فِئام فئام» نفر را افطاری داده باشد، تا این‌که ده «فئام» را برشمرد.

سپس فرمود: آیا می‌دانید «فئام» یعنی چه؟

عرض شد: خیر.

فرمود: یعنی صد هزار نفر. همچنین روز غدیر، روز تهنیت و تبریک گفتن شما به یکدیگر است. بنابراین، هرگاه مؤمنی در این روز با برادر مؤمن خود برخورد کرد، بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلٰايَةِ أَمـيرِ

ستایش خدا را که ما را از چنگ‌زنندگان به ولایت امیر

الْمُؤْمِنينَ وَالْأَئِمَّةِ عليهم‌السلام.

مؤمنان و دیگر امامان عليهم‌السلام قرار داد.

نیز امروز، روز تبسّم در برخورد با مؤمنان است. بنابراین، هر کس در روز غدیر هنگام برخورد با برادر مؤمن خود به روی او تبسّم کند، خداوند در روز قیامت با نظر رحمت به او می‌نگرد و هزار حاجت او را برآورده می‌کند و قصری از مروارید سپید در بهشت برای او بنا می‌نهد و روی او را برافروخته و زیبا می‌گرداند.

و روز غدیر، روز آرایش است. بنابراین، هر کس برای روز غدیر خود را بیاراید، خداوند همهٔ خطاهای او ـ اعمّ از کوچک و بزرگ ـ را می‌آمرزد و فرشتگانی را به سوی او گسیل می‌دارد که تا روز عید غدیر سال آینده اعمال نیک فراوان برای او بنویسند و درجات او را بالا می‌برند، به طوری که اگر بمیرد، شهید و اگر زنده بماند، نیکبخت به شمار می‌آید.

و هر کس در این روز مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همهٔ پیامبران و صدّیقان را روزی داده باشد و هر کس به دیدار مؤمنی برود، خداوند در قبر او هفتاد نور وارد می‌کند و نیز قبر او را توسعه می‌دهد و در هر روز هفتاد هزار فرشته در قبر به دیدار او آمده و به او بشارت بهشت را می‌دهند.

در روز غدیر بود که خداوند، ولایت خود را بر همهٔ اهل آسمان‌های هفتگانه عرضه کرد و اهل آسمان هفتم به پذیرش آن از همه پیشی گرفتند و در اثر آن، عرش بدان آراسته شد، آن‌گاه اهل آسمان زیرین به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن به ستارگان آراسته شد.

سپس ولایت بر زمین‌ها عرضه گردید و «مکّه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به «کعبه» آراسته شد، سپس «مدینه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به وجود محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله آراسته شد، سپس «کوفه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به وجود امیر مؤمنان عليه‌السلام آراسته شد.

بعد ولایت بر کوه‌ها عرضه شد و اوّلین کوه‌هایی که بدان اقرار کردند، سه کوه بودند: کوه عقیق، کوه فیروزه و کوه یاقوت که در اثر اعتراف به آن، کوه‌های این جواهرات و این جواهرات، بهترین جواهرات گردیدند، سپس کوه‌های دیگر به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن معدن طلا و نقره گردیدند و هر کوهی که بدان اعتراف نکرد و آن را نپذیرفت، بی‌حاصل گردید.

نیز در این روز بود که ولایت بر آب‌ها عرضه شد و هر آبی که آن را پذیرفت، شیرین گردید و هر آبی که انکار کرد، شور و تلخ گردید.

و نیز بر گیاهان عرضه شد و هر گیاهی که آن را پذیرفت، شیرین و گوارا گردید و هر گیاه نپذیرفت، تلخ گردید.

سپس بر پرندگان عرضه گردید و هر پرنده‌ای که آن را پذیرفت، صدایش بلند و رسا گردید و هر پرنده‌ای که آن را انکار کرد، لال و ناگویا گردید.

مثَل مؤمنان در پذیرش ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر خم، همانند ماجرای سجدهٔ فرشتگان در برابر حضرت آدم علیه‌السلام بود، چنان‌که مثَل انکار ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر همانند انکار ابلیس بود و در این روز بود که آیهٔ ﴿**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ**﴾[1] نازل شد.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آن‌که روز بعثت او در نزد او همانند روز غدیر بوده است و حرمت آن را شناسانده است؛ زیرا که وصیّ و جانشین بعد از آن پیامبر را در آن روز برای امّت او تعیین کرده است.[2]

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۳: «امروز دین شما را کامل کردم».

۲. ترجمهٔ کامل اقبال الأعمال: ۳۵۶/۲.

۵

ماه محرّم الحرام

گفتار حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ ایّام عاشورا

شیخ صدوق رحمه‌الله از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس در روز عاشورا سعی در حاجت‌های خود را ترک کند، حق تعالی حاجت‌های دنیا و آخرت او را برآورد. و هر کس روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریهٔ او باشد، حق تعالی روز قیامت را روز فرح و خوشحالی او گرداند و دیده‌اش در بهشت، به ما روشن گردد.

و هر کس روز عاشورا را روز برکت نام نهد و در خانهٔ خود چیزی ذخیره کند، برکت نیابد در آنچه ذخیره کرده است و روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة در پائین‌ترین طبقهٔ آتش جهنّم محشور شود.

و نیز ایشان از ریّان بن شبیب روایت کرده که گفت: در روز اوّل ماه محرّم، خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود:

ای پسر شبیب؛ امروز روزه هستی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: این روز، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریّا را در آن مستجاب فرمود ـ و فرمایش خود را ادامه داد تا آنکه فرمود ـ:

ای پسر شبیب؛ اگر برای چیزی خواستی گریه کنی، برای حسین بن علی علیهماالسلام گریه کن که او را مانند گوسفند سر بریدند و با آن حضرت از اهل بیت او هجده تن ـ که در زمین شبیه و نظیر نداشتند ـ کشته شدند.

و به تحقیق که آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها برای شهادت آن حضرت

گریستند و به درستی که چهار هزار فرشته، به سوی زمین آمدند برای یاری آن حضرت، ولی زمانی رسیدند که آن حضرت شهید شده بود. پس ایشان نزد قبر آن حضرت ژولیده‌مو و گردآلوده‌اند **تا آنکه قائم آل محمّد** صلوات الله علیه **ظاهر شود، پس ایشان یاوران آن حضرت باشند و شعار ایشان در جنگ این کلمه است: «یا لثارات الحسین** علیه‌السلام».

ای پسر شبیب؛ خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدّش که چون جدّم حسین علیه‌السلام شهید شد، آسمان، خون و خاک سرخ بارید.

ای پسر شبیب؛ اگر بر حسین علیه‌السلام گریه کنی تا آب از دیدگانت بر رویت جاری شود، حق تعالی هر گناه صغیره و کبیرهٔ تو را بیامرزد.

ای پسر شبیب؛ اگر خواهی که در قیامت هیچ گناهی بر تو نباشد، آن حضرت را زیارت کن.

ای پسر شبیب؛ اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندانش ساکن شوی، بر قاتلان آن حضرت لعنت کن.

ای پسر شبیب؛ اگر خواهی که مثل ثواب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد، هرگاه که او را یاد کنی بگو:

يٰا لَيْتَني كُنْتُ مَعَهُمْ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.[1]

ای کاش؛ با ایشان بودم، تا به رستگاری بزرگی نائل می‌گردیدم.

ای پسر شبیب؛ اگر خواهی که در درجات بالای بهشت با ما باشی، از برای حزن ما محزون باش و از برای شادی ما شاد باش، و بر تو باد به محبّت و ولایت ما؛ اگر مردی سنگی را دوست بدارد، خدا او را در روز قیامت با آن محشور گرداند.[2]

روز اوّل ماه محرّم، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریّا را دربارهٔ داشتن فرزند مستجاب فرمود و حضرت یحیی را به او عطا کرد، چنانچه از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است.

---

۱. وسائل الشیعة: ۳۲۴/۱۰.

۲. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۱۶۵، بحار الأنوار: ۲۸۵/۴۴.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

هر کس این روز را روزه بگیرد و دعا کند، حق تعالی دعای او را نیز مستجاب کند.[1]

روز عاشورا

جعفر بن عیسی گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ روزهٔ عاشورا سئوال کردم و آنچه مردم در مورد آن می‌گویند به عرض رساندم، امام علیه‌السلام فرمود:

از روزهٔ پسر مرجانه از من می‌پرسی؟ آن روز را زنازادگان از خاندان زیاد بخاطر کشتن امام حسین علیه‌السلام روزه گرفتند، و آن روزی است که آل محمّد علیهم‌السلام آن را شوم و نامبارک می‌دانند و اهل اسلام آن را شوم می‌دانند، و روزی که اهل اسلام آن را شوم بدانند روزه گرفته نمی‌شود و به آن تبرّک نمی‌جویند، و روز دوشنبه روز نحسی است که خداوند در آن پیامبرش را قبض روح نمود و آل محمّد علیهم‌السلام دچار مصیبت نشدند مگر در روز دوشنبه، لذا آن را شوم و نامبارک می‌دانیم و دشمن ما به آن تبرّک می‌جوید.[2]

لعن بر یزید و پیروان او لعنة الله علیهم

راوندی رحمه‌الله در کتاب «سلوة الحزین» از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که سر مقدّس امام حسین علیه‌السلام را به شام بردند یزید لعنه الله دستور داد آن را نزد او حاضر کردند، آنگاه در میان طشتی قرار داده و زیر تخت خود گذاشت و بساط شطرنج را گسترانید، آن خبیث شطرنج بازی می‌کرد و در ضمن از حسین و پدر و جدّ بزرگوارش یاد می‌کرد و استهزاء می‌نمود، و هر زمان که بر رفیقش غلبه می‌کرد سه جام شراب می‌نوشید و اضافه و باقیماندهٔ ظرفش

---

۱. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۵۸۱.

۲. بحار الأنوار: ۹۴/۴۵.

را در کنار طشت می‌ریخت، **پس هر کس از شیعیان ما است باید آشامیدن شراب و بازی‌کردن با شطرنج را رها کند، و هر کس نگاهش به شراب و شطرنج افتاد باید یاد مظلومیّت امام حسین علیه‌السلام کند و یزید و خاندان یزید و پیروان او را لعنت کند**، خداوند هم به پاداش این عمل، گناهان او را گرچه به عدد ستارگان باشد می‌آمرزد و از بین می‌برد.[1]

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

اوّل کسی که در اسلام برایش فقّاع (یعنی آبجو) ساختند، یزید ملعون در شام بود. آن را حاضر کردند در حالی‌که سر سفره نشسته و کنار آن، سر بریدهٔ امام حسین علیه‌السلام را قرار داده بود، آن خبیث از آن شراب می‌آشامید و به یارانش می‌داد و می‌گفت: «بنوشید که این شراب مبارکی است، و از برکت آن همین بس که ما اوّلین کسانی هستیم که می‌نوشیم در حالی‌که سر دشمن ما پیش روی ما است و کنار آن، سفره گسترانیده‌ایم، می‌خوریم در حالی‌که نفوس ما آرام گرفته و دل‌هایمان آرامش یافته است».

پس هر کس از شیعیان ما است، باید از آشامیدن این شراب بپرهیزد؛ زیرا آشامیدنیِ دشمنان ما است و اگر پرهیز نکند او از ما نیست، به راستی پدرم از پدرش از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم‌السلام روایت کرد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: لباس دشمنان مرا نپوشید، طعام دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنان مرا نپوئید که از دشمنان من شوید؛ همان‌گونه که آن‌ها دشمن من هستند.

دعای حضرت فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت

ابو احمد داود بن سلیمان طائی گوید: در سال صد و نود و چهار هجری در مدینه محضر مقدّس **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بودم، آن حضرت از پدرانش، از حضرت امیر المؤمنین علیهم‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرد که فرمود:

---

۱. الدعوات: ۱۶۲، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۱/۲.

دخترم فاطمه علیها السلام در قیامت وارد محشر شود در حالی‌که پیراهنی خون‌آلود به همراه دارد. او به رکنی از ارکان عرش بیاویزد و بگوید:

یا أحکم الحاکمین؛ احکم بیني وبین قاتل ولدي.

ای حکیم‌ترین حاکمان؛ بین من و قاتل فرزندم حکم کن.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ویَحْکُم لابنتي فاطمة وربّ الکعبة.[1]

به پروردگار کعبه سوگند که خداوند برای دخترم فاطمه حکم خواهد کرد.

* * *

ابوالقاسم طائی از پدرش روایت کرده است که گفت: **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

موسی بن عمران دست‌ها را بلند کرد و از پروردگارش درخواست کرد و عرضه داشت: پروردگارا؛ برادرم هارون از دنیا رفت، او را بیامرز.

خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود:

یا مُوسی؛ لو سألتني في الأوّلین والآخرین لأجبتك؛ ما خلا قاتل الحسین بن علیّ، فإنّي أنتقم له من قاتله.[2]

ای موسی؛ اگر در مورد اوّلین و آخرین درخواست کنی به تو پاسخ می‌دهم جز در مورد قاتل حسین بن علی علیهما السلام؛ زیرا که من از قاتل حسین علیه السلام برای او انتقام خواهم گرفت.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۸/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه السلام: ۸۹(با تفاوت).

۲. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام: ۲۶۳.

۶

ماه صفر

زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در روز شهادت آن حضرت

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله فرموده است: بدان که زیارت آن حضرت در ایّامی که فضیلتی برایش ذکر کرده‌اند و زمان‌هایی که شرافت و امتیازی دارند، مخصوصاً ایّامی که اختصاصی به آن وجود مقدّس دارند ـ مانند روز ولادتش که یازدهم ذیقعده است، و روز شهادتش که آخر ماه صفر یا هفدهم آن و یا روز چهاردهم ماه رمضان است، و روزی که بیعت شده با او برای خلافت که اوّل ماه رمضان یا ششم آن است ـ از نظر فضیلت و ثواب، برتری دارند.[1]

بنابراین در روز آخر ماه صفر و نیز هفدهم آن ـ که روز شهادت جانگداز **حضرت علیّ بن موسی الرّضا** علیه‌السلام نقل شده است ـ زیارت آن بزرگوار فضیلت بیشتری دارد.

کیفیّت شهادت و دفن حضرت امام رضا علیه‌السلام

اباصلت هروی گفت: در حضور **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ایستاده بودم، به من فرمود:

ای اباصلت؛ در این قبّه که قبر هارون در آن است وارد شو و از **چهار جانب آن مقداری خاک بردار و بیاور**.

من رفتم و آن را آوردم، و چون در پیشگاه او ایستادم فرمود:

این خاک را به من بده.

---

۱. بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

و آن خاکی بود که از نزدیک در برداشته بودم، آن را به ایشان دادم، از من گرفت و بوئید و سپس بر زمین ریخت و فرمود:

برای من در اینجا قبری حفر می‌شود، پس سنگ بزرگی ظاهر می‌گردد که اگر همهٔ کلنگ‌هائی که در خراسان است برای کندن آن گردآید کندنش میسّر نشود.

سپس در مورد خاکی از نزد پا و خاکی که از نزد سر آورده بودم مانند آن را گفت، آنگاه فرمود:

آن خاک دیگر را به من بده که آن از تربت من است.

سپس فرمود: برای من در اینجا گودالی حفر کنند، تو به آن‌ها امر کنی که تا هفت پلّه به پائین بکَنند و قبری برای من شکافته شود، اگر نپذیرفتند جز اینکه لحد بچینند، آن‌ها را امر می‌کنی که لحد را دو زراع و یک وجب قرار دهند همانا خداوند آن را به اندازه‌ای که بخواهد وسیع گرداند.

و چون چنین کردند نزد سرم رطوبتی می‌بینی و کلامی را که به تو می‌آموزم می‌گوئی: آبی می‌جوشد تا آنکه قبر پر از آب شود و در آن ماهی‌های کوچکی می‌بینی، برای آن‌ها نانی که به تو می‌دهم ریز کن، آن‌ها نان‌ها را می‌خورند، و چون چیزی از آن باقی نماند ماهی بزرگی خارج می‌شود و ماهی‌های کوچک را می‌بلعد تا هیچ‌کدام از آن‌ها نمانند و سپس پنهان می‌گردد و چون پنهان گشت دست خود را بر آب بگذار و به کلماتی که یادت می‌دهم تکلّم کن، آب فرو می‌رود و چیزی از آن نمی‌ماند، و این کار را جز در حضور مأمون انجام مده.

آنگاه فرمود: **ای اباصلت؛ فردا بر این فاجر وارد می‌شوم، اگر از نزد او با سر برهنه خارج شدم با من سخن بگو و من به تو پاسخ می‌دهم، و اگر هنگام بازگشتن سر را پوشیده بودم با من صحبت مکن.**

اباصلت گفت: فردا چون صبح کردیم، امام علیه السلام لباس‌های خود را پوشید و در محراب به انتظار نشست، در همین حال ناگهان غلام مأمون وارد شد و به آن حضرت

گفت: امیرالمؤمنین! را اجابت کن.

حضرت امام رضا علیه‌السلام نعلین بپا کرد و ردایش را پوشید و به راه افتاد و من به دنبال آن حضرت رفتم تا بر مأمون وارد شد. در پیش‌روی او طبقی از انگور و طبق‌های دیگری از میوه بود و به دست او شاخهٔ انگوری بود که مقداری از آن را خورده بود، چون **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را دید از جا برخاست با او معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و آن حضرت را کنار خود نشانید، سپس شاخهٔ انگور را به او داد و گفت: ای پسر رسول خدا؛ انگوری بهتر از این ندیده‌ام.

امام علیه‌السلام فرمود:

چه بسا انگور خوبی که از بهشت می‌باشد.

گفت: از آن بخور. **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرمود:

مرا از آن معاف بدار.

گفت: گریزی از آن نیست، چه چیزی تو را از خوردن بازمی‌دارد، شاید ما را متّهم می‌کنی؟ خوشهٔ انگور را گرفت و خودش مقداری از آن را خورد، سپس به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام داد، و آن حضرت سه دانه تناول فرمود و آن را رها کرد و از جا برخاست، مأمون گفت: کجا می‌روید؟ فرمود:

به آنجائی که مرا روانه ساختی.

آن‌گاه ردای خود را به سر کشیده و خارج شد. لذا طبق دستور امام علیه‌السلام با او صبحت نکردم تا داخل خانه شد، فرمود: درب خانه را ببندید.

در را بستند و او وارد بستر شد، من در صحن حیاط اندوهناک و محزون ایستاده بودم، **در این هنگام ناگهان جوان خوش‌سیمائی که شبیه‌ترین مردم به حضرت امام رضا** علیه‌السلام **بود بر من وارد شد، به سوی او شتافتم و عرض کردم: ازکجا وارد شدی در حالی‌که درها بسته بود.** فرمود:

کسی که مرا به آنی از مدینه به اینجا آورد، از در بسته نیز وارد خانه کرد.

گفتم: شما کیستید؟ به من فرمود:

ای اباصلت؛ من حجّت خدایم بر تو، من محمّد بن علی هستم.

سپس به سوی پدرش رفت و دستور داد که من نیز به همراه او بر آن حضرت وارد شوم، چون نظر **حضرت امام رضا**علیه‌السلام به فرزندش افتاد، فوراً از جا برخاست با او معانقه کرد، به سینه‌اش چسبانید و پیشانی او را بوسید، سپس او را به کنار بستر خود برد، محمّد بن علی علیهما‌السلام او را در برگرفت و او را می‌بوسید و پدرش با وی مطالبی را آهسته می‌گفت که من نفهمیدم، کفی سفیدتر از برف بر دو لب **حضرت امام رضا**علیه‌السلام دیدم و محمّد بن علی علیهما‌السلام را مشاهده کردم که با زبانش آن را می‌لیسید سپس دست خود را میان دو لباس و سینه‌اش داخل کرد و چیزی شبیه گنجشک از آن بیرون آورد و ابوجعفرعلیه‌السلام آن را بلعید، و در این هنگام **حضرت امام رضا**علیه‌السلام وفات یافت.

ابوجعفرعلیه‌السلام به من فرمود:

ای اباصلت؛ برخیز محلّی را برای غسل دادن پدرم آماده کن و برایم آب از صندوق‌خانه بیاور.

عرض کردم: نه جائی برای شستشو است و نه آبی در صندوق‌خانه هست.

فرمود:

آنچه به تو دستور می‌دهم انجام بده.

داخل صندوق‌خانه شدم، در آن آب و جای شستن دیدم، برداشته و بیرون آوردم و لباس‌هایم را بالا زدم تا او را غسل دهم، به من فرمود:

تو کنار برو ای اباصلت؛ زیرا غیر از تو کسی هست که مرا کمک کند.

پس آن بدن مطهّر را غسل داد و سپس فرمود:

بار دیگر وارد صندوقخانه شو و زنبیلی که در آن کفن و حنوط است برایم بیاور.

وارد صندوق‌خانه شدم و در آنجا زنبیلی دیدم که هرگز ندیده بودم، برداشته و نزد

آن حضرت آوردم، **بدن پاک پدر را کفن کرد و بر آن نماز خواند**، پس از آن فرمود:

تابوت برایم بیاور.

عرض کردم: نزد نجّار روم و سفارش کنم تابوتی درست کند؟

فرمود: در میان صندوقخانه برو، آنجا تابوتی هست بیاور.

داخل شدم تابوتی در آنجا یافتم که تا آن زمان ندیده بودم، آن را برایش آوردم، بدن پدر را برداشته در تابوت گذاشت و پاهایش را صاف کرد آنگاه دو رکعت نماز خواند و هنوز نماز را به پایان نرسانده بود که تابوت بالا رفت و سقف شکافت و از آن تابوت خارج شد و رفت.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ اگر مأمون هم‌اکنون پیش ما آید و **حضرت امام رضا**علیه‌السلام را مطالبه کند چه کنیم؟ فرمود:

ساکت باش، او بازمی‌گردد، ای اباصلت؛ هیچ پیامبری نیست که در مشرق بمیرد و وصیّ او در مغرب بمیرد مگر آن‌که خداوند بین ارواح و اجساد ایشان جمع کند.

و هنوز حدیث را تمام نکرده بود که سقف شکافته شد و تابوت پائین آمد و بر زمین نهاده شد، ابوجعفرعلیه‌السلام بدن مطهّر پدر را از تابوت بیرون آورد و در میان بسترش قرار داد؛ گویا هنوز غسل داده نشده و کفن بر او پوشیده نگشته است، سپس فرمود:

ای اباصلت؛ بلند شو و در را برای مأمون باز کن.

در را باز کردم مأمون و غلامان او پشت در بودند، پس وارد شدند در حالی‌که گریان و محزون بودند، گریبان چاک زده و بر سرش می‌زد و می‌گفت: واسیّداه؛ ای آقای من؛ مصیبت تو مرا دردمند نمود، سپس وارد خانه شد و نزدیک سر آن حضرت نشست و گفت: شروع کنید به تجهیز او، و دستور داد به کندن قبر، من آن محلّ را گود کردم، همه چیز آنطور که **حضرت امام رضا**علیه‌السلام توصیف کرده بود ظاهر شد.

بعضی از هم‌نشینانش به او گفتند: آیا عقیده نداشت که او امام است؟

گفت: بلی، امام نمی‌باشد مگر پیشاپیش مردم و جلوتر از آنان، آنگاه دستور داد که در قبله برایش جایی را حفر کنند.

گفتم: به من دستور داده که هفت پلّه پائین روم و برایش قبرش را بشکافم.

گفت: به آنچه اباصلت به آن دستور می‌دهد انجام بده، جز قبر ـ که آن را اباصلت می‌شکافد ـ ولی برایش گود بکَن و لحد درست کن.

و هنگامی که برای مأمون رطوبت و ماهی‌ها و غیر آن ظاهر شد گفت: علیّ بن موسی علیه‌السلام همواره در دوران زندگی‌اش عجائبی را به ما نشان می‌داد و اکنون پس از مرگ از آن عجائب به ما می‌نمایاند.

وزیری که همراه او بود گفت: آیا می‌دانی **حضرت امام رضا**علیه‌السلام با این کار، چه خبری به تو داد؟

گفت: نه.

گفت: **خبر می‌دهد که ای بنی عباس، حکومت شما با زیادی تعدادتان و بلندی مدّتتان مانند این ماهی‌ها است، مهلت شما پایان یابد و آثارتان منقطع گردد و دولتتان از بین رود و خدا شخصی از ما را بر شما مسلّط نماید و او همهٔ شما را نابود گرداند.**

به او گفت: راست گفتی همینطور است، سپس به من گفت: ای اباصلت؛ آن کلامی را که به آن تکلّم کردی به من یاد بده.

گفتم: به خدا قسم آن را در همین لحظه فراموش کردم و راست می‌گفتم.

مأمون دستور به حبس من داد، **حضرت امام رضا**علیه‌السلام دفن گردید و من یکسال در زندان ماندم تا آنکه سینه‌ام تنگ شد، شبی را تا سحر بیدار ماندم و خداوند تبارک و تعالی را خواندم به دعائی و در آن از محمّد و آل محمّدعلیهم‌السلام یاد کردم و از خداوند به حقّ آن‌ها درخواست کردم که بر من گشایشی مرحمت فرماید، دعایم تمام نشده بود که ابوجعفر محمّد بن علی علیهما‌السلام بر من وارد شد و فرمود:

ای اباصلت؛ سینه‌ات تنگ شده؟

عرض کردم: آری بخدا قسم.

فرمود: برخیز و بیرون برو.

سپس با دست مبارکش بر آن بندها و زنجیرها زد و آن‌ها را باز نمود و دست مرا گرفت و از آنجا بیرون آورد، نگهبانان و غلامان مرا می‌دیدند ولی قدرت حرف زدن نداشتند واز در خانه خارج شدم، سپس فرمود:

برو در امان خدا و بدانکه هرگز به او نمی‌رسی و او هرگز به تو نمی‌رسد.

اباصلت گفت: پس از آن جریان، تاکنون مأمون را ندیدم.[1]

روایت دیگر دربارهٔ شهادت حضرت امام رضا علیه‌السلام

هرثمة بن اعین گفت: شبی در حضور مأمون بودم تا چهار ساعت از شب گذشت، آنگاه اجازهٔ بازگشت به من داد، بازگشتم، و چون نیمی از شب گذشت کسی درب خانه را کوبید، یکی از غلام‌هایم پشت در رفت، به او گفت: به هرثمه بگو: آقایت را اجابت کن.

هرثمه گفت: با شتاب برخاستم و لباس‌هایم را پوشیده و به سوی آقایم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شتافتم، غلام پیشاپیش من داخل شد و من پشت سر او وارد شدم، در این هنگام سرورم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را دیدم که در صحن خانه‌اش نشسته است، به من فرمود:

ای هرثمه. گفتم: لبّیک ای مولای من.

فرمود: بنشین، و من نشستم.

فرمود: گوش بده و خوب بخاطر بسپار. ای هرثمه؛ هنگام کوچ کردن من بسوی خداوند تبارک و تعالی فرا رسیده و نزدیک است به جدّم و پدرانم علیهم‌السلام ملحق شوم و کتاب عمر من به پایان رسیده است و این شخص طغیانگرِ سرکش

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۴۴/۲، و نظیر آن در الثاقب في المناقب: ۴۸۹.

تصمیم گرفته مرا با انگور و انار سمّی مسموم کند.

او نخی را در سم فرو می‌برد و با نخ آن سم را جذب انگور می‌کند، و امّا انار، همانا او سم را در کف دست یکی از غلامانش می‌ریزد و انار را با دستش می‌مالد تا دانه‌هایش به آن سم آغشته گردد.

او در روز آینده مرا فرا می‌خواند، آن انار و انگور را نزد من می‌آورد و از من می‌خواهد که از آن دو بخورم و من می‌خورم تا حکم الهی و قضاء پروردگار در مورد من اجرا گردد.

وقتی من از دنیا رفتم خواهد گفت: من او را با دست خویش غسل می‌دهم، وقتی چنین گفت، از طرف من به او بگو ـ و بین تو و او کسی نباشد ـ: **حضرت امام رضا**علیه‌السلام به من فرموده است: به غسل‌دادن و کفن‌کردن و دفن من نپرداز که اگر چنین کنی آنچه از عذاب که از تو تأخیر افتاده به سرعت به سراغت آید و آن بلای دردناکی که از آن حذر می‌کنی بر تو وارد شود، او با این گفتهٔ تو خودداری می‌کند و بازمی‌ایستد.

هرثمه گوید: عرض کردم ای سرور من؛ چنین خواهد کرد؟! فرمود:

هنگامی که تو را برای غسل دادن من رها کرد و آزاد گذاشت، در مکان بلندی از ساختمانش می‌نشیند که مشرف بر محل غسل من است تا نگاه کند.

ای هرثمه؛ تو متعرّض هیچ یک از کارهای غسل من مشو تا خیمه‌ای سفید را مشاهده کنی که در جانبی از خانه زده شده، وقتی آن را دیدی مرا در لباس‌هایم که در آن هستم بردار و در آن خیمه بگذار و خودت پشت خیمه بایست و همراهانت نزد تو باشند، پردهٔ خیمه را بالا نزن که مرا ببینی؛ زیرا هلاک می‌شوی.

مأمون از بلندی بر تو می‌نگرد و می‌گوید: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید امام را جز امامی مانند او غسل می‌دهد؟ پس چه کسی ابا الحسن علیّ بن موسی را غسل می‌دهد در حالیکه پسرش محمّد در مدینه از شهرهای

حجاز است و ما در طوسیم؟

وقتی چنین گفت، به او جواب بده و بگو: ما می‌گوئیم: امام را جز امامِ پس از او نباید کسی غسل دهد، و اگر زورگوئی چنین کاری کرد امامت امام به خاطر ستمگری و زورگوئی غسل‌دهنده باطل نخواهد شد و نیز امامت امام بعد از او به اینکه کسی بر غسل پدرش چیره گشته است باطل نمی‌گردد، اگر **حضرت امام رضا**علیه‌السلام را اجازه می‌دادند در مدینه باشد، پسرش محمّد آشکار و بی‌پرده او را غسل می‌داد، اکنون هم کسی جز او بدن امام را غسل نمی‌دهد، ولی به صورت مخفی و پنهان است.

هنگامی که خیمه را بالا زدند مرا می‌بینی که در کفن پیچیده شده‌ام، بدن کفن‌پوشیدهٔ مرا بر تابوتم بگذار و آن را بردار، چون اراده کند قبر مرا حفر کند می‌خواهد قبر پدرش هارون را قبلهٔ قبر من قرار دهد و آن هرگز نخواهد شد، و وقتی کلنگ‌ها را بر زمین زنند هیچگونه تأثیری بر زمین نگذارد و چیزی ولو به اندازهٔ ناخن چیده‌شده‌ای حفر نگردد، چون تلاش خود را کردند و کار بر آنان دشوار گردید از طرف من به مأمون بگو:

او به من دستور داده است که یک کلنگ در قبلهٔ قبر پدرت هارون بر زمین زنم، و وقتی زدی در زمین فرو می‌رود و قبری کنده شده و ساخته و آماده آشکار شود و وقتی قبر ظاهر شد مرا در آن قرار مده تا آنکه از میان آن، آب سفید رنگی بجوشد و قبر را پر کند به طوری که هم‌سطح زمین گردد، آنگاه یک ماهی به طول قبر در آن نمایان گردد و حرکت کند، تا مادامی که ماهی تحرّک دارد مرا در قبر وارد نکنید و زمانی که ماهی پنهان گردید و آب فرو نشست مرا در قبر پائین ببر و در لحد بگذار و اجازه نده که آن‌ها خاک بر من بریزند؛ زیرا قبر خودش پوشیده می‌شود و پر می‌گردد.

هرثمه گفت: عرض کردم، اطاعت می‌کنم ای سَرورم، سپس به من فرمود:

آنچه با تو عهد کردم حفظ کن و به آن عمل کن و مخالفت منما.

عرض کردم: پناه می‌برم بخدا از اینکه با فرمان شما مخالفت کنم.

هرثمه گفت: آن‌گاه گریان و محزون بیرون آمدم و پس از آن همواره مانند دانه‌ای که در تابه بریان شود بودم و جز خدا کسی از حال من آگاه نبود، سپس مأمون مرا خواند نزد او رفتم و پیوسته ایستاده بودم تا روز بالا آمد، آنگاه مأمون به من گفت: ای هرثمه؛ برو نزد ابوالحسن و از طرف من به او سلام برسان و به او بگو: شما پیش ما می‌آئی یا ما پیش تو آئیم، اگر گفت: پیش او می‌آیم، از او بخواه که زودتر بیاید.

هرثمه گفت: نزد امام رفتم و چون مرا دید به من فرمود:

ای هرثمه؛ آیا آنچه به تو سفارش کردم به خاطر داری؟

عرض کردم: بلی، فرمود: کفش‌های مرا بیاور که من می‌دانم برای چه تو را فرستاده است.

هرثمه گفت: نعلین حضرت را حاضر کردم، آن را پوشید و به راه افتاد، وقتی داخل مجلس شد مأمون از جا برخاست و با آن حضرت معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و کنار خود بر روی تخت نشانید، و آنگاه شروع کرد به صحبت کردن و از هر طرف سخن گفتن تا مدّتی گذشت، سپس به یکی از غلامانش گفت انگور و انار بیاورد.

هرثمه گفت: چون آن را شنیدم نتوانستم صبر کنم و لرزه بر اندامم افتاد، خوش نداشتم که حالت من بر مأمون ظاهر شود، آرام آرام به عقب برگشتم تا از مجلس بیرون رفتم و در گوشه‌ای از حیاط خود را افکندم، نزدیک زوال خورشید احساس کردم سرورم از نزد مأمون خارج گشته و به منزل برگشته است، سپس دیدم از طرف مأمون دستوری صادر گشته که پزشکان و پرستاران را حاضر کنند و به بالین آن حضرت ببرند، سؤال کردم چه شده است؟

به من گفتند: بیماری بر **علیّ بن موسی** علیه‌السلام عارض شده است مردم در شکّ و تردید بودند و من یقین داشتم که از کجا عارض شده است به خاطر آنچه از او می‌دانستم.

هرثمه گفت: هنگامی که ثلث دوّم شب فرا رسید، صدای صیحه و ناله از خانه بالا رفت، من شتافتم در میان آنان‌که می‌شتافتند و خود را به آنجا رسانیدم، مأمون را دیدم

با سر برهنه، دکمه‌ها را باز کرده، به حالت عزا ایستاده و گریه می‌کرد.

هرثمه گفت: من هم در میان آنان‌که ایستاده بودند ایستادم و آه سرد و اندوهباری کشیدم، آن شب را صبح کردیم، مأمون برای تعزیه نشست، پس از مدّتی برخاست و خود را کنار جنازهٔ سرورم رسانید و گفت: جائی را آماده کنید می‌خواهم خودم بدن او را غسل دهم، من نزد او رفتم و آنچه مولایم در خصوص غسل و کفن و دفن فرموده بود به او گفتم، گفت: من متعرّض آن کار نمی‌شوم، خودت هر چه می‌دانی ای هرثمه انجام بده.

هرثمه گفت: من ایستاده بودم تا آن‌که دیدم خیمه‌ای زده شد، من و کسانی‌که در خانه بودند در پشت خیمه بودیم، من صدای تکبیر و تهلیل و تسبیح و بالا و پائین رفتن ظرفها و ریختن آب را می‌شنیدم و بوی خوش عطری به مشامم می‌رسید که از آن خوش‌بوتر عطری را استشمام نکرده بودم.

هرثمه گفت: ناگهان مأمون از جائی که مشرف بود فریاد زد: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید که امام را جز امامی مانند خودش غسل نمی‌دهد؟ محمّد بن علی فرزند او کجا است که بیاید و او را غسل دهد. او در مدینه و این در طوس.

به او گفتم: ما می‌گوئیم که امام را نباید جز امامی مثل او غسل دهد، پس اگر کسی ستم کرد و امام را غسل داد، امامت امام به خاطر ستم و تعدّی غسل‌دهنده باطل نمی‌شود و امامت امامی که بعد از او است با چیره‌شدن ظالمی بر غسل پدرش باطل نمی‌شود اگر **حضرت امام رضا**علیه‌السلام در مدینه آزاد و رها بود، پسرش محمّد او را آشکار غسل می‌داد **و اکنون او را جز او کسی غسل نمی‌دهد ولی به صورت پنهان**.

مأمون ساکت شد و چیزی نگفت: سپس خیمه بالا رفت و آقایم را دیدم که بدن مبارکش در کفن پیچیده شده است، او را در تابوت نهاده و مأمون با تمام حاضران بر آن جنازه نماز خواندند، آن‌گاه جنازه را برداشته تا به کنار قبر آمدیم، عدّه‌ای را دیدم که پائین قبر هارون کلنگ بر زمین می‌زنند تا قبر هارون را قبله برای قبر امام قرار دهند اما کلنگ‌ها بر زمین اثر نمی‌کرد و ذرّه‌ای از خاک زمین کنده نمی‌شد.

مأمون رو به من کرد و گفت: وای بر تو ای هرثمه؛ زمین را نمی‌بینی که چگونه از کندن قبری برای او خودداری می‌کند و مانع می‌گردد؟

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! او به من امر کرده که یک کلنگ در قبلهٔ قبر پدرت بر زمین زنم و جز یک کلنگ نزنم.

گفت: با یک کلنگ زدن چه می‌شود؟

گفتم: او خبر داده است که روا نیست قبر پدر تو قبلهٔ قبر او باشد. و چون من یک کلنگ بزنم قبری آماده ظاهر گردد بدون آنکه دستی آن را بکند و ضریحی در وسط آن آشکار گردد.

مأمون گفت: سبحان الله؛ چقدر این سخن عجیب است و من از امر ابوالحسن علیه‌السلام تعجّب نمی‌کنم اکنون تو کلنگ را بزن تا ببینم چه می‌شود؟

هرثمه گفت: کلنگ را در دست گرفتم و در سمت قبلهٔ قبر هارون بر زمین زدم، قبری کنده‌شده و آماده ظاهر شد و ضریحی در وسط آن آشکار گشت ومردم به آن نگاه می‌کردند.

مأمون گفت: بدن را در میان قبر بگذار ای هرثمه.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آقایم دستور داده است که او را در میان قبر وارد نکنم تا آبی سفید رنگ از آن جاری گردد و قبر از آن آب پر شود تا آن‌که آب به سطح زمین رسد، سپس یک ماهی به طول قبر در آن حرکت می‌کند، وقتی ماهی پنهان شد و آب فرو رفت او را در کنار قبر برم و در میان لحد قرارش دهم.

مأمون گفت: هر چه به تو دستور داده عمل کن.

هرثمه گفت: منتظر ظاهر شدن آب و ماهی شدم که ناگهان پدیدار گشت، سپس پنهان شد و آب فرو نشست و مردم نگاه می‌کردند، آن‌گاه جنازه را کنار قبر قرار دادم پس قبر با پارچهٔ سفید رنگی که من آن را پهن نکردم پوشیده شد، سپس به وسیله غیر دست من و دست حاضران به طرف قبرش پائین برده شد، مأمون به مردم اشاره کرد که با دستهای‌تان خاک بیاورید و در قبر بریزید.

گفتم: چنین دستور نده ای امیرالمؤمنین!!

گفت: وای بر تو؛ پس چه کسی آن را پر می‌کند؟

گفتم: به من فرموده که خاک بر او ریخته نشود و خبر داده است که قبر از جانب خودش پر می‌شود، سپس با سطح زمین منطبق و چهارگوش می‌گردد، مأمون به مردم اشاره کرد که خودداری کنید، و آن‌ها آنچه در دست‌شان از خاک بود رها کردند، سپس قبر پر شد و با سطح زمین منطبق و چهارگوش گردید، مأمون بازگشت و من نیز بازگشتم.

پس از چندی مأمون مرا خواند، با من خلوت کرد و گفت: ای هرثمه؛ تو را بخدا سوگند می‌دهم و از تو می‌خواهم آنچه از ابوالحسن (قدس الله روحه) شنیدی به من راست بگوئی.

هرثمه گفت: به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آنچه به من گفته بود به تو خبر دادم.

گفت: به خدا سوگندت می‌دهم که راست بگوئی نسبت به آنچه به تو خبر داده غیر از آنچه گفتی.

هرثمه گفت: گفتم ای امیرالمؤمنین!! از چه چیزی از من سؤال می‌کنی؟

گفت: ای هرثمه؛ آیا چیزی غیر از آنچه گفتی با تو مخفیانه در میان گذاشت؟

گفتم: آری.

گفت: آن چیست؟

گفتم: خبر انگور و انار.

هرثمه گفت: تا آن را گفتم، مأمون رنگ چهره‌اش تغییر کرد، گاهی زرد و گاهی سرخ و گاهی سیاه می‌شد، سپس غش کرد و بر زمین افتاد، از او شنیدم در حال بیهوشی‌اش که فریاد می‌زد و می‌گفت:[1]

---

۱. بازی‌گران سیاست گاهی از غم و اندوهِ دروغین، آگاهانه بیهوش می‌شوند و لحظه‌ای بعد، از شدّت شادی همچون مستان می‌گردند.

وای بر مأمون از سوی خدا؛ وای بر مأمون از رسول خدا؛ وای بر او از علیّ بن ابی طالب؛ وای بر مأمون از فاطمهٔ زهرا؛ وای بر مأمون از حسن و حسین؛ وای بر مأمون از علیّ بن الحسین؛ وای بر مأمون از محمّد بن علی؛ وای بر مأمون از جعفر بن محمّد؛ وای بر مأمون از موسی بن جعفر؛ وای بر مأمون از **علیّ بن موسی الرضا**، به خدا این خسران و زیانی است آشکار.

این را می‌گفت و تکرار می‌کرد، چون دیدم این حالت او به طول انجامید از او روی گرداندم و در یک طرف خانه نشستم.

هرثمه گفت: پس از مدّتی مأمون نشست و مرا خواند، بر او داخل شدم در حالی‌که مثل انسان مست نشسته بود، گفت: به خدا قسم؛ تو بر من عزیزتر از او نیستی بلکه همهٔ اهل زمین و آسمان از او عزیزتر نیستند، بخدا قسم اگر به من برسد که تو از آنچه دیدی و شنیده‌ای چیزی را دوباره گفته‌ای، تو را هلاک خواهم کرد.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! اگر بر چیزی از آن از سوی من مطّلع شدی، خون من بر تو مباح باشد.

گفت: نه بخدا قسم؛ مگر آن‌که عهد و پیمانی بر کتمان این امر و ترک اعاده آن به من بدهی، پس عهد و پیمان گرفت از من و نسبت به آن تأکید کرد.

هرثمه گفت: وقتی از او رو گرداندم، دو دستش را بر هم می‌زد و می‌گفت:

﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَايَسْتَخْفُونَ مِنَ اللهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَايَرْضىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللهُ بِمَا يَعْمَلُون مُحيطاً﴾[1].

می‌خواهند از مردم پنهان کنند و حال آنکه نمی‌توانند از خداوند پنهان کنند، و او با آنها است آن هنگام که گفتاری را که نمی‌پسندد شبانه تدبیر می‌کنند و خداوند به آنچه آنجام می‌دهند کاملاً احاطه دارد و آگاه است.[2]

* * *

۱. سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۰۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۴۸/۲.

مرحوم محدّث قمی می‌نویسد: آخر کلامی که از آن حضرت شنیده شد، این آیهٔ مبارکه بود:

﴿قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلٰى مَضٰاجِعِهِمْ...﴾.[1]

بگو: ای پیغمبر؛ اگر در خانه‌های خود هم بودید باز آنان‌که سرنوشت آنان در قضای الهی کشته‌شدن است از خانه به قتلگاه به پای خود البتّه بیرون می‌آمدند.

و به روایت شیخ مفید، حضرت بعد از خوردن زهر، دو روز زنده بود و وفات کرد. مأمون یک روز و یک شب، وفات آن جناب را پنهان داشت. محمّد بن جعفر صادق را با جماعت آل ابوطالب که حاضر بودند، طلبید و خبر وفات آن جناب را به ایشان اظهار کرد و گریست و حزن شدید اظهار کرد. پس ایشان را به نزد آن جناب آورد و بدن آن حضرت را به ایشان نمود و گفت: گواه باشید که آسیبی از ما به او نرسیده است.

پس با جنازهٔ آن حضرت خطاب کرد: ای برادر! بر من گران است که تو را بدین حالت ببینم و می‌خواستم که پیش از تو بمیرم و تو خلیفه و جانشین من باشی ولکن با تقدیر خدا چه می‌توان کرد!

پس جنازهٔ آن حضرت را بعد از غسل و تکفین حرکت دادند و در همین موضعی که فعلاً مدفون است، دفن نمودند. قبر شریفش در خانهٔ حمید بن قحطبه در قبلهٔ قبر رشید است **و در وقت غسل و تکفین و نماز و دفن، پسرش حضرت جواد** علیه‌السلام **حاضر بود و این امورات بر دست آن جناب واقع می‌شد و مردم نمی‌دانستند.**

در بعضی روایات است که مأمون از ترس آن‌که مبادا مردم فتنه کنند، جنازهٔ حضرت را در شب حرکت داد و دفن نمود صلوات الله علیه.

من سرّه أن یری قبراً برؤیته — یفرّج الله عمّن زاره کربه

فلیأت ذا القبر إنّ الله أسکنه — سلالة من رسول الله منتجبه[2]

---

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۴.

۲. وقایع الأیّام: ۹۸.

کسی که دوست دارد قبری را با دیدگان خود ببیند، که خداوند گشایش می‌دهد گرفتاری کسی که او را زیارت کند؛

پس به زیارت صاحب این قبر بیاید که خداوند در آن، از سلالهٔ پاک و منتخب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جای داده است.

ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب

حسن بن علیّ بن فضال از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اوّل ماه رجب را به اشتیاق ثواب و پاداش الهی روزه بگیرد، بهشت بر او واجب گردد. و هر کس یک روز در وسط ماه رجب روزه بگیرد در مثل ربیعه و مضر (که دو طایفهٔ پرجمعیّت بودند) شفاعت کند. و هر کس یک روز در آخر آن روزه بگیرد، خداوند او را از اهل بهشت قرار داده و شفاعت او را در مورد پدر، مادر، پسر، دختر، خواهر، برادر، عمّه، عمو، خاله، دائی، آشنایان و همسایگانش بپذیرد گرچه در میان آنان کسی باشد که سزاوار دوزخ است.[1]

عبدالله بن صالح هروی از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اوّل ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد؛ روزی که او را دیدار کند. هر کس دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او راضی باشد روزی که او را دیدار کند. و هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد و او را خشنود سازد و کسانی که با او مرافعه دارند راضی سازد؛ روزی که او را دیدار کند یعنی روز قیامت.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۲۶/۱، روضة الواعظین: ۳۹۶.

و هر کس هفت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هفت آسمان برای روح او گشوده گردد چون بمیرد تا آنکه به ملکوت اعلی رسد. و هر کس هشت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هشتگانهٔ بهشت برای او گشوده گردد. و هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، هر حاجتی که دارد برآورده شود مگر آنکه درخواست او در گناه یا قطع رحم باشد.

و هر کس تمام ماه رجب را روزه بگیرد از گناهانش بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد گشته باشد و از آتش دوزخ آزاد و همراه برگزیدگان نیکوکار وارد بهشت شود.[1]

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

من صام يوم الثامن والعشرين من رجب، كان صومه لذلك اليوم كفّارة تسعين سنة.[2]

کسی که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بگیرد روزهٔ او در آن روز، کفّارهٔ نود سال است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

من صام يوم التاسع والعشرين من رجب، كان صومه ذلك اليوم كفّارة مائة سنة.[3]

کسی که روز بیست و نهم ماه رجب را روزه بگیرد روزهٔ او در آن روز، کفّارهٔ صد سال است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

من صام يوم الثلاثين من رجب غفر الله له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر.[4]

---

۱. وسائل الشيعة: ۳۵۵/۷.

۲. إقبال الأعمال: ۱۸۸.

۳. إقبال الأعمال: ۱۸۹.

۴. إقبال الأعمال: ۱۹۰.

کسی که روز سی‌ام ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را می‌آمرزد.[1]

ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در ماه رجب

مرحوم شهید فرموده است: قصد زیارت هر یک از امامان علیهم‌السلام در موسم‌ها و مناسبت‌های مشهور، و قصد زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در ماه رجب مستحبّ است **و بدون تردید از بهترین و باارزش‌ترین کارها است.**[2]

در «عیون اخبار الرضا علیه‌السلام» و «کامل الزیارات» به سند معتبر نقل شده که محمّد بن سلیمان از امام محمّد تقی علیه‌السلام پرسید:

شخصی حجّ واجب خود را انجام داد و به مدینه رفت و حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را زیارت نمود، بعد به نجف رفت و پدرتان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را زیارت نمود و حقّ آن حضرت را می‌شناخت و می‌دانست که او حجّت خدا است بر خلق او، و او باب خداست که از آن در به خدا باید رسید.

آنگاه به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه‌السلام را زیارت نمود. سپس به بغداد رفت و حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام را زیارت کرد و به شهر خود برگشت.

در این وقت، خدا آن قدر مال به او روزی کرده است که می‌تواند به حجّ برود. آیا برای این مرد که حجِّ واجب خود را انجام داده بهتر است که برگردد و باز حجّ کند یا به خراسان برود و پدرت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را زیارت کند؟

فرمود:

بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان که بر ما و شما از طرف سلطان خوف و وحشت است، انجام ندهید.[3]

---

۱. إقبال الأعمال: ۱۹۰ ـ ۱۸۸.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۶/۱۰۰.

۳. کامل الزیارات: ۵۰۸، هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۳۶۰.

زیارت رجبیّه

که در حرم‌های مطهّر ائمّه علیهم‌السلام در ماه رجب خوانده می‌شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رحمه‌الله (سوّمین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه) می‌فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم‌ها و زیارتگاه‌های اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا بازخواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهّر امام علیه‌السلام بایست و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَشْهَدَنٰا مَشْهَدَ أَوْلِيٰآئِهِ في رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنٰا

ستایش ویژهٔ خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محلّ حضور اولیای خود حاضر گردانید، و حقوقی چند که

مِنْ حَقِّهِمْ مٰا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلىٰ

از حقّ ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوستهٔ خداوند بر محمّد برگزیده، و بر

أَوْصِيٰآئِهِ الْحُجُبِ. أَللّٰهُمَّ فَكَمٰا أَشْهَدْتَنٰا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنٰا

اوصیای او که پرده‌دار حریم الهی هستند، نثار باد. بارالها؛ همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعدهٔ ایشان

مَوْعِدَهُمْ، وَأَوْرِدْنٰا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ في دٰارِ الْمُقٰامَةِ

را نیز برای ما وفا کن، و ما را به محلّ ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه بهشت ابدی

وَالْخُلْدِ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ إِنّي قَصَدْتُكُمْ، وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتي

و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده‌ام؛ و در مورد

وَحٰاجَتي، وَهِيَ فَكٰاكُ رَقَبَتي مِنَ النّٰارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ في دٰارِ

درخواست و نیازم که رهایی من از جهنّم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما،

الْقَرٰارِ، مَعَ شيعَتِكُمُ الْأَبْرٰارِ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ بِمٰا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ

همراه با شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده‌ام. سلام بر شما به خاطر آن که شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه خوب است

عُقْبَى الدّٰارِ. أَنَا سٰآئِلُكُمْ وَاٰمِلُكُمْ فيمٰا إِلَيْكُمُ التَّفْوِيضُ، وَعَلَيْكُمُ

عاقبت این خانه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما واگذار شده هستم؛ و آنچه

التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ، وَيُشْفَى الْمَريضُ، وَما تَزْدادُ

عوض‌کردن آن به عهدهٔ شماست، زیرا تنها به وسیلهٔ شما شکسته جبران می‌شود، و بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیلهٔ شما

الْأَرْحامُ وَما تَغيضُ، إِنّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى

کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد. من به طور واقعی به سرّ شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، و

اللهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ في رَجْعي بِحَوائِجي، وَقَضائِها وَإِمْضائِها،

خدا را به شما سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم مرا برگرداند و آن‌ها را برآورده و امضا شده

وَإِنْجاحِها وَإِبْراحِها، وَبِشُؤُوني لَدَيْكُمْ وَصَلاحِها. وَالسَّلامُ

و حتمی و انجام‌شده نماید و همهٔ کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید. و سلام

عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَلَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللهَ إِلَيْكُمْ

بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما سپرده، تا برآورده شود. از خدا می‌خواهد که دوباره نزد

الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يَرْجِعَني مِنْ حَضْرَتِكُمْ

شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد، و مرا برگرداند از حضورتان

خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلىٰ جَنابٍ مُمْرِعٍ، وَخَفْضٍ [عَيْشٍ] مُوَسَّعٍ، وَدَعَةٍ

به بهترین بازگشت به سوی آستانه‌ای خرّم و سرسبز و باآسایش و پروسعت، با راحتی

وَمَهَلٍ إِلىٰ حينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرِ مَصيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعيمِ الْأَزَلِ،

و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی،

وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوامِ الْأُكُلِ، وَشُرْبِ الرَّحيقِ وَالسَّلْسَلِ،

و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و با

وَعَلٍّ وَنَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَلا مَلَلَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ

خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که هیچ خستگی و ملال و دلتنگی در آن‌ها باشد. و رحمت و برکات و تحیّت‌ها و احترامات خداوندی

عَلَيْكُمْ، حَتَّى الْعَوْدِ إِلىٰ حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ في كَرَّتِكُمْ،

تا بازگشت به حضور شما و کامیابی در رجعت شما

وَالْحَشْرِ في زُمْرَتِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

و محشور شدن در زمرهٔ شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و برکات الهی

عَلَيْكُمْ، وَصَلَوٰاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.[1]

بر شما باد؛ و درودها و احترامات ویژهٔ خداوندی نثارتان باد، و او برای ما بس است و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.

در اعمال ماه شعبان از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل می‌کنیم که زیارت امام حسین علیه‌السلام در نیمهٔ ماه رجب و نیمهٔ ماه شعبان بهتر از زمان‌های دیگر است.

۸

ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

> روزهٔ ماه شعبان کفّاره گناهان بزرگ است، حتّی اگر کسی به ریختن خون حرامی آلوده شده، پس چند روزی از این ماه را روزه گرفته و از دنیا رفته باشد برای او امید آمرزش دارم.

راوی حدیث ـ ابراهیم بن میمون ـ گوید: عرض کردم: بهترین دعا در این ماه چیست؟ فرمود:

> استغفار، بی‌گمان کسی که در این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند مانند کسی است که در غیر این ماه هفتاد هزار مرتبه استغفار نموده باشد.
>
> عرض کردم: چگونه استغفار کنم و چه بگویم؟ فرمود: بگو:
>
> أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.[2]
>
> از خداوند طلب بخشش می‌کنم و از او درخواست پذیرش توبه می‌نمایم.

۱. صحیفهٔ مهدیّه (چاپ نهم): ۶۰۴.

۲. جامع أحادیث الشیعة: ۵۷۷/۱۹.

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از عبّاس بن هلال روایت کرده است که گفت: از **حضرت امام رضا** علیه السلام شنیدم که فرمود:

هر کس یک روز از ماه شعبان را بخاطر پاداش الهی روزه بگیرد، داخل بهشت گردد.

و هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را روز قیامت در زمرهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله محشور فرماید و سزاوار کرامت پروردگار گردد.

و هر کس در ماه شعبان صدقه‌ای دهد و لو به نیمی از خرما، خداوند جسد او را بر آتش حرام نماید.

و هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و آن را به روزهٔ ماه رمضان متّصل کند، خداوند برایش روزهٔ دو ماه پیوسته نویسد.[1]

دعا در هر روز ماه شعبان

ریّان بن صلت گوید: از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه السلام شنیدم که فرمود:

کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.

از خداوند طلب بخشش می‌کنم و از او درخواست پذیرش توبه می‌نمایم.

خداوند برایش رهائی از آتش و گذرنامهٔ عبور از پل (صراط) را بنویسد و او را در بهشت ـ که جایگاه ثابت است ـ وارد کند.[2]

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۹۹/۱، وسائل الشیعة: ۳۷۸/۷.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۵۷/۲، جامع الأحادیث الشیعة: ۵۷۶/۱۹، روضة الواعظین: ۴۰۳، وسائل الشیعة: ۳۷۹/۷.

نماز و... در شب نیمهٔ شعبان

علیّ بن حسن فضّال از پدرش روایت کرده است که گفت: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد فضیلت شب نیمهٔ شعبان پرسیدم، فرمود:

شبی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهائی می‌بخشد و گناهان بزرگ را می‌آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیادتر از سایر شب‌ها معیّن گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن، واجب نگردیده است؛ ولی اگر خواستی کار مستحبّی انجام دهی، تو را سفارش می‌کنم به خواندن نماز جعفر طیّار، ذکر خداوند تبارک و تعالی. و در آن شب، زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می‌فرمود: دعا در آن شب به اجابت می‌رسد.

عرض کردم: مردم می‌گویند که آن شب است که برای هر کس آنچه مقدّرش باشد حواله می‌کنند. فرمود:

آنچه گفتی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است.[1]

زیارت امام حسین علیه‌السلام
در روز نیمهٔ ماه رجب و نیمهٔ ماه شعبان

احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام سئوال کردم در چه ماهی امام حسین علیه‌السلام را زیارت کنیم؟ فرمود:

در نیمهٔ ماه رجب و نیمهٔ ماه شعبان.

و در روایتی سئوال بدین‌گونه است: چه زمانی بهتر است امام حسین علیه‌السلام را در آن زمان زیارت کنیم؟[2]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۸۳۸، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۲۸، روضة الواعظین: ۴۰۲، وسائل الشیعة: ۲۰۲/۵.

۲. وسائل الشیعة: ۳۶۴/۱۰.

دعا در روزهای آخر ماه شعبان

عبدالسلام هروی گوید: در آخرین جمعهٔ ماه شعبان خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شرفیاب شدم، به من فرمود:

ای اباصلت؛ ماه شعبان بیشتر روزهایش سپری شده و این آخرین جمعهٔ آن است، در مقدار کمی که از آن باقی مانده کوتاهی‌های گذشته را جبران کن، به کارهای ضروری و لازم روی بیاور و کارهای غیر لازم و بی فایده را رها کن.

زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن کن، از گناهانت توبه کن، تا آنکه ماه خدا که آمد خود را برای خدا خالص نموده باشی، هر گونه امانتی که به عهده‌ات بوده آن را به صاحبش پرداخته، و از دلت کینهٔ هر مؤمنی را بیرون کرده، و از هر گونه گناهی که مرتکب می‌شده‌ای دست کشیده باشی، تقوا پیشه کن و از خدا بترس، و بر او در امور پنهانی و آشکارت توکّل کن.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً﴾.[1]

کسی که بر خدا توکّل کند، خدا او را بس است؛ همانا خدا امر خود را به انجام می‌رساند، خدا برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده.

و در آنچه از این ماه باقی مانده است، زیاد بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنٰا فِيمٰا مَضىٰ مِنْ شَعْبٰانَ، فَاغْفِرْ

خداوندا؛ اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته نیامرزیده‌ای،

لَنٰا فِيمٰا بَقِيَ مِنْهُ.

در باقی‌ماندهٔ آن ما را بیامرز.

زیرا خداوند در این ماه افرادی از گرفتاران به آتش را به احترام ماه شعبان آزاد می‌کند.[2]

---

۱. سورهٔ طلاق، آیهٔ ۳.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۵۱/۲، إقبال الأعمال: ۲۵۷، وسائل الشیعة: ۲۱۸/۷.

بخش دوازدهم

هشت دعا
برای حفظ‌شدن از گرفتاری‌ها

در این بخش، هشت دعا برای حفظ‌شدن از بلاها و گرفتاری‌ها نقل می‌کنیم:

۱

دعای توجّه به خداوند در بازار
برای حفظ نفْس

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرکس هنگام وارد شدن به بازار این دعا را بخواند، به شمارهٔ آنچه خداوند تا روز قیامت خلق می‌کند، پاداش داده می‌شود:

سُبْحٰانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ، وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

پاک و منزّه است خداوند، و ستایش از آن خداوند است، و معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است و شریک ندارد، پادشاهی

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لٰا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ

وفرمانروائی شایستهٔ او است و او سزاوار ستایش است، زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، خیر و خوبی بدست او است

وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

و او بر هر چیز توانا است.

۲

دعا برای حفظ شدن از انواع بلا

هشام بن سالم گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

هرکس بگوید: لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

هیچ توانایی و نیروی جز به سبب خداوند بزرگِ باعظمت نیست.

خداوند او را از مبتلا شدن به هفتاد نوع بلا ـ که آسانترین آن تنگی نفس است ـ حفظ می‌کند.[2]

۳

دعا برای حفظ‌شدن از گرفتاری در سفر

برای حفظ‌شدن از بلاها و گرفتاری‌ها در مسافرت، خداوند را به حقّ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام قسم دهید به این‌گونه:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا، إِلّٰا مٰا

خداوندا؛ از تو می‌خواهم به حقّ ولیّت علیّ بن موسی الرضا که

سَلَّمْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ أَسْفٰارِي، فِي الْبَرٰارِي وَالْبِحٰارِ، وَالْجِبٰالِ

مرا سالم بداری به وسیلهٔ آن حضرت در تمام سفرهایم، در خشکی، و دریا، و کوه،

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۳۰/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۱۵۰، مسند الرضا علیه‌السلام: ۶۳.

۲. ثواب الأعمال: ۱۶۲.

وَالْقِفٰارِ وَالْأَوْدِيَةِ وَالْغِيٰاضِ، مِنْ جَمِيعِ مٰا أَخٰافُهُ وَأَحْذَرُهُ،

و بیابان، و دشت و جنگل، از همهٔ آنچه می‌ترسم و از آن پرهیز می‌کنم،

إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.[1]

که تو رئوف و مهربانی.

دعا برای حفظ‌شدن در سفر
در ساعت مخصوص به حضرت امام رضا علیه‌السلام

سیّد بن طاووس رحمه‌الله می‌فرماید: در کتاب «الأسرار المودعة في ساعات الليل والنهار» ذکر کردیم که: هر ساعتی از روز به یکی از ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام اختصاص دارد و برای آن ساعت دو تا دعا است؛ یکی از آن دو را از خطّ جدّم شیخ طوسی و دیگری را از خطّ ابن مقلة که به او نسبت داده شده نقل کردیم، و هر یک از این بزرگواران ـ که برترین درود بر آنان باد ـ به مقتضای روایات مانند نگهبان و پناه‌دهنده و مهماندار برای ساعت خود می‌باشد:

ساعت اوّل به مولای ما حضرت علیّ بن ابی طالب صلوات الله علیه اختصاص دارد.

ساعت دوّم به مولای ما امام حسن مجتبی علیه‌السلام اختصاص دارد، ساعت سوّم به مولای ما امام حسین علیه‌السلام، ساعت چهارم به مولای ما امام سجّاد علیه‌السلام، ساعت پنجم به مولای ما امام باقر علیه‌السلام، ساعت ششم به مولای ما امام صادق علیه‌السلام، ساعت هفتم به مولای ما حضرت موسی بن جعفر علیهما‌السلام، ساعت هشتم به مولای ما **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام، ساعت نهم به مولای ما امام جواد علیه‌السلام، ساعت دهم به مولای ما امام هادی علیه‌السلام، ساعت یازدهم به مولای ما امام عسکری علیه‌السلام، و ساعت دوازدهم به

۱. المحاسن: ۲۸۹، مستدرك الوسائل: ۱۳۴/۸، بحار الأنوار: ۳۴/۹۴.

مولایمان حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه اختصاص دارد.

سیّد ﷺ می‌گوید: انسان باید در هر ساعتی از آن دوازده ساعت، دعای مخصوص همان ساعت را بخواند؛ خواه روزهای تابستانی باشد که روزها بلند است یا روزهای زمستانی که روزها کوتاه است، فرقی نمی‌کند؛ زیرا روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص دوازده بخش هستند.

پس هرگاه خارج‌شدن شما برای سفر در ساعتی که به یکی از امامان هدایتگر ـ که آنان را خداوند وسیلهٔ نجات بشر قرار داده ـ اتّفاق افتد، این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلٰانٰا فُلٰاناً صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ إِنَّني اُسَلِّمُ عَلَيْهِ، وَإِنَّني

بارالها؛ به مولای ما فلانی ـ که درود خدا بر او باد ـ برسان که من بر او سلام می‌فرستم، و

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ بِإِقْبٰالِكَ عَلَيْهِ، في أَنْ يَكُونَ خَفٰارَتي وَحِمٰايَتي

به او روی آورده‌ام با روی آوردن تو بر او، در اینکه بوده باشد پناه من و حامی من

وَسَلٰامَتي وَكَمٰالُ سَعٰادَتي ضِمٰانَهٰا بِكَ عَلَيْهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ

و وسیلهٔ سلامتی و کمال سعادت من، به خاطر ضمانت و کفالت آن به وسیلهٔ تو بر او، چون

فِي السّٰاعَةِ الَّتي جَعَلْتَهُ كَالْخَفيرِ فيهٰا وَحَديثَهٰا في ذٰلِكَ إِلَيْهِ.

در ساعتی که او را در آن ساعت مانند نگهبان و امان‌دهنده قرار داده‌ای روانه گشته‌ام.

و هنگامی که در منزلی فرود آمدی در ساعتی که به یکی از امامان ﷺ اختصاص دارد یا می‌خواستی از آنجا کوچ کنی، بر آن امام درود فرست؛ به گونه‌ای که تو را به آن حضرت نزدیک گرداند و با او گفتگو کن که تو را در ساعت خود ضامن گردد، و اگر خداوند عظیم الشأن چنین کاری را از تو نخواسته بود تو را به آن راهنمائی نکرده بود و هنگامی که به این برنامه ـ که خدا تو را به آن هدایت کرده ـ عمل کردی (دعای مخصوص را خواندی) هر حرکت و سکون تو در سفرت عبادت به حساب می‌آید و باعث سعادت و خوشبختی تو در آخرت می‌گردد.[1]

۱. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ۱۰۱.

۵

دعا برای حفظ شدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل

علیّ بن اسباط از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه از منزل برای سفر، یا برای کاری در بیرون منزل خارج شدی، بگو:

بِسْمِ اللهِ، اٰمَنْتُ بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، مٰا شٰآءَ اللهُ، لٰا حَوْلَ

به نام خدا (ابتدا کردم)، به خدا ایمان آوردم، بر خدا توکّل کردم، آنچه خدا خواهد همان شود، هیچ توانایی

وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ.

و نیرویی جز به سبب خداوند نیست.

پس شیاطین با او ملاقات می‌کنند، فرشتگان بر صورت آنان می‌زنند و می‌گویند: راه نفوذی بر شما نگذاشته است؛ او که «بسم الله» گفته، ایمان به خدا را اظهار کرده، توکّل بر او نموده و گفته است: «**مٰا شٰآءَ اللهُ، لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ**».[1]

۶

دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل

حلبی رحمه‌الله از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

پدرم امام باقر علیه‌السلام هر گاه از منزلش خارج می‌شد، این دعا را می‌خواند:

بِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ، وَبِسْمِ اللهِ وَلَجْتُ، وَعَلَى اللهُ تَوَكَّلْتُ، وَلٰا

بنام خدا خارج شدم، و به نام خدا وارد شدم، و بر خدا توکّل کردم، و هیچ

---

۱. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ۱۰۵، وسائل الشيعة: ۲۷۹/۸.

حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

توانایی و نیرویی جز به واسطهٔ خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ وجود ندارد.

محمّد بن سنان گوید: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام **همواره هنگام خارج شدن از منزل، دعای مذکور را می‌خواند.**[1]

دعا برای حفظ‌شدن در شب

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام از حضرت موسی بن جعفر علیهما‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

از پدرم جعفر بن محمّد علیهما‌السلام شنیدم که در شبانگاه می‌فرمود:

إِذٰا أَمْسَىٰ أَمْسَيْنٰا، وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوٰاحِدِ الْقَهّٰارِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

هرگاه شبانگاه فرارسد شام می‌کنیم ما و شام می‌کند هستی که از آن خداوند است که یگانه و بسیار چیره‌شونده است، و ستایش سزاوار خداوندی

رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلَّذي أَذْهَبَ بِالنَّهٰارِ، وَجٰآءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ في

است که پروردگار جهانیان است، آنکه روز را برده و شب را آورده و ما به لطف او در

عٰافِيَةٍ مِنْهُ. أَللّٰهُمَّ هٰذٰا خَلْقٌ جَديدٌ قَدْ غَشّٰانٰا، فَمٰا عَمِلْتُ فيهِ مِنْ

عافیت هستیم. خداوندا؛ این آفریدهٔ جدید است که ما را فرا گرفته و پوشانیده، آنچه بخواهم از

خَيْرٍ فَسَهِّلْهُ وَقَيِّضْهُ، وَكُبَّهُ أَضْعٰافاً مُضٰاعَفَةً، وَمٰا عَمِلْتُ فيهِ مِنْ

خیر و خوبی در آن بجای آورم برای من ساده و آسان و میسّر گردان، و آن را چند برابر سنگین فرما، و آنچه از

شَرٍّ فَتَجٰاوَزْ عَنْهُ بِرَحْمَتِكَ، أَمْسَيْتُ لٰا أَمْلِكُ مٰا أَرْجُو، وَلٰا أَدْفَعُ

بدی در آن مرتکب شوم به رحمت خویش از آن بگذر. شام کردم در حالی‌که آنچه را امیدوارم مالک نیستم، و بدی

۱. المحاسن: ۲۹۰، وسائل الشیعة: ۸/ ۲۸۰.

شَرَّ مٰا أَخْشٰى، أَمْسَى الْأَمْرُ لِغَيْرِي، وَأَمْسَيْتُ مُرْتَهِناً بِكَسْبِي،

آنچه را می‌ترسم نمی‌توانم دور کنم، امور در دست غیر من است، و شام کردم در حالی‌که من در گرو آنچه کسب کرده‌ام می‌باشم.

وَأَمْسَيْتُ لٰا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنّي، فَاتَّسِعْ لِفَقْرِي مِنْ سِعَتِكَ مِمّٰا كَتَبْتَ

و شام کردم در حالی‌که فقیری از من فقیرتر نیست، فقر و تهیدستی مرا از توانگری خویش از نگه‌داشتن

عَلىٰ نَفْسِكَ التَّقْوىٰ مٰا أَبْقَيْتَنِي، وَالْكَرٰامَةَ إِذٰا تَوَفَّيْتَنِي، وَالصَّبْرَ

بر خود لازم دانسته‌ای برطرف کن تا مادامی که مرا در دنیا باقی داشته‌ای، و چون از دنیا بردی و جانم را گرفتی با من کرم و بزرگواری کن، و

عَلىٰ مَا ابْتَلَيْتَنِي، وَالْبَرَكَةَ فِيمٰا رَزَقْتَنِي، وَالْعَزْمَ عَلىٰ طٰاعَتِكَ

بر آنچه مبتلا ساختی صبر و پایداری، و در آنچه بر من روزی کردی برکت، و بر طاعت خویش عزم و اراده مرحمت کن،

فِيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَالشُّكْرَ لَكَ فِيمٰا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ.[1]

در مدّتی که از عمر من باقی مانده است، و برای نعمت‌هایت که بر من بخشیده‌ای توفیق شکرگزاری عنایت فرما.

۸

تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام و «آیة الکرسی» برای حفظ شدن از گرفتاری‌ها

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

دو برادر نزد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و گفتند: یا رسول الله؛ ما در نظر داریم برای تجارت به شام برویم، دعائی به ما تعلیم فرما.

نبیّ اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرگاه در منزلی فرود آمدید و نماز عشاء را قرائت کردید و خواستید بخوابید، **تسبیح زهراء** علیهاالسلام **و «آیة الکرسی»** را بخوانید و از هر گزندی محفوظ خواهید بود.

هنگامی آن‌ها از مدینه بیرون شدند چند نفر دزد دنبال آنان روان شدند، پس از اینکه در منزلی فرود آمدند، دزدان کودکی را فرستادند تا بنگرند آن دو جوان

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۵۲۵/۱۹، مستدرك الوسائل: ۳۸۲/۵.

بازرگان در چه حال هستند.

کودک رفت و جریان آن دو نفر را که در کجا خوابیده‌اند مشخص کرد و بازگشت و برای دزدان تعریف کرد.

آن دو بازرگان پس از اینکه نماز خواندند تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و آیة الکرسی را قرائت کردند و خوابیدند، غلام بار دیگر برگشت که بازرگانان را به دزدان نشان دهد ولیکن مشاهده کرد یک دیواری دور آن‌ها کشیده شده است.

غلام بار دیگر نزد دزدان آمد و گفت: دیواری بر آن‌ها کشیده شده است و دسترسی به آنان نیست.

دزدان گفتند: خداوند تو را رسوا کند، از ترس دروغ می‌گوئی.

دزدان از جای خود برخواستند و آمدند و لیکن با دیواری بلند روبرو شدند و کسی را در آنجا مشاهده نکردند.

روز بعد در هنگام صبح دزدان نزد آن‌ها آمدند و گفتند: شما دیشب کجا بودید؟

گفتند: ما در همین جا بودیم و از جای خود حرکت نکرده‌ایم.

دزدان گفتند: ما آمدیم و در اینجا یک دیوار بلند مشاهده کردیم، اینک داستان خود را برای ما بازگو کنید.

آن دو بازرگان گفتند: ما نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفتیم، آن جناب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و آیة الکرسی را به ما تعلیم فرمود و ما هم طبق فرمان آن حضرت عمل کردیم.

دزدان گفتند: شما آسوده باشید به خداوند سوگند دیگر شما را تعقیب نمی‌کنیم و هیچ دزدی قدرت ندارد به شما دستبرد بزند.[1]

۱. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام: ۵۸۲.

بخش سیزدهم

هشت دعا
برای نجات از گرفتاری‌ها

در این بخش، هشت دعا برای رهایی یافتن از گرفتاری‌ها نقل می‌کنیم:

۱

دعا برای برطرف‌شدن گرفتاری‌های مهمّ

سیّد بن طاووس ﷺ گوید: از دعاهای **حضرت امام رضا** ﷺ دعایی است که آن را در کتاب اصل یونس بن بکیر یافتیم.

یونس گوید: از سرورم **حضرت امام رضا** ﷺ درخواست نمودم که دعایی به من بیاموزد تا آن را هنگام گرفتاری‌ها و سختی‌ها بخوانم.

حضرت فرمود:

> ای یونس؛ آنچه برایت می‌نویسم حفظ کن و آن را در هر گرفتاریِ سخت بخوان که به اجابت می‌رسد و آنچه آرزو داری و تمنّا می‌نمایی به تو عطا می‌شود.

سپس برایم نوشت:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبي وَكَثْرَتَها قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْني

خداوندا؛ گناهانم و زیادی آن مرا نزد تو شرمسار و بی‌آبرو نموده است، و مرا

عَنِ اسْتِيهٰالِ رَحْمَتِكَ، وَبٰاعَدَتْني عَنِ اسْتِيجٰابِ مَغْفِرَتِكَ، وَلَوْلاٰ

از شایستگی رحمت تو محروم کرده، و از سزاواربودن آمرزش تو دور ساخته، و اگر نبود

تَعَلُّقي بِالْآئِكَ، وَتَمَسُّكي بِالدُّعٰاءِ، وَمٰا وَعَدْتَ أَمْثٰالي مِنَ

آویختن من به لطف و نعمت‌های تو، و چنگ‌زدنم به دعا، و آنچه به امثال من از

الْمُسْرِفينَ، وَأَشْبٰاهي مِنَ الْخٰاطِئينَ، وَأَوْعَدْتَ الْقٰانِطينَ مِنْ

گناهکاران، و نظائر من از خطاکاران وعده کرده‌ای، و بیم و تهدیدی که به ناامیدان از

رَحْمَتِكَ بِقَوْلِكَ ﴿يٰا عِبٰادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لاٰتَقْنَطُوا

رحمتت داده‌ای به این فرمایشت: «ای بندگانم که بر خویش زیاده‌روی و ستم روا داشته‌اید

مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ﴾[1].

از رحمت خدا ناامید نشوید، خداوند تمام گناهان را می‌آمرزد، که همانا او آمرزنده و مهربان است»،

وَحَذَّرْتَ الْقٰانِطينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، فَقُلْتَ ﴿وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ

و ناامیدان از رحمتت را برحذر داشته‌ای و فرموده‌ای: «و چه کسی از رحمت پروردگارش

إِلَّا الضّٰالُّونَ﴾[2]، ثُمَّ نَدَبْتَنٰا بِرَأْفَتِكَ إِلىٰ دُعٰاءِكَ، فَقُلْتَ ﴿اُدْعُوني

جز گمراهان ناامید می‌شود؟»، سپس از روی مهر و محبّت ما را به دعاکردن و راز و نیاز با خودت خواندی و فرمودی: «مرا بخوانید

أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبٰادَتي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

تا شما را اجابت کنم، بدون تردید کسانی که از عبادت من تکبّر ورزند به زودی با خواری و سرافکندگی به دوزخ

دٰاخِرينَ﴾[3]. إِلٰهي لَقَدْ كٰانَ ذٰلِكَ الْإِيٰاسُ عَلَيَّ مُشْتَمِلاً، وَالْقُنُوطُ

سرنگون شوند». خدای من؛ به راستی این یأس مرا شامل گشته، و ناامیدی

مِنْ رَحْمَتِكَ مُلْتَحِفاً. إِلٰهي لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَوٰاباً،

از رحمتت مرا دربرگرفته است. خدای من؛ به آنکه نسبت به تو خوش‌گمان است وعدهٔ ثواب و پاداش داده‌ای،

۱. سورهٔ زمر، آیهٔ ۵۳. ۲. سورهٔ حجر، آیهٔ ۵۶. ۳. سورهٔ غافر، آیهٔ ۶۰.

وَأَوْعَدْتَ الْمُسيٓءَ ظَنَّهُ بِكَ عِقٰاباً. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ أَمْسَكَ رَمَقي

و به آنکه به تو بدگمان است بیم کیفر و عقاب داده‌ای. خداوندا؛ مرا از هلاکت نگهداشته و رمقی در من باقی گذاشته

حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ في عِتْقِ رَقَبَتي مِنَ النّٰارِ، وَتَغَمُّدِ زَلَّتي وَإِقٰالَةِ

خوش‌گمانی‌ام به تو در آزادی‌ام از آتش، و چشم‌پوشی از گناه من و بخششت از

عَثْرَتي. أَللّٰهُمَّ قُلْتَ في كِتٰابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذي لٰا خُلْفَ لَهُ

لغزش من. خداوندا؛ تو در کتاب خود فرموده‌ای و گفتار تو حقّ است تخلّف ندارد و ثابت است

وَلٰاتَبْديلَ، ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنٰاسٍ بِإِمٰامِهِمْ﴾[1] وَذٰلِكَ يَوْمُ النُّشُورِ

و دگرگون نمی‌گردد: «روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوای‌شان فراخوانیم» و آن روز رستاخیز است،

إِذٰا نُفِخَ فِي الصُّورِ وَ﴿بُعْثِرَ مٰا فِي الْقُبُورِ﴾[2]. أَللّٰهُمَّ فَإِنّي أَوْفي

هنگامی که در صور دمیده شود، و «آنچه در میان گورها است بیرون افکنده شود». خداوندا؛ من وفاکننده‌ام،

وَأَشْهَدُ وَأُقِرُّ وَلٰا أُنْكِرُ وَلٰا أَجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُعْلِنُ وَأُظْهِرُ وَأُبْطِنُ

و گواهی می‌دهم و اقرار می‌کنم و نفی می‌نمایم و هرگز انکار نمی‌کنم و در نهان و آشکار و ظاهر و باطن بر این عقیده‌ام

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، وَحْدَكَ لٰا شَريكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً

که بدون تردید تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، یگانه‌ای و شریکی برای تو نیست، و بدون تردید (حضرت) محمّد

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَأَنَّ عَلِيّاً أَميرَ الْمُؤْمِنينَ

ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ بنده و فرستادهٔ تو است، و این که حضرت علی امیر مؤمنان

سَيِّدُ الْأَوْصِيٰآءِ، وَوٰارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيٰآءِ، عَلَمُ الدّيٰنِ، وَمُبيرُ

سرور اوصیاء، و وارث علم پیامبران، نشانهٔ دین، و نابودکنندهٔ

الْمُشْرِكينَ، وَمُمَيِّزُ الْمُنٰافِقينَ، وَمُجٰاهِدُ الْمٰارِقينَ، وَإِمٰامي

مشرکان، و جداکنندهٔ منافقان، و نبردکننده با خارج‌شدگان از دین، و پیشوای من،

وَحُجَّتي وَعُرْوَتي وَصِرٰاطي وَدَليلي وَحُجَّتي، وَمَنْ لٰا أَثِقُ

و حجّت بر من، و دست‌آویز من، و راه من و راهنما و دلیل من است، و او کسی است که من

بِأَعْمٰالي وَلَوْ زَكَتْ، وَلٰا أَرٰاهٰا مُنْجِيَةً لي وَلَوْ صَلُحَتْ إِلّٰا

به اعمالم ـ هر چند پاک باشد ـ اطمینان ندارم، و آن‌ها را ـ گرچه صالح و شایسته باشد ـ نجات‌دهندهٔ خود نمی‌دانم مگر

۱. سورهٔ إسراء، آیهٔ ۷۱. ۲. سورهٔ عادیات، آیهٔ ۹.

بِوِلٰايَتِهِ، وَالْإِئْتِمٰامِ بِهِ، وَالْإِقْرٰارِ بِفَضٰائِلِهِ، وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهٰا،

با ولایت او، و اقتداکردن به او، و اقرارنمودن به فضائل او، و پذیرفتن از حافظان او،

وَالتَّسْلِيمِ لِرُوٰاتِهٰا. وَأُقِرُّ بِأَوْصِيٰائِهِ مِنْ أَبْنٰائِهِ أَئِـمَّةً وَحُـجَجاً،

و تسلیم‌بودن در برابر ناقلان و راویان فضائل آن حضرت. و اقرار می‌کنم به جانشینان او از فرزندانش که امامانند و حجّت‌های الهی هستند،

وَأَدِلَّةً وَسُرُجاً، وَأَعْلاٰماً وَمَـنٰاراً، وَسٰـادَةً وَأَبْـرٰاراً، وَأُؤْمِـنُ

و راهنمایان و چراغ‌های هدایتند، و نشانه‌های دین و محلّ تابش نورند، و سروران و نیکوکارانند، و

بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ، وَظٰاهِرِهِمْ وَبٰاطِنِهِمْ، وَشٰـاهِدِهِمْ وَغٰـآئِبِهِمْ،

به پنهان و آشکار ایشان، و ظاهر و باطن‌شان، و حاضر و غائب‌شان،

وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، لٰا شَكَّ فِي ذٰلِكَ، وَلَا ارْتِيٰابَ عِنْدَ تَحَوُّلِكَ وَلَا

و زنده و مردهٔ ایشان ایمان دارم، هیچ‌گونه شکّی در آن ندارم، و نزد دگرگون‌کردنت و

انْقِلٰابَ. أَللّٰهُمَّ فَادْعُنِي يَوْمَ حَشْرِي وَنَشْرِي بِإِمٰامَتِهِمْ، وَانْقِذْنِي

بازگرداندن تردیدی به خود راه نمی‌دهم. خداوندا؛ روز محشر و رستاخیزم مرا به امامت ایشان بخوان، و

بِهِمْ يٰا مَوْلٰايَ مِنْ حَرِّ النِّيرٰانِ، وَإِنْ لَمْ تَرْزُقْنِي رَوْحَ الْجِنٰانِ،

از حرارت آتش ـ ای مولای من ـ به واسطهٔ ایشان مرا رهایی بخش، و اگرچه آسایش و راحتی بهشت را روزی من نگردانی؛

فَإِنَّكَ إِنْ أَعْتَقْتَنِي مِنَ النّٰارِ كُنْتُ مِنَ الْفٰائِزِينَ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ أَصْبَحْتُ

زیرا اگر مرا از آتش آزاد کردی از رستگاران هستم. خداوندا؛ امروز که صبح کرده‌ام

يَوْمِي هٰذٰا لٰا ثِقَةَ لِي وَلٰا رَجٰآءَ وَلٰا لَجَأَ وَلٰا مَفْزَعَ وَلٰا مَنْجٰا غَيْرَ

هیچ‌گونه اطمینانی و امیدی و پناهی و پناهگاهی و نجات‌بخشی غیر از همان

مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، مُتَقَرِّباً إِلىٰ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بزرگوارانی که بواسطهٔ آنان به سوی تو توسّل جسته‌ام برای من نیست در حالی که تقرّب می‌جویم به رسول تو حضرت محمّد ـ که درود خدا بر او

وَاٰلِهِ، ثُمَّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّهْرٰآءِ سَيِّدَةِ نِسٰآءِ الْـعٰالَمِينَ،

و آل او باد ـ سپس به (حضرت) علی امیر و فرمانروای مؤمنان و (حضرت) زهرا که سرور زنان عالم وجود است،

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُـحَمَّدٍ وَجَـعْفَرٍ وَمُـوسىٰ وَعَـلِيٍّ

و امام حسن و امام حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی

وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَمَنْ بَعْدَهُمْ يُقِيمُ الْمَحَجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ،

و محمّد و علی و حسن و آن‌که بعد از ایشان به پا می‌دارد راه راست به سوی حجّت و دلیل را

اَلْمَسْتُورَةِ مِنْ وُلْدِهِ، اَلْمَرْجُوِّ لِلْاُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ. أَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي

که از فرزندان خود پنهان است و امید امّت بعد از اوست. خداوندا؛

هٰذَا الْيَوْمِ وَمٰا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكٰارِهِ، وَمَعْقِلِي مِنَ الْمَخٰاوِفِ،

امروز و بعد از آن ایشان را جایگاه امن و نفوذناپذیر من در مقابل ناخوش‌آیندها، و پناهگاه من در برابر آنچه ترسناک است قرار بده،

وَنَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطٰاغٍ وَبٰاغٍ وَفٰاسِقٍ، وَمِنْ شَرِّ مٰا

و نجات بده مرا به واسطهٔ ایشان از شرّ هر دشمن و ستمکار سرکش، و تجاوزگر و تبه‌کار، و از شرّ آنچه

أَعْرِفُ وَمٰا أُنْكِرُ، وَمَا اسْتَتَرَ عَنِّي وَمٰا أُبْصِرُ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ

می‌شناسم و نمی‌شناسم، و آنچه پوشیده است از من و آنچه می‌بینم، و از شرّ هر جنبنده‌ای که

رَبِّي آخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا، إِنَّكَ عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ. أَللّٰهُمَّ بِتَوَسُّلِي بِهِمْ

زمام او را پروردگارم بدست دارد، که همانا تو بر راه استواری. خداوندا؛ به خاطر توسّلی که به سبب ایشان

إِلَيْكَ، وَتَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ، وَتَحَصُّنِي بِإِمٰامَتِهِمْ، إِفْتَحْ عَلَيَّ فِي هٰذَا

به تو دارم، و تقرّبی که به واسطهٔ محبّت و دوستی ایشان دارم، و پناهندگی‌ام به امامت ایشان،

الْيَوْمِ أَبْوٰابَ رِزْقِكَ، وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَحَبِّبْنِي إِلىٰ خَلْقِكَ،

امروز به روی من درهای روزیت را بگشا، و رحمتت را بر من بگستران، و مرا محبوب آفریدگانت فرما،

وَجَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَعَدٰاوَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ

و مرا از کینه و دشمنی ایشان دور فرما، که تو بر هر چیزی توانا هستی. خداوندا؛

وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوٰابٌ، وَلِكُلِّ ذِي شَفٰاعَةٍ حَقٌّ، فَأَسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ

برای هر توسّل‌جوینده‌ای پاداشی، و برای هر شفاعت‌دارنده‌ای حقّی است، از تو می‌خواهم به حقّ آن کسی که او را

وَسِيلَتِي إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُ أَمٰامَ طَلِبَتِي، أَنْ تُعَرِّفَنِي بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذٰا

وسیله و واسطهٔ خودم به سوی تو قرار دادم، و پیشاپیش خواسته‌ام مقدّم کردم، برکت این روز

وَشَهْرِي هٰذٰا وَعٰامِي هٰذٰا. أَللّٰهُمَّ وَهُمْ مَفْزَعِي وَمَعُونَتِي فِي شِدَّتِي

و این ماه و این سال را به من بشناسان. خداوندا؛ این بزرگواران پناهگاه من و مددکار من در هنگام سختیم

وَرَخٰآئي، وَعٰافِيَتي وَبَلٰآئي، وَنَوْمي وَيَقْظَتي، وَظَعْني وَإِقٰامَتي،

و رفاهم، و عافیتم و بلایم، و خوابم و بیداریم، و کوچ‌کردنم و اقامتم،

وَعُسْري وَيُسْري، وَعَلٰانِيَتي وَسِرّي، وَإِصْبٰاحي وَإِمسٰـآئي،

و سختیم و آسانیم، و آشکارم و پنهانیم، و بامدادم و شامگاهم،

وَتَقَلُّبي وَمَثْوٰايَ، وَسِرّي وَجَهْري. أَللّٰهُمَّ فَلٰاتُخَيِّبْني بِهِمْ مِـنْ

و حرکتم و سکونم، و نهانم و آشکارم هستند. خداوندا؛ به حقّ ایشان مرا محروم

نٰآئِلِكَ، وَلٰاتَقْطَعْ رَجٰآئي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلٰاتُؤْيِسْني مِنْ رَوْحِكَ،

از عطایت مفرما، و ناامید از رحمتت مکن، و مأیوس از لطف و یاریت مدار،

وَلٰاتَبْتَلْني بِانْغِلٰاقِ أَبْوٰابِ الْأَرْزٰاقِ، وَانْسِدٰادِ مَسٰالِكِهٰا، وَارْتِيٰاحِ

و مرا مبتلا مکن به بسته‌بودن درهای روزی‌ها، و بسته‌بودن روش‌های (به دست آوردن) آن‌ها، و راحت‌بودن

مَذٰاهِبِهٰا، وَافْتَحْ لي مِنْ لَدُنْكَ فَتْحاً يَسيراً، وَاجْعَلْ لي مِنْ كُلِّ

رفتن به سوی روزی‌ها، و از ناحیهٔ خودت گشایش آسانی برایم باز کن، و از هر

ضَنْكٍ مَخْرَجاً، وَإِلىٰ كُلِّ سِعَةٍ مَنْهَجاً، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ، وَصَلَّى

تنگنایی محلّ خروجی، و به سوی هر توانگری و آسایشی راه آشکاری قرار بده، که تو مهربانترین مهربانانی، و درود

اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبينَ الطّٰاهِرينَ، اٰمينَ رَبَّ الْعٰالَمينَ.[1]

خداوند بر (حضرت) محمّد و آل پاک و پاکیزهٔ او باد، اجابت کن، (ای) پروردگار جهانیان.

۲

دعای دیگر هنگام گرفتاری‌های سخت

سیّد بن طاووس رحمه‌الله از کتاب «تعبیر الرؤیا» ـ تألیف محمّد بن یعقوب کلینی ـ چنین نقل کرده است: احمد از وشّاء، و او از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

۱. مهج الدعوات: ۳۰۳، المصباح: ۳۷۰(با اختلاف)، بحار الأنوار: ۳۴۶/۹۴.

پدرم را در خواب دیدم، به من فرمود: پسرم؛ هرگاه در گرفتاری سختی قرار گرفتی، زیاد بگو: «يٰا رَؤُوفُ يٰا رَحِيمُ»؛ «ای بسیار مهربان؛ ای رحم‌کننده»، و آنچه را در خواب می‌بینی مانند آن است که در بیداری ببینی.[1]

دعا برای برطرف‌شدن هر درد و مرض

خالد عبسی می‌گوید: **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام این عوذه و دعا را به من تعلیم نمود و فرمود:

آن را به برادران مؤمن خود یاد بده که آن، برای هر دردی است:

أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمٰآءِ، أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي

پناه می‌دهم نفس خود را به پروردگار زمین و پروردگار آسمان، پناه می‌دهم نفس خود را به کسی که

لٰايَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دٰآءٌ، أُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفٰآءٌ.[2]

با اسم او، مرض زیانی نمی‌رساند، پناه می‌دهم نفس خود را به کسی که اسم او برکت و شفا است.

دعای دیگر برای برطرف‌شدن هر درد و مرض

زکریّا بن آدم ـ که در خراسان **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را خدمت می‌کرد ـ گوید: روزی **حضرت امام رضا** علیه‌السلام مرا صدا زد و فرمود:

ای زکریّا؛ عرض کردم: گوش به فرمان شما هستم ای فرزند رسول خدا.

فرمود: برای تمام دردها و بیماری‌ها این دعا را بخوان:

---

۱. مهج الدعوات: ۳۹۷، بحار الأنوار: ۲۸۳/۹۵.
۲. بحار الأنوار: ۸/۹۵.

يٰا مُنْزِلَ الشِّفٰآءِ، وَمُذْهِبَ الدّٰآءِ، أَنْزِلْ عَلىٰ وَجَعِيَ الشِّفٰآءَ.

ای نازل‌کنندهٔ شفا؛ و از بین‌برندهٔ درد؛ بر درد من شفا را نازل فرما.

به اذن خداوند تبارک و تعالی عافیت خواهی یافت.[1]

۵

دعا برای رهایی از چشم‌خوردگی

معمّر بن خلّاد گوید: در خراسان با **حضرت امام رضا**علیه‌السلام بودم و بازار رفتن و خریدن اجناس به عهدهٔ من بود، روزی به من دستور داد تا برایش غالیه (مادّه‌ای است خوش‌بو) تهیّه کنم. هنگامی که خریدم و نزد آن حضرت آوردم مورد پسندش قرار گرفت و از آن خوشش آمد، نگاهی به آن کرد و به من فرمود:

ای معمّر؛ بدون تردید چشم‌زدن حقّ است (یعنی چیزی است که تحقّق پیدا می‌کند)، در کاغذی سورهٔ «حمد» و ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ و «آیة الکرسی» را بنویس، و آن را در جلد این ظرف قرار بده.[2]

۶

دعا برای برطرف‌شدن سحر

محمّد بن عیسی گوید: از **حضرت علیّ بن موسی الرضا**علیه‌السلام در مورد سحر سؤال کردم، فرمود:

چنین چیزی هست، و آن‌ها ضرر و زیان می‌رسانند به اذن خداوند تبارک و

۱. بحار الأنوار: ۵۵/۹۵.

۲. مکارم الأخلاق: ۲۳۱/۲، بحار الأنوار: ۱۲۸/۹۵.

تعالی، هنگامی که دچار شدی دستت را در برابر صورتت بالا ببر و این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللهِ الْـعَظِيمِ، رَبِّ الْـعَرْشِ الْـعَظِيمِ، إِلَّا

بنام خداوند بزرگ‌مرتبه، بنام خداوند بزرگ‌مرتبه، پروردگار و صاحب عرش عظیم، که

ذَهَبْتَ وَانْقَرَضْتَ.[1]

از بین روی و نابود شوی.

۷

دعا برای برطرف‌شدن تب

از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده است: برای برطرف شدن تب، این دعا به این صورت نوشته شود و مریض آن را همراه خود نماید:[2]

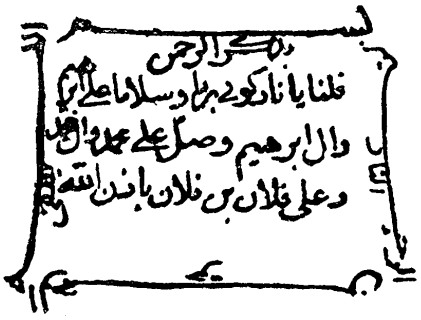

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، «گفتیم: ای آتش؛ بر ابراهیم و آل ابراهیم سرد و سلامت باش»[3] و درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و بر فلان پسر فلان به اذن و فرمان پروردگار.

۱. مکارم الأخلاق: ۲۸۶/۲، بحار الأنوار: ۱۲۹/۹۵.

۲. بحار الأنوار: ۳۳/۹۵.

۳. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۶۹.

۸

دعا برای پیدا شدن گمشده

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

هرگاه چیزی از تو مفقود شد یا کالایی را گم کردی، بگو:

﴿وَعِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلّا هُوَ وَيَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

«و نزد او کلیدهای غیب است و جز او کسی به آن‌ها علم ندارد، و (خداوند) به آنچه در خشکی و دریا وجود دارد علم دارد،

وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلّا يَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ فِي ظُلُماتِ الْأَرْضِ

و برگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه (خداوند) از آن آگاه است، و بذری در نهان زمین قرار ندارد،

وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ إِلّا فِي كِتابٍ مُبِينٍ﴾[1].

و هیچ تر و خشکی نیست مگر آن‌که نام آن در کتابی روشنگر است».

سپس بگو: أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَهْدي مِنَ الضَّلالَةِ، وَتُنْجي مِنَ الْعَمىٰ،

خداوندا؛ به راستی که تو از گمراهی به هدایت می‌کشانی، و از کوری رهایی می‌بخشی،

وَتَرُدُّ الضّالَّةَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي، وَرُدَّ

و گمشده را بازمی‌گردانی، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا بیامرز، و

ضالَّتي، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.[2]

گمشده‌ام را بازگردان، و بر محمّد و آل او درود و سلام بفرست.

---

۱. سورهٔ انعام، آیهٔ ۵۹.

۲. مکارم الأخلاق: ۲۳۲/۲، الأنوار النعمانیّة: ۱۶۷/۴، بحار الأنوار: ۱۲۳/۹۵، و در «مستدرك الوسائل: ۲۱۵/۸» با اختلافی اندک.

بخش چهاردهم

هشت دعا
برای نجات از شرّ ظالم

در این بخش، هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم نقل می‌کنیم:

۱
نفرینِ دشمنان

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

هنگامی که یکی از شما دشمن خود را نفرین می‌کند، باید بگوید:

أَللّٰهُمَّ اطْرُقْهُ بِلَيْلَةٍ لا اُخْتَ لَها، وَأَبِحْ حَرِيمَهُ.[۱]

خداوندا؛ او را به حادثه‌ای (خطرناک) در شب گرفتار کن که برایش نظیری نباشد و حریم او را مباح گردان.

۲
دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی‌های دیگر

مولای ما **حضرت علیّ بن موسی الرضا**علیه‌السلام هنگامی که مأمون بر آن حضرت غضب کرده و خشمگین بود، این دعا را خواندند، پس آرام گرفت و خشم او فرو نشست:

---

۱. مکارم الأخلاق: ۱۴۹/۲، بحار الأنوار: ۲۲۲/۹۵.

بِاللهِ أَسْتَفْتِحُ، وَبِاللهِ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ. أَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لي

به نام خدا آغاز می‌کنم، و از خداوند توفیق وکامیابی می‌طلبم، و به (حضرت) محمّد ﷺ روی می‌آورم. خداوندا؛

حُزُونَةَ أَمْري كُلَّهُ، وَيَسِّرْ لي صُعُوبَتَهُ، إِنَّكَ تَمْحُو مٰا تَشٰآءُ

سختی‌ها و ناهمواری‌های تمامی کارم را هموار کن، و دشواری‌های آن را آسان گردان، که تو نابود می‌کنی آنچه را بخواهی

وَتُثْبِتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتٰابِ.

و ثابت می‌گردانی، و نزد تو اصل کتاب آفرینش و لوح محفوظ است.

و مسنداً از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگز امری مرا اندوهناک نساخت و دچار تنگی معاش نشدم و با مبارزی روبرو نگشتم، و این دعا را خوانده باشم؛ مگر اینکه خداوند اندوه و غصّه‌ام را برطرف کرد و گشایش در کارم داد و پیروزی بر دشمن را نصیب من ساخت.[1]

۳

دعای حجاب و حفظ شدن از شرّ دشمنان

دعای **امام رضا** علیه السلام برای حفظ شدن از شرّ دشمنان و پنهان ماندن از دسترس آنان:

إِسْتَسْلَمْتُ مَوْلٰايَ لَكَ، وَأَسْلَمْتُ نَفْسي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ في كُلِّ

مولای من؛ خود را تسلیم تو نمودم، و خویشتن را به تو واگذار کردم، و در همهٔ

اُمُوري عَلَيْكَ، وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ، إِخْبَأْنِيَ اللّٰهُمَّ في سِتْرِكَ

کارهایم بر تو توکّل کردم، و من بندهٔ تو و پسر دو بنده توأم. خداوندا؛ مرا در پوششت

عَنْ شِرٰارِ خَلْقِكَ، وَاعْصِمْني مِنْ كُلِّ أَذًى وَسُوٓءٍ بِمَنِّكَ، وَاكْفِني

از آفریدگان شرورت پنهان بدار، و به لطف خود از هر اذیّت و آزاری حفظ کن، و

شَرَّ كُلِّ ذي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ. أَللّٰهُمَّ مَنْ كٰادَني أَوْ أَرٰادَني فَإِنّي أَدْرَأُ

به قدرتت بدی هر تبهکاری را نسبت به من کفایت کن. خداوندا؛ هر کس به من حیله کند یا قصد فریب مرا داشته باشد، به

۱. بحار الأنوار: ۳۱۵/۹۴.

بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ مِنْهُ، وَأَسْتَعِيذُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ،

وسیلهٔ تو آن را دفع کرده و به خودش برمی‌گردانم، و در برابر او از تو یاری می‌جویم، و از شرّ او به توانایی و نیروی تو پناه می‌برم،

وَشُدَّ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ، إِذْ كُنْتَ نَاصِرِي، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا

و ببند از من دستان ستمگران را؛ زیرا تو یاور من بوده‌ای، جز تو خداوندی نیست، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِلٰهَ الْعَالَمِينَ. أَسْأَلُكَ كِفَايَةَ الْأَذىٰ، وَالْعَافِيَةَ

مهربانترین مهربانان، و ای خداوند جهانیان. از تو می‌خواهم کفایت نمودن از اذیّت و آزار، و عافیت

وَالشِّفَاءَ، وَالنَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا

و شفا، و نصرت و یاری بر علیه دشمنان، و توفیق آنچه را که دوست می‌داری ای پروردگار ما

وَتَرْضىٰ، يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ، يَا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ، يَا

و می‌پسندی، ای خدای عالمیان؛ ای مسلّط بر آسمان‌ها و زمین‌ها، ای

رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.[1]

پروردگار محمّد و آل پاک و پاکیزهٔ او، درود تو بر همهٔ آنان باد.

۴

دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می‌ترسد

حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام هرگاه می‌خواستند بر کسی وارد شوند که از او بیم (گرفتاری) داشتند، این دعا را می‌خواندند:

أَللّٰهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ يَدِهِ، وَسُلْطَانُكَ أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي

خداوندا؛ دست تو بالای دست او، و نیروی تو نیرومندتر از نیروی او است. خداوندا؛

أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ،

به وسیلهٔ تو، او را دور کرده و به خودش برمی‌گردانم، و از شرّ او به تو پناه می‌برم، و به واسطهٔ تو بر او یاری می‌جویم،

۱. مهج الدعوات: ۳۵۸، المصباح: ۲۹۳، البلد الأمین: ۶۴۴، المجموع الرائق: ۳۸۱/۱، بحار الأنوار: ۳۷۹/۹۴.

وَأَلْجَأُ إِلَيْكَ مِمّا أَشْفَقْتَ عَلىٰ نَفْسي مِنْهُ. أَللّٰهُمَّ فَكُنْ عِنْدَ ظَنّي

و از آنچه بر خودم می‌ترسم از ناحیهٔ او به تو پناهنده می‌شوم. خداوندا؛ پس بوده باش نزد گمانم

بِكَ فيمٰا لَمْ أَجِدْ فيهِ مَفْزَعاً غَيْرُكَ، وَلٰا مَلْجَأً سِوٰاكَ، فَقَدْ عَلِمْتَ

به تو در آنچه پناهی غیر از تو در آن نمی‌یابم، و به تحقیق می‌دانم

أَنَّ عَدْلَكَ أَوْسَعُ مِنْ جَوْرِ الْجٰائِرينَ، وَإِنْصٰافَكَ مِنْ وَرٰآءِ

که عدل تو گسترده‌تر از ستم ستمکاران است، و حق‌طلبی تو در پی

الظّٰالِمينَ، فَأَجِرْني مِنْهُ يٰا إِلٰهَ الْعٰالَمينَ بِحَقِّكَ عَلَيْكَ، فَإِنَّ أَحَداً

ستمگران است، پس مرا از او امان بده به حقّ خودت بر تو ای خداوند جهانیان، به راستی که هیچ‌کس

لٰا يَعْرِفُ حَقَّكَ حَسَبِ مَعْرِفَتِكَ بِحَقِّكَ. حَسْبي أَنْتَ يٰا اَللّٰهُ، حَسْبي

حقّ تو را نمی‌شناسد آن‌گونه که تو حقّ خود را می‌شناسی. تو مرا بس هستی ای خدا،

أَنْتَ يٰا اَللّٰهُ، حَسْبي أَنْتَ يٰا اَللّٰهُ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيْكَ فَأَنْتَ حَسْبُهُ،

تو مرا بس هستی ای خدا، تو مرا بس هستی ای خدا، و هر کس بر تو توکّل کند او را بس هستی،

بِذٰلِكَ جَرىٰ وَعْدُكَ، وَنَطَقَ كِتٰابُكَ، وَأَنْتَ أَوْفَى الضّٰامِنينَ،

وعده‌ات به این قاعده جاری گشته و کتابت به همین مطلب گویا است، و تو وفاکننده‌ترین ضامنان هستی،

سُبْحٰانَكَ رَبِّ الْعٰالَمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.[1]

پاک و منزّهی (ای) پروردگار جهانیان، و درود خداوند بر محمّد و آل او باد.

۵

دعا برای برطرف‌شدن شرّ ظالم

حضرت امام رضاعلیه‌السلام از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

منصور دوانیقی کسی را به سوی جعفر بن محمّد علیهما‌السلام فرستاد تا او را به قتل

۱. المجموع الرائق: ۳۱۹/۱.

رساند و شمشیر و آن بساطی را که زیر پای محکومِ به قتل می‌گسترانند آماده کرد و به ربیع گفت: هنگامی که من سخن گفتم و دستم را به دست دیگر زدم گردن او را بزن.

همین که جعفر بن محمّد علیهما السلام وارد شد و منصور از دور آن حضرت را دید، در روی بستر به خود حرکتی داد و گفت: خوش آمدی ای اباعبدالله؛ بسوی شما نفرستادم مگر به این امید که وام شما را بپردازم و حقّ و حرمت شما را رعایت کنم.

سپس با مهربانی و لطف از اهل بیتش سؤال کرد و گفت: حتماً خدا بدهی شما را ادا و جایزهٔ شما را پرداخت کرد. ای ربیع؛ کار سومّی را انجام نده تا جعفر بن محمّد را بسوی خانه و خانواده‌اش بازگردانی.

وقتی امام علیه السلام بیرون رفت، ربیع به آن حضرت عرض کرد: آیا آن شمشیر و آن بساط چرمی را دیدید؟ منصور آن‌ها را برای شما آماده کرده بود، هنگام وارد شدن دیدم لب‌های مبارک شما بهم می‌خورد، چه دعائی می‌خواندید؟

امام علیه السلام فرمود: آری؛ چون شرّ و بدی در چهرهٔ منصور مشاهده کردم، گفتم:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، وَحَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ،

پروردگار بی‌نیازکنندهٔ من از هر پرورش‌یافته است، و آفریدگار بی‌نیازکنندهٔ من از هر آفریده‌شده است،

وَحَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، وَحَسْبِيَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ،

و روزی‌دهنده بی‌نیازکنندهٔ من از هر روزی داده‌شده است، و خدا مرا بس است که پروردگار جهانیان است،

حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، اَللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

کفایت می‌کند مرا آنکه مرا کافی است، کفایت می‌کند مرا آنکه همواره کفایت‌کنندهٔ من است، خدا است آنکه جز

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.[1]

او معبودی نیست، بر او توکّل کردم و او پروردگار عرش عظیم است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۳۷/۱، بحار الأنوار: ۲۱۴/۹۵.

۶

دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم

سیّد بن طاووس رحمه‌الله در کتاب «مهج الدعوات» از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

شخصی خدمت امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شد و نسبت به کسی که به او ستم می‌نمود شکایت کرد، امام علیه‌السلام به او فرمودند:

چرا «دعای مظلوم» را که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام تعلیم فرمودند نمی‌خوانی؟ هیچ مظلومی آن را علیه ظالم نمی‌خوانَد مگر آنکه خدا او را یاری می‌دهد و از شرّ آن ظالم او را کفایت می‌نماید، و دعا این است:

أَللّٰهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلاٰءِ طَمّاً، وَغُمَّهُ بِالْبَلاٰءِ غَمّاً، وَقُمَّهُ بِالْأَذٰى قَمّاً،

خداوندا؛ او را در بلا فرو ببر، و او را به بلا بپوشان، و پی در پی بر او ناراحتی و آزار وارد کن،

وَارْمِهِ بِيَوْمٍ لٰا مَعٰادَ لَهُ، وَسٰاعَةٍ لٰا مَرَدَّ لَهٰا، وَأَبِحْ حَرِيمَهُ،

و گرفتار کن به روزی که بازگشت ندارد (دائمی است)، و ساعتی که برایش گرداندنی نیست (جدا نشود)، و حرمتش را از بین ببر،

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ، وَقِني

و درود فرست بر محمّد و اهل بیت او که سلام بر او و آنان باد، و مرا از

شَرَّهُ، وَاكْفِني أَمْرَهُ، وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ، وَأَحْرِجْ قَلْبَهُ، وَسُدَّ

شرّ او نگهدار، و در امر او مرا کفایت کن، و مکر و حیلهٔ او را از من بازگردان، و قلب او را در مشقّت افکن، و

فٰاهُ عَنّي، ﴿وَخَشَعَتِ الْأَصْوٰاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلاٰتَسْمَعُ إِلّٰا هَمْساً﴾[1]،

دهانش را از بدگوئی من ببند. «و صداها در برابر آن خدای مهربان خاموش شد پس نمی‌شنوی مگر آوازی آهسته»،

﴿وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خٰابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً﴾[2]،

«و چهره‌ها در برابر آن زندهٔ پاینده به خاک افتد و ناکام و زیانکار است کسی که بار ستمی بر دوش دارد»،

۱. سورهٔ طه، آیهٔ ۱۰۸. ۲. سورهٔ طه، آیهٔ ۱۱۱.

﴿اِخْسَئُوا فيهٰا وَلٰاتُكَلِّمُونِ﴾[1]، صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ.[2]

«به دوزخ درآیید و با من لب از سخن فرو بندید»، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش.

۷

دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف‌شدن ناراحتی‌های دیگر

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرموده است:

یکی از اصحاب ورقی را یافت، آن را نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آورد، سپس برای نماز جماعت ندا دادند، هیچ زن و مردی تخلّف نکرده و همه حضور پیدا کردند، آنگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر روی منبر رفتند و آن را قرائت کردند، در حالی‌که نوشته‌ای از یوشع بن نون ـ وصیّ حضرت موسی علیه‌السلام ـ بود، و در آن چنین آمده بود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ، أَلٰا إِنَّ خَيْرَ عِبٰادِ اللهِ التَّقِيُّ الْخَفِيُّ، وَإِنَّ شَرَّ عِبٰادِ اللهِ الْمُشٰارُ إِلَيْهِ بِالْأَصٰابِعِ.

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، براستی که پروردگار شما هر آینه رئوف و مهربان است، آگاه باشید؛ بهترین بندگان خدا کسی است که تقوا پیشه کند و گمنام باشد، و بدترین بندگان خدا کسی است که با انگشتان به او اشاره شود یعنی مشهور و سرشناس باشد.

هر کس دوست دارد پیمانه‌اش را پر کنند و حقوقی که خدا بخاطر نعمت‌هایش بر او دارد ادا کند، پس باید هر روز بگوید:

سُبْحٰانَ اللهِ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ، وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ، وَالْحَمْدُ

خدا پاک و منزّه است آنگونه که سزاوار خداوندی باشد، و معبودی جز خداوند نیست آنگونه که سزاوار خداوندی باشد، و سپاس و

۱. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۰۸.

۲. مهج الدعوات: ۳۰۶، المصباح: ۲۷۳، بحار الأنوار: ۲۱۵/۹۵، الجُنّة الواقية والجَنّة الباقية (مخطوط): ۴۹.

لِلّٰهِ كَمٰا يَنْبَغي لِلّٰهِ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰهِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

ستایش از آن خدا است آنگونه که سزاوار خداوندی باشد، و هیچ بازدارنده و هیچ نیروئی جز به سبب خداوند نیست، و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اَلنَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْهٰاشِمِيِّ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

(حضرت) محمّد و اهل بیت او، آن پیامبری که از طایفهٔ عرب و هاشمی‌نسب است و درود خدا بر

جَميعِ الْمُرْسَلينَ وَالنَّبِيّينَ حَتّٰى يَرْضَى اللّٰهُ.

تمام رسولان و پیامبران تا آنکه خدا خشنود گردد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر فرود آمد در حالی‌که مردم اصرار می‌ورزیدند در آن دعا، مقداری رسول خدا صلی الله علیه و آله صبر کرد و سپس بر روی منبر رفت و فرمود:

هر کس دوست دارد او را برتر از مجاهدین ثنا گویند و تعریف نمایند این گفتار را هر روز بگوید، پس اگر حاجتی داشته باشد برآورده می‌شود، دشمنی داشته باشد سرکوب می‌گردد قرض و بدهی داشته باشد پرداخت شود، غصّه و گرفتاری داشته باشد برطرف گردد و کلام او آسمان‌ها را درنوردد تا در لوح محفوظ نوشته شود.[1]

۸

دعا برای غلبه بر ظالم

در کتاب «خواصّ آیات قرآن کریم» از **حضرت امام رضا** علیه السلام نقل کرده است که اگر کسی دشمن داشته باشد، اسم «حَسیب» را هر روز هشتاد مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنی آن بگوید: **«يٰا حَسيبُ»** و این کار را از روز پنجشنبه شروع نماید، دشمن او مقهور و مغلوب گردد.

در آن کتاب نقل شده: در دفع دشمن و ردّ ظالم، وردی و ذکری از این قویتر نیست.[2]

---

۱. مهج الدعوات: ۳۰۶، بحار الأنوار: ۴/۸۷، الدعوات: ۴۶، مستدرك الوسائل: ۳۷۷/۵، الجُنّة الواقية والجَنّة الباقية (مخطوط): ۳۲(با کمی تفاوت).

۲. خواصّ آیات قرآن کریم: ۸۱.

بخش پانزدهم

هشت حرز
از حضرت امام رضا علیه‌السلام

در این بخش، هشت حرز از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام می‌آوریم که افراد می‌توانند آن‌ها را به صورت مکتوب و نوشته، همراه خود نمایند:[1]

۱

حرز حضرت امام رضا علیه‌السلام یا رقعة الجیب

یاسرِ خادم گوید: هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد قصر حمید بن قحطبه شدند، لباس خود را بیرون آوردند و به حمید دادند، حمید آن را گرفت و به کنیزی داد تا بشوید، چیزی نگذشت که کنیز بازگشت در حالی که رقعه‌ای در دست داشت، رقعه را به حمید داد و گفت: آن را در جیب **حضرت امام رضا** علیه‌السلام یافتم.

حمید به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کرد: فدای شما بشوم؛ کنیز، رقعه‌ای را در جیب پیراهن شما یافته است، ممکن است بفرمائید چیست؟ حضرت فرمود:

ای حمید؛ این عوذه و حرزی است که هیچگاه از خود جدا نمی‌کنیم.

عرض کرد: ممکن است مرا از آن آگاه کنی و بر من منّت گذاری؟ امام علیه‌السلام فرمود:

---

۱. در بعضی از روایاتِ این بخش، تصریح شده است که نه تنها همراه نمودن این حرزها، بلکه خواندن آن‌ها نیز مؤثّر است.

این حرزی است که هر کس در جیب خود نگهداری کند، بلا از او دور می‌گردد و او را از شرّ شیطانِ رانده شده حفظ می‌کند.

سپس آن را بر حمید املاء نمود و او نوشت، و آن حرز چنین است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

بِسْمِ اللهِ ﴿إِنّي أَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيّاً﴾[1] أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ.

بنام خدا، همانا من به خداوند رحمان پناه می‌برم از تو، اگر پرهیزکننده باشی، یا نباشی.

أَخَذْتُ بِاللهِ السَّميعِ الْبَصيرِ عَلىٰ سَمْعِكَ وَبَصَرِكَ، لا سُلْطانَ لَكَ

به سبب خداوند شنوا و بینا قدرت شنوایی و بینایی را از تو گرفتم، هیچ‌گونه تسلّطی برای تو

عَلَيَّ، وَلا عَلىٰ سَمْعي، وَلا عَلىٰ بَصَري، وَلا عَلىٰ شَعْري، وَلا

بر من نیست، و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم،

عَلىٰ بَشَري، وَلا عَلىٰ لَحْمي، وَلا عَلىٰ دَمي، وَلا عَلىٰ مُخّي،

و نه بر پوستم، و نه بر گوشتم، و نه بر خونم، و نه بر مغزم،

وَلا عَلىٰ عَصَبي، وَلا عَلىٰ عِظامي، وَلا عَلىٰ مالي، وَلا عَلىٰ

و نه بر اعصابم، و نه بر استخوان‌هایم، و نه بر مال و ثروتم، و نه بر

ما رَزَقَني رَبّي. سَتَرْتُ بَيْني وَبَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ، الَّذي اسْتَتَرَ

آنچه پروردگارم به من روزی فرموده. بین خودم و تو را پوشیدم به پوشش نبوّت که

أَنْبِياءُ اللهِ بِهِ مِنْ سَطَواتِ الْجَبابِرَةِ وَالْفَراعِنَةِ. جَبْرَئيلُ عَنْ

پیامبران الهی خود را به سبب آن از خطر قدرتمندان و فرعون‌های زمان می‌پوشیدند. جبرئیل از

يَميني، وَميكائيلُ عَنْ يَساري، وَإِسْرافيلُ عَنْ وَرائي، وَمُحَمَّدٌ

طرف راست من، و میکائیل از طرف چپ من، و اسرافیل از پشت سرم، و (حضرت) محمّد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمامي، وَاللهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنّي،

- که درود خدا بر او و آل او باد - از پیشاپیش من، و خداوند آگاه بر حال من می‌باشد تو را از من بازمی‌دارد،

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۱۸.

وَيَمْنَعُ الشَّيْطٰانَ مِنّي. أَللّٰهُمَّ لٰايَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنٰاتَكَ أَنْ يَسْتَفِزَّني

و شیطان را از من دور می‌کند. خداوندا؛ نادانی او بر بردباری تو چیره نمی‌گردد که مرا بترساند

وَيَسْتَخِفَّني. أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ. أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ. أَللّٰـهُمَّ

و کوچک شمارد. خداوندا؛ به تو پناه آورده‌ام. خداوندا؛ به تو پناهنده گشته‌ام. خداوندا؛

إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ أَشْرَفِ الْخَلْقِ كٰآفَّةً مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

در پناه تو آمده‌ام، و درود خداوند بر بزرگوارترین انسان‌ها از میان همهٔ آفریدگان یعنی (حضرت) محمّد و آل

الطّٰاهِرينَ، صَلَوٰات اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ.[1]

پاک او باد، صلوات و درود خدا بر همهٔ آنان باد.

سیّد بن طاووس ﷺ فرموده است: برای این حرز قصّه‌ای نیکو و حکایتی عجیب است که آن را اباصلت هروی روایت کرده است.

اباصلت گوید: روزی مولای من **علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام در منزل خود نشسته بودند که فرستادهٔ مأمون وارد شد و گفت: مأمون شما را خواسته است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام برخاست و به من فرمود:

او در چنین وقتی معمولاً نمی‌طلبد، حتماً نقشه‌ای و مکر و حیله‌ای در سر پرورانده است، ولی به خدا قسم نمی‌تواند بر ضرر من کاری انجام دهد؛ به خاطر دعایی که از جدّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به من رسیده است.

اباصلت گوید: با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از منزل بیرون آمدیم تا بر آن ملعون وارد شدیم. **حضرت امام رضا** علیه‌السلام چون چشم مبارکش به مأمون افتاد، آن حرز را از ابتدا تا به آخر خواند و چون در پیش روی مأمون ایستاد، او نگاهی به حضرت کرد و گفت: ای اباالحسن؛ ما دستور دادیم که صد هزار درهم به شما دهند، خواسته‌های خویشاوندان و بستگان خود را بنویس و یادداشت کن.

هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از او روی گردانید، مأمون به آن حضرت از پشت

۱. مهج الدعوات: ۴۹، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۳۶/۲، البلد الأمین: ۶۴۰، بحار الأنوار: ۱۹۲/۹۴ و ۳۴۳، المجموع الرائق: ۳۶۱/۱.

سر نگاه می‌کرد و می‌گفت: من اراده‌ای کردم و خداوند ارادهٔ دیگری فرمود و آنـچه خدا اراده فرمود بهتر است.[1]

۲

حرز دیگری نیز به نام رقعة الجیب

سیّد بن طاووس ﷺ در کتاب «مهج الدعوات» به سند مـفصّل خـود از احـمد بـن محمّد بن ابی نصر روایت کرده است که **حضرت امام رضا** ﷺ فرمود:

رقعة الجیب پناه است برای هر چیز، و باعث حفظ و حراست می‌گردد.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

بِسْمِ اللهِ ﴿اخْسَئُوا فيهٰا وَلٰاتُكَلِّمُونِ﴾[2]، ﴿إِنّي أَعُوذُ بِـالرَّحْمٰنِ

بنام خدا «دور شوید با خواری در آن (در آتش) و سخن نگویید»، «همانا من پناه می‌برم

مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيّاً﴾[3]. أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللهِ وَبَصَرِهِ عَلىٰ أَسْمٰاعِكُمْ

به خداوند رحمان از تو اگر پرهیزکننده باشی». به شنوائی و بینائی خدا، شنوائی

وَأَبْصٰارِكُمْ، وَبِقُوَّةِ اللهِ عَلىٰ قُوَّتِكُمْ، لٰا سُلْطٰانَ لَكُمْ عَلىٰ فُلٰانِ

و بینائی شما را گرفتم، و به نیروی الهی نیروی شما را گرفتم، برای شما بر فلانی

بْنِ فُلٰانَةَ، وَلٰا عَلىٰ ذُرِّيَّتِهِ، وَلٰا عَلىٰ أَهْلِهِ، وَلٰا عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ.

پسر فلانی و بر فرزندانش، و اهل و عیالش تسلّطی و قدرتی نیست.

سَتَرْتُ بَيْني وَبَيْنَكُمْ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ، اَلَّذِي اسْتَتَرُوا بِهِ مِنْ سَطَوٰاتِ

بین خودم و شما را به پوشش نبوّت که خود را از شرّ

۱. مهج الدعوات: ۴۹، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۱۳۶/۲، البلد الأمین: ۶۴۰، بحار الأنوار: ۳۴۳/۹۴.

۲. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۰۸.

۳. سورهٔ مریم، آیهٔ ۱۸.

الْجَبابِرَةِ وَالْفَراعِنَةِ. جَبْرَئيلُ عَنْ أَيْمانِكُمْ، وَميكائيلُ عَنْ يَسارِكُمْ،

قدرتمندان و فرعون‌های زمانشان می‌پوشیدند پوشیدم. جبرئیل از طرف راست شما، و میکائیل از طرف چپ شما،

وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمامُكُمْ، وَاللهُ يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ، بِمَنْعِهِ

و محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ پیشاپیش شما، و خداوند بر شما اشراف دارد و آگاه است، به نگه‌داشتن او

نَبِيَّ اللهِ وَبِمَنْعِ ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَمِنَ الشَّياطينِ، ما شاءَ

پیامبر را و به نگه‌داشتن فرزندانش و اهل بیتش را از شرّ شما و شیاطین، آنچه خدا بخواهد

اللهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. أَللّهُمَّ إِنَّهُ لايَبْلُغُ جَهْلُهُ

همان می‌شود، هیچ قدرت و نیرویی جز به سبب خداوند بزرگ بلندمرتبه نیست. خداوندا؛ جهل و نادانی او بر

أَناتَكَ، وَلايَبْتَليهِ وَلايَبْلُغُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ نِعْمَ

بردباری تو نمی‌رسد و متوجّه آن نمی‌شود، و به تلاش و کوشش نهایی خود نمی‌رسد، بر تو توکّل نمودم، و تو خوب

الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصيرُ، حَرَسَكَ اللهُ يا فُلانَ بْنَ فُلانَةٍ وَذُرِّيَّتَكَ

مولا و سروری هستی و خوب یاوری می‌باشی، ای فلانی پسر فلانی خداوند تو و فرزندانت را

مِمّا تَخافُ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

از آنچه بر یکی از آفریدگانش می‌ترسی حفظ فرماید، و درود خدا بر محمّد و آل او باد.

و آیة الکرسی را آن‌گونه که نازل شده است بنویس: ﴿اَللهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ

«خداوند است که معبودی جز او نیست، زنده

الْقَيُّومُ لاتَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَما فِي

و پاینده است، او را چرت و خواب نگیرد، آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است،

الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْديهِمْ

کیست که بتواند در پیشگاه او جز به اذن و فرمان او شفاعت کند، آنچه پیشاپیش آنها است

وَما خَلْفَهُمْ وَلايُحيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

و آنچه پشت سر دارند همه را می‌داند، و به علم و دانش او جز به مقداری که او بخواهد کسی احاطه پیدا نمی‌کند، کرسی او

السَّماواتِ وَالْأَرْضَ وَلايَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ﴾[1].

آسمان‌ها و زمین را دربرمی‌گیرد، و نگهداری زمین و آسمان او را به زحمت نمی‌اندازد، و او بلندمرتبه و بزرگ است».

۱. سورهٔ بقرهٔ، آیهٔ ۲۵۵.

و بـنویس: لٰا حَوْلَ وَلٰا قُـوَّةَ إِلّٰا بِـاللهِ الْـعَلِيِّ الْـعَظِيمِ ،

هیچ جنبشی و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبهٔ باعظمت نیست،

لٰا مَلْجَأَ مِنَ اللهِ إِلّٰا إِلَـيْهِ ، وَحَسْـبِيَ اللهُ وَنِـعْمَ الْـوَكِـيلُ ،

پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، و خداوند مرا بس است و او خوب دفاع‌کننده و پشتیبانی است.

وأسلم في رأس الشهبا فيها لما لسلسبيلا (ليها طلسلسبيلا)،

وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.[1]

و درود خداوند بر (حضرت) محمّد و آل پاک و پاکیزهٔ او باد.

۳

حِرز دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يٰا مَنْ لٰا شَبِيهَ لَهُ وَلٰا مِثٰالَ لَهُ، أَنْتَ اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، وَلٰا خٰالِقَ

ای آنکه مشابهی برای او نیست و مثل و مانندی ندارد، تو خداوندی هستی که معبودی جز تو نیست، و هیچ آفریننده‌ای

إِلّٰا أَنْتَ، تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ وَتَبْقىٰ أَنْتَ، حَلَمْتَ عَمَّنْ عَـصٰاكَ،

جز تو وجود ندارد، آفریدگان را از بین می‌بری و تو باقی می‌مانی، نسبت به کسانی که معصیت و نافرمانی تو کرده‌اند بردباری می‌نمایی،

وَفِي الْمَغْفِرَةِ رِضٰاكَ.[2]

و در آمرزش رضایت و خشنودی تو است.

۱. مهج الدعوات: ۵۱، و در هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۶۰۹، البلد الأمین: ۴۳۴، بحار الأنوار: ۳۴۴/۹۴، و ج ۶/۹۵ با تفاوتی اندک.

۲. مهج الدعوات: ۵۲، بحار الأنوار: ۳۴۵/۹۴.

۴

حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام برای برطرف‌شدن بیماری

وشّاء گوید: شخصی بر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد شد، امام علیه‌السلام به او فرمود:

چه شده، می‌بینم رنگ چهره‌ات زرد گشته است؟

عرض کرد: این تبی که هر چهار روز یک بار به سراغم می‌آید، مرا از پای درآورده است. امام علیه‌السلام قلم و دوات خواست و بر کاغذی نوشت:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، أَبْجَدْ هَوَّزْ حُطِّي عَنْ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، به نام خدا و به یاری خدا، ابجد، هوّز، حطّی (بیرون برو از وجود)

فُلانِ بْنِ فُلانَةٍ بِإِذْنِ اللهِ تَعالىٰ.

فلانی پسر فلان زن به اذن و فرمان خداوند تعالی.

سپس در زیر نوشته هفت مرتبه مهر زد «خاتم سلیمان»، و آن را پیچید. سپس فرمود:

ای معتب؛ نخی به من بده که نه آب و نه آب دهان به آن نرسیده باشد.

آن را حاضر کرد، امام علیه‌السلام بر آن گرهی زد، سپس به دهان مبارک خود نزدیک کرد از طرفی چهار گره بر آن زد و بر هر گرهی سورهٔ «حمد»، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ**﴾، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾، ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ و «آیة الکرسی» خواند، و بر طرف دیگر آن، سه گره زد و بر هر گرهی همان سوره‌ها و «آیة الکرسی» را خواند، آنگاه آن را به مریض داد و فرمود:

بر بازوی راست خود ببند و «آیة الکرسی» را تا آخر بخوان، و تا مادامی که بر بازو بسته‌ای مجامعت نکن.[1]

---

۱. مکارم الأخلاق: ۲۶۳/۲، و در بحار الأنوار: ۲۱/۹۵ و ۲۸ با اختلاف.

۵

حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام

فضل بن ربیع روایت کرده است که روزی هارون صبحانه شراب خورده بود، دربان خود را طلبید و به او دستور داد که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را از حبس خارج کرده و در قفس شیران و جایگاه درندگان رها کند؛ من هر چه کردم که او را آرام کنم سودی نبخشید بلکه به خشم او افزوده و گفت: به خدا قسم؛ اگر او را در محل شیران نیفکنی تو را بجای او می‌اندازم.

می‌گوید: نزد امام علیه‌السلام رفتم و قصّه را گفتم که هارون مرا چنین دستوری داده است.

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

تو آنچه مأمور شده‌ای انجام بده، من برای دفع شرّ او از خدا یاری می‌جویم.

آنگاه شروع کرد به خواندن دعا در حالی‌که با من راه می‌رفت تا به جایگاه شیران رسیدیم، من دربِ آن را گشودم و امام علیه‌السلام را در آنجا وارد کردم که در آن، چهل شیر درّنده بود، در را که بستم دچار غم و اندوه و اضطراب شدم و نگران گردیدم که کشتن امام به دست من صورت گیرد، با این حال به منزل بازگشتم.

چون پاسی از شب گذشت خادم آمد و به من پیغام داد که هارون تو را می‌طلبد، نزد او رفتم، به من گفت: گویا امشب خطائی مرتکب شده یا کار زشت و بدی انجام داده‌ام که خوابی وحشناک دیده‌ام و مرا دچار ترس و دلهره ساخته است.

در خواب دیدم عدّه‌ای مردان مسلّح بر من وارد شدند، در میان آنان شخصی بود که چهره‌اش همچون ماه می‌درخشید و هیبتی از او در دلم وارد شد، یکی از آنان گفت:

این شخص، امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام است، نزدیک او آمدم تا پای

مبارکش را ببوسم، مرا از خود دور کرد و این آیه را خواند:

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ﴾[1].

آیا می‌خواهید که چون سَروری و حکومت در روی زمین یافتید فساد بپا کنید و پیوندهای خویشاوندی را از هم بگسلید؟

سپس از من روی گردانید و بر دری دیگر وارد شد، من هراسان از خواب بیدار شدم.

به او گفتم: ای هارون؛ تو مرا فرمان دادی که **علیّ بن موسی** علیه‌السلام را در پیش شیران بیفکنم.

گفت: وای بر تو؛ آیا تو هم این کار را کردی؟

گفتم: آری؛ به خدا قسم.

گفت: فوراً نزد او برو و ببین در چه حالی است؟

می‌گوید: شمعی را روشن کرده و در دست گرفته و به راه افتادم، وقتی بدانجا رسیدم، امام علیه‌السلام را دیدم که ایستاده و نماز می‌خواند و شیران اطراف او زانو زده‌اند، بازگشتم و آنچه را دیده بودم به هارون خبر دادم، او باور نکرد و خودش به راه افتاد تا از نزدیک صحنه را مشاهده کند، چون امام را دید، عرض کرد: «السلام علیك یابن عمّ»؛ «سلام بر تو ای پسر عمو».

امام علیه‌السلام پاسخ او را نداد تا از نماز فارغ شد، آنگاه جواب سلامش را مرحمت نمود و فرمود:

امید نداشتم که در مثل چنین جائی بر من سلام کنی.

هارون گفت: از گناه من چشم‌پوشی کن، من از تو عذر می‌خواهم.

امام علیه‌السلام فرمود:

خدا ما را به لطف خویش نجات داد، پس او را سپاسگزارم.

---

۱. سورهٔ محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله، آیهٔ ۲۲.

سپس دستور داد تا آن حضرت را از آن جایگاه بیرون آوردند، و چون در پیش روی هارون حضور یافت، با امام علیه‌السلام معانقه کرد و آن حضرت را در بالای تخت خود نشانید و عرض کرد: ای پسر عمو؛ اگر مایل باشید اینجا بمانید، از شما پذیرائی می‌کنم و در رفاه و آسودگی خواهید بود و اگر بخواهی می‌توانی بازگردی، دستور دادیم که برای شما و خویشان شما مال زیاد و لباس و جامهٔ فراوان آماده کنند و بدهند.

امام علیه‌السلام فرمود:

من نیازی به پول‌ها و لباس‌های تو ندارم، ولی در میان قریش افرادی هستند که نیاز دارند میان آنان تقسیم شود، و گروهی را نام برد.

هارون دستور داد هدیه‌ای به امام دهند و او را بر مرکب خوبی سوار کنند و به منزل برسانند و امر کرد که آن حضرت را مشایعت کنم، من برای مشایعت به همراه آن حضرت به راه افتادم و در بین راه عرض کردم: چقدر خوب است که به من لطف کنی و آن عوذه را که خواندی برایم بگویی.

امام علیه‌السلام فرمود:

ما اجازه نداریم که این عوذه را به هر کسی یاد دهیم، امّا چون تو حقّ صحبت و خدمت داری برایت می‌گویم، آن را نگهداری کن.

سپس آن را در ورقی نوشت **و من آن را در پارچه‌ای در آستینم محکم بستم، پس از آن هیچگاه بر هارون وارد نشدم مگر آنکه به رویم تبسّم کرد و خواسته‌هایم را برآورده ساخت، و هر سفری که رفتم حرز و نگهدارندهٔ من بود و باعث ایمنی من از هر ترس و نگرانی بود**، و هرگز در شدّت و بلا و سختی گرفتار نشدم مگر اینکه آن را خواندم و گشایش و فرج در کارم ایجاد گردید، سپس دعا را یادآوری کرد و قرائت فرمود.

سیّد بن طاووس رحمه‌الله می‌گوید: احتمال دارد که این قضیّه در مورد حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام اتّفاق افتاده باشد؛ زیرا او در حبس هارون محبوس بود، ولی برای رعایت امانت همان‌گونه که یافتیم آن را بازگو نمودیم، و آن دعا این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَريكَ لَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ،

جز خدا معبودی نیست، او یکتایی است که شریک ندارد، وعده‌اش را وفا کرد، و بنده‌اش را یاری نمود،

وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزٰابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ.

و لشکرش را تقویت کرد و چیره ساخت، و احزاب را درهم شکست، پس پادشاهی از آنِ او است و او سزاوار ستایش است.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، أَمْسَيْتُ وَأَصْبَحْتُ في حِمَى اللهِ الَّذي

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، صبح و شام کردم در پناه خداوند که (کسی)

لٰايُسْتَبٰاحُ، وَذِمَّتِهِ الَّتي لٰاتُرٰامُ وَلٰاتُخْفَرُ، وَفي عِزِّ اللهِ الَّذي

راه داده نشود، و در عهد و پیمان او که شکسته نشود و خیانت نگردد، و در عزّت و اقتدار او که

لٰايُذَلُّ وَلٰايُقْهَرُ، وَفي حِزْبِهِ الَّذي لٰايُغْلَبُ، وَفي جُنْدِهِ الَّذي

خوار و سرکوب نشود، و در حزب او که مغلوب نگردد، و در لشکر او که

لٰايُهْزَمُ، وَحَريمِهِ الَّذي لٰايُسْتَبٰاحُ. بِاللهِ اسْتَجَرْتُ وَبِاللهِ أَصْبَحْتُ،

شکست داده نشود، و در حریم او که حرمتش بر باد نرود. به خدا پناه جستم، و به کمک خدا صبح کردم،

وَبِاللهِ اسْتَنْجَحْتُ وَتَعَزَّزْتُ وَتَعَوَّذْتُ وَانْتَصَرْتُ وَتَقَوَّيْتُ، وَبِعِزَّةِ

و به واسطهٔ خداوند توفیق و کامیابی طلب نمودم، و عزّت یافتم، و پناهنده شدم، و یاری گشتم و تقویت شدم، و به عزّت و اقتدار

اللهِ قَوَّيْتُ عَلىٰ أَعْدٰآئي، وَبِجَلٰالِ اللهِ وَكِبْرِيٰآئِهِ ظَهَرْتُ عَلَيْهِمْ،

خداوند بر دشمنانم نیرومند گشتم، و به جلال و کبریائی او بر آنان چیره شدم،

وَقَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ، وَاسْتَعَنْتُ عَلَيْهِمْ بِاللهِ، وَفَوَّضْتُ

و به توانایی و نیروی او آنان را سرکوب نمودم، و همواره به سبب خداوند بر آنان یاری جُستم، و

أَمْري إِلَى اللهِ، وَحَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ، وَتَرٰاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ

کارم را به خدا واگذار کردم، و خداوند مرا بس است و او خوب دفاع‌کننده و پشتیبانی است، و می‌بینی ایشان را که به سوی تو نگاه

وَهُمْ لٰايُبْصِرُونَ. أَتىٰ أَمْرُ اللهِ، فَلَجَتْ حُجَّةُ اللهِ، غَلَبَتْ كَلِمَتُهُ

می‌کنند در حالی‌که نمی‌بینند. فرمان خدا آمد، پس حجّت خدا پیروز گشت، حکم او

عَلىٰ أَعْدٰآءِ اللهِ الْفٰاسِقينَ، وَجُنُودِ إِبْلٰيسَ أَجْمَعينَ، ﴿لَنْ يَضُرُّوكُمْ

بر همهٔ دشمنانِ تبه‌کار، و لشکریان ابلیس چیره شد، «هرگز زیانی به شما نرسانند

إِلّٰا أَذًى وَإِنْ يُقٰاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبٰارَ ثُمَّ لٰا يُنْصَرُونَ * ضُرِبَتْ

جز اینکه آزار دهند، و اگر به مبارزه و نبرد با شما آیند میدان را ترک کرده و بگریزند و پس از آن هرگز یاری نشوند * آن‌ها

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمٰا ثُقِفُوا﴾[1] أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتيلاً، ﴿لٰا يُقٰاتِلُونَكُمْ

محکوم به ذلّت و خواری شدند، هر کجا آنان پیدا شوند» باید گرفته و به شدّت به قتل برسند، «با شما به طور دسته‌جمعی

جَميعاً إِلّٰا في قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرٰآءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَديدٌ

نمی‌جنگند مگر در قریه‌های حصار کشیده شده یا پشت دیوارها، ناراحتی و گرفتاری آن‌ها بین خودشان سخت و دشوار است،

تَحْسَبُهُمْ جَميعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتّٰى ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لٰا يَعْقِلُونَ﴾[2]،

آن‌ها را مجتمع و باهم می‌پنداری در حالیکه دل‌های‌شان پراکنده است، و این بخاطر آن است که آنها اندیشه نمی‌کنند»،

تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْمَحْفُوظِ، ﴿فَمَا اسْطٰاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ

خود را حفظ می‌کنم از آنان به حصار و دژی که محفوظ است، «پس نتوانستند که بر آن چیره شوند

وَمٰا اسْتَطٰاعُوا لَهُ نَقْباً﴾[3]. اٰوَيْتُ إِلىٰ رُكْنٍ شَديدٍ، وَالْتَجَأْتُ إِلىٰ

و نتوانستند که به آن راه پیدا کنند». در جایگاه محکمی مأوا گرفتم، و در

كَهْفٍ رَفيعٍ، وَتَمَسَّكْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتينِ، وَتَدَرَّعْتُ بِدِرْعِ اللهِ

پناهگاه بلندی پناهنده گشتم، و به ریسمان محکم چنگ زدم، و به زره

الحَصينَةِ، وَتَدَرَّقْتُ بِدَرَقَةِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَتَعَوَّذْتُ بِعَوْذَةِ

محکم الهی زره‌پوش شدم، و به سپر امیر مؤمنان سپر گرفتم، و به تعویذ

سُلَيْمٰانَ بْنِ دٰاوُدَ، وَتَخَتَّمْتُ بِخٰاتَمِهِ، فَأَنَا حَيْثُمٰا سَلَكْتُ اٰمِنٌ

سلیمان بن داود تعویذ آویختم، و به انگشتر او تختّم نمودم و آن را در انگشت کردم، لذا هر راهی بپیمایم ایمن هستم

مُطْمَئِنٌّ، وَعَدُوّي فِي الْأَهْوٰالِ حَيْرٰانٌ، قَدْ حُفَّ بِالْمَهٰانَةِ، وَأُلْبِسَ

و آرامش دارم، و دشمن من در میان وحشت‌ها سرگردان است، خواری و سستی گرد او را گرفته، و لباس

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. سورهٔ حشر، آیهٔ ۱۴. ۳. سورهٔ کهف، آیهٔ ۹۷.

الذُّلَّ، وَقُمِّعَ بِالصَّغٰارِ. ضَرَبْتُ عَلىٰ نَفْسي سُـرٰادِقَ الْـحِيٰاطَةِ،

ذلّت به تن نموده، و با کوچکی و حقارت سرکوب گشته است. خیمهٔ احاطه‌کننده بر خودم زدم،

وَلَبِسْتُ دِرْعَ الْحِفْظِ، وَعَلَّقْتُ عَلَيَّ هَيْكَلَ الْهَيْبَةِ، وَتَتَوَّجْتُ بِتٰاجِ

و زره نگهدارنده پوشیدم، و هیکل هیبت بر خویشتن آویختم، و تاج

الْكَرٰامَةِ، وَتَقَلَّدْتُ بِسَيْفِ الْعِزِّ الَّذي لٰا يُفَلُّ، وَخَفَيْتُ عَنْ أَعْيُنِ

کرامت بر سر نهادم، و شمشیر عزّت و توانمندی که شکسته نمی‌شود بندش را بر گردن نهادم، و از چشم

الْبٰاغِينَ النّٰاظِرِينَ، وَتَوٰارَيْتُ عَنِ الظُّنُونِ، وَأَمِنْتُ عَلىٰ نَفْسي،

ستمگران و تجاوزکارانی که مرا می‌بینند مخفی گشتم، و از گمان‌های بد پنهان شدم، و بر خود امنیّت یافتم،

وَسَلِمْتُ مِنْ أَعْدٰآئي بِجَلٰالِ اللهِ، فَهُمْ لي خٰـاضِعُونَ، وَعَـنّي

و به جلال و بزرگی پروردگار از دشمنانم رهایی پیدا کردم، پس آن‌ها برای من فروتنی کردند، و از من

نٰافِرُونَ، ﴿كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾[1]، قَصُرَتْ

پراکنده شدند؛ «گویا گورخران گریزنده‌اند * که از شیر شجاع فرار کرده‌اند»،

أَيْديهِمْ عَنْ بُلُوغي، وَعَمِيَتْ أَبْصٰارُهُمْ عَنْ رُؤْيَتي، وَخَـرِسَتْ

دستشان از رسیدن به من کوتاه است و دیدگان‌شان از دیدار من نابینا است، و

أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْري، وَذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتي، وَتَخَوَّفَتْ

زبانشان از ذکر و یاد من لال است، و عقل و خرد ایشان از شناسائی من غفلت زده، و

قُلُوبُهُمْ، وَارْتَعَدَتْ فَرٰآئِصُهُمْ وَنُفُوسُهُمْ مِـنْ مَـخٰافَتي. يٰـا اَللّٰهُ

دل‌های‌شان ترسناک، و بندهای بدن‌شان لرزان، و جان‌شان از ترس من بیمناک است. ای خدایی

الَّذي لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ، يٰا هُوَ، يٰا مَنْ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ، اُفْلُلْ جُنُودَهُمْ،

که جز او خدایی نیست، ای خدا؛ ای آنکه جز او معبودی نیست، لشکریان دشمن را شکست بده،

وَاكْسِرْ شَوْكَـتَهُمْ، وَنَكِّسْ رُؤُسَهُمْ، وَأَعْمِ أَبْصٰارَهُمْ، ﴿فَظَلَّتْ

و قدرت و عظمت آن‌ها را درهم شکن، و بزرگان آن‌ها را سرنگون ساز، و دیدگان‌شان را نابینا کن، «تا در نتیجه

---

۱. سورهٔ مدّثّر، آیهٔ ۵۰ و ۵۱.

أَعْناقُهُمْ لي خاضِعينَ﴾[1]، وَانْهَزَمَ جَيْشُهُمْ، وَوَلَّوْا مُدْبِرينَ،

گردن‌های‌شان فرود آمده و نسبت به من سرافکنده»، و لشکرشان شکست‌خورده و روی‌گردانیده باشند.

﴿سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ * بَلِ السّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسّاعَةُ

«به زودی جمع‌شان شکست‌خورده شود و همه می‌گریزند * میعادگاهشان رستاخیز است و رستاخیز

أَدْهىٰ وَأَمَرُّ﴾[2]، ﴿وَما أَمْرُ السّاعَةِ إِلّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ﴾[3]. عَلَوْتُ

تلخ‌تر و سخت‌تر است»، «و کار رستاخیز جز یک چشم بر هم زدن نمی‌باشد». بر آنان برتری

عَلَيْهِمْ بِعُلُوِّ اللهِ الَّذي كانَ يَعْلُو بِهِ صاحِبُ الْحُرُوبِ، مُنَكِّسُ

یافتم به برتری خداوند که صاحب نبردها، و سرنگون‌کنندهٔ

الرّايٰاتِ، وَمُبيدُ الْأَقْرانِ، وَتَعَوَّذْتُ بِأَسْمآءِ اللهِ الْحُسْنىٰ وَكَلِماتِهِ

پرچم‌ها، و هلاک‌کننده نزدیکان است، و به نام‌های نیکوی خداوند و کلمات ارزشمند او پناهنده

الْعُلْيا، وَظَهَرْتُ عَلىٰ أَعْدآئي بِبَأْسٍ شَديدٍ وَأَمْرٍ رَشيدٍ، وَأَذْلَلْتُهُمْ

شدم، و بر دشمنانم با نیرو و قوّتی سخت و فرمانی استوار ظفر یافتم، و آن‌ها را خوار و ذلیل نموده

وَقَمَعْتُ رُؤُسَهُمْ، وَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لي خاضِعينَ، فَخابَ مَنْ

و بزرگان آن‌ها را سرکوب کردم، و گردن‌های ایشان برای من خاضع گردید، پس کسی که

ناوٰاني، وَهَلَكَ مَنْ عادٰاني، وَأَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ، وَالْمُظَفَّرُ

به من قصد بدی نمود ناکام ماند، و کسی که با من دشمنی کرد هلاک و نابود گردید، و من تأییدشده و یاری‌شده، و ظفرمند

الْمُتَوَّجُ الْمَحْبُورُ، وَقَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ التَّقْوىٰ، وَاسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ

سرافراز و شادمانم، و به حکم تقوا ملتزم و پایبندم، و به دست‌آویز

الْوُثْقىٰ، وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللهِ الْمَتينِ، فَلَنْ يَضُرَّني كَيْدُ الْكآئِدينَ

مطمئن درآویخته‌ام، و به ریسمان محکم الهی چنگ زده‌ام، پس مکر حیله‌گران

وَحَسَدُ الْحاسِدينَ، أَبَدَ الْآبِدينَ وَدَهْرَ الدّاهِرينَ، فَلَنْ يَرانـي

و حسد حسودان در همهٔ روزگاران و برای همیشه به من زیان نمی‌زند، پس هرگز

۱. سورهٔ شعراء، آیهٔ ۴.
۲. سورهٔ قمر، آیهٔ ۴۵ و ۴۶.
۳. سورهٔ نحل، آیهٔ ۷۷.

أَحَدٌ وَلَنْ يَقْدِرَ عَلَيَّ أَحَدٌ، ﴿قُلْ إِنَّمٰا أَدْعُو رَبّي وَلٰا أُشْرِكُ بِـهِ

کسی مرا نمی‌بیند و هرگز بر من قدرت پیدا نمی‌کند، «بگو من تنها پروردگارم را می‌خوانم و با او هیچ

أَحَداً﴾[1]. أَسْأَلُكَ يٰا مُتَفَضِّلُ، أَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمٰانِ

کسی را شریک نمی‌سازم». از تو می‌خواهم ای احسان‌کننده؛ که بر من لطف کنی و امن و ایمان

عَلىٰ نَفْسي وَرُوحي، بِالسَّلٰامَةِ مِنْ أَعْدٰآئي، وَأَنْ تَحُولَ بَيْني

بر جان و روح من با سالم‌ماندن از دشمنانم به من عطا کنی، و فاصله اندازی بین من

وَبَيْنَ شَرِّهِمْ بِالْمَلٰآئِكَةِ الْغِلٰاظِ الشِّدٰادِ، ﴿لٰايَعْصُونَ اللهَ مٰا أَمَرَهُمْ

و شرّ آنان به واسطهٔ فرشتگان ستبر و سختگیر «که آنچه خدا فرمان دهد سرپیچی نمی‌کنند،

وَيَفْعَلُونَ مٰا يُؤْمَرُونَ﴾[2]. وَأَيِّدْني بِـالْجُنْدِ الْكَـثيفَةِ، وَالْأَرْوٰاحِ

و آنچه را بدان مأمورند انجام می‌دهند». و مرا با لشکر انبوه و ارواح

الْعَظيمَةِ الْمُطيعَةِ، فَيُجيبُونَهُمْ بِالْحُجَّةِ الْبٰالِغَةِ، وَيَقْذِفُونَهُمْ بِالْحَجَرِ

بزرگ فرمانبردار یاری کن، پس با حجّت رسا به آن‌ها جواب دهند، و سنگ‌های نابودکننده به طرف آنان پرتاب

الدّٰامِغِ، وَيَضْرِبُونَهُمْ بِالسَّيْفِ الْقٰاطِعِ، وَيَرْمُونَهُمْ بِالشَّهٰابِ الثّٰاقِبِ،

کنند، و با شمشیر برّان به آن‌ها بزنند، و تیرهای سوراخ‌کننده

وَالْحَريقِ الْمُلْتَهِبِ، وَالشُّوٰاظِ الْمُحْرِقِ، ﴿وَيُقْذَفُونَ مِـنْ كُـلِّ

و آتش شعله‌ور، و زبانه‌های سوزنده به طرف آن‌ها رها کنند. «و از هر

جٰانِبٍ * دُحُوراً وَلَهُمْ عَذٰابٌ وٰاصِبٌ﴾[3]، قَذَفْتُهُمْ وَزَجَرْتُهُمْ بِفَضْلِ

سو به طرف آن‌ها بارش شود * بارش شدید و عذاب دردناک همیشگی دارند». به آن‌ها پرتاب کردم و آنان را راندم به فضل

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، بِطٰهٰ وَيٰسٓ وَالذّٰارِيٰاتِ وَالطَّوٰاسـينَ

«بسم الله الرّحمن الرّحیم»، به طه و یس و الذاریات و طواسین (سوره‌هایی که با طس شروع شده)

وَتَنْزيلِ الْقُرْاٰنِ الْعَظيمِ وَالْحَوٰاميمِ[4] وَبِكٰهيعٓصٓ، وَبِكٰافٍ كُفيتُ،

و قرآن عظیم فرو فرستاده‌شده و به حوامیم و به کهیعص، و به واسطهٔ «کاف» کفایت شدم،

۱. سورهٔ جنّ، آیهٔ ۲۰. ۲. سورهٔ تحریم، آیهٔ ۶. ۳. سورهٔ صافّات: آیهٔ ۸ و ۹.

۴. حوامیم؛ به سوره‌هایی گفته می‌شود که با «حم» شروع شوند.

وَبِهٰآءٍ هُديتُ، وَبِيٰآءٍ يُسِّرَ لي، وَبِعَيْنٍ عَلَوْتُ، وَبِصٰادٍ صَـدَقْتُ

و به واسطهٔ «ها» هدایت شدم، و به واسطهٔ «یاء» آسان شد برای من، و به واسطهٔ «عین» برتری یافتم، و به «صاد» راست گفتم

أَنَّهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ، وَبِنُونِ وَالْقَلَمِ وَمٰا يَسْطُرُونَ، وَبِمَوٰاقِعِ النُّجُومِ،

که خدایی و معبودی جز او نیست، و به «ن» و قسم به قلم و آنچه می‌نگارد، و به جایگاه‌های ستارگان،

وَبِالطُّورِ ﴿وَكِتٰابٍ مَسْطُورٍ * في رَقٍّ مَـنْشُورٍ * وَالْـبَيْتِ

و سوگند به کوه طور، «و به کتابی که نگاشته‌شده * در صفحه‌ای که انتشار یافته * و سوگند به بیت

الْمَعْمُورِ * وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ * وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ * إِنَّ عَذٰابَ

المعمور (کعبهٔ آسمانیان) * و آسمان برافراشته * و دریای شعله‌ور شده * که عذاب

رَبِّكَ لَوٰاقِعٌ * مٰا لَهُ مِنْ دٰافِعٍ﴾[1]، فَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ عَلىٰ أَعْقٰابِهِمْ

پروردگارت فرارسیدنی است بدون تردید * و هیچ چیز مانع آن نخواهد گردید»، پس پشت کردند

نٰاكِصِينَ، وَفي دِيٰارِهِمْ خٰآئِفِينَ، ﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مٰا كٰـانُوا

و به واپس گرائیدند، و در شهر و دیارشان دچار ترس و بیم گشتند. «پس حقیقت آشکار شد و آنچه

يَعْمَلونَ * فَغُلِبُوا هُنٰالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰاغِرِينَ * وَأُلْقِيَ السَّـحَرَةُ

انجام می‌دادند تباه گردید * و در آنجا بود که خوار و حقیر گردیدند * و جادوگران

سٰاجِدِينَ﴾[2]، ﴿فَوَقٰاهُ اللهُ سَيِّئٰاتِ مٰا مَكَرُوا، وَحٰاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ

به سجده افتادند»، «پس خدا او را از بدی‌های مکر و نیرنگ آن‌ها حفظ کرد و فرعونیان را

سُوٓءُ الْعَذٰابِ، وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللهُ وَاللهُ خَيْرُ الْمٰاكِرِينَ﴾[3]. ﴿اَلَّذِينَ

عذاب دردناکی دربرگرفت، و آنان نیرنگ زدند و خدا نیرنگ زد و خدا بهترین نیرنگ‌زننده است». «آنان که

قالَ لَهُمُ النّٰاسُ إِنَّ النّٰاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَـاخْشَوْهُمْ فَـزٰادَهُـمْ

مردم به آنان گفتند: همانا مردم علیه شما گرد آمده‌اند، از آنان بترسید، ولی

إِيمٰاناً وَقٰالُوا حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ

ایمانشان افزوده گشت و گفتند: خدا ما را بس است و او خوب دفاع‌کننده و پشتیبانی است * پس با نعمتی از سوی خداوند

۱. سورهٔ طور، آیهٔ ۲ ـ ۸. ۲. سورهٔ اعراف، آیه ۱۱۸ ـ ۱۲۰.

۳. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۵۴.

وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوٰانَ اللهِ وَاللهُ ذُو فَضْلٍ

و فضل و احسانی که به آن بدی و آسیبی نرسد بازگشتند، و خشنودی پروردگار را پیروی کردند، و خداوند صاحب فضل

عَظِيمٍ﴾[1]، ﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰاتِ الشَّيٰاطِينِ * وأَعُوذُ بِكَ

و احسان عظیم و ارزشمند است». «پروردگارا؛ از آنچه شیاطین در دل وسوسه می‌کنند به تو پناه می‌برم، و از

رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾[2]. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا أَخٰافُ

اینکه حضور پیدا کنند به تو پناه می‌برم». خداوندا؛ همانا من به تو پناه می‌برم از شرّ آنچه می‌ترسم

وَأَحْذَرُ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مٰا عِنْدَكَ ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ

و اجتناب می‌کنم، و از تو درخواست می‌کنم از بهترین آنچه نزد تو است، «پس خداوند به زودی شرّ آنان را کفایت می‌کند، و او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾[3]، لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

شنوایی دانا است»، هیچ قدرت و قوّتی نیست جز به وسیلهٔ خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ،

جَبْرٰائِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَمِيكٰائِيلُ عَنْ شِمٰالِي، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ

جبرئیل از طرف راست من، و میکائیل از طرف چپ من، و (حضرت) محمّد ـ که درود خداوند

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ أَمٰامِي، وَاللهُ عَزَّ وَجَلَّ يُظِلُّ عَلَيَّ، يَمْنَعُكُمْ مِنّي

بر او و آل او باد ـ (از) پیشاپیش من، و خداوند عزیز بلندمرتبه بر من سایه افکنده، شما را

وَيَمْنَعُ الشَّيْطٰانَ الرَّجِيمَ. يٰا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حٰاجِزاً،

و شیطان رانده‌شده را از من بازمی‌دارد. ای آنکه بین دو دریا فاصله و حائل قرار دادی؛

اُحْجُزْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَعْدٰائِي حَتّٰى لٰا يَصِلُوا إِلَيَّ بِسُوٓءٍ، سَتَرْتُ بَيْنِي

بین من و دشمنانم فاصله انداز و مانع ایجاد کن تا نتوانند به من بدی رسانند، پرده افکندم بین خودم

وَبَيْنَهُمْ بِسِتْرِ اللهِ الَّذِي يُسْتَتَرُ بِهِ مِنْ سَطَوٰاتِ الْفَرٰاعِنَةِ، وَمَنْ

و ایشان به پرده و پوشش خداوندی، که از حمله و غلبهٔ فرعون‌ها به آن می‌توان پوشیده شد، و کسی که

كٰانَ فِي سِتْرِ اللهِ كٰانَ مَحْفُوظاً، حَسْبِيَ الَّذِي يَكْفِي وَلٰا يَكْفِي

در پوشش الهی باشد محفوظ است، خداوندی که کفایت می‌کند مرا بس است و جز او

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۷۳ و ۱۷۴. ۲. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۹۷ و ۹۸.

۳. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۳۷.

أَحَدٌ سِوٰاهُ، ﴿وَجَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً

هیچکس کفایت نمی‌کند، «و ما پیش‌روی آن‌ها سدّی و پشت‌سرشان سدّی و مانعی قرار داده‌ایم

فَأَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ لٰا يُبْصِرُونَ﴾[1]. أَللّٰهُمَّ اضْرِبْ عَلَيَّ سُرٰادِقٰاتِ

و آن‌ها را پوشانده‌ایم که نمی‌بینند». خداوندا؛ بر من خیمه‌های حفظ و

حِفْظِكَ، اَلَّذي لٰا يَهْتِكُهُ الرِّيٰاحُ، وَلٰا تَخْرِقُهُ الرِّمٰاحُ، وَاكْفِني شَرَّ

نگهداریت را که بادها آن را نمی‌درد، و نیزه‌ها آن را پاره نمی‌کند قرار بده، و مرا کفایت کن از شرّ

مٰا أَخٰافُهُ بِرُوحِ قُدْسِكَ الَّذي مَنْ أَلْقَيْتَهُ عَلَيْهِ كٰانَ مَسْتُوراً عَنْ

آنچه می‌ترسم به حقّ آن روح مقدّست که بر هر کس آن را القا کنی و بیفکنی

عُيُونِ النّٰاظِرِينَ، وَكَبِيراً في صُدُورِ الخَلٰائِقِ أَجْمَعِينَ. وَوَفِّقْ

از دیدگان تماشاگران پنهان می‌ماند، و در سینهٔ مردمان، بزرگ جلوه می‌کند. و

لي بِأَسْمٰائِكَ الْحُسْنىٰ وَبِكَلِمٰاتِكَ الْعُلْيٰا صَلٰاحي في جَمِيعِ مٰا

سوگند به نام‌های نیکویت و کلمات بلندمرتبه‌ات مرا توفیق ده به آنچه مصلحت من است در تمام آنچه

أُؤَمِّلُهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنّي أَبْصٰارَ النّٰاظِرِينَ،

آرزو دارم از خوبی‌های دنیا و آخرت، و دیدگان بینندگان را از من بازگردان،

وَاصْرِفْ عَنّي شَرَّ قُلُوبِهِمْ وَشَرَّ مٰا يُضْمِرُونَ إِلىٰ خَيْرِ مٰا لٰا يَمْلِكُهُ

و برگردان بدی افکارشان را و آنچه در سینه پنهان کرده‌اند به خوبی آنچه

غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلٰايَ وَمَلٰاذي، فَبِكَ أَلُوذُ وَأَنْتَ

غیر تو آن را دارا نیست. خداوندا؛ تو مولای من و پناهگاه من هستی، پس به تو پناهنده می‌شوم، و تو

مَعٰاذي، فَبِكَ أَعُوذُ يٰا مَنْ دٰانَ لَهُ رِقٰابُ الْجَبٰابِرَةِ، وَخَضَعَتْ لَهُ

پناه من هستی، پس به تو پناه می‌برم ای کسی که گردن‌های زورگویان برای او فرو افتاده و ضعیف است، و

عَمٰالِيقُ الْفَرٰاعِنَةِ، أَجِرْنِيَ اللّٰهُمَّ مِنْ خِزْيِكَ، وَكَشْفِ سِتْرِكَ،

فرعون‌های زورگو در برابر او فروتنی نموده‌اند. خداوندا؛ مرا از رسوایی و خوارکردنت، و پرده‌دری‌ات،

---

۱. سورهٔ یس، آیهٔ ۹.

وَنِسْيٰانِ ذِكْرِكَ، وَالْإِضْرٰابِ عَنْ شُكْرِكَ، أَنَا فِي كَنَفِكَ لَيْلِي

و فراموشی یادت، و روی‌گرانیدن از شکرت پناه بده، من در شب

وَنَهٰارِي وَنَوْمِي وَقَرٰارِي وَانْتِبٰاهِي وَانْتِشٰارِي، ذِكْرُكَ شِعٰارِي،

و روزم و در خواب و در وقت قرارم و وقتی در رفت و آمدم در نگهداری و حمایت توأم. یاد تو شعار من است،

وَثَنٰاؤُكَ دِثٰارِي. أَللّٰهُمَّ إِنَّ خَوْفِي أَمْسىٰ وَأَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِكَ

و ثناگوئیت ذکر پنهان من است. خداوندا؛ همانا ترس من شب را روز نموده و روز را شب نموده

وَبِأَمٰانِكَ مِنْ خَوْفِكَ وَسُوٓءِ عَذٰابِكَ، وَاضْرِبْ عَلَيَّ سُرٰادِقٰاتِ

در حالی که به دامن امان تو پناهنده گشته، و از ترس تو و شدّت عذابت به امان تو روی آورده‌ام، و مرا در سراپردهٔ حفظ و

حِفْظِكَ، وَارْزُقْنِي حِفْظَ عِنٰايَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ،

نگهداری خود قرار بده، و توجّه و رعایت حفظ‌کننده‌ات را روزی من گردان، به مهربانی و رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان،

آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ.[1]

اجابت کن، اجابت کن، (ای) پروردگار جهانیان.

۶

حرز حضرت امام رضا علیه‌السلام و...

صاحب کتاب «جنّات الخلود» نوشته است: حرز **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، حرز حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌باشد و آن حرز این است:

يٰا مَنْ شَأْنُهُ الْكِفٰايَةُ وَسُرٰادِقُهُ الرِّعٰايَةُ، يٰا مَنْ هُوَ الْغٰايَةُ

ای آنکه شأن او کفایت کردن بندگان و سراپرده‌اش حفظ و نگهداری است، ای آنکه او هدف و مقصود

وَالنِّهٰايَةُ، يٰا صٰارِفَ السُّوٓءِ وَالسَّوٰايَةِ، إِصْرِفْ عَنِّي أَذِيَّةَ

و سرانجام و خاتمه است، ای بازدارندهٔ بدی‌ها و زشتی‌ها؛ باز بدار از من اذیّت و آزار

---

۱. مهج الدعوات: ۲۹۸، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۴.

الْعٰالَمينَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعينَ، بِالْأَشْباحِ النُّورٰانِيَّةِ،

همهٔ جهانیان را از جنّ و انس، به وسیلهٔ اشباح نورانی،

وَبِالْأَسْمٰآءِ السِّرْيٰانِيَّةِ، وَبِالْأَقْلامِ الْيُونٰانِيَّةِ، وَبِالْكَلِمٰاتِ الْعِبْرٰانِيَّةِ،

و نام‌های سریانی، و قلم‌های یونانی، و کلمات عبرانی،

وَبِمٰا نَزَلَ فِي الْأَلْوٰاحِ مِنْ تَعْيينِ الْإِيضٰاحِ. إِجْعَلْنِيَ اللّٰهُمَّ فِي

و به آنچه در الواح از مشخّص کردن برهان‌های آشکار نازل گشته است. قرار بده مرا خداوندا؛ در

حِزْبِكَ وَحِرْزِكَ، وَفي عِبٰادِكَ وَفي سِتْرِكَ، وَفي حِفْظِكَ وَفي

حزب خود و در پناه محکم خویش، و در زمرهٔ بندگانت، و در پوشش و نگهداری و

كَنَفِكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطٰانٍ مٰارِدٍ، وَعَدُوٍّ مُرٰاصِدٍ، وَلَئيمٍ مُعٰانِدٍ،

حمایتت، از شرّ هر شیطان سرکش، و دشمن کمین کرده، و هر پستِ عنادپیشه،

وَضِدٍّ كَيُودٍ، وَمِنْ (شَرِّ) كُلِّ حٰاسِدٍ. بِسْمِ اللهِ اسْتَغَثْتُ، وَبِسْمِ

و مخالف حیله‌گر، و از (شرّ) هر حسودی. به نام خدا یاری می‌جویم، و به نام

اللهِ اكْتَفَيْتُ، وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ، فَإِلَيْهِ اسْتَعَذْتُ عَلىٰ كُلِّ ظٰالِمٍ

خدا بسنده می‌کنم، و بر خدا توکّل می‌نمایم، و به او پناه می‌برم از هر ظالمی

ظَلَمَ، وَغٰاشِمٍ غَشَمَ، وَطٰارِقٍ طَرَقَ، وَزٰاجِرٍ زَجَرَ، فَاللهُ خَيْرٌ

که ظلم کند، و هر ستمگری که ستم کند، و هر کاهنی که کهانت کند، و هر بازدارنده‌ای که بازدارد، پس خدا بهترین

حٰافِظاً، وَهُوَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ.[1]

حافظ و نگهدار است، و او از هر مهربانی مهربانتر است.

۱. جنّات الخلود: ۳۳.

۷

حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام

محمّد بن مسلم از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

این عوذه و دعا در کاغذ یا پوست نازک برای انسان یا حیوانی که دچار حمل است نوشته می‌شود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

بِسْمِ اللهِ، بِسْمِ اللهِ، ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً﴾، ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

بنام خدا، بنام خدا، «همانا با دشواری آسانی است»، «بی‌گمان با دشواری

يُسْراً﴾[1]، ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا

آسانی است»، «خدا برای شما آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد، و باید

الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلىٰ مٰا هَدٰاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَإِذٰا

عدد (ایّام روزه) را کامل کنید، و خدا را به پاس اینکه شما را هدایت کرده بزرگ شمارید، و باشد که شکرگزاری کنید * و هرگاه

سَأَلَكَ عِبٰادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدّٰاعِ إِذٰا دَعٰانِ

بندگانم از تو دربارهٔ من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم و دعای دعاکننده را چون مرا خواند اجابت کنم،

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾[2]، ﴿وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ

پس باید مرا پاسخ دهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند»، «و (خداوند) در کارتان

أَمْرِكُمْ مِرْفَقاً﴾[3]، وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ رَشَداً، ﴿وَعَلَى اللهِ قَصْدُ

گشایش و آرامشی برای شما فراهم سازد»، و در کارتان رشد و کمال برای شما فراهم سازد، «و راه راست را نشان‌دادن بر عهدهٔ

---

۱. سورهٔ انشراح، آیهٔ ۵. ۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳. سورهٔ کهف، آیهٔ ۱۶.

السَّبيلِ وَمِنْها جٰآئِرٌ وَلَوْ شٰآءَ لَهَدٰاكُمْ أَجْمَعينَ﴾[1]، ﴿ثُمَّ السَّبيلَ

خداوند است، برخی از راه‌ها بی‌راهه است، و اگر خدا بخواهد همهٔ شما را هدایت کند»، «سپس (خداوند) راهش را

يَسَّرَهُ﴾[2]. ﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ كٰانَتٰا

برای او هموار فرمود». «آیا آنهایی که کفر ورزیدند نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین

رَتْقاً فَفَتَقْنٰاهُمٰا وَجَعَلْنٰا مِنَ الْمٰآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلاٰ يُؤْمِنُونَ﴾[3]،

به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را بازگشودیم، و هر چیز را از آب، زنده قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟»،

﴿فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكٰاناً قَصِيّاً فَأَجٰآءَهَا الْمَخٰاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ

«او را با خود به مکان دورافتاده‌ای برد (و از دیگران کناره‌گیری کرد)، پس درد زایمان او را به کنار درخت خرمائی برد،

قٰالَتْ يٰا لَيْتَنى مِتُّ قَبْلَ هٰذٰا وَكُنْتُ نَسْياً مَنْسِيّاً * فَنٰاديٰها مِنْ

گفت: ای کاش؛ پیش از این مرده بودم و از فراموش‌شده‌ها بودم * پس از طرف پائین پایش (فرشته‌ای) ندا داد

تَحْتِهٰا أَلّٰا تَحْزَنى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيّاً * وَهُزّى إِلَيْكِ

که اندوهگین مباش، پروردگارت از زیر پایت چشمهٔ آبی را روان می‌سازد * و این

بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسٰاقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيّاً * فَكُلى وَاشْرَبى وَقَرّى

تنهٔ درخت خرما را به طرف خود تکان بده، رطب تازه بر تو فرو می‌ریزد * پس بخور و بنوش و

عَيْناً فَإِمّٰا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولى إِنّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ

دیده روشن بدار، و اگر از مردم کسی را دیدی پس بگو: من برای خداوند مهربان روزه‌ای نذر کرده‌ام

صَوْماً فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيّاً * فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهٰا تَحْمِلُهُ قٰالُوا يٰا

و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت * آنگاه مریم آن (نوزاد) را در برگرفته بود نزد قوم و خویشان خود آورد، گفتند: ای

مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيّاً * يٰا اُخْتَ هٰارُونَ مٰا كٰانَ أَبُوكِ امْرَأَ

مریم؛ به راستی کار بد و ناپسندی را مرتکب شده‌ای * ای خواهر هارون؛ نه پدرت مرد

سَوْءٍ وَمٰا كٰانَتْ اُمُّكِ بَغِيّاً * فَأَشٰارَتْ إِلَيْهِ قٰالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ

بدی بود و نه مادرت بدکاره بود * پس اشاره به کودک کرد، گفتند: چگونه با

۱. سورهٔ نحل، آیهٔ ۹. ۲. سورهٔ عبس، آیهٔ ۲۰.

۳. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۳۰.

كٰانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيّاً * قٰالَ إِنّي عَبْدُ اللهِ اٰتٰانِيَ الْكِتٰابَ وَجَعَلَني

کودک گاهواره‌ای صحبت کنیم؟ * (کودک) گفت: من بندهٔ خدایم، به من کتاب داده و به من

نَبِيّاً * وَجَعَلَني مُبٰارَكاً أَيْنَ مٰا كُنْتُ وَأَوْصٰاني بِالصَّلاٰةِ وَالزَّكٰاةِ

پیامبری عطا کرده است * هر جا که باشم مرا وجودی پربرکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش

مٰا دُمْتُ حَيّاً * وَبَرّاً بِوٰالِدَتي وَلَمْ يَجْعَلْني جَبّاراً شَقِيّاً *

نموده است * و به نیکی به پدر و مادرم توصیه فرمود، و مرا از زورگویان و سنگدل‌ها قرار نداد *

وَالسَّلاٰمُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ اُبْعَثُ حَيّاً * ذٰلِكَ

و درود بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می‌میرم و روزی که برانگیخته می‌شوم * این

عيسَى بْنُ مَرْيَمَ﴾[1]. ﴿وَاللهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهٰاتِكُمْ لاٰتَعْلَمُونَ

عیسی پسر مریم است». «و خدا شما را از شکم‌های مادران‌تان بیرون کرد در حالی که

شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصٰارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *

چیزی نمی‌دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد، شاید شکرگزاری کنید *

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰاتٍ في جَوِّ السَّمٰآءِ مٰا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا

آیا بر فراز آسمان به پرندگانی که رام گشته‌اند نمی‌نگرند؟ آن‌ها را جز خدا کسی (در آسمان) نگه نمی‌دارد،

اللهُ إِنَّ في ذٰلِكَ لَاٰيٰاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾[2]، كَذٰلِكَ أَيُّهَا الْمَوْلُودُ

بی‌گمان در آن نشانه‌هایی است برای مردمی که ایمان می‌آورند»، همان‌گونه - ای مولود -

اُخْرُجْ سَوِيّاً بِإِذْنِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ.

راست و درست و کامل به اذن و فرمان پروردگار عزیز و بلندمرتبه خارج شو.

سپس بر او آویزان می‌کنند، هنگامی که امر ولادت صورت گرفت آن را از او جدا می‌کنند.

و باید کاملاً مراقب باشی که بعضی از آیه (۷۵ سورهٔ نحل که در آخر حرز است) را رها نکنی، یا به موضعی از آن توقّف نکنی تا آن را کامل گردانی.

---

۱. سورهٔ مریم، آیات ۳۴ـ۲۲.

۲. سورهٔ نحل، آیهٔ ۷۸ و ۷۹.

و آیه این است: ﴿وَاللهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لاتَعْلَمُونَ شَيْئاً﴾.
پس اگر به اینجاکه رسیدی توقّف کنی نوزاد لال بیرون می‌آید، و اگر نخواندی: ﴿وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾، نوزاد صحیح و سالم به دنیا نمی‌آید.[1]

۸

حرز برای حفظ از شرّ دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام

این حرزی است که در لباس آن حضرت یافت شد، گفته‌اند: هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دار فانی را وداع کرد تعویذی از آن حضرت پیدا شد، **و در آن، حرزی بود که گفته شده: پدرانش** علیهم‌السلام **فرموده‌اند که جدّ بزرگوارشان حضرت امیر المؤمنین** علیه‌السلام **به آن خود را از دشمنان حفظ می‌کرد و آن را در غلاف شمشیر نصب کرده و آویخته بود و در آخر آن نام‌های خداوند عزیز و بلندمرتبه بود**، و آن حضرت بر فرزندان و بستگانش شرط کرده بود که آن را علیه کسی نخوانند؛ زیرا که این دعا هرگز از ناحیهٔ پروردگار محجوب نمی‌ماند و رد نمی‌شود:

أَللّٰهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوندا؛ به کمک تو آغاز می‌کنم، و به کمک تو کامیابی و توفیق می‌طلبم، و به محمّد ـ که درود خداوند بر او و آل او باد ـ

أَتَوَجَّهُ. أَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لي حُزُونَتَهُ وَكُلَّ حُزُونَةٍ، وَذَلِّلْ لي صُعُوبَتَهُ

روی می‌آورم. خداوندا؛ برای من سختی آن و هر سختی را آسان گردان، و ناهمواری آن

وَكُلَّ صُعُوبَةٍ، وَاكْفِني مَؤُنَتَهُ وَكُلَّ مَؤُنَةٍ، وَارْزُقْني مَعْرُوفَهُ

و هر ناهمواری را هموار کن، و رنج و زحمت آن و هر رنج و زحمتی را کفایت کن، و خیر و خوبی آن

وَوُدَّهُ، وَاصْرِفْ عَنّي ضُرَّهُ وَمَعَرَّتَهُ، إِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ،

و دوستی‌اش را روزی من فرما، و بدرفتاری و اذیّت و آزارش را از من دور نما، که تو هر چه خواهی بزدایی یا ثبت فرمایی

۱. بحار الأنوار: ۴۰/۹۵.

وَعِنْدَكَ اُمُّ الْكِتٰابِ، ﴿أَلٰا إِنَّ أَوْلِيٰآءَ اللهِ لٰا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلٰا هُمْ

و نزد تو اصل کتاب است، «به راستی که دوستان خدا نه ترسی بر آن‌ها است و نه

يَحْزَنُونَ﴾[1]، ﴿إِنّٰا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾[2]، طٰهٰ حٰم

غصّه‌ای می‌خورند»، (فرشتگان گفتند:) «ما فرستادگان پروردگار تو هستیم و آنان هرگز به تو دست نمی‌یابند»، به احترام اسماء مقدّس طه، حم

لٰا يُبْصِرُونَ، وَ﴿جَعَلْنٰا فِي أَعْنٰاقِهِمْ أَغْلٰالاً فَهِيَ إِلَى الْأَذْقٰانِ فَهُمْ

آن‌ها نمی‌بینند، و «ما بر گردن‌ها تا چانه‌های ایشان حلقه‌های آهنی قرار دادیم در نتیجه سر بلند کرده و چشمها را

مُقْمَحُونَ * وَجَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً

فرو بسته‌اند * و از پیش روی ایشان سدّی و از پشت سرشان سدّی قرار داده

فَأَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ لٰا يُبْصِرُونَ﴾[3]، ﴿أُولٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللهُ عَلىٰ

و ایشان را پوشانیده‌ایم پس آن‌ها نمی‌بینند»، «آن‌ها کسانی هستند که خداوند بر

قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصٰارِهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْغٰافِلُونَ﴾[4]. ﴿لٰاجَرَمَ

دل‌ها و گوش‌ها و دیدگان‌شان مهر نهاده و آنان غافل و بی‌خبرند». «ناگزیر

أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ مٰا يُسِرُّونَ وَمٰا يُعْلِنُونَ﴾[5]، ﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ

آنچه آنان پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند خدا می‌داند»، «پس به زودی خدا شرّ ایشان را از تو کفایت کند و او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾[6]، ﴿وَتَرىٰهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لٰا يُبْصِرُونَ﴾[7]،

شنوا و دانا است»، «و می‌بینی که به سویت نگاه می‌کنند ولی آن‌ها نمی‌بینند»،

﴿صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لٰا يَرْجِعُونَ﴾[8]، ﴿طسٓمٓ * تِلْكَ اٰيٰاتُ

«آن‌ها کرند، لال‌اند، کورند و بازنمی‌گردند»، طا سین میم (از رموز قرآنی است) * این آیه‌های

الْكِتٰابِ الْمُبِينِ * لَعَلَّكَ بٰاخِعٌ نَفْسَكَ أَلّٰا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * إِنْ

کتاب روشن و آشکار است * گویا خودت را از غصّهٔ اینکه آن‌ها ایمان نمی‌آورند می‌خواهی به کشتن دهی * اگر

---

۱. سورهٔ یونس، آیهٔ ۶۲.
۲. سورهٔ هود، آیهٔ ۸۱.
۳. سورهٔ یس، آیهٔ ۸ و ۹.
۴. سورهٔ نحل، آیهٔ ۱۰۸.
۵. سورهٔ نحل، آیهٔ ۲۳.
۶. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۳۷.
۷. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۸.
۸. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸.

نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمٰآءِ اٰيَةً فَظَلَّتْ أَعْنٰاقُهُمْ لَهٰا خٰاضِعِينَ﴾[1].

بخواهیم آیه و نشانه‌ای از آسمان بر آن‌ها فرو می‌فرستیم تا در برابر آن گردن فرود آورند.

نام‌ها: أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتي لاٰتَنٰامُ، وَبِالْعِزِّ الَّذي لاٰيُرٰامُ،

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به دیدگانی که به خواب نمی‌رود، و به عزّت و اقتداری که هیچ‌کس به آن نمی‌رسد،

وَبِالْمُلْكِ الَّذي لاٰيُضٰامُ، وَبِالنُّورِ الَّذي لاٰيُطْفىٰ، وَبِالْوَجْهِ الَّذي

و به فرمانروایی و سلطنتی که مورد ستم و تجاوز قرار نمی‌گیرد، و به نوری که خاموش نمی‌شود، و به چهره‌ای که

لاٰيَبْلىٰ، وَبِالْحَيٰاةِ الَّتي لاٰتَمُوتُ، وَبِالصَّمَدِيَّةِ الَّتي لاٰتُقْهَرُ،

فرسوده نمی‌شود، و به حیات و زندگی‌ای که دچار مرگ نمی‌شود، و به سرور و تفوّقی که مقهور و مغلوب نمی‌شود،

وَبِالدَّيْمُومَةِ الَّتي لاٰتَفْنىٰ، وَبِالْإِسْمِ الَّذي لاٰيُرَدُّ، وَبِالرُّبُوبِيَّةِ

و به آن جاودانگی که از بین نمی‌رود، و به اسمی که بازگردانده نمی‌شود، و به پروردگاری و ربوبیّتی

الَّتي لاٰتُسْتَذَلُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي

که ذلیل و خوار نمی‌شود، که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و با من

كَذٰا وَكَذٰا، و حاجت خود را ذکر کن که برآورده شود ان شاء الله تعالی.[2]

چنین و چنان کنی.

۱. سورهٔ شعراء، آیهٔ ۴ ـ ۱.

۲. مهج الدعوات: ۲۹۷، بحار الأنوار: ۳۴۵/۹۴.

بخش شانزدهم

هشت دستور برای برطرف‌شدن هشت بیماری

در این بخش، هشت دستور برای برطرف‌شدن هشت بیماری نقل می‌کنیم:

۱

دعا برای درد چشم

محمّد بن علیّ بن جعفر، از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

بدون تردید شفای چشم در خواندن سورهٔ «**حمد**»، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ**﴾، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ و «**آیة الکرسی**» و بُخور دادن با قسط (نوعی گیاه است) و مرّ (صمغ درخت مُرّ مَکّی) و کُندر است.[1]

۲

دعا برای برطرف‌شدن صرع

حضرت امام رضاعلیه‌السلام شخصی را که به بیماری صرع مبتلا بود مشاهده کرد، دستور

---

۱. بحار الأنوار: ۹۰/۹۵.

داد ظرف آبی بیاورند، بر آن سورهٔ «حمد»، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ را خواند و در آن دمید، سپس دستور داد از آن آب بر سر و روی او بریزند، با این کار بیمار بهبودی یافت و امام علیه‌السلام فرمود: هرگز به سوی تو بازنمی‌گردد.[1]

۳

دعا برای برطرف‌شدن سردرد

اباصلت هروی از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: به شیعیان ما یاد بده که برای سر درد بگویند:

«يٰا طٰاهي، يٰا ذَرْ، يٰا طمنه، يٰا طنات»

زیرا این‌ها اسماء اعظم هستند که نزد خداوند از ارزش والائی برخوردارند، و خداوند به برکت آن، سر درد را از ایشان برطرف می‌کند.[2]

۴

دعا برای برطرف‌شدن سلّ

حسن بن علیّ بن یقطین گوید: **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام فرموده است:

این دعائی است برای شیعیان ما، برای برطرف کردن سلّ:

يٰا اَللّٰهُ، يٰا رَبَّ الْأَرْبٰابِ، وَيٰا سَيِّدَ السّٰادٰاتِ، وَيٰا إِلٰهَ الْاٰلِهَةِ، وَيٰا مَلِكَ

ای خداوند؛ ای پرورش دهندهٔ پرورش دهندگان؛ و ای سرور سروران؛ و ای معبود معبودان؛ و ای پادشاه

الْمُلُوكِ، وَيٰا جَبّٰارَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ، إِشْفِنِي وَعٰافِنِي مِنْ دٰائِي

پادشاهان؛ و ای آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین؛ مرا شفا بده و عافیت بخش از این

۱. بحار الأنوار: ۱۵۰/۹۵، المصباح: ۲۰۷ (با اندکی تفاوت).
۲. بحار الأنوار: ۵۴/۹۵.

هٰذا، فَإِنّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، أَتَقَلَّبُ في قَبْضَتِكَ، وَناصِيَتي بِيَدِكَ.

درد، که من بندهٔ تو و فرزند بنده‌ات هستم، در قبضهٔ قدرت تو حرکت می‌کنم و پهلو به پهلو می‌شوم، و زمام امورم به دست تو است.

این دعا را سه مرتبه می‌خوانی، و خداوند به نیرو و قدرت خویش تو را کفایت می‌کند انشاء الله تعالی.[1]

۵

دستور برای فرزنددار شدن و برطرف‌شدن مریضی

هشام بن ابراهیم به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام از بیماری و اینکه فرزندی برایش متولّد نمی‌شود شکوه کرد، امام علیه‌السلام دستور داد که: در منزل با صدای بلند اذان بگوید.

هشام گوید: به دستور حضرت عمل کردم، خداوند بیماریم را از بین برد و فرزندم زیاد گشت.[2]

۶

دعا برای رفع زگیل

علیّ بن نعمان گوید: به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام عرض کردم: پسری دارم مبتلا به ثؤلول گشته، در بدنش لکّه‌های قرمز و دانه‌های زگیل ظاهر شده است و مرا ناراحت نموده است. امام علیه‌السلام فرمود:

برای هر زگیل هفت دانه جو بگیر، و بر هر دانه جو، هفت مرتبه ابتدای سورهٔ واقعه را تا ﴿**هَبٰاءاً مُنْبَثّاً**﴾ بخوان، سپس آیه ۱۰۵ سورهٔ «طه» ﴿**وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبٰالِ فَقُلْ يَنْسِفُهٰا رَبّي نَسْفاً...**﴾ تا ﴿**وَلٰا أَمْتاً**﴾[3] را بخوان، سپس جوها را یکی یکی بگیر و بر زگیل‌ها بمال، سپس آن‌ها را در پارچهٔ جدیدی قرار بده و بر آن

۱. بحار الأنوار: ۲۰/۹۵.
۲. الدعوات: ۱۸۹، روضة الواعظین: ۳۱۳.
۳. سورهٔ طه، آیهٔ ۱۰۷ـ۱۰۵.

پارچه سنگی ببند و در جایی که آن را پنهان کند ـ مانند چاه یا گودال ـ بینداز.

علیّ بن نعمان گوید: این دستور امام علیه السلام را انجام دادم، بخدا قسم روز هفتم یا هشتم که نگاه کردم مثل کف دست من صاف بود و اثری از آن‌ها نبود و فرموده‌اند:

شایسته است که این کار در شب‌های آخر ماه ـ که ماه دیده نمی‌شود ـ انجام گیرد، و ان شاء الله از بین خواهد رفت.[1]

۷

دستور برای بواسیر

شخصی از بواسیر به آن حضرت شکایت کرد، **حضرت امام رضا** علیه السلام فرمود:

سورهٔ «**یس**» را با عسل بنویس و سپس آن را در آب ریخته و از آن آب بنوش.[2]

۸

دعا برای رفع غدّهٔ خنازیر[3]

حسین بن سعید در کتاب دعاء به سند خود از **حضرت امام رضا** علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

کنیزی از کنیزان ما، در گردنش غدّهٔ خنازیر ظاهر گشت، کسی آمد و به او گفت: باید بگویی: **يٰا رَؤُوفُ يٰا رَحِيمُ، يٰا رَبِّ يٰا سَيِّدي.**

ای بسیار مهربان؛ ای رحم‌کننده؛ ای پروردگار من؛ ای سرور من.

و آن را تکرار نمایی، آن کنیز به این دستور عمل کرد و آن غدّه از بین رفت.[4]

---

۱. الدعوات: ۱۹۹، و در البلد الأمین: ۶۱۹، المصباح: ۲۰۸ و بحار الأنوار: ۹۷/۹۵ با کمی تفاوت آمده است.

۲. بحار الأنوار: ۸۲/۹۵.

۳. خنازیر؛ غدّه‌هایی است که در گردن انسان ایجاد می‌شود.

۴. الدعوات: ۱۹۷، مکارم الأخلاق: ۲۴۶/۲، بحار الأنوار: ۱۰۰/۹۵.

بخش هفدهم

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

در این بخش، هشت دستور برای وسعت رزق و برطرف‌شدن فقر نقل می‌کنیم:

۱

دعا برای طلب رزق

احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ از خداوند بخواه که مال حلال را روزی من گرداند، فرمود:

آیا می‌دانی حلال چیست؟

عرض کردم: به نظر ما مقصود، کسب پاکیزه است. فرمود:

علیّ بن الحسین علیهما‌السلام می‌فرمود: حلال، قوت برگزیدگان الهی است.

سپس فرمود: بگو: **أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوٰاسِعِ.**[۱]

خداوندا؛ از تو روزی واسع و فراوان می‌خواهم.

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۳۷۶/۱۹، بحار الأنوار: ۲/۱۰۳ ح ۴ (با تفاوت در راوی حدیث).

۲

دعا هنگام رسیدن نعمت و کم‌شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه

حضرت امام رضاعلیه‌السلام از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده‌اند که فرمود:

هر کس خدا به او نعمتی مرحمت می‌کند باید خداوند تبارک و تعالی را **سپاس** گوید، و هر کس روزی بر او به کُندی برسد باید **استغفار** کند و از خدا آمرزش گناهانش را بخواهد، و هر کس امری او را غمناک نموده باشد باید بگوید:

لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ.[1]

هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست.

۳

دعا برای طلب روزی

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم **حضرت علیّ بن موسی الرّضا**علیه‌السلام فرمود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام فرمود: پدرم حضرت جعفر بن محمّد علیهماالسلام، از پدرش حضرت محمّد بن علی علیهماالسلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که صبح کردی بگو:

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي سَهْماً وٰافِراً في كُلِّ حَسَنَةٍ أَنْزَلْتَهٰا مِنَ السَّمٰآءِ

خداوندا؛ برای من سهم فراوانی قرار بده در هر خیری که امروز از آسمان

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۴۵/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۵۸.

إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذَا الْيَوْمِ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ مُصِيبَةٍ أَنْـزَلْتَهٰا

به سوی زمین فرستادی، و از من دور گردان هر مصیبت و بلائی را که امروز

مِنَ السَّمٰآءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذَا الْيَوْمِ، وَعٰافِنِي مِنْ طَلَبِ مٰا لَمْ

از آسمان به سوی زمین نازل کنی، و مرا معاف بدار از جستجوی آنچه

تُقَدِّرْ لِي مِنْ رِزْقٍ، وَمٰا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ فَسُقْهُ إِلَـيَّ فـي

رزق و روزی که برایم مقدّر نفرموده‌ای، و آنچه از روزی برایم مقدّر فرموده‌ای

يُسْرٍ مِنْكَ وَعٰافِيَةٍ، «اٰمِينَ» سه مرتبه.[1]

با آسانی و عافیت به سوی من بفرست، اجابت فرما.

۴

گفتن اذان برای رفع فقر

از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

شخصی به امام صادق علیه‌السلام از فقر و ناداری خود شکایت کرد، امام علیه‌السلام فرمود: هرگاه صدای اذان را شنیدی، به همراه مؤذّن اذان بگو همانطور که او می‌گوید.[2]

۵

دستور برای برکت مال

محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما‌السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که کالائی خریداری نمودی سه بار تکبیر بگو و سپس این دعا را بخوان:

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۵۲۷/۱۹، مستدرك الوسائل: ۳۸۲/۵، و در بحار الأنوار: ۲۴۹/۸۶ با اختلاف.

۲. مکارم الأخلاق: ۱۵۰/۲، بحار الأنوار: ۲۹۵/۹۵.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فيهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لي فيهِ خَيْراً.

خداوندا؛ من این کالا را خریده‌ام در آن خیر تو را می‌جویم، پس برای من در آن، خیر و خوبی قرار بده.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فيهِ مِنْ فَضْلِكَ.

خداوندا؛ من این جنس را خریداری نموده‌ام و در آن، فضل و احسان تو را می‌طلبم.

تا آخر حدیث، سپس گفت:

و سیرهٔ حضرت امام رضا علیه‌السلام **چنین بود** که بر روی کالائی که تهیّه می‌کرد می‌نوشت:

«بَرَكَةً لَنا»؛ «برکت برای ما باشد».[1]

۶

دعای دیگر در هر روز برای برطرف‌شدن فقر

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هرکس روزی صد مرتبه بگوید:

«لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ»

«نیست خدایی جز خداوندی که مالک و حقّ آشکار است».

به سبب آن، بی‌نیازی به سوی او جلب می‌شود، و تنگدستی از او دور می‌گردد، و درب جهنّم به او بسته می‌شود، و درب بهشت به سوی او گشوده می‌شود.[2]

---

۱. وسائل الشیعة: ۳۰۴/۱۲.

۲. صحیفة الإمام الرّضا علیه‌السلام: ۲۸۸.

۷

دعا برای حفظ چیزی که خریداری‌شده

این روایت به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام منسوب است:

هرگاه متاع، کالا، کنیز و یا چهارپائی خریدی بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فيهِ مِنْ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ لي فيهِ

خداوندا؛ من این را خریده‌ام و در آن، روزی تو را می‌طلبم، پس برای من در آن

رِزْقاً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَلْتَمِسُ فيهِ فَضْلَكَ، فَاجْعَلْ لي فيهِ فَضْلاً.

رزق و روزی قرار بده. خداوندا؛ من در آن فزونی و لطف تو را می‌طلبم، پس برای من در آن فزونی قرار بده،

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَلْتَمِسُ فيهِ مِنْ خَيْرِكَ وَبَرَكَتِكَ وَسِعَةِ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ

خداوندا؛ در آن از خیر و برکت و روزی گسترده‌ات التماس می‌کنم، پس برای من

لي فيهِ رِزْقاً واسِعاً، وَرِبْحاً طَيِّباً، هَنيئاً مَرِيّاً.

در آن، روزی گسترده و راحتی و آسایش خوش‌آیند، گوارا و دلپذیر قرار بده.

و این کلمات را سه مرتبه تکرار کن.[1]

۸

دعا برای حفظ‌شدن مال از تلف‌شدن و...

این روایت نیز به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام منسوب است:

هرگاه خواستی کالای خود را در حفظ و حراست بداری، آیة الکرسی بخوان و بنویس و آن را در وسط کالا قرار بده و نیز بنویس:

---

۱. بحار الأنوار: ۱۷۳/۷۶، فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۹۹.

﴿وَجَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ

«ما پیش روی آنان سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده‌ایم و دیدگانشان را پوشانیده‌ایم که

لٰا يُبْصِرُونَ﴾[1]، لٰا ضَيْعَةَ عَلىٰ مٰا حَفِظَهُ اللهُ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ

نمی‌بینند» آنچه را خدا حفظ کند تباه نمی‌گردد «پس اگر روی گرداندند بگو:

اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾[2].

خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، بر او توکّل کردم، و او پروردگار عرش باعظمت است».

(پس اگر چنین کنی) آن را در حفظ و حراست قرار داده‌ای اگر خدا بخواهد و به آن به اذن و فرمان پروردگار بدی نرسد.[3]

۱. سورهٔ یس، آیهٔ ۹.

۲، سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۲۹.

۳. بحار الأنوار: ۱۷۴/۷۶، فقه الرّضا علیه‌السلام: ۴۰۰.

بخش هیجدهم

هشت دعای مهمّ
که حضرت امام رضا علیه‌السلام خوانده‌اند

در این بخش، هشت دعای مهمّ که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام آن‌ها را خوانده‌اند نقل می‌کنیم:

۱

دعای توحید

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ كُنْتَ قَبْلَ الْأَزْمانِ، وَقَبْلَ الْكَوْنِ وَالْكَيْنُونِيَّةِ

خداوندا؛ تو پیش از زمان‌ها، و پیش از وجود و ایجاد

وَالْكائِنِ، وَعَلِمْتَ بِما تُرِيدُ أَنْ تُكَوِّنَ قَبْلَ تَكْوِينِ الْأَشْياءِ،

و موجود، بوده‌ای، و پیش از به وجودآوردن موجودات به آنچه می‌خواستی هستی بخشی علم و آگاهی داشتی،

وَكانَ عِلْمُكَ السّابِقُ فِيما تُرِيدُ أَنْ تُكَوِّنَ قَبْلَ التَّكْوِينِ وَالْعِلْمِ،

و علم تو پیشی داشته در مورد آنچه می‌خواهی به وجود آوری پیش از آفرینش و علم،

فَعِلْمُكَ دائِبَةٌ غَيْرُ مُكْتَسَبٍ. لَمْ تَزَلْ كُنْتَ عالِماً مَوْجُوداً،

پس علم و دانش تو پیوسته با تو بوده و اکتسابی نیست که بدست آورده باشی. تو همواره وجود داشته‌ای در حالی‌که عالم بوده‌ای،

وَالْجَهْلُ عَنْكَ نٰافِياً، فَأَنْتَ بٰادِي الْأَبَدِ، وَقٰادِمُ الْأَزَلِ، وَدٰائِمُ

و جهل و نادانی از ساحت مقدّس تو منتفی و دور است، تو آغازگر ابدی، و آیندهٔ ازلی، و همیشگی

الْقِدَمِ، لٰا تُوصَفُ بِصِفٰاتٍ، وَلٰا تُنْعَتُ بِوَصْفٍ، وَلٰا تُلْحَقُ

دیرینه هستی، به صفات توصیف نمی‌شوی، و به وصفی صفت‌آورده نمی‌گردی، و با

بِالْحَوٰاسِّ، وَلٰاتُضْرَبُ فيكَ الْأَمْثٰالُ، وَلٰاتُقٰاسُ بِقِيٰاسٍ، وَلٰاتُحَدُّ

حواسّ به تو نمی‌توان رسید، و در مورد تو نمی‌توان مثال زد، و به مقیاسی قیاس، و

بِحُدُودٍ، لَيْسَ لَكَ مَكٰانٌ يُعْرَفُ، وَلٰا لَكَ مَوْضِعٌ يُنٰالُ، لٰا

به حدّی محدود نمی‌شوی، مکان شناخته‌شده‌ای برایت نیست، و جایگاهی که بتوان به آن دست یافت نداری، نه

فَوْقَكَ مُنْتَهىٰ، وَلٰا عَنْكَ انْتِهٰآءٌ، وَلٰا خَلْفَكَ إِدْرٰاكٌ، وَلٰا

بالای تو را منتهایی است، و نه تو را نهایتی است، و نه از پشت سر قابل ادراک هستی، و نه

أَمٰامَكَ مُصٰادِفٌ، بَلْ أَيْنَ تَوَجَّهَ الْوٰاجِهُونَ فَأَنْتَ هُنٰاكَ لَمْ

برابر با چیزی برخورد می‌کنی؛ بلکه هر کجا روی‌آورنده‌ای به تو روی آورد تو آنجا همیشه هستی،

تَزَلْ، لٰايُحِيطُ بِكَ الْأَشْيٰآءُ، بَلْ تُحِيطُ بِالْأَشْيٰآءِ مُحْتَوٍ بِهٰا،

هیچ چیز تو را احاطه نمی‌کند، بلکه تو هر چیزی را احاطه کرده و در بر گرفته‌ای،

مُحْتَجَبٌ عَنْ رُؤْيَةِ الْمَخْلُوقِينَ، وَهُمْ عَنْكَ غَيْرُ مُحْتَجَبِينَ،

از دیدن آفریدگان پوشیده و پنهانی، و آنان از تو پنهان و پوشیده نیستند،

تَرىٰ وَلٰاتُرىٰ، وَأَنْتَ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلىٰ، تَسْمَعُ وَتَرىٰ،

می‌بینی و دیده نمی‌شوی، و تو در جایگاه برتری، می‌شنوی و می‌بینی،

وَتَعْلَمُ مٰا يُخْفىٰ وَأَخْفىٰ، فَتَبٰارَكْتَ وَتَعٰالَيْتَ عَمّٰا يَقُولُونَ

و آنچه پنهان می‌شود و پنهان است می‌دانی، تو پاک و منزّه و بزرگ و برتری از آنچه (مردم) می‌گویند

عُلُوّاً كَبِيراً.[1]

برتری بزرگ.

۱. بحار الأنوار: ۳۵۷/۹۵.

۲

دعای مهمّی در عظمت خداوند

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از بعضی از اصحاب روایت کرده است که گفت:

حضرت امام رضا علیه‌السلام به قبری از قبرهای اهل بیتش مرورش افتاد، دست مبارک بر روی آن قبر نهاد، سپس این دعا را خواند:

إِلٰهي بَـدَتْ قُـدْرَتُكَ وَلَـمْ تَـبْدُ هَـيْئَةٌ، فَـجَهَلُوكَ وَقَـدَّرُوكَ،

خدای من؛ قدرت و توانائی تو ظاهر گشت و برایت کیفیّت و شکل و صورتی آشکار نشد، پس نشناختند تو را و برایت اندازه معیّن کردند،

وَالتَّقْدِيرُ عَلىٰ غَيْرِ مٰا بِهِ وَصَفُوكَ، وَإِنّي بَرِيٓءٌ يٰا إِلٰـهي مِـنَ

و فرض و اندازه بر غیر آن چیزی است که به آن تو را وصف کردند، و براستی من بیزارم - ای پروردگارم - از

الَّذِينَ بِالتَّشبِيهِ طَلَبُوكَ، لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ. إِلٰهي وَلَنْ يُدْرَكُوكَ

کسانی که تو را با تشبیه می‌جویند، هیچ چیزی همانند تو نیست. خدایا؛ هرگز تو را درنمی‌یابند،

وَظٰاهِرُ مٰا بِهِمْ مِنْ نِعَمِكَ دَلِيلُهُمْ عَلَيْكَ، لَوْ عَرَفُوكَ وَفي خَلْقِكَ

و آنچه از نعمت‌هایت برای ایشان ظاهر است آن‌ها را بر تو دلالت می‌کنند اگر تو را بشناسند، و در آفریدگانت

يٰا إِلٰهي مَنْدُوحَةً إِنْ يَتَنٰاوَلُوكَ بَلْ سَوَّوْكَ بِخَلْقِكَ فَمِنْ ثَـمَّ لَـمْ

- ای خدای من؛ - راه فراخ و گسترده هست اگر به تو برسند، ولی آن‌ها تو را با مخلوقاتت مساوی دانستند و از آنجا است

يَعْرِفُوكَ، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ اٰيٰاتِكَ رَبّاً، فَبِذٰلِكَ وَصَفُوكَ، فَتَعٰالَيْتَ

که تو را نشناختند، و بعضی از آیات و نشانه‌هایت را پروردگار گرفتند، و به آن جهت تو را توصیف کردند، تو بلندمرتبه و برتری

رَبّي عَمّٰا بِهِ الْمُشَبِّهَةُ نَعَتُوكَ.[1]

پروردگارم؛ از آنچه تشبیه‌کنندگان تو را به آن وصف نمودند.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۹۵/۱، و در بحار الأنوار: ۱۸۱/۹۴ ح ۹ با اختلاف.

۳

دعای مهمّ دیگری از حضرت امام رضا علیه‌السلام

این دعا را **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در قنوت نماز برای نفرین نمودن به مأمون خواندند:

أَللّٰهُمَّ يٰا ذَا الْقُدْرَةِ الْجٰامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوٰاسِعَةِ، وَالْمِنَنِ الْمُتَتٰابِعَةِ،

خداوندا؛ ای کسی که دارای قدرتی فراگیر، و رحمتی گسترده، و احسان‌های پیاپی،

وَالْاٰلٰآءِ الْمُتَوٰالِيَةِ، وَالْأَيٰادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْمَوٰاهِبِ الْجَزِيلَةِ، يٰا

و نعمت‌های مستمرّ و الطاف زیبا، و بخشش‌های فراوان است، ای

مَنْ لٰا يُوصَفُ بِتَمْثِيلٍ، وَلٰا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلٰا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يٰا مَنْ

کسی که نمی‌توان او را بامثال‌زدن توصیف نمود، و با نظیرآوردن برایش مثال زد، و با مددکار و پشتیبان او را شکست داد، ای کسی که

خَلَقَ فَرَزَقَ، وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلٰا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ

آفرید و روزی داد، و الهام نمود پس به سخن درآورد، و نوآوری کرد پس شروع نمود، و برتری یافت و رفیع گردید، و اندازه‌گیری نمود

فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطىٰ

و نیکو اندازه‌گیری کرد، وصورت‌آفرینی کرد و آن را استوار و متقن گردانید، و دلیل و حجّت آورد و آن را رساگردانید، و نعمت بخشید و آن را کامل

فَأَجْزَلَ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ. يٰا مَنْ سَمٰا فِي الْعِزِّ فَفٰاقَ خَوٰاطِفَ

گردانید، و عطا نمود و آن را فراوان ساخت، و بخشش نمود و آن را افزون گردانید. ای کسی که در عزّت اوج گرفته و برتر از پرتو

الْأَبْصٰارِ، وَدَنٰا فِي اللُّطْفِ فَجٰازَ هَوٰاجِسَ الْأَفْكٰارِ، يٰا مَنْ تَفَرَّدَ

دیدگان است، و در لطف و لطافت نزدیک گشته و والاتر از خطور، افکار و اندیشه‌ها است، ای کسی که

بِالْمُلْكِ فَلٰا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطٰانِهِ، وَتَوَحَّدَ فِي كِبْرِيٰآئِهِ فَلٰا

در پادشاهی یگانه است، و برایش در فرمانروائی و سلطنت شریکی نیست، و در کبریائی بی‌همتا است و

ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ، يٰا مَنْ حٰارَتْ فِي كِبْرِيٰآءِ هَيْبَتِهِ

برای او در عظمت شأنش مخالفی نیست، ای کسی که در بزرگی هیبت او

دَقٰآئِقُ لَطٰآئِفِ الْأَوْهٰامِ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرٰاكِ عَظَمَتِهِ خَطٰآئِفُ

اوهام و اندیشه‌ها سرگردان است، و برای درک عظمتش

أَبْصٰارِ الْأَنٰامِ. يٰا عٰالِمَ خَطَرٰاتِ قُلُوبِ الْعٰالَمِينَ، وَشٰاهِدَ لَحَظٰاتِ

دیدگان مردم درمانده است. ای کسی که از خطورات دل‌های آدمیان آگاه و نسبت به

أَبْصٰارِ النّٰاظِرِينَ، يٰا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقٰابُ

زیرچشمی‌های بینندگان گواه است، ای کسی که چهره‌ها در برابر هیبت او به خاک افتاده و گردن‌ها

لِعَظَمَتِهِ وَجَلٰالَتِهِ، وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَارْتَعَدَتِ

در برابر عظمت و جلالت و بزرگی او فرود آمده، و دل‌ها از ترس او به لرزه درآمده، و از بیم او

الْفَرٰآئِصُ مِنْ فَرَقِهِ. يٰا بٰادِئُ يٰا بَدِيعُ، يٰا قَوِيُّ يٰا مَنِيعُ، يٰا عَلِيُّ

بندهای بدن دچار رعشه گردیده. ای آغازگر؛ ای پدیدآورنده؛ ای توانا؛ ای بازدارنده؛ ای بلندمرتبه؛

يٰا رَفِيعُ، صَلِّ عَلىٰ مَنْ شُرِّفَتِ الصَّلٰاةُ بِالصَّلٰاةِ عَلَيْهِ، وَانْتَقِمْ

ای بلندپایه؛ درود فرست بر کسی که نماز با صلوات بر او شرافت یافت، و انتقام بگیر

لِي مِمَّنْ ظَلَمَنِي، وَاسْتَخَفَّ بِي، وَطَرَدَ الشِّيعَةَ عَنْ بٰابِي،

از کسی که به من ستم روا داشته، و مرا کوچک شمرده و شیعیان را از درگاه من رانده،

وَأَذِقْهُ مَرٰارَةَ الذُّلِّ وَالْهَوٰانِ كَمٰا أَذٰاقَنِيهٰا، وَاجْعَلْهُ طَرِيدَ الْأَرْجٰاسِ

و به او تلخی ذلّت و پستی را بچشان همان‌گونه که به من چشانید، و او را آواره‌شدهٔ ناپاکان،

وَشَرِيدَ الْأَنْجٰاسِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

و آواره‌شدهٔ تبه‌کاران قرار بده. و سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود و رحمت خداوند بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.[1]

(حضرت) محمّد و آل پاک و پاکیزه‌اش باد.

۱. مهج الدعوات: ۴۵۹، المصباح: ۳۹۰، البلد الأمين: ۶۵۵، بحار الأنوار: ۲۵۷/۸۵.

۴

دعای حمد و شکرگزاری

ریّان می‌گوید: شنیدم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام کلماتی را می‌خواند، من آن‌ها را حفظ کردم و در هیچ دشواری آن‌ها را نخواندم مگر این‌که خداوند برایم گشایش فراهم نمود، و آن دعا این است:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتي في كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجٰآئي في كُلِّ شِدَّةٍ،

خداوندا؛ تو در هر گرفتاری مایهٔ اطمینان و آرامش من هستی، و تو در هر سختی اُمید من می‌باشی،

وَأَنْتَ لي في كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ

و تو در هر کاری که بر من وارد شود وسیلهٔ اطمینان و کمک من هستی، چه بسیار است گرفتاری که

عَنْهُ الْفُؤٰادُ، وَتَقِلُّ فيهِ الْحيلَةُ، وَتَعْيي فيهِ الْاُمُورُ، وَيَخْذُلُ

قلب در آن سست و ضعیف می‌گردد، و راه چاره در آن کم می‌گردد، و کارها در آن به دشواری می‌رسد، و

فيهِ الْبَعيدُ وَالْقَريبُ وَالصَّديقُ، وَيَشْمُتُ فيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتُهُ

دور و نزدیک و دوست در آن خوار می‌گردند، و دشمن در آن شماتت می‌کند، من آن را

بِكَ، وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رٰاغِباً إِلَيْكَ فيهِ عَمَّنْ سِوٰاكَ، فَفَرَّجْتَهُ

به دربارت آورده، و از آن به تو شکایت نمودم، از دیگران در آن گرفتاری به سوی تو میل کردم، پس آن سختی را گشایش داده

وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنيهِ، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصٰاحِبُ كُلِّ حٰاجَةٍ،

و آن را برطرف نموده و مرا از آن کفایت نمودی، پس تو سرپرست هر نعمتی هستی، و صاحب هر حاجتی می‌باشی،

وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثيراً، وَلَكَ الْمَنُّ فٰاضِلاً،

و نهایت هر میلی می‌باشی، پس حمد بسیار برای تو باد، و منّت زیاد از برای توست،

بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصّٰالِحٰاتِ، يٰا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، وَيٰا مَنْ

به نعمت تو کارهای شایسته کامل می‌شود. ای شناخته‌شده‌ای که به بخشش مال شناخته‌شده‌ای؛ و ای کسی که

هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، أَنِلْني مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِيني

او به این وصف توصیف شده است؛ از مال خود آن‌گونه به من بده که

بِهِ عَنْ مَعْرُوفِ مِنْ سِوٰاكَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

از مال غیر تو بی‌نیاز گردم، به رحمت خودت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

۵

دعای مهمّی
برای عافیت و عاقبت بخیر شدن

احمد بن موسی بن سعید گوید: با **حضرت امام رضا**علیه‌السلام در طواف بودم، چون برابر رکن یمانی قرار گرفتیم، امام علیه‌السلام دست‌های مبارک خود را بالا برد و عرض کرد:

يٰا اَللّٰهُ يٰا وَلِيَّ الْعٰافِيَةِ، وَيٰا خٰالِقَ الْعٰافِيَةِ، وَيٰا رٰازِقَ الْعٰافِيَةِ،

ای خدا؛ ای عهده‌دار عافیت؛ و ای آفرینندهٔ عافیت؛ و ای روزی‌دهندهٔ عافیت؛

وَالْمُنْعِمُ بِالْعٰافِيَةِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعٰافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ،

و نعمت‌دهنده با عافیت، و لطف‌کننده با عافیت بر من و بر تمام آفریدگانت،

يٰا رَحْمٰنَ الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحيمَهُمٰا، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

ای مهربان و رحم‌کننده در دنیا و آخرت؛ (به رحمت عامّ و خاصّ خود)، بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعٰافِيَةَ، وَدَوٰامَ الْعٰافِيَةِ، وَتَمٰامَ الْعٰافِيَةِ، وَشُكْرَ

محمّد درود فرست، و روزی ما گردان عافیت را، و دوام عافیت را، و همهٔ عافیت را، و شکر

الْعٰافِيَةِ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[2]

عافیت را در دنیا و آخرت، ای مهربانترین مهربانان.

۱. بحار الأنوار: ۱۸۷/۹۵.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۵/۲، الإقبال: ۴۶۵، وسائل الشیعة: ۴۱۷/۹، بحار الأنوار: ۱۳۷/۹۸. در «الإقبال» فرموده است: این دعا بعد از دو رکعت نماز در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان خوانده شود، بنابراین مربوط به طواف نیست.

۶

دعای تنزیه خداوند

شیخ صدوق ﷺ به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** ﷺ شنیدم که در دعایش می‌خواند:

سُبْحٰانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَأَتْقَنَ مٰا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَوَضَعَ

پاک و منزّه است کسی که آفرینش را به قدرت خویش آفرید، و آنچه آفرید به حکمت خویش متقن و استوار گردانید، و

كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ يَعْلَمُ خٰآئِنَةَ الْأَعْيُنِ

هر چیزی را به علم و دانش خویش در جای خودش قرار داد، پاک و منزّه است کسی که خیانت چشم‌ها

وَمٰا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.[1]

و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند، و هیچ چیز مثل و مانند او نیست، و او شنوا و بینا است.

۷

صلوات مهمّ حضرت امام رضا ﷺ

مرحوم سیّد بن طاووس این صلوات را از **حضرت امام رضا** ﷺ نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

خداوندا؛ بر محمّد و آل او درود فرست در میان پیشینیان، و بر محمّد

وَاٰلِهِ فِي الْاٰخِرِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلىٰ،

و آل او درود فرست در میان آیندگان، و بر محمّد و آل او درود فرست در میان آسمانیان و فرشتگان،

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ. أَللّٰهُمَّ أَعْطِ

و بر محمّد و آل او درود فرست در میان پیامبران و رسولان. خداوندا؛ به

۱. عیون اخبار الرضا ﷺ: ۹۷/۱، بحار الأنوار: ۱۷۹/۹۴.

مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ

(حضرت) محمّد ـ که درود تو بر او و آل او باد ـ وسیله (مرتبهٔ بلند آن حضرت در بهشت)، بزرگی و سربلندی و برتری

وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و مرتبهٔ والا عطا کن. خداوندا؛ من به (حضرت) محمّد ـ که درود و سلام تو بر او

وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَلَمْ أَرَهُ فَلاتَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيامَةِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنِي

و آل او باد ـ ایمان آوردم در حالی که او را ندیده‌ام، پس مرا از دیدار او در روز قیامت محروم مفرما، و

صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً،

همدمی و همنشینی با او را به من روزی کن، و مرا بر دین و آیین او بمیران، و از حوض و آبشخور پربرکت او سیراب گردان؛

لا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ كَمٰا آمَنْتُ

به گونه‌ای که پس از آن هرگز تشنه نشوم که تو بر هر چیز توانائی. خداوندا؛ همان‌گونه که

بِمُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجِنٰانِ

به (حضرت) محمّد ـ که درود و صلوات تو بر او و آل او باد ـ ایمان آوردم و در حالی که او را ندیده‌ام پس در بهشت

وَجْهَهُ. أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاٰماً.[1]

چهرهٔ مبارکش را به من بشناسان. خداوندا؛ به روح پاک (حضرت) محمّد از طرف من سلام و درود فراوان برسان.

۸

دعای مهمّ حضرت امام رضا علیه‌السلام در لعن

سیّد بن طاووس رحمه‌الله گوید: ما این دعا را به سند خود از سعد بن عبدالله در کتاب «فضل الدعاء» روایت کرده‌ایم.

اسماعیل بن بزیع و سلیمان بن جعفر گویند: ما بر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام وارد شدیم در حالی که آن حضرت در سجدهٔ شکر بود، و آن را طولانی کرد، هنگامی که سر از سجده برداشت، به ایشان عرض کردیم: سجده را طولانی نمودید، فرمود:

---

۱. إقبال الأعمال: ۴۵۸، بحار الأنوار: ۱۳۰/۹۸.

هر کس این دعا را در سجدهٔ شکر بخواند، مانند کسی است که در روز بدر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف دشمنان تیر رها کرده است.

عرض کردیم: اجازه می‌دهید آن را یادداشت کنیم.

حضرت فرمود:

بلی؛ هرگاه سجدهٔ شکر نمودید، بگویید:

أَللّٰهُمَّ الْعَنِ اللَّذَيْنِ بَدَّلا دِينَكَ، وَغَيَّرا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَما رَسُولَكَ

خداوندا؛ لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را دگرگون کردند و نعمتت را تغییر دادند، و رسول تو را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخالَفا مِلَّتَكَ، وَصَدّا عَنْ سَبِيلِكَ، وَكَفَرا

ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ متّهم ساختند، و با آیین تو مخالفت نمودند، و راهت را بستند، و کفران

آلاءَكَ، وَرَدّا عَلَيْكَ كَلامَكَ، وَاسْتَهْزَءا بِرَسُولِكَ، وَقَتَلا ابْنَ

نعمت‌هایت کردند، و کلام تو را رد کرده و نپذیرفتند، و پیامبرت را به مسخره گرفتند، و پسر

نَبِيِّكَ، وَحَرَّفا كِتابَكَ، وَجَحَدا آياتِكَ، وَسَخِرا بِآياتِكَ، وَاسْتَكْبَرا

پیغمبرت را کشتند، و کتابت را تحریف کردند، و آیات تو را انکار کردند، و نشانه‌های تو را مسخره نمودند، و

عَنْ عِبادَتِكَ، وَقَتَلا أَوْلِياءَكَ، وَجَلَسا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُما

از عبادت تو سرپیچی کردند، و اولیاء و دوستانت را کشتند، و در جایگاهی نشستند که هرگز

بِحَقٍّ، وَحَمَلَا النّاسَ عَلىٰ أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُما لَعْناً

سزاوار نبودند، و مردم را بر دوش آل محمّد سوار کردند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن؛ لعنتی

يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً، وَاحْشُرْهُما وَأَتْباعَهُما إِلىٰ جَهَنَّمَ زُرْقاً. أَللّٰهُمَّ

متّصل و پی در پی، و آن‌ها را با پیروان‌شان به جهنّم واصل گردان در حالی‌که از وحشت چشمان‌شان به کبودی مایل باشد. خداوندا؛

إِنّا نَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ لَهُما وَالْبَرآئَةِ مِنْهُما فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

ما با لعنت آن‌ها و بیزاری از آن دو در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جوییم.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَابْنِ

خداوندا؛ لعنت کن کشندگان امیر مؤمنان، و کشندگان حسین فرزند علی و فرزند

فٰاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ. أَللّٰهُمَّ زِدْهُمٰا

فاطمه دختر پیامبر خدا را که درود و سلام خدا بر او و آل او باد. خداوندا؛ بیفزا به آن دو نفر

عَذٰاباً فَوْقَ عَذٰابٍ، وَهَوٰاناً فَوْقَ هَوٰانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْياً

عذاب را روی عذاب، و خواری روی خواری، و ذلّت روی ذلّت، و رسوایی

فَوْقَ خِزْيٍ. أَللّٰهُمَّ دُعَّهُمٰا فِي النّٰارِ دَعّاً، وَأَرْكِسْهُمٰا في أَلِيمِ

روی رسوایی. خداوندا؛ آن دو را با خشم و تندی و با سرافکندگی به طرف آتش بکشان، و در کیفر

عِقٰابِكَ رَكْساً. أَللّٰهُمَّ احْشُرْهُمٰا وَأَتْبٰاعَهُمٰا إِلىٰ جَهَنَّمَ زُمَراً.

و عذاب دردناکت سرنگون کن. خداوندا؛ آن دو و پیروان‌شان را گروه گروه در جهنّم محشور فرما.

أَللّٰهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَخٰالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَبَدِّدْ

خداوندا؛ جمع آنان را پراکنده، و کارشان را دچار پریشانی فرما، و اختلاف بین آنان بینداز، و

جَمٰاعَتَهُمْ، وَالْعَنْ أَئِمَّتَهُمْ، وَاقْتُلْ قٰادَتَهُمْ وَسٰادَتَهُمْ وَكُبَرٰآئَهُمْ،

جماعت آنان را درهم بریز، و پیشوایان آنان را لعنت کن، و فرماندهان، و سروران و بزرگان آنان را به قتل برسان،

وَالْعَنْ رُؤَسٰآئَهُمْ، وَأَكْسِرْ رٰايَتَهُمْ، وَأَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ، وَلٰاتُبْقِ

و سران ایشان را لعنت کن، و پرچم‌شان را سرنگون ساز، و ناراحتی و عذاب را بین آنان بیفکن، و

مِنْهُمْ دَيّٰاراً. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَبٰاجَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْناً يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً،

از ایشان کسی را باقی مگذار. خداوندا؛ ابوجهل و ولید را لعنت کن، لعنتی پیوسته که یکی پس از دیگری

وَيَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضاً. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمٰا لَعْناً يَلْعَنُهُمٰا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ

و یکی در پی دیگری باشد. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن لعنتی که به آن هر فرشتهٔ

مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمٰانِ.

مقرّبی، و هر پیامبر مرسلی، و هر مؤمنی که قلبش را برای ایمان آزموده‌ای آن دو را لعنت کنند.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمٰا لَعْناً يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النّٰارِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمٰا لَعْناً

خداوندا؛ آن دو را لعنت کن لعنتی که اهل آتش از آن به خدا پناه برند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن به لعنتی که

لَمْ يَخْطُرْ لِأَحَدٍ بِبٰالٍ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمٰا في مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ، وَظٰاهِرِ

به فکر و اندیشهٔ کسی خطور نکند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن در پنهانی سرّت، و ظاهر

عَلٰانِيَتِكَ، وَعَذِّبْهُمٰا عَذٰاباً فِي التَّقْدٰيرِ، وَشٰارِكْ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمٰا،

آشکارت، و آن دو را عذاب کن عذابی در تقدیر، و با آن دو دختران آن‌دو

وَأَشْيٰاعَهُمٰا وَمُحِبّيهِمٰا وَمَنْ شٰايَعَهُمٰا، إِنَّكَ سَميعُ الدُّعٰاءِ،

و پیروان و دوستان آن‌ها و هر کس از آن دو پیروی کند شریک گردان، به راستی که تو شنوندهٔ دعایی،

وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ أَجْمَعينَ.[1]

و درود خدا بر محمّد و آل او همگان باد.

۱. مهج الدعوات: ۳۰۷، مستدرك الوسائل: ۱۳۹/۵، بحار الأنوار: ۲۲۳/۸۶.

بخش نوزدهم

هشت دعای بسیار مهمّ که حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند

در این بخش، هشت دعای بسیار مهمّی را که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از سایر معصومین علیهم‌السلام نقل کرده‌اند، نقل می‌کنیم:

۱

دعای مهمّی که حضرت امام رضا علیه‌السلام و سایر اهل بیت علیهم‌السلام آن رامی‌خواندند

به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام منسوب است که فرمودند:

این از دعاهائی است که ما اهل بیت علیهم‌السلام بر آن مداومت داریم:

لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ.

معبودی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، معبودی جز خداوند بلندمرتبهٔ باعظمت نیست،

سُبْحٰانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰاوٰاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ، وَمٰا

پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه

فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، يا اَللهُ الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

در آن‌ها و میان آن‌ها است و پروردگار عرش عظیم است. ای خدائی که چیزی

شَيْءٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ

مانند او نیست، بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خداوندا؛ تو پادشاه حقّ

الْمُبينُ، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءاً،

آشکاری، خدائی جز تو نیست، تو پاک و منزّهی و من به ستایش تو مشغولم، بدی کردم

وَظَلَمْتُ نَفْسي، فَاغْفِرْلي ذُنُوبي، إِنَّهُ لايَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ.

و به خود ستم نمودم، گناهان مرا بیامرز که جز تو گناهان را نمی‌آمرزد.

أَللّٰهُمَّ إِيّاكَ أَعْبُدُ، وَلَكَ أُصَلّي، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ،

خداوندا؛ تنها تو را پرستش می‌کنم، و برای تو نماز می‌گزارم، و به تو ایمان دارم، و تسلیم توأم،

وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ اسْتَعَنْتُ، وَلَكَ أَسْجُدُ

و به تو پناه آورده، و بر تو توکّل نموده، و از تو یاری جسته، و برای تو سجده کرده

وَأَرْكَعُ وَأَخْضَعُ وَأَخْشَعُ، وَمِنْكَ أَخافُ وَأَرْجُو، وَإِلَيْكَ أَرْغَبُ،

و رکوع نموده‌ام، و فروتنی و خشوع دارم، و از تو بیمناکم و به تو امیدوارم، و به سوی تو میل و رغبت دارم،

وَمِنْكَ أَخافُ وَأَحْذَرُ، وَمِنْكَ أَلْتَمِسُ وَأَطْلُبُ، وَبِكَ اهْتَدَيْتُ،

و از تو می‌ترسم و پرهیز می‌کنم، و از تو تقاضا نموده و خواهش می‌کنم، و به سبب تو هدایت یافته‌ام،

وَأَنْتَ الرَّجاءُ وَأَنْتَ الْمُرْجى وَأَنْتَ الْمُرْتَجىٰ. أَللّٰهُمَّ اهْدِني

و تو امید و مایهٔ امید و مورد امید من هستی. خداوندا؛ مرا هدایت کن

فيمَنْ هَدَيْتَ، وَعافِني فيمَنْ عافَيْتَ، وَتَوَلَّني فيمَنْ تَوَلَّيْتَ،

در میان آنان‌که هدایت کردی، و عافیت بخش در میان آنان‌که عافیت بخشیدی، و عهده‌دار امورم باش در میان آنان‌که سرپرستی نمودی،

وَبارِكْ لي فيما أَعْطَيْتَ، وَقِني شَرَّ ما قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضي

و برکت بده به من در آنچه عطا کردی، و مرا از شرّ آنچه به فرمان تو پیش آید حفظ کن که تو فرمان می‌دهی

وَلايُقْضىٰ عَلَيْكَ، لا مَنْجا وَلا مَلْجَأَ وَلا مَفَرَّ وَلا مَهْرَبَ مِنْكَ

و کسی بر تو حکم نمی‌کند و فرمان نمی‌دهد، رستنگاه و پناهگاه و فرارگاه و گریزگاهی از تو

إِلّا إِلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ

جز به سوی تو نیست، پاک و منزّه و بسیار مهربانی، و تو والاتری و برتری بسیار از آنچه

الظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ ما سَأَلَكَ بِهِ

ستمگران می‌گویند. خداوندا؛ من از تو درخواست می‌کنم همهٔ آنچه را که

مُحَمَّدٌ وَآلُهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعاذَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ.

محمّد و آل او علیهم السلام از تو درخواست نمودند، و به تو پناه می‌برم از همهٔ آنچه محمّد و آل او علیهم السلام به تو پناه بردند،

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزى، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

خداوندا؛ به تو پناه می‌برم از اینکه خوار و ذلیل گردیم و کار ما به رسوائی کشد، و به تو پناه می‌برم از شرّ

فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

تبه‌کاران عرب و عجم. و (از) شرّ پریان فاجر و انسان‌های فاسق. و از شرّ هر

ذي شَرٍّ، وَشَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إِنَّكَ عَلىٰ صِراطٍ

شرور و تبه‌کاری، و (از) شرّ هر جنبنده‌ای که زمامش در اختیار تو است، همانا تو بر راه

مُسْتَقِيمٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ

راست و استواری، و به تو پناه می‌برم از وسوسه‌های شیطان‌ها، و به تو پناه می‌برم از اینکه

يَحْضُرُونَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ السّآمَّةِ وَالْهآمَّةِ، وَالْعَيْنِ

نزد من حضور داشته باشند. خداوندا؛ من به تو پناه می‌برم از حشرات و خزندگان سمّی و بدون سمّ، و چشم

اللّآمَّةِ، وَمِنْ شَرِّ طَوارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، إِلّا طارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

تأثیرگذار ، و از شرّ حوادث و پیش‌آمدهای شب و روز مگر پیش‌آمدی که به خیر پیش آید،

يا اَللّٰهُ. أَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْبَلآءَ وَالْآفاتِ وَالْعاهاتِ، وَالْأَسْقامَ

ای خدا. خداوندا؛ از من بلا و آفات و آسیب‌ها و بیماری‌ها و دردها

وَالْأَوْجاعَ، وَالْآلامَ وَالْأَمْراضَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفاقَةِ،

و ناراحتی‌ها و مرض‌ها را دور گردان، و به تو پناه می‌برم از فقر و تهیدستی

وَالضَّنْكِ وَالضَّيْقِ وَالْحِرْمانِ، وَسُوءِ الْقَضآءِ وَشَماتَةِ الْأَعْدآءِ

و تنگی و تنگدستی و محرومیّت و پیش‌آمد بد و سرزنش دشمنان

وَالْحاسِدِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ، وَجَبّارٍ عَنيدٍ

و حسودان، و به تو پناه می‌برم از هر شیطان رانده‌شده و زورگوی عنادپیشه

وَسُلْطانٍ جائِرٍ. أَللّٰهُمَّ مَنْ كانَ أَمْسىٰ وَأَصْبَحَ، وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجاءٌ

و سلطان ستمگر. خداوندا؛ هر کسی شام کند و صبح کند و برایش محلّ اطمینان یا امیدی

غَيْرُكَ، فَأَنْتَ ثِقَتي وَسُؤْلي وَرَجائي، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيا

غیر تو باشد، ولی تو مایهٔ اطمینان من و خواسته و امید من هستی، ای بهترین کسی که از او درخواست شد؛ و ای

أَكْرَمَ مَنِ اسْتُكْرِمَ، وَيا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، إِرْحَمْ ضَعْفي وَذُلّي

بزرگوارترین کسی که از او بزرگواری طلب شد؛ و ای رحم کننده‌ترین کسی که از او ترحّم خواسته شد؛ به ناتوانی و خواری

بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرُّعي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتي مِنَ النّاسِ، وَذُلَّ مَقامي

من در پیشگاهت و ناله و زاری من بسوی تو، و وحشتم از مردم و پستی جایگاهم

بِبابِكَ. أَللّٰهُمَّ انْظُرْ إِلَيَّ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ نَظْرَةً تَكُونُ خِيَرَةً،

به در خانه‌ات رحم کن. خداوندا؛ به من با چشم مهربانی نگاه کن؛ نگاهی که در آن خیر باشد،

اِسْتَأْهَلْنا وَإِلّا تَفَضَّلْ عَلَيْنا، يا أَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، وَيا أَجْوَدَ

شایستگی آن را داشته باشیم وگرنه تفضل کن بر ما، ای کریم‌ترین بزرگواران، و ای بخشنده‌ترین

الْأَجْوَدينَ، وَيا خَيْرَ الْغافِرينَ، وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَيا أَحْكَمَ

بخشندگان و ای بهترین آمرزندگان و ای مهربانترین مهربانان و ای حکیم‌ترین

الْحاكِمينَ، وَيا أَسْرَعَ الْحاسِبينَ، يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَالْمَغْفِرَةِ، يا

حاکمان و ای سریع‌ترین حسابگران، ای شایسته تقوا و آمرزش، ای

مَعْدِنَ الْجُودِ وَالْكَرَمِ. يا اَللّٰهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

کانِ جود و بخشش و بزرگواری. ای خدا؛ درود فرست بر محمّد بنده‌ات و فرستاده‌ات

وَنَبِيِّكَ، وَصَفِيِّكَ وَسَفيرِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ

و پیامبرت، و برگزیده‌ات و نماینده‌ات، و اختیارشده‌ات از میان موجوداتت، و برگزیده‌ات از

خَلْقِكَ، وَزَكِيِّكَ وَتَقِيِّكَ وَنَقِيِّكَ، وَنَجِيِّكَ وَنَجيبِكَ، وَوَلِيِّ

میان آفریدگانت، و پاک‌سرشت و تقواپیشه و پاک و خالص و همراز و نیک‌نژاد و عهده‌دار

عَهْدِكَ، وَمَعْدِنِ سِرِّكَ، وَكَهْفِ غَيْبِكَ، اَلطّاهِرِ الطَّيِّبِ، اَلْمُبارَكِ

امورت و معدن رازت، و جایگاه غیب و پنهانی‌ات، آن پاک پاکیزهٔ مبارک

الزَّكِيِّ، اَلصّادِقِ الْوَفِيِّ، اَلْعادِلِ الْبارِّ، اَلْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، اَلنَّيِّرِ

پارسای راستگوی وفادار، عادل نیکوکار، پاک‌شدهٔ مقدّس نورانی

الْمُضيءِ، اَلسِّراجِ اللّامِعِ، وَالنُّورِ السّاطِعِ، وَالْحُجَّةِ الْبالِغَةِ،

روشنی‌بخش، چراغ درخشنده، و نور تابان، و حجّت رسا،

نُورِكَ الْأَنْوَرِ، وَحَبْلِكَ الْأَطْوَلِ، وَعُرْوَتِكَ الْأَوْثَقِ، وَبابِكَ

نورانی‌ترین نورت، و طولانی‌ترین ریسمانت، و مطمئن‌ترین دست‌آویزت، و نزدیکترین

الْأَدْنىٰ، وَوَجْهِكَ الْأَكْرَمِ، وَسَفيرِكَ الْأَوْقَفِ، وَجَنْبِكَ الْأَوْجَبِ،

درگاهت، و گرامی‌ترین چهره‌ات، و آگاهترین نماینده‌ات، و واجب‌ترین امرت،

وَطاعَتِكَ الْأَلْزَمِ، وَحِجابِكَ الْأَقْرَبِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ

و لازمترین طاعتت، و نزدیکترین حجابت. خداوندا؛ درود فرست بر او و بر خاندانش

مِنْ آلِ طٰهٰ وَيٰسٓ، وَاخْصُصْ وَلِيَّكَ، وَوَصِيَّ نَبِيِّكَ، وَأَخا

از آل طه و یاسین، و اختصاص بده ولیّت و وصیّ پیامبرت، و برادر

رَسُولِكَ، وَوَزيرَهُ وَوَلِيَّ عَهْدِهِ، إِمامَ الْمُتَّقينَ، وَخاتَمَ الْوَصِيّينَ

رسولت، و وزیر و یاورش و عهده‌دار امورش، پیشوای پرهیزکاران، و خاتم اوصیاء

لِخاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَابْنَتَهُ الْبَتُولَ،

برای خاتمه‌دهندهٔ پیامبران (حضرت) محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ و دخترش فاطمهٔ بتول

وَعَلىٰ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ، وَعَلَى

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت از اوّلین و آخرین و بر

الْأَئِمَّةِ الرّاشِدينَ الْمَهْدِيّينَ السّالِفينَ الْماضينَ، وَعَلَى النُّقَباءِ

امامان هدایتگر هدایت‌شدهٔ گذشته، و بر مهتران، بزرگان

الْأَتْقِياءِ الْبَرَرَةِ الْأَئِمَّةِ الْفاضِلينَ الْباقينَ، وعَلىٰ بَقِيَّتِكَ في

تقواپیشگان، نیکوکاران، پیشوایان دانشمند باقیمانده، و بر بقیّهٔ حجّت‌هایت در

أَرْضِكَ، اَلْقٰآئِمِ بِالْحَقِّ فِي الْيَوْمِ الْـمَوْعُودِ، وَعَـلَى الْـفٰاضِلِينَ

روی زمینت، آن قیام‌کنندهٔ به حقّ در روز وعده داده‌شده، و بر صاحبان فضیلت

الْمَهْدِيِّينَ الْأُمَنٰآءِ الْخَزَنَةِ، وَعَلىٰ خَوٰاصِّ مَـلٰآئِكَتِكَ، جَـبْرَئِيلَ

هدایت‌شده امینان خزانه‌دار، و بر فرشتگان خاصّت جبرئیل

وَمـيكٰآئِيلَ وَإِسْـرٰافِـيلَ وَعِـزْرٰآئِـيلَ، وَالصّـافِّينَ وَالْـحٰافِّينَ

و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل، و آن فرشتگان صف‌زننده و احاطه‌کننده

وَالْكَرُّوبِيِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ، وَجَـمِيعِ مَـلٰآئِكَتِكَ فـي سَـمٰاوٰاتِكَ

و کرّوبیّون و تسبیح‌گویان، و همهٔ فرشتگانت در آسمان‌هایت

وَأَرْضِكَ أَكْتَعِينَ. وَصَلِّ عَـلىٰ أَبِـينٰا اٰدَمَ وَأُمِّـنٰا حَـوّٰآءَ، وَمٰـا

و زمینت همهٔ آن‌ها. و درود فرست بر پدر ما (حضرت) آدم و مادرمان حوّاء، و

بَيْنَهُمٰا مِنَ النَّـبِيِّينَ وَالْـمُرْسَلِينَ، وَاخْـصُصْ مُـحَمَّداً بِأَفْـضَلِ

پیامبران و رسولان از اولاد آن‌ها، و اختصاص بده (حضرت) محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به برترین

الصَّلٰاةِ وَالتَّسْلِيمِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَعْدٰآئِهِمْ وَمُعٰانِدِيهِمْ

درود و سلام. خداوندا؛ من از دشمنان ایشان و آنان‌که گفتار حقّ ایشان را با آگاهی نمی‌پذیرند و به آنان

وَظٰالِمِيهِمْ. أَللّٰهُمَّ وٰالِ مَنْ وٰالٰاهُمْ، وَعٰادِ مَنْ عٰادٰاهُمْ، وَانْـصُرْ

ستم روا می‌دارند بیزارم. خداوندا؛ هر کس آنان را دوست دارد دوست بدار، و هر کس با آنان دشمنی کند دشمن بدار، و هر

مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَـنْ خَـذَلَ عِـبٰادَكَ الْـمُصْطَفَيْنَ الْأَخْـيٰارَ

کس آنان را یاری کند یاری کن، و هر کس بندگان برگزیدهٔ پرخیر

الْأَتْقِيٰآءَ الْبَرَرَةَ. أَللّٰهُمَّ احْشُرْنِي مَعَ مَنْ أَتَوَلّٰى، وَأَبْعِدْنِي مِمَّنْ

پرهیزکار نیکوکار تو را خوار گرداند خوار فرما. خدایا؛ مرا با سرورانم محشور نما، و از کسانی که از آن‌ها بیزاری می‌جویم

أَتَبَرَّأُ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ مٰا فِي ضَمِيرِ قَلْبِي مِنْ حُبِّ أَوْلِيٰآئِكَ، وَبُغْضِ

دور گردان، و تو می‌دانی چه مقدار در درون قلبم دوستی اولیای تو، و کینهٔ

أَعْدٰآئِكَ، وَكَفىٰ بِكَ عَلِيماً. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوٰالِدَيَّ، وَارْحَمْهُمٰا

دشمنانت می‌باشد، و تو از جهت آگاهی و دانستن کافی هستی. خداوندا؛ مرا و پدر و مادرم را بیامرز، و به آن‌دو رحم کن

كَمٰا رَبَّيٰاني صَـغيراً. أَللّٰـهُمَّ اجْـزِهِمٰا عَـنّي بِأَفْـضَلِ الْـجَزٰآءِ،

همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند. خداوندا؛ به آن‌دو از طرف من بهترین پاداش را مرحمت کن

وَكٰافِهِمٰا عَنّي بِأَفْضَلِ الْمُكٰافٰاةِ. أَللّٰهُمَّ بَدِّلْ سَيِّئٰاتِهِمْ حَسَنٰاتٍ،

و به برترین تلافی زحمات آنان را تلافی کن. خداوندا؛ گناهان‌شان را به حسنات و نیکی‌ها تبدیل کن،

وَارْفَعْ لَهُمْ بِـالْحَسَنٰاتِ الدَّرَجٰـاتِ. أَللّٰـهُمَّ إِذٰا صِـرْنٰا إِلىٰ مٰـا

و با حسنات، درجات ایشان را بالا ببر. خداوندا؛ هنگامی‌که منتهی شدیم به سوی آنچه آن‌ها

صٰارُوا إِلَيْهِ، فَأْمُرْ مَلِكَ الْمَوْتِ أَنْ يَكُونَ بِـنٰا رَؤُوفاً رَحـيماً.

بسوی آن منتهی شدند، به ملک الموت دستور بده که به ما رئوف و مهربان باشد.

أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِجَميعِ إِخْوٰانِنَا الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، وَالْمُسْلِمينَ

خداوندا؛ مرا و همهٔ برادران و خواهران ایمانی ما و مردان و زنانی که

وَالْمُسْلِمٰاتِ، اَلْأَحْيٰآءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ، وَتٰـابِعْ بَـيْنَنٰا وَبَـيْنَهُمْ

تسلیم اوامر خدایند، زندگان و مردگانشان را بیامرز، و میان ما و ایشان

بِالْخَيْرٰاتِ، إِنَّكَ مُجيبُ الدَّعَوٰاتِ وَوَلِيُّ الْحَسَنٰاتِ، يٰا أَرْحَـمَ

به خیرات و خوبی‌ها پیوند برقرار کن که تو اجابت‌کنندهٔ دعاها و صاحب حسنات هستی، ای مهربانترین

الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ لاٰتُخْرِجْني مِنْ هٰذِهِ الدُّنْيٰا إِلّٰا بِذَنْبٍ مَـغْفُورٍ،

مهربانان. خداوندا؛ مرا خارج مکن از این دنیا جز با گناه آمرزیده‌شده،

وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَتِجٰارَةٍ لَنْ تَبُورَ. أَللّٰهُمَّ اعْتِقْني

و تلاشٍ پاداش داده‌شده، و عملٍ پذیرفته‌شده، و تجارتی که کساد نمی‌شود. خداوندا؛ مرا

مِنَ النّٰارِ، وَاجْعَلْني مِنْ طُلَقٰآئِكَ وَعُتَقٰآئِكَ مِنَ النّٰارِ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

از آتش رهائی بخش، و مرا از آزادشدگان و رهائی‌یافتگان از آتش قرار بده. خداوندا؛ گناهان

لي مٰا مَضىٰ مِنْ ذُنُوبي، وَاعْصِمْني فيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْري. أَللّٰهُمَّ

گذشته‌ام را بیامرز، و در آنچه باقی مانده از عمرم به من مصونیّت بده، و مرا از گناه حفظ کن. خداوندا؛

كُنْ لي وَلِيّاً وَحٰافِظاً وَنٰاصِراً وَمُعيناً، وَاجْـعَلْني فـي حِـرْزِكَ

سرپرست و نگهدار و یار و مددکار من باش، و مرا در حفظ و حراست

وَحِفْظِكَ، وَحِمٰايَتِكَ وَكَنَفِكَ، وَدِرْعِكَ الْحَصينِ وَفي كَلٰآءَتِكَ،

و حمایت و سایه‌ات و در زره محکم نگهداریت قرار بده،

عَزَّ جٰارُكَ، وَجَلَّ ثَنٰاؤُكَ، وَلٰا إِلٰهَ غَـيْرُكَ، وَلٰا مَـعْبُودَ سِـوٰاكَ.

عزیز و نیرومند است آنکه در جوار تو است، و مدح و ثنایت والا است، و خدایی غیر تو نیست، و معبودی جز تو نمی‌باشد.

أَللّٰهُمَّ مَنْ أَرٰادَني بِسُوٓءٍ فَأَرِدْهُ. أَللّٰهُمَّ رُدَّ كَيْدَهُ في نَحْرِهِ. أَللّٰهُمَّ

خداوندا؛ هر کس ارادهٔ بدی نسبت به من دارد به او اراده کن. خداوندا؛ مکر و نیرنگ او را در گلوگاهش بازگردان. خداوندا؛

بَتِّرْ عُمْرَهُ، وَبَدِّدْ شَمْلَهُ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُ، وَاقْطَعْ

عمر او را قطع کن، و جمع او را پریشان، و جمعیّت او را پراکنده ساز، و او را ریشه‌کن، و دنباله‌اش را

دٰابِرَهُ، وَقَتِّرْ رِزْقَهُ، وَابْلِهِ بِجُهْدِ الْبَلٰآءِ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ، وَابْتَلِيهِ

قطع کن، و روزیش را تنگ بگیر، و او را به بلای طاقت‌فرسا مبتلا، و به خودش مشغول ساز، و به

بِعِيٰالِهِ وَوُلْدِهِ، وَاصْرِفْ عَنّي شَرَّهُ، وَاطْبِقْ عَنّي فَمَهُ، وَخُذْ مِنْهُ

عیالش و اولادش گرفتار کن، و شرّ او را از من بازگردان، و دهانش را از گفتار نسبت به من ببند، و امن و امان را از او

أَمْنَهُ مِثْلَ مَنْ أَخَذَ مِنْ أَهْلِ الْقُرٰى وَهِيَ ظٰالِمَةٌ، وَاجْعَلْني مِنْهُ

بگیر مانند آنچه از اهل آن قریه که ستمکار بودند گرفتی، و مرا به حفاظت

عَلىٰ حَذَرٍ بِحِفْظِكَ وَحِيٰاطَتِكَ، وَادْفَعْ عَنّي شَرَّهُ وَكَيْدَهُ وَمَكْرَهُ،

و احاطه‌ات از او برحذر دار، و از من شرّ او و حیله و نیرنگ او را دور کن،

وَاكْفِنيهِ وَاكْفِني مٰا أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْـيٰايَ وَاٰخِـرَتي. أَللّٰـهُمَّ

و مرا از شرّ او کفایت کن، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهناک ساخته کفایت نما. خداوندا؛

لٰاتُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لٰايَرْحَمُني. أَللّٰهُمَّ أَصْلِحْني وَأَصْلِحْ شَأْني،

کسی را که به من رحم نمی‌کند بر من مسلّط مفرما. خداوندا؛ مرا و شؤون مرا اصلاح کن،

وَأَصْلِحْ فَسٰادَ قَلْبي. أَللّٰهُمَّ اشْرَحْ لي صَدْري، وَنَـوِّرْ قَـلْبي،

و تباهی قلبم را اصلاح نما. خداوندا؛ سینه‌ام را گشایش بده، و قلبم را نورانی فرما،

وَيَسِّرْ لي أَمْري، وَلٰاتُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدٰآءَ وَلَا الْحٰاسِدَ. أَللّٰـهُمَّ

و امر مرا آسان گردان، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم و حسودان قرار مده. خداوندا؛

أَغْنِنِي بِغِنٰاكَ، وَلٰاتُحْوِجْنِي إِلىٰ أَحَدٍ سِوٰاكَ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَنْ

مرا به بی‌نیازی خود بی‌نیاز گردان، و مرا محتاج کسی جز خودت مفرما، با تفضّل خود

فَضْلِ مَنْ سِوٰاكَ، يٰا قَرِيبُ يٰا مُجِيبُ، يٰا اَللّٰهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ

نیازمند فضل غیر خودت مکن، ای نزدیک؛ ای اجابت‌کننده؛ ای خدا؛ معبودی جز تو نیست،

سُبْحٰانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوٓءاً، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي

پاک و منزّهی و به ستایش تو مشغولم، بدی کرده‌ام و بر خود ستم نموده‌ام، پس گناهان مرا

ذُنُوبِي إِنَّهُ لٰايَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّٰا أَنْتَ. أَللّٰهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ،

بیامرز که جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد. خداوندا؛ حقّ و اهل آن را پیروز گردان،

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَأَنْتَظِرُهُ. أَللّٰهُمَّ قَوِّمْ قٰآئِمَ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

و مرا از کسانی قرار بده که قائل به آن و در انتظار آن هستم. خداوندا؛ قیام‌کنندهٔ آل محمّد علیهم‌السلام را استواری بخش،

وَأَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضٰا مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ رٰايَتَهُ، وَقَوِّ

و دعوتش را با خشنودی آل محمّد ظاهر گردان. خداوندا؛ پرچمش را برافراشته، و

عَزْمَهُ، وَعَجِّلْ خُرُوجَهُ، وَانْصُرْ جُيُوشَهُ، وَاعْضُدْ أَنْصٰارَهُ،

عزم او را تقویت، و خروجش را شتاب فرما، و لشکرش را یاری، و یارانش را پشتیبانی نما،

وَأَبْلِغْ طَلِبَتَهُ، وَأَنْجِحْ أَمَلَهُ، وَأَصْلِحْ شَأْنَهُ، وَقَرِّبْ أَوٰانَهُ، فَإِنَّكَ

و او را به خواسته‌اش برسان، و به آرزویش کامیاب کن، و شأن او را اصلاح، و دورانش را نزدیک گردان که تو

تُبْدِئُ وَتُعِيدُ، وَأَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ. أَللّٰهُمَّ امْلَإِ الدُّنْيٰا قِسْطاً

آغازکننده و بازگرداننده‌ای، و تو آمرزنده و بسیار مهربانی. خداوندا؛ دنیا را پر از عدل

وَعَدْلاً كَمٰا مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً. أَللّٰهُمَّ انْصُرْ جُيُوشَ الْمُؤْمِنِينَ،

و داد کن همانطور که پر از ظلم و ستم شده. خداوندا؛ یاری کن لشکر مؤمنان

وَسَرٰايٰاهُمْ وَمُرٰابِطِيهِمْ حَيْثُ كٰانُوا وَأَيْنَ كٰانُوا مِنْ مَشٰارِقِ

و جنگجویان و مرزداران آنان را در هر حالی هستند و هر کجایند در مشرق

الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا، وَانْصُرْهُمْ نَصْراً عَزِيزاً، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً

و مغرب زمین. و عزّتمندانه آن‌ها را یاری نما، و برای ایشان فتح و گشایشی

يَسيراً، وَاجْعَلْ لَنا وَلَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا

آسان بفرما، و از ناحیه خودت برای ما و ایشان سلطانی یاری شده قرار بده. خداوندا؛ ما را

مِنْ أَتْباعِهِ وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الظَّلَمَةَ

از پیروان او و شهادت‌طلبان پیشاپیش او قرار بده. خداوندا؛ سران ستم‌پیشه

وَالظّالِمينَ، اَلَّذينَ بَدَّلُوا دينَكَ، وَحَرَّفُوا كِتابَكَ، وَغَيَّرُوا سُنَّةَ

و ستمگران را که دین تو را دگرگون، و کتابت را تحریف، و سنّت پیامبرت را تغییر

نَبِيِّكَ، وَدَرَسُوا الْآثارَ، وَظَلَمُوا عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَقاتَلُوا

دادند، و آثار را ناپدید، و بر اهل بیت پیامبرت ستم نمودند، و آن‌ها را کشتند

وَتَعَدُّوا عَلَيْهِمْ، وَغَصَبُوا حَقَّهُمْ، وَنَفَوْهُمْ (وَنَفَرُوهُمْ) عَنْ بُلْدانِهِمْ،

و به آنان تعدّی کردند، و حقّ ایشان را غصب نموده و آنها را از شهرهایشان تبعید

وَأَزْعَجُوهُمْ عَنْ أَوْطانِهِمْ، مِنَ الطّاغينَ وَالتّابِعينَ وَالْقاسِطينَ

و از سرزمین‌های‌شان راندند، آن طغیانگران عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنان‌که پیامبر را ندیدند و کجروان

وَالْمارِقينَ وَالنّاكِثينَ، وَأَهْلِ الزُّورِ وَالْكِذْبِ، اَلْكَفَرَةِ الْفَجَرَةِ.

و خارج‌شدگان از دین و پیمان‌شکنان، و اهل زور و دروغ، کافران و فاجران را لعنت کن.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَتْباعَهُمْ، وَجُيُوشَهُمْ وَأَصْحابَهُمْ وَأَعْوانَهُمْ

خداوندا؛ پیروان آنان و لشکریان و همراهان و یاران

وَمُحِبّيهِمْ وَشيعَتِهِمْ، وَاحْشُرْهُمْ إِلىٰ جَهَنَّمَ زُرْقاً. أَللّٰهُمَّ عَذِّبْ

و دوستان و شیعیان ایشان را لعنت کن، و با چشمان کبود به جهنّم محشورشان فرما. خداوندا؛

كَفَرَةَ أَهْلِ الْكِتابِ وَجَميعَ الْمُشْرِكينَ، وَمَنْ ضارَعَهُمْ مِنَ

کافران اهل کتاب و همهٔ مشرکان، و آن‌ها که برای ایشان فروتنی می‌کنند از

الْمُنافِقينَ، فَإِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ في نِعَمِكَ، وَيَجْحَدُونَ آيـاتِكَ،

منافقان را عذاب کن، که آن‌ها در نعمت تو غوطه‌ورند، و آیات تو را انکار

وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَيَتَعَدُّونَ حُدُودَكَ، وَيَدْعُونَ مَعَكَ إِلٰهاً،

و فرستادگانت را تکذیب، و از حدود و مقرّرات تو تجاوز می‌کنند، و با تو خدای دیگری را می‌خوانند،

لٰا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، سُبْحٰانَكَ وَتَعٰالَيْتَ عَمّٰا يَقُولُ الظّٰالِمُونَ عُلُوّاً

در حالی‌که هیچ خدائی جز تو نیست، تو پاک و منزّهی و تو برتر و والاتری از آنچه ستمگران

كَبِيراً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ، وَالشِّقٰاقِ

می‌گویند. خداوندا؛ من به تو پناه می‌برم از شکّ و شرک و مخالفت

وَالنِّفٰاقِ وَالرِّيٰآءِ، وَدَرَكِ الشِّقٰآءِ، وَسُوٓءِ الْقَضٰآءِ، وَشَمٰاتَةِ

و نفاق و ریاء و بدبختی و بدی سرنوشت، و سرزنش

الْأَعْدٰآءِ، وَسُوٓءِ الْمُنْقَلَبِ. أَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي كَمٰا تَقَبَّلْتَ مِنَ

دشمنان، و بازگشت بد. خداوندا؛ از من بپذیر همان‌گونه که از

الصّٰالِحِينَ، وَأَلْحِقْني بِهِمْ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ. أَللّٰهُمَّ افْسَحْ في

شایستگان پذیرفتی، و مرا به آنان ملحق کن ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ در

أَجَلي، وَأَوْسِعْ في رِزْقي، وَمَتِّعْني بِطُولِ الْبَقٰآءِ وَدَوٰامِ الْعِزِّ،

اجل و مهلت من فراخی، و در رزق و روزیم گستردگی قرار بده، و مرا به ماندن طولانی و عزّت پایدار،

وَتَمٰامِ النِّعْمَةِ، وَرِزْقٍ وٰاسِعٍ، وَأَغْنِني بِحَلٰالِكَ عَنْ حَرٰامِكَ،

و نعمت کامل و روزی گسترده بهره‌مند ساز، و به حلال خود از حرامت بی‌نیاز گردان،

وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوٓءَ وَالْفَحْشٰآءَ وَالْمُنْكَرَ. أَللّٰهُمَّ افْعَلْ بي مٰا

و از من بدی و زشتی و ناپسند و نامشروع را بازگردان. خداوندا؛ آنچه تو شایستهٔ آن هستی

أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلٰاتَفْعَلْ بي مٰا أَنَا أَهْلُهُ، لٰاتَأْخُذْني بِعَدْلِكَ، جُدْ

با من انجام بده، و آنچه را من شایستهٔ آن هستم با من انجام مده، مرا به عدل خویش مؤاخذه مکن؛ بلکه

عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَرَأْفَتِكَ وَرِضْوٰانِكَ. أَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ،

به عفو و رحمت و رأفت و خشنودیت بر من جود و بخشش کن. خداوندا؛ عفو تو را تمنّا دارم،

لٰاتَرُدَّنٰا خٰائِبِينَ، وَلٰاتَقْطَعْ رَجٰائي، وَلٰاتَجْعَلْني مِنَ الْقٰانِطِينَ،

ما را محروم بازمگردان، و امیدم را قطع مکن، و مرا از ناامیدان

وَلٰا مَحْرُومِينَ وَلٰا مُجْرِمِينَ وَلٰا ٰايِسِينَ وَلٰا ضٰالّينَ وَلٰا مُضِلّينَ

و محرومان و مجرمان و مأیوسان و گمراهان و گمراه‌کنندگان

وَلٰا مَطْرُودِينَ وَلٰا مَغْضُوبِينَ. اٰمِنَّا الْعِقٰابَ، وَاطْمَئِنَّ بِنٰا دٰارَكَ

و رانده‌شدگان و مورد غضب قرارگرفتگان قرار مده. ما را از کیفر ایمن بدار، و ما را به سرایت

دٰارَ السَّلٰامِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ،

سرای سلامتی ـ یعنی بهشت ـ مطمئن ساز. خداوندا؛ به راستی من به وسیلهٔ محمّد و آل پاکش به سوی تو توسّل می‌جویم،

وَأَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ بِهِمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِمْ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ.

و به واسطهٔ ایشان شفاعت می‌طلبم، و به سوی تو تقرّب می‌یابم، و به درگاهت روی می‌آورم.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني بِهِمْ وَجيهاً. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي بِهِمْ، وَتَجٰاوَزْ عَنْ

خداوندا؛ مرا به واسطهٔ ایشان آبرومند قرار بده. خداوندا؛ به واسطهٔ ایشان مرا بیامرز، و به خاطر ایشان

سَيِّئٰاتي بِهِمْ، وَارْحَمْني بِهِمْ، وَاشْفَعْني بِهِمْ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

از گناهانم بگذر، و به خاطر ایشان به من رحم کن، و به واسطهٔ ایشان مرا شفاعت فرما. خداوندا؛ به راستی من از تو

حُسْنَ الْعٰاقِبَةِ، وَتَمٰامَ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ

سرانجام نیکو، و نعمت کامل در دنیا و آخرت درخواست می‌کنم، که تو بر هر

شَيْءٍ قَديرٌ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنٰا وَارْحَمْنٰا، وَتُبْ عَلَيْنٰا، وَعٰافِنٰا

چیز توانائی. خداوندا؛ ما را بیامرز و رحمت کن، و بازگشت کن بر ما، و عفو فرما

وغَنِّمْنٰا وَرَفِّعْنٰا، وَسَدِّدْنٰا وَاهْدِنٰا، وَأَرْشِدْنٰا وَعٰافِنٰا، وَكُنْ لَنٰا

و بهره‌مند ساز و بالا ببر، و استوار نما و هدایت کن، و راهنمائی فرما و عفو نما، و به نفع ما باش

وَلٰاتَكُنْ عَلَيْنٰا، وَاكْفِنٰا مٰا أَهَمَّنٰا مِنْ أَمْرِ دُنْيٰانٰا وَاٰخِرَتِنٰا،

و بر ضرر ما مباش، و آنچه از امر دنیا و آخرت ما مهمّ است و ما را اندوهگین ساخته کفایت کن،

وَلٰاتُضِلَّنٰا وَلٰاتُهْلِكْنٰا وَلٰاتَضَعْنٰا، وَاهْدِنٰا إِلىٰ سَوٰآءِ الصِّرٰاطِ،

و ما را گمراه مکن و هلاک مگردان و پست و فرومایه مساز، و به راه راست هدایت کن،

وَاٰتِنٰا مٰا سَأَلْنٰا وَمٰا لَمْ نَسْأَلْكَ، وَزِدْنٰا مِنْ فَضْلِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ

و آنچه از تو خواستیم و نخواستیم به ما عطا فرما، و از فضل خود بر آن بیفزا که تو بسیار

الْمَنّٰانُ يٰا اَللّٰهُ. ﴿رَبَّنٰا اٰتِنٰا فِى الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً

نعمت‌دهنده‌ای ای خداوندا. پروردگارا؛ به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عنایت کن،

وَقِنا عَذابَ النّارِ﴾[1]، أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، إِغْفِرْ وَارْحَمْ

و از عذاب آتش نگهدار، از خداوند پروردگارم آمرزش می‌طلبم و به سوی او بازمی‌گردم، بیامرز و رحمت کن

وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.[2]

و از آنچه می‌دانی بگذر که براستی تو عزیزتر و گرامی‌تری.

در «بحار الأنوار» روایت شده که این، دعای قنوت نماز وتر است.

۲

دعای مهمّی در ستایش خداوند

این دعا پس از نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خوانده می‌شود:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ إِلٰهاً واحِداً

خدایی جز خداوند یکتا نیست که او پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما است، هیچ‌معبودی جز خدا نیست که‌معبودی یگانه است

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ لانَعْبُدُ إِلَّا إِيّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ

و ما سر تسلیم به درگاهش فرودآورده‌ایم، خدایی جز خداوند بی‌همتا نیست و ما جز او را پرستش نمی‌کنیم، و دین را برای او خالص

الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ،

کرده‌ایم گرچه اهل شرک نپسندند، معبودی جز خدا نیست، او یکتا و یگانه و بی‌همتا است،

أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ،

وعده‌اش را وفا کرد و بنده‌اش را یاری نمود و لشکرش را تقویت نمود، و گروه‌های بهم‌پیوستهٔ دشمن را شکست داد،

فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. أَللّٰهُمَّ أَنْتَ

پس فرمانروایی از آنِ او است و او سزاوار سپاس و ستایش است و او بر همه چیز توانا است. خداوندا؛ تو

نُورُ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ قَيّامُ

روشنی‌بخش آسمان‌ها و زمین و هر کس در آن‌ها است هستی، پس تو سزاوار ستایشی، و تو برپادارندهٔ

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۱.
۲. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۴۰۲، بحار الأنوار: ۲۱۱/۸۷.

السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْحَقُّ،

آسمان‌ها و زمین و هر کس در آن‌ها است هستی، پس تو سزاوار ستایشی، و تو حقّی،

وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَإِنْجازُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنّارُ

و وعده‌ات حقّ، و گفتارت حقّ، و وفاکردنت به آن حقّ است و تخلّفی ندارد، و بهشت و دوزخ

حَقٌّ. أَللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ

حق است. خداوندا؛ خود را تسلیم تو نمودم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکّل کردم، و به تو (با دشمنان دین)

خاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حاكَمْتُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، إِغْفِرْ لي ما

خصومت کردم، و حکومت و داوری را به پیشگاه تو آوردم، ای پروردگار من؛ ای پروردگار من؛ ای پروردگار من؛

قَدَّمْتُ وَما أَخَّرْتُ، وَما أَسْرَرْتُ وَما أَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلٰهي لا إِلٰهَ

آنچه از گناه در گذشته و حال انجام داده‌ام، پنهان کرده و آشکار نموده‌ام بیامرز، تو خدای من هستی و هیچ خداوندی

إِلّا أَنْتَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني

جز تو نیست، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا ببخش و مورد رحمت خویش قرار بده

وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.[1]

و توبه‌ام را بپذیر، که تو بی‌گمان بسیار توبه‌پذیر و مهربان هستی.

۳

دعای صباح

دعای صباح از دعاهای بسیار مهمّی است که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرموده‌اند حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را می‌خواندند و پس از خواندن آن، دعای دیگری را ـ که ما بعد از دعای صباح نقل می‌کنیم ـ می‌خواندند:

۱. زاد المعاد: ۵۱۵، جمال الأسبوع: ۱۶۲، هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۶۳۶، بحار الأنوار: ۱۷۰/۹۱، مستدرك الوسائل: ۲۷۲/۶.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَللّٰهُمَّ يٰا مَنْ دَلَعَ لِسٰانَ الصَّبٰاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّجَ قِطَعَ اللَّيْلِ

خداوندا؛ ای کسی که بیرون کشیده زبان صبحدم را با گفتار روشن و گویایش، و پراکنده نموده پاره‌های شب

الْمُظْلِمِ بِغَيٰاهِبِ تَلَجْلُجِهِ، وَأَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوّٰارِ فِي مَقٰادِيرِ

تار را با تاریکی شدید سرگردانش، و استوار داشته چرخ گردون را در اندازه‌های برج‌ها

تَبَرُّجِهِ، وَشَعْشَعَ ضِيٰآءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ، يٰا مَنْ دَلَّ عَلىٰ

و گردش‌های آن، و پرتوافکن ساخته تابش خورشید را با روشنائی فروزان آن. ای کسی که راهنمائی کرده بر

ذٰاتِهِ بِذٰاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجٰانَسَةِ مَخْلُوقٰاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلاٰئَمَةِ

وجود خود با ذات خود، و پاک و منزّه است از هم‌جنس بودن و شباهت داشتن با آفریدگانش، و برتر است از برخورداری

كَيْفِيّٰاتِهِ، يٰا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرٰاتِ الظُّنُونِ، وَبَعُدَ عَنْ لَحَظٰاتِ

کیفیّات و چگونگی‌هایش، ای کسی که نزدیک است به آنچه گمان‌ها به آن خطور کند، و از دیدار

الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمٰا كٰانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يٰا مَنْ أَرْقَدَني فِي مِهٰادِ

دیدگان دور، و دانا است به آنچه وجود دارد پیش از آنکه به وجود آمده باشد، ای کسی که خوابانید در گهوارهٔ

أَمْنِهِ وَأَمٰانِهِ، وَأَيْقَظَني إِلىٰ مٰا مَنَحَني بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَإِحْسٰانِهِ،

امن و امانش، و بیدار کرد مرا برای بهره‌مند شدن از آنچه عطا کرده به من از الطاف و احسانش،

وَكَفَّ أَكُفَّ السُّوٓءِ عَنّي بِيَدِهِ وَسُلْطٰانِهِ (وَقُدْرَتِهِ). صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى

و بازداشت پنجه‌های بدی را از من با قدرت و سلطنتش. خداوندا؛ درود فرست بر

الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ، وَالْمُتَمَسِّكِ (وَالْمٰاسِكِ) مِنْ أَسْبٰابِكَ

آن دلیل و راهنمای به سوی تو در شب تار، و آنکه تمسّک جسته از میان وسائلت

بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَالنّٰاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذَرْوَةِ الْكٰاهِلِ

به بلندترین ریسمان شرافت، و آنکه دودمان و نژاد خالص و پاکیزه‌اش در بالاترین قلّهٔ

الْأَعْبَلِ، وَالثّٰابِتِ الْقَدَمِ عَلىٰ زَحٰاليفِهٰا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلىٰ

درخشندگی است، و آنکه در لغزشگاهها ثابت‌قدم و استوار بود در زمان‌های پیشین (جاهلیّت) با همهٔ پرتگاههای آن، و

آلِهِ الْأَبْرارِ الطَّيِّبِينَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ. وَافْتَحِ اللّٰهُمَّ لَنا مَصارِيعَ

تحیّت و درود بر آل پاک او که برگزیدگان و نیکوکارانند. خداوندا؛ درهای

الصَّباحِ بِمَفاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلاحِ، وَأَلْبِسْنَا اللّٰهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ

صبح را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا، و ما را از بهترین جامه‌ها و خلعت‌های

الْهِدايَةِ وَالصَّلاحِ. وَأَغْرِسِ اللّٰهُمَّ بِعَظَمَتِكَ في شِرْبِ جَنانِي

هدایت و درستکاری بپوشان. و بنشان ـ خداوندا؛ ـ به عظمتت در جویبار دلم

يَنابِيعَ الْخُشُوعِ، وَأَجْرِ اللّٰهُمَّ لِهَيْبَتِكَ اٰماقِي زَفَراتِ الدُّمُوعِ،

چشمه‌های خشوع و فروتنی را، و در برابر هیبت خویش ـ خداوندا؛ ـ از گوشه‌های چشمم قطرات اشک را جاری کن،

وَأَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزْقَ الْخُرْقِ مِنّي بِأَزِمَّةِ الْقُنُوعِ. إِلٰهي إِنْ لَمْ

و ادب کن خداوندا؛ شتابزدگی و نرمی نکردن مرا با مهار قناعت (که به خاطر حکّام دنیا خود را به پستی نیاندازم). بارالها؛ اگر

تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنِ السّالِكُ بي إِلَيْكَ

با توفیق نیکو پیشی نگرفته بود مرا رحمت و مهربانی‌ات، چه کسی مرا به سوی تو

في واضِحِ الطَّرِيقِ، وَإِنْ أَسْلَمَتْني أَناتُكَ لِقائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنىٰ،

در راه روشن می‌راند؟ و اگر مهلت‌دادنت مرا به رهرو آرزوها و خواهش‌ها واگذار می‌نمود،

فَمَنِ الْمُقِيلُ عَثَراتي مِنْ كَبَواتِ الْهَوىٰ، وَإِنْ خَذَلَني نَصْرُكَ

چه کسی لغزش‌های مرا که از سرنگونی مرکب هوی و هوس پیدا می‌شد جبران می‌کرد؟ و اگر رها می‌کرد مرا یاری تو

عِنْدَ مُحارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطانِ فَقَدْ وَكَلَني خِذْلانُكَ إِلىٰ حَيْثُ

هنگام نبرد با نفس و شیطان، به راستی یاری‌نکردنت مرا به

النَّصَبِ وَالْحِرْمانِ. إِلٰهي أَتَرانى ما أَتَيْتُكَ إِلّا مِنْ حَيْثُ الْآمالِ أَمْ

رنج و ناامیدی می‌افکند. بارالها؛ می‌بینی و می‌دانی که به درگاهت نیامده‌ام مگر به خاطر آرزوهائی که دارم

عَلِقْتُ بِأَطْرافِ حِبالِكَ إِلّا حينَ باعَدَتْني ذُنُوبي عَنْ دارِ الْوِصالِ،

و به رشته‌های ریسمانت چنگ نزده‌ام مگر هنگامی که گناهانم مرا از محلّ وصال و پیوند با تو دور کرد،

فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَتْ نَفْسي مِنْ هَواها، فَواهاً لَها لِما سَوَّلَتْ

پس بد مرکبی است مرکبی که نفس من از روی خواهش‌های خود سوار گشته، و وای

لَهٰا ظُنُونُهٰا وَمُنٰاهٰا، وَتَبّاً لَهٰا لِجُرْأَتِهٰا عَلىٰ سَيِّدِهٰا وَمَوْلٰيهٰا. إِلٰهي

بر او که گمان‌ها و تمنّاهایش برایش جلوه کرده، و نابود باد که بر سرور و مولای خود جرأت پیدا کرده است. بارالها؛

قَرَعْتُ بٰابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجٰآئي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لاٰجِياً مِنْ فَرْطِ

در رحمتت را با دست امیدم کوبیدم، و به سوی تو گریختم در حالی‌که از زیاده‌روی

أَهْوٰآئي، وَعَلَّقْتُ بِأَطْرٰافِ حِبٰالِكَ أَنٰامِلَ وَلاٰئي، فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ

هواها و هوس‌هایم به تو پناهنده گشته‌ام، و به رشته‌های ریسمانت با انگشتان ولا و دوستی چنگ زده‌ام. پس خداوندا؛ بگذر

عَمّٰا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلي وَخَطٰآئي، وَأَقِلْنِيَ اللّٰهُمَّ مِنْ صَرْعَةِ

از لغزش‌ها و خطاهائی که مرتکب شده‌ام و - خداوندا؛ - از زمین خوردن

ذٰاتي، فَإِنَّكَ سَيِّدي وَمَوْلاٰيَ وَمُعْتَمَدي وَرَجٰآئي، وَأَنْتَ غٰايَةُ

و تباه‌شدن مرا نگهداری و دستگیری کن، که تو سرور من و مولا و تکیه‌گاه و امید من هستی و تو نهایت

مَطْلُوبي وَمُنٰايَ في مُنْقَلَبي وَمَثْوٰايَ. إِلٰهي كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكيناً

مقصود و آرزوی منی در دنیا و آخرت. بارالها؛ چگونه از درگاهت می‌رانی مسکین بیچاره‌ای را که

الْتَجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هٰارِباً، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِداً قَصَدَ

از گناهان گریخته و به تو پناهنده گشته؟ یا چگونه محروم می‌سازی کسی را که خواستار رشد و هدایت است

إِلىٰ جَنٰابِكَ سٰاعِياً، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآناً وَرَدَ عَلىٰ حِيٰاضِكَ

و شتابان آهنگ آستان تو نموده؟ یا چگونه دور می‌کنی تشنه‌ای را که بر چشمه‌های پرآبت وارد گشته

شٰارِباً، كَلّٰا وَحِيٰاضُكَ مُتْرَعَةٌ في ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَبٰابُكَ مَفْتُوحٌ

تا جرعه‌ای بیاشامد؟ نه؛ هرگز چنین نیست و حوض‌های تو پرآب است در شدّت خشکسالی و بی‌آبی، و درگاه تو گشوده و باز است

لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ، وَأَنْتَ غٰايَةُ الْمَسْئُولِ وَنِهٰايَةُ الْمَأْمُولِ.

برای درآمدن و درخواست کردن، و تو انتهای خواستهٔ خواستاران و نهایت آمال آرزومندان هستی.

إِلٰهي هٰذِهِ أَزِمَّةُ نَفْسي قَدْ عَقَلْتُهٰا بِعِقٰالِ مَشِيَّتِكَ، وَهٰذِهِ أَعْبٰآءُ

بارالها؛ این زمان نفس من است که آن را با مهار مشیّت تو پای‌بند کرده‌ام، و این بار گران

ذُنُوبي دَرَأْتُهٰا بِعَفْوِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَهٰذِهِ أَهْوٰآئِيَ الْمُضِلَّةُ

گناهان من است که به پای عفو و مهربانی و رحمتت افکنده‌ام، و این هواها و هوس‌های گمراه‌کنندهٔ من است که

وَكَلْتُهٰا إِلٰى جَنٰابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ. أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

به ساحت لطف و رأفت تو سپرده و واگذار کرده‌ام. خداوندا؛ پس درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ. فَاجْعَلِ (اللّٰهُمَّ) صَبٰاحِي هٰذٰا نٰازِلاً عَلَيَّ بِضِيٰاءِ الْـهُدٰى

محمّد. پس قرار ده (خداوندا؛) این بامدادم را فرودآیندهٔ بر من با روشنی هدایت

وَبِالسَّلٰامَةِ وَالْعٰافِيَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، وَمَسٰائِي جُنَّةً

و سلامت و عافیت در دین و دنیا و آخرت، و شبم را سپری

مِنْ كَيْدِ الْأَعْدٰاءِ، وَوِقٰايَةً مِنْ مُرْدِيٰاتِ الْهَوٰى، فَإِنَّكَ قٰادِرٌ عَلٰى

از مکر و حیلهٔ دشمنان، و پناهگاهی از پرتگاههای هواها و آرزوهای نفسانی گردان، که براستی تو

مٰا تَشٰاءُ، ﴿تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشٰاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِـمَّنْ تَشٰـاءُ

بر آنچه بخواهی توانائی، «فرمانروائی را به هر کس خواهی می‌دهی، و از هر کس خواهی می‌گیری،

وَتُعِزُّ مَنْ تَشٰاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشٰاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

هر کس را بخواهی عزیز می‌گردانی و هر کس را بخواهی خوار می‌کنی، خیر و خوبی تنها در دست تو است که تو بر هر

قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهٰارِ وَتُولِجُ النَّهٰارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ

چیز توانائی * شب را در روز و روز را در شب وارد می‌کنی،

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَـنْ تَشٰـاءُ

و زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌کنی، و هر کس را خواهی

بِغَيْرِ حِسٰابٍ﴾[1]، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، سُبْحٰانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ مَنْ ذٰا

بدون حساب روزی می‌دهی»، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی خداوندا؛ و من به ستایش تو مشغولم، چه کسی

يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلٰا يَخٰافُكَ، وَمَنْ ذٰا يَعْلَمُ مٰـا أَنْتَ فَـلٰا يَهٰابُكَ،

قدرت تو را شناخت و از تو بیمناک نگردید؟ و چه کسی دانست که تو کیستی و مرعوب هیبت تو نشد؟

أَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ، وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ، وَأَنَرْتَ بِكَرَمِكَ

با قدرت خویش پراکندگی‌ها و جدائی‌ها را گرد آورده و پیوند داده‌ای، و به رحمتت سپیده‌دم صبح را شکافته‌ای، و به بزرگواریت

---

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۲۶ و ۲۷.

دَيٰاجِيَ الْغَسَقِ، وَأَنْهَرْتَ الْمِيٰاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيٰاخِيدِ عَذْباً وَاُجٰاجاً،

تاریکی‌های شب تار را روشن ساخته‌ای، و آب‌های شیرین و شور را از دل سنگ‌های سخت و محکم روان کرده‌ای،

وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرٰاتِ مٰآءً ثَجّٰاجاً، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و از ابرهای فشرده آب فراوان و پیاپی را فرو فرستاده‌ای، و خورشید و ماه را

لِلْبَرِيَّةِ سِرٰاجاً وَهّٰاجاً مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمٰارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوباً

برای مردم چراغی فروزنده قرار داده‌ای، بدون اینکه در آنچه پدیدآورده‌ای خسته و درمانده شوی

وَلٰا عِلٰاجاً، فَيٰا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقٰآءِ، وَقَهَرَ عِبٰادَهُ بِالْمَوْتِ

یا برای علاج و درمان کوشش کنی، پس ای کسی که یکتا و یگانه است به عزّت و جاودانگی، و بندگانش را به مرگ

وَالْفَنٰآءِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْأَتْقِيٰآءِ، (أَهْلِكْ أَعْدٰآئِي،)

و نابودی مقهور ساخته، بر محمّد و آل پرهیزکارش درود فرست، (دشمنانم را نابود گردان،)

وَاسْتَمِعْ نِدٰآئِي، وَاسْتَجِبْ دُعٰآئِي، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجٰآئِي،

و صدای مرا بشنو، و دعایم را به اجابت برسان، و به فضل و کرمت آرزو و امید مرا محقّق ساز،

يٰا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ، وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ، يٰا

ای بهترین کسی که برای برطرف نمودن بیچارگی خوانده شده، و در هر دشواری و آسانی مایهٔ امید و آرزو است، ای

سَيِّدِي بِكَ أَنْزَلْتُ حٰاجَتِي فَلٰاتَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوٰاهِبِكَ خٰآئِباً، يٰا

سرور من؛ حاجتم را به تو عرضه داشته‌ام پس مرا از بخشش‌های ارزشمندت محروم بازمگردان، ای

كَرِيمُ، يٰا كَرِيمُ، يٰا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، وَصَلَّى

کریم؛ ای بزرگوار؛ ای بخشنده، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، و درود

اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ أَجْمَعِينَ.[1]

خداوند بر محمّد و آل پاک و همهٔ خاندان پاک و پاکیزهٔ او باد.

۱. مجموعة الأدعية (مخطوط): ۱۰.

۴

دعای دیگر بعد از دعای صباح

و از **حضرت امام الجنّ و الإنس علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت بعد از تمام شدن **دعای صباح** این دعا را (برای آموختن به ما) می‌خواندند:

إِلٰهي قَلْبي مَحْجُوبٌ، وَنَفْسي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلي مَغْلُوبٌ، وَهَوٰآئي

معبودا؛ قلب من در پرده و زنگار گرفته، و نفسم دچار عیب و زشتی، و عقلم شکست خورده، و تمایلات نفسانی‌ام

غٰالِبٌ، وَطٰاعَتي قَلٰيلٌ، وَمَعْصِيَتي كَثٰيرٌ، وَلِسٰاني مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ،

چیره و پیروز، و اطاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکنندهٔ به گناهان است،

فَكَيْفَ حيلَتي يٰا عَلّٰامَ الْغُيُوبِ، يٰا سَتّٰارَ الْعُيُوبِ، وَغَفّٰارَ

پس چاره‌ام چیست ای دانای پنهانی‌ها؛ ای پوشانندهٔ عیب‌ها؛ و آمرزندهٔ

الذُّنُوبِ، فَاغْفِرْ لي ذُنُوبي كُلَّهٰا يٰا غَفّٰارُ، يٰا غَفُورُ، يٰا حَلٰيمُ، يٰا

گناهان؟ همهٔ گناهانم را بیامرز ای بسیار آمرزنده؛ ای بخشنده؛ ای بردبار؛ ای

رَحٰيمُ، وَاقْضِ حٰاجَتي بِحَقِّ الْقُرْاٰنِ الْعَظٰيمِ، وَالنَّبِيِّ الْكَرٰيمِ،

مهربان؛ و حاجتم را برآورده ساز به حقّ قرآنی که مرتبه‌اش عظیم است، و پیامبری که بزرگوار می‌باشد،

وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ، تُبْتُ يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ مِنْ جَميعِ

و آل پاک و پاکیزهٔ او، (به درگاه تو) توبه و بازگشت نمودم ای صاحب عظمت و بزرگی و بزرگواری؛ از همهٔ

الذُّنُوبِ وَالْاٰثٰامِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

گناهان و کارهای حرام، و سپاس و ستایش سزاوار پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ أَجْمَعينَ الطَّيِّبينَ الطّٰاهِرينَ الْمَعْصُومينَ الْأَخْيٰارِ.[1]

(حضرت) محمّد و آل پاک و پاکیزه‌اش که معصوم و نیکوکارند.

---

۱. مجموعة الأدعية (مخطوط): ۲۴.

در بعضی از نسخه‌های دعای صباح، دعای دوّم (با اختلاف نسخه‌ها) جزو دعای صباح آورده شده است.

۵

استغفار بسیار مهمّ

محقّق سبزواری در کتاب «مفاتیح النجّاة» از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام، از پدران بزرگوارش علیهم‌السلام، از امام سجّاد علیه‌السلام، از امام حسین علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

روزی نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نشسته بودم که مرد عربی آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ مردی عیال‌وارم و از مال دنیا بهره‌ای ندارم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: ای برادر عرب؛ چرا استغفار نمی‌کنی تا حالت نیکو شود.

عرب عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ من زیاد استغفار می‌کنم ولی دگرگونی و فزونی در حال خود نمی‌بینم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفت: خدای تعالی فرموده: «به درگاه پروردگارتان استغفار کنید تا آسمان را بر شما ریزان کند و به مال و فرزندان‌تان کمک دهد و نهرها برای شما قرار دهد»[1].

من استغفاری را به تو یاد می‌دهم که در هنگام خواب بدان استغفار کنی و روزی‌ات فراخ گردد.

آن‌گاه این استغفار را برای او نوشت و به مرد عرب داد و سفارش کرد هنگامی که به بستر خواب رفتی و آهنگ خواب کردی، این استغفار را بخوان و گریه‌کن و اگر گریه‌ات نیامد تباکی کن (و خود را به صورت گریه‌کنندگان درآور).

امام حسین علیه‌السلام فرمود:

این مرد عرب، سال دیگر نزد امیر مؤمنان آمد و عرض کرد: به راستی ای امیر

---

۱. سورهٔ نوح، آیهٔ ۱۱ و ۱۲.

مؤمنان؛ خدای تعالی نعمت خود را بر من تمام کرده به حدّی که منطقه بر من تنگ شده و جایی برای نگهداری شتران و گوسفندانم از بس که زیاد شده‌اند نمی‌یابم. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: ای برادر عرب؛ سوگند به خدایی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به رسالت برانگیخت؛ بنده‌ای نیست که این استغفار را بخواند جز آن‌که خدای تعالی گناهانش را بیامرزد و حاجت‌های مشروع او را برآورد و مال و فرزندانش را به برکت این استغفار افزون کند.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَني بِعٰافِيَتِكَ، أَوْ

معبودا؛ از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که بدنِ من با عافیت و تندرستیی که تو عنایت کردی به انجام‌دادن آن قوّت یافت، یا

نٰالَتْهُ قُدْرَتي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، أَوْ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدي بِسٰابِغِ رِزْقِكَ،

قدرت من به برکت نعمت تو به آن رسید، یا به سبب روزی ریزانِ تو دستِ خود را به سوی آن دراز کردم،

أَوِ اتَّكَلْتُ فيهِ عِنْدَ خَوْفي مِنْهُ عَلىٰ أَنٰاتِكَ، أَوِ احْتَجَبْتُ فيهِ مِنَ

یا در هنگام ترس خود از آن بر بردباری تو تکیه کردم، یا

النّٰاسِ بِسِتْرِكَ، أَوْ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ عَلَيَّ فيهِ بِحِلْمِكَ، أَوْ

با پوشش تو خود را از مردم پنهان کردم، یا از قهر تو در آن گناه به حلم و شکیبایی‌ات تکیه کردم، یا

عَوَّلْتُ فيهِ عَلىٰ كَرَمِ عَفْوِكَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ

دربارهٔ آن به بزرگواریِ گذشت تو تکیه کردم. معبودا؛ من از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که

خُنْتُ فيهِ أَمٰانَتي، أَوْ بَخَّسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسي، أَوِ احْتَطَبْتُ بِهِ عَلىٰ

به امانتِ خود در آن خیانت کردم، یا با انجامِ آن، جان خود را آلودم، یا بار گناهی بر

بَدَني، أَوْ قَدَّمْتُ فيهِ لَذَّتي، أَوْ اٰثَرْتُ فيهِ شَهْوَتي، أَوْ سَعَيْتُ

بدن خود فراهم کردم، یا لذّتی را پیش داشتم، یا خواستهٔ دل را بدان مقدّم داشتم، یا

فيهِ لِغَيْري، أَوِ اسْتَغْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَبِعَني، أَوْ كٰايَدْتُ فيهِ مَنْ

برای دیگری بدگویی و سعایت کردم، یا در صدد گمراهی کسی که از من پیروی می‌کرد برآمدم، یا کسی که مرا از

مَنَعَني، أَوْ قَهَرْتُ عَلَيْهِ مَنْ عٰادٰاني، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ حيلَتي،

کجی بازمی‌داشت فریب دادم، یا با کسی که با من دشمنی می‌کرد به قهر عمل کردم، یا به کمک نیرنگ خود بر او چیره شدم،

أَوْ أَحَلْتُ عَلَيْكَ، مَوْلاٰيَ فَلَمْ تَغْلِبْني عَلىٰ فِعْلي، إِذْ كُنْتَ كٰارِهاً

یا بر تو حواله کردم. مولای من؛ تو با این‌که نافرمانی مرا ناخوش

لِمَعْصِيَتي فَحَلُمْتَ عَنّي، لٰكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فِيَّ بِفِعْلي ذٰلِكَ لَمْ

داشتی حلم ورزیدی، ولی علم دیرینهٔ تو در کارِ من

تُدْخِلْني يٰا رَبِّ فيهِ جَبْراً، وَلَمْ تَحْمِلْني عَلَيْهِ قَهْراً، وَلَمْ تَظْلِمْني

مرا در انجام آن مجبور نکرد ای پروردگار من؛ و به قهر و اجبار مرا بر آن کار وادار ننمود، و تو هیچ‌گونه ستمی

فيهِ شَيْئاً، فَأَسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَلِجَميعِ ذُنُوبي. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ

در این باره بر من روا نداشتی، و من از این گناهم و همهٔ گناهانم از تو آمرزش می‌خواهم. خدایا؛ من از تو آمرزش می‌خواهم

لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ، وَأَقْدَمْتُ عَلىٰ فِعْلِهِ، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ

برای هر گناهی که از آن گناه به درگاهت توبه کردم ولی بدان دست زدم، و در حال انجام آن از تو شرم داشتم

وَأَنَا عَلَيْهِ، وَرَهِبْتُكَ وَأَنَا فيهِ تَعٰاطَيْتُهُ، وَعُدْتُ إِلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و از تو در آن حال که بدان سرگرم بودم بیم کردم و با این حال دوباره به آن گناه بازگشتم. معبودا؛

أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که بر من نوشته و ثبت کرده‌ای به سبب کار خیری که انجام داده‌ام و برای تو بوده

فَخٰالَطَني فيهِ سِوٰاكَ، وَشٰارَكَ فِعْلي مٰا لاٰيَخْلُصُ لَكَ، أَوْ وَجَبَ

ولی دیگری در آن شریک گشته و سبب شده تا خلوص از آن گرفته شود، یا

عَلَيَّ مٰا أَرَدْتُ بِهِ سِوٰاكَ، وَكَثيرٌ مِنْ فِعْلي مٰا يَكونُ كَذٰلِكَ. أَللّٰهُمَّ

بر من مقرّر گشته به خاطر این‌که هدفم از آن کار، فرد دیگری جز تو بوده با این‌که بسیاری از کارهایم این‌گونه نبوده. خدایا؛

إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَرَّكَ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَهْدٍ عٰاهَدْتُكَ عَلَيْهِ

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که بر من چیره گشته، به خاطر عهدی که با تو بستم

أَوْ عَقْدٍ عَقَدْتُهُ لَكَ، أَوْ ذِمَّةٍ وٰاثَقْتُ بِهٰا مِنْ اَجْلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ،

یا پیمانی که برای تو بستم، یا ذمّه‌ای که به خاطر تو برای یکی از بندگانت توثیق نمودم،

ثُمَّ نَقَضْتُ ذٰلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ لَزِمَتْني فيهِ، بَلِ اسْتَنْزَلَني إِلَيْهِ

سپس بدون ضرورت و اجباری که پیدا کنم آن را شکستم، بلکه آنچه سبب پیمان‌شکنی من شد خودکامگی در

عَنِ الْوَفٰآءِ بِهِ الْأَشَرُ، وَمَنَعَني عَنْ رِعٰايَتِهِ الْبَطَرُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

نعمت بود و آنچه مانع رعایت آن بود سرمستی بود. خدایا؛ همانا من

أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهِبْتُ فيهِ مِنْ عِبٰادِكَ، وَخِفْتُ فيهِ غَيْرَكَ،

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از بندگانت واهمه کردم و از دیگران جز تو ترسیدم،

وَاسْتَحْيَيْتُ فيهِ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ اَفْضَيْتُ بِهِ فِعْلي إِلَيْكَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و از بندگانت شرم کردم، سپس این کار خود را به حساب تو گذاردم. خدایا؛

أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَقْدَمْتُ عَلَيْهِ وَأَنَا مُسْتَيْقِنٌ أَنَّكَ تُعٰاقِبُ عَلَى

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که بدان اقدام کردم در حالی‌که یقین داشتم که تو مرا در انجامِ آن عقاب

ارْتِكٰابِهِ فَارْتَكَبْتُهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فيهِ

خواهی کرد پس آن را انجام دادم. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که

شَهْوَتي عَلٰى طٰاعَتِكَ، وَاٰثَرْتُ مَحَبَّتي عَلٰى أَمْرِكْ، وَأَرْضَيْتُ

شهوت خود را به فرمانبرداری تو مقدّم داشتم، و دلخواه خود را بر فرمان تو ترجیح دادم، و

فيهِ نَفْسي بِسَخَطِكَ وَقَدْ نَهَيْتَني عَنْهُ بِنَهْيِكَ، وَتَقَدَّمْتَ إِلَيَّ فيهِ

نفس خود را با خشم تو خشنود ساختم، در صورتی که تو با منع کردنت مرا از آن بازداشتی، و

بِإِعْذٰارِكَ، وَاحْتَجَجْتَ عَلَيَّ فيهِ بِوَعيدِكَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ

راه عذرتراشی را بر من بستی، و با تهدید خود بر من اقامهٔ حجّت و دلیل کردی. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم

لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسي، أَوْ ذَهَلْتُهُ، أَوْ نَسيتُهُ، أَوْ تَعَمَّدْتُهُ،

برای هر گناهی از خود که دانسته انجام دادم یا از یاد برده یا فراموش کردم یا به عمد

أَوْ أَخْطَأْتُهُ، مِمّا لاٰ اَشُكُّ أَنَّكَ سٰآئِلي عَنْهُ، وَأَنَّ نَفْسي مُرْتَهَنَةٌ

یا به خطا انجام دادم، از آنچه تردید نداشتم که مرا به خاطر آن‌ها بازخواست می‌کنی، و جان من در گرو

بِهِ لَدَيْكَ، وَإِنْ كُنْتُ قَدْ نَسيتُهُ، أَوْ غَفَلَتْ نَفْسي عَنْهُ. أَللّٰهُمَّ

آن است، اگرچه فراموشش کردم، یا نفسم از آن غافل شد. خدایا؛

إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ واجَهْتُكَ بِهِ، وَقَدْ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ تَراني،

از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که رو در روی تو انجام دادم با این‌که یقین داشتم تو به خوبی مرا می‌بینی،

وَأَغْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مَنْهُ، أَوْ نَسيتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ، أَوْ

ولی غفلت کردم که از آن به درگاهت توبه کنم یا فراموش کردم توبه کنم یا

نَسيتُ أَنْ أَسْتَغْفِرَكَ لَهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ

فراموش کردم از تو آمرزش بخواهم. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که بدان دست زدم

فيهِ، وَأَحْسَنْتُ ظَنّي بِكَ أَنْ لاتُعَذِّبَني عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ تَكْفيني مِنْهُ.

و به تو خوش‌گمان بودم که مرا بدان عذاب نخواهی کرد و مرا از آن کفایت خواهی نمود.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَوْجَبْتُ بِهِ مِنْكَ رَدَّ الدُّعاءِ،

خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که برای انجامِ آن سزاوار بود که دعایم را بازگردانی،

وَحِرْمانَ الْإِجابَةِ، وَخَيْبَةَ الطَّمَعِ، وَانْفِساخَ الرَّجاءِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي

و از اجابت محروم کنی، و طمعم را قطع کرده نومیدم گردانی. خدایا؛

أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْحَسْرَةَ، وَيُورِثُ النَّدامَةَ، وَيَحْبِسُ

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی به بار آورد،

الرِّزْقَ، وَيَرُدُّ الدُّعاءَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ

و رزق و روزی را حبس کند و دعا را بازگرداند. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که

الْأَسْقامَ، وَيُعَقِّبُ الضَّناءَ، وَيُوجِبُ النِّقَمَ، وَيَكُونُ آخِرُهُ حَسْرَةً

بیماری‌ها به بار آورد، و ناخوشی‌های سخت در پی دارد، و عذاب و شکنجه را سبب گردد، و پایان آن نیز افسوس

وَنَدامَةً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحْتُهُ بِلِساني، أَوْ

و پشیمانی باشد. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که با زبانم آن را ستودم، یا

هَشَّتْ إِلَيْهِ نَفْسي أَوِ اكْتَسَبْتُهُ بِيَدي وَهُوَ عِنْدَكَ قَبيحٌ تُعاقِبُ

نفس من بدان آرامش گرفت یا به دست خود آن را کسب کردم، در صورتی که آن کار نزدِ تو زشت بود که

عَلىٰ مِثْلِهِ، وَتَمْقُتُ مَنْ عَمِلَهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ

به امثالِ آن عقوبت می‌کردی و از انجام آن خشم می‌کردی. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که

خَلَوْتُ بِهِ في لَيْلٍ أَوْ نَهارٍ، حَيْثُ لايَرانِي أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِلْتُ

در شب یا روز برای انجام آن به جای خلوتی رفتم که کسی از خلق تو مرا نبیند و به جای آن‌که

فيهِ مِنْ تَرْكِهِ بِخَوْفِكَ إِلَى ارْتِكابِهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، فَسَوَّلَتْ

از ترس تو آن را ترک کنم به علّت خوش‌گمانی به تو بدان میل کردم و

لِي نَفْسِيَ الْإِقْدامَ عَلَيْهِ فَواقَعْتُهُ، وَأَنَا عارِفٌ بِمَعْصِيَتِي لَكَ فيهِ.

نفس من نیز آن را برایم آراست تا اینکه بدان دست زدم و انجام دادم با این‌که به خوبی می‌دانستم که نافرمانی تو را انجام می‌دهم.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَقْلَلْتُهُ، أَوِ اسْتَصْغَرْتُهُ، أَوِ

خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که اندک به حساب آوردم یا کوچک شمردم، یا

اسْتَعْظَمْتُهُ وَتَوَرَّطْتُ فيهِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مالأْتُ

بزرگش دانستم و با این حال گرفتار آن شدم. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم از هر گناهی که همراه یکی از آفریدگانت به آن

فيهِ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ، أَوْ زَيَّنْتُهُ لِنَفْسي، أَوْ أَوْمَأْتُ بِهِ إِلىٰ

میل کردم یا آن را برای خود آراستم یا به دیگری اشاره

غَيْري، وَدَلَلْتُ عَلَيْهِ سِواي، أَوْ أَصْرَرْتُ عَلَيْهِ بِعَمْدي، أَوْ

کردم و دیگری را بدان راهنمایی کردم یا از روی عمد بدان اصرار ورزیدم، یا

أَقَمْتُ عَلَيْهِ بِحيلَتي. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَعَنْتُ

با نیرنگِ خود بدان اقدام کردم. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که

عَلَيْهِ بِحيلَتي بِشَيْءٍ مِمّا يُرادُ بِهِ وَجْهَكَ، أَوْ يُسْتَظْهَرُ بِمِثْلِهِ

با نیرنگ خود برای انجام آن از چیزی کمک گرفتم که برای نزدیکی و تقرّب تو به کار رود، یا از امثال آن

عَلىٰ طاعَتِكَ، أَوْ يَتَقَرَّبُ بِمِثْلِهِ إِلَيْكَ، وَوارَيْتُ عَنِ النّاسِ

در راه فرمانبرداری تو کمک گیرند، یا به مانند آن به درگاه تو تقرّب جویند، ولی من آن را برای مردم وارونه جلوه دادم

وَلَبَّسْتُ فيهِ، كَأَنّي أُريدُكَ بِحيلَتي، وَالْمُرادُ بِهِ مَعْصِيَتُكَ، وَأَطْوِيٰ

و برخلاف آنچه بود نشان دادم، چنانچه گویا با این نیرنگم تو را می‌خواهم در صورتی که هدف من نافرمانی تو بود، و

فيهِ مُتَصَرِّفٌ عَلىٰ غَيْرِ طاعَتِكَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ

من در آن، خودخواهی نموده و آن را به غیر طاعت تو انجام دادم. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که در پرونده‌ام

كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عُجْبٍ كٰان بِنَفْسي، أَوْ رِيٰآءٍ أَوْ سُمْعَةٍ أَوْ خُيَلآءَ

یادداشت کرده‌ای به خاطر خودبینی من یا ریاکاری یا شهرت‌طلبی یا خودپسندی

أَوْ فَرَحٍ أَوْ مَرَحٍ أَوْ أَشَرٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ حِقْدٍ أَوْ حَمِيَّةٍ أَوْ غَضَبٍ أَوْ

یا خوشحالی یا شادمانی یا خودکامگی یا سرمستی یا کینه‌جویی یا تعصّب یا خشم یا

رِضًى أَوْ شُحٍّ أَوْ بُخْلٍ أَوْ ظُلْمٍ أَوْ خِيٰانَةٍ أَوْ سِرْقَةٍ أَوْ كِذْبٍ أَوْ

خشنودی یا بُخل یا خِسّت یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یا

لَهْوٍ أَوْ لَعِبٍ، أَوْ نَوْعٍ مِنْ أَنْوٰاعِ مٰا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ

سرگرمی یا بازیگری یا نوعٍ دیگری از انواع کارها یا امثال آن‌ها که گناه‌زاست

وَيَكُونُ بِاجْتِرٰاحِهِ الْعَطَبُ. أَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ

و انجامِ آن‌ها نابودی به بار آرد. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که

في عِلْمِك أَنّي فٰاعِلُهُ فَدَخَلْتُ فيهِ بِشَهْوَتي، وَاجْتَرَحْتُهُ بِإِرٰادَتي،

در علم تو گذشته است که من آن را انجام می‌دهم پس آن را با خواستهٔ دل و ارادهٔ خود انجام دادم،

وَقٰارَفْتُهُ بِمَحَبَّتي وَلَذَّتي وَمَشِيَّتي، وَشِئْتُهُ إِذْ شِئْتَ أَنْ أَشٰآءَهُ،

و با علاقه و لذّت و خواستهٔ خود بدان دست زدم و خواستم هنگامی که تو خواستی که بخواهم

وَأَرَدْتُهُ إِذْ أَرَدْتَ أَنْ اُريدَهُ، فَعَمِلْتُهُ إِذْ كٰانَ في قَديمِ تَقْديرِكَ

و اراده کردم هنگامی که تو اراده فرمودی که آن را اراده نمایم پس آن را انجام دام، چون در تقدیر دیرینه‌ات

وَنٰافِذِ عِلْمِكَ أَنّي فٰاعِلُهُ، لَمْ تُدْخِلْني فيهِ جَبْراً، وَلَمْ تَحْمِلْني

و علم نافذت آمده بود که من آن را انجام می‌دهم و به اجبار مرا بدان وارد نکردی، و به صورت قهر و

عَلَيْهِ قَهْراً، وَلَمْ تَظْلِمْني فيهِ شَيْئاً، فَاَسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ

بدون اختیار بر من تحمیل ننمودی، و هیچ‌گونه ستمی در این باره بر من روا نداشتی، و اینک من به خاطر آن گناه از تو آمرزش می‌خواهم و همچنین

جَرىٰ بِهِ عِلْمُكَ عَلَيَّ وَفِيَّ إِلىٰ اٰخِرِ عُمْري. أَللّٰهُمَّ اِنّي أَسْتَغْفِرُكَ

برای هر گناهی که علم تو در مورد من بر آن جاری شده تا پایان عمر من. خدایا؛ از تو آمرزش می‌خواهم

لِكُلِّ ذَنْبٍ مٰالَ بِسَخَطي فيهِ عَنْ رِضٰاكَ، وَمٰالَتْ نَفْسي إِلىٰ

برای هر گناهی که خشم من سبب شد تا از خشنودی تو روی بگردانم در صورتی که نفس من متمایل

رِضٰاكَ فَسَخِطْتُهُ، أَوْ رَهِبْتُ فيهِ سِوٰاكَ، أَوْ عٰادَيْتُ فيهِ أَوْلِيٰآءَكَ،

به خشنودی تو بود ولی من خشم کردم، یا از دیگری جز تو هراس کردم، یا با اولیای تو دشمنی کردم،

أَوْ وٰالَيْتُ فيهِ أَعْدٰآءَكَ، أَوِ اخْتَرْتُهُمْ عَلٰى أَصْفِيٰآئِكَ، أَوْ خَذَلْتُ

یا با دشمنانت دوستی نمودم یا آنان را بر انسان‌های برگزیده‌ات پیش انداختم، یا

فيهِ أَحِبّٰآءَكَ، أَوْ قَصَّرْتُ فيهِ عَنْ رِضٰاكَ يٰا خَيْرَ الْغٰافِرينَ. أَللّٰهُمَّ

دوستانت را دربارهٔ آن گناه خوار کردم، یا از جلب خشنودی تو کوتاهی نمودم ای بهترین آمرزندگان. خدایا؛

إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فيهِ. وَأَسْتَغْفِرُكَ

از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که از آن گناه به درگاهت توبه کردم، امّا دوباره توبه شکستم، و از تو آمرزش می‌خواهم

لِمٰا أَعْطَيْتُكَ مِنْ نَفْسي ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ. وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلنِّعْمَةِ الَّتي

برای هر کاری که در انجام آن با تو عهد بستم و بدان وفا نکردم. و از تو آمرزش می‌خواهم برای نعمتی که

أَنْعَمْتَ بِهٰا عَلَيَّ فَقَوِيتُ بِهٰا عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ. وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ

به من دادی ولی من با آن نعمت به نافرمانی نیرو گرفتم. و از تو آمرزش می‌خواهم برای هر کار نیکی که

أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخٰالَطَني مٰا لَيْسَ لَكَ. وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمٰا دَعٰاني

در آغاز رضای تو را در انجام آن در نظر داشتم، ولی آنچه برای تو نبود با آن آمیخته شد. و از تو آمرزش می‌خواهم برای آنچه

إِلَيْهِ الرُّخَصُ فيمَا اشْتَبَهَ عَلَيَّ مِمّٰا هُوَ عِنْدَكَ حَرٰامٌ. وَأَسْتَغْفِرُكَ

انجام آن به صورت اشتباه در نظرِ من آزاد بود در صورتی که در نزد تو حرام و غدقن بوده. و از تو آمرزش می‌خواهم

لِلذُّنُوبِ الَّتي لاٰيَعْلَمُهٰا غَيْرُكَ، وَلاٰيَطَّلِعُ عَلَيْهٰا سِوٰاكَ، وَلاٰتَحْتَمِلُهٰا

برای گناهانی که جز تو کسی از آن آگاهی و اطّلاعی ندارد، و

إِلّا حِلْمُكَ، وَلاٰيَسَعُهٰا إِلّا عَفْوُكَ. وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ

جز علم وبردباری‌ات چیزی دیگری تحمّل آن نتواند، و جز عفو وگذشتت چیزی آن را فرانگیرد. و از توآمرزش‌می‌خواهم و توبه‌می‌کنم

مَظٰالِمَ كَثيرَةٍ لِعِبٰادِكَ قِبَلي يٰا رَبِّ، فَلَمْ أَسْتَطِعْ رَدَّهٰا عَلَيْهِمْ

از حقوق بسیاری که از بندگانت بر عهدهٔ من مقرّر گشته پروردگارا؛ و من توان بازگرداندن آن‌ها

وَتَحْليلَهٰا مِنْهُمْ، أَوْ شَهِدُوا فَاسْتَحْيَيْتُ مِنِ اسْتِحْلاٰلِهِمْ وَالطَّلَبِ

و قدرت درخواستِ گذشت آنان را از این حقوق ندارم، یا اینکه حضور داشته‌اند ولی من از درخواستِ گذشت آنان

إِلَيْهِمْ وَإِعْلامِهِمْ ذٰلِكَ، وَأَنْتَ الْقادِرُ عَلٰى أَنْ تَسْتَوْهِبَنِي مِنْهُمْ،

و آگاه کردنشان از این حقوقی که به گردن من دارند شرم کرده‌ام، و تو این قدرت را داری که گذشت آنان را از من فراهم کنی،

وَتُرْضِيَهُمْ عَنّي كَيْفَ شِئْتَ وَبِمٰا شِئْتَ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰحِمينَ، وَاَحْكَمَ

و از من خشنودشان سازی به هر گونه و به هر چه که بخواهی، ای مهربان‌ترین مهربانان، و حاکم‌ترین

الْحٰاكِمينَ، وَخَيْرَ الْغٰافِرينَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفٰاري إِيّٰاكَ مَعَ الْإِصْرٰارِ

حاکمان، و بهترین آمرزندگان. خدایا؛ آمرزش‌خواهیِ من از درگاهت با اصرار و پافشاری‌ام

لُؤْمٌ، وَتَرْكِيَ الْإِسْتِغْفٰارَ مَعَ مَعْرِفَتي بِسَعَةِ جُودِكَ وَرَحْمَتِكَ

بر گناه از پستی و فرومایگی است، و آمرزش نخواستنم و ترک آن نیز با شناختی که از وسعت بخشندگی و مهر تو دارم

عَجْزٌ، فَكَمْ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ يٰا رَبِّ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ عَنّي، وَكَمْ اَتَبَغَّضُ

عجز و درماندگی است. ای پروردگارِ من؛ چه بسیار به من محبّت ورزیدی با این‌که تو از من بی‌نیاز بودی، و چه بسیار تو را به

إِلَيْكَ وَأَنَا الْفَقيرُ إِلَيْكَ وَإِلٰى رَحْمَتِكَ، فَيٰا مَنْ وَعَدَ فَوَفٰا، وَأَوْعَدَ

خشم آوردم با این‌که به تو و به رحمت و مهرت نیازمند بودم. پس ای خدایی که وعده کردی و به وعده‌ات وفا نمودی، و تهدید

فَعَفٰا، إِغْفِرْ لي خَطٰايٰايَ، وَاعْفُ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرّٰاحِمينَ.[1]

کردی، ولی از انجام آن درگذشتی، خطاهای مرا بیامرز و از من بگذر و به من رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی.

۶

نود و نُه اسم خداوند

احمد بن فهد حلّی رحمه‌الله در کتاب «عدّة الدّاعی» از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و آن حضرت از پدرش، از پدرانش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

إنّ لله تسعة وتسعين اسماً، من دعا بها استجيب له، ومن أحصاها دخل الجنّة.

---

۱. صحیفهٔ علویّه: ۵۳۹.

برای خداوند، نود و نُه اسم است؛ هر کس خدا را با آن‌ها بخواند دعایش مستجاب گردد، و هر کس آن‌ها را گرد آورد داخل بهشت شود:

اَللهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْأَوَّلُ الْاٰخِرُ السَّميعُ الْبَصيرُ الْقَديرُ الْقادِرُ الْعَلِيُّ الْأَعْلى الْباقي الْبَديعُ الْبارِئُ الْأَكْرَمُ الظّاهِرُ الْباطِنُ الْحَيُّ الْحَكيمُ الْعَليمُ الْحَليمُ الْحَفيظُ الْحَقُّ الْحَسيبُ الْحَميدُ الْحَفِيُّ الرَّبُّ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ الذّارِئُ الرّازِقُ الرَّقيبُ الرَّؤُوفُ الرّائي السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ السَّيِّدُ السُّبُّوحُ الشَّهيدُ الصّادِقُ الصّانِعُ الطّاهِرُ الْعَدْلُ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الْغَنِيُّ الْغِياثُ الْباسِطُ الْقاضِي الْمَجيدُ الْوَلِيُّ الْمَنّانُ الْمُحيطُ الْمُبينُ الْمُقيتُ الْمُصَوِّرُ الْكَريمُ الْكَبيرُ الْكافي كاشِفُ الضُّرِّ الْوِتْرُ النُّورُ الوَهّابُ النّاصِرُ الْواسِعُ الْوَدُودُ الْهادِي الْوَفِيُّ الْوَكيلُ الْوارِثُ الْبَرُّ الْباعِثُ التَّوّابُ الْجَليلُ الْجَوادُ الْخَبيرُ الْخالِقُ خَيْرُ النّاصِرينَ الدَّيّانُ الشَّكُورُ الْعَظيمُ اللَّطيفُ الشّافي.[1]

خداوند یگانه، یکتا، بی‌نیاز، اوّل بدون ابتدا، آخر بدون انتها، شنوا، بینا، قدرتمند، توانا، بلندمرتبه، برتر، جاوید، پدیدآورنده، آفریننده، گرامی، پیدا، پنهان، زنده، حکیم، دانا، بردبار، نگهدارنده، حق، حسابگر، ستوده، نوازشگر، پروردگار، بخشنده، مهربان، آفریدگار، روزی‌دهنده، مراقب، مهرورز، بیننده، سلامت‌بخش، ایمنی‌دهنده، نگهبان، شکست‌ناپذیر، باجبروت و قدرت، دارندهٔ کبریائی و بزرگی، سرور، منزّه، گواه، راستگو، سازنده، پاک، دادگر، بسیار عفو کننده، آمرزنده، توانگر، فریادرس، گسترانده، داور، باشکوه، سرپرست، نعمت‌دهنده، احاطه‌دارنده، آشکار، توانا به روزی‌دادن، صورت‌آفرین، بزرگوار، بزرگ، کفایت‌کننده، برطرف‌کنندهٔ سختی، یگانه، روشنی‌بخش، بسیار بخشنده، یاری‌دهنده، گسترش‌دهنده، دوست‌دارنده، هدایتگر، وفاکننده، پشتیبان، ارث‌برنده، نیکی‌کننده، برانگیزنده، توبه‌پذیر، باجلالت و شوکت، صاحب جود و بخشش، آگاه، به وجودآورنده، بهترین یاور، پاداش‌دهنده، قدردان، باعظمت، بسیار لطف‌کننده، شفادهنده.

۱. البلد الأمین: ۶۶۹.

۷

دعای مهمّ برای طلب خیر

سیّد بن طاووس رحمه‌الله از محمّد بن هارون تلعکبری نقل کرده است و او به سند خود از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام روایت نموده است که فرمود:

از پدرم موسی بن جعفر علیهما‌السلام شنیدم و آن حضرت از پدرش امام صادق علیه‌السلام شنیده‌اند که فرمود: هر کس این دعا را بخواند، جز آنچه دوست می‌دارد در سرانجام کارش نمی‌بیند، و دعا این است:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ خِيَرَتَكَ تُنيلُ الرَّغٰآئِبَ، وَتُجْزِلُ الْمَوٰاهِبَ، وَتُطَيِّبُ

خداوندا؛ بدون تردید اختیار تو خواسته‌ها را عطا می‌کند، و بخشش‌ها را فراوان، و کسب و کار را

الْمَكٰاسِبَ، وَتُغْنِمُ الْمَطٰالِبَ، وَتُهْدي إِلىٰ أَحْمَدِ الْعَوٰاقِبِ، وَتَقي

پاک و گوارا می‌نماید، مقصدها و مقصودها را بهره می‌دهد، و بسوی عاقبت و سرانجامی ستوده راهنمائی می‌کند، و

مِنْ مَحْذُورِ النَّوٰآئِبِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ فيمٰا عَقَدَ عَلَيْهِ رَأْيي،

از حوادث و بلاهای ناگوار حفظ می‌کند. خداوندا؛ همانا من خیر و خوبی می‌جویم از تو در آنچه رأی و نظر من بر آن منعقد گشته،

وَقٰادَني إِلَيْهِ هَوٰايَ، فَأَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ أَنْ تُسَهِّلَ لي مِنْ ذٰلِكَ مٰا

و خواهشم مرا بسوی آن می‌کشاند، پروردگارا؛ از تو می‌خواهم دشواری‌های آن را

تَعَسَّرَ، وَأَنْ تُعَجِّلَ مِنْ ذٰلِكَ مٰا تَيَسَّرَ، وَأَنْ تُعْطِيَني يٰا رَبِّ الظَّفَرَ

آسان گردانی، و نسبت به آنچه آسان و راحت است شتاب نمائی، و پیروزی و کامیابی به من عطا کنی ـ ای پروردگار من ـ

فيمٰا أَسْتَخيرُكَ فيهِ، وَعَوْناً بِالْإِنْعٰامِ فيمٰا دَعَوْتُكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ

در آنچه در مورد آن با تو استخاره کرده‌ام، و کمک کنی مرا به وسیلهٔ نعمت‌دادن در آنچه تو را خوانده‌ام، و

يٰا رَبِّ بُعْدَهُ قُرْباً، وَخَوْفَهُ أَمْناً، وَمَحْذُورَهُ سِلْماً، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ

دور آن را ای پروردگار من نزدیک، و بیم و هراس آن را ایمن گردانی، و آنچه دربارهٔ آن ترسیده می‌شود بی‌دغدغه قرار دهی، زیرا که تو می‌دانی

وَلٰا أَعْلَمُ، وَتَقْدِرُ وَلٰا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلّٰامُ الْـغُيُوبِ. أَللّٰـهُمَّ إِنْ

و من نمی‌دانم، و تو می‌توانی و من نمی‌توانم، و تو به پنهانی‌ها آگاهی. خداوندا؛ اگر

يَكُنْ هٰذَا الْأَمْرِ خَيْراً لي في عٰاجِلِ الدُّنْـيٰا وَ[اٰجِـلِ] الْاٰخِـرَةِ،

این کار برای من در این دنیای زودگذر و در آخرتی که در پیش دارم خیر است

فَسَهِّلْهُ لي وَيَسِّرْهُ عَلَيَّ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَاصْرِفْهُ عَنّي، وَأَقْـدِرْ

آن را برای من ممکن و آسان قرار بده، و اگر خیر من در آن نیست از من بازگردان، و

لي فيهِ الْخِيَرَةَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

در آن خیر مرا مقدّر فرما که تو بر هر چیز توانائی، ای مهربانترین مهربانان.

۸

دعای مهمّ برای رفع ترس و غم ...[2]

سیّد بن طاووس ﷺ در کتاب «جمال الأُسبوع» گوید: هر کس از ناحیهٔ سلطان یـا دشمن حسودی دچار اندوه و غم باشد، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد، شام روز جمعه ـ یعنی شب شنبه ـ دعا کند و در دعایش بگوید:

أَيْ رَبّٰاهُ أَيْ سَـيِّدٰاهُ، أَيْ سَـنَدٰاهُ أَيْ أَمَـلٰاهُ، أَيْ رَجٰـايٰاهُ أَيْ

ای پروردگار من؛ ای سرور من؛ ای پشتوانهٔ من؛ ای آرزوی من؛ ای امید من؛ ای

عِمٰادٰاهُ، أَيْ كَهْفٰاهُ أَيْ حِصْنٰاهُ، أَيْ حِرْزٰاهُ أَيْ فَخْرٰاهُ، بِكَ اٰمَنْتُ،

تکیه‌گاه من؛ ای پناه من؛ ای پناهگاه من؛ ای امان من؛ ای مایهٔ افتخار من؛ به تو ایمان آوردم،

وَلَكَ أَسْلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَلِبٰابِكَ قَرَعْتُ، وَبِفِنٰآئِكَ نَزَلْتُ،

و خود را تسلیم تو نمودم، و بر تو توکّل کردم، و درب خانه‌ات را کوبیدم، و به آستانه‌ات فرود آمدم،

---

۱. فتح الأبواب: ۲۰۴، مستدرك الوسائل: ۲۳۸/۶، بحار الأنوار: ۲۷۵/۹۱، الجُنّة الواقية والجَنّة الباقية (مخطوط): ۷۵.

۲. اصل این دعا از حضرت امام صادق ﷺ است و **حضرت امام رضا** ﷺ تتمّهٔ دعا را به آن افزودند.

وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِكَ اسْتَغَثْتُ، وَبِكَ أَعُـوذُ، وَبِكَ أَلُـوذُ،

و به ریسمان تو چنگ زدم، و به تو استغاثه نمودم، و به تو پناه می‌برم، و به تو پناهنده می‌شوم،

وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ وَأَعْتَصِمُ، وَبِكَ أَسْتَجيرُ في جَميعِ

و بر تو توکّل می‌کنم، و خود را به تو می‌سپارم، و به دامن تو چنگ می‌زنم، و به تو امان می‌طلبم در تمام

اُمُوري، وَأَنْتَ غِياثي وَعِـمادي، وَأَنْتَ عِـصْمَتي وَرَجـآئي،

کارهایم، و تو فریادرس من و تکیه‌گاه منی، و تو نگهدار من و امید منی،

وَأَنْتَ اللهُ رَبّي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ. سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوٓءً،

و تو خداوند پروردگار من هستی، خدائی جز تو نیست. پاک و منزّهی و به ستایش تو مشغولم، بد کرده‌ام

وَظَلَمْتُ نَفْسي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني،

و به خود ستم نموده‌ام، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، مرا بیامرز و بر من رحم کن

وَخُذْ بِيَدي، وَأَنْقِذْني وَوَفِّقْني، وَاكْفِني وَاكْلَأْني، وارْعَني في

و دستم را بگیر، و مرا نجات بده و توفیقم مرحمت کن، و مرا کفایت کن، و حفظم کن، و نگاهبان من باش در

لَيْلي وَنَهاري، وَإِمسآئي وَإِصْباحي، وَمُـقامي وَسَـفَري. يا

شب و روزم و شامگاهم و بامدادام و هنگام اقامتم و (وقتی) در سفرم. ای

أَجْوَدَ الْأَجْوَدينَ، وَيا أَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ، وَيا أَعْدَلَ الْـفاضِلينَ،

بخشنده‌ترین بخشندگان؛ و ای بزرگوارترین بزرگواران؛ و ای عادل‌ترین نیکی‌کنندگان؛

وَيا إِلٰهَ الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ، وَيا مالِكَ يَوْمِ الدّينِ، وَيا أَرْحَـمَ

و ای معبود پیشینیان و آیندگان؛ و ای اختیاردار روز جزا؛ و ای مهربانترین

الرّاحِمينَ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيّاً لايَمُوتُ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا

مهربانان؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ ای زنده‌ای که نمی‌میرد؛ ای زنده که خدائی جز تو

أَنْتَ، بِمُحَمَّدٍ يا اَللهُ، بِعَلِيٍّ يا اَللهُ، بِـفاطِمَةَ يـا اَللهُ، بِـالْحَسَنِ

نیست؛ قسم به (حضرت) محمّد ای خدا؛ قسم به (حضرت) علی ای خدا؛ قسم به (حضرت) فاطمه ای خدا؛ قسم به امام حسن

يا اَللهُ، بِالْحُسَيْنِ يا اَللهُ، بِعَلِيٍّ يا اَللهُ، بِمُحَمَّدٍ يا اَللهُ.

ای خدا؛ قسم به امام حسین ای خدا؛ قسم به امام سجّاد ای خدا؛ قسم به امام باقر ای خدا.

حسن بن محبوب گوید: **این دعا را به حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام عرضه داشتم، و ایشان مقداری به آن افزود که چنین است:**

بِجَعْفَرٍ يٰا اَللّٰهُ، بِمُوسىٰ يٰا اَللّٰهُ، بِعَلِيٍّ يٰا اَللّٰهُ، بِمُحَمَّدٍ يٰا اَللّٰهُ، بِعَلِيٍّ

قسم به امام صادق ای خدا؛ قسم به امام کاظم ای خدا؛ قسم به امام رضا ای خدا؛ قسم به امام جواد ای خدا؛ قسم به امام هادی

يٰا اَللّٰهُ، بِالْحَسَنِ يٰا اَللّٰهُ، بِحُجَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلٰادِكَ يٰا اَللّٰهُ،

ای خدا؛ قسم به امام عسکری ای خدا؛ قسم به حجّتت و جانشینت در شهرهایت ای خدا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَخُذْ بِنٰاصِيَةِ مَنْ أَخٰافُهُ ـ و او را به

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و زمام کسی را که از او می‌ترسم بگیر

اسم نام ببر ـ وَذَلِّلْ لِي صَعْبَهُ، وَسَهِّلْ لِي قِيٰادَهُ، وَرُدَّ عَنّي نٰافِرَةَ

و تند و سرکش بودنش را برایم رام گردان، و مهارکردنش را برایم آسان کن، و تنفّر قلبی او را از من

قَلْبِهِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ، وَاصْرِفْ عَنّي شَرَّهُ. فَإِنّي بِكَ اللّٰهُمَّ

برطرف کن، و خیر او را روزی من فرما، و شرّ و بدی او را از من بازگردان، که من خداوندا

أَعُوذُ وَأَلُوذُ، وَبِكَ أَثِقُ، وَعَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَأَتَوَكَّلُ، فَصَلِّ عَلىٰ

به تو پناه آورده و پناهنده گشته‌ام، و به تو اطمینان دارم، و بر تو تکیه نموده و توکّل کرده‌ام، پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاصْرِفْهُ عَنّي، فَإِنَّكَ غِيٰاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ،

محمّد و آل محمّد درود فرست، و او را از من بازگردان، که تو فریادرس دادخواهان،

وَجٰارُ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَلَجَأُ اللّٰاجِينَ، وَأَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ.[1]

و امان امان‌خواهان، و پناه پناهنده‌شدگان، و مهربانترین مهربانان هستی.

۱. جمال الأُسبوع: ۱۱۲، مصباح المتهجّد: ۴۲۳، الصحیفة الصادقیة: ۹۵۴.

بخش بیستم

هشت دعای متفرّقه

در این بخش، هشت دعای متفرّقه نقل می‌کنیم:

۱

دعا هنگام رؤیت هلال

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از دارم بن قبیصه روایت کرده است که گفت: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از پدرش، از پدرانش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل فرمود که:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام دیدن ماه نو آن را مخاطب قرار می‌داد و می‌فرمود:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدّآئِبُ السَّرِيعُ، اَلْمُتَصَرِّفُ فِي مَلَكُوتِ

ای آفریدهٔ فرمانبرِ پیوسته در حرکت سریع، (و ای) گردش‌کننده در ملکوت

الْجَبَرُوتِ بِالتَّقْدِيرِ، رَبّي وَرَبُّكَ اللهُ. أَللّٰهُمَّ أَهِّلَهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ

جبروت با اندازه‌گیری‌های معیّن، پروردگار من و پروردگار تو خدا است. خداوندا؛ آن را با امن

وَالْإِيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ وَالْإِحْسانِ، وَكَما بَلَّغْتَنا أَوَّلَهُ

و ایمان و سلامت و اسلام و احسان بر ما نو گردان، و همانگونه که ما را به ابتدای آن رساندی

فَبَلِّغْنا آخِرَهُ، وَاجْعَلْهُ شَهْراً مُبارَكاً، تَمْحُو فِيهِ السَّيِّئاتِ، وَتَثْبُتُ

به آخر آن برسان، و آن را ماه مبارکی برای ما قرار بده که گناهانمان را در آن ناپدید و

لَنٰا فيهِ الْحَسَنٰاتِ، وَتَرْفَعُ لَنٰا فيهِ الدَّرَجٰاتِ، يٰا عَظيمَ الْخَيْرٰاتِ.[1]

حسنات و کارهای نیکو را برای ما در آن ثبت فرمائی، و درجات ما را در آن بالا ببری، ای (صاحب) خوبی‌های فراوان.

۲

دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه

سُبْحٰانَ خٰالِقِ النُّورِ، سُبْحٰانَ خٰالِقِ الظُّلْمَةِ، سُبْحٰانَ خٰالِقِ الْمِيٰاهِ،

پاک و منزّه است آفرینندهٔ روشنائی، پاک و منزّه است آفرینندهٔ تاریکی، پاک و منزّه است آفرینندهٔ آب‌ها،

سُبْحٰانَ خٰالِقِ السَّمٰاوٰاتِ، سُبْحٰانَ خٰالِقِ الْأَرَضينَ، سُبْحٰانَ

پاک و منزّه است آفرینندهٔ آسمان‌ها، پاک و منزّه است آفرینندهٔ زمین‌ها، پاک و منزّه است

[خٰالِقِ] الرِّيٰاحِ وَالنَّبٰاتِ، سُبْحٰانَ خٰالِقِ الْحَيٰاةِ وَالْمَوْتِ، سُبْحٰانَ

آفرینندهٔ بادها و گیاهان، پاک و منزّه است آفرینندهٔ زندگی و مرگ، پاک و منزّه است

خٰالِقِ الثَّرىٰ وَالْفَلَوٰاتِ، سُبْحٰانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ.[2]

آفرینندهٔ خاک نمناک و بیابان‌های بی‌آب و علف، پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم.

محدّث قمی رحمه‌الله در «سفینة البحار» از «دعوات» مرحوم قطب راوندی، تسبیح‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام را این‌گونه نقل کرده است:

تسبیح رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روز اوّل ماه، تسبیح امیرالمؤمنین علیه‌السلام روز دوّم ماه، تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام روز سوّم ماه، و همچنین بقیّهٔ ائمّه علیهم‌السلام تا **حضرت امام رضا** علیه‌السلام.

تسبیح **حضرت امام رضا** علیه‌السلام **روز دهم و یازدهم هر ماه**، تسبیح امام جواد علیه‌السلام روز دوازدهم و سیزدهم هر ماه، و همچنین تا مولای ما صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه که تسبیح آن حضرت، از هیجدهم هر ماه است تا آخر آن ماه.[3]

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۷۰/۲، بحار الأنوار: ۳۴۳/۹۵.

۲. الدعوات: ۹۳، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

۳. سفینة البحار: مادّهٔ «سبّح».

۳

دعای عافیت

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرموده است:

امام سجّاد علیه‌السلام مردی را دید که اطراف کعبه طواف می‌کرد و می‌گفت:

«أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ».

خداوندا؛ من از تو درخواست صبر دارم.

حضرت بر شانه‌اش زد و فرمود: درخواست بلا می‌کنی؟ بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْعٰافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعٰافِيَةِ.[1]

خداوندا؛ به من عافیت بده و شُکر بر عافیت عنایت فرما.

۴

دعا هنگام خوردن غذا یا شیر

حضرت امام رضاعلیه‌السلام از حضرت علیّ بن الحسین علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه غذائی می‌خورد، می‌فرمود:

أَللّٰهُمَّ بٰارِكْ لَنٰا فيهِ، وَارْزُقْنٰا خَيْراً مِنْهُ.

خداوندا؛ به ما برکت بده در این غذا، و بهتر از آن را روزی ما گردان.

و هرگاه شیر می‌خورد و یا می‌آشامید، می‌فرمود:

---

۱. الدعوات: ۱۱۴، بحار الأنوار: ۲۸۵/۹۵.

أَللّٰهُمَّ بٰارِكْ لَنٰا فيهِ، وَارْزُقْنٰا فيهِ.[1]

خداوندا؛ به ما برکت بده در شیر، و (باز) روزی ما گردان.

۵

دعا هنگام شادمانی

شیخ طوسی رحمه‌الله به سند خود از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و آن حضرت از پدرش، از پدرانش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگاه امری برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش می‌آمد که آن حضرت را شادمان می‌ساخت، این دعا را می‌خواند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّٰالِحٰاتِ.[2]

سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که با نعمت او، کارهای شایسته کامل می‌گردد.

۶

دعا هنگام ناراحتی

و (نیز) هرگاه امری پیش می‌آمد که خوش‌آیند نبود، می‌گفت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ كُلِّ حٰالٍ.[3]

در هر حالی سپاس و ستایش سزاوار خداوند است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۳۸/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۳۲ با اختلاف.

۲ و ۳. جامع احادیث الشیعة: ۴۵۸/۱۹، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۸۸، مسند الرضا علیه‌السلام: ۱۷۵.

۷

دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام پس از ولایتعهدی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَعّالِ لِمٰا يَشٰآءُ لٰا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ، وَلٰا رٰآدَّ لِقَضٰآئِهِ،

ستایش مخصوص خداوندی است که آنچه را بخواهد انجام می‌دهد، کسی پیگیر حکم او نیست، و کسی دستور او را نمی‌تواند رد کند،

يَعْلَمُ خٰآئِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمٰا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ

نگاه‌های خائنانهٔ چشم‌ها را می‌داند و آنچه را که قلب‌ها پنهان می‌کنند آگاهی دارد، و درود خداوند بر

مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، وَعَلىٰ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.[1]

(حضرت) محمّد در دوران مردم اوّل و آخر، و بر آل پاک و طاهر او باد.

۸

زیارت قبر مؤمن

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

هر کس مؤمنی را که از دنیا رفته زیارت کند، مقابل قبله نشسته به گونه‌ای که قبر در پیش روی او باشد، دست راست خود را بر قبر نهاده و این دعا را بخواند:

أَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ، وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ، وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَاسْكُنْ

خداوندا؛ تنهایی او را با ارتباط (با دیگران) برطرف فرما، و وحشت او را به اُنس تبدیل کن، و بر غربت او رحم نما، و

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۴۴/۲، بحار الأنوار: ۱۴۱/۴۹ و ۱۵۲.

إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْنِي بِهٰا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوٰاكَ،

به سوی او رحمتی از رحمت خود برقرار فرما که با آن، از غیر تو بی‌نیاز گردد،

وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كٰانَ يَتَوَلّٰاهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرِينَ.[1]

و او را محشور کن با کسانی که دوست داشت که ائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام هستند.

۱. ذخیرة الآخرة: ۱۶۷.

بخش بیست و یکم

آثار و خواصّ هشت سوره از سوره‌های قرآن

در این بخش، آثار و خواصّ هشت سوره از سوره‌های قرآن را که در کلمات **حضرت امام رضا** علیه‌السلام آمده است، نقل می‌کنیم:

۱

اثر سورهٔ «حمد» برای رفع سردرد

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرموده است:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه مبتلا به سر درد یا غیر آن می‌شدند، دست‌های مبارک را می‌گشود و سورهٔ «**حمد**» را قرائت می‌کرد و آنگاه به صورت می‌مالید، آنچه از درد در وجود نازنین او بود بیرون می‌رفت.[۱]

---

۱. صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۷۷، مسند الرضا علیه‌السلام: ۶۷.

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

هرکس دچار بیماری شود باید در کنار او هفت مرتبه سورهٔ«**حمد**» خوانده شود، و اگر بهبود نیافت باید هفتاد مرتبه خوانده شود که در این صورت تسکین می‌یابد.[1]

تفسیر آیهٔ شریفهٔ «الحمد لله ربّ العالمین»

حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدرانش علیهم‌السلام روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

بسم الله یکی از آیات «فاتحة الکتاب» است، از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم می‌فرمود: خداوند متعال به من فرمود: ای محمّد؛ ما به تو «فاتحة الکتاب» و قرآن را بخشیدیم و بر من منّت گذاشت و او را در مقابل قرآن قرار داد و فرمود: ﴿**وَلَقَدْ اٰتَيْنٰاكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثٰانِي وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِيمِ**﴾[2]، و در میان سورهٔ قرآن تنها از آن نام برد.

خداوند متعال محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به بسم الله مخصوص گردانید و از پیغمبران خود کسی را در این باره با وی شریک قرار نداد، فقط به حضرت سلیمان علیه‌السلام عطا فرمود، و در داستان بلقیس در قرآن مجید فرمود: ﴿**اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰابٌ كَرِيمٌ * إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمٰانَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾[3].

اگر کسی آن را بخواند و معتقد به ولایت آل محمّد باشد و از اوامر آن‌ها اطاعت کند و به ظاهر و باطن آن آیهٔ شریفه عمل کند، خداوند به هر حرفی از آن یک حسنه به او می‌دهد که هر یک از آن‌ها از همهٔ خیرات دنیا و اموال آن بهتر است. هرکس گوش فرا دهد به کسی که بسم الله قرائت می‌کند، خداوند به همان اندازه که به قاری ثواب می‌دهد به گوش‌دهنده نیز عطا می‌کند.

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۴۲، مستدرك الوسائل: ۲۹۹/۴.

۲. سورهٔ حجر، آیهٔ ۸۷: «همانا ما هفت آیه با ثنا (در سورهٔ حمد) و این قرآن باعظمت را بر تو فرستادیم».

۳. سورهٔ نمل، آیهٔ ۲۹ و ۳۰: «نامهٔ بزرگی به سوی من افکنده شده * آن نامه از جانب سلیمان است و عنوانش به نام خداوند بخشندهٔ مهربان است».

اینک از این ثواب و خیر کثیر بهره گیرید و خود را از این نعمتی که به شما روی آورده محروم نکنید، و از این غنیمت هرچه می‌خواهید استفاده نمائید که بعد از این حسرت آن در دل شما خواهد ماند.[1]

شخصی نزد **حضرت امام رضا**علیه‌السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا؛ به من از تفسیر کلام خداوند عزّ وجل: ﴿**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ**﴾ خبر بده.

حضرت فرمود:

پدرم از جدّم، و او از امام سجّاد، و آن حضرت از پدرش علیهم‌السلام روایت کرده است که شخصی محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام شرفیاب شد و عرض کرد: به من از گفتار پروردگار متعال: ﴿**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ**﴾ خبر بده که تفسیر آن چیست؟

آن حضرت فرمود: مقصود از گفتن «الحمد لله» این است که به بندگانش بعضی از نعمت‌هایش را اجمالاً بشناساند؛ زیرا آن‌ها توانائی ندارند که همهٔ آن‌ها را به تفصیل بشناسند، چون نعمت‌های الهی بیشتر از آن است که شماره شود یا شناخته گردد. به آن‌ها فرمود: بگوئید: «**الحمد لله**»؛ «سپاس خداوند را بر نعمت‌هائی که به ما مرحمت فرموده است».

«**ربّ العالمین**»؛ و معنای آن، جمعیّت‌ها از هر نوع آفریده و مخلوق از جمادات و حیوانات است. امّا حیوانات؛ پس او آنان را با قدرت خویش دگرگون می‌کند با رزق و روزی خود به آن‌ها غذا می‌دهد و در حمایت خویش آن‌ها را نگهداری می‌کند و هر یک از آن‌ها را به مصلحتش تدبیر می‌کند.

امّا جمادات؛ پس او آن‌ها را با قدرت خویش نگه می‌دارد، پیوسته آن‌ها را حفظ می‌کند از اینکه گسسته گردد و گسستهٔ آن‌ها را نگه می‌دارد از اینکه پیوسته گردد، و آسمان را حفظ می‌کند از اینکه جز به اذن و فرمان او بر زمین افتد، و زمین را از اینکه جز به فرمان او فرو رود نگه می‌دارد، که او نسبت به بندگانش رئوف و مهربان است.

---

۱. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه‌السلام: ۵۷۶.

فرمود: «**ربّ العالمین**»؛ یعنی خدا مالک آن‌ها و آفریننده و روزی‌رسان ایشان است از آنجا که می‌دانند و از آنجا که نمی‌دانند، روزی تقسیم شده است و آن به فرزند آدم می‌رسد در هر مسیری که در دنیا سیر کند، تقوای شخص متّقی بر آن نمی‌افزاید و تبه‌کاری شخص تبه‌کار از آن نمی‌کاهد و بین ما و او پوششی است و آن، جویندهٔ شخص است؛ اگر یکی از شما از روزی خود بگریزد روزی‌اش او را طلب می‌کند؛ همان‌گونه که مرگ در طلب او است و او را می‌جوید.

پس خداوند بزرگ مرتبه فرمود: بگوئید: خدا را سپاس بر آنچه از نعمت به ما مرحمت فرمود و ما را به خیر و خوبی در کتاب‌های پیشینیان یاد کرد پیش از آنکه ما بوده باشیم.

و این ایجاب می‌کند که محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام و شیعیان ایشان او را شکر کنند زیرا که آنان را برتری داده است، و قصّه‌اش این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هنگامی که خداوند عزّ وجل حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام را به پیامبری برانگیخت و او را به عنوان همراز خویش برگزید و دریا را برایش شکافت و بنی اسرائیل را رهائی بخشید و به او تورات و الواح را مرحمت فرمود، خود را دید که موقعیّت و منزلتی نزد خداوند تبارک و تعالی دارد، عرض کرد: پروردگارا؛ مرا به کرامتی گرامی داشته‌ای که به کسی پیش از من چنین کرامتی نفرموده‌ای.

از طرف پروردگار به او خطاب شد: ای موسی؛ آیا نمی‌دانی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله نزد من برتر از تمام فرشتگان و همهٔ آفریدگانم می‌باشد؟

موسی عرض کرد: پروردگارا؛ اگر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله نزد تو گرامی‌تر از همهٔ آفریدگانت می‌باشد، آیا در خاندان پیامبران از خاندان من کسی گرامی‌تر هست؟

خداوند بزرگ‌مرتبه فرمود: آیا نمی‌دانی برتری آل محمّد علیهم‌السلام بر تمام اهل بیت پیامبران، مانند برتری محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله بر تمام رسولان است؟

موسی عرض کرد: پروردگارا؛ اگر آل محمّد علیهم‌السلام چنین مرتبه‌ای دارند آیا در میان امّت پیامبران از امّت من امّتی نزد تو برتر هست؟ ابرها بر امّت من سایه افکندند، بر آنان منّ و سلوی (یعنی گز انگبین و بلورچین) فرو فرستادی

و دریا را برای ایشان شکافتی!

خداوند بزرگ‌مرتبه فرمود: ای موسی؛ آیا نمی‌دانی فضیلت و برتری امّت محمّد بر همهٔ امّت‌ها مانند فضیلت و برتری او بر همهٔ آفریدگانم می‌باشد؟

در این هنگام موسی عرض کرد: پروردگارا؛ کاش من آن‌ها را می‌دیدم.

خداوند به او وحی فرمود: ای موسی؛ تو هرگز آنان را نمی‌بینی و اکنون دوران ظهور ایشان نیست، ولی به زودی در بهشت آنان را خواهی دید. در بهشت عدن و فردوس در حضور محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله در نعمت‌های بهشتی غوطه‌ورند و در خیر و خوبی‌های آن شادمانند، آیا دوست داری کلام آنان را به گوش تو برسانم؟

عرض کرد: بلی؛ ای خدای من.

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: در پیشگاه من بایست و دامن به کمر ببند مانند ایستادن بنده‌ای ذلیل در پیشگاه پادشاهی باجلالت و شکوه.

حضرت موسی به دستور پروردگار عمل کرد و آنگاه خداوند امّت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را ندا داد و آن‌ها همگی در حالی که در صلب پدران و رحم مادران بودند در جواب گفتند:

لبّيك اللّهمّ لبّيك، لبّيك لا شريك لك لبّيك، إنّ الحمد والنّعمة والملك لك لا شريك لك.

خداوندا؛ لبّیک، شریکی برای تو نیست لبّیک، بی‌گمان سپاس و ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است و شریکی نداری.

و خداوند این اجابت را شعار حجّ و حاجی‌ها قرار داد. سپس پروردگار عزیز ما ندا داد: ای امّت محمّد؛ خواست من نسبت به شما چنین است که رحمتم بر غضبم پیشی گرفته، و عفو و گذشتم پیش از عقوبتم و کیفرم است، شما را پیش از آنکه مرا بخوانید اجابت کردم، و پیش از آنکه از من درخواست کنید عطا نمودم، هر کدام از شما مرا دیدار کند و گواهی دهد به اینکه معبودی جز خداوند یکتا نیست و او شریک ندارد، و این‌که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله بنده و فرستادهٔ او است، و در گفتارش صادق و در کردارش موافق با حق است، و این‌که علیّ بن ابی

طالب علیه‌السلام برادر او و جانشین بعد از او و عهده‌دار امور او است، و اطاعت او را بر خود لازم بداند؛ همانطور که ملتزم به اطاعت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد و این‌که اولیای پاک و پاکیزه ـ که به شگفتی‌های آیات خداوند و دلائل حجّت‌های او بعد از آن دو بزرگوار خبر می‌دهند ـ اولیای او هستند، چنین کسی را داخل بهشت می‌نمایم گر چه گناهانش مانند کف دریا باشد.

امام علیه‌السلام فرمود:

هنگامی که خداوند پیامبر ما حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به پیامبری برانگیخت به او فرمود: ای محمّد؛ ﴿**وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا**﴾[1]؛ «و تو در کنار طور نبودی آنگاه ندا دادیم» امّت تو را به این کرامت.

سپس خداوند عزّ وجلّ به محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بگو: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلتی که مرا به آن اختصاص داد.

و به امّت او فرمود: شما نیز بگوئید: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلت‌ها که ما را به آن‌ها اختصاص داد».[2]

فضیلت سورهٔ «انعام»

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

سورهٔ «اَنعام» به یک مرتبه نازل شده و هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کرده‌اند در حالی‌که صدایشان به تسبیح و تهلیل و تکبیر بلند بود، **هر کس این سوره را بخواند، برای او تا روز قیامت تسبیح می‌گویند.**[3]

---

۱. سورهٔ قصص، آیهٔ ۴۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۲۰/۱.

۳. تفسیر القمی: ۱۸۰، بحار الأنوار: ۲۷۴/۹۲ و المستدرك: ۲۹۶/۴.

۳

ثواب خواندن سورهٔ «یٰسٓ»

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

کسی که سورهٔ «یٰسٓ» را پیش از آنکه بخوابد یا در میان روز بخواند، از محافظت‌شدگان و روزی داده‌شدگان باشد تا شب کند یا صبح نماید.

وکسی که آن را در هر شب بخواند خداوند دو هزار فرشته را بر او موکّل نماید تا او را از شرّ هر شیطان رانده‌شده و از هر آسیبی حفظ کنند.

و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد، خداوند او را وارد بهشت فرماید، و سی هزار فرشته در هنگام غسل او حضور پیدا کنند و همهٔ آنان برای او طلب آمرزش کنند و در تشییع جنازه‌اش تا کنار قبرش شرکت نمایند.[1]

۴

ثواب خواندن سورهٔ «زُمَر»

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

کسی که سورهٔ «زُمَر» را بخواند، خداوند به او شرف و سربلندی دنیا و آخرت عطا کند و او را بدون مال و قبیله عزیز گرداند.[2]

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۴۲.

۲. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۴۳.

۵

ثواب سورهٔ «قدر»

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود:

هرکس آن را (سورهٔ قدر) هنگامی که می‌خوابد و بیدار می‌شود بخواند، ثواب و پاداش آن، لوح محفوظ را پر می‌کند.

و از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

هرکس در یک شب آن را (سورهٔ قدر) صد مرتبه بخواند، پیش از آنکه صبح گردد بهشت را ببیند.

مرحوم کفعمی نقل کرده است که ثواب قرائت سورهٔ «قدر» قابل شمارش نیست.[۱]

اثر سورهٔ «قدر»
برای رفع وحشت در روز قیامت

راوندی رحمه‌الله از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

هرکس کنار قبر برادرش رود و دست خود را بر آن نهد و هفت مرتبه سورهٔ ﴿**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**﴾ را بخواند، از وحشت و پریشانی بزرگ قیامت ایمن گردد.[۲]

---

۱. البلد الأمین: ۵۸.

۲. الدعوات: ۲۷۱، بحار الأنوار: ۲۹۵/۱۰۲.

۶

ثواب خواندن سورهٔ «اِذا زُلْزِلَت»

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

کسی که سورهٔ ﴿**إِذٰا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ**﴾ را در نمازهای مستحبّ خود بخواند، هرگز دچار زلزله نشود و با زلزله، صاعقه، آفت و آسیبی از آفت‌های دنیا نمیرد.[۱]

ثوابِ دیگر برای سورهٔ «إذا زُلْزِلَت»

حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

هر کس سورهٔ ﴿**إذا زُلْزِلَت**﴾ را چهار مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده است.[۲]

۷

ثواب خواندن سورهٔ «نصر»

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل شده است:

کسی که سورهٔ ﴿**إِذٰا جٰآءَ نَصْرُ اللهِ**﴾ را در نماز مستحبّ یا واجب خود بخواند، خداوند او را بر تمام دشمنانش یاری دهد و مهمّ او را کفایت فرماید.[۳]

---

۱. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۴۴.

۲. بحار الأنوار: ۳۳۳/۹۲، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۳۶/۲، صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام: ۲۲۸.

۳. فقه الرّضا علیه‌السلام: ۳۴۴.

۸

فضیلت سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد﴾

شیخ صدوق رحمه‌الله به سند خود از عبدالعزیز روایت کرده است که گفت: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد توحید سؤال کردم، فرمود:

هرکس ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ را بخواند و به آن ایمان آورد، توحید را شناخته است.

عرض کردم: چگونه آن را بخواند؟ فرمود:

همان‌گونه که مردم می‌خوانند.

و در آخر آن افزود: «**كَذٰلِكَ اللهُ رَبّي**»؛ «این چنین است پروردگار من»، و آن را سه مرتبه تکرار فرمود.[1]

ثواب خواندن سورهٔ «توحید» در قبرستان

و نیز **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده‌اند که فرمود:

کسی که از گورستانی عبور کند و یازده مرتبه سورهٔ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ را بخواند، و ثواب آن را به مردگان هدیه کند، به عدد اموات (آن قبرستان) به او اجر و پاداش داده می‌شود.[2]

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۰۹/۱.

۲. مسند الرضا علیه‌السلام: ۶۴.

بخش بیست و دوّم

هشت دستور دربارهٔ بعضی از آیات و سوره‌ها

در این بخش، هشت دستور را که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ بعضی از آیه‌ها و سوره‌ها بیان کرده‌اند، نقل می‌کنیم:

۱

ثواب «آیة الکرسی»

حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و آن حضرت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است که فرمود:

من قرأ آیة الکرسي مائة مرّة، کان کمن عبد الله طول حیاته.[1]

هر کس «آیة الکرسی» را صد مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام عمرش را به بندگی خدا و پرستش او سپری کرده است.

---

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۶۵/۲.

۲

خواندن آیهٔ شریفهٔ ﴿إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ...﴾ برای حفظ خانه از خرابی

سیّد بن طاووس رحمه‌الله به سند خود از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و ایشان از پدر بزرگوارش روایت کرده‌اند که فرمود:

هرگز کسی این آیهٔ شریفه را هنگام خواب نخوانده است که سقف خانه بر سر او خراب شده باشد.

یعنی هر کس آیهٔ مذکور را هنگام خوابیدن بخواند، حتماً دچار خراب‌شدن خانه نخواهد شد:

﴿إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولٰا وَلَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَكَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كٰانَ حَلِيماً غَفُوراً﴾[1].[2]

به راستی خداوند آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از جایشان منحرف نشوند و اگر از مدارشان خارج شوند هیچ‌کس جز خداوند نمی‌تواند آن‌ها را بعد از خروج از مدارشان نگه دارد، به راستی که خداوند دارای حلم و بخشنده است.

۳

سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی‌ایمان

سلیمان جعفری از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و آن حضرت از پدرش علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

---

۱. سورهٔ فاطر، آیهٔ ۴۱.

۲. فلاح السائل: ۲۸۱، وسائل الشیعة: ۱۰۲۸/۴.

هشام بن سائب خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید، امام علیه‌السلام به او فرمود: تو مفسّر قرآنی و قرآن را تفسیر می‌کنی؟

هشام گوید: عرض کردم: آری.

امام علیه‌السلام فرمود: به من از این فرمایش خداوند عزّ وجلّ خبر بده که به پیامبرش فرمود:

﴿وَإِذٰا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنٰا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّـذِينَ لاٰيُـؤْمِنُونَ بِـالْاٰخِرَةِ حِـجٰاباً مَسْتُوراً﴾[1].

هنگامی که قرآن می‌خوانی میان تو و آنانکه به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم.

مقصود از این قرآنی که هر گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را بخواند از بی‌ایمانان محجوب و پنهان می‌ماند چیست؟

عرض کردم: نمی‌دانم.

امام علیه‌السلام فرمود: پس چگونه گفتی که قرآن تفسیر می‌کنی؟

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ اگر ممکن است لطف کن و آن را به من بیاموز.

امام علیه‌السلام فرمود: آیه‌ای در سورهٔ «کهف» و آیه‌ای در سورهٔ «نحل» و آیه‌ای در سورهٔ «جاثیه» است که (در سورهٔ جاثیه این است):

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوٰاهُ وَأَضَلَّهُ اللهُ عَلىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلىٰ بَصَرِهِ غِشٰاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللهِ أَفَلاٰ تَذَكَّرُونَ﴾[2].

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود گرفت و خدا او را با علم و آگاهی گمراه گردانید و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیده‌اش پرده‌ای افکند، چه کسی پس از خدا او را هدایت می‌کند، آیا به خود نمی‌آئید و پند نمی‌گیرید؟

و در سورهٔ «نحل» این آیه است:

---

۱. سورهٔ إسراء، آیهٔ ۴۵.

۲. سورهٔ جاثیة، آیهٔ ۲۳.

﴿أُولٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللهُ عَلىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصٰارِهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْغٰافِلُونَ﴾[1].

آنان کسانی هستند که خداوند بر دل‌ها و گوش‌ها و دیدگان‌شان مهر نهاده، و آنان بی‌خبرانند.

و در سورهٔ «کهف» این آیه است:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهٰا وَنَسِيَ مٰا قَدَّمَتْ يَدٰاهُ إِنّٰا جَعَلْنٰا عَلىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي اٰذٰانِهِمْ وَقْراً وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً﴾[2].

کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش یادآوری شده و از آن روی گردانده، و آنچه پیش فرستاده از یاد برده؟ ما بر دل‌های آنان پوشش‌هائی نهاده‌ایم که آن را درنمی‌یابند و در گوش‌های ایشان ثقل و سنگینی است، و اگر آنان را به سوی هدایت بخوانی هرگز راه هدایت را نمی‌پویند.[3]

۴

ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح

معمّر بن خلّاد گوید: از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

سزاوار است انسان بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه از قرآن قرائت کند.[4]

---

۱. سورهٔ نحل، آیهٔ ۱۰۸.

۲. سورهٔ کهف، آیهٔ ۵۷.

۳. عدّة الداعي: ۳۳۸.

۴. جامع أحاديث الشيعة: ۱۲۶/۶، وسائل الشيعة: ۸۴۹/۴.

۵

خواندن صد آیه برای رفع ترس

طبرسی به سند خود از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

هرگاه از چیزی ترسیدی، صد آیه از قرآن مجید را از هر جا که خواستی قرائت کن، و سپس سه مرتبه بگو:

أَللّٰهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَآءَ.[1]

خداوندا؛ (این) بلا را از من برطرف کن.

۶

اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو

یاسرِ خادم گوید: امام هادی، از پدرش، از جدّش **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت کرده است که آن حضرت لباس را از طرف راست خود می‌پوشید، روزی لباس جدیدی را می‌خواست بپوشد ظرف آبی طلب کرد و بر آن، ده مرتبه ﴿**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**﴾، ده مرتبه ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد**﴾ و ده مرتبه ﴿**قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُون**﴾ قرائت نمود، سپس از آن آب بر لباس پاشید و پس از آن فرمود:

هرکس پیش از آنکه لباس خود را بپوشد با آن چنین کند، تا مادامی که از آن رشته‌ای باقی مانده در زندگی مرفّه و راحتی بسر خواهد برد.[2]

---

۱. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه‌السلام: ۴۹۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۴۵/۱.

۷

خواندن چهار سوره
برای رفع چشم‌خوردگی

محمّد بن عیسی گوید: شخصی از آن حضرت در مورد تأثیر چشم سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

واقعیّت دارد؛ اگر گرفتار چشم‌کسی شدی، دو کف دست را بالا ببر تا در برابر صورت قرار گیرد، آنگاه سورهٔ «**حمد**»، ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أحدٌ**﴾، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ را بخوان، و بعد از آن، دو کف دست را به پیشانی‌ات بمال که به اذن پروردگار نافع و سودمند است.[1]

۸

پنج سوره
برای رفع سردرد و دردهای دیگر

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر گاه یکی از شما دچار سردرد یا درد دیگری شد، دو دست خود را بگشاید، سورهٔ «**حمد**»، ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾، ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ را بخواند، و پس از آن، دو دست خود را به صورت بمالد، آن درد از او برطرف خواهد شد.[2]

---

۱. مکارم الأخلاق: ۲۸۶/۲، بحار الأنوار: ۱۲۹/۹۵.

۲. مکارم الأخلاق: ۱۸۷/۲، مسند الرضا علیه السلام: ۶۷ (با اختلاف).

بخش بیست و سوّم

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

در این بخش، هشت ثواب برای بعضی از اذکار را **از حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل می‌کنیم:

۱

ثواب «صلوات»

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

من لم یقدر علی ما یکفّر به من ذنوبه، فلیکثر من الصلاة علی محمّد وآله؛ فإنّها تهدم الذنوب هدماً.

هر کس توانایی ندارد بر انجام کاری که باعث آمرزش گناهانش گردد، باید زیاد بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد؛ زیرا صلوات، گناهان را به کلّی از بین می‌برد.

نقل این روایت در اینجا مناسب است: حسن بن عبدالله تمیمی گوید: سرورم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برایم روایت کرد از پدرش موسی بن جعفر علیهما‌السلام، و آن حضرت از پدرش جعفر بن محمّد علیهما‌السلام، و آن حضرت از پدرش محمّد بن علی علیهما‌السلام، و آن

حضرت از پدرش علیّ بن الحسین علیهما السلام و آن حضرت از پدرش حسین بن علی علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش علیّ بن ابی طالب علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

من کان آخر کلامه الصلوة علیّ وعلی علیّ دخل الجنّة.[1]

هر کس پایان گفتارش (در دنیا) صلوات بر من و علی (علیهما السلام) باشد، داخل بهشت گردد.

۲

ثواب دیگر برای «صلوات»

و نیز **حضرت امام رضا** علیه السلام فرمود:

الصلاة علی محمّد وآله، تعدل عند الله عزّ وجلّ **التسبیح والتهلیل والتکبیر.**

صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد نزد خداوند، برابری می‌کند با تسبیح و تهلیل و تکبیر، (یعنی کسی که صلوات می‌فرستد، ثواب او مانند کسی است که «**سُبْحٰانَ الله**»، «**لٰا إِلٰه إِلَّا الله**» و «**اَللّٰهُ اَکْبَر**» می‌گوید.)[2]

۳

ثواب «لا إله إلاّ الله»

ابونصر گوید: پدرم حسین بن احمد گفت: از جدّم شنیدم و او از پدرش که گفت: هنگامی که **حضرت امام رضا** علیه السلام در ایّام مأمون به نیشابور قدم نهادند، افتخار خدمتگزاری ایشان را داشتم و تا زمانی که در آن شهر اقامت داشتند کارهای ایشان را

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۵۶۸/۱۹.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۲۹/۱، روضة الواعظین: ۳۲۲، وسائل الشیعة: ۱۲۱۲/۴، جامع الأحادیث الشیعة: ۵۳۸/۱۹.

انجام می‌دادم و چون به طرف مرو روانه شدند تا سرخس ایشان را بـدرقه نـمودم و خواستم تا مرو آن حضرت را همراهی کنم، مقداری که از سرخس گذشتیم سر مبارک خود را از کجاوه بیرون آورد و فرمود:

بازگرد، إن شاء الله موفّق باشی، بـه آنـچه واجب بـود عـمل کـردی و تـا حـدّ مشایعت انجام وظیفه نمودی، بس است.

عرض کردم: تو را به حقّ محمّد مصطفی و عـلیّ مـرتضی و حـضرت زهـرا علیهم‌السلام حدیثی برایم بگو و مرا بهره‌مند گردان تا بازگردم.

فرمود:

از من حدیث می‌خواهی در حالی‌که خود از جوار جدّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بیرون شده‌ام و معلوم نیست سرانجام کارم به کجا می‌کشد.

دوباره عرض کردم: به حقّ محمّد مصطفی و علیّ مرتضی و حـضرت زهـرا علیهم‌السلام حدیثی برایم بگو تا به آن، قلب مرا شفا بخشی، و آنگاه بازگردم.

فرمود:

پدرم از جدّم، از پدرش امام باقر، و آن حضرت از پدرش امـام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم‌السلام شنید که فرمود: از پدرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام شنیدم کـه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خداوند بلندمرتبه فرموده است:

«لا إله إلاّ الله» حصني، من قالها مخلصاً من قلبه دخل حصني، ومن دخل حصني أمِنَ من عذابي.

کلمهٔ توحید یعنی «لا إله إلاّ الله» حصار من است، هر کس آن را بـا اخـلاص قـلبی بگوید در حصار من داخل گردد، و هر کس در حصار من باشد از عذاب من ایمن است.[1]

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۴۸۰/۱۹، مستدرك الوسائل: ۳۶۱/۵.

۴

ثواب دیگر برای «لا إله إلاّ الله»

حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدرانش علیهم‌السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

إنّ «لا إله إلاّ الله» کلمة عظیمة کریمة علی الله عزّ وجلّ، من قالها مخلصاً استوجب الجنّة، ومن قالها کاذباً عصمت ماله ودمه وکان مصیره إلی النّار.[1]

بدون تردید «لا إله إلاّ الله» کلمهٔ باعظمتی است که نزد خداوند عزیز گرامی و ارجمند می‌باشد، هر کس آن را از روی اخلاص بگوید بهشت بر او واجب گردد، و هر کس آن را به دروغ گوید جان و مالش محفوظ ماند و مسیر او به سوی دوزخ است.

۵

ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه‌السلام

در کتاب «المزار» آمده است: **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرموده است:

کسی که تسبیحی از تربت (یعنی خاک کربلای امام حسین علیه‌السلام) داشته باشد، آن را بچرخاند و بگوید:

سُبْحٰانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ وَاللهُ أَکْبَرُ.

پاک و منزّه است خداوند و سپاس و ستایش از آن او است، و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر از هر گونه توصیف است.

با هر دانه‌ای که می‌چرخاند خداوند شش هزار حسنه و ثواب برایش بنویسد و

---

۱. جامع أحادیث الشیعة: ۴۸۲/۱۹، وسائل الشیعة: ۱۲۲۶/۴.

شش هزار گناه او را از بین ببرد، و شش هزار درجهٔ او را بالا ببرد، و برای او شفاعت را مانند آن ثابت گرداند.[1]

۶

ثواب پنج ذکر و...

حسین بن خالد گوید: به **حضرت امام رضا**علیه‌السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ چگونه مهریّهٔ زنان پانصد درهم معادل دوازده و نیم اوقیه[2] گردیده است؟

حضرت فرمود:

خداوند عزّ وجلّ بر خود واجب فرموده است که هر مؤمنی صد مرتبه «**اَللّٰهُ اَکْبَرُ**»، صد مرتبه «**سُبْحٰانَ اللّٰهِ**»، صد مرتبه «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**»، صد مرتبه «**لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ**» و صد مرتبه «**صلوات بر محمّد و آل محمّد**» فرستد و بگوید:

أَللّٰهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.

خداوندا؛ از حوریّه‌های بهشتی به ازدواج من درآور.

خداوند حوریّه‌ای از حوریّه‌های بهشتی به همسری او درآورد، از این جهت مهریّهٔ زنان پانصد درهم گردیده است.

و هر مؤمنی که از برادر دینی خود دخترش را خواستگاری کند و پانصد درهم به عنوان مهریّه قرار دهد ولی او به این ازدواج رضایت ندهد، به راستی به او جفا نموده و از خود رنجانیده است و سزاوار آن گردیده که خداوند از حوریّه‌های بهشتی به همسری او درنیاورد.[3]

---

۱. مستدرک الوسائل: ۳۴۴/۱۰، بحار الأنوار: ۱۳۳/۱۰۱ ح ۶۵.

۲. اوقیه: معیاری است برای وزن؛ پیش از این، برابر چهل درهم بود، بعداً برابر شصت درهم شد و در اصطلاح زرگران برابر دوازده درهم است.

۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۸۳/۲ ح ۲۶.

۷

اثر گفتن «یٰا عَلِيُّ یٰا عَظِیم»

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند:

خداوند تبارک و تعالی برای خود نام‌هایی را اختیار فرموده که با آن‌ها خوانده می‌شود، و اوّل نامی را که اختیار نموده «**العليّ العظيم**»؛ «بلندمرتبهٔ بزرگ» است؛ زیرا که او از هر چیز برتر و بزرگتر است.[۱]

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است:

هر فرد مؤمن اگر با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای این دو اسم مبارک: «**یٰا عَلِيُّ یٰا عَظِیمُ**» مداومت کند، دارای قدر و منزلت گردد.[۲]

۸

اثر «یٰا مُمیت» برای نجات از نفس امّاره

در کتاب «خواصّ آیات قرآن کریم» از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام نقل کرده است که فرمودند:

کسی که دارای نفس امّاره است باید هنگام خواب، دست خود را بر سینه نهد و با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای ذکر، صد مرتبه بگوید: «**یٰا مُمیتُ**» تا به خواب رود، خداوند نفس امّارهٔ او را مطیع او می‌کند.[۳]

---

۱. المصباح: ۴۱۸.

۲. خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۹.

۳. خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۵.

بخش بیست و چهارم

هشت ذکر مهمّ دیگر از حضرت امام رضا علیه‌السلام

در این بخش، هشت ذکر از اذکار مهمّ که **از حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده، نقل می‌کنیم:

۱

«یٰا حیُّ یا قیُّوم»

حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

> هر شخص مؤمن این دو اسم را ورد خود سازد، عمرش دراز شود و در دل‌ها تصرّف کند و محبوب خلایق گردد.[۱]

«یٰا حیُّ یٰا قَیّوم» دو اسم از اسماء جلالهٔ الهی است که چون باهم گفته می‌شوند یک ذکر حساب می‌شود.

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۸.

۲

«یٰا مَلِك»

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن این اسم را نوزده مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بخواند، از خلق بی‌نیاز گردد و در دنیا و آخرت مرفّه الحال شود.[۱]

۳

«یٰا حَفیظ»

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن اسم «**حَفیظ**» را در روز جمعه بعد از نماز نهصد و نود و هشت مرتبه، با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بخواند، و با خطّ ریز بنویسد و آن را تعویذ ساخته بر بازو بندد، از وسوسهٔ شیطان، شرّ سلطان، خیالات فاسده و باطله و ضرر درّندگان و حیوانات موذی در امان بماند.[۲]

۴

«یٰا بٰاسط»

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در وقت سحر با طهارت دست به سوی آسمان بردارد و ده

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۶۹.

۲. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۱.

مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بگوید: «یٰا بٰاسِط» و به روی خود بمالد، هرگز محتاج نگردد و از غم فقر و نیازمندی رهایی یابد و از جایی که گمان نداشته باشد نعمت به او رسد و روزی او فراوان شود.[1]

۵

«یٰا فَتّاح»

حضرت امام رضاعلیه‌السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در روز جمعه بعد از نماز صبح، هفتاد مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن، دست بر سینه گذارد و بگوید: «یٰا فَتّاح»، غفلت از دل او خارج شود و خداوند متعال درِ دلِ او را به سوی عالم نور و معنٰی می‌گشاید.[2]

۶

«یٰا وَدُود»

از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده که فرمودند:

اگر کسی به جهت اُلفت و مهربانی میان زن و شوهر، هزار و یک مرتبه این اسم را بر مویز یا خوراکی دیگر با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بخواند و مرد و زن هر دو از آن بخورند، میان ایشان اُنس و محبّت شدید پیدا می‌شود.[3]

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۳.

۲. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۷.

۳. خواصّ آیات قرآن کریم: ۷۷.

۷

«یٰا قُدُّوس»

از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن اوّل ظهر این اسم را صد و هفتاد مرتبه با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بگوید، دل او نورانی شود و از وسوسهٔ شیطان در امان باشد.[۱]

۸

«یٰا سَلٰام»

از **حضرت امام رضا**علیه‌السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن صد و سی و یک مرتبه اسم **«سَلٰام»** را با نیّت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بر بیمار بخواند، آن مرض برطرف شود.

و نیز آن حضرت فرمودند:

اگر شخص مؤمن این اسم را بر نقره نقش کند و همیشه همراه خود نماید به شرطی که با طهارت باشد، از شرّ شیطان حفظ گردد و بر دشمنان غلبه یابد و با ایمان سالم از دنیا برود.[۲]

---

۱. خواصّ آیات قرآن کریم: ۸۲.

۲. خواصّ آیات قرآن کریم: ۸۲.

بخش بیست و پنجم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ نقش نگین انگشتر و دعای آن

در این بخش، هشت روایت از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ نقش نگین انگشتر و دعای آن نقل می‌کنیم:

۱

نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمّه علیهم‌السلام

حسین بن خالد صیرفی گوید: به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کردم: ... نقش نگین انگشتر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام چه بوده است؟

حضرت فرمود:

چرا از کسانی که پیش از او بودند، نمی‌پرسی؟

عرض کردم: اکنون از آن‌ها می‌پرسم.

امام علیه‌السلام فرمود:

نقش نگین آدم «**لا إله إلاّ الله، محمّد رسول الله**» بود؛ «معبودی جز خداوند نیست، محمّد فرستادهٔ خدا است»، و با همان به زمین هبوط کرد و فرود آمد.

نوح هنگامی که بر کشتی سوار شد خداوند عزّ وجلّ به او وحی فرمود: ای نوح؛ اگر از غرق‌شدن می‌ترسی هزار مرتبه بگو: «**لا إله إلاّ الله**»، سپس از من نجات خود و همراهانت را بخواه تا شما را از غرق‌شدن نجات دهم.

چون نوح و همراهانش در کشتی قرار گرفتند و طناب کشتی را رها کردند، باد تندی بر آنان وزید، نوح خود را از غرق شدن ایمن نیافت، باد هم به او مهلت نمی‌داد تا هزار مرتبه «**لا إله إلاّ الله**» بگوید، به زبان سریانی گفت: «**هیلولیاً ألفاً ألفاً، یا ماریا؛ یا ماریا؛ اتقن**»، آنگاه موج دریا آرام شد و کشتی قرار گرفت، و نوح با خود گفت: کلامی که به سبب آن خدا مرا از غرق‌شدن نجات داد، سزاوار است که هرگز از من جدا نگردد، لذا بر نگین انگشتریش نوشت:

«**لا إله إلاّ الله**» **ألف مرّة، یا ربّ اصلحني**.

معبودی جز خداوند نیست هزار مرتبه، پروردگارا؛ مرا اصلاح کن. (و این ترجمهٔ همان کلام سریانی است).

ابراهیم هنگامی که در منجنیق قرار داده شد جبرئیل ناراحت شد، خداوند به او وحی فرمود: ای جبرئیل؛ چه چیز تو را ناراحت ساخته است؟

عرض کرد: پروردگار من؛ ابراهیم، خلیل تو است و بر روی زمین کسی جز او تو را نمی‌پرستد، دشمنت و دشمنش را بر او مسلّط ساخته‌ای.

خداوند به او وحی فرمود: ساکت باش، بنده‌ای مانند تو که می‌ترسد چیزی از دست او برود شتاب می‌کند، ولی من بنده‌ام در اختیارم می‌باشد هر زمان که بخواهم او را می‌گیرم.

امام علیه‌السلام فرمود: پس از شنیدن کلام پروردگار جبرئیل قلب و روحش آرام گرفت، و متوجّه ابراهیم شد، به او گفت: آیا در این حالی‌که هستی حاجتی داری؟ فرمود: امّا به تو هرگز حاجتی ندارم.

خداوند در حال فرودآمدن **ابراهیم** جبرئیل را نزد او روانه ساخت و انگشتری که بر آن شش کلمه نقش شده بود برایش فرستاد و آن کلمات چنین بود:

لا إله إلاّ الله، محمّد رسول الله، لا حول ولا قوّة إلاّ بالله، فوّضت أمري إلى الله، أسندت ظهري إلى الله، حسبي الله.

معبودی جز خداوند نیست، محمّد فرستادهٔ خداوند است، هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست، کار خود را به خدا واگذار نمودم، پشت خود را به خدا محکم ساختم، خدا مرا بس است.

خداوند به او وحی فرمود: این انگشتر را در انگشت خودکن و من آتش را بر تو سرد و سلامت می‌گردانم.

سپس **حضرت امام رضا** علیه‌السلام فرمود:

نقش نگین انگشتر **موسی** دو کلمه بود که آن را از تورات برگرفته بود:

اصبرْ تُوجِر، اصدق تُنْجِ.

شکیبا باش تا اجر و پاداش داده شوی، راست بگو تا نجات یابی.

و نقش نگین **سلیمان** چنین بود:

سبحان من ألجم الجنّ بكلماته.

پاک و منزّه است خداوندی که جنّ را با کلمات خود لجام نهاد و مهار کرد.

و نقش نگین **عیسی** دو کلمه بود که از انجیل برگرفته بود:

طوبى لعبد ذكر الله من أجْله، وويل لعبد نسي الله من أجْله.

خوشا بحال بنده‌ای که بخاطر او خدا یاد شود، و وای بر بنده‌ای که بخاطر او خدا فراموش شود.

نقش نگین **حضرت محمّد** صلی‌الله‌علیه‌وآله: «**لا إله إلاّ الله، محمّد رسول الله**» بود.

نقش نگین **حضرت امیرالمؤمنین** علیه‌السلام «**الملك لله**» بود؛ یعنی جهان و فرمانروائی

جهان از آنِ خداوند است.

نقش نگین **حسن بن علی**علیه‌السلام **«العزّة لله»** بود؛ یعنی عزّت و شکست‌ناپذیری برای خداست.

نقش نگین **حسین بن علی**علیه‌السلام **«إنّ الله بالغ أمره»** بود؛ یعنی خداوند امر خود را به انجام خواهد رسانید.

علیّ بن الحسینعلیه‌السلام همان انگشتر پدر را در دست می‌کرد، امام باقر علیه‌السلام نیز همان انگشتر امام حسین علیه‌السلام را در دست می‌نمود.

نقش نگین **جعفر بن محمّد**علیه‌السلام **«الله ولیّي وعصمتي من خلقه»** بود؛ یعنی خدا سرپرست من و نگهدار من از آفریدگانش می‌باشد.

نقش نگین **موسی بن جعفر**علیه‌السلام **«حسبي الله»** بود؛ یعنی خدا مرا بس است.

حسین بن خالد گوید: آن‌گاه **حضرت امام رضا**علیه‌السلام دست مبارک خود را گشود، انگشتر پدرش در انگشت مبارک او بود و نقشی که بر آن بود به من نشان داد.[1]

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام

به روایت دیگر نقش انگشتر آن حضرت چنین بود: **«وَلِيُّ الله»**.[2]

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۵۵/۲، وسائل الشیعة: ۴۱۱/۳ با اختلاف.

۲. بحار الأنوار: ۷/۴۹.

۳

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام به روایت دیگر

یونس بن عبدالرّحمان گوید: از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در مورد نقش نگین انگشتر خودش و پدر بزرگوارش سئوال کردم، فرمود:

نقش نگین انگشتر من «**مٰا شٰآءَ اللهُ، لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ**» (آنچه خدا بخواهد همان می‌شود، هیچ نیروئی جز به سبب خداوند نیست)، و نقش نگین انگشتر پدرم «**حَسْبِيَ اللهُ**» (خدا مرا بس است) بود و من آن را در انگشت می‌کردم.[1]

۴

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضا علیه‌السلام نیز به روایت دیگر

در کتاب «جنّات الخلود» می‌نویسد: نقش نگین انگشتر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام این است:

مٰا شٰآءَ اللهُ، لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ.

آنچه خدا بخواهد، قوّتی جز برای خداوند نیست.

نقش این جمله در نگین ـ خصوصاً اگر یمنی و زرد باشد ـ برای توانگری بسیار مفید است؛ مخصوصاً اگر در زیر آن، «محمّد و علی» کَنده شده باشد.[2]

---

۱. وسائل الشیعة: ۴۱۰/۳.

۲. جنّات الخلود: ۳۳.

۵

همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام

قاسم بن علاء از خادم امام هادی علیه‌السلام روایت کرده است که گفت: از آن حضرت اجازه خواستم که برای **زیارت حضرت امام رضا** علیه‌السلام **به شهر طوس** بروم، فرمود:

باید همراه تو انگشتری باشد که نگین آن عقیق زرد رنگ باشد، و بر روی آن این جمله: «**مٰا شٰآءَ اللهُ، لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِـاللهِ، أَسْـتَغْفِرُ اللهَ**»؛ «آنچه خدا بخواهد، هیچگونه نیروئی جز به وسیلهٔ خداوند نیست، از خدا طلب آمرزش می‌کنم»، و بر طرف دیگرش نام زیبای «**محمّد و علی**» حک شده باشد؛ زیرا که آن، باعث ایمنی از دزدان گردنه و بین راه، و موجب سلامتی بیشتر و محفوظ ماندن دین تو است ـ تا آنکه فرمود: ـ

و باید با تو انگشتر دیگری از فیروزه باشد؛ اگر در میان راه بین شهر طوس و نیشابور شیری با شما برخورد کند و مانع از رفتن قافله گردد، تو پیش برو و آن انگشتر را به او نشان بده و بگو: مولای من به تو می‌فرماید: از سر راه کنار برو.

سپس فرمود: باید بر یک طرف آن این جمله: «**الله الملك**»؛ «خداوند صاحب مُلک و پادشاه عالم است»، و بر طرف دیگرش: «**الملك لله الواحد القهّار**»؛ «تمام هستی از آن خداوندی است که یکتا و شکست‌ناپذیر است» کنده‌کاری شده باشد که آن، انگشتر امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

ـ و کلامش را ادامه داد تا آنکه فرمود: ـ و نگین آن فیروزه بوده است و آن باعث ایمنی از درندگان و پیروزی در جنگ‌ها است تا آخر روایت.

در این روایت، قاسم بن علاء دو معجزهٔ امام علیه‌السلام را مشاهده کرده است.[1]

---

۱. وسائل الشیعة: ۳۱۴/۸.

قابل توجّه است که در آن زمان، راه طوس بسیار خطرناک بوده است.

۶

نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزنددار شدن

علیّ بن محمّد نصیری گوید: با دختر جعفر بن محمود ازدواج کردم و او را بسیار دوست داشتم، ولیکن مدّتی گذشت از وی فرزندی نیامد، خدمت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رسیدم و موضوع را عرض کردم.

حضرت تبسّم کرد و فرمود:

در انگشتری که نگین آن فیروزه باشد بنویس: ﴿**رَبِّ لاتَذَرْني فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوارِثينَ**﴾[1]؛ «خداوندا؛ مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثانی».[2]

۷

انگشتر عقیق و دعا برای حفظ‌شدن از شرّهای آسمانی و زمینی

از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس شب را به روز آورد در حالی‌که انگشتری که نگین آن عقیق است در دست راست او باشد، قبل از اینکه احدی او را ببیند نگین انگشتر را به طرف کف دست بگرداند و سورهٔ ﴿**إِنّا أَنْزَلْناه**﴾ را تا آخر بخواند سپس بگوید:

---

۱. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۹.

۲. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه‌السلام: ۷۳۶.

اٰمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَاٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰانِيَتِهِمْ.

ایمان آوردم به خداوندی که یگانه است و شریکی برای او نیست، و ایمان آوردم به سرّ آل محمّد و آشکار آنان.

خداوند در آن روز او را حفظ می‌کند از هر چه از آسمان فرود می‌آید و از آنچه به آسمان بالا می‌رود و از آنچه در زمین داخل می‌شود و از آنچه از زمین خارج می‌شود، و تا شب کند در حرز خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله است.[1]

۸

دعا هنگام دست نمودن انگشتر

این دعا از **حضرت امام رضا** علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که انگشتر به انگشت خود می‌کنی بگو:

أَللّٰهُمَّ سَمِّني بِسِيمٰآءِ الْإِيمٰانِ، وَاخْتِمْ لي بِالْخَيْرِ، وَاجْعَلْ عٰاقِبَتي

خداوندا؛ نشان ایمان در سیما و چهره‌ام آشکار کن، و پایان کارم را به خوبی قرار ده، و سرانجام مرا

إِلىٰ خَيْرٍ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ.[2]

به خوبی قرار بده، که تو عزیز و بزرگوار هستی.

۱. اکسیر الدعوات: ۳۵۱.

۲. فقه الرّضا علیه السلام: ۳۹۵.

بخش بیست و ششم

هشت زیارت
از زیارت‌های حضرت امام رضا علیه‌السلام

در این بخش، هشت زیارت از زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را نقل می‌کنیم.[۱]

آنچه رعایت آن برای زائرینِ محترم مهمّ است، توجّه به معنای زیارتی است که می‌خوانند.

نکتهٔ مهمّ دیگری که باید به آن توجّه داشته باشیم، این است که مقصود از توجّه به معنای زیارت، **فقط این نیست که مفهوم آنچه را که می‌خوانیم بدانیم؛ بلکه علاوه بر این، باید در فکر عمل به آن نیز باشیم.**

به عنوان نمونه در زیارت اوّل **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، دربارهٔ امام زمان عجّل‌الله تعالی فرجه می‌خوانیم: «**وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَة**»؛ «**خداوندا؛ ما را در دنیا و آخرت با آن حضرت قرار ده**».

---

۱. دو زیارت دیگر برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده که چون مخصوص روز چهارشنبه است، آن دو زیارت را در «بخش دهم: اعمال عبادی ایّام هفته ص ۲۴۳ و ۲۴۴» نقل کرده‌ایم.

توجّه کامل به این جمله از زیارت، در صورتی است که تصمیم به معیّت و همراه بودن با امام زمان ارواحنا فداه را در تمام حالات و مراحل زندگیِ خود داشته باشیم و این، فقط با لطف خدا و توجّه و عنایت اهل بیت علیهم‌السلام ممکن و میسّر است.

ان شاء الله زائرین گرامی پس از زیارت آن بزرگوار، **اوّلین و مهمّترین حاجت خود را تعجیل ظهور حضرت بقیّة الله الأعظم** عجّل الله تعالی فرجه **قرار دهند**؛ زیرا همان‌گونه که امام حسن عسکری علیه‌السلام به احمد بن اسحاق فرمودند، در میان کسانی که در عصر غیبت به امامت امام زمان ارواحنا فداه معتقد هستند، **فقط کسانی از فتنه‌های آخر الزمان نجات می‌یابند که خداوند آنان را به دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان** عجّل الله تعالی فرجه **موفّق نماید**[1].

آداب زیارت

اکنون به بیان آداب زیارت می‌پردازیم:

محدّث قمی رحمه‌الله نقل کرده‌است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود:

اوّل: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوّم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوّم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه‌های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می‌پوشد سفید باشد.

---

۱. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۲۴/۵۲.

ششم: در وقت رفتن به روضهٔ مقدّسه گام‌ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیر نموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه‌السلام خود را خوش‌بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهّر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمّد وآل محمّد علیهم‌السلام دهان خود را معطّر سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقّت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت **و جلالت قدر صاحب آن مرقد منوّر فکر کند، و باور داشته باشد که می‌بیند ایستادن او را، و می‌شنود کلام او را، و جواب می‌دهد سلام او را**؛ چنانچه به همهٔ این‌ها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبّت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمّل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیّت‌ها که از او به ایشان یا به خاصّان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردن ایشان است **و اگر براستی در خود نگرد قدم‌هایش از رفتن باز ایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این، روح آداب زیارت است**.

دهم: **بوسیدن عتبهٔ عالیه** و آستانهٔ مبارکه است.[1]

---

۱. مؤلّف گوید: دربارهٔ عتبه‌بوسی و بوسیدن درگاه مطهّر آستان مقدّس ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام عبارات بسیار مهمّی وارد شده است.

در زیارت وداع ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام که مرحوم علّامهٔ مجلسی آن را در «بحار الأنوار: ۲۰۵/۱۰۲» نقل کرده، وارد شده است:

... وا شوقاه إلی تقبیل أعتابکم، والولوج بإذنکم لأبوابکم، وتعفیر الخدّ علی اریج ترابکم، واللیاذ بعرصاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفة بالملائکة الکرام، والمتحوفة من الله بالرحمة والرضوان ... .

«چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانهٔ درگاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانهٔ شما و خاک آلود

←

← **نمودن گونه‌ام را با خاک خوش بوی شما** و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکهٔ کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است».

بنابراین، بوسیدن درگاه مقدّس و خاک‌آلود نمودن گونهٔ خود با خاک مشک بوی آستان مقدّس آنان و پناه بردن به حرم‌های مطهّر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرّب به خداوند متعال می‌شود.

نکتهٔ بسیار مهمّی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجّه داشت این است که عتبهٔ حرم اهل بیت عصمت علیهم‌السلام قدمگاه حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه است، که حضرتش در طول غیبت صغری و کبری، مکرّر بر عظمت و شرافت آن مکان‌های مقدّس افزوده‌اند و با قدوم خود آن‌ها را مورد توجّه و عظمت بیشتر قرار داده‌اند.

ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می‌بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همین گونه عتبهٔ حرم‌های مطهّر ائمّهٔ اطهار و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام را می‌بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محلّ رفت و آمد حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است.

مگر نه این است که در مدّت سال‌های طولانی، عتبهٔ مقدّسهٔ اهل بیت علیهم‌السلام محلّ رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر ارواحنا فداه بوده و می‌باشد، پس چرا این مکان‌های مقدّس را نبوسیم؟

مرحوم آیة الله سیّد احمد مستنبط فرموده است:

از آداب زیارت، بوسیدن عتبهٔ مقدّسه است و ما در رسالهٔ خود یادآور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبّت و مهر ورزیدن است مانند آن که انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی‌کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست.

و نقل شده است که از مرحوم آیة الله شیخ انصاری دربارهٔ بوسیدن عتبه‌های مقدّسهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام سئوال شد، ایشان فرمودند:

من عتبهٔ حرم حضرت ابوالفضل العبّاس علیه‌السلام را می‌بوسم تا چه رسد به عتبهٔ حرم ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام آن هم به خاطر این است که آنجا، قدمگاه زوّار حضرت ابوالفضل علیه‌السلام است.

از بعضی از علماء ربّانی دیده شده که عتبهٔ زیارتگاه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه **را می‌بوسید.** (الزیارة والبشارة: ۱۳/۱)

و نیز ایشان فرمودند:

از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام علیه‌السلام است. به خاطر روایتی که در وسائل از کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشرة» از کتاب حجّ با سند از صفوان بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت:

ابو قرّة مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور **حضرت امام رضا** علیه‌السلام برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را بیاور.

چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود ←

و مرحوم شهید ﷺ فرموده است: اگر زیارت‌کننده سجده کند و نیّت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکرانهٔ این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدّم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدّم بدارد، مانند آنچه در واردشدن و خارج‌شدن از مسجد عمل می‌کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهّر بایستد به گونه‌ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهّم آن که دور ایستادن ادب می‌باشد وَهْم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منوّر بایستد، و ظاهراً این ادب مختصّ به زیارت معصوم است.

و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونهٔ راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع دعا کند، پس گونهٔ چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حقّ صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهّر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت ـ اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر این‌ها ـ بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر مطهّر پیش از شروع در خواندن زیارت، تکبیر بگوید.

← این‌گونه رفتار کنیم.

امام ﷺ او را از این کار منع نفرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم ﷺ صادر نمی‌شود.

و همین‌گونه روایت دیگری متضمّن این مطلب است که قافله‌ای از قم خدمت حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه‌های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند.

آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند.

(الزیارة والبشارة: ۱۷/۱)

و در خبریست که هر کس تکبیر بگوید پیش روی امام علیه‌السلام و بگوید: «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ**» برای او خشنودی خدای بزرگ نوشته شود.

شانزدهم: زیارت‌هایی که از ائمّه علیهم‌السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت‌های ساختگی که بعضی از بی‌خردان از عوام آن‌ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته‌اند، ترک نماید.

شیخ کلینی رحمه‌الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت:

وارد شدم بر حضرت صادق علیه‌السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هرگاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله پناه بر و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقلّ آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارتِ پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است نماز را در روضهٔ مطهّره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمّه علیهم‌السلام است در بالای سر بجا آورد **و اگر آن دو رکعت را در مسجدِ آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.**

و علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله فرموده: **به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یا بالای سر انجام دهد بهتر است.**

(و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه‌السلام چون بی‌احترامی و بی‌ادبی نسبت به مقام مقدّس آن بزرگوار است، جایز نیست).

هیجدهم: در رکعت اوّل سورهٔ «یس» و در رکعت دوّم سورهٔ «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیّت مخصوصی برای نماز زیارتی که می‌خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می‌رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم

مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک‌تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهّر شود و ببیند نماز جماعت منعقد شده است اوّل نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)...

بیستم: مرحوم شهید از جملهٔ آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح‌های مطهّره و هدیه کردن آن را به روح مقدّس آن امام یا آن که زیارت می‌شود برشمرده و گفته است که این کار، فایده‌اش به زیارت‌کننده برمی‌گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می‌شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه‌های مطهّره و زیر این گنبدهای بلندمرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می‌دهد از بزرگی و جلالت آن‌ها در سورهٔ نور ﴿**فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ**﴾[1] تا آخر آیه.

بیست و دوّم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکند، چنانچه در «هدیّة الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوّم: وقتی می‌خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علیه‌السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

بیست و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیست و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانهٔ شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدّام آن مکان شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۶.

تحمّل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آن‌ها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آن‌ها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و ناآشنا را راهنمائی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدّام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعهٔ مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصاً سادات و اهل علم که ترک دیار کرده‌اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظهٔ هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت به آن‌ها و رعایت حالشان است.

بیست و هفتم: مرحوم شهید فرموده: از جملهٔ آداب این است که وقتی از زیارت بهره‌مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع.

و نیز فرموده: در وقتی که زن‌ها می‌خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن‌ها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس‌های نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حرم‌های مطهّره با نامحرمان برخورد می‌نمایند.

زنانی که در طرف قبلهٔ مردان می‌نشینند و با رفتار خود حواسّ مردم را پریشان می‌کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه‌کنندگان را از عبادت باز می‌دارند از گروهی

شمرده می‌شوند که راه خدا را می‌بندند.

در واقع این‌گونه زیارتِ زنان از منکرات شمرده می‌شود نه از عبادات، و وسیلهٔ هلاکت است نه تقرّب.

از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اهل عراق فرمود:

یا أهل العراق؛ نبّئت أنّ نساؤکم یوافین الرّجال في الطریق أما تستحیون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن‌های شما در راه به مردان می‌رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی‌خورند، آیا شماهاحیا نمی‌کنید؟

و فرمود:

لعن الله من لایغار.

خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوّار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده‌اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آن‌ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند.[1]

بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام بهترین موقعیّت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ **بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفهٔ اساسی خود در همهٔ اماکن مقدّسه توجّه داشته باشند.**

سی‌ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می‌تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت

---

۱. مفاتیح الجنان: ۶۱۵.

کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم‌های مطهّر، به امام عصر ارواحنا فداه توجّه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده **و وظیفهٔ خود راانجام دهد**.

آغاز آداب زیارت

همان‌گونه که بیان کردیم آداب زیارت از هنگام سفر به مشهد مقدّس آغاز می‌شود، به این جهت زائرین گرامی نه‌تنها هنگام تشرّف به حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بلکه از وقتی که می‌خواهند سفر زیارت را آغاز کنند، باید از نظر فکری و روحی خود را آماده نموده تا از عنایات و توجّهات کریمانهٔ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام کاملاً بهره‌مند شوند.

راهنمایی‌هایی که در گفتار خاندان وحی علیهم‌السلام دربارهٔ آغاز سفر وارد شده است، دلیل واضح و روشنی بر این حقیقت می‌باشد که لازم است زائر از ابتداء سفر دارای طهارت باطنی و آمادگی معنوی باشد.

به این جهت در بعضی از زیارات مانند زیارت اوّل **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، آداب زیارت از هنگام شروع سفر به مشهد مقدّس وارد شده است.

مستحبّ است زائرین محترم از ابتداء شروع به سفر، آن‌ها را رعایت کنند و پس از ورود به مشهد مقدّس آداب زیارت را از هنگام تشرّف به حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام انجام دهند.

دعای اذن ورود به حرم مطهّر
حضرت امام رضا علیه‌السلام

قبل از نقل زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، این دعا را به عنوان اذن ورود به حرم مطهّر آن حضرت، ذکر می‌نماییم:[1]

أَللّٰهُمَّ إِنّي وَقَفْتُ عَلىٰ بٰابٍ مِنْ أَبْوٰابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ

خداوندا؛ من ایستاده‌ام کنار دری از درهای خانه‌های پیامبرت که درود تو

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النّٰاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلّٰا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ ﴿يٰا

بر او و آل او باد، و تو مردم را بازداشته‌ای از این‌که بدون اجازهٔ او وارد شوند، و فرموده‌ای: «ای

أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لٰاتَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلّٰا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾[2].

کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های پیامبر وارد نشوید مگر اینکه به شما اجازه داده شود».

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صٰاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ في غَيْبَتِهِ

خداوندا؛ من به حُرمت صاحب این مکان شریف در فقدان او معتقدم؛

كَمٰا أَعْتَقِدُهٰا في حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفٰآءَكَ عَلَيْهِمُ

همان‌گونه که آن را در حضورش باور دارم، و می‌دانم که رسول تو و جانشینان تو - که

السَّلٰامُ أَحْيٰآءٌ، عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقٰامي، وَيَسْمَعُونَ

درود بر آنان باد - زنده‌اند، نزد تو روزی می‌خورند، جایگاه مرا می‌بینند و

كَلٰامي، وَيَرُدُّونَ سَلٰامي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلٰامَهُمْ،

سخن مرا می‌شنوند، و سلام مرا پاسخ می‌دهند، و تو گوشم را از شنیدن کلام ایشان بازداشته‌ای،

وَفَتَحْتَ بٰابَ فَهْمي بِلَذيذِ مُنٰاجٰاتِهِمْ. وَإِنّي أَسْتَأْذِنُكَ يٰا رَبِّ

و درِ فهمیدن لذّت راز و نیاز با ایشان را برایم گشوده‌ای. پروردگارا؛ من ابتدا از تو اجازه می‌گیرم،

۱. قابل توجّه است که این دعا را هنگام ورود به سایر حرم‌های ائمّه علیهم‌السلام نیز می‌توانیم بخوانیم.

۲. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۳.

أَوَّلاً، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَأَسْتَأْذِنُ

و ثانیاً از رسول گرامی‌ات - که درود خدا بر او و آل او باد - اجازه می‌طلبم، و

خَلِيفَتَكَ الْإِمامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا

از جانشین تو امام و پیشوایی که اطاعت او را بر من واجب فرموده‌ای، (یعنی حضرت) علیّ بن موسی الرضا

عَلَيْهِ السَّلامُ،[1] وَالْمَلآئِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ ثالِثاً.

- که سلام بر او باد - و از فرشتگانی که به این بارگاه مبارک و پربرکت موکّلند در مرحلهٔ بعدی اجازه می‌خواهم.

ءَأَدْخُلُ يا رَسُولَ اللهِ، ءَأَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللهِ، ءَأَدْخُلُ يا مَلآئِكَةَ اللهِ

آیا وارد شوم ای رسول خدا؟ آیا وارد شوم ای حجّت خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لِي يا مَوْلايَ فِي

مقرّب خداوند که در این زیارتگاه اقامت دارید؟ به من - ای مولای من؛ - اجازه بده

الدُّخُولِ أَفْضَلَ ما أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيآئِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً

وارد شوم بهتر از اجازه‌ای که به یکی از دوستانت مرحمت فرموده‌ای، اگر من شایستهٔ آن نباشم،

لِذٰلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ.

شما شایستگی آن را دارید.

پس اگر قلبت خاشع شد و اشک از چشمانت جاری گردید؛ این، نشانهٔ اذن و رود به حرم مطهّر است.[2]

۱. در زیارت هر یک از ائمّهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین به جای نام **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، اسم آن امام را ذکر کنید.

۲. البلد الأمین: ۳۹۱ و مصباح الزائر: ۴۱۸ با اختلاف.

۱

زیارتِ اوّل حضرت امام رضا علیه‌السلام

از معصومین علیهم‌السلام روایت شده است که فرمودند:

هرگاه خواستی برای زیارت مرقد پاک **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام به مشهد مقدّس بروی، پیش از خارج‌شدن از منزل غسل کن و در هنگام غسل کردن بگو:

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ لي قَلْبي، وَاشْرَحْ لي صَدْري، وَأَجْرِ عَلىٰ

خداوندا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روحم را پاکیزه فرما، و سینه‌ام را گشایش بده، و

لِسٰاني مِدْحَتَكَ وَالثَّنٰآءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِكَ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

مدح و ثنای خود را بر زبانم جاری کن، که نیرویی جز به وسیلهٔ تو وجود ندارد. خداوندا؛ آن را

لي طَهُوراً وَشِفٰآءً وَنُوراً.

باعث پاکی و بهبودی و روشنی من قرار بده.

و هنگام خارج شدن از منزل بگو:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَإِلَى اللهِ وَإِلَى ابْنِ رَسُولِهِ، حَسْبِيَ اللهُ، تَوَكَّلْتُ

بنام خدا و به یاری خدا، و به سوی خدا و فرزند رسول او، خداوند مرا بس است،

عَلَى اللهِ. أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَمٰا عِنْدَكَ أَرَدْتُ.

بر خدا توکّل کردم. خداوندا؛ به سوی تو روی آوردم، و آهنگ تو نمودم، و آنچه نزد تو است اراده کرده و خواهانم.

و چون از خانه بیرون آمدی، کنار درب خانه‌ات بایست و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهي، وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلي وَمٰالي وَمٰا

خداوندا؛ به سوی تو چهرهٔ خود را گردانیدم، و با تکیه بر تو پشت‌سر گذاردم اهل و عیال و مال و دارائیم و آنچه

خَوَّلْتَني، وَبِكَ وَثِقْتُ فَلاتُخَيِّبْني، يٰا مَنْ لٰايَخيبُ مَـنْ أَرٰادَهُ،

به من عطا کرده‌ای، و به تو اطمینان نمودم پس مرا بی‌بهره و نااُمید مگردان، ای آنکه محروم نمی‌کند کسی را که او را اراده کند،

وَلٰايَضيعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْني

و تباه نمی‌گرداند کسی را که او نگهداری کند، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا

بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لٰايَضيعُ مَنْ حَفِظْتَ.

با حفظ و نگهداری خود حفظ فرما، بدون تردید کسی را که تو حفظ کنی ضایع نمی‌گردد و تباه نمی‌شود.

هنگامی که به سلامتی وارد مشهد مقدّس شدی، و قصد زیارت نمودی، غسلِ زیارت کن و هنگام غسل کردن بگو:

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبي، وَاشْرَحْ لي صَدْري، وَأَجْـرِ عَـلىٰ

خداوندا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روحم را پاکیزه فرما، و سینه‌ام را گشایش بده، و

لِسٰاني مِدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالثَّنٰآءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لٰا قُـوَّةَ إِلّٰا بِكَ،

مدح و محبّت و ثنای خود را بر زبانم جاری ساز، که نیرویی جز به وسیلهٔ تو نیست،

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دينِي، اَلتَّسْليمُ لِأَمْرِكَ، وَالْإِتِّبٰاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ،

و می‌دانم که قوّت دین من، سر نهادن به فرمان تو و پیروی کردن از سنّت و راه و روش پیامبر تو،

وَالشَّهٰادَةُ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ. أَللّٰهُمَّ اجْـعَلْهُ لي شِـفٰآءً وَنُـوراً.

و گواهی دادن بر تمام آفریدگان تو است. خداوندا؛ آن را برای من شفا و روشنایی قرار بده.

سپس پاکترین لباس‌هایت را بپوش، و پای برهنه با آرامش و وقار راه برو، و زبان را به گفتن «اَللّٰهُ اَكْبَرُ»، «لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ»، «سُبْحٰانَ اللّٰهِ»، «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» و ستایش خداوند مشغول بدار، و قدم‌هایت را کوتاه بردار، و هنگامی که وارد حریم ملکوتی آن حضرت شدی، بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ،

بنام خدا و به یاری خدا و بر آئین و دین رسول خدا، گواهی می‌دهم که خدایی جز خداوند نیست،

وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ

او یکتا است که شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد بنده و فرستادهٔ او است، و بی‌گمان

عَلِيّاً وَلِيُّ اللهِ.

(حضرت) علی ولیّ خداوند است.

سپس به آن قبر نورانی اشاره کن و در طرف روبروی امام، قبله را بین دو شانه‌ات (پشت سرت) قرار بده و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، او یکتا است و شریکی برایش نیست، و گواهی می‌دهم که محمّد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ

بنده و فرستادهٔ او است، و او سرور پیشینیان و آیندگان است، و او سرور پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ

و رسولان است. خداوندا؛ بر محمّد بنده‌ات و فرستاده‌ات و پیامبرت

وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صَلٰاةً لٰايَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصٰائِهٰا غَيْرُكَ.

و سرور تمامی آفریدگانت درود فرست، درودی که بر شمارش آن غیر از خودت کسی توانایی ندارد.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طٰالِبٍ، عَبْدِكَ وَأَخِي

خداوندا؛ درود فرست بر امیر و فرمانروای مؤمنان، علیّ بن ابی طالب، بنده‌ات و برادر

رَسُولِكَ، اَلَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هٰادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ

فرستاده و رسولت، آنکه او را با علم و آگاهی خود برگزیدی، و قرار دادی او را هدایت‌کنندهٔ برای هر که خواهی از

خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسٰالٰاتِكَ، وَدَيّٰانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ

بندگانت، و راهنما بر آنان که به رسالت مبعوث فرمودی، و پاداش‌دهندهٔ جزا به عدل و دادت

وَفَصْلِ قَضٰائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلٰامُ

و خاتمه‌دادن داوریت در میان آفریدگانت، و گواه و بپادارنده و نگهبان بر همهٔ این امور. و سلام

عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فٰاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

و رحمت و برکات خداوندی بر او باد. خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت،

وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَاُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبٰابِ

و همسر ولیّت، و مادر دو سبط رسولت امام حسن و امام حسین دو سیّد و سرور جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلطُّهْرَةِ الطّٰاهِرَةِ، اَلْمُطَهَّرَةِ التَّقِيَّةِ، اَلرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ،

اهل بهشت، آنکه دارای پاکیزگی و طهارت، و پاک‌بودن جسم و جان، تقوا، شایستگی و پاکی است،

سَيِّدَةِ نِسٰآءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، صَلٰاةً لٰايَقْوىٰ عَلىٰ

سرور زنان اهل بهشت از همهٔ آفریدگان است، درودی که جز تو نتواند

إِحْصٰآئِهٰا غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطَيْ

کسی آن را شمارش کند. خداوندا؛ درود فرست بر امام حسن و امام حسین، دو سبط

نَبِيِّكَ، وَسَيِّدَيْ شَبٰابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلْقٰآئِمَيْنَ في خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَيْنِ

پیامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قیام‌کننده به امر تو در میان آفریدگانت، و دو راهنما

عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسٰالٰاتِكَ، وَدَيّٰانَي الدّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصْلِ

بر آنان که آن‌ها را به رسالت مبعوث فرمودی، و دو حکم‌کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه‌دادن

(فَصْلَيْ) قَضٰآئِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

داوریت در میان آفریدگانت. خداوندا؛ درود فرست بر علیّ بن الحسین

سَيِّدِ الْعٰابِدِينَ، عَبْدِكَ وَالْقٰآئِمِ في خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ،

سرور عبادت‌کنندگان، بنده‌ات و قیام‌کننده به امرت در میان مخلوقاتت، و جانشین تو بر آفریدگانت،

وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسٰالٰاتِكَ، وَدَيّٰانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَفَصْلِ

و راهنما بر کسانی که آنان را به رسالت مبعوث فرمودی، و حکم‌کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه‌دادن

قَضٰآئِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ

داوریت در میان آفریدگانت. خداوندا؛ درود فرست بر محمّد بن علی، بنده‌ات

وَوَلِيِّ دينِكَ، وَخَلِيفَتِكَ في أَرْضِكَ، بٰاقِرِ عِلْمِ النَّبِيّينَ، اَلْقٰآئِمِ

و سرپرست دینت، و جانشینت در روی زمینت، شکافندهٔ علم و دانش پیامبران، برپادارندهٔ

بِعَدْلِكَ، وَالدّاعي إِلىٰ دينِكَ وَدينِ آبائِهِ الصّادِقينَ، صَلاةً

عدالتت، و دعوت‌کننده به دینت و دین پدران راستگو و درست‌کردارش، درودی که کسی

لايَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

جز خودت توانایی شمارش آن را نداشته باشد. خداوندا؛ درود فرست بر جعفر بن محمّد

الصّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ أَجْمَعينَ،

امام صادق، بنده‌ات و سرپرست دینت، و حجّتت بر همهٔ آفریدگانت،

اَلصّادِقِ الْبارِّ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكاظِمِ، اَلْعَبْدِ

آن راستگوی نیکوکار. خداوندا؛ درود فرست بر موسی بن جعفر امام کاظم، بندهٔ

الصّالِحِ، وَلِسانِكَ في خَلْقِكَ، اَلنّاطِقِ بِعِلْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلىٰ

شایسته، و زبان گویای تو در میان آفریدگانت، آنکه به علم و دانش تو گویا، و حجّت بر

بَرِيَّتِكَ، صَلاةً لايَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

بندگان تو است، درودی که بر شمارش آن غیر از تو کسی توانایی ندارد. خداوندا؛ درود فرست بر

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضىٰ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ، اَلْقائِمِ

علیّ بن موسی الرضا، آن امام پسندیده، بنده‌ات و سرپرست دینت، برپادارندهٔ

بِعَدْلِكَ، وَالدّاعي إِلىٰ دينِكَ وَدينِ آبائِهِ الصّادِقينَ، صَلاةً

عدالت تو، و دعوت‌کنندهٔ به دینت و دین پدران راست‌گفتار و درست‌کردارش، درودی که

لايَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

جز تو نتواند آن را شمارش کند. خداوندا؛ درود فرست بر محمّد بن علی،

عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، اَلْقائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالدّاعي إِلىٰ سَبيلِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ

بنده‌ات و ولیّت، آن قیام‌کنندهٔ به امر و فرمان تو، و دعوت‌کننده به راه تو. خداوندا؛ درود فرست

عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دينِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر علیّ بن محمّد، بنده‌ات و سرپرست دینت. خداوندا؛ درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلْعامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقائِمِ في خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ

حسن بن علی، آن عمل‌کنندهٔ به فرمانت، و قیام‌کننده در میان آفریدگانت، و حجّتت

الْمُؤَدّي عَنْ نَبِيِّكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، اَلْمَخْصُوصِ بِكَرامَتِكَ،

که پیام‌رساننده از طرف پیامبرت، و گواه تو بر مخلوقاتت است، اختصاص‌یافته به کرامت و بزرگداشت تو،

اَلدّاعي إِلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ،

فراخوانندهٔ مردم به اطاعت تو و اطاعت رسولت که درود و رحمت تو بر همهٔ ایشان باد؛

صَلاةً لايَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ

درودی که جز تو بر شمارش آن توانایی نداشته باشد. خداوندا؛ درود فرست بر حجّتت

وَوَلِيِّكَ، وَالْقائِمِ في خَلْقِكَ، صَلاةً (تامَّةً) نامِيَةً باقِيَةً، تُعَجِّلُ

و ولیّت، و قیام‌کننده در میان آفریدگانت، درودی (کامل)، فزاینده، پایدار،

بِها فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِها، وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ.

که به واسطهٔ آن فرجش را تعجیل فرمایی، و به وسیلهٔ آن او را یاری نمایی، و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيارَتِهِمْ وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأُوالي وَلِيَّهُمْ،

خداوندا؛ به راستی من با زیارت و دوستی ایشان به تو تقرّب می‌جویم، و دوستان آنان را دوست،

وَأُعادي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْني بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ، وَاصْرِفْ

و دشمنان‌شان را دشمن می‌دارم، پس خیر و خوبی دنیا و آخرت را به واسطهٔ ایشان به من روزی گردان، و

عَنّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ وَأَهْوالَ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

از من به واسطهٔ ایشان شرّ و بدی دنیا و آخرت و ترس و بیم روز قیامت را دور فرما.

سپس در طرف بالاسر آن حضرت، می‌نشینی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام

عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ

بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای رکن و اساس

الدّينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

دین، سلام بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) آدم که برگزیدهٔ خدا است، سلام بر تو ای

وٰارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ،

ارث‌برنده از (حضرت) نوح که پیامبر خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) ابراهیم که خلیل و دوست خدا است،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ

سلام بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) موسی که هم‌سخن با خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده از

عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ،

(حضرت) عیسی که روح خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) محمّد که حبیب خدا است،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای ارث‌برنده از امیر و فرمانروای مؤمنان (حضرت) علی که ولیّ خدا است، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰآءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) فاطمه که سرور زنان جهانیان است، سلام بر تو ای

وٰارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبٰابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

ارث‌برنده از امام حسن و امام حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند، سلام بر تو

يٰا وٰارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعٰابِدِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

ای ارث‌برنده از (حضرت) علیّ بن الحسین که زینت عبادت‌کنندگان است، سلام بر تو ای

وٰارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بٰاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

ارث‌برنده از (حضرت) محمّد بن علی که شکافندهٔ علم و دانش پیشینیان و آیندگان است، سلام بر تو

يٰا وٰارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّٰادِقِ الْبٰارِّ، اَلتَّقِيِّ النَّقِيِّ، اَلسَّلٰامُ

ای ارث‌برنده از (حضرت) جعفر بن محمّد که راستگو، نیکوکار، تقواپیشه و پاک‌سرشت است، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكٰاظِمِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

بر تو ای ارث‌برنده از (حضرت) موسی بن جعفر که فروبرندهٔ خشم و غضب است، سلام بر تو ای

الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبٰارُّ التَّقِيُّ، أَشْهَدُ

راست‌گفتار گواه، سلام بر تو ای وصیّ و جانشین نیکوکار تقواپیشه، گواهی می‌دهم

أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَاٰتَيْتَ الزَّكٰاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

که تو نماز را بپاداشتی، و زکات را پرداختی، و به خوبی‌ها فرمان دادی، و

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّٰى أَتاكَ الْيَقينُ، اَلسَّلامُ

از زشتی‌ها بازداشتی، و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دنیا را وداع گفتی، سلام

عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، إِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ.

بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، به راستی که او ستوده و باعظمت و باشکوه است.

سپس خود را بر آن قبر پاک بینداز و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضي، وَقَطَعْتُ الْبِلادَ رَجاءَ رَحْمَتِكَ،

خداوندا؛ از سرزمین خود آهنگ تو کرده، و شهرها را به امید رحمت تو پیموده‌ام،

فَلاتُخَيِّبْني وَلاتَرُدَّني بِغَيْرِ قَضاءِ حَوائِجي، وَارْحَمْ تَقَلُّبي عَلىٰ

پس مرا محروم مفرما، و بدون برآمدن حاجتم مرا بازمگردان، و به گردیدنم در اطراف

قَبْرِ ابْنِ أَخي رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي

قبر پسر برادر رسولت ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ بر من رحم کن. پدر و مادرم به فدایت؛

أَتَيْتُكَ زائِراً وافِداً، عائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسي، وَاحْتَطَبْتُ

به زیارت شما آمده و به دربار شما وارد شده‌ام، و از آنچه بر خود جنایت کردم، و بار سنگین گناهی که

عَلىٰ ظَهْري، فَكُنْ لي شَفيعاً إِلىٰ رَبِّكَ يَوْمَ فَقْري وَفاقَتي، فَإِنَّ

بر دوش دارم به شما پناهنده گشته‌ام، پس برای من در پیشگاه پروردگارت روز فقر و نیازم شفیع باش، که

لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً مَحْمُوداً، وَأَنْتَ وَجيهٌ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

برای تو نزد خدا مقام ستوده و شایسته‌ای است، و تو در دنیا و آخرت محترم و آبرومند هستی.

سپس دست راست را بالا ببر، و دست چپ را بر روی قبر بگشا و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ، وَأَتَوَلّىٰ آخِرَهُمْ بِما

خداوندا؛ من به‌دوستی و ارادتی که به ایشان دارم به درگاه تو تقرّب می‌جویم، و نسبت به آخرین آن‌ها عشق و ارادت می‌ورزم همانگونه

تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ

که نسبت به اوّلین ایشان ارادت دارم و سروری او را پذیرفته‌ام، و از هر دست‌آویزی که غیر ایشان باشد بیزارم. خداوندا؛ لعنت کن

الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ، وَسَخِرُوا

آنان که نعمت تو را دگرگون ساختند، و پیامبرت را متّهم ساختند، و آیات و نشانه‌هایت را انکار نمودند، و امام و پیشوائی را که تو معیّن کردی

بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَىٰ أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي

به باد مسخره گرفتند، و مردم را بر دوش آل محمّد سوار کردند (یعنی بر علیه آنان واداشتند). خداوندا؛ به راستی من

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبَرَآءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

با لعنت بر ایشان، و بیزاری‌جستن از این ناپاکان در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم،

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ.

ای بخشنده؛ ای مهربان.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللهُ عَلَىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ

درود و رحمت خدا بر تو ای ابا الحسن؛ درود خدا بر روح پاکت و بدن مقدّست، شکیبائی پیشه کردی

وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.

و تو راستگو و تصدیق‌شده‌ای، خداوند بکشد کسی که تو را با دست‌ها و زبان‌ها آزار نموده و کشتند.

سپس با لعنت کردن بر قاتل امیر المؤمنین علیه‌السلام و با لعنت کردن بر قاتلان امام حسین علیه‌السلام و بر تمام قاتلان اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن‌ها را نفرین کن.[1]

«لعنت کردن بر آن جماعت به هر زبان که گفته شود خوب است و اگر این عبارت را ـ که قسمتی از ادعیهٔ مأثوره است ـ بخواند مناسب است:

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَقَتَلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَقَتَلَةَ

خداوندا؛ دور کن از رحمت خود کشندگان امیر و فرمانروای مؤمنان (حضرت علی علیه‌السلام) را، و کشندگان حسن و حسین را، و کشندگان

۱. کامل الزیارات: ۵۱۵، مزار آقاجمال خوانساری: ۳۲.

أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَعْدٰآءَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَقَتَلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ

اهل بیت پیغمبر خود را. خداوندا؛ لعنت کن دشمنان آل محمّد را و کشندگان آنان را، و زیاد کن آن‌ها را

عَذٰاباً فَوْقَ الْعَذٰابِ، وَهَوٰاناً فَوْقَ هَوٰانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْياً

عذابی بالاتر از هر عذاب، و خواری بالاترین مرتبهٔ خواری، و مذلّتی برترین مرتبهٔ مذلّت، و رسوایی

فَوْقَ خِزْيٍ. أَللّٰهُمَّ دُعَّهُمْ إِلَى النّٰارِ دَعّاً، وَأَرْكِسْهُمْ فِي أَلِيمِ

برترین مرتبهٔ رسوایی. خداوندا؛ روانه ساز آن‌ها را به آتش روانه‌ساختنی، و سرنگون کن آن‌ها را در

عَذٰابِكَ رَكْساً، وَاحْشُرْهُمْ وَأَتْبٰاعَهُمْ إِلىٰ جَهَنَّمَ زُمَراً.[1]

عذاب دردناک خودت سرنگون‌کردنی، و محشور گردان آن‌ها و پیروان‌شان را به سوی جهنّم گروه‌گروه.»

سپس به قسمت بالای سر مبارک امام علیه‌السلام برو، و آنجا دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اوّل بعد از «حمد»، سورهٔ «یس» و در رکعت دیگر سورهٔ «الرحمن»، و آنچه می‌توانی دعا وتضرّع نما، و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خویش زیاد دعا کن، و هر مقداری که می‌خواهی آنجا بمان، و سعی کن نمازت را کنار مرقد منوّر امام علیه‌السلام بجا آوری.[2]

در کتاب «ذخیرة الآخرة» آمده است:

اگر نتوانست نماز زیارت را با سورهٔ «یس» و «الرحمن» بخواند، با هر سوره‌ای که می‌تواند بخواند، سپس تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام بگوید و هر دعایی که می‌خواهد بخواند، آن‌گاه سر به سجده نهاده و بگوید:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَفَّقَني

از اسم خداوند و ذات او کمک می‌جویم در حالی‌که از ملّت رسول الله هستم، ستایش مخصوص خداوندی است که مرا توفیق

۱. مزار آقاجمال خوانساری: ۴۸.

۲. کامل الزیارات: ۵۱۳، بحار الأنوار: ۴۴/۱۰۲.

بِزِيٰارَةِ مَوْلاٰيَ أَبِى الْحَسَنِ عَلِيِّ بْـنِ مُـوسَى الرِّضٰـا. أَللّٰـهُمَّ

زیارت مولایم حضرت ابا الحسن علیّ بن موسی الرّضا را عنایت فرمود. خداوندا؛

إِنّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ خٰاشِعاً خٰاضِعاً، فَـاغْفِرْ لي

همانا من نماز خواندم و رکوع و سجده نمودم برای تو در حال خشوع و خضوع، پس

خَطِيئٰاتي كُلَّهٰا، وَتَجٰاوَزْ عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، بِـحُرْمَةِ وَلِـيِّكَ

تمامی گناهان مرا ببخش، و از هر گناهی که مرتکب شده‌ام درگذر، به احترام ولیّ

الرَّضِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا، وَتَقَبَّلْ مِنّي زِيٰـارَتَهُ بِـحُرْمَةِ

راضیت حضرت علیّ بن موسی الرّضا. و زیارت او را از من بپذیر به احترام

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعينَ.[1]

(حضرت) محمّد و تمامی آل او.

مؤلّف گوید: این زیارت، از زیارت‌های بسیار معروف **حضرت امام رضا** علیه‌السلام است که بسیاری از علمای بزرگ آن را در کتاب‌های خود با اختلافی اندک نقل کرده‌اند.[2]

۱. ذخیرة الآخرة: ۱۶۵.

۲. پس از این زیارت، وداعی نقل کرده‌اند که چون صراحت در مخصوص بودن آن به وداع با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ندارد، آن را جزء زیارات وداعیه جامعه ص ۷۰۶ نقل می‌کنیم.

۲

زیارت دوّم حضرت امام رضا علیه‌السلام

هر گاه از وطن خود به قصد زیارت خارج شدید، این دعا را بخوانید:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَخْرُجُ، وَإِلَيْكَ أَتَوَجَّهُ، وَبِكَ اٰمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ،

خداوندا؛ به سوی تو خارج می‌شوم، و به سوی تو متوجّه می‌شوم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکّل نمودم،

وَبِكَ اسْتَعَنْتُ، وَإِلٰى مَشٰاهِدِ أَوْلِيٰآئِكَ وَأَصْفِيٰآئِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَيْكَ

و از تو طلب کمک می‌نمایم، و مشاهد اولیای تو و برگزیدگانت را قصد نمودم، و به سوی تو

رَغِبْتُ، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدِنِ الطّٰاهِرِينَ، وَبَلِّغْنِي أَمَلِي

مایل گشتم، پس بر محمّد و آل پاک او درود فرست، و مرا به امید

وَرَجٰآئِي فِي زِيٰارَتِي إِيّٰاهُمْ، وَقَصْدِي إِلَيْهِمْ فِي خَيْرٍ وَعٰافِيَةٍ

و آرزویم برسان در زیارتی که آن‌ها را می‌نمایم، و قصدی که به سوی آن‌ها دارم، در خیر و عافیت

وَسِتْرٍ وَسَلٰامَةٍ وَأَمْنٍ وَكِفٰايَةٍ، وَرُدَّنِي مَقْبُولاً مَبْرُوراً مَأْجُوراً

و حفظ و سلامتی و امنیّت و کفایت، و مرا برگردان با زیارت قبول‌شده و نیکو با اجر

مَوْفُوراً سَعِيداً غٰانِماً، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ. أَللّٰهُمَّ مٰا أَبْقَيْتَنِي، فَلٰاتَجْعَلْهُ

فراوان و با سعادت و غنیمت، و بازگشت به آن را روزیم فرما. خداوندا؛ مادامی که مرا نگه می‌داری آن را

اٰخِرَ الْعَهْدِ لِزِيٰارَةِ مَشٰاهِدِهِمْ وَمَعٰارِجِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ.

آخرین مرتبه برای زیارت محلّ شهادت و عروج آنان قرار مده که تو رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان هستی.

پس هر گاه به شهر رسیدید از جایی که غسل واجب است غسل نموده، و در راه زیاد خداوند را تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر و تمجید نمایید، و بافضیلت‌تر و جامع‌تر از همه این است که بگویید:

سُبْحٰانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، لٰا حَوْلَ وَلٰا

منزّه است خداوند و ستایش مخصوص خداوند است، و خداوندی غیر از الله نیست، و خدا بزرگتر از آنست که توصیف شود، قدرت

قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ،

و قوّه‌ای نیست مگر به وسیلهٔ خداوند بزرگ و باعظمت، و درود خداوند بر (حضرت) محمّد پیامبر خدا،

وَعَلٰى اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.[1]

و بر آل پاک و طاهر او، و سلام فراوان بر آنان باد.

هنگامی که کنار مرقد پاک **حضرت امام رضا** علیه‌السلام رسیدید، بگویید:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْهٰادي، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ

سلام بر تو ای پرچم هدایتگر، سلام بر تو ای وصیّ و جانشین

الزَّكِيُّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

پارسا، سلام بر تو ای پیشوای نیکوکار باتقوا، سلام بر تو ای

الْعَلَمُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وِعٰاءَ حُكْمِ اللهِ،

شخصیّت برجسته‌ای که از گناهان مبرّا و پاک هستی، سلام بر تو ای ظرف حکم خداوند،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَيْبَةَ سِرِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحٰافِظُ لِوَحْيِ

سلام بر تو ای صندوق اسرار پروردگار، سلام بر تو ای حافظ و نگهدارندهٔ وحی

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُسْتَوْفي في طٰاعَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

الهی، سلام بر تو ای کامل در اطاعت و فرمانبرداری خداوند، سلام بر تو

أَيُّهَا الْمُتَرْجِمُ لِكِتٰابِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدّٰاعي إِلىٰ تَوْحيدِ

ای بیان‌کنندهٔ کتاب خدا، سلام بر تو ای دعوت‌کننده به توحید و یکتائی

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُعَبِّرُ لِمُرٰادِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

خدا، سلام بر تو ای بازگوکنندهٔ مقصود پروردگار، سلام بر تو ای

الْمُحَلِّلُ لِحَلٰالِ اللهِ، وَالْمُحَرِّمُ لِحَرٰامِ اللهِ، وَالدّٰاعي إِلىٰ دينِ اللهِ،

حلال‌کنندهٔ حلال خداوند، و ای حرام‌کنندهٔ حرام خداوند، و فراخواننده به سوی دین خدا،

وَالْمُعْلِنُ لِأَحْكٰامِ اللهِ، وَالْفٰاحِصُ عَنْ مَعْرِفَةِ اللهِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

و آشکارکنندهٔ احکام الهی، و کاوش‌کننده از معرفت خداوند. سلام بر تو

۱. بحار الأنوار: ۳۲۳/۱۰۰.

يٰا أَبَاالْحَسَنِ، أَشْهَدُ يٰا مَوْلٰايَ أَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ وَأَمِينُهُ، وَصَفْوَةُ اللهِ

ای ابا الحسن، گواهی می‌دهم ای مولای من که تو حجّت خداوند و امین او، و برگزیدهٔ خدا

وَحَبِيبُهُ، وَخِيَرَةُ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ عَلىٰ عِبٰادِهِ، أَشْهَدُ أَنَّهُ مَنْ

و حبیب او، و انتخاب‌شده از میان آفریدگان او، و حجّت او بر بندگانش می‌باشی، گواهی می‌دهم که هر کس

وٰالاٰكَ فَقَدْ وٰالَى اللهَ، وَمَنْ عٰاداٰكَ فَقَدْ عٰادَى اللهَ، وَمَنِ اسْتَمْسَكَ

تو را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس با تو دشمنی کند با خدا دشمنی نموده، و هر کس

بِكَ وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ اٰبٰآئِكَ وَوُلْدِكَ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ،

به تو و دیگر امامان از پدران و فرزندانت تمسّک بجوید و به دامن شما چنگ زند به‌دست‌آویز مورد اطمینان چنگ زده و پیوسته است،

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْلٰامُ الْهُدىٰ، وَنُورٌ لِسٰآئِرِ الْوَرىٰ.

و گواهی می‌دهم که شما نشانهٔ تقوا، و پرچم‌های هدایت، و روشنی‌بخش همهٔ جهانیان هستید.

سپس قبر آن حضرت را ببوسید و بگویید:

بِأَبِي أَنْتَ وَاُمّي أَيُّهَا الصِّدّيقُ الشَّهيدُ، بِأَبِي أَنْتَ وَاُمّي يَابْنَ

پدر و مادرم فدایت ای راست‌گفتار و درستکردار شهید، پدر و مادرم فدایت ای پسر

أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيّينَ، وَإِمٰامِ الْمُسْلِمينَ، وَحُجَّةِ اللهِ

امیر مؤمنان و سرور اوصیاء، و پیشوای مسلمانان، و حجّت خدا

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعينَ.

بر همهٔ آفریدگان.

و نزد آن، دو رکعت نماز گزارده و وقتی فارغ شدید و خواستید وداع کنید بگویید:

يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَاالْحَسَنِ، يٰا مَوْلٰايَ أَيُّهَا الرِّضٰا، أَتَيْتُكَ زٰآئِراً،

ای مولای من ای اباالحسن،؛ ای مولای من ای امام رضا؛ به زیارت تو آمده‌ام،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَيْرُ مَزُورٍ بَعْدَ اٰبٰآئِكَ، وَأَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَأَشْهَدُ

و گواهی می‌دهم که تو بهترین زیارت‌شده بعد از پدرانت، و والاترین مقصود هستی، و گواهی می‌دهم

أَنَّ مَنْ زٰارَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ، وَأَبْهَجَ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسٰآءِ

که هر کس تو را زیارت کند با رسول خدا خوشرفتاری و نیکویی کرده، و (حضرت) فاطمه سرور زنان جهانیان را شادمان و مسرور

الْعٰالَمِينَ، وَنٰالَ مِنَ اللهِ الْفَوْزَ الْعَظِيمَ، فَلٰا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ

ساخته، و به رستگاری بزرگی از ناحیهٔ خداوند دست یافته است. خداوند این زیارت را آخرین

مِنْ زِيٰارَتِكَ، وَإِتْيٰانِ مَشْهَدِكَ، وَرَزَقَنِي الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ إِلَيْكَ،

زیارت از شما و دیدارتان، و آمدن به زیارتگاهتان قرار ندهد، و بازگشت دیگر و دیگر روزیم گرداند،

اٰمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ.[1]

این دعایم را به اجابت برسان (ای) پروردگار جهانیان.

۳

زیارت سوّم حضرت امام رضا علیه‌السلام

برای زیارت، غسل نموده و کنار قبر مطهّر ایستاده و می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، و فرزند ولیّ او، سلام بر تو ای حجّت خدا

وَابْنَ حُجَّتِهِ وَأَبٰا حُجَجِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةَ

و فرزند حجّت خدا و پدر حجّت‌های او، سلام بر تو ای پیشوای هدایت و دست‌آویز

الْوُثْقىٰ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ مٰا مَضىٰ

مورد اطمینان، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. گواهی می‌دهم که تو همان راهی را پیمودی

عَلَيْهِ اٰبٰآؤُكَ الطّٰاهِرُونَ عَلَيْهِمُ السَّلٰامُ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً،

که پدران معصوم پاکت ـ که بر آنان درود باد ـ پیمودند، هیچگاه گمراهی را به جای هدایت برنگزیدی،

وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلىٰ بٰاطِلٍ، وَأَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ،

و از حقّ به سوی باطل تمایل پیدا نکردی، و همواره برای خدا و رسولش خیرخواهی کردی،

۱. بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲.

وَأَدَّيْتَ الْأَمٰانَةَ، فَجَزٰاكَ اللهُ عَنِ الْإِسْلٰامِ وَأَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزٰاءِ.

و امانت را به خوبی ادا نمودی، پس خداوند از طرف اسلام و اهل آن بهترین جزا و پاداش را به شما مرحمت کند.

أَتَيْتُكَ بِأَبي وَاُمّي زٰائِراً، عٰارِفاً بِحَقِّكَ، مُوٰالِياً لِأَوْلِيٰائِكَ،

پدر و مادرم به فدای شما؛ به زیارت شما آمده‌ام در حالی‌که به حقّ شما معرفت دارم، با دوستان شما دوست،

مُعٰادِياً لِأَعْدٰائِكَ، فَاشْفَعْ لي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ.[1]

و با دشمنانتان دشمنم، پس برای من شفاعت نما نزد پروردگارت که باعظمت و عزیز است.

سپس خود را بر قبر مبارک بینداز و آن را ببوس و گونه‌هایت را بر آن بگذار و آنگاه سر بردار و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ،

سلام بر تو ای مولای من، ای فرزند رسول خدا، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد،

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمٰامُ الْهٰادي، وَالْمُوٰالِي الرّٰاشِدُ، وَالْوَلِيُّ الْمُجٰاهِدُ،

گواهی می‌دهم که تو پیشوای هدایتگر، و فرمانروای روشنگر، و سرپرست جهادگری،

وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ تَعٰالىٰ مِنْ أَعْدٰائِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ بِمُوٰالاٰتِكَ،

و به سوی خداوند بلندمرتبه از دشمنان تو بیزاری می‌جویم، و با دوستی و ولایت تو به خدا تقرّب می‌یابم،

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

درود خدا و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن، آنچه دوست داری نماز بخوان، سپس پائین‌پای امام علیه السلام برو و آنچه می‌خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی با آن حضرت وداع نمایی، هنگام بازگشتن کنار آن مرقد پاک بایست؛ همان‌گونه که ابتدا ایستادی و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن، سلام بر تو ای فرزند رسول

۱. بحار الأنوار: ۵۱/۱۰۲، المزار الکبیر: ۵۵۱.

اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ،

خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، شما را به خدا می‌سپارم و بر شما درود می‌فرستم،

آمَنّا بِاللهِ وَبِما جِئْتَ بِهِ، وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ.

ایمان آورده‌ایم به خدا و به آنچه از احکام و دستورات آورده‌ای و بر آن رهنمون گشته‌ای. خداوندا؛ نام ما را در زمرهٔ گواهان ثبت کن.

پس از آن، بار دیگر خود را بر روی قبر شریف بینداز و آن را ببوس و گونه‌هایت را بر آن بگذار و بازگرد.[1]

۴

زیارت جوادیّه[2]

یا زیارت چهارم امام رضا علیه‌السلام

مرحوم علّامهٔ مجلسی فرموده است: در نسخه‌ای قدیمی ـ که تاریخ تألیف آن، سال ۷۴۶ هـ ذکر شده و از تألیفات علمای پیشین بوده است ـ زیارتی را برای **حضرت امام رضا** علیه‌السلام یافتم و آن را همان‌گونه که یافته‌ام نقل می‌کنم:

در آن، مرقوم داشته‌اند: زیارت مولا و سرور ما **حضرت امام رضا** ـ که بر او و پدران و فرزندانش درود و رحمت الهی باد ـ در هر زمانی شایسته و نیکو است و بهترین زمان آن، ماه رجب است، و این زیارت از فرزندش امام جواد علیه‌السلام برای آن حضرت روایت شده است:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ أَوْلِيآئِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفيرَ

سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند اولیای او، سلام بر تو ای نمایندهٔ

اللهِ وَابْنَ سُفَرآئِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَجِهِ.

خدا (در میان بندگانش) و فرزند نمایندگانش، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت‌های او.

۱. المزار الکبیر: ۵۵۱.

۲. مرحوم محدّث قمی، زیارت جوادیّه را در «مفاتیح الجنان» نقل نکرده است ولی در «تحفهٔ طوسیّه ص ۹۰» ـ که کتاب مختصری دربارهٔ **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و زیارت آن حضرت است ـ ذکر نموده است.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمٰاتِ الْاَرْضِ وَابْنَ أَنْوٰارِهِ.

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین و فرزند انوار الهی،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا عَمُودَ الدِّينِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْاَنْبِيٰآءِ

سلام بر تو ای اساس دین، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از) پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ

و رسولان، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) آدم برگزیدهٔ خداوند، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُوحٍ نَجِيِّ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ اِبْرٰاهِيمَ

بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) نوح همراز پروردگار، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) ابراهیم

خَلِيلِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ اِسْمٰعِيلَ ذَبِيحِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ

دوست ویژهٔ خداوند، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) اسماعیل فدائی راه خدا، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عيسىٰ

بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) موسی هم‌سخن با خداوند، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) عیسی

رُوحِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ (حَبِيبِ اللهِ وَ) رَسُولِ

روح خدا، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) محمّد (دوست خدا و) فرستادهٔ

اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طٰالِبٍ

خدا. سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) امیر مؤمنان علیّ بن ابی طالب

عَلَيْهِ السَّلاٰمُ وَلِيِّ اللهِ، وَوَصِيِّ رَسُولِ اللهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا

- که بر او سلام و درود باد - ولیّ خدا و وصیّ و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای

وٰارِثَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰآءِ، سَيِّدَةِ نِسٰآءِ الْعٰالَمِينَ، بِنْتِ رَسُولِ اللهِ.

ارث‌برنده (از حضرت) فاطمهٔ زهرا، سرور زنان جهانیان، دختر رسول خدا،

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيْ شَبٰابِ أَهْلِ

سلام بر تو ای ارث‌برنده (از) امام حسن و امام حسین، دو سرور جوانان اهل

الْجَنَّةِ، (وَسِبْطَيْ رَسُولِ اللهِ.) اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عَلِيِّ بْنِ

بهشت، (و دو سبط رسول خدا،) سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) علیّ بن

الْحُسَيْنِ، سَيِّدِ السّاجِدِينَ وَزَيْنِ الْعابِدِينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

الحسین، سرور سجده‌کنندگان و زینت اهل عبادت، سلام بر تو ای

وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، باقِرِ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. اَلسَّلامُ

ارث‌برنده (از حضرت) محمّد بن علی، شکافندهٔ علم و دانش پیشینیان و آیندگان. سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلصّادِقِ الْبارِّ التَّقِيِّ الْاَمِينِ.

بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) جعفر بن محمّد راستگفتار نیکوکار پرواپیشه امانتدار،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، اَلْعالِمِ الْكاظِمِ،

سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) موسی بن جعفر، دانشمند، فروبرندهٔ خشم،

اَلْحَفِيِّ الْحَلِيمِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدّيقُ الشَّهِيدُ. اَلسَّلامُ

مهربان، بردبار. سلام بر تو ای راستگفتار شهید. سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ، اَلْبَرُّ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

بر تو ای وصیّ پسندیده، نیکوکار پرواپیشه، وفادار. گواهی می‌دهم که تو

أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

نماز را به پا داشتی، و زکات پرداختی، و به خوبی‌ها فرمان دادی، و از

الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

زشتی‌ها نهی نمودی و بازداشتی، و خدا را تا فرارسیدن مرگ خالصانه پرستش کردی. سلام بر تو ای

إِمامَ قَصِيبٍ، وَإِمامَ نَجِيبٍ، وَإِمامَ بَعِيدٍ قَرِيبٍ، وَإِمامَ مَسْمُومٍ

امام بزرگوار، و امام نیک‌نژاد، و امام بعید (از آشنایان) و قریب (در میان دشمنان)، و امامی که مسموم

غَرِيبٍ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعالِمُ النَّبِيهُ، وَالْقَدْرُ الْوَجِيهُ، اَلنّازِحُ

و غریب است. سلام بر تو ای دانشمند بزرگوار؛ و ارزشمند آبرومند، دورافتاده

عَنْ تُرْبَةِ جَدِّهِ وَأَبِيهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَمَرَ أَوْلادَهُ وَعِيالَهُ

از مرقد پاک جدّ و پدرش. سلام بر آن‌که دستور داد فرزندان و اهل و عیالش را

بِالنِّياحَةِ عَلَيْهِ قَبْلَ وُصُولِ الْقَتْلِ إِلَيْهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ دِيارِكُمُ

که پیش از رسیدن شهادتش بر او نوحه‌سرایی کنند. سلام بر شهر و دیارتان که از

الْمُوحَشاتِ، كَمَا اسْتَوْحَشَتْ مِنْكُمْ مِنىٰ وَعَرَفاتُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ

وجود شما خالی گشته؛ همان‌طور که مِنی و عرفات از وجود شما خالی مانده است. سلام بر

سادَاتِ العَبيدِ، وَعُدَّةِ الْوَعيدِ، وَالْبِئْرِ الْمُعَطَّلَةِ، وَالْقَصْرِ الْمَشيدِ.

سروران بندگان، وسرمایه‌های روز جزا برای رفع‌وعده‌های عقاب، و امام حاضر و غائب (چاه پرآب و قصر باشکوهی که از آن‌هااستفاده

اَلسَّلامُ عَلىٰ غَوْثِ اللَّهْفانِ، وَمَنْ صارَتْ بِهِ أَرْضُ خُراسانَ

نمی‌شود). سلام بر فریادرس دلسوختگان، و آن کسی‌که سرزمین خراسان به برکت او

خُراسانَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ قَليلِ الزّائِرينَ، وَقُرَّةِ عَيْنِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ

خراسان گشت. سلام بر آن‌که زائرین او اندکند، و نور چشمان (حضرت) فاطمه سرور

نِسآءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَى الْبَهْجَةِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالْأَخْلاقِ

زنان جهانیان. سلام بر آن طراوت و نشاط رضوی، و اخلاق

الرَّضِيَّةِ، وَالْغُصُونِ الْمُتَفَرَّعَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ. اَلسَّلامُ

پسندیده، و شاخه‌های روئیده‌شده از شجرهٔ طیّبهٔ احمدی. سلام

عَلىٰ مَنِ انْتَهىٰ إِلَيْهِ رِئاسَةُ الْمُلْكِ الْأَعْظَمِ، وَعِلْمُ كُلِّ شَيْءٍ

بر کسی که ریاست مُلک هستی و همهٔ عالم وجود، و دانش هر چیز به او منتهی گشته

لِتَمامِ الْأَمْرِ الْمُحْكَمِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَسْماؤُهُمْ وَسيلَةُ السّائِلينَ،

تا حکم و فرمان قطعی خداوند کامل گردد. سلام بر آنان‌که نام‌های مبارک‌شان وسیله‌ای برای درخواست‌کنندگان،

وَهَياكِلُهُمْ أَمانُ الْمَخْلُوقينَ، وَحُجَجُهُمْ إِبْطالُ شُبَهِ الْمُلْحِدينَ.

و جسم پاکشان امان‌بخش آفریدگان، و دلایل‌شان باطل‌کنندهٔ شبهه‌های کافران بی‌دین است.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ كُسِرَتْ لَهُ وِسادَةُ والِدِهِ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، حَتّى

سلام بر کسی که گسترده شده برای او مسند پدر بزرگوارش امیر مؤمنان، تا

خَصَمَ أَهْلَ الْكُتُبِ، وَثَبَّتَ قَواعِدَ الدّينِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلَمِ

با اهل کتاب به بحث و گفتگو بپردازد، و بر آن‌ها غلبه کند و ارکان و پایه‌های دین را ثابت و استوار گرداند. سلام بر مهتر

الْأَعْلامِ، وَمَنْ كُسِرَتْ قُلُوبُ شيعَتِهِ بِغُرْبَتِهِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

مهتران، و کسی که دل‌های شیعیانش به خاطر غربت او شکسته و محزون است تا روز قیامت.

اَلسَّلامُ عَلَى السِّراجِ الْوَهّاجِ، وَالْبَحْرِ الْعَجّاجِ، اَلَّذي صارَتْ

سلام بر چراغ فروزنده، و دریای عمیق پرتلاطم، آن‌که

تُرْبَتُهُ مَهْبَطَ الْأَمْلاكِ وَالْمِعْراجَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ اُمَرآءِ الْإِسْلامِ،

تربت پاک و مرقد منوّرش محلّ فرودآمدن فرشتگان و بالا رفتن آنان است، سلام بر فرمانروایان اسلام،

وَمُلُوكِ الْإيمانِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ باهِرِي النُّورِ، وَطاهِرِي الْوِلادَةِ،

و پادشاهان ایمان، سلام بر نورهای تابان، و پاک ولادت‌یافتگان،

وَمَنْ أَطْلَعَهُمُ اللهُ بِفَضْلِهِ عَلىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، وَجَعَلَهُمْ

و کسانی که خدا به فضل و احسان خود آنان را بر علم غیب و شهود آگاه نموده، و آنان را

بِإِفْضالِهِ مَنْبَعَ الْهُدىٰ، وَمَعْدِنَ السَّعادَةِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ ابْتَهَجَتْ

به لطف خود سرچشمهٔ هدایت و معدن سعادت قرار داده، سلام بر کسی که نشاط‌آفرین گردید

بِهِ مَعالِمُ طُوسٍ، حَيْثُ حَلَّ بِرَبْعِها.

نشانه‌های راه طوس با ورود او برای خانه‌گرفتن در آن.

يا أَرْضَ طُوسٍ سَقاكِ اللهُ رَحْمَتَهُ

ای سرزمین طوس؛ خداوند تو را از رحمتش سیراب گرداند

ماذا ضَمِنْتِ مِنَ الْخَيْراتِ يا طُوسُ

چه گوهری از خوبی‌ها و کمالات در برگرفته‌ای ای سرزمین طوس؟

طابَتْ بُقاعُكِ فِي الدُّنْيا وَطابَ بِها

بقعه‌هایت در دنیا دلپسند گشت و به آن خشنود گردید

شَخْصٌ ثَوىٰ بِسَناباذٍ وَمَرْمُوسٌ

شخصی که در سناباد آرمیده و در میان مرقد پاکش اقامت گزیده است

شَخْصٌ عَزيزٌ عَلَى الْإِسْلامِ مَصْرَعُهُ

شخصی که مدفن مبارکش بر اسلام، عزیز و گرانبها است

فِي رَحْمَةِ اللهِ مَغْمُورٌ وَمَغْمُوسٌ

در رحمت خدا فرو رفته و غرق گشته و پوشیده است

يٰـــا قَـــبْرَهُ أَنْتَ قَـبْرٌ قَـدْ تَـضَمَّنَهُ

ای مرقد منوّر او؛ تو قبری هستی که در برگرفته‌ای

حِـــلْمٌ وَعِـلْمٌ وَتَـطْهيرٌ وَتَـقْديسٌ

بردباری و دانش و پاکی و همهٔ صفات والا را

فَـــافْخَرْ بِأَنَّكَ مَـــغْبُوطٌ بِـــجُثَّتِهِ

پس افتخار کن که با در برگرفتن آن جثّهٔ پاک، مورد رشک دیگران هستی

وَبِـــالْمَلٰائِكَةِ الْأَطْـهٰارِ مَـحْرُوسٌ

و با فرشتگان پاک الهی حراست و نگهبانی می‌شوی

في كُلِّ عَصْرٍ لَنٰا مِنْكُمْ إِمٰامُ هُـدًى

در هر عصر و زمانی از شما خاندان پیشوای هدایتگری برای ما است

فَـــرَبْعُهُ ٰاهِـــلٌ مِـــنْكُمْ وَمَأْنُـوسٌ

و این سرا از وجود او شایستگی یافته و به او مأنوس گشته است

أَمْسَتْ نُـجُومُ سَـمٰآءِ الدّيـنِ ٰافِـلَةً

ستارگان آسمان دین غروب کرده و پنهان گشتند

وَظَلَّ اُسْدُ الشَّرىٰ قَدْ ضَمَّهَا الْخيسُ

و شیران وادی شجاعت در بیشهٔ خود آرمیدند و مأوا گرفتند

غٰـــابَتْ ثَـــمٰانِيَةٌ مِـــنْكُمْ وَأَرْبَـعَةٌ

از شما خاندان بابرکت هشت تن پنهان گشته و چهار شخص دیگر

تُرْجىٰ مَطٰالِعُهٰا مٰـا حَـنَّتِ الْـعيسُ

طلوع و درخشش آنان امید می‌رود تا مادامی که شتران به فرزندان خود مهربانی و دلسوزی دارند

[حَتّٰى مَتىٰ يَزْهَرَ الْحَقُّ الْمُنيرُ بِكُـمْ

کی و چه زمانی آن حقّ روشنی‌بخش به وجود شما می‌درخشد؟

فَالْحَقُّ في غَيْرِكُمْ دٰاجٍ وَمَـطْمُوسٌ]

حقّ در غیر شما تاریک و ناپدید و نابود است.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُفْتَخَرِ الْأَبْرارِ، وَنآئِي الْـمَزارِ، وَشَـرْطِ دُخُـولِ

سلام بر آنکه مایهٔ فخر و مباهات نیکوکاران است، و زیارتگاهش دورافتاده است، و (او) شرط داخل‌شدن

الْجَنَّةِ وَالنّارِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ لَمْ يَقْطَعِ اللهُ عَـنْهُمْ صَـلَواتِـهِ

در بهشت (و در صورت نپذیرفتن ولایتش) دوزخ است، سلام بر کسانی که خداوند درود و صلواتش را

في آنآءِ السّاعاتِ، وَبِهِمْ سَكَـنَتِ السَّـواكِـنُ، وَتَـحَرَّكَتِ

در همهٔ لحظه‌ها و ساعت‌ها بر آنان پیوسته می‌فرستد و هرگز قطع نمی‌کند، و به برکت وجود ایشان ساکنان، سکونت و آرامش و

الْمُتَحَرِّكاتُ. اَلسَّلامُ عَـلىٰ مَـنْ جَـعَلَ إِمامَتَهُمْ مُـمَيِّزَةً بَـيْنَ

حرکت‌کنندگان، تحرّک دارند. سلام بر کسانی‌که خداوند امامت‌شان را مایهٔ امتیاز بین دو فرقه

الْفَريقَيْنِ، كَما تَعَبَّدَ بِوِلايَتِهِمْ أَهْـلَ الْـخافِقَيْنِ. اَلسَّـلامُ عَـلىٰ

(شیعه و سنی) و تشخیص آنها از یکدیگر قرار داده، همانطور که اهل مشرق و مغرب را نسبت به ولایت باطنی ایشان مطیع ساخته و مغلوب

مَنْ أَحْيَى اللهُ بِهِمْ دارِسَ حِكَمِ النَّـبِيّينَ، وَابْـتَعَثَهُمْ بِـوِلايَتِهِمْ

گردانیده است، سلام بر کسی که خداوند به وسیلهٔ آنان احکام و آثار محوشدهٔ پیامبران را زنده گردانید، و آنان را با ولایت ایشان مبعوث گردانید،

لِتَمامِ كَلِمَةِ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ. اَلسَّـلامُ عَـلىٰ شُـهُورِ الْـحَوْلِ،

برای کامل شدن نشانهٔ خداوندی که پروردگار جهانیان است. سلام بر ماه‌های سال،

وَعَدَدِ السّاعاتِ، وَعَدَدِ لا إِلٰـهَ إِلَّا اللهُ فـي رُقُـومِ (الرُّقُـومِ)

و عدد ساعت‌های روز، و عدد «لا إله إلاّ الله» در حساب ابجد (که دوازده

الْمُسَطَّراتِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ إِقْبالِ الدُّنْيا وَسُعُودِها، وَمَنْ سُـئِلُوا

می‌شود). سلام بر روی‌آوردن دنیا با همهٔ خیر و برکت و سعادتش، و کسانی که وقتی

عَنْ كَلِمَةِ التَّوْحيدِ، فَقالُوا نَحْنُ وَاللهِ مِـنْ شُـرُوطِها. اَلسَّـلامُ

از کلمهٔ توحید سؤال شدند فرمودند: به خدا قسم؛ ما از شروط آن هستیم، سلام

عَلىٰ مَنْ يُعَلَّلُ وُجُودُ كُـلِّ مَـخْلُوقٍ بِـوِلائِهِمْ، وَمَـنْ خَـطَبَتْ

بر کسانی که وجود هر آفریننده‌ای به ولای ایشان وابسته است، و کسانی که

لَهُمُ الْخُطَباءُ.

خطباء برای آن‌ها خطبه خواندند.

بِسَبْعَةِ اٰبٰآءٍ، هُمْ مٰا هُمْ؟

به نام هفت تن از پدران، که آن‌ها چه کسانی هستند آنان؟!

هُمْ أَفْضَلُ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْغَمٰامِ

ایشان بهترین کسانی هستند که باران بر آن‌ها فرود آمده.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَنْ عَلاٰ مَجْدُهُمْ وَثَنٰآؤُهُمْ، وَفٰاقَ الْأَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ

سلام بر کسانی که شکوه و عظمت و ثناء آنان والاست، و پدران‌شان و فرزندانشان بر اوّلین

اٰبٰآؤُهُمْ وَأَبْنٰآؤُهُمْ. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَنِ افْتَخَرَ الْفَخْرُ بِفَخْرِهِمْ،

و آخرین برتری دارند. سلام بر کسانی که بزرگی و شرف به بزرگواری ایشان افتخار می‌کند،

وَعَلٰابِهِمْ بِوُجُوبِ الصَّلٰاةِ عَلَيْهِمْ، وَطَهٰارَةِ ثِيٰابِهِمْ. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ

و برتری یافته‌اند به وجوب درود فرستادن بر آنان، و به پاکی لباس‌شان. سلام بر آن

قَمَرِ الْأَقْمٰارِ، وَفَخْرِ الْأَبرٰارِ، اَلْمُتَكَلِّمِ مَعَ أَهْلِ كُلِّ لُغَةٍ بِلِسٰانِهِمْ،

ماه میان ماه‌ها، و افتخار نیکوکاران، (آن‌که) با اهل هر لغتی با زبان آنان سخن گفته است،

اَلْقٰائِلِ لِشيعَتِهِ مٰا كٰانَ اللهُ لِيُوَلِّيَ إِمٰاماً عَلىٰ أُمَّةٍ حَتّٰى يُعَرِّفَهُ

به یکی از شیعیانش فرمود: خداوند امامی را به عنوان عهده‌دار امور امّت قرار نمی‌دهد تا آنکه او را

بِلُغٰاتِهِمْ وَأَدْيٰانِهِمْ. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ فُرْحَةِ الْقُلُوبِ، وَفَرَجِ الْكُرُوبِ،

به لغات آنان و آئین‌های آنان آشنا گرداند. سلام بر شادمانی دل‌ها، و برطرف‌کنندهٔ غم‌ها،

وَشَرِيفِ الْأَشْرٰافِ، وَمَفْخَرِ عَبْدِ مَنٰافٍ، يٰا لَيْتَني كُنْتُ مِنَ

و بزرگ بزرگان، و مایهٔ فخر و شرافت عبد مناف، ای کاش از

الطّٰآئِفِينَ بِعَرْصَةِ حَضْرَتِهِ، مُسْتَشْهِداً لِبَهْجَةِ مُؤٰانِسَتِهِ.

طواف‌کنندگان درگاه مقدّس او، و گواه طراوت همدمی و انس با او بودم.

أَطُوفُ بِبٰابِكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ

در هر لحظه و ساعت به آستان شما طواف می‌کنم

كَأَنَّ بِبٰابِكُمْ جُعِلَ الطَّوٰافُ

گویا طواف، برای آستان شما قرار داده شده است.

اَلسَّلامُ عَلَى الْإِمامِ الرَّؤُوفِ، اَلَّذي هَيَّجَ أَحْزانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ،

سلام بر امام رئوف و مهربان، آن‌که غصّه‌های او یادآور خاطرهٔ غم‌انگیز صحنهٔ کربلا بود،

بِاللهِ أُقْسِمُ وَبِآبائِكَ الْأَطْهارِ، وَبِأَبْنائِكَ الْمُنْتَجَبينَ الْأَبْرارِ، لَوْلا

به خدا سوگند و به پدران پاکت، و به فرزندانت که برگزیدگان نیکوکارند؛ اگر

بُعْدُ الشُّقَّةِ حَيْثُ شَطَّتْ بِكُمُ الدّارُ، لَقَضَيْتُ بَعْضَ واجِبِ حَقِّكُمْ

دوری راه به خاطر پراکندگی خانه‌های شما نبود، با تکرار زیارت، بعضی از حقوق واجب شما

بِتَكْرارِ الْمَزارِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا حُماةَ الدّينِ، وَأَوْلادَ النَّبِيّينَ،

را که به عهدهٔ من است ادا می‌نمودم. سلام بر شما ای حامیان دین، و فرزندان پیامبران،

وَسادَةَ الْمَخْلُوقينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و سرور آفریدگان، و رحمت خدا و برکات او بر همهٔ شما باد.

این زیارت از مولای ما، امام کلّ عاکف و بادٍ، ابی جعفر الثانی محمّد بن علیّ الجواد علیه الصلاة والتسلیم روایت شده است.[1]

محدّث قمی رحمه‌الله نوشته است: شیخ مفید رحمه‌الله فرموده: مستحبّ است بعد از نماز زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، این دعا را بخوانند.

محدّث قمی رحمه‌الله پس از ذکر این دعا از علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله نقل کرده است که آن بزرگوار فرموده است: اگر در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام زیارت جوادیّه را خواندید، خواندن این دعا را ترک نکنید:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ يا اَللهُ، اَلدّائِمُ في مُلْكِهِ، اَلْقائِمُ في عِزِّهِ،

خداوندا؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم ای خدا، (خدایی) که در پادشاهی‌اش پایدار، در عزّت و نیرومندی‌اش پابرجا،

اَلْمُطاعُ في سُلْطانِهِ، اَلْمُتَفَرِّدُ في كِبْرِيائِهِ، اَلْمُتَوَحِّدُ في دِيْمُومِيَّةِ

در سلطنتش همه منقاد او، در کبریائی‌اش یگانه، در همیشگی بقاء و ماندگاریش یکتا و بی‌نظیر

بَقائِهِ، اَلْعادِلُ في بَرِيَّتِهِ، اَلْعالِمُ في قَضِيَّتِهِ، اَلْكَريمُ في تَأْخيرِ

است، در میان آفریدگانش عدالت‌پیشه و دادگر، در حکم‌کردنش عالم و دانا، در تأخیر

۱. بحار الأنوار: ۵۲/۱۰۲، أربعة ایّام: ۵۵، تحفهٔ طوسیّه: ۹۰ با تفاوت اندک.

عُقُوبَتِهِ. إِلٰهي حٰاجٰاتي مَصْرُوفَةٌ إِلَيْكَ، وَاٰمٰالي مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ،

کیفرش کریم و بزرگوار است. معبودا؛ حاجت‌های من بازگشتش به سوی تو است، و آرزوهایم به آستان تو گره خورده،

وَكُلَّمٰا وَفَّقْتَني بِخَيْرٍ فَأَنْتَ دَلٰيلي عَلَيْهِ، وَطَرٰيقي إِلَيْهِ، يٰا قَدٰيراً

و هر گاه به کار خیری توفیقم دهی تو راهنمای من بر آن، و راهگشای من به سوی آن هستی، ای توانایی که

لٰاتَؤُودُهُ الْمَطٰالِبُ، يٰا مَلِيّاً يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ رٰاغِبٍ، مٰا زِلْتُ مَصْحُوباً

درخواست‌ها او را درمانده نمی‌کند، ای مهربانی که هر مشتاقی به او پناه می‌آورد، همواره

مِنْكَ بِالنِّعَمِ، جٰارِياً عَلىٰ عٰادٰاتِ الْإِحْسٰانِ وَالْكَرَمِ. أَسْأَلُكَ

با نعمت‌های تو همراهم، و همیشه عادت‌های احسان و کرم به سویم جاری است. از تو می‌خواهم

بِالْقُدْرَةِ النّٰافِذَةِ في جَميعِ الْأَشْيٰاءِ، وَقَضٰائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذي تَحْجُبُهُ

به آن قدرتت که در تمام اشیا نافذ و قابل اجرا است، و به آن حکم تأییدشده و رأی قطعی که

بَأَيْسَرِ الدُّعٰاءِ، وَبِالنَّظْرَةِ الَّتي نَظَرْتَ بِهٰا إِلَى الْجِبٰالِ فَتَشٰامَخَتْ،

با کمترین دعا آن را می‌پوشانی و نادیده می‌گیری، و به نگاهی که به کوه‌ها نمودی پس بلند و برافراشته گردیدند،

وَإِلَى الْأَرَضينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَإِلَى السَّمٰاوٰاتِ فَارْتَفَعَتْ، وَإِلَى

و به زمین‌ها نمودی پس گسترده و هموار شدند، و به آسمان‌ها نمودی پس بالا و رفیع گردیدند، و به

الْبِحٰارِ فَتَفَجَّرَتْ. يٰا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوٰاتِ لَحَظٰاتِ الْبَشَرِ، وَلَطُفَ

دریاها نمودی پس بیرون آمدند و آشکار گشتند. ای کسی که بزرگتر است از اینکه با ابزار چشم و نگاه‌های تیز آن دیده شود، و لطیفتر است

عَنْ دَقٰائِقِ خَطَرٰاتِ الْفِكَرِ، لٰاتُحْمَدُ يٰا سَيِّدي إِلّٰا بِتَوْفيقٍ مِنْكَ

از آنکه با دقّت خطورهای فکر و اندیشه درک شود، سپاس نمی‌شوی ـ ای سرور من ـ مگر به توفیقی که خودت عنایت کنی که آن،

يَقْتَضي حَمْداً، وَلٰاتُشْكَرُ عَلىٰ أَصْغَرِ مِنَّةٍ إِلّٰا اسْتَوْجَبْتَ بِهٰا

حمد و سپاس دیگری را اقتضا می‌کند، و بر کوچکترین نعمتت شکرگزاری نمی‌شوی مگر اینکه سزاوار شکر دیگری

شُكْراً، فَمَتىٰ تُحْصىٰ نَعْمٰاؤُكَ يٰا إِلٰهي وَتُجٰازي اٰلآؤُكَ يٰا مَوْلٰايَ،

می‌گردی، پس چه زمان نعمت‌هایت شمرده می‌شود ای خدای من؟ و الطاف و احسانت پاداش داده می‌شود ای مولای من؟

وَتُكٰافَئُ صَنٰايِعُكَ يٰا سَيِّدي. وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحٰامِدُونَ،

و خوبی‌های تو جبران شود ای سرور من؟ و این از نعمت تو است که سپاسگزاران تو را سپاس گویند،

وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشّاكِرُونَ، وَأَنْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ فِي

و از موجبات شکر تو است که شکرکنندگان تو را شکر می‌کنند، و تو مورد اعتماد و تکیه‌گاه برای گناهان هستی در

عَفْوِكَ، وَالنّاشِرُ عَلَى الْخاطِئِينَ جَناحَ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكاشِفُ

عفو و بخشش، و گسترانندهای بر خطاکاران بال پوشش خود را، و تو برطرف‌کنندهٔ بیچارگی

لِلضُّرِّ بِيَدِكَ. فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفاها حِلْمُكَ حَتّى دَخَلَتْ، وَحَسَنَةٍ

وزیانکاری با دست خود هستی. پس چه بسیار از گناهان که آن را حلم وبردباری تو پوشانید تا از بین رفت، و (چه بسیار) کار خوبی

ضاعَفَها فَضْلُكَ حَتّى عَظُمَتْ عَلَيْها مُجازاتُكَ، جَلَلْتَ أَنْ يُخافَ

که فضل و احسان تو آن را دو چندان نمود تا کیفرت بر آن بسیار شد، (تو) برتر از آن هستی که از تو ترسیده شود (کسی)

مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجىٰ مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسانُ وَالْفَضْلُ، فَامْنُنْ

مگر به خاطر عدالت (تو)، و از تو جز لطف و احسان امید برده شود، پس بر من

عَلَيَّ بِما أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلاتَخْذُلْني بِما يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ. سَيِّدي

به آنچه فضل و احسانت ایجاب می‌کند منّت گذار، و به آنچه عدل و انصافت حکم می‌کند خوار مگردان. ای سرور من؛

لَوْ عَلِمَتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبي لَساخَتْ بي، أَوِ الْجِبالُ لَهَدَّتْني، أَوِ

اگر زمین گناهم را بداند مرا در خود فرو می‌برد، یا اگر کوه‌ها بدانند مرا درهم می‌شکنند، یا اگر

السَّمٰواتُ لَاخْتَطَفَتْني، أَوِ الْبِحارُ لَأَغْرَقَتْني، سَيِّدي سَيِّدي

آسمان‌ها بدانند با سرعت می‌ربایند، یا اگر دریاها بدانند مرا غرق می‌سازند. سرور من؛ سرور من؛

سَيِّدي، مَوْلايَ مَوْلايَ مَوْلايَ قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفي لِضِيافَتِكَ،

سرور من؛ مولای من؛ مولای من؛ ماندن و توقّف من برای ضیافت و مهمانی تو پیاپی انجام گرفته،

فَلاتَحْرِمْني ما وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضينَ لِمَسْأَلَتِكَ. يا مَعْرُوفَ

پس از آنچه به درخواست‌کنندگان و گدایانت وعده فرموده‌ای مرا محروم مگردان. ای شناخته‌شدهٔ

الْعارِفينَ، يا مَعْبُودَ الْعابِدينَ، يا مَشْكُورَ الشّاكِرينَ، يا جَليسَ

صاحبان معرفت؛ ای معبود عبادت‌کنندگان؛ ای شکرگزاری‌شدهٔ شکرکنندگان؛ ای همنشین

الذّاكِرينَ، يا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يا

کسانی که به یاد او هستند؛ ای ستایش‌شدهٔ کسی که او را ستایش کرده؛ ای یافت‌شدهٔ هر کس او را طلب کند؛ ای

مَوْصُوفَ مَنْ وَحَّدَهُ، يٰا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يٰا غَوْثَ مَنْ أَرٰادَهُ،

توصیف‌شدهٔ هر کس او را یگانه بخواند؛ ای محبوب هر کس او را دوست بدارد؛ ای فریادرس هر کس او را اراده کند؛

يٰا مَقْصُودَ مَنْ أَنٰابَ إِلَيْهِ، يٰا مَنْ لٰايَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ

ای مقصود هر کس به سوی او بازگشت کند؛ ای کسی که غیب و پنهانی را جز او نمی‌داند؛ ای کسی که

لٰايَصْرِفُ السُّوٓءَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لٰايُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ

بدی را جز او بازنمی‌گرداند؛ ای کسی که تدبیر و چاره‌اندیشی امور را جز او نکند؛ ای کسی که

لٰايَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لٰايَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلّٰا هُوَ، يٰا مَنْ لٰايُنَزِّلُ

گناه را جز او نیامرزد؛ ای کسی که آفریدگان را جز او نیافریند؛ ای کسی که

الْغَيْثَ إِلّٰا هُوَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي يٰا خَيْرَ

باران را جز او نازل نکند؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا بیامرز ای بهترین

الْغٰافِرِينَ. رَبِّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ حَيٰآءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ

آمرزنده. پروردگارا؛ همانا من استغفار می‌کنم استغفاری که از روی حیا است، و استغفار می‌کنم استغفاری که

رَجٰآءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ إِنٰابَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ رَغْبَةٍ،

از روی امید است، و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی بازگشت است، و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی اشتیاق است،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ رَهْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ طٰاعَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ

واستغفار می‌کنم استغفاری که از روی ترس است، واستغفار می‌کنم استغفاری که از روی اطاعت وفرمانبرداری است، واستغفار می‌کنم

اسْتِغْفٰارَ إِيمٰانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ إِقْرٰارٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ

استغفاری که از روی ایمان است، و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی اقرار و اعتراف است، و استغفار می‌کنم استغفاری که

إِخْلٰاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ تَقْوىٰ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ تَوَكُّلٍ،

از روی اخلاص است، و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی تقوا و پرهیزکاری است، و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی توکّل و اعتماد است،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ ذِلَّةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفٰارَ عٰامِلٍ لَكَ، هٰارِبٍ

و استغفار می‌کنم استغفاری که از روی ذلّت و خواری است، و استغفار می‌کنم استغفار کسی که برای تو عمل‌کننده است، و

مِنْكَ إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَيَّ وَعَلىٰ

از تو به سوی خودت گریزان است، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و توفیق توبه بر من و بر

وٰالِدَيَّ بِمٰا تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

پدر و مادرم بده به آنچه که بر تمام آفریدگانت توفیق توبه داده‌ای و می‌دهی، ای مهربانترین مهربان‌ها.

يٰا مَنْ تُسَمّٰى بِالْغَفُورِ الرَّحيمِ، يٰا مَنْ تُسَمّٰى بِالْغَفُورِ الرَّحيمِ،

ای کسی که آمرزندهٔ مهربان نامیده شده‌ای؛ ای کسی که آمرزندهٔ مهربان نامیده شده‌ای؛

يٰا مَنْ تُسَمّٰى بِالْغَفُورِ الرَّحيمِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَٰالِ مُحَمَّدٍ،

ای کسی که آمرزندهٔ مهربان نامیده شده‌ای؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَاقْبَلْ تَوْبَتي، وَزَكِّ عَمَلي، وَاشْكُرْ سَعْيي، وَارْحَمْ ضَرٰاعَتي،

و توبه‌ام را بپذیر، و عملم را پاکیزه گردان، و سعی و تلاشم را پاداش بده، و به خواری و حقارت و ناتوانی من رحم کن،

وَلٰاتَحْجُبْ صَوْتي، وَلٰاتُخَيِّبْ مَسْأَلَتي، يٰا غَوْثَ الْمُسْتَغيثينَ،

و صدایم را پوشیده مدار، و مرا نسبت به درخواستم ناکام و ناامید مگردان، ای فریادرس آنانکه از او فریادرسی و کمک بخواهد؛

وَأَبْلِغْ أَئِمَّتي سَلٰامي وَدُعٰآئي، وَشَفِّعْهُمْ في جَميعِ مٰا سَأَلْتُكَ،

و به امامان من و سلام و دعایم را برسان، و آنان را در تمام آنچه از تو درخواست نموده‌ام شفیع و واسطهٔ من گردان،

وَأَوْصِلْ هَدِيَّتي إِلَيْهِمْ كَمٰا يَنْبَغي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذٰلِكَ مٰا

و هدیهٔ مرا آن‌طور که شایستهٔ آنان است به ایشان برسان، و آن‌گونه که

يَنْبَغي لَكَ، بِأَضْعٰافٍ لٰايُحْصيهٰا غَيْرُكَ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا

شایستهٔ تو است بر آن بیفزا، افزودنی که غیر تو نتواند آن را شمارش کند، و هیچ توانایی و نیرویی جز

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ أَطْيَبِ الْمُرْسَلينَ مُحَمَّدٍ

به سبب خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست، و درود خدا بر عزیزترین رسولان، (حضرت) محمّد

وَٰالِهِ الطّٰاهِرينَ.[1]

و آل پاک او باد.

۱. بحار الأنوار: ۵۵/۱۰۲، مفاتيح الجنان: ۱۱۴۵، كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۳۴.

۵

زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه‌السلام

مرحوم کفعمی و علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله و دیگران، این صلوات را به عنوان زیارت نقل کرده‌اند و فرموده‌اند:

در روایت معتبر از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام آمده است که چون به حرم **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام وارد شدید، بگویید:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضىٰ، اَلْإِمٰامِ التَّقِيِّ

خداوندا؛ درود فرست بر علیّ بن موسی که راضی و پسندیده شده است، پیشوای پرهیزکار

النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ،

پاکیزه‌سرشت است، و حجّت تو بر هر کس بالای زمین و بر هر کس در زیر خاک می‌باشد.

اَلصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلٰاةً كَثِيرَةً تٰآمَّةً (نٰامِيَةً) زٰاكِيَةً مُتَوٰاصِلَةً

آن بسیار راستگوی شهید، درود فراوانِ تمام، (نشو و نماکننده یا افزون‌شونده) پاکیزه، بهم‌پیوسته،

مُتَوٰاتِرَةً مُتَرٰادِفَةً، كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيٰآئِكَ. [1]

زیاد پی در پی، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای خود فرستادی.

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: بعد از اذن ورود، در حالی‌که غسلِ زیارت کرده باشید، این زیارت را بخوانید.[2]

---

۱. بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲، تحفة الزائر (مخطوط): ۲۹۱، مزار آقاجمال خوانساری: ۵۶.

۲. البلد الأمین: ۴۰۰.

۶

زیارت ششم حضرت امام رضا علیه‌السلام

صاحب کتاب «روضة الأذکار»[1] گوید: از جملهٔ زیارات **حضرت امام رضا** علیه‌السلام زیارتی است که در هر روز و هر وقت که زائر در مشهد مقدّس آن حضرت باشد، می‌تواند به این طریق آن حضرت را زیارت نماید:

چون قصد زیارت نمود، اوّل غسل نماید با آدابی که ذکر کردیم، و وقتی چشمش به گنبد افتاد بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ، وَخُزّانَ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و معدن رسالت الهی، و خزانه‌داران علم

الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولَ الْكَرَمِ، وَقادَةَ الْأُمَمِ، وَسُلْطانَ

و دانش، و نهایت و پایان حلم و بردباری، و اساس و ریشه‌های بزرگواری، و فرماندهان امّت‌ها، و پیشوایان

الْعِبادِ، وَدَعائِمَ الْأَخْيارِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَمَناصَّةَ الْعِبادِ،

بندگان، و پایه‌های پابرجایی خوبان، و مایه‌های اصلی نیکان، و پناهگاه مردم،

وَأَرْكانَ الْبِلادِ، وَأَبْوابَ الْإِيمانِ، وَأُمَناءَ الرَّحْمانِ، وَسُلالَةَ

و نگهدارنده و مایهٔ استواری شهرها، و درها و محل‌های ورود به دائرهٔ ایمان، و امینان خداوند رحمان، و فرزندان و نسل بابرکت

النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ،

پیامبران، و خلاصه و گزیدهٔ رسولان، و عترت و خاندان بهترین فرستادهٔ پروردگار جهانیان،

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

---

۱. کتاب «روضة الأذکار» از عالم جلیل‌القدر محمّد بن محمّد بن تبریزی است که به صورت مخطوط باقی مانده و در کتابخانه‌های نجف اشرف و... موجود است. گنجینه‌های مهمّ و ارزشمندی از علمای بزرگ شیعه در مکتبه‌های جهان وجود دارد که متأسّفانه هنوز به زیور طبع آراسته نشده؛ «روضة الأذکار» یکی از آن‌ها است.

و چون به در روضه رسید، بایستد و دعای اذن ورود را به این طریق بخواند:

يٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ، أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، اَلذَّلِيلُ بَيْنَ

ای مولای من و فرزند مولایم؛ من بندهٔ تو و فرزند بندهٔ تو هستم، که در

يَدَيْكَ، اَلْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جٰآءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قٰاصِداً

حضور شما خوار، و به حقّ شما معترف هستم، به خدمتتان آمده است تا در کفالت شما پناهنده شود، قصد

لِحَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً لِمَقٰامِكَ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللهِ بِكَ، ءَأَدْخُلُ يٰا اَللّٰهُ،

بارگاه شما را نمود، به مقام شما روی آورده، به سوی خداوند به وسیلهٔ شما توسّل جسته، آیا وارد شوم ای خداوند؟

ءَأَدْخُلُ يٰا رَسُولَ اللهِ، ءَأَدْخُلُ يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، ءَأَدْخُلُ يٰا

آیا وارد شوم ای رسول خدا؟ آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان؟ آیا وارد شوم ای

فٰاطِمَةُ الزَّهْرٰآءُ، ءَأَدْخُلُ يٰا حَسَنُ الْمُجْتَبىٰ، ءَأَدْخُلُ يٰا حُسَيْنُ

فاطمهٔ زهراء؟ آیا وارد شوم ای حسن مجتبی؟ آیا وارد شوم ای حسین

الشَّهِيدُ، ءَأَدْخُلُ يٰا زَيْنَ الْعٰابِدِينَ، ءَأَدْخُلُ يٰا مُحَمَّدُ بْنَ الْبٰاقِرُ،

شهید؟ آیا وارد شوم ای زین العابدین؟ آیا وارد شوم ای محمّدِ باقر؟

ءَأَدْخُلُ يٰا جَعْفَرُ بْنَ الصّٰادِقُ، ءَأَدْخُلُ يٰا مُوسَى الْكٰاظِمُ، ءَأَدْخُلُ يٰا

آیا وارد شوم ای جعفر صادق؟ آیا وارد شوم ای موسی کاظم؟ آیا وارد شوم ای

حُجَّةَ اللهِ، ءَأَدْخُلُ أَيَّتُهَا الْمَلٰآئِكَةُ الْمُحْدِقُونَ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ،

حجّت خداوند؟ آیا وارد شوم ای ملائکه‌ای که این حرم را احاطه کرده‌اید؟

عَلَيْكَ سَلٰامُ اللهِ يٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

سلام خداوند بر شما باد ای مولای من و پسر مولای من، و رحمت خداوند و برکات او.

آن‌گاه در حالی‌که پای راست را مقدّم می‌دارد، وارد حرم مطهّر شود و بگوید:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ،

بنام خدا و به یاری خدا، بر آیین و دین رسول خدا، درود خدا بر او و آل او باد،

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که خدایی جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللهِ.

بندهٔ او و فرستادهٔ او است، و بی‌گمان (حضرت) علی ولیّ خداوند است.

آن‌گاه روبروی آن حضرت بایستد و این‌گونه نیّتِ زیارت نماید:

زیارت می‌نمایم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را از طرف خود و به نیابت از پدر و مادر و اجداد و خویشانم و همهٔ مؤمنین و مؤمنات. بعد از آن بگوید:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ

سلام بر تو ای ولیّ خدا، و فرزند ولیّ او، سلام بر تو ای حجّت خدا

وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمٰاتِ الْأَرْضِ،

و فرزند حجّت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عِمٰادَ الدِّينِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ آدَمَ صَفِيِّ

سلام بر تو ای رکن و اساس دین، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) آدم که برگزیدهٔ

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُوحٍ نَجِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) نوح که همراز خدا است، سلام بر تو ای

وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِسْمٰاعِيلَ ذَبِيحِ

ارث‌برنده (از حضرت) ابراهیم که خلیل و دوست خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) اسماعیلِ ذبیح

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

الله، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) موسی که هم‌سخن با خدا است، سلام بر تو ای

وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ

ارث‌برنده (از حضرت) عیسی که روح خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) محمّد که حبیب

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

خدا است، سلام بر تو ای ارث‌برنده از امیر و فرمانروای مؤمنان (حضرت علی علیه‌السلام) که ولیّ خدا است، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ سَيِّدَةِ نِسٰآءِ الْعٰالَمِينَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰآءِ، اَلسَّلٰامُ

بر تو ای ارث‌برنده از سرور زنان جهانیان (حضرت) فاطمهٔ زهرا، سلام

عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عَلِيِّ

بر تو ای ارث‌برنده از امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) علیّ

بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعٰابِدِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ

بن الحسین که زینت عبادت‌کنندگان است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) محمّد بن

عَلِيٍّ بٰاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ جَعْفَرِ

علی که شکافندهٔ علم و دانش پیشینیان و آیندگان است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) جعفر

بْنِ مُحَمَّدِنِ الصّٰادِقِ الْبٰارِّ الْأَمِينِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسَى

بن محمّد که راستگو، نیکوکار، و امین است، سلام بر تو ای ارث‌برنده (از حضرت) موسی

بْنِ جَعْفَرِنِ الْكٰاظِمِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدّيقُ الشَّهيدُ الْغَريبُ

بن جعفر که فروبرندهٔ خشم و غضب است، سلام بر تو ای راست‌گفتار شهیدِ غریبِ

الْمَسْمُومُ الْمَقْتُولُ، اُشْهِدُ بِاللهِ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ، وَاٰتَيْتَ الزَّكٰاةَ،

مسمومِ کشته‌شده، به خدا سوگند می‌خورم که تو نماز را بپاداشتی، و زکات را پرداختی،

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً

و به خوبی‌ها فرمان دادی، و از زشتی‌ها بازداشتی، و خدا را خالصانه پرستش نمودی

حَتّٰى أَتٰاكَ الْيَقينُ، قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدي وَالْأَلْسُنِ. عَلَيْكَ

تا دنیا را وداع گفتی، خداوند بکشد کسی که تو را با دست‌ها و زبان‌ها (آزار نموده و) کشتند. بر تو

سَلٰامُ اللهِ يٰا مَوْلٰايَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

سلام ای مولای من، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد.

بعد از آن، قبر را ببوسد و گونهٔ راست را بر آن گذارد و بگوید:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضي، وَقَطَعْتُ الْبِلٰادَ رَجٰآءَ رَحْمَتِكَ،

خداوندا؛ از سرزمین خود آهنگ تو کرده، و شهرها را به امید رحمت تو پیموده‌ام،

فَلاتُخَيِّبْني وَلاتَرُدَّني بِغَيْرِ قَضاٰءِ حَوٰائِجي، وَارْحَمْ تَقَلُّبي عَلىٰ

پس مرا محروم مفرما، و بدون برآمدن حاجتم مرا بازمگردان، و بر من رحم کن به گردیدنم در اطراف

قَبْرِ ابْنِ أَخي رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ. بِأَبي أَنْتَ وَاُمّي

قبر پسر برادر رسولت که درود خدا بر او و آل او باد. پدر و مادرم به فدایت؛

أَتَيْتُكَ زٰائِراً وٰافِداً، عٰائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسي، وَاحْتَطَبْتُ

به زیارت شما آمده و به دربار شما وارد شده‌ام، (به شما) پناهنده گشته‌ام از آنچه بر خود جنایت کردم، و بار سنگین

عَلىٰ ظَهْري، فَكُنْ لي شٰافِعاً إِلَى اللهِ تَعٰالىٰ يَوْمَ فَقْري وَفٰاقَتي،

گناهی که بر دوش دارم، پس برای من در پیشگاه پروردگارت روز فقر و نیازم شفیع باش،

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقٰاماً مَحْمُوداً، وَجٰاهاً وَجيهاً فِي الدُّنْيٰا

که برای تو نزد خدا مقام ستوده و شایسته‌ای است، و در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ أَجْمَعينَ.

و آخرت محترم و آبرومند هستی، و درود خداوند بر محمّد و همهٔ آل او باد.

آن‌گاه گونهٔ چپ را بر قبر نهاده و بگوید: أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ،

خداوندا؛ به دوستی و ارادتی که به ایشان دارم به درگاه تو تقرّب می‌جویم،

وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِوِلٰايَتِهِمْ، وَأَتَوَلّٰى اٰخِرَهُمْ بِمٰا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ،

و به سبب ولایت آن‌ها به تو متوسّل می‌شوم، و نسبت به آخرین آن‌ها عشق و ارادت می‌ورزم همانگونه که نسبت به اوّلین ایشان ارادت دارم و

وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ،

سروری او را پذیرفته‌ام، و از هر دست‌آویزی که غیر ایشان باشد بیزارم. خداوندا؛ لعنت کن آنان که نعمت تو را دگرگون ساختند،

وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا بِاٰيٰاتِكَ، وَحَمَلُوا النّٰاسَ عَلىٰ أَكْتٰافِ

و پیامبرت را متّهم ساختند، و آیات و نشانه‌هایت را انکار نمودند، و مردم را بر دوش

اٰلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبَرٰآءَةِ

آل محمّد سوار کردند (یعنی بر علیه آنان واداشتند). خداوندا؛ من با لعنت بر ایشان، و بیزاری جستن

مِنْهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

از این ناپاکان در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم، ای مهربانترین مهربانان.

آن‌گاه نزدیک پایین‌پا آمده و بگوید: **صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ،**

درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا،

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللهُ عَلىٰ رُوحِكَ الطَّيِّبِ،

درود خدا بر تو ای ابا الحسن؛ درود خدا بر روح پاکیزه،

وَجَسَدِكَ الطّٰاهِرِ، وَبَدَنِكَ الزَّكِيِّ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ، وَأَنْتَ

و جسد پاکت، و بدن مقدّست، شکیبائی پیشه کردی، و به آن راضی بودی، و تو

الصّٰادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ

راستگو و تصدیق‌شده‌ای، خداوند بکشد کسی که تو را کشت، و خداوند لعنت کند کسی که تو را

بِالْأَيْدي وَالْأَلْسُنِ، عَلَيْكَ سَلٰامُ اللهِ يٰا مَوْلاٰيَ وَابْنَ مَوْلاٰيَ

با دست‌ها و زبان‌ها ستم نمود. سلام خداوند بر تو ای مولای من و پسر مولای من

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمٰامُ الْهُدىٰ، وَالْوَلِيُّ

و رحمت خدا و برکات او. گواهی می‌دهم که تو امام هدایتی، و سرپرست

الْمُرْشِدُ، أَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ أَعْدٰآئِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ بِمُوٰالاٰتِكَ،

راهنمایی‌کننده‌ای، به سوی خداوند از دشمنان تو بیزاری می‌جویم، و به سوی خدا به وسیلهٔ دوستی شما تقرّب می‌جویم،

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

درود خداوند و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس به طرف پشت سر رفته و روی به کربلای امام حسین علیه‌السلام نموده و آن حضرت را به این طریق زیارت نماید:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللهِ، وَعَلَى الْأَرْوٰاحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنٰآئِكَ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ و بر جان‌ها و روان‌هایی که در آستانت آرمیدند،

وَأَنٰاخَتْ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكَ مِنّي سَلٰامُ اللهِ أَبَداً مٰا بَقِيتُ وَبَقِيَ

و در منزل و پناهگاه تو ماندگار شدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم و

اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُمْ، اَلسَّلامُ

شب و روز باقی است. و خدا این زیارت را آخرین زیارتم از شما قرار ندهد؛ سلام

عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَوْلادِ

بر حسن و حسین و بر علیّ بن الحسین و بر فرزندان

الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَصْحابِ الْحُسَيْنِ، وَلَعْنَةُ اللهِ عَلىٰ قاتِلِ الْحُسَيْنِ.

حسین، و بر یاران حسین، و لعنت خداوند بر قاتل حسین باد.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ

بارالها؛ لعنت کن اوّلین کسی را که در حقّ محمّد و آل محمّد ستم روا داشت، و دیگری را

لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتي جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ،

که در این ستم از او پیروی کرد. خدایا؛ لعنت کن جماعتی را که به نبرد با حسین پرداخت،

وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ وَتابَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً.[1]

و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی، بیعت و دنباله‌روی کردند. خدایا؛ همهٔ آن‌ها را لعنت کن.

آن‌گاه بالای سر آمده و بگوید: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ،

سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من،

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقامي، وَتَسْمَعُ كَلامي،

و رحمت خدا و برکات او. گواهی می‌دهم که همانا تو شاهد حال من هستی، و کلامم را می‌شنوی،

وَأَنْتَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ مَرْزُوقٌ، وَنَسْأَلُ اللهَ رَبّي وَرَبَّكُمْ قَضاءَ

و تو زنده‌ای در نزد پروردگارت روزی داده‌شده‌ای، و از خداوند که پروردگار من و پروردگار شما است می‌خواهم که

حَوائِجي فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

حاجت‌های مرا در دنیا و آخرت برآورد، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

بعد از آن به طرف پیش رو آمده و بگوید: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهيدُ،

سلام بر تو ای شهید،

۱. در «کتابٌ في الزيارات والأدعية: ۷۲» نیز ـ که یکی دیگر از کتاب‌های خطّی «مؤسّسهٔ کاشف الغطاء» نجف اشرف می‌باشد ـ در ضمن یکی از زیارت‌های **حضرت امام رضا**علیه‌السلام، زیارت دیگری برای امام حسین علیه‌السلام نقل شده است.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمَعْصُومُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ

سلام بر تو ای امام معصوم، سلام بر تو ای امام

الْمَظْلُومُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمَسْمُومُ الْمَغْمُومُ الْمَهْمُومُ،

مظلوم، سلام بر تو ای امام مسمومِ غمزدهٔ اندوهگین.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمٰامُ الْهٰادي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، أَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ

گواهی می‌دهم که تو امام هدایت‌کننده‌ای و سرپرست هدایتگری، بیزاری می‌جویم به سوی خدا از

أَعْدٰائِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ بِمُوٰالاٰتِكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلٰى

دشمنان تو، و تقرّب می‌جویم به سوی خدا به وسیلهٔ دوستی تو، درود خداوند بر تو و بر

اٰبٰائِكَ وَأَوْلاٰدِكَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

پدران و فرزندانت باد، به رحمت تو ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

آن‌گاه به طرف بالای سر رفته و دو رکعت نماز زیارت بخواند؛ در رکعت اوّل سورهٔ «حمد» یک مرتبه و ﴿قُلْ هُوَ اللهُ﴾ پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواست بخواند.

و چون از نماز فارغ شد، تسبیح حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام را بگوید و برای خود، پدران، مادران، دوستان، مؤمنین و مؤمنات استغفار نماید، آن‌گاه سجده کند و دعایی را بخواند که بعد از نمازِ زیارت قدوم حضرت امام حسین علیه السلام خوانده می‌شود: «أَللّٰهُمَّ إِنّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ ...»[1].[2]

۱. این دعا را در «بخش اوّل: هشت نماز زیارت ص ۱۴۳» نقل کرده‌ایم.

۲. روضة الأذكار (مخطوط): ۶۷.

۷

زیارت هفتم حضرت امام رضا علیه‌السلام
(زیارت هفت حدیث)

زیارت دیگر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام از ملحقات مصباح کفعمی رحمه‌الله چنین نقل شده است که بعد از غسلِ زیارت و انجام‌دادن آداب زیارت، پیش‌روی آن حضرت و پشت به قبله بایستد و بعد از نیّتِ زیارت بگوید:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است و برایش شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّهُ وَوَصِيُّ رَسُولِهِ. أَللّٰهُمَّ

بندهٔ او و فرستادهٔ او است، و گواهی می‌دهم که (حضرت) علی علیه‌السلام ولیّ او و وصیّ رسول او است. خداوندا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مَلٰائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ.

بر محمّد و آل محمّد درود فرست. خداوندا؛ بر فرشتگان مقرّبت درود فرست.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ

خداوندا؛ بر پیامبران و رسولان درود فرست. خداوندا؛ درود فرست بر امامان

الْمَعْصُومِينَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مَوْلٰانٰا وَمُقْتَدٰانٰا إِمٰامِ الْهُدىٰ

معصوم (که از هر گونه عیب و خطائی به دورند). خداوندا؛ درود فرست بر مولا و مقتدای ما که پیشوای هدایت

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيٰا، اَلَّذي قٰالَ في حَقِّهِ

و دست‌آویز مورد اطمینان، و حجّت تو بر اهل دنیا است؛ همان کسی که در حقّ او

سَيِّدُ الْوَرىٰ وَسَنَدُ الْبَرٰايٰا: «سَتُدْفَنُ بَضْعَةٌ مِنّي بِأَرْضِ خُرٰاسٰانَ

سرور جهانیان و تکیه‌گاه آفریدگان فرموده است: «به زودی پارهٔ تن من در سرزمین خراسان مدفون گردد، او را هیچ

مٰا زٰارَهٰا مَكْرُوبٌ إِلّٰا نَفَّسَ اللهُ كَرْبَهُ، وَلٰا مُذْنِبٌ إِلّٰا غَفَرَ ذَنْبَهُ».[1]

گرفتار اندوهناکی زیارت نکند مگر آنکه خداوند گرفتاری و اندوهش را برطرف نماید، و هیچ گنهکاری به زیارت او نرود مگر آنکه خداوند گناه او را بیامرزد».

أَللّٰهُمَّ بِشَفٰاعَتِهِ الْمَقْبُولَةِ، وَدَرَجَتِهِ الرَّفِيعَةِ أَنْ تُنَفِّسَ بِهِ كَرْبِي،

خداوندا؛ به شفاعت مورد قبول او، و مرتبهٔ رفیع و والایش تو را سوگند می‌دهم که بخاطر او گرفتاری و اندوه مرا برطرف کنی،

وَتَغْفِرَ بِهِ ذَنْبِي، وَتُسْمِعَهُ كَلٰامِي، وَتُبَلِّغَهُ سَلٰامِي. اَلسَّلٰامُ

و گناهم را به واسطهٔ او بیامرزی، و سخنم را به گوش او برسانی، و سلامم را به محضرش ابلاغ فرمائی. سلام

عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور الهی، سلام بر تو ای

عَيْبَةَ عِلْمِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَعْدِنَ حِكْمَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

صندوق علم خداوند، سلام بر تو ای معدن حکمت پروردگار، سلام بر تو

يٰا حٰامِلَ كِتٰابِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حٰافِظَ سِرِّ اللهِ، أَنْتَ الَّذي

ای دربردارندهٔ کتاب خدا، سلام بر تو ای نگهدارندهٔ اسرار آفریدگار، تو کسی هستی که

قٰالَ فيكَ قٰاتِلُ الْكَفَرَةِ، وَقٰامِعُ الْفَجَرَةِ، عَلِيٌّ أَمِيرُالْمُؤْمِنينَ

درباره‌ات کشندهٔ کافران و سرکوب‌کنندهٔ تبه‌کاران، (حضرت) علی امیر مؤمنان

وَوَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، صَلَوٰاتُ اللهِ وَسَلٰامُهُ عَلَيْهِ:

و جانشین رسول پروردگار جهانیان ـ که درود خدا و سلامش بر او باد ـ فرموده است:

«سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدي بِأَرْضِ خُرٰاسٰانَ بِالسَّمِّ ظُلْماً، إِسْمُهُ

«به زودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان با سمّ از روی کینه و ستم به شهادت می‌رسد، نام او

إِسْمي، وَاسْمُ أَبيهِ اسْمُ ابْنِ عِمْرٰانَ مُوسٰى عَلَيْهِ السَّلٰامُ، أَلٰا

نام من، و نام پدرش نام موسی بن عمران ـ که درود بر او باد ـ است، بدانید و آگاه باشید

فَمَنْ زٰارَهُ في غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْهٰا وَمٰا تَأَخَّرَ،

هر کس او را در غربت و تنهائی‌اش زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد؛

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۲، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: باب ۶۶ ح ۱۴.

وَلَوْ كانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ، وَقَطْرِ الْأَمْطارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجارِ». [1]

گرچه به اندازهٔ عدد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد».

مَوْلايَ مَوْلايَ ها أَنَا ذا واقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَذُنُوبي مِثْلُ عَدَدِ

مولای من؛ مولای من؛ هم‌اکنون من در پیشگاه تو ایستاده و گناهانم به قدر عدد

النُّجُومِ، وَقَطْرِ الْأَمْطارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجارِ، وَلَيْسَ بي (لي) وَسيلَةٌ

ستارگان، و قطره‌های باران، و برگ درختان است، و وسیله‌ای

إِلىٰ مَحْوِها إِلّا رِضاكَ. مَوْلايَ ما أَحْسِبُ في صَحيفَتي عَمَلاً

برای از بین بردن آن، جز رضایت و خشنودی شما ندارم. مولای من؛ در پروندهٔ خود عملی را

أَرْجىٰ عِنْدي مِنْ زِيارَتِكَ، كَيْفَ وَقَدْ قالَ في حَقِّها، باقِرُ عِلْمِ

امیدوارکننده‌تر از زیارت تو نمی‌پندارم، و چگونه چنین نباشد در حالی‌که شکافندهٔ علوم

الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدي،

اوّلین و آخرین، (پنجمین امام ما) ـ که درود خدا بر او باد ـ فرموده است: «مردی از فرزندان من خارج گردد

إِسْمُهُ إِسْمُ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، فَيُدْفَنُ بِأَرْضِ خُراسانَ، مَنْ زارَهُ

که نام او نام امیر مؤمنان است، در سرزمین خراسان دفن شود، هر کس

عارِفاً بِحَقِّهِ، أَعْطاهُ اللهُ أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقاتَلَ». [2]

با معرفت به حقّ او، وی را زیارت کند، خداوند پاداش کسی را که پیش از فتح (مکّه) انفاق کرده و در راه خدا جنگیده است به او عطا فرماید».

فَأَتَيْتُكَ زائِراً لَكَ، عارِفاً بِحَقِّكَ، عالِماً بِأَنَّكَ إِمامٌ مُفْتَرَضُ

به محضر تو برای زیارتت شرفیاب گشته‌ام در حالی‌که به حقّ تو آشنایم، می‌دانم که شما امام و پیشوائی هستی که

الطّاعَةِ، غَريبٌ شَهيدٌ، راجِياً بِما قالَهُ الصّادِقُ، عَلَيْهِ الصَّلاةُ

اطاعتت واجب است، غریب بوده و شهید گشته‌ای، به فرمایش امام صادق ـ که درود

وَالسَّلامُ: «يُقْتَلُ حَفَدَتي بِأَرْضِ خُراسانَ في مَدينَةٍ يُقالُ لَها

و سلام بر او باد ـ امیدوارم که فرمود: «نوهٔ من در سرزمین خراسان در شهری

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۵، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: باب ۶۶ ح ۱۷.

۲. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۱، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: باب ۶۶ ح ۳.

طُوسٌ، مَنْ زٰارَهُ عٰارِفاً بِحَقِّهِ، أَخَـذْتُهُ بِـيَدي يَـوْمَ الْـقِيٰامَةِ،

بنام طوس به شهادت می‌رسد، هر کس او را زیارت کند در حالی‌که معرفت به حقّ وی دارد، روز قیامت دستش را گرفته

وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ كٰانَ مِنْ أَهْلِ الْكَبٰائِرِ». قِيلَ لَهُ: مٰا عِرْفٰانُ

و وارد بهشت گردانم گرچه از اهل کبائر (یعنی گناهان کبیره) باشد». به آن حضرت عرض کردند: عارف بودن

حَقِّهِ، قٰالَ: «الْعِلْمُ بِأَنَّهُ مُفْتَرَضُ الطّٰاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ، مَنْ زٰارَهُ

به حقّ ایشان چگونه است؟ فرمود: «بداند که او اطاعتش بر همگان واجب است، غریب بوده و به شهادت رسیده است، هر کس او

عٰارِفاً بِحَقِّهِ، أَعْطٰاهُ اللهُ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ

را با معرفت و شناخت حقّش زیارت کند، خداوند به او پاداش هفتاد شهید از شهیدانی که پیش

يَدَيْ رَسُولِ اللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ».[1] يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، أَبْتَغِي

روی رسول خدا و در رکاب وی ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ به شهادت رسیده‌اند مرحمت فرماید». ای فرزند رسول خدا؛

بِزِيٰارَتِكَ مِنَ اللهِ تَعٰالىٰ غُفْرٰانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ وٰالِدَيَّ وَالْمُؤْمِنِينَ

با زیارت تو از خداوند بلندمرتبه آمرزش گناهان خود و گناهان پدر و مادرم و همهٔ مردان و زنان مؤمن را درخواست می‌کنم،

وَالْمُؤْمِنٰاتِ، وَأَسْأَلُكَ الْإِتْيٰانَ الْمَوْعُودَ فِي مَوٰاطِـنِ الثَّـلاٰثِ:

و از شما تمنّا دارم که در جایگاه‌های سه‌گانه‌ای که وعده فرموده‌ای (یعنی)

«عِنْدَ تَطٰايُرِ الْكُتُبِ، وَعِنْدَ الصِّرٰاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزٰانِ»،[2] وَقُلْتَ

«هنگامی‌که نامهٔ اعمال را به دست آدمی می‌دهند، و هنگام عبور از پل صراط، و وقت حسابرسی و سنجش اعمال مرا دریابی» و فرموده‌ای

وَقَوْلُكَ حَقٌّ: «إِنَّ شَرَّ مٰا خَلَقَ اللهُ فِي زَمٰانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ ثُمَّ

و گفتارت حقّ است که: «بدترین خلق خدا در زمان من مرا با سمّ می‌کشد، سپس

يَدْفِنُنِي فِي دٰارٍ مُضِيعَةٍ، وَبِلٰادِ غُرْبَةٍ، أَلٰا فَمَنْ زٰارَنِي فِي غُرْبَتِي،

مرا در خانهٔ تنها در دیار غربت دفن می‌کند، آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند،

---

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۸.

۲. عن الرضا علیه السلام: قال: «من زارني على بُعد داري ومزاري، أتيته يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتّى أُخلّصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً و شمالاً، وعند الصراط، و عند الميزان». (امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۹، عیون اخبار الرضا علیه السلام: باب ۶۶ ح ۲)

كَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ حاجٍّ وَمُعْتَمِرٍ، وَمِائَةِ أَلْفِ

خداوند عزّ وجلّ برای او اجر و پاداش صد هزار کسی که به حجّ و عمره رفته و صد هزار

مُجاهِدٍ، وَحُشِرَ في زُمْرَتِنا، وَجُعِلَ فِي الدَّرَجاتِ الْعُلى مِنَ

جهادکننده نویسد، و او در زمرهٔ ما محشور، و در درجات عالی و والای

الْجَنَّةِ رَفيقَنا».[1] اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي وَفَّقَني لِزِيارَتِكَ فِي الْبُقْعَةِ الَّتي

بهشت قرار داده شود در حالی‌که رفیق ما باشد». سپاس خداوندی را که به من توفیق زیارت شما را مرحمت فرمود در این بارگاهی

قُلْتَ في حَقِّها: وَاللهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ، مَنْ زارَني في

که دربارهٔ آن فرموده‌ای: «به خدا سوگند؛ باغی از باغ‌های بهشت است، هر کس مرا در

تِلْكَ الْبُقْعَةِ كانَ كَمَنْ زارَ رَسُولَ اللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

آن بارگاه زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا را ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ زیارت کرده است،

وَكَتَبَ اللهُ لَهُ ثَوابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ، وَأَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ،

و خداوند برایش ثواب هزار حجّ نیکو، و هزار عمرهٔ پذیرفته‌شده نویسد،

وَكُنْتُ أَنَا وَآبائي شُفَعاءَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ».[2] فَكُنْ شَفيعي بِآبائِكَ

و من و پدرانم شفیع‌های او در روز قیامت باشیم». پس به حقّ پدران

الطّاهِرينَ وَأَوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، مَوْلايَ أَنْتَ الَّذي لايَزُورُكَ إِلَّا

پاک و فرزندان برگزیده‌ات شفیع من باش، مولای من؛ شما کسی هستید که جز

الْخَواصُّ مِنَ الشّيعَةِ، فَبِحَقِّكَ وَبِحَقِّ شيعَتِكَ أَنْ تُشَفِّعَني،

شیعیان خاصّ به زیارتت نمی‌آیند، پس به حقّ خودت و به حقّ شیعیانت از من شفاعت کن،

وَتَسْأَلَ اللهَ أَنْ يَحْشُرَني مَعَ شيعَتِكَ في مُسْتَقَرٍّ مِنَ الرَّحْمَةِ

و از خدا بخواه که مرا با شیعیانت در قرارگاه رحمت

مَعَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، مَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ غَيْرِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللهِ مِنْ

با شما اهل بیت محشور گرداند، با شما باشم، با شما باشم نه با غیر شما، به سوی خداوند از

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: باب ۶۶ ح ۹. در روایت، صد هزار شهید و صد هزار صدّیق هم ذکر شده است.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: باب ۶۶ ح ۵.

أَعْدٰآئِكُمْ، وَتَقَرَّبْتُ بِاللهِ إِلَيْكُمْ، إِنّي مُـؤْمِنٌ بِـإِيٰابِكُمْ، مُـنْتَظِرٌ

دشمنان شما بیزاری می‌جویم، و با روی‌آوردن به شما به خدا تقرّب می‌یابم، براستی من به بازگشت شما ایمان دارم، در انتظار

لِأَمْرِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُتَرَقِّبٌ لِـدَوْلَتِكُمْ، عٰـارِفٌ بِـعِظَمِ

امر شما هستم، رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام، چشم به راه دولت شمایم، به بزرگی

شَأْنِكُمْ، عٰالِمٌ بِضَلٰالَةِ مَنْ خٰالَفَكُمْ، مُوٰالٍ لَكُـمْ وَلِأَوْلِـيٰآئِكُمْ،

شأن و مرتبهٔ شما آشنا، و به گمراهی مخالفان شما دانایم، نسبت به شما و دوستان شما ارادت دارم،

مُبْغِضٌ لِأَعْدٰآئِكُمْ، عٰآئِذٌ لاٰئِذٌ بِقُبُورِكُمْ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

با دشمنان شما کینه و دشمنی دارم، پناه‌آورنده و پناهنده به قبور (پاک) شما می‌باشم. خداوندا؛ درود فرست بر محمّد

وَاٰلِ مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ، وَالْوَصِيِّ وَالْـبَتُولِ وَالسِّـبْطَيْنِ وَالسَّـجّٰادِ

و آل محمّد، پیامبر و وصیّ (حضرت علی علیه‌السلام) و (فاطمهٔ) بتول و دو سبط پیامبر، و حضرت سجّاد،

وَالْبٰاقِرِ وَالصّٰادِقِ وَالْكٰاظِمِ وَالرِّضٰا وَالتَّقِيِّ وَالنَّقِيِّ وَالْعَسْكَرِيِّ

و امام باقر، و امام صادق، و امام کاظم، و امام رضا، و امام تقی، و امام نقی، و امام عسکری

وَالْمَهْدِيِّ صٰاحِبِ الزَّمٰانِ، صَلَوٰاتُكَ عَـلَيْهِمْ أَجْـمَعِينَ. أَللّٰـهُمَّ

و مهدی (حضرت) صاحب الزمان، درود و صلوات تو بر همهٔ آنان باد. خداوندا؛

هٰؤُلاٰءِ سٰادَتُنٰا وَقٰادَتُنٰا وَهُدٰاتُنٰا وَدُعٰاتُنٰا. أَللّٰهُمَّ وَفِّقْنٰا لِطٰاعَتِهِمْ،

این بزرگواران، سروران، رهبران، هدایتگران و دعوت‌کنندگان ما هستند، خداوندا؛ ما را به اطاعت ایشان موفّق بدار،

وَارْزُقْنٰا شَفٰاعَتَهُمْ، وَاحْشُرْنٰا فِي زُمْرَتِهِمْ، وَاجْعَلْنٰا مِـنْ خِـيٰارِ

و شفاعت آنان را روزی ما گردان، و در زمرهٔ ایشان محشور فرما، و ما را از بهترین

مَوٰالِيهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

دوستان و ارادتمندان ایشان قرار بده، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، و درود خداوند بر محمّد

وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ.

و آل پاک و پاکیزه و معصوم او باد، و سپاس و ستایش سزاوار پروردگار جهانیان است.

سپس اگر خواست دعاهایی را (که روایت شده) با نهادن گونهٔ راست و چپ بـر

زمین بخواند و گرنه به بالای سر مبارک امام علیه‌السلام رود، و دو رکعت نماز زیارت بجا آورده و برای برآورده‌شدن حاجت‌های خود دعا کند.[1]

۸

زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه‌السلام

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله گوید: این زیارت را یکی از افاضل ظاهراً از خطّ شهید رحمه‌الله نقل کرده و از مضمون زیارت فهمیده می‌شود که از ائمّه علیهم‌السلام روایت شده، به این جهت آن را نقل می‌کنیم: چون در برابر ضریح مقدّس ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است، شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ، أَمِينِ اللهِ عَلىٰ وَحْيِهِ،

بنده و فرستادهٔ او است، سلام بر رسول خدا، امین و مورد اعتماد خداوند بر وحیش،

وَعَزٰائِمِ أَمْرِهِ، اَلْخاتِمِ لِمٰا سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيْمِنِ

و تصمیمات امرش، آنکه پایان‌بخش بوده است برای آنچه در پیش بوده، و آغازگر بوده نسبت به آنچه پیش آمده است، و مراقب و

عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانٰا أَمِيرِ

نگهبان و مسلّط بر همهٔ آن‌ها، و رحمت و برکات خداوندی بر او باد. سلام بر مولای ما امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَأَبِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ، وَرَحْمَةُ

مؤمنان، و سرور اوصیاء، و پدر امامان پاک و معصوم، و رحمت

اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، سَيِّدَةِ النِّسٰاءِ، وَرَحْمَةُ

خدا و برکاتش بر او باد. سلام بر (حضرت) فاطمهٔ زهرا، سرور زنان، و رحمت

اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ، سٰادَةِ الْمُتَّقِينَ،

خدا و برکاتش بر او باد. سلام بر امامان پاک و معصوم، سروران پرهیزکاران،

۱. روضة الأذكار (مخطوط): ۷۱، كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۷۵.

وَكُبَرٰآءِ الصِّدّيقينَ، وَأَعْلامِ الْمُهْتَدينَ، وَأَنْوٰارِ الْعٰارِفينَ وَرَحْمَةُ

و بزرگان راستگویان، و نشانه‌های راه‌یافتگان، و روشنائی‌های اهل عرفان، و رحمت

اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَوْلانٰا وَسَيِّدِنٰا، اَلْإِمٰامِ الْمَعْصُومِ أَبِي

خدا و برکاتش بر آن‌ها باد. سلام بر مولای ما و سرور ما، پیشوای معصوم و به دور از هر گونه عیب و خطا، (حضرت) ابا

الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ

الحسن علیّ بن موسی الرضا، و رحمت خدا و برکاتش بر او باد. سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر الهی، سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ خٰاتَمِ النَّبِيّينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ،

بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ إِمٰامِ

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند پیشوای

الْمُتَّقينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ قٰآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

پرهیزکاران، سلام بر تو ای فرزند فرمانده روسفیدان، سلام بر تو

يَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰآءِ، سَيِّدَةِ نِسٰآءِ الْعٰالَمينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ

ای فرزند فاطمهٔ زهرا، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند

خَديجَةَ الْكُبْرىٰ اُمِّ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَبي عَبْدِاللهِ

خدیجهٔ کبری مادر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند ابا عبدالله

الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ

الحسین شهید (کربلا)، سلام بر تو ای فرزند علیّ بن الحسین زینت‌بخش

الْعٰابِدينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَبي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ، اَلْباقِرِ لِعُلُومِ

عبادت‌کنندگان، سلام بر تو ای فرزند ابا جعفر محمّد، شکافندهٔ علوم

الدّينِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَبي عَبْدِاللهِ جَعْفَرِنِ الصّٰادِقِ الْأَمينِ،

دین، سلام بر تو ای فرزند ابا عبدالله جعفر، راستگوی امین و مورد اعتماد،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَبِي الْحَسَنِ مُـوسَى الْكٰـاظِمِ وَرَحْـمَةُ اللهِ

سلام بر تو ای فرزند ابا الحسن موسی امام کاظم، و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰـا حَـبِيبَ

و برکات او (بر شما باد). سلام بر تو ای ولیّ خداوند، سلام بر تو ای حبیب

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَمُودَ الدِّينِ،

خدا (و دوست ویژهٔ او)، سلام بر تو ای برگزیدهٔ پروردگار، سلام بر تو ای رکن و پایهٔ دین،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ،

سلام بر تو ای جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای حجّت خداوند،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خٰآصَّةَ اللهِ، اَلسَّـلٰامُ عَـلَيْكَ يٰـا خٰـالِصَةَ اللهِ،

سلام بر تو ای بندهٔ خاصّ پروردگار، سلام بر تو ای بندهٔ خالص خداوند،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْضِعَ سِرِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَـيْبَةَ عِـلْمِ

سلام بر تو ای جایگاه راز خداوند، سلام بر تو ای صندوق علم

اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ الْأَنْبِيٰآءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِـيَّ

خداوند، سلام بر تو ای ارث‌برندهٔ (از) پیامبران، سلام بر تو ای جانشین

الْأَوْصِيٰآءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مِشْكٰاةَ الضِّيٰآءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰـا

اوصیاء، سلام بر تو ای محلّ تابش نور، سلام بر تو ای

مُنْتَهَى الْعُلْيٰا، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الشَّرَفِ الْأَثِيلِ، اَلسَّلٰامُ

نهایت بلندی و برتری، سلام بر تو ای صاحب شرف استوار، سلام

عَلَيْكَ يٰا ذَا الْفِعْلِ الْجَمِيلِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰـاحِبَ الْأَصْـلِ

بر تو ای دارندهٔ رفتار نیکو و زیبا، سلام بر تو ای صاحب نژاد و نسب

الْأَصِيلِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أُسَّ الْإِيمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا شَرِيكَ

اصیل، سلام بر تو ای اساس ایمان، سلام بر تو ای شریک و همتای

الْقُرْآنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَعْدِنَ الْإِيمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ

قرآن، سلام بر تو ای معدن ایمان، سلام بر تو ای پیشوای

الْأَبْرٰارِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ الْمُخْتٰارِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مُظْهِرَ

نیکوکاران، سلام بر تو ای وصیّ اختیارشده، سلام بر تو ای آشکارکنندهٔ

الْأَسْرٰارِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الْمُعْجِزٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

رازهای نهان، سلام بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای

مُوضِحَ الْبَيِّنٰاتِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرٰاطُ الْمُسْتَقِيمُ، اَلسَّلٰامُ

روشن‌کنندهٔ دلائل، سلام بر تو ای راه راست و استوار، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الدِّينُ الْقَوِيمُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مِصْبٰاحَ الْهُدٰى،

بر تو ای دین معتدل و دور از افراط و تفریط، سلام بر تو ای چراغ هدایت،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَأْوَى التُّقٰى، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَجْدَ الْحِجٰى،

سلام بر تو ای جایگاه تقوا، سلام بر تو ای شُکوه خردورزی،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا طَوْدَ النُّهٰى، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدّٰاعِي إِلَى

سلام بر تو ای کوه عقل و خرد، سلام بر تو ای دعوت‌کنندهٔ به

الْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى، وَالطّٰاعِنُ إِلَى الْغٰايَةِ الْقُصْوٰى، وَالسّٰامِي إِلَى

جادّهٔ بزرگ، و سیر دهنده به سوی مقصد نهائی، و بالابرنده به

الْمَجْدِ وَالْعُلٰى، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعٰالِمُ بِالتَّأْوِيلِ وَالذِّكْرٰى،

مقام والا و شکوهمند، سلام بر تو ای دانا به علم تأویل و آنچه باعث تذکّر و یادآوری است،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا دَلِيلَ الرَّشٰادِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰابْنَ السّٰادَةِ

سلام بر تو ای راهنمای رشد و رستگاری، سلام بر تو ای فرزند سروران

الْأَمْجٰادِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰابْنَ الْقٰادَةِ الزُّهّٰادِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

سرافراز، سلام بر تو ای فرزند پیشوایان زاهد و بی‌رغبت به دنیا، سلام بر تو ای

مِصْبٰاحَ الظُّلَمِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا يَنْبُوعَ الْحِكَمِ، وَرَحْمَةُ اللهِ

چراغ روشن در تاریکی‌ها، سلام بر تو ای چشمهٔ جوشان حکمت‌ها، و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. أَشْهَدُ يٰا مَوْلٰايَ أَنَّكَ الْمُطِيعُ لِلّٰهِ، اَلْقٰائِمُ بِأَمْرِ اللهِ،

و برکات او بر تو باد. گواهی می‌دهم ای مولای من که براستی تو مطیع و فرمانبردار خداوند، قیام‌کننده به امر خداوند،

اَلْعامِلُ بِإِرادَتِهِ، اَلْفائِزُ بِكَرامَتِهِ، إِصْطَفاكَ اللهُ لِعِلْمِهِ، وَاخْتارَكَ

عمل‌کننده به ارادهٔ او، رستگار به کرامت او هستید، تو را خدا برای علم خویش برگزید، و برای راز

لِسِرِّهِ، وَأَعَزَّكَ بِهُداهُ، وَخَصَّكَ بِبُرْهانِهِ، وَأَيَّدَكَ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكَ

پنهانی خود اختیار کرد، و به هدایتش تو را عزّت بخشید، و به برهان خویش تو را اختصاص داد، و با روح خود تأییدت نمود، و تو

خَلِيفَةً فِي أَرْضِهِ، وَداعِياً إِلى حَقِّهِ، وَشَهِيداً عَلىٰ خَلْقِهِ، وَناصِراً

را به عنوان جانشین در روی زمینش، و دعوت‌کنندهٔ به حقّش، و گواه بر آفریدگانش، و یاری‌کنندهٔ

لِدِينِهِ، وَحُجَّةً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَتَرْجُماناً لِوَحْيِهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ،

دینش، و حجّت بر بندگانش، و بیان‌کنندهٔ وحیش، و گردآورندهٔ علم و دانشش،

وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، عَصَمَكَ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكَ مِنَ

و محلّ ودیعه‌نهادن حکمتش پسندید. خدا تو را از گناهان مصون داشته، و از

الْعُيُوبِ، زُرْتُكَ يا مَوْلايَ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ،

زشتی‌ها پاک و مبرّا گردانیده است، زیارت کردم تو را ای مولای من در حالی‌که آشنا به حقّ تو، آگاه به شأن و موقعیّت تو،

مُهْتَدِياً بِهُداكَ، مُقْتَضِياً لِأَثَرِكَ، مُتَّبِعاً لِسُنَّتِكَ، مُتَمَسِّكاً بِحَبْلِكَ،

هدایت‌یافته به هدایت تو، پویندهٔ اثر تو، پیرو سنّت و روش تو، چنگ‌زننده به ریسمان تو،

مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، مُوالِياً لِوَلِيِّكَ، مُعادِياً لِعَدُوِّكَ، عالِماً بِأَنَّ الْحَقَّ

فرمانبردار فرمان تو، دوست دارندهٔ دوست تو، دشمنی‌کننده با دشمن توأم، می‌دانم که حقّ

لَكَ وَمَعَكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ بِكَ، مُسْتَشْفِعاً إِلَيْهِ بِجاهِكَ، وَحَقٌّ

برای تو و با تو است، به وسیلهٔ تو به سوی خدا توسّل جسته‌ام، و به آبروی تو به درگاه او شفاعت می‌طلبم، و سزاوار است

عَلَيْهِ أَنْ لايُخَيِّبَ سائِلَهُ، وَالرّاجِي ما عِنْدَهُ لِزائِرِكَ الْمُطِيعِ لَكَ.

بر او که سائل خود و کسی را که به آنچه نزد او است امید دارد به خاطر این‌که زائر فرمانبردار شما است محروم نگرداند.

پس دست‌ها را بلند نما و بگو: أَللّٰهُمَّ فَكَما وَفَّقْتَنِي لِلْإِيمانِ بِنَبِيِّكَ،

خداوندا؛ پس همان‌گونه که مرا برای ایمان‌آوردن به پیامبرت،

وَالتَّصْدِيقِ بِكِتابِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ وَاتِّباعِ مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَنِي

و تصدیق کردن کتابت توفیق مرحمت کردی، و بر من به اطاعت او و پیروی از آئین او منّت نهادی، و

إِلٰى مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمُ

به شناخت او و شناخت امامان از ذرّیّهٔ او هدایت نمودی، و با معرفت و شناخت ایشان

الْإِيمٰانَ، وَقَبِلْتَ بِطٰاعَتِهِمْ وَوِلٰايَتِهِمُ الْأَعْمٰالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ

ایمان مرا کامل ساختی، و با اطاعت و ولایت‌شان اعمال مرا مورد قبول و پذیرش قرار دادی، و بندگانت را

بِالصَّلٰاةِ عَلَيْهِمْ عِبٰادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتٰاحاً لِلدُّعٰاءِ، وَسَبَباً لِلْإِجٰابَةِ،

به درود فرستادن بر ایشان واداشتی، و آنان را سرآغاز دعا، و وسیلهٔ اجابت آن قرار دادی،

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَعَلٰى مَوْلٰانٰا وَسَيِّدِنٰا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ

پس درود فرست بر همهٔ آنان و بر مولای ما و سرور ما (حضرت) ابا الحسن علیّ

بْنِ مُوسٰى، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

بن موسی، و مرا به واسطهٔ ایشان نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند و از

الْمُقَرَّبِينَ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنٰا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنٰا بِهِمْ مَسْتُورَةً،

مقرّبین (درگاهت) قرار بده، و قرار بده گناهان ما را به خاطر ایشان آمرزیده‌شده، و زشتی‌های ما را به خاطر ایشان پوشیده‌شده،

وَفَرٰائِضَنٰا مَشْكُورَةً، وَنَوٰافِلَنٰا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنٰا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

و واجبات ما را پاداش‌داده‌شده، و مستحبّات ما را پذیرفته‌شده، و دل‌های ما را به ذکر و یاد خودت آبادشده،

وَأَنْفُسَنٰا بِطٰاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوٰارِحَنٰا عَلٰى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً،

و جان و روح ما را به فرمانبرداریت شادمان، و اعضاء و جوارح ما را بر خدمت خویش رام‌شده،

وَأَسْمٰاءَنٰا فِي خَوٰاصِّكَ مَشْهُورَةً، وَأَرْزٰاقَنٰا مِنْ لَدُنْكَ مَدْرُورَةً،

و نام‌های ما را در میان بندگان ویژه‌ات بلندآوازه، و روزی ما را از ناحیهٔ خودت فراوان و سرشار،

وَحَوٰائِجَنٰا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و حاجت‌های ما را برآورده‌شده، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس به طرف بالاسر امام علیه‌السلام برو و بایست و بگو: اَلسَّلٰامُ عَلَى الْقٰائِمِ مَقٰامِ

سلام بر کسی که در جایگاه

الْأَنْبِيٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْوٰارِثِ عُلُومِ الْأَوْصِيٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى

انبیاء ایستاده است، سلام بر وارث علوم برگزیدگان، سلام بر

خَلِيفَةِ اللهِ وَخَلِيفَةِ رَسُولِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى زِمامِ الدِّينِ، اَلسَّلامُ

جانشین خداوند و جانشین رسول او، سلام بر شیرازهٔ دین، سلام

عَلٰى نِظامِ الْمُسْلِمِينَ، اَلسَّلامُ عَلٰى صَلاحِ الدُّنْيا، وَعُمْدَةِ

بر نظم‌دهندهٔ امور مسلمانان، سلام بر اصلاح‌کنندهٔ امور دنیا، و رکن

الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَصْلَ الْإِسْلامِ النّامي، اَلسَّلامُ

مؤمنان، سلام بر تو ای اصل و اساس و ریشهٔ اسلام بالنده و رشدکننده، سلام

عَلَيْكَ يا فَرْعَهُ السّامي، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بِهِ تَمامُ الصَّلاةِ

بر تو ای شاخهٔ بالارفته و سر بر فلک کشیدهٔ آن، سلام بر تو ای کسی که تمامیّت نماز

وَالزَّكاةِ وَالصِّيامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهادِ، وَتَوَفُّرِ الْفَيْءِ وَالصَّدَقاتِ

و زکات و روزه و حجّ و جهاد و کامل‌بودن آن‌ها، و پس‌اندازکردن غنائم و دریافت وجوهات

وَإِمْضاءِ الْحُدُودِ الْمُسَمَّياتِ، وَالْأَحْكامِ الْمُبَيَّناتِ. اَلسَّلامُ

و امضاء و اجرای حدود معیّن‌شده، و احکام بیان‌شده به وسیلهٔ شما است. سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَلِّلُ حَلالَ اللهِ، وَالْمُحَرِّمُ حَرامَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو ای کسی که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کنید، سلام بر تو

أَيُّهَا الْمُقِيمُ حُدُودَ اللهِ وَأَحْكامَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذّابُّ عَنْ

ای اقامه‌کنندهٔ حدود الهی و احکام او، سلام بر تو ای دفاع‌کننده از

دِينِ اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

دین خدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، سلام بر تو ای

الدّاعي إِلَى اللهِ بِالْحُجَّةِ الْبالِغَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ فَضْلُهُ

دعوت‌کنندهٔ به سوی خداوند با حجّت رسا، سلام بر تو ای کسی که فضیلت او

كَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطّالِعَةِ، الْمُجَلِّلَةِ بِنُورِها لِلْعالَمِ، اَلسَّلامُ

مانند خورشید روشنی‌بخش آشکار است، که به نور خود جهان را روشن ساخته است، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُنِيرُ، وَالسِّراجُ الطّاهِرُ، وَالنُّورُ السّاطِعُ،

بر تو ای آنکه همچون ماه تابان شب چهارده، و چراغ فروزان، و نور درخشان،

وَالنَّجْمُ الْهٰادي، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عِزَّ الْمُسْلِمينَ، وَغَيْظَ

و ستارهٔ هدایتگر هستی، سلام بر تو ای مایهٔ عزّت مسلمانان، و خشم

الْمُنٰافِقينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَوٰارَ الْكٰافِرينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا

منافقان، سلام بر تو ای کسی که سبب هلاکت و نابودی کافران هستی، سلام بر تو ای پدر

السّٰادَةِ الْمَيٰامينِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِ

سروران خجسته، سلام بر تو ای کسی که از ذکر فضیلت شما اشخاص بلیغ (که به خوبی می‌توانند

الْبُلَغٰاءُ، وَقَصُرَتْ عَنْ إِدْرٰاكِهِ الْفُصَحٰاءُ، وَتَحَيَّرَتْ في نَعْتِ فَضْلِهِ

مقصود خویش را با گفتارشان برسانند) عاجز و ناتوانند، و از ادراک آن سخن‌پردازان نارسا، و از توصیف فضل شما

الْخُطَبٰاءُ، وَلَمْ تَنْتَهِ إِلَيْهِ الْحُكَمٰاءُ، ﴿ذٰلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشٰاءُ

خطیبان سخن‌سرا سرگردانند، و حکیمان به سوی آن راه نمی‌یابند، این، فضل و بخشش خدا است به هر کس بخواهد عنایت

وَاللهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ﴾[1]، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ وَعَلٰى اٰبٰآئِكَ

می‌کند، و خداوند دارای فضل و بخشش بسیار است، سلام بر تو ای مولای من و بر پدران

الْأَكْرَمينَ، وَأَبْنٰآئِكَ الطّٰاهِرينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

گرامی‌ات، و فرزندان پاکت، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

پس ضریح را بوسیده و نماز زیارت بخوان و بگو:

يٰا شٰامِخاً في بُعْدِهِ، يٰا رَئُوفاً في رَحْمَتِهِ، يٰا مُحْيِيَ الْأَمْوٰاتِ،

ای بلندمرتبه در دوری‌اش؛ ای مهربان در رحمتش؛ ای زنده‌کنندهٔ مردگان؛

يٰا مُخْرِجَ النَّبٰاتِ، يٰا ظَهْرَ اللّٰاجينَ، يٰا جٰارَ الْمُسْتَجيرينَ، يٰا

ای بیرون‌آورندهٔ گیاهان؛ ای پشتیبان پناهندگان؛ ای پناه‌دهندهٔ حمایت‌طلبان؛ ای

أَسْمَعَ السّٰامِعينَ، يٰا أَبْصَرَ النّٰاظِرينَ، يٰا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ،

شنواترین شنوندگان؛ ای بیناترین بینندگان؛ ای فریادرس دادخواهان؛

يٰا عِمٰادَ مَنْ لٰا عِمٰادَ لَهُ، يٰا سَنَدَ مَنْ لٰا سَنَدَ لَهُ، يٰا ذُخْرَ مَنْ لٰا

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد؛ ای پشتوانهٔ کسی که پشتوانه ندارد؛ ای اندوختهٔ کسی که

۱. سورهٔ جمعه، آیهٔ ۴.

ذُخْرَ لَهُ، يٰا حِرْزَ الضُّعَفٰآءِ، يٰا كَنْزَ الْفُقَرٰآءِ، يٰا عَظِيمَ الرَّجٰآءِ، يٰا

اندوخته‌ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای

مُنْقِذَ الْغَرْقٰى، يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى، يٰا أَمٰانَ الْخٰآئِفِينَ، يٰا إِلٰهَ

نجات‌دهندهٔ غرق‌شدگان؛ ای زنده‌کنندهٔ مردگان؛ ای ایمنی‌بخش بیمناکان؛ ای معبود

الْعٰالَمِينَ، يٰا صٰانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يٰا جٰابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يٰا صٰاحِبَ

جهانیان؛ ای سازندهٔ هر ساخته‌شده؛ ای التیام‌بخش هر شکسته؛ ای همراه

كُلِّ غَرِيبٍ، يٰا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يٰا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، يٰا شٰاهِداً

هر غریب؛ ای همدم هر تنها؛ ای آنکه نزدیکی و دور نیستی؛ ای گواهی

غَيْرَ غٰآئِبٍ، يٰا غٰالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يٰا حَيُّ حِينَ لٰا حَيَّ، يٰا مُحْيِيَ

که چیزی بر او پنهان نیست؛ ای چیره‌ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده‌ای نبوده؛ ای زنده‌کنندهٔ

الْمَوْتٰى، يٰا حَيُّ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بَدِيعُ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ

مردگان؛ ای زنده که معبودی جز تو نیست؛ پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمینی، تو

الْقٰآئِمُ عَلٰى كُلِّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

حسابگر هر شخص به آنچه انجام داده و به دست آورده است هستی، از تو می‌خواهم که بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰاةً تُرْضِيهِمْ وَتُخْظِيهِمْ (تُحْظِيهِمْ)، وَتُبَلِّغُهُمْ أَقْصٰى

و آل محمّد درود فرستی، درودی که آنان را خشنود گردانی و بالا بری، و به آخرین درجهٔ

رِضٰاكَ، وَأَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي

رضایت خویش رسانی، و رحم کنی به ذلّت و خواری من در پیشگاهت، و ناله و زاری‌ام به درگاهت، و بیگانگی‌ام

مِنَ النّٰاسِ، وَأُنْسِي بِكَ يٰا كَرِيمُ، تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هٰذِهِ السّٰاعَةِ

از مردم، و انس و همدی‌ام به تو ای بزرگوار، در این ساعت بر من صدقه بده و مرحمت فرما

بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي بِهٰا قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِهٰا أَمْرِي، وَتَلُمُّ بِهٰا

به رحمتی از ناحیهٔ خودت که به وسیلهٔ آن قلبم را هدایت نمائی، و کارم را سامان دهی، و پریشانی‌ام را

شَعْثِي، وَتُبَيِّضُ بِهٰا وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِهٰا مَقٰامِي، وَتَحُطُّ بِهٰا

برطرف نمائی، و صورتم را سفید گردانی، و مقامم را گرامی و ارجمند فرمائی، و بار گرانم را

عَنّي وِزْري، وَتَغْفِرُ بِهٰا مٰا مَضٰى مِنْ ذُنُوبي، وَتَعْصِمُني بِـهٰا

سبک سازی، و از دوشم فرود آوری، و گناهان گذشته‌ام را بیامرزی، و در

فيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْري، وَتَسْتَعْمِلُني في ذٰلِكَ كُلِّهِ بِطٰاعَتِكَ، وَمٰا

باقی‌ماندهٔ عمرم مرا (از گناه و آلودگی) مصون بداری، و به اطاعت خویش و آنچه باعث خشنودی تو و

يُرْضيكَ عَنّي، وَتَخْتِمُ عَمَلي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلُ لي ثَوٰابَهُ الْجَنَّةَ،

رضایتت از من می‌گردد واداری و مشغول سازی، و کارم را به نیکوترین وجه پایان بخشی، و ثواب و پاداش آن را بهشت قرار دهی،

وَتَسْلُكُ بي سَبيلَ الصّٰالِحينَ، وَتُعينُني عَلىٰ صٰالِحِ مٰا أَعْطَيْتَني،

و به راه صالحان و نیکوکاران رهنمون شوی و ببری، و بر آنچه مصلحت من است از آنچه مرا عطا کردی یاری رسانی،

وَلاٰتُشْمِتْ بي حٰاسِداً وَلاٰ عَدُوّاً، وَلاٰتَكِلْني إِلىٰ نَفْسي طَرْفَةَ

و مرا مورد شماتت حسودان و دشمنان قرار ندهی، و هرگز مرا به خودم واگذار نکنی و رها نسازی

عَيْنٍ أَبَداً، وَلاٰ أَقَلَّ مِـنْ ذٰلِكَ وَلاٰ أَكْـثَرَ، يٰـا رَبَّ الْـعٰالَمينَ.

چشم به هم زدنی و کمتر یا بیشتر از آن، ای پروردگار جهانیان.

و سعی کن در دعا کردن به آنچه می‌خواهی، پس قبر را در پیش روی خود قـرار داده و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي زُرْتُ هٰذَا الْإِمٰـامَ مُـقِرّاً بِـإِمٰامَتِهِ، مُـعْتَقِداً لِـفَرْضِ

خداوندا؛ من این امام را زیارت کردم در حالی‌که به امامت او اقرار و اعتراف دارم، معتقدم به وجوب

طٰاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبي وَعُيُوبي، وَمُوبِقٰاتِ اٰثٰامي،

اطاعتش، پس آهنگ زیارت او نمودم با همهٔ گناهانم و بدی‌هایم، و نافرمانی‌هایم که هلاکت‌بار است،

وَكَثْرَةِ سَيِّئٰاتي وَخَطٰايٰايَ وَمٰا تَعْرِفُهُ مِنّي، مُسْتَجيراً بِـعَفْوِكَ،

و گناهان و خطاهای فراوانم، و آنچه تو از من می‌دانی، در حالی‌که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته،

مُسْتَعيذاً بِحِلْمِكَ، لاٰجِئاً إِلىٰ رُكْنِكَ، عٰائِذاً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً

و به حلم و بردباریت پناه آورده، به نیروی تو تکیه کرده، به رأفت و مهربانیت پناه آورده‌ام، طلب شفاعت می‌کنم از

بِوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيآئِكَ، وَصَفِيِّكَ وَابْنِ أَصْفِيٰآئِكَ، وَأَمينِكَ وَابْنِ

ولیّ تو و فرزند اولیائت، و برگزیدهٔ تو و فرزند برگزیدگانت، و امانتدار تو و فرزند

أُمَنٰآئِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفٰآئِكَ، اَلَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْـوَسِيلَةَ إِلىٰ

امانت‌دارانت، و جانشین تو و فرزند جانشینانت، (او از کسانی است که) آنان را وسیلهٔ

رَحْمَتِكَ وَرِضْوٰانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلىٰ رَأْفَتِكَ وَغُـفْرٰانِكَ. أَللّٰـهُمَّ

رحمت و خشنودیت، و واسطهٔ رأفت و آمرزش خویش قرار داده‌ای. خداوندا؛

وَأَوْلىٰ حٰاجٰاتي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لي مٰا سَلَفَ مِـنْ ذُنُـوبي عَـلىٰ

و بالاترین حاجت‌های من به درگاه تو اینست که گناهان گذشته‌ام را با

كَثْرَتِهٰا، وَأَنْ تَعْصِمَني فيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْري، وَتُطَهِّرَ دينِي مِمّٰا

زیادی آن‌ها بیامرزی، و در باقی‌ماندهٔ عمر مرا (از ارتکاب گناه) مصون داری، و دینم را از آنچه

يُدَنِّسُهُ وَيَشينُهُ وَيُزْري بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسٰادِ

آن را آلوده و زشت می‌گرداند و لکّه‌دار می‌سازد پاک گردانی، و آن را از هر گونه شکّ و تردید و فساد

وَالشِّرْكِ، وَتُثَبِّتَني عَلىٰ طٰـاعَتِكَ وَطٰـاعَةِ رَسُـولِكَ، وَذُرِّيَّـتِهِ

و شرک بازداری، و مرا بر اطاعت خود و اطاعت رسولت، و ذرّیّهٔ

النُّجَبٰآءِ السُّعَدٰآءِ، صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ وَسَلٰامُكَ وَبَرَكٰاتُكَ،

بزرگوار سعادتمند او ـ که درود و رحمت و سلام و برکاتت بر آنان باد ـ ثابت بداری،

وَتُحْيِيَني مٰا أَحْيَيْتَني عَلىٰ طٰاعَتِهِمْ، وَتُميتَني إِذٰا أَمَتَّني عَـلىٰ

و تا مرا زنده داشته‌ای بر اطاعت ایشان زنده بداری، و هنگامی که میراندی بر

طٰاعَتِهِمْ، وَأَنْ لٰا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبي مَـوَدَّتَهُمْ وَمَـحَبَّتَهُمْ وَبُـغْضَ

اطاعت‌شان بمیرانی، و از دلم ارادت و محبّت‌شان و کینهٔ

أَعْدٰآئِهِمْ، وَمُرٰافَقَةَ أَوْلِيٰآئِهِمْ وَبِرَّهُمْ. وَأَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ أَنْ تَـقْبَلَ

دشمنان‌شان، و رفاقت و همراهی با دوستان‌شان، و نیکی‌کردن به آنان را محو و نابود نگردانی. و از تو می‌خواهم پروردگارا؛

ذٰلِكَ مِنّي، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِـبٰادَتَكَ، وَتُـبَغِّضَ إِلَـيَّ مَـعٰاصِيَكَ،

که آن را از من بپذیری و عبادتت را محبوب من و مورد علاقهٔ من گردانی، و نافرمانی‌هایت را ناپسند من و مورد نفرت من گردانی،

وَتَرْزُقَني تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضٰاهٰا، وَنِيَّةً تَحْمَدُهٰا، وَعَمَلاً صٰالِحاً

و به من روزی کنی توبهٔ خالص و واقعی که به آن خشنود گردی، و نیّت پاکی که آن را بپسندی، و عمل نیکو و شایسته‌ای

تَقْبَلُهُ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

که آن را بپذیری، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

در هنگام زیارتِ وداع با **حضرت امام رضا** علیه‌السلام، نزد ضریح رو به قبر و پشت به قبله بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمينَ اللهِ في أَرْضِـهِ، وَحُـجَّتَهُ عَـلىٰ خَـلْقِهِ،

سلام بر شما ای امین خداوند در زمین او، و حجّت او بر آفریدگانش،

وَخٰازِنَ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَبٰابَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَصِـرٰاطَـهُ

و خزینهٔ علم او، و جایگاه سرّ او، و باب نهی و امر او، و راه او که راست

الْمُسْتَقيمَ، سَلٰامَ مُوَدِّعٍ وَلٰا سَئِمٍ وَلٰا قٰالٍ وَلٰا مٰالٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ

و مستقیم است. سلام کسی که وداع می‌نماید در حالی‌که از زیارت خسته نشده و افسرده نگشته و ملالت ندارد و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَٰالِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ غُـدُوَّنٰا

و برکات او. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و قرار بده آمدن ما را

مَقْرُوناً بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَرَوٰاحَنٰا عَنْكَ مَوْصُولاً بِالنَّجٰاحِ مِنْكَ،

مقرون به توکّل بر تو، و بازگشت ما را از خدمتت به رستگاری به وسیلهٔ خودت،

وَدُعٰآءَنٰا لَكَ مَقْرُوناً بِحُسْنِ الْإِجٰابَةِ، وَخُضُوعَنٰا بَيْنَ يَدَيْكَ دٰاعِياً

و دعای ما را برای تو مقرون به اجابتِ نیکو، و فروتنی باطنی ما را

إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَاعْتِرٰافَنٰا بِذُنُوبِنٰا شَفيعاً إِلٰى عَفْوِكَ، وَارْزُقْنَا الْعَوْدَ

در حضورت دعوت‌کنندهٔ رحمتت، و اعتراف ما را به گناهان‌مان راه شفاعت به سوی عفوت. و بازگشت

إِلٰى زِيٰارَتِهِ، ثُمَّ الْعَوْدَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ

به زیارتش را و پس از آن بازگشت دیگر را روزی ما گردان، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا؛

لٰاتَجْعَلْهُ ٰاخِرَ الْعَهْدِ مِنّٰا لِزِيٰارَةِ سَيِّدِنٰا وَإِمٰامِنَا الْمَفْرُوضِ طٰاعَتِهِ

این زیارت را آخرین دیدار ما برای زیارت سرور و پیشوای‌مان که اطاعتش بر ما واجب گشته است قرار نده،

عَلَيْنٰا، وَارْزُقْنٰا زِيٰارَتَهُ أَبَداً مٰا أَبْقَيْتَنٰا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ،

و زیارت او را به طور پیوسته و همیشگی تا مادامی که ما را باقی داشته‌ای روزی ما گردان، که تو صاحب فضل و احسان فراوان،

وَالْمَنِّ الْجَسِيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطّٰاهِرِينَ.[1]

و نعمت بسیار هستی، و درود خدا بر سرور ما (حضرت) محمّد و خاندان پاک او باد.

زیارت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه
در حرم شریف حضرت امام رضا علیه‌السلام

در پایان این بخش، زیارت حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه در حرم حضرت ثامن الحجج علیه آلاف التحیّة والثناء را نقل می‌کنیم:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خَلِيفَةَ الرَّحْمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا شَرِيكَ الْقُرْاٰنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قٰاطِعَ الْبُرْهٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ الْإِنْسِ وَالْجٰانِّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ اٰبٰائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدٰادِكَ الطّٰاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[2]

سلام بر تو ای صاحب عصر و زمان؛ سلام بر تو ای جانشین خدای رحمان؛ سلام بر تو ای شریک و هم‌سنگ قرآن؛ سلام بر تو ای دارای دلیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای امام آدمیان و جنّیان؛ سلام بر تو و بر اجداد پاکت و پدران پاکیزه‌ات که معصوم بودند؛ و رحمت و برکت‌های الهی نثارتان باد.

۱. تحفة الزائر (مخطوط): ۲۹۷.

۲. صحیفهٔ مهدیّه: ۶۱۰.

بخش بیست و هفتم

هشت دعا
از دعاهای بعد از زیارت

در این بخش، هشت دعا از ادعیهٔ جامعه را که مناسب است پس از زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و سایر ائمّه علیهم‌السلام خوانده شوند،[1] نقل می‌کنیم:

۱
دعای اوّل (عالیة المضامین)

سیّد بن طاووس رحمه‌الله فرموده است: این دعایی است که بعد از زیارت هر یک از ائمّه علیهم‌السلام خوانده می‌شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي زُرْتُ هٰذَا الْإِمٰامَ مُقِرّاً بِإِمٰامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرْضِ

خداوندا؛ من این امام را زیارت کردم در حالی‌که به امامت او اقرار و اعتراف دارم، معتقدم به وجوب

طٰاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبي وَعُيُوبي، وَمُوبِقٰاتِ اٰثٰامي،

اطاعتش، پس آهنگ زیارت او نمودم با همهٔ گناهانم و بدی‌هایم، و نافرمانی‌هایم که هلاکت‌بار است،

۱. دعاهای مخصوص حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام را پس از زیارت‌های آن حضرت نقل کردیم.

وَكَثْرَةِ سَيِّئاتي وَخَطاياي وَما تَعْرِفُهُ مِنّي، مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ،

و گناهان و خطاهای فراوانم، و آنچه تو از من می‌دانی، در حالی‌که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته،

مُسْتَعيذاً بِحِلْمِكَ، راجِياً رَحْمَتَكَ، لاجِياً إِلىٰ رُكْنِكَ، عائِذاً

و به حلم و بردباریت پناه آورده، به رحمتت امید بسته، به نیروی تو تکیه کرده،

بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ، وَصَفِيِّكَ وَابْنِ

به رأفت و مهربانیت پناهنده‌ام، شفیع خود گردانیده‌ام ولیّ تو و فرزند اولیائت، و برگزیدهٔ تو و فرزند

أَصْفِيائِكَ، وَأَمينِكَ وَابْنِ اُمَنائِكَ، وَخَليفَتِكَ وَابْنِ خُلَفائِكَ،

برگزیدگانت، و امانتدار تو و فرزند امانت‌دارانت، و جانشین تو و فرزند جانشینانت را،

اَلَّذينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسيلَةَ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ، وَالذَّريعَةَ إِلىٰ

(او از کسانی است که) آنان را وسیلهٔ رحمت و خشنودیت، و واسطهٔ

رَأْفَتِكَ وَغُفْرانِكَ. أَللّٰهُمَّ وَأَوَّلُ حاجَتي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لي ما

رأفت و آمرزش خویش قرار داده‌ای. خداوندا؛ و اوّلین حاجت من به درگاه تو اینست که

سَلَفَ مِنْ ذُنُوبي عَلىٰ كَثْرَتِها، وَأَنْ تَعْصِمَني فيما بَقِيَ مِنْ

گناهان گذشته‌ام را با آن‌که زیاد است بیامرزی، و در باقی‌ماندهٔ عمر مرا (از ارتکاب گناه) مصون داری،

عُمْري، وَتُطَهِّرَ ديني مِمّا يُدَنِّسُهُ وَيَشينُهُ وَيُزْري بِهِ، وَتَحْمِيَهُ

و دینم را از آنچه آن را آلوده و زشت می‌گرداند، و لکّه‌دار می‌سازد پاک گردانی، و

مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ، وَالْفَسادِ وَالشِّرْكِ، وَتُثَبِّتَني عَلىٰ طاعَتِكَ

از هر گونه شکّ و تردید، و فساد و شرک بازداری، و ثابت بداری مرا بر اطاعت خود

وَطاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَباءِ السُّعَداءِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ

و اطاعت رسولت، و ذرّیّهٔ بزرگوار سعادتمند او که درود

وَرَحْمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَرَكاتُكَ، وَتُحْيِيَني ما أَحْيَيْتَني عَلىٰ

و رحمت و سلام و برکاتت بر آنان باد، و تا مرا زنده داشته‌ای بر

طاعَتِهِمْ، وَتُميتَني إِذا أَمَتَّني عَلىٰ طاعَتِهِمْ، وَأَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ

اطاعت ایشان زنده بداری، و هنگامی که میراندی بر اطاعت‌شان بمیرانی، و محو و نابود نگردانی از

قَلْبي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدٰآئِهِمْ، وَمُرٰافَقَةَ أَوْلِـيٰآئِهِمْ،

دلم ارادت و محبّت‌شان و کینهٔ دشمنان‌شان، و رفاقت و همراهی با دوستان‌شان،

وَبِرَّهُمْ. وَأَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ أَنْ تَـقْبَلَ ذٰلِكَ مِـنّي، وَتُـحَبِّبَ إِلَـيَّ

و نیکی‌کردن به آنان را. و از تو می‌خواهم پروردگارا؛ که آن را از من بپذیری، و

عِبٰادَتَكَ، وَالْمُوٰاظَبَةَ عَـلَيْهٰا، وَتُـنَشِّطَني لَـهٰا، وَتُـبَغِّضَ إِلَـيَّ

عبادتت و مواظبت بر آن را محبوب من و مورد علاقهٔ من گردانی، و بر انجام آن به من نشاط بخشی، و

مَعٰاصِيَكَ وَمَحٰارِمَكَ، وَتَدْفَعَني عَنْهٰا، وَتُجَنِّبَني التَّقْصيرَ فـي

نافرمانی‌ها و محرّماتت را ناپسند من و مورد نفرت من گردانی، و مرا از آن‌ها دور نمایی، و از کوتاهی کردن در

صَلٰاتي وَالْإِسْتِهٰانَةَ بِهٰا، وَالتَّرٰاخِيَ عَنْهٰا، وَتُوَفِّقَني لِتَأْدِيَتِهٰا كَمٰا

نماز و کوچک شمردن آن، و سستی کردن در آن مرا بازبداری، و توفیق دهی برای انجام آن آنگونه که

فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ، عَلىٰ سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَـلَيْهِ وَٰالِـهِ

واجب ساخته‌ای و به آن دستور داده‌ای به روش پیامبرت ـ که درود تو بر او و آل او

وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكٰاتُكَ، خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْري لِإِيتٰآءِ

و رحمت و برکاتت باد ـ از نظر خضوع و خشوع. و به من شرح صدر عطا کنی برای پرداخت

الزَّكٰاةِ، وَإِعْطٰآءِ الصَّدَقٰاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسٰـانِ، إِلىٰ

زکات، و دادن صدقات، و بخشش نیکی و احسان به

شيعَةِ ٰالِ مُحَمَّدٍ وَمُوٰاسٰاتِهِمْ، وَلٰاتَتَوَفَّٰاني إِلّٰا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَني حَجَّ

پیروان آل محمّد و یاری آنان، و مرا از دنیا مبر مگر بعد از آن‌که حجّ

بَيْتِكَ الْحَرٰامِ، وَزِيٰارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ، وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلٰامُ.

خانهٔ خودت، و زیارت قبر پیامبرت، و قبور ائمّهٔ را ـ که بر آنان سلام باد ـ روزیم گردانی.

وَأَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضٰاهٰا، وَنِيَّةً تَحْمَدُهٰا، وَعَمَلاً

و از تو می‌خواهم ـ ای پروردگار من؛ ـ توبهٔ خالص و واقعی که به آن خشنود گردی، و نیّت پاکی که آن را بپسندی، و عمل

صٰالِحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لي وَتَرْحَمَني إِذٰا تَوَفَّيْتَني، وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ

نیکو و شایسته‌ای که آن را بپذیری، و هنگام وفاتم مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی، و

سَكَرٰاتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَني في زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلَوٰاتُ اللهِ

سختی‌های جان‌کندن را بر من آسان کنی، و در زمرهٔ محمّد و آل او - که درود تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتُدْخِلَني الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعي غَزيراً

بر او و بر آنان باد - محشور گردانی، و به رحمت خود مرا وارد بهشت نمایی، و گریه‌ام را

في طٰاعَتِكَ، وَعَبْرَتي جٰارِيَةً فيمٰا يُقَرِّبُني مِنْكَ، وَقَلْبي عَطُوفاً

در راه اطاعت خویش فراوان، و اشک چشمانم را در آنچه باعث تقرّب من به تو می‌گردد جاری سازی، و قلب مرا

عَلىٰ أَوْلِيٰآئِكَ، وَتَصُونَني في هٰذِهِ الدُّنْيٰا مِنَ الْعٰاهٰاتِ وَالْاٰفٰاتِ،

نسبت به اولیاء و دوستانت عطوف و مایل فرمائی، و مرا در این دنیا از بیماری‌ها و آفت‌ها،

وَالْأَمْرٰاضِ الشَّديدَةِ، وَالْأَسْقٰامِ الْمُزْمِنَةِ، وَجَميعِ أَنْوٰاعِ الْبَلٰآءِ

و مرض‌های سخت، و دردهای زمین‌گیر کننده، و هر نوع بلا و حادثه‌ای مصون بداری،

وَالْحَوٰادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبي عَنِ الْحَرٰامِ، وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعٰاصِيَكَ،

و قلبم را از حرام بازگردانی، و نافرمانی‌هایت را مورد تنفّر من قرار دهی،

وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلٰالَ، وَتَفْتَحَ إِلَيَّ أَبْوٰابَهُ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتي وَفِعْلي

و حلال را محبوب من و مورد پسندم نمایی، و درهایش را به رویم بگشائی، و نیّتم را ثابت و کارم را

عَلَيْهِ، وَتَمُدَّ في عُمْري، وتُغْلِقَ أَبْوٰابَ الْمِحَنِ عَنّي، وَلٰاتَسْلُبَني

بر آن استوار سازی، و عمرم را طولانی، و درهای غم و غصّه را بر من ببندی، و

مٰا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَلٰاتَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمّٰا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَلٰاتَنْزِعَ

آنچه بر من عطا کرده و بخشیده‌ای از من مگیری، و چیزی از آنچه احسان کرده‌ای بازنستانی، و

مِنّي النِّعَمَ الَّتي أَنْعَمْتَ بِهٰا عَلَيَّ، وَتَزيدَ فيمٰا خَوَّلْتَني، وَتُضٰاعِفَهُ

نعمت‌هایی را که به من مرحمت فرموده‌ای جدا نسازی، و آنچه عنایت کرده‌ای زیاد کنی، و آن را مضاعف

أَضْعٰافاً مُضٰاعَفَةً، وَتَرْزُقَني مٰالاً كَثيراً وٰاسِعاً سٰآئِغاً، هَنيئاً نٰامِياً

و چندین برابر گردانی، و مال زیاد فراوان دلپذیر، گوارا بالنده

وٰافِياً، وَعِزّاً بٰاقِياً كٰافِياً، وَجٰاهاً عَريضاً مَنيعاً، وَنِعْمَةً سٰابِغَةً

کامل، و عزّت پایدار کفایت‌کننده، و آبروی بسیار بازدارنده، و نعمت سرشار

عٰآمَّةً، وَتُغْنِيَني بِذٰلِكَ عَنِ الْمَطٰالِبِ الْمُنَكَّدَةِ، وَالْمَوٰارِدِ الصَّعْبَةِ،

فراگیر روزی‌ام نمایی، و مرا به وسیلهٔ آن از درخواست‌های ناروا، و موردهای دشوار بی‌نیاز گردانی،

وَتُخَلِّصَني مِنْهٰا مُعٰافاً في دينِي وَنَفْسي وَوَلَدي، وَمٰا أَعْطَيْتَني

و از آن رهایی بخشی با عافیت در دین و جان و فرزندم، و (در) آنچه عطا کرده‌ای

وَمَنَحْتَني، وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مٰالي وَجَميعَ مٰا خَوَّلْتَني، وَتَقْبِضَ عَنّي

و بخشیده‌ای، و آنچه را دارم و به من داده‌ای برایم نگه داری، و

أَيْدِي الْجَبٰابِرَةِ، وَتَرُدَّني إِلىٰ وَطَني، وَتُبَلِّغَني نِهٰايَةَ أَمَلي في

دست جبّاران و زورگویان را از تعدّی کردن بر من ببندی و بازداری، و مرا به سرزمین خویش بازگردانی، و به نهایت آرزویم

دُنْيٰايَ وَاٰخِرَتي، وَتَجْعَلَ عٰاقِبَةَ أَمْري مُحْمُودَةً حَسَنَةً سَليمَةً،

در دنیا و آخرت برسانی، و سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و بی‌عیب قرار دهی،

وَتَجْعَلَني رَحيبَ الصَّدْرِ، وٰاسِعَ الْحٰالِ، حَسَنَ الْخُلْقِ، بَعيداً

و مرا شکیبا و باحوصله و خوش‌اخلاق، و دور

مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ، وَالنِّفٰاقِ وَالْكِذْبِ وَالْبُهْتِ، وَقَوْلِ الزُّورِ،

از بخل و خودداری، و نفاق و دروغ و بهتان، و زورگویی و گفتار نادرست قرار دهی،

وَتَرْسَخَ في قَلْبي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِمْ، وَتَحْرُسَني

و در دلم محبّت محمّد و آل محمّد و شیعیان ایشان را رسوخ دهی و ریشه‌دار نمایی، و محفوظ بداری

يٰا رَبِّ في نَفْسي وَأَهْلي وَمٰالي وَوَلَدي وَأَهْلِ حُزٰانَتي وَإِخْوٰاني

- ای پروردگار؛ - خودم و اهل و عیالم و مالم و فرزندم و آنان‌که سرپرستی ایشان را به عهده دارم و برادرانم

وَأَهْلِ مَوَدَّتي وَذُرِّيَّتي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ. أَللّٰهُمَّ هٰذِهِ حٰاجٰاتي

و دوستانم و ذرّیّه‌ام را به رحمتت و جودت. خداوندا؛ اینها نیازهای من به

عِنْدَكَ، وَقَدِ اسْتَكْثَرْتُهٰا لِلُؤْمي وَشُحّي، وَهِيَ عِنْدَكَ صَغيرَةٌ

درگاه تو است، و آن‌ها را زیاد می‌شمارم به خاطر پستی و بخل بسیارم، و در حالی‌که آن نزد تو

حَقيرَةٌ، وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسيرَةٌ، فَأَسْأَلُكَ بِجٰاهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

کم و ناچیز است، و انجام آن بر تو ساده و آسان است، پس از تو می‌خواهم به مقام و منزلت محمّد و آل محمّد

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِما أَوْجَبْتَ لَهُمْ،

ـ که بر او و بر ایشان سلام و درود باد ـ در پیشگاهت، و به حقّ ایشان بر تو، و به آنچه برای ایشان واجب گردانیدی،

وَبِسائِرِ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيائِكَ، وَأَوْلِيائِكَ الْمُخْلَصينَ مِنْ

و به دیگر پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و اولیاء بااخلاص و پاکت از میان

عِبادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمّا قَضَيْتَها كُلَّها، وَأَسْعَفْتَني

بندگانت، و به نام بزرگت، به آن نام بزرگت که همهٔ آن‌ها را برآورده سازی و مرا حاجت‌روا گردانی،

بِها، وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلي وَرَجائي، وَشَفِّعْ صاحِبَ هٰذَا الْقَبْرِ فِيَّ.

و مرا از آنچه آرزو و امید دارم محروم نکنی، و صاحب این قبر را در مورد من شفیع من گردانی.

يا سَيِّدي يا وَلِيَّ اللهِ، يا أَمينَ اللهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لي إِلَى اللهِ

ای سرور من؛ ای ولیّ خدا؛ ای امین خدا و مورد اطمینان او؛ از تو درخواست می‌کنم که شفاعت کنی برای من به درگاه خداوند

عَزَّ وَجَلَّ في هٰذِهِ الْحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبائِكَ الطّاهِرينَ، وَبِحَقِّ

عزّ وجلّ در مورد همهٔ این نیازها و حاجت‌هایم، به حقّ پدران پاک، و به حقّ

أَوْلادِكَ الْمُنْتَجَبينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُهُ، الْمَنْزِلَةَ

فرزندان برگزیده‌ات، که براستی تو نزد خداوند ـ که نام‌هایش مقدّس است ـ مقام

الشَّريفَةَ، وَالْمَرْتَبَةَ الْجَليلَةَ، وَالْجاهَ الْعَريضَ. أَللّٰهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ

ارزشمند و رتبهٔ والا، و آبروی فراوان داری. خداوندا؛ اگر

مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هٰذَا الْإِمامِ وَمِنْ آبائِهِ وَأَبْنائِهِ الطّاهِرينَ

کسانی را می‌شناختم که نزد تو از این امام عزیز و پدران و فرزندان پاکش

عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَالصَّلاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمامَ حاجَتي

ـ که بر همهٔ آنان سلام و درود باد ـ آبرومندتر باشد آنان را شفیع خود قرار می‌دادم، و آنان را پیشاپیش

وَطَلِباتي هٰذِهِ، فَاسْمَعْ مِنّي وَاسْتَجِبْ لي، وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ

این خواسته‌ها و نیازهایم مقدّم می‌نمودم، پس دعایم را بشنو و برایم به اجابت برسان، و آنگونه که تو شایستهٔ آن هستی با من

أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ وَما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتي وَلَمْ

رفتار کن، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ و آنچه درخواست من نسبت به آن نارسا و نیرویم ناتوان

تَبْلُغُهُ فِطْنَتي، مِنْ صٰالِحِ دينِي وَدُنْيٰايَ وَاٰخِـرَتي، فَـامْنُنْ بِـهِ

و تیزهوشی و زیرکی‌ام به آن نمی‌رسد و صلاح دین و دنیا و آخرت من است، تو به آن

عَلَيَّ، وَاحْفَظْني وَاحْرُسْني، وَهَبْ لي وَاغْفِرْ لي، وَمَنْ أَرٰادَني

بر من منّت گذار، و مرا نگهدار و حفظ کن، و بر من ببخشای و مرا مورد آمرزش قرار بده، و هر کس به من ارادهٔ

بِسُوٓءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطٰانٍ مَرِيدٍ، أَوْ سُلْطٰانٍ عَنيدٍ، أَوْ مُخٰالِفٍ

بدی یا نیّت ناروائی دارد، شیطان سرکش باشد، یا سلطان عنادپیشهٔ منحرف، یا مخالفت داشته باشد با من

في دينٍ، أَوْ مُنٰازِعٍ في دُنْيٰا، أَوْ حٰاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً، أَوْ ظٰالِمٍ أَوْ

در دین، یا کشمکش داشته باشد بر سر دنیا، یا حسد ورزد به نعمتی که دارم، یا ستمگر باشد یا

بٰاغٍ، فَاقْبِضْ عَنّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ، وَاشْغَلْهُ بِـنَفْسِهِ،

جنایتکار، دست او را نسبت به من ببند، و مکر و حیلهٔ او را از من بازگردان، و او را به خودش مشغول ساز،

وَاكْفِني شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبٰاعِهِ وَشَيٰاطينِهِ، وَأَجِرْني مِنْ كُلِّ مٰا يَضُرُّني

و شرّ او و شرّ پیروان و شیاطین او را از من کفایت کن، و مرا از آنچه به من زیان رساند

وَيُجْحِفُ بي، وَأَعْطِني جَميعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مِمّٰا أَعْـلَمُ وَمِـمّٰا لٰا

و بر من بیش از طاقتم فشار آورد در امان بدار، و همهٔ خوبی‌ها را از آنچه می‌دانم و

أَعْلَمُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَلِوٰالِدَيَّ،

نمی‌دانم به من عطا فرما. خداوندا؛ درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و بیامرز مرا و پدر و مادرم را،

وَلِإِخْوٰاني وَأَخَوٰاتي، وَأَعْمٰامي وَعَمّٰاتي، وَأَخْوٰالي وَخٰالٰاتي،

و برادران و خواهرانم را، و عموها و عمّه‌هایم را، و دائی‌ها و خاله‌هایم را،

وَأَجْدٰادي وَجَدّٰاتي، وَأَوْلٰادِهِمْ وَذَرٰارِيهِمْ، وَأَزْوٰاجي وَذُرِّيّٰاتي

و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایم را، و فرزندان و نسل ایشان را، و همسران و فرزندانم را

وَأَقْرِبٰائي وَأَصْدِقٰائي، وَجيرٰاني وَإِخْوٰاني فيكَ، مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ

و همهٔ نزدیکانم و دوستانم را، و همسایگان و برادران ایمانی‌ام را، از مشرق زمین باشند

وَالْغَرْبِ، وَلِجَميعِ أَهْلِ مَوَدَّتي مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، اَلْأَحْيٰآءِ

یا مغرب زمین، و همهٔ کسانی را که با من محبّت دارند از مردان و زنان مؤمن، زنده باشند

مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ، وَلِجَميعِ مَنْ عَلَّمَني خَيْراً أَوْ تَعَلَّمَ مِنّي عِلْماً.

یا مرده، و همهٔ کسانی که به من کار خوب یا مطلب سودمندی آموخته باشند یا از من علم و دانشی فراگرفته باشند.

أَللّٰهُمَّ أَشْرِكْهُمْ في صٰالِحِ دُعٰآئي، وَزِيٰارَتي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ

خداوندا؛ شریک گردان همهٔ آنان را در دعای شایستهٔ من و زیارت حرم (باصفای) حجّت

وَوَلِيِّكَ، وَأَشْرِكْني في صٰالِحِ أَدْعِيَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ

و ولیّت، و شریک نما مرا در دعاهای نیکو و شایستهٔ آنان، به رحمتت ای مهربانترین

الرّٰاحِمينَ، وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمُ السَّلٰامَ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ

مهربانان، و از طرف همهٔ آنان به ولیّ خویش سلام برسان، و سلام بر تو و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. يٰا سَيِّدي وَمَوْلٰايَ ـ يٰا فُلٰانَ بْنَ فُلٰانٍ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ،

و برکات او بر تو باد. ای سرور من؛ و مولای من؛ - ای فلان پسر فلان - درود خدا بر تو،

وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَنْتَ وَسيلَتي إِلَى اللهِ، وَذَريعَتي إِلَيْهِ،

و بر روح و جسم تو، تو وسیلهٔ من به سوی خداوند و راه ارتباط من با او هستی،

وَلي حَقُّ مُوٰالاٰتي وَتَأْميلي، فَكُنْ شَفيعي إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي

و من حقّ ارادتمندی و آرزومندی به حضرتت دارم، پس شفیع من باش به درگاه خداوند تبارک و تعالی در

الْوُقُوفِ عَلىٰ قِصَّتي هٰذِهِ، وَصَرْفي عَنْ مَوْقِفي هٰذٰا بِالنُّجْحِ، وَبِمٰا

مورد آنچه آگاهی از قصّهٔ من و در مورد بازگشتم از این جایگاه محترم با موفقیّت و روا شدن

سَأَلْتُهُ كُلَّهُ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ. أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني عَقْلًا كٰامِلاً، وَلُبّاً

همهٔ خواسته‌هایم با قدرت و رحمت او. خداوندا؛ به من عقل کامل، و اندیشه و خرد

رٰاجِحاً، وَعِزّاً بٰاقِياً، وَقَلْباً زَكِيّاً، وَعَمَلًا كَثيراً، وَأَدَباً بٰارِعاً،

بیشتر، و عزّت پایدار، و قلبی پاک، و عمل بسیار، و ادبی برتر و شایسته‌تر روزی فرما،

وَاجْعَلْ ذٰلِكَ كُلَّهُ لي، وَلاٰتَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

و همهٔ آن‌ها را به نفع من قرار بده، و بر ضرر من قرار مده، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. مصباح الزائر: ۴۶۸، بحار الأنوار: ۱۶۹/۱۰۲، کتابٌ في الزیارات والأدعیة (مخطوط): ۲۴.

۲

دعای دوّم

مستحبّ است این دعا بعد از زیارت **امام رضا** علیه‌السلام و نیز سایر امامان علیهم‌السلام خوانده شود:

أَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَتْ ذُنُوبي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْ

خداوندا؛ اگر گناهانم مرا نزد تو بی‌آبرو ساخته، و

دُعٰائي عَنْكَ، وَحٰالَتْ بَيْني وَبَيْنَكَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ

دعایم را از رسیدن به درگاهت مانع گشته، و میان من و تو فاصله انداخته است، پس از تو می‌خواهم که

بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَتُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكٰاتِكَ.

با چهرهٔ کریمانه‌ات بر من روی آوری، و رحمتت را بر من بگسترانی، و برکاتت را بر من نازل سازی.

وَإِنْ كٰانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أَنْ تَرْفَعَ لي إِلَيْكَ صَوْتاً، أَوْ تَغْفِرَ لي ذَنْباً،

و اگر گناهانم مانع شده از اینکه صدایم به سوی تو بالا رود، یا گناهم را بیامرزی،

أَوْ تَتَجٰاوَزَ عَنْ خَطيٓئَةٍ مُهْلِكَةٍ، فَهٰا أَنَا ذٰا مُسْتَجيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ

یا از خطا و اشتباه هلاک‌کننده گذشت کنی، پس اکنون من به کرامت و بزرگواری ذاتت

وَعِزِّ جَلٰالِكَ، وَمُتَوَسِّلٌ إِلَيْكَ، وَمُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ،

و عزّت و شکوه جلالت پناهنده گشته، و به سوی تو توسّل جسته و تقرّب می‌یابم به وسیلهٔ محبوبترین آفریدگانت،

وَأَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ وَأَوْلٰاهُمْ بِكَ، وَأَطْوَعِهِمْ لَكَ، وَأَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً

و گرامی‌ترین آنان در پیشگاه تو، وشایسته‌ترین آنان نسبت به تو، وفرمانبردارترین ایشان برای تو، وباعظمت‌ترین آنان از جهت منزلت

وَمَكٰاناً عِنْدَكَ، مُحَمَّدٍ وَبِعِتْرَتِهِ الطّٰاهِرينَ، اَلْأَئِمَّةِ الْهُدٰاةِ الْمَهْدِيّينَ،

و موقعیّت نزد تو، (حضرت) محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و به وسیلهٔ عترت پاک او، امامان هدایت‌یافتهٔ هدایتگر،

اَلَّذينَ فَرَضْتَ عَلىٰ خَلْقِكَ طٰاعَتَهُمْ، وَأَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ

که اطاعت‌شان را بر همهٔ مردمان واجب ساختی، و به مودّت و دوستی ایشان دستور دادی، و آنان را

وُلٰاةَ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ. يٰا مُذِلَّ كُلِّ

بعد از پیامبرت سرپرست امور قرارشان دادی، که درود خدا بر او و آل او باد. ای خوارکنندهٔ هر

جَبّٰارٍ عَنِيدٍ، وَيٰا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلَغَ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِيَ

ستمگر زورگوی عنادپیشه، و ای عزیز گردانندهٔ مؤمنان، تاب و توانم به پایان رسیده است، پس اکنون مرا ببخش،

السّٰاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهٰا عَلَيَّ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و با رحمتی از ناحیهٔ خودت بر من منّت گذار، ای مهربانترین مهربانان.

سپس ضریح را ببوس و دو طرف گونه‌ات را بر آن بمال و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذٰا مَشْهَدٌ لٰا يَرْجُو مَنْ فٰاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ، أَنْ يَنٰالَهٰا فِي

خداوندا؛ این، زیارتگاهی است که کسی اگر رحمت تو در آن‌جا از او فوت شود، امیدی نیست که در

غَيْرِهِ، وَلٰا أَحَدٌ أَشْقٰى مِنِ امْرَءٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلاً فَاٰبَ عَنْهُ خٰائِباً.

غیر اینجا بدست آورد، و کسی شقی‌تر از انسانی نیست که با آرزو و امید اینجا بیاید و محروم بازگردد.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْإِيٰابِ، وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُنٰاقَشَةِ

خداوندا؛ به تو پناه می‌برم از بدی بازگشتن، و ناامیدی هنگام بازگشت، و مناقشه و کشمکش

عِنْدَ الْحِسٰابِ، وَحٰاشٰاكَ يٰا رَبِّ أَنْ تُقْرِنَ طٰاعَةَ وَلِيِّكَ بِطٰاعَتِكَ،

وقت حسابرسی، و از ساحت مقدّس تو به دور است ـ پروردگارا؛ ـ که اطاعت ولیّت را با اطاعت خویش،

وَمُوٰالاٰتِهِ بِمُوٰالاٰتِكَ، وَمَعْصِيَتِهِ بِمَعْصِيَتِكَ، ثُمَّ تُؤْيِسَ زٰائِرَهُ،

ودوستی و پیروی او را بادوستی و پیروی خویش، و معصیت و نافرمانی او را بامعصیت و نافرمانی خویش مقرون گردانی، سپس زائرش

وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلٰادِ إِلٰى قَبْرِهِ؛ وَعِزَّتِكَ يٰا رَبِّ لٰا يَنْعَقِدُ

را و آن‌که سختی راه و دوری آن را تا کنار قبر مطهّر او تحمّل کرده مأیوس و ناامید گردانی، سوگند به عزّتت ـ ای پروردگار؛ ـ

عَلىٰ ذٰلِكَ ضَمِيرِي، إِذْ كٰانَتِ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ.[1]

که به خاطرم چنین چیزی خطور نمی‌کند؛ زیرا که دل‌ها به سوی تو تنها به خوبی و نیکی اشاره دارد.

۱. مصباح الزائر: ۴۷۱، بحار الأنوار: ۱۷۲/۱۰۲، كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۲۸.

۳

دعای سوّم

خواندن این دعا نیز پس از زیارت **امام رضا**علیه‌السلام و سایر ائمّه علیهم‌السلام مستحبّ است:

يٰا وَلِيَّ اللهِ؛ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لٰا يَأْتي عَلَيْهٰا إِلّٰا

ای ولیّ خدا؛ همانا میان من و خداوند عزیز والا گناهانی است که جز رضایت و خشنودی شما آن‌ها را از بین

رِضٰاكَ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعٰاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ،

نمی‌برد، پس به حقّ کسی که شما را امین راز خویش قرار داد، و سرپرستی امور عالم و نگهبانی خلق را از شما خواست،

وَقَرَنَ طٰاعَتَكَ بِطٰاعَتِهِ، وَمُوٰالاٰتَكَ بِمُوٰالاٰتِهِ، تَوَلَّ صَلٰاحَ حٰالي

و اطاعت شما را به اطاعت خویش و پیروی شما را به پیروی خویش مقرون گردانید، اصلاح حال مرا

مَعَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظّي مِنْ زِيٰارَتِكَ تَخْلِيطي بِخٰالِصي

با خداوند تبارک و تعالی عهده‌دار باش. و قرار بده بهرهٔ مرا از زیارتت، مخلوط کردنم با

زُوّٰارِكَ، اَلَّذينَ تَسْأَلُ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ في عِتْقِ رِقٰابِهِمْ، وَتَرْغَبُ

زائران خالص خویش که از خداوند آزادی آن‌ها را درخواست می‌کنی، و ثواب و

إِلَيْهَ في حُسْنِ ثَوٰابِهِمْ. فَهٰا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لآئِذٌ، وَبِحُسْنِ

پاداش نیکو برای آن‌ها از درگاه او مایل و مشتاقی. اکنون من امروز به مرقد پاکت پناه آورده،

دِفٰاعِكَ عَنّي عٰآئِذٌ، فَتَلٰافِني يٰا مَوْلٰايَ وَأَدْرِكْني، وَاسْأَلِ اللهَ

و به دفاع و حمایت نیکویت از من پناهنده گشته‌ام، پس به داد من برس ای مولای من و مرا دریاب، و از خداوند

عَزَّ وَجَلَّ في أَمْري، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقٰاماً كَريماً، (وَجٰاهاً

عزیز والا در مورد کار من درخواست کن که براستی برای تو نزد خداوند مقامی ارجمند (و آبروی

عَظيماً،) صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.[1]

شایانی) است، درود خدا و سلام او بر تو باد.

۱. بحار الأنوار: ۱۷۳/۱۰۲.

۴

دعای چهارم

خواندن این دعا نیز پس از زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و سایر ائـمّهٔ اطـهار علیهم‌السلام مناسب است:

أَللّٰهُمَّ لَوْ وَجَدْتُ شَفيعاً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِـنْ مُـحَمَّدٍ وَأَهْـلِ بَـيْتِهِ

خداوندا؛ اگر واسطه و شفیعی را می‌یافتم که به حضرتت نزدیکتر از محمّد و اهل بیت

الْأَخْيٰارِ، اَلْأَتْقِيٰآءِ الْأَبْرٰارِ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلٰامُ، لَاسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ

پاک پرهیزکار نیکوکار او - بر او و بر آنان سلام - باشد او را به درگاهت شفیع قرار می‌دادم،

إِلَيْكَ، وَهٰذٰا قَبْرُ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيٰآئِكَ وَسَيِّدٍ مِنْ أَصْفِيٰآئِكَ، وَمَـنْ

و این قبر ولیّی از اولیائت، و سروری از برگزیدگانت است، و کسی است که

فَرَضْتَ عَلَى الْخَلْقِ طٰاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتُهُ بَيْنَ يَدَيَّ، أَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ

اطاعت او را بر همهٔ خلق واجب کرده‌ای، که در پیش‌روی خود قرار داده‌ام، پروردگارا؛ از تو می‌خواهم

بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمّٰا نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحيمَةً مِنْ

به حرمت و آبروی او نزد تو، و به حقّ او بر تو نگاهی از روی رحمت و مهربانی به من کنی،

نَظَرٰاتِكَ، تَلُمُّ بِهٰا شَعْثي، وَتَصْلُحُ بِهٰا حٰالي فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ،

که با آن نگاه، پریشانی و نابسامانی مرا برطرف کنی، و حالم را در دنیا و آخرت اصلاح نمایی،

فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبي لَمّٰا فٰاتَتِ الْـعَدَدَ،

که تو بر هر چیزی توانایی. خداوندا؛ همانا گناهانم وقتی که از عدد گذشت

وَجٰازَتِ الْأَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفٰاعَةَ كُلِّ شٰافِعٍ دُونَ أَوْلِيٰآئِكَ تَقْصُرُ

و از اندازه تجاوز کرد، دانستم که شفاعت هر شفیعی غیر از اولیائت کارساز نیست،

عَنْهٰا، فَوَصَلْتُ الْمَسيرَ في بَلَدي، قٰاصِداً وَلِـيَّكَ بِـالْبُشْرىٰ،

پس این مسیر را پیمودم و با شادمانی آهنگ ولیّ تو را نمودم،

وَمُتَعَلِّقاً مِنْهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى، وَهٰا أَنَا يٰا مَوْلاٰيَ قَدِ اسْتَشْفَعْتُ

و از طریق او به دست‌آویز محکم و مورد اطمینان آویختم، و اکنون این منم - ای مولای من؛ -

بِهِ إِلَيْكَ، وَأَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتي، وَاقْبَلْ تَـوْبَتي.

که به وسیلهٔ او به درگاه تو شفاعت جسته‌ام، و به او تو را سوگند داده‌ام، پس به غربت و تنهائی من رحم کن، و توبه‌ام را بپذیر.

أَللّٰهُمَّ إِنّي لٰا أُعَوِّلُ عَلىٰ صٰالِحَةٍ سَلَفَتْ مِنّي، وَلٰا أَثِقُ بِحَسَنَةٍ

خداوندا؛ همانا من بر عمل صالح و شایسته‌ای که در گذشته انجام داده‌ام تکیه نمی‌کنم، و به کار نیکویی که

تَقُومُ بِالْحُجَّةِ عَنّي، وَلَوْ أَنّي قَدَّمْتُ حَسَنٰاتِ جَميعِ خَلْقِكَ، ثُمَّ

از طرف من حجّتی بپا دارد اطمینان ندارم، و اگر خوبی‌های همهٔ آفریدگانت را پیش فرستم، سپس

خٰالَفْتُ طٰاعَةَ أَوْلِيٰآئِكَ، لَكٰانَتْ تِلْكَ الْحَسَنٰاتُ مُزْعِجَةً لي عَنْ

با فرمان اولیائت مخالفت کنم، و از اطاعتشان سرپیچی نمایم، هر آینه این خوبی‌ها مرا از

جِوٰارِكَ، غَيْرَ حٰائِلَةٍ بَيْني وَبَيْنَ نٰارِكَ، فَلِذٰلِكَ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ

جوارت دور می‌گرداند، و میان من و آتش خشم تو فاصله نمی‌اندازد، پس به خاطر این دانستم که بهترین

طٰاعَتِكَ طٰاعَةُ أَوْلِيٰآئِكَ. أَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَوَجُّهي بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِـهِ

اطاعت‌ها همان اطاعت اولیاء تو است. خداوندا؛ رحم کن روی‌آوردنم را به خاطر کسی که به وسیلهٔ او به

إِلَيْكَ، فَلَقَدْ عَلِمْتَ أَنّي غَيْرُ وٰاجِدٍ أَعْظَمُ مِقْدٰاراً مِنْهُمْ، لِمَكٰانِهِمْ

تو روی آورده‌ام، و به تحقیق می‌دانی که من پیدا نکردم کسی را که ارزشی بیشتر از آنان داشته باشد، به خاطر منزلتی که ایشان

مِنْكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ بِالْإِنْعٰامِ مَوْصُوفٌ، وَوَلِيُّكَ

نزد تو دارند ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا تو به نیکی کردن و احسان توصیف شده‌ای، و ولیّت

بِالشَّفٰاعَةِ لِمَنْ أَتٰاهُ مَعْرُوفٌ، فَإِذٰا شَفَعَ فِيَّ مُتَفَضِّلًا، كٰانَ وَجْهُكَ

به شفاعت‌نمودن نسبت به آنکه به درگاهش آید شناخته شده است، پس هنگامی‌که در مورد من به فضل و کرم خویش شفاعت کند، تو با چهرهٔ

عَلَيَّ مُقْبِلًا، وَإِذٰا كٰانَ وَجْهُكَ عَلَيَّ مُقْبِلًا أَصَبْتُ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا.

رحمت با من روبرو می‌شوی، و هنگامی که با چهرهٔ رحمتت با من روبرو گشتی به درجه و رتبه‌ای از بهشت دست می‌یابم.

أَللّٰهُمَّ فَكَمٰا أَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَيْكَ، أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالرِّضٰا وَالنِّعَمِ، أَللّٰهُمَّ

خداوندا؛ پس همان‌گونه که به وسیلهٔ او به تو توسّل می‌جویم که بر من به خشنودی و نعمت‌ها منّت گذاری؛ خداوندا؛

أَرْضِهِ عَنّا، وَلاتُسْخِطْهُ عَلَيْنا، وَاهْدِنا بِهِ وَلاتُضِلَّنا فيهِ، وَاجْعَلْنا

او را از ما راضی گردان، و بر ما خشمگین مساز، و ما را به وسیلهٔ او هدایت کن و در مورد او گمراه مفرما، و ما را

فيهِ عَلَى السَّبيلِ الَّذي تَخْتارُهُ، وَأَضِفْ طاعَتي إِلىٰ خالِصِ

در مورد او بر همان راهی که او را اختیار فرموده‌ای قرار بده، و اطاعتم را به نیّت

نِيَّتي في تَحِيَّتي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ خِيارِ

خالصم در تحیّت و ارادتم بیفزا، ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا؛ بر بهترین

خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَما انْتَجَبْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ

آفریدگانت محمّد و آل او درود فرست؛ همان‌گونه که ایشان را بر همهٔ جهانیان برگزیدی، و از روی

عَلىٰ عِلْمٍ مِنَ الْأَوَّلينَ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ

علم و آگاهی آنان را از میان پیشینیان اختیار نمودی. خداوندا؛ و درود فرست بر حجّتت و برگزیده‌ات از میان

بَرِيَّتِكَ، اَلتّالي لِنَبِيِّكَ، اَلْمُقيمِ لِأَمْرِكَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، وَصَلِّ

مخلوقاتت، آنکه در پی پیامبرت (و جانشین او)، بپادارندهٔ امر تو بوده، (یعنی حضرت) علیّ بن ابی طالب، و درود فرست

عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

بر (حضرت) فاطمهٔ زهرا سرور زنان جهانیان، و درود فرست بر امام حسن

وَالْحُسَيْنِ شَنَفَيْ عَرْشِكَ، وَدَليلَيْ خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَدُعاتِهِمْ إِلَيْكَ.

و امام حسین دو گوشوارهٔ عرشت، و دو دلیل و راهنمای خلقت بر تو، و دعوت‌کنندهٔ آنان به سوی تو.

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ

خداوندا؛ و درود فرست بر امام سجّاد، و امام باقر، و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد

وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الصّالِحِ الْباقي، مَصابيحِ الظُّلامِ،

و امام هادی و امام عسکری، و جانشین شایستهٔ باقی‌مانده؛ آن چراغ‌های فروزنده در تاریکی‌ها،

وَحُجَجِكَ عَلىٰ جَميعِ الْأَنامِ، خَزَنَةِ الْعِلْمِ أَنْ يَعْدِمَ، وَحُماةِ الدّينِ

و حجّت‌هایت بر همهٔ مردمان، خازنان علم و دانش از معدوم شدن آن، و حامیان دین

أَنْ يَسْقُمَ، صَلاةً يَكُونُ الْجَزاءُ عَلَيْها أَتَمَّ رِضْوانِكَ، وَنَوامِيَ

از بیمار شدن آن؛ درودی که پاداش تو بر آن کاملترین رضایت و خشنودیت، و برکات

بَرَكٰاتِكَ، وَكَرٰآئِمَ إِحْسٰانِكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَعْدٰآءَهُمْ، مِـنَ الْـجِنِّ

بالندهات، و احسان کریمانهات باشد. خداوندا؛ دشمنان ایشان را از طایفهٔ جنّ

وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَضٰاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْأَلِيـمِ، وَالسَّـلٰامُ

و انس همگی را لعنت کن، و عذاب دردناکت را بر ایشان دو چندان گردان، و سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

۵

دعای پنجم

يٰا ذَا الْقُدْرَةِ الْجٰامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوٰاسِعَةِ، وَالْـمِنَنِ الْـمُتَتٰابِعَةِ،

(خداوندا؛) ای دارای قدرت کامل و دربرگیرنده؛ و رحمت گسترده، و نعمت‌های پیاپی،

وَالْآلٰآءِ الْمُتَوٰاتِرَةِ، وَالْأَيٰادِي الْـجَمِيلَةِ (الْـجَلِيلَةِ)، وَالْـمَوٰاهِبِ

و الطاف پیوسته، و احسان‌های نیکو (بزرگ)، و بخشش‌های

الْجَزِيلَةِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدِنِ الصّٰـادِقِينَ، وَأَعْـطِنِي

فراوان، درود فرست بر محمّد و آل محمّد که اهل صدق و راستی‌اند، و

سُؤْلِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَلُمَّ شَعَثِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَلٰاتُزِلَّ قَدَمِي،

خواسته‌ام را عطا کن، و پریشان‌خاطری و نابسامانی مرا برطرف کن، و عملم را پاکیزه گردان، و پایم را ملغزان،

وَلٰاتَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، وَلٰاتُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلٰاتُبْدِ

و چشم به هم زدنی مرا هرگز به خویش وامگذار، و طمع مرا ناکام مگردان، و

عَوْرَتِي، وَلٰاتَهْتِكْ سِتْرِي، وَلٰاتُوحِشْنِي وَلٰاتُؤْيِسْنِي، وَكُنْ بِي

زشتی مرا آشکار مساز، و پردهٔ پوشش مرا کنار مزن، و مرا دچار وحشت مگردان و مأیوس مفرما، و نسبت به من

رَئُوفاً رَحِيماً، وَاهْدِنِي وَزَكِّنِي وَطَهِّرْنِي، وَصَفِّنِي وَاصْطَفِنِي،

رئوف و مهربان باش، و هدایت کن مرا و پاک و پاکیزه‌ام نما، و مرا باصفا گردان و برگزین،

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۳۶.

وَخَلِّصْني وَاسْتَخْلِصْني وَاصْنَعْني وَاصْطَنِعْني وَقَرِّبْني إِلَيْكَ،

و مرا خالص فرما، و (از بدی‌ها) رهائی‌ام بخش، و مرا نیکو ساز و تربیت کن، و به درگاه خویش نزدیک گردان،

وَلاتُباعِدْني عَنْكَ، وَالْطُفْ بي، وَلاتُخْفِني (وَلاتُخَيِّبْني)،

و از خود دور مکن، و به من لطف کن، و مرا پوشیده و کنار مکن، (و ناامیدم مساز،)

وَأَكْرِمْني وَلاتُهِنّي، وَما أَسْأَلُكَ فَلاتَحْرِمْني، وَما لا أَسْأَلُكَ

و گرامی‌ام بدار و پستم مکن، و آنچه از تو درخواست نمودم مرا از آن محروم مفرما، و آنچه نخواستم برایم

فَاجْمَعْهُ لي، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

فراهم فرما، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان. و از تو می‌خواهم به حرمت ذات

الْكَريمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ

بزرگوارت، و به حرمت پیامبرت (حضرت) محمّد که درود تو بر او و آل او باد، و به حرمت

أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

اهل بیت پیامبرت امیر مؤمنان (حضرت) علی و امام حسن و امام حسین،

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ

و امام سجّاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری

وَالْخَلَفِ الْباقي صَلَواتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ

و آن جانشین باقی‌مانده‌ات - درود و برکات تو بر آنان - که بر همهٔ آنان درود فرستی،

أَجْمَعينَ، وَتُعَجِّلَ فَرَجَ قائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدينِكَ،

و در فرج قیام‌کنندهٔ ایشان به امرت شتاب نمایی، و او را یاری کنی و دینت را به وسیلهٔ او پیروز گردانی،

وَتَجْعَلَني في جُمْلَةِ النّاجينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصينَ في طاعَتِهِ. وَأَسْأَلُكَ

و مرا در گروهی که به وسیلهٔ او رهایی می‌یابند، و در راه اطاعتش اخلاص دارند قرار دهی. و از تو می‌خواهم

بِحَقِّهِمْ لَمّا اسْتَجَبْتَ لي دَعْوَتي، وَقَضَيْتَ حاجَتي، وَأَعْطَيْتَني

به حق ایشان که دعایم را مستجاب کنی، و حاجتم را برآورده سازی، و

سُؤْلي، وَكَفَيْتَني ما أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتي، يا أَرْحَمَ

خواسته‌ام را عطا کنی، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهگین ساخته کفایت نمایی، ای مهربانترین

الرّاحِمينَ، يٰا نُورُ يٰا بُرْهٰانُ، يٰا مُنيرُ يٰا مُبينُ، يٰا رَبِّ إِكْفِني شَرَّ

مهربانان. ای روشن؛ ای آشکار؛ ای روشنی‌بخش؛ ای آشکارکننده؛ ای پروردگار؛ بدی

الشُّرُورِ وَآفٰاتِ الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النَّجٰاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.[1]

بدی‌ها و آفت‌های روزگار را نسبت به من کفایت کن، و از تو می‌خواهم که مرا نجات دهی و رهایی بخشی روزی که در صور دمیده می‌شود.

۶

دعای ششم

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلٰاتَدَعْ لي في هٰذَا الْمَكٰانِ

خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و در این جایگاه ارزشمند

الْمُكَرَّمِ، وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباً إِلّٰا غَفَرْتَهُ، وَلٰا هَمّاً إِلّٰا فَرَّجْتَهُ،

و محترم، و حرم باعظمت وامگذار برای من گناهی را مگر آنکه آن را بیامرزی، و نه اندوهی را مگر آنکه آن را گشایش دهی،

وَلٰا كَرْباً إِلّٰا كَشَفْتَهُ، وَلٰا غَمّاً إِلّٰا أَذْهَبْتَهُ، وَلٰا حُزْناً إِلّٰا سَلَبْتَهُ،

و نه گرفتاری را مگر آنکه آن را برطرف سازی، و نه غمی را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه غصّه‌ای را مگر آنکه آن را از بین ببری،

وَلٰا دَيْناً إِلّٰا قَضَيْتَهُ، وَلٰا عَدُوّاً إِلّٰا كَفَيْتَهُ (قَصَّمْتَهُ)، وَلٰا مَريضاً

و نه قرضی را مگر آنکه آن را ادا کنی، و نه دشمنی را مگر آنکه آن را کفایت کنی (درهم شکنی او را)، و نه مریضی را

إِلّٰا شَفَيْتَهُ وَعٰافَيْتَهُ، وَلٰا عٰارِياً إِلّٰا كَسَوْتَهُ، وَلٰا عَيْباً إِلّٰا سَتَرْتَهُ،

مگر آنکه آن را شفا دهی و عافیت بخشی، و نه برهنه‌ای را مگر آنکه آن را بپوشانی، و نه عیبی را مگر آنکه آن را پنهان داری،

وَلٰا رِزْقاً إِلّٰا بَسَطْتَهُ، وَلٰا خَوْفاً إِلّٰا أَمَنْتَهُ، وَلٰا شَمْلًا إِلّٰا جَمَعْتَهُ،

و نه روزی و رزقی را مگر آنکه آن را گسترش دهی، و نه بیم و ترسی را مگر آنکه آن را ایمن بخشی، و نه نابسامانی را مگر آنکه آن را سامان دهی،

وَلٰا غٰآئِباً إِلّٰا حَفِظْتَهُ وَأَدَّيْتَهُ، وَلٰا دَعْوَةً إِلّٰا أَجَبْتَهٰا، وَلٰا مَسْأَلَةً

و نه غایبی را مگر آنکه آن را حفظ کنی و بازگردانی، و نه دعایی را مگر آنکه آن را به اجابت برسانی، و نه درخواستی را

إِلّٰا أَعْطَيْتَهٰا، وَلٰا أَمٰانَةً إِلّٰا أَدَّيْتَهٰا، وَلٰا فِتْنَةً إِلّٰا صَرَفْتَهٰا، وَلٰا

مگر آنکه آن را عطا کنی، و نه امانتی را مگر آنکه آن را بازگردانی، و نه فتنه‌ای را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۳۲.

حٰاجَةً مِنْ حَوٰائِجِ الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ لَكَ فيهٰا رِضًى وَ لي فيهٰا

حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت را - که در آن رضا و خشنودی تو و

صَلٰاحٌ إِلّٰا قَضَيْتَهٰا، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

صلاح من باشد - مگر آنکه آن را برآورده کنی، ای مهربانترین مهربانان.

۷

دعای هفتم

از کتب مزار نقل شده که در قسمت بالای سر (حرم‌های ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام) بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ يٰا ذَا الْجُودِ الْأَبَدِيِّ، وَالْبَقٰاءِ السَّرْمَدِيِّ،

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم ای صاحب جود و بخشش همیشگی و پیوسته، و ماندگاری پایدار،

اَلْمَنْعُوتِ بِصِفٰاتِ الْجَلٰالِ في أَزَلِ الْاٰزٰالِ وَأَبَدِ الْاٰبٰادِ، يٰا مَنْ

(ای) آنکه متّصف به صفات جلال بوده‌ای و هستی در گذشته‌های بی‌ابتدا و در آینده‌های بی‌انتها، ای آنکه

لٰاتَحْوِيهِ الْأَقْطٰارُ، وَلٰايَمُرُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهٰارُ، يٰا حٰاضِراً لَيْسَ

کرانه‌ها و اطراف او را دربرنمی‌گیرد، و شب و روز بر او نمی‌گذرد، ای آنکه در عین حضور

بِمَوْجُودٍ، يٰا غٰائِباً لَيْسَ بِمَفْقُودٍ، يٰا مَنْ لَيْسَ بِذَكَرٍ وَلٰا اُنْثٰى، وَلٰا

وجود محسوس ندارد، ای آنکه با غائب‌بودنش ناپیدا نیست، ای آنکه نه مذکّر است و نه مؤنّث، و نه

قَوْلٍ وَلٰا مَعْنًى، وَيٰا مَنْ عَبَّرَتْ عَنْهُ الْعُقُولُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ الْمَعْنٰى،

لفظ است و نه معنا، و ای آنکه اندیشه‌ها و خردها از او تعبیر کرده و یاد نموده‌اند بدون معرفت معنا و شناخت حقیقت او،

يٰا مَنْ لَمْ يَسْبِقْ كَوْنُهُ أَوَّلاً عَلىٰ كَوْنِهِ اٰخِراً، وَلٰا كَوْنِهِ بٰاطِناً

ای کسی که اوّل بودنش بر آخر بودنش، و باطن‌بودنش

عَلىٰ كَوْنِهِ ظٰاهِراً، وَجَعَلَ الْعُقُولَ في بَيْدٰاءِ كِبْرِيٰائِهِ وٰالِهَةً

بر ظاهر بودنش پیشی نگرفته است، و خردها را در صحرای کبریائی‌اش حیران و

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۳۳.

حَيٰارٰى ، يٰا مَنْ لَيْسَ بِقَرِيبٍ فَيُنٰاجٰى ، وَلٰا بَعِيدٍ فَيُنٰادٰى ، يٰا اَللّٰهُ يٰا

سرگردان ساخته است، ای کسی‌که نزدیک محسوسی نیست که با او نجوا شود، و آنگونه دور نیست که با بانگ و فریاد او را بخوانند، ای خدا، ای

أَعْدَلَ الْأَعْدَلِينَ، يٰا مَنْ تَقَدَّسَ عَنْ أَفْعٰالِ الْمَخْلُوقِينَ، وَيٰا بٰاعِثَ

عادلترین عادل‌ها، ای کسی که منزّه است از کارهای آفریدگان، و ای برانگیزندهٔ

الْأَنْبِيٰآءِ الْمَعْصُومِينَ أَصْلًا وَفَرْعاً وَخَلْقاً وَخُلْقاً ، لِتَنْقٰادَ إِلَى

پیامبرانی که معصومند از نظر ریشه، شاخه، خلقت و خوی، تا عقل‌ها

اتِّبٰاعِهِمْ عُقُولُ الْمَأْمُورِينَ ، يٰا مُسْتَخْلِفَ الْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرِينَ ، كَمٰا

و خردهای دستورداده شدگان به پیروی ایشان رام گردد و فروتنی نماید، ای آنکه ائمّهٔ طاهرین را خلیفه و جانشین خود ساخت، همانطور که

جَرَتْ سُنَّةٌ فِي الْأُمَمِ الْمٰاضِينَ ، يٰا مَنْ عِلْمُهُ لٰايَحْتٰاجُ إِلىٰ مَقٰالٍ ،

سنّت الهی در امّت‌های پیشین چنین جریان داشته، ای کسی که علم او احتیاج به مقاله و کتاب،

وَقَصْدُهُ لٰايَحْتٰاجُ إِلٰى سُؤٰالٍ ، يٰا فٰاعِلًا بِغَيْرِ مُبٰاشَرَةٍ، وَعٰالِماً بِغَيْرِ

و قصد او نیاز به سئوال ندارد، ای انجام‌دهندهٔ بدون مباشرت، و دانای بدون

مُعٰاشَرَةٍ، يٰا مَنْ تَقَدَّسَ عَنْ قَبْلٍ وَبَعْدٍ، لِأَنَّهُ لٰا قَبْلَ وَلٰا بَعْدَ، يٰا

معاشرت و رفت و آمد داشتن، ای کسی که از قبل و بعد منزّه است، زیرا که برای او نه قبل و نه بعدی است، ای

مَنْ يَسْبِقُ فِعْلُهُ عَلَى الْمَعْقُولٰاتِ، لِأَنَّهُ فٰاعِلٌ بِغَيْرِ مِثٰالٍ وَلٰا

کسی که کار او بر معقولات پیشی گرفته، زیرا او انجام‌دهنده‌ای است که برای کارش الگو و

أَدَوٰاتٍ، يٰا فَرْداً لَمْ تُؤْنِسْهُ الْمَخْلُوقٰاتُ، يٰا وٰاحِداً لَمْ تُوحِشْهُ

ابزاری نیاز ندارد، ای تنهایی که مخلوقات مایهٔ اُنس و آرامش او نیستند، ای یگانه‌ای که

الْعَدَمٰاتُ، يٰا مُفْنِياً لِلْمَوْجُودِ لٰا لِلسَّأَمِ، وَمُوجِداً لِلْمَعْدُومِ

نیستی‌ها او را به وحشت نیندازند، ای نابودکنندهٔ موجود نه به خاطر خستگی، و هستی‌بخش به معدوم

لِإِظْهٰارِ الْجُودِ وَالْكَرَمِ، وَلٰايَنْتَظِرُ حُضُورَ الْأَزْمِنَةِ الْمُسْتَقْبَلٰاتِ،

برای آشکار ساختن جود و کرم، و (ای کسی که) حضور زمان‌های آینده را انتظار نمی‌کشد،

يٰا مَنْ جَلَّ وُجُودُهُ الْأَزَلِيُّ عَنْ حُلُولِ الْأَرَضِينَ وَالسَّمٰاوٰاتِ،

ای کسی که وجود همیشگی و بی‌ابتدای او والاتر است از اینکه در زمین‌ها و آسمان‌ها جای گیرد،

وَعَزَّتْ عِزَّتُهُ عَنِ السُّكُونِ وَالْحَرَكاتِ، يا مَنْ لاتُحاذيهِ الْأَجْرامُ،

و عزّت و اقتدار او عزیزتر از سکون و حرکات است، ای کسی که جثّه‌ها و اجسام با او برابر و مقابل نمی‌گردد،

وَلايَتَرَدَّدُ فِي النَّقْضِ وَالْإِبْرامِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، اَلَّذي عَقَدْتَ

و در حال تردّد و بی‌ثباتی درست‌شدن و محکم‌شدن نمی‌باشد، بر (حضرت) محمّد درود فرست که

بِهِ الْغَمامَ ظُلَلاً، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً وَتَوَسُّلًا، خَيْرِ الْبَرِيَّةِ شَابّاً

به خاطر او ابرها را سایه افکندی، و او را رحمت و وسیله و واسطه قرار دادی، (او) بهترین مردم از جوان

وَكَهْلًا، أَظْهَرِ الْمُظْهِرينَ شيمَةً، وَأَجْوَدِ الْمُسْتَمْطِرينَ إِحْساناً،

و پیر، آشکارکننده‌ترین آنان از حیث خُلق و خوی، و بخشنده‌ترین بارندهٔ نیکی و احسان،

وَأَعْظَمِ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً، اَلَّذي أَوْضَحْتَ بِهِ الدَّلالاتِ، وَأَتَمْتَ

و باعظمت‌ترین افراد از جهت اصل و بُن و ریشه است، که به وسیلهٔ او دلالت‌ها را واضح ساختی، و

بِهِ الرِّسالاتِ، وَصَلِّ عَلَى الْمَعْصُومينَ مِنْ عِتْرَتِهِ، وَالطَّيِّبينَ

به وسیلهٔ او رسالت‌ها را کامل گردانیدی، و درود فرست بر معصومین از عترت او، و پاکان

مِنْ أُسْرَتِهِ، وَشَرِّفْ لَدَيْكَ مَنازِلَهُمْ، وَعَظِّمْ عِنْدَكَ مَراتِبَهُمْ،

از خاندانش، و منزلت آنان را نزد خودت والا، و مقام و رتبهٔ ایشان را عظیم گردان.

وَاجْعَلْ فِي الرَّفيقِ الْأَعْلىٰ مَجالِسَهُمْ، وَارْفَعْ إِلىٰ دَرَجَةِ رَسُولِكَ

و محلّ جلوس آنان را در بالاترین جایگاه بهشت قرار بده، و درجات‌شان را تا درجهٔ رسولت بالا ببر،

دَرَجاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقائِهِمْ سُرُورَهُ، وَكَما أَنْجَزْتَ بِإِمامَتِهِمْ وَعْدَهُ،

و سرور و شادمانی او را به دیدار ایشان کامل گردان، و همانگونه که با امامت ایشان وعدهٔ او را محقّق ساختی،

فَأَقْرِرْ بِرُؤْيَتِهِمْ عَيْنَهُ، وَعَجِّلْ لَنا فَرَجَهُمْ، وَافْعَلْ بِنا ما أَنْتَ أَهْلُهُ،

به دیدار ایشان چشم او را روشن کن، و برای ما در فرج آنان شتاب کن، و با ما چنان کن که تو شایستهٔ آن هستی،

يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. إِلٰهي كَمْ مِنْ بَلاءٍ صَرَّفْتَهُ عَنّي، وَكَمْ مِنْ

ای مهربانترین مهربانان. خدای من؛ چه بسیار بلائی که از من دور کردی، و چه بسیار

نِعْمَةٍ أَقْرَرْتَ بِها عَيْني. إِلٰهي أَنْتَ الَّذي أَجَبْتَني فِي الْإِضْطِرارِ،

نعمتی که با آن چشم مرا روشن ساختی. خدای من؛ تو کسی هستی که در بیچارگی مرا اجابت نمودی،

وَلَبَّيْتَ دَعْوَتي عِنْدَ الْعِثارِ، فَما وَجَدْتُكَ بَخيلاً حينَ طَلَبْتُكَ،

و در لغزش‌های هلاکت‌بار دعوتم را لبّیک گفتی، پس تو را در هنگام خواسته‌ام بخیل نیافتم،

وَلا مُنْقَبِضاً حينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعائي سامِعاً، وَلِصَوْتي

و چون تو را اراده کردم کناره نگرفتی، بلکه به دعایم تو را شنوا، و به صدایم

راحِماً، فَلا عَدِمْتُ كَريمَ الْعِنايَاتِ، وَلا خَلَوْتُ مِنْ نِعَمِكَ

رحم‌کننده یافتم، از عنایات کریمانه‌ات محروم نگشتم، و از نعمت‌های

السّابِغاتِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أُقِرُّ بِمُحَمَّدٍ وَأَوْصِيآئِهِ أَئِمَّةً وَحُجَجاً،

فراوانت بی‌بهره نماندم. خداوندا؛ من به (حضرت) محمّد ﷺ و اوصیا و جانشینان او که پیشوایان و حجّت‌ها،

وَأَدِلّآءَ وَسُرُجاً، فَادْعُني يَوْمَ حَشْري بِإِمامَتِهِمْ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

و راهنمایان و چراغان هدایتند اقرار دارم، پس مرا در روز محشر به امامت ایشان بخوان که تو فرموده‌ای:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ﴾[1]، فَهٰؤُلآءِ أَئِمَّتي، فَاجْعَلْني مَعَهُمْ

«روزی که هر مردمی را با امام‌شان می‌خوانیم»، پس این بزرگواران امامان من هستند، مرا

فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي

در دنیا و آخرت با ایشان قرار بده. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست؛ صاحبان

الْأَمْرِ الَّذينَ أَمَرْتَ بِطاعَتِهِمْ، وَأُولِي الْأَرْحامِ الَّذينَ أَمَرْتَ

امری که ما را به اطاعت ایشان دستور دادی، و خویشاوندانی که

بِصِلَتِهِمْ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ الَّذينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبَى

به پیوند با ایشان امر فرمودی، و اهل ذکری که به سئوال از آنان سفارش نمودی، و ذوی القربی یعنی نزدیکان پیامبر

الَّذينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوالِيَ الَّذينَ أَمَرْتَ بِمُوالاتِهِمْ،

که مودّت و اظهار محبّت به ایشان را از همگان خواسته‌ای، و سرورانی که به ارادت ورزیدن به آنان

وَمَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ،

و شناخت حقّشان را مطالبه کرده‌ای، و اهل بیتی که پلیدی و ناپاکی و هر گونه آلودگی را از ساحت ایشان دور ساختی،

وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَشْهَدُ بِحَقايِقِ الْإِيمانِ، وَصِدْقِ

و آنان را از هر جهت پاک و پاکیزه قرار دادی. خداوندا؛ براستی من به حقیقت ایمان، و راستیِ

۱. سورهٔ إسراء، آیهٔ ۷۱.

الْيَقِينِ أَنَّهُمْ خُلَفاؤُكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجُكَ عَلىٰ عِبادِكَ،

یقین شهادت می‌دهم که ایشان جانشینان تو در روی زمینت، و حجّت‌های تو بر بندگانت،

وَالْوَسائِلُ إِلَيْكَ، وَأَبْوابُ رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،

و وسیله‌های روی آوردن به درگاه تو، و درهای رحمت تو هستند، پس بر همهٔ ایشان درود فرست،

وَاجْعَلْ حَظّي مِنْ دُعائِكَ إِجابَتَهُ، وَلاتَجْعَلْ حَظّي مِنْهُ تِلاوَتَهُ.

و بهرهٔ مرا از دعایت اجابت آن را قرار بده، و تنها خواندن آن را قرار نده.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَقامي هٰذا مَقامَ إِجابَةٍ وَاسْتِعْطافٍ، وَلاتَجْعَلْهُ مَقامَ

خداوندا؛ این جایگاه مرا جایگاه اجابت و درخواست لطف و مهربانی قرار بده، و جایگاه

إِهانَةٍ وَاسْتِخْفافٍ، فَقَدْ عَرَفْناكَ يا رَبِّ مُعْطِياً قَبْلَ السُّؤالِ،

تحقیر و سبک‌شمردن قرار مده، پس به تحقیق تو را شناخته‌ام ای پروردگار من؛ که پیش از درخواست عطاکننده‌ای،

فَكَيْفَ لانَرْجُوكَ عِنْدَ الضَّراعَةِ وَالْإِبْتِهالِ، لاسِيَّما وَقَدْ وَعَدْتَنا

پس چگونه هنگام ناتوانی و زاری کردن به تو امیدوار نباشم؟ مخصوصاً که تو ما را

بِالْإِجابَةِ حينَ أَمَرْتَنا بِالدُّعاءِ، وَضَمِنْتَ لَنا بُلُوغَ الرَّجاءِ، وَأَنْتَ

به اجابت وعده فرمودی هنگامی که به دعا دستور دادی، و ضامن گشتی که ما را به امیدمان برسانی، و تو

أَوْفَى الضّامِنينَ وَأَرْحَمُ الرّاحِمينَ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي

وفاکننده‌ترین ضامن و مهربانترین مهربانان هستی. و از تو درخواست می‌کنم به آن نام مقدّست که

اسْتَقَرَّ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ قَرارَهُ، وَعِزِّكَ الَّذي خَضَعَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، إِلّا

هر چیزی با آن قرار و آرامش یافته، و به عزّت و اقتدارت که هر چیزی برای آن فروتنی کرده؛ اینکه

أَذِنْتَ لِصَوْتي أَنْ يَعْرُجَ إِلَيْكَ، وَلِدُعائي أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْكَ، وَأَنْ

به صدای عاجزانهٔ من اجازه دهی که به درگاه تو بالا رود، و به دعایم که بر تو وارد گردد، و

تَغُضَّ بَصَرَكَ عَنْ خَطيئَتي كَما أَمَرْتَ الْمُؤْمِنينَ، لِأَنَّكَ أَوْلىٰ بِهِ

از خطای من چشم‌پوشی کنی همان‌طور که به مؤمنان چنین دستور داده‌ای؛ زیرا تو به آن

مِنَ الْمَأْمُورينَ. إِلٰهي إِنْ أَخْلَقَتْ وَجْهي كَثْرَةُ ذُنُوبي، وَأَسْقَطَتْ

از همهٔ دستورداده‌شدگان سزاوارتری. خداوندا؛ اگر فراوانی گناهانم مرا بی‌آبرو ساخته، و

مَنْزِلَتي كَثْرَةُ عُيُوبي، وَمَنَعَتْني مِنْكَ إِحْساناً، وَزادَتْني عَلَيْكَ

زیادی عیب‌هایم مرا از منزلت خود ساقط کرده، و از احسان تو مانع گشته، و بر

هَواناً، فَإِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خواری من افزوده، پس براستی من به گرامی‌ترین آفریدگانت نزد تو (یعنی) محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، إِلّا أَنْ عَفَوْتَ عَنّي يا مَوْلايَ. وَاوَيْلاهُ عَصَيْتُ مَنْ هُوَ

محمّد به پیشگاهت توسّل می‌جویم که از من درگذری و مرا عفو کنی ای مولای من. وای بر من؛ نافرمانی کردم کسی را که او

أَشْفَقُ مِنَ الْأُمَّهاتِ وَالْآباءِ، وَاوَيْلاهُ كُلَّما تُبْتُ عَرَضَتْ لي

به من از مادران و پدران مهربانتر است، وای بر من؛ هرگاه توبه کردم

خَطيئَةٌ أُخْرى، وَاوَيْلاهُ وُقُوفي ذَليلاً فِي الْمَلَإِ، وَاوَيْلاهُ إِنْ قالَ

خطای دیگری بر من غلبه یافت، وای بر من از ایستادن ذلیلانه‌ام در حضور مردم، وای بر من؛ اگر

رَبّي ﴿خُذُوهُ﴾[1]، فَيا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لايُقْبَلُ فيهِ الْفِداءُ، وَلاتَنْفَعُهُ

پروردگارم بگوید: «او را بگیرید»، آنگاه چه کسی است برای گرفته‌شده‌ای که در مورد او هیچگونه عوض قبول نمی‌شود، و

الرَّشى، وَاوَيْلاهُ تَرَكْتَني خَطيئَتي كَالطَّيْرِ لَيْسَ لَهُ وَكْرٌ وَلا

رشوه‌دادن به او سود نمی‌بخشد؟ وای بر من؛ خطاهایم مرا رها کرده‌اند مانند پرنده‌ای که برایش لانه و

مَأْوى، وَاوَيْلاهُ يُبْلى جِسْمي وَخَطيئَتي جَديدَةٌ لَيْسَ تُبْلى.

مأوائی نیست، وای بر من؛ جسم من فرسوده می‌شود ولی خطای من تازه‌ای است که کهنه نمی‌گردد.

أَللّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبي لَمّا فاتَتِ الْعَدَدَ، وَجازَتِ الْأَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ

خداوندا؛ همانا گناهان من چون از عدد فزونتر گشت، و از اندازه گذشت، دانستم که

شَفاعَةَ كُلِّ شافِعٍ تَقْصُرُ عَنْها حالَةَ إِعْراضِكَ، لِأَنَّكَ إِذا أَرَدْتَ

شفاعت هر شفاعت‌کننده نارسا است و کوتاهی می‌کند از آن حالت روی‌گردانی تو، زیرا تو هرگاه بخواهی

تَعْذيبَ الْمُعَذَّبينَ أَخْلَيْتَ ذِكْرَهُمْ مِنْ قُلُوبِ الشّافِعينَ، وَلا حَوْلَ

اهل عذاب را عذاب کنی یاد آنان را از دل‌های شفاعت‌کنندگان بیرون می‌بری، و هیچ توان

وَلا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ

و نیروئی جز به وسیلهٔ تو نیست، و هیچ توان و نیروئی جز به وسیلهٔ تو نیست، و هیچ توان و نیروئی

۱. سورهٔ دخان، آیهٔ ۴۷ و سورهٔ الحاقّة، آیهٔ ۳۰.

إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَوْجُهِ

جز به وسیلهٔ خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست. پس از تو می‌خواهم به حقّ ذات بزرگوارت، و چهره‌های

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمُشْرِقاتِ لَدَيْكَ، وَمَقامِهِمِ الْعَظِيمِ، وَأَسْأَلُكَ

تابناک (حضرت) محمّد و اهل بیتش، و مقام عظیم ایشان نزد تو، و از تو می‌خواهم

بِحَقِّ أَسْمائِكَ وَصِفاتِكَ وَوَحْدانِيَّتِكَ الَّتي ضَلَّتْ عَنْهَا الْآراءُ،

به حقّ نام‌هایت و صفاتت و یکتائیت که آراء و افکار از آن گمراه شوند (و در آن، راه نبرند)،

وَتاهَتْ فِيهَا الْعُقُولُ، إِنْ كانَ ذٰلِكَ في مَعْلُومِكَ مِنّي إِلّا عَفَوْتَ

و عقل‌ها و اندیشه‌ها در آن سرگردان شوند ـ اگر این مطلب در دانسته‌های تو است نسبت به من ـ که از من بگذری و عفو کنی،

عَنّي، وَحَوَّلْتَ شَقايَتي إِلَى السَّعادَةِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ

و شقاوت مرا به سعادت دگرگون سازی، همانا تو آنچه بخواهی نابود می‌کنی

وَتُثْبِتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتابِ. إِلٰهي عَصَيْتُكَ في بَعْضِ الْأَوْقاتِ،

و (آنچه را بخواهی) ثابت و استوار می‌گردانی و نزد تو اصل کتابِ هستی و لوح محفوظ است. خدای من؛ تو را در بعضی اوقات نافرمانی کردم،

وَآمَنْتُ بِكَ في كُلِّ الْأَوْقاتِ، فَكَيْفَ يَغْلِبُ بَعْضُ عُمْري مُذْنِباً

و در همهٔ اوقات به تو ایمان آوردم، پس چگونه بعضی از عمرم که آلوده به گناه است می‌تواند

كُلَّ عُمْري مُؤْمِناً. إِلٰهي وَعِزَّتِكَ لَوْ كانَ لي صَبْراً عَلىٰ عَذابِكَ،

بر همهٔ عمرم که مؤمن بوده‌ام غلبه کند و چیره گردد؟ خدای من؛ به عزّت و اقتدارت سوگند؛ اگر شکیبائی بر عذاب تو داشتم،

أَوْ جَلَداً عَلَى احْتِمالِ عِقابِكَ، لَما سَأَلْتُكَ الْعَفْوَ عَنّي، وَلَصَبَرْتُ

یا بر تحمّل کیفرت توانا بودم، هرگز طلب نمی‌کردم که از من بگذری و عفو کنی، و برای

عَلَى انْتِقامِكَ مِنّي، سَخَطاً عَلىٰ نَفْسي كَيْفَ عَصَتْكَ، وَمَقْتاً لَها

انتقام تو از من صبر می‌کردم، به خاطر خشم و ناراحتی بر نفس خود که چگونه تو را نافرمانی کرد؟ و نفرت نسبت به آن، که

كَيْفَ أَقْبَلْتَ عَلَيْها، وَأَدْبَرَتْ مُعْرِضَةً عَنْكَ. إِلٰهي كَيْفَ آيَسُ

چگونه تو بر او روی آوردی و او از تو روی گردانید؟ خدای من؛ چگونه از رحمت تو مأیوس گردم

مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ، وَكَيْفَ أَرْجِعُ بِالْخَيْبَةِ عَنْكَ

در حالی‌که تو از همهٔ مهربانان مهربانتر هستی؟ و چگونه ناامید از درگاهت بازگردم

وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، أَبَيْتَ إِلّا إِعْفاءً، وَلِسائِلِكَ إِلّا إِعْطاءً.

در حالی‌که تو از همهٔ بزرگواران بزرگوارتری؟ نمی‌پسندی مگر عفو کردن را، و برای سائلت مگر عطا نمودن را.

إِلٰهي أَمَرْتَ بِالْعَفْوِ وَأَنْتَ أَوْلٰى مَنْ فَعَلَهُ، وَنَدَبْتَ إِلَى الصَّفْحِ

خدای من؛ به عفو کردن دستور دادی و خود سزاوارتر به انجام آن هستی، و به چشم‌پوشی نمودن (همگان را) فراخواندی،

وَأَنْتَ أَوْلىٰ مَنْ عَجَّلَهُ، وَمِنْكَ بَدْؤُهُ وَعَوْدُهُ، وَأَنْتَ الَّذي يُصْلِحُ

و تو به عمل کردن به آن شایسته‌تری، و آغاز آن و بازگشت آن از تو است، و تو کسی هستی که

الْفاسِدينَ، وَيَرُدُّ الشّارِدينَ، فَكَيْفَ تُعْرِضُ عَنِ الْمُقْبِلينَ إِلَيْكَ،

تباه‌گشتگان را اصلاح می‌کنی، و رانده‌شدگان را و آن‌ها را که رمیده‌اند بازمی‌گردانی، پس چگونه از کسانی که به تو روی آوردند روی گردانی؟

وَلَهُمْ شُهُودٌ مِنْكَ عَلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ.

در حالی‌که برای ایشان گواهانی از تو بر تو است، تو پاک و منزّه (و بخشاینده) و بسیار مهربانی ای پروردگار جهانیان.

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ﴿وَأَمَّا السّائِلَ فَلاتَنْهَرْ﴾[1]، وَأَنَا السّائِلُ لَكَ

خداوندا؛ همانا تو فرموده‌ای: «و سائل را از خود مران»، و من سائل تو

وَالْخائِفُ مِنْكَ، فَلاتَنْهَرْ لي رَبّي، فَما أَوْلاكَ بِحُسْنِ النَّظَرِ لي،

و بیمناک از توأم، پس دست رد بر سینه‌ام مزن پروردگار من؛ چه‌قدر تو شایسته‌ای به نیکو نظر کردن بر من،

وَبِعِتْقي إِذا مَلَكْتَ رِقّي، وَبِالْعَفْوِ عَنّي إِذا قَدَرْتَ عَلَى الْإِنْتِقامِ

و به آزاد کردن من چون مرا مالک گشتی، و به عفو و گذشت از من هنگامی که بر انتقام‌گرفتن از من قدرت یافتی،

مِنّي. رَبِّ فَمَنْ ذَا الَّذي يُسْتَعاذُ بِهِ غَيْرُكَ، أَوْ يُتَضَرَّعُ إِلَيْهِ سِواكَ،

پروردگار من؛ چه کسی غیر تو است که به او پناهنده، یا به درگاه او ناله و زاری شود،

أَوْ يُخْضَعُ لَهُ إِلّا أَنْتَ، يا ذَا الْحَوْلِ الشَّديدِ الَّذي لايُطاقُ،

یا برایش خضوع و فروتنی شود جز تو؟ ای دارای قدرت و توانائی شدیدی که کسی را طاقت آن نباشد؛

وَالْقُوَّةِ الْعَظيمَةِ الَّتي لايَقُومُ لَها شَيْءٌ، رَبِّ ارْحَمْ هٰذِهِ النَّفْسَ

و نیروی عظیمی که چیزی در برابر آن ایستادگی و مقاومت ندارد. پروردگارا؛ رحم کن بر این نفس

الْجَزُوعَ، وَهٰذَا الْبَدَنَ الْقَلُوعَ، الَّذي لايَسْتَطيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ،

ناشکیبا، و این بدن نااستوار که قدرت شنیدن صدای رعدت را ندارد،

۱. سورهٔ الضُحی، آیهٔ ۱۰.

فَكَيْفَ يَسْتَطِيعُ صَوْتَ (سَوْطِ) غَضَبِكَ، وَلٰا يَقْوىٰ عَلىٰ حَرِّ

پس چگونه توانائی شنیدن صدای (تازیانهٔ) غضبت را خواهد داشت؟ او که بر حرارت

شَمْسِكَ، فَكَيْفَ يَصْبِرُ عَلىٰ حَرِّ نٰارِكَ، فَوَعِزَّتِكَ لَأُلِحَّنَّ عَلَيْكَ،

و تابش خورشیدت استقامت ندارد، پس چگونه می‌خواهد بر حرارت آتش دوزخ صبر کند؟ قسم به عزّتت که بر تو اصرار می‌کنم

وَلَأَقْرَعَنَّ الْبٰابَ أَبَدَ الدَّهْرِ، وَإِنْ طَرَدْتَني مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ،

و همواره درِ رحمتت را می‌کوبم گرچه مرا از پیشگاهت برانی،

وَلَأَدْعُوَنَّكَ وَإِنْ حَرَمْتَني، إِذْ كٰانَ بَدْءِي مِنْكَ وَعَوْدي إِلَيْكَ.

و پیوسته تو را می‌خوانم گرچه مرا محروم سازی؛ زیرا که آغاز من از تو و بازگشتم به سوی تو است.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غٰائِبٍ يَنْتَظِرُهُ

خداوندا؛ بر محمّد و آل او درود فرست، و مرگ را بهترین پنهان‌شده‌ای قرار بده که

رُوحي، وَالْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ أَسْكَنْتَهُ جَسَدي، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُلَقِّني

روح من انتظار او را می‌کشد، و قبر را بهترین خانه‌ای که جسدم را در آن ساکن می‌گردانی، و از تو می‌خواهم که

(تُلَقِّنَني) حُجَّتي، وَأَنْ تُرِيَني مٰا تَقَرُّ بِهِ عَيْني، وَأَسْأَلُكَ أَنْ

حجّتم را به من تلقین کنی، و به من نشان دهی آنچه باعث چشم‌روشنی من شود، و از تو درخواست می‌کنم که

تَجْعَلَ مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذي تُرْسِلُهُ إِلَيَّ شَفيقاً عَلَيَّ، مُتَعَطِّفاً عَلىٰ

فرشتهٔ مرگ را چون به سوی من می‌فرستی او را مهربان و دلسوز به حال من، رحم‌کننده

ضَعْفي، إِذٰا اُرْسِلَ إِلَيَّ، رَبِّ وَإِذٰا لَمْ يَكُنْ لي ذٰاكِرٌ مِنْ أَهْلِ

به ناتوانی من قرار دهی، هنگامی که فرستاده شود به سوی من، پروردگارا؛ و هنگامی که کسی از اهل

الدُّنْيٰا، فَكُنْ أَنْتَ الذّٰاكِرَ لي، وَالْمُونِسَ لِوَحْشَتي، وَالصّٰافِحَ عَنْ

دنیا مرا یاد نکند، پس تو یادکنندهٔ من، و اُنس‌گیرنده و همدم برای وحشتم، و چشم‌پوشنده از

جُرْمي، وَالْمُنَوِّرَ لِقَبْري، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ

جرم و گناهم، و روشن‌کنندهٔ قبرم باش، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا من از تو می‌خواهم

بِأَقْرَبِ صِفٰاتِكَ إِلَى الْكَرَمِ، فَإِنَّكَ أَمَرْتَ الْمُوسِرَ أَنْ لٰا يَبْخَلَ عَلَى

به نزدیک‌ترین صفاتت به کرم و بزرگواری، که تو به ثروتمند دستور دادی بر تهیدست بخل نورزد،

الْمُعْسِرِ، وَأَنْتَ أَقْدَرُ الْمُوسِرِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، فَلاتَمْنَعْني

و خودت سرمایه‌دارترین ثروتمند هستی، و از همهٔ کریمان کریمتر، پس

بِجَلالِ الْمَلَكُوتِ، تَدارَكْني يا مَوْلايَ قَبْلَ ما أَمُوتُ، فَإِنَّكَ

به جلال و شُکوه ملکوت ما را از لطف خویش بازمدار، (و) پیش از آنکه مرگم فرا رسد مرا دریاب ای مولای من، همانا تو

كَرِهْتَ لِلْمُضيفِ أَنْ يَمْنَعَ ضَيْفَهُ الْقِرآءَ مَعَ قُدْرَتِهِ عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ

برای میزبان نمی‌پسندی که از مهمان خود پذیرایی نکند در صورتی که توانائی آن را داشته باشد، گرچه

يَهْلِكِ الضَّيْفُ بِمَنْعِهِ، وَالْمُضيفُ يَنْقُصُهُ الْبَذْلُ، وَأَنَا ضَيْفُكَ،

مهمان با پذیرایی نکردن او هلاک نگردد، و میزبان با بذل کردن کمبود برایش حاصل نشود، و من مهمان تو هستم

وَمالي غِنًى عَنْ قِرآئِكَ، وَمَتى مَنَعْتَني بِتُّ طاوِياً في حِماكَ،

و هرگز از پذیرائی تو بی‌نیاز نیستم، و زمانی‌که مرا بازداشتی

وَوَصَلْتُ إِلَى الْهَلاكِ، يا مَنْ لايَنْقُصُهُ الْإِحْسانُ، وَلايَزيدُهُ

و در معرض هلاکت قرار گرفتم باز در پوشش حمایت تو ماندم، ای کسی که احسان و نیکی (چیزی) از او نمی‌کاهد، و

الْحِرْمانُ، يا مَطْلُوباً في كُلِّ مَكانٍ. إِلٰهي لَيْسَ تَشْبَهُ مَسْأَلَتي

محروم ساختن (بندگان چیزی) به او نمی‌افزاید، ای آنکه در هر مکان او را بجویند. خدای من؛ درخواست کردن من مانند

مَسْأَلَةَ السّآئِلينَ، لِأَنَّ السّآئِلَ إِذا مُنِعَ امْتَنَعَ وَرَجَعَ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ

درخواست کردن گدایان نیست، زیرا گدا هنگامی که چیزی به او ندهند خودداری می‌کند و بازمی‌گردد، ولی من از تو درخواست

وَأُلِحُّ عَلَيْكَ، لِثِقَتي بِكَرَمِكَ وَجُودِكَ وَحَيآئِكَ عَنْ رَدِّ سآئِلٍ

می‌کنم و رهایت نمی‌کنم و اصرار می‌ورزم به خاطر اینکه اطمینان دارم به بزرگواری و بخشش تو و شرم و حیای تو از راندن گدائی

مُسْتَعْطٍ لِمَعْرُوفِكَ، يَلْتَمِسُ صَدَقَتَكَ، وَيُنيخُ بِفِنآئِكَ، وَيَطْرُقُ

که خواهان عطا و نیکی تو است؛ صدقه از پیشگاهت می‌طلبد، و به آستانت رحل اقامت افکنده، و

بابَكَ، وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ لَوْ طَبَّقَتْ ذُنُوبي بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمآءِ،

در (رحمتت) را می‌کوبد، به عزّت و جلالت سوگند؛ اگر گناهانم بین زمین و آسمان را پر کند،

وَخَرَقَتِ النُّجُومَ، وَبَلَغَتْ أَسْفَلَ الثَّرىٰ، وَجاوَزَتِ الْأَرَضينَ

و ستارگان را درنوردد، و به پایین‌ترین نقطهٔ زمین برسد، و از

السّابِعَةَ السُّفْلٰى، وَأَوْفَتْ عَلَى الرَّمْلِ وَالْحَصىٰ، مٰا رَدَّنِيَ الْيَأْسُ

طبقات هفتگانهٔ زمین بگذرد، و از ریگ‌ها و ماسه‌ها افزون گردد، یأس مرا

عَنْ تَوَقُّعِ غُفْرٰانِكَ، وَلٰا صَرَفَنِيَ الْقُنُوطُ عَنِ انْتِظٰارِ رِضْوٰانِكَ.

از توقّع مغفرت و آمرزشت بازنمی‌دارد، وناامیدی مرا از انتظار رضوان و بخشش تو بازنمی‌گرداند.

رَبِّ مٰا أَحْسَنَ بَلٰائَكَ عِنْدي وَفِعٰالُكَ بي، رَبِّ نٰادَيْتُكَ مُطيعاً

پروردگارا؛ نعمتت نزد من در رفتارت با من چه نیکو است، پروردگارا؛ تو را صدا می‌زنم در حالی‌که مطیع و فرمانبردارم

مُسْتَصْرِخاً فَأَغِثْني، وَسَأَلْتُكَ عٰائِلاً فَأَغْنِني، وَنَأَيْتُ عَنْكَ فَكُنْتَ

وفریادرسی از تو می‌طلبم پس به فریادم برس، و از تو درخواست می‌کنم در حالی‌که نیازمندم پس بی‌نیازم نما، و دور گشتم از تو ولی تو به من

قَريباً مِنّي، فَكَيْفَ لٰا أَشْكُوكَ يٰا إِلٰهي وَقَدْ أَطْلَقْتَ لِسٰاني

نزدیک بودی، پس چگونه ای خدای من تو را سپاس نگویم و حال آن‌که تو زبانم را

بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لي مِنْكَ، وَأَضَأْتَ بَصَري حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ،

به ذکر و یاد خودت به خاطر رحمت و لطفی که به من داری گویا ساختی، و دیدگانم را بینا ساختی تا حجّتی از ناحیهٔ تو بر من باشد،

وَدَلَلْتَ عَقْلي عَلىٰ تَوْبيخِ نَفْسي، وَقَدْ أَشْرَفْتُ عَلَى الْهَلَكَةِ

و عقل و خردم را بر نکوهش و سرزنش نفسم راهنمائی کردی؟ و اکنون به هلاکت نزدیک شده‌ام،

فَتَدٰارَكْتَني. فَمَنْ لي بَعْدَكَ يٰا مَوْلٰايَ، فَكَيْفَ يَسْتَغْني الْعَبْدُ عَنْ

پس مرا نجات دادی. بعد از تو چه کسی برای من هست ای مولای من؟ پس چگونه بنده از

رَبِّهِ، وَكَيْفَ يَسْتَغْني الْمُذْنِبُ عَمَّنْ يَمْلِكُ عُقُوبَتَهُ، سَيِّدي لَمْ

پروردگارش بی‌نیاز می‌گردد؟ و چگونه گنهکار از کسی که عقوبت و کیفر او را در اختیار دارد بی‌نیاز است؟ سرور من؛

أَزْدَدْ بِمَعْصِيَتي إِلّٰا فَقْراً، وَلَمْ تَزْدَدْ عَنّي إِلّٰا غِنًى، وَلَمْ تَزْدَدْ

با نافرمانی‌ام چیز جز فقر نیفزودم، و تو از من جز بی‌نیازی نیفزودی، و به

ذُنُوبي إِلّٰا كَثْرَةً، وَلَمْ يَزْدَدْ عَفْوُكَ إِلّٰا سِعَةً، فَارْحَمْ تَضَرُّعي

گناهانم جز کثرت و افزون شدن، و به عفو و بخشش تو جز توسعه و گسترش نیفزود، پس به تضرّع من

إِلَيْكَ، وَانْتِصٰابي بَيْنَ يَدَيْكَ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ

و ناله و زاری‌ام و ایستادن عاجزانه‌ام در پیشگاهت رحم کن، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا این

قُبُورُ أَوْلِيٰآئِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ، وَجَعَلْتَ فِي أَعْنٰاقِ

مرقد پاک اولیاء تو است که اطاعت ایشان را (بر ما) واجب ساختی، و بیعت آنان را در گردن

عِبٰادِكَ بَيْعَتَهُمْ، وَخُلَفٰآئِكَ الَّذِينَ بِهِمْ تَأْخُذُ وَتُعْطِي، وَبِهِمْ تُثِيبُ

بندگانت قرار دادی، و (قبر یکی از) جانشینان تو است که به وسیلهٔ آنان می‌گیری و عطا می‌کنی، و به سبب ایشان ثواب و پاداش

وَتُعٰاقِبُ، وَقَدْ قَصَدْتُهُمْ طَمَعاً بِمٰا أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِيٰآئِكَ، فَاجْعَلْنِي

می‌دهی و کیفر می‌نمائی، و من آهنگ ایشان کرده‌ام به خاطر طمع به آنچه برای اولیائت آماده کرده‌ای، پس مرا

مَعَهُمْ، فَإِنِّي لٰا أُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ. إِلٰهِي أَتُحْرِقُ بِالنّٰارِ وَجْهِي

با اینان قرار بده، که من میان هیچکدام از ایشان فرقی نمی‌گذارم. خدای من؛ آیا چهره‌ام را به آتش می‌سوزانی

وَكٰانَ لَكَ مُصَلِّياً، إِلٰهِي أَتُحْرِقُ بِالنّٰارِ عَيْنِي وَكٰانَتْ مِنْ خَوْفِكَ

در حالی‌که برای تو نمازگزار بوده است؟ خدای من؛ آیا چشم مرا به آتش می‌سوزانی در حالی‌که از ترس تو

بٰاكِيَةً. إِلٰهِي أَتُحْرِقُ بِالنّٰارِ قَلْبِي وَكٰانَ لَكَ مُحِبّاً. إِلٰهِي أَتُحْرِقُ

گریسته است؟ خدای من؛ آیا قلبم را به آتش می‌سوزانی در حالی‌که تو را دوست داشته است؟ خدای من؛ آیا

بِالنّٰارِ جِسْمِي وَكٰانَ لَكَ خٰاضِعاً. إِلٰهِي أَتُحْرِقُ بِالنّٰارِ لِسٰانِي

جسم مرا به آتش می‌سوزانی در حالی‌که در پیشگاهت خاضع و فروتن بوده است؟ خدای من؛ آیا زبانم را به آتش می‌سوزانی

وَكٰانَ لِلْقُرْاٰنِ تٰالِياً، وَلَكَ ذٰاكِراً. إِلٰهِي أَتُحْرِقُ بِالنّٰارِ أَرْكٰانِي

در حالی‌که تلاوت‌کنندهٔ قرآن بوده و ذکر تو می‌گفته است؟ خدای من؛ آیا دست و پایم را به آتش می‌سوزانی

وَكُنْتُ لَكَ رٰاكِعاً وَسٰاجِداً. إِلٰهِي رَجٰائِي مِنْكَ إِحْسٰانٌ، وَظَنّي

در حالی که برایت رکوع و سجود کرده‌اند؟ خدای من؛ امیدم از حضرتت احسان و نیکی است، و گمانم

بِكَ غُفْرٰانٌ، فَأَقِلْنِي عَثْرَتِي فَقَدْ كٰانَ الَّذِي كٰانَ، إِلٰهِي بَقِيتُ بَيْنَ

نسبت به تو مغفرت و آمرزش است، پس از لغزش‌هایم چشم‌پوشی کن، که شد آنچه شد. خدای من؛ میان

خَوْفٍ وَرَجٰاءٍ، فَخَوْفُكَ يُمِيتُنِي، وَرَجٰاؤُكَ يُحْيِينِي، وَالذُّنُوبُ

بیم و امید مانده‌ام، بیم تو مرا می‌میراند، و امیدت مرا زنده می‌گرداند، و گناه کردن

صِفٰاتِي، وَالْعَفْوُ مِنْ صِفٰاتِكَ. يٰا مَنْ لَهُ رِفْقٌ بِمَنْ يُعٰانِدُهُ،

از صفات من، و عفو کردن از صفات تو است. ای کسی که نسبت به معاندان و دشمنان خود مدارا می‌کند،

فَكَيْفَ بِمَنْ يَتَوَلّٰاهُ وَيَسْتَعْطِفُهُ، يٰا مَنْ كُلَّمٰا نُودِيَ أَجٰابَ، أَنْتَ

پس چگونه با ارادتمندان و آنان که از او مهر و عطوفت می‌جویند مدارا نکند؟ ای کسی‌که هرگاه صدا زده شود پاسخ گوید، تو

الَّذي قُلْتَ مَنِ الَّذي دَعٰاني فَلَمْ اُلَبِّهِ، وَمَنِ الَّذي سَأَلَني فَلَمْ

کسی هست که فرموده‌ای: چه کسی مرا خواند و به او لبّیک نگفتم؟ و چه کسی از من خواهشی کرد

اُعْطِهِ، وَمَنِ الَّذي أَقٰامَ بِبٰالي فَلَمْ اُجِبْهُ، وَأَنْتَ الَّذي قُلْتَ أَنَا

و به او عطا نکردم؟ و چه کسی به درگاه من روی آورد و به او جواب ندادم؟ و تو کسی هستی که فرموده‌ای: من

الْجَوٰادُ وَمِنِّي الْجُودُ، وَأَنَا الْكَرِيمُ وَمِنِّي الْكَرَمُ، وَمِنْ كَرَمي

جواد و بخشنده‌ام و جود و بخشش از من سرچشمه گرفته است، و من کریم و بزرگوارم و کرم و بزرگواری از من سرچشمه گرفته، و

عَلَى الْعٰاصينَ أَنْ أَكْلَأَهُمْ في مَضٰاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُوني،

از کرم و بزرگواری من بر گنه‌کاران این است که آنان را در بسترهای‌شان نگهداری می‌کنم گویا هرگز نافرمانی نکرده‌اند،

وَأَتَوَلّٰي حِفْظَهُمْ كَأَنْ لَمْ يُذْنِبُوا. رَبِّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْمَرٰاحِمِ

و نگهداری ایشان را بر عهده می‌گیرم گویا هرگز گناه نکرده‌اند. پروردگارم؛ همانا من از تو می‌خواهم به مرحمت‌ها

وَالْمَكٰارِمِ الَّتي أَنْكَرْتَ بِهٰا عَلَى الْاٰيِسينَ مِنْ رَوْحِكَ، فَقُلْتَ

و مکرمت‌هایت که آن را بر مأیوس‌شدگان از رحمتت نمی‌پسندی، و فرموده‌ای:

﴿إِنَّهُ لٰا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكٰافِرُونَ﴾[1]، إِلّٰا مٰا رَضيتَ

«جز گروه کافران کسی از رحمت خدا مأیوس نمی‌گردد» که از من خشنود گردی.

عَنّي. إِلٰهي لٰا تَغْضَبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقُومُ بِغَضَبِكَ، وَلٰا تَتَبَرَّأْ مِنّي

خدای من؛ بر من غضب مکن که در برابر غضبت پایداری ندارم، و از من دوری مکن

فَإِنّي مُلٰازِمٌ لِخِدْمَتِكَ، فَلَسْتُ اٰنَفُ مِنْ خَجَلِ الْمَطْرُودينَ، وَلٰا

که من همواره ملازم خدمتت هستم، پس ننگ ندارم از شرم رانده‌شدگان، و

أَنْقَبِضُ مِنْ رَدِّ السّٰآئِلينَ، لِعِلْمي بِنَقْضِ مٰا أَبْرَمْتَهُ مِنَ الشَّقٰآءِ إِذٰا

چهره درهم نمی‌کشم از بازگرداندن گدایان، بخاطر آگاهیم به سست کردن آنچه آن را محکم ساخته‌ای از شقاوت زمانی که

أَلَحَّ السّٰآئِلُ عَلَيْكَ بِأَكْرَمِ الْأَسْمٰآءِ. يٰا مَنْ مَهٰابَةُ عَدْلِهِ لٰا تُؤْيِسُ

سائل تو را به گرامی‌ترین نام‌هایت بخواند و التماس و اصرار کند. ای کسی که ترس از عدل او مسرفین یعنی زیاده‌روی کنندگان

۱. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۸۷.

الْمُسْرِفِينَ، وَعُمُومُ فَضْلِهِ لٰايَطْمَعُ الْعٰابِدِينَ، يٰا خَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ

در گناه را مأیوس نمی‌گرداند، و فراگیر بودن فضل و احسانش عبادت‌پیشه‌گان را به طمع نمی‌اندازد، ای بهترین کسی که

لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقٰابُ، يٰا مَنْ لَيْسَ لِخَزٰائِنِهِ قُفْلٌ وَلٰا

چهره‌ها برایش فروتنی کند و گردن‌ها برایش سرافکنده شود، ای کسی که برای خزانه‌اش قفل و بند

بَوّٰابٌ، يٰا مَنْ حَيْثُ مٰا دُعِيَ أَجٰابَ، يٰا مَلِكَ الْمُلُوكِ، وَرَبَّ

و دربانی نیست، ای کسی که هر کجا و هر زمانی خوانده شود پاسخ می‌دهد، ای شاه شاهان، و مالک

الْأَرْبٰابِ، مٰا فِي عِبٰادِكَ أَقْسىٰ قَلْباً مِنّي، وَلٰا مَوْلىٰ أَعْظَمَ مِنْكَ

مالکان، در میان بندگانت سنگدل‌تر از من نیست و سروری برای من باعظمت‌تر از تو نیست،

لي، أَدْعُوكَ دُعٰاءَ مُلِحٍّ لٰايَمُلُّ الدُّعٰاءَ، وَلٰايَقْطَعُ الرَّجٰاءَ، دُعٰاءَ

تو را می‌خوانم خواندن اصرار کننده‌ای که از خواندن ملول و خسته نمی‌گردد، و امیدش را از تو قطع نمی‌کند، خواندن

مُلِحٍّ تَوٰاتَرَتْ عَلَيْهِ هُمُومُهُ، وَأَخْضَعَ لَكَ خُضُوعَ مَنْ قَهَرَتْهُ

زاری‌کننده‌ای که گرفتاری‌ها و غصّه‌ها پی در پی بر او وارد می‌شود، و خضوع می‌کنم برایت خضوع کسی که بر او چیره گشته

غُمُومُهُ، فَوَحَيٰوةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزِّكَ الْقَدِيمِ، وَجُودِكَ

غم‌هایش، قسم به ذات بزرگوارت، و عزّت دیرینه‌ات، و جود و بخشش

الْعَمِيمِ، لَوْلٰا مٰا أُؤَمِّلُ مِنْ غُفْرٰانِكَ الَّذي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ

فراگیرت، اگر نبود که من به آمرزشت که هر چیزی را دربرمی‌گیرد امیدوارم، به راستی

بِيَدَيَّ، وَلَوِ اسْتَطَعْتُ الْهَرَبَ لَهَرَبْتُ، لٰكِنْ لٰايَعْزُبُ عَنْكَ مِثْقٰالُ

خود را به نابودی می‌افکندم، و اگر توانائی گریختن را می‌داشتم می‌گریختم، ولی هیچ ذرّه‌ای دور از دسترش

ذَرَّةٍ، وَلٰا مَعْدِلَ عَنْكَ في نٰارٍ وَلٰا جَنَّةٍ، فَهَرَبْتُ مِنْكَ إِلَيْكَ،

تو نباشد، و گریزی از تو نیست در آتش و نه در بهشت، لذا از سوی تو به سوی خودت گریختم،

فَلٰاتُبْطِلْ طَمَعي، وَلٰاتُخْفِرْ ذِمَّتي، وَلٰاتُخَيِّبْ وَسيلَتي، يٰا أَرْحَمَ

پس طمع مرا باطن مکن، و سایهٔ لطف و حمایتت را بر سر من باقی بدار، و وسیله‌ام را محروم مگردان، ای مهربانترین

الرّٰاحِمينَ، سُبْحٰانَ ذِي الْعِزِّ الشّٰامِخِ، وَالْجَلٰالِ الْبٰازِخِ، وَالْمَجْدِ

مهربانان، پاک و منزّه است صاحب عزّت بلندپایه، و عظمت والا، و شکوه

الْكٰامِلِ، وَالْعَطٰآءِ الْفٰاضِلِ، وَالْفَضْلِ السّٰابِغِ، لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ

کامل، و بخشش برتر، و فضل و احسان فراوان، (می‌گویم) هیچ توان و نیروئی

إِلّٰا بِاللّٰهِ تَفْوِيضاً إِلَى اللّٰهِ، لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰهِ، إِسْتِعٰانَةً

جز به سبب خداوند نیست در حالی که به خدا واگذار کننده‌ام، هیچ حرکتی و نیروئی جز به وسیلهٔ خداوند نیست، در حالی‌که

بِاللّٰهِ، وَرَدَّ الْأَمْرِ إِلَيْهِ، لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰهِ، تَمَسُّكاً بِاللّٰهِ،

از خدا یاری می‌جویم، و امر را به او بازمی‌گردانم، هیچ جنبشی و نیروئی جز به وسیلهٔ خداوند نیست در حالیکه به دامن لطف خداوند چنگ زده

وَاعْتِصٰاماً بِحَبْلِهِ، وَأَعَزَّ الْخَلْقِ عَلَيْهِ، مٰا شٰآءَ اللّٰهُ تَضَرُّعاً إِلَى

و به ریسمان عنایت او، و به گرامی‌ترین آفریده‌اش نزد او پیوسته‌ام، (می‌گویم) آنچه خدا بخواهد در حالی‌که به سوی

اللّٰهِ، وَاسْتِكٰانَةً لَهُ، مٰا شٰآءَ اللّٰهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللّٰهِ، وَإِقْرٰاراً بِهِ،

خداوند تضرّع و زاری کرده، و برایش فروتنی نموده‌ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که به خدا روی آورده، و به او اقرار و اعتراف نموده

وَتَوَكُّلاً عَلَيْهِ، مٰا شٰآءَ اللّٰهُ تَلَطُّفاً لِلّٰهِ، وَاعْتِمٰاداً عَلَيْهِ، مٰا شٰآءَ اللّٰهُ

و بر او توکّل کرده‌ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که برای خدا نرمی نموده، و بر او تکیه کرده‌ام، آنچه خدا بخواهد

وَسِيلَةً إِلَى اللّٰهِ، وَإِلْحٰاحاً عَلَيْهِ، أَنْتَ اللّٰهُ رَبُّنَا الَّذِي إِيّٰاهُ نَعْبُدُ،

در حالیکه به درگاه خداوند توسّل یافته و به پیشگاهش اصرار و التماس می‌نمایم، تو خداوندی پروردگار ما که تنها او را عبادت می‌کنیم،

وَكُنْتَ قَبْلَ الْأَيّٰامِ وَالْأَزْمٰانِ، وَكَوَّنْتَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَحْسَنْتَ كَوْنَهُ،

و تو پیش از روزگاران و زمان‌ها بوده‌ای، و هر چیزی را هستی بخشیدی و هستی او را نیکو گردانیدی،

فَأَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لٰاتَضُمُّكَ الْجِهٰاتُ، وَلٰايَحْوِيكَ الْمَكٰانُ، فَأَنْتَ

تو خداوندی هستی که جهت‌ها تو را احاطه نمی‌کند، و مکان تو را دربرنمی‌گیرد، پس تو

اللّٰهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، حَيٌّ قَيُّومٌ، مَلِكٌ قُدُّوسٌ، دٰآئِمٌ مُتَعٰالٌ، غَيْرُ

خداوندی (که) هیچ معبودی جز تو نیست، (تو) زنده، پایدار، پادشاه، در نهایت پاکی، همیشگی، بلندمرتبه،

مَوْصُوفٍ وَلٰا مَحْدُودٌ، تَعَظَّمْتَ حَمِيداً، وَتَجَبَّرْتَ حَلِيماً،

توصیف نشوی و حدّ و اندازه‌ای برایت نیست، تو دارای عظمتی در حالی که ستوده‌ای، و دارای قدرتی در حالی که بردباری،

وَتَكَبَّرْتَ رَحِيماً، وَتَعٰالَيْتَ عَزِيزاً، وَتَعَزَّزْتَ كَرِيماً، وَتَقَدَّسْتَ

و بزرگ‌مرتبه‌ای در حالیکه رحیم و مهربانی، و رفیع و بلندمرتبه‌ای در حالیکه عزیز و شکست‌ناپذیری، و دارای عزّت و اقتداری در حالیکه کریم و بزرگواری

مَجيداً، وَتَمَجَّدْتَ مَليكاً، وَتَبارَكْتَ قَديراً، وَتَوَحَّدْتَ رَبّاً

و در نهایت پاکی هستی در حالیکه باشکوهی، و دارای شکوه و رفعت و بزرگواری هستی در حالیکه پادشاهی، و برکت‌آفرینی در حالیکه توانائی، و یکتائی و

قادِراً عالِماً جَليلاً حَميداً عَلِيّاً كَبيراً، وَتَفَرَّدْتَ بِخَلْقِ الْخَلْقِ

یگانه‌ای در حالی‌که پروردگار، توانا، دانا، والا مقام، ستوده، بلندمرتبه، و بزرگ هستی، و تنهائی در آفرینش همهٔ مخلوقات،

كُلِّهِ، فَما مِنْ بارِئٍ مُصَوِّرٍ مُتْقِنٍ غَيْرُكَ، وَتَفَضَّلْتَ قَيُّوماً قادِراً

هیچ پدیدآورندهٔ صورت‌آفرین حاذقی غیر تو نیست، و تو برتری در حالی‌که پایدار، توانا،

مَحْمُوداً عالِياً قاهِراً مُحْسِناً مَعْبُوداً مَذْكُوراً مُبْدِئاً مُعيداً مُحْيِياً

ستوده‌شده، والا، چیره، نیکوکار، ستایش‌شده، یادشده، آغازگر، بازگرداننده، زنده‌کننده،

مُميتاً باعِثاً وارِثاً، وَتَطَوَّلْتَ عَفُوّاً غَفُوراً وَهّاباً تَوّاباً رَحيماً

میراننده، برانگیزنده، ارث‌برنده‌ای، و دارای فخر و برتری و منّتی در حالی‌که بسیار عفوکننده، آمرزنده، بخشنده، توبه‌پذیر، مهربان،

رَئُوفاً وَدُوداً قَريباً مُجيباً سَميعاً بَصيراً حَليماً حَكيماً حَنّاناً

رئوف، دوست‌دارنده، نزدیک، اجابت‌کننده، شنوا، بینا، بردبار، صاحب حکمت و حکم و محبّت

مَنّاناً، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي شُقَّ بِهِ الْبَحْرُ، وَأُبْرِمَ الْأَمْرُ، وَقُدِّرَ

و نعمت فراوانی، از تو می‌خواهم به آن نام مقدّست که به وسیلهٔ آن دریا شکافته، و هر امری محکم و استوار، و

الرِّزْقُ، وَأُسْبِلَ السِّتْرُ، وَأُنْزِلَ الْقَطْرُ، وَأُعْشِبَ الْبَرُّ، وَأُسْجِرَ

رزق و روزی مقدّر و معیّن، و پرده افکنده شود، و باران فرود آید، و صحرا سبز و خرمّ، و دریا پرآب

الْبَحْرُ، وَنُوِّرَ الْبَدْرُ، وَخُصَّ بِالذِّكْرِ مُحَمَّدُنِ الطُّهْرُ، وَعَلِيُّنِ الْبَدْرُ،

و ماه منوّر گردد، و اختصاص بذه به ذکر و یاد، حضرت محمّد را که پاک و طاهر است و حضرت علی را که همچون شب چهارده درخشنده و تابان است،

وَوُلاةُ الْأَمْرِ، حُكّامُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، بِحَقِّ لا إِلهَ إِلّا

و والیان امر که حاکمان و فرمانروایان شب قدرند، ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به حقّ و حقیقت این کلمهٔ مبارکهٔ توحید یعنی «لا إله إلاّ

أَنْتَ؛ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، بِرَحْمَةِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ؛ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ،

أنت» (هیچ‌معبودی جز تو نیست)؛ ای آنکه هیچ‌معبودی جز تو نیست، به رحمت «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ‌معبودی جز تو نیست،

بِعَظَمَةِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ؛ يا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، بِجَلالِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ؛

به عظمت «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به جلال و مرتبهٔ «لا إله إلاّ أنت»؛

يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِكَمٰالِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِبَهٰآءِ

ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به کمال «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به زیبائی

لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِقُدْرَةِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ

«لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به توانائی «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی

إِلّٰا أَنْتَ، بِقُدْسِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِسُبْحٰانِ لٰا إِلٰهَ

جز تو نیست، به قدس و پاکی «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به منزّه بودن «لا إله

إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِمَلَكُوتِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا

إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به ملکوت و باطن «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز

أَنْتَ، بِجَبَرُوتِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِفَضْلِ لٰا إِلٰهَ

تو نیست، به جبروت و قدرت «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به فضل و برتری «لا إله

إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِعَدْلِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا

إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به عدل و اعتدال «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز

أَنْتَ، بِكَرَمِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِقُوَّةِ لٰا إِلٰـهَ إِلّٰا

تو نیست، به کرم و بزرگواری «لا إله إلاّ أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به نیروی «لا إله إلاّ

أَنْتَ؛ يٰا لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بِصِدْقِ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ؛ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ

أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به صدق و راستی «لا إله إلاّ أنت»؛ از تو می‌خواهم به تمام

الْأَقْسٰامِ كُلِّهٰا أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي

این سوگندها که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و با من رفتار کنی

فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ، وَفِعْلَ غَنِيٍّ خَشَعَ لَهُ فَقِيرٌ

رفتار مقتدر شکست‌ناپذیری که به درگاهش خوار بی‌مقداری تضرّع و زاری نموده و به او رحم کرده است، و رفتار ثروتمند بی‌نیازی که فقیر تهیدست برایش خشوع

فَنَفَعَهُ، وَفِعْلَ جَبّٰارٍ اسْتَسْلَمَ إِلَيْهِ خٰآئِفٌ فَاٰمَنَهُ. رَبِّ اٰمِنّي مِنْ

و کرنش نموده و به او سود رسانده است، و رفتار قدرتمندی که شخص بیمناکی تسلیم او گشته و به او ایمنی بخشیده است. پروردگارا؛ مرا از

طَرْدِكَ وَإِبْعٰادِكَ، وَاجْعَلْني مِنْ أَكْرَمِ عِبٰادِكَ، أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰآئِكَ

راندن و دور کردنت ایمن گردان، و از گرامی‌ترین بندگانت قرار بده، از تو می‌خواهم به نام‌هایت

الَّتي إِذٰا سُمّيتَ بِهٰا عَلٰى طَوٰارِقِ الْـعُسْرِ عٰـادَتْ يُسْـراً، وَإِذٰا

که هر گاه به آن‌ها نامیده شوی حوادث دشوار آسان گردد، و هر گاه

وُضِعَتْ عَلَى الْجِبٰالِ صٰارَتْ هَبٰآءً مَـنْثُوراً، وَإِذٰا رُفِـعَتْ إِلٰـى

بر کوهها نهاده شود، گرد و غبار پراکنده گردند، و زمانی که به سوی

أَبْوٰابِ السَّمٰآءِ تَفَتَّحَتْ بِهَا الْمَغٰالِقُ، وَإِذٰا هَبَطَتْ إِلٰـى ظُـلُمٰاتِ

درهای آسمان بالا برده شوند درهای بسته به وسیلهٔ آن‌ها گشوده شود، و چون به تاریکی‌های

الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ بِهَا الْمَضٰآئِقُ، وَإِذٰا ضُرِبَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ

زمین فرود آید تنگی‌ها به وسیلهٔ آن فراخی یابد، و هر گاه بر مردگان خوانده شوند

مِنَ اللُّحُودِ، وَإِذٰا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومٰاتِ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ،

از قبرها بیرون آیند، و وقتی معدوم‌ها که وجودی ندارند با آن صدا زده شوند به عالم وجود راه پیدا کنند،

وَإِذٰا ذُكِرَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُـوعاً، وَإِذٰا قُـرِعَتْ بِـهَا

و چون دل‌ها از آن‌ها یاد کنند از روی خشوع دچار بیم و هراس گردند، و چون بر

الْأَسْمٰاعُ فٰاضَتِ الْعُيُونُ دُمُوعاً، وَبِـمُحَمَّدٍ رَسُـولِكَ، اَلْـمُؤَيَّدِ

گوش‌ها دمیده شود از چشمه‌های چشم‌ها اشک روان گردد، و به (حضرت) محمّد رسول و فرستاده‌ات، که

بِالْمُعْجِزٰاتِ، اَلْمَنْعُوتِ بِمُحْكَمِ الْاٰيٰاتِ، وَبِأَميرِالْمُؤْمِنينَ عَـلِيِّ

به وسیلهٔ معجزات تأیید شده، به آیات محکم کتابت توصیف گردیده است، و به امیر مؤمنان (حضرت) علیّ

بْنِ أَبي طٰالِبٍ، اَلَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤٰاخٰاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ، وَاصْـطَفَيْتَهُ

بن ابی طالب، که او را برای برادری و وصایت او اختیار فرمودی، و برای

لِخِلٰافَتِهِ وَمُصٰاهَرَتِهِ، وَبِحَقِّ ذُرِّيَّتِهِمَا الْأَطْـهٰارِ، حُـمٰاةِ الدّيـنِ

جانشینی و دامادی او برگزیدی، و به حقّ ذرّیّهٔ پاک این دو بزرگوار که حامیان دین

وَعُرْوَتِهِ، وَبِحَقِّ مَوْلٰانٰا وَخَـلِيفَتِنٰا صٰـاحِبِ الزَّمٰـانِ، اَلْـمُؤَيَّدِ

و دستاویز محکم آن هستند، و به حقّ مولا و سرورمان (حضرت) صاحب الزمان، که

بِالرُّعْبِ وَمَلٰآئِكَتِهِ، وَمَنْ يَجْتَمِعُ عَلىٰ طٰاعَتِهِ جَميعُ الْـمَمٰالِكِ

با رعب و ترس و با فرشتگان تأیید شده است، و کسی که بر اطاعت و فرمانبرداری او تمام مملکت‌ها و کشورها

مِنْ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، وَيَتَأَلَّفُ لَهُ الْأَهْوٰآءُ الْـمُتَفَرِّقَةُ مِـنْ رَعِـيَّتِهِ،

از اهل مملکت او گرد آیند، و خواسته‌ها و تمایلات گوناگون و پراکندهٔ مردمی که تحت سرپرستی او هستند الفت پیدا کنند و به

وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيٰآئِكَ، وَتَنْتَقِمُ مِـنْ شِـرٰارِ أَعْـدٰآئِكَ،

هم بپیوندند، و به وسیلهٔ او حقوق اولیائت را رها سازی و از چنگ دیگران بیرون آوری، و از دشمنان شرور و بَدمنش انتقام بگیری

وَتَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطاً، وَتُوَسِّعُ الْـعِبٰادَ بِـظُهُورِهِ فَـضْلًا

و زمین را از عدل و داد پر کنی، و فضل و احسانت را برای بندگانت با ظهور او گسترش دهی،

وَإِحْسٰاناً، وَتُعِيدُ الْحَقَّ بِمَكٰانِهِ عَزِيزاً حَمِيداً، وَتُـرْجِعُ الدِّيـنَ

و حق را به جایگاه خودش در حالی که عزیز و ستوده باشد بازگردانی، و دین را با دست مبارک

عَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُـحَمَّدٍ،

او تر و تازه به گونه‌ای که برای مردم تازگی داشته باشد به شکل واقعی خودش بازگشت دهی، که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی

فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمٰامي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوٰآئِجي

به تحقیق به وسیلهٔ ایشان به درگاه تو طلب شفاعت می‌کنم، و مقدّم می‌کنم ایشان را پیش‌رویم و پیشاپیش حوائجم و نیازهایم

إِلَيْكَ، وَأَنْ تُوزِعَني شُكْـرَ نِـعْمَتِكَ فِـي التَّـوْفيقِ لِـمَعْرِفَتِهِمْ،

به سوی تو، و (می‌خواهم) این‌که مرا برای شکر این نعمتت که توفیق شناخت ایشان را عطا کردی،

وَالْهِدٰايَةِ إِلىٰ طٰاعَتِهِمْ، وَتَزِيدَني قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِمْ،

و مرا به اطاعت‌شان رهنمون گردیدی موفّق نمائی، و نیروی مرا در چنگ زدن به دامن عصمت ایشان،

وَالْإِقْتِدٰآءِ بِسُنَّتِهِمْ، وَالْكَوْنِ في زُمْرَتِهِمْ، إِنَّكَ حَـمِيدٌ مَـجِيدٌ،

و پیروی کردن از سنّت‌شان، و بودن در گروه و جمعیّت‌شان بیفزائی، که تو ستوده و باشکوهی.

سُبْحٰانَ اللهِ الدّٰآئِمِ، فَكّٰاكِ الْمَغٰارِمِ، رٰازِقِ الْبَهٰآئِمِ، لَـيْسَ فـي

پاک و منزّه است خداوند همیشه پایدار، رهاکننده از وام‌ها و غرامت‌ها، روزی‌دهندهٔ چهارپایان، در

دَيْمُومِيَّتِهِ ابْتِدٰآءٌ وَلٰا زَوٰالٌ، وَلٰا في أَبَدِيَّتِهِ انْتِهٰآءٌ وَلَا اسْتِقْبٰالٌ.

پیوسته‌بودنش ابتدائی و انقطاعی نیست، و در جاودانگی‌اش نهایتی و پایانی نیست.

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذٰا مَشْهَدٌ لٰايَرْجُو مَنْ فٰاتَتْهُ فيهِ رَحْمَتَكَ أَنْ يَـنٰالَهٰا

خداوندا؛ این، زیارتگاه و جایگاهی است که هر کس در آن رحمتت را از دست دهد امیدی نیست که

فِي غَيْرِهِ، وَلا أَحَدٌ أَشْقى مِنِ امْرَءٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلاً فَآبَ عَنْهُ

در غیر آن بدست آورد، و کسی بدبخت‌تر نیست از شخصی که با امید و آرزو آهنگ آن کند و

خائِباً. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْإِيابِ، وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ،

محروم از آنجا بازگردد. خداوندا؛ براستی من به تو پناه می‌برم از بدی بازگشت، و ناامیدی برگشت،

وَالْمُناقَشَةِ عِنْدَ الْحِسابِ، وَحاشاكَ يا رَبِّ أَنْ تُقْرِنَ طاعَةَ

و کاوش و بررسی هنگام حساب. و دور از شأن تو است - ای پروردگار من - که طاعت

أَوْلِيائِكَ بِطاعَتِكَ، وَمَعْصِيَتَهُمْ بِمَعْصِيَتِكَ، وَمُوالاتَهُمْ بِمُوالاتِكَ،

اولیائت را با طاعت خود، و نافرمانی ایشان را با نافرمانی خود، و دوستی و ارادت ایشان را با دوستی و ارادت خود مقرون گردانی

ثُمَّ تُؤْيِسَ زائِرَهُمْ، وَالْمُتَحَمِّلَ إِلى قُبُورِهِمْ مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ، لا

آنگاه زائر ایشان را که از شهر و دیار دوری بسوی مرقدشان آمده و تحمّل مشکلات نموده مأیوس و ناامید بازگردانی، نه

وَعِزَّتِكَ لايَنْعَقِدُ عَلىٰ ذٰلِكَ ضَميري، إِذْ كانَتِ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ

به عزّت و اقتدارت سوگند؛ هرگز ضمیر و خاطر من بر چنین چیزی استوار نگشته، چون دل‌ها به سوی تو

بِالْجَميلِ تُشيرُ، لاسِيَّما وَقَدْ أَمَرْتَ عِبادَكَ بِصِلَةِ السّائِلينَ،

به خوبی و زیبائی اشاره می‌کند، مخصوصاً که بندگانت را به احسان کردن به گدایان،

وَإِجازَةِ الْوافِدينَ، وَالْإِحْسانِ إِلَى الْمُسيئينَ، وَأَسْأَلُكَ بِما

و پاداش دادن به واردشدگان، و نیکی کردن به گنهکاران دستور داده‌ای. و از تو می‌خواهم به آنچه

خَصَّصْتَ مُحَمَّداً وَآلَهُ مِنَ الْعِنايَاتِ، وَأَكْرَمْتَهُمْ بِأَحْسَنِ الصِّفاتِ،

اختصاص داده‌ای محمّد و آل او را از عنایت‌ها، و گرامی داشته‌ای ایشان را به نیکوترین صفات،

حَتّى بَرَزُوا عَلَى الْأَقْرانِ، فَجَعَلْتَهُمْ أَئِمَّةَ الزَّمانِ، وَشَرْطَ

تا سرآمد همتایان گردیدند، پس ایشان را امامان هر زمان، و شرط

الْإِيمانِ، حَيْثُ سَبَقُوا الْخَلائِقَ إِلىٰ تَوْحيدِكَ، فَخَلَقْتَ نُورَهُمْ

ایمان قرار دادی، چون آفریدگان را به توحید پیشی گرفتند، پس نور ایشان را

مِنْ نُورِكَ، وَحَمَيْتَ أَجْسادَهُمْ مِنْ أَرْجاسِ الْكافِرينَ لِتَمامِ

از نور خود آفریدی، و اجسادشان را از آلودگی‌ها و پلیدی‌های کافران بازداشتی و نگهداری فرمودی تا

قَدَرِكَ في رُؤَسٰآءِ الْمَخْلُوقينَ، إِلّا مٰا كَتَبْتَ لِيَ الرَّحْـمَةَ الَّـتي

مقدّرات خود را در مورد سران آفریدگانت کامل کنی، که برای من رحمتی که

كَتَبْتَهٰا عَلىٰ نَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَني لِنَفْسِكَ، وَخَلَّصْتَني مِنْ تَبِعٰاتِ

بر خودت لازم دانسته‌ای بنویسی، و مرا برای خودت برگزینی، و از حقوقی که از مردم به عهدهٔ من است رها سازی،

خَلْقِكَ، وَقُلْتَ لِدُعٰآئي قَدْ اٰتَيْتُكَ يٰا عَبْدي مٰا سَأَلْتَني، وَأَرَدْتُكَ

و در پاسخ دعایم بگویی: بنده‌ام آنچه از من درخواست نمودی به تو عطا کردم، و تو را خواستم

حَيْثُ أَرَدْتَني، بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ، وَعِزَّتِكَ يٰا

چون مرا خواستی، به فضل و کرمت ای مهربانترین مهربانان. به عزّت و اقتدارت سوگند ای

مَوْلٰايَ لَتَفْعَلَنَّ، سُبْحٰانَكَ طَوَتِ الْأَبْصٰارُ في صُنْعِكَ مَديدَتَهٰا،

مولای من؛ که با من چنین کنی، پاک و منزّهی؛ دیدگان در آفرینش تو راه به جائی نبرد،

وَثَنَتِ الْأَلْبٰابُ عَنْ كُنْهِكَ أَعِنَّتَهٰا، فَأَنْتَ الْمُدْرِكُ غَيْرُ الْمُدْرَكِ،

و خردها از فهم حقیقت ذاتت عنان کشید و درمانده گشت، پس تو دریابنده‌ای و کسی تو را درنمی‌یابد،

وَالْمُحيطُ غَيْرُ الْمُحٰاطِ، يٰا مَأْمَنَ الْخٰآئِفِ، وَكَـهْفَ اللّٰاهِـفِ،

و تو بر همه چیز احاطه داری و چیزی بر تو احاطه ندارد. ای محلّ امن بیمناک، و پناهگاه اندوهگین،

وَجُنَّةَ الْعٰآئِذِ، وَغَوْثَ اللّٰآئِذِ، سُبْحٰانَكَ مٰا أَسْمَعَكَ إِذٰا نُوديتَ،

و سپر پناه‌برنده، و فریادرس پناهنده. پاک و منزّهی؛ چه بسیار شنوائی هنگامی که تو را صدا زنند،

وَأَنْصَتَكَ إِذٰا نُوجيتَ، وَأَرْحَمَكَ إِذَا اسْتُرْحِمْتَ. إِلٰهي مٰا طٰابَتِ

و (چه بسیار) گوش فرادهنده‌ای هنگامی که با تو راز و نیاز کنند، و (چه بسیار) رحم‌کننده‌ای هنگامی که از تو رحمت ومهربانی بجویند. خدای من؛

الدُّنْيٰا إِلّا بِخِدْمَتِكَ، وَمٰا طٰابَ الْقَبْرُ إِلّا بِمُؤٰانَسَتِكَ، وَمٰا طٰابَتِ

دنیا گوارا نیست مگر آنکه در خدمت تو به کار رود، و قبر گوارا نیست مگر آنکه با همدمی تو توأم گردد، و

الْجَنَّةُ إِلّا بِمُخٰاطَبَتِكَ وَمُجٰاوَرَتِكَ، فَاجْعَلْني مِنْ أَفْضَلِ عِبٰادِكَ

بهشت گوارا نیست مگر با گفتگوی تو و مجاورت تو همراه باشد، پس مرا از برترین بندگانت،

وَأَهْلِ طٰاعَتِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُـحَمَّدٍ وَاٰلِ مُـحَمَّدٍ، وَأَكْـرِمْ

و از اهل اطاعت و فرمانبرداریت قرار بده. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و

أَوْلِيٰآئَكَ بِإِنْجٰازِ وَعْدِكَ، وَبَلِّغْهُمْ مٰا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ، وَاكْفُفْ

اولیائت را با وفا کردن به وعده‌ات گرامی بدار، و به آنچه امید و آرزو دارند از یاریت برسان، و

عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلٰافَ عَلَيْكَ، وَتَمَرَّدَ بِمَنْعَتِكَ عَلىٰ

خشم و عذاب کسانی را که پرچم مخالفت با تو را برداشته‌اند، و با مخالفت‌کردن با تو نسبت به آنچه منع کرده‌ای

رُكُوبِ مُخٰالَفَتِكَ، وَحَقِّقْ لَنٰا تَقْدِيرَ حِكْمَتِكَ فِي الْمَخْلُوقِينَ،

سرکشی نموده‌اند از ایشان باز بدار، و آنچه در نظر داری از حکمت و حکم و فرمانت نسبت به مخلوقاتت برای ما محقّق ساز،

لِقَوْلِكَ الصّٰادِقِ الْيَقِينِ، ﴿وَكٰانَ حَقّاً عَلَيْنٰا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾[1]، يٰا

که در گفتار راست و یقینی خود فرموده‌ای: «بر ما حقّ و سزاوار و لازم است یاری کردن مؤمنان»، ای

مَنْ أَسْكَنَ بُرُوقَ أَنْوٰارِهِ فِي قُلُوبِ الْأَئِمَّةِ الْهٰادِينَ، وَأَجٰالَ

کسی که درخشش انوارش در دل‌های امامان هدایتگر منزل کرده، و

رُعُودَ الْمَهٰابَةِ فِي صُدُورِ خُلَصٰآئِهِ الْمَعْصُومِينَ، وَأَمْطَرَ سَحٰائِبَ

رعد و غرّش هیبت و ترس در سینهٔ برگزیدگان پاک و معصومش هجوم آورده، و ابرهای

الْوَعِيدِ فِي عُقُولِ أُمَنٰآئِهِ الْمُخْبِتِينَ، حَيْثُ وَصَفَهُمْ بِعِبٰادِهِ

بیم در عقل‌ها و اندیشه‌های امینان فرمانبردارش بارش نموده است، چون ایشان را به عنوان بندگان صالح و

الصّٰالِحِينَ، أَسْأَلُكَ يٰا مَوْلٰايَ بِمُحَمَّدٍ وَأَوْصِيٰآئِهِ الطَّيِّبِينَ، أَنْ

شایستهٔ خود توصیف فرمودی، از تو می‌خواهم ای مولای من؛ به حقّ محمّد و جانشینان پاکش که

تُعْتِقَ رَقَبَتِي، وَتَفْسَحَ فِي أَجَلِي، وَتُبَلِّغَنِي فِيهِ أَمَلِي، وَكَمٰا

مرا آزاد گردانی، و در اجل و مهلت من توسعه دهی، و مرا در آن (مهلت) به آرزو برسانی، و همان‌گونه که

أَكْمَلْتَ خَلْقِي لِعِبٰادَتِكَ، وَعَقْلِي بِمَعْرِفَتِكَ، فَارْضَ عَنِّي، فَإِنِّي

آفرینش مرا برای عبادتت، و عقلم را با شناخت خویش کامل گردانیدی، پس از من خشنود باش، که من

أَعْلَمُ أَنِّي لٰا أَصْلُحُ لِلْجَنَّةِ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي لٰا أَصْبِرُ عَلَى النّٰارِ،

می‌دانم که صلاحیّت و شایستگی بهشت را ندارم، و تو می‌دانی که من تحمّل آتش را ندارم،

أَنَا الَّذِي أَحْلَلْتُ الْعُقُوبَةَ بِنَفْسِي، وَأَوْبَقْتُهٰا بِالْمَعٰاصِي جُهْدِي،

من کسی هستم که کیفر را بر خود روا داشتم، و با نافرمانی‌ها کوشش و تلاش خود را از بین بردم،

۱. سورهٔ روم، آیهٔ ۴۷.

وَعَرَّضْتُهٰا لِلْمَهٰالِكِ بِكُلِّ قُوَّتي، وَلَسْتُ بِذي قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ، وَلٰا

و خود را با تمام نیرو در معرض هلاکت و نابودی افکندم، و من قوّت و نیروئی ندارم تا غالب گردم، و

ذي عُذْرٍ فَأَعْتَذِرَ، فَارْحَمِ انْكِسٰاري وَتَضَرُّعي إِلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ،

عذری ندارم تا عذر آورم، پس به شکستگی من و ناله و زاری‌ام به درگاهت رحم کن ای مولای من؛

يٰا مَنْ لٰايُسْتَحْيٰى مِنْ مَسْأَلَتِهِ، وَلٰايُرْجَى الْعَفْوُ إِلّٰا مِنْ قِبَلِهِ،

ای کسی که از درخواست کردن از او کسی شرمنده نمی‌شود، و جز از ناحیهٔ او امید عفو و بخشش نمی‌رود،

أَشْكُوا إِلَيْكَ مٰا لٰايَخْفٰى عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ مٰا لٰايَعْظُمُ عَلَيْكَ،

به تو شکایت می‌کنم آنچه را که بر تو پنهان نیست، و از تو می‌خواهم آنچه را که بر تو بزرگ نیست،

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ قَسَمٍ يُوجِبُ الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

و از تو درخواست می‌کنم به هر سوگندی که موجب تقرّب و منزلت یافتن نزد تو گردد، که بر محمّد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّداً وَاٰلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مٰا سَأَلَكَ

و آل محمّد درود فرستی، و عطا کنی به محمّد و آل محمّد برتر از آنچه

لَهُمْ كُلُّ سٰآئِلٍ، وَأَجْزَلَ مٰا رَغِبَ إِلَيْكَ فيهِ كُلُّ رٰاغِبٍ حَتّٰى

هر درخواست‌کننده‌ای برای ایشان خواسته است، و بیشتر از آنچه هر رغبت‌کننده‌ای در آن رغبت نموده به درگاهت، تا

تُفَضِّلَهُمْ عَلٰى جَميعِ خَلْقِكَ، وَزِدْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ

آنکه آنان را بر تمام آفریدگانت برتری بخشی، و فراتر از آن، آنچه تو شایستهٔ آن هستی از

كَرَمِكَ وَطَوْلِكَ، أَسْأَلُكَ يٰا مَوْلٰايَ سُؤٰالَ الْمُتَمَسِّكِ بِحَرَمِكَ،

کرم و لطفت بر ایشان بیفزایی، از تو درخواست می‌کنم ای مولای من درخواست کسی که به حرم تو پناه آورده،

الْمُفْتَقِرِ مِنْ نَظَرِكَ، يٰا مَوْلٰايَ إِنَّ الْعَرَبَ إِذَا اسْتُجيرَ بِأَطْنٰابِ

و محتاج نظر لطف تو است، ای مولای من؛ در میان عرب رسم است که اگر کسی به درب و دیوار خانهٔ آن‌ها پناهنده شود

بُيُوتِهٰا أَجٰارَتْ، وَأَنْتَ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَقَدِ اسْتَجَرْتُ

او را پناه دهند، و تو سرور عرب و عجم هستی، و من پناهنده گشته‌ام

بِرُكْنٍ مِنْ أَرْكٰانِ تَوْحيدِكَ، وَبَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، وَتُرْبَةٍ مِنْ

به رکن و پایه‌ای از پایه‌های توحیدت، و خانه‌ای از خانه‌های پیامبرت، و تربتی از

تُرَبِ خُلَفٰآئِكَ، اَلَّذِينَ أَظْهَرُوا سُلْطٰانَكَ، وَأَقٰامُوا أَحْكٰامَكَ، يٰا

تربت‌های (پاک) جانشینات که سلطنت تو را آشکار نمودند، و احکامت را بپا داشتند، ای

مُغِيثُ أَغِثْنِي، فَلِهٰذِهِ الشِّدَّةِ رَجَوْتُكَ، يٰا مَوْلٰايَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ

فریادرس؛ به فریادم برس، برای رفع این سختی و دشواری به تو چشم امید دوخته‌ام، ای مولای من؛ از تو می‌خواهم به نام‌هایت

الَّتِي كَتَبْتَهٰا عَلىٰ قُلُوبِ أَصْفِيٰآئِكَ بِمُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اُمَنٰآئِكَ، فَعَرَفُوا

که بر دل‌های برگزیدگانت (یعنی) محمّد و آل محمّد که امینان توأند نوشتی، پس شناختند

مٰا عَرَّفْتَهُمْ، وَفَهِمُوا مٰا فَهَّمْتَهُمْ، وَعَقَلُوا مٰا أَوْجَبْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ

آنچه به آنها شناساندی، و فهمیدند آنچه به آن‌ها فهماندی، و درک کردند و اندیشه نمودند آنچه از

خَصٰآئِصِكَ وَعَزٰآئِمِكَ، وَضَرَبْتَ أَمْثٰالَهُمْ، وَأَنَرْتَ بُرْهٰانَهُمْ،

ویژگی‌هایت و دستوراتت به ایشان وحی فرمودی، آنگاه آنان را الگو قرار دادی و برهان و دلیل‌شان را روشن ساختی،

وَقَرَنْتَ بِاسْمِكَ أَسْمٰآئَهُمْ إِلّٰا خَلَّصْتَنِي مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ أَنَا فِيهِ، يٰا

و نام‌شان را قرین نام خودت گردانیدی، که مرا از هر بدی که بدان دچارم رها سازی، ای

مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلٍ وَطِينٍ وَمٰآءٍ، وَيٰا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ

رهائی‌بخش درخت از میان ریگ و گِل و آب، و ای رهائی‌بخش شیر

مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ، وَيٰا مُخَلِّصَ النّٰارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَالْحَجَرِ،

از میان چرک و خون، و ای رهائی‌بخش آتش از میان آهن و سنگ،

وَيٰا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَرَحِمٍ، وَيٰا مُخَلِّصَ الرُّوحِ

و ای رهائی‌بخش نوزاد از میان مشیمه (پوستی که بچّه در رحم در آن باشد) و رحم مادر، و ای رهائی‌بخش روح

مِنْ بَيْنِ الْأَحْشٰآءِ وَالْأَمْعٰآءِ، خَلِّصْنٰا مِنْ أَهْوٰالِ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ،

از میان احشاء و امعاء (که درون شکم آدمی است)، ما را از هول و هراس روز قیامت رهائی بخش،

إِلٰهِي إِذٰا لَمْ تَفْعَلْ بِي مٰا اُرِيدُ فَصَيِّرْنِي عَلىٰ مٰا تُرِيدُ، سَيِّدِي

خدای من؛ هنگامی که آنچه می‌خواهم نسبت به من انجام نمی‌دهی، پس مرا بر آنچه تو می‌خواهی بگردان، سرور من؛

كَيْفَ أَفْرَحُ وَقَدْ عَصَيْتُكَ، وَكَيْفَ أَحْزَنُ وَقَدْ عَرَفْتُكَ، وَكَيْفَ

چگونه شادمان باشم در حالی‌که نافرمانی تو نمودم؟ و چگونه غمناک باشم در حالی‌که تو را شناختم؟ و چگونه

أَدْعُوكَ وَأَنَا عٰاصٍ، وَكَيْفَ لٰا أَدْعُوكَ وَأَنْتَ كَرِيمٌ، أَيْنَ مُغْرِقُ

تو را بخوانم در حالی‌که آلوده و گنه‌کارم؟ و چگونه تو را نخوانم در حالی‌که تو کریم و بزرگواری؟ کجاست غرق‌کنندهٔ

فِرْعَوْنَ لِمُوسٰى، أَيْنَ نٰاصِرُ مُحَمَّدٍ يَوْمَ بَدْرٍ، أَيْنَ نٰاصِرُ عَلِيٍّ

فرعون به خاطر موسی؟ کجاست یاری‌کنندهٔ حضرت محمّد ﷺ در روز جنگ بدر؟ کجاست یاری‌کنندهٔ حضرت علی علیه‌السلام

يَوْمَ الْأَحْزٰابِ، أَيْنَ أَجِدُكَ يٰا مَوْلٰايَ، بَلْ أَيْنَ لٰا أَجِدُكَ وَأَنْتَ

در روز جنگ احزاب؟ کجا تو را بیابم ای مولای من؟ بلکه کجا تو را نیابم که تو

أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، أَنْزِلُ عَلَيْكَ إِذٰا نَزَلْتُ، وَأَرْحَلُ

از رگ گردن نزدیکتری، بر تو فرود می‌آیم هنگامی که فرود آیم، و

إِلَيْكَ إِذٰا رَحَلْتُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْ صَوْتِي مِنْ

به سوی تو کوچ می‌کنم هنگامی که کوچ کنم، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و در

بَيْنِ الْمُصَوِّتِينَ، وَلٰاتَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، رَبِّ قَدْ

میان صدازنندگان به صدای من رحم کن، و دست رد به سینه‌ام مزن ای مهربانترین مهربانان. پروردگارا؛

أَجَبْتُكَ فَأَجِبْنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطِنِي، وَارْضَ عَنِّي فَقَدْ أَرْضَيْتَنِي

تو را اجابت کردم پس مرا اجابت کن، و از تو درخواست نمودم پس مرا عطا کن، و از من راضی و خشنود باش که تو به راستی مرا راضی و خشنود

بِحَقِّ أُمَنٰائِكَ وَأَمِينِكَ، وَأَصْفِيٰائِكَ وَصَفِيِّكَ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ،

گردانیدی، به حقّ امینانت و امینت، و به حقّ برگزیدگانت و برگزیده‌ات (حضرت) محمّد ﷺ (آن) ستوده‌شده،

ذِي الْمَقٰامِ الْمَشْهُودِ، وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ، وَبِحَقِّ الرِّسٰالَةِ الَّتِي

که صاحب مقام مشهود است، و صاحب حوضی است که بر آن وارد شوند، و به حقّ رسالتی که

أَدّٰاهٰا، وَالْعِبٰادَةِ الَّتِي اجْتَهَدَ فِيهٰا، وَالْمِحْنَةِ الَّتِي صَبَرَ عَلَيْهٰا،

آن را به انجام رسانید، و عبادتی که در آن تلاش کرد، و به غم‌ها و غصّه‌هائی که بر آن‌ها صبر و شکیبائی نمود،

وَالْمَعْرِفَةِ الَّتِي دَعٰا إِلَيْهٰا، وَالدِّيٰانَةِ الَّتِي حَضَّ عَلَيْهٰا، وَبِحَقِّ

و معرفت و شناختی که به سوی آن مردم را فراخواند، و دین و دیانتی که بر آن برانگیخت، و به حقّ

أَقْوٰالِهِ الْحَكِيمَةِ، وَأَفْعٰالِهِ الْكَرِيمَةِ، وَمَقٰامٰاتِهِ الْمَشْهُودَةِ،

گفتار حکیمانه، و رفتار کریمانه، و مقام‌ها و جایگاههای مشاهده‌شده،

وَساعاتِهِ الْمَعْدُودَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ عِتْرَتِهِ الْـمَخْلُوقِينَ

و ساعت‌های ارزشمند شمرده‌شده‌اش، که بر او و بر عترتش که

مِنْ لَحْمَتِهِ، اَلسّادَةِ الْمُتَّقِينَ مِنْ تَبِعَتِهِ، وَالْـقائِمِينَ مَـقامَهُ فـي

از گوشت و خون او آفریده شده‌اند، آن سروران پرهیزکار که پس از اویند، و عهده‌دار منصب او در

بَلاغِ رِسالَتِهِ، وَالْمَخْصُوصِينَ مِنْ قَرابَتِهِ بِأَبْنائِهِ وَعِتْرَتِهِ، عَلِيٍّ

ابلاغ پیام و رسالتش هستند، و آن‌ها که اختصاص دارند به خویشاوندی او به سبب فرزندان و عترتش (حضرت) علی علیه‌السلام

وَأَوْلادِهِ الْمُطَهَّرِينَ بِطَهارَتِهِ، وَأَنْ تَمْسَحَ ما بي بِيَمِينِكَ الشّافِيَةِ،

و فرزندان او که به طهارت و پاکی او آن‌ها نیز پاکند، که دستی بر سر و روی من با آن دست شفابخش خود بکشی،

وَأَنْ تَنْظُرَ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرّاحِمَةِ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْعَفْوَ وَالْـعافِيَةَ،

و نگاهی با دیدگان رحمتت بر من بیفکنی، و عفو و عافیت را به من روزی گردانی.

رَبِّ لاتُخَيِّبْ رَجائي، فَإِنَّهُ مَنُوطٌ بِكَ، وَلاتُصْفِرْ كَفّاً مَـمْدُودَةً

پروردگارا؛ امید من را که تنها به تو وابسته و پیوسته است ناامید مفرما، و دستی را که به درگاهت دراز شده خالی برمگردان،

إِلَيْكَ، وَلاتُذِلَّ نَفْساً عَزيزَةً بِمَعْرِفَتِكَ، وَلاتَسْلُبْ عَقْلاً مُسْتَضيـئاً

و جانی را که به معرفت تو عزیز گشته خوار و ذلیل مکن، و عقلی را که

بِنُورِ هِدايَتِكَ، وَلاتَقْدِرْ عَيْناً فَتَحْتَها بِنِعْمَتِكَ، وَلاتُخْرِسْ لِسانَاً

به نور هدایت تو روشن گشته از من مگیر، و چشمی را که به نعمت خویش گشوده‌ای تنگ مگردان، و زبانی را که

عَوَّدْتَهُ الثَّناءَ عَلَيْكَ، وَكَما كُنْتَ أَوْلى بِـالْفَضْلِ فَكُـنْ أَوْلـى

به ثناگوئی خویش عادت داده‌ای گنگ مساز، و همان‌گونه که به فضل ابتداکننده بوده‌ای، پس

بِالْإِحْسانِ؛ اَلنّاصِيَةُ بِيَدِكَ، وَالْوَجْهُ صانٍ لَكَ، وَالْخَيْرُ مُتَوَقَّعٌ مِنْكَ،

به احسان و نیکی آغازکننده باش، زمام امر به دست تو است، و چهره خوار است برای تو، و خیر و خوبی از تو انتظار می‌رود،

وَالْمَصيرُ عَلىٰ كُلِّ حالٍ إِلَيْكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأُمِّيِّ مُـحَمَّدٍ،

و به هر حال بازگشت همه به سوی تو است. خداوندا؛ درود فرست بر آن پیامبر اُمّی (حضرت) محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله،

وَالْهاشِمِيِّ أَحْمَدٍ، وَالنَّبِيِّ الْعاقِبِ، وَالرَّسُولِ الْـعَرَبِيِّ الْـمَكِّيِّ

که نسب هاشمی دارد و نامش احمد است، پیامبری که جانشین نیکوی گذشتگان و آخرین آنان است، وفرستاده ورسولی که از نژاد عرب، اهل مکّه

الْمَدَنِيِّ، اَلسِّرٰاجِ الْمُضيٓءِ، اَلسَّيِّدِ الْكَمِيِّ الْحَمِيِّ الْبَهِيِّ الْوَضيٓءِ

و مدینه است، (او) چراغ فروزنده، سرور دلیر، حمایتگر، خوش‌سیما، نورانی

الرَّضِيِّ السَّخِيِّ التَّقِيِّ، صٰاحِبِ الْوِقٰارِ وَالسَّكينَةِ، اَلْمَدْفُونِ في

پسندیده، سخاوتمند، پرهیزکار، صاحب متانت و بردباری و آرامش، مدفون در

الْمَدينَةِ، اَلْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ، وَالْمُصْطَفَى الْأَمْجَدِ،

(شهر) مدینه است، (او) بنده‌ای مورد تأیید، و فرستاده‌ای نیکوکردار و استوار، و برگزیده‌ای باشکوه،

أَبِي الْقٰاسِمِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمٰامِ

(کنیه‌اش) ابوالقاسم (و نام زیبایش) محمّد است. خداوندا؛ و درود فرست بر آن سرور پاک، و پیشوای

الْمُظَفَّرِ، وَالشُّجٰاعِ الْغَضَنْفَرِ، أَبي شُبَيْرَ وَشَبَرَ، اَلْأَنْزَعِ الْبَطينِ،

پیروزمند، و شجاع شیر بیشه، پدر شبیر و شبر (حسنین علیهما السلام)، بریده‌شدهٔ از شرک و سرشار از علم و دانش،

وَالْأَشْرَفِ الْمَكينِ، وَالْعِلْمِ الْمُبينِ، وَالنّٰاصِرِ الْمُعينِ، وَلِيِّ

و شرافتمند توانا، و نشانهٔ آشکار، و یار مددکار، و سرپرست

الدّينِ، اَلْمَرْضِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، اَلْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَني

دین، مورد رضایت و پسند، بااخلاص، باصفا، مدفون در (سرزمین) نجف، شیری از تبار

غٰالِبٍ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى

شکست‌ناپذیران، (او که کنیه‌اش) ابوالحسن (و نام مبارکش) علیّ بن ابی طالب (است). خداوندا؛ و درود فرست بر آن

السَّيِّدَةِ الْجَليلَةِ الْكَريمَةِ النَّبيلَةِ، ذٰاتِ الْأَحْزٰانِ الطَّويلَةِ فِي

بانوی عظیم‌الشّأن بزرگوار گرامی، صاحب غم‌ها و غصّه‌های طولانی در

الْمُدَّةِ الْقَليلَةِ، اَلْمَدْفُونَةِ سِرّاً، اَلْمَغْصُوبَةِ جَهْراً، اَلْمَجْهُولَةِ

مدّت کوتاه (عمر)، مظلومه‌ای که پنهان دفن شد، و آشکارا حقّش را غصب کردند،

قَدْراً، اَلْمَخْفِيَّةِ قَبْراً، اَلْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرٰآءِ، فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰآءِ. أَللّٰهُمَّ

قدر و ارزش او ناشناخته، قبرش مخفی ماند، او که حوریّه و فرشته‌ای از لباس انسان، (و نام مقدّسش) فاطمهٔ زهرا (است.) خداوندا؛

وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبىٰ، اَلْإِمٰامِ الْمُرْتَجىٰ، سِبْطِ الْمُصْطَفىٰ،

و درود فرست بر سرور برگزیده، پیشوائی که دلدادگان به او چشم امید دارند، سبط پیامبر مصطفی،

وَلَدِ الْمُرْتَضىٰ، اَلشَّفيعِ ابْنِ الشَّفيعِ، اَلْـمَقْتُولِ بِـالسَّمِّ النَّـقيعِ،

فرزند علیّ مرتضی، شفاعت‌کننده فرزند شفاعت‌کننده، آنکه با زهر کشنده به شهادت رسید،

اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقيعِ، اَلْعٰالِمِ بِالْفَرٰآئِـضِ وَالسُّـنَنِ، صٰـاحِبِ

در سرزمین بقیع دفن گردید، دانا و آگاه به همهٔ واجبات و مستحبّات، دارندهٔ

الْجُودِ وَالْمِنَنِ، أَبي مُحَمَّدِنِ الْحَسَنِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ

جود و بخشش و احسان، (کنیه‌اش) ابو محمّد (و نام مبارکش) حسن (است). خداوندا؛ و درود فرست بر آن سرور

الزّٰاهِدِ، (وَ)الْإِمٰامِ الْعٰابِدِ، اَلرّٰاكِعِ السّٰاجِدِ، قَتيلِ الْكٰافِرِ الْجٰاحِدِ،

زاهد و پیشوای عابد، او که به حق برای خدا رکوع و سجده کرد، به دست کافری که منکر حق بود به شهادت رسید،

صٰاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْبَلاٰآءِ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلاٰآءَ، مَوْلَى الثَّقَلَيْنِ،

صاحب غم و اندوه و بلا، دفن‌شده در سرزمین کربلا، مولای دو جهان

أَبي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ أَبِي الْأَئِمَّةِ، وَسِـرٰاجِ

(حضرت) اباعبدالله امام حسین علیه‌السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر پدر امامان، و چراغ فروزان

الْأُمَّةِ، وَكٰاشِفِ الْغُمَّةِ، وَمُحْيِ السُّنَّةِ، وَوَلِيِّ النِّـعْمَةِ، وَسَـنِيِّ

اُمّت، و برطرف‌کنندهٔ غم و اندوه، و زنده‌کنندهٔ سنّت، و صاحب نعمت، و با

الْهِمَّةِ، وَرَفيعِ الرُّتْبَةِ، وَصٰاحِبِ النُّدْبَةِ، اَلْـمَدْفُونِ فـي أَرْضِ

همّت بلند، و مرتبهٔ والا، و دارندهٔ ندبه‌ها و ناله‌ها، دفن‌شده در سرزمین

طيبَةِ، زَيْنِ الْعٰابِدينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ قَمَرِ

پاک (مدینه)، زینت عبادت‌پیشه‌گان، (حضرت) علیّ بن الحسین علیهماالسلام. خداوندا؛ و درود فرست بر ماه

الْأَقْمٰارِ، وَنُورِ الْأَنْوٰارِ، وَسَيِّدِ الْأَبْرٰارِ، وَقٰآئِدِ الْأَخْيٰارِ، اَلْإِمٰـامِ

ماه‌رویان، و روشنی روشنی‌ها، و سرور نیکان، و رهبر خوبان، پیشوای

الْوَجيهِ، اَلْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبيهِ، اَلْحِبْرِ الْـمَلِيِّ عِـنْدَ الْـعَدُوِّ

آبرومند، دفن‌شده در کنار جدّ و پدرش، دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دشمن

وَالْوَلِيِّ، أَبي جَعْفَرِنِ الْبٰاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى

و دوست، ابو جعفر امام باقر (حضرت) محمّد بن علی علیهماالسلام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن

الصّادِقِ الصِّدّيقِ، اَلْعالِمِ الْوَثيقِ، اَلْحَليمِ الشَّفيقِ، اَلْهادي إِلَى

راستگفتار درست‌کردار، دانای مورد اطمینان، بردبار دلسوز، هدایتگر به

الطَّريقِ، ساقي شيعَتِهِ مِنَ الرَّحيقِ، وَمُبَلِّغِ أَعْدآئِهِ إِلَى الْحَريقِ،

راه مستقیم، سیراب‌کنندهٔ شیعیانش از شراب خالص، و رسانندهٔ دشمنانش به طرف آتش،

صاحِبِ الشَّرَفِ البَديعِ، وَالْفَضْلِ الْجَميعِ، اَلَّذي شُرِّفَتْ بِجَسَدِهِ

صاحب شرافتی عالی و فضیلتی جامع، (کسی) که با جسم

الطّاهِرِ أَرْضُ الْبَقيعِ، اَلْإِمامِ الْمُمَجَّدِ أَبي عَبْدِاللهِ جَعْفَرِ بْنِ

پاک او سرزمین بقیع شرافت یافت، پیشوای باعظمت (حضرت) ابا عبدالله جعفر بن

مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ الْكَريمِ، وَالْإِمامِ الْحَليمِ،

محمّد علیه‌السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر سرور بزرگوار، و پیشوای بردبار،

اَلصّابِرِ الْكَظيمِ، سَمِيِّ الْكَليمِ، قآئِدِ الْجَيْشِ، اَلْمَدْفُونِ بِمَقابِرِ

شکیبائی که خشم خود را فرو می‌نشانید، همنام موسای کلیم، زمامدار و سردار لشکر، دفن‌شده در مقبره‌های

قُرَيْشٍ، صاحِبِ الْمَحَلِّ الْأَنْوَرِ، وَالشَّرَفِ الْأَظْهَرِ، أَبي إِبْراهيمَ

قریش، دارای جایگاهی نورانی، و شرافتی درخشان، (حضرت) ابا ابراهیم

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الْإِمامِ الْمَعْصُومِ، وَالْغَريبِ

موسی بن جعفر علیه‌السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر امام معصوم، و غریب

الْمَظْلُومِ، وَالشَّهيدِ الْمَسْمُومِ، وَالْقَتيلِ الْمَرْحُومِ (الْمَحْرُومِ)،

ستمدیده، و شهید مسموم‌شده، و کشته‌شده‌ای که مورد رحمت واقع شده (از حقّ خود محروم گشته)،

وَالْعَليمِ الْمَكْتُومِ، وَالْبَدْرِ بَيْنَ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنيسِ

و دانائی که از اسرار نهان آگاه بود و دم نمی‌زد، و ماه درخشان در میان ستارگان، خورشید خورشیدها، و همدم

النُّفُوسِ، اَلْمَدْفُونِ في أَرْضِ طُوسٍ، اَلرَّضِيِّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّيِّدِ

جان‌ها، که پیکر پاکش در سرزمین طوس مدفون گردید، (او) مایهٔ خشنودی و پسندیده، سروری

الْمُجْتَبىٰ، وَالْإِمامِ الْمُرتَجىٰ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

برگزیده، و پیشوائی بود که همگان چشم امید به درگاهش داشته و دارند، (حضرت) ابا الحسن علیّ بن موسی

الرِّضٰا. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الْإِمٰامِ الْعٰالِمِ الْعٰامِلِ، وَالشُّجٰاعِ

الرضا عليه‌السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن دانای عمل‌کننده، و شجاع

الْكٰامِلِ، اَلْمَذْكُورِ فِي الْهِدٰايَةِ وَالرَّشٰادِ، جَوٰادِ الْأَجْوَدِ، اَلْآخِذِ

کامل، آنکه عهده‌دار هدایت و رهبری خلق، و در میان بخشنده‌ها بخشنده‌تر، دستگیر

مِنْ شيعَتِهِ بِالْأَعْضٰادِ عِنْدَ قِيٰامِ الْأَشْهٰادِ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدٰادَ،

شیعیانش در محشر و روز رستاخیز در حضور حاضران است، و پیکر پاکش در سرزمین بغداد مدفون گشت،

اَلْإِمٰامِ الْهٰاشِمِيِّ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ، اَلْمُلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ، اَلْمُكَنّٰى

آن پیشوای هاشمی‌نسب، و نور تابان از سلسلهٔ احمد، که لقب مبارکش تقی، و کنیه‌اش

بِاَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّنِ الْجَوٰادِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الْإِمٰامَيْنِ

ابا جعفر، (حضرت) محمّد بن علی امام جواد عليه‌السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر دو پیشوای

الْعٰالِمَيْنِ، اَلْأَعْلَمَيْنِ النَّقِيَّيْنِ، اَلسَّيِّدَيْنِ الْفٰاضِلَيْنِ الْحِبْرَيْنِ،

دانا، دو پرچم هدایت، دو مهتر سرور، دو فاضل دانشمند،

وٰارِثَيِ الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلَيِ الْحَرَمَيْنِ، كَهْفَيِ التُّقىٰ، وَذَخِيرَتَيِ

دو وارث مشعر و منی، و دو اهل مکّه و مدینه، دو اسطوانهٔ تقوا، و دو ذخیره

الْوَرىٰ، طَوْدَيِ النُّهىٰ، اَلْمَدْفُونَيْنِ بِسُرَّ مَنْ رَأىٰ، كٰافِيَ الْمِحَنِ،

برای روز نیاز مردم، دو کوه عقل و خرد، دو مدفون‌گشته در سامرّاء، دو کفایت‌کنندهٔ غم‌ها و غصّه‌ها،

أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَبِي مُحَمَّدِنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

(حضرت) ابا الحسن علیّ بن محمّد عليهما‌السلام و (حضرت) ابا محمّد حسن بن علی عليهما‌السلام.

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالْأُصُولِ (وَالصَّوْلَةِ)

خداوندا؛ و درود فرست بر صاحب دعوت نبوی، و حمله‌های

الْحَيْدَرِيَّةِ، وَالشُّهُبِ الْفٰاطِمِيَّةِ، وَالصَّلٰاةِ الْحَسَنِيَّةِ، وَالشُّجٰاعَةِ

حیدری، و درخشش فاطمی، و نیایش حسنی، و شجاعت

الْحُسَيْنِيَّةِ، وَالْعِبٰادَةِ السَّجّٰادِيَّةِ، وَالْمَاٰثِرِ الْبٰاقِرِيَّةِ، وَالْاٰثٰارِ

حسینی، و عبادت و پرستش سجّادی، و مفاخر باقری، و آثار

الْجَعْفَرِيَّةِ، وَالْعُلُومِ الْكاظِمِيَّةِ، وَالْحُجَجِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالشُّرُوحِ

جعفری، و علوم و دانش کاظمی، و حجّت‌ها و دلایل رضوی، و بیانات

الْجَوادِيَّةِ، وَالسِّيرَةِ الْهادِيَّةِ، وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ، اَلْقائِمِ بِالْحَقِّ،

جوادی، و سیره و روش هادی، و هیبت عسکری، آن قیام‌کنندهٔ به حقّ،

وَالدّاعي إِلَى الصِّدْقِ، كَلِمَةِ اللهِ، أَمانِ اللهِ، حُجَّةِ اللهِ، اَلْقائِمِ

و فراخوانندهٔ به صدق و راستی، نشانهٔ خدا، امان خدا، حجّت خدا، بپا دارندهٔ

بِالْقِسْطِ اللهِ، اَلذّابِّ عَنْ حَرَمِ اللهِ، اَلنّاصِرِ لِدينِ اللهِ، اَلْحُجَّةِ بْنِ

عدل و داد الهی، دفاع‌کننده از حریم پروردگار، یاری‌کنندهٔ دین خدا، (حضرت) حجّت فرزند

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ

امام حسن عسکری فرزند امام هادی فرزند امام جواد فرزند امام رضا فرزند امام کاظم فرزند امام صادق فرزند

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، أَخِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ،

امام باقر فرزند امام سجّاد فرزند امام حسین، (و او) برادر امام حسن فرزند (حضرت) علیّ بن ابی طالب است،

أَخي رَسُولِ اللهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبْدِالْمُطَّلِبِ بْنِ هاشِمٍ،

(و آن حضرت) برادر رسول خدا (حضرت) محمّد فرزند عبدالله فرزند عبدالمطّلب فرزند هاشم می‌باشد،

صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ. أَللّٰهُمَّ بِحَقِّهِمْ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ

درود و صلوات خداوند بر همهٔ آنان باد. خداوندا؛ به حقّ ایشان به درگاهت توسّل می‌جویم که بر آنان درود فرستی،

عَلَيْهِمْ، وَأَنْ تَرْحَمَ غُرْبَتي فِي الدُّنْيا، وَصَرْعَتي عِنْدَ الْمَوْتِ،

و رحم کنی بر غربت و تنهائی من در دنیا، و بر زمین افتادنم هنگام مرگ،

وَوَحْشَتي فِي الْقَبْرِ، وَذُلَّ مَقامي إِذا عَرَضْتُ عَلَيْكَ. أَللّٰهُمَّ لَكَ

و وحشتم در قبر، و ذلیلانه ایستادنم در پیشگاهت هنگامی که بر تو وارد گردم. خداوندا؛ تو را

الْحَمْدُ مِثْلَ ما حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَحَمِدَكَ بِهِ الْحامِدُونَ،

ستایش می‌کنم مانند آنچه به آن خود را ستوده‌ای، و ستایش‌کنندگان به آن تو را ستوده‌اند،

وَمَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ، وَعَظَّمَكَ بِهِ

و ثناگویان تو را به آن ثنا گفته‌اند، و بزرگ‌دارندگان تو را به آن بزرگ داشته‌اند، و

الْمُعَظِّمُونَ حَتّٰى يَكُونَ لَكَ مِنّي وَحْدي في كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وٰاصِلًا

تعظیم‌کنندگان تو را به آن تعظیم نموده‌اند تا آنکه برسد برای تو تنها از طرف من در هر چشم بهم زدنی

مِنْ حَمْدِكَ مِثْلَ حَمْدِ الْحٰامِدينَ، وَتَوْحيدِ أَصْنٰافِ الْمُخْلِصينَ،

از ستایش همهٔ ستایش‌کنندگان، و توحید همهٔ اهل اخلاص،

وَتَقْديسِ أَجْنٰاسِ الْعٰارِفينَ، وَثَنٰآءِ جَميعِ الْمُهَلِّلينَ، وَمِثْلَ مٰا

و تقدیس و منزّه دانستن همهٔ اهل عرفان، و ثناگوئی همهٔ تهلیل کنندگان یعنی «لا إله إلاّ الله» گویان، و مانند آنچه

أَنْتَ بِهِ عٰارِفٌ وَمَحْجُوبٌ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوٰانِ،

تو به آن عارف و آشنائی و از همهٔ آفریدگانت از زندگان محجوب و پنهان است،

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ في بَرَكَةِ مٰا أَنْطَقْتَني بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمٰا أَيْسَرَ مٰا

و با التماس از تو می‌خواهم در برکت دادن آنچه به آن زبانم را گویا ساختی از ستایشت، پس چه اندک است آنچه

كَلَّفْتَني مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مٰا وَعَدْتَني عَلىٰ شُكْرِكَ، إِبْتَدَأْتَني

مرا تکلیف نموده‌ای از حقّ خود، و چه عظیم و بسیار است آنچه مرا وعده فرموده‌ای بر شکرگزاریت، تو

بِالنِّعَمِ فَضْلًا وَطَوْلًا، وَأَمَرْتَني بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلًا، وَوَعَدْتَني

به لطف و احسان ابتدا کردی به نعمت‌ها، و به حقّ و عدل دستور دادی مرا به شکرگزاری، و وعده کردی

عَلَيْهِ أَضْعٰافاً وَمَزيداً، وَأَعْطَيْتَني مِنْ رَأْفَتِكَ وٰاسِعاً كَثيراً،

که بر آن بیفزائی و نعمتت را چند برابر کنی، و از روی مهربانی عطای بسیار به من نمودی،

وَسَأَلْتَني مِنْهُ يَسيراً صَغيراً، وَاصْطَفَيْتَ مُحَمَّداً بِأَعْظَمِ الشَّأْنِ،

و در مقابل از من درخواستی اندک و آسان فرمودی، و (حضرت) محمّد صلی الله علیه و آله را برای بزرگترین مأموریّت برگزیدی،

وَأَوْجَبْتَ بِهِ وَبِعِتْرَتِهِ الْأَمٰانَ، فَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لي

و به وجود او و عترت پاکش مردم را از امن و امان برخوردار ساختی، پس به حقّی که ایشان بر تو دارند از تو می‌خواهم که بیامرزی

مٰا لٰا يَسَعُهُ إِلّٰا مَغْفِرَتُكَ، وَلٰا يَلْحَقُهُ إِلّٰا عَفْوُكَ، فَلَيْسَ لِأَمْرِكَ

نسبت به من آنچه جز مغفرت و آمرزش تو آن را فراگیر نیست، و جز عفو و گذشت تو آن را ملحق نمی‌سازد، پس امر و فرمان تو را

مُدْفِعٌ، وَلٰا عَنْ قَضٰآئِكَ مُمْتَنِعٌ، فَبِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدٰآءِ،

هیچ دفع‌کننده‌ای، و حکم و خواسته‌ات را هیچ بازدارنده‌ای نیست، پس به وسیلهٔ تو بر دشمنان هجوم آورده و حمله می‌کنم،

وَمِنْكَ أَرْجُو وِلٰايَةَ الْأَحِبّٰآءِ، فَمٰا أَكْثَرَ مٰا أَوْلَيْتَ مِنْ عَوٰآئِدِ

و دوستی دوستان را از تو امید دارم، چه بسیار است آنچه احسان کرده‌ای از عطاهای

إِفْضٰالِكَ، وَأَعْطَيْتَ مِنْ أَلْوٰانِ إِرْفٰادِكَ، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، تَرَدَّيْتَ

فراوانت، و بخشیده‌ای از بخشش‌های گوناگونت، خدائی و معبودی جز تو نیست،

الْمَجْدَ بِالْعِزِّ، وَتَعَظَّمْتَ (تَغَطَّيْتَ) الْعِزَّ بِالْكِبْرِيٰآءِ، وَتَزَيَّنْتَ

جامهٔ بزرگی و شکوه پوشیدی به وسیلهٔ قدرت و اقتدار، و لباس عزّت به تن کردی به وسیلهٔ کبریائیت، و زینت

الْكِبْرِيٰآءَ بِالنُّورِ، وَتَغَشَّيْتَ النُّورَ بِالْبَهٰآءِ، وَتَجَلَّلْتَ الْبَهٰآءَ

کبریائی یافتی به وسیلهٔ نور، و پرده‌ای از نور بر خود افکندی به وسیلهٔ زیبائی، و جلالی از بهاء یافتی

بِالْمَهٰابَةِ، لَكَ الْمَنُّ الْبٰازِخُ، وَالسُّلْطٰانُ الشّٰامِخُ، وَالْجُودُ الْوٰاسِعُ،

به وسیلهٔ هیبت، منّت و نعمت بزرگ، و سلطنت شامخ و والا، و جود و بخشش گسترده از آن تو است،

إِذْ خَلَقْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً صَحِيحاً سَوِيّاً سٰالِماً مُعٰافاً، لَمْ تَشْغَلْنِي

که مرا شنوا، بینا، صحیح، معتدل (راست قامت)، استوار، سالم و باعافیت آفریدی، مرا با

فِي نُقْصٰانٍ مِنْ بَدَنِي، وَلَمْ تَمْنَعْ كَرٰامَتَكَ إِيّٰايَ، وَفَضْلَ مَنٰآئِحِكَ

کمبود و نقص بدنی مشغول نداشتی، و کرامت و بزرگواری، و بخشش‌های فراوانت را از من دریغ نفرمودی،

عَلَيَّ، إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ الدُّنْيٰا، وَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَعْقِلُ ءٰايٰاتِكَ،

چون دنیا را بر من فراخ گردانیدی، و برای من گوشی شنوا قرار دادی (تا بشنود) و در آیاتت اندیشه کند،

وَبَصَراً يَرىٰ قُدْرَتَكَ، وَفُؤٰاداً يَعْرِفُ، وَأَنَا بِفَضْلِكَ حٰامِدٌ لَكَ،

و دیده‌ای عنایت کردی تا قدرتت را بنگرد، و قلبی که بشناسد، و من به فضل و احسان تو ستایشگر توأم،

وَنَفْسِي شٰاكِرَةٌ بِحَقِّكَ، شٰاهِدَةٌ بِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ

و جان من به حقّ تو شکرگزار است، و گواه به اینکه تو زنده‌ای پیش از هر زنده، و زنده‌ای

بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ، وَحَيٌّ تَرِثُ الْأَحْيٰآءَ، لَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي فِي كُلِّ

پس از هر مرده، و زنده‌ای که از زندگان ارث می‌بری، هرگز خیرت را از من در هر

وَقْتٍ، وَلَمْ تُنْزِلْ فِيَّ عُقُوبٰاتِ النِّقَمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقٰائِقَ الْعِصَمِ،

وقت و زمانی نبریدی، و کیفر و انتقامت را بر من فرود نیاوردی، و حفظ و نگهداری‌های آشکار را بر من دگرگون ننمودی،

فَلَوْ لَمْ اُفَكِّرْ مِنْ إِحْسٰانِكَ إِلّا في عَـفْوِكَ عَـنّي، وَالْإِسْـتِجٰابَةِ

اگر از احسان و نیکی تو جز در عفو و چشم‌پوشی‌ات از من، و اجابت

لِدُعٰآئي حَتّى رَفَعْتُ رَأْسـي بِـتَوْحيدِكَ وَتَـمْجيدِكَ، وَإِلّا فـي

دعایم که به توحید تو و ثناگوئی تو مرا سربلند ساخته فکر نمی‌کردم، و جز در

تَقْديرِ حَظّي حينَ صَوَّرْتَني، فَأَحْسَنْتَ صُـورَتي فـي تَـقْديرِ

بهره‌ام هنگامی که صورت‌آفرینی کردی، و نقش مرا نیکو آفریدی نمی‌اندیشیدم،

رِزْقي، فَفي ذٰلِكَ مٰا يَشْغَلُ شُكْري عَلىٰ جَـهْدي، فَكَـيْفَ إِذٰا

همین کافی بود که از شکر تو ناتوان باشم، پس چگونه است زمانی که

فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظٰامِ الَّتي أَتَقَلَّبُ فيهٰا، وَلٰا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ

در آن غوطه‌ورم فکر کنم؟ که هرگز به شکر چیزی از آن نمی‌رسم.

مِنْهٰا. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ مٰا حَفِظَهُ عِلْمُكَ، وَأَحٰاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ،

پس سپاس و ستایش از آن توست به عدد آنچه حفظ کرده آن را علم تو، و احاطه دارد به آن قدرت تو،

وَوَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَتَمِّمْ إِحْسٰانَكَ فيمٰا

و فراگیر است آن را رحمت تو، پس درود فرست بر محمّد و آل او، و احسانت را در آنچه

بَقِيَ كَمٰا أَحْسَنْتَ فيمٰا مَضىٰ، فَإِنّي أَتَـوَسَّلُ إِلَـيْكَ بِـتَوْحيدِكَ

مانده کامل کن همان‌گونه که در گذشته احسان فرمودی، همانا من به درگاهت توسّل می‌جویم به واسطهٔ اعتقاد به یکتائیت،

وَتَمْجيدِكَ وَتَهْليلِكَ وَتَكْـبيرِكَ وَتَـعْظيمِكَ وَنُـورِكَ وَرَأْفَـتِكَ

و به ثناگوئی‌ات و نفی عبودیّت و الوهیّت از غیر تو، و به بزرگداشت و تعظیمت و نور و رأفتت،

وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّ وِقٰارِكَ وَجَـمٰالِكَ وَمَـنِّكَ وَكَـمٰالِكَ وجَـلٰالِكَ

و رحمتت و متانت والا و جمال و نعمت و کمال و بزرگی

وَسُلْطٰانِكَ وَقُدْرَتِكَ وَنَـبِيِّكَ مُـحَمَّدٍ وَعِـتْرَتِهِ الطّٰاهِرينَ، أَنْ

و سلطنت و قدرتت، و به پیامبرت و عترت پاک او که

لٰاتَحْرِمَني فَوٰائِدَكَ ومَوٰاهِبَكَ، فَإِنَّهُ لٰاتَعْتَريكَ لِكَثْرَةِ مٰا يَسَّرْتَ

مرا از عطایا و بخشش‌هایت محروم نگردانی، زیرا که بر تو به خاطر زیادی

مِنَ الْعَطٰايٰا عَوٰايِقُ الْبُخْلِ، وَلٰايَنْقُصُ جُودَكَ التَّقْصيرُ في شُكْرِ

عطا و بخشش بُخلی که بازدارنده است عارض نمی‌شود، و کوتاهی‌کردن در شکر نعمتت از جود تو نمی‌کاهد،

نِعْمَتِكَ، وَلٰاتُؤَثِّرُ في جُودِكَ الْعَظيمِ نِحَلُكَ الْـفٰآئِضَةُ الْـجَليلَةُ،

و در جود و بخشش عظیم تو عطای فراوان تو که به سوی خلق سرازیر است اثر نمی‌گذارد،

وَلٰاتَخٰافُ ضَيْمَ إِمْلٰاقٍ، فَوَسيلَتي إِلَيْكَ يٰا اَللّٰهُ التَّوْحيدُ، وَذَريعَتي

و تو هرگز از تنگدستی بیم نداری. خداوندا؛ وسیلهٔ من به سوی تو توحید، و دست‌آویز من

أَنّي لَمْ اُشْرِكْ بِكَ شَيْئاً، فَاغْفِرْلي مٰا بَيْنَهُمٰا، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شرک نورزیدن به تو است، پس آنچه بین این دو (از خطا و اشتباه) دارم بیامرز که تو بر هر چیزی

قَديرٌ. إِلٰهي مٰا في جِسْمي شَعْرَةٌ نٰابِتَةٌ إِلّٰا وَتَحْتَهٰا نِعْمَةٌ ثٰابِتَةٌ.

توانا هستی. خدای من؛ در جسم من موئی نروئیده مگر آنکه در زیر آن نعمتی ثابت است.

إِلٰهي أَنْتَ الْجَوٰادُ اللَّطيفُ وَأَنَا الْفَقيرُ الضَّعيفُ. إِلٰهي إِنَّ الْكَريمَ

معبودا؛ تو بخشنده و بسیار لطفکننده‌ای و من فقیر و ناتوانم. خدای من؛ همانا شخص کریم و بزرگواری

مِنّٰا لَيَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، فَكَيْفَ لٰاتَعْفُو عَمَّنْ لَمْ يَـظْلِمْكَ وَإِنَّـمٰا

که در میان ما هست از کسی که به او ستم کرده گذشت می‌کند، پس چگونه تو از کسی که به تو ستم ننموده، بلکه

ظَلَمَ نَفْسَهُ، وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمينَ بِالْعَفْوِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَلْهِمُكَ

به خویش ستم کرده گذشت نکنی؟ در حالی‌که تو از همهٔ اشخاص کریم سزاوارتری به عفو کردن. خداوندا؛ از تو می‌خواهم

حُسْنَ شُكْرِكَ، وَأَسْتَوْهِبُكَ بَسْطَ لِسٰاني فِي الْإِرْشٰادِ لِمٰادِحِكَ،

که شکرگزاری نیکویت را به من الهام کنی، و بازشدن زبانم را در مدح و ثنایت و راهنمائی ثناگویت مرحمت نمائی،

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ في تَسْديدي بِمٰا يَكْتَسِبُ مَزيدَكَ، وَأَعُـوذُ بِكَ

و ناله و زاری می‌کنم تا مرا یاری کنی و استوار سازی به آنچه باعث مزید لطف تو می‌گردد، و به تو پناه می‌برم

مِمّٰا يَسْتَدْعي حُلُولَ غَيْرِكَ، فَأَعِنّي عَلَى الدُّنْيٰا بِالْقَنٰاعَةِ، وَعَلَى

از آنچه فرامی‌خواند وارد شدن غیر تو را، پس مرا در امر دنیا به وسیلهٔ قناعت، و در

الدّينِ بِالْعِصْمَةِ وَالزَّهٰادَةِ، وَأَغْنِني بِالْإِفْتِقٰارِ إِلَيْكَ، وَلٰاتُفْقِرْ لي

امر دین به وسیلهٔ خودداری و زهد ورزیدن کمک کن، و مرا با نیازمندی به درگاهت بی‌نیاز، و با

بِالْإِسْتِغْنٰآءِ عَنْكَ، إِنَّمٰا أَمْرُكَ إِذٰا أَرَدْتَ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَـهُ كُـنْ

بی‌نیازی از خودت فقیر مگردان، همانا امر تو چنین است که هرگاه اراده کنی چیزی باشد

فَيَكُونُ، فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطٰاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عُـضْوٍ مِـنْ

می‌باشد، پس به رحمت خویش به اطاعتت بگو که در هر عضوی از

أَعْضٰآئِي، ثُمَّ لٰاتُفٰارِقْنِي حَتّٰى أَلْقٰاكَ، وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ

اعضای من وارد شود، سپس از من جدا نگردد تا تو را ملاقات نمایم، و به رحمتت به معصیت و نافرمانیت بگو

أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عُضْوٍ مِنْ أَعْضٰآئِي، ثُمَّ لٰاتَقْرَبَنِي حَتّٰى أَلْقٰاكَ،

که از هر عضوی از اعضای من خارج گردد، سپس به من نزدیک نشود تا تو را دیدار کنم،

وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيٰا، وَتُزَهِّدَنِي فِيهٰا، وَلٰاتَزْوِهٰا عَنِّي، وَتُرَغِّبَنِي

و از دنیا به من روزی کن ولی مرا در آن بی‌اعتنا گردان، و آن را از من دور مساز، در حالی که مرا

فِيهٰا، يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ، يٰا مَنْ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْهُ بُدٌّ وَلٰا

به آن مایل و مشتاق فرموده باشی، ای خدا ای بخشنده ای مهربان، ای کسی که برای کسی از او چاره‌ای نیست، و

لِأَحَدٍ عَنْهُ غِنًى، يٰا رٰازِقَ الْمُقِلِّينَ، وَيٰا رٰاحِمَ الْمَسٰاكِينَ، وَيٰا ذَا

برای کسی از او بی‌نیازی نیست، ای روزی‌دهندهٔ تهیدستان؛ و ای رحم‌کنندهٔ بینوایان؛ و ای دارای

الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يٰا إِلٰهَ الْمُؤْمِنِينَ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، صَلِّ عَلىٰ

نیروئی استوار؛ ای معبود معبودان؛ ای مهربانترین مهربانان؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَوَّلَ الْأَوَّلِـينَ وَآخِـرَ

محمّد و آل او درود فرست، و با من چنان کن که تو شایستهٔ آن هستی، ای پیش از هر ابتدا، و پس از

الْآخِرِينَ. أَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِي لِرَفْضِ الْبِدَعِ وَالرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ، وَوَفِّقْنِي

از هر انتهاء. خداوندا؛ بر ترک بدعت‌ها و آراء و عقاید ساختگی مرا موفّق فرما، و به آنچه

لِلَّتِي هِيَ أَذْكىٰ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَصِفُ وَلٰايُـوصَفُ، وَيَـعْلَمُ

پاکتر و پاکیزه‌تر است توفیق مرحمت کن. سپاس خداوندی را که وصف می‌کند و توصیف نمی‌شود، و آگاه است

وَلٰايُعْلَمُ، أَنْتَ صٰاحِبِي فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ دَخَلَتْ عَلَيَّ، وَلٰا أُنْكِرُ

و به او آگاهی داده نمی‌شود، تو در هر سختی که بر من وارد شود یار من هستی، و

فَضْلَكَ لِأَنَّكَ مُفَرِّجُ كُلِّ بَلْوىٰ، وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ تُدْعىٰ، وَلِكُلِّ

فضل و احسان تو را انکار نمی‌کنم؛ زیرا که تو برطرف‌کنندهٔ هر مصیبت و بلائی، و برای هر امر مهمّی خوانده می‌شوی، و برای هر

شَدِيدَةٍ تُرْجىٰ، وَإِلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ الْمُشْتَكىٰ، أَنْتَ الْمُرْتَجىٰ، فَمٰا

مشکلی به تو امید می‌رود، و به درگاه تو ـ ای مولای من؛ ـ شِکوه و شکایت است، تو مایهٔ امیدی، چه

أَكْبَرُ هَمّي إِنْ لَمْ تُفَرِّجْهُ، وَأَذَلَّ لِسٰاني إِنْ لَمْ تَبْسُطْهُ، وَأَخَفَّ

بسیار است اندوه من اگر برطرف نسازی آن را، و چه بسیار لغزش دارد زبان من اگر آن را نگشائی، و چه بسیار سبک است

ميزٰاني إِنْ لَمْ تُثَقِّلْهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَارْحَمْني. إِلٰهي مٰا

میزان اعمال من اگر آن را (با کرم خود) سنگین نگردانی، پس بر محمّد و آل او درود فرست و بر من رحم کن. خدای من؛ هرگاه

تَوَهَّمْتُ نِقْمَتَكَ إِلّٰا وَكٰانَتْ نِعْمَةُ عَفْوِكَ تَقْرَعُ مَسٰامِعي أَنْ قَدْ

به خیال انتقام تو افتادم نعمت عفو تو بر در گوشم نغمه زد که

غَفَرْتَ لي، فَصَدِّقْ يٰا مَوْلاٰيَ ظَنّي، وَكَذِّبْ خَوْفي، وَحَقِّقْ

می‌آمرزی مرا، پس مولای من؛ گمان مرا اثبات کن، و بیم و ترس مرا انکار نما، و

رَجٰآئي يٰا رَجٰآءَ الْمُؤْمِنينَ، يٰا غِيٰاثَ الْمُتَوَكِّلينَ، يٰا مُجيبَ

امیدم را تحقّق بخش ای امید اهل ایمان، ای فریادرس توکّل‌کنندگان، ای اجابت‌کنندهٔ

التَّوّٰابينَ، تُبْ عَلَيَّ يٰا اَللّٰهُ، يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحيمُ، يٰا رَبُّ يٰا مَلِكُ،

توبه‌کنندگان، توبهٔ مرا بپذیر ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای پروردگار؛ ای پادشاه؛

يٰا مُحيطُ يٰا قَديرُ، يٰا عَليمُ يٰا حَكيمُ، يٰا تَوّٰابُ يٰا وٰاسِعُ، يٰا

ای احاطه‌دارنده؛ ای توانا؛ ای دانا؛ ای حکیم؛ ای توبه‌پذیر؛ ای گسترانده؛ ای

بَديعُ يٰا سَميعُ، يٰا كٰافي يٰا رَؤُوفُ، يٰا شٰاكِرُ يٰا إِلٰهُ يٰا وٰاحِدُ، يٰا

پدیدآورنده؛ ای شنوا؛ ای کفایت‌کننده؛ ای رئوف؛ ای سپاسگزار، ای معبود، ای یگانه؛ ای

غَفُورُ يٰا حَليمُ، يٰا قٰابِضُ يٰا بٰاسِطُ، يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، يٰا عَلِيُّ يٰا

آمرزنده؛ ای بردبار؛ ای قبض‌کننده؛ ای بسط‌دهنده؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ ای بلندمرتبه؛ ای

عٰالي، يٰا عَظيمُ يٰا وَلِيُّ، يٰا غَنِيُّ يٰا حَميدُ، يٰا قٰآئِمُ يٰا وَهّٰابُ، يٰا

والامقام؛ ای باعظمت؛ ای سرپرست؛ ای بی‌نیاز؛ ای ستوده؛ ای بپادارنده؛ ای بخشنده؛ ای

سَرِيعَ الْحِسٰابِ، يٰا خَبِيرُ يٰا رَقِيبُ، يٰا حَسِيبُ يٰـا شَـهِيدُ، يٰـا

آنکه سریع به حساب مردم رسیدگی می‌کنی؛ ای آگاه؛ ای مراقب؛ ای حسابگر؛ ای حضوردارنده؛ ای

غَفُورُ يٰا مُغِيثُ، يٰا وَكِيلُ يٰا فٰاطِرُ، يٰا قٰاهِرُ يٰا قٰادِرُ، يٰا لَطِيفُ يٰا

بسیار آمرزنده؛ ای فریادرس؛ ای پشتیبان؛ ای به وجودآورنده؛ ای چیره‌شونده؛ ای توانا؛ ای لطف‌کننده؛ ای

حَكِيمُ، يٰا مُحْيِي يٰا مُمِيتُ، يٰا نِعْمَ الْمَوْلىٰ، يٰا نِعْمَ النَّصِيرِ، يٰا

حکیم؛ ای زنده‌کننده؛ ای میراننده؛ ای بهترین مولا؛ ای بهترین یاور؛ ای

حَفِيظُ يٰا قَرِيبُ، يٰا مُجِيبُ يٰا قَوِيُّ، يٰـا مَـجِيدُ يٰـا وَدُودُ، يٰـا

نگهدار؛ ای نزدیک؛ ای اجابت‌کننده؛ ای نیرومند؛ ای باشکوه؛ ای دوست‌دارنده؛ ای

مُسْتَعٰانُ يٰا غٰالِبُ، يٰا قٰاهِرُ يٰا كَبِيرُ، يٰا مُتَعٰالِي يٰا مَنّٰانُ، يٰا خٰالِقُ

مددکار؛ ای غلبه‌کننده؛ ای چیره‌شونده؛ ای بزرگ؛ ای بلندمرتبه؛ ای نعمت‌دهنده؛ ای هستی‌بخش؛

يٰا صٰادِقُ، يٰا وٰارِثُ يٰا غٰافِرُ، يٰا كَرِيمُ يٰا بٰاعِثُ، يٰـا حَـقُّ يٰـا

ای راست‌گفتار؛ ای ارث‌برنده؛ ای آمرزنده؛ ای بزرگوار؛ ای برانگیزنده؛ ای حقّ؛ ای

مُبِينُ، يٰا نُورُ يٰا هٰادِي، يٰا فٰاتِحُ يٰا شَكُورُ، يٰا غٰافِرَ الذَّنْبِ، يٰا

آشکار؛ ای روشنی‌بخش؛ ای هدایتگر؛ ای گشاینده؛ ای جزادهنده؛ ای آمرزندهٔ گناه؛ ای

قٰابِلَ التَّوْبِ، يٰا شَدِيدَ الْعِقٰابِ، يٰا ذَا الطَّوْلِ، يٰا رٰازِقُ، يٰـا ذَا

پذیرندهٔ توبه؛ ای سخت‌کیفر؛ ای صاحب لطف و احسان؛ ای روزی‌دهنده؛ ای صاحب

الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يٰا بَرُّ يٰا مَلِيكُ، يٰا مُقْتَدِرُ يٰا بٰاقِي، يٰا ذَا الْـجَلٰالِ

نیروی استوار؛ ای نیکوکار؛ ای دارندهٔ ملک و هستی، ای مقتدر؛ ای ماندگار؛ ای صاحب بزرگی

وَالْإِكْرٰامِ، يٰا أَوَّلُ يٰا اٰخِرُ، يٰا ظٰاهِرُ يٰا بٰاطِنُ، يٰا قُدُّوسُ يٰا سَلٰامُ،

و بزرگواری؛ ای اوّل بدون ابتدا؛ ای آخر بدون انتها؛ ای آشکار؛ ای پنهان؛ ای در نهایت پاکی؛ ای بی‌عیب؛

يٰا مُؤْمِنُ يٰا مُهَيْمِنُ، يٰا عَزِيزُ يٰا جَبّٰارُ، يٰا مُتَكَبِّرُ يٰا خٰالِقُ، يٰـا

ای ایمنی‌بخش؛ ای نگهبان؛ ای شکست‌ناپذیر؛ ای قدرتمند؛ ای بزرگ‌مرتبه؛ ای آفریننده؛ ای

بٰارِئُ يٰا مُصَوِّرُ، يٰا ذَا الْمَعٰارِجِ، يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعِيدُ، يٰا أَعْلٰى يٰا

ایجادکننده؛ ای صورت‌آفرین؛ ای صاحب درجات؛ ای آغازگر؛ ای بازگرداننده؛ ای برتر؛ ای

أَكْرَمُ، يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ، يٰا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَـهُ

گرامی‌تر؛ ای یکتا؛ ای به خود پاینده و بی‌نیاز؛ ای آنکه نه زاید و نه زاده است و هیچ‌کس

كُفُواً أَحَدٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَافْعَلْ

همتای او نبوده است؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست و در فرج ایشان تعجیل فرما، و چنان کن

بِنٰا مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَللّٰهُ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ

با ما که تو شایستهٔ آن هستی، ای خداوند؛ ای مهربانترین مهربانان؛ و هیچ حرکت و جنبش و نیروئی

إِلّٰا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ طَيِّبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِنِ

جز به سبب خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ نیست، و درود خدا بر پاکترین فرستاده‌شدگان (حضرت) محمّد

الْمُصْطَفىٰ، وَعَلىٰ أَخِيهِ عَلِيِّنِ الْمُرْتَضىٰ، وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِمَا الطّٰاهِرِينَ،

مصطفی، و بر برادرش علیّ مرتضی، و بر ذرّیّهٔ پاک این دو بزرگوار

اٰمِينَ يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ.[1]

به اجابت برسان ای پروردگار جهانیان.

۸

دعای هشتم

دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری

هنگامی که زائر، نائب از طرف شخص دیگری است، بعد از زیارت **حضرت امام رضا** علیه‌السلام یا سایر ائمّه علیهم‌السلام این دعا را بخواند:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ فُلٰانَ بْنَ فُلٰانٍ أَوْفَدَنِي إِلىٰ مَوٰالِيهِ وَمَـوٰالِـيَّ لِأَزُورَ

خداوندا؛ همانا ـ فلانی پسر فلانی ـ مرا به سوی سرورانش و سرورانم روانه ساخته تا از طرف او زیارت

عَنْهُ، رَجٰآءً لِجَزٰيلِ الثَّوٰابِ، وَفِرٰاراً مِنْ سُوٓءِ الْحِسٰابِ. أَللّٰـهُمَّ

کنم، به امید ثواب فراوان، و گریز از بدی حساب. خداوندا؛

۱. كتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۴۰.

إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيٰآئِكَ، اَلدّٰالّينَ عَلَيْكَ، في غُفْرٰانِكَ ذُنُوبَهُ،

او به وسیلهٔ اولیای تو که دلیل و راهنمای بر توأند به سوی تو روی آورده تا گناهانش را بیامرزی،

وَحَطِّ سَيِّئٰاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ، عِنْدَ مَشْهَدِ إِمٰامِهِ صَلَوٰاتُ

و بار گناه او را فروریزی، و به واسطهٔ آن‌ها در زیارتگاه و محلّ شهود امامش ـ که درود

اللهِ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَاقْبَلْ شَفٰاعَةَ أَوْلِيٰآئِهِ صَلَوٰاتُ اللهِ

خدا بر او باد ـ به سوی تو توسّل می‌جوید. خداوندا؛ از او بپذیر، و شفاعت اولیائش را ـ که درود خدا

عَلَيْهِمْ فيهِ. أَللّٰهُمَّ جٰازَهُ عَلىٰ حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصَحيحِ عَقيدَتِهِ،

بر آنان باد ـ در مورد او قبول کن. خداوندا؛ بر نیّت نیکو، و عقیدهٔ صحیح،

وَصِحَّةِ مُوٰالاٰتِهِ، أَحْسَنَ مٰا جٰازَيْتَ أَحَداً مِنْ عُبَيْدِكَ الْمُؤْمِنينَ،

و درستی ارادتش به او پاداش بده، بهتر از آنچه به یکی از بندگان مؤمنت پاداش داده‌ای،

وَأَدِمْ لَهُ مٰا خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمِلْهُ صٰالِحاً فيمٰا اٰتَيْتَهُ، وَلاٰتَجْعَلْني

و آنچه به او عطا کرده‌ای برایش همیشگی و پایدار گردان، و لطفی کن که آنچه را به او عطا کرده‌ای در کارهای شایسته به کار

اٰخِرَ وٰافِدٍ لَهُ يُوفِدُهُ. أَللّٰهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النّٰارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ

گیرد، و مرا آخرین فرستاده‌ای که او فرستاده قرار مده. خداوندا؛ او را از آتش رهایی بخش، و

مِنْ رِزْقِكَ الْحَلاٰلِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقٰآءِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

روزی حلال پاک خود را بر او فراخ گردان، و او را از یاران و همراهان محمّد و آل محمّد قرار بده،

وَبٰارِكْ لَهُ في وَلَدِهِ، وَمٰالِهِ وَأَهْلِهِ وَمٰا مَلَّكْتَ يَمينَهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ

و در فرزند و مال و خاندان و آنچه را مالک است و در اختیار اوست برکت بده. خداوندا؛

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعٰاصيكَ، حَتّٰى

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و میان او و لغزش‌ها و نافرمانی‌هایت فاصله بینداز، تا

لاٰيُعْصيكَ، وَأَعِنْهُ عَلىٰ طٰاعَتِكَ وَطٰاعَةِ أَوْلِيٰآئِكَ، حَتّٰى لاٰتَفْقُدُهُ

تو را نافرمانی نکند، و بر اطاعت خود و اطاعت اولیائت یاریش فرما، تا

حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلاٰتَرٰاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

آنجا که امر فرموده‌ای وجودش ناپیدا نباشد، و آنجا که نهی نموده‌ای او را نبینی. خداوندا؛ بر محمّد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَميعِ الْـمُؤْمِنينَ

محمّد درود فرست، و او را بیامرز و او را رحمت کن، و او و همهٔ مردان

وَالْمُؤْمِناتِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْهُ مِـنْ

و زنان مؤمن را مورد عفو و گذشت خویش قرار بده. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و او را پناه بده از

هَوْلِ الْمُطَّلِعِ، وَمِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ

ترس آخرت، و از هراس روز قیامت و بدی بازگشت، و از تاریکی

الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَواقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. أَللّٰهُمَّ

قبر و وحشت آن، و از جایگاههای خواری در دنیا و آخرت. خداوندا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جائِزَتَهُ في مَوْقِفي هٰـذا

بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و جائزه و پاداش او را در این موقف من (که نایب او هستم)

غُفْرانَكَ، وَتُحْفَتَهُ في مَقامي هٰذا عِنْدَ إِمامي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ أَنْ

آمرزشت، و هدیهٔ او را در این موقعیّت و منزلتی که نزد امامم ـ درود خدا بر او باد ـ دارم

تُقيلَ عَثْرَتَهُ، وَتُقْبِلَ مَعْذِرَتَهُ، وَتَتَجاوَزَ عَنْ خَطيـئَتِهِ، وَتَجْعَلَ

چشم‌پوشی از لغزش‌هایش قرار بده، و عذرخواهی او را بپذیر، و از خطایش بگذر،

التَّقْوىٰ زادَهُ، وَما عِنْدَكَ خَيْراً لَهُ في مَعادِهِ، وَتَحْشُرُهُ في زُمْرَةِ

و زاد و توشه‌اش را تقوا، و آنچه نزد تو دارد خیر و خوبی قرار بده برای معاد و آخرتش، و او را در زمره و گروه

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلِوالِدَيْهِ، فَإِنَّكَ خَـيْرُ مَـرْغُوبٍ

محمّد و آل محمّد محشور فرما، و او و پدر و مادرش را بیامرز، که تو بهترین کسی هستی که به درگاهت زاری

إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ مَسْئُولٍ اعْتَمَدَ الْعِبادُ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ وَلِكُـلِّ مَـوْفِدٍ

و التماس کنند، و بزرگوارترین کسی هستی که بندگان بر او اعتماد کنند و از او درخواست نمایند. خداوندا؛ هر واردشونده‌ای را

جائِزَةٌ، وَلِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةٌ، فَاجْعَلْ جـائِزَتَهُ فـي مَـوْقِفي هٰـذا

پاداشی، و هر زائری را کرامتی است، پس پاداش او را در این جایگاه من ـ که نایبش هستم ـ

غُفْرانَكَ، وَالْجَنَّةَ لَهُ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ. أَللّٰهُمَّ وَأَنَا

آمرزشت، و بهشت برای او و برای همهٔ مردان و زنان مؤمن قرار بده. خداوندا؛ من

عَبْدُكَ الْخاطِئُ الْمُذْنِبُ، اَلْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَأَسْأَلُكَ يـا اَللّٰهُ بِـحَقِّ

بندهٔ خطاکار و گنه‌کار توأم، که به گناه خود اقرار دارد، پس از تو می‌خواهم - ای خدا؛ - به حقّ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لاتُحْرِمَني بَعْدَ ذٰلِكَ الْأَجْرَ وَالثَّوابَ، مِنْ

محمّد و آل محمّد که پس از هر اجر و پاداشی که به او می‌دهی، مرا هم از

فَضْلِ عَطٰآئِكَ وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

زیادتی عطایت و تفضّل و بخشش کریمانه‌ات محروم مگردانی.

سپس در کنار ضریح رو به قبله دست‌هایت را به سوی آسمان بالا ببر و بگو:

يٰا مَوْلاٰيَ يٰا إِمٰامي عَبْدُكَ ـ فُلاٰنُ بْنُ فُلاٰنٍ ـ أَوْفَـدَني زٰآئِـراً

ای مولای من؛ ای امام من؛ بندهٔ تو - فلانی پسر فلانی - مرا برای زیارت

لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذٰلِكَ، وَإِلٰى رَسُولِهِ وَإِلَيْكَ،

مزار پاکت روانه ساخته و فرستاده است، به وسیلهٔ آن می‌خواهد به درگاه خدای عزیز والا و پیشگاه رسول او و شما تقرّب جوید،

يَرْجُو بِذٰلِكَ فَكٰاكَ رَقَبَتِهِ مِنَ النّٰارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاغْفِرْ لَهُ وَلِجَميعِ

امید دارد که از آتش دوزخ که کیفر او است رهائی یابد، پس او و همهٔ

الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا

مردان و زنان مؤمن را بیامرز، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای

اَللّٰهُ، لاٰ إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لاٰ إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ،

خدا؛ خدایی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، معبودی جز خدای بلندمرتبهٔ باعظمت نیست،

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجيبَ لي فيهِ

از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و به اجابت برسانی دعاهایم را در مورد او

وَفي جَميعِ إِخْوٰاني وَأَخَوٰاتي وَوُلْدي وَأَهْلي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و همهٔ برادرانم و خواهرانم و فرزندانم و اهل و عیالم به جود و کرمت،

يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. بحار الأنوار: ۲۵۶/۱۰۲، و در کتابٌ في الزيارات والأدعية (مخطوط): ۶۵ با تفاوت نقل شده است.

بدیهی است در این عصر و زمان، هیچ مشکلی به پایهٔ مشکل غیبت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه نمی‌رسد. سزاوار است زائرین گرامی در حرم مطهّر **حضرت امام رضا** علیه‌السلام و نیز مکان‌های دیگر، **از دعا نمودن برای هرچه زودتر فرارسیدن ظهور امام عصر** عجّل الله تعالی فرجه **غفلت نکنند**.

و نیز خواندن زیارت امام زمان ارواحنا فداه در حرم **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ که در آخر «بخش زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام» نقل کردیم ـ و همچنین خواندن زیارت آل یس، دعای ایّام غیبت ـ که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام امر به خواندن آن نموده‌اند ـ، دعای معرفت، دعای عهد و هر یک از ادعیه و زیارت‌های امام عصر عجّل الله تعالی فرجه که با حال و توجّه خواننده مناسب است، بسیار سزاوار و پسندیده است.

بخش بیست و هشتم

هشت زیارت
از زیارت‌های جامعه

در این بخش، هشت زیارت از زیارت‌های جامعه [1] را نقل می‌کنیم:[2]

۱
زیارت «امین الله»

زیارت «امین الله» از زیارات جامعه است؛ یعنی آن را در حرم‌های مطهّر همهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام می‌توان خواند، همان‌گونه که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در جریان تشرّف مرحوم حاج علی بغدادی این زیارت را در حرم کاظمین علیهماالسلام خواندند.

روایتی که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده در این باره صراحت دارد، و روایتی که جابر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده ـ و آن را در اوّل «بخش زیارت‌های وداعیّه» نقل می‌کنیم ـ نیز دلیل قاطعی بر جامعه بودن «زیارت امین الله» است.

مرحوم محدّث قمی می‌گوید: زیارتی که به «امین الله» معروف شده، زیارت معتبری است که در همهٔ کتاب‌های مزار و مصابیح نقل شده است، علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله

---

۱. مقصود از زیارت‌های جامعه، زیارت‌هایی است که می‌توان به وسیلهٔ آن‌ها همهٔ ائمّه علیهم‌السلام را زیارت نمود.

۲. زیارت رجبیّه نیز از زیارت‌های جامعه است ولی چون مخصوص به ماه رجب می‌باشد در «بخش یازدهم: هشت ماه و اعمال عبادی آن‌ها» آوردیم، و نیز دو زیارت جامعهٔ دیگر و یک زیارت وداعیّه که از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده و مناسب با «بخش سی‌ام» کتاب است در آن بخش می‌آوریم.

در مورد این زیارت می‌فرماید: این زیارت، بهترین زیارت از جهت متن و سند است، و بایستی که در همهٔ روضه‌های مقدّسه به خواندن این زیارت مواظبت شود.

این زیارت به**سندهای معتبر** از جابر، از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت شده است، که آن حضرت فرمود:

امام زین العابدین علیه‌السلام کنار قبر مطهّر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ایستاد و گریست و در زیارت آن حضرت چنین گفت:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمينَ اللهِ في أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبٰادِهِ،

سلام بر تو ای امین خدا و مورد اعتماد او در زمینش، و حجّت او بر بندگانش،

(اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَميرَالْمُؤْمِنينَ) [1]، أَشْهَدُ أَنَّكَ جٰاهَدْتَ فِي

(سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان)، گواهی می‌دهم که تو در راه

اللهِ حَقَّ جِهٰادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتٰابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ

خدا آنگونه که شایسته است جهاد کردی، و به کتاب او عمل نمودی، و از سنّت‌های پیامبرش ـ که درود خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، حَتّٰى دَعٰاكَ اللهُ إِلىٰ جِوٰارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيٰارِهِ،

بر او و آل او باد ـ پیروی کردی تا آنکه خداوند تو را به جوار رحمت خود فرا خواند، پس به اختیار خود به سوی خویش برد،

وَأَلْزَمَ أَعْدٰآءَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ مٰا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبٰالِغَةِ عَلىٰ

و حجّت را بر دشمنانت ثابت کرد و تمام گردانید، با آنکه تو دلائل رسایی بر

جَميعِ خَلْقِهِ. أَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، رٰاضِيَةً

تمام آفریدگانش داشتی. خداوندا؛ قرار بده نَفس و جان مرا به مقدّرات خود مطمئن، و

بِقَضٰائِكَ، مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعٰائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيٰائِكَ،

به قضا و حکم خویش راضی و خشنود، دلباخته و بی‌قرار ذکر و دعایت، دوست‌دارندهٔ اولیاء برگزیده‌ات،

مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمٰآئِكَ، صٰابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلآئِكَ، شٰاكِرَةً

محبوب در زمینت و آسمانت، شکیبا بر فرو فرستادن بلایت، شکرگزار

لِفَوٰاضِلِ نَعْمٰآئِكَ، ذٰاكِرَةً لِسَوٰابِغِ اٰلآئِكَ، مُشْتٰاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ

نعمت‌های افزونت، یادآور الطاف فراوانت، مشتاق دیدار مسرّت‌بخشت،

۱. این فقره از زیارت؛ در حرم امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام خوانده شود.

لِقٰآئِكَ، مُتَزَوِّدَةَ التَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزٰآئِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيٰآئِكَ،

اندوخته‌کنندهٔ توشهٔ تقوا برای روز جزا و پاداشت، پویندهٔ راه و روش اولیائت،

مُفٰارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدٰآئِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيٰا بِحَمْدِكَ وَثَنٰآئِكَ.

فاصله‌گیرنده از خُلق و خوی دشمنانت، مشغول‌گشته از دنیا به حمد و ثنای خودت.

آنگاه گونهٔ مبارک خود را بر قبر مطهّر نهاد و گفت:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وٰالِهَةٌ، وَسُبُلَ الرّٰاغِبِينَ إِلَيْكَ

خداوندا؛ همانا دل‌های خاشعان و فروتنی‌کنندگان به پیشگاه تو واله و شیدا است، و راه‌های مشتاقان به سوی تو

شٰارِعَةٌ، وَأَعْلامَ الْقٰاصِدِينَ إِلَيْكَ وٰاضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ الْعٰارِفِينَ

باز و نمایان است، و نشانه‌ها برای آن‌ها که آهنگ تو کرده‌اند روشن و آشکار است، و قلوب اهل معرفت

مِنْكَ فٰازِعَةٌ، وَأَصْوٰاتَ الدّٰاعِينَ إِلَيْكَ صٰاعِدَةٌ، وَأَبْوٰابَ الْإِجٰابَةِ

از تو در هراس است، و صداها و ناله‌های دعاکنندگان به سوی تو بالارونده، و درهای اجابت

لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ نٰاجٰاكَ مُسْتَجٰابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنٰابَ إِلَيْكَ

به روی آنان گشوده است، و دعای کسی که با تو نجوا کرده و راز و نیاز می‌کند مستجاب، و توبهٔ کسی که به سوی تو بازگشت نموده

مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكىٰ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغٰاثَةَ لِمَنِ

پذیرفته شده، و اشک گریه‌کننده که از ترس تو روان گشته مورد رحمت قرار گرفته، و فریادرسی برای آن‌که به پیشگاه تو

اسْتَغٰاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعٰانَةَ لِمَنِ اسْتَعٰانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ،

استغاثه کند موجود است، و کمک و یاری برای کسی که از تو مدد بخواهد بخشیده شده است،

وَعِدٰاتِكَ لِعِبٰادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقٰالَكَ مُقٰالَةٌ، وَأَعْمٰالَ

و وعده‌هایت برای بندگانت قطعی و انجام شده است، و لغزش کسی که از تو طلب چشم‌پوشی کند پوشیده شده است، و عمل‌های

الْعٰامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزٰاقَكَ إِلَى الْخَلآئِقِ مِنْ لَدُنْكَ

آنانکه عملی انجام داده‌اند نزد تو نگهداری شده، و روزی‌های تو به سوی (همهٔ) آفریدگانت از ناحیهٔ تو

نٰازِلَةٌ، وَعَوٰآئِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وٰاصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

سرازیر است، و بخشش‌ها و بهره‌های زیاد به ایشان عطاکننده‌ای، و گناهان استغفارکنندگان

مَغْفُورَةٌ، وَحَوٰآئِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوٰآئِزَ السّٰآئِلِينَ عِنْدَكَ

و آمرزش طلبان آمرزیده شده، و حاجت‌های آفریدگانت نزد تو برآورده شده است، و پاداش درخواست‌کنندگان نزد تو

مُوَفَّرَةٌ، وَعَوٰآئِدَ الْمَزِيدِ مُتَوٰاتِرَةٌ، وَمَوٰآئِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ،

فراوان است، و عطاها و نیکی‌ها پیاپی، و سفره‌ها برای آن‌ها که طعام خواهند فراهم،

وَمَنٰاهِلَ الظِّمٰآءِ مُتْرَعَةٌ. أَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعٰآئِي، وَاقْبَلْ ثَنٰآئِي،

و آبشخورها برای تشنگان پرآب است. خداوندا؛ دعایم را به اجابت برسان، و مدح و ثنایم را بپذیر،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيٰآئِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفٰاطِمَةَ

و مرا و سرورانم را گردهم آور، به حقّ (حضرت) محمّد و علی و فاطمه

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمٰآئِي، وَمُنْتَهىٰ مُنٰايَ، وَغٰايَةُ

و حسن و حسین علیهم‌السلام که تو صاحب نعمت‌های من، و منتهای آرزوی من، و نهایت

رَجٰآئِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوٰايَ.

امید من در دنیای من و آخرت من هستی.

در کتاب «کامل الزیارات» بعد از این زیارت، این فقرات را نیز آورده است:

أَنْتَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلٰايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيٰآئِنٰا، وَكُفَّ عَنّٰا أَعْدٰآئَنٰا،

تو خدای من و سرور من و مولای من هستی، دوستان ما را بیامرز، و دشمنان ما را از ما بازبدار،

وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذٰانٰا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيٰا، وَأَدْحِضْ

و آنان را از اذیّت و آزار ما (به کار دیگری) وادار، و پرچم حقّ را آشکار ساز و آن را بالا ببر، و

كَلِمَةَ الْبٰاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلىٰ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پرچم باطل را متزلزل کن و آن را پائین آور، که تو بر هر چیز توانا هستی.

حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود:

هر کس از شیعیان ما، این زیارت و دعا را کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام یا قبر یکی از ائمّه علیهم‌السلام بخواند، خدای متعال آن را در نامه‌ای از نور بالا می‌برد، و مهر حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بر آن می‌زنند، و آن نامه را نگه می‌دارند

تا به قائم آل محمّد علیهم‌السلام **تسلیم نمایند**، و آن نامه با بشارت و تحیّت و کرامت به استقبال صاحبش می‌آید ان شاء الله تعالی.[1]

۲

زیارت جامعهٔ کبیره

شیخ صدوق رحمه‌الله در کتاب «من لایحضره الفقیه» و «عیون اخبار الرضا علیه‌السلام» چنین روایت می‌کند:

موسی نخعی می‌گوید: به حضرت امام هادی علیه‌السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ مرا زیارتی با بلاغت و کامل تعلیم فرما، که هر گاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بخوانم.

حضرت فرمود:

هر گاه خواستی یکی از ما را زیارت کنی غسل کن، و چون به آستانهٔ حرم یکی از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که خدایی جز خداوند نیست، او یگانه است و شریکی برایش نیست، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ بندهٔ او و فرستادهٔ اوست.

وقتی وارد شدی و قبر را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ**، اندکی با آرامش روح و جسم قدم بردار، و گام‌ها را نزدیک یکدیگر بگذار، آن‌گاه بایست و سی مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ**، سپس نزدیک شو و چهل مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ** که در مجموع صد تکبیر می‌شود، آن‌گاه بگو:

---

۱. مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهجّد: ۷۳۸، بحار الأنوار: ۲۶۶/۱۰۰، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با اندکی تفاوت، بحار الأنوار: ۱۷۶/۱۰۲.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و جایگاه رسالت الهی، و محلّ رفت و آمد

الْمَلآئِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزّانَ الْعِلْمِ،

فرشتگان، و جایگاه فرودآمدن وحی و پیام خداوند، و معدن رحمت و خزانه‌داران علم و دانش،

وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَاُصُولَ الْكَرَمِ، وَقادَةَ الْاُمَمِ، وَأَوْلِيآءَ النِّعَمِ،

و نهایت و پایان حلم و بردباری، و اساس و ریشه‌های بزرگواری، و فرماندهان و پیشوایان امّت‌ها، و صاحبان و اختیارداران نعمت‌ها،

وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَدَعائِمَ الْأَخْيارِ، وَ ساسَةَ الْعِبادِ، وَأَرْكانَ

و اصل و اساس آفرینش نیکوکاران، و پایه‌ها و مایهٔ قوام خوبان، و مدبّران و مصلحت‌اندیشان امور بندگان، و نگهدارنده و مایهٔ

الْبِلادِ، وَأَبْوابَ الْإيمانِ، وَاُمَنآءَ الرَّحْمانِ، وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ،

استواری شهرها، و درها و محل‌های ورود به دائرهٔ ایمان، و امینان خداوند رحمان، و فرزندان و نسل بابرکت پیامبران،

وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ

و خلاصه و گزیدهٔ رسولان، و عترت و خاندان بهترین برگزیدهٔ پروردگار جهانیان، و رحمت خدا

وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَمَصابيحِ الدُّجىٰ، وَأَعْلامِ

و برکات او (بر شما باد). سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغ‌های فروزان در تاریکی‌ها، و علامت‌ها و نشانه‌های

التُّقىٰ، وَذَوِي النُّهىٰ، وَاُولِي الْحِجىٰ، وَكَهْفِ الْوَرىٰ، وَوَرَثَةِ

تقوا، و دارندگان خرد و اندیشه، و صاحبان عقل و ذکاوت، و پناهگاه مردم، و ارث‌برندگان

الْأَنْبِيآءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنىٰ، وَحُجَجِ اللهِ عَلىٰ

از پیامبران، و نمونهٔ اعلی و برتر، و نیکوترین دعوت‌کنندگان، و حجّت‌های خداوند بر

أَهْلِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَالْاُولىٰ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ

اهل دنیا و آخرت و پیشینیان، و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد. سلام

عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ، وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ،

بر محلّ‌های معرفت و شناخت خداوند، و منزلگاه‌های برکت خدا، و معدن‌های حکمت خداوند،

وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ، وَأَوْصِيآءِ نَبِيِّ اللهِ، وَذُرِّيَّةِ

و حافظان سرّ خداوند، و دربردارندگان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا، و فرزندان

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ

رسول خدا که درود خدا بر او و آل او، و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد. سلام

عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللهِ، وَالْأَدِلّآءِ عَلىٰ مَرْضاتِ اللهِ، وَالْمُسْتَقِرّينَ

بر فراخوانان مردم به سوی خداوند، و راهنمایان بر آنچه رضا و خشنودی خداست، و آنان‌که ثابت و استوارند

في أَمْرِ اللهِ، وَالتّامّينَ في مَحَبَّةِ اللهِ، وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ

در امتثال فرمان خدا، و کاملند در دوستی خدا، و خالصند در توحید و یگانه‌پرستی

اللهِ، وَالْمُظْهِرينَ لِأَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ، اَلَّذينَ

خدا، و آشکارکنندهٔ امر و نهی خداوندند، و بندگان گرامی اویند، که

لايَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

با گفتار بر او پیشی نمی‌گیرند و به امر و فرمان او عمل می‌کنند، و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ، وَالْقادَةِ الْهُداةِ، وَالسّادَةِ الْوُلاةِ،

سلام بر امامانی که دعوت‌کنندهٔ مردم به سوی خدایند، و زمامداران هدایتگرند، و سرورانی هستند که عهده‌دار امورند،

وَالذّادَةِ الْحُماةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ،

و دفاع‌کننده و حمایتگرند، و اهل ذکر و متصدّی امورند، و بازماندهٔ خدا و برگزیدهٔ او،

وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهانِهِ،

و حزب و گروه او، و گنجینهٔ علم او، و حجّت او و راه او، و نور او و دلیل و برهان آشکارش می‌باشند،

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ

و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد. گواهی می‌دهم که جز خدا معبودی نیست، او یکتا است و شریکی

لَهُ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ

برایش نمی‌باشد، همان‌طور که خداوند برای خودش گواهی داده، و فرشتگانش و صاحبان علم و دانش از

خَلْقِهِ، لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

میان آفریدگانش برای او گواهی داده‌اند، خدایی جز او که عزیز و حکیم است وجود ندارد، و گواهی می‌دهم که حضرت محمّد بندهٔ

الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَدينِ الْحَقِّ،

برگزیده، و فرستادهٔ مورد پسند او است، او را به هدایت و دین حق فرستاده است؛

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْـمُشْرِكُونَ. وَأَشْـهَدُ أَنَّكُـمُ

تا بر تمام ادیان چیره گرداند گرچه خوش‌آیند مشرکان نباشد. و گواهی می‌دهم که شما

الْأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، اَلْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ، اَلْمُقَرَّبُونَ

پیشوایانی هدایتگر به راه صحیح، راه‌یافتگان، حفظ شدگان از خطا، گرامی‌داشته شدگان، مقرّبان درگاه الهی،

الْمُتَّقُونَ، اَلصّـادِقُونَ الْـمُصْطَفَوْنَ، اَلْـمُطِيعُونَ لِلّهِ، اَلْـقَوّامُـونَ

پارسایان، راست‌گفتاران، برگزیدگان، فرمانبرداران خدا، بپادارندگان

بِأَمْرِهِ، اَلْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، اَلْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ، اِصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ،

به امر او، اجراکنندگان خواست او، رستگاران به کرامت او هستید، شما را به علم خود برگزید،

وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ

و برای غیب خود پسندید، و برای اسرار خویش اختیار کرد، و به قدرتش برگزید، و

بِهُداهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُـمْ

به هدایتش عزیز گردانید، و به برهان و دلایل روشنش اختصاص داد، و برای نور خود انتخاب کرد، و

بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ في أَرْضِـهِ، وَحُـجَجاً عَـلىٰ بَـرِيَّتِهِ،

با روح خویش تأیید نمود، و خرسند شد که جانشینان او در روی زمینش، و حجّت‌های او بر آفریدگانش،

وَأَنْصاراً لِدينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِـرِّهِ، وَخَـزَنَةً لِـعِلْمِهِ، وَمُسْـتَوْدَعاً

و یاری‌کنندگان دینش، و حافظان سرّش، و خزانه‌داران علم و دانشش، و به ودیعه نهاده‌شدگان

لِحِكْمَتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَأَرْكاناً لِتَوْحيدِهِ، وَشُـهَداءَ عَـلىٰ

حکمتش، و مترجمان و بیان‌کنندگان وحیش، و پایه‌ها و اساس توحیدش، و گواهان بر

خَلْقِهِ، وَأَعْلاماً لِعِبادِهِ، وَمَناراً في بِلادِهِ، وَأَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ.

خلقتش، و علامت‌ها و نشانه‌ها برای بندگانش، و محلّ نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان بر راهش باشید.

عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِـنَ الْـفِتَنِ، وَطَـهَّرَكُـمْ مِـنَ

خداوند شما را از لغزش‌ها مصون داشت، و از فتنه‌ها ایمنی بخشید، و از

الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَـطْهيراً، فَـعَظَّمْتُمْ

آلودگی‌ها پاک گردانید، و پلیدی را از شما دور ساخت، و شما را به تمام معنا پاک نمود، پس جلال

جَلالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ

و عظمتش را تعظیم نمودید، و شأنش را بزرگ داشتید، و کرم و بزرگواریش را ثنا گفتید، و ذکر و یادش را دوام بخشیدید، و

مِيثاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ،

عهد و پیمانش را استوار ساختید، و قرارداد فرمانبرداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار برای او خلوص نشان دادید،

وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ

و با حکمت و پند و اندرز نیکو به راه او فراخواندید، و

أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضاتِهِ. وَصَبَرْتُمْ عَلىٰ ما أَصابَكُمْ فِي جَنْبِهِ،

در راه رضای او بذل جان نمودید، و در کنارش به آنچه از مصائب و مشکلات که بر شما وارد شد شکیبایی ورزیدید،

وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ

و نماز را بپا داشتید، و زکات پرداختید، و به خوبی‌ها فرمان دادید، و از

الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّٰى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ،

زشتی‌ها بازداشتید، و در راه خدا آنگونه که شایسته بود جهاد کردید و کوشیدید تا دعوت او را آشکار،

وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرائِعَ أَحْكامِهِ،

و واجباتش را بیان کردید، و حدودش را اقامه نمودید، و احکام دینش را منتشر ساختید،

وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ

و روش او را سنّت نهادید، و در تمام این امور رضا و خشنودی او مورد نظر شما بود، و

الْقَضاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ. فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ،

به حکم او تسلیم شدید و آن را پذیرا گشتید، و رسولان گذشتهٔ او را تصدیق نمودید. آنکه از شما روی گرداند از دین خارج شده،

وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ

و آنکه ملازم شما باشد به حق پیوسته، و آنکه در حق شما کوتاهی کند نابود گشته است، و حق با شما

وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ

و در وجود شما و از شما و به سوی شما است، و شما اهل آن و معدنش هستید، و میراث پیامبری

عِنْدَكُمْ، وَإِيابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ

نزد شما است، و بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر شما است، و فیصلهٔ داوری

الْخِطٰابِ عِنْدَكُمْ، وَاٰيٰاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزٰآئِمُهُ فيكُمْ، وَنُـورُهُ

و حکم قطعی پیش شماست، و آیات خداوند نزد شما است، و امور ثابت و حقوق حتمی الهی در شماست، و نور و برهان و

وَبُرْهٰانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وٰالٰاكُمْ فَقَدْ وٰالَى اللهَ، وَمَنْ

دلائل روشن او نزد شماست، و امر و فرمان خدا در امور مردم به شما واگذار شده. هر کس ولایت شما را پذیرفته باشد ولایت خدا را پذیرفته، و

عٰادٰاكُمْ فَقَدْ عٰادَ اللهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ

هرکس با شما دشمنی کند با خداوند دشمنی کرده است، و هر کس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر که نسبت به شما کینه

فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُـمْ فَـقَدِ اعْـتَصَمَ بِـاللهِ، أَنْـتُمُ

بورزد به خدا کینه ورزیده است، و هر کس به شما بپیوندد به خدا پیوسته است. شما

الصِّرٰاطُ الْأَقْـوَمُ، وَشُـهَدٰآءُ دٰارِ الْـفَنٰآءِ، وَشُـفَعٰآءُ دٰارِ الْـبَقٰآءِ،

راه استوار و پایدار، و گواهان این سرای زودگذر، و شفیعان سرای جاویدان،

وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْاٰيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمٰانَةُ الْـمَحْفُوظَةُ،

و رحمتی هستید که پیوسته می‌رسد، و نشانهٔ پنهان شده، و امانت حفظ شده،

وَالْبٰابُ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّٰاسُ. مَنْ أَتيٰكُمْ نَجىٰ، وَمَنْ لَـمْ يَأْتِكُـمْ

و آن دری هستید که وسیلهٔ آزمایش مردمان است. هر کس به آن درآید اهل نجات، و هر کس نیاید

هَلَكَ، إِلَى اللهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَـدُلُّونَ، وَبِـهِ تُـؤْمِنُونَ، وَلَـهُ

هلاک و نابود است، به سوی خدا فرامی‌خوانید، و بر او دلالت می‌کنید، و به او ایمان دارید، و

تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَـعْمَلُونَ، وَإِلىٰ سَـبيلِهِ تُـرْشِدُونَ، وَبِـقَوْلِهِ

تسلیم او هستید، و به فرمان او عمل می‌کنید، و به راه او راهنمایی می‌نمائید، و طبق گفتار او

تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وٰالٰاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عٰادٰاكُمْ، وَخٰابَ مَـنْ

حکم می‌کنید، هر کس ولایت و سروری شما را پذیرفت از سعادت دائمی برخوردار و هر کس با شما دشمنی کند دچار هلاکت می‌گردد،

جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فٰارَقَكُمْ، وَفٰازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ

کسی که شما را انکار کند ناکام و محروم و هر کس از شما جدا گردد گمراه، و هر کس به دامن شما چنگ زند رستگار و کسی که به

لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ. مَـنِ

شما پناهنده گردد ایمن و هر کس شما را تصدیق کند و باور نماید سلامت، و هر کس به شما بپیوندد راه هدایت را یافته است. هر

اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوٰيهُ، وَمَـنْ خٰـالَفَكُمْ فَـالنّٰارُ مَـثْوٰيهُ، وَمَـنْ

کس از شما پیروی کرد بهشت جایگاه او، و هر کس با شما مخالفت کرد دوزخ اقامتگاه او است، و کسی که

جَحَدَكُمْ كٰافِرٌ، وَمَنْ حٰارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في أَسْفَلِ

شما را انکار کرد کافر، و آنکه با شما جنگید مشرک است، و کسی که فرمایش شما را رد کند و نپذیرد در پایین‌ترین

دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هٰذٰا سٰابِقٌ لَكُمْ فيمٰا مَضىٰ، وَجٰارٍ

طبقهٔ دوزخ است، گواهی می‌دهم که این مقامات و اوصاف در گذشته برای شما پیشی گرفته، و در

لَكُمْ فيمٰا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوٰاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطينَتَكُمْ وٰاحِدَةٌ، طٰابَتْ

آینده نیز جریان خواهد داشت، و اینکه ارواح شما و نور شما و خمیره و سرشت شما یکی است، پاک

وَطَهُرَتْ بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ. خَلَقَكُمُ اللهُ أَنْوٰاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ

و پاکیزه برخی از برخی دیگر دریافت نموده است. خداوند شما را نورهایی آفرید و شما را در اطراف عرش خود

مُحْدِقينَ، حَتّٰى مَنَّ عَلَيْنٰا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ

احاطه‌کننده قرار داد تا آنکه بر ما به وجود شما منّت گذاشت و شما را در خانه‌هایی قرار داد که فرمان داده

تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلٰاتَنٰا (صَلَوٰاتِنٰا) عَلَيْكُمْ، وَمٰا

رفیع و بلندمرتبه باشند و نام او در آن یاد شود، و درود و تحیّت ما را بر شما و آنچه را که

خَصَّنٰا بِهِ مِنْ وِلٰايَتِكُمْ، طيباً لِخَلْقِنٰا، وَطَهٰارَةً لِأَنْفُسِنٰا، وَتَزْكِيَةً

مخصوص گردانیده ما را به آن از ولایت شما باعث پاکیزگی آفرینش ما، و پاکی جان ما، و تزکیهٔ

لَنٰا، وَكَفّٰارَةً لِذُنُوبِنٰا، فَكُنّٰا عِنْدَهُ مُسَلِّمينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفينَ

باطن ما، و کفّارهٔ گناهان ما قرار داد، پس ما نزد او تسلیم فضل و برتری شما بوده، و به

بِتَصْديقِنٰا إِيّٰاكُمْ. فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، وَأَعْلىٰ

تصدیق‌کردن شما شناخته شده بودیم، پس خداوند شما را به باارزش‌ترین محلّ صاحبان کرامت، و برترین

مَنٰازِلِ الْمُقَرَّبينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجٰاتِ الْـمُرْسَلينَ، حَـيْثُ لٰايَـلْحَقُهُ

جایگاه مقرّبان، و رفیع‌ترین مرتبهٔ رسولان رسانید؛ به طوری که هیچ ملحق‌شونده‌ای

لٰاحِقٌ، وَلٰايَفُوقُهُ فٰائِقٌ، وَلٰايَسْبِقُهُ سٰابِقٌ، وَلٰايَطْمَعُ في إِدْرٰاكِهِ

به آن ملحق نشود، و هیچ برتری‌جوئی به آن برتری نیابد، و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای به آن پیشی نگیرد، و هیچ طمع‌کننده‌ای به

طٰامِعٌ، حَتّٰى لٰا يَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلٰا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلٰا صِدّيقٌ

دریافت آن طمع نکند؛ تا آنجا که هیچ فرشتهٔ مقرّبی، و پیامبر مرسلی، و صدّیق

وَلٰا شَهيدٌ، وَلٰا عٰالِمٌ وَلٰا جٰاهِلٌ، وَلٰا دَنِيٌّ وَلٰا فٰاضِلٌ، وَلٰا

و شهیدی، و دانا و نادانی، و پست و بلندمرتبه‌ای،

مُؤْمِنٌ صٰالِحٌ، وَلٰا فٰاجِرٌ طٰالِحٌ، وَلٰا جَبّٰارٌ عَنيدٌ، وَلٰا شَيْطٰانٌ

و مؤمن شایسته، و بدکار ناشایسته‌ای، و زورگوی معاند، و شیطان

مَريدٌ، وَلٰا خَلْقٌ فيمٰا بَيْنَ ذٰلِكَ شَهيدٌ إِلّٰا عَرَّفَهُمْ جَلٰالَةَ أَمْرِكُمْ،

سرکشی، و هیچ آفریده‌ای در این میان نماند جز اینکه جلالت امر شما،

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمٰامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ

و عظمت موقعیّت شما، و بزرگی شأن شما، و کامل بودن نور شما، و راستی و درستی

مَقٰاعِدِكُمْ، وَثَبٰاتَ مَقٰامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ،

جایگاه شما، و پایداری مقام شما، و شرافت مرتبه و منزلت شما را در نزد خودش به آن‌ها معرّفی فرموده، و کرامت

وَكَرٰامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخٰاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ. بِأَبي

وبزرگواری شما را بر خودش، ومخصوص‌بودنتان را در پیشگاهش، ونزدیکی مقام ومنزلتتان را نسبت به‌خودش به آن‌ها شناساند. پدر

أَنْتُمْ وَاُمّي وَأَهْلي وَمٰالي وَاُسْرَتي، اُشْهِدُ اللهَ وَاُشْهِدُكُمْ أَنّي

و مادرم و اهل و عیالم و مال و دارائیم و همهٔ کسانم فدای شما باد، خدا را و شما را گواه می‌گیرم که من

مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمٰا اٰمَنْتُمْ بِهِ، كٰافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمٰا كَفَرْتُمْ بِهِ،

به شما و به آنچه ایمان دارید مؤمنم، به دشمن شما و به آنچه شما قبول ندارید و کافرید من نیز کافرم،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلٰالَةِ مَنْ خٰالَفَكُمْ، مُوٰالٍ لَكُمْ

به شأن و شخصیّت شما و به گمراهی مخالفین شما آگاهی و بصیرت دارم، نسبت به شما

وَلِأَوْلِيٰآئِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدٰآئِكُمْ وَمُعٰادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ،

و دوستان شما ارادت دارم، با دشمنان شما کینه و دشمنی دارم، با هر کس با شما سازش دارد در صلح و سازشم،

وَحَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمٰا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمٰا أَبْطَلْتُمْ،

و با هرکس با شما در جنگ و نبرد است در جنگم، آنچه را شما حقّ و ثابت بدانید حقّ و ثابت می‌دانم، و آنچه را شما باطل بدانید باطل می‌دانم،

مُطِيعٌ لَكُمْ، عٰارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،

فرمانبردار شما هستم، به حقّ شما آشنایم، به فضیلت و برتری شما اقرار دارم، علم و دانش شما را پذیرایم،

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيٰابِكُمْ، مُصَدِّقٌ

در پناه شما پناهنده‌ام، به شما اعتراف دارم، به بازگشت شما ایمان دارم،

بِرَجْعَتِكُمْ. مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، اٰخِذٌ بِقَوْلِكُمْ،

رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام و باور دارم. در انتظار امر شما و چشم به راه دولت شمایم، گفتار شما را فراگیرنده‌ام،

عٰامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زٰائِرٌ لَكُمْ، لاٰئِذٌ عٰائِذٌ بِقُبُورِكُمْ،

و به امر شما عمل‌کننده‌ام، به شما پناه آورنده‌ام، زائر شما و پناه‌گیرنده و پناهنده به قبور پاک شمایم،

مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ

به واسطهٔ شما به سوی خدای عزّ وجّل شفاعت می‌جویم، و به درگاه او تقرّب می‌یابم، و شما را

أَمٰامَ طَلِبَتِي وَحَوٰائِجِي، وَإِرٰادَتِي فِي كُلِّ أَحْوٰالِي وَأُمُورِي،

پیشاپیش درخواست‌ها و نیازهایم، و اراده‌ام در همهٔ حالاتم و امورم قرار می‌دهم،

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلاٰنِيَتِكُمْ، وَشٰاهِدِكُمْ وَغٰائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ

ایمان دارم به پنهان شما و آشکار شما، و حاضر شما و غایب شما، و اوّل شما

وَاٰخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ،

و آخر شما، و در همهٔ این‌ها امرم را به شما وامی‌گذارم، و در آن پذیرای خواستهٔ شما هستم،

وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّٰى

و قلبم تسلیم ارادهٔ شما و نظرم تابع نظر شما است، و یاری من برای شما آماده می‌باشد؛ تا

يُحْيِيَ اللهُ تَعٰالىٰ دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيّٰامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ

خداوند بلندمرتبه دینش را به واسطهٔ شما زنده گرداند، و شما را در ایّام خودش بازگرداند، و

لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لاٰ مَعَ غَيْرِكُمْ،

برای عدل و دادگریش ظاهر سازد، و در روی زمینش قدرت و توانایی دهد. آنکه با شما است، به همراه شما است نه همراه غیر شما،

اٰمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ اٰخِرَكُمْ بِمٰا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ إِلَى

به شما ایمان آوردم، و به آخر شما ارادت دارم همانطور که به اوّل شما دلبسته‌ام و سروری او را پذیرفته‌ام، و بیزاری می‌جویم به

اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدٰآئِكُمْ، وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّٰاغُوتِ وَالشَّيٰاطِينِ

سوی خداوند عزّ وجلّ از همهٔ دشمنان شما، و از جبت و طاغوت و شیطان‌ها

وَحِزْبِهِمُ الظّٰالِمِينَ لَكُمْ، اَلْجٰاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمٰارِقِينَ مِنْ

و حزب‌ها و گروه‌های آنان که به شما ستم کرده، حقّ شما را انکار نموده، و از

وِلٰايَتِكُمْ، وَالْغٰاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، اَلشّٰاكِّينَ فِيكُمْ، اَلْمُنْحَرِفِينَ

ولایت و سرپرستی شما خارج گشته، و ارث شما را غصب کرده، دربارهٔ مقامات شما دچار تردیدند، و

عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطٰاعٍ سِوٰاكُمْ، وَمِنَ الْأَئِمَّةِ

از شما منحرف گردیده‌اند و از هر دست‌آویزی غیر شما، و هر فرمانروائی جز شما، و از پیشوایانی

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النّٰارِ. فَثَبَّتَنِيَ اللهُ أَبَداً مٰا حَيِيتُ عَلىٰ

که به سوی آتش می‌خوانند. خداوند مرا تا زنده‌ام بر

مُوٰالاٰتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِطٰاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي

ولایت و دوستی و دین شما ثابت بدارد، و برای فرمانبرداری شما توفیق دهد، و

شَفٰاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيٰارِ مَوٰالِيكُمْ، اَلتّٰابِعِينَ لِمٰا دَعَوْتُمْ

شفاعت شما را روزی‌ام گرداند، و از بهترین ارادتمندان شما قرار دهد که به آنچه دعوت کرده‌اید متابعت

إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثٰارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي

و پیروی می‌کنند، و مرا از کسانی قرار دهد که در پی آثار شما و روایت‌کنندهٔ آن است، و راه شما را می‌پیماید، و

بِهُدٰيكُمْ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ

به راه شما راه یافته، و در زمرهٔ شما محشور می‌شود، و در رجعت شما بازمی‌گردد، و

فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ فِي عٰافِيَتِكُمْ، وَيُمَكَّنُ فِي أَيّٰامِكُمْ، وَتَقَرُّ

در دولت شما حاکمیّتی پیدا می‌کند، و در عافیت شما شرافت می‌یابد، و در دوران شما به او تمکّن و قدرت داده می‌شود، و

عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمٰالِي،

فردا چشمش به دیدار شما روشن می‌گردد. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم، مال و دارائیم فدای شما،

مَنْ أَرٰادَ اللهَ بَدَءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ

کسی که خدا را اراده کند به شما ابتدا کرده، و کسی که خدا را به یکتائی توصیف کند از شما پذیرفته، و کسی که آهنگ او کند به

بِكُمْ. مَوٰالِيَّ لٰا اُحْصي ثَنٰآئَكُمْ، وَلٰا أَبْلُغُ مِنَ الْـمَدْحِ كُـنْهَكُمْ،

سوی شما روی آورد. سروران من؛ ثنای شما را نمی‌توانم شماره کنم، و به حقیقت و غایت مدح شما هرگز نمی‌رسم،

وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْـيٰارِ، وَهُـدٰاةُ الْأَبْـرٰارِ،

و از توصیف قدر و منزلت شما ناتوانم، و شما روشنی‌بخش خوبان، و باعث هدایت نیکوکاران،

وَحُجَجُ الْجَبّٰارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللّٰهُ، وَبِكُمْ يَـخْتِمُ اللّٰهُ، وَبِكُـمْ يُـنَزِّلُ

و حجّت‌های خداوند جبّارید، خدا به وجود شما هستی را آغاز کرده، و به شما پایان می‌بخشد، و به واسطهٔ شما

الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمٰآءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّٰا بِـإِذْنِهِ،

باران رحمت را فرو می‌فرستد، و به واسطهٔ شما آسمان را نگاه می‌دارد از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او،

وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مٰا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ،

و به واسطهٔ شما غم و اندوه رامی‌زداید، و تنگدستی و بیچارگی را برطرف می‌کند، و نزد شما است آنچه‌فرستادگانش آن را نازل کرده،

وَهَبَطَتْ بِهِ مَلٰآئِكَتُهُ، وَإِلىٰ جَدِّكُمْ ـ و اگر زیارت امیرالمؤمنین عليه‌السلام باشد

و فرشتگانش آن را فرود آورده‌اند، و به سوی جدّ شما ـ

بجای وَإِلىٰ جَدِّكُمْ بگو: وَإِلىٰ أَخيكَ ـ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ. اٰتـاكُـمُ

و به سوی برادرت ـ روح الأمین برانگیخته شده است.

اللّٰهُ مٰا لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعٰالَمينَ، طَأْطَأَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ،

خداوند به شما قدر و منزلتی داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر شرافتمندی در برابر شرافت شما سر فرود آورده،

وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطٰاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبّٰارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ

و هر متکبّری برای فرمان شما گردن نهاده، و هر زورگویی برای فضل و برتری شما خاضع گشته، و هر چیز

شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفٰازَ الْفٰآئِزُونَ بِوِلٰايَتِكُمْ،

برای شما رام و سرافکنده است، زمین به نور شما درخشیده، و رستگاران به ولایت شما رستگار شده‌اند،

بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوٰانِ، وَعَلىٰ مَنْ جَحَدَ وِلٰايَـتَكُمْ غَـضَبُ

به واسطهٔ شما می‌توان به رضوان الهی و بهشت جاودان راه یافت، و کسی که ولایت شما را انکار کند مشمول خشم و غضب

الرَّحْمٰانِ. بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمٰالي، ذِكْرُكُمْ فِي

خداوند رحمان است. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم و مال و دارائی‌ام فدای شما، یاد شما در

الذّٰاكِرِينَ، وَأَسْمٰآؤُكُمْ فِي الْأَسْمٰآءِ، وَأَجْسٰادُكُمْ فِي الْأَجْسٰادِ،

یادکنندگان، و نام‌های شما در نام‌ها، و جسدهای شما در جسدها،

وَأَرْوٰاحُكُمْ فِي الْأَرْوٰاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَاٰثٰارُكُمْ فِي

و ارواح شما در ارواح، و شخص شما در میان شخص‌ها، و آثار شما در میان

الْآثٰارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمٰا أَحْلىٰ أَسْمٰآئَكُمْ، وَأَكْرَمَ

آثار، و قبرهای شما در میان قبرها است. پس چه چیزی نام‌های شما را شیرین نموده، و

أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفىٰ عَهْدَكُمْ،

وجود شما را گرامی و باکرامت کرده، و شأن شما را عظیم نموده، و موقعیّت شما را بزرگ کرده است، و پیمان شما را وفا کرده،

وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ. كَلٰامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ

و وعدهٔ شما را درست گردانیده است؟ سخن شما روشن وروشنی‌بخش، و امر و فرمان‌تان باعث رشد وکمال و هدایت، و سفارش شما

التَّقْوىٰ، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَعٰادَتُكُمُ الْإِحْسٰانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ،

تقوا و پرهیزکاری، و کار شما همهٔ خوبی، و عادت شما نیکی کردن، و طبیعت شما بزرگواری،

وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ

و شأن شما حق‌طلبی و راستگویی و مدارا کردن، و گفتار شما قاطع و محکم، و رأی و نظر شما

عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ، وَفَرْعَهُ

دانش و بردباری و دوراندیشی است، اگر از خیر و خوبی یاد شود شما ابتدای آن، ریشه و شاخهٔ آن

وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْوِيهُ وَمُنْتَهٰاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي، كَيْفَ

و معدن و جایگاه آن و انتهای آن هستید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما، چگونه

أَصِفُ حُسْنَ ثَنٰآئِكُمْ، وَأُحْصي جَمِيلَ بَلٰآئِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللهُ

خوبی‌های شما و ثنای نیکوی شما را وصف کنم و نعمت‌های فراوان شما را شمارش نمایم؟ و به سبب شما خداوند ما را

مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنّٰا غَمَرٰاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنٰا مِنْ شَفٰاجُرُفِ

از خواری و ذلّت خارج کرد، و غم‌ها و غصّه‌ها و گرفتاری‌های عمیق را از ما برطرف کرد، و از پرتگاههای

الْهَلَكٰاتِ وَمِنَ النّٰارِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي، بِمُوٰالاٰتِكُمْ عَلَّمَنَا

هلاکت‌بار و از آتش جهنم رهایی بخشید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما، با پذیرفتن ولایت شما

اللهُ مَعالِمَ دينِنا، وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ

خداوند معالم و حقایق دین را به ما آموخت، و آنچه از دنیای ما فاسد بود اصلاح نمود، و با ولایت شما

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُوالاتِكُمْ

کلمهٔ حقّ کامل، و نعمتش بزرگ و بر ما تمام گشت، و پراکندگی به اُلفت و اتّحاد تبدیل شد، و به ولایت شما

تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَالدَّرَجاتُ

طاعت واجب پذیرفته می‌شود، و مودّت و اظهار محبّت نسبت به شما واجب است، و شما دارای درجات

الرَّفيعَةُ، وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ،

و مراتب رفیع، و مقام ستوده، و جایگاه شناخته‌شده نزد خداوند بلندمرتبه،

وَالْجاهُ الْعَظيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. رَبَّنا آمَنّا

و وجاهت زیاد، و شأن عظیم، و شفاعت پذیرفته‌شده هستید. پروردگارا؛

بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ، رَبَّنا لاتُزِغْ

به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از رسول تو پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت فرما. پروردگارا؛

قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

دل‌های ما را پس از هدایت دچار انحراف مکن، و از ناحیهٔ خود رحمتی بر ما ببخش، که تو

الْوَهّابُ، سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً. يا وَلِيَّ اللهِ، إِنَّ

بسیار بخشنده‌ای، پاک و منزّه است پروردگار ما، و حتماً وعده‌اش انجام‌شده خواهد بود. ای ولیّ خدا؛ همانا

بَيْني وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لايَأْتي عَلَيْها إِلّا رِضاكُمْ، فَبِحَقِّ

میان من و خدای عزیز و بزرگ گناهانی است که جز رضایت و خشنودی شما آن‌ها را از بین نمی‌برد، پس به حقّ

مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ

آن‌که شما را بر راز خود امین قرار داد، و رعایت امور آفریدگانش را به شما سپرد، و طاعت شما را

بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي، وَكُنْتُمْ شُفَعائي، فَإِنّي لَكُمْ مُطيعٌ،

به اطاعت خودش قرین گردانید که برای گناهان من طلب بخشش کنید، و شفیعان من باشید، که من فرمانبردار شمایم،

مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ، وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ، وَمَنْ

هر کس شما را اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت نموده است، و هر کس از فرمان شما سرپیچی کند در واقع نافرمانی خدا کرده است، و هر

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي لَوْ

کس شما را دوست بدارد خدا را دوست دارد، و هر کس با شما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. خداوندا؛ به راستی اگر من

وَجَدْتُ شُفَعٰآءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيٰارِ، اَلْأَئِمَّةِ

شفیعانی می‌یافتم که در پیشگاه تو مقرّب‌تر از (حضرت) محمّد و اهل بیت خوب او؛ آن پیشوایان

الْأَبْرٰارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعٰآئي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ،

نیکوکار باشند، حتماً آن‌ها را شفیع خود قرار می‌دادم، پس به حقّی که برای ایشان بر خودت واجب فرمودی و لازم دانستی،

أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعٰارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفي زُمْرَةِ

از تو می‌خواهم که مرا در ردیف کسانی قرار دهی که نسبت به آن بزرگواران و حقّ ایشان آشنائی دارند، و در زمرهٔ

الْمَرْحُومينَ بِشَفٰاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ

کسانی جای دهی که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته‌اند، که تو مهربانترین مهربانان هستی، و درود خداوند

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطّٰاهِرينَ، وَسَلَّمَ كَثيراً، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.[1]

و سلام فراوان او بر محمّد و آل پاک او باد، و خدا ما را بس است و او خوب مدافع و پشتیبانی است.

۳

زیارت جامعهٔ سوّم

این زیارت را مرحوم علّامهٔ مجلسی در «بحار الأنوار» از یک کتاب قدیمی به عنوان «زیارت جامعهٔ ثالثه» نقل کرده است:

هنگامی که به پیشگاه این بزرگواران شرفیاب شدی، بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، اَلرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، اَلَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

ستایش از آن خداوند است که پروردگار جهانیان است، بخشنده و مهربان است، آنکه هیچ

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۷۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۶۰، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۷۷، مستدرك الوسائل: ۴۱۶/۱۰، بحار الأنوار: ۱۲۷/۱۰۲.

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ،

چیز همانند او نیست و او شنوا و دانا است، و معبودی جز خداوندی که پادشاه حقّ آشکار است نمی‌باشد،

وَسُبْحٰانَ اللهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، صَلَوٰاتُ اللهِ وَتَحِيّٰاتُهُ وَرَأْفَتُهُ

و پاک و منزّه است خداوند، پروردگار عرش باعظمت، درود خدا و تحیّت‌های او و رأفت او

وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوٰانُهُ وَفَضْلُهُ وَكَرٰامَتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكٰاتُهُ وَصَلَوٰاتُ

و آمرزش او و خشنودی او و بخشش او و کرامت او و رحمت او و برکات او و درود

مَلٰآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيٰآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَالشُّهَدٰآءِ وَالصِّدِّيقِينَ

فرشتگان مقرّبش، و پیامبران مرسل او، و شهیدان و صدیقان

وَعِبٰادِهِ الصّٰالِحِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعٰالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ

و بندگان شایسته‌اش و هر کس پروردگار جهانیان را از پیشینیان

وَالْاٰخِرِينَ، مِلْأَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرَضِينَ، وَمِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ، وَعَدَدَ

و پسینیان تسبیح گفته است، به پُری آسمان‌ها و زمین‌ها، و پُری هر چیز، و (به) تعداد

كُلِّ شَيْءٍ، وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ أَبَداً، وَمِثْلَ الْأَبَدِ، وَبَعْدَ الْأَبَدِ مِثْلَ

هر چیز، و هم‌سنگ هر چیز ابدی، و مثل ابدی، و بعد از ابد مانند

الْأَبَدِ، وَأَضْعٰافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ، فِي مِثْلِ ذٰلِكَ كُلِّهِ سَرْمَداً دٰآئِماً مَعَ

ابد، و دوچندان همهٔ آن، در مانند همهٔ آن پیوسته و همیشگی و دائمی با

دَوٰامِ مُلْكِ اللهِ وَبَقٰآءِ وَجْهِهِ الْكَرِيمِ، عَلىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخٰاتَمِ

دوام پادشاهی خداوند و باقی بودن ذات بزرگوار او، بر سرور رسولان، و پایان‌بخش

النَّبِيِّينَ، وَإِمٰامِ الْمُتَّقِينَ، وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَلٰاذِ الْعٰالَمِينَ، وَسِرٰاجِ

پیامبران، و پیشوای پرهیزکاران، و سرپرست اهل ایمان، و پناهگاه جهانیان، و چراغ

النّٰاظِرِينَ، وَأَمٰانِ الْخٰآئِفِينَ، وَتٰالِي الْإِيمٰانِ، وَصٰاحِبِ الْقُرْاٰنِ،

بینندگان، و ایمنی‌بخش بیمناکان، و در پی آیندهٔ ایمان، و همراه قرآن،

وَنُورِ الْأَنْوٰارِ، وَهٰادِي الْأَبْرٰارِ، وَدَعٰامَةِ الْجَبّٰارِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى

و روشنائی‌بخش نورها، و هدایت‌کنندهٔ نیکوکاران، و پشتوانهٔ (خداوند) جبّار، و حجّت او بر

الْعٰالَمينَ، وَخِيَرَتِهِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ، مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ

جهانیان، و بهترین برگزیده‌اش از میان گذشتگان و آیندگان، (حضرت) محمّد بن عبدالله

نَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ وَحَبيبِهِ وَصَفِيِّهِ وَخٰاصَّتِهِ، وَخٰالِصَتِهِ وَرَحْمَتِهِ وَنُورِهِ

پیامبر و رسول و دوست و برگزیده و مخصوص و بی‌آلایش و رحمت و نور

وَسَفيرِهِ وَأَمينِهِ وَحِجٰابِهِ وَعَيْنِهِ وَذِكْرِهِ وَوَلِيِّهِ وَجَنْبِهِ وَصِرٰاطِهِ،

و نماینده و امین و پرده‌دار و دیدهٔ او و مراقب و ولی و جانبدار و راه،

وَعُرْوَتِهِ الْوُثْقٰى، وَحَبْلِهِ الْمَتينِ، وَبُرْهٰانِهِ الْمُبينِ، وَمَثَلِهِ الْأَعْلٰى،

و دست‌آویز مورد اطمینان، و ریسمان محکم، و برهان آشکار، و مظهر والا،

وَدَعْوَتِهِ الْحُسْنٰى، وَاٰيَتِهِ الْكُبْرىٰ، وَحُجَّتِهِ الْعُظْمىٰ، وَرَسُولِهِ

و دعوتگر نیکو، و آیت و نشانهٔ بزرگ، و حجّت عظیم، و فرستادهٔ

الْكَريمِ، اَلرَّئُوفِ الرَّحيمِ، اَلْقَوِيِّ الْعَزيزِ، اَلشَّفيعِ الْمُطٰاعِ، وَعَلَى

بزرگوار او، رئوف و مهربان، نیرومند و شکست‌ناپذیر، شفیعی که شفاعتش پذیرفته شود، و بر

الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمْ جَميعَانِ السَّلٰامُ، أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيٍّ، وَالْحَسَنِ

امامان که بر همهٔ آنان سلام باد؛ امیر و فرمانروای مؤمنان (حضرت) علی، و امام حسن،

وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

و امام حسین، علیّ بن الحسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، موسی بن جعفر، علیّ بن موسی، محمّد بن علی، علیّ بن محمّد،

وَالْحَسَنِ، وَالْخَلَفِ الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ جَميعَانِ السَّلٰامُ

حسن بن علی، و بازماندهٔ راه‌یافته‌اش که بر او و بر همهٔ آنان درود

وَالرَّحْمَةُ، اَلطَّيِّبينَ الطّٰاهِرينَ الْمُطيعينَ الْمُقَرَّبينَ. وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

و رحمت باد، آن پاکان پاکیزگان، فرمانبرداران و مقرّبان (درگاه ربوبی). و بر او و بر همهٔ آنان

أَفْضَلُ سَلٰامِ اللهِ، وَأَوْفَرُ رَحْمَتِهِ، وَأَزْكٰى تَحِيّٰاتِهِ، وَأَشْرَفُ

برترین سلام خداوند، و فراوانترین رحمت او، و پاکیزه‌ترین تحیّات او، و ارزنده‌ترین

صَلَوٰاتِهِ، وَأَعْظَمُ بَرَكٰاتِهِ أَبَداً مِنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ،

صلوات و درود او، و بزرگترین برکات او پیوسته و دائمی از طرف همهٔ مردان و زنان مؤمن،

اَلْأَحْيٰآءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ، وَمِنّي وَمِنْ وٰالِدَيَّ وَأَهْلي وَوَلَدي

زنده و مردهٔ ایشان، و از طرف من و پدر و مادرم و اهل و عیام و فرزندانم

وَإِخْوَتي وَأَخَوٰاتي وَأَهْلي وَقَرٰابٰاتي، في حَيٰاتي مٰا بَقيتُ، وَبَعْدَ

و برادرانم و خواهرانم و اهل و نزدیکانم، در دوران زندگیم تا مادامی که هستم، و پس از

وَفٰاتي، وَمٰا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرُبَتْ، عَلَيْهِمْ سَلٰامُ اللهِ فِي

وفاتم، و تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می‌کند. سلام خدا بر آنان در میان

الْأَوَّلينَ، وَعَلَيْهِمْ سَلٰامُ اللهِ فِي الْاٰخِرينَ، وَعَلَيْهِمْ سَلٰامُ اللهِ يَوْمَ

پیشینیان، و سلام خدا بر آنان در میان پسینیان، و سلام خدا بر آنان روزی که

يَقُومُ النّٰاسُ لِرَبِّ الْعٰالَمينَ. سَلٰامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ

مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ، سَلٰامٌ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللهُ، سَلٰامٌ عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللهِ

و برکات او بر تو باد. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای انتخاب‌شدهٔ خداوند

مِنْ خَلْقِهِ، وَصَفْوَتَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمينَ اللهِ عَلىٰ

از میان آفریدگانش، و برگزیدهٔ او از میان موجوداتش، سلام بر تو ای امین پروردگار بر

رِسٰالَتِهِ، وَعَزٰآئِمِ أَمْرِهِ، اَلْخٰاتِمَ لِمٰا سَبَقَ، وَالْفٰاتِحَ لِمٰا غَلَقَ،

رسالت او، و فرمان حتمی او، آنکه پایان‌بخش نسبت به گذشتگان، و گشایندهٔ درهای بسته،

وَالْمُهَيْمِنَ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

و مراقب بر همهٔ آن بوده، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر تو

يٰا سَيِّدَ الْمُرْسَلينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خٰاتَمَ النَّبِيّينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

ای سرور رسولان، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو

يٰا إِمٰامَ الْمُتَّقينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

ای پیشوای پرهیزکاران، سلام بر تو ای سرپرست مؤمنان، سلام بر تو

يٰا مَوْلَى الْمُسْلِمينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْعٰالَمينَ،

ای مولای مسلمانان، سلام بر تو ای حجّت خدا بر جهانیان،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خٰالِصَةَ اللهِ وَخَلِيلَهُ وَحَبِيبَهُ وَصَفِيَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ

سلام بر تو ای خالص‌گردیده برای خدا و دوست و دوستدار و برگزیدهٔ او از میان گذشتگان

وَالْاٰخِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

و آیندگان، سلام بر تو ای بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْقٰاسِمِ وَعَلىٰ اٰلِكَ

محمّد بن عبدالله، سلام بر تو ای ابا القاسم و بر آل تو

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ

و رحمت خداوند و برکات او (بر شما)، سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و جایگاه

الرِّسٰالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلٰآئِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ،

رسالت الهی، و محلّ رفت و آمد فرشتگان، و فرودآمدن وحی، و معدن رحمت،

وَمَأْوَى السَّكِينَةِ، وَخَزٰآئِنَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَاُصُولَ

و منزلگاه آرامش، و خزانه‌های دانش، و آخرین حدّ بردباری، و ریشه‌های

الْكَرَمِ، وَقٰادَةَ الْاُمَمِ، وَأَوْلِيٰآءَ النِّعَمِ، وَعَنٰاصِرَ الْأَبْرٰارِ، وَدَعٰآئِمَ

کرامت و بزرگواری، و فرماندهان و پیشروان اُمّت‌ها، و متصدّیان نعمت‌ها، و مایه‌های اصلی نیکوکاران، و پشتیبانان خداوند

الْجَبّٰارِ، وَ سٰاسَةَ الْعِبٰادِ، وَأَرْكٰانَ الْبِلٰادِ، وَأَبْوٰابَ الْإِيمٰانِ، وَاُمَنٰآءَ

جبّار، و اداره‌کنندگان امور بندگان، و پایه‌های استوار شهرها، و درهای ورودی ایمان، و امینان خداوند

الرَّحْمٰانِ، وَسُلٰالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَاٰلَ يٰسٓ، وَعِتْرَةَ

مهربان، و نسل پیامبران، و گزیدهٔ رسولان، و خاندان یسٓ، و عترت

خِيَرَةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ

بهترین انتخاب‌شدهٔ پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر شما ای پیشوایان

الْهُدىٰ، وَمَصٰابِيحَ الدُّجىٰ، وَأَهْلَ التَّقْوىٰ، وَأَعْلٰامَ التُّقىٰ، وَذَوِي

هدایت، و چراغ‌های فروزان (در تاریکی‌ها)، و اهل تقوا، و پرچم‌ها و نشانه‌ها برای یافتن پرهیزکاری، و دارندگان

النُّهىٰ، وَاُولِي الْحِجىٰ، وَسٰادَةَ الْوَرىٰ، وَبُدُورَ الدُّنْيٰا، وَوَرَثَةَ

عقل و خرد، و صاحبان هوش و درایت و زیرکی، و سروران همهٔ مردم، و ماه‌های کامل و درخشندهٔ دنیا، و وارثان

الْأَنْبِيٰآءِ، وَالْمَثَلَ الْأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةَ الْحُسْنىٰ، وَالحُجَّةَ عَلىٰ مَنْ

پیامبران، و بالاترین مَثَل و نمونه، و نیکوترین فراخوان، و حجّت بر همهٔ آنان‌که

فِي الْأَرْضِ وَالسَّمٰآءِ وَالْاٰخِرَةِ وَالْأُولىٰ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

در زمین و آسمان و آخرت و دنیایند، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَحٰآلِّ مَعْرِفَةِ اللهِ، وَمَسٰاكِنِ بَرَكَـةِ اللهِ، وَمَـعٰادِنِ

سلام بر جایگاه و محلّ‌های شناخت خداوند، و منزلگاه‌های برکت خداوند، و گنجینه‌های معادن

حِكْمَةِ اللهِ، وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ، وَحَمَلَةِ كِتٰابِ اللهِ،

حکمت الهی، و خزانه‌داران علم خدا، و حافظان سرّ خدا، و حاملان کتاب خدا،

وَوَرَثَةِ رَسُولِ اللهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَى الدُّعٰاةِ

و وارثان رسول خدا، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر دعوت‌کنندگان

إِلَى اللهِ، وَالْأَدِلّٰآءِ عَلَى اللهِ، وَالْمُؤْذِنِينَ عَنِ اللهِ، وَالْقٰآئِمِينَ بِحَقِّ

به سوی خداوند، و راهنمایی‌کنندگان به خداوند، و اذن‌دهندگان از جانب خدا، و قیام‌کنندگان به حقّ

اللهِ، وَالنّٰاطِقِينَ عَنِ اللهِ، وَالْمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ اللهِ، وَالْمُخْلِصِينَ

خدا، و سخن‌گویان از طرف خدا، و کامل‌گردانندگان امر و فرمان خدا، و فرمانبرداران مخلص

فِي طٰاعَةِ اللهِ، وَالصّٰادِعِينَ بِدِينِ اللهِ، وَالتّٰآمِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللهِ،

خدا، و حکم‌کنندگان بین مردم به دین خدا، و کامل در محبّت و دوستی خدا،

وَعِبٰادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لٰايَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ،

و بندگان گرامی و ارزشمندی که به گفتار بر او پیشی نمی‌گیرند و همواره به دستور او عمل می‌کنند،

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَـلَى الْأَئِـمَّةِ الدُّعٰـاةِ، وَالْـقٰادَةِ

و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده، و زمامداران

الْهُدٰاةِ، وَالسّٰادَةِ الْوُلٰاةِ، وَالذّٰادَةِ الْحُمٰاةِ، وَالْاٰسٰادِ السُّقٰاةِ، وَأَهْلِ

هدایت‌کننده، و سروران سرپرستی‌کننده، و مدافعان حمایت‌کننده، و آقایان سیراب‌کننده، و اهل و شایستهٔ

الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ وَصَفْوَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْنِهِ

ذکر و صاحبان امر، و بازماندهٔ خداوند و انتخاب‌شده و برگزیدهٔ او، و حزب او و چشم بینای او،

وَحُجَّتِهِ وَجَنْبِهِ وَصِراطِهِ وَنُورِهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ

و حجّت او، و نزدیک او، و راه او و نور او، و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد. گواهی می‌دهم که

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ

معبودی جز خدا نیست، یکتا است و شریکی برای او نیست، همان‌گونه که خودش در مورد خویش گواهی داده، و

لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَزيزُ الْحَكيمُ،

فرشتگان او و عالمان آگاه از میان آفریدگانش برای او گواهی داده‌اند، جز او که نیرومند و حکیم است خدایی نیست،

وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبىٰ، وَنَبِيُّهُ الْمُرْتَجىٰ، وَحَبيبُهُ

و اینکه (حضرت) محمّد بنده و فرستادهٔ انتخاب‌شدهٔ او، و پیامبرش که مایهٔ امید است، و دوست

الْمُصْطَفىٰ، وَأَمينُهُ الْمُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ نَذيراً فِي الْأَوَّلينَ، وَرَسُولاً

برگزیدهٔ او، و امین پسندیده‌اش می‌باشد، او را بیم‌دهنده در پیشینیان، و پیام‌رسان در میان

فِي الْآخِرينَ بِالْهُدىٰ وَدينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

پسینیان به هدایت و دین حقّ فرستاد، تا او را بر هر دین و آئینی پیروز گرداند گرچه

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. فَصَدَعَ بِما أُمِرَ بِهِ، وَبَلَّغَ ما حُمِّلَ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ،

مشرکان را ناخوش‌آیند باشد. پس آنچه را به آن امر شده بود آشکار ساخت، و آنچه بر دوش داشت رسانید، و برای امّتش خیرخواهی نمود

وَجاهَدَ في سَبيلِ رَبِّهِ، وَدَعا إِلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

و در راه پروردگارش جهاد کرد، و با کلمات حکیمانه و پند و اندرزهای نیکو مردم را به سوی او فراخواند،

وَصَبَرَ عَلىٰ ما أَصابَهُ في جَنْبِهِ، وَعَبَدَهُ صادِقاً مُصَدِّقاً صابِراً

و بر مشکلاتی که در کنار آن به او رسید شکیبائی ورزید، و او را پرستش کرد در حالی‌که باصداقت، تصدیق‌کننده و پایدار بود

مُحْتَسِباً، لا وانِياً وَلا مُقَصِّراً حَتّىٰ أَتاهُ الْيَقينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ

و رضای خدا را اراده نموده بود، هیچگونه سستی و کوتاهی نکرد تا جهان را وداع گفت. و گواهی می‌دهم که

الدّينَ كَما شَرَعَ، وَالْكِتابَ كَما تَلا، وَالْحَلالَ ما أَحَلَّ، وَالْحَرامَ

دین همان است که او ابلاغ کرد، و کتاب همان است که او تلاوت فرمود، و حلال آن است که او حلال گردانید، و حرام آن است

ما حَرَّمَ، وَالْفَصْلَ ما قَضىٰ، وَالْحَقَّ ما قالَ، وَالرُّشْدَ ما أَمَرَ،

که او حرام فرمود، و حکم میان حقّ و باطل آن است که او قضاوت نمود، و حقّ گفتار او است، و رشد و کمال در فرمان او است.

وَأَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوهُ وَخالَفُوهُ، وَكَذَّبُوا عَلَيْهِ، وَجَحَدُوا حَقَّهُ،

و (گواهی می‌دهم به) اینکه کسانی که او را تکذیب کردند، و با او مخالفت نمودند و بر او دروغ بستند، و حقّش را نشناختند،

وَأَنْكَرُوا فَضْلَهُ وَاتَّهَمُوهُ، وَظَلَمُوا وَصِيَّهُ، وَاعْتَدَوْا عَلَيْهِ،

و فضیلت او را انکار کردند و او را متّهم ساختند، و به وصیّ او ظلم کردند، و بر او ستم روا داشتند،

وَغَصَبُوهُ خِلافَتَهُ، وَنَقَضُوا عَهْدَهُ فيهِ، وَحَلُّوا عَقْدَهُ لَهُ، وَأَسَّسُوا

و خلافت او را غاصبانه گرفتند، و عهد و پیمان او را در موردش نقض کردند، و قراردادی که برای او بسته بود گشودند، و

الْجَوْرَ وَالظُّلْمَ وَالْعُدْوانَ عَلىٰ آلِهِ، وَقَتَلُوهُمْ وَتَوَلَّوْا غَيْرَهُمْ،

اساس ظلم و بیداد و دشمنی بر خاندان او را بنا نهادند، و آنان را کشتند و غیر ایشان را سرپرست خود قرار دادند،

ذائِقُوا الْعَذابَ الْأَلِيمَ في أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، لا يُخَفَّفُ

عذاب دردناکی را در پائین‌ترین مرتبهٔ دوزخ خواهند چشید که هرگز آن عذاب کاهش

عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها وَهُمْ فيهِ مُبْلِسُونَ، مَلْعُونُونَ ناكِسُوا رُؤُوسَهُمْ،

داده نمی‌شود و امید خلاصی در آن ندارند، از رحمت به دور و سرافکنده‌اند،

فَعايَنُوا النَّدامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ، مَعَ الْأَرْذَلِينَ الْأَشْرارِ، قَدْ كُبُّوا

پس پشیمانی و خواری طولانی را همراه با اراذل و اشرار مشاهده می‌کنند، در حالی‌که

عَلىٰ وُجُوهِهِمْ فِي النّارِ، وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصَدَّقُوهُ وَنَصَرُوهُ

با چهره‌هایشان در آتش افتاده‌اند، (ولی) و آنانکه به او ایمان آورده و او را تصدیق نموده و یاری کرده

وَوَقَّرُوهُ وَأَجابُوهُ وَعَزَّرُوهُ وَاتَّبَعُوهُ، وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذي أُنْزِلَ

و بزرگ داشته و اجابت کرده و کمک نموده و از او و نوری که با او نازل شده پیروی کرده،

مَعَهُ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، في جَنّاتِ النَّعِيمِ، وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ،

ایشان همان رستگاران هستند، در باغ‌های پرنعمت و کامیابی عظیم،

وَالْغِبْطَةِ وَالسُّرُورِ، وَالْمُلْكِ الْكَبِيرِ، وَالثَّوابِ الْمُقِيمِ فِي الْمَقامِ

و شادی و شادمانی و دارایی زیاد و پاداش پایدار در جایگاه

الْكَرِيمِ. فَجَزاهُ عَنّا أَحْسَنَ الْجَزاءِ وَخَيْرَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ،

ارزشمند بسر می‌برند. پس خداوند به او از طرف ما نیکوترین و بهترین پاداشی که به پیامبری از طرف امّتش،

وَرَسُولاً عَمَّنْ اُرْسِلَ إِلَيْهِ، وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسَمِ الْفَضائِلِ، وَبَلَّغَهُ

و رسولی از طرف کسانی که به سوی او فرستاده شده داده مرحمت فرماید، و او را به برترین بهره از فضائل اختصاص دهد، و او

أَعْلٰى شَرَفِ الْمُكَرَّمينَ مِنَ الدَّرَجاتِ الْعُلٰى في أَعْلٰى عِلِّيّينَ،

را به بالاترین شرف و مرتبهٔ بزرگواران از مراتب والا در اعلی علیّین،

﴿في جَنّاتٍ وَنَهَرٍ * في مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَليكٍ مُقْتَدِرٍ﴾[1]،

«در باغها و نهرهای جاری، در جایگاه صدق و راستی نزد پادشاه توانا و مقتدر برساند»،

وَأَعْطاهُ حَتّٰى يَرْضىٰ، وَزادَهُ بَعْدَ الرِّضا، وَجَعَلَهُ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْهُ

و به او عطا کند تا راضی گردد، و بعد از رضایت بر او بیفزاید، و قرار دهد او را مقرّب‌ترین خلق نسبت به خویش از نظر

مَجْلِساً، وَأَدْناهُمْ إِلَيْهِ مَنْزِلاً، وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جاهاً، وَأَعْلاهُمْ

جایگاه، و نزدیکترین آنان از جهت مقام و منزلت، و بزرگترین ایشان نزد او از حیث آبرو، و والاترین آنان در

لَدَيْهِ كَعْباً، وَأَحْسَنَهُمْ عَلَيْهِ ثَناءً، وَأَوَّلَ الْمُتَكَلِّمينَ كَلاماً، وَأَكْثَرَ

پیشگاهش از جهت سرافرازی و بزرگواری، و نیکوترین آنان بر او از جهت ثناگوئی، و اوّلین تکلّم‌کنندگان از جهت کلام، و بیشترین

النَّبِيّينَ أَتْباعاً، وَأَوْفَرَ الْخَلْقِ نَصيباً، وَأَجْزَلَهُمْ حَظّاً في كُلِّ

پیامبران از جهت پیرو، و فراوان‌ترین خلق از جهت نصیب، و زیادترین آنان از جهت بهره

خَيْرٍ هُوَ قاسِمُهُ بَيْنَهُمْ، وَأَحْسَنَ جَزاءَهُ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ مِنَ

در هر خیر و خوبی که او میان آنان تقسیم کند، و نیکوترین جزا و پاداش خود را از طرف همهٔ اهل ایمان از

الْأَوَّلينَ وَالْآخِرينَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ،

پیشینیان و آیندگان به او مرحمت فرماید. و گواهی می‌دهم که شما پیشوایان راه‌یافته، هدایت‌شده،

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطيعُونَ

معصوم و پاک از هر پلیدی، گرامی، مقرّب، پرهیزکار، برگزیده، فرمانبردار

لِلّٰهِ، الْقَوّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ.

پروردگار، قیام‌کننده به امر او، عمل‌کننده به ارادهٔ او، پیروزمند به کرامت او هستید.

اِصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاصْطَنَعَكُمْ لِنَفْسِهِ، وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ

(خداوند) شما را به علم خود برگزید، و برای خویش پرورش داد، و برای راز خود پسندید،

۱. سورهٔ قمر، آیهٔ ۵۴ و ۵۵.

لِسِرِّهِ، وَاجْتَبٰاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدٰاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبَرٰاهِينِهِ،

و برای سرّش اختیار فرمود، و به قدرتش فراهم آورد، و به هدایتش عزّت بخشید، و به دلیل‌ها و برهان‌هایش اختصاص داد،

وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفٰآءَ فِي أَرْضِهِ،

و برای نورش انتخاب نمود، و با روح خود یاری کرد، و به عنوان جانشینان در روی زمینش پسندید،

وَجَعَلَكُمْ حُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصٰاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِحُكْمِهِ،

و شما را حجّت‌ها بر بندگانش، و یاری‌کنندگان دینش، و حافظان حکم و فرمانش،

وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَتَرٰاجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَأَرْكٰاناً

و خزانه‌داران علم و دانشش، و محلّ ودیعه نهادن حکمتش، و ترجمه‌کنندگان وحیش، و پایه‌های

لِتَوْحِيدِهِ، وَسُفَرٰآءَ عَنْهُ، وَشُهَدٰآءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَسْبٰاباً إِلَيْهِ،

توحیدش، و نمایندگان از طرف او، و گواهان بر آفریدگانش، و راه‌های به سوی او،

وَأَعْلٰاماً لِعِبٰادِهِ، وَمَنٰاراً فِي بِلٰادِهِ، وَسُبُلًا إِلىٰ جَنَّتِهِ، وَأَدِلّٰآءَ

وعلامت‌های آشکارکنندهٔ راه برای بندگانش، و محلّ‌های نورافشانی درشهرهایش، و راه‌های روشن به سوی بهشتش، ونشان‌دهندگان

عَلىٰ صِرٰاطِهِ. عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ،

راهش قرار داد. خداوند شما را از گناه مصون داشت، و از هر گونه عیب مبرّا گردانید،

وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ، وَجَنَّبَكُمُ الْاٰفٰاتِ، وَوَقٰاكُمُ السَّيِّئٰاتِ،

و بر رازها امین دانست، و از آفت‌ها و گزندها دور ساخت، و از بدی‌ها و زشتی‌ها حفظ کرد،

وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَالزَّيْغِ، وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَالْخَطٰآءِ،

و از ناپاکی و انحراف پاک فرمود، و از لغزش و خطا برکنار نمود،

وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَاٰمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَاسْتَرْعٰاكُمُ الْأَنٰامَ،

و هرگونه پلیدی و آلودگی را از شما (اهل بیت) دور نمود، و شما را از فتنه‌ها ایمن نگه داشت، و شما را نگهبان مردم قرار داد،

وَفَوَّضَ إِلَيْكُمُ الْاُمُورَ، وَجَعَلَ لَكُمُ التَّدْبِيرَ، وَعَرَّفَكُمُ الْأَسْبٰابَ،

و امور را به سوی شما واگذار نمود، و تدبیر کارها را برای شما قرار داد، و از سبب‌ها و دست‌آویزها آگاه نمود،

وَأَوْرَثَكُمُ الْكِتٰابَ، وَأَعْطٰاكُمُ الْمَقٰالِيدَ، وَسَخَّرَ لَكُمْ مٰا خَلَقَ.

و وارث کتاب گردانید، و کلیدها را به شما عطا کرد، و آنچه آفریده مسخّر شما نمود،

فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَهَبْتُمْ عَظَمَتَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ،

و شما در برابر جلال و شکوه او تعظیم نمودید، و شأن او را بزرگ، و عظمتش را گرامی داشتید، و کرم او را تمجید،

وَأَدْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ عَرىٰ طاعَتِهِ،

و یادش را ادامه دادید، و عهد و پیمانش را استوار، و قرارداد طاعت او و رشتهٔ فرمانبرداریش را محکم ساختید،

وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ

و برای او در پنهان و آشکار به نصیحت پرداختید، و با حکمت و پند

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ في مَرْضاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ

و اندرزهای نیکو مردم را به راه او فراخواندید، و برای جلب رضا و خشنودی او بذل جان نمودید، و

عَلىٰ ما أَصابَكُمْ في جَنْبِهِ، وَصَدَعْتُمْ بِأَمْرِهِ، وَتَلَوْتُمْ كِتابَهُ،

بر آنچه در کنارش به شما وارد شد شکیبا بودید، و امر و فرمانش را آشکارا بیان کردید، و کتابش را تلاوت کردید،

وَحَذَّرْتُمْ بَأْسَهُ، وَذَكَّرْتُمْ أَيّامَهُ، وَوَفَيْتُمْ بِعَهْدِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ،

و از خشم و عذاب او برحذر داشتید، و ایّام الله را یادآوری نمودید، و به عهد و پیمانش وفا کردید، و نماز را بپا داشتید،

وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ

و زکات پرداختید، و به خوبی‌ها دستور دادید، و از زشتی‌ها و ناپسندها بازداشتید،

فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَجادَلْتُمْ بِالَّتي هِيَ أَحْسَنُ، حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ

و در راه خدا به تمام معنا جهاد کردید آنگونه که سزاوار بود، و به آن روشی که نیکو بود مجادله نمودید، تا

دَعْوَتَهُ، وَقَمَعْتُمْ عَدُوَّهُ، وَأَظْهَرْتُمْ دينَهُ، وبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ

دعوت او را آشکار، و دشمنش را سرکوب، و دینش را پیروز ساختید، و واجبات آن را بیان، و

حُدُودَهُ، وَشَرَعْتُمْ أَحْكامَهُ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ في ذٰلِكَ مِنْهُ

حدودش را اجرا کردید، و احکام آن را قانون نهادید، و سنّت آن را وضع نمودید، و در این مورد

إِلَى الرِّضا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ.

به رضا و خشنودی او منتهی شدید، و در قضا و سرنوشت تسلیم او شدید، و رسولان گذشتهٔ او را تصدیق نمودید.

اَلرّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ، وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ عَنْكُمْ زاهِقٌ،

کسی‌که از شما روی گرداند از دین خارج گشته، وکسی‌که با شما باشد به حقّ پیوسته، وکسی‌که نسبت به شما کوتاهی کند به حق نرسیده است،

وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ،

و حق با شما و در شما و از شما و به سوی شما است، و شما شایستهٔ آن و معدنش هستید،

وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ،

و میراث پیامبری نزد شما، و بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر عهدهٔ شما است،

وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَآياتُهُ لَدَيْكُمْ، وَعَزائِمُهُ فيكُمْ، وَنُورُهُ

و حکم قطعی و نهایی که حقّ و باطل را فیصله دهد، و آیات و نشانه‌های او نزد شما است، و ارادهٔ قوی او در شما، و نور او

مَعَكُمْ، وَبُرْهانُهُ مِنْكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللهَ،

با شما، و برهان او از شما بروز می‌کند، و امر او متوجّه شما است. کسی که شما را سرپرست خود قرار دهد در واقع خدا را سرپرست خود قرار داده،

وَمَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنِ

و هر کس شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر کس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس

اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ، أَنْتُمْ يا مَوالِيَّ وَنِعْمَ الْمَوالي،

به شما پناه ببرد به خدا پناه برده است، شما ای سروران من؛ - که خوب سرورانی هستید -

اَلسَّبيلُ الْأَعْظَمُ، وَالصِّراطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ، وَشُفَعاءُ

شاهراه بزرگ، و راه استوارید، و گواهان در این سرای فانی، و شفیعان آخرتید که

دارِ الْبَقاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمانَةُ

سرای باقی و جاودان است، و رحمت پیوسته، و آیت و نشانهٔ شگفت‌انگیز ذخیره‌شده، و امانت

الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبابُ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّاسُ. مَنْ أَتاكُمْ نَجا، وَمَنْ

نگهداری شده‌اید، و درگاهی هستید که مردم به وسیلهٔ آن آزموده می‌شوند. هر کس به شما بپیوندد اهل نجات است و هر کس

أَباكُمْ هَوىٰ، إِلَى اللهِ تَدْعُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ

امتناع ورزد هلاک می‌گردد، به سوی خدا دعوت می‌کنید، و به او ایمان دارید، و تسلیم فرمان او هستید، و به دستورش

تَعْمَلُونَ، وَإِلىٰ سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، وَإِلَيْهِ تُنيبُونَ،

عمل می‌کنید، و به راه او ارشاد می‌نمائید، و به گفتار او حکم می‌کنید، و به پیشگاه او انابه و بازگشت دارید،

وَإِيّاهُ تُعَظِّمُونَ، سَعَدَ مَنْ والاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عاداكُمْ، وَخابَ مَنْ

و او را تعظیم می‌نمائید، هر کس ولایت شما را پذیرفت به سعادت رسید، و هر کس با شما دشمنی کرد هلاک گردید، و هر کس

جَهَلَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فٰارَقَكُمْ، وَفٰازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ

شما را نشناخت ناکام، و هر کس از شما جدا گردید گمراه، و هر کس به شما پیوست کامیاب و پیروز شد، و کسی که به شما

لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ. مَنِ

پناهنده گردید ایمنی یافت، و کسی که شما را تصدیق کرد سالم ماند، و کسی که به دامن شما چنگ زد هدایت شد. هر کس

اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوٰاهُ، وَمَنْ خٰالَفَكُمْ فَالنّٰارُ مَثْوٰاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ

از شما پیروی کند بهشت جایگاه او است، و هر کس با شما مخالفت کند دوزخ منزلگاه او است، و هر کس شما را انکار کند

كٰافِرٌ، وَمَنْ حٰارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَفي أَسْفَلِ دَرَكِ

کافر است، و هر کس با شما نبرد کند مشرک است، و هر کس شما و گفتار شما را رد کند در پائین‌ترین مرتبهٔ

الْجَحيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هٰذٰا سٰابِقٌ لَكُمْ فيمٰا مَضىٰ، وَجٰارٍ لَكُمْ فيمٰا

دوزخ است، گواهی می‌دهم که اینها همه در گذشته برای شما پیشی گرفته، و در آینده

بَقِيَ، وَأَنَّ أَنْوٰارَكُمْ وَأَجْسٰادَكُمْ وَأَشْبٰاحَكُمْ وَظِلٰالَكُمْ وَأَرْوٰاحَكُمْ

نیز جاری است، و اینکه انوار و اجساد و اشباح و سایه‌ها و ارواح

وَطينَتَكُمْ وٰاحِدَةٌ، جَلَّتْ وَعَظُمَتْ وَبُورِكَتْ وَقُدِّسَتْ وطٰابَتْ

و سرشت شما یکی است، باشکوه و عظمت و برکت و مقدّس و پاک

وَطَهُرَتْ بَعْضاً مِنْ بَعْضٍ، لَمْ تَزٰالُوا بِعَيْنِ اللهِ وَعِنْدَهُ، وَفي

و پاکیزه گردیده برخی از برخی دیگر، پیوسته در مراقبت خدا و در پیشگاه او هستید، و امر و

مَلَكُوتِهِ تَأْمُرُونَ، وَلَهُ تَخْلُفُونَ، وَإِيّٰاهُ تُسَبِّحُونَ، وَبِعَرْشِهِ

فرمان شما در ملکوت عالم نیز نافذ است، و برای او جانشینی می‌کنید، و او را تسبیح می‌گوئید، و اطراف عرش او

مُحْدِقُونَ، وَبِهِ حٰافُّونَ، حَتّٰى مَرَّ بِكُمْ عَلَيْنٰا، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ

حلقه زده و گرد آن برآمده تا آنکه شما را پیش ما آورد، پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که

أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فيهٰا بِالْغُدُوِّ

اذن و فرمان داد بلندمرتبه گردد و نام او در آن‌ها یاد شود، و صبح و شام او را در آن تسبیح گویند،

وَالْآصٰالِ، رِجٰالٌ تَوَلّىٰ عَزَّ ذِكْرُهُ تَطْهيرَهٰا، وَأَمَرَ خَلْقَهُ بِتَعْظيمِهٰا،

مردانی که پاکی ایشان راخداوندی که یادش ارجمند است به‌عهده‌گرفته، و خلق خود را به تعظیم وبزرگداشت آنان دستور داده است،

فَرَفَعَهٰا عَلىٰ كُلِّ بَيْتٍ قَدَّسَهُ فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلاهٰا عَـلىٰ كُـلِّ

پس خانه‌هایشان را بر هر خانه‌ای که در روی زمین او را تقدیس می‌کنند رفعت بخشیده، و بر هر خانه‌ای که

بَيْتٍ طَهَّرَهُ فِي السَّمٰآءِ، لٰايُوٰازِيهٰا خَطَرٌ، وَلٰايَسْمُو إِلٰى سَمَكِهَا

او را در آسمان طاهر گردانیده برتری داده است، هیچ قدر و منزلتی در ردیف آن قرار نمی‌گیرد، و به سقف آن

الْبَصَرُ، وَلٰايَطْمَعُ إِلىٰ أَرْضِهَا النَّظَرُ، وَلٰايَقَعُ عَلىٰ كُنْهِهَا الْفِكَرُ،

دیده‌ای بالا نمی‌رود، و به زمین آن نگاهی طمع نمی‌کند، و هیچ فکر و اندیشه‌ای به کُنه آن و حقیقتش راه نمی‌یابد،

وَلٰايُعٰادِلُ سُكّٰانَهَا الْبَشَرُ، يَتَمَنّٰى كُلُّ أَحَدٍ أَنَّهُ مِنْكُمْ، وَلٰاتَتَمَنَّوْنَ

و هیچ بشری با ساکنان آن برابری نمی‌کند، هر کسی از آنان آرزو می‌کند که از شما باشد، و شما هیچ‌گاه آرزو نمی‌کنید

أَنَّكُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ، إِلَيْكُمُ انْتَهَتِ الْـمَكٰارِمُ وَالشَّـرَفُ، وَمِـنْكُمُ

که از غیر خودتان باشید، همهٔ مکرمت‌ها و شرافت‌ها به شما منتهی می‌گردد، و همهٔ

اسْتَقَرَّتِ الْأَنْوٰارُ وَالْعِزَّةُ وَالْمَجْدُ وَالسُّؤْدَدُ، فَمٰا فَوْقَكُمْ أَحَدٌ إِلَّا

روشنی‌ها و عزّت و شکوه و بزرگی از شما ثابت گشته و قرار یافته است، پس برتر از شما هیچ کس جز

اللّٰهُ الْكَبِيرُ الْمُتَعٰالُ، وَلٰا أَقْرَبَ إِلَيْهِ وَلٰا أَخَصَّ لَدَيْهِ، وَلٰا أَكْرَمَ

خداوند بزرگ بلندمرتبه نیست، و کسی نزدیکتر به درگاه او و خصوصی‌تر در پیشگاه او، و گرامی‌تر

عَلَيْهِ مِنْكُمْ. أَنْتُمْ سَكَنُ الْبِلٰادِ، وَنُورُ الْعِبٰادِ، وَعَلَيْكُمُ الْإِعْتِمٰادُ

نزد او از شما نیست. شما آرامش شهرها، و روشنی‌بخش بندگان هستید، و تکیه و اعتماد در

يَوْمَ التَّنٰادِ، كُلُّ مٰا غٰابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ أَوْ أَفَلَ مِنْكُمْ نَجْمٌ، أَطْلَعَ

روز قیامت بر شما است، هر گاه از شما حجّتی پنهان گردد یا ستاره‌ای ناپدید شود،

اللّٰهُ لِخَلْقِهِ عَقِبَهُ خَلَفاً، إِمٰاماً هٰادِياً، وَبُرْهٰاناً مُبِيناً، وَعَلَماً نَيِّراً،

خداوند برای آفریدگانش بعد از او جانشینی را ظاهر نماید که پیشوای هدایتگر، و برهان آشکار، و علامتی نوردهنده و درخشان باشد،

وٰاعٍ عَنْ وٰاعٍ، وَهٰادٍ بَعْدَ هٰادٍ، حَزَنَةً حَـفَظَةً، لٰايَـغِيضُ عَـنْكُمْ

حفظ‌کننده‌ای (بعد) از حفظ‌کننده‌ای، و هدایتگری بعد (از) هدایتگری، دلسوز و نگهدار، کم نمی‌کند از شما

غَزَرَهُ، وَلٰايَنْقَطِعُ مَوٰادَّهُ، وَلٰايَسْلُبُ مِنْكُمْ إِرْثَهُ، سَبَباً مَوْصُولاً

فراوانی‌اش را، و قطع نمی‌گرداند مایهٔ اصلی و موادّش را، و نمی‌گیرد از شما ارثش را، رشتهٔ اتّصال و ارتباطی است

مِنَ اللهِ إِلَيْكُمْ، وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنا، وَنُوراً مِنْهُ لَنا، وَحُجَّةً مِـنْهُ

از خدا به سوی شما، و رحمت و لطفی است از او بر ما، و نوری است از ناحیهٔ او برای ما، و حجّتی است از جانب او

عَلَيْنا، تُرْشِدُونَنا إِلَيْهِ، وَتُقَرِّبُونَنا مِنْهُ، وَتُزْلِفُونَنا لَدَيْهِ، وَجَعَلَ

بر ما، ما را به سوی او ارشاد می‌کنید، و به درگاه او نزدیک می‌گردانید، و در پیشگاه او مقام و منزلت می‌بخشید، و

صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ، وَذِكْرَنا لَكُمْ، وَما خَصَّنا بِـهِ مِـنْ وِلايَـتِكُمْ،

صلوات و درود ما را بر شما، و یادی که از شما می‌کنیم، و آنچه ویژهٔ ما گردانیده از ولایت شما،

وَعَرَّفَنا مِنْ فَضْلِكُمْ، طِيباً لِخَلْقِنا، وَطَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَبَرَكَةً فِينا،

و آگاهی بخشیده از فضیلت شما، همه را وسیلهٔ پاکیزگی آفرینش ما، و پاکی جان و روح ما، و برکت در وجود ما قرار داده است،

إِذْ كُنَّا عِنْدَهُ مَوْسُومِينَ [فِيكُمْ]، مُعْتَرِفِينَ بِفَضْلِكُمْ، مَـعْرُوفِينَ

که ما نزد او دارای نشان (در مورد شما) بودیم، به فضیلت و برتری شما اعترافکننده،

بِتَصْدِيقِنا إِيَّاكُمْ، مَذْكُورِينَ بِطاعَتِنا لَكُمْ، وَمَشْهُورِينَ بِإِيمانِنا

و به تصدیق شما شناخته‌شده، و به فرمانبرداری شما یادشده بودیم، و به ایمان‌داشتن به شما مشهور بودیم.

بِكُمْ. فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ، وَأَعْلىٰ مَنازِلِ

پس خداوند شما را به ارزشمندترین جایگاه گرامی‌شدگان، و بالاترین منزلگاه

الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لايَـلْحَقُهُ لاحِـقٌ،

مقرّبان، و رفیع‌ترین مرتبهٔ رسولان رسانید، به گونه‌ای که هیچ ملحق‌شونده‌ای بدان نپیوندد،

وَلايَفُوقُهُ فائِقٌ، وَلايَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَلايَطْمَعُ فِي إِدْراكِهِ طامِعٌ،

و هیچ برتری‌جوئی به آن برتری نجوید، و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای بدان پیشی نگیرد، و هیچ طمع‌کننده‌ای به دریافت آن طمع نکند،

حَتّىٰ لايَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَـبِيٌّ مُـرْسَلٌ، وَلا صِـدِّيقٌ وَلا

تا آنجا که فرشتهٔ مقرّبی نماند، و نه پیامبر مرسلی، و نه صدّیقی و نه

شَهِيدٌ، وَلا عالِمٌ وَلا جاهِلٌ، وَلا دَنِيٌّ وَلا فاضِلٌ، وَلا مُـؤْمِنٌ

شهیدی، و نه عالمی و نه نادانی، و نه انسان پستی و نه شریفی، و نه مؤمن

صالِحٌ، وَلا فاجِرٌ طالِحٌ، وَلا جَبّارٌ عَنِيدٌ، وَلا شَيْطانٌ مَرِيدٌ، وَلا

درستکاری، و نه گنه‌کار بدکاری، و نه زورگوی عنادپیشه‌ای، و نه شیطان سرکشی، و نه

خَلْقٌ فيمٰا بَيْنَ ذٰلِكَ شٰاهِدٌ مٰا هُنٰالِكَ، إِلّٰا عَرَّفَهُ جَلٰالَةَ أَمْـرِكُمْ،

خلقی که در این میان گواه باشند مگر آنکه معرّفی نمود به او شکوهمندی امر شما،

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَجَلٰالَةَ قَدْرِكُمْ، وَتَمٰامَ نُورِكُمْ،

و عظمت قدر و منزلت شما، و بزرگی شأن شما، و والائی مرتبهٔ شما، و کامل‌بودن نور شما،

وَصِدْقَ مَقْعَدِكُمْ، وَثَبٰاتَ مَقٰامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتَكُمْ

و درستی جایگاه شما، و پایداری مقام شما، و شرافت موقعیّت شما، و منزلت شما

عِنْدَهُ، وَكَرٰامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخٰاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَجْلِسِكُمْ مِنْهُ.

نزد او، و اعزاز و اکرام شما بر او، و خصوصی‌بودن شما در پیشگاه او، و نزدیکی محلّ معنوی شما نسبت به او را.

ثُمَّ جَعَلَ خٰاصَّةَ الصَّلَوٰاتِ وَأَفْضَلَهٰا، وَنٰامِيَ الْبَرَكٰاتِ وَأَشْرَفَهٰا،

سپس قرار داد درودهای ویژه و برترش را، و برکات بالنده و شریفترش را،

وَزٰاكِيَ التَّحِيّٰاتِ وَأَتَمَّهٰا، مِنْهُ وَمِنْ مَلٰآئِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَرُسُلِهِ

و تحیّت‌های پاکیزه و کاملترش را، از ناحیهٔ خودش و فرشتگان مقرّبش، و رسولان

وَأَنْبِيٰآئِهِ الْمُنْتَجَبِينَ، وَالشُّهَدٰآءِ وَالصّٰالِحِينَ، مِنْ عِبٰادِهِ الْمُخْلِصِينَ،

و پیامبران برگزیده‌اش، و شهداء و شایستگان از بندگان بااخلاصش،

كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، أَبَداً عَـلَيْكُمْ أَجْـمَعِينَ. أُشْـهِدُ اللهَ

همواره بر همهٔ شما آن‌گونه که او و شما شایستهٔ آن هستید. خدا را

وَأُشْهِدُكُمْ يٰا مَوٰالِيَّ، بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي أَنّي عَـبْدُكُـمْ،

و شما را ـ ای سروران من؛ ـ گواه می‌گیرم ـ پدر و مادرم و جانم فدای شما ـ که من بندهٔ شما هستم،

وَطُوبٰى لي إِنْ قَبِلْتُمُوني عَبْداً، وَأَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمٰا اٰمَنْتُمْ

و خوشا به حال من اگر مرا به بندگی بپذیرید، و این‌که من به شما ایمان دارم، و به آنچه شما ایمان دارید مؤمنم،

بِهِ، كٰافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمٰا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلٰالَةِ

به دشمن شما و به آنچه شما کفر بورزید کافرم، به شأن و موقعیّت شما، و گمراهی

مَنْ خٰالَفَكُمْ، مُوٰالٍ لَكُمْ، مُحِبٌّ لِأَوْلِيٰآئِكُمْ، وَمُعٰادٍ لِأَعْدٰآئِكُمْ،

مخالفان شما آگاهم، ارادتمند شمایم، ارادتمندانتان را دوست دارم، و با دشمنان شما دشمنم،

لٰاعِنٌ لَهُمْ، مُتَبَرِّئٌ مِنْهُمْ، مُبْغِضٌ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ، حَرْبٌ

آن‌ها را لعن و نفرین می‌کنم، و از آن‌ها بیزارم، و نفرت دارم، هر کس با شما سازش دارد سازش دارم، هر کس با شما در

لِمَنْ حٰارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمٰا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمٰا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ،

نبرد است درنبردم، آنچه را حقّ و درست و راست بدانید حق می‌دانم، و آنچه از نظر شما باطل باشد باطل می‌دانم، من فرمانبردار شما،

عٰارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُقْتَدٍ بِكُمْ، مُسَلِّمٌ لِقَوْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ

آشنا به حقّ شما، اقرارکننده به فضیلت و برتری شما، اقتداکننده به شما، تسلیم گفتار شمایم،

لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُوقِنٌ بِإِيٰابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ،

علم و دانش شما را پذیرا هستم، در پوشش ضمانت شمایم، به بازگشت شما یقین دارم، رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام،

مُنْتَظِرٌ لِأَيّٰامِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، اٰخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عٰامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،

انتظار ایّام شما را می‌کشم، مشتاق دولت شما هستم، گفتهٔ شما را می‌گیرم، امر شما را به کار می‌بندم،

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِكُمْ، مُحْتَرِسٌ بِكُمْ، زٰائِرٌ لَكُمْ، لٰائِذٌ

پناهندهٔ به شما، چنگ‌زننده به ریسمان شما، در حراست و نگهبانی شما هستم، زائر شمایم،

بِقُبُورِكُمْ، عٰائِذٌ بِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ بِكُمْ، وَمُتَوَسِّلٌ بِكُمْ إِلَيْهِ.

به قبور پاک شما پناهنده گشته، به شما پناه آورده‌ام، به واسطهٔ شما به (درگاه) خدا شفاعت می‌طلبم، و به سبب شما به او توسّل می‌جویم.

وَأَنْتُمْ عُدَّتي لِلِقٰائِهِ، وَحَسْبي بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ

و شما ساز و برگ من برای دیدار او هستید، و مرا به شما کفایت است، و به وسیلهٔ شما به او تقرّب می‌یابم، و شما را

أَمٰامَ طَلِبَتي وَحَوٰائِجي، وَإِرٰادَتي في كُلِّ أَحْوٰالي وَاُمُوري، في

پیشاپیش خواسته‌ها و حاجت‌ها و اراده‌ام در همهٔ حالاتم و کارهایم در

دُنْيٰايَ وَديني وَاٰخِرَتي وَمُنْقَلَبي وَمَثْوٰايَ، ومُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

دنیایم و دینم و آخرتم و در هر حرکت و سکونم قرار می‌دهم، و به نهان

وَعَلٰانِيَتِكُمْ، وَشٰاهِدِكُمْ وَغٰائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَاٰخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ في

و آشکار شما، و به حاضر و غایب شما، و اوّل و آخر شما ایمان دارم، و در

ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فيهِ لَكُمْ، وَرَأْيي لَكُمْ مُتَّبَعٌ، وَنُصْرَتي

همهٔ این‌ها کار را به شما واگذار می‌کنم، و در آن تسلیم شما هستم، و رأی و اندیشه‌ام پیرو شما است، و یاریم

لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّٰى يُحْيِيَ اللّٰهُ دينَهُ بِكُمْ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، فَيَرُدَّكُمْ

برای شما آماده است، تا خداوند دین خود را به وسیلهٔ شما زنده گرداند، و برای اجرای عدالتش شما را ظاهر سازد، و

في أَيّٰامِهِ، وَيُقيمَكُمْ لِخَلْقِهِ، ثُمَّ يُمَلِّكَكُمْ في أَرْضِهِ. فَمَعَكُمْ

در ایّام خودش بازگرداند، و برای خلقش بپای دارد، سپس شما را در زمین مالک و پادشاه گرداند. پس با شما هستم،

مَعَكُمْ لٰا مَعَ غَيْرِكُمْ، وَإِلَيْكُمْ إِلَيْكُمْ لٰا إِلىٰ عَدُوِّكُمْ، اٰمَنْتُ بِكُمْ،

با شما هستم نه با غیر شما، و به سوی شما هستم به سوی شما، نه به سوی دشمنان شما، به شما ایمان آورده‌ام،

وَتَوَلَّيْتُ اٰخِرَكُمْ بِمٰا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ مِنْ

و ولایت آخرین شما را پذیرا هستم به همان سنّتی که ولایت اوّلین شما را پذیرفته‌ام، و بیزاری می‌جویم به سوی خدا از

أَعْدٰائِكُمْ، اَلْجِبْتِ وَالطّٰاغُوتِ وَالْأَبٰالِسَةِ وَالشَّيٰاطينِ وَمِنْ حِزْبِهِمْ

دشمنان شما؛ (یعنی) جبت و طاغوت و ابلیس‌ها و شیطان‌ها و از حزب و گروه

وَأَتْبٰاعِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ وَذَويهِمْ، وَالرّٰاضينَ بِهِمْ وَبِفِعْلِهِمْ، اَلصّٰادّينَ

و پیروان، و دوستان و مدافعان ایشان، و آنان‌که به آن‌ها و کارشان راضی و خشنودند،

عَنْكُمْ، اَلظّٰالِمينَ لَكُمْ، اَلْجٰاحِدينَ حَقَّكُمْ، اَلْمُفٰارِقينَ لَكُمْ،

از شما روی‌گردانند، به شما ستم کردند، حقّ شما را نشناختند، از شما جدا گشتند،

اَلْغٰاصِبينَ إِرْثَكُمْ، وَالشّٰآقّينَ فيكُمْ، وَالْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ

ارث شما را غصب کردند، و در مورد شما ناسازگاری نمودند و مخالفت کردند، و از شما برگشتند، و از

كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ. وَثَبَّتَنِيَ اللّٰهُ أَبَداً مٰا حَييتُ وَبَعْدَ وَفٰاتي عَلىٰ

هر دست‌آویزی و همدمی غیر از شما (بیزارم). و خداوند همواره تا زنده هستم و پس از وفاتم مرا بر

مُوٰالاٰتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ، وَوَفَّقَني لِطٰاعَتِكُمْ، وَرَزَقَني

ولایت و دوستی و دین شما ثابت بدارد، و به اطاعت و فرمانبردای از شما موفّق سازد، و

شَفٰاعَتَكُمْ، وَجَعَلَني مِنْ خِيٰارِ مَوٰاليكُمْ، اَلتّٰابِعينَ مٰا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ،

شفاعت شما را روزی من گرداند، و مرا از بهترین ارادتمندان و نوکران شما قرار دهد، از آنانکه به آنچه فرامی‌خوانید متابعت می‌کنند،

مِمَّنْ يَقْفُو اٰثٰارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ، وَيَقْتَدي بِهُديٰكُمْ، وَيَقْتَصُّ

و دنباله‌رو آثار شما هستند، و راه شما را می‌پیمایند، و از راهنمائی شما پیروی می‌نمایند، و در پی

مِنْهاجَكُمْ، وَيَكُونُ مِنْ حِزْبِكُمْ، وَيَتَعَلَّقُ بِحُجْزَتِكُمْ، وَيُحْشَرُ في

راه روشن شما، و از حزب و گروه شما، و دست به دامن شما هستند، و در

زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ

زمرهٔ شما محشور می‌شوند، و در رجعت شما بازمی‌گردند، و در دولت شما به حکومت می‌رسند، و

في عافِيَتِكُمْ، وَيُمَكَّنُ في أَيّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ.

در عافیت شما شریف و بزرگوار، و در ایّام شما توانا و مقتدر می‌شوند، و چشمانشان فردا به دیدار شما روشن می‌گردد.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ،

پدر و مادرم و جانم و اهل و عیالم و آنچه دارم همه فدای شما باد، هر کس خدا را اراده کرد به شما آغاز نمود

وَمَنْ أَحَبَّهُ اتَّبَعَكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ

و هر کس او را دوست داشت از شما پیروی می‌کرد، و هر کس او را به یکتائی توصیف کرد و بی‌همتا دانست از شما پذیرفت، و هر کس آهنگ او

بِكُمْ. لا اُحْصي يا مَوالِيَّ فَضْلَكُمْ، وَلا أَعُدُّ ثَناءَكُمْ، وَلا أَبْلُغُ مِنَ

کرد به شما روی آورد، فضائل شما را ـ ای سروران من؛ ـ نمی‌توانم گردآوری کنم، و ثناء و خوبی‌های شما را شماره نمایم، و با

الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ. أَنْتُمْ نُورُ الْأَنْوارِ، وَهُداةُ

مدح‌کردن به گوهر وجود شما، و با توصیف‌کردن به مقدار حرمت شما نمی‌رسم. شما روشنی‌بخش روشنی‌ها، و هدایتگر

الْأَبْرارِ، وَأَئِمَّةُ الْأَخْيارِ، وَأَصْفِياءُ الْجَبّارِ. بِكُمْ فَتَحَ اللهُ، وَبِكُمْ

نیکان، و پیشوای خوبان، و برگزیدهٔ خدای قاهرید. خدا به شما آغاز کرد، و به شما

يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ،

پایان می‌بخشد، و به سبب شما آسمان را از فروافتادن بر زمین جز به اذن و فرمان خودش نگهداشته است،

وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَيُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ السُّوءَ، وَيَدْفَعُ الضُّرَّ،

و به واسطهٔ شما باران را فرو می‌فرستد، و اندوه را می‌برد، و بدی را برطرف می‌کند، و ضرر و زیان را دور می‌گرداند،

وَيُغْنِي الْعَديمَ، وَيُشْفِي السَّقيمَ، بِمَنْطِقِكُمْ نَطَقَ كُلُّ لِسانٍ، وَبِكُمْ

و نادار را دارایی، و بیمار را شفا می‌دهد، به سخن شما هر زبانی گویا گردید، و به وسیلهٔ شما

سَبَّحَ السُّبُّوحُ الْقُدُّوسُ، وَبِتَسْبيحِكُمْ جَرَتِ الْأَلْسُنُ بِالتَّسْبيحِ،

تسبیح‌کننده گفت خداوند بسیار منزّه و مقدّس است، و به تسبیح شما زبان‌ها به تسبیح جریان یافت،

فيكُمْ نَزَلَتْ رُسُلُهُ، وَعَلَيْكُمْ هَبَطَتْ مَلآئِكَتُهُ، وَإِلَيْكُمْ بُعِثَ

در پیشگاه شما فرستادگانش نازل گردیده‌اند، و فرشتگانش فرود آمده‌اند، و به سوی شما

الرُّوحُ الْأَمينُ، وَاٰتاكُمُ اللهُ مٰا لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعٰالَمينَ. طَأْطَأَ

روح الأمین برانگیخته شده است، و به شما عطا کرده آنچه را که به هیچ یک از جهانیان عطا نکرده است.

كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطٰاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ

هر شریفی برای شرف شما سر فرود آورده، و هر متکبّر مغروری برای طاعت شما گردن نهاده، و هر

جَبّٰارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ.

طغیانگر سرکشی در برابر فضل و برتری شما فروتنی نموده، و هر چیز برای شما رام گشته و ذلیل است، و زمین به نور شما روشن و تابناک گشته.

فَفٰازَ الْفٰائِزُونَ بِكُمْ، وبِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوٰانِ، وَعَلىٰ مَنْ

پس پیروزمندان به سبب شما پیروز و کامیاب شدند، و به وسیلهٔ شما راه به سوی رضوان پیموده می‌شود، و بر آن کسی که

يَجْحَدُ وِلٰايَتَكُمْ يَغْضِبُ الرَّحْمٰانُ. بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي

ولایت شما را نشناسد خداوند مهربان غضب می‌کند. پدرم، مادرم، جانم،

وَأَهْلي وَمٰالي، ذِكْرُكُمْ فِي الذّٰاكِرينَ، وَأَسْمٰآؤُكُمْ فِي الْأَسْمٰآءِ،

اهل و عیالم و همهٔ آنچه دارم فدای شما باد، یاد شما در میان یادکنندگان، و نام‌های مقدّس شما در میان نام‌ها،

وَأَجْسٰادُكُمْ فِي الْأَجْسٰادِ، وَأَرْوٰاحُكُمْ فِي الْأَرْوٰاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ

و اجساد مطهّر شما در میان اجساد، و ارواح پاک شما در میان ارواح، و جان‌های شما

فِي النُّفُوسِ؛ فَمٰا أَحْلىٰ أَسْمٰآءَكُمْ، وَأَكْرَمَ نُفُوسَكُمْ، وَأَعْظَمَ

در میان جان‌ها است؛ پس چه چیز نام‌های مبارک شما را شیرین، و جان‌های شما را گرامی، و

شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ أَخْطٰارَكُمْ، وَأَعْلىٰ أَقْدٰارَكُمْ، وَأَوْفىٰ عَهْدَكُمْ،

شأن و مرتبهٔ شما را عظیم، و ارزش شما را والا، و منزلت شما را بلند، و شما را به عهد و پیمان باوفا،

وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ. كَلٰامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ

و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما روشنی‌بخش، و امر و فرمانتان باعث رشد و کمال، و سفارش شما

التَّقْوىٰ، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَعٰادَتُكُمُ الْإِحْسٰانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ،

پای‌بند به تقوا، و کردار شما همهٔ خوب، و خوی شما نیکی کردن، و سرشت شما جوانمردی و گذشت،

وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ

و شأن شما حقّ، و رأی و عقیدهٔ شما آگاهی و دوراندیشی است، اگر از خیر و خوبی یاد شود شما اوّل و ابتدای آن

وَأَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمّي

و اصل و فرع آن و معدن و جایگاه و منزلگاه و نهایتش هستید. پدر و مادرم

وَنَفْسي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ، وَأُحْصي جَميلَ بَلائِكُمْ،

و جانم فدای شما؛ مدح و ثنای نیکوی شما را چگونه وصف کنم، و آزمون نیکوی شما را شماره نمایم؟

وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ، وَأَطْلَقَ عَنّا رَهائِنَ الْغِلِّ، وَوَضَعَ عَنّا

و به واسطهٔ شما خدا ما را از خواری و ذلّت رهانید، و از غل‌ها و زنجیرهائی که ما در گرو آن بودیم آزاد ساخت، و

الْآصارَ، وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنا مِنْ شَفا حُفْرَةٍ مِنَ

بارهای سنگین را از دوش ما فرو نهاد، و غم‌ها و گرفتاری‌های انبوه را از ما برطرف نمود، و از لب پرتگاههای نابودی

النّارِ. بِمُوالاتِكُمْ أَظْهَرَ اللهُ مَعالِمَ دينِنا، وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ

نجات داد. با (پذیرش) ولایت شما خداوند نشانه‌ها و علامت‌های راهنمائی‌کنندهٔ دین‌مان را آشکار ساخت، و آنچه

مِنْ دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ

از دنیای ما فاسد و تباه گشته بود اصلاح کرد، و با ولایت شما دلیل و حجّت کامل گردید، و نعمت عظیم گشت، و

الْفُرْقَةُ، وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَأَعْظَمُ بِها طاعَةً،

پراکندگی از بین رفت، و با (پذیرش) ولایت شما اطاعت واجب الهی پذیرفته می‌شود، و طاعت عظمت و ارزش پیدا می‌کند،

وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَأَكْرَمُ بِها مَوَدَّةً؛ لَكُمُ الدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ،

و مودّت و اظهار دوستی که واجب است از آن شما است، و به خاطر موالات شما مودّت باارزش‌تر می‌شود؛ شما دارای مراتب رفیع،

وَالْأَنْوارُ الزّاهِرَةُ، وَالْمَقامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ، وَالْجاهُ الْعَظيمُ،

و انواری درخشان، و جایگاهی شناخته‌شده نزد خداوند هستید، و مقام شما عظیم

وَالْقَدْرُ الْجَليلُ، وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. ﴿رَبَّنا آمَنّا

و منزلت شما والا، و شأن شما بزرگ، و شفاعت شما مورد قبول است. «پروردگارا؛ به آنچه

بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ﴾[1]، ﴿رَبَّنا لا تُزِغْ

فرو فرستاده‌ای ایمان آورده و از فرستاده‌ات پیروی کردیم، پس ما را با گواهان بنویس»، «پروردگارا؛

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۵۳.

قُلُوبَنٰا بَعْدَ إِذْ هَـدَيْتَنٰا وَهَبْ لَـنٰا مِـنْ لَـدُنْكَ رَحْـمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

دل‌های ما را پس از آنکه هدایت فرمودی منحرف مگردان، و از ناحیهٔ خود رحمتی بر ما ببخش، براستی تو

الْوَهّٰابُ﴾[1]، ﴿رَبَّنٰا إِنَّنٰا سَمِعْنٰا مُنٰادِياً يُنٰادي لِـلْإِيمٰانِ أَنْ اٰمِـنُوا

بسیار بخشنده‌ای»، «پروردگارا؛ همانا ما شنیدیم که منادی ایمان ندا می‌داد: به پروردگارتان ایمان آورید،

بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنّٰا﴾[2]. لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ مُجٰاباً، وَمُسْمِعاً جَلِيلًا، وَمُنٰادِياً

پس ایمان‌آوردیم». خداوندا؛ گوش به فرمان توأم، تو را لبّیک می‌گویم که اجابت‌شده‌ای، ای به‌گوش‌رسانندهٔ بلندمرتبه، و ای‌ندادهندهٔ

عَظِيماً، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، تَبٰارَكْتَ وَتَعٰالَيْتَ وَتَجٰالَلْتَ، وَتَكَبَّرْتَ

باعظمت، گوش به فرمان توأم و تو را کمک می‌کنم، برکت‌آفرین و بلندمرتبه‌ای، والامقام و بزرگی،

وَتَعَظَّمْتَ وَتَقَدَّسْتَ، لَبَّيْكَ رَبَّنٰا وَسَعْدَيْكَ، إِقْرٰاراً بِـرُبُوبِيَّتِكَ،

و باعظمت و پاکی، ای پروردگار ما؛ گوش به فرمان توأم، و تو را مساعدت و کمک می‌کنم، به پروردگاریت اقرار می‌کنم،

وَإِيقٰاناً بِكَ، وَتَصْدِيقاً بِكِتٰابِكَ، وَوَفٰآءً بِعَهْدِكَ، هٰا أَنَا ذٰا عَبْدُكَ

و به تو یقین دارم، و کتابت را تصدیق می‌نمایم، و به عهد و پیمانت وفادارم، اکنون من آن بندهٔ تو هستم

بَيْنَ يَدَيْكَ، لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، تَلْبِيَةَ الْخٰآئِفِ مِنْكَ، اَلرّٰاجي لَكَ،

در پیشگاهت گوش به فرمان توأم، خداوندا؛ ندای تو را جواب می‌دهم، لبّیک کسی که از تو بیمناک است، به تو امید دارد،

اَلْمُسْتَجِيرِ بِكَ، رَضِينٰا وَأَحْبَبْنٰا وَسَمِعْنٰا وَأَطَعْنٰا غُـفْرٰانَكَ رَبَّـنٰا

به تو پناه آورده است، خشنودیم و دوست داریم و شنیدیم و اطاعت نمودیم و آمرزش تو را خواهانیم ای پروردگار ما،

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَأَنْتَ إِلٰهُنٰا وَمَوْلاٰنٰا. لَبَّيْكَ دٰاعِيَ اللهِ إِنْ كٰانَ

و بازگشت کار و سرانجام آن به سوی تو است، و تو معبود ما و سرور ما هستی. ندای تو را جواب می‌دهم ای دعوت‌کنندهٔ ما به سوی خدا؛ اگر

لَمْ يُجِبْكَ بَدَني، وَلَمْ أُدْرِكْ نُصْرَتَكَ، فَهٰا أَنَا ذٰا عَبْدُكَ وَزٰآئِرُكَ،

تو را بدنم پاسخ نگفت، و به یاریت نشتافت، اکنون این بندهٔ تو و دیدارکنندهٔ تو،

وَزٰآئِرُ اٰلِكَ وَعِتْرَتِكَ، وَالْمُحِلُّ بِسٰاحَتِكُمْ، قَدْ أَجٰابَكُمْ قَلْبي وَنَفْسي

و زیارت‌کنندهٔ خاندان و عترت تو، و واردشونده به ساحت مقدّس شما است، شما را قلب و جان

وَرُوحي وَسَمْعي وَبَصَري بِـالتَّسْلِيمِ وَالْإِيـمٰانِ بِكَ، وَبِأَخِـيكَ

و روح و گوش و چشمم پاسخ گفته است با سر تسلیم فرودآوردن و ایمان آوردن به تو، و برادر

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۸. ۲. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۹۳.

وَوَصِيِّكَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيّينَ، وَابْنَتِكَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ

و وصیّ و جانشینت امیر مؤمنان، و سرور اوصیاء، و دخترت فاطمه سرور

نِسآءِ الْعالَمينَ، وَسِبْطَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ

زنان عالمیان، و دو سبط عزیزت امام حسن و امام حسین، دو سرور جوانان اهل

الْجِنانِ، وَبِالْأَدِلّآءِ عَلَى اللهِ، اَلْأَئِمَّةِ مِنْ عِتْرَتِكَ وَذُرِّيَّتِكَ الطّاهِرينَ،

بهشت، و به آن‌ها که دلیل و راهنما هستند بر خداوند، (یعنی) امامان از عترت و ذرّیّهٔ پاکت،

وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّى يَحْكُمَ اللهُ بِإِذْنِهِ، وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ.

و یاری من برای شما آماده است، تا خداوند به اذن و فرمانش حکم کند، و او بهترین حکم‌کنندگان است.

لَبَّيْكَ يا رَسُولَ اللهِ، سَعْياً إِلَيْكَ وَإِقْبالاً، لَبَّيْكَ يا نَبِيَّ اللهِ، تَعَلُّقاً

ندای تو را پاسخ می‌دهم ای رسول خدا؛ به سویت شتابان و به تو روی آورده‌ام، ندای تو را جواب می‌دهم ای پیامبر خدا؛

بِحَبْلِكَ وَاعْتِصاماً، لَبَّيْكَ يا حَبيبَ اللهِ، تَعَوُّداً بِكَ وَلِواذاً، لَبَّيْكَ يا

به ریسمان تو وابسته و پیوسته‌ام، ندای تو را پاسخ می‌دهم ای حبیب خدا؛ به سوی تو بازگشته‌ام و پناهنده گشته‌ام، ندای تو را پاسخ می‌دهم ای

نُورَ اللهِ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، يا خِيَرَةَ اللهِ، يا أَبَا الْقاسِمِ، تَذَلُّلاً

نور خدا؛ ای محمّد بن عبدالله؛ ای برگزیدهٔ خدا؛ ای ابا القاسم؛ در برابر

لِعِزَّتِكَ، وَطاعَةً لِأَمْرِكَ، وَقَبُولاً لِقَوْلِكَ، وَدُخُولاً في نُورِكَ، وَإيماناً

عزّتت ذلیل و خوارم، و به امر تو فرمانبردارم، و گفتارت را پذیرا هستم، و در نور و روشنائی تو وارد گشته‌ام، و

بِكَ وَبِأَخيكَ وَوَصِيِّكَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَآلِكَ وَعِتْرَتِكَ الطّاهِرينَ،

به تو و به برادرت و وصیّ و جانشینت امیر مؤمنان و خاندان و عترت پاکت ایمان آورده‌ام،

وَتَصْديقاً بِما جِئْتَنا بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّكَ. ﴿رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا

و آنچه برای ما از نزد پروردگارت آورده‌ای راست و درست می‌دانم. «پروردگارا؛ گناهان ما را بیامرز،

وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ * رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا

و از زشتی‌های ما چشم‌پوشی کن، و ما را با نیکان بمیران * پروردگارا؛ به ما عنایت کن آنچه را که

عَلى رُسُلِكَ وَلاتُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لاتُخْلِفُ الْميعادَ﴾[1]،

بر رسولانت وعده فرمودی، و ما را روز قیامت خوار و سرافکنده مگردان، که تو خلاف وعده نمی‌کنی»،

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۹۳ و ۱۹۴.

رَبَّنٰا اٰتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنٰا بِرَحْمَتِكَ

پروردگارا؛ به ما در دنیا نیکی، و در آخرت نیکی مرحمت فرما، و به رحمت خویش از

عَذٰابَ النّٰارِ، ﴿سُبْحٰانَ رَبِّنٰا إِنْ كٰانَ وَعْدُ رَبِّنٰا لَمَفْعُولاً﴾[1]،

عذاب دوزخ نگهدار، «پاک و منزّه است پروردگار ما و وعدهٔ پروردگارمان حتماً انجام شده است»،

﴿سُبْحٰانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّٰا يَصِفُونَ * وَسَلٰامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ *

«پاک و منزّه است پروردگارت صاحب عزّت و شکوه از آنچه توصیف می‌کنند * و سلام بر فرستاده‌شدگان،

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ﴾[2]. أَللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ أَنَّ هٰذِهِ قُبُورُ

و سپاس و ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است». خداوندا؛ تو را گواه می‌گیرم که این‌ها قبور پاک

أَوْلِيٰآئِكَ وَمَشٰاهِدُهُمْ وَاٰثٰارُهُمْ، وَمُغَيَّبُهُمْ وَمَعٰارِجُهُمْ، اَلْفٰآئِزِينَ

اولیای تو، و زیارتگاه و آثار، و محلّ پنهان‌شدن و جایگاه عروج ایشان است، که به کرامت تو

بِكَرٰامَتِكَ، اَلْمُفَضَّلِينَ عَلىٰ خَلْقِكَ، اَلَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ تِبْيٰانَ كُلِّ

فائز و کامیاب گردیدند، و بر همهٔ آفریدگانت برتری دارند، کسانی که آن‌ها را از بیان هر

شَيْءٍ، وَحَبَوْتَهُمْ بِمَوٰارِيثِ الْأَنْبِيٰآءِ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَجَكَ عَلىٰ

چیز آگاه نمودی، و میراث پیامبران را به ایشان بخشیدی، و آن‌ها را حجّت‌های خویش بر

بَرِيَّتِكَ، وَأُمَنٰآءَكَ عَلىٰ وَحْيِكَ، وَخُزّٰانَكَ عَلىٰ وَحْيِكَ. أَللّٰهُمَّ

آفریدگانت، و امینان بر وحیت، و خزانه‌داران بر آن قرار دادی. خداوندا؛

فَبَلِّغْ أَرْوٰاحَهُمْ وَأَجْسٰادَهُمْ في هٰذِهِ السّٰاعَةِ وَفي كُلِّ وَقْتٍ وَأَوٰانٍ

از طرف ما به ارواح و اجساد پاک ایشان در این ساعت و در هر وقت و هنگام

وَحينٍ وَزَمٰانٍ مِنّٰا السَّلٰامَ، وَارْدُدْ عَلَيْنٰا مِنْهُمُ السَّلٰامَ، وَالسَّلٰامُ

و دوران و زمان سلام برسان، و از طرف آنان پاسخ سلام ما را به ما بازگردان، و سلام

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ تَسْمَعُونَ الْكَلٰامَ،

بر شما و رحمت خدا و برکات او (بر شما باد). گواهی می‌دهم که شما سخن ما را می‌شنوید،

وَتَرُدُّونَ السَّلٰامَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ عَلىٰ لِسٰانِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ

و سلام ما را پاسخ می‌گوئید. خداوندا؛ همانا تو از زبان پیامبرت ـ که درود تو

۱. سورهٔ إسراء، آیهٔ ۱۰۸. ۲. سورهٔ صافّات، آیهٔ ۱۸۲ ـ ۱۸۰.

عَلَيْهِ وَعَلىٰ اٰلِهِ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ اٰمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ

بر او و بر آل او باد ـ فرموده‌ای و گفتار تو حق است: «بشارت بده به آنانکه ایمان آورده‌اند که

صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾[1]. أَللّٰهُمَّ إِنّي قَدْ اٰمَنْتُ بِكَ وَبِهِمْ، وَصَدَّقْتُ

نزد پروردگارشان پیشینه نیکوئی دارند». خداوندا؛ من به تحقیق به تو و به ایشان ایمان آوردم، و تصدیق کردم،

وَسَمِعْتُ وَأَطَعْتُ وَأَسْلَمْتُ، فَلاٰتَوْقِفْني أَبَداً مَوٰاقِفَ الْخِزْيِ فِي

و شنیدم و اطاعت کردم و تسلیم گردیدم، پس هیچگاه مرا در جایگاه خواری و رسوایی در

الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، وَأَعْطِني سُؤْلي، وَاجْعَلْ صَلَوٰاتي بِهِمْ مَقْبُولَةً،

دنیا و آخرت متوقّف مفرما، و خواسته‌ام را عطا کن، و نمازهایم را به واسطهٔ آن بزرگواران قبول کن،

وَدُعٰآئي بِهِمْ مُسْتَجٰاباً، وَسَعْيي بِهِمْ مَشْكُوراً، وَذَنْبي بِهِمْ

و دعایم را به خاطر آنان به اجابت برسان، و سعی و تلاشم را به وسیلهٔ آنان پاداش بده، و گناهم را به خاطر آنان

مَغْفُوراً، وَذِكْري بِهِمْ رَفيعاً، وَكَعْبي بِهِمْ عٰالِياً، وَيَقيني بِهِمْ

بیامرز، و یاد و نامم را به خاطر آنان بالا ببر، و به خاطر آنان شریف و سرافرازم گردان، و یقینم را به خاطر آنان

ثٰابِتاً، وَرُوحي بِهِمْ سَليمَةً، وَجِسْمي بِهِمْ مُعٰافاً مَرْزُوقاً، سَعيداً

استوار، و روحم را به خاطر آنان بی‌عیب، و جسمم را به وسیلهٔ آنان سالم و (مرا) تندرست و روزی داده‌شده، سعادتمند،

رَشيداً، تَقِيّاً عٰالِماً، زٰاهِداً مُتَوٰاضِعاً، حٰافِظاً زَكِيّاً فَقيهاً مُوَفَّقاً،

راه‌یافته، پرهیزکار، دانشمند، اهل زهد، فروتن، حفظ‌کننده، پاکیزه، آگاه، موفّق،

مَعْصُوماً مُؤَيَّداً قَوِيّاً عَزيزاً، وَلاٰتَقْطَعْ بي عَنْهُمْ، وَلاٰتُفَرِّقْ

نگه‌داشته شده، تأییدشده، نیرومند و عزیز گردان، و رشتهٔ اتّصال مرا از آنان قطع مکن، و

بَيْني وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، اٰمينَ رَبَّ الْعٰالَمينَ.[2]

میان من و آن بزرگواران در دنیا و آخرت جدایی میفکن، به اجابت برسان (دعاهایم را ای) پروردگار جهانیان.

۱. سورهٔ یونس، آیهٔ ۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۴۶/۱۰۲.

۴

زیارت جامعهٔ چهارم

سیّد بن طاووس ﷺ فرموده است: این زیارت از امام هادی صلوات الله علیه روایت شده است: اجازهٔ ورود به حرم می‌خواهی ... سپس داخل می‌شوی در حالی‌که پای راست خود را بر پای چپ مقدّم می‌داری و می‌گویی:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ،

به نام خدا و به یاری خدا، و بر آئین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد،

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

بنده و فرستادهٔ او است، درود خدا و سلام فراوان خداوند بر او و آل او باد.

سپس ضریح مقدّس را مقابل رویت و قبله را پشت سرت قرار می‌دهی، و پس از گفتن صد مرتبه «اَللهُ أَكْبَرُ» می‌گوئی:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ كَمٰا شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ،

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است شریکی برایش نمی‌باشد، همانگونه که خداوند برای خویش گواهی

وَشَهِدَتْ لَهُ مَلٰائِكَتُهُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لٰا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

داده و فرشتگانش و صاحبان علم و دانش از میان آفریدگانش برای او گواهی داده‌اند، خدائی جز او که شکست‌ناپذیر

الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ،

و حکیم است وجود ندارد. و گواهی می‌دهم که (حضرت) محمّد بندهٔ برگزیده و فرستادهٔ پسندیدهٔ او است،

أَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

او را به هدایت و دین حق فرستاده است تا بر تمام ادیان چیره گرداند گرچه خوش‌آیند

الْمُشْرِكُونَ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوٰاتِكَ وَأَكْمَلَهٰا، وَأَنْمٰى

مشرکان نباشد. خداوندا؛ قرار بده برترین درودهایت و کامل‌ترین آن را، و فزاینده‌ترین

بَرَكٰاتِكَ وَأَعَمَّهٰا، وَأَزْكٰى تَحِيّٰاتِكَ وَأَتَمَّهٰا، عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ

برکاتت و فراگیرترین آن را، و پاکیزه‌ترین تحیّت‌هایت و تمام‌ترین آن را بر سرور ما (حضرت) محمّد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَجِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَرَضِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ

بنده و فرستاده و همراز و ولیّ و پسندیده و برگزیده و اختیارشده

وَخٰاصَّتِكَ وَخٰالِصَتِكَ وَأَمينِكَ، اَلشّٰاهِدِ لَكَ، وَالدّٰالِّ عَلَيْكَ،

و ویژه و خالص و امین و مورد اعتمادت که گواه است برای تو، و دلالت‌کننده است بر تو،

وَالصّٰادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالنّٰاصِحِ لَكَ، اَلْمُجٰاهِدِ في سَبيلِكَ، وَالذّٰابِّ

و آشکارکنندهٔ امر و فرمان تو، و خیرخواه و نصیحت‌کننده است برای تو، که در راه تو جهاد کرد و

عَنْ دينِكَ، وَالْمُوضِحِ لِبَرٰاهينِكَ، وَالْمَهْدِيِّ إِلٰى طٰاعَتِكَ، وَالْمُرْشِدِ

از دین تو حمایت نمود، و دلایل قاطع تو را روشن و آشکار ساخت، و به طاعت و فرمانبرداریت رهمنون گشت، و به آنچه

إِلٰى مَرْضٰاتِكَ، وَالْوٰاعي لِوَحْيِكَ، وَالْحٰافِظِ لِعَهْدِكَ، وَالْمٰاضي

مورد پسند و خشنودی تو است راهنمائی فرمود، و وحی تو را حفظ کرد، و عهد و پیمان تو را نگهداشت، و

عَلىٰ إِنْفٰاذِ أَمْرِكَ، اَلْمُؤَيِّدِ بِالنُّورِ الْمُضيٓءِ، وَالْمُسَدِّدِ بِالْأَمْرِ

اجرا نمود فرمان نافذ تو را، آنکه با نوری تابنده مورد تأیید و با امری پسندیده استوار،

الْمَرْضِيِّ، اَلْمَعْصُومِ مِنْ كُلِّ خَطَأٍ وَزَلَلٍ، اَلْمُنَزَّهِ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ

و از هر خطا و لغزشی مصون، از هر گونه آلودگی و تباهی پاک است،

وَخَطَلٍ، وَالْمَبْعُوثِ بِخَيْرِ الْأَدْيٰانِ وَالْمِلَلِ، مُقَوِّمِ الْمَيْلِ وَالْعِوَجِ،

و به بهترین دین‌ها و آئین‌ها برانگیخته شد، راست‌کنندهٔ کجی‌ها و انحرافات،

وَمُقيمِ الْبَيِّنٰاتِ وَالْحُجَجِ، اَلْمَخْصُوصِ بِظُهُورِ الْفَلَجِ، وَإِيضٰاحِ

و اقامه‌کنندهٔ دلایل روشن و حجّت‌های آشکار، (او) به ظاهر نمودن پنهانی و روشن ساختن

الْمَنْهَجِ، اَلْمُظْهِرِ مِنْ تَوْحيدِكَ مَا اسْتُتِرَ، وَالْمُحْيي مِنْ عِبادَتِكَ

راه ویژگی داشت، از توحید تو آنچه پوشیده بود ظاهر ساخت، و از پرستش تو آنچه زنگار گرفته

ما دُثِرَ، وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ، اَلْـمُجْتَبى مِـنْ

زنده نمود. و پایان‌بخش آنچه پیشی گرفته و گشایندهٔ درهای بسته بود، از میان

خَلآئِقِكَ، وَالْمُعْتامِ لِكَشْفِ حَقآئِقِكَ، وَالْمُوضِحَةِ بِـهِ أَشْـراطُ

آفریدگانت برگزیده شد، و برای کشف حقایق و دینت انتخاب گردید، و به وسیلهٔ او چراغ‌های

الْهُدى، وَالْمَجْلُوِّ بِهِ غَرْبيبُ الْعَمى، دامِغِ جَيْشاتِ الْأَبـاطيلِ،

هدایت روشن، و تاریکی‌های جهالت برطرف شد. (او) سرکوب‌کنندهٔ شکوه باطل،

وَدافِعِ صَوْلاتِ الْأَضاليلِ، اَلْمُخْتارِ مِنْ طينَةِ الْكَرَمِ، وَسُـلالَةِ

و از بین برندهٔ هجوم گمراهی بود، از سرشت کرم و بزرگواری، و نسلی که

الْمَجْدِ الْأَقْدَمِ، وَمُغْرِسِ الْفَخّارِ الْمُعْرِقِ، وَفَرْعِ الْعَلآءِ الْـمُثْمِرِ

دارای عظمت و شکوه دیرینه‌اند اختیار شده است. و محلّ رویش درخت ریشه‌دار فخر و کرامت، و شاخهٔ پرمیوه

الْمُورِقِ، اَلْمُنْتَجَبِ مِنْ شَجَرَةِ الْأَصْفِياءِ، وَمِشْكاةِ الضِّياءِ، وَذَوابَةِ

و برگ ارزش‌های والا، برگزیده‌شده از شجرهٔ برگزیدگان، و چراغدان نور و روشنائی، و سرآمد

الْعُلْياءِ، وَسُرَّةِ الْبَطْحاءِ، بَعيثِكَ بِالْحَقِّ، وَبُرْهانِكَ عَلىٰ جَـميعِ

عزّت و شرف و برتری‌ها، و شریف‌ترین کسی که نشو و نما پیدا کرده در زمین مکّه، فرستاده‌شدهٔ تو به حقّ، و بیان واضح تو بر همهٔ

الْخَلْقِ، خاتَمِ أَنْبِيآئِكَ، وَحُجَّتِكَ الْبالِغَةِ في أَرْضِكَ وَسَمآئِكَ.

آفریدگان، خاتمه‌دهندهٔ پیامبرانت، و حجّت رسایت در زمینت و آسمانت.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً يَنْغَمِرُ في جَنْبِ انْتِفاعِهِ بِها قَدْرَ الْإِنْتِفاعِ،

خداوندا؛ بر او درودی فرست، درودی که در کنار سود بردن به سبب آن قدر و قیمت سود بردن ناپدید گردد،

وَيَحُوزُ مِنْ بَرَكَةِ التَّعَلُّقِ بِسَبَبِها ما يَفُوقُ قَدْرَ الْمُتَعَلِّقينَ بِسَبَبِهِ،

و از برکت تعلّق به آن فراگیرد چیزی را که از ارزش وابستگان به او برتری یابد،

وَزِدْهُ بَعْدَ ذٰلِكَ [بِهِ] مِنَ الْإِكْرامِ وَالْإِجْلالِ، مـا يَـتَقاصَرُ عَـنْهُ

و پس از آن بیفزا به سبب آن از گرامی‌داشت و بزرگداشت آنچه را که آرزوهای گسترده و بلند نسبت

فَسيحُ الْآمالِ، حَتّٰى يَعْلُو مِنْ كَرَمِكَ أَعْلٰى مَحالِّ الْمَراتِبِ،

به آن کوتاهی کند، تا آنکه از کرم و بزرگواریت به عالی‌ترین مرتبه بالا رود،

وَيَرْقٰى مِنْ نِعَمِكَ أَسْنٰى مَنازِلِ الْمَواهِبِ، وَخُذْ لَهُ اللّٰهُمَّ بِحَقِّهِ

و از نعمت‌هایت به برترین قلّه و جایگاه بخشش ترقّی کند. و خداوندا؛ حقّ او و آنچه

وَواجِبِهِ، مِنْ ظالِميهِ وَظالِمِي الصَّفْوَةِ مِنْ أَقارِبِهِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ

سزاوار است برای او از آنان که به او و برگزیدگان از خویشانش ستم کرده‌اند بگیر. خداوندا؛ و درود فرست

عَلىٰ وَلِيِّكَ، وَدَيّانِ دينِكَ، وَالْقائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ عَلِيِّ

بر ولیّت و حاکم حکومتت و به پادارندهٔ عدالت بعد از پیامبرت (یعنی حضرت) علیّ

بْنِ أَبي طالِبٍ، أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَإِمامِ الْمُتَّقينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيّينَ،

بن ابی طالب، امیر مؤمنان، و پیشوای پرهیزکاران، و سرور اوصیاء،

وَيَعْسُوبِ الدّينِ، وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَقِبْلَةِ الْعارِفينَ، وَعَلَمِ

و رئیس و رهبر دین، و زمامدار و فرمانده روسفیدان، و قبلهٔ عارفان، و نشانه و راهنمای

الْمُهْتَدينَ، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقٰى، وَحَبْلِكَ الْمَتينِ، وَخَليفَةِ رَسُولِكَ

هدایت‌یافتگان، و دست‌آویز مورد اطمینانت، و ریسمان محکمت، و جانشین پیامبرت

عَلَى النّاسِ أَجْمَعينَ، وَوَصِيِّهِ فِي الدُّنْيا وَالدّينِ. اَلصِّدّيقِ

بر همهٔ مردم، و وصیّ او در امر دین و دنیا. آنکه در میان مردم در نیروی ایمان

الْأَكْبَرِ فِي الْأَنامِ، وَالْفارُوقِ الْأَزْهَرِ بَيْنَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ، ناصِرِ

و صحّت آن پس از پیامبر قرار داشت، و جداکنندهٔ روشن بین حلال و حرام، یاری‌کنندهٔ

الْإِسْلامِ، وَمُكَسِّرِ الْأَصْنامِ، مُعِزِّ الدّينِ وَحامِيهِ، وَواقِي الرَّسُولِ

اسلام، و شکنندهٔ بتها، عزیزگردانندهٔ دین و حمایتگر آن، و سپر بلای پیامبر

وَكافِيهِ، اَلْمَخْصُوصِ بِمُؤاخاتِهِ يَوْمَ الْإِخاءِ، وَمَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ

و حفظ‌کنندهٔ او، اختصاص‌یافته به برادری او در روز اخوّت، و کسی که او جایگاهش نسبت به پیامبر مانند

هارُونَ مِنْ مُوسىٰ، خامِسِ أَصْحابِ الْكِساءِ، وَبَعْلِ سَيِّدَةِ

هارون نسبت به موسی است، پنجمین اصحاب کساء، و همسر سرور

النِّسٰآءِ، اَلْمُؤْثِرِ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضَرِّ الطَّوٰى، وَالْمَشْكُورِ سَعْيِهِ فِي

زنان، آنکه قوت و غذای خود را با گرسنگی شدید ایثار کرد، و سعی و تلاش او در

هَلْ أَتٰى. مِصْبٰاحِ الْهُدٰى، وَمَأْوَى التُّقٰى، وَمَحَلِّ الْحِجٰى، وَطَوْدِ

سورهٔ «هل اتی» سپاسگزاری شد. چراغ هدایت، و جایگاه تقوا و پرهیزکاری، و محلّ عقل و زیرکی، و کوه خرد

النُّهٰى، اَلدّٰاعِي إِلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى، وَالظّٰاعِنِ إِلَى الْغٰايَةِ

و اندیشه، دعوت‌کننده به سوی شاهراه عبودیّت، و کوچ‌کنندهٔ به سوی کرانه‌های

الْقُصْوٰى، وَالسّٰامِي إِلَى الْمَجْدِ وَالْعُلٰى، وَالْعٰالِمِ بِالتَّأْوِيلِ

دور، و اوج‌گیرنده به سوی قلّهٔ عظمت و شکوه و برتری، و دانای به تأویل (باطن قرآن)

وَالذِّكْرٰى، اَلَّذِي أَخْدَمَتْهُ خَوٰاصُّ مَلٰآئِكَتِكَ بِالطّٰاسِ وَالْمَنْدِيلِ

و بیان، آنکه فرشتگان ویژه با ظرف آب و حوله در خدمت او بودند

حَتّٰى تَوَضَّأَ، وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ الشَّمْسَ بَعْدَ دُنُوِّ غُرُوبِهٰا، حَتّٰى أَدّٰى

تا وضو گیرد، و خورشید را پس از نزدیکی غروبش به خاطر او بازگرداندی تا

فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ لَكَ فَرْضاً، وَأَطْعَمْتَهُ مِنْ طَعٰامِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حِينَ

نماز واجب را در اوّل وقت آن بپا دارد، و از خوراک اهل بهشت به او خوراندی هنگامی که

مَنَحَ الْمِقْدٰادَ قَرْضاً، وَبٰاهَتْ بِهِ خَوٰاصُّ مَلٰآئِكَتِكَ، إِذْ شَرٰى نَفْسَهُ

قرض دریافتی خود را به مقداد بخشید، و به وجود او بر فرشتگان خاصّت مباهات نمودی، زمانی که جان خود را

ابْتِغٰآءَ مَرْضٰاتِكَ لِتَرْضٰى، وَجَعَلْتَ وِلٰايَتَهُ إِحْدٰى فَرٰآئِضِكَ.

در طلب رضایت تو برای حفظ جان پیامبرت در طبق اخلاص نهاد، و ولایت او را یکی از فرائض و واجباتت قرار دادی.

فَالشَّقِيُّ مَنْ أَقَرَّ بِبَعْضٍ وَأَنْكَرَ بَعْضاً، عُنْصُرِ الْأَبْرٰارِ، وَمَعْدِنِ

پس شقیّ و بدبخت کسی است که به بعضی از این فضائل اقرار کند و برخی را انکار نماید. اصل و اساس نیکوکاران، و معدن

الْفَخّٰارِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنّٰارِ، صٰاحِبِ الْأَعْرٰافِ[1]، وَأَبِي الْأَئِمَّةِ

فخر و کرامت، و تقسیم‌کنندهٔ بهشت و دوزخ، صاحب اعراف[1]، و پدر امامان

الْأَشْرٰافِ، اَلْمَظْلُومِ الْمُغْتَصَبِ، وَالصّٰابِرِ الْمُحْتَسِبِ، وَالْمَوْتُورِ

بزرگوار، که از جهت حسب و نسب از عموم مردم برترند، ستمدیده‌ای که حقّ او غصب شده، و شکیبائی که برای رضای خدا صبر کرد، و شهیدی

۱. جایگاهی میان بهشت و دوزخ است که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آنجا نشیند و مردم را به سیمای آنان بشناسد.

فِي نَفْسِهِ وَعِتْرَتِهِ، اَلْمَقْصُودِ فِي رَهْطِهِ وَأَعِزَّتِهِ، صَلٰاةً لَا

که انتقام او و عترت پاکش گرفته نشده، عزیزی که در میان قوم و قبیله و عزیزانش مورد هدف قرار گرفت، درودی که

انْقِطٰاعَ لِمَزِيدِهٰا، وَلَا اتِّضٰاعَ لِمَشِيدِهٰا. أَللّٰهُمَّ أَلْبِسْهُ حُلَلَ

برای زیادتی آن انقطاعی، و برای بنیان آن سستی نباشد. خداوندا؛ به او جامه‌های

الْأَنْعٰامِ، وَتَوِّجْهُ تٰاجَ الْإِكْرٰامِ، وَارْفَعْهُ إِلٰى أَعْلٰا مَرْتَبَةٍ وَمَقٰامٍ،

نعمت بپوشان، و تاج کرامت بر سر او بگذار، و او را به بالاترین مقام و مرتبه بالا ببر،

حَتّٰى يَلْحَقَ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهِ السَّلٰامُ، وَاحْكُمْ لَهُ اللّٰهُمَّ عَلىٰ

تا او را به پیامبرت ـ که بر او و آل او درود باد ـ ملحق سازی، خداوندا؛ بر

ظٰالِمِيهِ، إِنَّكَ الْعَدْلُ فِيمٰا تَقْضِيهِ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الطّٰاهِرَةِ

ستمگرانی که به او ستم کردند حکم کن، که تو در آنچه قضاوت و داوری می‌کنی عادل و دادگری. خداوندا؛ درود فرست بر آن

الْبَتُولِ الزَّهْرٰاءِ، اِبْنَةِ الرَّسُولِ، اُمِّ الْأَئِمَّةِ الْهٰادِينَ، سَيِّدَةِ نِسٰاءِ

وجود پاک بی‌نظیر درخشنده، دختر پیامبر، مادر امامان هدایتگر، سرور زنان

الْعٰالَمِينَ، وٰارِثَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيٰاءِ، وَقَرِينَةِ خَيْرِ الْأَوْصِيٰاءِ، اَلْقٰادِمَةِ

جهان، وارث بهترین پیامبران، و قرین بهترین اوصیاء، آنکه

عَلَيْكَ مُتَأَلِّمَةً مِنْ مُصٰابِهٰا بِأَبِيهٰا، مُتَظَلِّمَةً مِمّٰا حَلَّ بِهٰا مِنْ

بر تو وارد گردید در حالی‌که دردناک بود از مصیبت فقدان پدرش، و شاکی بود از ستمی که

غٰاصِبِيهٰا، سٰاخِطَةً عَلىٰ اُمَّةٍ لَمْ تَرْعَ حَقَّكَ فِي نُصْرَتِهٰا، بِدَلِيلِ

غاصب حقّش بر او روا داشت، خشمناک بود بر امّتی که رعایت حقّ تو را در یاری او نکرد، به دلیلی که

دَفْنِهٰا لَيْلاً فِي حُفْرَتِهٰا، اَلْمُغْتَصَبَةِ حَقَّهٰا، وَالْمُغَصَّصَةِ بِرِيقِهٰا،

شبانه در آرامگاهش دفن گردید، حقّش ربوده، و غصّه گلوگیر او شد،

صَلٰاةً لٰا غٰايَةَ لِأَمَدِهٰا، وَلٰا نِهٰايَةَ لِمَدَدِهٰا، وَلَا انْقِضٰاءَ لِعَدَدِهٰا.

درودی که پایانی برای پایانش، و نهایتی برای گستردگی و درازیش، و تمامی برای عددش نباشد.

أَللّٰهُمَّ فَتَكَفَّلْ لَهٰا عَنْ مَكٰارِهِ دٰارَ الْفَنٰاءِ فِي دٰارِ الْبَقٰاءِ بِأَنْفَسِ

خداوندا؛ برای او در سرای جاودانی به جای ناروائی‌ها و دشواری‌های دنیا

الْأَعْوٰاضِ، وَأَنِلْهٰا مِمَّنْ عٰانَدَهٰا نِهٰايَةَ الْاٰمٰالِ وَغٰايَةَ الْأَغْرٰاضِ،

بهترین و ارزشمندترین عوض و جایگزین را عهده‌دار باش، و او را در مورد کسانی که با او عناد ورزیدند و دشمنی کردند به بالاترین

حَتّٰى لٰا يَبْقٰى لَهٰا وَلِيٌّ سٰاخِطٌ لِسَخَطِهٰا إِلّٰا وَهُوَ رٰاضٍ، إِنَّكَ أَعَزُّ

آرزوها و اهداف برسان، تا آنکه باقی نماند برای او ارادتمندی که بخاطر خشم او خشمناک گردیده مگر آنکه راضی و خشنود گردد،

مَنْ أَجٰارَ الْمَظْلُومِينَ، وَأَعْدَلُ قٰاضٍ. أَللّٰهُمَّ أَلْحِقْهٰا فِي الْإِكْرٰامِ

که تو عزیزترین پناه‌دهندهٔ ستمدیدگان و عادلترین داوری. خداوندا؛ او را در گرامی‌داشتن

بِبَعْلِهٰا وَأَبِيهٰا، وَخُذْ لَهَا الْحَقَّ مِنْ ظٰالِمِيهٰا. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى

به شوهر و پدرش ملحق نما و حقّ او را برایش از ستمگرانش بگیر. خداوندا؛ و درود فرست بر

الْأَئِمَّةِ الرّٰاشِدِينَ، وَالْقٰادَةِ الْهٰادِينَ، وَالسّٰادَةِ الْمَعْصُومِينَ،

امامان راه‌یافته، و زمامداران هدایتگر، و سروران پاک و معصوم،

وَالْأَتْقِيٰآءِ الْأَبْرٰارِ، مَأْوَى السَّكِينَةِ وَالْوِقٰارِ، وَخُزّٰانِ الْعِلْمِ،

و پرهیزکاران نیکوکار، جایگاه آرامش و وقار، و خزانه‌داران علم و دانش،

وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَالْفَخٰارِ، سٰاسَةِ الْعِبٰادِ، وَأَرْكٰانِ الْبِلٰادِ، وَأَدِلَّةِ

و نهایت حلم و بردباری و فخر و بزرگواری، مدبّر امور بندگان، و رکن شهرها، و راهنمایان

الرَّشٰادِ، اَلْأَلِبّٰآءِ الْأَمْجٰادِ، اَلْعُلَمٰآءِ بِشَرْعِكَ الزُّهّٰادِ، وَمَصٰابِيحِ

راه کمال، خردمندان ارجمند، عالمان دینت، زهدپیشه‌گان، و چراغ‌های روشنی‌بخش

الظُّلَمِ، وَيَنٰابِيعِ الْحِكَمِ، وَأَوْلِيٰآءِ النِّعَمِ، وَعِصَمِ الْأُمَمِ، قُرَنٰآءِ

تاریکی‌ها، و چشمه‌های جوشان حکمت، و صاحب‌اختیاران همهٔ نعمت‌ها، و پناه مردمان، قرین

التَّنْزِيلِ وَاٰيٰاتِهِ، وَاُمَنٰآءِ التَّأْوِيلِ وَوُلٰاتِهِ، وَتَرٰاجِمَةِ الْوَحْيِ

قرآن و آیات آن، و امینان تأویل و سرپرستان آن، و مترجمان وحی

وَدِلٰالٰاتِهِ، أَئِمَّةِ الْهُدٰى، وَمَنٰارِ الدُّجىٰ، وَأَعْلٰامِ التُّقٰى، وَكُهُوفِ

و اشارات آن، پیشوایان هدایت، و نورافکن تاریکی‌ها، و پرچمداران تقوا، و پناهگاه

الْوَرٰى، وَحَفَظَةِ الْإِسْلٰامِ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ جَمِيعِ الْأَنٰامِ، اَلْحَسَنِ

بشر، و حافظان اسلام، و حجّت‌های تو بر همهٔ آفریدگان، امام حسن

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَسِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

و امام حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، و دو سبط پیامبر رحمت،

وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّجّادِ زَيْنِ الْعابِدينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ

و (حضرت) علیّ بن الحسین امام سجّاد زینت عبادت‌کنندگان، و (حضرت) محمّد بن علی شکافندهٔ

عِلْمِ الدّينِ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِنِ الصّادِقِ الْأَمينِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِنِ

علم دین، و (حضرت) جعفر بن محمّد راستگو و امین (پروردگار)، و (حضرت) موسی بن جعفر

الْكاظِمِ الْحَليمِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْوَفِيِّ، وَمُحَمَّدِ بْنِ

فروبرندهٔ خشم و بردبار، و (حضرت) علیّ بن موسی رضایت‌دارنده و وفاکننده، و (حضرت) محمّد بن

عَلِيِّنِ الْبَرِّ التَّقِيِّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِنِ الْمُنْتَجَبِ الزَّكِيِّ، وَالْحَسَنِ

علی نیکوکار پرهیزکار، و (حضرت) علیّ بن محمّد برگزیدهٔ پارسا، و (حضرت) حسن

بْنِ عَلِيِّنِ الْهادِي الرَّضِيِّ، وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ

بن علی هدایتگر پسندیده، و (حضرت) حجّت بن الحسن صاحب عصر

وَالزَّمانِ، وَصِيِّ الْأَوْصِياءِ، وَبَقِيَّةِ الْأَنْبِياءِ، الْمُسْتَتِرِ عَنْ خَلْقِكَ،

و زمان، وصیّ اوصیاء، و باقی‌ماندهٔ پیامبران، آنکه پوشیده از دیدگان آفریدگانت

وَالْمُؤَمِّلِ لِإِظْهارِ حَقِّكَ، الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ، وَالْقائِمِ الَّذي بِهِ

و آرزومند آشکار کردن حقّ تو است، هدایت‌شده‌ای که انتظار او کشیده می‌شود، و قیام‌کننده‌ای که به وسیلهٔ او

يُنْتَصَرُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، صَلاةً باقِيَةً فِي الْعالَمينَ،

دین تو یاری می‌شود. خداوندا؛ بر همهٔ آنان درود فرست؛ درودی پایدار در جهانیان،

تُبَلِّغُهُمْ بِها أَفْضَلَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ. أَللّٰهُمَّ أَلْحِقْهُمْ فِي الْإِكْرامِ

که با آن ایشان را به برترین جایگاه گرامی‌شدگان برسانی. خداوندا؛ ملحق ساز آنان را در بزرگداشت

بِجَدِّهِمْ وَأَبيهِمْ، وَخُذْ لَهُمُ الْحَقَّ مِنْ ظالِميهِمْ. أَشْهَدُ يا مَوْلايَ

به جدّ و پدر بزرگوارشان، و حقّ آنان را برایشان از ستمگرانشان بگیر. گواهی می‌دهم ای مولای من؛

أَنَّكُمُ الْمُطيعُونَ لِلّٰهِ، الْقَوّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الْفائِزُونَ

که شما فرمانبرداران فرمان حقّ، بپادارندگان امر او، عمل‌کنندگان به اراده‌اش، و رستگاران

بِكَرٰامَتِهِ. اِصْطَفٰاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاجْتَبٰاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتٰارَكُمْ بِسِرِّهِ،

به کرامت او هستید. (خداوند) شما را به علم و دانش خود برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای راز نهانی خود اختیار کرد،

وَأَعَزَّكُمْ بِهُدٰاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبَرٰاهينِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ

و با هدایت خود عزّت بخشید، و به برهان خویش اختصاص داد، و به روح خود تأیید فرمود، و

خُلَفٰآءَ في أَرْضِهِ، وَدُعٰاةً إِلىٰ حَقِّهِ، وَشُهَدٰآءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَنْصٰاراً

به عنوان جانشینانش در روی زمین، و دعوت‌کنندگان به حقّ او، و گواهان بر آفریدگانش، و یاران

لِدينِهِ، وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَتَرٰاجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ،

دینش، و حجّت‌های او بر بندگانش، و بیان‌کنندگان وحیش، و خزانه‌داران علم و دانشش،

وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ. عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنَ

و محلّ ودیعه‌نهادن حکمتش پسندید. خداوند شما را از گناهان مصون داشت و از

الْعُيُوبِ، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ. زُرْتُكُمْ يٰا مَوٰالِيَّ عٰارِفاً

عیب‌ها پاک نمود، و بر امور پنهانی خود امین ساخت. شما را - ای سروران من؛ - زیارت کردم در حالی‌که آشنا

بِحَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكُمْ، مُهْتَدِياً بِهُدٰاكُمْ، مُقْتَضِياً لِأَثَرِكُمْ،

به حقّ شما، آگاه به شأن و موقعیّت شما، رهنمون به هدایت شمایم، پویندهٔ راه شما،

مُتَّبِعاً لِسُنَّتِكُمْ، مُتَمَسِّكاً بِوِلٰايَتِكُمْ، مُعْتَصِماً بِحَبْلِكُمْ، مُطِيعاً

پیروی‌کنندهٔ روش شما، به ولایت شما چنگ‌زننده، و به ریسمان شما پیوسته‌ام، دستور شما را اجرا می‌نمایم،

لِأَمْرِكُمْ، مُوٰالِياً لِأَوْلِيٰآئِكُمْ، مُعٰادِياً لِأَعْدٰآئِكُمْ، عٰالِماً بِأَنَّ الْحَقَّ

نسبت به دوستان شما ارادت دارم، با دشمنان شما دشمنم، آگاهم به اینکه حقّ

فيكُمْ وَمَعَكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللهِ بِكُمْ، مُسْتَشْفِعاً إِلَيْهِ بِجٰاهِكُمْ،

در شما و با شما است، به واسطهٔ شما به سوی خداوند توسّل جسته، به آبروی شما به درگاه او شفاعت طلبم.

وَحَقٌّ عَلَيْهِ أَنْ لٰايُخَيِّبَ سٰآئِلَهُ، وَالرّٰاجِيَ مٰا عِنْدَهُ لِزُوّٰارِكُمْ،

و سزاوار است که او سائل خود را که به آنچه نزد او است امید دارد برای زائران شما،

اَلْمُطِيعِينَ لِأَمْرِكُمْ. أَللّٰهُمَّ فَكَمٰا وَفَّقْتَني لِلْإِيمٰانِ بِنَبِيِّكَ،

و اجراکنندگان فرمان شما رد نکند و محروم نگرداند. خداوندا؛ پس همان‌گونه که مرا برای ایمان‌آوردن به پیامبرت،

وَالتَّصْديقِ لِدَعْوَتِهِ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ، وَاتِّباعِ مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَني

و پاسخ مثبت‌دادن به دعوت او توفیق مرحمت کردی، و به اطاعت او، و پیروی از آئین او بر من منّت گذاشتی، و

إِلىٰ مَعْرِفَتِهِ، وَمَعْرِفَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمُ

به شناخت او، و شناخت امامان از ذرّیّهٔ او هدایت فرمودی، و با معرفت و شناخت ایشان

الْإيمانَ، وَقَبِلْتَ بِوِلايَتِهِمْ وَطاعَتِهِمُ الْأَعْمالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ

ایمان را کامل و تکمیل فرمودی، و با ولایت ایشان و اطاعت‌شان اعمال را پذیرفتی، و

بِالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ عِبادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتاحاً لِلدُّعاءِ، وَسَبَباً لِلْإِجابَةِ،

بندگانت را به درود فرستادن بر آنان وادار نمودی، و آنان را کلید باب دعا، و سبب اجابت دعا قرار دادی،

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَاجْعَلْني بِهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا

پس بر همگی آنان درود فرست، و مرا به واسطهٔ ایشان نزد خودت در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذُنُوبَنا بِهِمْ مَغْفُورَةً،

و آخرت آبرومند و از مقرّبین (درگاهت) گردان. خداوندا؛ قرار بده گناهان ما را به واسطهٔ ایشان آمرزیده‌شده،

وَعُيُوبَنا مَسْتُورَةً، وَفَرائِضَنا مَشْكُورَةً، وَنَوافِلَنا مَبْرُورَةً،

و عیوب و زشتی‌های ما را پوشیده‌شده، و واجبات ما را پاداش داده‌شده، و مستحبّات‌مان را پذیرفته‌گشته،

وَقُلُوبَنا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَأَنْفُسَنا بِطاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوارِحَنا

و دل‌های ما را به یاد خودت آبادشده، و جان ما را با فرمانبرداریت شادشده، و اعضاء و جوارح ما را

عَلىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَأَسْماءَنا فِي خَواصِّكَ مَشْهُورَةً،

بر خدمتت رام‌شده، و نام ما را در میان بندگان ویژه‌ات بلندآوازه،

وَأَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ مَدْرُورَةً، وَحَوائِجَنا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ

و روزی ما را از ناحیهٔ خودت فراوان و سرشار، و حاجت‌های ما را برآورده‌شده، به رحمتت

يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ أَنْجِزْ لَهُمْ وَعْدَكَ، وَطَهِّرْ بِسَيْفِ

ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ به وعده‌ات نسبت به ایشان وفا کن، و با شمشیر

قائِمِهِمْ أَرْضَكَ، وَأَقِمْ بِهِ حُدُودَكَ الْمُعَطَّلَةَ، وَأَحْكامَكَ الْمُهْمَلَةَ

قیام‌کنندهٔ آنان زمینت را پاک فرما، و بپا بدار به وسیلهٔ او حدودت که تعطیل‌شده، و احکامت که بکار گرفته نشده

وَالْمُبَدَّلَةَ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوٰآءَ الْمُتَفَرِّقَةَ،

و دگرگون‌گشته، و دل‌های مردّه را به وسیلهٔ او زنده گردان، و خواسته‌ها و خواهش‌های پراکنده را به وسیلهٔ او متّحد نما،

وَأَجْلِ بِهِ صَدٰآءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، حَتّٰى يَظْهَرَ الْحَقَّ عَلىٰ

و زنگار انحراف را به وسیلهٔ او از آئین خود بزدای، تا آنکه حق را

يَدَيْهِ فِي أَحْسَنِ صُورَتِهِ، وَيَهْلِكَ الْبٰاطِلَ وَأَهْلَهُ بِنُورِ دَوْلَتِهِ،

به دست او در نیکوترین صورتش آشکار گرداند، و باطل و اهل باطل را به نور دولت خود از میان بردارد،

وَلٰايَسْتَخْفِيَ لِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخٰافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. أَللّٰهُمَّ

و هیچ حقّی را به خاطر ترس از کسی پنهان ندارد. خداوندا؛

عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَظْهِرْ فَلَجَهُمْ، وَاسْلُكْ بِنٰا مَنْهَجَهُمْ، وَأَمِتْنٰا عَلٰى

فرج ایشان را تعجیل فرما، و پیروزی‌شان را ظاهر نما، و ما را به راه روشن آنان ببر، و بر

وِلٰايَتِهِمْ، وَاحْشُرْنٰا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوٰآئِهِمْ، وَأَوْرِدْنٰا

ولایت‌شان بمیران، و در زمرهٔ ایشان و زیر پرچمشان محشور گردان، و

حَوْضَهُمْ، وَاسْقِنٰا بِكَأْسِهِمْ، وَلٰاتُفَرِّقْ بَيْنَنٰا وَبَيْنَهُمْ، وَلٰاتَحْرِمْنٰا

در کنار حوضشان (کوثر) وارد کن، و از جامشان سیراب فرما، و بین ما و این بزرگواران جدائی میانداز، و

شَفٰاعَتَهُمْ، حَتّٰى نَظْفَرَ بِعَفْوِكَ وَغُفْرٰانِكَ، وَنَصِيرَ إِلىٰ رَحْمَتِكَ

از شفاعت‌شان ما را محروم مگردان، تا آنکه به عفو و آمرزشت دست یابیم، و مشمول رحمت

وَرِضْوٰانِكَ، إِلٰهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعٰالَمِينَ. يٰا قَرِيبَ الرَّحْمَةِ مِنَ

و رضوانت گردیم، (ای) معبود به حق؛ (و ای) پروردگار جهانیان. ای آنکه رحمت و مهرت به

الْمُؤْمِنِينَ، وَنَحْنُ أَوْلِيٰآؤُكَ حَقّاً لَا ارْتِيٰاباً، يٰا مَنْ إِذٰا أَوْحَشْنَا

مؤمنان نزدیک است، و ما واقعاً نه با شکّ و تردید از دوستان تو هستیم، ای کسی که چون

التَّعَرُّضَ لِغَضَبِهِ، اٰنَسَنٰا حُسْنَ الظَّنِّ بِهِ، فَنَحْنُ وٰاثِقُونَ بَيْنَ رَغْبَةٍ

روی‌آوردن خشم و غضبش ما را به وحشت اندازد، خوش‌گمانی به او ما را آرامش بخشد. پس ما بین بیم و امید خاضعانه مطمئنّ

وَرَهْبَةٍ، ارْتِقٰاباً، قَدْ أَقْبَلْنٰا لِعَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ طُلّٰاباً، فَأَذْلِلْنٰا

هستیم، و به عفو و آمرزش تو طلب‌کننده روی آوردیم، پس در برابر

لِقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ رِقاباً، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطّاهِرينَ،

قدرت و عزّتت گردن ما را فرود آور و ما را متواضع گردان، پس بر محمّد و آل پاک محمّد درود فرست،

وَاجْعَلْ دُعاءَنا بِهِمْ مُسْتَجاباً، وَوِلاءَنا لَهُمْ مِنَ النّارِ حِجاباً.

و دعای ما را به واسطهٔ ایشان مستجاب‌شده، و ارادت و دوستی ما را نسبت به آنان مانع از رسیدن به آتش قرار بده.

أَللّٰهُمَّ بَصِّرْنا قَصْدَ السَّبيلِ لِنَعْتَمِدَهُ، وَمَوْرِدَ الرُّشْدِ لِنَرِدَهُ، وَبَدِّلْ

خداوندا؛ راه راست را برای ما آشکار کن تا بر آن اعتماد کنیم، و مسیر کمال را به ما بیاموز تا به آن وارد شویم، و

خَطاياناٰ صَواباً، وَلاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ

نادرستی‌ها را به درستی تبدیل کن، و دل‌های ما را پس از آنکه هدایت کردی دچار انحراف مکن، و از

لَدُنْكَ رَحْمَةً، يا مَنْ تُسَمّٰى جُودَهُ وَكَرَمَهُ وَهّاباً، وَاٰتِنا فِي

پیشگاه خود رحمتی را به ما ارزانی دار، ای کسی‌که به خاطر جود و کرم فراوان، «وهّاب» یعنی بسیار بخشنده نامیده شده‌ای، و به

الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النّارِ، إِنْ حَقَّتْ

ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار؛ گرچه ما

عَلَيْنَا اكْتِساباً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

سزاوار آن گردیده باشیم، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

سپس بازمی‌گردی و در کنار ضریح می‌ایستی و می‌گوئی:

يا وَلِيَّ اللهِ، إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لايَأْتي عَلَيْها إِلّا

ای ولیّ خدا؛ بدون تردید میان من و خداوند شکوهمند و عزیز گناهانی است که جز رضایت و

رِضاهُ، فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ

خشنودی شما آن‌ها را از بین نمی‌برد، پس به حقّ کسی که شما را بر راز پنهانی خود امین قرار داد و سرپرستی امور آفریدگانش را به شما سپرد،

طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ، تَوَلِّ صَلاحَ حالي مَعَ اللهِ

و طاعت شما را قرین طاعت خود، و دوستی و ارادت شما را قرین دوستی و ارادت خود قرار داد، درستی حال و نیکوئی رفتار مرا با

عَزَّوَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظّي مِنْ زِيارَتِكَ، تَخْليطي بِخالِصي زُوّارِكَ،

خداوند والامرتبه عهده‌دار باش، و بهرهٔ مرا از زیارتت آمیخته‌گشتنم با زائران خالص خود قرار بده،

اَلَّذِينَ تَسْأَلُ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقٰابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِمْ فِي

آنان که از خداوند والامرتبه درخواست می‌کنند تا رهایشان سازد، و مشتاقند به سوی ایشان در بهره‌مند شدن از ثواب و

حُسْنِ ثَوٰابِهِمْ، وَهٰا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لٰآئِذٌ، وَبِحُسْنِ دِفٰاعِكَ عَنّي

پاداش نیکوی آنان، و اینک من امروز به مرقد پاک شما روی آورده، و به دفاع نیکوی شما از من

عٰائِذٌ، فَتَلٰافَنِي يٰا مَوْلٰايَ وَأَدْرِكْنِي، وَاسْأَلِ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي،

پناهنده گشته‌ام، پس به دادم برس ای مولای من و مرا دریاب، و از خداوند والامرتبه در مورد کار من درخواست کن

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقٰاماً كَرِيماً، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

که برای شما نزد خداوند مقام ارزشمندی است، درود خدا و سلام فراوان او بر تو باد.

سپس ضریح را ببوس، و رو به قبله دست‌هایت را بلند کن و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ لَمّٰا فَرَضْتَ عَلَيَّ طٰاعَتَهُ، وَأَكْرَمْتَنِي بِمُوٰالاٰتِهِ، عَلِمْتُ

خداوندا؛ هنگامی که تو اطاعت این امام را بر من واجب گردانیدی، و مرا به دوستی و پیوستن با او گرامی داشتی، دانستم

أَنَّ ذٰلِكَ لِجَلِيلِ مَرْتِبَتِهِ عِنْدَكَ، وَنَفِيسِ حَظِّهِ لَدَيْكَ، وَلِقُرْبِ

که این به خاطر مرتبهٔ والای او نزد تو، و بهرهٔ گرانبهای او در پیشگاه تو، و تقرّبی است که او نزد تو دارد،

مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، فَلِذٰلِكَ لُذْتُ بِقَبْرِهِ، لَوٰاذَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ لاٰتَرُدُّ لَهُ

پس به همین خاطر به قبر شریف او پناه آورده، پناه‌آوردن کسی که می‌داند بدون تردید شفاعت او رد نمی‌گردد،

شَفٰاعَةً، فَبِقَدِيمِ عِلْمِكَ فِيهِ، وَحُسْنِ رِضٰاكَ عَنْهُ، إِرْضَ عَنّي

پس به علم دیرین تو دربارهٔ او، و به رضایت نیکویی که از او داری، از من

وَعَنْ وٰالِدَيَّ، وَلاٰتَجْعَلْ لِلنّٰارِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَلاٰ سُلْطٰاناً، بِرَحْمَتِكَ

و از پدر و مادرم راضی باش، و برای آتش بر من راهی قرار مده و آن را بر من مسلّط مفرما، به رحمتت

يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

ای مهربانترین مهربانان.

سپس از جای خود حرکت کن و پایین قبر بایست و آن را روبروی خود قرار بده و دست‌هایت را بلند کن و بگو:

أَللّٰهُمَّ لَوْ وَجَدْتُ شَفيعاً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِـنْ مُـحَمَّدٍ وَأَهْـلِ بَـيْتِهِ

خداوندا؛ اگر شفیعانی را می‌یافتم که در پیشگاه تو نزدیکتر (و گرامی‌تر) از محمّد و اهل بیت

الْأَخْيارِ، اَلْأَتْقِيآءِ الْأَبْرارِ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّـلامُ، لَاسْـتَشْفَعْتُ

نیکوکار او بود ـ که تندیس تقوا و نیکی هستند و بر او و همهٔ آنان درود و سلام باد ـ آن‌ها را به درگاهت شفیع قرار می‌دادم،

بِهِمْ إِلَيْكَ، وَهٰذا قَبْرُ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيآئِكَ، وَسَيِّدٍ مِنْ أَصْـفِيآئِكَ،

و این، قبر ولیّی از اولیای تو و سروری از برگزیدگانت می‌باشد،

وَمَنْ فَرَضْتَ عَلَى الْخَلْقِ طاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتُهُ بَيْنَ يَدَيَّ، أَسْأَلُكَ

و کسی است که اطاعت او را بر همهٔ آفریدگان واجب نمودی، آن را پیشاپیش خود قرار داده‌ام، از تو می‌خواهم

يا رَبِّ بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمّا نَـظَرْتَ إِلَـيَّ نَـظْرَةً

پروردگارا؛ به احترام او نزد تو، و به حقّی که بر تو دارد، بر من نگاهی

رَحيمَةً مِنْ نَظَراتِكَ، تَلُمُّ بِها شَعَثي، وَتَصْلُحُ بِـها حـالي فِـي

از نگاههای محبّت‌آمیز خود کنی که با آن نگاه، پریشانی مرا برطرف نمائی، و حال مرا در

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبي لَمّا

دنیا و آخرت اصلاح فرمائی و نیکو گردانی، که تو بر هر چیزی توانائی. خداوندا؛ چون گناهانم

فاتَتِ الْعَدَدَ، وَجازَتِ الْأَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفاعَةَ كُلِّ شافِعٍ دُونَ

از عدد گذشت، و از اندازه تجاوز کرد، دانستم که شفاعت هر شفاعت‌کننده‌ای جز

أَوْلِيآئِكَ تَقْصُرُ عَنْها، فَوَصَلْتُ الْمَسيرَ مِنْ بَلَدي، قاصِداً وَلِيَّكَ

اولیائت کم می‌آورد، پس طیّ طریق کردم و از شهر خود به راه افتاده، و با دل خوشی آهنگ ولیّ تو را

بِالْبُشْرىٰ، وَمُتَعَلِّقاً مِنْهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ، وَها أَنَا يا مَوْلايَ قَدِ

نمودم، و به دست‌آویز مورد اطمینانی پیوستم، و اکنون من ای مولای من؛

اسْتَشْفَعْتُ بِهِ إِلَيْكَ، وَأَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتي، وَاقْبَلْ

به وسیلهٔ او به درگاه تو شفاعت جسته، و به حرمت او بر تو قسم می‌دهم، پس به غربت و تنهائی من رحم کن، و

تَوْبَتي. أَللّٰهُمَّ إِنّي لا أُعَوِّلُ عَلىٰ صالِحَةٍ سَلَفَتْ مِنّي، وَلا أَثِقُ

توبه‌ام را بپذیر. خداوندا؛ من هرگز تکیه نمی‌کنم بر عمل صالحی که از من انجام گرفته، و اطمینان ندارم

بِحَسَنَةٍ تَقُومُ بِالْحُجَّةِ عَنّي، وَلَوْ أَنّي قَدَّمْتُ حَسَنٰاتِ جَميعِ

به کار نیکوئی که بتواند از طرف من اقامهٔ حجّت کند، و اگر من خوبی‌ها و کارهای نیکوی

خَلْقِكَ، ثُمَّ خٰالَفْتُ طٰاعَةَ أَوْلِيٰآئِكَ، لَكٰانَتْ تِلْكَ الْحَسَنٰاتِ

همهٔ آفریدگانت را پیش فرستاده بودم، سپس با اطاعت اولیای تو مخالفت می‌کردم، تمام آن خوبی‌ها

مُزْعِجَةً لي عَنْ جِوٰارِكَ، غَيْرُ حٰائِلَةٍ بَيْني وَبَيْنَ نٰارِكَ، فَلِذٰلِكَ

مرا از جوار تو می‌راند و نمی‌توانست میان من و آتش (عذاب) تو حائل گردد و فاصله ایجاد کند، و لذا

عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ طٰاعَتِكَ طٰاعَةُ أَوْلِيٰآئِكَ. أَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَوَجُّهي

دانستم که برترین طاعت تو اطاعت اولیای تو است. خداوندا؛ رحم کن روی‌آوردن مرا

بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ عَلِمْتُ أَنّي غَيْرُ وٰاجِدٍ أَعْظَمُ

به کسی که به وسیلهٔ او به درگاهت روی آورده‌ام، پس به راستی دانستم که من کسی را عظیم‌تر

مِقْدٰاراً مِنْهُمْ، لِمَكٰانِهِمْ مِنْكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ. أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ

از ایشان نیافتم، بخاطر جایگاه و منزلتی که نزد تو دارند ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ براستی تو

بِالْإِنْعٰامِ مَوْصُوفٌ، وَوَلِيُّكَ بِالشَّفٰاعَةِ لِمَنْ أَتٰاهُ مَعْرُوفٌ، فَإِذٰا

به نعمت‌دهی و لطف توصیف‌شده‌ای، و ولیّ تو به شفاعت برای کسی که نزد او آید شناخته‌شده است، پس هنگامی که

شَفَّعَ فِيَّ مُتَفَضِّلًا، كٰانَ وَجْهُكَ عَلَيَّ مُقْبِلًا، وَإِذٰا كٰانَ وَجْهُكَ عَلَيَّ

از روی نیکی و احسان در مورد من شفاعت کرد لطف تو به من روی خواهد آورد، و چون لطف تو به من روی آورد

مُقْبِلًا أَصَبْتُ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا. أَللّٰهُمَّ فَكَمٰا أَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَيْكَ أَنْ

از بهشت جایگاهی را برخوردار خواهم شد. خداوندا؛ همانگونه که به درگاه تو به وسیلهٔ او توسّل جسته‌ام تا

تَمُنَّ عَلَيَّ بِالرِّضٰا وَالنِّعَمِ اللّٰهُمَّ أَرْضِهِ عَنّٰا، وَلٰاتُسْخِطْهُ عَلَيْنٰا،

به رضایت و خشنودی و نعمتت بر من منّت گذاری ـ خداوندا؛ ـ او را نیز از ما راضی و خشنود گردان، و بر ما خشمگین مساز،

وَاهْدِنٰا بِهِ، وَلٰاتُضِلَّنٰا فيهِ، وَاجْعَلْنٰا فيهِ عَلَى السَّبيلِ الَّذي تَخْتٰارُهُ،

و به‌وسیلهٔ او ما را هدایت کن، و در مورد او ما را دچار گمراهی مفرما، و دربارهٔ او ما را بر همان راهی که خودت اختیارفرموده‌ای قرار بده

وَأَضِفْ طٰاعَتي إِلىٰ خٰالِصِ نِيَّتي في تَحِيَّتي، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

و طاعت مرا به نیّت خالصم در تحیّت و سلام‌گوئی‌ام بیفزا، ای مهربانترین مهربانان.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ خِيٰارِ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، كَمَا انْتَجَبْتَهُمْ عَلَى

خداوندا؛ بر بهترین آفریدگانت محمّد و آل او درود فرست، همانطور که آنان را بر

الْعٰالَمِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلىٰ عِلْمٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ

جهانیان برگزیدی، و از روی علم و آگاهی از پیشینیان اختیار نمودی. خداوندا؛ درود فرست بر

حُجَّتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، اَلتّٰالي لِنَبِيِّكَ، اَلْمُقِيمِ لِأَمْرِكَ

حجّتت، و برگزیده‌ات از میان آفریدگانت، آنکه مقامی پس از مرتبهٔ پیامبرت دارد، بپادارندهٔ امر و فرمان تو است

عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ، وَصَلِّ عَلىٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ

(یعنی حضرت) علیّ بن ابی طالب، و درود فرست بر (حضرت) فاطمهٔ زهرا که سرور زنان

الْعٰالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ شَنَفَيْ عَرْشِكَ، وَدَلِيلَيْ

جهانیان است، و درود فرست بر امام حسن و امام حسین که دو گوشوارهٔ عرش تو، و دو دلیلند

خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَدُعٰاتِهِمْ إِلَيْكَ. أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ

که خلق را بر تو راهبری کنند، و به سوی تو فراخوانند. خداوندا؛ و درود فرست بر علی بن الحسین و محمّد بن علی

وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ

و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمّد بن علی و علیّ بن محمّد و حسن بن علیّ و جانشین

الصّٰالِحِ الْبٰاقي، مَصٰابِيحِ الظُّلَامِ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ جَمِيعِ الْأَنٰامِ،

صالح و نیکوکاری که از آنان باقیمانده است، چراغ‌های روشن در تاریکی‌ها، و حجّت‌های تو بر همهٔ مردم،

خَزَنَةِ الْعِلْمِ أَنْ يَعْدِمَ، وَحُمٰاةِ الدِّينِ أَنْ يَسْقَمَ، صَلٰاةً يَكُونُ

خزانه‌داران علم که مانع نابودی آن شوند و حامیان و مدافعان دین که مانع بیماری آن گردند، درودی که

الْجَزٰاءُ عَلَيْهٰا أَتَمَّ رِضْوٰانِكَ، وَنَوٰامِيَ بَرَكٰاتِكَ، وَكَرٰائِمَ إِحْسٰانِكَ.

پاداش آن کاملترین رضایت تو، و فزاینده‌ترین برکات تو، و ارزنده‌ترین احسان تو باشد.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَعْدٰاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَضٰاعِفْ

خداوندا؛ همهٔ دشمنان آنان را از جنّ و انس لعنت کن، و

عَلَيْهِمُ الْعَذٰابَ الْأَلِيمَ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

عذاب دردناکت را بر ایشان دوچندان نما، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس دعا کن به دعای عهدی که دستور داده شده در دوران غیبت خوانده شود (و آن دعا، این است):

أَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ

خدایا؛ ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ ای پروردگار دریای

الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ

متلاطم؛ و ای فرو فرستندهٔ تورات و انجیل و زبور؛ و ای پروردگار سایه

وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلآئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،

و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستندهٔ قرآن بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرّب؛

وَالْأَنْبِيآءِ وَالْمُرْسَلِينَ. أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ

و ای پروردگار پیامبران و رسولان؛ بار خدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم به ذات کریمت، و به روشنی

وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

ذات روشنی‌بخشت، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ درخواست می‌کنم به واسطهٔ نامت،

الَّذي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوٰاتُ وَالْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذي يَصْلُحُ

همان نامی که آسمان‌ها و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ، يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ

پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيٰا حَيّاً حِينَ لٰا حَيَّ، يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ وَمُمِيتَ الْأَحْيٰآءِ،

زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کنندهٔ مردگان؛ ای میرانندهٔ زندگان؛

يٰا حَيُّ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ. أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلٰانَا الْإِمٰامَ الْهٰادِيَ الْمَهْدِيَّ

ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی پیشوای هدایت‌گر هدایت‌شده‌ای

الْقٰآئِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ اٰبٰآئِهِ الطّٰاهِرِينَ، عَنْ

که قیام‌کننده است به امر تو ـ که درود خدا بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد ـ سلام برسان؛ سلام و درودی از

جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها،

طرف همهٔ مردان و زنان باایمان که در شرق و غرب زمین،

سَهْلِها وَجَبَلِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَعَنّي وَعَنْ والِدَيَّ، مِنَ

بیابان و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم.

الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ، وَمِدادَ كَلِماتِهِ، وَما أَحْصاهُ عِلْمُهُ،

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که علم خدا آن را شماره کند،

وَأَحاطَ بِهِ كِتابُهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في صَبيحَةِ يَوْمي هٰذا،

و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این صبحدم و در ابتدای این روز نو،

وَما عِشْتُ مِنْ أَيّامي، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في عُنُقي، لا

و تمامی ایّامِ زندگانیم، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که

أَحُولُ عَنْها، وَلا أَزُولُ أَبَداً. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ،

هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک‌رسانان

وَالذّابّينَ عَنْهُ، وَالْمُسارِعينَ إِلَيْهِ في قَضاءِ حَوائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلينَ

و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شتابند؛ جزو

لِأَوامِرِهِ، وَالْمُحامينَ عَنْهُ، وَالسّابِقينَ إِلىٰ إِرادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدينَ

دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای انجام اُمور دلخواه او

بَيْنَ يَدَيْهِ. أَللّٰهُمَّ إِنْ حالَ بَيْني وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذي جَعَلْتَهُ

و شهیدشوندگان در پیش‌روی او قرار ده. بارخدایا؛ از تو می‌خواهم که اگر مرگ ـ که آن را یک امر حتمی و قطعی

عَلىٰ عِبادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً، فَأَخْرِجْني مِنْ قَبْري، مُؤْتَزِراً كَفَني،

برای بندگانت قرار داده‌ای ـ بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام؛

شاهِراً سَيْفي، مُجَرِّداً قَناتي، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدّاعي، فِي الْحاضِرِ

شمشیرم را کشیده و بالا برده‌ام، نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست لبیک گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی

وَالْبادي. أَللّٰهُمَّ أَرِني الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَميدَةَ،

همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا؛ آن رخسار زیبای جذّاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛

وَاكْحُلْ ناظِري بِنَظْرَةٍ مِنّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

و سرمهٔ دیده‌ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان،

وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَاسْلُكْ بي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَزْرَهُ.

و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن.

وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ

خدایا؛ با حضور او سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده‌ای ـ به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو

الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النّاسِ﴾[1]،

حقّ است ـ: که «ـ پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید ـ فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است»؛

فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمّى بِاسْمِ

پس (ای) خدا، ولیّ و نمایندهٔ خودت را که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستادهٔ تو ـ محمّد ﷺ ـ است؛ برای ما آشکار

رَسُولِكَ، حَتّى لايَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْباطِلِ إِلّا مَزَّقَهُ، وَيُحِقَّ

کن، تا هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حقّ

الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ. وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِكَ، وَناصِراً

را پایدار و محقّق فرماید. و بار خدایا؛ قرار ده او را پناه بندگان ستمدیده‌ات، و یار و یاور

لِمَنْ لايَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ أَحْكامِ

کسانی که جز تو یاوری برای خود نمی‌یابند، و تجدیدکنندهٔ آن دستورات

كِتابِكَ، وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى

کتابت (قرآن) که تعطیل شده است؛ و محکم‌کنندهٔ نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت که درود

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدينَ.

خدا بر او و آل او باد. خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

أَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ

خدایا؛ پیامبرت (حضرت) محمّد ـ که درود بر او و آل او باد ـ را با دیدن این فرزند شایسته‌اش و کسانی که

تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا بَعْدَهُ. أَللّٰهُمَّ اكْشِفْ

از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما (که با غیبت او به وجود آمده است) رحم کن. خدایا؛

۱. سورهٔ روم، آیهٔ ۴۱.

هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ، إِنَّـهُمْ

این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان‌شده، از این اُمّت برطرف کن؛ و در ظهور و آشکارشدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو)

يَرَوْنَهُ بَعِيداً، وَنَرىٰهُ قَـرِيباً، بِـرَحْمَتِكَ يٰـا أَرْحَـمَ الرّٰاحِـمِينَ.

زمان ظهور او را دیروقت می‌پندارند، ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البتّه، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

آن‌گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی:

اَلْعَجَلَ، اَلْعَجَلَ، يٰا مَوْلاٰيَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

سپس بگو:

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، رٰاضِـيَةً بِـقَضٰآئِكَ، مُـولَعَةً

خداوندا؛ جان و روان مرا به مقدّرات خود مطمئن، و به قضا و حکم خویش خشنود گردان، دلباخته و بی‌قرار

بِذِكْرِكَ وَدُعٰآئِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيٰآئِكَ، مَـحْبُوبَةً فـي أَرْضِكَ

ذکر و دعایت، دوست‌دارندهٔ اولیاء برگزیده‌ات، محبوب در زمینت

وَسَمٰآئِكَ، صٰابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلاٰئِكَ، مُشْتٰاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ لِقٰآئِكَ،

و آسمانت، شکیبا بر فرو فرستادن بلایت، مشتاق دیدار مسرّت‌بخشت،

مُتَزَوِّدَةَ التَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزٰآئِكَ، مُسْتَسِنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيٰآئِكَ، مُفٰارِقَةً

اندوخته‌کنندهٔ توشهٔ تقوا برای روز جزا و پاداشت، پویندهٔ راه و روش اولیائت، فاصله‌گیرنده

لِأَخْلاٰقِ أَعْـدٰآئِكَ، مَشْـغُولَةً عَـنِ الدُّنْـيٰا بِـحَمْدِكَ وَثَـنٰآئِكَ.[1]

از خُلق و خوی دشمنانت، و مشغول‌گشته از دنیا به حمد و ثنای خودت قرار بده.

۱. بحار الأنوار: ۱۷۸/۱۰۲، مصباح الزائر: ۴۷۶.

۵

زیارت جامعهٔ پنجم

این زیارت را سیّد بن طاووس و ابن مشهدی ـ مؤلّف «المزار الکبیر» ـ نقل کرده و گفته‌اند: از ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام روایت شده است: هرگاه خواستی برای زیارت سفر کنی، هنگام اراده و نیّت آن بگو:

أَللّٰهُمَّ صِلْ عَزْمي بِالتَّحْقيقِ، وَنِيَّتي بِالتَّوْفيقِ، وَرَجٰائي

خداوندا؛ اراده‌ام را تحقّق بخش، و نیّتم را قرین توفیق قرار بده، و امیدم را

بِالتَّصْديقِ، وَتَوَلِّ أَمْري، وَلٰاتَكِلْني إِلىٰ نَفْسي، فَأَحُلَّ عُقْدَةَ

اثبات کن و راست گردان، و کار مرا سرپرستی نما، و مرا به خودم وامگذار که در

الْحَيْرَةِ، وَأَتَخَلَّفُ عَنْ حُضُورِ الْمَشٰاهِدِ الْمُقَدَّسَةِ.

بند حیرت افتم، و از حضور در زیارتگاه‌ها و حرم‌های پاک جا بمانم و بازایستم.

و پیش از خارج شدن، دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَوْدِعُكَ دينِي وَنَفْسي وَجَميعَ حُزٰانَتي. أَللّٰهُمَّ أَنْتَ

خداوندا؛ دینم و خودم و همهٔ اهل و عیالم را به تو می‌سپارم. خداوندا؛ تو

الصّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَليفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمٰالِ وَالْوَلَدِ. أَللّٰهُمَّ

همراه هستی در سفر، و جانشینی در میان اهل و مال و فرزند. خداوندا؛

إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوٓءِ الصُّحْبَةِ، وَإِخْفٰاقِ الْأَوْبَةِ. أَللّٰهُمَّ سَهِّلْ

به تو پناه می‌برم از بدی همراهی و بازگشتن بدون مراد. خداوندا؛ هموار کن برای

لَنٰا حُزْنَ مٰا نَتَغَوَّلُ، وَيَسِّرْ عَلَيْنٰا مُسْتَغْزَرَ مٰا نَرُوحُ وَنَغْدُو لَهُ،

ما اندوه آنچه تخیّل می‌کنیم که به نظر ما نزدیک می‌آید ولی دور است، و آسان کن بر ما آنچه فراوان برای او رفت و آمد می‌کنیم در شب و روز

إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

که تو بر هر چیز توانا هستی.

و هنگامی که به راه افتادی باید فکر و اندیشه‌ات پیرامون آنچه برایش به راه افتاده‌ای مشغول باشد، و با همراهانت نیکو رفتار کنی و زیاد حمد و ثنای خداوند تبارک و تعالی نمایی و صلوات بر رسول خدا ﷺ فرستی، و چون خواستی برای زیارت غسل کنی در حال غسل کردن بگو:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَفي سَبيلِ اللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ. أَللّٰهُمَّ

بنام خدا و به کمک خدا و در راه خدا و بر آئین رسول خدا. خداوندا؛

أَغْسِلْ عَنّي دَرَنَ الذُّنُوبِ، وَوَسَخَ الْعُيُوبِ، وَطَهِّرْني بِماءِ

چرک گناهان و آلودگی عیب‌ها را از من بشوی، و با آب

التَّوْبَةِ، وَأَلْبِسْني رِداءَ الْعِصْمَةِ، وَأَيِّدْني بِلُطْفِ مَنِّكَ يُوَفِّقُني

توبه پاک گردان، و جامهٔ عصمت و مصونیّت از گناه را بر من بپوشان، و به لطف احسانت یاری کن تا

لِصالِحِ الْأَعْمالِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ.

به اعمال شایسته موفّقم گردانی که تو صاحب فضل و بخشش بزرگ هستی.

و چون نزدیک درب زیارتگاه رسیدی، بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي وَفَّقَني لِقَصْدِ

سپاس خدای را که مرا توفیق داد آهنگ

وَلِيِّهِ، وَزِيارَةِ حُجَّتِهِ، وَأَوْرَدَني حَرَمَهُ، وَلَمْ يَبْخَسْني حَظّي

ولیّ او کرده، و به زیارت حجّتش بیایم، و اکنون مرا به حرم او وارد نمود، و بی‌بهره

مِنْ زِيارَةِ قَبْرِهِ، وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ مُغَيَّبِهِ وَساحَةِ تُرْبَتِهِ، اَلْحَمْدُ

از زیارت قبرش، و فرودآمدن به صحن و سرایش و ساحت تربت مقدّسش قرار نداد. سپاس

لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَسُمْني بِحِرْمانِ ما أَمَّلْتُهُ، وَلا صَرَفَ عَنّي ما

خدای را که مرا نسبت به آنچه آرزو داشتم دچار محرومیّت نکرد، و آنچه را امید داشتم از من بازمگردانید،

رَجَوْتُهُ، وَلا قَطَعَ رَجائي فيما تَوَقَّعْتُهُ، بَلْ أَلْبَسَني عافِيَتَهُ،

و در آنچه توقّع داشتم ناامیدم ننمود، بلکه بر من لباس عافیتش را پوشانید،

وَأَفادَني نِعْمَتَهُ، وَاتاني كَرامَتَهُ.

و از نعمتش برخوردار کرد، و از کرامت و بزرگواریش مرا بهره‌مند ساخت.

و هنگامی که داخل زیارتگاه شدی، کنار آن ضریح پاک بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَسٰادَةِ الْمُتَّقِينَ، وَكُبَرٰآءِ الصِّدّيقِينَ،

سلام بر شما امامان مردم باایمان، و سروران اهل تقوا، و بزرگان افراد راستگفتار و درستکردار،

وَاُمَرٰآءِ الصّٰالِحِينَ، وَقٰادَةِ الْمُحْسِنِينَ، وَأَعْلٰامِ الْمُهْتَدِينَ، وَأَنْوٰارِ

و فرمانروایان شایستگان، و پیشوایان نیکوکاران، و نشانه‌های هدایت برای هدایت‌یافتگان، و روشنی‌بخش

الْعٰارِفِينَ، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيٰآءِ، وَصَفْوَةِ الْأَوْصِيٰآءِ، وَشُمُوسِ الْأَتْقِيٰآءِ،

عارفان، و وارثان پیامبران و برگزیدگان اوصیاء، و خورشیدهای تابناک پرهیزکاران،

وَبُدُورِ الْخُلَفٰآءِ، وَعِبٰادِ الرَّحْمٰنِ، وَشُرَكٰآءِ الْقُرْاٰنِ، وَمَنْهَجِ

و ماه‌های درخشان جانشینان، و بندگان خداوند رحمان، و شریکان قرآن، و راه روشن

الْإِيمٰانِ، وَمَعٰادِنِ الْحَقٰآيِقِ، وَشُفَعٰآءِ الْخَلٰايِقِ، وَرَحْمَةُ اللهِ

ایمان، و معدن‌های حقایق، و شفیعان خلایق، و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوٰابُ اللهِ، وَمَفٰاتِيحُ رَحْمَتِهِ، وَمَقٰالِيدُ

و برکات او بر شما. گواهی می‌دهم که شما درهای گشودهٔ پروردگار، و کلیدهای رحمت او، و وسیله‌های

مَغْفِرَتِهِ، وَسَحٰآئِبُ رِضْوٰانِهِ، وَمَصٰابِيحُ جِنٰانِهِ، وَحَمَلَةُ فُرْقٰانِهِ،

آمرزش او، و ابرهای خشنودی او، و چراغ‌های بهشت او، و حاملان قرآن او،

وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ، وَحَفَظَةُ سِرِّهِ، وَمَهْبَطُ وَحْيِهِ، وَأَمٰانٰاتُ النُّبُوَّةِ،

و خزانه‌داران علم او، و حافظان اسرار او، و محل فرودآمدن وحی او، و امانت‌های نبوّت،

وَوَدٰايِعُ الرِّسٰالَةِ. أَنْتُمْ اُمَنٰآءُ اللهِ، وَأَحِبّٰآؤُهُ وَعِبٰادُهُ وَأَصْفِيٰآؤُهُ،

و ودیعه‌های رسالت هستید. شما امین و مورد اعتماد پروردگار، و دوستان او و بندگان او و برگزیدگان او،

وَأَنْصٰارُ تَوْحِيدِهِ، وَأَرْكٰانُ تَمْجِيدِهِ، وَدُعٰاتُهُ إِلىٰ كُتُبِهِ، وَحَرَسَةُ

و یاوران توحید او، و پایه‌های تمجید و بزرگداشت او، و فراخوانان به سوی کتاب‌هایش، و نگهبانان

خَلٰآئِقِهِ، وَحَفَظَةُ وَدٰآئِعِهِ. لٰا يَسْبِقُكُمْ ثَنٰآءُ الْمَلٰآئِكَةِ فِي الْإِخْلٰاصِ

خلایقش، و حافظان امانت‌هایش هستید. مدح و ثنای فرشتگان شما را در اخلاص و خشوع پیشی نمی‌گیرد،

وَالْخُشُوعِ، وَلٰا يُضٰادُّكُمْ ذُو ابْتِهٰالٍ وَخُضُوعٍ؛ أَنّٰى وَلَكُمُ الْقُلُوبُ

و دعاکنندهٔ بااخلاص و ناله و خضوع با شما مخالفت و ضدّیت ندارد؛ کجا می‌تواند چنین باشد در حالی‌که برای شما دل‌هائی است

الَّتي تَوَلَّى اللهُ رِيٰاضَتَهٰا بِالْخَوْفِ وَالرَّجٰاءِ، وَجَعَلَهٰا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ

که خداوند عهده‌دار ریاضت و پرورش آن با خوف و امید گردیده است و آن را ظرف‌های شُکر

وَالثَّنٰاءِ، وَاٰمَنَهٰا مِنْ عَوٰارِضِ الْغَفْلَةِ، وَصَفّٰاهٰا مِنْ شَوٰاغِلِ الْفَتْرَةِ

و ثناء قرار داده، و از عوارض غفلت و بی‌خبری ایمن داشته، و از عوامل سستی زدوده است،

بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمٰاءِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰائِكُمْ، وَتَوٰاتُرِ

بلکه اهل آسمان به دوستی شما، و اظهار بیزاری از دشمنان شما، و پیوسته

الْبُكٰاءِ عَلٰى مُصٰابِكُمْ، وَالْإِسْتِغْفٰارِ لِشيعَتِكُمْ وَمُحِبّيكُمْ. فَأَنَا

گریستن بر مصائب شما، و طلب آمرزش برای شیعیان و دوستان شما تقرّب می‌جویند. پس من

أُشْهِدُ اللهَ خٰالِقي، وَأُشْهِدُ مَلٰائِكَتَهُ وَأَنْبِيٰاءَهُ، وَأُشْهِدُكُمْ يٰا مَوٰالِيَّ،

خداوند آفریننده‌ام را گواه می‌گیرم، و فرشتگان و پیامبران او و شما سرورانم را گواه می‌گیرم

أَنّي مُؤْمِنٌ بِوِلٰايَتِكُمْ، مُعْتَقِدٌ لِإِمٰامَتِكُمْ، مُقِرٌّ بِخِلٰافَتِكُمْ، عٰارِفٌ

که من به ولایت شما ایمان دارم، و به امامت شما معتقدم، به خلافت و جانشینی بحقّ شما اقرار می‌نمایم،

بِمَنْزِلَتِكُمْ، مُوقِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ، خٰاضِعٌ لِوِلٰايَتِكُمْ، مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللهِ

به قدر و منزلت شما آشنایم، به عصمت و پاکی شما یقین و باور دارم، در برابر ولایت شما خاضع و فروتنم، به خداوند

بِحُبِّكُمْ وَبِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰائِكُمْ، عٰالِمٌ بِأَنَّ اللهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ

با محبّت شما و بیزاری از دشمنانتان تقرّب می‌جویم، آگاهم به اینکه خداوند به راستی شما را از

الْفَوٰاحِشِ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَمٰا بَطَنَ، وَمِنْ كُلِّ رَيْبَةٍ وَنَجٰاسَةٍ،

زشتی‌ها و گناهان آشکار و پنهان، و از هر گونه شکّ و ناپاکی،

وَدَنِيَّةٍ وَرَجٰاسَةٍ، وَمَنَحَكُمْ رٰايَةَ الْحَقِّ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَهٰا ضَلَّ،

و از هر پستی و آلودگی پاک گردانیده است، و پرچم حق را به شما بخشیده که هر کس بر آن پیشی جوید گمراه،

وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهٰا زَلَّ، وَفَرَضَ طٰاعَتَكُمْ عَلىٰ كُلِّ أَسْوَدٍ وَأَبْيَضٍ.

و هر کس از آن عقب ماند دچار لغزش گردد، و اطاعت شما را بر هر سیاه و سفید واجب فرموده است.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللهِ وَذِمَّتِهِ، وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ

و گواهی می‌دهم که شما به عهد و پیمان الهی، و به تمام آنچه

فِي كِتابِهِ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبيلِهِ، وَأَنْفَذْتُمْ طاقَتَكُمْ فِي مَرْضاتِهِ،

در کتابش بر شما شرط کرده وفا نمودید، و مردم را به راه او فراخواندید، و توان و طاقت خود را در رضا و خشنودی او به کار بردید،

وَحَمَلْتُمُ الْخَلائِقَ عَلىٰ مِنْهاجِ النُّبُوَّةِ وَمَسالِكِ الرِّسالَةِ، وَسِرْتُمْ

و آفریدگان را به پیمودن راه روشن نبوّت و شیوه‌های رسالت واداشتید، و

فِيهِ بِسيرَةِ الْأَنْبِياءِ، وَمَذاهِبِ الْأَوْصِياءِ، فَلَمْ يُطَعْ لَكُمْ أَمْرٌ،

به سیرهٔ پیامبران و روش اوصیاء سیر کردید، (ولی) امر شما اطاعت نشد،

وَلَمْ تُصْغَ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ، فَصَلَواتُ اللهِ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ.

و فرمان شما را گوش نشنید، پس درود خدا بر ارواح پاک و اجساد مقدّس شما باد.

سپس خود را بر روی قبر می‌افکنی و می‌گویی: بِأَبي أَنْتَ وَأُمّي يا حُجَّةَ

پدر و مادرم به فدایت ای حجّت

اللهِ، لَقَدْ أُرْضِعْتَ بِثَدْيِ الْإِيمانِ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلامِ، وَغُذِّيتَ

خدا؛ با پستان ایمان شیر داده شدی، و با نور اسلام از شیر گرفته شدی، و

بِبَرْدِ الْيَقينِ، وَأُلْبِسْتَ حُلَلَ الْعِصْمَةِ، وَاصْطُفيتَ وَوُرِّثْتَ عِلْمَ

با آرامش یقین غذا داده شدی، و جامه‌های عصمت بر تو پوشیده شد، و برگزیده شدی و علم کتاب به تو ارث داده

الْكِتابِ، وَلُقِّنْتَ فَصْلَ الْخِطابِ، وَأُوضِحَ بِمَكانِكَ مَعارِفَ

شد، و فصل‌الخطاب یعنی حکم قاطع و رد ناشدنی که به داوری پایان دهد به شما تلقین گردید، و جایگاه علمی شما معارف ظاهر

التَّنْزيلِ، وَغَوامِضَ التَّأْويلِ، وَسُلِّمَتْ إِلَيْكَ رايَةُ الْحَقِّ، وَكُلِّفْتَ

قرآن و مشکلات پیچیدهٔ باطنی آن، واضح و آشکار شد، و پرچم حقّ به تو واگذار گردید، و

هِدايَةَ الْخَلْقِ، وَنُبِذَ إِلَيْكَ عَهْدُ الْإِمامَةِ، وَأُلْزِمْتَ حِفْظَ الشَّريعَةِ.

به هدایت خلق گماشته شدی، و عهد امامت به سوی تو افکنده شد، و نگهبانی دین و آئین بر تو لازم و واجب گردید.

وَأَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِشَرائِطِ الْوَصِيَّةِ، وَقَضَيْتَ ما لَزِمَكَ

و گواهی می‌دهم - ای مولای من؛ - که شما به همهٔ شرایط وصیّت و جانشینی وفا کردی، و آن مقدار

مِنْ حَدِّ الطّٰاعَةِ، وَنَهَضْتَ بِأَعْبٰآءِ الْإِمٰامَةِ، وَاحْتَذَيْتَ مِثٰالَ النُّبُوَّةِ،

از اطاعت که بر تو لازم بود انجام دادی، و بارهای سنگین امامت را به دوش کشیدی، و در برابرت قرار دادی الگوی نبوّت را

فِي الصَّبْرِ وَالْإِجْتِهٰادِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْعِبٰادِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَالْعَفْوِ عَنِ

در صبر و شکیبائی و کوشش و تلاش و خیرخواهی برای بندگان، و فرونشاندن خشم و غضب، و عفو و بخشش از

النّٰاسِ، وَعَزَمْتَ عَلَى الْعَدْلِ فِي الْبَرِيَّةِ، وَالنَّصَفَةَ فِي الْقَضِيَّةِ،

مردم. و بر اجرای عدالت در میان مردم، و انصاف و دادگری در قضاوت و داوری تصمیم جدّی گرفتی،

وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ بِالدَّلٰآئِلِ الصّٰادِقَةِ وَالشَّوٰاهِدِ النّٰاطِقَةِ،

و حجّت‌ها را بر امّت با نشانه‌های صادق، و شاهدهای گویا تحکیم نمودی،

وَدَعَوْتَ إِلَى اللهِ بِالْحِكْمَةِ الْبٰالِغَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ. فَمُنِعْتَ

و آن‌ها را به سوی خدا خواندی با حکمت رسا، و موعظهٔ نیکو. پس بازداشته شدی

مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْغِ، وَسَدِّ الثَّلْمِ، وَإِصْلٰاحِ الْفٰاسِدِ، وَكَسْرِ الْمُعٰانِدِ،

از راست و درست‌کردن انحراف، و بستن شکاف، و اصلاح تباهی، و درهم شکستن مخالف حقّ،

وَإِحْيٰآءِ السُّنَنِ، وَإِمٰاتَةِ الْبِدَعِ، حَتّٰى فٰارَقْتَ الدُّنْيٰا وَأَنْتَ شَهِيدٌ،

و زنده کردن سنّت‌ها، و میراندن بدعت‌ها، تا آن‌که دنیا را وداع گفتی در حالی‌که به شهادت رسیدی،

وَلَقِيتَ رَسُولَ اللهِ وَأَنْتَ حَمِيدٌ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكَ تَتَرٰادَفُ وَتَزِيدُ.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدار کردی در حالی‌که ستوده‌ای، درود خدا پیوسته و فزاینده بر تو باد.

سپس به پائین‌پای مبارک برو و بگو: يٰا سٰادَتِي يٰا آلَ رَسُولِ اللهِ، إِنّي بِكُمْ

ای سروران من؛ ای خاندان رسول خدا؛ من به سبب شما

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ جَلَّ وَعَلٰا، بِالْخِلٰافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ،

به خداوند بزرگ و بلندمرتبه تقرّب می‌جویم، با مخالفت‌کردن با کسانی که به شما نیرنگ زدند،

وَنَكَثُوا بَيْعَتَكُمْ، وَجَحَدُوا وِلٰايَتَكُمْ، وَأَنْكَرُوا مَنْزِلَتَكُمْ، وخَلَعُوا

و پیمان‌شکنی کردند، و ولایت شما را انکار نمودند، و قُرب و منزلت شما را نشناختند، و از

رِبْقَةَ طٰاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبٰابَ مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلٰى فَرٰاعِنَتِهِمْ

اطاعت شما سرباز زدند و شانه خالی کردند، و اسباب مودّت و پیوند دوستی با شما را بریدند، و به فرمانروایان متکبّر و سرکش

بِالْبَرٰآءَةِ مِنْكُمْ، وَالْإِعْرٰاضِ عَنْكُمْ، وَمَنَعُوكُمْ مِنْ إِقٰامَةِ الْحُدُودِ،

خود با بیزاری و روی‌گرداندن از شما تقرّب جستند، و شما را از بپاداشتن حدود،

وَاسْتِئْصٰالِ الْجُحُودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ، وَلَمِّ الشَّعَثِ، وَسَدِّ الْخَلَلِ،

و ریشه‌کردن کفر و انکار، و از بین‌بردن شکاف و جدایی، و سامان‌دادن به نابسامانی و پراکندگی، و برطرف‌کردن رخنه‌ها و تباهی‌ها،

وَتَثْقِيفِ الْأَوَدِ، وَإِمْضٰآءِ الْأَحْكٰامِ، وَتَهْذِيبِ الْإِسْلٰامِ، وَقَمْعِ الْاٰثٰامِ،

و راست‌کردن کجی‌ها، و اجرای احکام، و آراستن اسلام، و نابود ساختن گناهان بازداشتند،

وَأَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ، وَأَنْحَوْا عَلَيْكُمْ سُيُوفَ

و غبار جنگ و فتنه را بر علیه شما برانگیختند، و شمشیرهای کینه را به طرف شما کشیدند،

الْأَحْقٰادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمُ السُّتُورَ، وَابْتٰاعُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ،

و پرده‌های حرمت شما را دریدند، و با خمس که از آن شما است شراب خریدند،

وَصَرَفُوا صَدَقٰاتِ الْمَسٰاكِينَ إِلَى الْمُضْحِكِينَ وَالسّٰاخِرِينَ.

و صدقاتی را که حقّ مساکین و بینوایان است برای دلقک‌ها و مسخره‌کننده‌ها مصرف کردند.

وَذٰلِكَ بِمٰا طَرَّقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْغُوٰاةُ، وَالْحَسَدَةُ الْبُغٰاةُ، أَهْلُ

و این، بدان جهت بود که راه را برای آنان هموار نمودند فاسقانِ گمراه، و حسودانِ ستم‌پیشه، اهل

النَّكْثِ وَالْغَدْرِ وَالْخِلٰافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُنْتِنَةِ مِنْ قَذَرِ

پیمان‌شکنی و نیرنگ و مخالفت و حیله‌گری، و دل‌های گندیده و بدبو از آلودگی

الشِّرْكِ، وَالْأَجْسٰادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ أَضَبُّوا عَلَى

شرک، و بدن‌های پر از چرک و کثافت کفر، آن‌ها که نفاق خود را پنهان

النِّفٰاقِ، وَأَكَبُّوا عَلَى عَلٰائِقِ الشِّقٰاقِ. فَلَمّٰا مَضَى الْمُصْطَفىٰ

کردند، و دربند تکبّر و خودخواهی گرفتار شدند. پس هنگامی که آن پیامبر برگزیده‌شده

صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، اِخْتَطَفُوا الْغِرَّةَ، وَانْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ،

ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ جهان را وداع گفت، به سرعت غفلت را ربودند، و فرصت را غنیمت شمردند،

وَانْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ، وَغٰادَرُوهُ عَلٰى فِرٰاشِ الْوَفٰاةِ، وَأَسْرَعُوا لِنَقْضِ

و حرمت را شکستند، و بر بستر مرگ با او بی‌وفایی نمودند، و شتاب کردند برای شکستن

الْبَيْعَةِ، وَمُخالَفَةِ الْمَواثيقِ الْمُؤَكَّدَةِ، وَخِيانَةِ الْأَمانَةِ الْمَعْرُوضَةِ

بیعت، و مخالفت‌کردن با پیمان‌های محکم‌شده، و خیانت ورزیدن به امانتی که

عَلَى الْجِبالِ الرّاسِيَةِ، وَأَبَتْ أَنْ تَحْمِلَها وَحَمَلَهَا الْإِنْسانُ الظَّلُومُ

بر کوه‌های استوار عرضه شد، و از برداشتن آن خودداری کردند ولی انسان بسیار ستمگر

الْجَهُولُ، ذُو الشِّقاقِ وَالْعِزَّةِ بِالْآثامِ الْمُولِمَةِ، وَالْأَنَفَةِ عَنِ

نادان، صاحب تکبّر و خودخواهی که غرورش او را به گناهان دردناک واداشته، و از رام‌شدن و

الْإِنْقِيادِ لِحَميدِ الْعاقِبَةِ. فَحَشَرَ سِفْلَةَ الْأَعْرابِ، وَبَقايَا الْأَحْزابِ،

فروتنی‌کردن برای سرانجام نیکوخودداری کرده، آن را بدوش گرفت. پس گروهی عرب‌های جاهل وبادیه‌نشینان، وباقیمانده‌های احزاب

إِلى دارِ النُّبُوَّةِ وَالرِّسالَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَالْمَلائِكَةِ، وَمُسْتَقَرِّ

به خانهٔ نبوّت و رسالت و محلّ فرود آمدن وحی و فرشتگان، و پایگاه

سُلْطانِ الْوِلايَةِ، وَمَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَالْخِلافَةِ وَالْإِمامَةِ، حَتّى نَقَضُوا

سلطان ولایت، و جایگاه وصایت و خلافت و امامت گرد آمدند و هجوم آوردند، تا

عَهْدَ الْمُصْطَفى، في أَخيهِ عَلَمِ الْهُدى، وَالْمُبَيِّنِ طَريقِ النَّجاةِ

عهد پیامبر را در مورد برادرش که پرچمدار هدایت و آشکارکنندهٔ راه نجات

مِنْ طُرُقِ الرَّدى، وَجَرَحُوا كَبِدَ خَيْرِ الْوَرى، في ظُلْمِ ابْنَتِهِ،

از راه‌های هلاکت بود شکستند، و جگر بهترین خلق خدا را جریحه‌دار ساختند در ستم‌کردن به دخترش،

وَاضْطِهادِ حَبيبَتِهِ، وَاهْتِضامِ عَزيزَتِهِ، بَضْعَةِ لَحْمِهِ وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ،

و آزار حبیبه‌اش، و پایمال‌نمودن عزیزش، پاره‌ای از تن و قطعه‌ای از جگرش،

وَخَذَلُوا بَعْلَها، وَصَغَّرُوا قَدْرَهُ، وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَهُ، وَقَطَعُوا

و همسرش را یاری نکردند و خوار نمودند، و قدر و ارزش او را پائین آوردند، و حرام‌شده‌های او را حلال شمردند، و قطع

رَحِمَهُ، وَأَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَنَقَضُوا طاعَتَهُ،

رحم او کردند، و برادری او را با پیامبر نفی نمودند، و مودّت و دوستی با او را ترک کردند، و اطاعتش را کنار گذاشتند،

وَجَحَدُوا وِلايَتَهُ، وَأَطْمَعُوا الْعَبيدَ في خِلافَتِهِ، وَقادُوهُ إِلى

و ولایتش را انکار کردند، و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و مردم را به

بَيْعَتِهِمْ، مُصْلِتَةً سُيُوفَهٰا، مُقْذِعَةً أَسِنَّتَهٰا، وَهُوَ سٰاخِطُ الْقَلْبِ، هٰائِجُ

بیعت با آنان کشاندند، در حالی‌که شمشیرها را از نیام کشیدند، و دندان‌های پلید خود را تیز کردند، و او قلبش خشمگین و

الْغَضَبِ، شَدِيدُ الصَّبْرِ، كٰاظِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُونَهُ إِلىٰ بَيْعَتِهِمُ الَّتي

غضبش برانگیخته شده بود، امّا بسیار شکیبائی می‌کرد، خشم خود را فرو می‌نشاند، او را به بیعت با آنان که

عَمَّ شُومُهَا الْإِسْلاٰمَ، وَزَرَعَتْ في قُلُوبِ أَهْلِهَا الْاٰثٰامَ، وَعَقَّتْ

شوم و بدیش اسلام را فراگرفته بود فرامی‌خواندند، و (بیعتی که) در دل‌های اهلش گناهان را بذرافشانی نمود، و

سَلْمٰانَهٰا، وَطَرَدَتْ مِقْدٰادَهٰا، وَنَفَتْ جُنْدَبَهٰا، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمّٰارِهٰا،

سلمانش را رنج و آزار داد، و مقدادش را راند، و ابوذرش را تبعید کرد، و شکم عمّارش را پاره نمود،

وَحَرَّفَتِ الْقُرْاٰنَ، وَبَدَّلَتِ الْأَحْكٰامَ، وَغَيَّرَتِ الْـمَقٰامَ، وَأَبٰـاحَتِ

و معنای قرآن را تحریف، و احکام را دگرگون، و مقام و منزلت را تغییر داد، و

الْخُمْسَ لِلطُّلَقٰاءِ، وَسَلَّطَتْ أَوْلاٰدَ اللُّعَنٰاءِ عَلَى الْفُرُوجِ، وَخَلَطَتِ

خمس را برای آزادشده‌ها مباح کرد، و اولاد لعینان را بر ناموس مردم مسلّط ساخت، و

الْحَلاٰلَ بِالْحَرٰامِ، وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمٰانِ وَالْإِسْلاٰمِ، وَهَدَمَتِ الْكَعْبَةَ،

حرام را با حلال درآمیخت، و ایمان و اسلام را کوچک شمرد، و کعبه را ویران کرد،

وَأَغٰارَتْ عَلىٰ دٰارِ الْهِجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بَنٰاتِ الْمُهٰاجِرِينَ

و در روز حرّه شهر هجرت (یعنی مدینه) را به غارت کشید، و دختران مهاجر

وَالْأَنْصٰارِ لِلنَّكٰالِ وَالسَّوْءَةِ، وَأَلْبَسَتْهُنَّ ثَوْبَ الْعٰارِ وَالْفَضِيحَةِ،

و انصار را برای کیفر و شکنجه و بدرفتاری آشکار کرد، و لباس عار و ننگ و رسوائی بر آنان پوشانید،

وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ، في قَتْلِ أَهْلِ بَـيْتِ الصَّـفْوَةِ، وَإِبٰـادَةِ

و برای اهل شبهه که حقّ و باطل بر ایشان نامعلوم است کشتن اهل بیت برگزیده، و تباه ساختن

نَسْلِهِ، وَاسْتِيصٰالِ شَأْفَتِهِ، وَسَبْيِ حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصٰارِهِ، وَكَسْرِ

نسل او، و از ریشه برکندن آنان، و اسیرکردن اهل بیتش، و کشتن یارانش، و شکستن

مِنْبَرِهِ، وَقَلْبِ مَفْخَرِهِ، وَإِخْفٰاءِ دِينِهِ، وَقَطْعِ ذِكْرِهِ. يٰا مَوٰالِيَّ فَلَوْ

منبرش، و وارونه کردن مفاخرش، و پنهان کردن دینش، و از بین بردن یادش را اجازه و رخصت داد. ای سروران من؛ اگر

عٰايَنَكُمُ الْمُصْطَفىٰ وَسِهٰامَ الْاُمَّةِ مُغْرِقَةٌ في أَكْبٰادِكُمْ، وَرِمٰاحَهُمْ

پیامبر، شما را مشاهده کند در حالی‌که تیرهای امّت در جگرهای شما فرو رفته، و نیزه‌های ایشان

مُشْرِعَةٌ في نُحُورِكُمْ، وَسُيُوفَهٰا مُولَعَةٌ في دِمٰآئِكُمْ، يَشْفي أَبْنٰآءُ

در گلوگاه شما راه یافته، و شمشیرهای‌شان به خون شما رنگین گشته، بهبودی می‌بخشد زنازادگان

الْعَوٰاهِرِ غَلٰيلَ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ، وَغَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إِيمٰانِكُمْ،

سوزش فسق و نافرمانی خود را از ورع شما، و خشم کفرشان را از ایمان شما،

وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيعٍ فِي الْمِحْرٰابِ، قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هٰامَتَهُ، وَشَهيدٍ

در حالی‌که بعضی از شما در محراب عبادت بر زمین افتاده و شمشیر سر مبارک او را شکافته، و برخی پس از شهادت

فَوْقَ الْجِنٰازَةِ قَدْ شُكَّتْ أَكْفٰانُهُ بِالسِّهٰامِ، وَقَتيلٍ بِالْعَرٰآءِ قَدْ رُفِعَ

روی جنازهٔ کفنش بر اثر تیرها سوراخ سوراخ گشته، و برخی در بیابان کربلا کشته شده و سر مقدّس او

فَوْقَ الْقَنٰاةِ رَأْسُهُ، وَمُكَبَّلٍ فِي السِّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَديدِ

بالای نیزه رفته، و برخی در زندان به بند کشیده شده و اعضاء بدنش بر اثر غل و زنجیر آهنین کوبیده

أَعْضٰآئُهُ، وَمَسْمُومٍ قَدْ قُطِّعَتْ بِجَرْعِ السَّمِّ أَمْعٰآئُهُ، وَشَمْلِكُمْ

شده، و برخی مسموم گشته و با آشامیدن زهر همهٔ اندرونش پاره‌پاره شده است، و جماعت شما را

عَبٰاديدَ تُفْنيهِمُ الْعَبيدُ وَأَبْنٰآءُ الْعَبيدِ. فَهَلِ الْمِحَنُ يٰا سٰادَتي إِلَّا

بندگانی قرار دادند که نابود می‌کنند آن‌ها را بندگان و فرزندان بندگان. پس ای سروران من؛ آیا محنت و غمی هست جز

الَّتي لَزِمَتْكُمْ، وَالْمَصٰائِبُ إِلَّا الَّتي عَمَّتْكُمْ، وَالْفَجٰايِعُ إِلَّا الَّتي

آنچه به شما همواره پیوست؟ و گرفتاری و مصیبتی هست جز آنچه شما را فرا گرفت؟ و بلایی هست جز آنچه

خَصَّتْكُمْ، وَالْقَوٰارِعُ إِلَّا الَّتي طَرَقَتْكُمْ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ

به شما اختصاص یافت؟ و حادثهٔ ناگواری هست جز آنچه بر شما وارد شد؟ درود خدا بر شما

وَعَلىٰ أَرْوٰاحِكُمْ وَأَجْسٰادِكُمْ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و بر جسم و جان پاک شما، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس قبر را ببوس و بگو: بِأَبي وَأُمّي يٰا آلَ الْمُصْطَفىٰ، إِنّٰا لٰانَمْلِكُ إِلّٰا

پدر و مادرم فدای شما ای خاندان پیامبر؛ ما توانائی نداریم جز

أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشاهِدِكُمْ، وَنُعَزّي فيها أَرْواحَكُمْ، عَلىٰ هٰذِهِ

اینکه گرد مزار شما طواف کنیم و ارواح پاک شما را بر این

الْمَصائِبِ الْعَظيمَةِ الْحالَّةِ بِفِنائِكُمْ، وَالرَّزايَا الْجَليلَةِ النّازِلَةِ

مصیبت‌های بزرگی که به ساحت مقدّس شما وارد شده و رنج‌ها و گرفتاری‌های بزرگی

بِساحَتِكُمُ الَّتي أَثْبَتَتْ في قُلُوبِ شيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ، وَأَوْرَثَتْ

که به شما رسیده، و در دل‌های شیعیان‌تان زخم ایجاد کرده، و

أَكْبادَهُمُ الْجُرُوحَ، وَزَرَعَتْ في صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ. فَنَحْنُ نُشْهِدُ

جگرهای ایشان را مجروح نموده، و در سینه‌های‌شان بذر غم و غصّه افشانده تسلیت دهیم. ما

اللهَ أَنّا قَدْ شارَكْنا أَوْلِياءَكُمْ وَأَنْصارَكُمُ الْمُتَقَدِّمينَ، في إِراقَةِ

خدا را گواه می‌گیریم که با دوستان و یاران پیشین شما در ریختن

دِماءِ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ، وَقَتَلَةِ أَبي عَبْدِاللهِ سَيِّدِ

خون ناپاک پیمان‌شکنان و ستمگران و از دین خارج‌شدگان و قاتلان حضرت اباعبدالله سرور

شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ كَرْبَلاءَ، بِالنِّيّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّأَسُّفِ

جوانان اهل بهشت در سرزمین کربلا با نیّت‌ها و دل‌های‌مان شرکت داشته‌ایم، و

عَلىٰ فَوْتِ تِلْكَ الْمَواقِفِ الَّتي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ مِنّا

بر از دست‌دادن آن مراکزی که آنان برای یاری شما حاضر شدند تأسف و اندوه می‌خوریم،

السَّلامُ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و سلام ما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس قبر منوّر را میان خود و قبله قرار بده و بگو: أَللّٰهُمَّ يا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتي

خداوندا؛ ای دارندهٔ قدرتی که

صَدَرَ عَنْهَا الْعالَمُ مُكَوَّناً مَبْرُوءاً عَلَيْها، مَفْطُوراً تَحْتَ ظِلِّ

از آن عالَم تکوین ایجاد گردیده و آفریده شد، و در زیر سایهٔ

الْعَظَمَةِ، فَنَطَقَتْ شَواهِدُ صُنْعِكَ فيهِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا

عظمتت به وجود آمد، پس شواهد کار تو در آن گویا است به اینکه تو خداوندی و جز

أَنْتَ، مُكَوِّنُهُ وَبٰارِئُهُ وَفٰاطِرُهُ، اِبْتَدَعْتَهُ لٰا مِنْ شَيْءٍ وَلٰا عَلٰى

تو خدایی نیست، به وجود آورنده و هستی‌بخش و آفرینندهٔ آن (توئی)، آن را پدید آوردی نه از چیزی و نه بر

شَيْءٍ، وَلٰا فِي شَيْءٍ، وَلٰا لِوَحْشَةٍ دَخَلَتْ عَلَيْكَ إِذْ لٰا غَيْرُكَ،

چیزی، و نه در چیزی، و نه به خاطر وحشتی که به تو راه یافته باشد که تنها بودی،

وَلٰا حٰاجَةٌ بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ، وَلٰا لِاسْتِعٰانَةٍ مِنْكَ عَلىٰ مٰا

و نه احتیاجی در به وجودآوردن آن داشتی، و نه به خاطر این‌که از آن‌ها

تَخْلُقُ بَعْدَهُ، بَلْ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ، بِأَنَّكَ بٰائِنٌ مِنَ

پس از آفرینش مدد بگیری، بلکه ایجاد کردی تا دلیل روشنی باشد بر تو، به این‌که تو جدا از

الصُّنْعِ، فَلٰا يُطِيقُ الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ إِنْكٰارَكَ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ

همهٔ پدیده‌ها و مخلوقات هستی، پس عقل هیچ باانصافی تاب انکار تو را ندارد، و هیچ انسانی که از نظر

الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ. أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلٰاصِ فِي تَوْحِيدِكَ،

معرفت سالم باشد نشاید که تو را نشناسد. از تو می‌خواهم به شرف و بزرگی اخلاص در توحید و یگانگی‌ات،

وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتٰابِكَ، وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ اٰدَمَ

و حرمت ارتباط و وابستگی به قرآنت، و اهل بیت پیامبرت، که درود فرستی بر آدم

بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسٰانِ قُدْرَتِكَ، وَالْخَلِيفَةِ فِي

پدیدآمدهٔ آفرینشت، و اوّلین حجّتت، و زبان گویای قدرتت، و جانشین در

بَسِيطَتِكَ، وَعَلىٰ مُحَمَّدٍ الْخٰالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْفٰاحِصِ عَنْ

زمین پهناورت، و بر محمّد بندهٔ خالص از برگزیدگانت، و کاوشگر از

مَعْرِفَتِكَ، وَالْغٰائِصِ الْمَأْمُونِ عَلىٰ مَكْنُونِ سَرِيرَتِكَ، بِمٰا أَوْلَيْتَهُ

معرفتت، و راه‌یافتهٔ امین بر اسرار پنهانت، به آنچه

مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلىٰ مَنْ بَيْنَهُمٰا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُكَرَّمِينَ

از نعمتت به یاری خویش به او مرحمت کردی، و بر همهٔ آنهایی که بین این دو (حضرت آدم و خاتم الأنبیاء) از پیامبران و مقرّبان

وَالْأَوْصِيٰاءِ وَالصِّدِّيقِينَ، وَأَنْ تَهَبَنِي لِإِمٰامِي هٰذٰا.

و اوصیاء و تصدیق‌کنندگان رسولانت بودند، و این‌که مرا به خاطر این امامی که در محضرش هستم ببخشی.

و گونه‌ات را بر روی قبر مطهّر بگذار و بگـو: أَللّٰهُمَّ بِمَحَلِّ هٰذَا السَّيِّدِ مِـنْ

خداوندا؛ به جایگاهی که این آقا از

طٰاعَتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ، لٰاتُمِتْني فُجْأَةً، وَلٰاتَحْرِمْني تَـوْبَةً،

اطاعت تو دارد، و به مقام و منزلت او در درگاه تو، مرا ناگهانی نمیران، و از توبه‌کردن محروم مفرما،

وَارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحٰارِمِكَ دِيناً وَدُنْياً، وَاشْغَلْني بِـالْاٰخِرَةِ

و ورع نسبت به آنچه از نظر دین و دنیا حرام کرده‌ای روزی من گردان، و به جای دنیاطلبی مرا به کار آخرت

عَنْ طَلَبِ الْاوُلٰى، وَوَفِّقْني لِمٰا تُحِبُّ وَتَرْضٰى، وَجَنِّبْنِي اتِّبٰاعَ

مشغول بدار، و به آنچه دوست داری و می‌پسندی موفّق فرما، و از پیروی‌کردن هوای

الْهَوٰى، وَالْاِغْتِرٰارَ بِالْأَبٰاطِيلِ وَالْمُنٰى. أَللّٰهُمَّ اجْعَلِ السِّدٰادَ في

نفس، و مغرورشدن به کارهای باطل و بیهوده و آرزوها باز بدار. خداوندا؛ راستی در

قَوْلي، وَالصَّوٰابَ في فِعْلي، وَالصِّدْقَ وَالْـوَفٰآءَ فـي ضَـمٰاني

گفتارم، و درستی در کردارم، و صدق و وفا در ضمان

وَوَعْدي، وَالْحِفْظَ وَالْإِيٰاسَ مَقْرُونينَ بِعَهْدي وَوَعْدي، وَالْبِرَّ

و قراردادم، و پای‌بندی و مراقبت در عهد و پیمانم، و نیکی

وَالْإِحْسٰانَ مِنْ شَأْني وَخُلْقي، وَاجْـعَلِ السَّـلٰامَةَ لي شٰـامِلَةً،

و احسان را از منش و اخلاق من قرار بده، و سلامتی را شامل حالم گردان،

وَالْعٰافِيَةَ بي مُحيطَةً مُلْتَفَّةً، وَلَطيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنِكَ مَـصْرُوفاً

و عافیت فراگیر را که همهٔ وجودم را دربربگیرد به من عنایت کن، و لطف زیبا و یاریت را متوجّه من کن،

إِلَيَّ، وَحُسْنَ تَوْفيقِكَ وَيُسْرِكَ مَوْفُوراً عَلَيَّ، وَأَحْيِني يٰـا رَبِّ

و توفیق نیکویت و آسانیت را بر من فراوان فرما، و مرا - ای پروردگار من -

سَعيداً، وَتَوَفَّني شَهيداً، وَطَهِّرْني الْمَوْتَ وَمٰـا بَـعْدَهُ. أَللّٰـهُمَّ

سعادتمند زنده بدار، و شهید بمیران، و برای مرگ و پس از آن پاک گردان. خداوندا؛

وَاجْعَلِ الصِّحَّةَ وَالنُّورَ في سَمْعي وَبَصَري، وَالْجِدَةَ وَالْخَيْرَ في

صحّت و نور را در گوش و چشمم، و توانائی و دارائی و خیر را در

طُرُقي، وَالْهُدٰى وَالْبَصيرَةَ في دينِي وَمَذْهَبي، وَالْميزٰانَ أَبَداً

راهم، و هدایت و بینائی را در دین و مذهبم، و میزان را همواره

نَصْبَ عَيْني، وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ شِعٰاري وَدِثٰاري، وَالْفِكْرَةَ

مدّ نظرم، و به یادداشتن و پندپذیری را همچون لباس زیر و رویم، و اندیشیدن

وَالْعِبْرَةَ اُنْسي وَعِمٰادي، وَمَكِّنِ الْيَقينَ في قَلْبي، وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ

و عبرت‌گرفتن را انس و آرامش و اساس کارم قرار بده، و یقین را در قلب من قوی گردان، و آن را مطمئن‌ترین

الْأَشْيٰآءِ في نَفْسي، وَأَغْلِبْهُ عَلىٰ رَأْيي وَعَزْمي، وَاجْعَلِ الْإِرْشٰادَ

چیز نزد من گردان، و آن را بر رأی و نظر و تصمیم من چیره ساز، و قرار بده تهذیب روحی را

في عَمَلي، وَالتَّسْليمَ لِأَمْرِكَ مِهٰادي وَسَنَدي، وَالرِّضٰا بِقَضٰآئِكَ

در عملم، و فرمانبرداری بی‌چون و چرایت را بستر و تکیه‌گاه من، و راضی‌بودن به خواسته

وَقَدَرِكَ أَقْصىٰ عَزْمي وَنِهٰايَتي، وَأَبْعَدَ هَمّي وَغٰايَتي، حَتّٰى لٰا

و مقدّراتت را نهایت عزم و ارادهٔ من، و بالاترین همّت و آرزوی من، تا آنجا که

أَتَّقِيَ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ بِديني، وَلٰا أَطْلُبَ بِهِ غَيْرَ اٰخِرَتي، وَلٰا

از هیچ یک از آفریدگانت نسبت به دینم پروا نکنم، و به آن جز آخرت را نجویم،

أَسْتَدْعِيَ مِنْهُ إِطْرٰآئي وَمَدْحي، وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوٰاقِبِ عٰاقِبَتي،

و مدح و ستایش خود را تمنّا ننمایم، و عاقبتم را بهترین عاقبت،

وَخَيْرَ الْمَصٰايِرِ مَصيري، وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشي، وَأَفْضَلَ الْهُدٰى

و بازگشتم را بهترین بازگشت، و زندگیم را فراخ‌ترین زندگی، و هدایتم را برترین

هُدٰايَ، وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظّي، وَأَجْزَلَ الْأَقْسٰامِ قِسْمي وَنَصيبي،

هدایت، و بهره‌ام را فراوان‌ترین بهره، و بیشترین قسمت‌ها را قسمت و نصیب من قرار بده،

وَكُنْ لي يٰا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ وَلِيّاً، وَإِلىٰ كُلِّ خَيْرٍ دَليلًا وَقٰآئِداً،

و برای من ـ ای پروردگار من ـ نسبت به هر بدی و خطر نگهبان باش، و به هر خیر و خوبی راهنما و پیشوا و سوق‌دهنده

وَمِنْ كُلِّ بٰاغٍ وَحَسُودٍ ظَهيراً وَمٰانِعاً. أَللّٰهُمَّ بِكَ اعْتِدٰادي

و از هر ستمگر و حسودی بازدارنده و پشتیبان باش. خداوندا؛ اعتماد من

وَعِصْمَتي، وَثِقَتي وَتَوْفيقي، وَحَوْلي وَقُوَّتي، وَلَكَ مَحْيايَ

و پناهم و اطمینانم و توفیقم و توانائیم و نیرویم به تو بستگی دارد، و زندگی

وَمَماتي، وَفي قَبْضَتِكَ سُكُوني وَحَرَكَتي، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى

و مرگم برای تو است، و آرام‌گرفتن و حرکتم در اختیار تو است، و به ریسمان محکم تو

اسْتِمْساكي وَوُصْلَتي، وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمادي وَتَوَكُّلي،

چنگ‌زدن و متّصل‌گشتن من است، و بر تو در همهٔ کارهایم تکیه و توکّل من است،

وَمِنْ عَذابِ جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَقَرَ نَجاتي وَخَلاصي، وَفي دارِ أَمْنِكَ

و از عذاب جهنّم و رسیدن به آتش دوزخ نجات و رهائی من، و در خانهٔ امن

وَكَرامَتِكَ مَثْوايَ وَمُنْقَلَبي، وَعَلى أَيْدي ساداتي وَمَوالِيَّ آلِ

و کرامت تو جایگاه و بازگشت من است، و بر دست سرورانم و عزیزانم خاندان

الْمُصْطَفى فَوْزي وَفَرَجي. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مصطفی علیهم‌السلام رستگاری و گشایش من است. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ، وَاغْفِرْ

و همهٔ مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را بیامرز،

لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَأَهْلِ بَيْتي وَجيراني، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَّدَني

و من و پدر و مادرم و آنچه بدنیا آورده‌اند و اهل و عیالم و همسایگانم

يَداً مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظيمٍ. وَالسَّلامُ

و هر مرد و زن باایمانی که به من احسانی کرده بیامرز، که تو صاحب فضل و بخشش فراوان هستی. و سلام

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.[1]

بر تو و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد.

۱. مصباح الزائر: ۴۶۰، المزار الکبیر: ۲۹۱، بحار الأنوار: ۱۶۲/۱۰۲.

۶

زیارت جامعهٔ ششم

این زیارت، بیعت با امامان علیهم‌السلام و تجدید عهد با ایشان است، از آن بزرگواران روایت شده است که فرموده‌اند:

زیارت ما در واقع تازه کردن عهد و میثاقی است که به عهدهٔ بندگان است. هنگام زیارت بگو:

جِئْتُكَ يٰا مَوْلاٰيَ زٰآئِراً لَكَ، وَمُسَلِّماً عَلَيْكَ، وَلاٰئِذاً بِكَ، وَقٰاصِداً

ای مولای من؛ در پیشگاه شما حضور یافته‌ام تا شما را زیارت کرده و بر شما سلام گویم، و به شما پناهنده گشته، و آهنگ

إِلَيْكَ، اُجَدِّدُ مٰا أَخَذَ اللهُ لَكُمْ في رَقَبَتي مِنَ الْعَهْدِ وَالْميثٰاقِ

شما نموده‌ام، با شما تجدید می‌کنم در آنچه خداوند از عهد و میثاق

وَالْوِلاٰيَةِ لَكُمْ، وَالْبَرٰآءَةِ مِنْ أَعْدٰآئِكُمْ، مُعْتَرِفاً بِالْفَرْضِ مِنْ طٰاعَتِكُمْ.

و ولایت شما، و بیزاری و برائت از دشمنانتان بر عهدهٔ من نهاده است، در حالی‌که به وجوب اطاعت شما اعترافکننده‌ام.

سپس دست راست خود را بر قبر بگذار و بگو:

هٰذِهِ يَدُ مُصٰافَقَةٍ لَكَ عَلَى الْبَيْعَةِ الْوٰاجِبَةِ عَلَيْنٰا، فَاقْبَلْ مِنّي

این دستی است که در دست شما به عنوان بیعتی که بر من واجب گشته نهاده‌ام، پس آن را از من بپذیر

ذٰلِكَ يٰا إِمٰامي، فَقَدْ زُرْتُكَ وَأَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مٰا أَلْزَمَ اللهُ

ای پیشوای من؛ به راستی که به زیارت شما آمده و به همهٔ آنچه خداوند

سُبْحٰانَهُ وَتَعٰالىٰ مِنْ نُصْرَتِكَ، وَهٰذِهِ يَدي مُصٰافَقَةً عَلٰى مٰا أَمَرَ

پاک و منزّه و بلندمرتبه بر من لازم دانسته از یاریت معترفم، و این دست من است که در دست شما نهاده‌ام به عنوان آنچه فرمان داده

اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مُوٰالاٰتِكُمْ، وَالْإِقْرٰارِ بِالْمُفْتَرَضِ مِنْ طٰاعَتِكُمْ،

است خداوند تبارک و تعالی از ارادت شما، و اقرار به وجوب اطاعت شما،

وَالْبَرٰآءَةِ مِنْ أَعْدٰآئِكُمْ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و بیزاری و برائت از دشمنان‌تان. و سلام بر شما و رحمت خداوند و برکات او بر شما باد.

سپس ضریح را ببوس و بگو:

يٰا سَيِّدي وَمَوْلاٰيَ وَإِمٰامِي الْمُفْتَرَضَ طٰاعَتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَقِيتَ

ای سرور و مولای من؛ و امام من که اطاعتش واجب گشته است، گواهی می‌دهم که تو

عَلَى الْوَفٰآءِ بِالْوَعْدِ، وَالدَّوٰامِ عَلَى الْعَهْدِ، وَقَدْ سَلَفَ مِنْ جَمِيلِ

بر وفای به وعده و نویدت باقی‌مانده، و بر عهد خود استوار و پابرجائی، و به راستی تحقّق یافته از

وَعْدِكَ لِمَنْ زٰارَ قَبْرَكَ مٰا أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْوَفٰآءِ بِهِ، وَالْمُؤَمَّلِ

وعدهٔ نیکویت به کسی که قبرت را زیارت کرده آنچه تو نسبت به وفای به آن و کامل‌کردنش مورد امید و آرزو هستی،

لِتَمٰامِهِ، وَقَدْ قَصَدْتُكَ مِنْ بَلَدي، وَجَعَلْتُكَ عِنْدَ اللهِ مُعْتَمَدي،

از شهر خود آهنگ تو نموده، و شما را نزد خدا تکیه‌گاه خویش قرار داده‌ام،

فَحَقِّقْ ظَنّي وَمُخَيَّلي فيكَ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

پس گمان مرا و آنچه دربارهٔ تو در خیال خود پرورده‌ام محقّق ساز، درود خدا و سلام فراوانش بر تو باد.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيٰارَتي إِيّٰاهُ، وَأَرْجُو مِنْكَ النَّجٰاةَ لي بِهِ

خداوندا؛ همانا من با زیارت این امام به درگاه تو تقرّب می‌جویم، و از تو امید نجات و رهائی به وسیلهٔ او

مِنَ النّٰارِ، بِهِ وَبِاٰبٰآئِهِ وَأَبْنٰآئِهِ صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ، رَضينٰا بِهِمْ

از آتش را دارم، به واسطهٔ او و پدران و فرزندانش که صلوات خدا و درودش بر آنان باد، راضی و خشنودیم که آنان

أَئِمَّةً وَسٰادَةً وَقٰادَةً. أَللّٰهُمَّ أَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَهُمْ فيهِ،

پیشوایان و سروران و رهبران ما هستند. خداوندا؛ مرا وارد کن در هر خیر و خوبی که ایشان را وارد نمودی،

وَأَخْرِجْني مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ، وَاجْعَلْني مَعَهُمْ فِي

و بیرون آور از هر شرّ و بدی که آنان را از آن خارج ساختی، و مرا با ایشان قرار بده در

الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

دنیا و آخرت، ای مهربانترین مهربانان.

۱. مستدرك الوسائل: ۲۲۳/۱۰، بحار الأنوار: ۱۹۷/۱۰۲.

۷

زیارت جامعهٔ هفتم

این زیارت جامعه از امام صادق علیه‌السلام روایت شده، و سزاوار است به وسیلهٔ آن در هر روز ـ خصوصاً در روز عرفه ـ ائمّه علیهم‌السلام را زیارت نماییم:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا نَبِيَّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای فرستادهٔ خدا، سلام بر تو ای پیغمبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِينَهُ عَلىٰ وَحْيِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

بر تو ای بهترین خلق خدا، و امین او بر وحیش، سلام بر تو

يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ، أَنْتَ حُجَّةُ

ای مولای من ای امیر اهل ایمان، سلام بر تو ای مولای من، تو حجّت

اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَبٰابُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ، وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ

خدا بر آفریدگانش، و باب علمش، و وصیّ پیامبرش، و جانشین بعد از پیامبر

فِي أُمَّتِهِ، لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ، أَنَا

در میان امّتش هستی، خداوند لعنت کند امّتی را که حقّ خلافتت را غصب کردند و در مقام تو غاصبانه نشستند، من

بَرِيٓءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا فٰاطِمَةُ الْبَتُولُ،

از آنان و از پیروان‌شان نزد تو بیزاری می‌جویم. سلام بر تو ای فاطمهٔ زهرای بتول،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا زَيْنَ نِسٰآءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا بِنْتَ

سلام بر تو ای زینت زنان اهل عالم، سلام بر تو ای دختر

رَسُولِ اللهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ

رسول خدا پروردگار عالمیان، درود خدا بر تو و بر او (پدر بزرگوارت) باد، سلام بر تو

يٰا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ، وَمَنَعَتْكِ مٰا

ای مادر امام حسن و امام حسین، خداوند لعنت کند امّتی را که حقّ تو را غصب نمودند، و ارثی را که

جَعَلَهُ اللهُ لَكِ حَلٰالًا، أَنَا بَرِيٓءٌ إِلَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ. اَلسَّلٰامُ

خداوند بر تو حلال کرده بود از تو منع نمودند، من بیزاری می‌جویم نزد تو از آن‌ها و از پیروان‌شان. سلام

عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا مُحَمَّدِنِ الْحَسَنَ الزَّكِيَّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

بر تو ای مولای من؛ ای ابا محمّد (امام) حسن؛ پاکیزه‌صفات، سلام بر تو

يٰا مَوْلٰايَ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَبٰايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشٰايَعَتْ، أَنَا

ای مولای من، خداوند لعنت کند امّتی را که تو را به قتل رسانیدند، و بر دشمنی با تو بیعت و متابعت (با معاویه) کردند، من

بَرِيٓءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شيعَتِهِمْ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا

بیزاری می‌جویم نزد تو از آن‌ها و از پیروان‌شان. سلام بر تو ای مولای من؛ ای

أَبٰا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبيكَ

(حضرت) ابا عبدالله حسین بن علی، درود و سلام خدا بر تو و بر پدرت

وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ

و جدّت (حضرت) محمّد که درود خدا بر او و آل او باد، خداوند لعنت کند امّتی را که خون تو را حلال شمردند،

دَمَكَ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَبٰاحَتْ حَرِيمَكَ، وَلَعَنَ اللهُ

و خداوند لعنت کند امّتی را که تو را شهید نمودند و هتک حرمت حریمت را مباح کردند، و خدا لعنت کند

أَشْيٰاعَهُمْ وَأَتْبٰاعَهُمْ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ

شیعیان و پیروان آنان را، و خدا لعنت کند کسانی را که بساط تمکین مردم را در قتال با شما

قِتٰالِكُمْ، أَنَا بَرِيٓءٌ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ

بر آن‌ها بگستردند (یعنی به خلافت با آن‌ها بیعت کردند)، من بیزاری می‌جویم نزد خدا و نزد شما از آنان. سلام بر تو ای مولای

يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا

من؛ ای ابا محمّد علیّ بن حسین، سلام بر تو ای مولای من؛ ای

أَبٰا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللهِ

ابا جعفر محمّد بن علی؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا عبدالله

جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى

جعفر بن محمّد؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن موسی

بْنَ جَعْفَرٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَـا الْـحَسَنِ عَـلِيَّ بْـنَ

بن جعفر؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن علیّ بن

مُوسىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،

موسی؛ سلام بر تو ای مولای من؛ ای اباجعفر محمّد بن علی؛

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای مولای من؛ ای ابا الحسن علیّ بن محمّد؛ سلام

عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰا مُحَمَّدِنِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

بر تو ای مولای من؛ ای ابا محمّد حسن بن علی؛ سلام بر تو ای

مَوْلٰايَ يٰا أَبَا الْقٰاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، صَلَّى اللّٰهُ

مولای من؛ ای ابا القاسم محمّد بن الحسن صاحب الزمان؛ درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ الطّٰاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ. يٰا مَوٰالِيَّ كُونُوا شُفَعٰائِي

بر تو و بر عترت پاک‌گوهر نیکوطینت شما باد. ای سروران و امامان من؛ شما بزرگواران شفیعان من باشید

فِي حَطِّ وِزْرِي وَخَطٰايَ، ٰامَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمٰا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ، وَأَتَوَالىٰ

در محو گناه و خطای من، من ایمان آوردم به خدا و به آنچه به شما (خاندان رسالت) وحی گردیده، و ولایت

ٰاخِرَكُمْ بِمٰا أَتَوَالىٰ أَوَّلَكُمْ، وَبَـرِئْتُ مِـنَ الْـجِبْتِ وَالطّٰـاغُوتِ

آخرین شما را قبول دارم همان‌طوری که ولایت اوّلین شما را دارم، و بیزاری می‌جویم از جبت و طاغوت

وَاللّٰاتِ وَالْعُزّٰى. يٰا مَوٰالِيَّ أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ

و لات و عزّی. ای آقایان و سروران من؛ من در سازشم با کسی که با شما در سازش باشد، و در جنگ و مخالفتم با کسی که

حٰارَبَكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عٰادٰاكُمْ، وَوَلِيٌّ لِـمَنْ وٰالٰاكُـمْ إِلىٰ يَـوْمِ

با شما سر ستیز و جنگ داشته باشد، و دشمنم با کسی که با شما دشمنی می‌کند، و دوستم با کسی که با شما دوستی می‌کند تا روز

الْقِيٰامَةِ، وَلَعَنَ اللّٰهُ ظٰالِمِيكُمْ وَغٰاصِبِيكُمْ، وَلَـعَنَ اللّٰهُ أَشْـيٰاعَهُمْ

قیامت، و خداوند لعنت کند ظلم‌کنندگان به شما را و غصب‌کنندگان (حقوق) شما را، و خداوند لعنت کند شیعیان آن‌ها را

وَأَتْبٰاعَهُمْ وَأَهْلَ مَـذْهَبِهِمْ، وَأَبْـرَأُ إِلَـى اللهِ وَإِلَـيْكُمْ مِـنْهُمْ. [1]

و پیروان آن‌ها را و اهل مذهب آن‌ها را، و من از آنان به درگاه خدا و به شما بیزاری می‌جویم.

۸

زیارت جامعهٔ هشتم

زیارت جامعهٔ دیگر برای ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام: پس از اذن ورود می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَحٰالَّ مَعْرِفَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَسٰاكِنَ

سلام بر شما ای جایگاههای معرفت الهی، سلام بر شما ای منزلگاههای

بَرَكَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَوْعِيَةَ تَقْديسِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ

برکت خداوندی، سلام بر شما ای ظروف تقدیس ربوبی، سلام بر شما

يٰا حَفَظَةَ سِرِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰـا مَـنِ انْـتَجَبَهُمُ اللهُ لِـخَلْقِهِ

ای حافظان سرّ خداوند، سلام بر شما ای کسانی که خداوند شما را برای آفریدگانش به عنوان

أَعْلٰاماً، وَلِدينِهِ أَنْصٰاراً، وَلِعِلْمِهِ وَسِرِّهِ خُزّٰاناً، وَرَّثَكُمْ كِتٰابَهُ،

راهنما، و برای دینش یار و یاور، و برای علم و دانش و رازش خزانه‌دار برگزید، شما را وارث کتابش گردانید،

وَخَصَّكُمْ بِكَرٰآئِمِ التَّنْزيلِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرىٰ

و ارزنده‌ترین و برگزیده‌ترین قسمت قرآن را به شما اختصاص داد، و برای شما مثَل از نور خود زد، و

فيكُمْ مِنْ رُوحِهِ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْكُمْ يٰا سٰادٰاتي وَمَوٰالِيَّ. اَلسَّلٰامُ

در وجود شما از روح خود جاری ساخت، پس درود خداوند بر شما ای سروران من و موالیان من. سلام

عَلَيْكَ يٰا مُحَمَّدُ نِ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَلِيُّ نِ الْمُرْتَضىٰ،

بر شما ای محمّد مصطفی، سلام بر شما ای علیّ مرتضی،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا فٰاطِمَةُ الزَّهْرٰآءُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمٰا أَيُّهَا السَّيِّدٰانِ

سلام بر شما ای فاطمهٔ زهرا، سلام بر شما ای دو سرور من

۱. مفاتيح الجنان: ۱۰۸۷، مستدرك الوسائل: ۳۶۹/۱۰، بحار الأنوار: ۳۷۴/۱۰۱.

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ

امام حسن و امام حسین، سلام بر شما ای علیّ بن الحسین، سلام

عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ

بر شما ای محمّد بن علی، سلام بر شما ای صادق جعفر بن

مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ

محمّد، سلام بر شما ای موسی بن جعفر، سلام بر شما ای علیّ

بْنَ مُوسى، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

بن موسی، سلام بر شما ای محمّد بن علی، سلام بر شما ای

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

علیّ بن محمّد، سلام بر شما ای حسن بن علی، سلام بر شما

يا حُجَّةَ اللهِ الْمُنْتَظَرِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ

ای حجّت خدا (امام) منتظَر. سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و جایگاه

الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّعائِمُ

رسالت الهی، و محلّ رفت و آمد فرشتگان، سلام بر شما ای پایه‌ها

وَالْأَرْكانُ، اَلْمَخْصُوصُونَ بِالْإِمامَةِ، أَنَا وَلِيُّكُمْ وَزائِرُكُمْ،

و اساس و ارکان هستی که به امامت و پیشوائی اختصاص یافتید، من ارادتمند شما و زائر شمایم که

اَلْمُتَقَرِّبُ إِلَى اللهِ بِحُبِّكُمْ، أُوالي وَلِيَّكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ بِكُمْ مِنْ

با دوستی شما به خداوند تقرّب می‌جویم، ولیّ شما را فرمانبردارم، و به درگاه خداوند از

عَدُوِّكُمْ، وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلى

دشمنان شما بیزاری می‌جویم، و به سوی پروردگار متعال شما را شفیع خود می‌گردانم، و از او می‌خواهم که بر

نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ صَلاةً دائِمَةً كَثِيرَةً مُتَّصِلَةً

پیامبرش (حضرت) محمّد ـ که درود خدا بر او و شما باد ـ درود فرستد؛ درودی همیشگی، فراوان و پیوسته

لَا انْقِطاعَ لَها وَلا زَوالَ، وَأَسْأَلُهُ بِكُمْ، وَأُقَدِّمُكُمْ أَمامَ حَوائِجي،

که برایش قطع‌شدن و از بین رفتن نباشد، و به واسطهٔ شما از او درخواست می‌کنم و شما را پیشاپیش حاجت‌هایم مقدّم می‌دارم،

فَكُونُوا لي شُفَعٰآءُ يٰا سٰادَتي في فَكٰاكِ رَقَبَتي مِنَ النّٰارِ، وَأَنْ

پس ای سروران من؛ برایم شفاعت‌کنندگان باشید در رهائی‌ام از آتش دوزخ، و اینکه

يَقْضي لي بِكُمْ حَوٰآئِجي كُلَّهٰا لِلْاٰخِرَةِ وَالدُّنْيٰا، وَأَنْ يَكْفِيَني

همهٔ حاجت‌های دنیا و آخرتم را به واسطهٔ شما برآورده سازد، و کفایت نماید نسبت به من

وَأَهْلي وَوَلَدي، وَالْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، شَرَّ كُلِّ ذي شَرٍّ، مِنَ

و اهل و عیالم و فرزندانم و همهٔ مردان و زنان مؤمن، شرّ هر صاحب شرّ و بدی را از

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ صَغيرٍ أَوْ كَبيرٍ، فَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لٰا أَنْصَرِفَ

جنّ و انس، از کوچک یا بزرگ. به راستی امیدوارم اینکه بازنگردم

مِنْ مَشْهَدِكَ يٰا مَوْلٰايَ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكَ، إِلّٰا بِقَضٰآءِ حَوٰآئِجي،

از زیارتگاه شما ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - مگر با رواشدن حاجت‌هایم،

وَمٰا فَزَعْتُ إِلَيْكَ فيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْ حُسْنِ مَعُونَتِهِ وَبَرَكَتِهِ

و آنچه به خاطر آن به بارگاه شما پناه آورده‌ام، و از کمک و یاری شما با

بِزِيٰارَتِكَ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ اٰبٰآئِكَ، اَلْأَئِمَّةِ

زیارتتان امید دارم، صلوات و درود خدا بر شما و بر امامان معصوم از پدران و فرزندانت،

مِنْ وُلْدِكَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

و رحمت و برکات خداوند بر همهٔ شما عزیزان باد.

سپس ضریح را ببوس و بگو: اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا اٰلَ مُحَمَّدٍ، يٰا اٰلَ اللهِ

سلام بر شما ای آل (حضرت) محمّد؛ ای آل خداوند

وَأَنْصٰارُهُ، وَظِلٰالَ اللهِ وَأَنْوٰارُهُ، لَأَبْذُلَنَّ لَكُمْ مَوَدَّتي وَمَهْجَتي،

و یاران او، و سایهٔ خداوند و انوار او، در راه شما نثار می‌کنم ارادتم را و روح و روانم را،

وَمُوٰاسٰاتي وَمٰالي، فَإِنَّهٰا لَكُمْ مَذْخُورَةٌ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ،

و توانائی و خدمت و همهٔ مال و ثروتم را، که آن‌ها را برای شما ذخیره ساخته، و یاری و فداکاری خود را برای شما آماده نموده‌ام،

حَتّٰى يَأْذَنَ اللهُ لَكُمْ، فَإِنْ أَمَرْتُمُوني يٰا مَوٰالِيَّ أَطَعْتُ، وَإِنْ

تا خداوند به شما اذن و فرمان دهد، پس اگر مرا امر فرمودید ای موالیان من؛ اطاعت می‌کنم، و اگر

نَهَيْتُمُوني يٰا سٰادَتي كَفَفْتُ، وَإِنِ اسْتَنْصَرْتُمُوني يٰا قٰادَتي نَصَرْتُ،

نهی نمودید ای سروران من؛ خودداری می‌کنم، و اگر یاری طلبیدید ای فرماندهان من؛ یاری می‌کنم،

وَإِنِ اسْتَعَنْتُمُوني يٰا سٰادَتي أَعَنْتُ، وَإِنِ اسْتَنْجَدْتُمُوني يٰا هُدٰاتي

و اگر کمک خواستید ای عزیزان من؛ کمک می‌کنم، و اگر مدد جویا شدید ای رهبران من؛

أَنْجَدْتُ، وَإِنِ اسْتَعْبَدْتُمُوني يٰا وُلٰاتي تَعَبَّدْتُ. فَلَكُمْ يٰا أَئِمَّتي

مدد می‌نمایم، و اگر مرا به بندگی فراخواندید ای سرپرستان من؛ بندگی می‌کنم. پس ای پیشوایان من؛

عُبُودِيَّتي بَعْدَ اللهِ تَعٰالٰى طَوْعاً سَرْمَداً، وَعَلَيْكُمْ سَلٰامي وَتَحِيّٰاتي

بعد از خداوند متعال عبودیّت من همیشگی از روی میل و فرمانبرداری از آنِ شما است، و بر شما است سلام و درودم،

سَلٰاماً مُجَدَّداً، وَصَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

سلامی که همواره تجدید می‌کنم، و صلوات خداوند و رحمت و برکات فراوان او بر شما باد.

۱. بحار الأنوار: ۲۰۷/۱۰۲.

بخش بیست و نهم

هشت زیارت
از زیارت‌های وداع

در این بخش، هشت زیارت از زیارت‌های وِداعیّه را که مستحبّ است در وقت وداع خوانده شود، نقل می‌کنیم:[۱]

مرحوم محدّث قمی فرموده است: بدان‌که سوز قلب زائر در وقت وداع و شدّت تلخی کامش در مقام فرقت و مهاجرت از آن روضهٔ مقدّسه، به اندازهٔ شوق و انبساط و فرح و نشاط او است در اوّل ورود، و درجات آن مختلف است به حسب درجات معرفت و محبّت که به آن ذوات مقدّسه و ارواح طیّبه دارد، اگر صادق است در آن دعوی. و پست‌ترین مرتبهٔ آن، این است که به راستی وجود مقدّس امام علیه‌السلام نزد او محبوبتر باشد از اهل و مال و اولاد و آنچه که به آن‌ها دل بسته و علاقه پیدا کرده.

پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که می‌خواهد از عزیزترین خلق و محبوبترین ایشان مفارقت کند و از او جدا شود، پس ناچار دلش سوزان و اشکش ریزان و پایش لرزان خواهد بود. پس خدای را بر این نعمت عظمی شکر کند

---

۱. زیارات وداعیّه‌ای که در این بخش می‌آوریم همه از زیارات وداعیّهٔ جامعه هستند، یعنی آن‌ها را در وداع با همهٔ ائمّه علیهم‌السلام می‌توان خواند. قابل توجّه است که چند زیارت وداع دیگر را به خاطر اختصاص داشتن آن‌ها به وداع با **امام رضا** علیه‌السلام پس از نقل زیارت‌های آن حضرت در «بخش بیست و ششم» آورده‌ایم، و یک زیارت وداع دیگر که از **امام رضا** علیه‌السلام روایت شده به مناسبت بخش آخر کتاب (یعنی زیارت‌هایی که از **امام رضا** علیه‌السلام روایت گردیده)، در آن بخش می‌آوریم.

و اگر نه، در دعویِ خویش کاذب و رجایش خائب است.[1]

۱

زیارت وداع پس از زیارت «امین الله»

مؤلّف گوید: در کتاب «الإقبال» مرحوم سیّد بن طاووس و «الصحیفة الصادقیة» و نیز در دو کتاب خطّی دیدم که زیارتی از امام صادق علیه‌السلام به عنوان وداع، پس از زیارت «امین الله» نقل شده است:

جابر می‌گوید: روایت حضرت امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ زیارت «امین الله» را خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کردم. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

هر گاه خواستی یکی از ائمّه علیهم‌السلام را وداع نمایی، این دعا را (پس از زیارت امین الله) اضافه کن:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ

سلام بر تو ای امام و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد، تو را به خدا می‌سپارم،

وَعَلَيْكَ السَّلٰامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اٰمَنّٰا بِالرَّسُولِ وَبِمٰا جِئْتُمْ

و بر تو درود می‌فرستم، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. ایمان آورده‌ایم به پیامبر، و به آنچه از احکام و دستورات آورده‌اید،

بِهِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتي

و بر آن رهنمون گشته‌اید. خداوندا؛ این زیارت را آخرین زیارت از زیارت من

وَلِيِّكَ. أَللّٰهُمَّ لاٰتَحْرِمْني ثَوٰابَ مَزٰارِهِ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُ، وَيَسِّرْ

ولیّت را قرار نده. خداوندا؛ مرا محروم مکن از ثواب زیارتی که آن را واجب گردانیده‌ای، و

لَنَا الْعَوْدَ إِلَيْهِ إِنْ شٰآءَ اللهُ تَعٰالٰى.[2]

برگشت به سوی حضرتش را بر ما آسان فرما ان شاء الله تعالی.

۱. هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین: ۴۰۹.

۲. الإقبال: ۷۸۷، الصحیفة الصادقیّة: ۲۹۰، کتابٌ في الزیارات والأدعیة (مخطوط): ۱۵.

۲

زیارت دوّم وداع

هر گاه ارادهٔ بازگشت و وداع نمودی، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ، لا سَئِمٍ وَلا

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، سلام شخص وداع‌کننده‌ای که از دیدارت نه خسته گردیده و نه دوست دارد که

قالٍ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، إِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرَ

دور شود، و رحمت خدا و برکات او بر شما که او ستوده و باشکوه و عظمت است، (سلام بر شما) سلام ارادتمندی که

راغِبٍ عَنْكُمْ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ، وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ، وَلا مُنْحَرِفٍ

از شما روی گردان نیست، و کسی را جایگزین شما نمی‌سازد، و دیگری را بر شما ترجیح نمی‌دهد و از راه شما منحرف نمی‌شود،

عَنْكُمْ، وَلا زاهِدٍ في قُرْبِكُمْ، وَإِتْيانِ مَشاهِدِكُمْ. وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ،

و بی‌اعتنائی در نزدیک بودن با شما و آمدن به زیارتگاه شما ندارد. و سلام بر شما،

وَحَشَرَنِيَ اللهُ في زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَني حَوْضَكُمْ، وَجَعَلَني مِنْ

و خداوند مرا در زمرهٔ شما محشور گرداند، و در کنار حوض شما (کوثر) وارد فرماید، و از حزب و

حِزْبِكُمْ، وَأَرْضاكُمْ عَنّي، وَمَكَّنَني في دَوْلَتِكُمْ، وَأَحْيانِي في

گروه شما قرار دهد، و قلب نازنین شما را از من راضی و خشنود نماید، و در دولت شما به من قدرت و توانائی دهد، و در

رَجْعَتِكُمْ، وَمَلَّكَني في أَيّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيي بِكُمْ، وَغَفَرَ ذَنْبي

رجعت شما زنده گرداند، و در دوران شما بهره‌مند فرماید، و سعی و تلاش مرا به واسطهٔ شما پاداش دهد، و گناهم را

بِشَفاعَتِكُمْ، وَأَقالَ عَثْرَتي بِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَعْلىٰ كَعْبي بِمُوالاتِكُمْ،

به شفاعت شما بیامرزد، و از خطا و لغزشم بخاطر محبّت‌داشتن به شما چشم‌پوشی نماید، و با ولایت شما مرا سرافراز فرماید، و

وَشَرَّفَني بِطاعَتِكُمْ، وَأَعَزَّني بِهُداكُمْ، وَجَعَلَني مِمَّنِ انْقَلَبَ

با اطاعت وفرمانبرداری از دستورات شما به من شرافت وبزرگی بخشد، و مرا به هدایت ورهبری شما عزیز گرداند، و ازکسانی قرار دهد

مُفْلِحاً مُنْجِحاً، غانِماً سالِماً، مُعافاً غَنِيّاً، فائِزاً بِرِضْوانِ اللهِ

که با کامیابی و رستگاری، بهره‌مند، سلامت و عافیت و توانگری و پیروزمند به رضوان و خشنودی خداوند

وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ، بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ

و فضل و احسانش و سرپرستی او بازمی‌گردند، بهتر از بازگشتی که هر یک از زائرین شما

وَمَوالِيكُمْ، وَمُحِبّيكُمْ وَشيعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِيَ اللهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ

ارادتمندان شما، دوستان شما و شیعیان شما دارند، و بار دیگر بازگشتن را، و بار دیگر

أَبَداً ما أَبْقاني، بِنِيَّةٍ وَايمانٍ وَتَقْوى وَإِخْباتٍ، وَرِزْقٍ واسِعٍ

تا مادامی که زنده‌ام به طور پیوسته، با نیّت خالص و ایمان و تقوا و فروتنی و روزی فراوان

حَلالٍ طَيِّبٍ. أَللّٰهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ

حلال پاک روزی من گرداند. خداوندا؛ این سفر را آخرین عهد من از زیارت ایشان و یادشان

وَالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبِ الْمَغْفِرَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَالنُّورَ

و درود فرستادن بر روح پاکشان قرار مده، و مرا شایستهٔ آمرزش و خیر و برکت و نور

وَالْايمانَ وَحُسْنَ الْإِجابَةِ، بِما أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيائِكَ الْعارِفينَ

و ایمان و اجابت نیکو بفرما، به آن‌گونه که اولیاء و عزیزانت را سزاوار آن ساختی؛ آنان‌که به

بِحَقِّهِمْ، الْمُوجِبينَ طاعَتَهُمْ، وَالرّاغِبينَ في زِيارَتِهِمْ، الْمُتَقَرِّبينَ

حقّ این بزرگواران معرفت دارند؛ از دستورات‌شان فرمانبرداری می‌کنند؛ در زیارت آنان اشتیاق دارند، و

إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي، اِجْعَلُوني في

به سوی تو و ایشان تقرّب می‌جویند. پدر و مادرم، جانم و اهل و عیالم فدای شما، مرا مورد

هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُوني في حِزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُوني في شَفاعَتِكُمْ،

توجّه خود قرار دهید، و در حزب و گروه خویش راه دهید، و در شفاعتتان وارد کنید،

وَاذْكُرُوني عِنْدَ رَبِّكُمْ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و نزد پروردگارتان از من یاد نمائید. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست،

وَأَبْلِغْ أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ مِنِّي السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ

و از طرف من به ارواح پاک ایشان و بدن‌های مطهّرشان سلام برسان، و درود

وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ

و رحمت و برکات خداوند بر او و بر همهٔ آنان باد، و درود خداوند بر سرور ما (حضرت) محمّد

وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ.[1]

وآل او باد، و سلام زیاد از روی تسلیم، و خداوند ما را کافی و خوب وکیلی است.

۳

زیارت سوّم وداع

علّامهٔ مجلسی ﷺ در «بحار الأنوار» فرموده است: هنگامی که خواستی با هر یک از ائمّه ﷺ وداع کنی، بگو:

سَلامُ اللهِ وَتَحِيّاتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ عَلىٰ خِيَرَةِ اللهِ وَأَصْفِيآئِهِ

درود خدا و سلام و رحمت و برکات او بر اختیارشدگان خدا و برگزیدگان

وَأَحِبّآئِهِ وَحُجَجِهِ وَأَوْلِيآئِهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ، وَآلِهِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ

و دوستان و حجّت‌ها و اولیائش (حضرت) محمّد رسول او، و آل او امیر مؤمنان

عَلِيٍّ، اَلْحَسَنِ، اَلْحُسَيْنِ، عَلِيٍّ، مُحَمَّدٍ، جَعْفَرٍ، مُوسىٰ، عَلِيٍّ،

(حضرت) علی، امام حسن، امام حسین، امام سجّاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا،

مُحَمَّدٍ، عَلِيٍّ، حَسَنٍ، اَلْخَلَفِ الصّالِحِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ جَميعاً السَّلامُ

امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری، و جانشین شایسته‌اش، که بر او و بر همهٔ آنان سلام

وَالرَّحْمَةُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ خالِصَةِ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَصَفْوَتِهِ مِنْ

و رحمت خدا باد. سلام بر بندهٔ خالص و گزیدهٔ خدا از میان آفریدگانش، و برگزیدهٔ او از

بَرِيَّتِهِ، وَأُمَنآئِهِ عَلىٰ وَحْيِهِ، وَحُجَجِهِ عَلىٰ عِبادِهِ، وَخُزّانِهِ عَلىٰ

میان موجوداتش، و امینان او بر وحیش، و حجّت‌های او بر بندگانش، و خزانه‌داران او بر

۱. عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲۷۵/۲، المزار الکبیر: ۵۳۵، بحار الأنوار: ۱۳۳/۱۰۲.

عِلْمِهِ، وَعَلَيْهِمْ مِنَ اللهِ دٰآئِمُ الصَّلَوٰاتِ، وَزٰاكِي الْبَرَكٰاتِ، وَنٰامِي

علمش، و بر آنان از طرف خداوند درودهای همیشگی و پیوسته، و برکات پاکیزه و فزاینده و

التَّحِيّٰاتِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ مَوٰالِيَّ أَئِمَّتي وَقٰادَتي، وَنِعْمَ الْمَوٰالي

تحیّات بالنده. سلام بر شما (ای) سروران و پیشوایان و زمامداران من، و شما خوب سرور

وَالْأَئِمَّةُ وَالْقٰادَةُ أَنْتُمْ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ، وَالسَّلٰامُ لَكُمْ مِنّي قَليلٌ،

و پیشوا و زمامدارانی هستید، و سلام بر شما، و سلام من برای شما اندک است،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ آلِ يٰاسينَ، سَلٰاماً كَثيراً طَيِّباً مُبٰارَكاً مُتَتٰابِعاً

سلام بر شما (ای) خاندان پیامبر، سلام فراوان، پاک، مبارک پی در پی،

سَرْمَداً، دٰآئِماً أَبَداً، كَمٰا أَنْتُمْ أَهْلُهُ، مِنّي وَمِنْ وٰالِدَيَّ وَأَهْلي

جاوید، پایدار و همیشگی، آن‌گونه که شما سزاوارید، از طرف من، پدر و مادرم، اهل و عیالم

وَوَلَدي، وَإِخْوَتي وَأَخَوٰاتي، وَمِنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ،

و فرزندانم، و برادرانم و خواهرانم، و از طرف همهٔ مردان و زمان مؤمن،

اَلْأَحْيٰاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ

زندگان و مردگان آنان، و رحمت خدا و برکات او بر شما. سلام بر شما

سَلٰامَ مُوَدِّعٍ لٰا سَئِمٍ وَلٰا قٰالٍ وَلٰا مٰالٍّ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ

سلام وداع‌کننده‌ای که از زیارت شما نه خسته شده و نه افسرده گشته و نه ملول گردیده، و رحمت خدا و برکات او

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ، غَيْرِ رٰاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلٰا

بر شما اهل بیت، که او ستوده و باشکوه است، نه از شما روی‌گردانم، و نه

مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلٰا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ، وَلٰا زٰاهِدٍ في قُرْبِكُمْ، وَلٰا

منحرفم، و نه کسی را بر شما ترجیح می‌دهم، و نه بی‌اعتنایی به نزدیک‌بودن با شما، و نه

أَبْتَغي بِكُمْ بَدَلًا، وَلٰا عَنْكُمْ حِوَلًا، وَلٰا أَتَّخِذُ بَيْنَكُمْ سُبُلًا، وَلٰا

کسی را جایگزین شما می‌نمایم، و نه از شما برمی‌گردم، و نه دیگری را در بین شما راه خود قرار می‌دهم، و نه

أَشْتَري بِكُمْ ثَمَناً. لٰا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِكُمْ، وَتَعْظيمِ

شما را به بهایی می‌فروشم. خداوند این دیدار را آخرین زیارت از شما، و بزرگداشت

ذِكْرِكُمْ، وَتَفْخيمِ أَسْمٰآئِكُمْ، وَإِتْيٰانِ مَشٰاهِدِكُمْ وَاٰثٰارِكُمْ، وَالصَّلٰاةِ

یاد شما، و گرامی‌داشت نام شما، و آمدن به زیارتگاه شما و دیدن آثار شما، و درود فرستادن،

لَكُمْ، وَالتَّسْليمِ عَلَيْكُمْ، بَلْ جَعَلَهُ اللهُ مَثٰابَةً لَنٰا، وَأَمْناً في دُنْيٰانٰا

و سلام کردن بر شما قرار ندهد، بلکه آن را پناهگاه ما، و محلّ امن ما در دنیای ما

وَاٰخِرَتِنٰا، وَذِكْراً وَنُوراً لِمَعٰادِنٰا، وَأَمٰاناً وَإِيمٰاناً لِمُنْقَلَبِنٰا وَمَثْوٰاناً.

و آخرت ما قرار دهد، و یادآور و روشنی‌بخش برای معاد ما، و باعث امنیّت و ایمان در هر حرکت و سکون ما باشد.

وَجَعَلَنِيَ اللهُ مِمَّنِ انْقَلَبَ عَنْ زِيٰارَتِكُمْ وَذِكْرِكُمْ، وَالصَّلٰاةِ لَكُمْ،

و خداوند مرا از کسانی قرار دهد که از زیارت شما و یاد شما، و درود فرستادن

وَالتَّسْليمِ عَلَيْكُمْ، مُفْلِحاً مُنْجِحاً، غٰانِماً سٰالِماً مُعٰافاً غَنِيّاً فٰائِزاً

و سلام کردن بر شما باز می‌گردد در حالی‌که رستگار، کامیاب، بهره‌مند، به سلامت و عافیت، بی‌نیاز و پیروزمند

بِرِضْوٰانِ اللهِ وَرَحْمَتِهِ، وَفَضْلِهِ وَكِفٰايَتِهِ، وَنَصْرِهِ وَأَمْنِهِ، وَمَغْفِرَتِهِ

به خشنودی خدا و رحمت و فضل و کفایت، و یاری وامنیّت، و آمرزش

وَنُورِهِ، وَهُدٰاهُ وَحِفْظِهِ، وَكَلٰآءَتِهِ وَتَوْفيقِهِ وَعِصْمَتِهِ، وَرَزَقَنِي

و نور، و هدایت و حفظ، و نگهداری و توفیق و عصمت او باشد، و مرا بازگشت

الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ أَبَداً مٰا أَبْقٰاني رَبّي إِلَيْكُمْ بِنِيَّةٍ وَإيمٰانٍ وَتَقْوىٰ

دوباره و پس از آن بازگشت دیگر را همیشه به سوی شما روزی گرداند تا مادامی که پروردگارم مرا باقی داشته است با نیّت (نیکو) و ایمان و تقوا

وَإِخْبٰاتٍ، وَنُورٍ وَإيقٰانٍ، وَأَرْزٰاقٍ مِنْ فَضْلِهِ وٰاسِعَةٍ، طَيِّبَةٍ دٰارَّةٍ،

و فروتنی و نور و یقین، و از فضل گسترده‌اش، روزی‌های پاک سرشار

هَنيئَةٍ مَريئَةٍ، سَليمَةٍ مِنْ غَيْرِ كَدٍّ، وَلٰا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ، وَنِعْمَةٍ سٰابِغَةٍ،

دلنشین، گوارا، بی‌عیب بدون زحمت، و بدون منّت کسی، و با نعمت فراوان

وَعٰافِيَةٍ سٰالِمَةٍ، وَأَوْجَبَ لي مِنَ الْحَيٰاةِ وَالْكَرٰامَةِ وَالْبَرَكَةِ،

و عافیت کامل. و واجب گرداند برای من از حیات و کرامت و برکت،

وَالصَّلٰاحِ وَالْإيمٰانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوٰانِ، مِثْلَ مٰا أَوْجَبَ

و درستی و ایمان، و آمرزش و رضوان، مانند آنچه را واجب گردانیده است

لِأَوْلِيٰآئِهِ وَصٰالِحي عِبٰادِهِ مِنْ زُوّٰارِهِمْ وَوٰافِديهِمْ، وَمَـوٰاليـهِمْ

برای اولیائش و بندگان شایسته از زائران، واردشدگان، اردتمندان،

وَمُحِبّيهِمْ، وَحِزْبِهِمْ وَشـيعَتِهِمْ، اَلْـعٰارِفينَ حَـقَّهُمْ، اَلْـمُوجِبينَ

دوستانشان، و حزب و گروه ایشان و شیعیان‌شان، آن‌ها که معرفت به حق آنان دارند،

طٰاعَتَهُمْ، اَلْمُدْمِنينَ ذِكْرَهُمْ، اَلرّٰاغِبينَ في زِيٰارَتِهِمْ، اَلْمُنْتَظِرينَ

اطاعت‌شان را واجب می‌دانند، دائم در یاد آن‌ها می‌باشند، مشتاق زیارت‌شان هستند،

أَيّٰامَهُمْ، اَلْمُطيعينَ لَهُمْ، اَلْمُتَقَرِّبينَ بِذٰلِكَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. أَللّٰـهُمَّ

دوران ایشان را انتظار می‌کشند، مطیع وفرمانبردار آنانند، و به این وسیله به درگاه تو و به سوی آن بزرگواران تقرّب می‌جویند. خداوندا؛

أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَتْ إِلَيْهِ الرِّجٰالُ، وَشَدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحٰالُ، وَصَرَفَتْ

تو بهترین کسی هستی که اشخاص به سوی او کوچ کنند، و در آستانه‌اش رحل اقامت افکنند، و

نَحْوَهُ الْاٰمٰالُ، وَارْتَجىٰ لِلرَّغٰآئِبِ وَالْإِفْضٰالِ. وَأَنْتَ يٰا سَـيِّدي

آرزوها را متوجّه او سازند، و برای رسیدن به خواسته‌ها و بخشش‌های فراوان به او امید داشته باشند. و تو ای سرور من؛

أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ مُلْتَمِسٍ مٰا عِنْدَكَ

گرامی‌ترین کسی هستی که به درگاهش آیند، و گرامی‌ترین زیارت‌شده‌ای، و تو به راستی برای هر که خواهان عنایت تو و آنچه نزد تو

جَزٰآءً، وَلِكُلِّ رٰاغِبٍ إِلَيْكَ هِبَةً، وَلِكُلِّ مَنْ فَزِعَ إِلَـيْكَ رَحْـمَةً،

است جزا و پاداشی، و برای هر که مشتاق تو است و به تو روی آورده بخششی، و برای هر کس به پناهت آمده رحمتی،

وَلِكُلِّ مُتَضَرِّعٍ إِلَيْكَ إِجٰابَةً، وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ إِلَيْكَ عَفْواً، وَقَدْ جِئْتُكَ

و برای هر که به سوی تو ناله و زاری می‌کند اجابتی، و برای هر که به تو توسّل جسته عفو و رحمتی قرار داده‌ای، و من

زٰآئِراً لِقُبُورِ أَحِبّٰآئِكَ وَأَوْلِيٰآئِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ عِـبٰادِكَ، وٰافِـداً

برای زیارت قبور پاک اولیاء تو و دوستان تو، و برگزیدگانت از میان بندگانت آمده‌ام، و

إِلَيْهِمْ، نٰازِلًا بِفِنٰآئِهِمْ، قٰاصِداً لِحَرَمِهِمْ، رٰاغِباً فـي شَـفٰاعَتِهِمْ،

به سوی آنان کوچ کرده، و به آستان مبارک ایشان فرود آمده، و آهنگ حرم ایشان را دارم، به شفاعت‌شان مایل و مشتاقم،

مُلْتَمِساً مٰا عِنْدَهُمْ، رٰاجِياً لَهُمْ، مُتَوَسِّلاً إِلَيْكَ بِهِمْ، وَحَقٌّ عَلَيْكَ

خواهان عنایت‌شان و آنچه نزدشان هست می‌باشم، امید به آن‌ها بسته، و به وسیلهٔ ایشان به درگاه تو توسّل جسته‌ام، و سزاوار است که

أَلَّا تُخَيِّبَ سٰآئِلَهُمْ وَوٰافِدَهُمْ، وَالنّٰازِلَ بِفِنٰآئِهِمْ، وَالْمُنٰيخَ بِسٰاحَتِهِمْ

تو گدای ایشان و واردشده بر ایشان، و آن‌که به آستان آنان فرود آمده، و در صحن و سرای‌شان اقامت گزیده،

مِنْ حِزْبِهِمْ وَأَشْيٰاعِهِمْ، وَوَقَفْتُ بِهٰذَا الْمَقٰامِ الشَّرِيفِ، رَجٰآءَ مٰا

و از حزب و گروه و پیروان آن‌ها است محروم مگردانی، و در این مقام باشرافت (آمده و) توقّف کرده‌ام به امید عنایتی

عِنْدَكَ لِزُوّٰارِهِمْ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُمْ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَالْفَضْلِ

که به زائران و فرمانبرداران ایشان، از رحمت و آمرزش، و لطف

وَالْإِنْعٰامِ، فَلٰاتَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبِ وَفْدِكَ وَوَفْدِهِمْ، وَأَكْرِمْنِي

و بخشش داری، پس مرا از محروم‌ترین کسانی که نزد تو و نزد ایشان آمده قرار مده، و

بِالْجَنَّةِ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، وَجَمِّلْنِي بِالْعٰافِيَةِ، وَأَجِرْنِي بِالْعِتْقِ

بهشت را بر من کرامت کن، و با آمرزشت بر من منّت بگذار، و با عافیت مرا زینت ده، و با رهایی

مِنَ النّٰارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقَكَ الْحَلٰالِ، وَفَضْلَكَ الْوٰاسِعَ الْجَزِيلَ،

از آتش مرا پناه بده، و روزی حلال، و لطف گستردهٔ زیادت را بر من فراخ گردان،

وَادْرَأْ عَنِّي أَبَداً شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. بِأَبِي أَنْتُمْ

و همواره شرّ و بدی هر صاحب شرّی از جنّ و انس را از من دور گردان. پدر

وَأُمِّي يٰا سٰادَتِي، أَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَى اللهِ، وَأَتَوَجَّهُ بِكُمْ إِلَى اللهِ،

و مادرم فدای شما ای سروران من؛ به وسیلهٔ شما به خدا تقرّب می‌جویم، و به واسطهٔ شما به خدا روی می‌آورم،

وَأَطْلُبُ بِكُمْ حٰاجَتِي مِنَ اللهِ، جَعَلَنِيَ اللهُ بِكُمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيٰا

و از خدا به برکت شما حاجتم را می‌طلبم، خدا مرا به خاطر شما در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، تَحَنَّنُوا عَلَيَّ،

و آخرت آبرومند و از مقرّبان (درگاهتان) قرار دهد. پدر و مادرم و جانم فدای شما؛ بر من دلسوزی و مهربانی کنید،

وَارْحَمُونِي، وَاجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ، وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ،

و رحم کنید، و مرا مورد توجّه خود قرار دهید، و از من نزد پروردگارتان یاد کنید،

وَكُونُوا عِصْمَتِي، وَصَيِّرُونِي مِنْ حِزْبِكُمْ، وَشَرِّفُونِي بِشَفٰاعَتِكُمْ،

و پناه من باشید، و مرا از حزب و گروه خود گردانید، و با شفاعت خویش شرافت بخشید،

وَمَكِّنُوني في دَوْلَتِكُمْ، وَاحْشُرُوني في زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرِدُوني

و در دولت و حکومتتان توانا و قدرتمند سازید، و در زمرهٔ خودتان محشور فرمائید، و

حَوْضَكُمْ، وَأَكْرِمُوني بِرِضاكُمْ، وَأَسْعِدُوني بِطاعَتِكُمْ، وَخَصُّوني

در کنار حوض خویش (کوثر) وارد نمائید، و با رضایت و خشنودی خویش گرامی دارید، و به طاعت خویش یاری کنید، و

بِفَضْلِكُمْ، وَاحْفَظُوني مِنْ مَكارِهِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَشَرِّ الْإِنْسِ

به فضل و احسان خویش اختصاص دهید، و مرا از ناپسندی‌ها و ناخوش‌آیندهای دنیا و آخرت، و (از) شرّ انس

وَالْجِنِّ، وَكُلِّ ذي شَرٍّ بِقُدْرَتِكُمْ، فَبِذِمَّةِ اللهِ وَذِمَّتِكُمْ، وَجَلالِ

و جنّ، و (از) شرّ هر دارندهٔ شرّی به قدرت خویش محفوظ بدارید، پس به ضمان خدا و ضمان شما، و جلال

اللهِ، وَكِبْرِيآءِ اللهِ، وَمُلْكِ اللهِ، وَسُلْطانِ اللهِ، وَعَظَمَةِ اللهِ، وَعِزِّ

خدا، و کبریائی خدا، و پادشاهی خدا، و سلطنت خدا، و عظمت خدا، و عزّت

اللهِ، وَكَلِماتِهِ الْمُبارَكاتِ، أَمْتَنِعُ وَأَحْتَرِسُ وَأَسْتَجيرُ وَأَسْتَغيثُ

خدا، و کلمات بابرکتش خود را بازمی‌دارم، و حفظ می‌کنم، و پناه می‌برم، و کمک می‌خواهم،

وَأَحْتَرِزُ، وَأَهْلي وَوَلَدي وَمالي وَإِخْوانِيَ الْمُؤْمِنينَ أَبَداً فِي

و نگه می‌دارم، و اهل و عیال و فرزندانم و آنچه دارم و برادران مؤمنم را برای همیشه در

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ، وَبِكُمْ أَرْجُو النَّجاةَ، وَأَطْلُبُ

دنیا و آخرت، از هر بدی، و به وسیلهٔ شما نجات را امیدوارم، و درستی

الصَّلاحَ، وَآمِلُ النَّجاحَ، وَأَسْتَشْفي مِنْ كُلِّ داٰءٍ وَسُقْمٍ، وَإِلَيْكُمْ

و نیکی را خواهانم، و موفّقیّت را آرزو دارم، و شفا از هر درد و مرضی را می‌خواهم، و

مَفَرّي مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعَلَيْكُمْ مُعَوَّلي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخآءٍ.

گریزگاه من از هر بیم و هراسی به سوی شماست، و تکیه‌گاه من در هر سختی و سستی بر شما است.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما أَنْتَ وَهُمْ أَهْلُهُ،

خداوندا؛ بر محمّد و بر آل محمّد درود فرست، آن‌گونه که تو و ایشان شایستهٔ آن هستید،

وَأَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ دَعَوْا إِلَيْهِ، وَدَلُّوا عَلَيْهِ، وَأَمَرُوا بِهِ،

و مرا در هر خیری که به سوی آن دعوت کردند، و بر آن راهنمایی نمودند، و به آن دستور دادند،

وَرَضُوا بِهِ، قَوْلًا وَفِعْلًا، وَنَجِّني بِهِمْ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَأَخْرِجْني

و از آن خشنودند، از نظر گفتار و رفتار وارد کن، و به وسیلهٔ آنان مرا از هر ناخوش‌آیندی رهایی بخش، و

مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ، وَاعْصِمْني مِنْ كُلِّ مٰا نَهَوْا عَنْهُ وَأَنْكَرُوهُ،

از هر بدی خارج کن، و مرا از آنچه نهی کرده‌اند و مورد پسندشان نیست،

وَخَوَّفُوا مِنْهُ وَحَذَّرُوهُ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنٰا بِهِمْ، وَأَهْلِكْ

و از آن ترسانیده و برحذر داشته‌اند مصون بدار و حفظ کن، و در فرج ایشان و فرج ما به وسیلهٔ ایشان شتاب کن، و

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَبَلِّغْ أَرْوٰاحَهُمْ وَأَجْسٰادَهُمْ أَبَداً

دشمنان‌شان را از انسان‌ها و از جنّ نابود گردان، و به جسم و جان پاک و مقدّس ایشان همواره

مِنِّي السَّلٰامُ، وَارْدُدْ عَلَيْنٰا مِنْهُمُ السَّلٰامُ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْهِمْ

از طرف من سلام برسان، و سلام ایشان را به ما بازگردان، و سلام

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

و رحمت و برکات خداوند بر همهٔ آنان باد.

۴

زیارت چهارم وداع

این زیارت را نیز علاّمهٔ مجلسی ﷺ در «بحار الأنوار» برای وداع با ائمّه صلوات الله علیهم نقل نموده است:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا سٰادَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَئِمَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَأَعْلٰامَ

سلام بر شما ای سروران اهل ایمان، و پیشوایان اهل تقوا، و نشانه‌ها برای

الْمُهْتَدِينَ، وَوَرَثَةَ النَّبِيِّينَ، وَسُلٰالَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَقُدْوَةَ الصّٰالِحِينَ،

راه‌یافتگان، و وارثان پیامبران، و فرزندان رسولان، و مقتدای صالحان،

۱. بحار الأنوار: ۱۵۷/۱۰۲.

وَحُجَجَ اللهِ عَلَى الْعٰالَمينَ، قَدْ اٰنَ لَكُمْ مِنِّي الْوِداٰعُ، وَحٰانَ

و حجّت‌های الهی بر جهانیان، اینک هنگام وداع من با شما و

التَّعْجيلُ لَهُ وَالْإِسْراٰعُ، لٰا مِنْ سَئِمٍ لَكُمْ، وَلٰا مَلَلٍ لِلْمَقٰامِ عِنْدَكُمْ،

شتاب و سرعت برای آن فرارسیده، البته نه بخاطر اینکه از دیدار شما خسته شده و از ماندن نزد شما افسرده و ملول گشته باشم،

لٰكِنْ لِأَسْبٰابٍ مٰانِعَةٌ، وَمُلِمّٰاتٍ عَنِ الْإِقٰامَةِ دٰافِعَةٌ، يَتَّضِحُ لَهَا

بلکه بخاطر جهاتی که مانعند و حوادثی که مرا از ماندن بازمی‌دارد،

الْاِعْتِذٰارُ، وَيَتَعَذَّرُ مَعَهَا اللُّبْثُ وَالْقَراٰرُ. فَأَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ،

عذرآوردن آن را آشکار می‌کند، و توقّف و درنگ را برای من ناممکن و دشوار می‌سازد، لذا شما را به خدا سپرده،

وَأَسْأَلُهُ بِكُمْ رِضٰاهُ، وِداٰعَ عٰازِمٍ عَلَى الْعَوْدِ إِلَيْكُمْ، مُتَأَسِّفٍ

و به واسطهٔ شما رضایت او را مسألت می‌نمایم، (وداع می‌کنم) وداعی کسی که تصمیم به بازگشت به سوی شما را دارد، و

لِتَعَذُّرِ الْمَقٰامِ لَدَيْكُمْ، وَكَيْفَ لٰا يَتَأَسَّفُ عَلىٰ فِراٰقِ مَشٰاهِدِكُمُ

به خاطر ناممکن بودن ماندن نزد شما اندوهگین است و چگونه تأسّف نخورد و اندوهگین نباشد بر جدائی از جایگاه

الشَّرِيفَةِ الْمُعَظَّمَةِ، وَبُقٰاعِ قُبُورِكُمُ الْمُبٰارَكَةِ الْمُكَرَّمَةِ، وَفيهٰا

شریف و باعظمت حضور نورانی شما و بارگاه مبارک و گرامی و ارزشمند شما، در حالی‌که در آن

يُسْتَجٰابُ الدُّعٰاءُ، وَيُصْرَفُ السُّوءُ وَالْبَلاٰءُ، وَيُمْحِي الشَّقٰاءُ،

دعا مستجاب و بد و بلا دور می‌گردد، و سختی و بدبختی از بین می‌رود،

وَيَشْفِي الدّٰاءُ، وَبِكُمْ يُؤْمَنُ الْعَذٰابُ، وَتُهَوَّنُ الصِّعٰابُ، وَيُنْجَحُ

و دردها درمان می‌شود، و به واسطهٔ شما از عذاب ایمنی می‌یابند، و دشواری‌ها آسان، و

الطُّلّٰابُ، وَيُرْجَحُ الثَّوٰابُ، وَبِكُمْ تَتِمُّ النِّعْمَةُ، وَتَعُمُّ الرَّحْمَةُ،

جویندگان کامیاب می‌شوند، و به ثواب و پاداش بیشتر الهی می‌رسند، و به سبب شما نعمت تمام، رحمت فراگیر،

وَتَنْدَفِعُ النِّقْمَةُ، وَتَنْكَشِفُ الْغُمَّةُ، وَتُقْبَلُ التَّوْبَةُ، وَغُفِرَ الْحَوْبَةُ،

عقوبت و بلا دور، غم و غصّه برطرف، توبه پذیرفته، گناه آمرزیده،

وَتَزْكُو الْأَعْمٰالُ، وَتَنٰالُ الْاٰمٰالُ، وَيَتَحَقَّقُ الرَّجٰاءُ، وَتَبْلُغُ السَّرّٰاءُ،

اعمال پاکیزه، آرزوها برآورده گردد، امید تحقّق یافته و به شادمانی رسد،

وَتُدْفَعُ الضَّرّآءُ، وَتُهْدَي الْاٰرآءُ، وَتَـرْشُدُ الْأَهْـوٰآءُ، وَتَـحْصُلُ

و ضرر و زیان دفع، آراء هدایت و خواسته‌ها رشد پیدا کند، و

السِّيٰادَةُ، وَتَكْمِلُ السَّعٰادَةُ، وَيَقْبَلُ الْإِيمٰانُ، وَيَـدْرُكُ الْأَمٰـانُ،

سروری حاصل، سعادت کامل، ایمان قبول و آرامش و اطمینان یابد و

وَتَدْخُلُ الْجِنٰانُ، وَعَنْكُمْ يُسْأَلُ الْإِنْسُ وَالْجٰانُّ. فَوٰا أَسَفٰا لِمُفٰارِقَةِ

داخل بهشت شود، و در مورد شما و ولایت شما است که از هر انسان و جنّی سئوال شوند. چه قدر اندوه و تأسّف می‌خورم بخاطر جدائی

جَنٰابِكُمْ، وَوٰا شَوْقٰاهُ إِلىٰ تَـقْبِيلِ أَعْـتٰابِكُمْ، وَالْـوُلُوجِ بِـإِذْنِكُمْ

از آستان شما، و چه قدر شوق و اشتیاق دارم به بوسیدن درگاه شما، و وارد شدن به

لِأَبْوٰابِكُمْ، وَتَعْفِيرِ الْخَدِّ عَلٰى أَرِيجِ تُرٰابِكُمْ، وَاللِّيٰاذِ بِعَرَصٰاتِكُمْ،

بارگاهتان با اجازهٔ شما، و مالیدن صورت را بر خاک خوشبوی شما، و پناه‌آوردن به صحن و سرا

وَمَحٰالِّ أَبْدٰانِكُمْ وَأَشْخٰاصِكُمْ، اَلْمَحْفُوفَةِ بِـالْمَلٰائِكَةِ الْكِـرٰامِ،

و محلّ فرود آمدن جسم پاک و پیکر شریف شما، که فرشتگان بزرگوار اطراف آن گرد آمده،

وَالْمَتْحُوفَةِ مِنَ اللهِ بِـالرَّحْمَةِ وَالسَّـلٰامِ، وَدَدْتُ أَنْ كُـنْتُ لَـهٰا

و رحمت و سلام خداوند گرداگرد آن را فراگرفته است، دوست داشتم که دربان این آستان بودم،

سٰادِناً، وَفِي جَوٰارِهٰا قٰاطِناً، لٰايَزْعَجُنِي عَنْهَا الرَّحِيلُ، وَلٰايَفُوتُنِي

و در جوار آن ساکن می‌شدم، بانگ رحیل و کوچ کردن مرا از آن دور نمی‌گرداند و با آن خوابگاه از دستم

بِهَا الْمُقِيلُ، لِيَكْثُرَ بِهٰا إِلْمٰامِي، وَاسْتِلٰامِي لَهٰا وَسَلٰامِي. فَأَسْأَلُ

نمی‌رفت، تا دیدار من زیادتر و و استلام سنگهای حرمش که برایم بهتر از حجرالأسود است بیشتر و سلام و درودم فراوانتر می‌گردید، اکنون از

اللهَ الَّذِي هَدٰانِي لِمَعْرِفَتِكُمْ، وَأَكْـرَمَنِي بِـمَحَبَّتِكُمْ، وَتَـعَبَّدَنِي

خداوندی که مرا به معرفت شما هدایت کرد و با دوستی شما گرامی داشت و به ولایت شما پایبند

بِوِلٰايَتِكُمْ، وَنَدَبَنِي إِلىٰ زِيٰارَتِكُمْ، اَلْعَوْدَ مٰا أَبْقٰانِي إِلٰى حَضْرَتِكُمْ،

نمود و به زیارت شما فراخواند، (می‌خواهم) تا مادامی که زنده‌ام به حضور شما بازگرداند،

وَالْبِشٰارَةَ إِذٰا تَوَفّٰانِي بِمُرٰافَقَتِكُمْ، وَالْحَشْرَ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَالدُّخُولَ

و چون جانم را گرفت به همراهی با شما و محشور شدن در زمرهٔ شما، و داخل شدن

فِي شَفٰاعَتِكُمْ. فَيٰا لَيْتَ شِعْرِي يٰا سٰادَتِي كَيْفَ حٰالِي فِي رَحْلَتِي،

در شفاعت شما مژده‌ام دهد. اکنون که در حال رفتن و کوچ کردنم کاش می‌دانستم حالم چگونه است؟

أَمَغْفُورَةٌ ذُنُوبِي، وَمَسْتُورَةٌ عُيُوبِي، وَمَقْضِيَّةٌ حٰاجَتِي، وَمُنْجَحَةٌ

آیا گناهانم آمرزیده شده؟ عیوبم پرده‌پوشی شده؟ حاجتم برآورده و خواسته‌ام روا

طَلِبَتِي، فَذٰاكَ الَّذِي أَمَّلْتُهُ، وَفِي كَرَمِكُمْ تَوَسَّمْتُهُ، فَمٰا أَسْعَدَنِي

گردیده است؟ که این آرزوی من است، و دربارهٔ کرم و بزرگواری شما چنین گمانی دارم، پس چه سعادتمندم

بِكُمْ، وَأَعْظَمَ فَوْزِي بِحُبِّكُمْ، أَمْ رٰاحِلٌ بِوِزْرِي، مُثْقِلٌ بِهِ ظَهْرِي،

به وسیلهٔ شما، و چه کامیاب و پیروزم با داشتن دوستی و محبّت شما، یا اینکه با بار گرانی از گناه که پشتم را سنگین کرده،

مَحْجُوباً دُعٰآئِي، خٰآئِباً رَجٰآئِي. فَيٰا شَقْوَتٰاهُ إِنْ كٰانَتْ هٰذِهِ حٰالِي،

بدون اینکه دعایم مستجاب شده باشد و به امیدم رسیده باشم بازمی‌گردم، که اگر حالم چنین است وای بر من و بدبختی من

وَيٰا خَيْبَةُ اٰمٰالِي، يَأْبىٰ ذٰلِكَ بِرُّكُمْ وَإِحْسٰانُكُمْ، وَجَمِيلُ وَعْدِكُمْ

و وای بر آرزوهای برآورده نشده‌ام، ولی لطف و احسان شما و نویدها و ضمانت‌هائی که

لِزٰآئِرِكُمْ وَضَمٰانِكُمْ، وَتَأْبىٰ مَكٰارِمُ أَخْلٰاقِكُمْ، وَطَهٰارَةُ شِيَمِكُمْ

نسبت به زائرانتان نموده‌اید چنین چیزی را نمی‌پذیرد، و اخلاق کریمانه و خلق و خوی پاکیزه و سیرهٔ محبّت‌آمیز شما

وَأَعْرٰاقِكُمْ، وَكَرَمِكُمْ عَلىٰ رَبِّكُمْ، وَعِنٰايَتِكُمْ بِزٰآئِرِكُمْ وَمُحِبِّكُمْ،

از چنین رفتاری به دور است، و کرامت شما نزد پروردگار و عنایتی که به زائر و دوستدار خود دارید

أَنْ يُرَدَّ سُؤٰالُهُ، أَوْ يُخَيَّبَ لَدَيْهِ اٰمٰالُهُ، وَيَأْبَى اللهُ إِلّٰا تَصْدِيقَ

باعث می‌شود که درخواست او رد نشود یا محروم نسبت به آرزوهایش نگردد، و خداوند نمی‌پسندد مگر آنکه

وَعْدِكُمْ، وَتَحْقِيقَ الرَّجٰآءِ بِقَصْدِكُمْ، إِسْعٰافاً وَإِكْرٰاماً لِقٰاصِدِكُمْ،

وعدهٔ شما را به آنکه قصد و آهنگ شما نموده راست گرداند و امیدش را برآورد، بخاطر گرامی‌داشتن و روی‌آوردن به آنکه به شما روی آورده،

وَإِتْحٰافاً بِالْخَيْرٰاتِ لِزٰآئِرِكُمْ، وَكَذٰلِكَ الظَّنُّ بِكُمْ، وَالْمَرْجُوُّ مِنْ

و هدیه دادن خیرات به زائرتان، و گمان ما به شما چنین است و امیدی که از فضل و

فَضْلِهِ لِشِيعَتِكُمْ. وَأُشْهِدُ اللهَ وَأَعْهَدُ عَلَيْهِ، وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي عَلىٰ

احسان شما نسبت به شیعیانتان می‌رود اینگونه است. و خدا را گواه می‌گیرم و بر آن با خدا پیمان می‌بندم، و (نیز) شما را گواه

مٰا عٰاهَدْتُهُ عَلَيْهِ مِـنَ الْإِقْـرٰارِ بِـوِلٰايَتِكُمْ، وَالْإِعْـتِقٰادِ لِـفَرْضِ

می‌گیرم که من بر آن عهدی که با شما بسته‌ام در مورد «اقرار به ولایت شما، و معتقد بودن به وجوب

طٰاعَتِكُمْ، وَالْإِعْتِرٰافِ بِفَضْلِكُمْ، وَالْقِيٰامِ بِنَصْرِكُمْ، وَالتَّقَرُّبِ إِلَى

اطاعت شما، و اعتراف به فضل و برتری شما و یاری کردن شما و به خدا تقرّب جستن به

اللهِ بِحُبِّكُمْ، وَالطّٰاعَةِ لَهُ بِالْكَوْنِ مَعَكُمْ، وَهٰذِهِ يَدي عَلىٰ مٰا أَمَرَ

دوستی شما، و اطاعت فرمان او با بودن با شما» هستم. و این تعهّد من است نسبت به آنچه

اللهُ بِهِ مِنَ الْوَفٰآءِ بِعَهْدِكُمْ، وَالْبَيْعَةِ الْوٰاجِبَةِ لَكُمْ، لٰا أَبْغي بِذٰلِكَ

خداوند فرمان داده است از وفا نمودن به عهد و پیمان با شما و بیعتی که واجب است برای شما، با وجود آن چیزی که

بَدَلًا، وَلٰا اُريدَ عَنْهُ تَحْويلًا. وَأَشْهَدُ أَنَّ ذٰلِكَ مِنَ اللهِ أَمْرٌ عٰازِمٌ

بدَل و جایگزین آن نمی‌جویم و هرگز نمی‌خواهم از آن دگرگون گردم. و گواهی می‌دهم که آن از طرف خداوند امری است تصمیم گرفته‌شده

وَحَتْمٌ عَلَى الْاُمَّةِ لٰازِمٌ، لٰا حُجَّةَ لِمَنْ جَـهِلَهُ، وَلٰا عُـذْرَ لِـمَنْ

و حتمی و بر امّت لازم گشته است، کسی که نسبت به آن جاهل باشد حجّتی ندارد، و کسی که نسبت به آن

أَهْمَلَهُ، أَدينُ اللهَ بِذٰلِكَ فِي السِّرِّ وَالْإِعْلٰانِ، وَالذِّكْرِ وَالنِّسْيٰانِ،

سستی و بی‌پروائی نماید عذری نخواهد داشت، من به آن در پنهان و آشکار و در حال توجّه و فراموشی،

وَفِي الْمَمٰاتِ وَالْمَحْيٰا وَالْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى، وَعَـلٰى بُـعْدِ الدّٰارِ،

و مرگ و زندگی و در دنیا و آخرت، و دوری از منزلگاه

وَقُرْبِ الْمَزٰارِ. أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُـحَمَّدٍ، وَثَـبِّتْني

و نزدیکی زیارتگاه معتقدم. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا

عَلىٰ ذٰلِكَ حَتّٰى أَلْقٰاكَ، وَوَفِّقْني لِطٰاعَتِكَ وَرِضٰاكَ، وَانْفَعْني بِمٰا

بر این امر تا هنگام دیدارت ثابت بدار، و برای فرمانبرداری و جلب رضایت و خشنودی‌ات موفّق فرما، و به آنچه

عَلَّمْتَني، وَزِدْني مِنَ الْخَيْرِ مٰا أَلْهَمْتَني، وَلٰاتُزِغْ قَلْبي بَـعْدَ إِذْ

مرا آموخته‌ای بهره‌مند ساز، و به آنچه از خیر و خوبی الهام نموده‌ای بیفزا، و قلبم را پس از آنکه

هَدَيْتَني، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ مٰا أَوْلَيْتَني. فَأَسْأَلُكَ يٰا مَنْ لٰاتُحْصىٰ

هدایت نموده‌ای منحرف مگردان، تو سزاوار سپاس و ستایشی بر آنچه عنایت فرموده‌ای. از تو می‌خواهم ای آنکه

نِعَمُهُ، وَلٰايُوٰازي كَرَمُهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ،

نعمت‌هایش بی‌شمار، و کرمش نامتناهی است، که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی،

وَلٰاتَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيٰارَةِ أَوْلِيٰآئِكَ، وَالْإِلْمٰامِ بِمَشٰاهِدِ

و این دیدار را آخرین دیدار من برای زیارت اولیائت و عتبه‌بوسی بارگاه

حُجَجِكَ وَأَصْفِيٰآئِكَ، وَأَلْهِمْني بِهٰا شُكْرَ اٰلآئِكَ، وَالْإِلْحٰاحَ

حجّت‌ها و برگزیدگانت قرار ندهی، و به برکت این زیارت شکر الطاف و عنایاتت و اصرار ورزیدن

بِمَسْأَلَتِكَ وَدُعٰآئِكَ، وَاسْتَجِبْ لي مٰا دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِني بِفَضْلِكَ

در دعا و درخواست گدائی از خودت را به من الهام فرما، و آنچه دعا کردم برایم مستجاب نما، و به فضل و احسانت

كُلَّ مٰا سَأَلْتُكَ، وَاغْفِرْ لي مَغْفِرَةً وٰازِعَةً، وَارْحَمْني بِجُودِكَ

آنچه درخواست نموده عطا کن، و مرا بیامرز آمرزشی که بازدارندهٔ از گناه باشد، و به جود و کرمت به من رحم کن

رَحْمَةً وٰاسِعَةً يُؤْمِنُني بِهٰا مِنْ سَخَطِكَ وَالنّٰارِ، وَتُسْكِنُني

رحمتی که گسترده و فراگیر باشد و با آن مرا از خشم و غضبت و آتش دوزخت ایمن داری، و به

بِفَضْلِكَ بِهٰا دٰارَ الْقَرٰارِ مَعَ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهٰارِ، وَشيعَةِ اٰلِ مُحَمَّدٍ

لطف خویش در سرای جاودانی در جوار ائمّهٔ طاهرین و شیعیان اهل بیت

الْأَبْرٰارِ. وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَسَّرْتَ حِسٰابَهُ، وَأَحْسَنْتَ إِلَيْكَ مَـٰابَهُ،

نیکوکار پیامبر ساکن گردانی. و مرا قرار بده از کسانی که حسابش را آسان می‌گیری، و بازگشتش را به سوی خودت نیکو می‌گردانی

وَمَحَوْتَ سَيِّئٰاتِهِ، وَضٰاعَفْتَ حَسَنٰاتِهِ، وَحَشَرْتَهُ في زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ

و گناهانش رانابود و خوبی‌هایش را دوچندان می‌نمائی و در زمرهٔ محمّد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطّٰاهِرينَ، صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَاغْفِرْ

و آل پاک او - که درود تو بر همهٔ آنان باد - محشور می‌فرمائی، و بیامرز

لِوٰالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنينَ بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

پدر و مادرم و همهٔ مؤمنان را به رحمت بی‌کرانت ای مهربانترین مهربانان.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۰۴/۱۰۲.

۵

زیارت پنجم وداع

علّامهٔ مجلسی ﷺ در «بحار الأنوار» فرموده است: در زیارت وداع بگو آنچه روایت شده از امام صادق علیه السلام که در وداع با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود، یعنی بگو:

لٰا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ تَسْلِيمي عَلَيْكَ.

خداوند این سلام را آخرین سلام من بر شما قرار ندهد.

و اگر خواستی بگو: **اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.**

سلام بر تو ای ولیّ خدا، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد.

أَللّٰهُمَّ لٰاتَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتَكَ عَلىٰ

خداوندا؛ این زیارت را آخرین دیدار من و آخرین زیارت من از پسر پیامبرت، و حجّتت بر

خَلْقِكَ، وَاجْمَعْني وَإِيّٰاهُ في جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْني مَعَهُ وَفي حِزْبِهِ،

آفریدگانت قرار مده، و مرا با او در بهشت قرین گردان، و با او و در حزب و گروه او محشور فرما،

مَعَ الشُّهَدٰآءِ وَالصّٰالِحينَ، وَحَسُنَ اُولٰٓئِكَ رَفيقاً، وَأَسْتَوْدِعُكَ

با شهیدان و اشخاص صالح و شایسته، و آنان خوب همراهان و همدمانی هستند، و شما را

اللهَ وَأَسْتَرْعيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلٰامَ، اٰمَنّٰا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ

به خدا می‌سپارم، و می‌خواهم که مرا مراقبت و نگهداری کنی، و بر شما سلام و درود می‌فرستم، به خدا و رسول

وَبِمٰا جِئْتَ بِهِ، وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدينَ.[1]

و آنچه آورده‌ای، و مرا بر آن راهنمائی فرموده‌ای ایمان آورده‌ایم، پس نام ما را با گواهان بنویس.

کلام مرحوم علّامهٔ مجلسی ظهور در اختصاص این زیارت به وداع با **حضرت امام رضا** علیه السلام ندارد.

۱. بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲، و در البلد الأمین: ۴۰۰ با اختلاف.

۶

زیارت ششم وداع

در کتاب «المزار الکبیر» روایت کرده است: هنگامی که خواستی وداع کنی، بگو:

سَلٰامٌ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، أَنْتَ لَنٰا جُنَّةٌ مِنَ

سلام بر تو ای مولای من، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، تو برای ما سپری از

الْعَذٰابِ، وَهٰذٰا أَوٰانُ انْصِرٰافي عَنْكَ، غَيْرَ رٰاغِبٍ عَنْكَ، وَلٰا

عذاب هستی، و اکنون زمان بازگشت من فرارسیده، در حالی‌که از شما روی برنگردانده، و کسی را

مُسْتَبْدِلٍ بِكَ، وَلٰا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ، وَلٰا زٰاهِدٍ في قُرْبِكَ، وَقَدْ جُدْتُ

جایگزین شما نساخته، و دیگری را بر شما ترجیح نداده‌ام، و در نزدیک‌بودن با شما بی‌اعتنا نیستم، و به تحقیق

بِنَفْسي لِلْحَدَثٰانِ، وَتَرَكْتُ الْأَهْلَ وَالْأَوْلٰادَ وَالْأَوْطٰانَ، فَكُنْ لي

جان خود را در برابر حوادث روزگار قرار دادم، و اهل و عیال و اولاد و سرزمین خود را رها کرده‌ام، پس

شٰافِعاً يَوْمَ حٰاجَتي وَفَقْري، يَوْمَ لٰايُغْني عَنّي وٰالِدي وَلٰا وَلَدي.

شفیع من باش روز نیازمندی و تهیدستی‌ام، روزی که نه پدرم و نه فرزندم مرا بی‌نیاز می‌کند.

أَسْأَلُ اللهَ الَّذي قَدَّرَ رَحيلي إِلَيْكَ أَنْ يُنَفِّسَ بِكُمْ كُرْبَتي، وَأَسْأَلُ

از خداوندی که کوچ‌کردنم را به سوی شما مقدّر فرمود می‌خواهم که به وسیلهٔ شما اندوهم را برطرف کند، و

اللهَ الَّذي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرٰاقَ مَكٰانِكَ أَنْ لٰايَجْعَلَهُ ٰاخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

از خداوندی که دوری از مکان تو را بر من مقدّر فرمود می‌خواهم که این زیارت را آخرین دیدار و آخرین

رُجُوعي إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللهَ الَّذي أَبْكىٰ عَلَيْكَ عَيْني أَنْ يَجْعَلَهُ

رجوع من به سوی شما قرار ندهد، و از خداوندی که چشم مرا بر شما گریان نمود می‌خواهم که آن را

لي سَنَداً وَذُخْراً، وَأَسْأَلُ اللهُ الَّذي أَرٰاني مَكٰانَكَ، وَهَدٰاني

برای من پشتوانه و ذخیره قرار دهد، و از خداوندی که مکان و جایگاه شما را به من نشان داد، و

لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ، وَزِيارَتي إِيّاكَ أَنْ يُورِدَني حَوْضَكُمْ، وَيَرْزُقَني

برای سلام کردن بر شما، و زیارتتان هدایت کرد می‌خواهم که مرا در کنار حوض شما وارد کند، و

مُرافَقَتَكُمْ فِي الْجِنانِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلامُ

همراه‌بودن با شما را در بهشت روزی‌ام گرداند. سلام بر تو ای برگزیدهٔ خداوند، سلام

عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ، وَوَصِيَّ

بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان، و وصیّ و جانشین

رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، اَلسَّلامُ عَلَى

رسول پروردگار جهانیان، و پیشوای روسفیدان، سلام بر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ

حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر امامان

ـ و بقیّهٔ امامان را نام می‌بری (علیهم السّلام) ـ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و رحمت خدا و برکات او (بر آنان باد).

اَلسَّلامُ عَلى مَلائِكَةِ اللهِ الْمُقيمينَ الْمُسَبِّحينَ، اَلَّذينَ هُمْ بِأَمْرِ

سلام بر فرشتگان خداوند که در این مکان اقامت گزیده و تسبیح‌گویانند، آنان‌که به دستور

رَبِّهِمْ يَعْمَلُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِ اللهِ الصّالِحينَ. أَللّٰهُمَّ

پروردگارشان عمل می‌کنند، سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خداوند. خداوندا؛

لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي إِيّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْني مَعَهُ

این زیارت را آخرین دیدار من و آخرین زیارت من او را قرار نده، و اگر قرار دادی مرا با او

وَمَعَ آبائِهِ الْماضينَ، وَإِنْ أَبْقَيْتَني يا رَبِّ فَارْزُقْني زِيارَتَهُ أَبَداً

و همراه پدران گذشته‌اش محشور فرما، و اگر عمری دادی و باقی گذاشتی مرا ای پروردگار من؛ پس همواره تا مادامی که

ما أَبْقَيْتَني، إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

مرا باقی داشته‌ای زیارت او را روزیم گردان، که تو بر هر چیز توانا هستی.

و می‌گویی: أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَأَسْتَرْعيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنّا

تو را به خدا می‌سپارم و از تو نگهبانی می‌طلبم، و بر تو سلام بازگشت می‌کنم،

بِاللهِ وَبِمٰا دَعَوْتَ إِلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدِينَ. أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

به خدا و آنچه به سوی آن دعوت کردی ایمان آوردیم. خداوندا؛ ما را با گواهان بنویس. خداوندا؛

مَوَدَّتَهُمْ أَبَداً مٰا أَبْقَيْتَنِي، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَلٰآئِكَةِ اللهِ وَزُوّٰارِ ابْنِ

مودّت و دوستی ایشان را همیشه تا مادامی که مرا باقی داشته‌ای روزیم گردان، سلام بر فرشتگان خداوند و زائران (محترم) پسر

رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ مِنّي أَبَداً مٰا بَقِيتُ دٰآئِماً وَإِذٰا فَنَيْتُ،

رسول خدا، سلام من بر تو همواره تا مادامی که باقی هستم و زمانی که از دنیا رفتم،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْنٰا وَعَلىٰ عِبٰادِ اللهِ الصّٰالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان صالح و نیکوکار خداوند.

و چون از بارگاهش بیرون آمدی، **تا هنگامی که از چشمت پنهان نگشته است رویت را از آن برمگردان.**[1] این وداع را بعضی از بزرگان در باب زیارت‌های **حضرت امام رضا** علیه‌السلام آورده‌اند ولی ظاهراً مخصوص وداع با آن حضرت نیست.

۷

زیارت هفتم وداع

مرحوم کفعمی فرموده است: در وداع با آن بزرگواران بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدىٰ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ. أَسْتَوْدِعُكُمُ

سلام بر شما پیشوایان هدایت، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد، شما را به خدا می‌سپارم،

اللهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلٰامَ، اٰمَنّٰا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمٰا جِئْتُمْ بِهِ،

و بر شما درود می‌فرستم، ایمان آورده‌ایم به خدا و به پیامبر و به آنچه از احکام و دستورات آورده‌اید،

وَدَلَلْتُمْ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدِينَ، وَلٰاتَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ

و بر آن رهنمون گشته‌اید. خداوندا؛ نام ما را در زمرهٔ گواهان ثبت کن، و این زیارت

۱. المزار الکبیر: ۶۵۳، بحار الأنوار: ۴۸/۱۰۲. و در روضة الأذکار (مخطوط): ۷۴ و کتابٌ في الزیارات والأدعیة (مخطوط): ۷۹ با اندکی اختلاف نقل شده است.

مِنْ زِيٰارَتِهِمْ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

را آخرین زیارت از زیارت ایشان قرار نده، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

۸

زیارت هشتم وداع

هنگامی که خواستی وداع کنی بگو: قَدْ قَضَيْتُ يٰا مَوْلٰايَ بَعْضَ الْإِرْبِ

مولای من؛ بعضی از آداب زیارتت را بجای آوردم،

مِنْ زِيٰارَتِكَ، وَلَوْ فَعَلْتُ يٰا مَوْلٰايَ مٰا يَجِبُ عَلَيَّ، لَجَعَلْتُ

و اگر بخواهم آنچه بر من واجب است انجام دهم باید صحن تو را

عَرْصَتَكَ دٰارَ إِقٰامَةٍ، وَلٰكِنَّني مِنْ أَبْنٰآءِ الدُّنْيٰا أَكْدَحُ فيهٰا كَمٰا

سرای اقامت خویش قرار دهم، ولی چه کنم که از فرزندان دنیایم و در راه آن تلاش می‌کنم همانطور که

جَرَتْ عٰادَةَ مَنْ مَضٰى، فَأَسْأَلُ اللهَ الْبٰآرَّ الرَّحيمَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ

عادت گذشتگان بر آن جاری گشته است، پس از خداوند نیکوکارِ مهربان می‌خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لٰايَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيٰارَتِكُمْ،

محمّد و آل محمّد درود فرستد، و این دیدار را آخرین دیدار از زیارت شما

وَجَميعِ الْمُؤْمِنينَ، إِنَّهُ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و همهٔ مؤمنان قرار ندهد که او مهربانترین مهربانان است، و او بر هر چیز توانا است.

سپس زیاد دعا کن به آنچه می‌خواهی که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی.[2]

مؤلّف گوید: مرحوم سیّد بن طاووس گفتاری دربارهٔ وداع با ماه مبارک رمضان فرموده است که بی‌مناسبت نیست آن را در اینجا بیاوریم:

---

۱. الجُنّة الواقية والجَنّة الباقية (مخطوط): ۷۶.

۲. بحار الأنوار: ۲۰۷/۱۰۲.

ایشان می‌فرماید: همانا در بعضی از این وداع‌ها ادّعا می‌کنی که جدا شدن از ماه رمضان و فقدان آن، تو را محزون ساخته و دلت را به درد آورده است به خاطر آنچه از فضل و بهره‌اش از دست داده‌ای، پس از تو خواسته می‌شود که در ادّعایت صادق باشی به این‌که آثار حزن و مصیبت بر چهره‌ات باشد و آخرین روز آن را با دروغ در گفتار و تباهی در کردار به پایان نرسانی.

و از وظایف شیعیان ـ بلکه از وظایف امّت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله ـ این است که در این زمان‌ها احساس ترس و بیم داشته باشند و در چنین موقعیّت‌ها تأسّف بخورند بر آنچه از دوران حضرت مهدی علیه السلام ـ که جدّ بزرگوارش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله بشارت و وعدهٔ آن را داده ـ از دست داده‌اند و اگر آن بزرگوار در میان آنان حضور داشت به وسیلهٔ او به سعادت‌ها می‌رسیدند، تا خداوند خلوص و وفای آن‌ها را نسبت به ایشان که سبب سعادت دنیا و آخرت‌شان هستند ببیند، و قریب به این مضامین باید بگویند:

أُرَدِّدُ طَرْفي في الدّيار فلا أرىٰ وجوه أحبّآئي الّذين أُريدُ

چشم خود را در گوشه و کنار شهرها می‌چرخانم ولی نمی‌بینم چهرهٔ آن دوستانی را که می‌خواهم.

در حقیقت، مصیبت فقدان آن حضرت بر مردمان متدیّن، از مصیبت فقدان ماه رمضان سخت‌تر است.

آیا اگر پدر دلسوز یا برادر مددکار همراه و یا فرزند نیکوکار مهربانی را از دست داده بودند، برای دوری و فقدان او دچار ترس و وحشت و اضطراب نمی‌شدند و دلشان به درد نمی‌آمد؟ **در حالی‌که بهره و منفعتی که از وجود آنان می‌برند هرگز قابل مقایسه با بهره و انتفاعی نیست که از وجود حضرت مهدی** ارواحنا فداه **نصیب آنان می‌شود؛ او که جانشین خاتم پیامبران و امامِ حضرت عیسی در نماز و فرمانروایی است، و از بین‌برندهٔ انواع بلاها و اصلاح‌کنندهٔ امور همهٔ کسانی است که در زیر آسمان به سر می‌برند.**[1]

---

۱. إقبال الأعمال: ۵۵۹.

بخش سی‌ام

هشت زیارت
از زیارت‌های اهل بیت علیهم السلام

که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است

در این بخش، هشت زیارت از زیارت‌هایی را که **حضرت امام رضا** علیه السلام بیان فرموده‌اند نقل می‌کنیم:

۱

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حرم آن حضرت

ابراهیم بن ابی البلاد گوید: **حضرت امام رضا** علیه السلام به من فرمود:

در سلام کردن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه می‌گوئید؟

عرض کردم: آنچه معروف است و آن را روایت کرده‌اند. فرمود:

آیا می‌خواهی بهتر از آن را به تو بیاموزم؟

عرض کردم: بلی فدای شما شوم. امام علیه السلام به خط مبارک خودش نوشت و آن را بر من خواند در حالی‌که در محضرش نشسته بودم:

هنگامی که کنار قبر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نمی‌باشد، او یکتا است و شریکی برایش نیست، و گواهی می‌دهم که تو محمّد

بْنُ عَبْدِاللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خاتَمُ النَّبِيِّينَ،

بن عبدالله هستی و گواهی می‌دهم که تو فرستادهٔ خداوندی، و گواهی می‌دهم که تو خاتم پیامبران و پایان‌بخش آنان هستی،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجاهَدْتَ

و گواهی می‌دهم که تو وحی الهی و پیام پروردگارت را ابلاغ و برای اُمّت خویش خیرخواهی نمودی، و

فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ، وَأَدَّيْتَ الَّذي عَلَيْكَ

در راه پروردگارت جهاد کرده و او را تا هنگام رحلت پرستیده‌ای، و حقّی که بر عهده داشتی

مِنَ الْحَقِّ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيبِكَ

آن را ادا کردی و پرداخته‌ای. خداوندا؛ بر محمّد بنده‌ات و فرستاده‌ات و نیک‌نژادت

وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ

و امینت و خالص و برگزیده‌ات از میان آفریدگانت درود فرست برتر از آنچه بر

أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ. أَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما

یکی از پیامبران و رسولانت فرستاده‌ای. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد سلام فرست همانگونه که

سَلَّمْتَ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ، وَامْنُنْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر نوح در جهانیان سلام فرستادی، و بر محمّد و آل محمّد نعمت بده

كَما مَنَنْتَ عَلىٰ مُوسىٰ وَهارُونَ، وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

همانطور که بر موسی و هارون نعمت بخشیدی، و بر محمّد و آل محمّد برکت عطا کن

كَما بارَكْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. أَللّٰهُمَّ

همان‌گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی، که تو ستوده و باشکوه و باعظمتی. خداوندا؛

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ.

بر محمّد و آل محمّد درود فرست و بر محمّد و آل محمّد مهربانی کن.

أَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرٰامِ، وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ

خداوندا؛ (ای) پروردگار بیت الحرام (خانهٔ کعبه)، و پروردگار مسجدالحرام (مسجدی که کعبه در آن است) و پروردگار رکن

وَالْمَقٰامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرٰامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرٰامِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ

و مقام، و پروردگار بلدالحرام (مکّه)، و پروردگار حلّ و حرام (آنجا که خارج از احرام‌اند و آنجا که در حال احرامند) و پروردگار مشعر

الْحَرٰامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مِنِّي السَّلٰامَ.[1]

الحرام، به روح پاک (حضرت) محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ از طرف من سلام برسان.

۲

زیارتِ دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حرم آن حضرت

ابن قولویه رحمه الله به سند خود از احمد بن محمّد بن ابی نصر روایت کرده است که گفت: به **حضرت امام رضا** علیه السلام عرض کردم: چگونه کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آن حضرت سلام عرض کنم؟

امام علیه السلام فرمود: می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ،

سلام بر رسول خدا، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ،

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای محمّد بن عبدالله،

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای انتخاب‌شدهٔ خداوند، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام

۱. بحار الأنوار: ۱۵۴/۱۰۰، هديّة الزائرين وبهجة الناظرين: ۳۰۶.

عَلَيْكَ يٰا صَفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمِينَ اللهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای برگزیدهٔ خداوند، سلام بر تو ای امین خداوند و مورد اعتماد او، گواهی می‌دهم که تو

رَسُولُ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

رسول خدائی، و گواهی می‌دهم که تو محمّد بن عبدالله هستی، و گواهی می‌دهم که تو

نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ، وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى أَتٰاكَ

برای امّت خویش خیرخواهی نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و او را تا هنگام

الْيَقِينُ، فَجَزٰاكَ اللهُ أَفْضَلَ مٰا جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ

رحلت پرستیده‌ای، پس خداوند به شما جزا و پاداش دهد بهتر از آنچه به پیامبری از طرف امّتش مرحمت فرموده است. خداوندا؛

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَآلِ

بر محمّد و آل محمّد درود فرست برتر از آنچه بر ابراهیم و آل

إِبْرٰاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.[1]

ابراهیم فرستاده‌ای، که تو ستوده و باشکوه و باعظمتی.

۳

زیارت سوّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حرم آن حضرت

کلینی رحمه‌الله به سند خود از بزنطی روایت کرده است که گفت: به **حضرت امام رضا** علیه‌السلام عرض کردم: چگونه کنار قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر آن حضرت سلام عرض کنم؟

فرمودند: بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام

عَلَيْكَ يٰا صَفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمِينَ اللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای برگزیدهٔ خدا، سلام بر تو ای امین و مورد اعتماد خداوند، گواهی می‌دهم که تو

۱. کامل الزیارات: ۵۸، بحار الأنوار: ۱۵۶/۱۰۰، مستدرك الوسائل: ۱۹۳/۱۰.

رَسُولُ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ

رسول خدا هستی، و گواهی می‌دهم که تو برای امّت خویش خیرخواهی نموده، و در راه

اللهِ، وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى أَتٰاكَ الْيَقِينُ، فَجَزٰاكَ اللهُ أَفْضَلَ مٰا جَزىٰ نَبِيّاً

خدا جهاد کرده، و او را تا هنگام فرارسیدن مرگ پرستیده‌ای، پس خداوند بهترین پاداشی را که به پیامبری از طرف

عَنْ اُمَّتِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مٰا صَلَّيْتَ

امّتش می‌دهد به شما مرحمت فرماید. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست برتر از آنچه

عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَاٰلِ إِبْرٰاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.[1]

بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستاده‌ای، که تو ستوده و باشکوه و باعظمتی.

۴

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از نماز واجب

بزنطی گوید: به **حضرت امام رضا** علیه السلام عرض کردم: پس از نماز واجب، چگونه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام و صلوات فرستم؟

امام علیه السلام فرمود: می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، سلام بر تو

يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

ای محمّد بن عبدالله، سلام بر تو ای انتخاب‌شدهٔ خداوند، سلام بر تو ای

يٰا حَبِيبَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَمِينَ

دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیدهٔ خداوند، سلام بر تو ای امین و مورد اعتماد

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۵/۱۰۰، هديّة الزائرين وبهجة الناظرين: ۳۰۶، المزار شيخ مفيد رحمه الله: ۱۷۲، البلد الأمين: ۳۹۳، المصباح: ۶۳۱، وسائل الشيعة: ۱۰۴۷/۴.

اللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللهِ،

خداوند، گواهی می‌دهم که تو فرستادهٔ خداوند هستی، و گواهی می‌دهم که تو محمّد بن عبدالله هستی،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ،

و گواهی می‌دهم که تو برای امّت خویش خیرخواهی نمودی، و در راه پروردگارت جهاد کردی،

وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى أَتٰاكَ الْيَقِينُ، فَجَزٰاكَ اللهُ يٰا رَسُولَ اللهِ أَفْضَلَ مٰا

و تا هنگام رحلت او را پرستیده‌ای، پس ای رسول خدا؛ خداوند به تو پاداش دهد بهتر

جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ

از هر پاداشی که به پیامبری از طرف امّتش مرحمت نموده است. خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست برتر

مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَآلِ إِبْرٰاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.[1]

از آنچه بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستاده‌ای، که تو ستوده و باشکوه و باعظمتی.

۵

زیارت ائمّه علیهم‌السلام

این زیارت از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده است.

سیّد رحمه‌الله فرموده: هرگاه خواستی یکی از امامان علیهم‌السلام را زیارت کنی، در کنار ضریح منوّر او بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْقٰآئِمِينَ مَقٰامَ الْأَنْبِيٰآءِ، اَلْوٰارِثِينَ عُلُومَ الْأَصْفِيٰآءِ،

سلام بر کسانی که در جایگاه انبیاء ایستاده‌اند، و وارث علوم برگزیدگان هستند،

اَلسَّلٰامُ عَلَى خُلَفٰآءِ اللهِ وَخُلَفٰآءِ رَسُولِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَنْ هُمْ

سلام بر جانشیان خداوند و جانشینان رسول او، سلام بر شما ای کسانی که

زِمٰامُ الدِّينِ، وَنِظٰامُ الْمُسْلِمِينَ، وَصَلٰاحُ الدُّنْيٰا، وَعُدَّةُ الْمُؤْمِنِينَ،

شیرازهٔ دین، و نظم‌دهندهٔ امور مسلمین، و درستی وضع دنیا، و باعث سرافرازی اهل ایمان هستید.

۱. بحار الأنوار: ۱۸۱/۱۰۰، هديّة الزائرين وبهجة الناظرين: ۳۱۹، جامع أحاديث الشيعة: ۵۱/۶، مقباس المصابيح: ۴۴.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَصْلَ الْإِسْلامِ النّامي، وَفَرْعَهُ السّامي،

سلام بر شما ای اصل و اساس و ریشهٔ اسلام بالنده و رشدکننده، و شاخهٔ بالا رفته و سر بر فلک کشیدهٔ آن.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَنْ بِهِمْ تَمامُ الصَّلاةِ وَالزَّكاةِ وَالصِّيامِ وَالْحَجِّ

سلام بر شما ای کسانی که تمامیّت نماز و زکات و روزه و حجّ

وَالْجِهادِ، وَتَوَفُّرِ الْفَيْءِ وَالصَّدَقاتِ، وَإِمْضاءِ الْحُدُودِ الْمُسَمَّياتِ،

و جهاد و کامل‌بودن آن‌ها و برقراربودن‌شان، و پس‌اندازکردن غنائم و دریافت وجوهات، و امضاء و اجرای حدود معیّن‌شده،

وَالْأَحْكامِ الْمُبَيَّناتِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَنْ بِهِمْ تُمْنَعُ الثُّغُورُ

و احکام بیان‌شده به وسیلهٔ ایشان است. سلام بر شما ای کسانی که به سبب آن‌ها کناره‌ها و مرزهای شهرها حفظ

وَالْأَطْرافُ، وَتَجْري اُمُورُ الْخَلْقِ بِإِمامَتِهِمْ عَلَى الْقَصْدِ وَالْإِنْصافِ،

می‌شود، و کارهای مردمان با امامت و پیشوائی ایشان بر مبنای عدل و اعتدال و انصاف جریان پیدا می‌کند.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُحَلِّلُونَ حَلالَ اللهِ، وَالْمُحَرِّمُونَ حَرامَ اللهِ،

سلام بر شما ای حلال‌کنندگان حلال خدا، و حرام‌کنندگان حرام خدا،

وَالْمُقيمُونَ حُدُودَ اللهِ، وَالذّابُّونَ عَنْ دينِ اللهِ، وَالدّاعُونَ إِلىٰ

و اقامه‌کنندگان حدود الهی، و دفاع‌کنندگان از دین خدا، و دعوت‌کنندگان به

سَبيلِ اللهِ، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَالْحُجَّةِ الْبالِغَةِ.

راه خدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، و حجّت رسا و برهان قاطع.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَنْ فَضْلُهُمْ كَالشَّمْسِ الْمُضيئَةِ الطّالِعَةِ،

سلام بر شما ای کسانی که از نظر فضیلت مانند خورشید روشنی‌بخش آشکارید،

الْمُجَلِّلَةِ بِنُورِهَا الْعالَمُ، وَهِيَ فِي الْأُفُقِ بِحَيْثُ لاتَنالُهَا الْأَيْدي

که به نور خود جهان را روشن ساخته، و در افقی است که از حیث بلندی و ارتفاع دست کسی به آن نمی‌رسد و از جهت زیادی نور

وَالْأَبْصارُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْبُدُورُ الْمُنيرَةُ، وَالسُّرُجُ الزّاهِرَةُ،

هیچ چشمی قدرت دیدن آن را ندارد. سلام بر شما ای ماه‌های تابان (شب چهارده)، و چراغ‌های فروزان،

وَالْأَنْوارُ السّاطِعَةُ، وَالنُّجُومُ الْهادِيَةُ، في غَياهِبِ الدُّجا، وَطُرُقِ

و نورهای درخشان، و ستارگان هدایتگر، در شدّت تاریکی‌های شب، و راههای

الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَلُجَجِ الْبِحٰارِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا مَنْ حُبُّهُمْ كَالْمٰآءِ

شهرهای کویر بی‌آب و علف، و عمق‌های دریاها. سلام بر شما ای کسانی که دوستی و محبّتشان مانند آب

الْعَذْبِ عَلَى الظَّمٰآءِ، وَالْغَذٰآءِ الْمَرِيٓءِ، اَلنّٰافِعِ عَلَى الطُّوىٰ،

شیرین گوارا در حال تشنگی، و غذای گوارا و نافع در زمان گرسنگی است،

اَلدّٰالُّونَ عَلَى الْهُدىٰ، وَالْمُنْجُونَ مِنَ الرَّدىٰ، وَالنّٰارِ عَلَى الْيَفٰاعِ

شما راهنما و راهبر راه هدایت، و نجات‌بخش از فروافتادن و هلاکت، و همچون آتش روی تپّه و بلندی نشان‌دهندهٔ راه

لِمَنِ اهْتَدىٰ وَاصْطَلىٰ. اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَدِلّٰآءِ فِي الْمَهٰالِكِ،

برای کسی که راه را بجوید، و کانون حرارت هستید برای آنکه بخواهد گرم شود. سلام بر راهنمایان در پرتگاههای هلاکت،

اَلْمُفٰارِقُ لَهُمْ هٰالِكٌ، وَاللّٰازِمُ لَهُمْ لاٰحِقٌ. اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ

آنکه از شما جداگردد هلاکت او حتمی است، و آنکه همراه شما و ملازم رکاب شما باشد به مقصود می‌رسد و به حق می‌پیوندد. سلام بر کسانی که

عُلُومُهُمْ كَالسَّحٰابِ الْهٰاطِلِ، وَالْغَيْثِ الْمٰاطِرِ، وَالسَّمٰآءِ الظَّلِيلَةِ،

علم و دانش ایشان همانند ابر بارنده و باران پیوستهٔ روان، و آسمان سایه‌افکن،

وَالْأَرْضِ الْبَسِيطَةِ، وَالْعَيْنِ الْغَزِيرَةِ، وَالْغَدِيرِ وَالرَّوْضَةِ. اَلسَّلٰامُ

و زمین گسترده، و چشمه‌ای جوشنده، و برکه و بستان است. سلام

عَلَيْكُمْ يٰا مَنْ هُمْ كَالْأَمِينِ الرَّفِيقِ، وَالْوٰالِدِ الشَّفِيقِ، وَالْأُمِّ الْبَرَّةِ

بر شما ای کسانی که ایشان مانند امانتداری نرم‌خو و مداراکننده، و همچون پدری مهربان و دلسوز، و به منزلهٔ مادری نیکوکار

بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا فَرَجَ الْعِبٰادِ فِي الدّٰاهِيَةِ،

برای بچّهٔ صغیر و کوچک هستند. سلام بر شما ای گشایش بندگان در سختی‌های عظیم،

وَحُجَّتُهُمُ الْوٰاضِحَةُ الشّٰافِيَةُ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا اُمَنٰآءَ اللّٰهِ فِي خَلْقِهِ،

و حجّت آشکار و قاطع و قانع‌کنندهٔ ایشان. سلام بر شما ای امینان الهی در میان مردم،

وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبٰادِهِ، وَخُلَفٰآءَهُ فِي أَرْضِهِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا

و حجّت او بر بندگانش، و جانشینان او در روی زمین. سلام بر شما ای

الدُّعٰاةُ إِلَى اللّٰهِ، اَلذّٰابُّونَ عَنْ حَرِيمِ اللّٰهِ. اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُطَهَّرِينَ

دعوت‌کنندگان مردم به سوی خدا، دفاع‌کنندگان از حریم پروردگار (که آن را از ورود نامحرمان و نااهلان حفظ می‌کنید). سلام بر پاک‌شدگان

مِنَ الذُّنُوبِ، اَلْمُبَرَّئِينَ مِنَ الْعُيُوبِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْمَخْصُوصِينَ

از گناهان، و مبرّاشدگان از هر گونه عیب. سلام بر مخصوصان

بِالْعِلْمِ الْمَلْهُومِ، وَالْحِلْمِ الْمَعْلُومِ، وَالْفَضْلِ كُلِّهِ، وَأَهْلِ الْخَيْرِ

به علم الهی الهامی، و بردباری معروف و شناخته‌شده، و تمام فضل و فضیلت، و اهل خیر و خوبی

وَالْبَذْلِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا نِظامَ الدِّينِ، وَعِزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَغَيْظَ

و بذل و بخشش. سلام بر شما ای سامان‌دهندگان دین، و مایهٔ عزّت مسلمانان، و خشم

الْمُنافِقِينَ، وَبَوارَ الْكافِرِينَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ لايُدانِيهِمْ فِي

منافقان، و هلاکت و نابودی کافران. سلام بر شما که هیچ‌کس در فضیلت هم‌سطح

فَضْلِهِمْ أَحَدٌ، وَلايُوجَدُ في وِلايَتِهِمْ بَدَلٌ. اَلسَّلامُ عَلَى السّادَةِ

شما نیست و به شما نزدیک نمی‌گردد، و در ولایت و سرپرستی برای شما جایگزین یافت نمی‌شود. سلام بر سروران

الْمَيامِينِ، وَمَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِمُ الْبُلَغاءُ، وَقَصُرَتْ عَنْ

خجسته، وکسانی که از ذکر فضیلت شما اشخاص بلیغ ـ که به خوبی می‌توانند مقصود خویش را باگفتارشان برسانند ـ عاجز و ناتوانند، و

إِدْراكِهِمُ الْفُصَحاءُ، وَتَحَيَّرَتْ في نَعْتِ فَضْلِهِمُ الْخُطَباءُ، وَلَمْ تَنْتَهِ

از ادراک آن سخن‌پردازان، نارسا و از توصیف فضل شما، خطیبان سخن‌سرا سرگردانند، و

إِلَيْهِ الْحُكَماءُ، وَتَصاغَرَتْ عَنْ قَدْرِهِمُ الْعُظَماءُ. اَلسَّلامُ عَلىٰ

حکیمان به سوی آن راه نمی‌یابند، و بزرگان (بشر) در برابر قدر و منزلت شما کوچک‌اند. سلام بر

مَنْ هُمْ كَالنُّجُومِ مِنْ يَدِ الْمُتَناوِلِ. اَلسَّلامُ عَلَى الْعُلَماءِ الَّذِينَ

کسانی که همچون ستاره از دسترس به دورید. سلام بر عالمانی که

لايَجْهَلُونَ، وَالدُّعاةِ الَّذِينَ لايَنْكِلُونَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَعْدِنِ الْقُدْسِ

نادانی ندارید، و دعوت‌کنندگانی که ترس و ضعف ندارید، و هرگز کنار نمی‌کشید. سلام بر کانون قدس

وَالطَّهارَةِ، وَالنُّسُكِ وَالزَّهادَةِ، وَالْعِلْمِ وَالْعِبادَةِ. اَلسَّلامُ عَلَى

و پاکی، و طاعت و زهد و علم و عبادت. سلام بر

الْمُخْصُوصِينَ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ، وَنَسْلِ الطُّهْرِ الْبَتُولِ. اَلسَّلامُ

مخصوصان به دعوت رسول، و نژاد پاک (حضرت زهرای) بتول. سلام

عَلىٰ مَنْ لٰايَسْبِقُهُمْ أَحَدٌ فِي نَسَبٍ، وَلٰايُدٰانـيهِمْ فـي حَسَبٍ،

بر کسانی که هیچ‌کس از نظر اصالت نسبی بر شما پیشی نگرفته، و از جهت کرامت و شرافت با شما برابری نمی‌کند،

اَلْبَيْتُ مِنْ قُرَيْشٍ، وَالذِّرْوَةُ مِنْ هٰاشِمٍ، وَالْعِتْرَةُ مِنَ الرَّسُـولِ،

(شما) از قبیلهٔ شرافتمند قریش، و از نسل شریف و بزرگوار هاشم، و از عترت پیامبر،

وَالرِّضٰا مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، شَرَفُ الْأَشْرٰافِ، وَالْفَرْعُ مِـنْ بَـني

و مورد رضا و خشنودی خداوند عزیز و والا، از هر شریفی شریف‌تر، و جداشده از

عَبْدِ مَنٰافٍ. اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُصْطَفَيْنَ بِالْإِمٰامَةِ، اَلْعُلَمٰآءِ بِالسِّيٰاسَةِ،

عبد مناف هستید. سلام بر برگزیدگان به امامت، آگاهان به تدبیر امور جامعه و مصلحت‌اندیشی،

اَلْمُفْتَرَضِينَ الطّٰاعَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ اخْتٰارَهُمُ اللهُ تَعٰالىٰ لِلْإِمٰامَةِ،

و واجب‌گشتگان اطاعت. سلام بر کسانی که خداوند تبارک و تعالی آنان را برای امامت اختیار فرمود،

وَشَرَحَ صُدُورَهُمْ لِذٰلِكَ، وَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ يَنٰابِيعَ الْحِكْمَةِ، فَـلَمْ

و برای آن شرح صدر و تحمّل لازم را به آنان مرحمت کرد، و چشمه‌های جوشان حکمت را در قلوبشان به ودیعه نهاد، لذا هرگز

يَعْيَوْا بِجَوٰابٍ، وَلَمْ يَقْصُرُوا عَنْ صَوٰابٍ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ أَيُّـهَا

در پاسخ هیچ سؤالی درمانده نمی‌شوند، و هیچگاه به خطا نمی‌روند. سلام بر شما ای

السّٰادَةُ الْمَعْصُومُونَ الْمُؤَيَّدُونَ، اَلْمُوَفَّقُونَ الْمُسَدَّدُونَ، اَلسَّلٰامُ

سرورانی که از هر گونه اشتباهی مصون و همواره مورد تأیید و یاری پروردگار، موفّق و استوارید. سلام

عَلَيْكُمْ يٰا مَنْ أَمِنُوا الْعِثٰارَ وَالزَّلَلَ، وَالْخَطَأَ وَالْخَطَلَ، اَلشُّهَدٰآءُ

بر شما ای کسانی که از هر گونه خطا و لغزش، و اشتباه و گول‌خوردن ایمن هستید، گواهان

عَلَى الْخَلْقِ، وَالْأُمَنٰآءُ عَلَى الْحَقِّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ اٰبٰآئِكُمُ

بر همهٔ خلق، و امینان بر حقّ. سلام بر شما و بر پدران

الْأَكْرَمِينَ، اَلَّذِينَ اٰتٰاهُمُ اللهُ فَضْلَهُ، وَهَدىٰ بِهِمْ سُبُلَهُ، وَأَوْضَحَ بِهِمْ

گرامی شما؛ آنانی که خداوند فضل خویش را به آن‌ها مرحمت‌فرموده، و به وسیلهٔ ایشان راههای هدایت را نشان داده، و شیوهٔ پیمودن

مِنَ الدِّينِ مَنْهَجَهُ، وَافْتَتَحَ بِهِمْ مُقَفَّلَهُ وَمُرْتَجَهُ، ﴿ذٰلِكَ فَضْلُ اللهِ

دین را به وسیلهٔ آنان آشکار ساخته، و درها و دروازه‌های بسته را به سبب آنان گشوده است. این، فضل و بخشش خدا است

يُؤْتيهِ مَنْ يَشٰآءُ وَاللهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ﴾[1]، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

به هر کس بخواهد عنایت می‌کند، و خداوند دارای فضل و بخشش بسیار است، و رحمت خدا و برکات او (بر شما باد).

سپس ضریح را ببوس و نماز زیارت و نمازهای دیگری که می‌خواهی بخوان، پس از آن برای آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه و بگو:

يٰا شٰامِخاً في بُعْدِهِ، يٰا رَئُوفاً في رَحْمَتِهِ، يٰا مُخْرِجَ النَّبٰاتِ، يٰا

ای بلندمرتبه در دوری‌اش؛ ای مهربان در رحمتش؛ ای بیرون‌آورندهٔ گیاه؛ ای

مُحْيِيَ الْأَمْوٰاتِ، يٰا ظَهْرَ اللّاجينَ، يٰا جٰارَ الْمُسْتَجيرينَ، يٰا

زنده‌کنندهٔ مردگان؛ ای پشتیبان پناهندگان؛ ای پناهندهٔ حمایت‌طلبان؛ ای

أَسْمَعَ السّامِعينَ، يٰا أَبْصَرَ النّاظِرينَ، يٰا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ،

شنواتر از شنوندگان؛ ای بیناتر از بینندگان؛ ای فریادرس دادخواهان؛

يٰا عِمٰادَ مَنْ لٰا عِمٰادَ لَهُ، يٰا سَنَدَ مَنْ لٰا سَنَدَ لَهُ، يٰا ذُخْرَ مَنْ لٰا

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد؛ ای پشتوانهٔ کسی که پشتوانه‌ای برای او نیست؛ ای اندوختهٔ کسی که

ذُخْرَ لَهُ، يٰا حِرْزَ الضُّعَفٰآءِ، يٰا كَنْزَ الْفُقَرٰآءِ، يٰا عَظيمَ الرَّجٰآءِ، يٰا

اندوخته‌ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای

مُنْقِذَ الْغَرْقٰى، يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى، يٰا أَمٰانَ الْخٰآئِفينَ، يٰا إِلٰهَ

نجات‌دهندهٔ غرق‌شدگان؛ ای زنده‌کنندهٔ مردگان؛ ای ایمنی‌بخش بیمناکان؛ ای معبود

الْعٰالَمينَ، يٰا صٰانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يٰا جٰابِرَ كُلِّ كَسيرٍ، يٰا صٰاحِبَ

جهانیان؛ ای سازندهٔ هر ساخته‌شده؛ ای التیام‌بخش هر شکسته؛ ای همراه

كُلِّ غَريبٍ، يٰا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ، يٰا قَريباً غَيْرَ بَعيدٍ، يٰا شٰاهِدَ

هر غریب؛ ای همدم هر تنها؛ ای نزدیکی که دور نیستی؛ ای گواه

كُلِّ غٰايِبٍ، يٰا غٰالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يٰا حَيُّ حينَ لٰا حَيَّ، يٰا مُحْيِيَ

هر پنهان؛ ای چیره‌ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده‌ای نبوده؛ ای زنده‌کنندهٔ

۱. سورهٔ جمعه، آیهٔ ۴.

الْمَوْتٰى، يٰا حَيُّ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، بَديعُ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ

مردگان؛ ای زنده که معبودی جز تو نیست؛ که پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمینی، تو

الْقٰآئِمُ عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ، سپس برای آنچه می‌خواهی دعا نما.[1]

حسابگر هر کس به آنچه انجام داده و به دست آورده هستی.

۶

زیارت هنگام وداع
با هر کدام از ائمّه علیهم‌السلام

این زیارت را ـ که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام بیان فرموده‌اند ـ برای وداع با هر یک از ائمّه علیهم‌السلام می‌توان خواند:

برای وداع همان‌گونه که برای زیارت ایستاده بودی (رو به ضریح مطهّر و پشت به قبله) می‌ایستی و می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا اُمَنٰآءَ اللهِ في أَرْضِهِ، وَحُجَجَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ،

سلام بر شما ای امینان الهی در زمین او، و حجّت‌های او بر آفریدگانش،

وَخُزّٰانَ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَبٰابَ نَهْيِهِ وَأَمْرِهِ، وَصِرٰاطَهُ

و خزینه‌های علم او، و جایگاه سرّ او، و باب نهی و امر او، و راه او که راست

الْمُسْتَقيمَ، سَلٰامَ مُوَدِّعٍ لٰا سَئِمٍ وَلٰا قٰالٍ وَلٰا مٰآلٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ

و مستقیم است. سلام کسی که وداع می‌نماید در حالی که (از زیارت) خسته نشده و افسرده نگشته و ملالت ندارد و رحمت خدا

وَبَرَكٰاتُهُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ غُدُوَّنٰا

و برکات او (بر شما باد). خداوندا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و قرار بده آمدن ما را

إِلَيْكَ مَقْرُوناً بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَرَوٰاحَنٰا عَنْكَ مَوْصُولاً بِالنَّجٰاحِ

به سویت مقرون به توکّل بر تو، و بازگشت ما را از خدمتت به رستگاری به وسیلهٔ خود،

۱. مصباح الزائر: ۴۸۵، بحار الأنوار: ۱۸۷/۱۰۲، روضة الأذكار (مخطوط): ۹۵.

مِنْكَ، وَدُعٰآءَنٰا لَكَ مَقْرُوناً بِحُسْنِ الْإِجٰابَةِ، وَخُضُوعَنٰا بَيْنَ

و دعای ما را برای تو مقرون به اجابتِ نیکو، و فروتنی باطنی ما را

يَدَيْكَ دٰاعِياً إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَاعْتِرٰافَنٰا بِذُنُوبِنٰا شَفِيعاً إِلٰى عَفْوِكَ،

در حضورت دعوت‌کنندهٔ رحمتت، و اعتراف ما را به وسیلهٔ گناهان ما راه شفاعت به سوی عفوت،

وَانْقِطٰاعَنٰا إِلَيْكَ سَبَباً إِلىٰ غُفْرٰانِكَ، وَزِيٰارَتَنٰا لِأَوْلِيٰآئِكَ مَشْفُوعَةً

و آمدن ما را به سویت وسیلهٔ آمرزشت، و زیارت ما را برای اولیائت شفاعت‌شده

بِالْقَبُولِ مِنْكَ، وَمَرْجَعَنٰا مِنْ هٰذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ إِلىٰ خَيْرِ مَرْجَعٍ،

با قبولی خود، و برگشت ما را از این حرم شریف بهترین بازگشت

إِلىٰ جَنٰابٍ مُمْرِعٍ، وَسَعَةٍ وَدَعَةٍ، وَحِفْظٍ وَأَمٰانٍ وَسَلٰامَةٍ شٰامِلَةٍ

به آستانهٔ سرسبز پرنعمت، و فراخی و توانگری و رفاه، و حفظ و امنیّت و سلامتی که

لِلنَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمٰالِ وَالْوَلَدِ وَالدِّينِ وَالْإِخْوٰانِ. أَللّٰهُمَّ

جان و مال و فرزند و اهل و عیال و دین و برادران را فراگیر باشد. خداوندا؛

لٰاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّٰا لِزِيٰارَةِ سٰادٰاتِنٰا وَأَئِمَّتِنٰا، اَلْمَفْرُوضِ

قرار مده این دیدار ما را آخرین دیدار از سروران و پیشوایان‌مان که بر ما واجب کرده‌ای

عَلَيْنٰا طٰاعَتُهُمْ وَمَعْرِفَتُهُمْ، وَالرُّجُوعُ إِلَيْهِمْ، وَالْكَوْنُ مَعَهُمْ.

اطاعت و شناخت و رجوع به ایشان و بودن با آنان را.

أَللّٰهُمَّ فَاشْهَدْ بِأَنّٰا قَدْ أَجَبْنٰا دٰاعِيَكَ، وَلَبَّيْنٰا مُنٰادِيَكَ، وَامْتَثَلْنٰا

خداوندا؛ تو شاهد باش که ما دعوت‌کننده‌ات را اجابت کردیم، و منادی تو را لبّیک گفتیم، و

أَمْرَهُ، وَاقْتَفَيْنٰا أَثَرَهُ. أَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدِينَ. أَللّٰهُمَّ لٰاتَجْعَلْهُ

فرمانش را اجرا نمودیم، و راه او را پیمودیم. خداوندا؛ ما را در زمرهٔ گواهان بنویس. خداوندا؛

آخِرَ الْعَهْدِ مِنّٰا لِزِيٰارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ، وَالصَّلٰاةِ عَلَيْهِمْ، وَارْزُقْنٰا

این حضور از ما را آخرین حضور برای زیارت ایشان و یادشان، و درود فرستادن بر آنان قرار مده، و

ذٰلِكَ أَعْوٰاماً كَثِيرَةً، فَإِذٰا تَوَفَّيْتَنٰا فَاشْهَدْ بِأَنّٰا سٰامِعُونَ، مُطِيعُونَ،

سال‌های متوالی ما را روزی کن، و چون از دنیا رفتیم گواهی بده که ما شنیدیم، اطاعت کردیم،

مُؤْمِنُونَ، مُصَدِّقُونَ غَيْرَ مُكَذِّبِينَ، مُقِرُّونَ غَيْرَ جاحِدِينَ،

ایمان آوردیم، تصدیق نمودیم، و تکذیب ننمودیم، اقرار کردیم و انکار نکردیم،

وَلِأَمْرِكَ مُسَلِّمُونَ، وَبِحَبْلِكَ مُعْتَصِمُونَ، وَلِأَئِمَّتِنا طائِعُونَ،

و تسلیم فرمانت، و چنگ‌زننده به ریسمانت بودیم، و از امامان خویش فرمان بردیم،

وَلِأَمْرِهِمْ وَحُكْمِهِمْ خاضِعُونَ، لا مُسْتَكْبِرِينَ وَلا مُتَكَبِّرِينَ،

و در برابر امر ایشان و حکم‌شان سر فرود آوردیم، گردنکشی نکردیم و تکبّر نورزیدیم،

وَبِما رَضِيتَ لَنا راضُونَ، وَلِما أَعْطَيْتَنا آخِذُونَ، وَلِأَنْعُمِكَ

و به آنچه برای ما پسندیدی خشنود بودیم، و آنچه ما را عطا کردی گرفتیم، و برای نعمت‌هایت

شاكِرُونَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ إِلَيْنا، وَأَلْهِمْنا شُكْرَكَ لِما أَنْعَمْتَ

سپاسگزاری نمودیم. (خداوندا؛) و از فضل خویش بر ما بیفزا، و شکر نعمت‌هایت را به ما الهام فرما،

بِهِ عَلَيْنا، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ، وَالصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ

اجابت کن دعای مرا ای پروردگار جهانیان، و درود و سلام پیوستهٔ ما بر شما

أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ

اهل بیت، که او ستوده و باشکوه است، و رحمت خدا و برکات او و الطاف او همواره

ما هَطَلَ غَمامٌ، وَهَتَفَ حَمامٌ، وَتَعاقَبَتِ اللَّيالي وَالْأَيّامُ.

تا ابری می‌بارد، و کبوتری آواز می‌خواند، و شب‌ها و روزها از پس یکدیگر می‌آیند بر شما باد.

سپس زیاد دعا کن و آنگاه در حالی که ـ إن شاء الله ـ مورد آمرزش و رحمت پروردگار قرار گرفته‌ای بازگرد.[1]

۱. مصباح الزائر: ۴۸۸، بحار الأنوار: ۱۸۷/۱۰۲، روضة الأذکار (مخطوط): ۹۸.

۷

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمّه علیهم السلام [۱]

«حسن بن علیّ وشّاء گوید: از **حضرت امام رضا** علیه السلام در مورد زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که آیا همانند زیارت امام حسین علیه السلام است؟

فرمود: بلی.[۲]

حسن بن محمّد قمی از **حضرت امام رضا** علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، همانند آن است که قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده باشد؛ با این تفاوت که برای رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام فضل و برتری ثابت است.[۳]

ابن سنان گوید: به **حضرت امام رضا** علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه پاداشی دارد؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

بهشت پاداش آن است، پس او را زیارت کن.[۴]

حسن بن بشّار واسطی گوید: از **حضرت امام رضا** علیه السلام پرسیدم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه ثوابی برای او است؟

حضرت فرمود:

---

۱. این زیارت از **حضرت امام رضا** علیه السلام دربارهٔ حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شده و در روایت دیگر از **حضرت امام رضا** علیه السلام روایت شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام خواندن این زیارت را در حرم حضرت امام حسین علیه السلام دستور دادند (بحار الأنوار: ۸/۱۰۲)؛ ولی همان‌گونه که خواهیم گفت، این زیارت را در تمام مشاهد مقدّسه می‌توان خواند.

۲. الکافی: ۵۸۳/۴ ح ۲.

۳. الکافی: ۴/ ۵۸۳ ح ۱.

۴. التهذیب: ۸۲/۸ ح ۳.

آن حضرت را زیارت کن.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن است؟

فرمود: زیارت او فضیلتی مانند فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد.

عرض کردم: من بیمناکم و برایم داخل شدن در حرم مطهّر آن حضرت ممکن نیست چه کنم؟

فرمود: از آن طرف جِسر (پُل) بر او سلام بگو و زیارت کن.[1]»[2]

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از علیّ بن حسان روایت کرده است که گفت: از **حضرت امام رضا** علیه السلام در مورد آداب زیارت مرقد پاک حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد، امام علیه السلام فرمود:

در مساجدی که اطراف آن است نماز بخوانید، **و در هر زیارتگاهی کفایت می‌کند که بگویید:**

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَوْلِيآءِ اللهِ وَأَصْفِيآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ اُمَنآءِ اللهِ

سلام بر اولیاء خدا و برگزیدگان او، سلام بر امانتداران الهی

وَأَحِبّآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنْصارِ اللهِ وَخُلَفآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ

و دوستان او، سلام بر یاران پروردگار و جانشینان او، سلام بر محل‌ها و جایگاه‌های

مَعْرِفَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَساكِنِ ذِكْرِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُظْهِري

شناخت خداوند، سلام بر خانه‌ها و منزلگاه‌های یاد خدا، سلام بر آشکارکنندگان

أَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى

خواسته‌ها و نخواسته‌های خداوند، سلام بر دعوت‌کنندگان (مردم و فراخوانان آنان) به سوی خداوند، سلام بر

الْمُسْتَقَرّينَ في مَرْضاتِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُخْلَصينَ في طاعَةِ

اهل ثبات و پایداری در آنچه مورد رضایت خداوند است، سلام بر خالصان در فرمانبرداری

---

۱. التهذیب: ۸۲/۶ ح ۴، بحار الأنوار: ۵/۱۰۲ ح ۲۵.

۲. روضة الأذکار (مخطوط): ۶۴.

اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَدِلّآءِ عَلَى اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الَّذينَ مَنْ

خداوند، سلام بر نشان‌دهندگان و بهترین دلیل‌ها بر خداوند، سلام بر آنان‌که هر کس

وٰالاٰهُمْ فَقَدْ وٰالَى اللهَ، وَمَنْ عٰاداٰهُمْ فَقَدْ عٰادَى اللهَ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ

آن‌ها را دوست بدارد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس با آن‌ها دشمنی کند در حقیقت با خدا دشمنی نموده، و هر کس آنان را بشناسد

فَقَدْ عَرَفَ اللهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ

در حقیقت خدا را شناخته، و کسی که آنان را نشناسد در حقیقت خدا را نشناخته، و کسی که با آن‌ها همراه باشد و بپیوندد

فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ، وَمَنْ تَخَلّٰى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّٰى مِنَ اللهِ. اُشْهِدُ اللهَ

در حقیقت با خدا پیوسته، و کسی که از آن‌ها جدا باشد در حقیقت از خدا جدا گشته است. خدا را گواه می‌گیرم

أَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

که من با کسی‌که سر سازش با شما دارد در صلح و صفا و سازشم، و با کسی‌که با شما در جنگ و مبارزه است ناسازگار و در نبردم، به پنهان شما

وَعَلاٰنِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللهُ عَدُوَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ

و آشکار شما ایمان دارم، در همهٔ این‌ها امر خود را به شما واگذار نموده‌ام، خداوند لعنت کند دشمن شما آل محمّد را

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْهُمْ،

از جنّ و انسان، از پیشینیان و آیندگان، و به سوی خداوند از همهٔ آنان بیزاری می‌جویم،

وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطّٰاهِرينَ.

و درود خدا بر (حضرت) محمّد و آل پاک او باد.

مرحوم شیخ صدوق فرموده است: خواندن این زیارت برای هر امام جایز است.

پس از زیارت، بر پیغمبر و اهل بیت او علیهم‌السلام زیاد صلوات فرستاده و نام آنان را ببرید، و از دشمنان‌شان بیزاری جسته و لعن و نفرین کنید، و آنچه می‌خواهید برای خود و مردان و زنان مؤمن دعا کنید.[1]

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۲۷۶/۲، المصباح: ۶۶۹ (با تفاوت)، مستدرك الوسائل: ۳۵۴/۱۰، وسائل الشیعة: ۴۳۱/۱۰، بحار الأنوار: ۸/۱۰۲ (با اختصار) و ص ۱۲۶.

۸

زیارت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام

اکنون زیارت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام را ـ که از **حضرت امام رضا** علیه‌السلام روایت شده ـ نقل می‌کنیم، سپس با بیان مطلب مهمّی کتاب را به پایان می‌رسانیم:

مرحوم علّامهٔ مجلسی گوید: در بعضی از کتب زیارت دیدم که علیّ بن ابراهیم از پدرش، از سعد، از **حضرت علیّ بن موسی الرضا** علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

ای سعد؛ آیا نزد شما از ما خاندان، قبری است؟

عرض کردم: آری فدایت شوم؛ مرقد پاک فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهماالسلام است.

امام علیه‌السلام فرمود: هر کس او را در حالی‌که شناخت به حقّش دارد زیارت کند سزاوار بهشت است. هر گاه برای زیارتش رفتی در قسمت بالای سر ـ مقابل قبله ـ بایست و سی و چهار مرتبه «**اَللّٰهُ أَكْبَرُ**»، سی و سه مرتبه «**سُبْحٰانَ اللّٰهِ**»، و سی و سه مرتبه «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**» بگو، سپس بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ

سلام بر آدم، برگزیدهٔ خداوند. سلام بر نوح، پیامبر خداوند. سلام

عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ

بر ابراهیم، دوست ویژهٔ خداوند. سلام بر موسی، هم‌سخن خداوند. سلام

عَلىٰ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ

بر عیسی، روح خدا. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو

يٰا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صَفِيَّ اللّٰهِ. اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا

ای بهترین آفریدهٔ خدا، سلام بر تو ای دوست خالص خدا، سلام بر تو ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ خاتَمَ النَّبِيّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ

(حضرت) محمّد بن عبدالله، پایان‌بخش پیامبران، سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان،

عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ

(حضرت) علیّ بن ابی طالب، وصیّ و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای (حضرت) فاطمه

سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا سِبْطَيْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

سرور زنان جهانیان. سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت

وَسَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ،

و دو سرور جوانان اهل بهشت (امام حسن و امام حسین)، سلام بر تو ای (حضرت) علیّ بن الحسین،

سَيِّدَ الْعابِدينَ وَقُرَّةَ عَيْنِ النّاظِرينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ

سرور عبادت پیشه‌گان و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای (حضرت) محمّد بن

عَلِيٍّ، باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،

علی شکافندهٔ علم و دانش پس از پیامبر، سلام بر تو ای (حضرت) جعفر بن محمّد،

اَلصّادِقَ الْبارَّ الْأَمينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، اَلطّاهِرَ

راستگوی نیکوکار امین. سلام بر تو ای (حضرت) موسی بن جعفر، پاک

الطُّهْرَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضىٰ،

پاکیزه، سلام بر تو ای (حضرت) علیّ بن موسی الرضا، پسندیده شده،

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ

سلام بر تو ای (حضرت) محمّد بن علی مظهر تقوا، سلام بر تو ای (حضرت) علیّ

بْنَ مُحَمَّدٍ، اَلنَّقِيَّ النّاصِحَ الْأَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ

بن محمّد، پاک خالص‌شده و خیرخواه بی‌آلایش امین، سلام بر تو ای (حضرت) حسن بن

عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ نُورِكَ

علی، سلام بر وصیّ و جانشین پس از او. خداوندا؛ درود فرست بر جلوه‌گاه نورت

وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ.

و چراغ تابنده‌ات و آنکه ولایت و سرپرستی دارد از طرف ولیّت و وصایت و جانشینی دارد از طرف وصیّ‌ات، و حجّت توست بر همهٔ آفریدگانت.

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمهٔ زهرا

وَخَديجَةَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا

و خدیجهٔ کبری، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای

بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ

دختر امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای دختر ولیّ خدا، سلام

عَلَيْكِ يا اُخْتَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ

بر تو ای خواهر ولیّ خدا، سلام بر تو ای عمّهٔ ولیّ خدا، سلام

عَلَيْكِ يا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ

بر تو ای دختر (حضرت) موسی بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد. سلام

عَلَيْكِ عَرَّفَ اللهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُمْ،

بر تو، خدا میان ما و شما در بهشت آشنایی برقرار کند، و ما را در زمرهٔ شما محشور فرماید،

وَأَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ

و در کنار حوض پیامبرتان وارد گرداند، و با جام جدّتان از دست (حضرت) علیّ بن

أَبي طالِبٍ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللهَ أَنْ يُرِيَنا فيكُمُ السُّرُورَ

ابیطالب سیراب فرماید. درود خدا بر همهٔ شما باد. از خدامی‌خواهم که شادمانی و گشایش را در مورد شما(با ظهور امام زمان علیه‌السلام) به ما نشان دهد،

وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنا وَإِيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

و ما و شما را در زمره و گروه جدّتان (حضرت) محمّد گرد آورد که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لايَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَديرٌ، أَتَقَرَّبُ إِلَى

بر او و آل او باد، و معرفت شما را از ما نگیرد، که او اختیاردار توانا است. تقرّب می‌جویم به

اللهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرآءَةِ مِنْ أَعْدآئِكُمْ، وَالتَّسْليمِ إِلَى اللهِ، راضِياً

درگاه خدا به وسیلهٔ دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن در برابر حق، در حالی‌که به آن خشنودم،

بِهِ، غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلىٰ يَقينِ ما أَتىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ

نه انکارکننده‌ام و نه از پذیرفتن آن خودداری می‌نمایم، و بر آنچه (حضرت) محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده است یقین دارم، و به آن راضی

رٰاضٍ. نَطْلُبُ بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يٰا سَيِّدِيَ اللّٰـهُمَّ وَرِضٰـاكَ وَالدّٰارَ

و خشنودم. به آن وسیله، خرسندی تو را - ای سرور من خداوندا؛ - و رضایتت را و سرای

الْاٰخِرَةَ. يٰا فٰاطِمَةُ، إِشْفَعي لي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكِ عِنْدَ اللهِ شَأْناً

آخرت را خواهانیم. ای فاطمه، برای من در مورد بهشت شفاعت کن، که همانا برای تو نزد خدا شأن

مِنَ الشَّأْنِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لي بِالسَّعٰادَةِ، فَلٰاتَسْلُبْ

و مرتبه‌ای است. خداوندا؛ من از تو می‌خواهم که به خوبی و خوشبختی به کار من و عمرم پایان دهی، و این (فکر و اعتقاد

مِنّي مٰا أَنَا فيهِ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ. أَللّٰهُمَّ

و ایمانی) را که در آن به سر می‌برم از من نگیری، و هیچ توانایی و نیرویی جز به وسیلهٔ خداوند بلندمرتبهٔ بزرگ میسّر نیست. خداوندا؛

اسْتَجِبْ لَنٰا، وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعٰافِيَتِكَ، وَصَلَّى

دعای مرا به اجابت برسان، و آن را با کرمت و عزّتت و رحمتت و عافیت‌بخشی‌ات بپذیر، و درود

اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ أَجْمَعينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

و سلام فراوان خداوند بر (حضرت) محمّد و همهٔ آل او باد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام

کسی که زیارت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام نصیبش می‌شود اگر به مقام والایِ ولایت آن بزرگوار معرفت داشته باشد و با حالت شناخت و معرفت، آن حضرت را زیارت نماید، بهشت بر او واجب می‌شود.

معنای فرمایش **حضرت امام رضا** علیه‌السلام ـ که فرمودند: «بهشت بر کسی که به مقام حضرت معصومه علیهاالسلام شناخت داشته باشد واجب می‌شود» ـ این است که مقام ولایت حضرت معصومه علیهاالسلام آنچنان مهمّ و کارساز است که شخص زائر، با خواندن زیارت در حال معرفت به مقام عظیم آن حضرت، در پناه حصن حصین و دژِ محکم مقام ولایت قرار می‌گیرد؛ به این جهت از سرنگون شدن در جهنّمِ سوزان حفظ شده و در بهشت برین جای خواهد گرفت.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۶۵/۱۰۲.

این‌گونه زائران که دارای معرفت و شناخت مقام باعظمت بانوی دو جهان هستند سزاوار راه یافتن به بوستان‌های بهشت هستند؛ زیرا به خاطر آگاهی و معرفتی که دارند، زیارتشان مورد قبول و پذیرش درگاه الهی قرار می‌گیرد.

گروهی دیگر از زائران بارگاه ملکوتی حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام معرفت و آشنایی چندانی با مقامِ بس والای آن حضرت ندارند، ولی با شور و شوقی که در نهادشان نسبت به مقام اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد خود را به این بارگاه رسانده و با شرمساری از آن حضرت خواستار ورود به بهشت می‌شوند، و با شفاعت آن بزرگوار راهیِ بهشت برین می‌شوند.

بنابراین، این گروه نیز همچون گروه اوّل از حضرت معصومه علیهاالسلام می‌خواهند که سبب ورود آنان به بوستان‌های بهشت گردد.

هر روز هزاران نفر از راه دور و نزدیک به زیارت آن حضرت نائل می‌شوند و هر سال میلیون‌ها نفر به بارگاه باعظمت آن بزرگوار روی می‌آورند، امّا در این میان چه تعداد از زائرین حضرت معصومه علیهاالسلام، از شخصیّت و عظمتِ آن بزرگوار آگاه هستند؟ و چند نفر با مقام معنوی و قدرت ولایت آن حضرت آشنا می‌باشند؟

متأسّفانه شخصیّت بسیار باعظمت شفیعهٔ روز قیامت، حضرت معصومه علیهاالسلام برای جامعهٔ شیعه ـ آنگونه که باید ـ شناخته نشده است.

فخر الواعظین مرحوم سیّد محمّد باقر خلخالی در کتاب «جنّات ثمانیة: ۸۵۸» و مورّخ نامی مرحوم سپهر در «ناسخ التواریخ: ۳۳/۷» روایت نموده‌اند که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ فضیلت زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام فرمودند:

من زار المعصومة بقم (في قم) كمن زارني.

کسی که (خواهرم) معصومه را در قم زیارت نماید مثل کسی می‌باشد که مرا زیارت نموده است.

این روایت به خوبی گویای عظمتِ شخصیّت حضرت معصومه علیهاالسلام می‌باشد.

توجّه به روایتی که دربارهٔ ظهور شخصیّت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام در روز قیامت است ـ و در زیارت آن بزرگوار به آن اشاره شده ـ ما را تا حدودی با عظمت شأن و مقام آن حضرت، آشنا می‌کند.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

... وتدخل بشفاعتها شيعتي الجنّة بأجمعهم.[1]

... و به وسیلهٔ شفاعت او (حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام) شیعیان من همه وارد بهشت می‌شوند.

بنابر این روایت، در روز پرهیاهوی رستاخیز و قیامت، توده‌های عظیمِ مردم با وساطت و شفاعتِ حضرت معصومه علیهاالسلام به سوی هشت درب بهشت روان می‌گردند. ما همه در زیارت آن بزرگوار خدمت‌شان عرض می‌کنیم:

يا فاطمة؛ إشفعي لي في الجنّة.

ای فاطمه؛ برای من بهشت را شفاعت کن.

یک نکتهٔ مهمّ

دربارهٔ شفاعت نمودن حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام

در اینجا به بیان نکته‌ای مهمّ دربارهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام و شفاعت آن بزرگوار از دوستان و شیعیانشان می‌پردازیم:

حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام از دو جهت دارای شخصیّت عظیم معنوی می‌باشند:

۱ ـ انتساب آن بزرگوار به ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام و مقام قرب و نزدیک بودن نسَب آن حضرت به معصومین علیهم‌السلام؛ زیرا حضرت معصومه علیهاالسلام دختر امام، خواهر امام، عمّهٔ امام، نوهٔ امام و... می‌باشند. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

---

۱. سفينة البحار: مادّهٔ «فطم».

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ ... اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

۲ ـ علاوه بر مقام قرب ظاهری و نسبت نزدیک حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام با معصومین علیهم‌السلام، آن بزرگوار از نزدیک بودن و قرب معنوی بسیار عجیب برخوردارند.

این نکته قابل توجّه و دقّت است که در میان امام‌زادگان عظیم الشأن از نظر نسبت ظاهری و قُرب نَسَبی افراد زیادی همانند حضرت معصومه علیهاالسلام می‌باشند؛ ولی از نظر قرب معنوی و شخصیّت عظمت روحی، همچون حضرت معصومه علیهاالسلام نیستند.

نکتهٔ جالب توجّه این است که این مقام باطنی و قرب معنوی حضرت معصومه علیهاالسلام سبب دارا بودن مقام شفاعتِ آن حضرت می‌باشد.

با توجّه در زیارت آن بزرگوار و مطالبی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام دربارهٔ شخصیّت حضرت معصومه علیهاالسلام در ضمن این زیارت بیان فرموده‌اند، به این حقیقت می‌رسیم که: حضرت معصومه علیهاالسلام علاوه بر دارا بودن شخصیّت عظیم معنوی از نظر انتساب به خاندان وحی، شخصاً نیز دارای مقام ولایت می‌باشند.

حضرت امام رضا علیه‌السلام پس از بیان نسبت آن حضرت به معصومین علیهم‌السلام، برای این‌که به همگان بفهمانند حضرت معصومه علیهاالسلام از مقام عظیم شفاعت برخوردارند، به این نکته استدلال نمی‌کنند که آن حضرت از نسبِ نزدیک به ائمّهٔ هدی علیهم‌السلام برخوردارند بلکه دستور می‌دهند که زائران به این تعبیر «**یا فاطمة؛ اشفعي لی في الجنّة**» از آن حضرت تقاضای شفاعت نمایند.

جالب توجّه است که این جمله با «**یا بنت رسول الله**» یا با جملهٔ «**یا بنت أمیرالمؤمنین و...**» شروع نشده است که شفاعت‌خواهی زائران از حضرت معصومه علیهاالسلام به خاطر این باشد که آن بزرگوار دخت گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله یا دخت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سایر معصومین علیهم‌السلام یا خواهر و عمّهٔ امام علیه‌السلام هستند؛ بلکه با جملهٔ «**یا فاطمة؛ إشفعي**» درخواست شفاعت از حضرت معصومه علیهاالسلام می‌شود که با لطافتی که **حضرت امام رضا** علیه‌السلام در این تعبیر بکار برده‌اند، به ما می‌فهمانند که مقام عظیم شفاعتِ ایشان برای همه، نه به خاطر انتساب آن حضرت به خاندان وحی علیهم‌السلام؛

بلکه آن بزرگوار شخصاً دارای این مقام بزرگ می‌باشند.

جالب توجّه است که برای روشن شدن این حقیقت، فرازهای زیارت را این‌گونه ادامه می‌دهند: «**فإنّ لكِ عندالله شأناً من الشّأن**»، که این جمله برای بیان این واقعیّت است که آن حضرت در نزد خداوند برخوردار از شأنی از شئونِ قرب الهی و ولایت می‌باشند.

بنابراین همان‌گونه که در این زیارت می‌بینیم، با این‌که فرازهایی از این زیارت با بیان جمله‌هایی همچون دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و... و یا خواهر و عمّهٔ امام علیه‌السلام به توصیف حضرت معصومه علیهاالسلام پرداخته، ولی آنگاه که نوبت به شفاعت‌خواهی از آن بزرگوار می‌رسد، تعبیر زیارت عوض می‌شود و به جای استفاده از عبارات گذشته، نام آن حضرت برده می‌شود و از آن حضرت تقاضای شفاعت و ورود به بهشت برین می‌شود.

این نکته سزاوار دقّت است: همان‌گونه که حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام می‌توانند در روز قیامت، مردم را از صحنهٔ پرخطر قیامت نجات داده و آن‌ها را روانهٔ بهشت نمایند، همینطور در عصر غیبت نیز آن بزرگوار این شأن و مقام را نزد خداوند دارد که مردم را از گرفتاری‌های زمان غیبت نجات داده و با وساطت و شفاعت به درگاه خداوند بزرگ، همه را از نابسامانی‌ها نجات داده و واسطهٔ گشوده شدن درب بهشتِ ظهور امام عصر ارواحنا فداه شوند.

بدیهی و واضح است وقتی حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام دارای این مقام و عظمت باشند، چهارده معصوم علیهم‌السلام نیز به طریق اولیٰ برخوردار از این مقام می‌باشند.

بنابراین، زائرین محترم لازم است به این نکته توجّه داشته باشند که هنگام تشرّف به مکان‌های بزرگ معنوی **نه تنها برای نجات خود بلکه برای نجات جهان و جهانیان، و ظهور قدرت ولایت در سراسر گیتی دعا کنند؛ و این درخواست را در سرلوحهٔ خواسته‌ها و حاجت‌های خود قرار دهند تا إن شاء الله شاهد حکومت جهانی حضرت بقیّة الله الأعظم** عجّل الله تعالی فرجه **باشند و در همین دنیا، نظاره‌گر بهشتِ موعود شوند.**

منابع و مصادر کتاب

قرآن کریم

«الف»

أبواب الجنّات في آداب الجمعات:

تألیف: آیة الله سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، مؤسّسهٔ الإمام المهدي علیه السلام ـ قم

اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام:

تألیف و تحقیق: دانشمند محترم آقای عزیزالله عطاردی، کتابخانهٔ صدر ـ تهران

الإشراف:

تألیف: عالم جلیل‌القدر مرحوم شیخ مفید، ناشر: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید رحمه الله

إقبال الأعمال:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس رحمه الله، مؤسّسهٔ مطبوعاتی اعلمی ـ بیروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس رحمه الله، مؤسّسهٔ آل البیت علیهم السلام ـ قم

الأنوار النعمانیّة:

تألیف: محدّث خبیر مرحوم سیّد نعمةالله جزائری، انتشارات مکتبهٔ بنی‌هاشمی ـ تبریز

ایجاج الأحزان في وفاة غریب خراسان:

تألیف: عالم جلیل‌القدر شیخ عبدالرضا أوالی بحرانی از علمای قرن دهم هجری قمری، با تحقیق و... دکتر محمّدابراهیم مالمیر، انتشارات انصاری ـ قم

«ب»

بحار الأنوار:

تألیف: علّامه محمّد باقر مجلسی ﷺ، منشورات مکتبهٔ اسلامیّه ـ تهران

البلد الأمین:

تألیف: عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی، مؤسّسهٔ أعلمی ـ بیروت

بهجة النظر:

تألیف: محدّث خبیر سیّد هاشم بن سلیمان بحرینی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم مبارک، آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدّس

«ت»

تحفة الزائر:

تألیف: مرحوم علاّمهٔ مجلسی، نسخهٔ عکسی

تحفهٔ طوسیّه:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، انتشارات فؤاد ـ تهران

تفسیر القمی:

تألیف: ابوالحسن علیّ بن ابراهیم قمی از اعلام قرن ۳ ـ ۴ ق، با تصحیح آقای سیّد طیّب موسوی جزائری، منشورات مکتبة الهدی ـ نجف اشرف

«ث»

الثاقب في المناقب:

تألیف: فقیه عمادالدین طوسی معروف به ابن حمزة از اعلام قرن ششم، تحقیق: نبیل رضا علوان، مؤسّسهٔ انصاریان ـ قم

ثواب الأعمال:

تألیف: عالم جلیل‌القدر شیخ صدوق ﷺ، منشورات مطبعهٔ حیدریّه ـ نجف اشرف

«ج»

جامع احادیث الشیعة:

تألیف: حجّة الإسلام والمسلمین حاج شیخ اسماعیل معزّی ملایری، ناشر: مؤلّف ـ قم

جامع الأثر:

تألیف: حجّة الإسلام والمسلمین آقای سیّد حسن آل طه، مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

جمال الأُسبوع:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس رحمه‌الله، مؤسّسهٔ آفاق ـ تهران

جنّات الخلود:

تألیف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی، چاپ سنگی

جنّات ثمانیة:

تألیف: فخرالواعظین مرحوم سیّد محمّدباقر خلخالی، ترجمه: آقای محمّدرضا انصاری قمی، انتشارات دلیل ما ـ قم

الجُنّة الواقیة والجَنّة الباقیة (مخطوط):

تألیف: عالم بزرگوار ابراهیم بن علی العاملی الکفعمی رحمه‌الله، از مخطوطات مؤسّسهٔ کاشف الغطاء ـ نجف اشرف، شمارهٔ مخطوط ۱۷۹۰

«خ»

خواصّ آیات قرآن کریم:

تألیف: آیة الله محمّدتقی بن محمّدباقر نجفی اصفهانی، کتابفروشی فلسفی ـ تهران

«د»

دعبل شاعر امام رضا علیه‌السلام:

تألیف: دکتر حسین چوبین، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی ـ دزفول

الدعوات:

تألیف: عالم شهیر قطب الدین راوندی ﷺ، مؤسّسة الإمام المهدي عليه السلام ـ قم

«ذ»

ذخیرة الآخرة:

تألیف: عالم جلیل‌القدر علیّ بن محمّد بن علیّ بن عبدالصمد سبزواری از علمای قرن ششم هجری، به کوشش آقای رسول جعفریان، انتشارات انصاریان ـ قم

«ر»

رسالة أربعة أیّام:

تألیف: عالم نامی مرحوم میرداماد، ناشر: دبیرخانهٔ کنگرهٔ آقاحسین خوانساری ـ قم

روضة الأذکار (مخطوط):

تألیف: حاجی محمّد بن محمّد التبریزی، از مخطوطات مؤسّسهٔ کاشف الغطاء ـ نجف اشرف، رقم مخطوط ۱۱۳۳

روضة الواعظین:

تألیف: علاّمه ابن فتّال نیشابوری از اعلام قرن پنجم و ششم هجری، منشورات الرضی ـ قم

«ز»

زاد المعاد:

تألیف: مرحوم علاّمهٔ مجلسی، مکتبهٔ اسلامیّه ـ تهران

«س»

سفینة البحار:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، انتشارات فراهانی ـ تهران

«ص»

صحيفة الإمام الرضاعليه السلام:

تحقيق و نشر: مؤسّسهٔ الإمام المهدی عليه السلام ـ قم

الصحيفة الصادقيّة:

تأليف: آية الله شيخ احمد بحرانی قطيفی، تحقيق: دار المصطفی صلى الله عليه وآله وسلم ـ قم

صحيفهٔ مهديّه:

تأليف: سيّد مرتضی مجتهد سيستانی، نشر الماس ـ قم، چاپ دهم

«ع»

عدّة الداعي:

تأليف: عالم ربّانی احمد بن فهد حلّی رحمه الله، منشورات مكتبهٔ وجدانی ـ قم

عيون اخبار الرضاعليه السلام:

تأليف: عالم جليل‌القدر مرحوم شيخ صدوق، از منشورات المطبعة الحيدريّه ـ نجف اشرف

«ف»

فتح الأبواب:

تأليف: عالم جليل‌القدر سيّد بن طاووس رحمه الله، مؤسّسهٔ آل البيت عليهم السلام ـ قم

فرهنگ اصطلاحات روز:

تأليف: دكتر محمّد غفرانی و دكتر مرتضی آيت‌الله زادهٔ شيرازی، انتشارات امير كبير ـ تهران

فرهنگ دانشگاهی:

تأليف: آقای احمد سيّاح، انتشارات اسلام ـ تهران

فقه الرضاعليه السلام:

منسوب به حضرت امام رضا عليه السلام، تحقيق: مؤسّسهٔ آل البيت عليهم السلام ـ قم، نشر: المؤتمر العالمی للإمام الرضا عليه السلام ـ مشهد مقدّس

فلاح السائل:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس ﷺ، منشورات دار الإسلامیّه ـ بیروت

«ق»

قطره‌ای از فضائل دریای اهل بیت علیهم‌السلام (ترجمهٔ کتاب شریف القطرة):

تألیف: مرحوم علّامه سیّد احمد مستنبط، نشر حاذق ـ قم

«ک»

کامل الزیارات:

تألیف: محدّث خبیر جعفر بن محمّد بن قولویه ﷺ، نشر الفقاهه ـ قم

کتابٌ في الزیارات والأدعیة (مخطوط):

تألیف: بعض الأصحاب، از نسخه‌های خطّی مؤسّسهٔ کاشف الغطاء ـ نجف اشرف، شمارهٔ مخطوط ۶۷۰

«گ»

گنجینهٔ لغات:

تألیف: دانشمند محترم آقای نصرالله آژنگ، انتشارات گنجینه ـ تهران

«م»

مجموعة الأدعیة (مخطوط):

تألیف: بعض الأصحاب، از مخطوطات مؤسّسهٔ کاشف الغطاء ـ نجف اشرف، شمارهٔ مخطوط ۱۸۷۲

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تألیف: محدّث بزرگوار سیّد هبة‌الله موسوی، وزارت ارشاد ـ تهران

المحاسن:

تألیف: محدثّ جلیل القدر احمد بن محمّد بن خالد برقی ﷺ، از منشورات مکتبة الحیدریّة ـ نجف اشرف

المزار:

تألیف: عالم جلیل‌القدر مرحوم شیخ مفید، مؤسّسهٔ الإمام المهدي عليه السلام ـ قم

المزار الکبیر:

تألیف: عالم بزرگوار ابو عبدالله محمّد بن جعفر مشهدی، نشر قیّوم ـ قم

مزار:

تألیف: عالم جلیل القدر آقا جمال خوانساری، ناشر: دبیرخانهٔ کنگرهٔ آقا حسین خوانساری ـ قم

مستدرك الوسائل:

تألیف: مرحوم محدّث نوری، تحقیق: مؤسّسهٔ آل البیت عليهم السلام ـ قم

مسند الرضا عليه السلام:

تألیف: داود بن سلیمان الغازی از اعلام قرن سوّم، تحقیق: آقای سیّد محمّدجواد حسینی جلالی، انتشارات دفتر تبلیغات ـ قم

المصباح:

تألیف: عالم جلیل‌القدر ابراهیم عاملی کفعمی ﷺ، منشورات مؤسّسهٔ أعلمی ـ بیروت

مصباح الزائر:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس ﷺ، مؤسّسهٔ آل البیت عليهم السلام ـ قم

مصباح المتهجّد:

تألیف: شیخ الطائفه ابوجعفر محمّد طوسی ﷺ، مؤسّسهٔ فقه الشیعه ـ بیروت

المعجم الذهبی:

تألیف: دکتر محمّد تونجی، توزیع دار الروضة ـ بیروت

مفاتیح الجنان:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، کتابفروشی محمّد حسن علمی ـ تهران

مفتاح الفلاح:

تألیف: عالم بزرگوار بهاء الدین عاملی، مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

مقباس المصابیح:

تألیف: مرحوم علّامهٔ مجلسی، چاپ سنگی

مکارم الأخلاق:

تألیف: محدّث نامی شیخ حسن بن فضل طبرسی، منشورات مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

منتهی الآمال:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، انتشارات هاتف ـ مشهد مقدّس

مهج الدعوات:

تألیف: عالم جلیل‌القدر سیّد بن طاووس رحمه‌الله، دار الکتب اسلامیّه ـ تهران

«ن»

ناسخ التواریخ:

دانشمند شهیر مرحوم عبّاس‌قلی‌خان سپهر، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه ـ تهران

نزهة الزاهد:

تألیف: یکی از اعلام قرن ششم، اهل قلم ـ تهران

«و»

وسائل الشیعة:

تألیف: محدّث بزرگوار شیخ حرّ عاملی رحمه‌الله، از منشورات دار احیاء التراث الإسلامی ـ بیروت

«ه»

هدیّة الزائرین وبهجة الناظرین:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، انتشارات دهقان ـ تهران